کارنامه و خاطرات
هاشمی رفسنجانی
سال ۱۳۶۹

اعتدال و پیروزی

به اهتمام:
عماد هاشمی بهرمانی

دفتر
نشر معارف انقلاب

هاشمی رفسنجانی
سال ۱۳۶۹

اعتدال و پیروزی

به اهتمام :
عماد هاشمی بهرمانی

دفتر
نشر معارف انقلاب
۱۳۹۲

سرشناسه	:	هاشمی رفسنجانی، اکبر، ۱۳۱۳-
عنوان و نام پدیدآور	:	هاشمی رفسنجانی؛ کارنامه و خاطرات ۱۳۶۹- اعتدال و پیروزی/ به اهتمام عماد هاشمی.
مشخصات نشر	:	تهران: دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری	:	۸۰۰ص.: مصور، جدول.
شابک	:	۹۷۸-۹۶۴-۷۱۹۳-۳۳-۷ :۲۵۰۰۰۰ریال
وضعیت فهرست نویسی	:	فیپا
یادداشت	:	نمایه .
موضوع	:	هاشمی رفسنجانی، اکبر، ۱۳۱۳ - -- خاطرات
موضوع	:	هاشمی رفسنجانی، اکبر، ۱۳۱۳ - -- یادداشت‌ها، طرح‌ها و غیره
موضوع	:	ایران -- تاریخ -- جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸-
شناسه افزوده	:	هاشمی بهرمانی، عماد، ۱۳۶۳ -، گردآورنده
شناسه افزوده	:	باستانی، قادر، ۱۳۵۰ -، ویراستار
شناسه افزوده	:	دفتر نشر معارف انقلاب
رده بندی کنگره	:	DSR۱۶۷۰ /۲آ۳ه ۱۳۹۲
رده بندی دیویی	:	۹۵۵/۰۸۴۲۹۲
شماره کتابشناسی ملی	:	۳۱۰۲۹۶۳

شمی رفسنجانی
تدال و پیـــروزی
رنامه وخاطرات سال ۱۳۶۹
اهتمام: **عماد هاشمی**
راستار: قادر باستانی

رح و پردازش: دفتر نشر معارف انقلاب
راحی جلد و صفحات: کارگاه گرافیک سپهر
اپ و صحافی :کوثر

راژ : ۳۳۰۰ نسخه
اپ اول : ۱۳۹۲
مت: ۲۵۰۰۰۰ ریال

دفتر
معارف انقلاب

ران - صندوق پستی ۴۶۴۸ - ۱۹۳۹۵
ن: ۲۲۳۶۹۹۷۰ فاکس : ۲۲۱۳۳۳۷۸

سرشناسه	:	هاشمی رفسنجانی، اکبر، ۱۳۱۳-
عنوان و نام پدیدآور	:	هاشمی رفسنجانی؛ کارنامه و خاطرات ۱۳۶۹- اعتدال و پیروزی/ به اهتمام عماد هاشمی.
مشخصات نشر	:	تهران: دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری	:	۸۰۰ص.: مصور، جدول.
شابک	:	۹۷۸-۹۶۴-۷۱۹۳-۳۳-۷: ۲۵۰۰۰۰ریال
وضعیت فهرست نویسی	:	فیپا
یادداشت	:	نمایه.
موضوع	:	هاشمی رفسنجانی، اکبر، ۱۳۱۳ - -- خاطرات
موضوع	:	هاشمی رفسنجانی، اکبر، ۱۳۱۳ - -- یادداشت‌ها، طرح‌ها و غیره
موضوع	:	ایران -- تاریخ -- جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸-
شناسه افزوده	:	هاشمی بهرمانی، عماد، ۱۳۶۳ -، گردآورنده
شناسه افزوده	:	باستانی، قادر، ۱۳۵۰ -، ویراستار
شناسه افزوده	:	دفتر نشر معارف انقلاب
رده بندی کنگره	:	DSR۱۶۷۰ /۸۲آ۳ ۱۳۹۲
رده بندی دیویی	:	۹۵۵/۰۸۴۲۹۲
شماره کتابشناسی ملی	:	۳۱۰۲۹۶۳

هاشمی رفسنجانی
اعتدال و پیــروزی
کارنامه وخاطرات سال ۱۳۶۹
به اهتمام: **عماد** هاشمی
ویراستار: قادر باستانی

طرح و پردازش: دفتر نشر معارف انقلاب
طراحی جلد و صفحات: کارگاه گرافیک سپهر
چاپ و صحافی :کوثر

تیراژ : ۳۳۰۰ نسخه
چاپ اول : ۱۳۹۲
قیمت: ۲۵۰۰۰۰ ریال

دفتر
نشر معارف انقلاب

تهران - صندوق پستی ۴۶۴۸ - ۱۹۳۹۵
تلفن: ۲۲۳۶۹۹۷۰ فاکس : ۲۲۱۳۳۳۷۸



فهرست مطالب

حرف اول

بسم‌الله الرحمن الرحیم

اعتدال

آن روزها، در آخرین زندان رفتن هایم در اوین که سه سالی طول کشید و سه ماه قبل از پیروزی انقلاب آزاد شدم، مشغول تهیه کتاب تفسیر راهنما و فرهنگ قرآن بودم. خوشبختانه این مجموعه، اینک در ۵۳ جلد در دسترس قرآن پژوهان است. در سایه راهنمایی قرآن، به این نتیجه رسیدم که بعد از عقاید صحیح، محور رفتار درست انسان‌ها، «اعتدال» است؛ همهٔ ادیان آسمانی نیز جامعه را معتدل و دور از افراط و تفریط خواسته‌اند. ده‌ها آیهٔ قرآن، شاهد این ادعاست[1].

۱- وَ لا تَجعَل یَدَکَ مَغلولَةً اِلی عُنُقِکَ وَ لا تَبسُطها کُلَّ البَسطِ فَتَقعُدَ مَلُوماً مَحسوراً (سوره اسرا، آیه ۲۹)
وَ الذّینَ اِذا اَنفقُوا لَم یُسرِفُوا وَ لَم یَقتُرُوا وَ کَانَ بَینَ ذَلِکَ قَواماً (سوره فرقان، آیه ۶۷)
وَ کَذلِکَ جَعَلناکُم اُمَّةً وَسَطاً لِتَکونُوا شُهَداءَ عَلَی النَّاسِ وَ یَکُونَ الرّسُولُ عَلَیکُم شَهیداً (سوره بقره، آیه ۱۴۳)

از همان سال‌های جوانی که با قرآن انس پیدا کردم، متوجه این مهم شده بودم؛ اما در دوران زندان، با دقتِ بیشتر و همه جانبه در قرآن، این برداشت در مغزم و وجودم ثبت شد. در صفحه ۴۶ جلد چهارم مجموعه فرهنگ قرآن در بحث اعتدال آمده است: «اعتدال، حالتی بین دو طرف از لحاظ کمّ و کیف است و به معنای تناسب، استقامت، قوام پیدا کردن و موزون بودن نیز آمده است. در این مدخل، از واژه‌های «بَین ذَلک»، «حنیف»، «سوّی»، «عفو»، «قصد»، «وسط»، «وزن» و مشتقات آنها استفاده شده است.» عناوین و آیات مربوط به اعتدال، در شش صفحه ذکر شده است.

با مطالعه این صفحات، می‌بینید که قرآن خواستار اعتدال در همه شئون زندگی، آفرینش، انسان، عقاید، احکام، معاشرت، تبلیغ، مصرف، انفاق، سیاست و قضاوت است. اسلام همهٔ ابعاد و ارکان جامعه را معتدل می‌خواهد. انبیاء را معلم اعتدال و آنها را انسان‌هایی معتدل معرفی می‌کند.

توفیقات نظام اجرایی کشور از جمله در سال ۱۳۶۹ که خاطرات و کارنامه آن سال اکنون پیش روی شماست، قطعاً ریشه در اعتدال دارد؛ اگر ضعف و یا شکستی هم دیده می‌شود، معلول خروج از اعتدال و بیرون رفتن از محورِ «خَیرالأمور اوسطها» است. پیروزی در جنگ تحمیلی و امکان سازندگی که سرفصل این خاطرات است و نصرت الهی برای امت و ملت عزیزمان و شکست و مذلت متجاوزان هشت سال دفاع مقدس را با این محور تعریف می‌کنم و امیدوارم الگوی قابل توجهی برای جامعه و مدیران کشور باشد. این مقدمه را برای شرح نام کتاب - اعتدال و پیروزی - آوردم.

* * *

سال ۱۳٦۹

سال ۱۳۶۹ با احساس جای خالی امام آغاز شد. پس از پیروزی انقلاب، اولین تحویل‌سال، بدون پیام نوروزی امام را تجربه کردیم؛ حزن انگیز بود. خودمان را با یاد و استماع پیام گذشته امام دلخوش می‌کردیم. هنگام تحویل سال، از خداوند تقاضا کردم که توفیق اجرای سیاست‌های امام را در این سال به ما عطا فرماید.

خوشبختانه در سال گذشته، براساس محتوای فرمان امام بـرای بازسـازی و سـازندگی، برنامه پنجساله اول را از تصویب مجلس گذرانـده بـودیم و در چارچوب برنامـه پنجساله، بودجه سال ۱۳۶۹ را هم با همکاری بین دولت و مجلس، در دست داشتیم.

آرزوهای زیادی برای عمران و آبادی ایران در سر و دل داشتم. امیـدواری‌ام بـه امکـان تحقق اهداف برنامه اول در انقلاب اسـلامی، همـراه بـا عـدالت اجتمـاعی و بـه بـار نشستن فرهنگ اسلامی و انقلابی، نشاطم را مضاعف می‌کرد. وعدهٔ نصرت الهـی را بـرای ملـت و کشوری که رنج‌های فراوانی در دوران مبارزه، شورش‌هـا، نـاامنی‌هـا و سـپس هـشت سـال جنگ، جهاد و شهادت در راه خدا تحمل کرده بود، در افق می‌دیدم.

می‌دانستم خرابی‌های جنگ بسیار زیاد است؛ عقب ماندگی‌ها، فاصله ایـران بـا اهـداف بلندمان را زیاد کرده است. آسیب دیـدگان از جنـگ، رنـج زیـادی دیـده‌انـد و انتظـارات به‌حق‌شان، بار سنگینی بر دوش‌مان گذاشته و نیز فهرسـت بلنـد بـالایی از منـاطق محـروم و روستاهایی در دست داشتم که تاکنون رنگ رفاه و توسعه و امکان تـامین نیازهـای اولیـه را تجربه نکرده‌اند، ولی وعده‌های زیادی شنیده‌اند. مردم ایـن منـاطق، حـق داشـتند از نعمـت آب، برق، راه، شغل، مدرسه، گاز و بهداشت‌ودرمان برخوردار باشند. نمونه‌هـایی ملمـوس در سال‌های دهه اول انقلاب، در مناطقی داشتیم که علیرغم گرفتاری‌های جنگ، برخوردار شده بودند. خوشبختانه در برنامـه اول، بـرای همـه ایـن مـوارد، در دوره پنجساله احکـام و ارقامی ثبت شده است.

از سوی دیگر، هنوز برای صلح و آتش‌بس مستقر، بایـد از مـوانعی عبـور مـی‌کـردیم. صدامیان متجاوز، تلاش داشتند مانع رسیدن ایران به حقوق قانونی خود شوند.

سفر به مناطق محروم و جنگی

ضروری بـود بـرای مـشاهدهٔ اوضـاع منـاطق آسـیب دیـده از جنـگ و منـاطق محـروم، سفرهایی داشته باشیم که هم با مردم آن مناطق مذاکره شود و هم با دیدن وضع میـدانی، بـا اطلاعاتی بیشتر، برنامه‌ها را سریع‌تر پیگیری و عملیاتی کنیم. در سال گذشته هـم سـفرهایی به مناطق جنگی انجام داده بودم.

روزهای اول بهار سال ۱۳۶۹، سفری طولانی به مناطق محروم هرمزگان، بلوچستان و جنوب کرمان برنامه‌ریزی شد که خاطرات آن خواندنی است. در هفته‌ها و ماه‌های بعد نیز سفرهایی به استان‌های جنگزده با هدف بازدید از پروژه های اولویت دار برنامه برای بازسازی داشتم. صدها هزار خانوادهٔ آواره، چشم به راه بازگشت به موطن مألوف خود بودند. مشاهدات این سفرها که معمولاً در رسانه‌های آن زمان انعکاس داشت، در این کتاب، تصویر کوچکی از اوضاع آن مناطق و تلاش‌های نظام برای حل مشکلات را به نمایش می‌گذارد.

خاطرات سفر به استان های خوزستان، ایلام و کرمانشاه که در خط مقدم جبهه قرار داشتند و در مدت اشغال صدامیان، ضربه‌های کاری متحمل شده بودند، مطالب فراوانی را برای آشنایی نسل جدید مطرح می‌کند.

سفر مقامات خارجی به ایران

با پذیرش قطعنامه، روشن شدن مظلومیت ایران، متجاوز بودن بعث عراق در جنگ و حاکم شدن اعتدال بر سیاست‌ها و رفتار نظام، صفحه جدیدی در روابط خارجی باز شد و رفت و آمد مقامات کشورهای خارجی و تبادل تلفن‌ها و پیام‌ها سرعت گرفت.

شروع تجاوز جدید صدام، با اشغال کویت و آواره شدن مسئولان و بخشی از مردم کویت و نقش مهم ایران در پذیرش آوارگان و اتخاذ مواضع عادلانه و عقلایی و سپس اقدام غربی‌ها در جهت اخراج عراق از کویت و به دنبال آن حمله به عراق و حضور کم‌سابقه نیروهای نظامی خارجی در منطقه و با جلوه‌گر شدن ایران به عنوان سنگر امنیت و عامل اساسی ثبات منطقه‌ای، برای جلوگیری از بحران و التهاب بیشتر، نگاه جهانیان و مراکز تصمیم‌گیر جهانی را بیش از بیش، متوجه ایران کرد.

در این کتاب به ترتیب زمانیِ پیش‌آمدها و رویدادها، شاهد دیپلماسی فعال و منطقی و عدالت‌خواهانه ایران خواهید بود و درمی‌یابید که چگونه کشورهای منطقه، شرق و غرب برای کمک به حل مشکلات و نیز پوزش از بدرفتاری‌های گذشته، متوسل به ایران شده‌اند.

زلزله و سیل

در حالی که تلاش‌ها و امکانات متوجه بازسازی و سازندگی بود، ناگهان در شب

۳۱خرداد سال ۱۳۶۹، زلزله هولناک و کم سابقه‌ای، سه منطقهٔ مهم گیلان، قزوین و زنجان را به شدت تکان داد. مردم تهران هم از لرزش و صدای مهیب آن بی نصیب نبودند. گزارش‌های اولیه، خبر از انهدام وسیع شهرها و روستاها و زیر بناها و فراوانی کشته‌ها و مجروهان و مصدومان می‌داد.

با توجه به آیات قرآن و به خصوص آیه شریفهٔ«وَ لَنَبْلُوَنَّكُم بِشَيءٍ مِنَ الخَوفِ والجُوعِ و نَقصٍ مِنَ الأَموَالِ وَ الانفُسِ وَ الثَّمَراتِ وَ بَشِّرِ الصَّابِرينَ »، آن را امتحان دیگری به دنبال شورش‌ها و جنگ هشت ساله تشخیص دادم و وظیفهٔ صبر و تلاش را راهکار نجات و نصرت الهی دیدیم.

جالب اینکه بسیاری از کشورها، در اقدامی قابل ستایش، کمک‌های قابل توجهی ارسال کردند که نشان از توجه جهان به انقلاب اسلامی ایران داشت. ده روز پس از حدوث زلزله، شهید [منصور]ستاری، فرمانده نهاجا[= نیروی هوایی ارتش]، گزارشی از کمک‌های رسیده - فقط توسط هواپیما- داد: ۲۲۳ هواپیمای حامل کمک‌های کشورهای دیگر رسیده و بار آنها تخلیه شده بود. عربستان سعودی با ۴۳ پرواز، بیشترین کمک را ارسال کرده بود.

سفرهای متعددی به مناطق زلزله‌زده داشتم و گزارش‌های پیشرفت کار را مرتب دریافت می کردم. علاوه بر کمک‌های فوری برای تأمین نیازهای ضروری مردم، بازسازی در دو فاز کوتاه مدت و دایمی طراحی شد که با زمان‌بندی مشخص شده، به مرحله اجرا رسید.

در حالی که گرفتار بازسازی و ساماندهی مناطق جنگزده و ویرانی‌های زلزله بزرگ بودیم، در ۱۳ بهمن ماه، سیل کم سابقه‌ای منطقه سیستان را در نوردید و زابل را در معرض خطر قرار داد و بسیاری از روستاها را ویران و خالی از سکنه کرد و به کشاورزی ضربه بزرگی زد.

در سفری سریع به مناطق و مشاهده خرابی‌ها و خسارت‌ها از نزدیک و بررسی راهکارهای جبران، با جمعی از صاحب‌نظران محلی و ملی، مشاوره و راهکارهایی برای صیانت منطقه از خطر سیل، پیشنهاد و تصمیمات مناسبی اتخاذ شد؛ البته این تصمیمات،

به‌تدریج اجرایی شد، از جمله توسعهٔ چاه‌نیمه‌ها برای جذب سیلاب‌ها و ذخیره آب در آنها برای مصارف کشاورزی و صنایع در طول سال و سال‌های خشکسالی که آثار ماندگار آن، هنوز مورد بهره‌گیری است.

مذاکره ایران و عراق

عجله صدام در حمله به کویت، فرصتی دیگر برای ایران به وجود آورد. صدام که از حمله به ایران و جنگ هشت ساله چیزی جز تلفات و خرابی‌ها و بدهی‌های کلان مالی و تعهدهای سیاسی و نفرت جهانی به دست نیاورده بود و منابعی برای بازسازی و ادای دیون فراوان نداشت، چارهٔ خود را در اشغال کویت و تصاحب منابع عظیم نفتی و نقدی آن و عینیت بخشیدن به ادعای تاریخی مالکیت کویت می‌دید؛ اما نگران استفاده ایران از آن فرصت و اقدام ایران در جهت انتقام از ظلم‌های بعثی‌ها بود. به همین خاطر، به فکر افتاد که هر چه زودتر اختلافات خود با ایران را حل کند و در حمله به کویت، خیالش از پشت سر خود راحت باشد. بنابراین برای انجام مذاکرات با ایران نیز عجله داشت.

از طرفی، عراق می‌دانست که اجرای قطعنامه ۵۹۸ هم، مشکلات دیگری، از جمله پرداخت خسارات جنگ، بر او تحمیل خواهد کرد. مذاکره ایران و عراق پس از پذیرش آتش‌بس، از تابستان ۱۳۶۷ آغاز شده بود، ولی با سرسختی و یکدندگی صدام مواجه بود و پیشرفتی نداشت.

ناگهان تغییر غیر قابل پیش بینی در رفتار صدامیان ظهور کرد. اولین ظهور این رفتار، در بهار سال ۱۳۶۹ با نامه صدام خطاب به رهبری و من، برای حل مشکلات فیمابین بود. نامه‌رسان او «آقای ابوخالد» از پیران فلسطین بود که نامه‌ای هم از عرفات، برای تأکید بر ضرورت انجام مذاکرات به‌همراه داشت. مأموران وزارت اطلاعات، او را در فرودگاه نگه‌داشته بودند تا کسب تکلیف کنند؛ دستور داده شد مانع ورود ایشان نشوند.

این نامه سرمنشأ مبادله دوازده نامهٔ مهم و تاریخی بین من و صدام شد که برخی نامه‌ها در همان زمان در رسانه‌ها انتشار یافت. مجموعه نامه‌ها توسط وزارت امورخارجه، به

صورت کتابی مستقل منتشر شد. اخیراً هم چاپ جدیدی از آن کتاب توسط دفتر نشر معارف انقلاب به چاپ رسیده است.[۱]

نتایج تحول در رفتار صدامیان در ارتباط با ایران

حکام عراق که تاکنون با مذاکرات بی‌اثر در اجرای قطعنامه، سر مذاکره کنندگان ایرانی را گرم می‌کردند، اکنون احساس نیاز به جلب رضایت ایران، به شدت بر آنها عارض شده بود و دیگر از آن چانه‌زنی و بهانه‌تراشی‌ها خبری نبود؛ آنها با اصرار و التماس و خضوع و از موضع پایین برخورد داشتند. درخواست‌های مکرر برای اعزام مقامات برای مذاکره و تشریح نحوهٔ آزاد کردن اسرا و جلب موافقت ایران برای فرستادن هواپیماهای خود به ایران برای جلوگیری از انهدام در حملات غربی‌ها و اجازهٔ عبور از راه ایران برای دسترسی به کشورهای مورد نظر و درخواست دارو و غذا و اقلام دیگر، در این سال بسیار خواندنی است و این مطالب را شما در صفحات مربوط به آن قطعه تاریخ می‌خوانید.

اشغال کویت و پیامدهای آن

در نیمه شب ۱۱ مرداد ۱۳۶۹، صدام با اشتباهی دیگر به کویت لشکر کشید. ارتش عراق پس از چند ساعت درگیری محدود، به کاخ امیر کویت رسید. خوشبختی خاندان حاکم بر کویت این بود که لحظاتی قبل از رسیدن ارتش بعث، آنها به سوی عربستان رفتند و از خطر اسارت و آثار شوم آن نجات یافتند.

صدام فکر می‌کرد به منابع عظیم ثروت کویت دست یافته است که می‌توانست جواب بدهی‌های سنگین عراق را بدهد و آن را به عنوان سرمایه‌ای در جبران خرابی‌های جنگ به کار برد. او امید به پیشرفت به سوی شرق عربستان و قطر نیز داشت تا ذخایر عظیم نفت و گاز را تصاحب نماید و درآینده، بزرگترین منابع انرژی فسیلی جهان را در اختیار داشته باشد و با این اهرم از دیگران باج بگیرد. فکر سلطه بر سواحل جنوب خلیج‌فارس نیز، که اهمیت استراتژیک آن در جریان جنگ با ایران آفتابی شد، از خیالات خام دیگر او بود.

۱- کتاب «دوازده نامه»، شامل مجموعه نامه‌های متقابل رؤسای جمهوری اسلامی ایران و جمهوری عراق، در سال ۱۳۸۶ توسط دفتر نشر معارف انقلاب به چاپ رسیده است.

این اقدام خام صدام، بهانه‌ای به کشورهای سلطه‌گر غرب داد که حضور وسیع خود در این منطقه حیاتی را توجیه کنند و برای همیشه، خیال خود را از جریان نفت، از آن ذخایر کم‌نظیر راحت نمایند و خلاء حضورشان را بعد از رفتن نیروهای بریتانیا از منطقه پر کنند و مانع ماجراجویی‌های بعث عفلقی عراق شوند.

اخطارها و تهدیدها و هشدارهای غرب، نتوانست صدام را سر عقل بیاورد و حاضر به عقب‌نشینی از کویت کند و بلکه رسماً کویت را به عنوان استانی از عراق اعلان نمود و فردی را به عنوان حاکم آن منصوب کرد.

سرانجام شورای امنیت[سازمان ملل] در تاریخ ۸ آذر ۱۳۶۹، توسل به زور برای راندن ارتش عراق از کویت را تصویب کرد که در نقش دو چشم بینا برای کور و سرودی برای مست‌ها، در اختیار غرب و به خصوص آمریکا قرار گرفت.

[آقای سیدکمال خرازی]، سفیر ایران در سازمان ملل در ساعت ۶ صبح روز ۵ اسفند ۱۳۶۹، با تلفن به من اطلاع داد که هم اکنون رسانه‌های آمریکا اعلان کردند، ارتش کشورهای متفق، جنگ علیه ارتش عراق برای راندن ارتش بعثی از کویت را آغاز کردند.

سیاست ایران در برابر این حوادث، در شورای عالی امنیت ملی بررسی و پیشنهاد شد و به تصویب رهبری رسید. براساس این سیاست، ایران در جنگ، موضع بی طرفی گرفت. با حضور نیروهای خارجی در منطقه، اعلان مخالفت کرد و خروج عراق از کویت را خواستار شد. بعضی از نیروهای افراطی، طرفدار دخالت در جنگ با حمایت از عراق بودند، ولی مورد قبول قرار نگرفت.

چند بار گروه‌هایی از شخصیت‌های سیاسی و انقلابی جهان اسلام به ایران آمدند. آنها از ایران می‌خواستند که از دولت عراق حمایت کند؛ از جمله آقای راشد الغنوشی[رهبر نهضت اسلامی تونس]، همراه جمعی از چهره‌های انقلابی عرب آمده بود.

در یکی از نامه‌های ردو بدل شده، صدام با ادعای داشتن ۸۰ کیلومتر مرز آبی با ایران، بدون توجه و شاید هم با توجه، پرده از روی طمع او به مراکز نفتی کشورهای جنوب خلیج‌فارس برداشته بود. من در نامه بعدی خود، این ادعای او را برجسته کرده بودم تا همسایه‌های جنوبی ما متوجه باشند که چه اشتباه بزرگی در کمک‌های بی دریغ به صدام در جریان جنگ هشت ساله مرتکب شده‌اند.

در این نامه، نکات قابل توجهی از ادعاها و خواسته‌های صدام و شیوه‌های قطره‌چکـانی برای توجه به حقوق ایران وجود دارد. عجله او برای اقدام علیه کویت در آخـرین نامـه‌اش آشکارتر شد و او با تنزلی فاحش نوشت: «برادر علی‌اکبرهاشمی‌رفسنجانی، رییس‌جمهـور؛ با این تصمیمِ ما، دیگر همه چیز روشن شده و بدین ترتیب همهٔ آنچه را که مـی‌خواسـتید و بر آن تکیه می‌کردید، تحقق می‌یابد و دیگر اقدامی جز مبادلهٔ اسناد باقی نمی‌ماند...»[۱]

عراق، بخشی از نامه‌ها را در وسایل ارتباط جمعی خود منتشر می‌کرد. آزادگان مـا کـه به ایران بازگشتند، گفتند نامه‌ها را که در فضای اردوگاه‌شان شنیده می‌شد، به دقت پیگیری می‌کرده‌اند و با شنیدن آن نامه آخری، مطمئن شدند که آزادی‌شان نزدیک اسـت و همـین طور هم شد. جالب اینکه رسانه های عراق، برای خواندن ایـن نامـه، از صـبح زود تبلیغـات برای اعلان نامه را تکرار می‌کردند و خبر از تصمیم مهمی می دادند.

در نهایت، اخراج سریع ارتش عراق از کویت، منجر بـه تهدیـد صـدام بـه سـرنگونی و مطالبات فراوان غربی‌ها از عراق شد؛ از جمله پس‌گرفتن بسیاری از ابزارهای پیشرفته‌ای که در زمان جنگ، برای نجات صدام در مقابل پیشرفت‌های نیروهای ایران، به او داده بودند.

ارتش عراق پیش از عقب نشینی، در اقدامی وحشیانه، چاه‌های نفت کویت را بـه آتـش کشید که در جای خود، حرکتی ضد بـشری و خیانـت بـه مـردم منطقـه و محیط زیسـت و آلوده ساختن آب‌های خلیج فارس و اراضی کشورهای مجاور بود؛ البته این اقدام شرورانه، آلودگی‌های ماندگاری نیز ایجاد کرد، از جمله برای ایران که مجبور شـدیم بـرای اصـلاح سطح اراضی حاصلخیز خوزستان، هزینه‌های سنگینی را بپردازیم.

در سایه سیاست درست و واقع بینانه در جریان تجاوز عراق بـه کویـت و حملـه نظـامی آمریکا علیه عراق و استفاده از آن شرایط بحرانی، توانستیم ایران را به عنوان وزنه تعادل در منطقه معرفی نماییم که مورد تحسین بـسیاری از کـشورها بـود؛ حتـی آقـای گوربـاچف بـا ارتباط تلفنی و اعزام پیام با پیک ویژه، مشکلات احتمـالی و خطـر ماندگارشـدن آمریکـا و ناتو در منطقه را با ایران در میان گذاشت و برای جلوگیری از آن خطر کمک خواست.

---

۱ - رجوع کنید← کتاب «دوازده نامه»، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۸۶ .

آزادی آزادگان

همواره یکی از غصه‌ها و اندوه درونی‌ام، وضع اسرای‌مان در عراق بود. خبرهای دلهره‌آوری از رفتار خشن جلادان بعثی با اسرا می‌رسید. بعد از پذیرش قطعنامه و ختم جنگ، این ناراحتی زیادتر هم شد. مطمئناً با ختم جنگ، رنج آزادگان دربند و خانواده‌های ایشان، به دلیل حالت انتظار برای آزادی و الحاق به خانواده‌ها و همسنگران، به‌شدت اضافه شده بود؛

وعده وصل چون شود نزدیک   آتش عشق تیزتر گردد

در این میان، یکدندگی رژیم بعث عراق، برای شانه‌خالی کردن از تعهدات و احکام شورای امنیت هم نگرانی‌ها را بیشتر می‌کرد، ولی عجله صدام برای مسأله کویت، با هدف خاطر جمع شدن از انتقام ایران، امیدها را برای آزادی اسرای دو کشور بالا برده بود.

سرانجام زمان پایان رنج‌ها فرارسید و در تاریخ ۲۶ مرداد ۱۳۶۹، اولین گروه از آزادگان وارد کشور شدند. شادی و استقبال وسیع مردم از عزیزان و سرمایه‌های انسانی نظام، مثال‌زدنی بود؛ به خصوص منظرهٔ استقبال خیابانی در تهران، ازدحام مردم تهران بین فرودگاه مهرآباد و مرقد امام که اولین هدف آزادگان هجرت کشیده بود، کار انتقال آنها را مشکل کرد. آنها ناچار به تغییر مسیر شدند که این هم مایهٔ رنجش دل‌های عاشقان و چشمان منتظر شد، ولی این تدبیر را عقلانی می‌دانستند.

شادی اینجانب به عنوان فرمانده جنگ، از شادی خانواده‌های فراق کشیده کمتر نبود. آن حالت در اظهاراتی که به مناسبت برگشت ظفرمندانه آزادگان و مراسم مکرر ملاقات با آنها داشتم، در خاطراتم ملموس است.

سازندگی

در سال گذشته، سیاست‌های کلی بازسازی و سازندگی از سوی امام مشخص شده بود و لایحه برنامه پنجساله کشور هم در مجلس شورای اسلامی مصوب و بودجه سال ۱۳۶۹ نیز از تصویب مجلس گذشته بود. با اجرای بودجه سال ۱۳۶۸ گام‌های موثری در سازندگی و بازسازی برداشته بودیم و همه چیز برای اجرای بودجه در چارچوب برنامه پنجساله اول آماده بود.

در بودجه سال ۱۳۶۹، هزینه‌های عمرانی رشد چشمگیری داشت - حدود ۶۰ درصد- که بشارتی برای توسعه سازندگی بود و افق امیدوارکننده‌ای را نشان می‌داد. بودجه جاری فقط ۱۵/۶درصد رشد را نشان می‌داد.

بخشی از طرح‌های مهم سازندگی و منابع ارزی و ریالی تجهیزات، به این ترتیب بود:

۱- بازسازی و توسعه صنایع نفت و گاز و پتروشیمی و پالایشگاه‌ها.

۲ - تلاش برای محرومیت‌زدایی از روستاها و مناطق محروم کشور.

۳ - افزایش و فعال کردن برنامه‌های تولید فولاد، مس، روی و آلومینیوم.

۴ - افزایش تولید و توسعه واحدهای تولید سیمان.

۵- توجه ویژه به مهار آب‌ها با احداث سدها و آبخیزداری و آبخوان‌داری.

۶ - تقویت معدن اورانیوم ساغند و صنایع پشتیبانی هسته‌ای اصفهان.

۷ - توسعه راه‌ها و خطوط راه‌آهن و حمل و نقل هوایی، با آزاد کردن استفاده از هواپیمای حمل و نقل نهاجا[=نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی] و فرودگاه‌ها.

۸ - توجه به مسکن و تولید انبوه و توسعه صنایع مربوط به ساخت و ساز.

۹- نوسازی شهرها و روستاها که در جریان دفاع مقدس فرسوده شده بودند.

۱۰ - توسعه و تقویت صنایع نظامی و تعمیرونگهداری سلاح‌های آسیب‌دیده در جنگ.

۱۱ - توجه خاص به مخابرات و صنایع مربوطه.

۱۲ - توسعه مراکز آموزشی مدارس و دانشگاه‌ها و کتابخانه‌ها.

۱۳- توسعه اختیارات بانک‌ها و برطرف کردن محدودیت‌ها.

۱۴ - توسعه بنادر و کشتی سازی و صنایع دریایی.

۱۵ - تقویت سوادآموزی به صورت جهشی.

۱۶ - توسعه صنایع خودروسازی.

۱۷ - توجه به کالاهای خانگی پرمصرف و همچنین تجهیزات پزشکی و داروسازی.

۱۸ - بازسازی و توسعه صنایع نساجی.

۱۹ - تقویت تولید شکر، چغندر قند، نیشکر و کاغذ

۲۰ - آغاز نهضت ایجاد و توسعه صنایع بسته بندی.

اصلاحات ساختاری، اداری، فرهنگی، آموزشی و پژوهشی

متناسب با نیازها و شرایط دوران سازندگی، در اجرای برنامه پنجساله و بودجه سال ۱۳۶۹ در زمینه‌های زیر اصلاحاتی محقق شد:

۱ - تأسیس شورای عالی اداری با اختیارات و آیین نامه‌ها.

۲ - اصلاح نظام آموزشی و تقویت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی.

۳ - اقدامات اولیه برای تأسیس دفتر امور زنان در ریاست جمهوری، برای پیشبرد اصلاح امور زنان و کم کردن تبعیض‌ها.

۴ - تصویب انتقال مرکز سیاسی کشور از تهران که البته تاکنون اجرا نشده است.

۵ - تصویب خارج کردن نهادهای غیرلازم و انتقال صنایع مزاحم از تهران و ساماندهی آنها در مراکز صنعتی.

۶ - تصویب نظام هماهنگ پرداخت در شورای عالی اداری.

۷ - تکمیل قانون کار که پس از تصویب در مجلس شورای اسلامی و ایرادهای فراوان شورای نگهبان به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارجاع شده بود.

۸ - تأسیس و تقویت دفتر مناطق محروم در نهاد ریاست جمهوری برای ایجاد توازن جغرافیایی و تحقق عدالت اجتماعی.

۹ - پایه گذاری مجتمع‌های اداری با هدف قراردادن ادارات دولتی در کنار هم برای تسهیل ارتباطات نهادها و مردم، کاهش سفرهای شهری و در نتیجه آسان سازی ترافیک و حمل و نقل و صرفه‌جویی در وقت مردم.

۱۰ - حمایت جدی از ساخت مترو در تهران و بررسی لزوم ساخت قطار شهری در کلان شهرهای کشور.

۱۱ - اقدام برای کاستن از بوروکراسی اداری که هزینه بسیاری بر مردم و دولت تحمیل می‌کرد؛ نمونه‌های مشخص آن صدور گذرنامه در مدت کوتاه و صدور گواهینامه رانندگی در یک روز و انجام سریع خدمات بانکی و دیجیتالی کردن تلفن‌ها و ایجاد و توسعه تلفن همراه و سرعت در واگذاری انشعاب‌های آب و برق و تلفن و بسیاری موارد دیگر.

۱۱ - تهیه و تصویب منشور فرهنگی و تـصویب در شـورای عـالی انقـلاب فرهنگـی و مبارزه با مظاهر انحرافات.

بازرسی ویژه رییس جمهور

از ابتدای دوره ریاست جمهوری در پاییز سال ۱۳۶۸، دفتر بازرسی ویژه رییس‌جمهـور، به صـورت آزمایـشی ایجـاد و فعـال شـد. بـا موفقیـت‌هـای قابـل توجـه در شش مـاه دورهٔ آزمایشی، در اوایل سال ۱۳۶۹ این تشکیلات رسماً به منظور کمک به نظارت و پیگیـری و اطمینان از حُسن جریان امور اجرایی کشور، با نام «دفتر بازرسی ویژه رییس‌جمهور» زیرنظر مستقیم رییس‌جمهور آغاز به کار کرد.

فعالیت های عمدهٔ این دفتر، با توجه به خسارت‌های وارده در اثر جنگ تحمیلی و لزوم بازسازی و سالم‌سازی فضای اقتصادی کـشور، در ارتبـاط بـا بـالا بـردن تولیـد محـصولات کارخانجات داخلی، اجرای به موقـع طـرح‌هـا و پـروژه‌هـای اولویـت‌دار عمرانـی کـشور و مبارزه با مفاسد دیوان‌سالاری بود.

توصیه کردم بازرسی ویـژه رییـس‌جمهـور، تـشکیلاتی عـریض و طویـل نـشود؛ لـذا از کارشناسان زبدهٔ موجود در دستگاه‌های دولتی، به صورت پـروژه‌ای اسـتفاده مـی‌شـد. ایـن دفتر مقرر بود دستورات کتبـی و شـفاهی رییـس‌جمهـور را بـه گونـه‌ای پیگیـری کنـد کـه رییس‌جمهور بتواند هر لحظه به واقعیت‌هـای اقتـصادی، اجتمـاعی کـشور، اشـراف فـوری، کامل و بدون واسطه داشته باشد، ضـمن اینکـه در رونـد روزمـرهٔ کارهـای اجـرای کـشور، خللی وارد نکند و بوروکراسی و مانع جدیدی ایجاد نشود.

دفتر بازرسی ویژه مجموعاً در طـول هـشت سـال ریاسـت جمهـوری، نزدیـک بـه ۵۰۰ بازرسی با دستور مستقیم رییس‌جمهور انجام داد و بیش از ۴۰۰ بازدید دقیـق کارشناسـی از دستگاه‌های اجرایی، کارخانجـات تولیـدی، طـرح‌هـا و پـروژه‌هـا و فعالیـت‌هـای فرهنگـی سازماندهی کرد.

بازرسی‌ها عمدتاً در زمینه مشکلات حمل و نقل و ترابری، طرح‌ها و پروژه‌ها، تولیـدات صنعتی، اختلافات دستگاه‌های اجرایی، تولیدات کشاورزی و دامی، حوادث طبیعی، مـسایل آموزشی، فساد و سوء استفاده مالی و بالاخره کمک و حمایت از اقشار مختلف بود.

فرزندم محسن، در طول هشت سال، مسئولیت این دفتر را برعهده داشت. در جای جای خاطرات، گزارش های مستقیم او به رییس جمهور در مورد مسایل مختلف را می‌خوانید.

همچنین در این سال، با آماده نمودن خاطرات مهم برای انتشار عام موافقت شد و فرزندانم برای این منظور، «دفتر نشر معارف انقلاب» را تأسیس کردند.

اصلاحات سیاسی

۱ - تلاش برای اجرای قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت[سازمان ملل]، دربارهٔ جنگ تحمیلی و مسئول شناختن عراق به عنوان آغازگر جنگ، با تدبیرهایی که بخشی از آنها را در این کتاب و همچنین خاطرات سال ۱۳۶۸ می‌خوانید و بخشی هم، هنوز زمان گفتن آنها فرانرسیده است. در این میان مهم‌تر از همه، نجات آزادگان از سیاه چاله‌ها و اردوگاه‌های عراق است.

۲ - رفع موانع توسعه همکاری با کشورهای همسایه و سایر کشورها، با سیاست تنش‌زدایی و پرهیز از دشمن تراشی.

۳ - تلاش برای جذب کشورهای تازه استقلال یافته آسیای میانه و قفقاز، پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی.

۴ - رفع تخاصم با کشورهای غربی و باز شدن راه همکاری برای جذب منابع و ابزار و فنآوری، جهت عمران و اجرای طرح‌های مهم برنامه و بودجه و آثار مثبت دیگر.

۵ - رفع کدورت با کشورهای همسایه و عربی و اسلامی که در جنگ دچار اختلاف و سردی روابط با آنها شده بودیم.

۶ - تعمیق روابط با کشورهایی که در دوران دفاع مقدس، از همکاری با ما دریغ نداشتند و یا به نحوی کمک می‌نمودند.

۷ - حضور نیرومند در کشورهای آفریقایی از طریق کمک‌های درمانی و امدادهای فنی، علمی و اقتصادی و همکاری‌های بین‌المللی توسط هلال‌احمر و جهاد سازندگی.

۸- تعادل در سیاست خارجی با رویکرد عدم دشمن تراشی و تعامل با دیگران و حضور موثر در قاره آفریقا و آسیای میانه و تأثیرگذاری در مجامع بین‌المللی و آغاز حرکت به سوی سازمان تجارت جهانی، با همکاری با دیگر کشورها. در سال ۱۳۶۹، برای اولین بار،

توانستیم قطعنامه‌ای علیه جنایات اسرائیل از شورای امنیت سازمان ملل بگیریم و مانع وتـوی آمریکا شویم و جنایات اسـرائیل در بیت‌المقـدس و مسجدالاقـصی را کـه ۲۱ کـشته و ۱۵ زخمی داشت، متوقف نماییم و در نهایت زمزمه آمریکا و اسرائیل را که برای اولـین بـار بـا ادعای نظامی بودن برنامه هسته‌ای، ایران را تحت فشار قرار می‌دادنـد، در آن زمـان، از سـر خود رد کنیم.

اقتصاد، تولید و توسعه

با توجه به سال‌ها جنگ و تحریم، وضع اقتصادی کـشور دچـار مـشکلات جـدی بـود. برای حل مـشکلات مهـم، راهکارهـایی در برنامـه پنجساله توسـعه و اولـین بودجـه دولـت سازندگی پیش‌بینی شده بود. دولت، موتـور حرکـت اقتـصاد را در رشـد تولیـد مـی‌دیـد و اقدامات فراوانی را در این بخش مهم متمرکز کـرد. در جریـان معرفـی وزرا بـه مجلـس در اواسط سال ۱۳۶۸، کابینه خود را «کابینه کار» معرفی کرده بودم و شعار محـوری دولـت را «توسعه و تولید» انتخاب کردم.

کمبود ارز در برنامه پنجساله را از طریـق فاینـانس‌هـا، در جهـت حمایـت از طـرح‌هـای بزرگ عمرانی و زیربنایی و کمبود ریالی را با استفاده از سیاست تعدیل اقتصادی، از جملـه تعدیل نرخ ارز هفت تومانی دولتی به ارز رقابتی شصت تومانی جبران کردیم.

البته ارز برای تهیه کالاهای حساس و ضروری را با همان قیمـت هـر دلار هفـت تومـان تأمین می‌کردیم. با آزاد کردن واردات کالاها، با ارز خودگردانِ واردکننـده‌هـا، میلیاردهـا دلار از خارج به صورت کالاهای مصرفی و واسطه و مواد خام جذب شد که هم بازار سیاه کالاها را از میان برداشت و هم باعث وفورکالا در بازار و ارزان شدن نسبی آنهـا شـد، لـذا عملاً تورم یک رقمی شد. جالب‌تر اینکـه بخـش زیـادی از درآمـد تفـاوت بـازار آزاد بـا قیمت‌های دولتی، در کشور ماند و صرف سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و ایجاد اشتغال و تقویت تولید و بالا رفتن شاخص‌های اقتصادی شد.

آقای دکتر [سیدمحمدحسین]عادلی، رییس بانک مرکزی، در اواسـط پـاییز، [۱۶ آبـان سال ۱۳۶۹]، گزارشی از رشد شاخص‌های اقتصادی داد که مورد تحسین دولت واقع شـد و با انتشار آن در رسانه ها، تشکرهای زیادی از سوی مردم دریافت کردیم.

مقایسه بخشی از شاخص‌های اقتصادی در سال ۱۳۶۷ تا ۱۳۶۹

موضوع	سال ۱۳۶۷	سال ۱۳۶۹
رشد تولید ناخالص به قیمت ثابت	منفی	+۱۲/۱
درآمد سرانه	۱۵۳	۱۷۲
رشد ارزش افزوده بخش کشاورزی	منفی	+۸/۱
رشد ارزش افزوده بخش صنعت و معدن	منفی	+۱۳/۶
رشد ارزش افزوده صنعت نفت	+۹/۷	+۲۹/۹
کسر بودجه	۵۰/۲	۶/۸
هزینه جاری	٪۸۰/۶	٪۷۰/۴
هزینه عمرانی	٪۱۹/۴	٪۲۹/۶
تورم	٪۲۸/۹	٪۹

سیاست‌های فرهنگی، آموزشی و پژوهشی

در بخش سیاست‌های فرهنگی، آموزشی و پژوهشی، اقدامات قابل توجهی انجام شد که اهم آن به این ترتیب است:

۱ – اجرای برنامه های توسعه فرهنگی.

۲ – توجه ویژه به موضوع تعلیم و تربیت.

۳ – توجه به توسعه تحقیقات بنیادی.

۴ – تاکید و اهتمام به ترویج احترام به قانون در جامعه.

۵ - توجه خاص به جوانان و طراحی برنامه هایی برای رفع مشکلات آنان.

۶ - تأکید بر حقوق زنان.

۷ – اهتمام به رشد و تعالی در بخش هنر و توجه به هنرمندان.

۸ – ترویج ورزش عمومی و حمایت از توسعه ورزش حرفه‌ای و قهرمانی.

۹ – توجه به میراث فرهنگی.

سیاست تعدیل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

سیاست تعدیل ابتکاری دولت، به سرعت مورد استقبال صاحب نظران اقتصادی و اجتماعی قرار گرفت. البته منتقدانی هم در میان افراطیون وجود داشت. در اِعمال این سیاست، چند هدف دنبال می‌شد:

۱ – به تعادل رساندن نرخ ارز که تفاوت ۲۵ برابری نرخ آزاد و دولتی، فساد زیادی در خریدهای خارجی و بازار سیاه به وجود آورده بود و اهتمام به حفظ حقوق بیت‌المال، مردم و تشویق صادرات و حل مشکل ناشی از تعزیرات حکومتی.

۲ – نجات از تمرکزگرایی شدید که عملاً دولت را در بسیاری از زمینه‌های غیرضرور، وارد تصدی‌گری کرده بود و فضای تلاش را برای بخش خصوصی به شدت تنگ نموده و نظام اقتصادی را تا حدود زیادی به اقتصاد مارکسیستی نزدیک کرده بود که آثار زیانبار آن، با عقب‌ماندگی کشورهای کمونیستی قابل لمس بود.

۳ – واگذاری بخشی از تصدی‌گری‌های دولت به مردم، برای رونق دهی قابل توجه به اقتصاد از طریق اجازه دادن به مردم، در ورود به عرصه‌هایی که عملاً در انحصار دولت قرار داشت.

۴ – تعدیل در نرخ فراورده‌های نفت و گاز که در وضعیت اسراف در مصرف و هدردادن مواد گران‌سنگ و حیاتی کشور قرار داشت

۵ – حذف کوپن‌های رایج در زمان جنگ که بیشتر نیاز کالاهای اساسی، از طریق کوپن توزیع می‌شد، با زمان‌بندی مناسب، همزمان با آغاز برنامه اشباع بازار از کالاو رقابتی شدن قیمت‌ها.

۶ – پرهیز از دامن زدن به اختلافات سیاسی و اهتمام به شرکت دادن سلیقه‌های مختلف در اداره کشور و همچنین جلوگیری از رنجاندن اقلیت‌های مذهبی و قومی در کشور.

۷ – تعادل در فضای خشک و افراطی کشور که به اسم دین و وظیفه انقلابی، رواج یافته بود و نشاط و بالندگی را ضعف می‌دانست.

* * *

در خاتمه از خوانندگان گرامی تقاضا می‌شود، با دقت در خاطرات فشرده سال ۱۳۶۹ و مراجعه به اسناد مفصل و مکتوب، تأثیر اعتدال ، همدلی و وحدت، سیاست تعدیل، اصلاح وضع بحرانی آن زمان را که بی شباهت به وضع فعلی کشور نبود، ارزیابی و نقد فرمایند.

اکبر هاشمی رفسنجانی

۱۳۹۲/۱/۱۱



آیت الله هاشمی رفسنجانی - ۱۳۶۹

یادداشت ناشر

بسم‌الله الرحمن الرحیم

خداوند کریم را شاکریم که به ما توفیق عطا فرمود تا کتاب دیگری از مجموعه کارنامه و خاطرات آیت‌الله هاشمی رفسنجانی را به پژوهشگران، مورخان و علاقمندان به تاریخ انقلاب شکوهمند اسلامی تقدیم نماییم. آنها که با روال کار انتشار این مجموعه آشنایی دارند، می‌دانند که هر سال یادداشت‌های روزانه یکی از سال‌های پرافتخار بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، تنظیم و چاپ می‌شود.

این یادداشت‌های شخصی از اول فروردین سال ۱۳۶۰ آغاز شده و به لطف خداوند متعال، نگارش آن تا به امروز ادامه دارد. کتاب «عبور از بحران» حاوی کارنامه و خاطرات سال ۱۳۶۰، شانزده سال پیش منتشر شد و تاکنون بیش از ده بار تجدید چاپ شده است. کتاب‌های «پس از بحران»، «آرامش و چالش»، «به سوی سرنوشت»، «امید و دلواپسی»، «اوج دفاع»، « دفاع و سیاست» و «پایان دفاع و آغاز سازندگی»، بعد از آن به ترتیب به چاپ رسید. استقبال گرم و صمیمی فرهیختگان جامعه از این یادداشت‌ها، ما را به ادامه راه مصمم‌تر ساخته و بحمدالله از آن سال، بی وقفه هر سال حداقل یک کتاب به زیور طبع آراسته شده است؛ ضمن اینکه در کنار هر کدام از این کتاب‌ها، مجموعه سخنرانی‌ها، خطبه‌های نمازجمعه، مصاحبه ها و پیام‌ها نیز به شکل مستقل تدوین و انتشار یافته است.

آخرین کتاب منتشر شده با عنوان «بازسازی و سازندگی»، سال گذشته در نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران رونمایی شد و در این مدت کوتاه، به چاپ سوم رسید. علاوه بر نقدها، مقالات و مطالب مندرج در نشریات، رسانه‌های جمعی و تارنماهای اینترنتی،

تماس‌های دلگرم کننده‌ای از تهران و شهرهای مختلف کشور و همچنین از طرف هموطنان ارجمند مقیم خارج از کشور دریافت می کنیم.

بخش بزرگی از بازخورد مخاطبان کتاب‌های خاطرات، به درخواست هم میهنان عزیز به ادامه انتشار خاطرات و اظهار لطف اختصاص دارد. گاهی نظرات ارزشمندی درباره محتوای یادداشت‌ها و یا اسناد انتشار یافته در کتاب و همچنین پیشنهادهای سازنده در خصوص غنی‌تر کردن کتاب و رفع کمبودها و نقایص ارائه می‌شود که بسیار قابل استفاده و مفید است. گاهی عکس، نامه و یا سندی به دست‌مان می‌رسد که از نظر تاریخی بسیار مهم و جالب است. چنین مواردی در چاپ‌های بعدی مورد استفاده واقع می‌شود. کوتاه سخن اینکه از این همه لطف و مرحمت مخاطبان ارجمند کتاب‌های دفتر نشر معارف انقلاب، صمیمانه سپاسگزاریم و امیدواریم این ارتباط دو سویه، همچنان پابرجا و مستدام باشد.

دفتر نشر معارف انقلاب به خود می‌بالد که توفیق آن را یافته است، سهمی اگر چه اندک در این حرکت ماندگار داشته باشد و صفحاتی بر تاریخ زرین انقلاب اسلامی بیفزاید. تشویق و ترغیب فرهیختگان و ملت شریف و فهیم ایران اسلامی و دلباختگان راه امام(ره)، ما را در ادامه مسیر، مصمم‌تر ساخته است تا تلاش خود را برای انتشار کتاب‌های تاریخ انقلاب اسلامی افزون‌تر کنیم.

در سال ۱۳۶۹ که سال با اهمیتی در تاریخ انقلاب اسلامی می‌باشد، آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در سِمت ریاست جمهوری ، برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی را برای بازسازی و سازندگی کشور، با قوت تمام پیش می‌برند. در این سال، منطقه حوادث مختلفی از جمله اشغال کویت توسط عراق و جنگ خلیج‌فارس را شاهد بود. در این میان سیاست خردمندانه و مبتنی بر اعتدالِ دولت سازندگی، نظام جمهوری اسلامی را از یک خطر بالقوه با سلامت عبور داد و آن تهدید به یک فرصت مناسب برای تشنج‌زدایی و ایجاد روابط توام با احترام متقابل با اکثریت قریب به اتفاق کشورهای جهان تبدیل شد. رفت‌وآمدهای متعدد هیأت‌های بلندپایه کشورهای مهم دنیا، تهران را به یک مرکز دیپلماتیک اثربخش و موثر در سال ۱۳۶۹ تبدیل کرده بود. اما در سیاست داخلی کشور، اختلافات جناحی که در سال‌های دفاع مقدس به جاهای باریک کشیده شده بود،

در فضای جدید سیاسی، به نوع دیگری ادامه یافت و در فرایند انتخابات مجلس خبرگان به اوج خود رسید. ساز مخالف مجلس برای دولت سازندگی، به استیضاح و برکناری یکی از اعضای کابینه منجر شد، ولی سیاست مداراجویانه دولت از تعمیق این اختلافات جلوگیری کرد. دقت در رویدادهای سال ۱۳۶۹، رمزگشای بسیاری از وقایع سال‌های بعد می‌باشد.

مطالبی که به قلم آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در آن روزها به صورت روزنوشت به رشتهٔ تحریر درآمده است، علاوه بر اهمیت روایی و سندی، نشان دهندهٔ تفکر، روحیه و عمل مسئولان کشور در آن سال‌ها می‌باشد و قطعاً این خاطرات در تدوین واقعیت‌های تاریخ انقلاب اسلامی، دستمایهٔ مفید و ارزشمندی برای پژوهشگران و مورخان خواهد بود.

دفتر نشر معارف انقلاب امیدوار است با حمایت بیشتر نهادهای فرهنگی از جمله سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ـ که اکنون همکاری و مساعدت‌های شایسته‌ای دارند ـ و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، توفیق عرضه سریع مجلدات را به شما خوانندگان محترم به دست آورد.

دفتر نشر معارف انقلاب نهایت تلاش خود را به کار می‌گیرد تا متونی صحیح، پاکیزه و روان با اسناد دست اول و عکس‌ها، نقشه‌ها و مستندات تاریخی انتشار دهد. در این مسیر نیازمند یاری هموطنان فرهیخته و بزرگوار هستیم که با ارسال عکس، سند و نامه‌های تاریخی در این کار بزرگ فرهنگی، ما را یاری کنند.

از درگاه خداوند سبحان مسئلت می‌نمائیم، توفیقات خود را بر ما ارزانی دارد تا بتوانیم در خدمت فرهنگ ایران اسلامی باشیم و سهم خود را در انجام وظایف تاریخی به خوبی ادا کنیم.

در پایان لازم می‌دانم از تلاش‌های همکارانم در دفتر نشر معارف انقلاب جناب آقایان سید علی نقی موسوی، داریوش باریکانی، جلال خیمه‌کبود، اشکان هاشمی و مجتبی غفوری‌پور و سرکار خانم کاشانی‌زاده و همچنین ویراستار مجموعه جناب آقای قادر باستانی، قدردانی و تشکر کنم.

دفترنشر معارف انقلاب

محسن هاشمی - زمستان ۱۳۹۱

فروردین ۱۳۶۹



بسم الله الرحمن الرحیم

چهارشنبه ۱ فروردین ۱۳۶۹ | ۲۳ شعبان ۱۴۱۰   ۲۱ مارس ۱۹۹۰

نیم ساعت از نیمه شب گذشته بود که برنامهٔ مراسم تحویل سال نو[۱] را از تلویزیون دیدیم و خوابیدیم. بعد از نماز صبح، با هلی‌کوپتر به محل مرقد امام رفتم و درون ضریح، مرقد امام را زیارت کردم. اجتماع خوبی از مردم بود؛ پرشور ابراز احساسات کردند. مقابر شهدای هفتم تیر را هم [در بهشت‌زهرا] زیارت کردم. اعضای هیأت دولت با تأخیر رسیدند. به هر یک از خلبانان هلی‌کوپترها یک نیم سکه عیدی دادم.

به دفتر رفتم. وزیران و مشاوران آمدند؛ صبحانه را با هم صرف کردیم. برای ملاقات

---

۱ - در پیام نوروزی آقای هاشمی که بعد از تحویل سال نو از تلویزیون پخش شد، ایشان، اوضاع اقتصادی کشور و اهداف و سیاست های دولت در چارچوب برنامه اول پنجساله توسعه را تشریح کرد و خواستار ادامه همکاری مردم با دولت، پایداری در ادامه راه حضرت امام(ره) و آرمان های انقلاب اسلامی و همچنین قناعت در مصرف شد. آقای‌هاشمی به کسانی که سر ناسازگاری با انقلاب اسلامی دارند، توصیه کرد که با ملت همصدا شوند و از کسانی که بی‌دلیل در خارج از کشور به سر می برند، دعوت کرد که به میان مردم و خانواده هایشان بازگردند. در این پیامِ امیدبخش و آشتی جویانه، عزم جدی دولت به تنش زدایی در سطح بین المللی و بازسازیِ همه جانبه اقتصاد کشور در داخل، به خوبی نمایان است. برای مطالعه متن کامل پیام رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های ۱۳۶۹ به انضمام پیام ها و روزشمار»، زیر نظر محسن هاشمی، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲ .

آیت‌الله خامنه‌ای به حسینیه امام خمینی رفتیم. قبل از حضور در حسینیه، به سالن کنار حسینیه رفتیم. جمعی از شخصیت‌ها و علما حاضر بودند. همراه رهبری وارد حسینیه شدم. مسئولان ارگان‌ها و نهادها جمع بودند. من ضمن صحبت کوتاهی، تبریک گفتم[1]، سپس آیت‌الله خامنه‌ای صحبت کردند[2].

به دفتر برگشتم. محافظان و اعضای دفتر، برای تبریک عید، جمع شده بودند؛ مهندس[میرحسین] موسوی، [مشاور سیاسی رییس‌جمهور]آمد. عیدی دادم.[آقای غلامرضا آقازاده]، وزیر نفت آمد و گزارش نشست وزیران اوپک را داد؛ ایران در این نشست، اصرار بر بالا رفتن قیمت نفت به ۲۰دلار [در هر بشکه] داشته که بحث به جلسه آیندهٔ اوپک موکول شده است[3].

عیدیِ پاسداران و اعضای دفتر را دادم : هر یک هزار تومان. ناهار به خانه آمدم. سعید، فاطی، محسن و مهدی هم بودند. همه عیدی‌شان را گرفتند. عصر به دیدن بیت امام رفتم.

---

۱ - آقای هاشمی، در سخنان خود، برخورداریِ امت اسلام از رهبری داهیانه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، به عنوان یکی از مخلص‌ترین شاگردان حضرت امام را موجب اطمینان قلب، تسلّی خاطر و امکان پذیر ساختنِ تحملِ فقدان امام عظیم‌الشأن دانست و اظهار داشت: «امروز مسیر حرکت به گونه‌ای است که امام امت مایل بودند و راهنمایی کردند و بحمدالله مردمِ ما به صورت یکپارچه در سایه ولایت فقیه و تعلیمات قرآن کریم، وظایف خود را تحت حکومتی که امام زمان صاحب آن هستند، انجام می‌دهند.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۹،» زیر نظر محسن هاشمی، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۹۲.

۲ - آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب، در سخنان خود وظایف سنگین ملت انقلابی ایران و مسئولین کشور را یادآور شدند و با تأکید بر مراقبت و عدمِ غفلت در به انجام رسانیدن مسئولیت، گفتند: «حتی برای یک لحظه نباید سردی، یاس و افسردگی را در خودمان و در هیچ‌کس دیگری تحمل کنیم. همه چیز نشان دهندهٔ امید است و باید با امید به پیش برویم. وضعیت امروزِ ما با امکاناتی که در اختیار داریم، بسیار خوب است.» ایشان از آقای هاشمی، به عنوان شخصیتی عالم، فقیه، مبارز، محبوب و مورد تأیید و محبت دایمی امام یاد کردند و با اشاره به برخورداری دولت ایشان از همکاران مجرب، کارآمد و آگاه، افزودند: «دولت با برنامهٔ محکم و امید بخش خود، از حمایت عمومی مردم برخوردار است و مجلس نیز بیدار، آگاه ، مسئولیت شناس، مستقل و مبرّی از تأثیر توطئه‌های جهانی است. ما با این وضعیت که در اختیار داریم، باید برای خدا عمل کنیم و تکلیف‌مان را انجام دهیم». منبع: روزنامه جمهوری اسلامی، ۵ فروردین ۱۳۶۹، شماره ۳۱۳۵ ، صفحه ۳.

۳ - اجلاس کمیته نظارت بر بازار نفت، با هدف بررسی بازار در سه ماهه دوم سال ۱۹۹۰ در وین تشکیل شده بود. در این اجلاس، نظرات ایران در مورد تخلف برخی اعضا از جمله امارات و کویت از سهمیه‌های تعیین شده مطرح شد. سهمیه تولیدی ایران در سال ۱۳۶۹ به میزان ۳ میلیون و ۱۴ هزار بشکه در روز بود و برای بودجه سالیانه، بالغ بر ۱۵ میلیارد دلار فروش نفت پیش بینی شده بود.

همسر و دختر امام و احمدآقا بودند. دعوتشان کردم که [در تعطیلات نوروز] همراه ما به جزیره کیش بیایند؛ پذیرفتند. عفت[1] و فاطی هم پیش از ظهر به دیدنشان رفته و دعوتشان کرده بودند.

آقای سید هادی طباطبایی آمد و برای حل مشکلات طرح نیشکر خوزستان استمداد کرد؛ پیشنهادهایی هم برای اصلاح امور گمرک و سفرهای خارجی داشت. آقای مهندس عباس سالاری آمد. از وضع اکتشاف و تولید شرکت نفت و گاز انتقاد داشت.

پنج‌شنبه ۲ فروردین ۱۳۶۹ | ۲٤ شعبان ۱٤۱۰ ۲۲ مارس ۱۹۹۰

بعد از نماز صبح، استماع اخبار، ورزش و صرف صبحانه، به سوی فرودگاه مهرآباد حرکت کردیم. ساعت هشت و ربع، همراه محافظان، دکتر[حسن] روحانی،[دبیر شورای عالی امنیت ملی] و همسر و دختر و عروس امام و عفت و بچه ها به سوی کیش پرواز کردیم. ساعت نُه و نیم صبح وارد جزیره شدیم و در پاویون اقامت کردیم.

تا ظهر کنار دریا قدم زدم و توضیحات آقای[حمید] میرزاده، [معاون اجرایی رییس‌جمهور] و مهندس[محمدرضا]یزدان‌پناه، [مدیرعامل‌سازمان عمران کیش] را شنیدم. استقبال بخش خصوصی از ایجاد تأسیسات در کیش زیاد است. یکی از شرکت ها که مجموعه بزرگ تجاری در دست تأسیس دارد، از روی ماکت توضیحات داد. این شرکت حدود ۱۸ هزار مترمربع زمین گرفته است و برای هر متر، سالیانه مبلغ دوهزاروپانصد تومان اجاره می‌پردازد.

عصر هم دو سه ساعت کنار دریا قدم زدم و با پاسداران و دکتر روحانی مذاکره داشتم. شب تا ساعت ده شب، با دکتر روحانی دربارهٔ مسایل کشور بحث و مذاکره داشتیم. همراهان برای صرف شام به هتل رفتند. من و دکتر روحانی در محل اقامت شام خوردیم.

---

۱ - بانو عفت مرعشی، همسر آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی، فاطمه، محسن، فائزه، مهدی و یاسر، فرزندان ایشان و دکترسعید لاهوتی و دکتر حمید لاهوتی دامادها و اعظم هاشمی پور، فرشته هاشمی و مریم سالاری عروس‌های آقای‌هاشمی هستند. عماد، علیرضا، احسان، فواد، یاسین و لیلی هاشمی و سارا، علی ، مونا و حسن لاهوتی، نوه‌های ایشان می‌باشند.

جمعه ۳ فروردین ۱۳۶۹ | ۲۵ شعبان ۱۴۱۰ ۲۳ مارس ۱۹۹۰

ساعت پنج و نیم صبح بیدار شدم. اخبار بخش فارسی رادیو صدای آمریکا(VOA) و انگلیس(BBC) را گرفتم. مسالهٔ مهم دنیا، روس‌ها و مسایل لیتوانی است.[1] کمی در ساحل دریا قدم زدم. صبحانه خوردم. [خانم خدیجه ثقفی]، همسرِ امام[2] و همراهان زن آمدند؛ احوالپرسی کردم. برای پیاده‌روی به ساحل اطراف جزیره رفتم و چند کیلومتر راه پیمودم و از شرکت‌های ساختمانی که مشغول ساخت مراکز تجاری و مسکونی‌هستند، بازدید کردم؛ پیشروی خوب است، اما اغلب مشکلِ حمل و نقل دارند.

سپس با ماشین، اطراف جزیره و قسمت‌های داخلی را گشتیم. کشتی به گِل نشستهٔ یونانی را دیدیم که از بیست و پنج سال پیش مانده و در حال پوسیدن است.[3] گفتم یا کشتی را اوراق کنند و یا به صورت یک محل توریستی و یا به عنوان رستوران استفاده شود. ناهار را با دکتر روحانی و محسن خوردیم. محسن[هاشمی]، رییس دفتر بازرسی‌ویژه

---

۱ - جمهوری لیتوانی در شمال شرقی اروپا، بزرگترین و جنوبی‌ترین کشور در میان سه جمهوری حوزه بالتیک در اروپاست. لیتوانی پس از جنگ جهانی اول مستقل شد، اما بعداً نخست توسط شوروی و سپس توسط آلمان نازی اشغال گردید. با نزدیک شدن جنگ جهانی دوم به پایان خود، آلمانی‌ها عقب‌نشینی کردند و اتحاد شوروی مجدداً لیتوانی را اشغال کرد. در ۱۱ مارس سال ۱۹۹۰، یک سال پیش از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، لیتوانی نخستین جمهوری شوروی بود که اعلام استقلال کرد.

۲- بانو خدیجه ثقفی (۱۲۹۲- ۱۳۸۸)، همسر حضرت امام (ره)، فرزند آیت‌الله محمد ثقفیِ تهرانی از شاگردان آیت‌الله عبدالکریم حایری یزدی، مؤسس حوزه علمیه قم بود. ایشان در سال ۱۳۰۸ با امام خمینی ازدواج کرد. ثمرهٔ این ازدواج، آقاسیدمصطفی، سید احمدآقا ، صدیقه خانم، فریده‌خانم و زهرا خانم هستند. همسرِ حضرت امام، در روز اول فروردین ۱۳۸۸ در سن ۹۶ سالگی درگذشت و در حرم مطهر امام خمینی آرام گرفت. آقای هاشمی از سن ۱۴سالگی که برای تحصیل علوم دینی وارد شهر مقدس قم شد، در منزلی مستقر بود که روبروی خانهٔ امام قرار داشت و از همان زمان، ارتباط میان ایشان و امام به وجود آمد. در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز، دو خانواده، در محلهٔ جماران تهران، همسایهٔ دیوار به دیوار هم بودند.

۳ - کشتی یونانی در حال حاضر، یکی از جاذبه‌های گردشگری جزیره کیش است. این کشتی در سال ۱۳۲۲ توسط شرکت ویلیام همیلتون در گلاسکو ساخته شد و در چهارم مردادماه سال ۱۳۴۵ در این جزیره به گِل نشست. وزن آن ۷۰۶۱ تن و طول آن ۱۳۶ متر بوده است. علتِ به گِل نشستن کشتی، همچنان در پرده‌ای از ابهام است. دو سال پیش این کشتی از وسط شکسته شد.

رییس‌جمهور[1]]، ایراداتی به سبک مدیریت کیش و مبهم بودن معیارها و مقررات داشت.

عصر آقای[حمید] میرزاده آمد. همراه مسئولان جزیره به ساحل رفتیم و از خرابه‌های شهر در زمان اشغال پرتغالی‌ها[2] دیدار کردیم. گفتم از زیر خرابه‌ها آثاری پیدا کنند و موزه‌ای برای گردشگران ایجاد نمایند. دربارهٔ سیاست تجاری و ساختمانی و موضوع قیمت‌ها و نحوه تأمین مصالح ساختمانی برای عمران جزیره بحث شد؛ حدود هشتاد میلیارد تومان طرح در دست ساخت دارند که باید تأمین مصالح شود. قرار شد حتی‌الامکان از خارج بیاورند که باری بر دوش کشور نباشد؛ چون مصالح برای اجرای برنامه اول توسعه، کم داریم. به امید روزی که تولیدات، بتواند مصرف داخلی را تأمین کند و صادر هم بشود. شاید این آرزو در پایان برنامه پنجساله اول تحقق یابد.

از طرح مروارید دیدن کردم. چاهی زده‌اند که در بیست متری به آب شیرین رسیده‌است. یکی از شرکای شرکت کیش مهر آمد و توضیحی دربارهٔ پروژه بزرگ تجاری - مسکونی خود داد؛ بناست مبلغ بیست میلیارد تومان، ظرف دو سال و نیم هزینه کنند. او می‌خواست مطمئن شود که سیاست تضعیف موقعیت جزیره کیش، با راه‌اندازی بنادر دیگر نداشته باشیم. شام را با پاسداران خوردیم.

فهیمه خانم،[دختر امام و رییس جمعیت زنان جمهوری اسلامی]، برای تشکّل «جمعیت زنان» کمک دولتی می‌خواست؛ گفتم اگر بخواهد به صورت یک حزب عمل کند و طرفدار یک جناح سیاسی باشد، نمی‌توانیم کمک از دولت بکنیم.

---

۱ - دفتر بازرسی رییس‌جمهور، در سال ۱۳۶۸ با هدف بررسی کارشناسی و رسیدگی به موضوعات ارجاع شده از طرف رییس‌جمهور، با مدیریت محسن هاشمی آغاز به کار کرد. در دوره هشت سالهٔ عملکرد این دفتر که به طور مستقیم زیر نظر رییس‌جمهور فعالیت می کرد، موضوعات بسیاری مورد بازرسی قرار گرفت که اثرات ملموسی در سالم‌سازی مدیریت اجرایی کشور و اطمینان بخشی به رییس جمهور و ارائه اطلاعات دست اول و مؤثق، در خصوص موضوعات ارجاعی داشت.

۲ - جزایر خلیج فارس، در زمان حکومت تیموریان به تصرف پرتغالی‌ها درآمد. در این زمان‌که امیرهرمز و جزایر خلیج فارس، کودکی ۱۲ ساله به نام سیف الدین بود، پرتغال به هرمز و خلیج‌فارس بخصوص جزیره‌کیش یورش برد و به سبب داشتن توپ و سلاح آتشین، پیروز شد و امیر سیف الدین را تابع و خراج گذار پرتغال کرد. پرتغالی‌ها در جزایر کیش، بحرین، هرمز و قشم دفاتر تجاری برپا کردند و قلعه هایی نیز ساختند. چند سال بعد، شاه‌اسماعیل صفوی، پس از جنگ با عثمانی‌ها و شکست آنها، به سراغ جزایر جنوب رفت و الله‌وردی‌خان، حاکم فارس را مأمور سرکوب پرتغالی‌ها کرد. صفویان توانستند خلیج فارس را از سلطهٔ بیگانگان رها سازند.

شنبه ٤ فروردین ۱۳٦۹ | ۲٦ شعبان ۱٤۱۰ ۲٤ مارس ۱۹۹۰

بعد از نمازصبح و گرفتن اخبار روز که مهمترین آن، رشد تشنج در روابط شوروی و لیتوانی و نتیجتاً در روابط غرب با شرق است[1]، به فرودگاه جزیره رفتیم و با [هواپیمای]شاهین به سوی بندرچابهار [در استان سیستان و بلوچستان] حرکت کردیم. جمعی از خانم‌های همراه هم آمدند. در پایگاه هوایی نهاجا[= نیروی هوایی ارتش]، استقبال رسمی به عمل آمد. خانم ها در پایگاه ماندند و ما با چند فروند هلی کوپتر به سوی روستای « اوُرکن » در منطقه دشت‌بری پرواز کردیم.

در این منطقه، سیل اخیر خرابی زیادی به بار آورده است. بیشترِ تأسیسات زیربنایی و کشاورزی، سُنتی و عقب‌افتاده است. مردم اغلب بی سواد هستند و برق و آب و مدرسه و بهداشت و راه درستی هم ندارند.

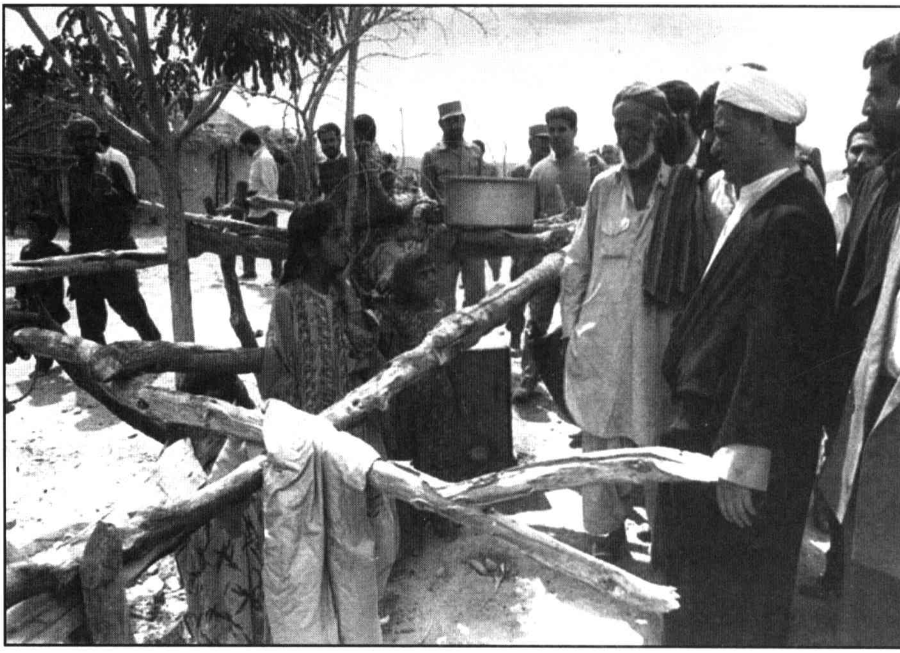
با اینکه وضع زمین و هوا خیلی خوب است و آب کافی هم دارند، ولی فقیرند. می گفتند محصول یونجه در آنجا، حدود ۲۰ چین در سال می‌دهد. از مزرعه موزداری بازدید کردم؛ بار خوبی داشت. مرکبات و نخل هم خوب می‌شود؛ عجیب است که مردم این همه فقیر هستند. به منزل یکی از روستایی‌ها رفتم؛ فقط یک اتاق داشت و نُه نفر اعضای خانواده در آن اتاق زندگی می کردند. پیشنماز محل، سخنگوی‌شان بود.

از آنجا به محل سدِ در حال احداث پیشین رفتیم.[2] ساختِ سد، پیش از انقلاب شروع شده، اما هنوز تمام نشده است. احداث این سد، می‌تواند در عمرانِ منطقه خیلی مؤثر باشد. ظرفیت حدود ۲۰۰ میلیون متر مکعب آب دارد که آب فصلی است و حدود ۱۰ هزار هکتار زمین را مشروب خواهد کرد. اگر کامیون‌های مورد نیاز به زودی برسد، سال‌آینده

---

۱ - همزمان با اجلاس پارلمان لیتوانی برای تعیین دولت جدید، اتحاد شوروی در یک نمایش قدرت، دستور داد بیش از یکصد تانک و خودروی نظامی، از برابر پارلمان لیتوانی رژه بروند. همچنین شوروی از دو دیپلمات آمریکایی مستقر در لیتوانی، خواست که ظرف ۱۲ ساعت، خاک این جمهوری را ترک کنند.

۲- سد پیشین در استان سیستان و بلوچستان، در نزدیکی مرز پاکستان، از نوع خاکی با هستهٔ رُسی است . این سد با ۶۳متر ارتفاع، ۴۰۰ متر طول تاج و ۲۵۰ میلیون مترمکعب حجم مخزن و ۱۱ هزار و ۳۰۰ مترمکعب در ثانیه، ظرفیتِ تخلیه سرریز، در سال ۱۳۷۲ در دورانِ سازندگی به بهره برداری رسید و نقش مهمی در توسعه منطقهٔ محروم سیستان و بلوچستان داشت. مساحتِ حوزه آبریز سد پیشین، ۶ هزار و ۹۳۰ کیلومتر مربع است.



بازدید از مناطق محروم جنوب شرقی کشور



تمام می‌شود؛ قول حمایت دادم.

سپس به روستای «گرم بید» رفتیم. مردم وضعی شبیه روستای قبلی داشتند؛ با این تفاوت که اینجا بهتر شعار دادند. در روستای اوُرکن، شعاری ندادند.

ساعت دو و نیم بعد از ظهر، با یک ساعت تاخیر در برنامه، به پایگاه برگشتیم. بعد از ناهار و نماز و استراحت کوتاه، به بازدید اسکلهٔ در حال احداث «ایران‌بندر» نیروی دریایی رفتیم. سپس به سوی شهر چابهار پرواز کردیم و به ایراد سخنرانی در اجتماع مردم شهر در هنرستان فاروق اعظم پرداختم[1]؛ اجتماع مردم خیلی پرشور نبود، بد هم نبود. [آقای عبدالرحمان ملازهی]، امام جمعه اهل‌سنتِ[چابهار]، می‌خواست خیرمقدم بگوید که [آقای محمود حجتی]، استاندار[سیستان و بلوچستان]، به خاطر رقابت بین شیعه و سُنی، پیشدستی کرد!

از محل اسکله شهید کلانتری و از جریان نوبه‌کاریِ تخلیهٔ کشتی‌ها با کارگران باربرِ افغانی بازدید کردیم؛ می‌گفتند روزانه پانصدتومان درآمد دارند که بیش از دوبرابر مزد کارگران کشاورزی منطقه است؛ بناست آنجا بندرِآزاد شود.

سپس با ماشین، با تأخیر به پایگاه برگشتیم. در جمع پرسنل پایگاه[هواییِ کُنارک] سخنرانی کردم[2]. شام خوردیم و سپس به جلسه مسئولان استان[سیستان و بلوچستان] رفتیم.

---

۱ - آقای هاشمی با اشاره به علاقه‌مندی برادرانِ اهل سنت این منطقه به اسلام، اظهار امیدواری کرد اتحاد شیعه و سنی در منطقه، الگویی برای جهان اسلام باشد و به عنوان نمونه‌ای برای همزیستی برادران شیعه و سنی جلوه‌گر شود. ایشان در بخشی از سخنان خود گفت: « من از شما اهل سنت که عمدتاً در مرزهای کشور ساکن هستید، صمیمانه متشکرم که نهایت صمیمیت و وفاداری را چه در زمان حضرت امام(ره) و چه در زمان رهبریِ آیت‌الله خامنه ای ادامه داده و می دهید واز مسئولان انتظار دارم که با صمیمیت به مشکلات مردم برسند و مطمئن باشند، دولت و مجلس و شخصِ رهبر انقلاب که مدتی که در این منطقه در تبعید به سر برده اند، از اقدامات آنها حمایت خواهند کرد.» رجوع کنید ← هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های ۱۳۶۹ ، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲ .

۲ - آقای هاشمی، پایگاه دهم شکاری نیروی هوایی ارتش را یکی از مراکز مهم و حساس توصیف کرد و لزوم توجه جدی دولت به اینگونه مراکز را مورد تاکید قرارداد . ایشان همچنین از پرسنل این پایگاه به خاطر کمک به مردم به هنگام سوانح طبیعی سپاسگزاری کرد. در بخشی از این سخنرانی آمده است:« از شما برادران نظامی و انتظامی، انتظار داریم که علاوه بر مسئولیت‌های خاص خودتان که حفظ سرزمین، حفظ مرزها و حفظ امنیت است، برای مردم پشتیبان و کمک خوبی باشید که مردم بتوانند با رضایت مسئولان کشور، این منطقه را آباد کنند و از امکانات‌تان به‌گونه‌ای استفاده بکنند که مردم احساس کنند شما در جنگ حافظ آنها هستید و در موقع شرارت‌های دشمنان، ←

[آقای محمود حجتی]، استاندار گزارشی داد و استعدادها و نیازها را گفت و من صحبت کردم[1]. روی استحصال آب و زهکشی اراضی زابل و بستن سریع‌تر چهار سدّ در جنوب و جبران عقب ماندگی در رفاهیات و تأمین آب تأکید کردم و قول حمایت دادم. اخبارِ شبکهٔ دو تلویزیون را گرفتم و خسته خوابیدم.

یکشنبه ۵ فروردین ۱۳۶۹ | ۲۷ شعبان ۱۴۱۰ ۲۵ مارس ۱۹۹۰

ساعت هشت و نیم صبح در فرودگاه نظامی جاسک با استقبال رسمی فرود آمدیم. مذاکره با نمایندگان مردم انجام شد. درخواست مردم برای آب و برق و تعهد بودجه و دستور به استاندار برای انتقال آب و تأمین برق را پذیرفتم.

با هلی‌کوپتر به سوی بشاگرد پرواز کردیم. از کوه‌های بلند و خشک به مدت ۴۵ دقیقه گذشتیم. از چهار رودخانه کم آب و سپس نمیرده عبور کردیم. آقای [احمد]خرّم، استاندار[هرمزگان]، در مورد طرح مهار آب و اتصال جاده‌ها به جاسک و استفاده از نیروهای متخصص و نیز مردم محرومِ شیعهٔ بَشاگرد، برای تغییر وضع جمعیتیِ شهر مرزیِ

حافظ امنیت‌شان هستید و در موقع سازندگی هم پشتیبان‌شان هستید و در کنار آنها هستید.» رجوع کنید← « هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های ۱۳۶۹ ، دفتر نشرِ معارفِ انقلاب ، ۱۳۹۲.

۱ - ایشان در سخنان خود، ضمن اظهار نارضایتی از وضع زندگی روستاییان منطقه تاکید کرد: « باید با جذب نیروهای متخصص و آوردن امکانات آموزش وپرورش و جذب امکانات بخش خصوصی، در این منطقه تحول ایجاد شود. آنچه در بازدید من از مناطق محروم روشن شد، این است که بدون تامین آب آشامیدنی و آب کشاورزی، تحول و تحرک و اصلاح در منطقه مقدور نیست و با توجه به اینکه این منطقه دارای ۴۰۰ میلیون متر مکعب آب قابلِ استحصال است، باید این آب ها را برای حاصلخیزیِ دشت ها به کار گرفت تا گام اساسی در جهت آبادانی منطقه برداشته شود. زابل برای انقلاب و کشور اهمیت زیادی دارد. این شهر را باید به هر قیمت از وضع موجود درآورد و مردم آنجا باید حفظ شوند و وضع زندگی آنها بهتر شود. سعی من این است که در این سفر، به مناطق محروم و مستضعف بروم و به مراکز استان ها نخواهم رفت؛ به جای بندرعباس به بشاگرد و به جای زاهدان به چابهار و به جای کرمان به مناطق مستعد و محروم این استان خواهم رفت.» رجوع کنید← « هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های ۱۳۶۹ ، دفتر نشرِ معارفِ انقلاب ، ۱۳۹۲ .

حساس جاسک، برای اطمینان بیشتر توضیح می داد؛ از اینکه این سیاست را در بسیاری از نقاط مرزی انجام دهیم، ابراز آرزو و امید کردم.

سپس با هلی کوپتر در منطقه خمینی‌شهر بشاگرد، جایی که با کمک کمیته امداد[امام خمینی] برای تمرکزِ امور[محرومیت‌زدایی] بشاگرد ایجاد شده است، فرود آمدیم. پس از استقبال پرشور مردم، به روستای[محروم] «بوسمن» رفتیم.

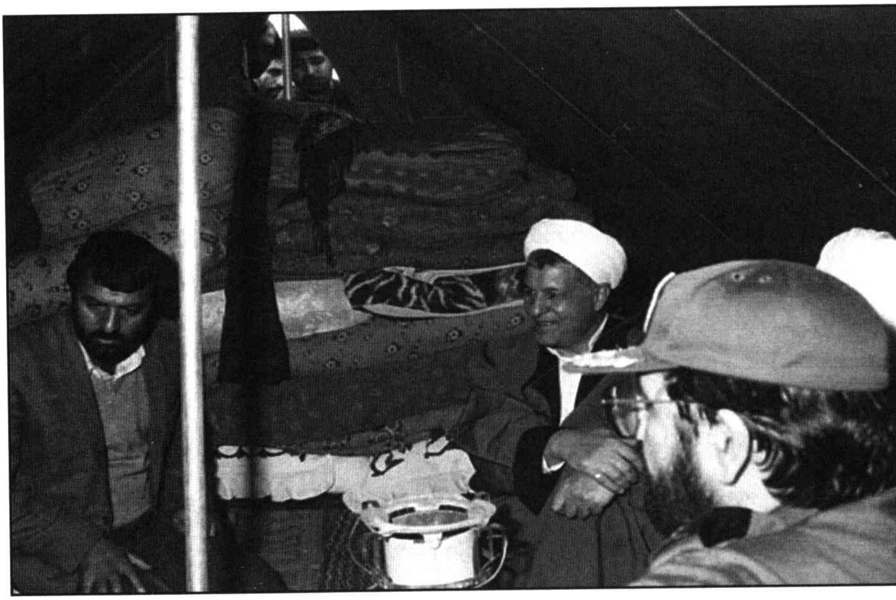
در راه، آقای والی مامور کمیته امداد و همچنین[آقای احمد خرم] استاندار[هرمزگان]، درخصوص اقدامات انجام شده برای عمران بشاگرد[1] و محرومیت زدایی از مردم و منطقه در سال‌های بعد از انقلاب اسلامی توضیح دادند. استعداد محدود منطقه برای کاشت نخل و مهار آب و اقدام مطالعاتی دانشگاه اصفهان را شنیدیم. استقبال پرشور مردم بوسمن در کنار کَپَرها، دیدنی بود.

به یک کپر در منزل آقای ابراهیم ملک‌پور رفتم. پس از مذاکره و احوالپرسی و دادن عیدی، شاگردان دختر و پسر مدرسه آیت‌الله حایری شیرازی سرود خواندند. از آنها سؤالاتی پرسیدم و امتحان کردم. وعده دادم که از محل درآمد جزیره کیش، به جایِ کپرها، خانه بسازیم. همان‌جا به آقای [حمید] میرزاده، [معاون اجرایی رییس‌جمهور]، دستورِ انجام دادم. به میدان خمینی‌شهر بَشاگرد برگشتیم. برای مردم سخنرانی کردم[2]. به

---

۱ - منطقه بَشاگرد در استان هرمزگان، با ۶۰ هزار نفر جمعیت (در سال ۱۳۶۹)، در ۳۵۰ کیلومتری بندرعباس واقع شده است و ۴۰۰ پارچه آبادی دارد. این منطقه در دوران رژیم پهلوی، کاملاً فراموش شده بود. در دوران سازندگی، دفتر مناطق محروم نهاد ریاست جمهوری، با همکاری کمیته امداد امام خمینی(ره) و چند بنیاد خیریه دیگر، در زمینه احداث بیمارستان و مدارس مختلف، اقداماتی را برای محرومیت‌زدایی از این منطقه به انجام رساند. فقر در منطقه بشاگرد در آن سال‌ها به گونه ای بود که اهالی روستاها، حتی در تامین غذای روزانه خود دچار مشکل بودند. همچنین به علت توزیع نادرست جمعیت در قالب خانواده‌های چند نفره، و وجود راه‌های صعب‌العبور، ارائه خدمات با دشواری همراه بود.

۲ - در این سخنرانی آمده است: « از اول انقلاب با نام بَشاگرد آشنا بوده ام و همواره روحیات وفاداری شما به انقلاب و محرومیت‌ها و کمبودهای منطقه شما، محسوس و زبانزد بوده است. علیرغم فقر طبیعت، این منطقه از نظر نیروی انسانی و استعدادهای بشری نیرومند است و روحیهٔ والای حمایت و وفاداری از انقلاب ، امام و رهبری در میان شما مشهود است. همین استعداد شما، سرمایه‌هایی است که می تواند از فرزندان شما، جامعه‌ای پیشرفته در دوران شکوفایی انقلاب بسازد. من به اهالی بشاگرد توصیه می کنم، سعی کنید فرزندانتان در دانشگاه ها به تحصیلات عالیه بپردازند و پزشکان و مهندسین بشاگردی در کنار دبیران و معلمین و صاحبان حِرَف دیگر، منطقهٔ خود را آباد کنند . این منطقه علیرغم فقر آب، می‌تواند منطقه ای آباد باشد و با مهار آب رودخانه های منطقه ، می‌توان ده‌هامیلیون متر مکعب ←



دستشویی واقع در همان میدان رفتم؛ در حالی که مردم همچنان شعار می‌دادند!

سپس به سوی شهر کهنوج [در استان کرمان]پرواز کردیم. از دشت‌های آباد رودان تا کهنوج گذشتیم. این منطقه از لحاظ آب و زمین بسیار غنی است؛ استحصال مرکبات و مزارع از بالا دیده می شد.

در کهنوج، استقبال پرشور مردم ستودنی بود. از ساعت یک و نیم تا ساعت سه و نیم بعد از ظهر، در محل هلال‌احمر، به ناهار و نماز، استراحت و مذاکره پرداختیم. بسیاری از مردم، بیرون محل اقامت، تا موقع سخنرانی مانده بودند. به محل سخنرانی رفتم. اجتماع مردم خیلی وسیع بود. نشستیم، [آقای سید حسین مرعشی]، استاندار[کرمان] خوشامد گفت و من سخنرانیِ گرم و امیدبخشی داشتم.[1]

را صرف آبیاری بشاگرد کرد و دولت تلاش خواهد نمود که شما در منطقه خود، کار و تلاش کنید و ان‌شاءالله شیوه زندگی خود را از کپرنشینی به زندگی در ساختمان‌ها تبدیل خواهید کرد.» رجوع کنید← هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های ۱۳۶۹ ، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲ .

۱ - آقای هاشمی ضمن تاکید بر ضرورت محرومیت زدایی از مناطق محروم کشور گفت: « سرمایه‌گذاری در مناطق محروم و مستعد، از اولویت‌های برنامه توسعه اقتصادی کشور است. جهاد امروز ما در سازندگی است و تکلیف نیروهای متعهد و ایثارگرِ میدان‌هایِ جنگ، این است که برای بازسازی و سازندگی کشور، کمرِهمت ببندند.

از آنجا به منطقه عشایری پرواز کردیم. پس از استقبال عشایر[منطقهٔ گنج آبادِ سرخ‌قلعه]، در چادر رییس عشایرِ [طایفهٔ علیدادی، ایلِ]سلیمانی، که پدر یک شهید روحانی بود، خیرمقدم توسط طلبهٔ عشایری ایراد شد. درخواست آنها برای اسکان، به جای کوچ و ییلاق و قشلاق، برایم جالب بود؛ در مواردی عشایر از اسکان استقبال نمی‌کنند.

به سوی جیرفت پرواز کردیم. در هلی‌کوپتر، آقای [سید حسین]مرعشی[1]، استاندار[کرمان]، دربارهٔ منطقه و توسعه خوب کشاورزی و برنامه‌های دیگر، توضیحاتِ خوبی داد. در محل مزرعه نمونهٔ مرکبات کشاورزی با ۶۰۰ هکتار از انواع مرکبات با آبیاری قطره‌ای، فرود آمدیم.

توضیح مهندسان دربارهٔ مزایای آبیاری قطره‌ای را شنیدیم. آنها گفتند این کار، حدود ۷۰ درصد صرفه‌جویی در آب، با محصولات و راندمان بهتر است. دربارهٔ بودجه مورد نیاز آن نوع آبیاری و برنامه قطره‌ای کردن ۲۵۰ هزار هکتار در سال و مقایسه سودِ محصولات متنوع منطقه مذاکره کردم؛ بیشترین سود از خرما و سپس پسته، سیب‌زمینی و گندم است.

با ماشین به سوی شهر جیرفت رفتیم. استقبالِ پرشورِ روستاییان در مسیر و قربانی‌های فراوان در مسیر و در شهر، باعث تعجب همراهان شده بود. به باغ باصفای «سازمان عمرانِ جیرفت» رفتیم. جواب احساسات مردم بیرون باغ را دادم.

بعد از نماز، در جلسه مسئولان[کمیته برنامه ریزی] استان کرمان شرکت کردم. پس از توضیحات استاندار و مسئولان، برای پرداخت بودجه جهت احداثِ بعضی راه‌های

«دنیا امروز بداند که اسلام، هم قدرت مبارزه با طاغوت و سرنگونی آن، هم قدرت دفاع در برابر اهریمنان خطرناک استکبار جهانی و هم قدرت سازندگی و بنای تمدن اصیلِ اسلامی و بهره‌گیری از ذخایر و معادن خود را دارد. با توجه به استعدادهای بالقوهٔ کشاورزیِ صنعتی و معادن در منطقه کهنوج، این منطقه می تواند در آینده، بخش قابل توجهی از نیازهای اساسی کشور را با بهره گیری مناسب از امکانات مختلف خود تامین کند.» رجوع کنید← هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های ۱۳۶۹ ، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲.

۱ -آقای سید حسین مرعشی(۱۳۳۷-   ) فرزند حجت الاسلام والمسلمین حاج سید محمدتقی مرعشی، یکی از مدیران توانمند جمهوری اسلامی است که فعالیت موفق خود را از جهاد سازندگی استان کرمان آغاز کرد. وی هشت سال استاندار کرمان بود، سپس به عنوان رییس‌دفتر رییس‌جمهور منصوب شد. آقای مرعشی در مجلس پنجم و ششم، از طرف مردم کرمان به نمایندگی مجلس شورای اسلامی انتخاب گردید. در دوره ریاست جمهوری آقای سیدمحمد خاتمی، معاون رییس جمهور و رییس سازمان میراث فرهنگی بود. وی پسرعموی خانم عفت مرعشی، همسرآقای هاشمی می باشد.

مواصلاتی لازم، تعمیر باغ، تأمین آب روستاها، بازسازی و ساخت مدارس وعده دادم[۱]. نمایندگان مردم کوهبنان از جدا شدن بخشی از کوهبنان و الحاق آن به استان یزد، شکایت‌داشتند.

در حین قدم زدن در باغ، شکایت مخالفان نماینده جیرفت، با لحن دوستانه مطرح شد. با نمایندگان استان[کرمان] در مجلس جلسه داشتیم؛ درخواست توجه بیشتر به کرمان و دادن طرح‌های عمرانی و آب سیرجان و رفاه بیشتر برای کارکنانِ معدن زرندِ کرمان داشتند. شب با خستگی مفرط خوابیدم.

دوشنبه ٦ فروردین ١٣٦٩ | ٢٨ شعبان ١٤١٠ ٢٦ مارس ١٩٩٠

صبح بعد از نوشتن خاطرات، به اخبار رادیوها گوش کردم. اوج تشنج بین شوروی و جمهوریِ لیتوانی است. مراکز حزب کمونیست در لیتوانی، توسط شوروی اشغال شده است؛ مرکزیت آنها خواهان استقلال لیتوانی‌اند.

صبحانه را با همراهان، در حیاط پُرگلِ یکی از کارکنان سازمان[عمران جیرفت] صرف کردیم. در جلسه شورای اداری شهر جیرفت شرکت کردم و آنها را تشویق به وحدت و کار بیشتر نمودم. با هلی‌کوپتر به محل سد جیرفت[۲] رفتیم. مهندس [ابوالحسن]کاشانی،

---

۱ - آقای هاشمی در این جلسه بر لزوم پیشرفت و توسعه فعالیت های کشاورزی و تامین اعتبارات لازم برای فعالیت‌های عمرانی تاکیدکرد و گفت: «برای ایجاد فضاهای آموزشی در استان های محروم کشور، اعتباری تخصیص یافته است که به صورت عادلانه بین نقاط محروم تقسیم خواهد شد. فکر می‌کنم که باید سریع تر در این منطقه حرکت کرد، چون زمان بهره‌گیری نزدیک است و در کمترین زمان می توانیم به نتیجهٔ مناسب برسیم. مسئولین استان باید تا زمانِ تعیین شده، طرح های برنامه پنجساله را اجرا کنند و مشکلات موجود را به دولت منعکس و با جدیت پیگیری نمایند تا بتوانیم به این وعده و امیدهایی که به مردم داده ایم، عمل کنیم.

۲ - سد جیرفت که روی رودخانه هلیل رود ساخته شده است، اولین سد بلند بتنی پس از پیروزی انقلاب اسلامی است که به وسیله شرکت ایرانی پیماب، به عنوان پیمانکار و با پرسنل ایرانی احداث شد. این سد ۱۳۴ متر ارتفاع دارد و ضخامت آن بین ۱۷ متر در کف تا ۵ متر در تاج، متغیر است. آبگیری سد در بهمن ماه سال۱۳۷۰ و در حضور آقای هاشمی، رییس جمهور وقت انجام شد.

مدیر ساختِ سد، توضیحات خوبی داد. آقای احمد کاشانی[۱] نماینده سابق [مردم نطنز در مجلس]هم درآنجا مدیر کارگاه بود. سد در مرحله بتون‌ریزی نهایی است؛ بیشتر کار را خود ایرانی‌ها انجام داده‌اند.

استاندار درخصوص برنامه ایجاد نخلستان وسیع، با سیستم آبیاری قطره‌ای، در شمالِ جیرفت توضیحاتی داد. در مورد قیمت اراضی و باغات روستاهایی که در دریاچه سد واقع شده‌اند، مشکل دارند.

به شهر برگشتیم. در اجتماع مردم در استادیوم ورزشی[تختی] صحبت کردم[۲]. سپس به فرودگاهِ خاکی شهر رفتیم و با [هواپیمای] فرانشیب به سوی فرودگاه کرمان پرواز کردیم؛ همراهان با [هواپیمای] سی- ۱۳۰ آمدند. در راه آقای مرعشی، توضیحات خوبی دربارهٔ ارتفاعات و دشت‌ها و استعدادهای منطقهٔ کرمان داد.

---

۱ - سید احمد کاشانی، فرزند آیت الله کاشانی، در اولین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی از حوزهٔ انتخابیه نطنز وارد مجلس شد. از مواضع مهم او می‌توان به مخالفت با رای اعتماد به مهندس میر حسین موسوی، هنگام رای گیری برای وزارت خارجه در روز ۱۴ تیر ماه سال ۱۳۶۰، و همچنین به مخالفت با نخست وزیری وی اشاره کرد. در انتخابات مجلس دوم نیز، مجدداً از همان حوزه انتخاب شد، اما پیش از پایان دوره، در ۱۴ آبان سال ۱۳۶۵ وی در حالی که نماینده مجلس بود، دستگیر و راهی زندان شد و ۲۸ ماه را در حبس گذراند.آقای کاشانی و نیز چند تن از سران ارتش که سابقه فعالیت در انجمن حجتیه داشتند، از جمله سرهنگ کتیبه، ریاست رکن ۲ ارتش و سرهنگ آگاه به همراه چند تن از افسران ارتش، به اتهام تحریک ارتشیان علیه سپاه پاسداران، به حکم دادستانی نیروهای مسلح بازداشت شدند. اتهام او ، تنظیم ، تهیه و تکثیر و توزیع شبنامه‌ها علیه جنگ، در حساس‌ترین مقطع دفاع مقدس بود. سید احمد کاشانی پس از آزادی از زندان در اواخر سال ۱۳۶۷، در خرداد ماه سال ۱۳۶۸ به عنوان سرپرست کارگاه سد جیرفت مشغول به کار شد و تا سال ۱۳۷۴ در این مسئولیت باقی ماند.

۲ - در بخشی از این سخنرانی آمده است:«خداوند نعمت های فراوان برای شما در این منطقه قرار داده و باید از قطره قطرهٔ آب و ذره ذرهٔ خاک، بهترین محصول را داشته باشید و خوب بهره برداری کنید. دولت و مجلس، برای غنای منطقه از اجرای برنامه های بزرگ کشاورزی و صنعتی حمایت خواهد کرد. باید در این منطقه سیستم آبیاری اصلاح شود. از بذر مناسب انتخاب گردد و صنایع تبدیلی تهیه شود تا ثروتی که در این منطقه قابل تحصیل است، برای کشور، چندین برابر وضع موجود شود. شکرگذاری ما از نعمات الهی، ارائه خدمات و شکرگذاری شما مردم، بهره‌برداری از این خدمات است.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های »۱۳۶۹، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۹۲ .

در فرودگاه کرمان سوار هلی‌کوپترها شدیم و به سوی نوق[1] حرکت کردیم. ساعت یک و نیم بعدازظهر در سه قریه فرود آمدیم. احساسات شدید مردم که با بی‌نظمی و فشار همراه بود، مشکل درست کرد. ناچار به استفاده از ماشین شدیم. به منزل حاجیه والده رفتیم.

اجتماع مردم در اطراف و درون خانهٔ پدری هم زیاد و مانع دیدار بود. والده[2] سخت ذوق زده شده بود و بلند بلند گریه می‌کرد. کم‌کم آرام گرفت و از نیامدن عفت و محسن گله کرد؛ گفتم به خاطر کمردرد همسر امام، زن ها نیامدند. غذا را در منزل حاج قاسم صفریان - دایی‌زاده - درست کرده بودند. همراهان در آنجا ناهار خوردند. اصرار داشتند



در کنار مادر

---

۱ - نوق، جلگه‌ای در کنار شهر رفسنجان است. در منطقه نوق، سه روستای بهرمان، نعمت‌آباد و قاسم‌آباد در کنارهم قرار گرفته‌اند که در اصطلاح محلی « سه قریه» می گویند. بَهرمان به معنای یاقوت سرخ، زادگاه آقای هاشمی است؛ روستایی سبز در دل کویر را چنین نام نهاده‌اند.

۲ - بانو ماه بی بی صفریان، مادر آیت الله هاشمی، در سال ۱۳۷۴ از دنیا رفت. ایشان در کتاب «دوران مبارزه» از مادر خود چنین یاد می کند: « مادرم از اهالی روستای بهرمان بود. او علاوه بر خانه داری، در امور زندگانی با پدرم همکاری می کرد. او هرچند بی‌سواد بود، امّا اطلاعات خوبی از خواص گیاهان دارویی داشت. اطلاعات و تجربه های او برای اعضای خانواده و حتی اهالی روستا سودمند بود، چنانکه هنوز هم گاهی از همان تجربه ها استفاده می کنیم.» رجوع کنید ← کتاب«هاشمی رفسنجانی، دوران مبارزه»، زیر نظر محسن هاشمی، دفتر نشر معارف انقلاب، جلد اول، صفحه ۵۸.

من هم بروم، قبول نکردم. غذا را به منزل خودمان آوردند. نماز را تمام خواندم؛ بستگان تعجب کردند که دیدند هنوز آنجا را به عنوان وطن حفظ کرده‌ام.

جمعی از خانواده‌های شهدا آمدند. دلداری‌شان دادم. به سر مزار شهدا و به منزل همشیره طیبه - مادر شهید مهدی[شریفیان][1] - رفتم. سپس به مسجد رفتم. مردم جمع بودند. آقای‌محمدعلی انصاری خیرمقدم گفت و من صحبت کوتاه دوستانه‌ای کردم[2]. با هلی کوپتر برگشتیم. در مراجعت، از فضای جلگه کشکوییه عبور کردیم. باغات پسته در اطراف رفسنجان، نوق و کشکوییه با سرعت توسعه یافته است.

در فرودگاه کرمان بدرقه رسمی بود. مصاحبه کوتاهی داشتم. در هواپیما برای رفعِ خستگی کمی استراحت کردم. در فرودگاه مهرآباد، مصاحبهٔ طولانی دربارهٔ نتایج سفر انجام شد[3]. شب شام نخوردم و زود خوابیدم.

سه‌شنبه ۷ فروردین ۱۳٦۹ | ۲۹ شعبان ۱٤۱۰ ۲۷ مارس ۱۹۹۰

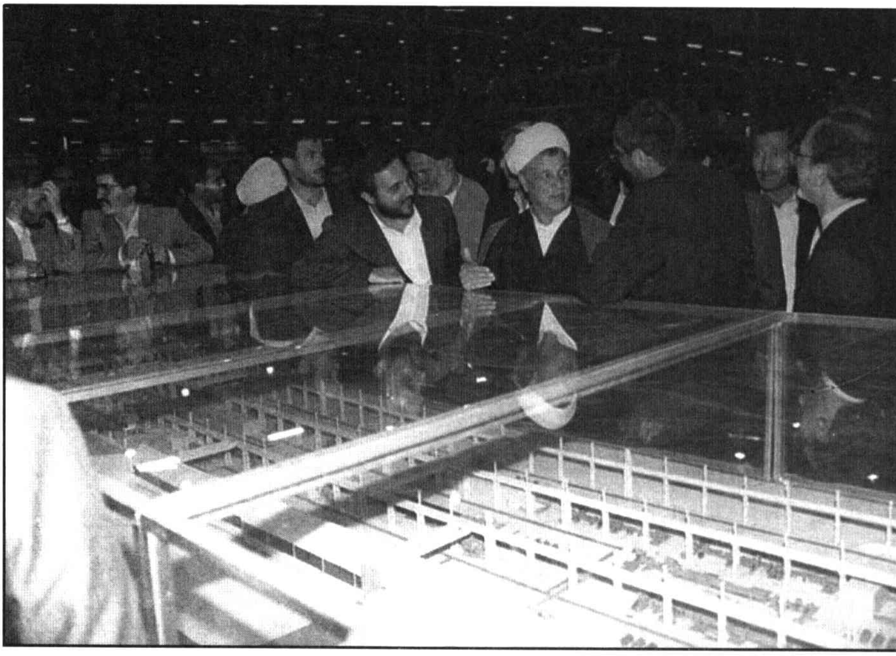
در منزل بودم. بیشتر وقت به استراحت، مطالعه و انجام کارهایی که از دفتر آورده بودند،

---

۱ - شهید مهدی شریفیان در دی ماه ۱۳٦۵ در عملیات کربلای چهار شربت شهادت نوشید. نامهٔ آقای هاشمی به خواهرشان بعد از شهادت مهدی، در کتاب «کارنامه و خاطرات سال ۱۳٦۵؛ اوج دفاع »، صفحهٔ ۵۲۳ به چاپ رسیده‌است.

۲ - در بخشی از این سخنرانی آمده است:« حالا که بعد از چند سال به زادگاهم آمده‌ام، می بینم که خیلی از شماها را نمی شناسم. من با پدران شما همبازی بوده ام. الان هم عده ای از آنها را که موی سرشان سفید شده است و در اینجا هستند، می بینم که از دیدن‌شان خوشحالم. من به حال آنها غبطه می خورم که آنها چه شدند و چه موقعیتی به دست آوردند، اما من با اینکه رییس‌جمهور شده‌ام، از آنها عقب هستم . آنها پدر شهید هستند. من هم بچه‌هایم را به جبهه‌فرستادم اما شهادت نصیب‌شان نشد. دوستان عزیز من در اینجا، به این خاطر باعثِ افتخار من هستند که هرگز برای خودشان و روستا، چیزی از من نخواسته اند؛ هر چه هست بدون کمک من، به دست خودشان ساخته شده است. واقعاً این شرافتمندانه است که شما از آب شور و زمین شور، زندگی موفقی را می گذرانید.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های ۱۳٦۹» ، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲ .

۳ - آقای هاشمی در این مصاحبه گفت: «این سفر، یک سفر کاری و خالی از تشریفات بود و به همین دلیل به مراکزِ استان‌ها نرفتیم. علتِ دیدار این بود که قرار است به مناطق محروم و مُستعد کشور در برنامه‌های آینده توجه بیشتری شود و ما در این سفر توانستیم نقاطی را ببینیم که با نقل قول دیگران، نمی توان آن را لمس کرد و این سفر برای من سفر خوبی بود و تصمیمات خوبی توانستیم بگیریم.» برای مطالعه متن کامل مصاحبه رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، مصاحبه های ۱۳٦۹» ، زیر نظر محسن هاشمی، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲ .



بازدید از مراکز صنعتی رفسنجان



در کنار مسئولان استان کرمان و شهرستان رفسنجان

گذشت. آقای شیخ محمد هاشمیان[1] آمد. دربارهٔ موقوفات مُسترد شده در رفسنجان و اوضاع منطقه و نیز دربارهٔ اعزام بازرس‌های پی‌درپی، برای بررسی مسایل موقوفات شیخیّه که اخیراً به ایشان واگذار شده، گفت و گو شد.

احمدآقا آمد. برای برگزاری مراسم سالگرد[ارتحال] امام و تکمیل ساختمان حرم امام استمداد کرد. فاطی از کیش آمد؛ مقداری صحبت کردیم.

چهارشنبه ۸ فروردین ۱۳۶۹ | ۱ رمضان ۱٤۱۰ ۲۸ مارس ۱۹۹۰

امروز اول ماه رمضان است. ساعت سه و نیم بامداد، با زنگ ساعت، برای سحری بیدار شدم. من و یاسر روزه می‌گیریم. بعد از نماز تا ساعت هشت صبح خوابیدم.

به دفترم رفتم. آقایان [ابوالفضل]توکلی[بینا] و دکتر قاضی برای تبریک عید آمدند. آقای[رضا] امراللهی، [رییس سازمان انرژی اتمی]، برای امور انرژی اتمی و دکتر[حسن] حبیبی، [معاون اول رییس‌جمهور]، برای امور جاری کشور و آقای[مرتضی] الویری، [رییس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس]، برای بحث دربارهٔ اجرای برنامه پنجساله اول آمدند.

آقایان[عیسی]کلانتری و [جلال]ساداتیان از سفر زلاندنو آمدند و پیام [جیمز بیکر]، وزیر امور خارجه آمریکا را که توسط وزیر امور خارجه زلاندنو، برای ایران به منظور تحسین روابط و حل مسالهٔ گروگان‌ها ارسال شده بود، آوردند. همچنین متن گزارش کمیته روابط خارجی کنگره آمریکا، مبنی برتمایل بهبود روابط با ایران را که

---

۱ - آیت‌الله شیخ محمد هاشمیان (۱۳۰۷ – ۱۳۹۰)، فرزند آمیرزا عباس، پسر عمو و همسرخواهرِ آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، از علمای مبارز حوزه علمیه قم بود؛ اقدام شاخص ایشان در دوران مبارزه، اعتراض به تبعید امام خمینی در ۱۳ آبان ۱۳٤۳ با تهیه طوماری که با خون مردم امضا شده بود و ارسال آن به سیزده کشور جهان محسوب می‌شود. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، علاوه بر نمایندگی ولی‌فقیه و امامت جمعه شهر رفسنجان ، تا سال ۱۳٦۵ حاکم شرع منطقه بود. آیت‌الله هاشمیان، علاوه بر مشاغل سیاسی ، به تدریس در حوزه علمیه و دانشگاه‌های مختلف اشتغال داشت. ایشان پس‌از ۳۰ سال نمایندگیِ ولی فقیه و امامت جمعه، در ۱۹ آذر ۱۳۹۰ در سن ۸٤ سالگی در شهر رفسنجان درگذشت.

وزیرامورخارجه زلاندنو به آنها داده بود، آوردند.

عصر هیأت دولت جلسه داشت. تصمیماتی در خصوص دادن تسهیلات و تخصیص ارز به دستگاه‌ها و تصویب آیین‌نامه‌های اجرایی گرفته شد. ساعت شش و نیم به خانه رسیدم. افطار، فاطی و بچه‌ها بودند.

پنج‌شنبه ۹ فروردین ۱۳۶۹ | ۲ رمضان ۱۴۱۰ ۲۹ مارس ۱۹۹۰

ساعت هفت و نیم صبح بیدار شدم. درگزارش‌های خارجی، کشف باند قاچاق فیوزهای بمب هسته‌ای به عراق در لندن، در صدر اخبار است[1]. به دفتر رسیدم. آقای[حسین] محلوجی، [وزیر معادن و فلزات] آمد؛ عازم ایتالیا است. برای مطالب مورد بحث مشورت کرد. گفتم تاکید کند که تحویل ناوها به عراق، قبل از تکمیل صلح، تحمل پذیر نیست.

آقای [اکبر]ترکان، [وزیر دفاع] آمد. در مورد چند دعوی با خارجیان که در [دیوان داوری بین المللیِ]لاهه مطرح است، منجمله شرکت بل در مورد ساخت هلی‌کوپتر و تشکیل شرکت با پاکستان برای ساخت هلی‌کوپتر، گزارش داد و مشورت کرد.

آقای[مهدی] کروبی، [رییس مجلس شورای اسلامی] برای دیدار نوروزی آمد. درباره مسایل سیاسی و اقتصادی مذاکره کردیم. گفت حدس می‌زنند مسألهٔ تلفن [جرج]بوش، [رییس جمهور آمریکا]، با مقدمه‌چینی برخی رادیکال‌ها بود. عصر تلفنی گفت، مجله تایم

---

۱ - سه هفته پیش از این، یعنی اواخر اسفند سال ۱۳۶۸، آقای خاویر پرز دکوئیار دبیرکل سازمان ملل پیشنهاد کرده بود، ایران و عراق در سطح وزیران امور خارجه، به طور مستقیم در نیویورک با هم مذاکره کنند. رادیو بی‌بی‌سی در گزارشی که روز سه شنبه ۷ فرورین پخش شد، در این باره گفت: «آقای هاشمی رفسنجانی علناً اظهار نظرهای مثبتی در مورد پیشنهادهای دبیرکل سازمان ملل متحد کرده است و آقای دکوئیار در گزارش خود به شورای امنیت سازمان‌ملل، به این اظهارات رییس جمهور ایران اشاره نموده، اما در عین حال از کُند بودن فعالیت‌های صلح‌جویانه بین ایران و عراق، اظهار ناشکیبایی کرده است. به عقیده او وقت آن رسیده است که دو طرف، پذیرش پیشنهادهای تازه را به وی اطلاع دهند. به نظر می رسد هنوز نمایندگان ایران و عراق، در تبادل نظرهای غیررسمی خود با مقامات سازمان ملل، به کندی پیش می روند. مقامات ایران می‌گویند ابهاماتی وجود دارد که باید روشن شود و به نظر می‌رسد عراقی ها، فقط به مسایل نظام‌نامه‌ای تمرکز کرده اند. مقامات سازمان ملل هنوز هم خوشبین هستند که دو کشور، ظرف ده روز آینده به دبیرکل سازمان ملل پاسخ مثبت دهند.» منبع : نشریه ویژه خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۹/۱/۸، صفحه ۵

آمریکا همین را نوشته است[۱].

عصر تیمسار[منصور] ستاری، [فرمانده نیروی هوایی ارتش] آمد. گزارش پروازهای نظامی در خدمت مسافران عادی را داد و برای خرید تجهیزات کارخانه هواپیماسازی استمداد کرد. آقای جلیل بشارتی، [رییس دفتر مناطق محروم نهاد ریاست جمهوری] آمد و برای امور مناطق محروم استمداد کرد. تیمسار[مصطفی] ترابی[پور]، [فرمانده حفاظت اطلاعات ارتش]آمد و گزارش سفر به پاکستان را داد. افطار به خانه آمدم.

جمعه ۱۰ فروردین ۱۳٦۹ | ۳ رمضان ۱٤۱۰ ۳۰ مارس ۱۹۹۰

در منزل بودم. علی و محمد - اخوی‌زاده‌ها - آمدند. مدتی بیرون خانه معطل شده بودند. محمد دانشجوی پزشکی است. او از کمبودهای دانشجویان از لحاظ رفاهی گفت و سئوالی در مورد کیفیت جمع بین اراده خدا و اراده انسان داشت که توضیح دادم.

عصر آقای [عبدالمجید]معادیخواه، [رییس بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی]آمد. مصاحبه‌ای درباره تاریخ و حوادث دوران انقلاب برای بنیاد تاریخ کردم[۲]. دکتر[علی‌اکبر] ولایتی، [وزیر امورخارجه] اطلاع داد که عربستان سعودی، شخصی را برای مذاکره در ژنو معین کرده است و ما هم دکتر[محمدعلی] هادی[نجف‌آبادی، سفیر ایران در امارات متحده

---

۱ - تماس اشتباهی «جرج بوش» پدر، رییس‌جمهور وقت آمریکا که در سال ۱۳٦۸ به منظور صحبت با آقای هاشمی، به عنوان رییس‌جمهور ایران گرفته بود، مدت‌ها مورد بحث رسانه های ارتباط جمعی قرار داشت. در خاطرات روز جمعه ۱۸ اسفند ۱۳٦۸ کتاب «بازسازی و سازندگی» آمده است: «رادیوآمریکا خبر عجیبی نقل‌کرد. کاخ سفید رسماً اعلان‌نمود که جرج بوش، یک ماه پیش تلاش‌کرده با من تلفنی صحبت کند که موفق نشده. معلوم شد با شخص دیگری صحبت‌کرده و او را دست انداخته‌اند. با اینکه من اصلاً خبر ندارم، در این مدت هم چیزی نگفته‌اند. با آیت‌الله خامنه‌ای مشورت کردم؛ قرار شد در نماز جمعه مطرح کنم.» ایشان در بخش دیگری از خاطرات، در روز دوشنبه ۲۱ اسفندماه آورده است: «عصر دکتر ولایتی [وزیر امورخارجه] آمد. دربارهٔ افتضاح سیاسی آمریکا و سوءتفاهم تلفنی بوش مذاکره کردیم. وزارت اطلاعات، نوار کوتاهی ضبط کرده که گویا گوشه‌ای از تلفن [جرج] بوش به شماره ۶۱۶۱ ریاست جمهوری است.».

۲ - مجموعه مصاحبه‌های آقای هاشمی با بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی، در کتاب «هاشمی رفسنجانی، دوران مبارزه، زیرنظر محسن هاشمی، دفتر نشر معارف انقلاب» به چاپ رسیده است.

عربی] را تعیین کرده‌ایم؛ قرار است فردا در ژنو مذاکره کنند[۱].

شنبه ۱۱ فروردین ۱۳٦۹ | ٤ رمضان ۱٤۱۰ ۳۱ مارس ۱۹۹۰

در خانه بودم. بیشتر وقت به استراحت و انجام کارهای جاری و مطالعه گزارش‌ها گذشت. محسن از سفر رفسنجان آمد. مقداری درباره امور آنجا و صنایع مجتمع صنعتی رفسنجان و اوضاع جاری مذاکره شد.

یکشنبه ۱۲ فروردین ۱۳٦۹ | ٥ رمضان ۱٤۱۰ ۱ آوریل ۱۹۹۰

دیشب و امروز باران خوبی بارید. ساعت هشت و نیم صبح به دفترم رفتم. امروز[به‌مناسبت روز جمهوری اسلامی] تعطیل رسمی است. آقای[علی‌محمد] بشارتی، [قائم‌مقام وزیر امور خارجه] از وزارت خارجه آمد و پنجاه هزار دلار برای برنامه‌های بازسازی هدیه آورد؛ یکی از شیوخ جنوب خلیج‌فارس که به دعوت او به ایران آمده، یک ماشین بنز هدیه داده که فروخته و پولش را به بازسازی داده است. او از وزارت اطلاعات به خاطرِ زیاده‌طلبی در سفارتخانه‌ها و مأموریت‌ها گله داشت. درباره سیاستِ خارجی نظرخواهی کرد.

مأموری از اطلاعات آمد؛ از مأموران ویژهٔ وزارت اطلاعات است. از وزارت اطلاعات به خاطر منزوی کردن طرفداران آقای منتظری در اطلاعات گله داشت. آقای[غلامعلی] حداد عادل آمد. از مدیریت فعلی وزارت آموزش و پروش اظهار رضایت کرد و در امورِ فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و آموزشی پیشنهادهایی داشت و برای تهیه مرکزی برای دانش‌آموزان نخبه‌ای که در مسابقات المپیاد ریاضی و فیزیک می‌درخشند، به منظور تشویق دانش‌آموزان علوم پایه، استمداد کرد.

[آقای آلفرد اِنزو] دبیر کل کنگره ملی آفریقای جنوبی آمد[۱]. اوضاع آفریقای جنوبی و

---

۱ - روابط ایران و عربستان سعودی، در سال ۱۳۶۶ در پی کشتار حجاج ایرانی بیت الله الحرام در مکه مکرمه، قطع شده بود و ایرانیان تا سال ۱۳۷۰ که روابط دوباره برقرار شد، به مراسم حج مشرف نمی شدند.

برنامه مبارزات و اهداف و شرایط را گفت و برای نیازهای مالی استمداد کرد. توضیحاتی خواستم که جواب داد. آقای نلسون ماندلا[۲] را دعوت کردم.

عصر آقای هاشمی گلپایگانی، [دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی] برای دستورِکار شورا آمد. فاطی، افطار و بچه‌هایش، ناهار در دفترم بودند، عفت و فرّخ[مرعشی، همسربرادرش]، برای زیارت به قم رفتند. مهدی و یاسر، افطار را با پاسداران منزل خوردند.

افطار را مهمان آیت‌الله‌خامنه‌ای بودم. تا ساعت نه شب مذاکره داشتیم. از برنامه‌های مخالفت‌آمیز رادیو و تلویزیون انتقاد شد؛ قرار شد برای اصلاح پیگیری کنیم. درباره قوه‌قضائیه و اختلاف آقای[محمد محمدی] ری‌شهری، [دادستان کل کشور] با آقای

---

۱ – در این دیدار ابتدا دبیرکل کنگره ملی آفریقا، با ابلاغ سلام های گرم و صمیمانه نلسون ماندلا اظهار داشت: «ما از نطقی که شما به مناسبت آزادی آقای ماندلا از زندان ایراد کردید، آگاه هستیم. مردم ایران برای کسب آزادی ماندلا از زندان، تلاش فراوانی کردند و ایشان از سهم ملت ایران در حمایت از مبارزات مردم مظلوم آفریقای جنوبی سپاسگزار است.» آقای هاشمی نیز با ابراز خوشحالی از دیدار با دبیرکل کنگره ملی آفریقا گفت:« مسالهٔ آفریقای جنوبی برای ما اهمیت زیادی دارد و این به خاطر ظلمی است که در آنجا وجود دارد. من نگران بودم که بعد از آزادی آقای ماندلا، یک نوع خوشبینی مفرط در بین شما رهبران مبارزه به وجود آید که در نتیجه، حق مردم در آنجا ضایع شود، ولی خوشبختانه با حرکت های مدبّرانهٔ آقای ماندلا و کنگره، نگرانی ما کم شده است. سلام مرا به آقای تامبو و آقای ماندلا برسانید. ما مایلیم آقای ماندلا را در اینجا ببینیم. مدتی من هم مثل ایشان زندانی بوده ام و آن احساسی را که یک زندانی نسبت به زندانی دیگر دارد، در من هنوز باقی‌است. ما از ایشان استقبال می کنیم.»

۲ – نلسون ماندلا، نخستین رییس جمهور آفریقای جنوبی است که در انتخابات دموکراتیک عمومی برگزیده شد. وی پیش از ریاست جمهوری، از فعالان برجستهٔ مخالف آپارتاید در آفریقای جنوبی و رهبر کنگره ملی آفریقا بود. او به خاطر دخالت در فعالیت‌های مقاومت مسلحانه مخفی، محاکمه و زندانی شد. مبارزه مسلحانه، برای ماندلا، آخرین راه چاره بود؛ او همواره پایبند به عدم توسل به خشونت بود. ماندلا در طول ۲۷ سال زندان، که بیشتر آن را در یک سلول سپری‌کرد، مشهورترین چهرهٔ مبارزه علیه آپارتاید در آفریقای جنوبی شد. پس از آزادی از زندان در سال ۱۹۹۰، سیاست صلح‌طلبی را در پیش گرفت، و این امر منجر به تسهیل انتقال آفریقای جنوبی به سمت دموکراسی‌ای شدکه نماینده تمامی اقشار مردم باشد. ماندلا پس از دریافت جوایزی در طول چهار دهه، هم اکنون یک چهره سرشناس است که همچنان در مورد مسایل مهم عقاید خود را ابراز می‌دارد. نلسون ماندلا رییس جمهوروقت آفریقای‌جنوبی در ۲۵ مهر ۱۳۷۸به آقای هاشمی چنین گفت: «ما مثل شما نداریم و در تاریخ فراموش نخواهید شد. شما هم، مانند من، برای پیروزی ملت‌تان در زندان بودید و زیر شکنجه قرار داشتید. عالیجناب می‌دانند که من چه می‌گویم و یک روز در زندان برابر با ۳۰ سال است و خیلی خوشحالم که یک مبارز، موفق شده است تا جمهوری اسلامی ایران را از لحاظ پیشرفت، به جایی برساند که درهای آن بر روی جهان باز است.»

[محمد]یزدی، [رییس قوه قضاییه] صحبت کردیم. از سفر مشهد گفتند. درباره اقدام ضربتی برای سوادآموزی هماهنگی شد. در مورد طرح وزارت دفاع برای ساختِ هلی‌کوپتر با شرکت پاکستان صحبت کردیم. شب به خانه آمدم. باران شدیدی می‌بارید. امسال از این لحاظ تاکنون خوب بوده است.

دوشنبه ۱۳ فروردین ۱۳٦۹ | ٦ رمضان ۱٤۱۰ ۲ آوریل ۱۹۹۰

در منزل بودم. بیشتر اوقات باران نرم و ریزی می‌بارید؛ لابد برای آنها که تصمیم رفتن به سیزده‌بدر دارند، مشکل درست می‌کند. دکتر ولایتی[وزیر امور خارجه]، تلفنی اجازه گرفت که برای لغو روادید با کشورآلمان شرقی اقدام کند.

آقای[محسن] قرائتی، تلفنی از مشکل اجرای تصمیم اجباری کردن سوادآموزی در تابستان آینده برای افراد در سنین ۱۰ تا ۳۵ ساله، اظهارنگرانی کرد؛ به این جهت که اکثر آنها کارگران فقیر و شاغل‌اند که مشکل است بتوانند نصف روز خود را صرف یادگیری سواد کنند؛ گفتم برای پیدا کردن راه‌های ممکن، بررسی بیشتری بکنند.

سه‌شنبه ۱٤ فروردین ۱۳٦۹ | ٦ رمضان ۱٤۱۰ ۳ آوریل ۱۹۹۰

ساعت هشت و نیم صبح به دفترم رسیدم. تا ساعت نُه و نیم، گزارش‌ها را خواندم. با [آقای محمدرضا نعمت زاده]، وزیر صنایع، درباره فعالیت صنایع و عرضه آنها صحبت کردم. [سرهنگ رضا نیک نژاد]، رییس شهربانی[کل کشور] آمد. گزارش کار شهربانی در سال ۱۳۶۸ را داد و نیازها را گفت. از وزارت کشور به خاطر توجه بیشتر به کمیته[۱] گلایه داشت.

---

۱ - کمیته‌های انقلاب اسلامی، در ۲۳ بهمن ۱۳۵۷ تاسیس شد. پایگاه‌های اولیه کمیته‌ها در مساجد محلات بود و روحانیون نقش عمده‌ای در هدایت آن برعهده داشتند. آیت‌الله محمدرضا مهدوی کنی، اولین سرپرست کمیته‌ها بود. این نهاد انتظامی در ابتدای پیروزی انقلاب، به خلع سلاح و تامین امنیت مراکز حساس، مصادره اموالِ عناصر طاغوتی، و دستگیری برخی مقامات سابق می‌پرداخت. بعدها وظیفه مبارزه با موادمخدر و همچنین مفاسد اجتماعی به کمیته‌ها سپرده شد. بعد از آیت‌الله مهدوی کنی، آقایان علی فلاحیان، احمد سالک، سیدسراج‌الدین موسوی و مختار کلانتری ☜

آقای[عباسعلی] وکیلی آمد. گزارش عملکرد امداد و درمان جنگ را داد و برای کار آینده، اظهار تمایل کرد که امور اسرا را به عهده بگیرد. آقای [محمدحسن]زورق، [معاون سیاسی صداوسیما]آمد. درباره شیطنت‌های تبلیغاتی بعضی از عناصر در صداوسیما مذاکره کرد. قرار شد برای جلوگیری از اِعمال غرض آنها، موضوع بررسی شود.

عصر شورای‌عالی انقلاب فرهنگی جلسه داشت. آیین‌نامه دانشگاه آزاد اسلامی اصلاح شد و چند مصوبه دیگر داشتیم. اعضای شورا، افطار مهمان من بودند. محسن آمد و برای کارهای البرز قم، پول شخصی گرفت؛ قبل از انقلاب، ده هکتار زمین برای پسته‌کاری خریده بودیم . آقاجلال آمد و برای مخارج منزل پول گرفت.

شب تا ساعت هشت و نیم، کارها را انجام دادم و به منزل آمدم. در گزارش‌ها، مسالهٔ تلاش عراق برای ساخت بمب اتمی و عقب‌نشینی رهبران جمهوری لیتوانی از مواضع استقلال‌طلبانه، در صدر است.

برف و باران و تگرگ در اکثر نقاط کشور می‌بارد. در شمال غرب، بخشی از محصولات سردرختی را سرما زده است.

چهارشنبه ۱۵ فروردین ۱۳٦۹ | ۸ رمضان ۱٤۱۰ ٤ آوریل ۱۹۹۰

ساعت هشت و نیم به دفترم رسیدم. ساعت نُه و نیم، آقای[حسین] مظفر، مدیرکل آموزش و پرورش معزول تهران آمد؛ از خودش دفاع کرد و اتهامات گروه‌گرایی، باندبازی و مخالفت با رهبری را بی‌اساس خواند و از عزل و نصب‌های زیاد آموزش و پرورش شکایت کرد.

آقای[عباس]امام جمعه، قاری ایرانی که در مسابقات بین المللی قرآن کریم کشور مالزی، مقام اول را به دست آورده است، همراه با[آقای علی اکبر حنیفی]، داور ایرانی آمدند و گزارش کار دادند. آنها از پیشرفت فنون قرائت قرآن در ایران، پس از انقلاب،

فرماندهی کمیته‌ها را عهده‌دار بودند. پس از تصویب قانون تشکیل نیروی انتظامی در فروردین سال ۱۳۷۰، کمیته‌ها، با شهربانی و ژاندارمری ادغام شد و نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران به وجود آمد.

ستایش کردند؛ تشویق‌شان کردم[1]. به قاری ده سکه بهار آزادی و به داور یک سکه همـراه با کتاب «امیر کبیر، یا قهرمان مبارزه با استعمار» هدیه دادم.

اعضای شورای مرکزی دفتر تحکیم وحدت آمدند. از خودشـان درخـصوص اتهامـات مخالفت با رهبری و دولت و مواضع افراطی و تندروی، دفاع کردنـد و بـرای مـشکل بـروز جریان اسلامی مخالف‌شان، تحت عنوان «جامعه اسلامی دانشجویان» و زیاد شدن اختیارات نمایندگان رهبری در دانشگاه ها و طبعاً پیشامد محدودیت برای خودشان استمداد نمودند.

دکتر ولایتی[وزیرامور خارجه] آمـد. دربـاره مـسالهٔ گروگـان‌هـا در لبنـان[2] و روابـط بـا عربستان سعودی و پاسخ به اتهامات وارده توسط رسانه‌هـای غربـی علیـه ایـران، مـذاکره و تصمیم‌گیری شد.

عصر هیأت دولت جلسه داشت. در خصوص نحوهٔ تهیه و تصویب آیین‌نامه‌های برنامـه و بودجه تصمیم‌گیری کردیم و درباره مناطق آزاد مذاکره شد. اعضای هیأت دولت، افطار میهمان من بودند. در راه خانه، به منزل بچه‌ها رفتم. در منزل فاطی پذیرایی شد. منازل نوساز محسن و فائزه را هم دیدم؛ بد نیست. بهتر از این هم مـی‌شـد سـاخت؛ تـاکنون منازلـشان را ندیده بودم.

---

۱ - ایشان ضمن تشکر از تلاش قاری ایرانی، حرکت در وادی مقدس قرآن را کاری شایسته دانست و قرائت قرآن را بسیار مفید و ارزشمند توصیف کرد و گفت: «برای ما قابل توجه است که در جمع کشورهایی که عربی، زبان مادری آنهاست، شما برنده شده‌اید . این کار به عنوان یک ارزش، قابل تشویق است.پیشتازی اُدبا و دانشمندان ایرانی در فهم و درک ادبیات عرب در مقایسه با دانشمندان عرب، پرافتخار بوده و ایران از اوّل اسلام، در این زمینه ها جایگاه شایسته‌ای داشته و افتخار اخیر شما هم نشان دهنده آن است که این جایگاه همچنان حفظ شده است.»

۲ - روزنامه الدیار، چاپ بیروت، در شماره روز پنج شنبه ۶۹/۱/۹ نوشت: «آقای محمود هاشمی، برادر رییس‌جمهور ایران، چند روز پیش در تلاش برای انجام مذاکراتی جهت کمک به آزادی گروگان های غربی، محرمانه از لبنان دیدار به عمل آورده است. محمود هاشمی با رهبران حزب الله که گفته می شود گروگان های غربی از جمله هشت آمریکایی را در اختیار دارند، مذاکراتی را انجام داده است. وی همچنین در دره بقاع با سید حسین موسوی رهبر جنبش امل اسلامی نیز مذاکره نموده است. سفر محمود هاشمی به لبنان بخشی از تلاش رییس‌جمهور ایران برای تامین آزادی گروگان‌های خارجی در لبنان می باشد.» منبع: نشریه ویژه خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۹/۱/۱۰، صفحه۷ .

پنج‌شنبه ۱۶ فروردین ۱۳۶۹ | ۹ رمضان ۱۴۱۰ ۵ آوریل ۱۹۹۰

تا ساعت نُه و نیم صبح، گزارش‌ها را خواندم؛ مسأله مهمی نداشتم. آقای [هادی] نژادحسینیان، [وزیر صنایع سنگین]آمد. گزارش سفر به سوئد را داد و از تمایل سوئدی‌ها به همکاری با ایران و امضای تفاهم نامه در موارد همکاری‌های صنعتی و تجاری گفت. در مورد عملکرد صنایع سنگین و تولیدات، گزارش داد که تا نیمه سال، در حد یک شیفت فعال می‌شود.

ظهر محسن و یاسر آمدند. عصر آقای دکتر[محمدعلی] نجفی، [وزیر آموزش و پرورش] آمد. نیازها و کمبودهای آموزش و پرورش را گفت و استمداد کرد. آقای [ابوالفضل]توکلی‌بینا، [مشاور رییس‌جمهور در امور اصناف]، تلفنی از اقدام شهرداری‌تهران در جمع‌آوری دکه‌های یخ فروشی و روزنامه‌فروشی سطح شهرانتقاد داشت. برای افطار به خانه آمدم.

جمعه ۱۷ فروردین ۱۳۶۹ | ۱۰ رمضان ۱۴۱۰ ۶ آوریل ۱۹۹۰

نزدیک صبح بیدار شدیم، زنگ ساعت را آماده نکرده بودم. همراه مهدی و یاسر، با عجله سحریِ مختصری خوردیم. تا ساعت ده و نیم صبح برای خطبه‌های جمعه مطالعه کردم. نماز جمعه را در دانشگاه تهران اقامه کردم و برنامه ضربتی سواد آموزی را توضیح دادم[۱].

---

۱ - در خطبه اول، در مورد فضیلت ماه مبارک رمضان و اهمیت و ابعاد گوناگون عبادت و بندگی خداوند و تفکر به عنوان عالی‌ترین عبادت، بحث‌هایی مطرح شد. خطیب جمعه تهران، در خطبه دوم، موضوع سوادآموزی را مورد توجه قرار داد و در خصوص بی‌سوادی یکی از بلایای جامعه بشری، تأکید اسلام به آموختن علم، لزوم سوادآموزی برای مردم، زمان شروع کلاس‌ها و عدم اجبار بی‌سوادان برای حضور در کلاس‌ها و اولویت‌ها در سوادآموزی، مطالبی را برای نمازگزاران بیان کرد. آقای هاشمی در ادامه به شرح مسافرت نوروزی خود به مناطق محروم جنوب کشور پرداخت و در مورد وضعیت مردم نقاط محروم کشور، لزوم وجود سد در منطقه جنوب بلوچستان و فقرزدایی در اثر اجرای پروژه‌های سازندگی، سخنانی ایراد کرد. در خطبه عربی نیز در خصوص مهاجرت یهودی‌ها از اتحادجماهیر شوروی به فلسطین اشغالی، ایجاد و گسترش اندیشه اسرائیل بزرگ و سهل‌انگاری کشورهای عربی در برخورد با مسایل فلسطین، تحلیلی ارائه داد. رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های جمعه سال ۱۳۶۹،» زیرنظر محسن هاشمی، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۹۲.

آقای[محمدباقر]حکیم، [رییس مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق]، برای انجام تبلیغات در شرایط جدید غرب با صدام استمداد کرد.

عصر بستگان آمدند. حال همشیره فاطمه که اخیراً جراحی قلب شده خوب است؛ راضی است.

شنبه ۱۸ فروردین ۱۳۶۹ | ۱۰ رمضان ۱۴۱۰ — ۷ آوریل ۱۹۹۰

ساعت هشت و نیم صبح به دفترم رسیدم. تا ساعت نُه ونیم، کارها را انجام دادم. آقای[رضا] امراللهی، [رییس سازمان انرژی اتمی] آمد. در مورد راه‌اندازی دو راکتور کوچک در اصفهان، از نوع آبی و گرافیت که از چین گرفته‌ایم، گزارش داد و برای سرعت کارها استمداد کرد.

دکتر [حسن]حبیبی، [معاون اول رییس جمهور] آمد؛ برای امور جاری نظرخواهی کرد و گزارش دیدار از مجتمع تحقیقات موشکی جهادِ سازندگی را داد. آقای[محمدجواد] لاریجانی آمد. تحلیلی از اوضاع جهانی و برنامه‌های آمریکا برای اروپا، خاورمیانه، ژاپن و خلیج‌فارس داد؛ پیشنهاد تقویت ارتباط با اروپا را داشت.

عصر آقای عبدالله نوری، [وزیر کشور] آمد. گزارش سفر به شرق و جنوب کشور و اجرای طرح‌های عملیاتی برای کنترل مرزها و مبارزه با قاچاق را داد و خواست بخشنامه‌ای از سوی من، برای جلوگیری از حضور افراد بدحجاب در مراکز دولتی صادر شود.

آقای[علاءالدین] بروجردی، [معاون آسیا و اقیانوسیه وزارت امور خارجه] آمد. گزارش وضع افغانستان، کشمیر و بعضی دیگر از کشورهای شرق را داد و دربارهٔ مسایل مربوط به آنها مشورت کرد. او گفت چینی‌ها بعد از حوادث سال گذشته، آزادی‌ها را و منجمله آزادی‌های اسلامی را محدود کرده‌اند.

افطار، تمام کارکنان دفتر، محافظان و انتظامات، مهمان من بودند. بعد از افطار برای آنها صحبت کوتاهی کردم.[1] تا ساعت هشت و نیم، در دفترم کار کردم و به خانه آمدم.

---

۱ - آقای هاشمی در بخشی از سخنان خود گفت: «کارکنان دفتر اگر کاری با من داشتند، راهشان باز باشد که بیایند با من حرف‌شان را بزنند؛ من مطلع باشم از وضعی که اینجا می‌گذرد. اگر در دفتر خودم موفق نباشم، قاعدتاً

عفت هم از مهمانی نوهٔ امام آمد.

یکشنبه ۱۹ فروردین ۱۳۶۹ | ۱۲ رمضان ۱۴۱۰ ۸ آوریل ۱۹۹۰

ساعت هشت و نیم صبح به دفترم رسیدم. آقای[محسن] نوربخش، [وزیر امور اقتصادی و دارایی] آمد. درباره سیاست ارزی و مسایل اقتصادی، مطالبی داشت و از ضرورت اقداماتِ سیاسی، برای ایجاد تسهیلات در فروش نفت گفت؛ در حال حاضر نوعی بایکوت و محدودیت داریم که نمی‌توانیم به راحتی نفت بفروشیم؛ بیشتر کارشکنی‌ها از سوی آمریکا و انگلیس است.

آقای علی حجتی[کرمانی][1] آمد. گفت معتقد است که مواضع ما درست بوده و گرنه انقلاب به بیراهه می‌رفت. خواستار توجه بیشتر و دادن امکان برای کار بیشتر برای انقلاب شد. او پیغام آقای سید رضا صدر را آورد که خواسته بود آیت‌الله قمی[2] را آزاد بگذارند؛ تعهد می‌نماید که مزاحم نشود.

در کشور هم نمی‌توانم موفق باشم. اینجا اگر مجموعه سالم، فعال و رو به راهی باشد، تأثیرش هم در جامعه زیاد است؛ البته در این مدت، نقطه ضعف روشنی برخورد نکردم و شکایتی هم به من نشده است، حالا ممکن است بعضی از آقایان شکایتی داشته باشند و به من نگفته باشند. خواهش می‌کنم شکایت را بگویید؛ یعنی مخفی نکنید. مطالب برای من اهمیت دارد، ولو کوچک هم باشد، من مطلع باشم.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۹،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۹۲.

۱ - حجت الاسلام والمسلمین شیخ علی حجتی کرمانی (۱۳۱۶- ۱۳۷۹)، روحانیِ نویسنده و پژوهشگر، از دوستان دوران مبارزهٔ آقای هاشمی بود. ایشان از طلاب برجسته دروس فقه و اصول نزد حضرت امام (ره)، آیات سید محمد محقق داماد و حاج شیخ مرتضی حایری و از دانش‌آموختگان فلسفه در محضر علامه طباطبایی محسوب می‌شد و سوابق طولانی در مبارزه با رژیم سلطنتی و حکومت پهلوی داشت. مرحوم حجتی کرمانی، عضو هیأت علمی دانشکده الهیات دانشگاه آزاد اسلامی و استاد مدعو در دانشکده الهیات دانشگاه تهران بود.

۲ - آیت‌الله سید حسن طباطبایی قمی (۱۲۹۰- ۱۳۸۶)، یکی از مراجع مستقر در مشهد مقدس بود. با آغاز نهضت امام‌خمینی در سال ۱۳۴۲، ایشان نیز در این حرکت شرکت جست و سال بعد همراه با حضرت امام(ره) بازداشت شد و تا پیروزی انقلاب اسلامی در شهرهای مختلف، عمدتاً در کرج، در تبعید زندگی کرد. در زمان انقلاب نیز، آیت الله قمی به حمایت از امام پرداخت، اما زمانی که نظریه ولایت فقیه به عنوان رکن اصلی قانون اساسی مطرح شد، ایشان و برخی دیگر از روحانیون به مخالفت با این نظریه پرداختند و ادعا کردند که مخالفِ آموزه‌های دین اسلام و مذهب تشیّع است. بدین ترتیب، آیت الله قمی، با وجود سوابقی که در همراهی با نهضت اسلامی داشت، تحت حبس خانگی قرار گرفت و در سال ۱۳۸۶ بدرود حیات گفت.

جمهوری اسلامی ایران
مرکز تحقیقات و مشاوره دانشگاه تهران

شماره ....
تاریخ ....
پیوست ....

بسمه تعالی

حضرت حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای هاشمی رفسنجانی
ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

سلام علیکم،

احتراماً "باستحضار عالی می رساند باتوجه به ضرورت بازسازی مناطق آسیب دیده جنگی درکوتاه ترین مدت ممکن وباشایسته ترین وجه که متناسب با شئونات عالیه جمهوری اسلامی ایران باشد وبا درنظرگرفتن اینکه تشکیلات موجود ناظر بر بازسازی، ومقرراتی که برای این امر مهم بکار گرفته می شود، علیرغم تلاش مسئولین، پاسخگوی نیازهای کمی وکیفی بازسازی نبوده ومعالا" باعث عدم موفقیت شایسته در امر بازسازی گردیده و بالنتیجه تبعات سیاسی اقتصادی اجتماعی منفی ببار خواهد آورد، لذا باتوجه به مطالعات انجام یافته بوسیله مرکز تحقیقات ومشاوره دانشگاه تهران درباره مشکلات ونارسائیهای بازسازی وراه حل آنها، خواهشمند است موافقت فرمائید این مرکز طرح تشکیلات ومقررات حاکم بر بازسازی به همراه گزارش توجیهی مربوط به آن را ظرف مدت یکماه تهیه نموده وجهت اتخاذ تصمیم تقدیم حضرتعالی نماید.

ومن الله التوفیق
غلامرضا مهرعبداللهی
مدیر مرکز تحقیقات ومشاوره دانشگاه تهران

۶۹/۱/۱۹

۶۹/۱/۱۹
۴۱۷۲

نامه مرکز تحقیقات و مشاوره دانشگاه تهران در خصوص مشکلات بازسازی مناطق جنگی

آقای[غلامرضا] آقازاده، [وزیر نفت] آمد. خبر پیشرفت کارخانه تولید کود فسفات را داد و تأکید بر تعجیل استحصال فسفات از معادن را داشت و خواست که برای افتتاح کارخانه متانول به شیراز بروم؛ گفتم برنامه سفر به فارس دارم. او قصد چند مسافرت برای فروش نفت دارد.

آقای[جواد] مقصودی از ستاد[برگزاری] نماز جمعه[تهران] آمد. مقداری از رادیکال‌ها و اظهارات آقای[مهدی]کروبی در مراسم ۱۲ فروردین، [روز جمهوری اسلامی] انتقاد داشت و در خصوص زدن سقف موقت روی زمین چمن دانشگاه تهران برای نماز جمعه توضیح داد؛ گفتم با خرج سنگین نباشد. او خواستار تعیین هیأت مدیره برای ساخت مصلا شد.

مسئولان مرکز تحقیقات[و مشاوره]دانشگاه تهران[1] آمدند. گزارش دادند و من تشویق کردم که تحقیقات دانشگاهی با نیازهای اجرایی هماهنگ شود[2]. عصر در جلسه هیأت دولت شرکت کردم. جزیره قشم به عنوان منطقه آزاد تصویب شد که با یک شورای سیاستگذاری عمل نماید. قرار شد خبر را بعد از پیش‌بینی‌های لازم، برای جلوگیری از سوءاستفاده‌هایی در تجاوز به اراضی، اعلام کنیم.

تب داشتم و بعد از جلسه لرز هم آمد؛ با تب‌ولرز به دفترم آمدم. دکتر[هادی] منافی، [رییس سازمان نظام پزشکی] آمد؛ آمپول تزریق کرد و دارو داد. شب در دفترم ماندم. جلسه با رهبری را لغو کردم.

---

۱ - مرکز تحقیقات و مشاوره تحقیقات و مشاوره دانشگاه تهران به مدیریت مهندس غلامرضا مهر عبداللهی و با عضویت رؤسای دانشکده های معماری و شهرسازی و فنی مهندسی تشکیل شده بود تا با استفاده از نیروی بالقوه ۲۷هزار دانشجو، ۱۶۰۰ عضو هیات علمی شامل ۷۵۰ نفر دکتر و ۱۷۵ نفر فوق لیسانس، به تحقیقات علمی بپردازد. یکی از پژوهش های این مرکز، تهیه طرح جامع تفصیلی برای مناطق جنگی و تهیه طرح نظام تحقیقاتی و تشکیلاتی کشور بوده است.

۲ - در این دیدار، آقای هاشمی توجه استادان دانشگاه ها را به این مساله جلب کرد که موضوع پایان نامه و رساله‌های دانشجویان، بر مبنای نیاز های جامعه به دانشجویان عرضه شود تا در جهت رفع مشکلات کشور و حل معضلات جاری جامعه کارساز باشد و بر لزوم بسیج دانشجویان و دانشگاهیان، برای تهیه و اجرای طرح های عمرانی کشور تاکید نمود. رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های ۱۳۶۹» ، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲ .

دوشنبه ۲۰ فروردین ۱۳۶۹ | ۱۳ رمضان ۱۴۱۰ ۹ آوریل ۱۹۹۰

شب به خاطر تب و کسالت، با ناراحتی خوابیدم. روزه نشدم؛ باید دارو بخورم. صبحانه، شیر خوردم. ملاقات‌ها را لغو کردیم. تا ساعت یازده صبح استراحت کردم. کارها را انجام دادم.

عصر شورای اقتصاد جلسه داشت. درباره خرید کالاهای اساسی و قیمت وانت مزدا و چند موضوع دیگر تصمیم‌گیری شد. کمی هم تب داشتم. کارها را انجام دادم و به خانه آمدم. به آقای[حسین] محلوجی، [وزیر معادن و فلزات]، تلفنی گفتم که با آقای مهدی تاجر، برای سرمایه‌گذاری در جزیره قشم مذاکره کند.

سه‌شنبه ۲۱ فروردین ۱۳۶۹ | ۱۴ رمضان ۱۴۱۰ ۱۰ آوریل ۱۹۹۰

به خاطر کسالت روزه نشدم. ساعت نُه ونیم صبح، به دفترم رسیدم. کارهای عقب مانده انجام شد. آقای فخرالدین حجازی،[1] [نماینده تهران در مجلس] آمد. گزارش سفر به شرق

---

۱ - آقای فخرالدین حجازی (۱۳۰۸ - ۱۳۸۶) از سخنرانان مذهبی فعال انقلاب اسلامی بود. او همچون مبارزان مشهدی دیگر، به آیت‌الله میلانی نزدیک بود و به توصیه ایشان به تهران رفت و با حمایت مالی ایشان، مؤسسه انتشاراتی بعثت را برای چاپ کتاب های مذهبی تاسیس کرد. فخرالدین حجازی به دلیل قدرت بیان فراوان و تسلطی که بر سخنوری داشت، به عنوان یکی از سخنرانان مشهور مذهبی مطرح شد. وی از نخستین سخنرانان حسینیه ارشاد بود و به سخنرانی های تند و آتشین در انتقاد از وضعیت سیاسی و اجتماعی ایران که با لحنی گیرا و پرهیجان ایراد می‌شد، شهرت داشت. وی با صورت تراشیده و کت‌وشلوار، از مبلغان مذهبی با چهره متمایز محسوب می‌شد. حجازی پس از انقلاب، در نخستین انتخابات مجلس شورای اسلامی، با کسب بیش از یک و نیم میلیون رأی، بیشترین شمار آرا را از میان همه نامزدهای نمایندگی، به خود اختصاص داد و به عنوان نماینده اول تهران وارد مجلس شد. پس از سال‌های نخست انقلاب، حضورش در صحنه سیاسی کمرنگ شد و از دومین دهه، عملاً در سکوت فرو رفت. یک بار در حضور حضرت امام(ره) با لحنی مبالغه‌آمیز و با برشمردن صفات متعدد و پی در پی، از جمله تشابه رهبری به سلیمان نبی که حکمرانی بر جهان گوارایش باد، به تمجید از ایشان پرداخت. این سخنان با واکنش منفی امام همراه بود: «من خوف این را دارم که مطالبی که آقای حجازی فرمودند درباره من، باورم بیاید. من خوف این را دارم که با این فرمایشات ایشان و امثال ایشان، برای من یک غرور و انحطاطی پیش بیاید. من به خدای تبارک و تعالی پناه می‌برم از غرور. من اگر خودم برای خودم نسبت به سایر انسان ها یک مرتبتی قائل باشم، این انحطاط فکری است و انحطاط روحی. من در عین حال که از آقای حجازی تقدیر می کنم که ناطق برومندی است و متعهد، لکن گله می کنم که ←

را داد و گفت که مسلمانان منطقه به شدت طرفدار انقلاب ایران هستند. او خواستار حمایت نهضت‌های اسلامی با امکانات مادی شد. از تضعیف رادیکال‌ها با سیاست رهبری و عمل کارکنان بیت رهبری، اظهار نگرانی کرد. گفتم آنها که قبل از رهبری ایشان، به نوعی ایشان را آزار می‌دادند، اکنون باید با جبران عمل گذشته خود، اعتماد ایشان را جلب کنند. از عدم استفاده از سخنرانی‌هایش در رادیو گله کرد و گفت همراه آقای سید هادی خامنه‌ای، قصد سفر به شوروی را دارند.

آقای[محمدحسن] رحیمیان، جانشین سرپرست بنیاد شهید آمد و گزارش جامعی از وضع بنیاد داد. خانواده حدود ۱۶۰هزار شهید، ۴۰ هزار مفقودالاثر و ۲۰هزار اسیر را تحت پوشش دارند؛ حدود ۲۰هزار نفر از مفقودان، اسرای ثبت نام نشده هستند. تعداد اعضای خانواده آنها شامل همسر، پدر، مادر، اولاد و بعضی برادر و خواهرها، که به نحوی از امکانات بنیاد شهید استفاده می‌کنند، حدود یک و نیم میلیون نفر است.

او گفت اگر بنیاد بخواهد، برنامه دلخواه را برای آنها اجرا کند، سالیانه مبلغ حدود بیست و سه میلیارد تومان بودجه لازم است؛ فعلاً دوازده میلیارد تومان بودجه دارد. برای بهتر کردن وضع آنها استمداد کرد. گفتم سیاست اصلی بنیاد بر تهیه شغل مناسب باشد. از وضع روحی همسران شهدا مخصوصاً اظهار نگرانی کرد ؛ از حدود ۶۰ هزار همسر شهید، فقط حدود ۱۰هزار نفر ازدواج کرده‌اند و بقیه، اکثرشان نیاز جدی به ازدواج دارند؛ گفتم، خوب است تبلیغاتی بشود که همسران شهدا، حاضر بشوند ازدواج کنند و مستمریِ آنها در این صورت قطع نشود؛ قرار شد بررسی کنند.

عصر مسئولان طرح بزرگ نیشکر خوزستان آمدند و گزارش کار دادند. قرار است ۸۴هزار هکتار زمین، در مدت پنج سال، به زیر کشت نیشکر برود و با ایجاد صنایع مربوطه و کاغذ، علوفه، غذای دام و نئوپان، مجموعاً ۶۰ میلیارد تومان سرمایه‌گذاری‌شود. مخارج ارزی این طرح از طریق فاینانس تأمین خواهد شد. برای رفع مشکلات طرح، استمداد کردند. من به خاطر اهمیت طرح، قول مساعدت جدی دادم. بنا به گفته آنها، ظرف دو سال

در حضور من، مسایلی که ممکن است من باورم بیاید، فرمودند». آقای حجازی در سال ۱۳۸۶ در سن ۷۷ سالگی درگذشت. او شعری هم در توصیف آقای هاشمی گفته بود که مطلع آن چنین است: الا ای هاشمی مرد خردمند. که بر لب های تو چون پسته لبخند.

جمهوری اسلامی ایران
ریاست جمهوری

تاریخ
شماره

بسمه تعالی

حجةالاسلام‌والمسلمین جناب آقای هاشمی رفسنجانی

رئیس جمهور محترم

سلام‌علیکم

پیرو مسافرت جنابعالی به استانهای کرمان ،هرمزگان ، سیستان‌وبلوچستان وقــول

مساعد مبنی‌بر تامین امکانات مورد نیاز حفاری و تجهیز ۴۵۰ حلقه چاه درمناطق عشایری در

کرمان، به پیوست نامه جهاد سازندگی در مورد تجهیزات موردنیاز ۴۰۰ حلقه چاه عمیــق و

نیمه‌عمیق در کرمان تقدیم می‌گردد .

(ارز مورد نیاز کل طرح ۵۵ میلیون دلار است) ، حسب دستور جنابعالی موضوع از طـریـق

وزارتین کشاورزی و جهاد سازندگی پیگیری شد تا در مورد استفاده از تراز فیزیکی مصالــح و

ماشین آلات سهمیه وزارتخانه‌های مذکور برای طرح استفاده شود که هردو وزارتخانه به نحوی

امکان تامین تجهیزات مورد نیاز را نفی‌کرده‌اند فلذا پیشنهاد میشود در صورت صلاح‌دیــد

موافقت فرمائید تجهیزات لازم برای ۴۰۰ حلقه چاه عمیق و نیمه عمیق ظرف ۲ سال ازمحل

ارز در اختیار جنابعالی تامین گردد . برای سال جاری ده میلیون دلار پیشنهاد می‌شود .ص

حمید میرزاده

معاون در امور اجرائــی

۶۹/۷/۱۵

نامه معاون اجرایی رییس جمهور در خصوص مناطق محروم استان کرمان

بعد از راه‌اندازی، محصول آن می‌تواند هزینه ارزی طرح را جبران کند.

افطار، اعضای مجمع تشخیص مصلحت، مهمانم بودند. سپس جلسه داشتیم که تا ساعت یازده شب طول کشید؛ تا ماده ۲۰ قانون کار، اصلاح و تصویب شد. بعد از جلسه، آقای[احمد] جنتی، [رییس سازمان تبلیغات اسلامی]، اجازه گرفت که سازمان تبلیغات بتواند کالاهای وارداتیِ اضافی را بفروشد. همچنین برای پیگیری ادعای مدعیان یک گنج استمداد کرد؛ گفتم مرجع این امر، وزارت ارشاد، [سازمان میراث فرهنگی] است. آقای[حسن] صانعی، [رییس بنیاد ۱۵ خرداد]، برای تهیه کالای فروشگاه‌های بنیاد ۱۵ خرداد استمداد کرد. ساعت دوازده شب به خانه رسیدم؛ تا سحر خوابم نبرد.

چهارشنبه ۲۲ فروردین ۱۳۶۹ | ۱۵ رمضان ١٤١٠ ۱۱ آوریل ۱۹۹۰

سحری خوردم، به امید اینکه بتوانم روزه بگیرم؛ هنوز برای رفع کسالت دارو می‌خورم. ساعت نُه و نیم صبح به دفترم رسیدم. آقای[حمید] میرزاده، [معاون اجرایی رییس‌جمهور]، گزارش مالی[سازمان عمران] کیش و وضع جزیره قشم را داد؛ او قشم را مستعد برای صنایع مهم دیده است.

خانم [مرضیه]دباغ آمد. وضع جمعیت زنان را گفت و استمداد مالی نمود؛ بنا شد بررسی نمایم. قبلاً دختر امام همین تقاضا را داشت. [آقای محمدحسن تولایی]، استاندار خوزستان آمد. برای انجام بازسازی و مسایل خوزستان استمداد کرد و از کُندیِ تصویب خواسته‌هایش در وزارت‌کشور گله داشت.

آقای محمد هاشم از هیأت سه نفره اسکله سازی آمد. با تصویب شورای انقلاب، امکانات بازمانده از شرکت‌های آمریکاییِ متصدیِ ساخت بندر چابهار، در اختیار این هیأت قرار گرفته که در اسکله‌سازی به‌کار رود؛ در این مدت، حدود چهار میلیارد کار انجام داده‌اند.

عصر در هیأت دولت، تراز فیزیکی مصالح ساختمانی در برنامه بررسی شد. حدود ۶میلیون تن فلزات و حدود ۲۱ میلیون تن سیمان می‌خواهیم. افطار، نماینده‌های مجلس، وزیران ، اعضای شورای نگهبان و معاونان و مشاوران [رییس جمهور] مهمانم بودند. بعد از

افطار، نماز جماعت به امامت من اقامه شد. آقای[شیخ حسین] هاشمیان، نایب رییس مجلس تشکر کرد و من برای آنها درباره گروگان‌ها، قطعنامه، حج ، سیاست اقتصادی و خارجی صحبت کردم و جواب سئوالات را دادم. مراجعات زیادی داشتند. ساعت ده شب به خانه رسیدم.

بعد از خوردن سحری و نماز، خوابیدم. خواب دیدم بند تسبیحی که در دستم بود، در نقطه اتصال به شیخ‌بالا قطع شد و چند دانه در رفت. بیدار شدم؛ در فکر تعبیر بودم که باز خوابم برد. خواب دیدم با هلی‌کوپتر از فضای منطقه‌ای که شبیه یک درّه بود، گذشتیم. در قسمت پایین، اشجار سرسبز و گل و گیاه بود. در قسمت بالا، صخره‌های خشک و سنگی و جاده‌های کوهستانی، باغستان را به صخره‌ها وصل کرده است. ماشین‌هایی هم در حرکت بودند که به بالا بیایند، یکی از کامیون‌های بزرگ به صخره خورد و منحرف شد و راننده‌اش که دارای قدی بلند، خوش‌تیپ و خوش‌اندام بود، افتاد و مُرد.

متأسفانه همه مسایل و مناظر جنبی و مربوطه را به خاطر ندارم؛ فقط یادم است که پس از این حادثه، در خواب حالتی مخلوط از حُزن و اندوه و نوعی رضایت داشتم؛ خداوند خیر پیش بیاورد.

پنج‌شنبه ۲۳ فروردین ۱۳۶۹ | ١٦ رمضان ١٤١٠ ۱۲ آوریل ۱۹۹۰

ساعت هفت‌ونیم صبح به دفترم رسیدم. بعد از سحر خوابم نبرد؛ کِسل بودم. تا ساعت نُه‌ونیم، کارهای باقی‌مانده دیروز انجام شد. آقای[حسین] محلوجی آمد. گزارش سفر به ایتالیا را داد؛ مطلب تازه‌ای نداشت، جز نقل اصرار آقای [جولیو]آندره‌ئوتی، نخست وزیر ایتالیا، برای آزادی گروگان‌ها و تمایل ایتالیا به سفر من به آنجا.

آقای [سید محمدحسین]عصّار آمد. برای رفع فشارهای تبلیغاتی و کاری بر اعضای انجمن حجتیّه استمداد کرد.[1] استانداران باختران[= کرمانشاه]، کردستان و آذربایجان غربی

---

۱ - انجمن حجتیه، تشکیلاتی است که با هدف دفاع از اسلام در مقابل بهائیت و تلاش برای «فراهم کردن زمینه ظهور امام عصر»، در سال ۱۳۳۲ توسط شیخ محمود حلبی (تولایی) در مشهد تأسیس شد. انجمن حجتیه به شدت مخالف تشکیل حکومت اسلامی و دخالت عالمان دینی در سیاست بود. آنها با تمسک به روایتِ «هر پرچمی که

آمدند؛ گزارش اوضاع را دادند و برای تسهیل امور و ابلاغ مصوبه شورای‌عالی امنیت استمداد کردند.

آقای [سراج الدین]کازرونی، [وزیر مسکن و شهرسازی] آمد. در مورد طرح اصلاح ساختار شهرهای بزرگ، از تجمیع قطعات کوچک و ساخت آپارتمان‌های بلند، با تشویق بخش خصوصی، از طریق دادن تراکم بیشتر به اراضی بزرگتر و مسایل دیگر شهرسازی و همچنین موضوع انتقال پایتخت کشور از تهران، نظرخواهی کرد.

عصر آقای[مهدی] کروبی، [رییس مجلس شورای اسلامی]آمد. در مورد مسایل کشور مذاکره شد. به خاطر عدم شرکت در ضیافت دیشب عذرخواهی کرد. استاندار اصفهان آمد. گزارش استان را داد و برای امور مسکن استمدادکرد.

هیأت رییسه مجمع نمایندگان مناطق محروم آمدند. برای آیین‌نامه مصرف اعتبارات مناطق محروم، پیشنهادهایی داشتند. مشاوران[رییس‌جمهور] آمدند. راجع به کیفیت انجام

قبل‌از قیام قایم برپاداشته شود، صاحبش طاغوت است، غیر از خدای عز و جل پرستیده می‌شود»، معتقد بودند، قبل از قیام امام مهدی (عج) هر قیامی اشتباه است و به شکست می‌انجامد. این سازمان در دوران غیبت امام عصر، قایل به تقیّه بوده، معتقد بودند که «مبارزه» نابخردانه و ماجراجویانه، هدر دادن نیروهاست. آنها معتقد بودند، رهبر و ولی و حاکم جامعه باید معصوم باشد، و عدالت، تنها برای مرجعیّت دینی کافی است و برای تشکیل حکومت اسلامی به عصمت و علم الهی نیز احتیاج است. پیروزی انقلاب اسلامی، انجمن حجتیه را غافلگیر کرد. واکنش آغازین رهبری انجمن نسبت به انقلاب با بدگمانی و بدبینی همراه بود. این موضوع باعث ریزش بسیاری از نیروهای انجمن شد. با پیروزی انقلاب، حجتیه به رهبری آقای‌حلبی درصدد آشتی‌جویی با رهبری انقلاب برآمد، اما مورد استقبال قرار نگرفت. امام خمینی که پیش از این انجمن را تأیید کرده بودند، اجازهٔ انتقاد علنی از ماهیت غیر سیاسی انجمن در تفسیر اسلام را دادند. نهایتاً، پنج سال پس از پیروزی انقلاب، حضرت امام(ره) به افشای ماهیت انجمن حجتیه پرداختند و گفتند: «یک دسته دیگر هم که تزشان این است که بگذارید که معصیت زیاد شود تا حضرت صاحب بیاید. حضرت صاحب مگر برای چی می‌آید؟ حضرت صاحب می‌آید معصیت را بردارد. ما معصیت می‌کنیم که او بیاید؟ این اعوجاجات را بردارید... در این موجی که الان این ملت را به پیش می‌برد، در این موج خودتان را وارد کنید و برخلاف این موج حرکت نکنید که دست و پایتان خواهد شکست.» امام راحل، همچنین در پیامی که به «منشور روحانیت» معروف شد، نوشتند: «... دیروز حجتیه‌ای‌ها مبارزه را حرام کرده بودند، امروز انقلابی تر از انقلابیون شده‌اند! ولایتی‌های دیروز که در سکوت و تحجّر خود، آبروی اسلام و مسلمین را ریخته‌اند، امروز خود را بانی و وارث ولایت نموده و حسرت ولایت دوران شاه را می‌خورند!» سرانجام بیانیه کوتاه آقای حلبی که تعطیلی انجمن حجتیه را اعلام می‌کرد، در ۵ فروردین ۱۳۶۲ در روزنامه‌ها به چاپ رسید. بعد از رحلت امام، این انجمن فعالیت خود را به شکل مخفی ادامه داده است.

وظایف، تحصیل اطلاعات، نیازهای کاری، آیین‌نامه و شرح‌وظایف تصمیم‌گیری شد؛ آنها افطار مهمانم بودند. شب به خانه آمدم. در راه هندوانه نوبرانه دیدم؛ گفتم خریدند.

جمعه ۲۴ فروردین ۱۳۶۹ | ۱۷ رمضان ۱۴۱۰   ۱۳ آوریل ۱۹۹۰

امروز در خانه بودم. پیش از ظهر، وقت به استراحت و مطالعه گذشت. بعد از ظهر آقایان[محمدعلی] هادی و [مصطفی]فومنی[حایری] آمدند. گزارش مذاکرات با عربستان‌سعودی در ژنو را که به نتیجه نرسیده است، دادند. قرار شد در صورت استقبال طرف مقابل، ادامه یابد. آقای فومنی، چهل هزار دلار از قیمت ماشینی که توسط یکی از شیوخ جنوب خلیج به او هدیه شده بود، برای صرف در امور عامه داد.

آقای[عبدالله] نوری، [وزیر کشور] آمد و نمونه‌هایی از مشکلات اجرایی را مطرح کرد. بستگان آمدند. طوفان شدیدی آمد که دیوار خانه ما را غلطاند.

شنبه ۲۵ فروردین ۱۳۶۹ | ۱۸ رمضان ۱۴۱۰   ۱۴ آوریل ۱۹۹۰

ساعت هشت و نیم صبح به دفترم رسیدم. آقای[عبدالحسین] وهاجی، [وزیربازرگانی]، برای گزارش امور بازرگانی آمد. آقای[سیدمنصور] رضوی، [دبیرکل سازمان امور اداری و استخدامی کشور]، برای گزارش نتیجه کمیسیون بررسی تفکیک وظایف وزارتخانه‌های جهادسازندگی، نیرو و کشاورزی آمد؛ هنوز به جایی نرسیده‌اند.

آقای[محمود] واعظی، [معاون اروپا و آمریکای وزارت امور خارجه] آمد. گزارش مذاکره با فرانسوی‌ها را داد؛ در یک پرونده به نتیجه رسیده‌اند و در سه پرونده، مذاکرات ناتمام مانده و به دور بعدی موکول شده است که یک‌جا تصمیم‌گیری شود.

دکتر [حسن]حبیبی برای امور جاری کشور و مسایل نهاد[ریاست جمهوری] آمد. ظهر اخوی محمد، [رییس سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی]، برای امور صداوسیما آمد؛ قرار شد کنترل بیشتری روی برنامه‌ها بشود. به نظر من و آیت‌الله خامنه‌ای، انتقاد و بدگویی به نظام در برنامه‌ها زیاد است و افراد شیطان سوءاستفاده می‌کنند. گفت شخصی از سوی

اردن آمده است و جوابِ پیشنهاد صدام را می‌خواهد. او خواسته وزیران امورخارجهٔ دو کشور در جلسه خصوصی به تفاهم برسد؛ گفتم بعد از مشورت جواب می‌دهیم.

عصر دکتر[محمدرضا] هاشمی[گلپایگانی]، برای دستورکار جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی آمد. جلسه شورای عالی امنیت ملی داشتیم. در مورد مجهز شدن برای جلوگیری از ورود ناوهای عراقی که از ایتالیا خریده، در صورت تحویل بحث شد؛ گرچه تحویل بعید است.

بعد از افطار، مقداری با احمدآقا و دکتر [حسن]روحانی، [دبیر شورای عالی امنیت ملی] صحبت شد. احمد آقا از ضعف وزارت اطلاعات گفت. شب به خانه آمدم.

یکشنبه ۲۶ فروردین ۱۳۶۹ | ۱۹ رمضان ۱۴۱۰ | ۱۵ آوریل ۱۹۹۰

آقای [علی‌اکبر]ادب آمد و برای دبیرخانه ائمه جمعه [سراسر کشور]، از طریق دفتر رهبری، حواله پنجاه دستگاه اتومبیل گرفت. آقای[عزیزالله]علاءالدینی، [مدیر آسایشگاه کهریزک] آمد. شرحی از خدمات نیکوکاری و برنامه‌های آینده‌اش داد و خواست که از مرکز حمایت معلولان کهریزک بازدید کنم. آقای الهی مسئول فرهنگی بنیاد شهید آمد. مقداری از کارش تعریف کرد و خواستار سمت در وزارت خارجه شد.

آقای [مسعود روغنی]زنجانی، [رییس سازمان برنامه و بودجه] آمد و درباره عملکرد برنامه و بودجه و کیفیت صدور موافقت نامه و نظارت بر طرح‌ها توضیح داد. بر سرعتِ عمل و حذف بوروکراسی تاکیدکردم. آقای [غلامرضا]آقازاده، [وزیر نفت] و آقای [حسین]کاظم پور[اردبیلی] آمدند و درباره مقدمات مصالحه با شرکت‌های نفتی، درباره ادعاهای آنها که پس از انقلاب خلع‌ید شده‌اند و در [دیوان داوری بین المللی]لاهه، دعوی مطرح کرده‌اند، توضیح دادند. قرار شد برای بررسی، شورای‌عالی اقتصاد تشکیل شود؛ عجله دارند که زودتر تعیین تکلیف شود.

عصر در جلسه هیأت دولت، تراز فیزیکی ماشین‌آلات مورد نیاز برنامه[پنجساله اول]

بررسی شد. قاریان قرآن آمدند و برنامه اجرا کردند؛ برایشان صحبت کردم[1] . نماز به جماعت خوانده شد. آنها افطار مهمان من بودند. بعد از افطار با رهبری جلسه داشتیم؛ درباره نفت، سوریه، مصلی، جمعیت زنان[جمهوری اسلامی]، دفتر تحکیم وحدت، مجلس خبرگان، سیاست خارجی، نمایندگان رهبری در دانشگاه، مجلس و چند موضوع دیگر مذاکره و تصمیم گیری کردیم. ساعت ده و نیم شب به خانه رسیدم.

دوشنبه ۲۷ فروردین ۱۳۶۹ | ۲۰ رمضان ۱۴۱۰ ۱۶ آوریل ۱۹۹۰

نزدیک ساعت هشت، به دفترم رسیدم. تا ساعت نُه صبح، کارها را انجام دادم و سپس تا ظهر ملاقات داشتم. [آقای جاسم جادری]، نماینده سوسنگرد آمد. او از طرح جهاد برای احیای شمال آبادان و خرمشهر، نگران است که نیروهای غیر عرب به منطقه بروند.

آقای[رسول]صدیقی، نماینده[بناب و] ملکان آمد. او از اقدامات [آقای اکبر پرهیزکار]، استاندار آذربایجان‌شرقی در آنجا شکایت کرد و گزارشی از پیشرفت تحقیقات لیزر داد. آقای[محمدجعفر] سعیدیان‌فر، نماینده خمینی‌شهر[اصفهان] آمد. برای عمران منطقه استمداد کرد و درباره دادن میدان بیشتر به آیت‌الله منتظری صحبت نمود.

آقای سید احمد موسوی،[سفیر ایران در بیروت] آمد. سئوالاتی درباره امور لبنان داشت و سوءظنی در مورد عملکرد بعضی از افراد وزارت اطلاعات ارائه داد.آقای [احمد]وحیدی،[فرمانده سپاه قدس]، از سپاه آمد. سئوالاتی درباره سیاست در لبنان داشت.

عصر شورای عالی اقتصاد جلسه داشت. در مورد قیمت آهن، فولاد، مرغ و ترویج پرواربندی در دامداری ها تصمیم گیری شد. اعضای شورا، افطار مهمان من بودند. بعد از

---

۱ - آقای هاشمی در جمع مدیران و کارکنان رادیو قرآن و قاریان و حافظان قران کریم و نفرات برتر دوره های گذشته مسابقات قرائت قرآن، اظهار داشت: «باید به درگاه خداوند بزرگ شاکر بود که چنین سند عظیمی را برای انسان ها نازل کرد. قرآن کریم، میدان بسیار خوبی برای ابراز هنرها و ذوق های انسان های برجسته است و خوشبختانه در کشورمان شاهد شروع این جلوه های هنری هستیم. قرآن، آن قدر زینت دارد که قابل توصیف نیست، ولی با این حال توصیف شده است که این نعمت سراپا زینت را با صدای خوش، زینت بیشتر دهند، زیرا کسانی که با تجوید درست ، قرائت صحیح، آهنگ خوب و صوت مناسب قرآن را می شنوند، خیلی بهتر می توانند با آن انس بگیرند.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های ۱۳۶۹» ، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲ .

افطار و نماز، جلسه شورای حقوق بین‌المللی برگزار شد؛ در این جلسه، مصالحه پیشنهادی وزارت نفت با شرکت‌های آماکو و حسم‌کو را تصویب کردیم. کارهای جاری را انجام دادم و به خانه آمدم. بچه‌ها به مراسم احیاء رفته بودند.

سه‌شنبه ۲۸ فروردین ۱۳۶۹ | ۲۱ رمضان ۱۴۱۰ ۱۷ آوریل ۱۹۹۰

در منزل بودم. بیشتر وقت به استراحت و کمی هم مطالعه گزارش‌ها گذشت. دیوار خانه خراب شده است، به همین خاطر،از حیاط منزل نمی‌شود استفاده کرد. نامه[محمد] نجیب[الله]، رییس‌جمهور افغانستان را خواندم که طرح آشتی ملی را فرستاده و استمداد کرده است.

در گزارش‌ها شروع محاصره اقتصادی، علیه مردم جمهوری لیتوانی از سوی شوروی اهمیت دارد؛ عکس‌العمل آمریکا و اروپا هنوز معلوم نیست.

چهارشنبه ۲۹ فروردین ۱۳۶۹ | ۲۲ رمضان ۱۴۱۰ ۱۸ آوریل ۱۹۹۰

آقای[حمید]میرزاده، [معاون اجرایی رییس‌جمهور]آمد. گزارشی از پیگیری قرارهای سفر به استان‌های جنوبی را داد و مذاکراتی درباره امور جاری و برنامه‌ها داشتیم. آقای [جلیل] بشارتی، [رییس دفتر مناطق محروم ریاست جمهوری] آمد و در مورد برنامه‌های مناطق محروم حرف زد.

آقای [محمد]اسحاق مدنی، [مشاور رییس جمهور در امور اهل سنت] آمد. از کیفیت برخورد کمیته و نیروهای انتظامی با جریان‌های ضدانقلاب در سیستان و بلوچستان انتقاد داشت و مدعی بود که آنها خیلی ضعیف‌اند و با کمی فرصت و محبت و امان، جذب می‌شوند. مدیران بانک‌ها آمدند. آقایان [محسن]نوربخش، [وزیر امور اقتصادی و دارایی] و [محمدحسین] عادلی، [رییس بانک مرکزی] حرف زدند؛ من هم برای آنها صحبت

کردم[1].

عصر هیأت دولت جلسه داشـت. بحـث دربـاره انتقـال مرکـز سیاسـی کـشور از تهـران بود. کلیات آن تصویب شد. بحث درباره نقطه مورد نظر جهت انتقال و زمان و کیفیت کار، به وقت دیگری موکول شد؛ تصمیم مهمی است. باید بیشتر بحث کرد.

افطار با هیأت دولت، مهمان آقـای دکتـر [حـسن]حبیبـی، [معـاون اول رییـس جمهـور] بودیم. دکترولایتی، [وزیر امور خارجه] گفت که ژاپن اطلاع داده، پس از بررسـی اوضـاع ایران، بهدنبال سفر هیأت اقتصادی، آماده شرکت در بازسازی است. گفتم وزیـران مربوطـه پیگیری کنند.

شب در دفترم ماندم. یاسر هم هنگام سحر از مراسم احیاء به دفتر آمد. مهـدی و عفـت هم قرار بود بیایند که نیامدند.

پنج‌شنبه ۳۰ فروردین ۱۳۶۹ | ۲۳ رمضان ۱٤۱۰ ۱۹ آوریل ۱۹۹۰

آقای[محمود] بروجردی، داماد امام آمد. گزارش سفر به پـاریس و انعقـاد قـرارداد بـا یـک مؤسسه فرانسوی برای تهیه اطلس ایران و همچنین گزارشی از اقدامات مرکز تحقیقاتی داد.

اعضای شورای مرکزی انجمن خوشنویسان ایران آمدند. گزارش کار دادند و نیازهـا را گفتند و نمونه کار آوردند؛ بعد از انقلاب رشد خوبی کرده‌اند. این انجمن، اکنون ۲۱هـزار

---

۱ - آقای هاشمی در دیدار با مسئولان عالی بانک ها و سیاستگذاران پولی کشور در لزوم به کارگیری سرمایه ها در جهت سرعت بخشیدن به چرخش دستگاه های تولیدی تاکید کرد و نقش بانک ها در سالم سازی روند زندگی اقتصادی مردم را حائز اهمیت دانست و گفت: «راکد گذاشتن سرمایه ها، ظلم به مردم است. بانک ها باید امکانات پولی و سرمایه های موجود را به میدان بازی که رویاروی ماست، وارد کرده و آن را در جهت رفع نیاز های مردم به کار گیرند. بانک ها باید به هر شکل که می توانند از توسعه امور تولیدی در بخش کشاورزی، صنعتی و کارهای کوچک دستی حمایت کنند، تا در پایان برنامه اول، بتوانیم شاهد سلامت اقتصادی در روند زندگی مردم باشیم. امیدوارم حرکت اقتصادی دولت بتواند نقش مؤثر خود را در بهبود وضعیت اقتصادی مردم نشان دهد و مایهٔ جلب اعتماد و حمایت بیش از پیش مردم از مسئولان و مجریان کشور شود.» رجوع کنید← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های ۱۳۶۹» ، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲ .

عضو دارد. برای آنها صحبت کردم[1] و تشویق‌شان نمودم و وعدهٔ کمک دادم.

[آقای حسین کمالی]، وزیر کار و امور اجتماعی آمد. او به جای مرکزی که در دوبی به بنیاد مستضعفان واگذار کرده‌اند، ملکی از بنیاد می‌خواهد. از مدیرکل کار و اموراجتماعی در استان خراسان که با مخالفت استاندار روبروست، دفاع کرد و برای جلوگیری از اخراج کارگران استمداد نمود.

عصر اعضای شورای مرکزی جامعه روحانیت مبارز در دفترم جلسه داشت؛ افطار مهمانم بودند. درباره انتخابات مجلس خبرگان مذاکره شد. به خانه آمدم؛ بچه‌ها نبودند. زود خوابیدم.

جمعه ۳۱ فروردین ۱۳۶۹ | ۲۴ رمضان ۱۴۱۰ ۲۰ آوریل ۱۹۹۰

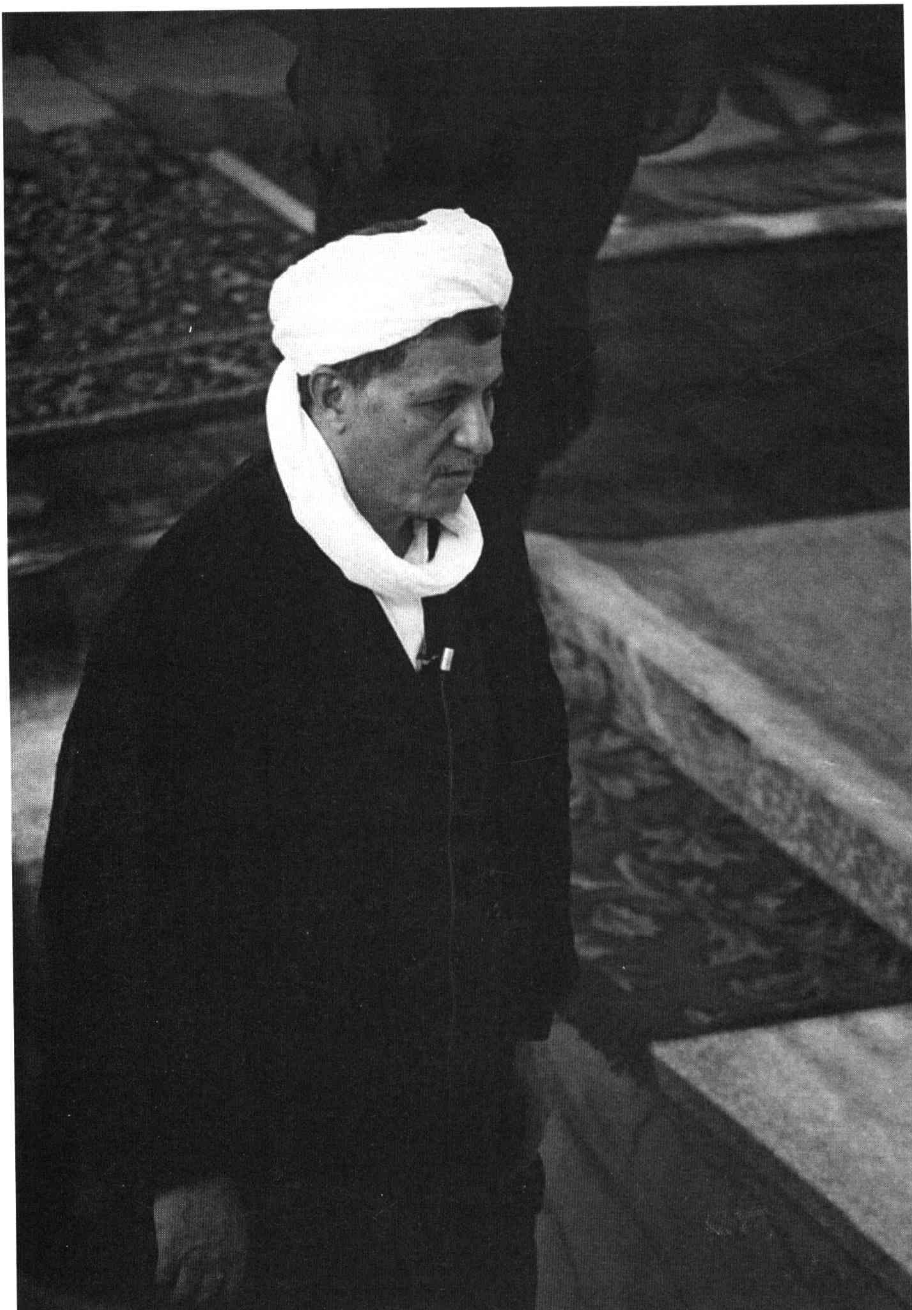
امروز آخرین جمعهٔ ماه رمضان و روز قدس است. بعد از سحر تا ساعت هشت صبح خوابیدم. تا ساعت ده ونیم برای خطبه‌ها مطالعه می‌کردم. برای اقامه نماز جمعه به دانشگاه تهران رفتم. شرکت مردم در مراسم روز جهانی قدس چشمگیر بود[2].

عصر کمی در حیاط منزل قدم زدم. دیوارِ خانه در دست تجدید بنا است و دو سه روز

---

۱ - در این ملاقات، ابتدا مدیر اجرایی انجمن خوشنویسان، گزارشی از عملکرد و برنامه های آینده انجمن، در زمینه گسترش هرچه بیشتر فعالیت‌های آموزشی ارائه کرد. سپس آقای هاشمی، با قدردانی از تلاش های مثبت انجمن خوشنویسان، گفت: «خوشنویسی مربوط به قلم می شود که در پیام قرآن، بعد از خلقت به آن اشاره شده است و برای تبیین حقایق، انتقال علوم و ثبت ارزش ها، نقش قلم بسیار گویا و روشن است. زیباسازی، موهبتی الهی و در فطرت انسان است و بدون شک متنی که خوشنویسی شده باشد، خوانندگان بیشتری را جذب می نماید و همین عامل می‌تواند در نشر معارف اسلامی نیز مؤثر باشد.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های ۱۳۶۹» ، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۹۲. »

۲ - در خطبه اول، مطالبی در مورد ماه رمضان و شهادت حضرت علی(ع)، ماهیت ناکثین، قاسطین و مارقین و مقایسه این مثلثِ شوم با روحیات منافقینِ زمان مطرح شد. خطیب جمعه تهران در خطبه دوم به مناسبت روز قدس، بحثی تاریخی در مورد تقدّس و موقعیت استراتژیک بیت‌المقدس، تولد نامشروع اسرائیل، توجه استکبار به تجهیز نظامی اسرائیل در مقابل کشورهای اسلامی، خطر وجود اسرائیل برای دنیای اسلام و علت مهمتر جلوه دادن خطر ایران از اسرائیل به عنوان ترفند استکبار، تحلیل هایی را به نمازگزاران ارائه کرد. آقای هاشمی در پایان، در خطبه عربی نیز خطاب به مسلمانان، موضوعِ طولانی کردن دوران احتضار عراق با کمک شرق و غرب را مورد توجه قرار داد. رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های جمعه سال ۱۳۶۹، جلد دهم» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۹۲.



دیگر کار دارد. بچه‌ها یکی از کتاب‌هایم را پاره کرده‌اند که باعث اوقات تلخی‌ام شد. دکتر ولایتی، [وزیر امورخارجه] آمد و برای مسایل قطعنامه ۵۹۸ و روابط با عربستان سعودی مشورت کرد. او برای شرکت در اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل و همچنین نشست فوق العاده وزیران امورخارجه کشورهای عضو جنبش عدم تعهد، عازم نیویورک است. افطار بستگان مهمان بودند. امروز تاریخ ازدواج مهدی با دخترعمویش فرشته را تعیین کردیم.

اردیبهشت ۱۳۶۹



شنبه ۱ اردیبهشت ۱۳۶۹ | ۲۵ رمضان ۱۴۱۰ ۲۱ آوریل ۱۹۹۰

پیش از ظهر از شرکت مهندسی مشاور مهاب قدس[1] بازدید کردم. مدیران توضیحاتی درباره کارها، طرح‌ها، امکانات و نیروی انسانی دادند. در جمع کارکنان صحبت کردم[2].

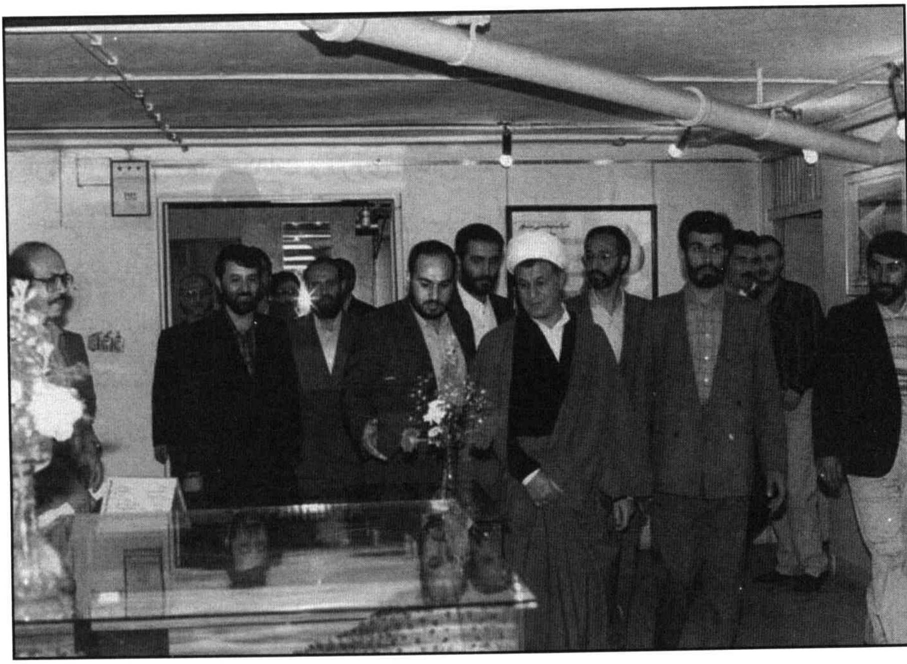
عصر [آقایان حبیب‌الله عسکراولادی و سیدرضا نیّری]، مدیران کمیته امداد[امام‌خمینی] و مسئولان سازمان زندان‌ها[و اقدامات تأمینی و تربیتی] آمدند و برای اعتبار بیشتر برای رفاهیات زندانیان و دیه قتل غیر عمد زندانیانی که قدرت پرداخت دیه را ندارند و سال‌ها در زندان مانده‌اند و برای مخارج فقرای لبنان و ... استمداد کردند؛ قول کمک دادم.

سفیر جدیدمان در رومانی آمد. برای سطح روابط و همکاری‌ها مشورت کرد. افطار، اعضای مجمع روحانیون مبارز[تهران]، مهمانم بودند. درباره مسایل داخلی، خارجی، فرهنگی و اداری مذاکراتی انجام شد. دیر وقت به خانه رسیدم.

---

۱ - شرکت مهندسی مشاور مهاب قدس، در سال ۱۳۶۲ به منظور طراحی و نظارت بر اجرای پروژه های ملی و عمرانی در صنعت آب و نیروگاه‌های برقابی تاسیس شد. این شرکت تاکنون در بیش از ۱۵۰۰ پروژه سدسازی، نیروگاه‌های برقابی، شبکه‌های آبیاری و زهکشی، خطوط انتقال سیالات(نفت، گاز و آب)، تاسیسات آب و فاضلاب، بندرسازی و سازه های دریایی، مطالعات منابع آب، محیط زیست اقتصادی و اجتماعی و ژئوماتیک مشارکت داشته است.

۲ - در این دیدار که آقای زنگنه وزیر نیرو و جمعی از معاونین وزارت نیرو حضور داشتند، آقای هاشمی از اسناد طرح آبرسانی شهر تبریز از زرینه‌رود بازدید کرد و قسمت‌های سدسازی، ژئوتکنیک، بخش سازه، بخش هیدروالکتریک و هیدرولیک، بخش منابع آب، بخش طراحی عمومی، کامپیوتر، کتابخانه، میکروفیلم و مرکز اسناد و آرشیو را مورد بازدید قرار داد. ایشان سپس در جمع مهندسین، تکنسین‌ها و کارمندان این شرکت حضور یافت و در سخنانی، اهمیت شرکت مهاب قدس را به عنوان یک شرکت مشاور مادر در تأمین انرژی کشور برشمرد. در بخشی از این سخنرانی آمده است: «در کشور ما آب در حد قابل قبولی وجود دارد، ولی از آن به‌طوری که باید استفاده نمی‌شود و متأسفانه در طول تاریخ ایران، امکانات محدود آب و انرژی هرز رفته است. با هدر دادن این آب‌ها، ما منبع خیر و برکت را از دست می‌دهیم و از نظر انرژی، با وجود کمبود منابع، ما گران‌بهاترین ذخیره کشور یعنی نفت را می‌سوزانیم تا انرژی مردم را تأمین کنیم. ما می‌توانیم نُه هزار مگاوات برق از رودخانه کارون تولید کنیم که اگر تولید انرژی از رودخانه‌های دز، کرخه و رودخانه‌های دیگر را اضافه کنیم، می‌توانیم برای ده‌ها سال دیگر از رودخانه‌های کشور انرژی تهیه کنیم، بدون آنکه مجبور باشیم نفت را که منبع گران‌بها و سرمایه‌ای برای کشور است، از دست بدهیم. مسئولیت شما این است که این منابع را برای نسل‌های آینده ما نقد کنید، چرا که ما در زمینه تأمین انرژی عقب هستیم.» رجوع کنید← هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های ۱۳۶۹ ، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲ .



بازدید از شرکت مهاب قدس

وزارت امورخارجه اطلاع داد که در مذاکرات با عربستان سعودی، آنها فقط قبول کرده‌اند که به جای ۴۵ هزار حاجی، ۶۰هزار نفر را بپذیرند؛ گفتم روی عدد و میتینگ[= راهپیمایی برائت از مشرکین] اصرار شود.

یکشنبه ۲ اردیبهشت ۱۳۶۹ | ۲۶ رمضان ۱۴۱۰ ۲۲ آوریل ۱۹۹۰

ساعت هشت و نیم صبح به دفترم رسیدم. آقای[محسن] رفیق‌دوست، [رییس بنیاد مستضعفان و جانبازان] آمد. گزارشی از عملکرد بنیاد داد و برای ورود ۲۰۰هزار تن فولاد با ارز آزاد اجازه گرفت. آقای [گودرز] افتخار جهرمی، [سرپرست دفتر خدمات حقوقی بین المللی ریاست جمهوری] آمد. برای مسایل جاری در دادگاه لاهه و انتظارات ما در

تعقیب آزادی گروگان‌ها و مسایل شورای نگهبان مشورت کرد؛ توضیحات لازم داده شد[۱].

[آقای غلامحسین کرباسچی]، شهردار تهران آمد. برنامه‌ها و نیازها را گفت؛ منابع ممکنِ تأمین هزینه‌های شهرداری، از قبیل جرایم و حق پیشه از مغازه‌داران و پذیره‌ها و نظایر آن، طرح خرید تاکسی نو با ارز آزاد و مسایل دیگر را مطرح کرد. تأکید کردم که اقدامات شهرداری تهران باید با سیاست‌های دولت هماهنگ باشد. خواست که در جلسات دولت شرکت کند و شهردار تهران با حکم رییس‌جمهور منصوب شود.

آقای [مجید]عباس‌پور، [مشاورفنی رییس‌جمهور]آمد. گزارش پدافند ش. م . ر [= شیمیایی، میکربی و رادیواکتیو] را داد و درباره سازمان انرژی هسته‌ای صحبت شد. عصر به جلسه هیأت دولت نرفتم و کارها را تا مغرب انجام دادم. افطار با حاج احمدآقا مهمان رهبری بودیم. احمدآقا چند نامه منتشر نشدهٔ امام را آورده بود. خواستار بخشی از پادگان جوار مرقد امام برای توسعه مرقد بود. دربارهٔ مذاکرات با عربستان سعودی و گروگان‌ها و مسایل شهرداری تهران مذاکره شد.

شب به خانه آمدم. احمدآقا هم با ماشین من آمد؛ خواستار اطلاع بیشتر از امور جاری کشور و شرکت در جلسه دیگر من و رهبری شد و گفت، معتقد است بالاخره جامعه مدرسین[حوزه علمیه قم]، با آیت‌الله خامنه‌ای اختلاف پیدا می کنند.

دوشنبه ۳ اردیبهشت ۱۳۶۹ | ۲۷ رمضان ۱٤۱۰ — ۲۳ آوریل ۱۹۹۰

اعضای کمیسیون صنایع ومعادن مجلس[۲] آمدند. دربارهٔ صادرات صنعتی، طرح‌های

---

۱ - روزنامه فاینشنال تایمز نوشت: «ایران وآمریکا برای حل اختلافات مالی خود، به توافقات بیشتری رسیده اند که می‌تواند به نزدیکی دو کشور منجر شود. توافق اصولی در ارتباط با ۲۳۰۰ مورد از اختلافات مالی ایران و آمریکا، عمدتاً به خاطر همکاری «آبراهام سوفر»، کارشناس حقوقی آمریکا و همتای ایرانی وی، «گودرز افتخار جهرمی» است و انتظار می رود نمایندگان دو کشور، معامله انجام گرفته را برای تصویب نهایی، به تهران و واشنگتن ببرند. آقای رفسنجانی، واشنگتن را مورد انتقاد قرار داده، ولی گفته است اگر دارایی های ایران در آمریکا آزاد شود، ایران نیز تمایل دارد به آزادی گروگان های آمریکایی در لبنان کمک کند.» منبع: نشریه ویژه خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۹/۲/۲۸، صفحه ۱۰.

۲ - اعضای کمیسیون صنایع و معادن مجلس سوم، عبارت بودند از: آقایان مصطفی موذن زاده(رییس)، اسدالله عابدی و علی مُحقّر(نواب رییس)، سید ابوالحسن حایری زاده(مخبر)، سیدرضا اکرمی، حسن جعفری، سیدابوالقاسم

نیمه تمامِ در دست اجرا، مدیریت صنعتی در ایران و تقویت ساخت داخل مطالبی داشتند. آقای [مصطفی]مؤذن زاده، نماینده کرمان آمد؛ در جهت توجیه رادیکال‌ها و وفاداری آنها به دولت و نظام و لزوم پیش‌بینی آلترناتیو برای حکومت از میان وفاداران نظام، مطالبی داشت.

آقایان [محسن]نوربخش، [وزیر امور اقتصادی و دارایی] و [محمدحسین]عادلی، [رییس بانک مرکزی] آمدند. درباره سیاست ارزی و همکاری با صندوق بین‌المللی پول پیشنهادهایی داشتند. محسن[هاشمی، رییس دفتر بازرسی رییس‌جمهور]، برای گزارش بازرسی تولیدات آمد[1].

آقایان[علی‌محمد] بشارتی، [قائم‌مقام وزیرامورخارجه] و [مصطفی]فومنی[حایری] آمدند. اطلاع دادند که سعودی‌ها در ژنو گفته‌اند، حاضرند در عدد حجاج انعطاف به خرج بدهند، ولی تظاهرات سیاسی را نمی‌پذیرند؛ گفتم ما هم از حق تظاهرات در حد میتینگ[=تجمع]، تنزّل نمی‌کنیم.

عصر شورای عالی اقتصاد جلسه داشت؛ درباره طرح نیشکر خوزستان و مالیات خودروهای سواری تصمیم‌گیری شد. اخوی محمود، [از وزارت امورخارجه] برای مسأله نفت سوریه آمد. آقای[عبدالله] نوری، [وزیر کشور] آمد؛ در مورد موضوع عوارض ساختمان و مسایل دیگر شهرداری تهران مذاکره شد. شب به خانه آمدم.

سه‌شنبه ٤ اردیبهشت ۱۳٦۹ | ۲۸ رمضان ۱٤۱۰ ۲٤ آوریل ۱۹۹۰

[آقای حمید حاجی عبدالوهاب]، استاندار کردستان آمد. گزارش وضع استان را داد؛ از مواضع اختلاف انگیز بعضی از نمایندگان مجلس و نماینده ولی فقیه شکایت داشت. تعداد

حسینی، سیدعلی‌اکبر طاهایی، مصطفی‌طاهری‌زاده،کریم ملک‌آسا، مسلم میرزاپور، حسن مختاری و وارطان وارطانیان.

۱ - رشد تولید داخلی، بعد از پایان جنگ تحمیلی، از اولویت‌های جدی دولت سازندگی بود و آقای هاشمی، شخصاً و چه از طریق دفتر بازرسیِ ویژهٔ رییس‌جمهور، به‌طور دایم، تولید کالاهای موردنیاز جامعه را در کارخانجات داخلی، مورد بررسی قرار می داد و وقت زیادی را صرفِ رفع موانع و مشکلات بخش تولید می‌کرد. این امر باعث رشد کمّی و کیفی تولید در کشور در دهه هفتاد شد.

زیادی نامهٔ تقاضا برای امکانات مختلف آورده بود. آقای[محسن] سازگارا آمد. پیشنهادهایی برای اصلاح وضع داشت؛ منجمله ایجاد امنیت و آزادی بیشتر و تقویت مدیریت کشور و رفرم پولی.

آقایان [حسین]محلوجی، [وزیر معادن و فلزات] و [علی]شمس‌اردکانی، [رییس منطقه‌آزاد قشم] آمدند و گزارش مذاکرات با آقای مهدی تاجر، برای عمران جزیره قشم و خرید نفت را دادند؛ به [آقای غلامرضا آقازاده]وزیر نفت گفتم، برای فروش نفت مذاکره شود. آقایان[محمد] سعیدی‌کیا، [وزیر راه و ترابری] و [حسن]شفتی، [مدیرعامل شرکت هواپیمایی هما] آمدند؛ راجع به خرید هواپیما صحبت شد. هواپیماهای بوئینگ، ایرباس و فوکر مطرح است. خرید فوکر آسان‌تر است، ولی بوئینگ و ایرباس بهتر است؛ البته هنوز روشن نیست که اینها را می‌شود خرید یا نه؟ قرار شد کمی صبر کنند تا معلوم شود.

عصر آقای شیخ حسن ابراهیمی[1] آمد و گزارش وضع طلاب خارجی در قم را داد؛ حدود سه هزار نفر هستند. برای توسعه و کار کمک خواست؛ قبول کردم. اعضای هیأت هفت نفره واگذاری زمین آمدند؛ گزارش کار دادند و از عدم همکاری وزارت کشاورزی گله کردند.

افطار، اعضای مجمع تشخیص مصلحت آمدند. شب جلسه داشتیم. آقایان[مرتضی] مقتدایی، [رییس دیوان عالی کشور] و [محمد محمدی]ری‌شهری، [دادستان کل کشور]، شبهه‌ای را که در مصوبه مجازات قاچاقچیان موادمخدر داشتند، مطرح کردند؛ بالاخره همان مصوبه قبلی تأیید شد. چند ماده از قانون کار هم به تصویب رسید. دیر وقت به منزل رسیدم.

---

۱ - حجت‌الاسلام شیخ حسن ابراهیمی نجف‌آبادی، از دوستان نزدیک و همراهان شهید محمد منتظری بود که سال‌های متمادی در خارج از ایران با انقلابیون و مبارزان ارتباط داشت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی به ایران بازگشت. پس از مدتی که در تهران بود، به قم رفت و در امور مربوط به طلاب و حوزه های علمیه فعال شد. بیشترین وقت او در قم، صرف رسیدگی به امور طلاب و فضلای خارجی مقیم قم می شد و در فعالیت های آموزشی آنان نقش اصلی را ایفا می کرد. ایشان مدیریت طلاب خارجی مقیم قم را که از ده ها ملیت بودند، برعهده داشت. آقای ابراهیمی در ۱۲ دی ۱۳۹۰ در اثر بیماری درگذشت.

چهارشنبه ۵ اردیبهشت ۱۳۶۹ | ۲۹ رمضان ۱۴۱۰ ۲۵ آوریل ۱۹۹۰

آقای[حمید]میرزاده، [معاون اجرایی رییس‌جمهور]آمد. گزارش بازسازی را داد و کارهای جاری مطرح شد. آقای[محسن]دعاگو، [نماینده رییس‌جمهور در شورای سیاستگذاری صدا و سیما]آمد. اقدامات شورای‌عالی سیاستگذاری صداوسیما و نحوه هماهنگی با مدیرعامل سازمان را گفت و مشورت کرد؛ درخصوص کم کردن برنامه‌های پخش مستقیم و متنوع کردن برنامه‌ها، نظر دادم. درباره قیمت‌گذاری و شهرداری هم بحث شد.

اعضای کمیسیون تولید [دولت] آمدند. دربارهٔ کمبود ارز برای برنامه تولید مذاکره شد. در خصوص راه‌های تأمین کسری ارز، بحث و تصمیم‌گیری کردیم. عصر در جلسه هیأت‌دولت شرکت کردم. لایحه افزایش دستمزد کارکنان دولت در حدود بیست درصد تصویب شد. دربارهٔ موضوع بازسازی و نیازهای آن هم بحث کردیم.

آقای[علی‌محمد] بشارتی، [قائم مقام وزیر امور خارجه] اطلاع داد که وزارت اطلاعات، [آقای ابوخالد]، فرستاده ویژه [یاسر]عرفات، [رهبر سازمان آزادیبخش فلسطین- ساف-] و صدام[حسین، رییس جمهور عراق] را که نامه‌ای از طرف آنها آورده، دستگیر کرده است؛ به آقای[علی]فلاحیان، [وزیر اطلاعات] دستور دادم، سریعاً آزاد کنند؛ کار بدی کرده‌اند؛ به خاطر اختلاف با وزارت امور خارجه، [چنین کاری را کرده اند]. [آقای ابوخالد]، وقت ملاقات می‌خواست. گفتم نامه را به وزارت امورخارجه تسلیم کنند.

اخوی محمود، از وزارت خارجه آمد. نامهٔ صدام[حسین،رییس‌جمهورعراق] و یاسرعرفات[رهبر سازمان آزادیبخش فلسطین] را آورد که ابوخالد آورده است[1]. صدام پیشنهاد ملاقات سران دو کشور در شهر مکه برای مصالحه داده و عرفات خواستار پذیرش این پیشنهاد شده است. در این باره، تلفنی با رهبری صحبت کردم. قرار شد فردا برای بررسی موضوع، شورای‌عالی امنیت ملی جلسه بگیرد.

---

۱ - متن کامل این نامه‌ها در بخش ضمایم همین‌کتاب به چاپ رسیده است. برای مطالعه نامه‌های متقابل رؤسای جمهوری اسلامی ایران و جمهوری عراق، در سال ۱۳۶۹، رجوع کنید← کتاب «دوازده نامه»، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۸۶ .

پنج‌شنبه ٦ اردیبهشت ۱۳٦۹ | ۳۰ رمضان ۱٤۱۰ ۲٦ آوریل ۱۹۹۰

تا ساعت نُه‌ونیم صبح، کارها انجام شد. آقای[سیدحسین] موسویان از وزارت امور خارجه آمد. گفت سفیر سوئیس- حافظ منافع آمریکا- آمده و پیامی از [جرج]بوش، رییس‌جمهور آمریکا آورده‌است[1]. او در این پیام، به طور خصوصی از کمک ما در آزادی [رابرت]پل هیل، گروگان آمریکایی تشکر کرده و گفته است که حافظ اسد[رییس‌جمهور سوریه] به او اطلاع داده که ایران در این امر کمک مؤثر کرده است، و نیز گفته اطلاعات آمریکا می‌گوید گروگان‌های ایرانیِ در دست مارونی‌ها، در همان روزهای اول کشته شده‌اند، ولی باز هم آنها آمادگی دارند که پیگیری مسالهٔ آن گروگان‌ها را ادامه دهند. گفتم به صورت شفاهی جواب بدهند که اگر زندانی‌های لبنانی از اسرائیل آزاد نشوند، مسالهٔ گروگان‌ها احتمالاً پیچیده‌تر می‌شود.

آقای سید هادی خسروشاهی آمد. مطابق معمول مقداری از مسایل رسانه‌های خبری و مسایل گروه‌های اسلامی و همچنین ضعف تبلیغات ما در خارج از کشور گفت و خواستار دادن اختیارات و امکانات بیشتر به خودش و دادن خرج ساخت مرکز اسلامی در شهر لندن شد. دکتر[محمد]یاریگرروش، رییس سازمان بهزیستی آمد. گزارش کار داد و خواستار ادغام همه نهادهای کمک به محرومان در یک وزارتخانه شد. دکتر[حسن] حبیبی، [معاون‌اول رییس‌جمهور]، برای امور جاری کشور آمد.

عصر شورای عالی امنیت ملی با حضور مشاوران سیاسی من و رهبری جلسه داشت؛ درباره نامهٔ صدام بحث کردیم. قرار شد جواب بدهیم و در ابتدا، مذاکره در سطح پایین را بپذیریم؛ بحث‌های خوبی شد. افطار به خانه آمدم.

---

۱ - جرج بوش، رییس‌جمهور آمریکا، پس از ملاقات با «پل هیل»، اولین گروگان آزاد شده، در گفت و گو با خبرنگاران گفت: «ما از سوریه و ایران که در جهت آزادی گروگان ها کمک کردند، سپاسگزاری می کنیم، اما تا زمانی که تمامی گروگان ها آزاد نشوند، خوشحال نخواهیم بود. دولت سوریه به آگاهی ما رساند که ایران در این زمینه کمک کرده است و به این دلیل بود که از ایران تشکر کردیم، اما تا زمانی که تمامی گروگان ها آزاد نشوند، در سیاست آمریکا تغییری حاصل نخواهد شد». وی در پاسخ به این سؤال که چه عاملی باعث آزادی گروگان‌ها شده است، گفت: «تا آنجا که می دانم معامله ای صورت نگرفته است.» منبع: نشریه ویژه خبرگزاری جمهوری اسلامی(ایرنا)، ۱۳٦۹/۲/۱۲، صفحه ۳۹

جمعه ۷ اردیبهشت ۱۳٦۹ | ۱ شوال ۱٤۱۰ ۲۷ آوریل ۱۹۹۰

امروز اول ماه شوّال، عید سعید فطر بود. برای شرکت در نماز عید، صبح زود به محل مصلای تهران رفتم؛ خیلی‌ها خوشحال شدند. به خاطر امامت رهبری، برای اولین بار رفتم، ولی آقای خامنه‌ای این اقدام را با توجه به ملاحظات امنیتی، قابل بررسی بیشتر دانستند. احتیاط بیشتر را لازم می‌دانند[۱].

به دفترم رفتم. سپس در مراسم دیدار رهبری [به مناسبت عید سعید فطر] شرکت کردم. همراه رهبری به بالکن اختصاصی رفتم؛ احتمالاً برای سایر رؤسای قوا سئوال انگیز است؛ برنامه از خود رهبری است. صحبت کوتاهی کردم[۲]. به خانه آمدم. کارهای دفتر را که آورده بودم، انجام دادم. عفت، مهمان همسر امام بود. تنها ناهار خوردم؛ مهدی و یاسر هم نبودند.

عصر دکتر [سیف‌الله]وحید[دستجردی، رییس جمعیت هلال احمر] آمد. گزارش سفر به کشورهای آفریقایی را داد؛ برای کمک رفته بود. او از زمینه مساعد برای کارهای اسلامی گفت. شب، عفت و بچه‌ها به مراسم نامزدی مهدی با دختر عمویش فرشته رفتند.

شنبه ۸ اردیبهشت ۱۳٦۹ | ۲ شوال ۱٤۱۰ ۲۸ آوریل ۱۹۹۰

ساعت هفت و نیم به دفترم رسیدم؛ مثل روزهای ماه رمضان، کم حال در اثر کم‌خوابی نبودم. تا ساعت نُه صبح کارها انجام شد. اعضای شورای مرکزی نهضت سواد آموزی آمدند. گزارش تهیه مقدمات اجرای طرح ضربتی را دادند و خواستند که به نحوی اجبار

---

۱ - بعد از ترورهای وسیع سال‌های نخست پیروزی انقلاب اسلامی، برای تامین امنیت سران کشور، طوری برنامه‌ریزی شده بود که مسئولان اصلی، به خاطر ملاحظات امنیتی، همزمان در یک برنامه حضور نیابند.

۲- آقای هاشمی با اشاره به فقدان حضرت امام خمینی (ره) که امت اسلام را برای همیشه داغدار کرده است، گفت: «حضرت امام، شخصیتی بودند که جهان اسلام مرهون مجاهدت‌ها و فداکاری‌ها و رهبری‌های ایشان است و خوشبختانه با حضور شاگردِ صالح، فقیه، مجاهد و آشنا به افکار و ایده‌های امام، تا حدودی این نقیصه جبران می‌شود، ولی این مصیبت به این آسانی، برای ما قابل جبران نیست». رجوع کنید← هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های ۱۳۶۹ ، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲ .

در سواد آموزی را بپذیرم؛ پذیرفتم که اگر با اعلان اختیاری، استقبال خوبی نـشد، از اهـرمِ کوپن و دفترچه بسیج اقتصادی استفاده شود. مصاحبه‌ای در این خصوص انجام دادم[1]. عقـد ازدواجِ یک جانباز و خانواده شهید را به همراه آقای[محسن] قرائتی، [نماینده ولـی فقیـه در نهضت سوادآموزی] بستیم؛ هدیه‌ای دادم.

آقـای[جـواد] اژه‌ای، [مـشاور فرهنگـی رئـیس‌جمهـور و نماینـده ولـی فقیـه در امـور دانشجویان ایرانی خارج از کشور] آمد. برای سفر به غرب جهت بررسی اوضاع دانشجویان اسلامی و همچنـین بـرای خـانواده مـادر شـهید بهـشتی کمـک خواسـت. آقـای[قربـانعلی] درّی[نجف‌آبادی، رییس هیأت مرکزی گزینش کشور و نماینده ایلام در مجلس خبرگان] آمد؛ برای ماندن گزینش متمرکز تأیید گرفت و گزارش سـفر بـه ایـلام را داد؛ از اخـتلاف بین امام‌جمعه ایلام و آقای مروارید، نماینده خبرگان آنجا، اظهار نگرانی می‌کرد.

عصر دکتر[محمدرضا] هاشمی[گلپایگـانی]، بـرای دسـتور کـار شـورای عـالی انقـلاب فرهنگی آمد؛ دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی است. دکتر[حسن] روحانی، [دبیر شـورای عالی امنیت ملی] آمد و پیش‌نویس جواب نامهٔ صـدام را آورد. شـورای‌عـالی امنیـت ملـی جلسه داشت. موضوع آمایش سرزمینی[2] خوزستان، با توجه به جهات امنیتی و دفاعی بحـث

---

۱ - آقای هاشمی در این مصاحبه گفت: «گرچه مشکل بی‌سوادی مثل یک مشکل بهداشتی، خود را در جامعه نشان نمی‌دهد، اما عُمق خسارات بی‌سوادی مردم، به مراتب بیشتر است و ما مصمم هستیم که این ننگ را از کشور خودمان برطرف کنیم. ما حمایت مقام معظم رهبری را همراه داریم و البته من خود تا آخر کار نظارت خواهم کرد و با پشتیبانی‌هایی که از نهضت می‌شود، ان‌شاءالله مشکلاتش کم خواهد شد، ولی کار عمده را باید خود نهضت انجام بدهد. دستگاه‌های اجرایی، استانداران، فرمانداران و بخشدارها، همه باید با علاقه در این نهضت و این حرکت اسلامی، انسانی شرکت کنند تا با همکاری دولت و مردم، بتوانیم به نتایج خوبی دست یابیم. قسمت عمده کار، بر دوش خود مردم است و آنان که بی‌سوادند و یا افراد بی‌سواد در خانواده دارند، اگر خوب استقبال نکنند، ممکن است ما در این اقدام مقدس، به خوبی موفق نشویم. اگر ما در اوایل کار احساس کنیم که استقبال بی‌سوادان در حد مطلوب نیست، پیش‌بینی کرده‌ایم که از اهرم‌های اجبار استفاده کنیم و البته به نظر می‌رسد، با اهرم‌هایی که دولت دارد، بالاخره آنها مجبور می‌شوند در کلاس‌ها شرکت کنند، ولی ما ترجیح می‌دهیم که داوطلبانه باشد.» رجوع کنید← کتاب «هاشمی رفسنجانی، مصاحبه های ۱۳۶۹»، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۹۲.

۲- آمایش سرزمین، به تنظیم رابطه بین انسان، فضای زندگی و فعالیت‌های انسان در محیط به منظور بهره برداری منطقی از همهٔ امکانات در جهت بهبود وضعیت مادّی ومعنوی اجتماع، بر اساس ارزش‌های اعتقادی و سوابق فرهنگی گفته می شود. آمایش سرزمین، شامل شهرسازی و توسعه، برنامه‌ریزی و سازمان دادن به نحوهٔ اشغالِ فضا، تعیین محل سُکنای انسان‌ها، محل فعالیت و تجهیزات و کنش‌های بین عوامل گوناگون نظام اجتماعی- اقتصادیِ است. آمایش

شد. ادامه بحث را به جلسهٔ بعد احاله کردیم.

آقای[سیدحسن] فیروزآبادی،[رییس ستاد فرماندهی کل قوا] و [محمد]فروزنده، [جانشین ستاد فرماندهی کل قوا]، از سوی رهبری، چک یک میلیون تومانی را که همراه نشانِ درجه‌یک فتح است، برای من آوردند. شب با احمدآقا و آقای خامنه‌ای جلسه داشتیم. فیلم مراسم خاکسپاری امام را دیدیم؛ آنجا که کفن امام را مردم پاره کرده‌اند، بخشی از بدن امام عریان شده است؛ نظرمان این شد که اشکالی در پخش آن از تلویزیون نیست. درباره جواب به نامهٔ صدام و مسایل دیگر سیاست خارجی هم صحبت کردیم.

رهبری گفت، شبِ عید نوروز، بعد از شنیدن پیام‌های نوروزی از تلویزیون، خواب رفته و امام را خواب دیده‌اند که معترضانه و دوستانه به ایشان گفته‌اند، چرا در پیام نوروزی اسم رییس‌جمهور را نبرده‌اند و ایشان جواب داده‌اند، فردا در صحبت عید جبران می‌کنند.[1]

یکشنبه ۹ اردیبهشت ۱۳۶۹ | ۳ شوال ۱۴۱۰ ۲۹ آوریل ۱۹۹۰

آقای مسیح مهاجری، [مشاور اجتماعی رییس‌جمهور و مدیر روزنامه جمهوری اسلامی]آمد. گزارش سفر به سریلانکا را داد. پیشنهاد توسعه روابط اقتصادی با این کشور، از طریق فروش اتوبوس و خرید چای را داشت. درباره مقاله‌اش[2] علیه آقای [عطاءالله]مهاجرانی [معاون حقوقی و پارلمانی رییس‌جمهور] صحبت شد.

آقای[اصغر] ابراهیمی، مدیرعامل شرکت مترو آمد. گزارش سفر به شوروی را داد و

سرزمینی، برنامه‌ریزی کلان نیروهای اقتصادی، طبیعی و انسانی را مد نظر دارد. متمرکز کردن منابع، ایجاد فرصت‌های مناسب برای شهرهای متوسط، کمک به شهرهای کوچک و مناطق روستایی و تدوین سیاست‌های توسعهٔ منطقه‌ای، از جمله موضوعات مورد بحث در آمایش سرزمین می‌باشد.

۱- آیت‌الله خامنه ای، رهبر معظم انقلاب، در سخنرانی روز اول فروردین، از آقای هاشمی، به عنوان شخصیتی عالم، فقیه، مبارز، محبوب و مورد تأیید و محبت دایمی امام یاد کردند.

۲ - آقای مسیح مهاجری در سرمقاله ۱۰ اردیبهشتِ روزنامه جمهوری اسلامی، با عنوان« مغالطه»، پیشنهاد آقای مهاجرانی در مورد مذاکره مستقیم با ایالات متحده و دلایل وی را زیر سوال برده بود و نگارش آن را مخالف با دیدگاه‌های آقای هاشمی تلقی کرده و نوشته بود: « در سه روز گذشته، سه نفر از همکاران نزدیک جناب آقای رییس‌جمهور، از ایشان درباره مقالهٔ مذاکره مستقیم سوال کردند. پاسخ ایشان به هر سه نفر، ضمن ابراز ناراحتی از انتشار این مقاله، این بود که محتوای این مقاله هیچ ارتباطی به من ندارد».

جمهوری اسلامی ایران
ریاست جمهوری

تاریخ ....
شماره ۲۲۷۹۰

بسمه‌تعالی

حضرت حجةالاسلام‌والمسلمین جناب آقای هاشمی‌رفسنجانی

ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

با اهداء سلام و تحیت و با تقدیم تصویر تلفنگرام ۴۷-۶۹/۲/۸ اتحادیه بارفروشان و میادین تهران بەاستحضار عالی میرساند نظربه‌اینکه محمولەهای میوه‌وتره‌بارکامیونهای‌وارده به تهران که در میادین شهر توزیع میشود غالبا" ساعات قبل‌ازظهر بایستی تخلیـــه‌ودر دسترس مردم قرار گیرد و تاخیر در تخلیه علاوه بر مضیقه‌ای که بەمردم تحمیل میشود و نارسائیهای زیادی که بەهمراه دارد بعلت‌گرمای روزافزون درمعرض فساد و مآلا" زیـــان کشاورزان را بەدنبال دارد . لذا بنظر میرسد کەبایستی برنامه‌ورودکامیونهای میوه‌وتره‌بـــار و سایر مایحتاج عمومی بەمدخل شهر تهران و نیز خروج آنها مورد بررسی ومداقه‌بیشتری قرار گیرد . بنابراین درصورتیکه بەمصلحت باشد مقرر فرمایند مسئولین ذیربط بەمنظـــور جلوگیری از ضایعات و زیانهای اجرای این طرح تدابیر اساسی‌تری اتخاذ فرمایند .ف

ابوالفضل توکلی‌بینا
۱۳۶۹/۲/۹

۶۹/۲/۹

[illegible]
۶۹/۲/۱۰

تاریخ ۶۹/۲/۱۰
شماره ۲۶۸۲

نامه مشاور بازرگانی رییس جمهور در خصوص بار فروشان تهران

خواستار تخصیص ارز بیشتر برای مترو شد. او صفحه‌ای از یک قرآنِ خطیِ قدیمی را آورد؛ مدعی بود که در این قرآن، کلمات آیات را با حروف ریزتر از تورات و انجیل، با خط عِبری نوشته‌اند؛ قرار شد بررسی کنیم.

آقایان [حمید]میرزاده، [مجید]عباس‌پور، [عیسی]کلانتری و اکبرزاده آمدند. درباره تدارک سریع‌ترِ طرح ساختِ ماده اصلی برای انواع سُموم کشاورزی، مذاکره و تصمیم‌گیری شد. آقای [سیدحسین]موسویان از وزارت امورخارجه آمد. گزارش مذاکره با سفیر سوئیس، [حافظ منافع ایالات متحده]، درباره گروگان‌ها را داد و گفت سئوال کرده که انتظار داریم چه اقدامی در مقابل آزادی گروگان‌ها انجام شود؛ پیشنهادهایی ارائه دادم.

آقای [عبدالحسین]وهاجی، [وزیر بازرگانی] آمد. درباره سیاست تقویت صادرات نظراتی ارائه کرد. مهندس[میرحسین] موسوی، [مشاور سیاسی رییس جمهور] آمد. پیشنهادهایی در مورد تقویت صنایع الکترونیک آورد.

عصر در جلسه هیأت دولت شرکت کردم. درباره مقالهٔ[مذاکره مستقیم] آقای[عطاءالله] مهاجرانی[در روزنامه اطلاعات][1] و عکس‌العمل مخالفان مذاکره شد؛ بی‌اجازهٔ من نوشته است. پیشنهاد شد بحث آزاد بین مخالف و موافقِ موضوع مذاکره مستقیم با آمریکا [در سطح رسانه ها] انجام شود. درباره پاسخ به نامهٔ صدام هم مذاکره شد.

شب با رهبری جلسه داشتیم. درباره مسایل جاری کشور و بودجه بنیاد مستضعفان مذاکره کردیم. شب در دفترم ماندم؛ عفت و یاسر هم آنجا بودند.

---

۱ - این مقاله در ستونِ نقدحال صفحه ۲ روزنامه اطلاعات، روز پنج شنبه ۶ اردیبهشت ۱۳۶۹ به چاپ رسید. در این مقاله، آقای مهاجرانی که سمت معاونت حقوقی و پارلمانی رییس جمهور را داشت، پیشنهاد کرده بود گفت‌وگوهای میان ایران و ایالات متحده، بلاواسطه انجام شود. در بخشی از این مقاله آمده است: « جیمز بیکر، وزیر خارجه آمریکا در روز یکشنبه گذشته اعلام کرد که آمریکا آماده است با مقامات ایرانی مستقیماً مذاکره نماید. ممکن است بگویید به همین دلیل فتنه‌ای در کار و توطئه‌ای برپاست و الا چگونه است که بیکر پیشنهاد مذاکره مستقیم داده است. در هر حال این شیوه‌ای است که صرف نظر از سنجش سخن و موضع، صرفاً به همین اعتبار که گوینده چه کسی است می‌توان بر سخن خط بطلان کشید و در پسِ هر حرفی، توطئه‌ای را کشف نمود. به گمانم می توان از زاویه ای دیگر نیز مذاکره مستقیم را سنجید و بین مذاکره مستقیم و مذاکره غیر مستقیم، طرف بهتر و یا لااقل آنکه شرش کمتر است را برگزینیم. » نویسندهٔ مقاله ۵ دلیل برای درستی دیدگاه خود بیان کرده است. متن کامل مقاله را می‌توانید در بخش ضمایم همین کتاب، مطالعه کنید.

دوشنبه ۱۰ اردیبهشت ۱۳۶۹ | ٤ شوال ۱٤۱۰ ۳۰ آوریل ۱۹۹۰

جمعی از کارگران، به مناسبت[اول ماه مِی]، روز[جهانی]کارگر آمدند. برایشان صحبت کردم.[1] دکتر ولایتی، [وزیر امور خارجه] آمد. گزارش سفر داد و درباره اختلافاتش با وزارت اطلاعات و مسایل مربوط به کمک به آزادی گروگان‌ها صحبت شد.

آقای [سید محمد]خاتمی، [وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی] و معاونش، آقای[مرتضی] حاجی آمدند و طرح اجرایی توسعه گردشگری را آوردند؛ امید دارند که موفق از آب درآید. برای تأمین مصالح ساخت هتل و چیزهای دیگر استمداد کردند. دکتر[ایرج] فاضل، [وزیر بهداشت، درمان و آموزش‌پزشکی] آمد و برای تعویض دو معاون خود، مشورت کرد.

آقای [غلامرضا]فروزش، [وزیر جهادسازندگی] آمد و برای تقویت جهاد و طرح تفکیک وظایف[با وزارت کشاورزی و وزارت نیرو]، استمداد نمود. آقای[رضا] امراللهی، [رییس سازمان انرژی اتمی]، تلفنی گفت که یک پیمانکار خارجیِ پتروشیمی اراک، به دروغ ادعا کرده که درون منطقه رادیواکتیو وجود دارد؛ سازمان انرژی هسته‌ای بررسی کرده است؛ ادعا صحت ندارد.

عصر، شورای اقتصاد جلسه داشت. درباره تشویق صادرات و یکی کردن نرخ ارز صادراتی و رقابتی، بحث طولانی شد. کلیات طرح به تصویب رسید و برای شور بیشتر به کمیسیون ارجاع شد. کلیات ارزیابی کالای همراه مسافر با نرخ روز یا رقابتی را هم تصویب کردیم.

شب به خانه آمدم. در حالی که مشغول نوشتن خاطرات بودم، به اخبار بخش فارسی صدای آمریکا[VOA] گوش می‌دادم، خبر داد که دومین گروگان آمریکایی در لبنان،

---

۱ - در این دیدار که نمایندگان کارگران سراسر کشور، اعضای شورای‌عالی اسلامی کار و انجمن‌های اسلامی کارگران حضور داشتند، ایشان گفت:« قشر کارگر از وفادارترین اقشار به اسلام و انقلاب است و ما برای نیروی کار واقعاً ارزش قایلیم و در مجمع تشخیص مصلحت نظام، تلاش همه بر این است که به‌زودی قانون کار که شایسته نظام اسلامی است، تصویب شود. ارزش و اهمیت این روز، از این جهت است که رسانه‌های جمعی دنیا و افکار عمومی، سرانجام به واقعیتی در زندگی انسان‌ها متوجه شده‌اند و آن حق نیروی کار و کارگر است.» رجوع کنید← هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های ۱۳۶۹ ، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲ .

امشب آزاد شد. اظهاراتی شده که نشان می‌دهد، دولت آمریکا می‌خواهد تا پایان آزادی همهٔ گروگان‌هایش، امتیازی ندهد. به نظر می رسد، اگر چنین باشد، لبنانی‌ها آزادی گروگان‌ها را متوقف می کنند و آمریکا پشیمان می‌شود[1].

سه‌شنبه ۱۱ اردیبهشت ۱۳۶۹ | ۵ شوال ۱۴۱۰ — ۱ می ۱۹۹۰

آقای [عطاءالله]مهاجرانی، [معاون حقوقی و پارلمانی رییس جمهور] آمد. از هتاکی‌های مخالفان مقاله‌اش شکایت کرد و برای جواب گفتن اجازه خواست[2]. صفحه قرآن خطی جالب را دادم که تحقیق و بررسی کنند.

دکتر [عبدالله]جاسبی، [رییس دانشگاه آزاداسلامی] آمد. برای زیاد کردن شهریه

۱ - خبرگزاری رویتر درگزارشی نوشت: «عدم تمایل جرج بوش به انجام معامله پس از آزادی دو گروگان آمریکایی، موجب خشم رهبران میانه رو در ایران شده و امیدها را برای کمک به آزادی ۱۵ گروگان دیگر غربی در لبنان، به یأس تبدیل کرده است. «رابرت پل هیل» و «فرانک رید»، دو گروگان آمریکایی که طی دو هفته گذشته آزاد شده‌اند، نجات خود را عمدتاً مدیون کمک اکبر هاشمی رفسنجانی، رییس جمهور ایران می دانند که علیرغم خطرات سیاسی در کشورش، جهت پایان دادن به بحران طولانی گروگان ها مصمم بوده است. ایران و متحدش حزب الله لبنان می گویند آزادی شش گروگان دیگر آمریکایی، منوط به آن است که واشنگتن، اسراییل را جهت آزادی صدها عرب زندانی، تحت فشار بگذارد. جرج بوش اعلام کرده است با گروگانگیران وارد معامله نخواهد شد و تا آزادی شش گروگان دیگر آمریکایی، در جهت عادی ساختن روابط با تهران، گامی برنخواهد داشت. این موضع‌گیری جرج‌بوش، هاشمی رفسنجانی را که برای ساکت کردن رادیکال های مخالف، بر روی دریافت سریع امتیازاتی سریع از سوی آمریکا، شرط بندی کرده بود، خشمگین کرده است؛ رادیکال‌هایی که کنار نشسته‌اند، در انتظارند از هر گونه اشتباه هاشمی بهره برداری کنند. هاشمی رفسنجانی، با این سخنان که کاخ سفید همانند یک بچه لجوج و لوس و قُلدری که حُسن نیت خود را در قبال آزادی گروگان ها نشان نداده، رفتار کرده است، عصبانیت خود را نسبت به واشنگتن نشان داد. واشنگتن ظاهراً برای تضعیف رفسنجانی، بلافاصله پس از آزادی گروگان های آمریکایی، از ایران به عنوان یک حامی تروریسم یاد کرد و به ناخدای رزمناو «وینسنس» که هواپیمای مسافربری ایرانی را سرنگون کرده بود، مدال داد. به نظر می رسد این اقدامات آمریکا، بیش از آنکه به آمریکا ضربه بزند، قدرت بیشتری به اردوگاه رادیکال ها خواهد داد.» منبع: نشریه ویژه خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۹/۲/۱۷، صفحه ۲۸.

۲ - آقای مهاجرانی در روز ۱۱ اردیبهشت، به سرمقاله روزنامه جمهوری اسلامی جواب داده و نوشته بود: «اینجانب صبح امروز به حضور رییس عزیز خودم رسیدم و مقاله «مغالطه» را به ایشان نشان دادم. ایشان ابراز ناراحتی از طرف خودشان را تکذیب فرمودند. علاوه بر آن در جلسه دولت در روز یکشنبه گذشته، همه اعضای دولت شاهد بودند که نظر ریاست جمهوری، این است که افراد اهل نظر بتوانند نظر خود را در جامعه مطرح کنند».

دانشجویان، به خاطر بالا رفتن دستمزد کادر علمی و اداری اجازه خواست؛ اجازه ندادم. گفتم صورت خرج و دخل را بدهد. آقای[محسن] کنگرلو[1] برای موضوع تسویه حساب هزینه های دوران فعالیت در مذاکرات پنهانی خارج از کشور آمد.

آقایان [علی اکبر]ولایتی،[وزیر امورخارجه]، [علی] فلاحیان، [وزیر اطلاعات] و [محسن]رضایی، [فرمانده کل سپاه پاسداران]، برای رفع اختلاف در خصوص مسایل مربوط به نهضت‌ها و برنامه های خارج از کشور آمدند که به توافق رسیدیم. سپس درباره اختلافات و درگیری‌های وزارت اطلاعات و وزارت امورخارجه مذاکره شد؛ به تفاهم رسیدند. قرار شد برای تدوین آیین‌نامه همکاری، مذاکره کنند و اگر به توافق نرسیدند، به من مراجعه نمایند.

مراجعات زیادی در خصوص تعویض فرماندار شهری داشتم؛ به آقای[عبدالله] نوری، [وزیر کشور] تذکر دادم، ولی حکم صادر شده است. [آقای غلامرضا آقازاده]، وزیرنفت برای مشورت در مورد مسایل اوپک آمد؛ گفتم در خصوص مراعات سهمیه‌ها و قیمت، موضع قاطع بگیرد.

عصر در دفترآیت‌الله خامنه‌ای، شورای‌عالی امنیت ملی جلسه داشت. روی متن جواب به نامهٔ صدام[حسین، رییس‌جمهور عراق] تصمیم گیری کردیم[2]؛ قرار شد نامه را وزیر نفت

---

۱ - آقای محسن کنگرلو، از مبارزان قبل از انقلاب، یکی از پایه‌گذاران سازمان فجر اسلام بود که در دوران مبارزه به چاپ و توزیع اعلامیه های حضرت امام(ره) مبادرت می ورزید. او بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به همراه آقایان خسرو تهرانی و بهزاد نبوی، فعالیت خود را در سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی متمرکز کرد. آقای کنگرلو مشاور امنیتی نخست وزیر در طول سال های دفاع مقدس بود و در زمینه ارتباطات بین المللی از جمله تامین سلاح موردنیاز جبهه ها فعالیت می کرد. او در ابتدای ماجرای مک فارلین و تأمین سلاح در قبال کمک به آزادی گروگان های غربی در لبنان نقش داشت. در کتاب های خاطرات سال های ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۸ آقای هاشمی، از اقدامات آقای کنگرلو به ویژه در مورد ارتباط با دولت فرانسه یاد شده است. کنگرلو در سال‌های بعد، از سیاست کناره گرفت.

۲- متن کامل نامه در بخش ضمایم همین کتاب چاپ شده است . در بخشی از این نامه آمده است: « «به راستی اگر مطالبی که در این نامه آمده، هشت سال پیش مورد توجه واقع می‌شد و ارسال پیام، جای اعزام سرباز را می‌گرفت، امروز دو کشور ایران و عراق و شاید همه امت اسلامی با این همه خسارات و ضایعات مواجه نبود.... ما بارها گفته‌ایم که اگر جنگ آغاز نمی‌شد و امکانات دو ملت ایران وعراق در راه وحدت و حفظ منافع مسلمانان به کار گرفته می‌شد، استکبار غرب و صهیونیسم جرأت این همه گستاخی نمی‌یافتند. به هر حال باید از آنچه گذشته است، عبرت گرفت و توجه داشت که ادامه وضع نه صلح و نه جنگ و یا تجدید جنگ برای هر دو کشور و هر دو ملت عراق و ایران ویرانی بیشتر و برای امت اسلام ناتوانی و برای کفر جهانی، شادمانی و فرصت کسب امتیاز به بار خواهد

در نشست اوپک، به وزیر نفت عراق بدهد. سپس از ساعت شش بعد از ظهر تا ساعتِ نُه‌شب، شورای عالی انقلاب فرهنگی جلسه داشت. درباره کیفیت [آزمونِ‌سراسری]کنکور، طرح جدیدی تصویب شد که بیش از ۷ درصد دانشجویان در منطقه خودشان تحصیل خواهند کرد. شب آقای خامنه‌ای، دو بار، تلفنی دربارهٔ متن نامه جواب صدام تماس گرفتند.

چهارشنبه ۱۲ اردیبهشت ۱۳۶۹ | ٦ شوال ۱٤۱۰ ۲ می ۱۹۹۰

صبح به دفترم رفتم. تا ساعت نُه و نیم، متن جواب به نامهٔ صدام را اصلاح می‌کردم؛ برای اظهار نظر نزد آیت‌الله خامنه‌ای فرستادم. [آقای علی فلاحیان]، وزیر اطلاعات آمد. معاونش،آقای [علیرضا]اکبریان، اقدام به بازداشت ابوخالد[آورنده نامهٔ صدام و یاسرعرفات] را توجیه کرد؛ قانع نشدم. با اطلاعات به دست آمده، آنها را به احتیاط بیشتر توصیه کردم. آقای [حمید]میرزاده، برای امور جاری آمد.

رهبری در سخنرانی خود، به سختی به آمریکا حمله کردند و فکر مذاکره با آمریکا را محکوم نمودند[1]. عصر در جلسه هیأت دولت شرکت کردم. تفکیک وظایف

آورد. البته تجربه جنگ تحمیلی به دیرباوران هم فهماند که تهاجم نظامی قادر نخواهد بود که پایه‌های انقلاب اسلامی متکی بر اراده مردم مسلمان را متزلزل سازد. در اینجا لازم است تأکید نمایم، همان گونه که رهبر کبیر انقلاب اسلامی و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، حضرت امام خمینی (قَدّس‌سِرّهُ‌الشریف)، بعد از پذیرش قطعنامه اعلام کردند که «ما با مردم خود با صداقت صحبت می‌کنیم، ما در چارچوب قطعنامه ۵۹۸ به صلحی پایدار فکر می‌کنیم و این به هیچ وجه تاکتیک نیست»، ما در کوشش برای رسیدن به صلح واقعی و جامع، هیچ‌گونه تردیدی به خود راه نداده‌ایم و حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب، قاطعانه همان راه ترسیم شده توسط امام راحل‌مان را برای دستیابی به صلح جامع ادامه می‌دهند. براین اساس، ما از هرگونه ابتکار و پیشنهادی که دو کشور را به صلح جامع برساند، استقبال می‌کنیم.» منبع: کتاب« دوازده نامه»، دفتر نشر معارف انقلاب،۱۳۸۶.

۱ - آیت الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب در بخشی از سخنان خود گفتند: «بنده معتقدم، آن کسانی که فکر می‌کنند ما باید با رأس استکبار یعنی آمریکا مذاکره کنیم، یا دچار ساده لوحی هستند و یا مرعوب‌اند... ما معتقد به دیپلماسی فعال هستیم و معتقدیم که وزارت خارجه ما باید در سطح جهان، منهای چند مورد مشغول فعالیت باشد. بروند با همه دولت ها ارتباط داشته باشند. سیستم های مختلف و عقاید و روش های گوناگون مانعی ندارد و لیکن منطقه ممنوعه‌ای وجود دارد که از آن منطقه ممنوعه، نباید تجاوز کنند... ما هیچ احتیاجی نداریم به اینکه دشمنان سوگندخورده ما مثل آمریکا، برای ما دل بسوزانند و ما هیچ به دنبال مذاکره و رابطه با آمریکا نیستیم... من با مذاکره با آمریکا مخالفم و

جهادسازندگی، کشاورزی و نیرو تصویب شد؛ [آقای عیسی کلانتری] وزیرکشاورزی ناراضی است. تلفنی به آیت‌الله خامنه‌ای گفتم، در صحبت‌ها به آقای مهاجرانی اهانت شده است؛ قرار شد جبران شود[1].

شب برای انجام کارها و تکمیل پاسخ به نامه صدام براساس نظرات آیت‌الله خامنه‌ای، در دفترم ماندم.

پنج‌شنبه ۱۳ اردیبهشت ۱۳۶۹ | ۷ شوال ۱۴۱۰ ۳ می ۱۹۹۰

بعد از نماز، تا ساعت نُه صبح کار دفتر انجام شد. عفت و فاطی هم آمدند. معلمان نمونه و جمعی از محصلان مدارس شهید مطهری،[به مناسبت روز معلم] آمدند. برایشان مفصل صحبت کردم و آمریکا را به خاطر برخورد غیرمسئولانه با مسالۀ گروگان‌ها، مورد حمله قرار دادم[2].

دولت جمهوری اسلامی بدون اجازه من، امکان ندارد چنین کاری بکند.» منبع: پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله خامنه ای، آرشیو بیانات.

۱ - آیت الله خامنه‌ای در نامه‌ای، چنین نوشتند: «برادر گرامی آقای عطاءالله مهاجرانی؛ شنیدم بعضی، از حرف های امروز من، قصد طعن و توهینی نسبت به جنابعالی استنباط کرده‌اند و شاید بعضی خواسته‌اند یا بخواهند آن را مستمسکی برای اهانت به شما بسازند. اعلام می کنم که این استنباط غلط است . من یک فکر را تخطئه کرده ام و نیت و توهین به کسی نداشته ام و اگر بدون اراده من به شما توهین شده است، از شما عذر می خواهم. من شما را ده سال است به صدق و صفا و طهارت می شناسم و مطمئنم جز دلسوزی و خیرخواهی نظری نداشته‌اید. شما همچنان برادرِخوب من هستید و حداکثر آن است که به توصیه شما در مقالۀ «مذاکره مستقیم» عمل نخواهیم کرد.» در پی این نامه، آقای مهاجرانی تشکر کرد و نوشت: «اینجانب کلام و موضع مقام معظم ولایت را فصل الخطاب همه سخنان و مواضع دانسته و می‌دانم. اللّهم وَفّقنا لِما تُحبُّ و تَرضی.» منبع: پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای، آرشیو پیام‌ها و نامه‌ها.

۲- آقای هاشمی، عکس‌العمل کاخ سفید و دولت آمریکا را در مورد مسأله گروگان‌ها، مثل کودکی لجباز، عقده‌ای و یک دنده توصیف کرد و با اشاره به مشکل چندساله گروگان‌گیری در دنیا گفت: «بی‌شک گروگان‌گیری پدیده‌ای زشت است، ولی گروگان‌گیری را فالانژها که عامل غربی‌ها هستند، شروع کرده‌اند. با این وجود در تبلیغات ناجوانمردانه نزد افکار عمومی جهان، مردم لبنان را گروگان‌گیر و آدم‌ربا معرفی کرده و علیه آنها تبلیغ می‌کنند و ایران و هر کشور انقلابی را به عنوان حامی آدم‌ربایی معرفی و بسیاری از کشورها را نیز اغفال کرده‌اند. عمل گروگان‌گیری از سوی عُمّال آمریکا آغاز شد و از سوی دیگر رژیم صهیونیستی، از مرزهای جنوبی بیش از ۴۰۰ نفر شیعه مبارز و هزار و اندی فلسطینی را از درون خانه‌های خود ربود و اکنون آنها در زندان به‌سر می‌برند، ولی نام

آقای صباح زنگنه،[رییس ستاد برگزاری نمایشگاه کتاب تهران] آمد و گزارش نمایشگاه بین‌المللی کتاب را داد؛ بناست افتتاح کنم. آقای [فتح الله] مُضطرزاده، مسئول سازمان پژوهش‌ها[ی علمی و صنعتی]آمد. گزارش تحقیقات درباره معادن طلا را داد و خواستار حمایت برای بهره‌گیری شد. عصر احمدآقا آمد. درباره امور جاری صحبت شد. ستاد مبارزه با مواد مخدر جلسه داشت. [آقایان سید حسین مرعشی و علی جنتی]، استانداران کرمان و خراسان هم برای ارائه گزارش و گرفتن کمک آمدند.

هیأت مدیره شرکت تعاونی[تولیدکنندگان و صادرکنندگان] رفسنجان آمدند. برای حمایت کشاورزان و صادرات پسته، پیشنهادهای حمایتی داشتند. قرار شد برای سامان دادن تولید و فروش پسته، اتحادیه پسته تشکیل دهند. آشیخ محمد[هاشمیان]، در مورد آقای فلاح دادستان کرمان گفت؛ اطلاع دادم که به آقای[محمد] یزدی[رییس قوه قضاییه] تذکر داده‌ام که عوض نکنند.

آقایان [محمدعلی] هادی ، [علی‌محمد] بشارتی و [مصطفی] فومنی آمدند. از پذیرش

⇐آنها را به‌جای گروگان، زندانی گذاشته است. باید کسی برای حل مشکل گروگان‌گیری اقدام می‌کرد و توقع این بود که دولتی مانند دولت آمریکا که دولتی بزرگ است، پیشقدم می‌شد و مسأله را حل می‌کرد. اما اینجا مجاهدین لبنانی ابتکار عمل را در دست گرفته و افتخار پیشگامی را از آن خود کردند و بدون قید و شرط، گروگان‌ها را آزاد کردند. البته این عمل با توصیه ما بود و آنها می‌توانند نصیحت ما را بپذیرند و یا نپذیرند، ولی نصیحت ما را پذیرفتند. آمریکا به جای اینکه پاداش مناسبی به این اقدام بدهد، عکس‌العمل‌اش این بود که گفت، با آدم رباها معامله نخواهد کرد؛ مانند آنکه اسرائیل و یا فالانژها آدم‌ربا نیستند و این نمونه روشن از عمل انسان باسواد، اما بی‌حکمت است. یک گروه انقلابی، عصبانی و خشمگین پس از اینکه یک گروگان را بدون قید و شرط آزاد کرد و مواجه با عمل غیرمسئولانه آمریکا شد، قاعدتاً باید انتقام می‌گرفت، اما آنها باز هم جوانمردی کردند و با آزاد ساختن دومین گروگان، نهایت حُسن نیت را نشان دادند. اما قلدرهای آمریکایی به جای اینکه حرکت انسان در دل‌شان اثر کند، باز هم حرف قبلی خود را تکرار کردند. همزمان با این عکس‌العمل، آمریکا از یک طرف، از ایران و سوریه به خاطر تلاش برای رهایی گروگان‌ها تشکر کرد و از سوی دیگر، حرکت تبلیغات شومی را به راه انداختند که تا ایران همه گروگان‌ها را آزاد نکند، ما روابط خود را عادی نخواهیم ساخت.آدم فاقد حکمت این چنین است؛ مگر ایران از شما رابطه می‌خواهد که شما این حرف را می‌زنید. طی ده سال گذشته، مردم، امام، مسئولان و مجلس گفته‌اند و امروز هم رهبر معظم انقلاب اعلام می‌کنند که ما حاضر نیستیم با شما حرف بزنیم. این درست است که ما با کشورهای اروپایی همکاری نماییم و اصولاً با همه کشورهای جهان به جز دو سه کشور رابطه و همکاری داشته باشیم، چرا که وضع دنیا در حال حاضر به صورت همکاری‌های همه جانبه مشترک، مبادلات علمی، فنی، خبری، بازرگانی، هنری، ارتباطات و پزشکی استوار است و کشورها باید با یکدیگر همکاری کنند.» رجوع کنید← کتاب « هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های ۱۳۶۹ ، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲ .»

جمهوری اسلامی ایران
وزارت نفت

وزیر نفت

بسمه تعالی

جناب آقای هاشمی رفسنجانی

ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

با سلام،

احتراماً " باستحضار میرساند که مدتهاست شهرداری تهران خواستار افزایش عوارض متعلق به مصرف کنندگان گاز طبیعی به میزان ۵ برابر گذشته بوده و برای اخذ این عوارض پافشاری مینماید. مزیداً باستحضار حضرتعالی اینجانب بدلیل اثر تورمی که این عمل بر اقتصاد جامعه خواهد داشت، با چنین افزایشی موافق نمی‌باشم که اگر افزایش مورد نظر حضرتعالی باشد اولی تر از همه خود شرکت ملی گاز میباشد.

استناد مسئولان شهرداری به مجوز حضرت امام (ره) به رئیس دیوان عالی سابق کشور میباشد که براساس آن ما را موظف به اجراء میدانند.

علیهذا با عنایت به اختیار و مجوزی که مجمع تشخیص مصلحت درخصوص افزایش قیمت ها و عوارض به شورای عالی اقتصاد تنفیذ نموده اند، از آن مقام محترم استدعا دارم تا نسبت به موضوع فوق الذکر ارشاد طریق فرمائید.

غلامرضا آقازاده
~~وزیر نفت~~

نامه وزیر نفت در مورد درخواست افزایش عوارض گاز طبیعی و مخالفت رییس جمهور

خواست ایران در خصوص سفر به مکه، اظهار یأس کردند؛ گفتم دیگر تعقیب نکنند. آقای آقازاده، [وزیر نفت]، از ژنو [محل برگزاری نشست وزیران نفت اوپک]، تلفن کرد؛ از پیشرفت مذاکرات اوپک راضی بود و گفت پاسخ نامه صدام را به وزیر نفت عراق داده‌است. از مذاکرات با [آقای هشام ناظر]، وزیر [نفت]عربستان، درباره حج اظهار خوشبینی کرد؛ با توجه به گزارش آقایان هادی، بشارتی و فومنی، گمان می‌کنیم اشتباه کرده است.

جمعه ۱۴ اردیبهشت ۱۳۶۹ | ۸ شوال ۱۴۱۰ ۤ ٤ می ۱۹۹۰

ساعت شش‌ونیم صبح به همراه عفت و محافظان به سد لتیان رفتیم؛ برای استراحت جای خوبی است. از زمان رژیم شاه مانده است. فاطی، فائزه، محسن و بچه‌ها هم بعداً آمدند. بیشتر وقت به استراحت و مطالعه گذشت. مقداری هم قایق سواری و تماشای بازی فوتبال محافظان داشتیم. شام خوردیم و به منزل برگشتیم. ساعت نُه و نیم شب به خانه رسیدیم.

شنبه ۱۵ اردیبهشت ۱۳۶۹ | ۹ شوال ۱۴۱۰ ۤ ۵ می ۱۹۹۰

ساعت هشت و نیم به دفترم رسیدم. بعد از انجام کارها، [آقای اکبر ترکان]، وزیر دفاع آمد و گزارش صنایع موشکی، مهمات، هواپیماسازی و توپ‌سازی را داد. [آقای غلامرضا آقازاده]، وزیر نفت آمد. گزارش جلسهٔ اوپک و دادن نامه من به وزیر نفت عراق را داد و از [آقای هشام ناظر]، وزیر[نفت عربستان]سعودی نقل کرد که شاه فهد مصمم بوده مسالهٔ حج را [با ایران]حل کند، اما با شنیدن بیانیهٔ نمایندگان مجلس، منصرف شده است.

[آقای محسن نوربخش]، وزیر امور اقتصاد و دارایی آمد و پیشنهادی درباره شیوه اداره مناطق آزاد آورد؛ گفتم در شورای اقتصاد مطرح شود. عصر شخصی به نام خواجه نصیرطوسی آمد. نوشته بود طرح‌های مهمی دارد؛ حرف جالبی نداشت. آقایان[مسعود روغنی] زنجانی،[رییس سازمان برنامه و بودجه] و [غلامرضا] شافعی، آمدند و گزارش کمیسیون توزیع ماشین‌آلات و مصالح ساختمانی را دادند. آقای [مسعود روغنی]زنجانی،

[رییس سازمان برنامه و بودجه]، اجازهٔ کناره‌گیری خواست که موافقت نکردم؛ از دفتر مناطق محروم[ریاست جمهوری]گله‌مند است.

آقایان غلامی و عظیمی از کارکنان دفترم آمدند؛ از کمی حقوق و نداشتن مسکن شکایت کردند. آقای [جمال]ساداتیان، برای کارهای مشاوران[رییس جمهور]آمد. شب قرار بود مهمان آقای خامنه‌ای باشم که به خاطر انجام کارها نرفتم و تلفنی عذرخواهی کردم.

به خانه آمدم. مادر شهیدی آمد و از مشکلاتش گفت؛ یک حواله ماشین برای فرزند جانبازش گرفت. تلفن‌های زیادی در مورد تعویض فرماندار شهرری داشتیم ، منجمله آقایان [محمدرضا]مهدوی کنی و [سیدعلی]غیوری، [نماینده ولی فقیه در شهرری]، که به وزارت کشور اعتراض داشتند.

یکشنبه ۱۶ اردیبهشت ۱۳۶۹ | ۱۰ شوال ۱۴۱۰   ۶ می ۱۹۹۰

ساعت هشت و نیم به دفترم رسیدم. ساعت نُه صبح، [آقای شمشاد احمدخان]، سفیر جدید پاکستان برای تقدیم استوارنامه آمد[۱]؛ گرم گرفتم. در مورد افغانستان، گفتم خوب است انتخابات به‌گونه‌ای باشد که همه مردم شرکت کنند و زنان هم رأی بدهند؛ گروه‌های سُنی، موافق رأی دادن زنان نیستند. خانم [زهرا]عباسی،[معاون دبیرکل جامعه زینب] آمد. گزارشی از تشکیلات جامعه زینب داد و کمک خواست و از فاطی تعریف کرد.

آقای رفیق‌دوست، [رییس بنیاد مستضعفان و جانبازان] آمد. گزارش بودجه بنیاد را داد و کمک ارزی خواست. دکتر [حسن] حبیبی برای امور جاری آمد. [آقای محمدرضا نعمت زاده] وزیر صنایع آمد؛ گزارش وضع تولید را داد. عازم اتریش است. در مورد

---

۱ - در این دیدار، سفیر جدید پاکستان، گزارشی از آخرین وضعیت جامو و کشمیر و مسایل افغانستان ارائه کرد، سپس آقای هاشمی، مراتب خرسندی خود را از همکاری‌های فنی و تجاری اعلام کرد و گفت: «باید همکاری بیشتری بین دو کشور انجام پذیرد و از لحاظ فرهنگی نیز قطعاً ایران و پاکستان می‌توانند همکاری نزدیک‌تری داشته باشند. همچنین در زمینه مبارزه با مواد مخدر، تأمین امنیت در مرزهای دو کشور و رفع شرارت‌های افراد شرور، امکان همکاری وجود دارد.»

انعقاد قراردادهای همکاری مشورت کرد؛ موارد زیادی را در دستور مذاکره دارند.

ظهر، محسن[هاشمی، رییس دفتر بازرسی رییس‌جمهور] آمد. گزارش بازرسی تولید و وضع پُست را داد. عصر در جلسه هیأت دولت شرکت کردم. به آقای [عبدالله] نوری، [وزیر کشور] در مورد[تعویض فرماندار] شهرری تذکر دادم. شب با رهبری جلسه داشتیم. درباره اموال بنیادها و مسایل جاری کشور مذاکره کردیم.

درباره صحبت‌های روز چهارشنبه ایشان، به خاطر حمله تند علیه یک نویسنده معمولی صحبت شد[1] و نیز موضع‌گیری صریحی که ممکن است در آینده، لازم شود از آن عدول کنند؛ چون نفس مذاکره اشکالی ندارد؛ گرچه در حال حاضر مناسب نیست. ساعت ده شب به خانه رسیدم.

دوشنبه ۱۷ اردیبهشت ۱۳۶۹ | ۱۱ شوال ۱٤۱۰ ۷ می ۱۹۹۰

ساعت هفت و نیم صبح، برای افتتاح سومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، به محل نمایشگاه‌های بین‌المللی رفتم. دو ساعت از غرفه‌های کتاب فارسی، لاتین و عربی بازدید کردم؛ مشارکت ناشران خوب است. بعضی از غرفه‌ها کتاب اهدا می‌کردند؛ مایل نبودم بدون پرداخت وجه بگیرم، ولی همراهان اصرار داشتند که قبول کنم. در جمع ناشران و

---

۱ - خدابیامرز «گل‌آقا» در ستون دو کلمه حرف حساب روزنامه اطلاعات، با عنوان «مذاکرات مستقیم!!» چنین نوشت: «می گویم: ول کن شاغلام ... ول کن این یقهٔ صاحب مرده بی صاحب مانده بنده را، ول نکنی، خودم آن را «جر» می‌دهم! بعد، می زنم به سیم آخر. بعدش، محکم می زنم توی گوش جنابعالی، طوری می زنم که تئوری قبض و بسط حضرتعالی قاطی و پاطی بشود، و صدای آن، زیر این گنبد دوار بماند! می گوید: به سر مبارک، ول نمی کنم. «مش‌رجب» ما را فرستاده که زیر همین گنبد دوار با زبان خوش، با حضرتعالی «مذاکرات مستقیم» بنماییم! می گویم: گاز بگیر زبانت را! دهنت را ببند! چشمت را باز کن. مقالات جراید را بخوان. مسئول آن روزنامه، وزیر است. آن یکی وکیل است. آن یکی مشاور است. آن یکی ... برو عمو! برو عوام! تمام عقل تو و مش رجب و غضنفر و ممصادق را رویهم بگذاری، توی همین جیب کوچکمان جا می گیرد! ما گل‌آقاییم. توی خشت خام هم که نگاه کنیم، پشت سرمان تا یک فرسخی آنور پشت بام را می بینیم! حالا برو ... برو تا روزنامه ها ملتفت نشده اند، یک دیشلمه به ما بده، بعد در آبدارخانه را پیش کن! هر کی پرسید چی شده بود، بگو هیچی ... چرت گل‌آقا مختصر پاره شده بود، رفو کردیم، خوب شد!». «گل‌آقا»

حضار، سخنرانی کوتاهی کردم[1].

ساعت ده ونیم به دفترم رسیدم. جلسه شورای‌عالی تعاون جهانی اسلام داشتیم؛ آیین‌نامه تصویب شد. دکتر ولایتی[وزیر امورخارجه]، درباره سفر خانم[بی نظیر بوتو] بوتو[نخست‌وزیر پاکستان] به ایران تذکراتی داد.

ظهر آقای[سید عبدالکریم] موسوی اردبیلی مهمانم بودند. به آشپزخانه گفته نشده بود؛ غذای خوبی نداشتیم. ایشان تذکر دادندکه به‌گونه‌ای با علما رفتار شود که احساس امنیت نمایند. خواستار اطلاعات بیشتر از اوضاع بود. از اظهارات آقای[علی‌اکبر] ناطق نوری در روز قدس گله داشت.

عصر آقای[بیژن نامدار] زنگنه[وزیر نیرو] آمد؛ از کمبود آب در سد لار گفت و اینکه یا باید سهم تهران را و یا سهم مازندران را کم کنیم. شورای اقتصاد جلسه داشت. دربارهٔ تشویق صادرات و ارز تولیدی تصمیم‌گیری شد. تا ساعت نُه ونیم شب در دفترم کار کردم. به خانه آمدم.

سه‌شنبه ۱۸ اردیبهشت ۱۳۶۹ | ۱۲ شوال ۱۴۱۰ ۸ می ۱۹۹۰

آقایان[علی‌اکبر] ناطق نوری،[علی]یوسف پور، [سید هاشم]بنی‌هاشمی و خانم[مریم] بهروزی[نمایندگان جناح راست مجلس]آمدند. وضع مجلس را توضیح دادند و گفتند می‌خواهند که در مورد اعمال بعضی از وزرا انتقاد کنند. درباره طرح حمایت از فلسطین و

---

۱ - در بخشی از این سخنرانی آمده است: «برای آنهایی که ارزش علم و ادب را می‌دانند و شیفته دانستن هستند، این نمایشگاه، محلی جذاب و دلپذیر است و ما باید از کسانی که در خدمت نشر علم و فضیلت هستند، شاکر باشیم. من از آن قسمت‌های نمایشگاه که توانستم بازدید کنم، صحنه‌های بسیار جذاب و دلپذیری داشت و من از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی‌که این نمایشگاه را در کشور برگزار کرده است، تشکر می‌کنم. کتاب به خاطر فراوانی و ارزانی‌اش، هدیه گران‌بهای آفرینش برای بشریت است و فن کتابت و نعمت ثبت دستاوردهای فکری انسان‌ها که تبلورش در کتاب است، مانند خورشید است که حرارت دارد و ما از حرارت آن استفاده می‌کنیم، بدون اینکه به خود زحمت دهیم. کتاب قابل مقایسه با خیلی از کالاهایی که در دنیا است و ما از آن استفاده می‌کنیم، نیست. کتاب مایهٔ ثبات و بقای انسان‌ها است و ما هر مقدار در این زمینه تسهیلات فراهم کنیم تا مردم کتاب داشته باشند، پیشرفت خواهیم داشت.» رجوع کنید← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های ۱۳۶۹ ، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲ .»

اختلافات خطی و مسایل اقتصادی مذاکره شد. آقای[محمدجواد] ایروانی، وزیر سابق اقتصاد آمد؛ عازم لیبی بود. گفتم برای خرید سیمان مذاکره کنند. نظراتی دربارهٔ تخفیف مالیات صنایع داشت.

آقای احمد جمی، معاون سیاسی استاندار کهکیلویه و بویراحمد آمد. گزارش وضع استان را داد و خواستار احداث صنایعی در آنجا شد. احتمال ضرر شوراها را که بنا است به‌زودی با انتخابات تأسیس شود، تذکر داد.

دکتر [هادی]منافی، [معاون رییس‌جمهور و رییس سازمان حفاظت از محیط زیست و رییس سازمان نظام پزشکی]آمد. گزارش محیط زیست و نظام پزشکی را داد. اجازه گرفت از دکتر [مجید]سمیعی، برای معاینه کمرم که ناراحتی دارد، دعوت کند.

آقای [علی]فلاحیان، [وزیر اطلاعات] آمد و از کُندی همکاری وزارت امورخارجه گله کرد. دکتر ولایتی[وزیر امور خارجه] آمد. درباره اعزام نماینده‌ای به سوریه، برای توضیح مسایل نامهٔ صدام و توضیح خواستن از مسایل کنفرانس سران عرب[در بغداد] و همچنین دربارهٔ مسایل گروگان‌ها صحبت کردیم؛ بر کمک به آزادی گروگان های سوئیسی تاکید شد.

عصر آقای[محسن] نوربخش، [وزیر امور اقتصادی و دارایی]آمد. عازم پاکستان است. گفتم مسأله کارخانه پاک - ایران [= شرکت سرمایه‌گذاری مشترک پاکستان و ایران] را فیصله بدهد. درباره احداث خط لوله گاز و ساخت پالایشگاه و همکاری در سرکوبی اشرار مذاکره نماید. آقای[حسین] محلوجی، [وزیر معادن و فلزات] آمد. درباره نتیجهٔ مذاکرات با بخش خصوصی درخصوص تأسیسات جزیره قشم و فولادسازی‌های اصفهان، اهواز و مبارکه صحبت شد.

سر شب، آقای[عبدالله] نوری، [وزیر کشور] آمد. برای تعویض استاندار چهارمحال و بختیاری اجازه گرفت. از [آقای غلامحسین کرباسچی]، شهردار تهران دفاع کرد؛ بعضی‌ها از تندروی او انتقاد می کنند، ولی کارهای مثبت او را هم قبول دارند.

جلسه مجمع تشخیص مصلحت داشتیم. تعدادی از مواد قانون کار تصویب شد. اعضای مجمع، شام مهمانم بودند که تا ساعت یازده شب طول کشید. اعضای شورای نگهبان اتومبیل حفاظتی خواستند. آقای[محمد] امامی[کاشانی] از کارشکنی‌های رادیکال‌ها گفت.

آقای[احمد] جنتی، خواستار توصیه به [آقای غلامحسین کرباسچی]، شهردار [تهران]، برای صدور جواز ساختمان سازمان تبلیغات اسلامی شد.

آقای[شیخ حسن]صانعی، با یاد اینکه من و ایشان، امام را پس از فوت مرحوم آیت‌الله‌بروجردی، به حضور در جامعه و نشستن در مراسم عید و عزا و پذیرش ملاقات‌ها، ترغیب نمودیم، از شعارهای دیگران اظهار نگرانی کرد و از من خواست که نگذارم آنها[=رادیکال‌ها]در شعار جلو بیفتند؛ گفتم باید مصلحت اسلام و انقلاب را در نظر گرفت، نه جاه‌طلبی‌سیاسی را. شب در دفترم ماندم.

چهارشنبه ۱۹ اردیبهشت ۱۳۶۹ | ۱۳ شوال ۱۴۱۰ ۹ می ۱۹۹۰

بعد از نماز تا ساعت نُه شب کار کردم. [آقای وان لی]، رییس کنگره خلق چین به



دیدار با رییس کنگره ملی خلق چین

ملاقات آمد. مذاکرات دوستانه بود[۱]؛ خیلی پیر و ضعیف است. کمی نگران حوادث آینده

---

۱ - آقای «وان لی» با اظهار این مطلب که سیاست خارجی چین از اصول استقلال متکی به خود پیروی می‌کند، گفت: «ما به شدت با هرگونه سیاست توسعه طلبانه مقابله کرده و سعی می‌کنیم روابط خود را با کشورهای جهان سوم ←

چین به دنبال تحولات مارکسیسم بود.

آقای [بیژن نامدار]زنگنه، [وزیر نیرو] آمد. درباره کمیِ آب سد لار در مقابل نیاز مازندران و تهران گفت و پیشنهادی برای تقسیم آبِ موجود داد؛ پذیرفتم. مازندرانی‌ها برای کشت برنج، آب بیشتری می‌خواهند و به خاطر فرار بخشی از آب سد، به اندازه کافی آب نداریم.

جلسه بررسی مسالهٔ بهمنشیر را داشتیم؛ پس از مذاکرات طولانی، قرار شد لایروبی شود و بندری در منطقه چوئیبده ایجاد کنند و طرح اصلاح آبیاری نخل‌ها هم اجرا گردد؛ وزارت نیرو، مخالف لایروبیِ تمام بهمنشیر بود که به توافق رسیدیم.

ظهر آقای[حسین]شیخ‌الاسلام، [معاون عربی و آفریقای وزارت امور خارجه]آمد. عازم سوریه بود. درباره مسایل قابل مذاکره با آقای حافظ اسد، [رییس‌جمهور سوریه] استفسار کرد. دکتر[هادی] منافی برای معاینه کمرم، به همراه دکتر [مجید]سمیعی،[1] جراح مغز و اعصاب آمد که نتیجه خوب بود و گفت چیزِ مهمی نیست، احتیاج به مراقبت دارد. از

تقویت نماییم.» آنگاه آقای هاشمی ضمن خوشامدگویی به آقای «وان لی» و هیأت همراه و تشکر از سلام‌های گرم و دوستانه رهبران چین و با اظهار خرسندی از تشکیل گروه دوستی پارلمانی ایران و چین، گفت: «من هنوز تحت تأثیر نقاط مثبت مسافرت خود به چین هستم. ما در تحلیل خود به این نتیجه رسیده‌ایم، چین یکی از معدود کشورهایی است که می‌تواند همراه خوبی برای کشورهای خواهان استقلال در جهان سوم باشد و با همین تحلیل، دوستی و همکاری با کشور شما را انتخاب کردیم. در سفر من به چین و همچنین رهبر ما حضرت آیت الله خامنه‌ای به این کشور، به این نتیجه رسیدیم که انتخاب ما درست بوده و به همین جهت بعد از آن سفر، روند روابط رو به رشد بوده است و امیدواریم با توجه به امکانات دو کشور روابط و همکاری‌ها گسترش بیشتری یابد. مسایل اخیر شما با آمریکایی‌ها نشان داد که آنها حتی طمع دارند به کشور بزرگی مثل چین که چهار برابر آمریکا جمعیت دارد، سلطه پیدا کنند و در یک مقطع ما نگران بودیم که در سیاست جهانی چین، انحرافی بوجود بیاید و آن موقعی بود که آمریکایی‌ها و غربی‌ها به داخل چین راه باز کرده بودند و سخت به تغییرات در چین، امید بسته بودند که البته به نظر می‌رسد، این خطر کم شده است.»

۱ - پروفسورمجید سمیعی (۱۳۱۶-) جراح مغز و اعصاب سرشناس ایرانی است که ریاست فدراسیون جهانی انجمن جراحان اعصاب و ریاست بیمارستان علوم عصبی هانوفر در آلمان را بر عهده دارد. وی در زمینهٔ تورم مغز و ترمیم، بازسازی و جراحی دستگاه عصبی محیطی، مطالعات مهمی را انجام داده‌است. برای تجلیل از مقام علمی و تجربیات ارزنده وی و همچنین گام‌های بلندی که در پیشرفت جراحی مغز و اعصاب برداشته‌است، رییس‌جمهور آلمان غربی در سال۱۳۶۷ نشان خدمت درجه یک دولت آلمان را به او اهدا کرد. در همین سال، جایزهٔ علمی ایالت نیدرزاکسن آلمان نیز به نامبرده اهدا شد. این پزشک ایرانی، شاگردان زیادی تربیت کرده‌است که در کشورهای مختلف جهان، به فعالیت در زمینه جراحی مغز و اعصاب مشغول هستند.

خدماتش در آلمان به ایرانی‌ها و حضور مکرر در ایران برای تعلیم گفت؛ تشکر کـردم. بـه آینده پزشکی ایران خوش‌بین است.

عصر برای انجام کارها، به جلسه دولت نرفتم. شب به خانه آمدم.

پنج‌شنبه ۲۰ اردیبهشت ۱۳۶۹ | ۱۴ شوال ۱۴۱۰ ۱۰ می ۱۹۹۰

جمعی از نمایندگان مجلس که بـه عنـوان خـط مـستقل‌هـا هـستند، آمدنـد. مطـالبی دربـاره مشکلات و کمبودها گفتند و انتقاداتی نسبت به اختلافات و عدم هماهنگی‌هـا و ضـعف‌هـا داشتند؛ من توضیحاتی دادم. مراجعـات زیـادی هـم داشـتند. بلافاصـله در جلـسه مـسئولان دانشگاه آزاد اسلامی شرکت کردم. دکتر[عبـدالله] جاسـبی[رئیـس دانـشگاه آزاد اسـلامی] توضیحات داد و من صحبت تشویق‌آمیز نمودم[1].

آقای [حمید]نقاشان آمد و گزارشی از اقدامات خود داد. عـصرآقای[سـید محمـدعلی] کامروا آمد و گزارشی از عملکرد ستاد معین خرمشهر داد و بـرای حُـسن اجـرای تعهـدات پول بیشتر خواست. بیست میلیون تومان بـه حـساب ۴۴۴۴ دادم و بـه آقـای[حمیـد]میـرزاده گفتم که بیـشتر بپردازنـد. آقایـان [حـسین]کمـالی و احمـدی آمدنـد. گـزارش وضـع بنیـاد امورمهاجرین جنگ تحمیلی را دادند و برای حل مشکلات استمداد کردند.

محسن[هاشمی، رییس دفتر بازرسی رییس جمهور]آمد. گـزارش کوتـاهی داد و بـرای پیگیری پرونده‌ها در تعزیرات حکومتی مشورت کرد. تا ساعت نُه شب کار کردم و به خانه

---

۱ - آقای هاشمی با اشاره به تلاش زیاد دانشگاه‌های دولتی و پذیرش بیش از ظرفیت دانشجو از سوی آنان، اظهار داشت: «برای اجرای برنامه پنجساله، از نظر نیروی انسانی متخصص، دچار محدودیت هستیم که نیاز به تربیت نیرو داریم، اما با توجه به اینکه ظرفیت دانشگاه‌های دولتی محدود است، دانشگاه آزاد اسلامی با شیوه‌ای که دارد، می‌تواند با سرعت بسیار بیشتری حرکت کند. کسب مقام چهارم در رشته پزشکی از بین بیست دانشگاه، برای دانشگاه آزاد اسلامی موفقیت بزرگی است . امروز خانواده‌ها حاضر به تأمین هزینه تحصیل فرزندانشان هستند و باید از این نیاز، اشتیاق و یاری مردم استفاده کرد. البته دانشگاه آزاد اسلامی، باید منطبق با شرایط آموزشی وزارت فرهنگ و آموزش عالی باشد و هیچ گونه مشکلی جهت تطبیق با این شرایط برای این دانشگاه وجود ندارد. سیاست جمهوری اسلامی برای ارتقاء سطح علمی جامعه، سیاست‌های اعلام شده مقام معظم رهبری، دولت و مجلس در جهت تقویت دانشگاه‌ها است، زیرا هیچ مشکلی بزرگتر از بی‌سوادی و کمی تخصص نیست.» رجوع کنید← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های ۱۳۶۹» ، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲ .

آمدم. تلفنی با آیت‌الله خامنه‌ای دربارهٔ سفر خانم[بی‌نظیر] بوتو، [نخست وزیر پاکستان] به تهران مشورت کردم؛ موافق با شام دادن من بودند.

جمعه ۲۱ اردیبهشت ۱۳۶۹ | ۱۵ شوال ۱۴۱۰ ۱۱ می ۱۹۹۰

در منزل بودم. وقت به استراحت و مطالعه فقه و تاریخ گذشت. ظهر بچه‌ها آمدند. مهدی برای بررسی و گزارش وضعیت، به کیش رفته است. فاطی و محسن، در خصوص منزل مشورت داشتند. عصر آقای[عبدالمجید] معادیخواه برای امور بنیاد تاریخ آمد. حاجیه والده آمدند. حالشان بد نیست؛ ولی از ضعف پیری رنج می‌برند.

سرشب دکتر [علی‌اکبر]ولایتی آمد و گزارش مذاکره با [آقای یوسف بن]علوی، وزیرامورخارجه عمان را داد که عصر امروز به تهران آمده است. خبر آورده که سعودی‌ها با اعزام ۶۰هزار حاجی و برگزاری میتینگ در مقابل بعثه موافقت کرده‌اند و صدام پیغام داده است که مذاکرات در عمان باشد.

با رهبری تلفنی مشورت کردم؛ ایشان با هر دو موضوع موافقت دارند. دکتر ولایتی، حاجیه والده را معاینه کرد. ضمناً پیغام آمریکایی‌ها را آورد که توسط سفیر سوئیس فرستاده‌اند؛ گفته‌اند مشغول اقدام برای گروگان‌های ایران در لبنان و اسرای لبنانی در اسرائیل و بررسی مسایل مالی بین دو طرف هستند.

شنبه ۲۲ اردیبهشت ۱۳۶۹ | ۱۶ شوال ۱۴۱۰ ۱۲ می ۱۹۹۰

نیمه شب تب و لرز گرفتم. صبح همراه صبحانه، مُسکّن مصرف کردم. به دفترم رفتم. [آقای آقازاده]، وزیر نفت آمد. گزارش وضع فروش نفت را داد که خوب است. خبر از پیشنهاد ژاپنی‌ها برای گاز پارس[جنوبی] و تفاهم نامه با [شرکت نفتی]توتال فرانسه، برای جمع‌آوری گازهای حوزه‌های نفتی شمال خلیج فارس و مذاکره با چند شرکت، برای جمع‌آوری گازهای همراه حوزه سلمان و [جزیره]سیری داد؛ قرار شد ۵۰۰ میلیون دلار نفت برای مخارج اضطراری پیش فروش شود.

تاریخ ۱۳۶
شماره ۱/۱۸۲۱/۶
پیوست

بسمه تعالی

قضائیه

رئیس جمهور محترم حضرت حجةالاسلام‌والمسلمین جنـــــاب آقـــای هاشمـــی رفسنجـانـــــی
" دام تائیداته العالی "

باسلام ومراتب مودت دراجرای اصل یکصدوهفتاد وپنجم دستورفرمائید دونفرنمایندگـــان آن مقام‌محترم برای نظارت برصداوسیما معرفی شوند تابه‌کمک مجلس شورای اسلامی درتنظیم وتصویـــب قانون مربوط به خط مشی وترتیب اداره سازمان‌ونظارت برآن شورای مزبور این اصل قانون اساســـی که اجراء آن طبق اصل ۱۱۳ بعهده جنابعالی عمل شود اطمینان دارم دستورواقدام شمااین اصل را بمرحله اجراء خواهد آورد./ب

محمد یزدی
رئیس قوه قضائیـــه

نامه رییس قوه قضاییه در مورد معرفی نمایندگان دولت برای نظارت بر صدا وسیما و دستور رییس جمهور

[آقای یوسف بن علوی]، وزیر امورخارجه عمان آمد و پیام سلطان قابوس را آورد. دربارهٔ موافقت عربستان سعودی با انجام مراسم برائت از مشرکین و پذیرش ۶۰هزار حاجی گفت و پیغام صدام را اعلام کرد که عمان محل مذاکره با ما باشد. گفتم از طرف من به امیرکویت بگوید، در مورد محاکمه آقای [سید محمدباقر]مُهری،[امام جماعت شیعیان کویت] سخت‌گیری نشود[1]. در مورد گروگان‌ها پرسید؛ گفتم ما اقدامات ممکن را کرده‌ایم، نوبت آمریکا است.

برای استراحت به خاطر کسالت، دو ملاقات دیگر را لغو کردم. ظهر سوپ خوردم. عصر با آیت‌الله خامنه‌ای که در بوشهر بودند، تلفنی درباره مضامین مذاکرات با بن‌علوی صحبت کردم. شورای‌عالی امنیت ملی جلسه داشت. درباره مسایل حج و مذاکره با صدام بحث کردیم. قرار شد ۶۰هزار حاجی با میتینگ را بپذیریم و هیأتی برای نهایی کردن موضوع و تدارکات به عربستان سعودی بروند.

در مورد مذاکره با عراق، با استماع گزارش آقای [سیروس]ناصری، [نماینده ایران در مقر اروپایی سازمان ملل]، درخصوص مذاکره با برزان[2][تکریتی]، برادر[ناتنی] صدام، قرار شد مذاکرات در ژنو باشد و ناصری و برزان صحبت کنند و محور حرف ما، اجرای قطعنامه[۵۹۸] باشد و با [آقای خاویر پرز دکوئیار]دبیرکل [سازمان ملل] مذاکره شود که روند کار قطعنامه سست نشود.

شب به خانه آمدم. والده هم بودند. مهدی از کیش برگشته بود. گفت بانک مرکزی هنوز حضور پیدا نکرده و وضع برق خوب نیست.

---

۱ - آقای سید محمدباقر مُهری، فرزند آیت الله سیدعباس مهری، نماینده حضرت امام در کویت و رهبر شیعیان این کشور، به دلیل فعالیت های سیاسی توسط دولت کویت دستگیر و زندانی شده بود. ایشان پس از وساطت آقای هاشمی، از زندان آزاد شد و به ایران بازگشت.

۲- برزان ابراهیم حسن تکریتی، برادر ناتنی صدام حسین، رییس سرویس اطلاعات عراق بود. او در مذاکرات مستقیم با جمهوری اسلامی ایران در ژنو ، به عنوان نماینده شخص صدام شرکت می کرد. این جنایتکار، عاقبت توسط دادگاه‌جناییِ‌عراق به اتهام قتل‌عام مردم بیگناه دُجیل، محاکمه و به اعدام محکوم شد. هنگام حلق‌آویزشدن در ۵ نوامبر ۲۰۰۶ ، سر او از بدنش جدا شد.

یکشنبه ۲۳ اردیبهشت ۱۳۶۹ | ۱۷ شوال ۱۴۱۰ ۱۳ می ۱۹۹۰

صبح ساعت چهار و نیم بیدار شدم. تا ساعت هفت به اخبار گوش دادم. به دفترم رفتم. دیشب و دیروز عصر، در تهران، طوفان با سرعت ۱۳۰ کیلومتر در ساعت و باران داشته‌ایم؛ درختان زیادی شکسته است.

ساعت نُه صبح، هیأت کره شمالی آمدند[1]. خواستار تحویل نفت بودند؛ اخیراً در تأمین نفت از شوروی دچار مشکل شده‌اند. آقای [مرتضی] محمدخان، [رییس کل گمرک ایران] آمد. گزارش وضع گمرکات را داد و پیشنهادهای کلی اقتصادی داشت.

محسن،[رییس دفتر بازرسی ویژه رییس جمهور] به همراه آقایان بهشتی و عباسی آمدند و گزارشِ کار بازرسی ویژه را دادند. هیأت عمانی آمدند و نامه سلطان قابوس،[پادشاه عمان] را آوردند که خواسته بود، با عملیات مشترک دو کشور، درخصوص بهره‌برداری از حوزه نفتی مشترک در آب‌های تنگه هرمز موافقت کنیم[2].

[آقایان مصطفی معین و ایرج فاضل]، وزیران فرهنگ وآموزش عالی و بهداشت،درمان

---

۱ - در این دیدار آقای «زیمانگ هو»، وزیر بازرگانی کره شمالی ، ضمن ابلاغ سلام و پیام آقای «کیم ایل سونگ» رهبر کره شمالی، بر گسترش هر چه بیشتر روابط دوجانبه تأکید کرد. سپس آقای هاشمی با اشاره به اینکه کره‌شمالی در دوران جنگ، همکاری بسیار خوبی با جمهوری اسلامی ایران داشته است، بر تمایل ایران برای ادامه و گسترش این همکاری‌ها در دوران صلح نیز تأکید کرد و افزود: «جمهوری اسلامی ایران در زمینه‌هایی که امکان همکاری با کره شمالی وجود داشته باشد، اولویت را به این کشور خواهد داد. امیدوارم کمیسیون مشترک دو کشور زمینه‌های توسعه روابط را مورد بررسی قرار دهند.» ایشان در پایان این دیدار، لزوم وحدت دو کره را مورد تأکید قرار داد و گفت: «ایران تلاش خود را در این زمینه انجام خواهد داد.»

۲ - در این ملاقات، آقای «سعید بن احمد شن فری»، وزیر نفت عمان، ضمن تقدیم پیام کتبی سلطان قابوس، پادشاه آن کشور، از همکاری‌های ایران به عنوان یکی از اعضای فعال سازمان «اوپک» تشکر کرد و آمادگی کامل کشور متبوعش را برای بسط و گسترش روابط در همه زمینه‌ها اعلام کرد. سپس آقای هاشمی با تشکر از پیام گرم و دوستانه سلطان قابوس، زمینه‌های همکاری دو کشور را مثبت ارزیابی کرد و بر بهره‌گیری از منابع مشترک تأکید نمود. ایشان با اشاره به خسارت ناشی از عدم هماهنگی کشورهای نفت خیز و پایین بودن قیمت نفت اظهار داشت: «به اعتقاد ما قیمت واقعی نفت بسیار بیشتر از قیمت کنونی است و این ظلمی است که به مردم کشورهای نفت خیز می‌شود. «اوپک» تنها مرکزی است که می‌تواند قیمت عادلانه نفت را تثبیت کند و باید همه کشورهای عضو در این جهت تلاش نمایند. زیرا از دست دادن این ذخایر خدادادی، به معنای نادیده گرفتن حقوق نسل‌های آینده و وارد آوردن زیان به بقیه مسلمانان و پرکردن کیسه غارتگران نفتی است.

و آموزش پزشکی آمدند و خواستار توجه بیشتر به وضع مالی دانشگاه‌ها شدند. اخوی محمد، [رییس سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی] آمد. دربارهٔ وزارت اطلاعات مطالبی داشت؛ کارهای خودسرانه آنها و تأسیس دفاتری با نام ریاست جمهوری به آبروی نظام ضربه می‌زند[1].

عصر در جلسه هیأت دولت شرکت کردم؛ مطلب مهمی در دستور نداشتیم. شب با آقای خامنه‌ای جلسه داشتیم. دربارهٔ سهمیه آب مازندران از سد لار، مسایل حج، مذاکره با برادر صدام در ژنو، مشاجرات بین روزنامه رسالت و بعضی نمایندگان رادیکال، مذاکرات لاهه و مسایل دیگر مذاکره کردیم.

دکتر[گودرز] افتخار جهرمی، [سرپرست دفتر خدمات حقوقی بین المللی ریاست جمهوری] آمد. گزارش مذاکراتِ [دیوان داوری] لاهه را داد و گفت آمریکا پیشنهاد کرده است، یک تا دو میلیارد دلار، بابت بدهی[قرارداد] F.M.S [2] و پول چند قلم کالای نظامی بدهد[3].

---

۱ - وزارت اطلاعات در آن سال ها، دفتری پوششی در فرودگاه مهرآباد ایجاد کرده بود و گهگاه افرادی را جلب و یا نسبت به ضبط گذرنامه برخی اقدام می‌نمود و این فعالیت ها، تحت عنوان دفتر ریاست جمهوری انجام می‌شد. با این قضیه در آن زمان برخوردهایی صورت گرفت.

۲ - پنتاگون، وزارت دفاع ایالات متحده، فروش تجهیزات نظامی به کشورهای دیگر را تحت برنامه ای با عنوان «فروش به ارتش های خارجی» FMS= Foreign Military Sale انجام می‌دهد. رژیم پهلوی در سال های پایانی عمر خود، مقادیر زیادی سلاح و تجهیزات پیشرفته نظامی، در قالب این برنامه از آمریکا خریداری کرده بود که بخشی از این قراردادها در واپسین لحظات سقوط شاه، توسط آخرین نخست‌وزیر پهلوی مُلغی شد. قراردادهای مزبور، یکی از موارد اختلاف ایران و آمریکا در دیوان داوری بین المللی لاهه بود.

۳ - روزنامه آلمانی «هندلز بلات» در این باره نوشت: «رییس جمهور ایران، آقای رفسنجانی، پس از مساعی طولانی و سخت، موفقیت مهمی به دست آورده است. ایرانی ها در دادگاه بین‌المللی لاهه، توانستند بعد از نُه سال مذاکره، نتیجه مهمی که از نظر روانی بسیار اهمیت دارد، کسب کنند. ایران از پرداخت ۱۰۵ میلیون دلار غرامت به آمریکاییان، انتظار دارد بتواند ۱۱ میلیارد دلار پرداختی خود به آمریکا برای خرید سلاح را دریافت کند. با وجودی که هر دو طرف، ارتباطِ این نتیجه مثبت در دادگاه دیوان بین المللی لاهه با مسالهٔ آزادی گروگان ها را تکذیب می کنند، بر همه روشن است که آمریکا می خواهد با این توافق در لاهه، حُسن نیت خود را به رفسنجانی که برای آزادی گروگان های غربی در لبنان تلاش کرده بود، نشان دهد.» منبع: نشریه ویژه خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۹/۲/۲۶، صفحه ۲۴

۱۳۶۹/۷/۹
۰/۳۷۵۸۲

"بسمه‌تعالی"

حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای هاشمی رفسنجانی

ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

با عرض سلام و ارادت، احتراماً "خاطر عالی را مستحضر میدارد حسب دستور حضرتعالی قرار است پادگان قلعه‌مرغی جهت انجام عملیات ساماندهی شهر تهران در اختیار شهرداری قرار گیرد که در اجرای دستورات صادره در حال حاضر عملیات نقشه‌برداری در پادگان مذکور در دست اقدام میباشد.

علیهذا از آنجائیکه در پادگان مورد بحث علاوه بر ژاندارمری جایگاههای دیگری از ارتش جمهوری اسلامی از قبیل نیروی هوائی، دانشکده پرواز، دانشگاه علوم و فنون هوائی، سپاه پاسداران و هوانیروز نیز استقرار دارند و یگانهای فوق جزژاندارمری جایگاهی همکاری لازم را جهت نقشه‌برداری محوطه در اختیار آنها معمول داشته‌اند تاکنون از ورود اکیپهای نقشه‌برداری ممانعت بعمل آورده‌اند. استدعا دارد با امر عالی را جهت تسریع در اجرای عملیات امر به ابلاغ فرمایند./ط

باتشکر
غلامحسین کرباسچی (ره)
شهردار تهران
۷/۸

ورود به دفتر ریاست جمهوری
شماره ۵۶۴۴
تاریخ ۱۳۶۹/۷/۱۰

مقام معظم رهبری [illegible]

درخواست شهردار تهران در خصوص پادگان قلعه مرغی در جنوب تهران (بوستان ولایت کنونی)

دوشنبه ۲۴ اردیبهشت ۱۳۶۹ | ۱۸ شوال ۱۴۱۰ ۱۴ می ۱۹۹۰

ساعت هفت و نیم صبح به محل ریاست جمهوری رسیدم. تا ساعت نُه صبح کارهای باقی‌مانده از دیروز را انجام دادم. آقای [عطاءالله]فضائلی، نماینده سمیرم آمد؛ مطابق معمول نسبت به همه امور سمیرم انتقاد داشت و طرحی هم برای اصلاحات عمومی ارائه داد.

آقای [نورالله]عابدی، نماینده بهبهان آمد. برای خوزستان پیشنهادهایی داشت و خواستار دادن لوله به مردم برای لوله‌کشی گاز، با نرخ دولتی بود. از استاندار خوزستان نسبت به اعمال سلیقه خطی، تحت تأثیر امام جمعه اهواز انتقاد داشت.

آقای [احمد]موسوی، [سفیر ایران در بیروت] آمد. از مسایل گروگان‌ها و لبنان گفت و پیشنهادهایی داشت. دکتر[حسن] حبیبی، [معاون اول رییس جمهور]، برای امور جاری آمد و در مورد تعزیرات حکومتی و همچنین برنامه سفر خانم[بی‌نظیر] بوتو، [نخست وزیر پاکستان] به ایران، مذاکره شد.

عصر فائزه آمد. گزارش ملاقات با دکتر[مصطفی] معین، [وزیر فرهنگ و آموزش عالی] را داد؛ برای دفاع از محصّلی بوده که مدعی است در نتیجهٔ آزمون تقلب و او ردشده؛ گفتم نبایستی او برای مذاکره می‌رفت. گفت او را برده و خواستار تعقیب موضوع شده.

شورای اقتصاد جلسه داشت؛ با گران شدن سیمان مخالفت کردیم؛ ولی پذیرفتیم که چهار میلیارد تومان، به کارخانه‌های سیمان کمک بشود. قرار شد در هر مورد تقاضای گران کردن، اگر استحقاق دارند، به همین گونه عمل شود تا دولت باعث تورم و گرانی نشود. درباره ماشین‌های سنگین مهندسی ساخت هپکو، برای تعیین قیمت مذاکره شد. سرشب دکتر [محسن]نوربخش، [وزیر امور اقتصادی و دارایی] آمد و گزارش سفر پاکستان و لیبی را داد.

سه‌شنبه ۲۵ اردیبهشت ۱۳۶۹ | ۱۹ شوال ۱۴۱۰ ۱۵ می ۱۹۹۰

آقای [محمدحسین]مشایخی، [رییس سازمان تعزیرات حکومتی] آمد. گزارش تعزیرات حکومتی را داد و درباره آینده آن سئوال کرد. آقای [سید محمدحسن]تولایی، [استاندار

خوزستان] آمد. گزارش بازسازی خوزستان را داد و برای حُسن اجرای کارها استمداد کرد. جلسه ائمه جمعه و استانداران استان‌های مُعین[۱] را داشتیم. درباره مبلغ کمک و کیفیت کمک استان‌ها مذاکره و تصمیم گیری شد.

عصر ساعت چهارو نیم، خانم بی‌نظیر بوتو نخست وزیر پاکستان آمد. او صبح وارد مشهد شده بود و پس از زیارت[امام رضا(ع)] به تهران آمده است. حدود یک ساعت و نیم در دفترم مذاکره خصوصی داشتیم، سپس به جلسه رسمی رفتیم و مذاکرات رسمی انجام شد[۲].

برای استراحت به سعدآباد رفتند و ساعت هشت و نیم شب برای مهمانی شام من، به کاخ وزارت خارجه آمدند. قبل از شام، مذاکرات متفرقه‌ای درباره مسایل خصوصی، خانوادگی داشتیم و اوضاع کشورهای‌مان را سئوال و جواب کردیم. در جلسه خصوصی،

---

۱ - بعد از پایان جنگ در سال ۱۳۶۷، استان های برخوردار، هر کدام تامین هزینه‌های بازسازی شهری از شهرهای مناطق جنگی را تقبل کرده بودند. به این استان ها، استان های مُعین گفته می شد؛ به عنوان مثال، استان مُعین خرمشهر، استانداری تهران بود.

۲ - در این دیدار، مسایل مورد علاقه دو کشور، از جمله چگونگی گسترش همکاری‌های سیاسی اقتصادی و فرهنگی میان ایران و پاکستان مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت و طرفین درباره مسایل مهم جهانی به‌ویژه در مورد مسالهٔ اسلامی افغانستان به تبادل نظر پرداختند. در پایان این دیدار، آقای هاشمی و خانم بی‌نظیر بوتو، در جلسه‌ای که در آن آقای حبیبی، معاون اول رییس جمهور و وزرای امور خارجه، دفاع، راه و ترابری و امور اقتصادی ودارایی دو کشور حضور داشتند، شرکت کردند و طی آن، خانم بوتو به اولویت و اهمیتی که برای روابط پاکستان با جمهوری اسلامی ایران قائل است، اشاره کرد و اظهار داشت: «هیچ چیز بیشتر از این ما را خوشحال نمی‌کند که ایران به‌عنوان یک کشور موفق و قدرتمند، در منطقه مطرح باشد. ما آماده گسترش روابط با جمهوری اسلامی ایران در همه زمینه‌ها هستیم و هیچ کشوری نمی‌تواند مانع توسعه گسترش این روابط بشود. اعلام همبستگی دولت و ملت ایران با ملت جامو و کشمیر، موجب دلگرمی ملت پاکستان و نشانه شجاعت ایران در بیان مواضع اصولی خود است.» در این دیدار آقای هاشمی با اشاره به روابط نزدیک و صمیمانه ایران و پاکستان اظهار داشت: « سرنوشت ایران و پاکستان از جهات مختلف با یکدیگر پیوند خورده و ما را کاملاً به یکدیگر نزدیک کرده است که در این ارتباط پایبندی عمیق دو ملت به اسلام دارای اهمیت خاصی است.» آقای هاشمی، علاقمندی جمهوری اسلامی ایران را به گسترش روابط با پاکستان در تمامی زمینه‌ها یادآور شد و در همین راستا، ضرورت تقویت سازمان اکو را مورد تأکید قرار داد. آقای هاشمی سپس به بیان عدم تمایل دولت‌های استعماری به حل مساله افغانستان پرداخت و با تأکید بر لزوم همکاری نزدیک میان ایران و پاکستان، در پایان بخشیدن به مساله، افزود: «لاینحل ماندن مسایل افغانستان جامو و کشمیر و مساله جنگ عراق با ایران، به نفع دولت‌های استعماری و توسعه طلب است.»



سفر خانم بی نظیر بوتو نخست وزیر پاکستان به تهران



درباره سلاح اتمی صحبت شد. نطق سر میز شام را من و او ایراد کردیم.[۱]

[هیأت پاکستانی]، مجموعاً از مذاکرات و پذیرایی راضی بودند و [خانم بی‌نظیر بوتو]، اصرار به سفر من به پاکستان داشت. آنها به‌طور جدی، نگران شروع جنگ با هندوستان هستند. معمولاً در سئوال از آمار و ارقام کشورشان، اطلاع نداشتند. ظاهراً وزیرانش در مقابل او خاضع بودند، با اینکه سن‌شان از او بیشتر است، ولی خودش از عدم انسجام و اعتماد می‌گفت. دیروقت به خانه آمدم.

چهارشنبه ۲۶ اردیبهشت ۱۳۶۹ | ۲۰ شوال ۱۴۱۰ ۱۶ می ۱۹۹۰

ساعت هفت و نیم صبح به دفترم رفتم. مسئول کشیک نبود و کار ملاقات خانم‌ها با خانم

---

۱ - خانم بوتو در این نطق، ضمن تشکر از موضع جمهوری اسلامی در مورد تحولات کشمیر، از کشورهای جهان، بخصوص امت اسلام خواست که برای پایان دادن به سرکوب مسلمانان کشمیر، به هند فشار آورند و دهلی نو را متقاعد به دست برداشتن از اقدامات نظامی علیه پاکستان کنند. ایشان در مورد مسأله افغانستان، گفت: «تبلیغات دخالت نظامی سربازان خارجی در افغانستان، با وجود عقب نشینی آنان، هنوز به شکل رژیمی نامشروع و غیرقابل قبول، برای مردم افغانستان باقی است. ایران و پاکستان در این مورد که این مسأله باید از طریق سیاسی و مسالمت آمیز حل شود توافق دارند». آقای هاشمی نیز گفت: «دو ملت ایران و پاکستان با برخورداری از مشترکات عمیق و سازنده تاریخی، فرهنگی، دینی و علایق و همکاری‌های مؤثر، همواره با روحیه تفاهم در کنار یکدیگر بوده و روابط مودّت‌آمیز و دوستانه‌ای داشته‌اند تا آنجا که مرزهای دو کشور به عنوان مرزهای صلح و دوستی شناخته شده است. عضویت در سازمان همکاری‌های اقتصادی «اکو» نیز موجب تشدید روابط و علایق دوستانه موجود می‌باشد. اکو در شکل و محتوای جدید خود که از روابط تحمیلی و استعماری پیشین برکنار است، می‌تواند راه را برای نزدیکی کشورهای اسلامی به یکدیگر هموار سازد. با توجه به تحولات جهانی و منطقه‌ای، ضرورت همکاری و همیاری کشورهای اسلامی، بیش از هر زمان دیگر احساس می‌گردد و اکو قادر خواهد بود، با ایجاد شرایط و زمینه‌های لازم در تشکیل بازار مشترک اسلامی، نقش سازنده‌ای را برعهده گیرد که در نتیجه، عامل اساسی و مهمی برای اعادهٔ عزت و عظمت اسلام و مسلمین نیز خواهد برد. ما مشکلات امت اسلامی را مشکل خود می‌دانیم و براین باوریم که مسلمانان جهان، در صورتی که به حل اختلافات خود بپردازند و دست به دست هم دهند، نیروی کافی برای مقابله با قدرت‌های سلطه‌جو و رفع نابسامانی‌های موجود را خواهند داشت. جمهوری اسلامی ایران، براساس اصول سیاست خارجی خود، در ارتباط با سرکوب مسلمانان در کشمیر، مواضع صریح و روشنی اتخاذ نموده و معتقد است که دولت‌های اسلامی باید به‌طور فعال در رفع ظلم از مسلمانان کشمیر، اقدام لازم را به عمل آورند. ما همچنان به کوشش‌های خود در جهت رفع ظلم از مسلمین کشمیر ادامه خواهیم داد و اطمینان داریم که زمان سرکوب و اعمال فشار و بی‌توجهی به خواسته‌های مسلمانان در سرتاسر جهان، سپری شده است.» رجوع کنید← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های ۱۳۶۹»، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۹۲.

بوتـو مختـل شـده بـود. گفـتم محـل خـدمت او را تغییـر دهنـد و از آقـای [سـیدمحمد] میرمحمدی، [رییس دفتر رییس‌جمهور] درخـصوص عـدم ترتیـب مناسـب برنامـه ملاقـات خانم‌ها بازخواست کردم؛ بالاخره انجام شد. فاطی، [خانم شیرین خوشنویسان،]همسردکتر ولایتی، [خانم‌شفیقه رهیده،]همسر دکتر حبیبی و اعظم[هاشمی پور، همسر محسن] رفتنـد. فاطی از ملاقاتش راضی است. مجموعاً کار روابط عمومی، تشریفات و دفتر در این دیدار، اشکالاتی داشت که تذکر دادم. کارهای باقی‌مانده از دیروز را انجام دادم.

آقای [محمود]اسلامیان، استاندار جدیـد چهارمحـال و بختیـاری، بـرای خـداحافظی و مشورت در امور آنجا آمد. آقای[مسیح] مهاجری، [مدیر روزنامه جمهوری اسلامی] آمد و درباره نحوهٔ برخورد با اعلامیه تند لیبرال‌ها پرسید. هیأت‌امنای دانشگاه شاهد جلسه داشـت؛ اساسنامه اصلاح شد. قرار بود با آقای[مهدی]کروبی، [رییس مجلس شورای اسلامی]، قبـل از جلسه مذاکره داشته باشیم که نرسید و عذرش این بود که دو نایب رییس مجلس، غایب بودند.

عصر هیأت دولت جلسه داشت. چند لایحه به تصویب رسید. موضوع سفر خانم بوتو و درخواست پاکستان درخصوص حمایـت ایـران در صـورت حملـه نظـامی هنـد بـه آنهـا را بررسی کردیم. مشکل تقسیم ماشین‌آلات مهندسی و قطعات یدکی، بـا توجـه بـه کمبـود و نیاز زیاد نیز بحث شد.

به آقای[علی] فلاحیان، [وزیر اطلاعات] گفـتم مـسایل نامـه سرگـشاده لیبـرال‌هـا را بـه صورت قانونی و بدون افراط بررسی کند. به دفتـرم برگـشتم. تـب و لـرز بـه سـراغم آمـد؛ داروی مُسکّن خوردم. نماز مغرب و عشاء را خواندم و استراحت کردم. دکتر [هادی]منافی برای عیادت آمد. شب در دفترم ماندم. سوپ و دارو خوردم و خوابیـدم؛ مثـل اینکـه بیـشتر معلول خستگی است.

پنج‌شنبه ۲۷ اردیبهشت ۱۳۶۹ | ۲۱ شوال ۱۴۱۰ ۱۷ می ۱۹۹۰

ساعت شش ونیم صبح برخاستم. تب قطع شده بود و حالم مساعد بـود. دکتـر منـافی آمـد؛ داروی تقویتی آورد و خون و ادرار برای آزمایش گرفت. چون دو سه هفته است که تب و

لرز عارض می‌شود، نیاز به آزمایش و بررسی بیشتر دارد.

مهندس [محمد] غرضی، [وزیرپست‌و تلگراف‌وتلفن] آمد. مقداری درباره سیاست‌های اقتصادی صحبت شد. با مدیران مخابرات ملاقات کردم. گزارش دادند؛ برایشان صحبت مفصل نمودم[1]. معاونان سیاسی استانداری‌ها آمدند. درباره سیاست‌های کشور در دوران بازسازی، صحبت جامعی برایشان کردم و خط مشی را مشخص نمودم[2]. برادر پاسدارمان

---

۱ - ایشان همزمان با روز جهانی ارتباطات، از خدمات شرکت مخابرات به عنوان سلسله اعصاب پیکر جامعه قدردانی کرد و گفت: «در رژیم گذشته، ۸۰۰ هزار خط تلفن مورد بهره برداری قرار گر فت. طی ده سال بعد از انقلاب، این رقم به ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار خط تلفن افزایش یافته و در برنامه پنجساله نیز همین تعداد تلفن واگذار خواهد شد. امروز سیاست این است که امکانات کشور به‌طور مساوی بین استان‌ها تقسیم شود. به همین دلیل حضور انقلاب اسلامی در نقاط دوردست، بیشتر محسوس است. هر خط تلفن، علاوه بر صرف نیروی انسانی و هزینه ریالی، ۲ هزار دلار هزینه ارزی برای دولت دربر دارد و تلاش شرکت مخابرات، نمونه خوبی در جهت در اختیار گرفتن تکنولوژی پیشرفته دنیا و به خدمت درآوردن آن برای مردم کشور است.» رجوع کنید← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های ۱۳۶۹» ، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲.

۲ - آقای هاشمی در این دیدار، نقش معاونین سیاسی استانداران را بسیار مهم توصیف کرد و اظهار داشت: «باید مسئولان سیاسی کشور، براساس شرایط زمان و طبق برنامه‌ریزی دقیق، یک تعادل سیاسی- اقتصادی در جامعه بوجود آورند. در ده سال گذشته، با توجه به وجود جنگ و شرایط انقلابی، جنبه‌های سیاسی قوی‌تر بود و سایر جنبه‌ها را تحت‌الشعاع خود قرار داده بود. در دوران سازندگی، باید توجه داشت که توجه به ابعاد اقتصادی و رشد مادی، به ابعاد سیاسی و فرهنگی انقلاب ضربه وارد نیاورد و تعادلی در ابعاد مختلف زندگی اجتماعی بوجود آید. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، جمع قابل توجهی از افراد صالح و جوان، در ارگان‌های اجرایی کشور در سطوح مدیران و کارکنان جذب شده و یک نیروی قابل اعتماد در پیکر مدیریت کشور بوجود آورده‌اند و این دستاورد بسیار باارزشی که در اختیار نظام است و در کمتر کشوری وجود دارد.» ایشان با اشاره به اجرای طرح مبارزه با مفاسد اجتماعی، خطراتی را که دوستان ناآگاه و یا دشمنان آگاه، ممکن است برای اجرای طرح بوجود آورند، خاطرنشان ساخت و افزود: «باید توجه شود در این حرکت خوبی که وزارت کشور، به نام مبارزه با مفاسد اجتماعی شروع کرده است، به حق کسی تعدّی نشود. البته دشمنان سعی خواهند کرد با صحنه سازی، مانع این حرکت اصلاحی شوند و یا امکان دارد دوستان ناآگاه و افراطی احتمالاً با افراط کاری و اقدامات خلاف شرع، چهره مبارزه را خراب کنند. لذا نیروهای اجرایی باید بسیار هوشیارانه، معتدل، منظم، منطقی، قانونی و با برخوردی اسلامی و با بهره‌گیری از اقدامات فرهنگی، این طرح را به انجام برسانند. به اموال و حیثیت افراد احترام بگذارند و حقوق کسی ضایع نشود.» آقای هاشمی همچنین به حرکت‌های سیاسی مخالفین جمهوری اسلامی پرداخت و اظهار داشت: «این افراد باید بدانند، روح حرکت‌های سیاسی کشور، همان خط ترسیم شده از سوی امام خمینی (ره) و حضرت آیت الله خامنه‌ای و مردم مسلمان است و جایی برای عرض اندام جریان‌های منحرف و وابسته به استکبار و ورشکستگان سیاسی وجود ندارد. البته آنها می‌توانند با اصلاح خود و جلب اعتماد مردم، رهبری و مسئولان نظام، مانند دیگر افراد جامعه، در خدمت مردم باشند و ←

آقای [رضا]طلا و خانواده‌های داماد و عروس، برای اجرای عقد ازدواج‌شان آمدند؛ نیم سکه هدیه دادم.

آیت‌الله خامنه‌ای تلفنی احوالپرسی کردند. از دکتر [هادی]منافی خبر کسالتم را شنیده و نگران شده بودند؛ توصیه به استراحت نمودند. عصر به خانه آمدم. شب آقای[علی‌محمد] بشارتی،[قائم مقام وزیر امورخارجه]، از ریاض تلفنی تماس گرفت و گفت سعودی‌ها زیربار تجمع برائت از مشرکین نمی‌روند و از خبر عمانی‌ها اظهار بی‌اطلاعی می‌کنند، ولی سفیر عمان گفته که تماس گرفته و مسأله را حل کرده است؛ اجازه خواست یکی دو روز دیگر بماند؛ موافقت کردم.

جمعه ۲۸ اردیبهشت ۱۳٦۹ | ۲۲ شوال ۱٤۱۰   ۱۸ می ۱۹۹۰

در منزل بودم. وقتم به استراحت و مطالعه و آبیاری باغچه حیاط منزل گذشت. بچه‌ها ناهار بیرون شهر مهمان بودند؛ تنهایی غذا خوردم. محسن،[رییس دفتر بازرسی رییس‌جمهور] آمد. گزارش پرونده مدیر کارخانه آلومینیوم پارس را داد؛ متهم به سوءاستفاده شده است؛ نظر محسن این است که تقصیر مهمی ندارد. گفتم گزارشی از وضع کارخانه، پس از بازداشت او تهیه کند. احمدآقا تلفنی خواست که در یکی از شب‌های مراسم سالگرد ارتحال امام سخنرانی کنم؛ پذیرفتم.

شنبه ۲۹ اردیبهشت ۱۳٦۹ | ۲۳ شوال ۱٤۱۰   ۱۹ می ۱۹۹۰

ساعت هفت و نیم صبح به دفترم رسیدم. آقای[جواد] اژه‌ای،[مشاور فرهنگی رییس‌جمهور]آمد. عازم اروپا است. برای دانشجویان اسلامی خارج از کشور،[مبلغ ۵۰هزار دلار]کمک گرفت. آقای[حمید] میرزاده، برای امور جاری و بازسازی آمد. از ضعف

هیچکس کمک و یاری افرادی را که واقعاً قصد انجام خدمت دارند، رد نخواهد کرد.» رجوع کنید← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های ۱۳۶۹» ، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲.

موقعیت خودش در مقابل وزرا گله داشت؛ به وضع گذشته خو گرفته است.

آقای[سید کمال] خرازی، [نماینده دایم ایران در مقر سازمان ملل] آمد. گزارش مسایل سازمان ملل را داد. درباره مسالهٔ کمک به آزادی گروگان‌ها، قطعنامه ۵۹۸ و مسایل دیگر صحبت شد. پیشنهادهایی درخصوص جذب نیروهای متخصص ایرانی خارج از کشور و تبلیغات داد.

آقای[علی‌محمد] بشارتی آمد و گزارش سفر به عربستان سعودی را داد؛ زیر بار تظاهرات سیاسی نرفته‌اند و منکر شده‌اند که به عمانی‌ها چنین چیزی را گفته باشند. گفت پنج بار و مجموعاً یازده ساعت، با [آقای سعودالفیصل]، وزیر امور خارجه عربستان مذاکره کرده و نتیجه نگرفته است؛ نظر خودش این بود که بپذیریم و به مکه برویم.

[آقای غلامحسین کرباسچی]، شهردار تهران آمد. گزارش اقدامات را داد و برای طرح‌های اصلاحی، منجمله اتوبان کمربندی[آزادگان] و اتوبان نواب، استمداد و مشورت کرد. آقایان [سیدهاشم]رسولی[محلاتی] و [سید علی]قاضی عسکر، برای مسایل دبیرخانه ائمه‌جمعه و برنامه سمینارشان آمدند. درخواست می کردند، دبیرخانه[شورای سیاستگذاری] ائمه‌جمعه، به‌عنوان نهاد انقلابی باشد.

شب با رهبری و احمد آقا جلسه داشتیم. درباره حج مذاکره کردیم. قرار شد بدون موافقت با برنامه [راهپیمایی]برائت [از مشرکین]، نرویم و اطلاعیه بدهیم. درباره نامهٔ سرگشاده لیبرال‌ها صحبت شد. در مورد پاکستان و انتظار کمک ما در مقابل هند و مسایل دیگر هم مذاکره شد.

یکشنبه ۳۰ اردیبهشت ۱۳۶۹ | ۲۴ شوال ۱٤۱۰ ۲۰ می ۱۹۹۰

عفت همراه چند نفر از همسران شهدا، با اتومبیل عازم مشهد بود. دعای سفر خواندم؛ رفت. ساعت هفت ونیم صبح به دفترم رسیدم. مدیران صنایع بنیاد مستضعفان آمدند؛ برایشان در مورد فضیلت تولید بیشتر صحبت کردم[1].

---

۱ - در این دیدار که بیش از ۱۵۰ تن از مدیران عامل شرکت‌های تولیدی حوزه معاونت صنایع و معادن بنیاد مستضعفان و جانبازان حضور داشتند،آقای هاشمی گفت: «سرمایه عظیم بنیاد مستضعفان و جانبازان، امروز در درجه

آقای[محمدحسن] اختری، سفیرمان در سوریه آمد؛ راجع به خواستهٔ حزب‌الله لبنان تذکراتی داد. با [آقای شیخ صبحی طفیلی دبیرکل حزب الله لبنان و اعضای]شورای‌مرکزی حزب الله لبنان ملاقات داشتم. توضیحاتی درباره خودشان دادند. آنها خواستار هماهنگ‌ترشدن با سیاست جمهوری اسلامی شدند. برای عملیات جدید اقلیم‌التفاح، با هدف رسیدن به جاده جنوب، به منظور ختم وضع موجود که می‌گویند به‌ضررشان است، خواستار اسلحه بیشتر و فروش نفت به یک تاجر شیعی شدند، به منظور اینکه نصف سود را به حزب الله بدهد. گفتم در مورد مسایل نظامی، تصمیم‌گیری با رهبری است.

آقای[علیرضا] محجوب، [دبیرکل خانه کارگر] آمد. درباره مسکن کارگران استمداد کرد. آقای [منوچهر]متکی، [معاون بین الملل وزارت امور خارجه] آمد. راجع به شرایط سیاسی بین‌المللی توضیحاتی داد و خواستار شرکت من در مجمع عمومی سال آتیِ سازمان‌ملل شد؛ نپذیرفتم. اصولاً ضرورتی برای سفر به غرب نمی‌بینم و گفته‌ام چون انقلاب جدید است، اول باید سران آنها به تهران بیایند. در مورد تأسیس مراکز غیردولتی، جهت فعالیت در سطح جهان برای تبلیغات، اجازه خواست.

آقای[حسین] کاظم پور[اردبیلی]آمد. گزارش توافق نهایی با آماکو در مورد پرداخت خسارت را داد و موافقت در مورد شرکت ژاپن در بازسازی را خواست که بانک مرکزی، قیمت مؤثر دلار را به‌گونه‌ای تعیین نماید که سطح درآمد سرانه را پایین بیاورد تا وام‌های ارزان بگیریم؛ گویا ژاپن برای کشورهایی که درآمد سرانه آنها زیر دو هزار دلار است، کارمزدی در حدود ۲/۵درصد می‌گیرد؛ موضوع را به آقای [محسن]نوربخش، [وزیر امور اقتصادی و دارایی] گفتم.

نخست به جانبازان تعلق می‌گیرد که انسان‌های عزیزتر و شریف‌تر از آنها سراغ نداریم. اینها کسانی هستند که به خاطر دفاع از اسلام و انقلاب، سلامت خود را از دست داده‌اند و ما هر قدر بتوانیم، باید در فراهم آوردن زندگی و رفع مشکلات‌شان تلاش کنیم.» ایشان تولید را به عنوان کلید حل مشکلات اقتصادی کشور توصیف کرد و گفت: «هیچ راهی جز توسعه تولید نداریم و اگر تولید نکنیم، مجبور به واردات هستیم که این امر در کشوری که قادر به تولید است، خباثت محسوب می‌شود و در آن صورت، ایجاد تعادل مفهومی ندارد. سیاست اقتصادی دولت، اشباع بازار از تولیدات داخلی و هدف آن تقویت صنایع است.» رجوع کنید← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های ۱۳۶۹» ، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲.

عصر به جلسه هیأت دولت نرفتم. کارها را انجام دادم و برای رفع خستگی، دوش گرفتم. شب مهمان آقای خامنه‌ای بودم. درباره سمینار اهل‌البیت و حزب الله لبنان و مسایل افغانستان و مسایل داخلی مذاکره کردیم و تصمیم‌گیری نمودیم. ساعت ده ونیم شب به خانه آمدم.

دوشنبه ۳۱ اردیبهشت ۱۳۶۹ | ۲۵ شوال ۱۴۱۰ ۲۱ می ۱۹۹۰

بعد از نماز تا ساعت هشت صبح، برای سخنرانی کنفرانس جهانی اهل‌بیت مطالعه کردم. ساعت هشت ونیم به حسینیه ارشاد رفتم و سخنرانی افتتاحیه را انجام دادم[1]؛ جلسهٔ باشکوهی بود؛ شخصیت‌های علمی و روحانی داخلی و خارجی حضور داشتند.

به منزل برگشتم. ظهر، فائزه از منزل فاطی و خودش برای‌مان غذا آورد. حاجیه والده مهمان فاطی بودند. یاسر با من بود. عصر والده و همشیره‌ها - فاطمه و صدیقه- آمدند. شام هم ماندند. غذا از بیرون آوردند.

۱- آقای هاشمی با بیان اینکه، ارتباط و همفکری میان پیروان اهل بیت ضروری است، گفت: «این امر در هماهنگی و وحدت عمل میان پیروان اهل بیت علیه السلام، کمک بزرگی به وحدت اسلامی و تلاش در جهت درمان دردهای دنیای اسلام خواهد بود و اگر به چنین نقطه‌ای برسیم، می‌توانیم به نفع مسلمین، یک حرکت جهانی را به‌وجود آوریم. مساله امروز جهان اسلام، حُجیت منابع اسلامی است که به چه چیزی استناد و اتکا کنیم و اگر این مشکل حل شد، هرکس می‌تواند به عقیده خود باقی بماند و ما در عمل به اتفاق برسیم. این کنفرانس می‌تواند پایگاه وحدت جهانی اسلام را تحکیم بخشد. اهل بیت پیامبر(ص)، در جایگاه رفیعی قرار دارند که می‌توانند محور اساسی تمامی فِرَق اسلامی باشند.» ایشان سپس با تأکید بر اینکه ایران اسلامی، پایگاه تمامی مسلمانان جهان محسوب می‌شود، اظهار داشت: «امام خمینی، رهبر عظیم‌الشأن و فقید انقلاب اسلامی ایران، به همه جهان اسلام تعلق داشت و وجود عزیزش که در سلطه عرفان الهی قرار داشت و نیز تفکر الهی ایشان، محدوده جغرافیایی نمی‌پذیرفت.» رجوع کنید← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های ۱۳۶۹» ، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲.

تاریخ ۲۷/۴/...
پیوست ..... دارد
لطفاً در پاسخ به شماره بالا اشاره فرمائید

جمهوری اسلامی ایران

بسمه تعالی

ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

حضرت حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای هاشمی رفسنجانی دام عزه

باسلام ودعای خیر،

پیروبازدیدسرنوشت سازجنابعالی ازنمایشگاه تولیدات شرکتهای تعاونی فرش دست بافت درسطح استان خراسان که درمنطقه مرزی رازوجرگلان برپا شده بودوباعث امیدقشرزحمتکش ومحروم قالیباف میباشد وپیروتوضیحات حضوری مسئول صنایع دستی جهادخراسان خدمت جنابعالی معروض میدارد، که درسال ۶۷ پس ازبازدیدکمیسیون ویژه‌ای ازسوی نخست وزیری ازمنطقه رازوجرگلان وتهیه طرح جامعی برای صنعت فرش بافی منطقه ، هیئت محترم وزیران درآن زمان تصویب نمودند که وام قرض الحسنه به مبلغ ۲۰/ میلیون تومان در اختیارشرکت تعاونی فرش رازوجرگلان ازطریق بانک ملی قرارگیرد. ولی متاسفانه پس ازتغییرات قوه اجرائیه کشورواینکه قطعیت پرداخت وام نیازمندمکاتباتی بامسئول آن هیئت ویژه (برادرمیرزاده) بود. لذاازآن زمان تاکنون باپیگیریهائی که انجام شده هنوزشرکت تعاونی فرش جرگلان موفق بدریافت وام نشده‌است .بدینوسیله ازآن مقام محترم استدعامیشودمقررفرمائیدموضوع پیگیری واقدام لازم مبذول گردد./ك

رئیس سازمان جهادسازندگی خراسان
محمدعلی شم آبادی

۴۴۹۳

مشهد : چهارراه بی‌سیم خیابان پیش‌آهنگ تلفن ۶ـ ۴۹۱۹۱

نامه رییس جهاد سازندگی استان خراسان درخصوص وام صنایع دستی به روستاییان

خرداد ۱۳۶۹



سه‌شنبه ۱ خرداد ۱۳۶۹ | ۲۶ شوال ۱۴۱۰ — ۲۲ می ۱۹۹۰

صبحانه را با حاجیه والده و همشیره‌ها- فاطمه و صدیقه- صرف کردم. به یاسر و مهدی گفتم آنها را برسانند و به دفترم رفتم. در گزارش‌ها، وحدت دو یمن شمالی و جنوبی[1] و تلاش برای تشکیل[کنفرانس]سران عرب در بغداد که با مخالفت سوریه مواجه است، جلب توجه می کند.

آقای [حمید]میرزاده، [معاون اجرایی رییس جمهور]، برای امور بازسازی و جاری آمد و از عدم همکاری بانک‌ها و وزرا با ایشان گله‌داشت. هیأت‌های هفت نفره[2] واگذاری زمین آمدند و گزارش کار دادند. صحبت کردم[3] و تشویق‌شان نمودم. اسناد زمین به جمعی

---

۱ - یمن تا قبل از سال ۱۹۹۰ میلادی، دو کشور همسایه بوده به نام‌های جمهوری عربی یمن (یمن شمالی) و جمهوری دمکراتیک یمن (یمن جنوبی). در سال ۱۹۹۰ طی پیمانی این دو کشور با هم متحد شدند و جمهوری یمن بوجود آمد. در سال ۱۹۹۴ جنگ خونینی بین دو طرف رخ داد، که سرانجام شمالی‌ها بر جنوبی‌ها چیره شدند و اتحاد پابرجا ماند

۲ - بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و به دنبال بلاتکلیفی که در بخش زمین در سطح کشور بوجود آمد، بسیاری از مالکین با زارعین ساکن روستاها دچار اختلاف شدند و در بعضی از نقاط کشور نیز، گروه‌های سیاسی اقدام به تقسیم اراضی مالکین بین کشاورزان نمودند، بنابراین ضرورت تعیین‌مرجعی برای رسیدگی به اختلافات مالکیت اراضی احساس شد. چند نفر از مراجع تقلید، از طرف شورای انقلاب ماموریت یافتند که طرحی ارائه دهند؛ به این ترتیب قانون نحوهٔ احیا و واگذاری اراضی کشاورزی تهیه و در ۵۹/۱/۲۶ به تصویب شورای انقلاب رسید. در راستای همین قانون، هیات‌های هفت نفره، دراجرای بندهای الف ، ب ، ج ، د قانون، مجاز به واگذاری اراضی موات و منابع ملی، بایر و دایر شدند. پس از مدت کوتاهی، به دنبال مشکلاتی که در اجرای بندهای ج و د پیش آمد، به فرمان رهبر انقلاب، اجرای این دو بند متوقف گردید، اما از بدو تصویب این قانون، در اجرای بندهای الف و ب، (اراضی‌مَوات و منابع ملی) به کشاورزان کم زمین، بی‌زمین و علاقمندان به شغل کشاورزی در قالب تعاونی‌های مُشاع و شرکت‌های سهامی زراعی و تعاونی تولید واگذار شد.

۳ - آقای هاشمی، ضمن قدردانی از عملکرد هیأت‌های واگذاری زمین، در تقسیم ۵۰۰ هزار هکتار از اراضی موات کشور به ۹۰ هزار خانوار روستایی گفت: «صرف نظر از آثار تولیدی و عمرانی، این امر از جنبه انسانی اهمیت بسیاری دارد و از دیدگاه اسلامی، آباد کردن زمین، آن هم زمین‌هایی که قرن‌ها به‌صورت موات باقی مانده بود، از عبادات بزرگ است. می‌دانیم یکی از زیباترین کارها از نظر اسلام و بزرگان دین ما، کشاورزی و آبادی زمین است و این امور با مشاغل دیگر قابل مقایسه نیست و ترویج این راه و احیای اراضی، مورد رضایت حضرت علی بن ابیطالب (ع) است و افرادی که از هیچ به زندگی شرافتمندانه‌ای رسیده‌اند و دارای ملک، سرپناه، مزرعه و وسایل امرار معاش برای خود و خانواده‌شان شده‌اند، از آثار زحمات شما بهره خواهند گرفت. مسأله کشت موقت یعنی حدود ۷۰۰ تا ۸۰۰هزار هکتار از اراضی مشکلی را ایجاد کرده بود که می‌بایستی تکلیف این امر روشن می‌شد و مجلس شورای اسلامی، شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت، با حمایت حضرت امام رضوان الله تعالی این راه را باز کردند و شما

از کشاورزان اهدا شد.

آقای[محمدعلی] صدوقی، [نماینده ولی فقیه و امام جمعه یزد] برای مسایل یزد آمد و از روندکار مجلس ابراز نگرانی کرد و از فعال کردن کارخانه‌ها و تصویب انتقال آب از اصفهان به یزد تشکر نمود. عصر شورای انقلاب فرهنگی جلسه داشت. بیشتر وقت را اختلاف نمایندگان رهبری در دانشگاه‌ها با دفتر تحکیم وحدت و جهاد دانشگاهی گرفت. قرار شد با تنظیم اساسنامه‌های اینها، جلوی تداخل وظایف گرفته شود.

شب مجمع تشخیص مصلحت جلسه داشت. تا ماده ۶۱ قانون کار اصلاح شد؛ خوب پیش می‌رود. خیلی خسته بودم. شب در دفترم ماندم. یاسر هم آمد. عفت از مشهد تلفن کرد؛ از وضع سفرش راضی است.

چهارشنبه ۲ خرداد ۱۳۶۹ | ۲۷ شوال ۱٤۱۰ ۲۳ می ۱۹۹۰

تا ساعت نُه صبح کار کردم. آقای [مسعود]صادقی[آزاد]، نماینده کلیبر و آقای[مرتضی] الویری، نماینده تهران و آقای[اسحاق]جهانگیری، نماینده جیرفت آمدند و راجع به مسایل حوزه‌های انتخابیه خود و مسایل سیاسی و اقتصادی مذاکره شد.

آقای[رضا] امراللهی،[رییس سازمان انرژی اتمی] آمد و برای امور انرژی هسته‌ای، بودجه اضافی خواست؛ مدعی است اسپانیا آماده همکاری در تکمیل نیروگاه بوشهر است.آقای[ابوالفضل] توکلی بینا، [مشاور رییس جمهور در امور اصناف] آمد. از کارهای [آقای غلامحسین کرباسچی]، شهردار تهران انتقاد داشت؛ مطلب مهمی نبود. جناح راست با شهردار تهران موافق نیست.

ناهار آقای[عباس واعظ] طبسی، تؤلیت آستان‌قدس[رضوی]، مهمانم بود. درباره امور کشور مذاکره داشتیم؛ از تندروی‌های رادیکال‌ها انتقاد داشت. عصر، محسن همراه آقای

مُجری این امر هستید و ملت ما فراموش نخواهند کرد که شما برای خداوند کار می‌کنید.» رجوع کنید← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های ۱۳۶۹»، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲.

محسن صانعی، [فرزند آقای حسن صانعی، رییس بنیاد ۱۵خرداد] آمد و از فعال شدن کارخانه‌های بنیاد ۱۵خرداد گفت.

دکتر[علی‌اکبر] ولایتی، [وزیر امور خارجه] آمد؛ نامهٔ جواب صدام حسین را آورد. در جواب نامهٔ جوابیه من نوشته، به مطالب تند نامه من انتقاد نموده[1] و برادرش برزان[تکریتی] را به عنوان نماینده خود معرفی کرده که با نماینده ما آقای سیروس ناصری در ژنو، برای

---

۱ - صدام حسین، رییس جمهور وقت عراق، در نامه خود که عنوان آن برای آیت‌الله خامنه‌ای و آیت‌الله هاشمی بود، به انتقاد از مفاد پاسخ آقای هاشمی به نامهٔ اول پرداخته و نوشته است : «[نامه شما]، بیش از یک بار توسط من و برادرانم در کادر رهبری عراق مطالعه شد؛ گرچه برداشت ما از نامه مزبور این بود که شما با پیشنهاد ما در زمینه برگزاری ملاقاتی در سطح سران برای حل و فصل قاطع و نهایی مشکلات موجود بین دو کشور که علت کشمکش و یا نتیجه آن بوده، موافقت دارید و ما از این امر خوشحال شدیم؛ ولی روح پیام شما آن چنان که ما امیدوار بودیم نبود، زیرا مقدمه پیام در هرجا که فرصتی دست داده، شامل عبارت‌های دو پهلو و پایان آن خشن بوده است.آقایان! آن‌گاه که ما به مکاتبه مستقیم با شما اندیشیدیم، وضعیت ویژه موجود در رابطه فیمابین را بررسی کرده و به این نتیجه رسیدیم که روش مکاتبه مستقیم و رابطه‌ای که براساس آن به وجود می‌آید، روش مفیدتر برای تحقق ملاقات و گفتگوی مستقیم است و هیچ روشی برای تحقق صلح مطلوب بین ایران و عراق، بلکه بین امت عرب و ایران سودمندتر و کارآتر از آن نیست. ما می‌دانیم و فرض بر این است که شما نیز می‌دانید صلح بین دو کشور، نمی‌تواند براین اساس که مقرون به باور طرف دیگر باشد، تحقق یابد و عنایت یک طرف به صلح، بدون آنکه به موازات آن اندیشه‌ها، مفاهیم و روش‌ها توسط طرف مقابل نیز مورد عنایت قرار گیرد، مفید فایده نخواهد بود. ما پیش از آنکه نخستین نامه را بنویسیم، این نکته را به یاد آوردیم که هر یک از طرفین در طول ده سال گذشته، شدیدترین و خشن‌ترین عبارت‌ها را علیه یکدیگر به کار گرفته و به سمع رسانده بود. لکن صرف نظر از آثار آن روش، و چگونگی تأثیر آن که یکی از ابعاد کشمکش و جنگ بین ما بود، آن روش نتوانست صلح را محقق سازد. از جمله عباراتی که در نامه شما آمده «جنگ تحمیلی» و «کند ـ ذهنی» است و با جمله «والسلام علی من اتبع الهدی» به جای «والسلام علیکم» که قاعدتاً در چنین نامه‌هایی به کار گرفته می‌شود، ختم شده است. از آنجا که ما صلح را تنها به خاطر جایگاه عظیم آن در وجدان خود و به دلایل ایمانی می‌خواهیم، مفاهیم و اصطلاحاتی در نامه خود به کار بردیم که با معیارهای انسانی و اهداف والای ما سازگار باشد، لذا فقط از عباراتی خداپسند و مردم پسند استفاده کردیم. و این امر در وهله اول، بدان معنا نیست که تغییری در تمام مفاهیم و دیدگاه‌های ما حاصل شده است، بلکه به معنای این است که ما مایل به گشودن باب جدیدی هستیم که به دل طرف مقابل نزدیک‌تر باشد و قدرت‌اثرگذاری بیشتری برآن داشته باشد تا به صلحی که ما آن را هدف شریفی می‌دانیم و به سود ملت‌مان و بشریت است، خدمت کنیم. از آنجا که این روش، شایسته و مناسب برای چنین مقصد و راهی است، بنابراین وظیفه اقتضا می‌کند که شیوهٔ جدیدی را در نامه‌نگاری غیر از شیوهٔ زمان جنگ یا پیش از آن بیازماییم. مضافاً اینکه به‌کارگیری الفاظ و عباراتِ زمان جنگ، این توّهم را به وجود نمی‌آورد که به کاربرندهٔ آن الفاظ، به قدرتی افزون بر قدرتِ شناخته شدهٔ آن در زمان جنگ، دست یافته است، کمااینکه این شیوه، کمکی به اثبات حقانیت یک امر نمی‌کند.» متن کامل این نامه در بخش ضمایم همین کتاب به چاپ رسیده است. رجوع کنید← کتاب «دوازده نامه، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۸۶».

آماده کردن زمینهٔ ملاقات سران مذاکره کنند. اصرار کرده است که ملاقات باید بین رهبری و رییس‌جمهور ایران از یکسو و او و جانشین‌اش از سوی دیگر باشد. قرار شد در جلسه شورای امنیت روز شنبه به بحث گذاشته شود.

در جلسه دولت شرکت کردم و شب در دفتر ماندم. برای رفع خستگی دوش گرفتم.

پنج‌شنبه ۳ خرداد ۱۳۶۹ | ۲ شوال ۱۴۱۰ — ۲۴ می ۱۹۹۰

بعد از نمازصبح، تا ساعت هشت کار کردم. سپس به ورزشگاه شهید شیرودی رفتم و برای نظامی‌ها به مناسبت روز رزمندگان - فتح خرمشهر - سخنرانی کردم[1]. به دفترم برگشتم. دانشجویان اعضای انجمن‌های اسلامی سراسر کشور آمدند. درباره سیاست سازندگی کشور، برای‌شان مفصل حرف زدم و تندروی‌ها و افراط‌ها را محکوم کردم[2].

---

۱ - مراسم سالروز فتح خرمشهر، با اجتماع یگان‌های نمونه نیروهای نظامی و انتظامی در ورزشگاه شهید شیرودی برگزار شد. آقای هاشمی در سخنانی، ضمن تجلیل از ایثارگری‌های رزمندگان اسلام در هشت سال دفاع مقدس گفت: «پیروزی رزمندگان اسلام در عملیات خرمشهر، چشم جهانیان را خیره کرد و این پیروزی، فصل جدیدی در تاریخ انقلاب اسلامی گشود. قبل از عملیات مهم فتح‌المبین و بیت‌المقدس، ناظران جهانی معتقد بودند که اسلام در ایران ماندنی نیست و انقلاب اسلامی رو به زوال است. تنها اختلاف آنها تاریخ سقوط انقلاب بود، اما ظرف چند ماه با پیروزی‌های رزمندگان اسلام، تحلیل‌های آنان عوض شد. پیروزی نیروهای مسلح ما در آزادسازی خرمشهر، اسلام و انقلاب را بیمه کرد و دشمنان را از رسیدن به اهداف نامشروع خود مأیوس ساخت. نیروهای مسلح ما افتخار نجاتِ انقلاب اسلامی از خطر سقوط را در تاریخ پرافتخار خود ثبت کردند و راه روند تکاملی انقلاب را هموار ساختند که در این راه خشم استکبار را نیز برای خود خریدند. تا قبل از آزادسازی خرمشهر، نیروهای مسلح ما به عنوان یک نیروی سنتی و معمولی که در کشورهای جهان سوم باری بر دوش ملت‌های ضعیف است عنوان می‌شد، ولی پس از این پیروزی عظیم، به عنوان نیروهای مسلح و متکی بر مردم در دنیا عنوان شد. اکنون مسئولیت ما نسبت به گذشته بیشتر است و ساده اندیشی است اگر فکر کنیم با خاموش شدن آتش جنگ در جبهه‌ها، آتش کینهٔ دشمن هم خاموش شده است.» رجوع کنید← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های ۱۳۶۹»، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۹۲.

۲ - آقای هاشمی در تحلیلی، علل شکست انقلاب‌ها را شیوه‌های نادرست رسیدگی به امور مردم، جدا شدن از اراده آنان، غلطیدن به دیکتاتوری و عدم توجه به نیازهای مادی مردم و سازندگی و رشد استعدادها و بهره‌گیری از منابع دانست. در بخشی از این سخنرانی آمده است: «سیاست دولت، سیاستی ضداستکباری و توأم با سازندگی کشور است. دانشجویان مسلمان در دانشگاه‌ها باید با ایجاد محیط سالم و منطقی، رسالت انقلابی و علمی خود را ایفا کنند. خوب درس بخوانند و در رشته‌های مختلف مورد نیاز کشور، تخصص کسب کنند. در دوران سازندگی، یکی از مهمترین اقدامات انقلابی برای ما، تلاش در سازندگی و بالا بردن سطح تولید و حرکت به سوی خودکفایی و کم کردن

ملاقاتی با مدیران آستان‌قدس رضوی داشتم. گزارش وضع دادند و استمداد کردند؛ وعدهٔ کمک ارزی دادم[1]. با [آقای ابوحسن عمر]، وزیر خارجه مالزی[2] و [آقای‌بی‌وِت]، وزیرانرژی کِنیا جداگانه ملاقات داشتم. کنیایی‌ها، پیام رییس‌جمهورشان را دربارهٔ گروگان‌ها آوردند و گفتند از [سمیر]جعجع،[رهبر حزب نیروهای لبنانی؛ فالانژیست‌ها] شنیده‌اند که گروگان‌های ایرانی زنده‌اند و اجازه خواستند که گروگان‌ها[ی‌غربی] با اسرای شیعه[=زندانیان لبنانی] در اسرائیل، در کنیا مبادله شوند؛ پذیرفتم[3].

نیازها و وابستگی به خارج است. کفر جهانی برای خشکاندن ریشه اسلام و گرفتن طراوت انقلاب، پس از یأس از شکست ما در تهاجم‌های گوناگون، توطئه اخلال در سیاست سازندگی را در پیش گرفته که به ملت ما و سایر دوستان انقلاب اسلامی بباوراند که انقلاب اسلامی توان سازندگی ندارد و برای رسیدن به این هدف شوم، رذیلانه عمل می‌کند و در راه سازندگی کشور مانع ایجاد می‌کند. کفر جهانی در همین ارتباط، از طریق عوامل مرموز خود، با طرح شعارهای مزاحم و تردیدآور، مایهٔ دلسردی مجریان دلسوز و نیروهای انقلابی می‌شود و اموال و دارایی‌ها و حقوق مسلم مردم ما را غاصبانه تصاحب یا مسدود می‌کند. انتظار ما این است که نیروهای انقلابی و مخصوصاً قشر دانشجو، بتوانند با تحلیل درست و اتخاذ موضع مناسب در این مقطع، توطئه استکبار و مخصوصاً امریکا را خنثی نمایند و اجازه ندهند عوامل مرموز فتنه‌گر از احساسات مقدس آنها بهره‌برداری کنند. ادارهٔ انقلابی که دارای هدف و آرمان‌های جامع و همه جانبه است و برای خود رسالتی جهانی براساس اسلام قائل است، کاری بسیار دشوار و پیچیده است و یک‌بُعدی‌نگری و عدم توجه به نیازها و امکانات و خطرها، ممکن است ضربه‌هایی به انقلاب بزند که جبران ناپذیر باشد و این مسئولیت، امروز بردوش نسل حاضر و نیروهای دانشگاهی، مسئولین و دوستداران انقلاب است که در جهت تأمین مهمترین آرمان انقلاب که استقلال اقتصادی و خودکفایی و قطع رشته‌های وابستگی مادی است، کارساز باشند.» رجوع کنید← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های ۱۳۶۹»، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۹۲.

۱ - در این دیدار، آقای هاشمی با قدردانی از عملکرد مطلوب آستان قدس رضوی، اظهار داشت: «وقتی از بیرون به واحدهای بزرگ کشور نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که آستان قدس، بحمدالله شکل منسجم و مناسبی دارد و گردش پول ۲۰۰ میلیارد ریالی در این آستان، نشان دهندهٔ مدیریتی نیرومند و قوی است. این مجموعه در خدمت زائرین حضرت‌ثامن الحجج (ع) و مایهٔ آبرو و اعتبار اسلام و روحانیت است و تکلیف ماست که سعی کنیم در آنجا مشکلاتی نداشته باشیم.» رجوع کنید← هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های ۱۳۶۹، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۹۲.

۲ - آقای «ابوحسن عُمر» در این دیدار، هدف از سفر به ایران را یافتن زمینه‌های توسعه همکاری بین دو کشور ذکر کرد و از تشکیل کمیسیون مشترک دو کشور به عنوان عامل مهمی برای رفع مشکلات در ایجاد مناسبات و افزایش تجارت بین جمهوری اسلامی ایران و مالزی نام برد و گفت: «دو کشور در زمینه مسایل بین‌المللی، نظیر جنگ عراق علیه ایران، فلسطین، جامو و کشمیر، افغانستان و کامبوج نظرات مشترکی دارند. به اعتقاد ما ایجاد صلح پایدار در منطقه، مشروط براجرای کامل قطعنامه ۵۹۸ است.» در پایان این دیدار، وزیر امور خارجه مالزی، دعوت رسمی پادشاه مالزی از آقای هاشمی برای بازدید از این کشور را تقدیم کرد.

۳ - در این دیدار، وزیر انرژی کنیا، با اشاره به اینکه کنیا تلاش‌های جمهوری اسلامی ایران را در برقراری صلح پایدار در منطقه با جدّیت دنبال می‌کند، گفت: «قطعنامه ۵۹۸ چارچوب بسیار خوبی برای تحقق صلح در منطقه است و

آقای محسن رضایی آمد. برای رفع مشکلات سپاه و کمک به موافقت رهبری با کناره‌گیری‌اش استمداد کرد؛ تشویق کردم که بماند. آقای مسیح مهاجری، [مشاور اجتماعی رییس‌جمهور] آمد؛ عازم سفر به غرب است و تذکراتی داشت.

عصر مدیران بانک مرکزی آمدند. گزارش وضع اقتصادی و صحّت تصمیمات اقتصادی و سیاست‌های ارزی را گفتند. خبر دادم که با اجازه رهبری، پانصد میلیون دلار به قیمت آزاد باید فروش برود و ریال آن، به مصرف نهضت سواد آموزی و موارد ضروری دیگر برسد و در جهت پایین‌آوردن قیمت ارز آزاد صرف شود.

شب به خانه آمدم. فائزه هم برای پذیرایی آمد. عفت تلفنی از مشهد صحبت کرد.

جمعه ٤ خرداد ۱۳۶۹ | ۲۹ شوال ۱٤۱۰ — ۲۵ می ۱۹۹۰

تا ساعت ده ونیم صبح، در خانه در مورد مسایل فقهی مطالعه می کردم. محسن آمد و گزارش بازرسی از اختلاف شهرداری تهران و سازمان تبلیغات اسلامی بر سر صدور مجوز ساختمان و همچنین الزام کارخانه‌های چرم‌سازی به خروج از محدوده شهری را داد. برای اقامه [نماز]جمعه به دانشگاه تهران رفتم[1]. عصر هم در خانه استراحت و مطالعه داشتم.

مقاومت جمهوری اسلامی ایران، در جنگی که بر این کشور تحمیل شد، همواره مورد ستایش مردم کنیا بوده است. من از طرف ملتم، سالروز فتح خرمشهر را به جنابعالی و ملت ایران تبریک می‌گویم.» آقای هاشمی نیز ضمن ابراز خشنودی از مواضع صلح‌دوستانه کنیا، به لزوم هوشیاری دولت‌ها و ملت‌های آفریقایی در قبال مسالهٔ آفریقای جنوبی تاکید کرد و اظهار داشت: «دولت‌های آفریقایی و مردم این کشورها باید هوشیار باشند و به نحوی عمل کنند که حقوق از دست رفته مردم آفریقای جنوبی اعاده شود. ما نیز در این مسالهٔ انسانی در کنار شما هستیم. امیدوارم روابط دو کشور در همه زمینه‌های مورد علاقه طرفین گسترش یابد.»

۱ - در خطبه اول، بحث عدالت اجتماعی در اسلام پی گرفته شد و موضوع اقتصادی «مصرف» از جنبه های مختلف آن، دیدگاه اسلام پیرامون مصرف و حدود آن، برخورد اسلام با ریاضت در مصرف و همچنین لزوم توجه به موقعیت روایات و احادیث مربوط به مسأله مصرف، مورد بررسی قرار گرفت. در خطبه دوم، خطیب جمعه تهران مطالبی درباره اولین سالگرد رحلت امام خمینی(ره)، سالگرد فتح خرمشهر و مسایل مربوط به بازسازی مناطق جنگی، فاجعه فلسطین، ترور مولوی فاروق در کشمیر و اجلاس شورای امنیت در ژنو به نمازگزاران ارائه کرد. در بخشی از خطبه دوم آمده است: «وقتی ما درباره نورانیت خورشید بگوییم، خودمان را خسته کردیم، دلیل عمده‌اش همین روشنی است که اطراف‌مان هست. بیش از این چه چیزی می‌توانیم بگوییم؟ امام را همه خوب می‌شناسند و در ایام مراسم ایشان هم، باز گویندگان و نویسندگان، مسایل دانستهٔ مردم را باز هم توضیح خواهند داد و خوب هم هست. اما

شنبه ۵ خرداد ۱۳۶۹ | ۱ ذیقعده ۱٤۱۰ — ۲٦ می ۱۹۹۰

آقای[منصور] رضوی، [معاون رییس جمهور و]دبیرکل سازمان امور اداری و استخدامی آمد. مطالبی درباره سازمان‌های دولتیِ کشورهای پیشرفته داد و پیشنهادهایی برای اصلاح امور اداری داشت. برای کمبودهای مادی زندگی کارکنان استمداد کرد و از کسالت خود گفت.

عصر شورای‌عالی امنیت ملی جلسه داشت. درباره نامهٔ دوم صدام[حسین، رییس‌جمهور عراق] بحث کردیم و مطالبی که باید در جواب آن بگنجانیم، مشخص شد. نظر اکثریت این بود که عراق دنبال صلح است. شب در دفترم ماندم.

یکشنبه ٦ خرداد ۱۳۶۹ | ۲ ذیقعده ۱٤۱۰ — ۲۷ می ۱۹۹۰

صبح، پیش‌نویس جواب نامه دوم صدام را تهیه کردم. خانواده‌های شهدا و اسرای لبنان آمدند؛ همسر شهید «راغب حرب[1]» متنی خواند. برای آنها صحبت کردم. آقای[جلیل] بشارتی، مسئول دفتر مناطق محروم [ریاست‌جمهوری] آمد؛ مطابق معمول، برای نیازهای مناطق محروم استمداد کرد.

آقای [اکبر]ترکان، [وزیر دفاع] آمد. درباره صنایع نظامی، خرید تجهیزات و بودجه دفاعی مذاکره شد. دکتر[حسن] حبیبی برای امور جاری آمد. درباره سفر به کرمان، بافق و سیرجان برای افتتاح راه‌آهن سیرجان صحبت کرد؛ تحت تأثیر قرار گرفته است.

اهمیت قضیه اینجاست که امام سمبل انقلاب بودند و طراوت حضور امام در جامعه ما، به معنای طراوت و نشاط انقلاب است و ضعف حضور امام در میان ما، نشانه ضعف و عقب رفت انقلاب می‌باشد. این موضوعی است که دشمنان ما ارزیابی خواهند کرد.» رجوع کنید← کتاب «هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های جمعه ۱۳۶۹» ، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲.

۱ - شهید شیخ راغب حرب، شیخ‌الشهدای مقاومت‌اسلامی لبنان، امام جمعه شهرک جبشیت، از سران جنبش حزب‌الله بود. او در مدّت اشغال جنوب لبنان توسط اسرائیل، به صورت پنهانی به خانواده شهدا، مجروحین و اسیران کمک می‌کرد که باعث ایجاد «بنیاد شهید لبنان» یکی از مؤسسات زیرمجموعه حزب‌الله شد. شیخ راغب حرب، در شب جمعه ۲۸ بهمن ۱۳٦۲ توسط صهیونیست‌ها به شهادت رسید. روحش شاد.



ملاقات با خانواده شهدای لبنان

عصر هیأت دولت جلسه داشت. [آقای عیسی کلانتری]، وزیر کشاورزی اطلاع داد که کشور قطر خواهان استفاده از آب ایران، از طریق احداث لوله از زیر دریا است؛ این درخواست مورد استقبال هیأت دولت قرار گرفت. مغرب، نمایندگان رهبری در سپاه آمدند. آقای [محمود]محمدی عراقی، [نماینده ولی‌فقیه در سپاه پاسداران] گزارش داد و من برایشان صحبت کردم. نماز مغرب و عشاء را با من خواندند.

شب آیت‌الله خامنه‌ای مهمان من بودند. متن جواب به صدام را خواندیم؛ تأیید شد.[۱]

---

۱ - متن کامل نامه در بخش ضمایم همین کتاب چاپ شده است . در بخشی از این نامه آمده است: « با اینکه به طور مکرر تأکید بر لزوم اجتناب از اتخاذ مواضع بحث‌انگیز و عکس‌العمل‌زا در نامه‌ها شده، در نامه دوم اشاراتی به بعضی ادعاها آمده که با این تأکیدات ناسازگار است و توجه دارید که حقوق، نه براساس دریافت‌ها و خواسته‌های شخصی، بلکه برمبنای قوانین و مقررات شناخته شده تعریف می‌شود. به اعتقاد ما، یکی از مهمترین اصولی که متضمن برقراری صلحی بادوام و شرافتمندانه بین دو کشور می‌باشد، اصل وفای به عهد و احترام به تعهدات بین‌المللی است. ما تأکید شما را بر اعتبار قطعنامه ۵۹۸ مثبت تلقی می کنیم، ولی شایان ذکر است که این قطعنامه روشن و خالی از ابهام است و می‌تواند براساس روش‌های پیشنهادی دبیرکل [سازمان‌ملل] که مسئولیت اجرای آن را به عهده دارد، اجرا گردد. تکرار موضع غیر مفید که در چند دوره مذاکرات زیر نظر دبیرکل عدم کارایی آنها روشن شده، مشکل جلوه دادن تعیین طرف آغازگر جنگ که به موجب قطعنامه ۵۹۸ از وظایف کلیدی دبیرکل برای پایه‌گذاری صلحی جامع و پایدار ←

درباره مسایل مجلس و رادیکال‌ها و امور جاری کشور مذاکره کردیم. شب در دفترم ماندم.

دوشنبه ۷ خرداد ۱۳۶۹ | ۳ ذیقعده ۱٤۱۰   ۲۸ می ۱۹۹۰

تا ساعت نُه صبح کارها را انجام دادم. آقای محمد علی انصاری، [رییس موسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام(ره)] آمد. گزارش پیشرفت ساختمان مرقد امام خمینی را داد و از تدارکات مراسم سالگرد گفت و استمداد کرد. آقای [علی‌اکبر]مسعودی خمینی آمد. از کشف گنجی خبر داد و خواستار بهره‌برداری از آن شد؛ گفتم این گونه ادعاها زیاد شنیده و گفته می‌شود که معمولاً تاکنون نادرست بوده است؛ تاکید بر صِحّت مطلب داشت. قرار شد از طریق مرجع قانونی آن، سازمان میراث فرهنگی اقدام شود.

ساعت ده صبح، برای شرکت در مراسمِ سالگرد تأسیس مجلس، به مجلس شورای اسلامی رفتم. مراسم برگزار شد؛ من هم صحبت کوتاهی کردم؛ به نظرم شکوه سال‌های گذشته را نداشت. ناهار را به دفترم برگشتم.

عصر در جلسه شورای اقتصاد شرکت کردم. درباره موضوع صادرات و قیمتِ ماشین‌آلات مهندسی تصمیم‌گیری شد. شب در دفترم ماندم. فاطی، یاسر و بچه‌ها هم آمدند. شام خوردند و شب هم ماندند.

سه‌شنبه ۸ خرداد ۱۳۶۹ | ٤ ذیقعده ۱٤۱۰   ۲۹ می ۱۹۹۰

ساعت چهار و هجده دقیقه صبح، به حسینیه امام خمینی رفتم. در جمع ائمه جمعه سراسر کشور، صحبت مفصلی درباره سیاست‌های اقتصادی کردم[1]. به دفترم برگشتم و کارها را

بین دو کشور است و بستن راه براقدامات تدریجی و گام‌های عملی، در جهت نیل به صلح جامع و نهایی و طرح ادعاهای فاقد دلیل و هر چیزی از این قبیل را که منافات با حسن نیت داشته باشد، با اهداف صلح‌طلبانه برای هیچ یک از دو طرف مناسب نمی‌دانیم.»

۱ - آقای هاشمی در این سخنرانی، ضرورت حضور مردم در صحنه سازندگی کشور و کمک به امر بازسازی مناطق آسیب دیده در جنگ تحمیلی را مورد تأکید قرار داد و از این مساله به عنوان یک امر اسلامی یاد کرد. ایشان

انجام دادم. آقای سید[محمدحسین]فضل‌الله، [از علمای سرشناس لبنان]آمد. راجع به مسایل لبنان و گروگان‌ها و مشکل نزاع بین حزب الله و امل بحث شد.

عصر شورای‌عالی انقلاب فرهنگی جلسه داشت. درباره اختلافات بین رادیکال‌ها و محافظه‌کاران و درگیری‌هایشان و همچنین مشکل نمایندگان رهبری[در دانشگاه‌ها] با جهاددانشگاهی و انجمن‌های اسلامی بحث شد. فائزه، از خانه فاطی، برای من شام آورده بود.

چهارشنبه ۹ خرداد ۱۳۶۹ | ۵ ذیقعده ۱٤۱۰ ۳۰ می ۱۹۹۰

ساعت هشت صبح به دفترم رفتم. آقای[حمید] میرزاده، [معاون اجرایی رییس‌جمهور] برای کارهای جاری آمد. خانواده آقای [مهرداد]کوکبی که [به اتهام آتش‌زدن کتابفروشی پنگوئن، ناشر کتاب آیات شیطانیِ سلمان رشدی]، در انگلستان زندانی است، آمدند. به آنها گفتم اگر مسأله او را سیاسی کنند، ممکن است آزادی‌اش مشکل‌تر شود و انگلستان بهای بیشتری بخواهد.

[آقای عیسی کلانتری]، وزیر کشاورزی آمد. گزارش وضع محصولات کشاورزی و منابع طبیعی و مبارزه با آفات را داد؛ از وضع راضی است. [آقای هادی نژادحسینیان،] وزیر صنایع سنگین آمد و سیاست‌های جدید صنایع سنگین را گفت.

آقای[علی] فلاحیان، [وزیر اطلاعات] آمد. از تضعیف وزارت اطلاعات، در اثر برخوردهای انتقادی من در بعضی از جلسات دولت، اظهار نگرانی کرد؛ توضیحاتی برای او دادم و مطمئن‌اش کردم. حمایت و سیاست‌ها را توضیح دادم و از ایشان خواستم که در خط سیاست دولت عمل کنند و مأموران تندرو را مهار کنند که با سخت‌گیری‌ها، مردم را

↵همچنین بر اصل جدی گرفتن مشارکت مردم در این امر مهم تأکید کرد و نقش ائمه جمعه در تقویت روحیه ایثارگری و فداکاری مردم در صحنه بازسازی کشور را دارای اهمیت ویژه‌ای خواند و از حضور مردم در صحنه سازندگی و کمک به بازسازی مناطق ویران شده و آسیب دیده در طول جنگ تحمیلی، به عنوان یک حرکت فرهنگی معنوی و ارزشمند نام برد و از نمایندگان ولی فقیه و ائمه جمعه و نیز استانداران استان‌های معین، خواست تا نقش عملی و فعال مناطق خود را برای به انجام رسانیدن بخشی از کار بازسازی شهرها و روستاهای جنگ زده مشخص نمایند. رجوع کنید← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های ۱۳۶۹» ، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲ .

آزار ندهند و آزادی‌ها را مخدوش نکنند؛ گفتم عمده انتقاد از دولت هم از همین بابت است و طبعاً من هم با آنها هم نظر می‌شوم. درباره دو نفر از افراد آنها که با شکایت منافقین، در آلمان بازداشت شده‌اند، اظهار نگرانی داشت؛ عصر خبر رسید که آن دو نفر آزاد شده‌اند.

عصر در جلسه هیأت دولت شرکت کردم. آقای [عبدالله] نوری [وزیر کشور] گفت درباره جلوگیری از برخورد و درگیری [جامعه] روحانیت [مبارز تهران] و [مجمع] روحانیون [مبارز تهران]، در انتخابات مجلس خبرگان [رهبری]، باید کار کرد و راه آن ائتلاف است. شب به خانه آمدم. عفت از مشهد برگشته و از سفرش راضی است.

پنج‌شنبه ۱۰ خرداد ۱۳۶۹ | ٦ ذیقعده ١٤١٠ — ۳۱ می ۱۹۹۰

آقای [محمدحسین] جهانگیری، نماینده قصرشیرین، آمد و برای امور مهاجران جنگ و بازسازی استمداد کرد. دکتر [عباسعلی] زالی، [وزیر سابق کشاورزی و نماینده کرج] آمد. تذکراتی در مورد کشاورزی و مشکلات کرج داشت. آقای [محمدسعید] تسلیمی آمد. درباره یکی شدن دانشگاه‌های دولتی و دانشگاه آزاد اسلامی گفت؛ هدفش این است که دانشگاه آزاد اسلامی دولتی شود، ولی باز هم دانشجویان آن شهریه بدهند. گفتم اگر یکی نشوند، باز هم باید از لحاظ علمی وضع همه مساوی باشد.

خانم [مریم] بهروزی، [دبیر کل جامعه زینب] آمد. درباره انتخابات هیأت رییسه مجلس گفت و برای جامعه زینب(س) کمک خواست؛ گفتم جمعیت زنان هم خواسته‌اند، اگر بنا باشد کمک شود، به همه خواهد شد. او خواستار تأسیس دفتر امور زنان و تهیه لوایح برای رفع مشکلات زنان شد. ظهر سلمانی برای اصلاح آمد.

آقای یزدانی، رییس فروشگاه‌های شهر و روستا آمد. گزارش وضع فروشگاه‌ها را در ۴۸۰ فروشگاه با ۹ میلیارد تومان گردش پول داد و خواستار اعتبار بیشتر برای توسعه و همچنین همکاری بهتر شهرداری تهران شد.

عصر آقای [جواد] اژه‌ای، [نماینده ولی فقیه در امور دانشجویان خارج از کشور] آمد و گزارش سفر به اروپا برای امور انجمن‌های اسلامی را داد. شب در مراسم سالگرد امام در

مرقد سخنرانی کردم[۱]. ساعت یازده و نیم شب به خانه رسیدم.

جمعه ۱۱ خرداد ۱۳۶۹ | ۱۷ذیقعده ۱٤۱۰ ۱ ژوئن ۱۹۹۰

در خانه بودم. وقت به استراحت، مطالعه و آبیاری باغچه حیاط خانه گذشت. پیش از ظهر آقای[محمدرضا]توسلی آمد. به مناسبت سالگرد امام عازم سفر به پاکستان است. در مورد برخوردها و مذاکرات احتمالی مشورت کرد و برای کمک به طلاب پاکستان مقداری ارز خواست.

عصر والده و بستگان آمدند؛ دیداری انجام شد. محسن، [رییس دفتر بازرسی ویژه رییس‌جمهور] آمد. گزارش بازرسی در مورد مسالهٔ [انتقال]چرم‌سازها را داد و پیشنهادی در مورد تولید سیمان مخصوص بنّایی[۲] آورد که ارزان و ساده به‌دست می‌آید؛ موافقت کردم.

می‌خواهیم کارخانه‌های دباغی، چرم‌سازی،کوره پزخانه‌ها و صنایع سنگبری را که در داخل محدوده شهری، برای مردم و نظافت شهر و توسعه جنوب تهران مزاحمت دارند، به خارج از شهر منتقل کنیم؛ باید شهرک‌های مخصوص در مناطق مناسب برای هر کدام تهیه شود.

---

۱ - در بخشی از این سخنرانی آمده است: «برخورد ما با اندیشه های امام، باید جامع باشد. امام در بیشتر مسایل اظهار نظر فرموده اند و هر کس ممکن است به لحاظ جریان فکری خودش، برخی از بیانات را مورد توجه و وسیلهٔ تقویت خود و باندش قرار دهد. ما باید به عنوان امت مخلص امام، به مجموعه بیانات امام احترام بگذاریم و از تقطیع فرمایشات ایشان جداً خودداری کرده و با افکار و اندیشه های امام برخورد صادقانه بکنیم. تعبد، صداقت، صراحت، صمیمیت و برخورد نزیک با مردم، از ویژگی های بارز حضرت اما خمینی(ره) به عنوان یک رهبر اسلامی بود.» رجوع کنید← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های ۱۳۶۹» ، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲ .

۲ - سیمان بنایی که جهت آجرچینی و بلوک‌چینی مورد استفاده قرار می‌گیرد، عبارت است از سیمان پُرتلند به انضمام قدری مواد ژلاتینیِ PLASTICIZERS . در حال حاضر در دنیا بیش از ۶۰ نوع سیمان پرتلند تولید می‌شود و برای هر مصرفی، سیمان مخصوص آن طراحی و عرضه می گردد. ساختار مصرف سیمان در هر پروژه ساختمانی، به‌این ترتیب است که ۵۵ تا ۶۵درصد سیمان به صورت بتن سازه‌ای، ۲۵ تا ۳۰درصد به‌صورت ملات بنایی و ۵ تا ۱۰درصد، به صورت قطعات بتنی مصرف می‌شود.

شنبه ۱۲ خرداد ۱۳۶۹ | ۸ ذیقعده ۱۴۱۰ ۲ ژوئن ۱۹۹۰

در مراسم عزاداری پاسداران برای رحلت امام شرکت کردم. آقای[صادق] خلخالی[نماینده قم] آمد. از قطع مبلغ ۲۵۰هزار تومان که در زمان تؤلیت آقای مولایی به مدرسه حکیمیه تحت اداره او داده می‌شده و اکنون آقای ری شهری، [تؤلیت آستان حضرت عبدالعظیم حسنی] قطع کرده است، ناراحت بود و از من استمداد کرد. همچنین از اینکه [آقای علی یونسی]، دادستان تهران، چند نفر از نمایندگان مجلس را که در اظهارات‌شان اهانت به افراد کرده‌اند و شکایت شده، احضار کرده است، هم نگران بود و هم شاکی و برای حل موضوع استمداد می‌کرد.

آقایان [شیخ حسین]هاشمیان و مجید انصاری، تلفنی از احتمال انتقال آقای فلاح از کرمان اظهار نگرانی و استمداد کردند. دکتر[گودرز] افتخار[جهرمی]آمد و گزارش مذاکرات [دیوان داوری]لاهه را داد؛ مطلب جدیدی نداشت.

عصر [آقای حسن خلیلیان]، فرماندار قم آمد. گزارش خدمات داد و از کم شدن اختیاراتش گلایه کرد. آقای[محسن] نوربخش، [وزیر امور اقتصادی و دارایی] آمد و در مورد آثار مثبت سیاست‌های اقتصادی دولت گزارش داد. آقای[محمد] غرضی، [وزیر پست و تلگراف وتلفن] و معاونانش آمدند. از وزارت اطلاعات در خصوص استفاده از تلفن و پست در انجام وظایف و سانسور[1] شکایت داشتند. از عملکرد سازمان برنامه و بودجه هم انتقاد می‌کردند. به آقای فلاحیان، [وزیر اطلاعات] تذکر دادم که برخلاف قانون اساسی، اقدامی نشود.

یکشنبه ۱۳ خرداد ۱۳۶۹ | ۹ ذیقعده ۱۴۱۰ ۳ ژوئن ۱۹۹۰

[آقای احمد حسن]، سفیر جدید سوریه، برای تقدیم استوارنامه آمد. دربارهٔ تصمیمات تفرقه‌انگیز کنفرانس سران عرب و اهمیت نقش سوریه در مبارزه با اسرائیل صحبت شد.

---

۱ - منظور از سانسور، کنترل محتویات مرسولات خارجی است. در آن سال ها، مرسوم بود پاکات نامه‌ها، نشریات و کتاب‌های ارسالی از خارج را باز و کنترل می‌کردند و حتی روی برخی تصاویر مجلات، ماژیک سیاه می کشیدند.

آقای [سید اصغر]قریشی، سفیر جدیدمان در اندونزی، برای مشورت و خداحافظی آمد و اطلاعات خوبی از اندونزی ارائه داد؛ زمینه‌های همکاری وسیع است.

آقای [نصرالله]میرزایی[نصیر]، سفیر جدیدمان در قطر آمد؛ به نظرم مسلّط و مطلع آمد. قرار شد درباره پروژه انتقال آب شیرین از ایران به قطر و عبور گاز قطر از خاک ایران و تجدید اداره بازرگانی در قطر و چند موضوع دیگر، پیگیری کند.

آقای[غلامرضا] آقازاده، وزیر نفت آمد. گزارش وضع تولید و فروش و قراردادهای احداث و اجرای پروژه‌های جدید را داد؛ راضی است. رفته‌رفته صنایع نفت که در جنگ آسیب زیادی دیده است، احیا می‌شود. جمعی از مردم رفسنجان و روحانیونی که برای سالگرد امام به تهران آمده‌اند، به ملاقات آمدند؛ برایشان صحبت کوتاهی کردم[1].

عصر جلسه هیأت دولت داشتیم. شب مهمان آیت‌الله خامنه‌ای بودم. درباره وضع تولید و توزیع و نیازهای ارتش و سپاه و مسایل امنیتی و سیاسی، مذاکرات و تصمیم‌گیری داشتیم. به خانه آمدم؛ بستگان بودند. درباره مراسم ازدواج مهدی صحبت شد؛ گفتم ساده برگزار شود و مدعوین محدود به بستگان نزدیک باشد.

دوشنبه ۱٤ خرداد ۱۳٦۹ | ۱۰ ذیقعده ۱٤۱۰ ٤ ژوئن ۱۹۹۰

ساعت نُه صبح، با هلی‌کوپتر از [اردوگاه]منظریه[در شمال تهران]، به مرقد امام رفتم. جمعیت زیادی برای شرکت در مراسم [اولین]سالگرد [ارتحال]امام آمده بودند. رهبری سخنرانی کردند. بی‌نظمی در انتظامات به‌چشم می‌خورد؛ ادعا می‌شد که به خاطر دخالت محافظان است.

---

۱ - در این سخنرانی آمده است: «امروز همه چشم‌ها متوجه تهران و حرم مطهر امام (رضوان‌الله‌تعالی‌علیه) است. دوستان منتظرند که ببینند وفاداری مردم بعد از رحلت رهبرشان چگونه است تا دلشاد شوند و دشمنان دلبسته‌اند تا شاهد باشند وقتی امام از چشم ها دور شد، از دل‌ها نیز دور شود؛ ولی وقتی این همه محبت و احساس پرشور را نسبت به امام عزیز می‌بینند، نمی‌توانند رمز این ارتباط عاشقانه را درک کنند. مردمی که به تهران آمده اند، نمونه بسیار کوچکی از خیل عظیم مشتاقان امام هستند.» رجوع کنید← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های ۱۳۶۹» ، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲ .

در مراجعت، با هلی‌کوپتر به اردوگاه کُلَکْ چال در شمال جماران رفتیم؛ مکان جالبی است. تاکنون ندیده بودم. متعلق به آموزش و پرورش است که بعد از پیروزی انقلاب به خاطر امنیت جماران، تعطیل شده است؛ گفتم برای استفاده مردم فعال شود. سپاه پاسداران، بنا دارد که آنجا را بگیرد؛ مخالفت کردم. سپس با هلی‌کوپتر بر فراز توچال و خط تله اسکی و پیست اسکی پرواز کردیم؛ مهدی توضیحات داد. مناظر خوبی است. به خانه آمدیم و تا شب در خانه بودم. عصر بستگان آمدند.

شب دکتر ولایتی و مدیران وزارت امور خارجه آمدند. متن پیش نویس جواب به صدام را آوردند. همچنین گزارش مذاکره در ژنو با برادر صدام را دادندکه پیشرفتی نشان نمی‌دهد. تا سحرگاه صدای زوار امام از حسینیه جماران به‌گوش می‌رسید.

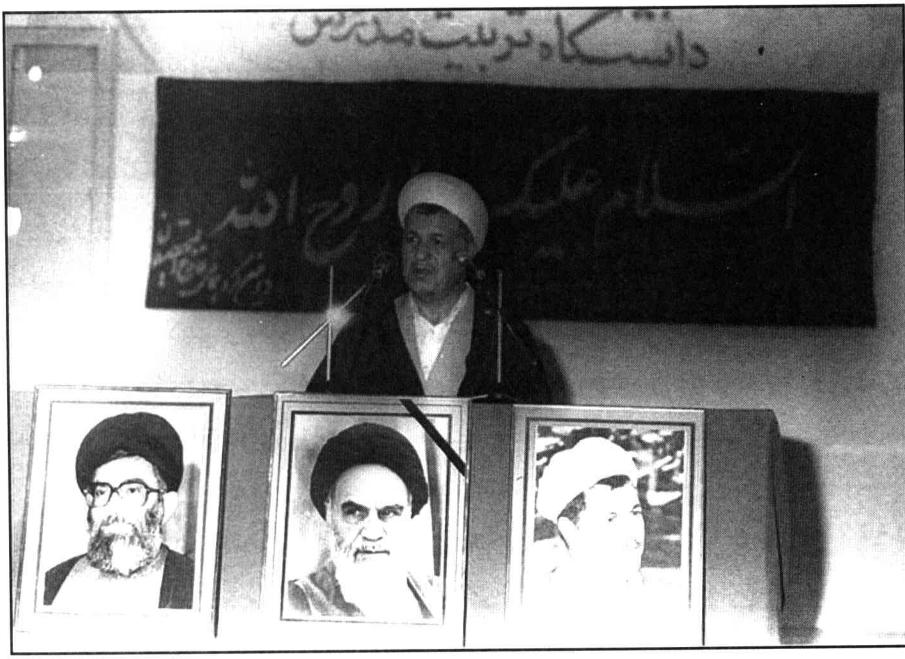
سه‌شنبه ۱۵ خرداد ۱۳۶۹ | ۱۱ ذیقعده ۱۴۱۰ ۵ ژوئن ۱۹۹۰

ساعت هشت و نیم صبح به [اردوگاه]منظریه رفتم و در دومین سمینار فارغ‌التحصیلان دانشگاه تربیت مدرس شرکت کردم. گزارش دادند. برایشان صحبت‌کردم[۱] و تشویق نمودم؛ برای توسعه قول حمایت دادم. دانشگاه تربیت مدرس [در سال ۱۳۶۰]، با هدف تربیت استاد [و اعضای هیأت علمی و محققان مومن و متعهد] برای دانشگاه‌ها تأسیس شده است.

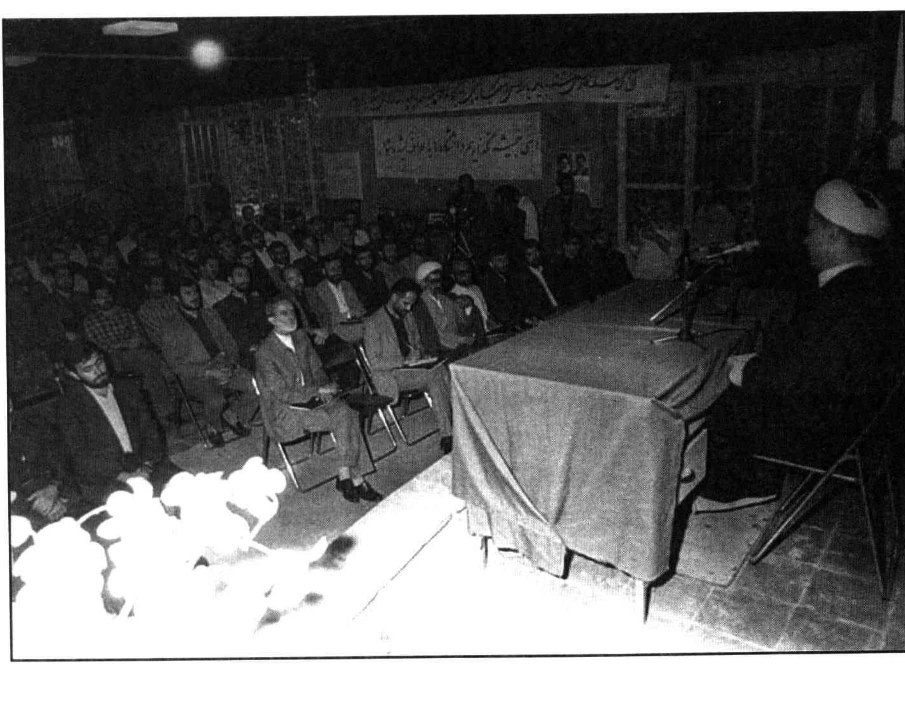
به خانه برگشتم. تا شب در خانه بودم. ظهر آقاشیخ محمد هاشمیان آمد. اظهار اطاعت و حمایت از رهبری کرد.

---

۱ - آقای هاشمی در مراسم افتتاحیه دومین گردهمایی فارغ التحصیلان دانشگاه تربیت مدرس، در جمع ۵۵۰ تن از اعضای هیات علمی و مدرسین دانشگاه های کشور گفت: «ما برای حرکت به سوی استقلال و تربیت متخصص، اقدام به تاسیس دانشگاه تربیت مدرس کردیم که نقطه امیدی برای طراحان آگاه به کمبودهای محیط‌های علمی کشور بود. اثر این اقدام در سال‌های آینده جلوه می‌کند.» رجوع کنید← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های ۱۳۶۹» ، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲ .



گردهمایی فارغ التحصیلان دانشگاه تربیت مدرس



چهارشنبه ۱٦ خرداد ۱۳٦۹ | ۱۲ذیقعده ۱٤۱۰ ٦ ژوئن ۱۹۹۰

ساعت هفت و نیم به دفترم رسیدم. تا ساعت نُه صبح کارها را انجام دادم. با خبرنگاران داخلی و خارجی مصاحبه داشتم که حدود دو ساعت طول کشید؛ تقریباً درباره همهٔ مسایل مهم داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی سئوال کردند. به نظرم مصاحبه خوب انجام شد.[1]

اعضای هیأت رییسه مجلس خبرگان آمدند. جلسه‌مان، دو ساعت و نیم طول کشید. درباره زمان و برنامه و دستور کار اجلاسیه آینده، بحث و تصمیم‌گیری کردیم. قرار شد اجلاس در حسینیه امام خمینی و در جوار رهبری باشد؛ پیشنهادهایی درباره اصلاح آیین‌نامه‌ها داشتند.

عصر هیأت دولت جلسه داشت. شب در دفترم ماندم و کارهای باقی‌مانده را انجام دادم.

پنج‌شنبه ۱۷ خرداد ۱۳٦۹ | ۱۳ ذیقعده ۱٤۱۰ ۷ ژوئن ۱۹۹۰

تا ساعت نُه‌صبح کارها را انجام دادم. آقای [سید احمد]زرهانی، [معاون پرورشی وزارت آموزش و پرورش] آمد. گزارش کار امور تربیتی را داد و برای بودجه و اتومبیل و ابزار ورزشی استمداد کرد.آقای [شکرالله]ریاضی، [نماینده رییس جمهور در کمیسیون خرید سلاح وزارت دفاع] آمد. درباره سیاست خریدهای تسلیحاتی، مخصوصاً تانک و [موشک]سام و هواپیما صحبت کرد.

آقای[عطاءالله] مهاجرانی، [معاون حقوقی وپارلمانی رییس جمهور]، برای امور جاری کشور آمد. بر ضرورت هماهنگی اظهارات من و رهبری تاکید داشت.آقای [محمد] سعیدی‌کیا، [وزیر راه و ترابری] آمد. گزارش پیشرفت طرح‌های اتوبان سازی توسط بانک‌ها را داد و وضع راه آهن و خرید هواپیما را گفت.

آقای[محمود] واعظی، از وزارت امورخارجه آمد و در مورد کمک به حل مسأله گروگان‌های اروپایی، آمریکایی و لبنانی و سیاست برخورد آینده سئوالاتی داشت.آقای[مسیح] مهاجری، [مشاور اجتماعی رییس جمهور]آمد. گزارش سفر به اروپا را

---

۱ - متن کامل این مصاحبه، به جهت اهمیت در بخش ضمایم همین کتاب چاپ شده است.

داد و درباره مسایل داخلی و رادیکال‌ها پیشنهادهایی داشت. از مصاحبه دیروز تشکر کرد.

عصر [آقای غلامحسین کرباسچی]، شهردار تهران آمد و برای اجرای طرح خیابان نواب و احداث خط تراموا استمداد کرد. بر حمایت جدی از ساخت مترو تاکید کردم. برای سفر به سنگال، جهت شرکت در کنفرانس شهرداران پایتخت‌های جهان مشورت نمود. آقای عبدالله نوری[وزیر کشور] آمد و از برخورد بعضی از رادیکال‌ها شکایت داشت. برای هماهنگی با شورای نگهبان در انتخابات مجلس خبرگان استمداد کرد؛ پیشنهاد ائتلاف [مجمع]روحانیون و [جامعه]روحانیت در انتخابات را داد.

جمعه ۱۸ خرداد ۱۳۶۹ | ۱۴ ذیقعده — ۸ ژوئن ۱۹۹۰

در منزل بودم. کارهای دفتر را که آورده بودم؛ انجام دادم. محسن صبح و عصر آمد. راجع به خرید و تولید سیمان بنّایی، برای رفع کمبود سیمان مصرفی صحبت کردیم. قرار شد وضع ساحل سازی رود ارس بازرسی بشود. دکتر [محمدعلی]ابوسعیدی آمد. راجع به بیمارستان ایران‌مهر صحبت شد. شب عفت و بچه‌ها، مهمان محسن بودند.

شنبه ۱۹ خرداد ۱۳۶۹ | ۱۵ ذیقعده ۱۴۱۰ — ۹ ژوئن ۱۹۹۰

آقای [اکبر]ترکان[وزیر دفاع] آمد. درباره کمبود اعتبارات نیروهای مسلح و خریدسلاح از شوروی و استفاده از عکس‌های ماهواره‌ای خریده شده از شوروی، برای نقشه‌های جامع با وضعیت روز و راه‌اندازی پلانتاریوم[1] خریده شده، صحبت شد.

[آقای محمداسماعیل شوشتری]، وزیر دادگستری و معاونان آمدند. در مورد وضع قوه‌قضائیه،کمی اعتبار و خودرو و کمبود نیرو و کمی دستمزد قضات صحبت شد و استمداد کردند؛ واقعاً کمبود و مشکل دارند؛ وعدهٔ کمک دادم.

---

۱ - پلانتاریوم Planetarium یا همان آسمان‌نما، تالاری است که در آن نمایی از ستارگان، سیاره‌ها و دیگر پدیده‌های آسمانی نشان داده می‌شود. معمولاً آسمان‌نما دارای گنبدی است که بینندگان در زیر آن می‌نشینند و تصویری از آسمان را که با پروژکتور مخصوصی بر سقف گنبد می‌افتد، نظاره می‌کنند.

اعضای غیر ارتشی سازمان حفاظت اطلاعات ارتش[= ساحفاجا] آمدند. از تعصب ارتشیِ [آقای مصطفی ترابی پور]، رییس‌ساحفاجا و عدم توجه به توصیه‌ها و نظرات اینها گفتند و اعلام خطر کردند. دکتر[حسن] حبیبی، [معاون اول رییس جمهور] برای امور جاری کشور آمد. قرار شد وزارت اطلاعات از پوشش نهاد ریاست جمهوری استفاده نکند. دکتر [محمدحسین]عادلی[رییس بانک مرکزی] آمد. سیاست‌های جدید ارزی را گفت و در خصوص تسهیلات صادرات و سخت‌گیری کالاهای همراه مسافر و وام ارزی برای صادرات مشورت کرد.

عفت، تلفنی از سخت‌گیرهای نامعقول در مورد مبارزه با زنان بدحجاب گفت و پیشنهاد داشت با منطق آنها را هدایت کنند؛ قرار شد پیگیری کنم. عصر دکتر هاشمی[گلپایگانی، دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی]، برای دستورکارشورای‌عالی انقلاب فرهنگی آمد. آقای [مسعود روغنی]زنجانی، [رییس سازمان برنامه و بودجه]هم برای مسایل شورای اقتصاد آمد.

شورای‌عالی امنیت ملی جلسه داشت. گزارش مذاکره آقای[سیروس] ناصری، [نماینده دایم ایران در مقر اروپایی سازمان ملل]، با برزان[تکریتی]، برادر صدام را شنیدیم. در مورد متن نامه‌ای که جواب نامهٔ دوم صدام است و من پیش‌نویس آن را تهیه کرده‌ام و درباره محتوای مذاکرات ناصری و برزان، بحث و تصمیم گیری شد.

شب با احمدآقا، مهمان رهبری بودیم. تصمیمات شورای امنیت مطرح شد و به تصویب رهبری رسید. احمدآقا، تقاضای گرفتن بخشی از پادگان نیروی دریایی برای مقبره امام را داشت که رهبری به آینده موکول کردند. همچنین احمدآقا پیشنهادکرد، نماز جمعه تهران در مرقد امام اقامه شودکه جز در مناسبت های خاص، پذیرفته نشد. شب به خانه آمدم.

یکشنبه ۲۰ خرداد ۱۳٦۹ | ۱٦ ذیقعده ۱٤۱۰ — ۱۰ ژوئن ۱۹۹۰

در راه دفترم، به محل کمیته‌های انقلاب رفتم و از انبوه محموله‌های تریاک و مرفین که اخیراً از قاچاقچیان در باختران[= کرمانشاه] و ارومیه گرفته‌اند، بازدید کردم. همچنین

کتاب‌ها و اسناد شخصی به نام تقی را آورده بودند، به اتهام اینکه این شخص، اسناد اصیل و کتاب‌های خطی نفیس را از کشور بیرون می‌برد. مسئولین کمیته، توضیحاتی درباره پاکسازی کوه‌های پیرسوران، واقع در مرزهای شرق کشور، از اشرار بلوچ و قاچاقچیان مواد مخدر دادند.

صبح [آقای کالگا کانگوا]، سفیر آکرودیته زامبیا، برای تقدیم استوارنامه آمد. علمای اصفهان از خط میانه‌رو و اعتدال آمدند، برایشان صحبت کردم؛ به‌تازگی فعال شده‌اند. آقای[حسین]محلوجی[وزیر معادن و فلزات]آمد. گزارش مس و فولاد مبارکه و مذاکره با بخش خصوصی دربارهٔ سرمایه‌گذاری در جزیره قشم را داد.

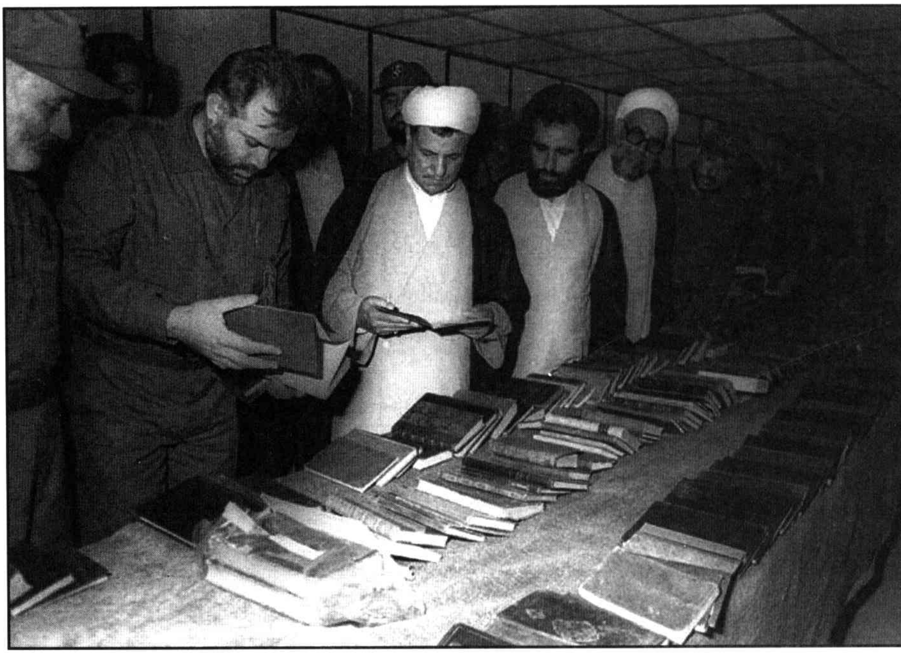
شورای پشتیبانی نهضت سواد آموزی جلسه داشت؛ تدارکات لازم تصویب شد. فرستادگان رییس‌جمهور کنیا آمدند. نامه او را در مورد مسالهٔ گروگان‌ها آوردند. نوشته بود که گروگان‌های ایرانی زنده نیستند. او خواهان کمک به مبادلهٔ لبنانی‌های اسیر در اسرائیل، با اسرائیلی‌های اسیر و مفقود شده بود که به خاطر تناقض با خبر قبلی‌اش، در مورد حیات گروگان‌های ما، اعتراض کردم و گفتم دخالت نمی‌کنیم.

عصر به خاطر کسالت و صرف وقت برای اصلاح پاسخ به نامه دوم صدام، به جلسه هیأت دولت نرفتم. نامه را اصلاح کردم. شب مهمان آقای خامنه‌ای بودم. متن اصلاح شده نامهٔ جوابیه به تصویب رسید. قرار شد با کمک به آزادی گروگان‌های سوئیسی و ایرلندی موافقت کنیم. درباره مسایل سیاسی و اقتصادی و سیاست خارجی مذاکره شد.

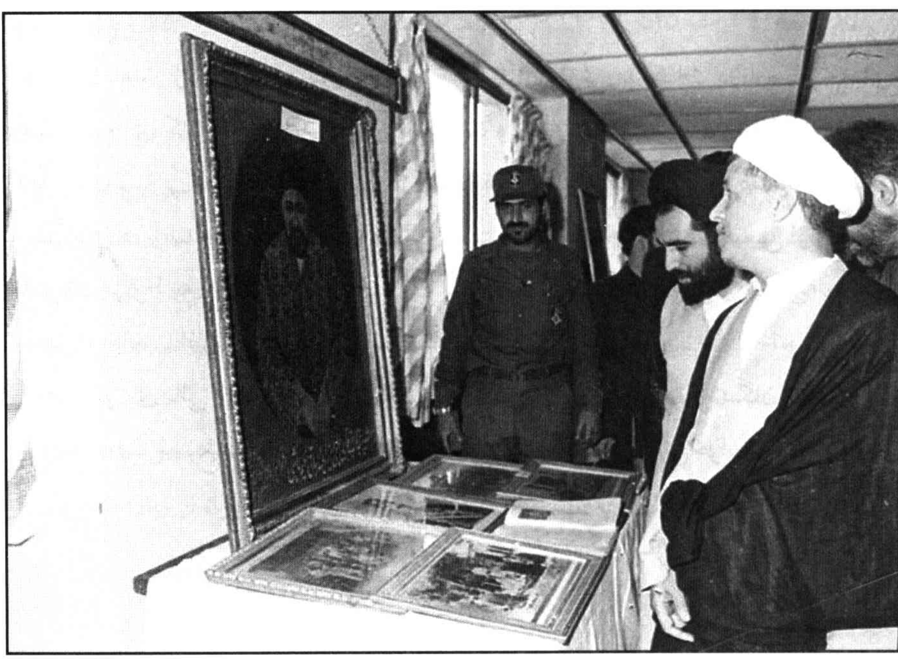
دوشنبه ۲۱ خرداد ۱۳۶۹ | ۱۷ ذیقعده ۱۴۱۰   ۱۱ ژوئن ۱۹۹۰

آقای [محمدعلی]شرعی نماینده قم، درباره لزوم توجه به مسأله آقای منتظری و اصلاحات اداری مطالبی داشت. آقای [حمیدالدین]ملازهی، نماینده ایرانشهر آمد. در مورد ضرورت تأسیس دانشگاه و مهار آب‌های منطقه و اصلاح تقسیمات کشوری آنجا گفت و از کمک‌های من تشکر کرد.

آقای مجید انصاری، [نماینده تهران در مجلس خبرگان] آمد. از مواضع سیاسی در قوه قضاییه انتقاد داشت و راجع به مسایل سیاسی و اقتصادی کشور تذکراتی داد.



بازدید از کشفیات کمیته های انقلاب اسلامی



آقای [محمد] امامی کاشانی آمد. برای تأسیس کارخانه‌ای به منظور تأمین منبع مالی مدرسه شهید مطهری استمداد کرد و برضرورت تأمین امنیت سیستان و بلوچستان تأکید کرد.

آقای مهندس[میرحسین] موسوی، [مشاور سیاسی رییس‌جمهور]آمد. گزارش سفر به کشورهای آرژانتین، برزیل و اُروگوئه را داد و از تمایل آنها به توسعه روابط با ایران گفت و از مشکلات جدی اقتصادی آنها و راکد بودن ظرفیت‌های صنعتی‌شان مطالبی بیان کرد.

عصر، آقای[محسن] نوربخش، [وزیر امور اقتصادی و دارایی] آمد. در مورد سفر به وین برای شرکت در جلسه وزیران دارایی کشورهای عضو اوپک مشورت کرد.

شورای اقتصاد جلسه داشت. در مورد صادرات و خرید گندم و سوبسید[= یارانه] راه‌آهن و بالابردن دستمزد خشک‌کردن [برگ] چای تصمیم‌گیری شد. شب، دکتر ولایتی، [وزیر امور خارجه] آمد. برای شرکت در جلسه وزیران امور خارجه اکو عازم سفر به پاکستان است. درباره افغانستان و ترکیه مشورت کرد. از دخالت‌های[وزارت] اطلاعات و [وزارت فرهنگ و]ارشاد[اسلامی] در امور سیاست خارجی گله داشت.

سه‌شنبه ۲۲ خرداد ۱۳۶۹ | ۱۸ ذیقعده ۱۴۱۰ — ۱۲ ژوئن ۱۹۹۰

[آقای بیژن نامدار زنگنه]، وزیر نیرو و معاونان آمدند؛ گزارش مذاکرات درباره طرح‌های ساخت سد روی کارون را دادند و برای تسهیلات و اعتبارات استمداد کردند. [آقای هادی نژادحسینیان]، وزیر صنایع سنگین آمد. گزارش وضع تولید و سیاست‌ها را گفت؛ در مورد سخت‌گیری در [صدور] موافقت‌های اصولی، گفتم شرایط تسهیل شود. جمعی از وزیران و مسئولان مربوط به نهضت‌های آزادیبخش آمدند. درباره کیفیت اجرای مصوبه مجمع تشخیص[مصلحت نظام] در این خصوص مذاکره شد.

عصر شورای‌عالی انقلاب فرهنگی جلسه داشت. درباره اساسنامه نمایندگان رهبری در دانشگاه‌ها بحث شد. شب در دفترم ماندم. کمی کسالت داشتم. زودتر خوابیدم.

چهارشنبه ۲۳ خرداد ۱۳۶۹ | ۱۹ ذیقعده ۱۴۱۰ ۱۳ ژوئن ۱۹۹۰

تا ساعت نُه صبح کارها انجام شد. آقای[عبدالحسین] وهاجی، [وزیر بازرگانی] آمد. گزارش مذاکرات با وزیر بازرگانی اندونزی را داد؛ گفت تمایل به معامله هلی‌کوپترهای سوپرپوما را دارند. با وزیر[بازرگانی] اندونزی ملاقات داشتم. مذاکرات درباره توسعه روابط بود؛ توضیحاتی درباره نفت و گاز و صنایع و کشاورزی کشورش داد.

آقای [حمید]میرزاده برای امور جاری و مسایل کیش آمد. مدیرعامل شرکت گاز آمد. گزارش وضع گاز را داد و از ضعف مدیریت‌ها در نفت و گاز و کمبود لوله و مزاحمت‌های شهرداری [تهران] گفت.آقای [غلامرضا]آقازاده، [وزیر نفت] آمد و گزارش سفر به سنگاپور را داد؛ از آینده صنعت نفت اظهار خوشبینی کرد.

ظهر محسن[هاشمی، رییس دفتر بازرسی رییس جمهور]، برای گزارش بازرسی‌ها آمد. عصر در جلسه هیأت دولت شرکت کردم. مسأله مهمی جز تقسیم ماشین آلات، در دستور نبود. شب تا ساعت نُه ونیم، کارها را انجام دادم و به خانه آمدم.

پنج‌شنبه ۲۴ خرداد ۱۳۶۹ | ۲۰ ذیقعده ۱۴۱۰ ۱۴ ژوئن ۱۹۹۰

صبح زود برای سفر به خراسان، به فرودگاه[مهرآباد] رفتیم و بلافاصله پرواز کردیم. جمعی از وزراء و مدیران، عفت، فاطی، والده، همشیره، محسن و یاسر همراه بودند. در راه، تیمسار[سرتیپ منصور]ستاری، [فرمانده نیروی هوایی ارتش]، درباره شروع تحویل میگ‌های ۲۹ و مسأله موشک سام ۵ که در سفر من به شوروی توافق شده بود و در خصوص ساخت موتور جت، مطالب مهمی داشت. نمایندگان خراسان هم مطالبی گفتند.

ساعت هشت و نیم صبح، وارد فرودگاه مشهد شدیم. بعد از استقبال رسمی به دارالضیافه آستان‌قدس[رضوی] رفتیم. پس از زیارت مرقد امام رضا(ع) در جلسه کمیسیون برنامه‌ریزی استان شرکت کردم.گزارش و آمار و ارقام جالب و گویا، از زبان مسئولان هر



استقبال رسمی در فرودگاه شهید هاشمی نژاد مشهد

بخش ارائه شد. سپس نماز جماعت خواندیم و در شورای اداری استان سخنرانی کردم[۱].

پس از ناهار و استراحت، ساعت چهار بعد از ظهر، برنامه ملاقات با انبوه خانواده‌های شهدا و سخنرانی برای آنها بود[۲]. سپس سخنرانی عمومی در صحن مطهر برای عموم مردم،

---

۱ - ایشان در این جلسه گفت: «دولت تلاش خواهد کرد که وضعیت مصالح ساختمانی و ماشین آلات را تا پایان سال ۷۰ به وضع عادی بازگرداند. مسئولان برنامه‌ریز استان با هماهنگی، اولویت‌های تأمین مصالح ساختمانی و ماشین‌آلات را در نظر بگیرند تا از ابتدای سال ۷۱ مشکلی درکشور در این زمینه وجود نداشته باشد. میزان رشد تورم طی هشت ماه گذشته رو به کاهش بوده است. به‌طوری که میزان رشد تورم در دو ماه اول سال گذشته، ۵/۳ درصد بوده و در زمان مشابه امسال به ۴/۹ درصد کاهش یافته است. روبرو شدن کشور با بحران‌های ارزی و تنگناهای مالی در سال‌های آتی، با ادامه سیاست‌های ایجاد تعادل اقتصادی بعید است. با بهبود ذخایر ارزی، تأمین ارز از خارج غیرضروری است. دولت از آغاز اجرای طرح فروش ارز رقابتی تاکنون، بالغ بر ۶۲۰ میلیون دلار ارز رقابتی در اختیار واحدهای صنعتی کشور گذاشته است.»

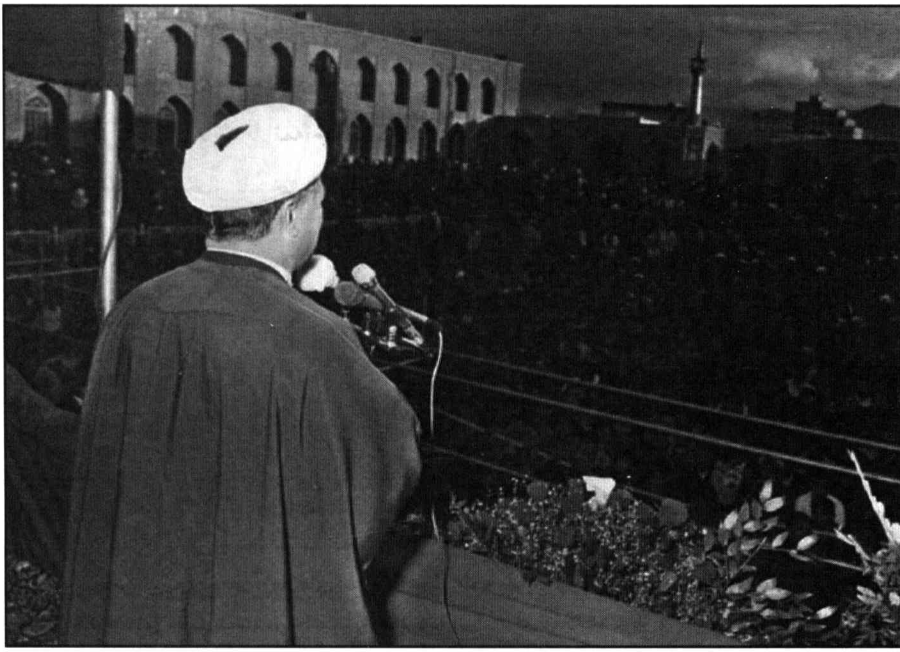
۲ - در این دیدار ابتدا سرپرست بنیاد شهید استان خراسان، آمادگی همه جانبه خانواده‌های شهدا این استان را برای شرکت در بازسازی کشور و حمایت کامل از دولت جمهوری اسلامی ایران اعلام کرد. آقای هاشمی که تحت تأثیر معنویت حاکم بر محفل قرار گرفته بود، به ایراد سخن پرداخت و گفت: «به حق نمی‌توانم احساسات و مراتب احترام قلبی خود نسبت به خانواده‌های معظمی که خداوند با گرفتن شریف‌ترین و عزیزترین ذخایرشان به آنان تقدیم و لطف خود را اعطا کرده است، بیان کنم. خانواده‌های شهدا، ثمره شجرهٔ مقدسی است که شاخه‌هایش در همه کشور گسترده شده است. این شجرهٔ مقدس در حال حاضر یک اجتماع متشکل را به وجود آورده که اعضای آن صالح‌ترین، عزیزترین و بی‌آلایش‌ترین مردمان‌اند. این شجرهٔ مقدس و آن قشر اجتماعی، صاحب و وارث انقلاب اسلامی و

پس از خیرمقدم آقای [واعظ]طبسی [تؤلیت آستان قدس رضوی] داشتم[1]. بعد از آن به جلسه با نمایندگان [مشهد در مجلس] و مسئولان استان رفتیم و اظهارات نمایندگان را گوش کردیم. ملاقات با ائمه جمعه و جماعات، خیرمقدم آنها و سخنرانی[2] من، صرف شام و سپس استماع اخبار تا آخر شب، وقت را گرفت.

سرمایه گذاران واقعی و در حقیقت مدعیان اصلی انقلاب‌اند که سراسر کشور و هم اقشار را پوشش می‌دهند و مهمترین ضامن تداوم و حفظ آرمان‌های انقلاب و خط امام و جریان رو به رشد و پویا هستند. انقلاب هر امتیازی که به این خانواده‌های معظم بدهد، در حقیقت به خود داده است. برای انقلاب، سرباز و پاسداری بهتر از صاحب انقلاب نیست و این خانواده‌ها هستند که تا ابد یاد و خاطره شهیدانشان را فراموش نمی‌کنند و از یاد و آرمان‌های انقلاب اسلامی نیز دست برنمی‌دارند.» رجوع کنید← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های ۱۳۶۹ ، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲ .»

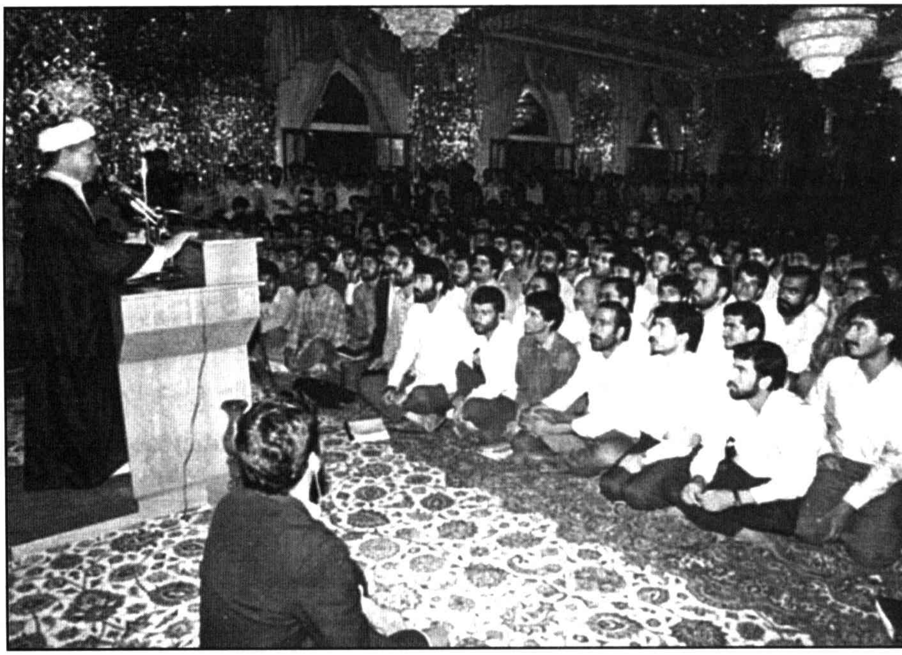
۱ - آقای هاشمی در اجتماع مردم مشهد، در صحن امام خمینی، از پیروزی جبهه نجات اسلامی در الجزایر به عنوان یک نمونه موفق از صدور انقلاب اسلامی نام برد و افزود: «موفقیت ایران در صدور افکار اسلامی مورد اعتراف ناظران بین‌المللی است و جهان در مناطق اسلامی شاهد توسعه روزافزون فکر حاکمیت اسلام است. در افغانستان، لبنان و جمهوری‌های مسلمان‌نشین شوروی این خیزش کاملاً ملموس است. پیروزی طرفداران اسلام در الجزایر، زنگ خطر را برای استکبار و اسراییل به صدا در آورده است. امروز در هر جای دنیا انتخابات آزاد برای مسلمین مهیا شود، احزاب اسلامی برنده نهایی آن خواهند بود.» ایشان با مثبت توصیف کردن سیاست‌های ضد تورمی دولت، ذخایر و درآمدهای ارزی کشور را رو به رشد خواند و اعلام کرد که نیازی به تأمین ارز از خارج نیست، و قول مساعد داد که مشکلات تهیه مصالح ساختمانی، فلزات و ماشین آلات بخش کشاورزی ظرف دو سال آینده برطرف شود. رجوع کنید← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های ۱۳۶۹ ، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲».

۲ - ایشان در این دیدار، با توصیف وضعیت کنونی به عنوان آزمایش بزرگ برای روحانیون، گفت: «انتظار میلیاردها انسان، متوجه ایران است تا ببینند حکومتی که رهبری، ریاست جمهوری و سیاستگزاران اصلی آن را روحانیون تشکیل می‌دهند، چه خواهد کرد؟ نمی‌توانیم به مردم بگوییم نان، آب، مسکن و ... مهم نیست و دنبال مسایل معنوی باشید، زیرا که این طرز تفکر، نه در دین است و نه به مصلحت. اعتمادی که رهبر انقلاب به دستگاه‌های اجرایی دارند، بسیار خوب است و لذا دولت هم سعی می‌کند که سیاست‌های رهبری را دنبال کند و به اجرا درآورد.» رجوع کنید← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های ۱۳۶۹ ، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲».



سخنرانی در صحن جامع رضوی برای مردم مشهد





سخنرانی در جمع خانواده شهدای مشهد



سخنرانی در جمع روحانیون مشهد

جمعه ۲۵ خرداد ۱۳۶۹ | ۲۱ ذیقعده ۱۴۱۰ ۱۵ ژوئن ۱۹۹۰

ساعت شش و نیم صبح به فرودگاه رفتیم و با هلی‌کوپتر به سوی درگز پرواز کردیم. اطلاع دادند یک هلی‌کوپتر که دیروز محافظان را به درگز برده، در برگشتن مفقودالاثر شده است. خیلی ناراحت شدم؛ گفتم تجسس شود. در شهر درگز در استادیوم ورزشی برای مردم سخنرانی کردم[۱].

پس از سخنرانی به سوی منطقه عشایری اطراف شیروان پرواز کردیم. در کنار مرز شوروی، مردم اجتماع جالبی داشتند. باغ‌های فراوان و سرسبز منطقه را از آسمان دیدم. در اجتماع مردم حضور یافتم[۲]. ابتدا خیرمقدم گفتند و نیازها و امکانات و خواسته‌ها را مطرح

---

۱ - ایشان در جمع مردم درگز، به مشکل عمده ارتباط زمینی این شهر اشاره کرد و اظهار داشت: «این امر نتیجه سیاست مخرب رژیم گذشته است که منظره‌ای بسیار زشت در عصر ارتباطات به نمایش گذاشته است و ما نیز وارث عقب‌ماندگی‌های زیادی از این قبیل هستیم.» ایشان وجود کمترین درصد افراد بی‌سواد در منطقه محروم درگز را یکی از افتخارات آن دانست و افزود: «امید است این منطقه که به پرورش علمای بزرگ مشهور است، با تلاش شما و مسئولین مجدداً مورد توجه قرار گیرد و بتوانیم از آن به عنوان یک نقطه تحرک بهره گیری کنیم.» آقای هاشمی ضمن تأکید بر اینکه عشایر در دوران جنگ، وفاداری، صمیمیت و عشق خود به اسلام و انقلاب اسلامی را به اثبات رساندند، ابراز امیدواری کرد که خداوند به مسئولین، توفیق انجام وظیفه در قبال این مردم زحمتکش و سلحشور، متدین و پرتلاش میهن اسلامی را عطا فرماید. ایشان حضور در جمع عشایر را نشانگر احترام عظیمی دانست که مسئولان برای عشایر قائل هستند و به آنان توصیه کرد، به فرزندان خود اعم از دختر و پسر، امکان بهره برداری از آموزش و تخصص را بدهند، تا فرزندانشان با بهره علمی و فنی بالای خود، زندگی عشایری را متحول سازند.» رجوع کنید← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های ۱۳۶۹ ، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲.»

۲ - ایشان در شیروان گفت: «در دنیای امروز که به طرف حاکمیت مردم می‌رود، بهترین احساسات را می‌توان در مسلمانان منجمله مسلمانان کشمیر پاکستان و مردم الجزایر دید.» آقای هاشمی از اجتماع گسترده و احساسات مردم شیروان قدردانی کرد و افزود: «مسابقه شهادت شما مردم در دوران جنگ تحمیلی و احساسات پاک شما، نه تنها غیرقابل توصیف است، بلکه نشانه این است که مردم آگاهانه راه اسلام واقعی را برگزیده‌اند و حاضرند تمام هستی خود را در این راه ایثار کنند. در برابر این آمادگی و وفای مردم، طبعاً مسئولیت ما بیشتر می‌شود. تلاش می‌کنیم با هماهنگی بین ملت، دولت، روحانیت و مجلس، با به‌کارگیری رهنمودهای سودمند و هدایتگر امام راحل‌مان و سایه بلند رهبری‌معظم انقلاب که بر سر همه ما است، در راه خدمت به مردم کوشا باشیم. امیدواریم بتوانیم انقلاب را به جایی هدایت کنیم که اگر دیگر کشورها خواستند راهی انتخاب کنند، بیشتر از حالا از ملت ما الگویی در اختیار داشته باشند.» در منطقه مرزی و عشایرنشین «کابل» شیروان، عشایر کُرد با قربانی کردن گاو و گوسفند از رییس‌جمهور استقبال کردند. آقای هاشمی در جمع عشایر این منطقه، آنها را افرادی وفادار و صمیمی خواند و عشق این قشر را به انقلاب و اسلام ستود. ایشان ضمن تأکید بر ضرورت فراگیری آموزش و تخصص توسط فرزندان عشایر، آنها را

کردند و گزارش وضع عمومی منطقه را دادند و با کسب اجازه بـه نمـایش چـوب بـازی و رقص و سرودهای محلی پرداختند. در ضمن خواسته‌ها، اسـتمهال وام‌هـا و خریـد وام‌هـا را مطرح کردند؛ پذیرفتم.

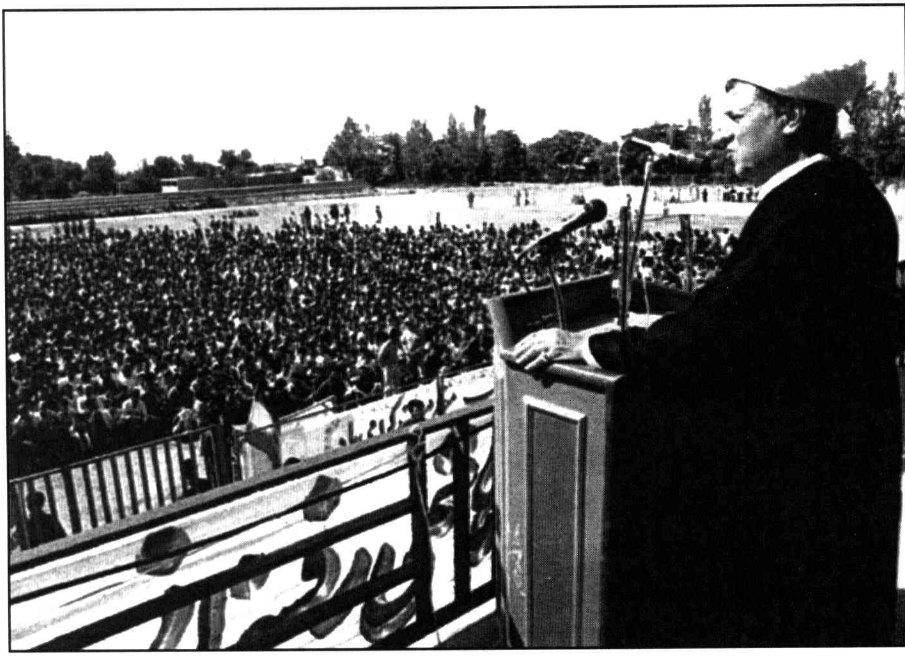
با خداحافظی و تشکر از محبت‌های‌شان، به سوی قوچان پرواز کردیم. سـاعت یـازده و ربع، با استقبال گرم مردم وارد قوچان شدیم . به مصلای نماز جمعه رفتیم. قبـل از خطبـه‌هـا سخنرانی کردم[1]. خطبه‌های کوتاه آقای مروج، امـام جمعـه را گـوش دادیـم کـه بیـشتر در ستایش فعالیت های دولت و نظام و انقلاب بود. بـا امامـت ایـشان نمـاز جمعـه را خوانـدیم. برای ناهار و استراحت به منزل فرماندار رفتیم.

خبر رسید که هلی‌کوپتر مفقود شده، سقوط کرده است. یک هلی‌کوپتر به محل سقوط اعزام شد. به مرکز تحقیقات کشاورزی و دامی جهاد رفتیم. گزارش دادند؛ از خدمات‌شـان تشکر کردم[2]. از آنجا به سوی بجنورد پرواز نمودیم. اجتماعی عظیم و با شکوه تشکیل

مورد احترام خاص مسئولان و پشتوانه کشور اعلام کرد. رجوع کنید← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های ۱۳۶۹ ، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲».

۱ - آقای هاشمی در مراسم نماز جمعه شهر قوچان گفت: «شهر قوچان و منطقه خراسان به دلیل تحولاتی که در همسایه شمالی کشورمان به وجود آمده، از حساسیت بسیار زیادی برخوردار است و به عنوان یک محور انقلاب به منظور انتقال افکار اسلامی و کانون توجهات جهانیان، مطرح خواهد بود.» ایشان با اشاره به منابع سرشاری که خداوند در سرزمین خراسان به ودیعه نهاده است، اظهار داشت: «عدم بهره برداری از این منابع و نعمات توسط رژیم گذشته، نتیجه سیاست غلط آنان و از خیانت‌های آن رژیم به کشور محسوب می‌شود.» آقای هاشمی ابراز امیدواری کرد طی برنامه ده ساله، بازسازی استان خراسان که به برکت وجود امام علی ابن موسی الرضا (ع) مورد توجه جهان اسلام نیز می‌باشد، با توسعه فراوانی مواجه شود که انقلاب نیز زمینه این تحول را فراهم کرده است. ایشان با بیان اینکه در ده سال گذشته، انقلاب جوانان ما را همچون فولاد آبدیده کرده است، افزود: «این پتانسیل کارآزموده، با تجربه، متدین و وفادار به انقلاب و مردم، همراه با زمینه‌های مناسب سیاسی، فرهنگی و اقتصادی کشورمان، آینده روشنی را ترسیم می‌کند که از ثمرات تلاش‌های امام راحل‌مان و رهنمودهای معظم له می‌باشد. لذا این آینده درخشان، همان چیزی است که در سایه خط امام و به رهبری آیت‌الله خامنه‌ای، مقام معظم رهبری و همکاری مردم و مسئولین تحقق خواهد یافت.» رجوع کنید← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های ۱۳۶۹ ، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲ .»

۲ - در این بازدید، یکی از اعضای شورای اسلامی روستایی، پس از خیر مقدم به آقای هاشمی و هیأت همراه، جهادسازندگی را به عنوان یادگار همیشه جاوید امام خمینی توصیف کرد و برای مشارکت فعال روستاییان در دهه سازندگی، اعلام آمادگی نمود. آقای هاشمی نیز با تأکید بر اینکه کارهای تحقیقاتی یک بخش بسیار جدی کشور است، به دست اندرکاران امر کشاورزی توصیه کرد: «اینک که در دهه سازندگی کشور به سر می‌بریم، باید در زمینه تحقیقات، خود را به سطح مطلوب برسانید.»



سخنرانی در جمع مردم شیروان



سخنرانی در مراسم نماز جمعه شهر قوچان

شده بود. امام جمعه خوشامد گرم و دلپذیری ایراد کرد و من در یک سخنرانی مفصل با تشکر از مردم و تشریح وضع شهرستان، وعدهٔ تحقق خواسته‌هایشان را دادم.[۱]

در منزل فرماندار، امام جمعه، نمایندگان شهر و ائمه جماعات، استعدادهای منطقه را تشریح کردند. ابراز امیدواری کردم که این استعدادها به منصّه ظهور برسد. سپس در اجتماع مدیران منطقه، گزارش‌های آنها را گرفتم و سخنرانی کردم[۲]. خبر رحلت دو خلبان هلی‌کوپتر ساقط شده را دادند؛ شدیداً متأثر شدم و با اندوه فراوان خوابیدم.

شنبه ۲۶ خرداد ۱۳۶۹ | ۲۲ ذیقعده ۱۴۱۰ | ۱۶ ژوئن ۱۹۹۰

در اخبار رادیوهای خارجی، خبر تصفیه اختلافات ایران با برخی از شرکت‌های نفتی، به‌گونه‌ای نقل شده بود که انگار ایران امتیازی داده است. با آقای آقازاده [وزیر نفت]، تلفنی گفتم خبر را به صورت کامل بگویند که آمریکایی‌ها از ادعای خودشان تنّزل کرده‌اند.

---

۱ - ایشان در اجتماع مردم بجنورد گفت: «بزرگترین نعمت برای زمامداران و مسئولان جامعه، وفاداری، فداکاری و صمیمیت مردم است. هماهنگی و یکدلی مردم و مسئولان، یک سعادت برای کشور است. پایمردی ملت ایران در طول انقلاب و سال‌های دفاع مقدس، نمونه و یک حماسه تاریخی بود. امیدوارم با توجه به لیاقت مردم، کشور رو به پیشرفت و رفاه حرکت کند. امروز ذخیره ارزی کشور رو به رشد است و طی هشت ماه گذشته، درآمد ارزی ناشی از فروش نفت افزایش یافته است. دولت برای مقابله با نوسانات بازار نفت آماده است و این امر خللی در روند برنامه پنجساله ایجاد نخواهد کرد. جمهوری اسلامی تا پایان برنامه اول در بخش اقتصاد به تعادل نسبی خواهد رسید.» رجوع کنید← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های ۱۳۶۹ ، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲ .»

۲ - ایشان سیاست فروش ارز به صنایع را موفق خواند و گفت: «از آغاز فروش ارز رقابتی تاکنون، ۶۲۰ میلیون دلار توسط واحدهای صنعتی خریداری شده و فروش ارز رقابتی بدون محدودیت تا ۲ میلیارد دلار قابل عرضه است.»آقای هاشمی ضمن دعوت مدیران به صرفه جویی، با هدف حرکت به سمت تعادل افزود: «دولت برنامه تأمین مصالح ساختمانی و قطعات مورد نیاز پروژه‌های در دست اجرا را در دستور کار خود قرار داده است و طی دو سال آینده، در زمینه تأمین مصالح ساختمانی، بهبود نسبی حاصل خواهد شد. کمبود درآمد و محرومیت‌های موجود روستاییان استان، ناشی از ضعف مدیران این منطقه است. استعدادهای معدنی و کشاورزی خراسان قابل توجه است. با اجرای طرح اصلاح نظام آبیاری و بهسازی و احداث و تکمیل راه آهن، این استان در جهت رفاه حرکت خواهد کرد. ایران برای رسیدن به رفاه و استقلال اقتصادی، نیازمند پنج شش سال برنامه ریزی مستمر و بدون دغدغه است.» رجوع کنید← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های ۱۳۶۹ ، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲.»

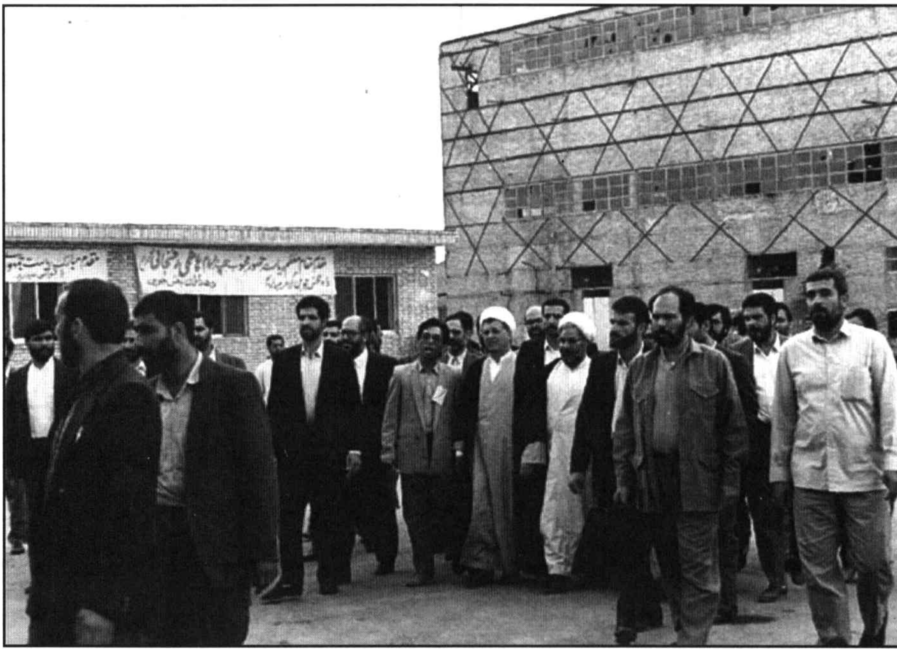
قبل از حرکت، جمعی از سپاهیان[اردوگاه مشترک سپاه و بسیج بخش آشخانه] آمدند؛ از آنها دلجویی شد. به خلبان‌ها به خاطر فوت رفقایشان تسلیت گفتم و دلجویی نمودم. به سوی بخش آشخانه در کنار اترک پرواز کردیم در مسیر، توضیحات از سوی معاون فرمانداری داده می‌شد. در کنار روستایی در ساحل رود اترک، روستاییان اجتماع کرده بودند، پیاده شدیم. استقبال و خیرمقدم و صحبت کوتاه من انجام شد[1]. بلندگوی‌شان درست نبود، کم صحبت کردم. دوباره به‌سوی مرز شمالی پرواز کردیم. از مراکز جمعیتی بخش راز و جرگلان از بالا بازدید شد. در درّه مشترک بین ما و شوروی، رودخانه‌ای مرزی است؛ بیشترِ اراضی اطراف رود، سهم روس‌ها و طبعاً آبادتر است.

در جلگه جرگلان پیاده شدیم. اهالی ترکمن و سنی‌اند؛ علمای آنها و مردم استقبال گرمی نمودند و [آقای مسعودآخوند یزدانی]، رییس روحانیون آنها[= امام جمعه بخش جرگلان] خیرمقدم گفت[2]. مسئولان بخش هم از جاهای دیگر آمده بودند. جهاد[سازندگی] هم نمایشگاه فرش خراسان برقرار کرده بود. صنعت فرش با کمک جهاد، اصلاح و ترویج شده است. سنی‌ها، خانم‌هایشان را هم آورده بودند. گفته شد معمول‌شان نیست که زن‌ها را در اجتماعات شرکت دهند و این اولین بار است. خشکسالی دارند و دیم‌شان خوب نیست.

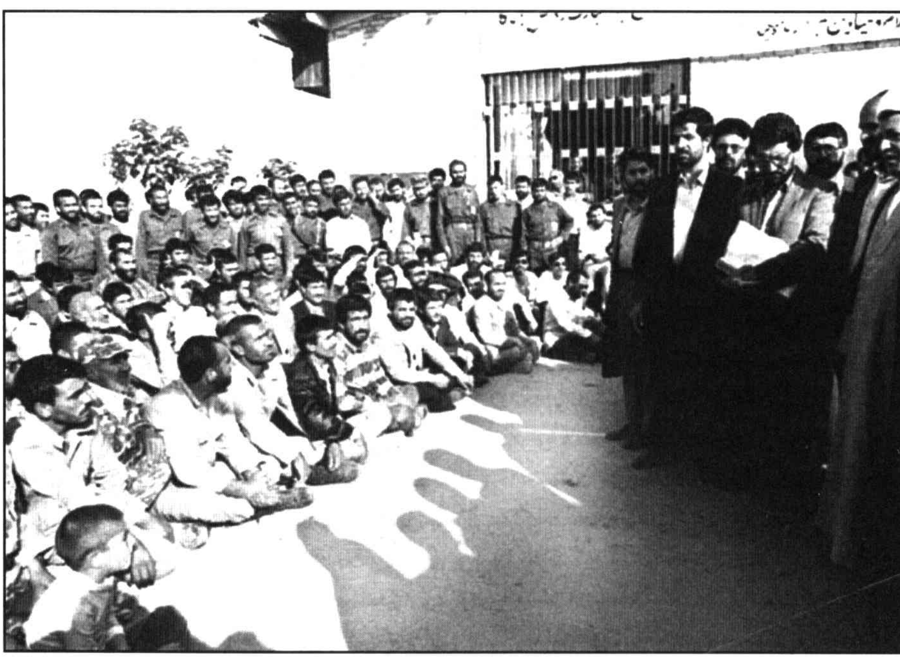
از آنجا به‌سوی اسفراین پرواز کردیم. تاکستان‌های انگور دیم منطقه، به نظرم جالب

۱- ایشان پس از قدردانی از احساسات پرشور مردم گفت: «سفر من به این منطقه، به این خاطر صورت گرفت که از طریق گزارش‌ها شنیده بودم که آب‌ها در اینجا به هدر می رود و کمتر مورد استفاده قرار می گیرد. ما پس از بررسیِ موضوع، ضمن ارائه راه هایی برای مهار این آب‌ها، از خود شما هم می خواهیم که با مسئولان همکاری کنید تا کارها زودتر به سامان برسد.» رجوع کنید← هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های ۱۳۶۹ ، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲ .

۲ - آقای هاشمی دو منطقه محروم مرزی «پیش قلعه» و «باغ لُق» شهرستان بجنورد را مورد بازدید قرار داد و در جمع مرزنشینان این مناطق گفت: «وفاداری عمیق شما مرزنشینان، موجب مباهات و سرافرازی مسئولین و ملت است.» ایشان ضمن قدردانی از عواطف صمیمانه برادران و خواهران ترکمن، آنان را «مرزداران کشور پیغمبر» خواند و گفت: «سرمنشاء همه این عواطف، احترامی است که برای اسلام قائل‌اند و می‌بینند که این کشور پس از سال‌ها که کفر برآن حاکم بود، هم‌اکنون در اختیار اسلام قرار گرفته است. همدلی و همراهی اهل سنت و تشیع افتخارآمیز است. مرزداران غیور، همواره مورد توجه حضرت امام خمینی (رضوان الله تعالی علیه) و مقام معظم رهبری بوده و هستند. شما همواره مرزداران شایسته‌ای بوده و در آینده نیز خواهید بود که این وفاداری عمیق شما نیز موجبات مباهات و سرافرازی مسئولین و ملت را فراهم کرده است.» رجوع کنید← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های ۱۳۶۹ ، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲ .»



بازدید از مجتمع کشت و صنعت جوین



دیدار با بسیجیان بخش آشخانه

آمد؛ قرار شد توسعه بدهند. ساعت یک و نیم ظهر در اسفراین فرود آمدیم. مردم استقبال گرمی داشتند. در شهر گشتی زدیم. امام جمعه و فرماندار توضیحات درباره شهر و نیازها و امکانات دادند. در محل اجتماع مردم امام جمعه خیرمقدم گفت و من صحبت دلگرم‌کننده‌ای نمودم[1]. ناهار در فرمانداری صرف شد و سپس پرواز به سوی دشت جوین ادامه یافت. عمدهٔ خواست اهالی اسفراین، سد بیدواز و اجرای طرح‌های بنیاد اسفراین و تسریع در جاده‌های ارتباط به خارج از شهر بود. منطقهٔ خوب و مستعدی است.

در محل کشت و صنعت جوین پیاده شدیم. اجتماع و اظهار احساسات مردم اطراف، بی‌نظمی درست کرده بود. پاسخ احساسات را دادم. به گزارش مدیران گوش دادم. کشت و صنعت عظیمی است. قبل از انقلاب توسط مهدوی تأسیس شده، نیمه‌کاره بوده که پس از انقلاب در اختیار سازمان صنایع ملی است. تولید قند و گوشت و مرغ در برنامه بوده که بخشی اجرا نشده است. خواستار توسعه بودند. نمایشگاه کشاورزی استان را در آنجا درست کرده بودند؛ بازدید کردیم. جالب و خوب است. مزارع آبیاری با روش تحت فشار را از هوا بازدید کردیم و مهندس مایلی توضیح داد.

به سوی سبزوار پرواز کردیم در هلی‌کوپتر، امام جمعه شهر آقای [محمدتقی]عبدوس توضیح داد. استقبال مردم فوق‌العاده خوب بود. در مصلی، پس از خیرمقدم امام جمعه، با مردم صحبت کردم[2]. در مسیر، در خیابان‌ها تا منزل امام جمعه، همراه با اجتماع و

---

۱ - آقای هاشمی در اجتماع مردم اسفراین، نتایج سفر دو روزه خود به مناطق شمال خراسان را مثبت توصیف کرد و گفت: «کاملا" برای من روشن است، این منطقه یکی از محورهای توسعه کشور است و مردم آن، شایستگی استفاده از تمام این امکانات را دارند. شرایط این منطقه از خراسان که از لحاظ آب محدودیتی ندارد و دارای زمین‌های مستعد کشاورزی است، برای بهره‌گیری در این زمینه کاملاً مناسب است. ایجاد سد در منطقه اسفراین به توسعه کشاورزی کمک خواهد کرد و احداث کارخانه ریخته گری که در حال حاضر یکی از نقاط ضعف صنعت ماست، بر کل کشور تأثیر خواهد گذاشت که با راه اندازی آن، متعاقباً مسایل مربوط به نیرو، امکانات و حمل و نقل سریع نیز تأمین خواهد شد.» رجوع کنید← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های ۱۳۶۹ ، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲ .»

۲- در بخشی از این سخنرانی آمده است: «این ابراز احساسات برای شخص نیست، بلکه تصور می‌کنم، چون درخدمت انقلاب، راه امام و رهبری هستیم و به خاطر اسلام، به ما محبت می‌کنند. بعد از یازده سال مقاومت، نمی‌توانیم این احساسات را به عنوان احساسات انقلاب تعبیر کنیم، بلکه نتیجه اتفاق مهمی است که دنیا را به حرکت درآورده است. این حرکت یعنی انقلاب اسلامی، انرژی بی‌پایان فطرت‌های انسانی را به سوی حاکمیت اسلام، کانالیزه کرده و انرژی‌ای نیست که قدرت‌های استکباری، یارای مقابله با آن را داشته باشند. این قدرت عظیمی که آگاهی، عشق و علاقه نیروهای حزب‌اللهی به اسلام، قرآن و امام را هدایت می‌کند، یک پدیده جدید در صحنه

احساسات گرم مردم بود.

در منزل امام جمعه، نماز و استراحت و استماع خواسته‌های شهر داشتیم و سپس به مسجد رفتیم که مسئولان استان و شهر جمع بودند، به عنوان شورای اداری نیازها و برنامه‌ها گفته شد و من هم صحبت نمودم و توضیح دادم[1]. شام با مدعوین، همان‌جا صرف شد و به احساسات مردم که در بیرون مسجد اجتماع کرده بودند، پاسخ دادم و به زیارت قبر حاج‌شیخ هادی سبزواری، صاحب[کتاب]منظومه رفتیم؛ جای باحال و خوبی است. برای استراحت به فرمانداری شهر رفتیم. از درخواست‌های مردم، چند مورد، منجمله تکمیل آبرسانی شهر و کارخانه ساخت شیرآلات را پذیرفتیم.

یکشنبه ۲۷ خرداد ۱۳۶۹ | ۲۳ ذیقعده ۱۴۱۰ ۱۷ ژوئن ۱۹۹۰

بعد از نماز صبح دوش آب سرد گرفتم و تا ساعت شش خوابیدم. دکتر [حسن]روحانی [دبیر شورای عالی امنیت ملی]، موقع صبحانه آمد و خواستار اجازه انتقال کابل ماهواره به دفترش شد. برای زیارت قبور شهدا به گلزار شهدای سبزوار رفتیم.

با هلی‌کوپترها، در راه نیشابور به روستای «شم‌آباد» از توابع بخش سلطانیه سبزوار رفتیم. بلدچی نتوانست محل را نشان دهد. مدتی هلی‌کوپترها سرگردان بودند تا محل را

سیاسی است که با هیچ یک از انقلاب‌های دنیا قابل مقایسه نیست و وسیله‌ای نیز برای مقابله با آن ندارند. انقلاب اسلامی که توسط امام پایه‌گذاری شد، تحت رهنمودهای مقام رهبری ادامه خواهد یافت و این مشعل تابناک، باقی‌مانده و روز به روز افروخته‌تر خواهد شد. این انقلاب حرکتی است که خون و ایثار صدها هزار شهید مجروح و معلول را پشتوانه دارد، لذا بالنده و رو به رشد بوده و دنیا را روشن خواهد کرد.» رجوع کنید← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های ۱۳۶۹، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۹۲.»

۱ - ایشان در این سخنرانی گفت: «این قدرت عظیمی که آگاهی، عشق و علاقه نیروهای حزب‌اللهی به اسلام، قرآن و امام را هدایت می‌کند، یک پدیده جدید در صحنه سیاسی است که با هیچ یک از انقلاب‌های دنیا قابل مقایسه نیست و وسیله‌ای نیز برای مقابله با آن ندارند.» آقای هاشمی آنگاه ابراز اطمینان کرد: «انقلاب اسلامی که توسط حضرت امام(ره) پایه‌گذاری شد، تحت رهنمودهای مقام رهبری ادامه خواهد یافت. و این مشعل تابناک باقی خواهد ماند و روزبه‌روز فروزان‌تر خواهد شد و این انقلاب، حرکتی است که خون و ایثار هزاران شهید مجروح و معلول را پشتوانه دارد، لذا بالنده و رو به رشد بوده، دنیا را روشن خواهد کرد.» رجوع کنید← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های ۱۳۶۹، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۹۲



حضور در مزار شهدای بخش راز و جرگلان



بازدید از مقبره عطار نیشابوری

پیدا کردیم. این روستا با ۲۲۰ خانوار، حدود پنجاه شهید و مفقود و اسیر دارد. برایشان صحبت کردم[1] و وعدهٔ کمک به عمران روستا و ساختن بارگاه برای شهدا و ساخت دبیرستان دادم.

به سوی نیشابور پرواز کردیم. دشت‌های وسیع و معمول اطراف نیشابور، باعث اعجاب شد. مردم استقبال گرمی در خیابان‌ها کردند. مقبره عطار و کمال الملک را هم دیدیم. در فرمانداری، نیازهای شهر مطرح شد. در استادیوم ورزشی برای انبوه مردم صحبت کردم[2]. امام جمعه خیرمقدم خوبی گفت.

ظهر به سوی مشهد پرواز کردیم. شمال نیشابور هم خوب و آباد است، ولی نیازها و عقب‌ماندگی‌های شهر زیاد است. در منطقه قاسم‌آباد، در غرب مشهد فرود آمدیم. عملیات اجرایی شهرسازی وزارت مسکن، برای آماده سازی زمین و زیربناهای شهری و ساخت مسکن را دیدیم؛ برایم جالب افتاد.

ساعت دو بعد از ظهر به آستان‌قدس[رضوی] رسیدیم. ناهار و استراحت و استحمام و سپس سخنرانی برای طلاب که به ملاقات آمده بودند[3] و سپس بازدید حجره تهیه سنگ

---

۱ - آقای هاشمی در میان استقبال پرشور مردم روستای «شم آباد»، در گلزار شهدای این روستا حضور یافت و در اجتماع آنها گفت: «حرف زدن با شما مردم هم راحت است هم دشوار؛ راحت به این خاطر که شما هم مانند خود ما هستید و درد را می فهمید و تا آنجا که توانسته اید، از جان و مال‌تان بخشیده اید. دشوار است به این خاطر که بذل و بخشش شما، حقی را برای‌تان به وجود آورده است که نمی توان آن را ادا کرد. چون ما هر چه برای شما بکنیم وظیفه‌مان است. منّتی بر کسی نداریم. منطقه‌ای محروم ، مردمی و ستمدیده هستید و عدالت اسلامی رسیدگی به شما را وظیفه ما دانسته است.» رجوع کنید← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های ۱۳۶۹ ، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲ ».

۲ - ایشان پس از سپاسگزاری و قدردانی از احساسات مردم، در مورد نیازها و شاخت استعدادهای نیشابور گفت که گزارش های کامل را از نمایندگان مردم در مجلس و مسئولان اجرایی شهر دریافت کرده است. آقای هاشمی دربارهٔ تلاش برای رفع نیازهای فرهنگی اظهار داشت: «خیلی از کارها با مشارکت خودتان باید انجام شودکه یکی از این کارها، سینماسازی است که می‌تواند مورد نیاز قشر عظیم جوانان باشد. این کار، باعث آموزش جوانان می شود و ساعات فراغت آنها را هم پر می کند. در مورد کشاورزی هم با استفاده از طرح‌های علمی بخصوص شیوه های نوین آبیاری بارانی و قطره ای و اجرای طرح های آبخیز و آبخوان‌داری، می توانید سطح زیر کشت را گسترش دهید و با همین مقدار آب و آب هایی که استحصال می شود، نیاز کشاورزی منطقه را جبران کنید.» رجوع کنید← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های ۱۳۶۹ ، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲ .»

۳ - آقای هاشمی در ادامه سفر خود به استان خراسان با بیش از ۵ هزار نفر از اساتید و طلاب حوزه علمیه مشهد دیدار کرد. در این دیدار، ایشان با تأکید بر نقش روحانیت در پیروزی و رهبری انقلاب گفت: «در حال حاضر روحانیت

قبر یکپارچه برای ضریح امام رضا و بازدید از طرح احداث زیرگذر برای فلکه آستان‌قدس که به‌نظرم خیلی عظیم و وسیع، پرخرج و مهم آمد و توضیحات مهندس دهشیدی را شنیدم. از صحن‌های حرم مطهر، از میان مردم گذشتیم؛ مردم به ابراز احساسات پرداختند.

شب، جمعی انبوه از دانشجویان به ملاقات آمدند. برای آنها سخنرانی مفصلی کردم[1] و خواستم تلاش بیشتری برای کسب استقلال علمی و فنی بنمایند و از افراط کاری سیاسی بپرهیزند.

«ما یکی از حساس‌ترین مقاطع تاریخی خود را از بدو شکل‌گیری تاکنون می‌گذراند و به‌طور قابل توجهی مورد توجه عامه مردم جهان قرار گرفته است. امروز روحانیت، هم به عنوان مُفسّر و هم به عنوان یک مجری مطرح است. در دوران قبل از انقلاب، قدرت در دست غیراسلامی‌ها بود، ما مدعی آنها بودیم ولی در حال حاضر، گرچه پیکره جامعه به‌دست مستقیم روحانیون نیست، لیکن مقام رهبری یک روحانی هستند و در مراجع اجرایی دیگر، مسئولیت‌های مهمی برعهده روحانیون است. بنابراین اگر کوتاهی در انجام وظایف بشود، به پای روحانیت گذاشته می‌شود. در این برههٔ حساس، هم اسلام در معرض آزمایش است و هم روحانیت، البته اسلام به عنوان یک مرجع، چون معتقدین به خود را دارد، هیچ‌گاه زیر سئوال نمی‌رود، ولی روحانیت اشخاص هستند و مردم در مقابل اشخاص تعهدی ندارند و در مقابل عملکرد و فکر روحانیت متعهدند. این فکر که روحانیت کاری به زندگی مادی ندارد و فقط در بُعد فرهنگی و معنوی عمل می‌کند، یک فکر غلط است و روحانیت نمی‌تواند خود را از مشکلات مردم کنار بکشد، ولی سیاست کنونی دنیا این است که بگویند، اسلام منهای روحانیت و روحانیت قادر به حل مشکلات مردم نیست. ما باید واقعاً در میدان باشیم و از انحرافات جلوگیری کنیم. به لحاظ مسایل سیاسی و فرهنگی، ما قوی هستیم، ولی در مقابل، از لحاظ علمی و تکنیکی و اقتصادی مشکلاتی داریم که با بهره برداری صحیح از منابع بسیار غنی موجود در کشور، در سال‌های آینده، خواهیم توانست به بسیاری از معضلات موجود پایان دهیم. امروز استثنایی‌ترین و حساس‌ترین لحظات تاریخ روحانیت است. امروز برخلاف گذشته، روحانیت نه تنها مفسر اوضاع جامعه، بلکه مجری امور است و لذا از خارج، کفر جهانی نمی‌خواهد اسلام به عنوان یک تز پذیرفته شده و عامل سازنده مطرح شود، در حالی که از داخل، همان هایی که از اوایل انقلاب تاکنون، شعار اسلام منهای روحانیت را مطرح می‌کنند، مایل نیستند روحانیت در جامعه ریشه بدواند، تا اگر ما خطایی کردیم، با استفاده از آن، نوبت آنان بشود، در حالی که این امر محال است، زیرا مردم حامی و پشتیبان آنها نیستند.» رجوع کنید← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های ۱۳۶۹، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۹۲.»

۱ - ایشان در ملاقات با دانشجویان دانشگاه فروسی و علوم پزشکی مشهد، بر نقش مهم دانشجویان تاکید کرد و گفت: «بخش مهمی از استقلال کشور بر عهده دانشجویان است و تضمین استقلال کشور، در صورتی تحقق خواهد یافت که ما در ابعاد علمی، فنی و اقتصادی نیازمند بیگانگان نباشیم. دانشگاه های ما برای رشد کافی، باید از آخرین علوم و فنون روز و تحقیقات بهره جویند و شما دانشجویان، باید خودتان را آماده کنید که برای مدیریت کشور و بهره‌برداری از امکانات طبیعی آن حداکثر استفاده را ببرید. طرح شعارهای بی‌ربط، سبب انحراف جوانان است. سعی کنید در محیط دانشگاه ها شعارهای انحرافی وجود نداشته باشد.» رجوع کنید← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های ۱۳۶۹، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۹۲.»

دوشنبه ۲۸ خرداد ۱۳۶۹ | ۲۴ ذیقعده ۱۴۱۰ ۱۸ ژوئن ۱۹۹۰

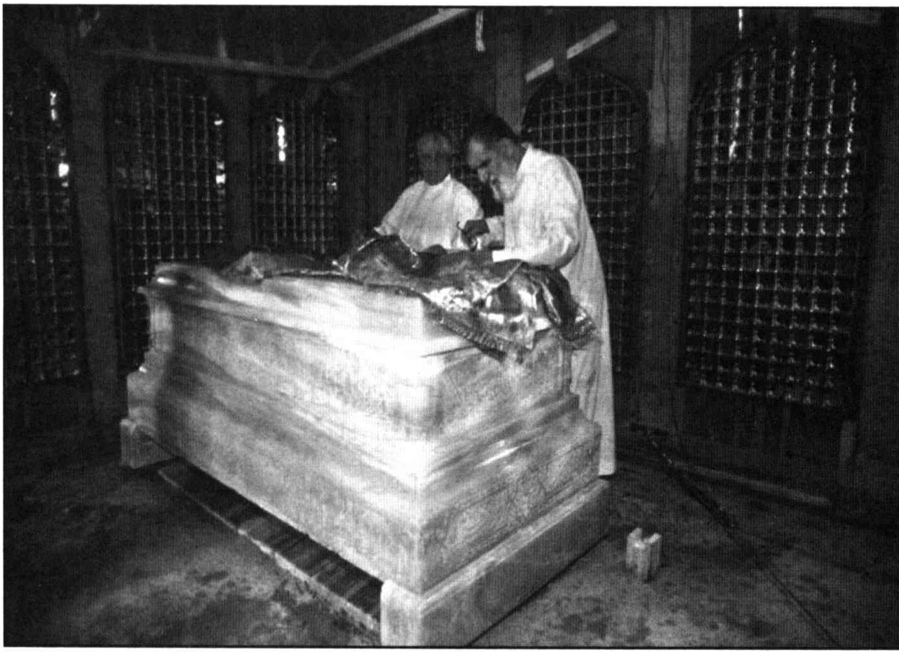
بعد از نماز صبح کمی خوابیدم. برای مصاحبه یادداشت برداشتم. ساعت شش و نیم صبح برای شرکت در غبارروبی ضریح مقدس به حرم مطهر رفتم؛ اواخر کار رسیدم. آقایان [واعظ]طبسی، [محمدرضا] مهدوی کنی، دکتر روحانی، فردوسی‌پور و بیژنی بودند. بعد از زیارت به مقر برگشتم. مصاحبه رادیو و تلویزیونی و مطبوعاتی انجام دادم[1] و به فرودگاه رفتم. به سوی تهران پرواز کردیم.

ساعت یازده و نیم به دفترم رسیدم. بخشی از کارها را انجام دادم. عفت و یاسر هم ناهار به دفتر آمدند. عصر در جلسه شورای اقتصاد شرکت کردم. درباره صادرات و واردات تصمیم‌گیری شد. سرشب مهندس [محمد]غرضی، [وزیر پست و تلگراف و تلفن] آمد. زمینی برای احداث بیمارستان برای وزارتخانه خواست، همچنین مطالبه [تاسیس]دانشگاه برای [شرکت]مخابرات دارد.

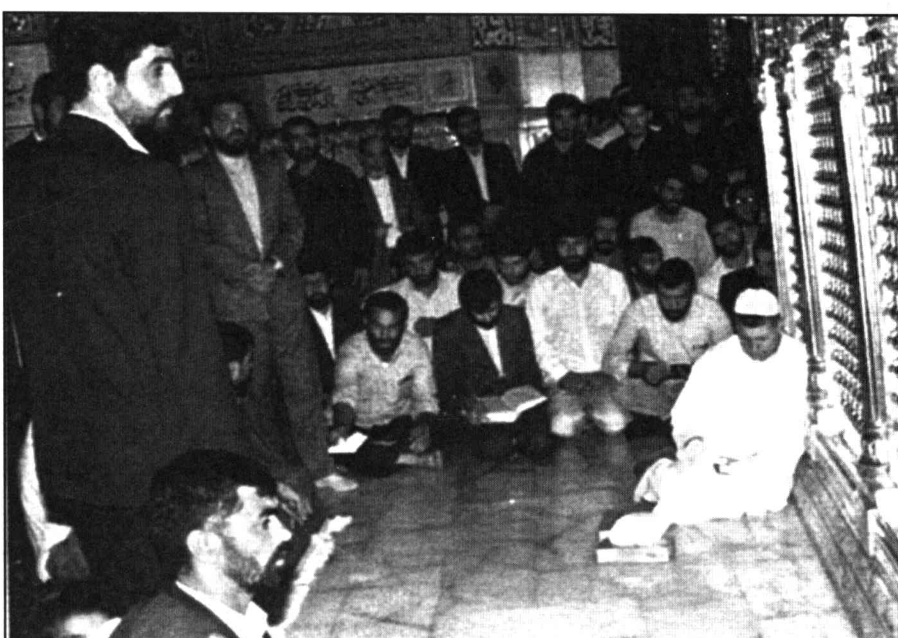
بخشی دیگر از کارهای عقب مانده را انجام دادم. دکتر روحانی، [دبیر شورای عالی

---

۱ - آقای هاشمی در پاسخ به پرسشی درباره خریدهای نظامی کشور در برنامه پنجساله گفت: «کشور برای تجهیز سیستم دفاعی خود، از تمام امکانات بهره خواهد گرفت و در برنامه پنجساله کشور نیز ده میلیارد دلار برای خریدهای نظامی اختصاص یافته است. ایران، قوی‌ترین کشور جهان سوم از نظر صنایع نظامی است و متخصصین ایران در طول جنگ تحمیلی به دستاوردهای عظیمی دست یافته‌اند که بیان آن با مصالح کشور منافات دارد.» ایشان در خصوص وضعیت نقدینگی کشور گفت: «ایران در شرایط فعلی، در بهترین وضعیت خود طی ده سال گذشته به سر می‌برد و اعتماد مردم به بانک‌ها و سیاست‌های ارزی دولت، باعث تقویت فراوان خزانه کشور شده است.» رییس جمهور در مورد مساله ارتباط با مسلمانان شوروی اظهار داشت: «ایران و شوروی با امضای قراردادی در زمینه ارتباط مسلمانان، با یکدیگر به یک توافق کلی رسیده‌اند و از طرف ایران، علاقه و آمادگی لازم وجود دارد.» آقای هاشمی در مورد سفر دبیرکل سازمان ملل به منطقه گفت: «محور فعالیت‌های سیاسی ایران در مورد جنگ ایران و عراق، قطعنامه ۵۹۸ است. ما راه مذاکره مستقیم را که از سوی عراق پیشنهاد شده است، نبسته‌ایم. اما در پاسخ به نامه عراقی‌ها نوشته‌ایم، زمانی باید مذاکره سران انجام شود که در آن تصمیم نهایی اتخاذ شود، چرا که دیدار ناموفق رؤسای جمهوری دو کشور، خطر جنگ را تشدید خواهد کرد، ما چنین ریسکی نخواهیم کرد. در مقطع فعلی، نمایندگان ایران و عراق مشغول مهیا کردن زمینه ملاقات و بررسی جوانب امر هستند، مشروط بر اینکه این ملاقات باعث تقویت فعالیت دبیرکل در مورد ابتکار صلح شود.» ایشان در مورد تلاش‌های دولت برای کاهش قیمت‌ها گفت: «ما برای تأمین نیازهای ضروری خود سوبسیدها[= یارانه ها] را با قوت حفظ کرده‌ایم، ضمن اینکه افزایش تولید و جذب نقدینگی، باعث کاهش نرخ بسیاری از اقلام از جمله ملامین، فلزات، روغن نباتی و مواد شوینده شده است.» رجوع کنید← کتاب «هاشمی رفسنجانی، مصاحبه های ۱۳۶۹، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۹۲.»



در کنار مضجع شریف ثامن الحجج حضرت علی ابن موسی الرضا (ع)





غبار روبی ضریح مطهر حضرت امام رضا (ع)
به همراه آیت الله واعظ طبسی، تولیت آستان قدس رضوی



امنیت ملی]آمد و گزارش مذاکرهٔ [سیروس]ناصری با برزان تکریتی را داد؛ برزان گفته است به جای قرارداد الجزایر، معاهده جدید باید بست که قاطعانه از طرف ناصری رد شده است. همچنین بر صرف نظر از بند ۶ قطعنامه ۵۹۸ [در خصوص تعیین آغازگر جنگ]، اصرار داشته که نپذیرفته‌ایم.

اصلاحاتی در متن نامهٔ جوابیه دوم با پیشنهاد وزارت خارجه انجام شد. دیروقت به خانه آمدم.

سه‌شنبه ۲۹ خرداد ۱۳۶۹ | ۲۵ ذیقعده ۱٤۱۰ ۱۹ ژوئن ۱۹۹۰

ساعت شش صبح به دفترم رفتم. تا ساعت ده کارهای عقب مانده را انجام دادم. دکتر [حسن] حبیبی برای امور جاری کشور آمد؛ چون ایشان معاون اول است، در ملاقات موارد زیادی از کارهای مدیران و وزرا مطرح می‌شود؛ مسئول هماهنگی هستند[1].

آقای [سید حسن]طاهری خرم‌آبادی آمد. از اوضاع پاکستان گفت و برای امور شیعیان آنجا استمداد کرد و گفت کسی مدعی کشف گنج در مازندران است. گفتم از اول انقلاب این گونه ادعاها زیاد آمده که هیچ یک به نتیجه نرسیده و آخرین نمونه با معرفی آقای مسعودی خمینی بود. درباره انتخابات خبرگان مطالبی داشت.

نمایندگان استان کرمان برای شکایت از تعویض مدیرکل بهداشت کرمان آمدند و خواستار ابقای او شدند. عصر دکتر روحانی آمد. نامه به صدام را برای ارسال تکمیل

---

۱ - دکتر حسن‌ابراهیم حبیبی (۱۳۹۱- ۱۳۱۵)، از رجال سیاسی فرهیخته نظام جمهوری اسلامی بود که در هشت سال دوران سازندگی، پست معاون اول رییس‌جمهور را همتراز پست نخست‌وزیر بر عهده داشت. دکتر حبیبی دارای دکترای جامعه‌شناسی و حقوق از دانشگاه سوربن فرانسه بود. ایشان پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، عضو نهضت آزادی ایران بود و در خارج از کشور، به همراه دکتر بنی صدر فعالیت‌های انقلابی داشت. دکتر حبیبی از جمله حقوقدانانی بود که پس از انقلاب، پیش‌نویس قانون اساسی جمهوری اسلامی را با استفاده از قوانین اساسی سایر کشورها تهیه کردند. ایشان وزیر ارشاد اسلامی دولت مهندس بازرگان، وزیر علوم و پس از آن، وزیر دادگستری دولت مهندس موسوی و معاون اول دولت اول آقای خاتمی بود و همچنین ریاست بنیاد ایران‌شناسی را برعهده داشت. دکتر حبیبی تا پایان عمر، عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی و مجمع تشخیص مصلحت نظام بود. ایشان عضو دیوان داوری لاهه و رییس فرهنگستان زبان و ادب فارسی نیز بود.

کردیم. آقای [عبدالحسین] وهاجی [وزیر بازرگانی] آمد و برای گشایش ارز برای تراز فیزیکی برنامه استمداد کرد.

آقای [احمد] جنتی [رییس سازمان تبلیغات اسلامی] آمد و برای سازمان تبلیغات ارز و ماشین خواست. شب مجمع تشخیص مصلحت جلسه داشت؛ بخشی از قانون کار تصویب شد. شب در دفترم ماندم. عفت هم با یاسر آمده بود.

چهارشنبه ۳۰ خرداد ۱۳۶۹ | ۲٦ ذیقعده ۱٤۱۰ ۲۰ ژوئن ۱۹۹۰

آقای میرزاده، [معاون اجرایی رییس جمهور]، برای امور جاری و پیگیری کارهای سفر، وعده‌ها و نامه‌ها آمد. آقای سید احمد موسوی [از لبنان] آمد و نامهٔ اسقف [کلیسای] کانتربری را آورد. این نامه در مورد درخواست تجدید رابطه با انگلستان و موافقت با سفر هیأت پارلمانی انگلیس به ایران است؛ گفتم به مجلس مربوط است.

آقای سید محمود مرعشی آمد. نامه [پدرش]، آیت‌الله [سید شهاب‌الدین] نجفی مرعشی، [از مراجع تقلید] را آورد که خواسته بودند به ساختمان کتابخانه قم کمک کنم؛ پذیرفتم. آقای [سید محمدباقر] حکیم آمد. از وضع بد عراق، از نظر اقتصادی و امنیتی گزارش داد و خواست که در جریان مکاتبات صدام، [رییس جمهور عراق] و احتمال مذاکره مستقیم قرار گیرد؛ جریان را گفتم. از عدم توجه کامل به سپاه بدر و عدم فعال بودنِ کمیته پشتیبانی عراق گله کرد و برای اجرای مصوبات رهبری استمداد نمود.

عصر در جلسه هیأت دولت شرکت کردم. مسایل جزایر تنب و ابوموسی و مسایل بهداری و همچنین وضع فروش نفت مورد بحث بود. پدر شهید خمسه آمد و برای فروش خانه‌ای که برای رسیدن به مسایل دیگر زندگی‌اش گرفته است؛ اجازه خواست. تا ساعت نُه شب، در دفترم کار کردم و بعد به خانه آمدم.

پنج شنبه ۳۱ خرداد ۱۳۶۹ | ۲۷ ذیقعده ۱۴۱۰ ۲۱ ژوئن ۱۹۹۰

دیشب حدود ساعت دوازده ونیم، زلزله شدیدی آمد که در و پنجره خانه را تکان داد[۱]. یک ساعتی نگذشته بود که تلفنی اطلاع دادند، مرکز آن در منطقه دیلمان در شمال کشور است. صبح خبر دادند مرکز زلزله شهرهای رودبار و منجیل است. دستورات لازم را دادم و محسن را به منطقه فرستادم تا خبرهای دقیق تر بیاورد. گویا خسارات و تلفات بسیار زیاد است.

آقای [حسین]ابراهیمی، [نماینده ولی فقیه در امور افغانستان]، برای توضیح مسایل افغانستان آمد. اعضای [شورای مرکزی] حزب وحدت اسلامی افغانستان آمدند و گزارش مراحل وحدت را دادند؛ برایشان صحبت کردم[۲]. آقای[گودرز]افتخار جهرمی، [رییس

---

۱ - زمین‌لرزه منجیل- رودبار به بزرگی ۷/۴ درجه در مقیاس ریشتر، در ساعت ۳۰ دقیقه بامداد روز پنج شنبه ۳۱ خردادماه ۱۳۶۹ در نزدیکی شهر رودبار و روستاهای تابعه در استان گیلان و شمال غرب استان زنجان در ناحیهٔ طارم‌علیا بروز نمود و تا شعاع ۱۰۰ کیلومتری از مرکز زمین‌لرزه، موجب خسارات جانی و مالی فراوان گردید، چنانچه آن را در لیست مرگبارترین ۱۰ زلزله جهان در صدسال گذشته قرار داد. این زمین‌لرزه در یک منطقه پُرتراکم از نظر جمعیت اتفاق افتاد، به طوری که علاوه بر روستاهای موجود در منطقه، چندین شهر مهم کشور نیز تحت تأثیر آن قرار گرفت. علاوه بر حدود ۳۵ هزار نفر که بر اثر این رویداد جان خود را از دست دادند، بیش از ۲۰۰هزار واحد مسکونی تخریب شد و خسارات عمده‌ای به تأسیسات و اماکن عمومی در استان های گیلان و زنجان که متأثر از این زمین‌لرزه بودند، وارد آمد و حدود ۵۰۰ هزار تن بی‌خانمان شدند. خسارت حاصله از این زمین‌لرزه ۲۰۰ میلیارد دلار برآورد شد. ارتعاشات حاصل از امواج لرزه‌ای در استان‌های زنجان و گیلان و در بخش هایی از استان‌های آذربایجان شرقی، تهران، مرکزی، مازندران، سمنان، همدان و کردستان به مدت حدود ۶۰ ثانیه احساس گردید و موجب وحشت عمومی شد، لیکن خسارات جانی و مالی به همراه نداشت. وقوع این زمین‌لرزه در تهران نیز باعث وحشت زیاد مردم شد و بسیاری را از خواب بیدار نمود، لیکن آثاری از ریزش منازل یا تلفات انسانی مشاهده نگردید. برخی از مطبوعات گزارش دادند که تعدادی از منازل مسکونی قدیمی تهران واقع در محلات جنوبی شهر آسیب‌های جزئی دیده‌اند.

۲ - آقای هاشمی ضمن ابراز خشنودی از تشکیل حزب وحدت اسلامی افغانستان که نشانه وحدت بیشتر گروه‌های مسلمان و مجاهد است اظهار داشت: «تشکیل حزب واحد و تحکیم وحدت بیشتر در آستانه پیروزی، بین گروه‌های مجاهد افغانی مستقر در ایران، نشانهٔ هوشیاری مجاهدین مسلمان است، البته اختلاف سلیقه همیشه وجود خواهد داشت ولی باید مصالح کلی در نظر گرفته شود. در مرحله کنونی مبارزه با اشغالگران خاتمه یافته است و در مرحله جدید، ارتجاع عرب و کشورهای غربی، دیگر نیازی برای کمک به گروه‌های مجاهد احساس نمی‌کنند و هرکس که بیشتر مطامع آنها را تأمین کند، از سوی آنها حمایت خواهد شد. متأسفانه در این مرحله، بعضی از افراد در حد انتظار از خود خلوص نشان ندادند و دچار انحصارطلبی شده‌اند و تاکنون از این عدم وحدت، رژیم حاکم برافغانستان سود برده است. شما با این وحدت، دِین خود را ادا کرده‌اید. جمهوری اسلامی ایران نیز در حد توان شما را یاری خواهند

دفتر خدمات حقوقی بین المللی ریاست جمهوری] آمد. گفت آمریکا در لاهه موافقت کرده است که بابت بخشی از سلاح‌ها که[از زمان رژیم گذشته]، برای تعمیر در آمریکا داشتیم و آنها را توقیف کرده‌اند، حدود ۲۷۰ میلیون دلار بپردازد؛ قرار شد بعداً جواب بدهم.

از وزارت اطلاعات آمدند. دربارهٔ بعضی از کارکنان نهاد[ریاست جمهوری]، ملاحظاتی داشتند. دکتر ولایتی، [وزیر امور خارجه] آمد. پیشنهاد داشت که نماینده‌ای به ترکیه بفرستیم؛ گفتم سفیرمان برود، صحبت کند.

محسن[هاشمی، رییس دفتر بازرسی ویژه رییس‌جمهور]، برای گزارش مأموریت بازرسی از وضع زلزله زدگان[رودبار]، آمد؛ آقای[حمید] میرزاده، [معاون اجرایی رییس‌جمهور]، مرتب از رشت، گزارش وضع زلزله زدگان و نیازها را می‌داد. دکتر[ایرج] فاضل[وزیر بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی]، [محمد]سعیدی کیا، [وزیر راه و ترابری] و استاندار گیلان هم گزارش دادند؛ وضع رودبار و منجیل خراب است. می گویند راه‌ها با ریزش کوه بسته شده است و هلی‌کوپترها به خاطر وضع هوا، نمی‌توانند به گیلان برسند.

عصر برای بررسی مسایل زلزله و نحوه امدادها، جلسهٔ فوق‌العاده دولت را تشکیل دادیم و تصمیماتی گرفتیم[1]؛ شب، برای امور زلزله در دفترم ماندم.

↲کرد و در پی هیچ‌گونه امتیازی نیست، جز اینکه شاهد پیروزی حق و اجرای احکام اسلام در افغانستان باشد. انقلاب اسلامی، حمایت از مردم مسلمان افغانستان را برای خود یک وظیفه می‌داند و در سایه وحدت بیشتر شما، امکانات موجود بهتر مورد استفاده قرار خواهد گرفت.» رجوع کنید← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های ۱۳۶۹» ، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۹۲.

۱ - در پی وقوع زلزله در رودبار و منجیل، آقای هاشمی اطلاعیه‌ای به این شرح صادر کرد: «ملت شریف و مقاوم و بزرگوار ایران؛ دولت جمهوری اسلامی ایران حادثه غم انگیز و دردناک زلزله را که به بخش قابل ملاحظه‌ای از کشور ما آسیب رسانده و موجب از دست رفتن جمع کثیری از هموطنان عزیز ما و مصدوم و مجروح شدن تعداد بیشتری از آنها شده و خسارات فراوانی را سبب گردیده است، به آستان حضرت بقیه‌الله‌الاعظم و مقام معظم رهبری و خانواده‌های داغدیده و همه مردم صبورمان که در این واقعه سوگوارند، تسلیت می‌گوید و رحمت و غفران الهی را برای درگذشتگان و صبر جمیل و اجر جزیل را برای بازماندگان و شفای عاجل را برای آسیب دیدگان از درگاه حضرت حق مسئلت می‌نماید و به منظور همدردی با آسیب دیدگان و داغدیدگان و ادای احترام به درگذشتگان از امروز (پنج شنبه) سه روز عزای عمومی اعلام می‌کند. از ملت شریف می‌خواهم همانند سال‌های گذشته که دوران امتحان های بزرگ بود، در این حادثه نیز جوانمردی، ایثارگری و پایمردی خود را به منصهٔ ظهور برسانند و از امکانات خود برای رفع مشکلات مردم آسیب دیده مناطق زلزله زده بهره بگیرند.وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، مؤسسات↲







و شرکت‌های دولتی و نیروهای نظامی و انتظامی، با کمک رسانی به مردم آسیب دیده، موظفند از امروز (پنج شنبه) تا اطلاع ثانوی به‌صورت شبانه‌روزی آماده انجام وظایف اسلامی باشند. امید است با دقت و نظم و انجام فعالیت‌هایی که شایستهٔ ملتی بزرگ و ایثارگر است، از این امتحان سربلند بیرون آییم. اکبر هاشمی رفسنجانی، رییس‌جمهور.»

تیر ۱۳۶۹



جمعه ۱ تیر ۱۳۶۹ | ۲۸ ذیقعده ۱۴۱۰ — ۲۲ ژوئن ۱۹۹۰

ساعت هشت و نیم صبح با [آقای تورگوت اوزال]رییس جمهور ترکیه، به تقاضای او، تلفنی صحبت کردم؛ وقوع زلزله[رودبار] را تسلیت گفت و اظهار آمادگی برای هر نوع کمک کرد و گفت وزیر خارجه‌اش به ایران می‌آید؛ گفتم قبل از سفر، درباره فیلم «اسلحهٔ عُریان[1]» اقدامی بشود که هنگام سفر به ایران تلخ نباشد.

با چند هلی‌کوپتر، همراه چند وزیر به‌سوی رودبار و منجیل پرواز کردیم. در فرودگاهی در شرق قزوین که هلی‌کوپترها به انتظار فرمان حرکت تجمع کرده بودند، فرود آمدیم. سوخت‌گیری کردند. آنها را به خاطر معطلی ملامت کردم؛ گفتم به منطقه پرواز کنند.

برفراز مناطق زلزله زده پرواز کردیم. حجم خرابی‌ها خیلی بالا است[2]. بعضی روستاها به‌کلی منهدم شده است. روی شهرهای لوشان، منجیل و رودبار دور زدیم و در رودبار

---

۱ - فیلم آمریکایی توهین آمیز«اسلحه عریان» در سال ۱۹۸۸، در هالیوود تولید شده بود. در این فیلم کمدی، «چارلز گراردای» بازیگر آمریکایی در نقش حضرت امام(ره) ظاهر شده بود و در صحنه ای از فیلم، «فرانک بین»، شخصیت اصلی فیلم، که یک کارآگاه است، به بازیگر نقش امام سیلی می‌زند. اکران فیلم اسلحه عریان با اعتراض شدید وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی مواجه شد. با توجه به اکران این فیلم در استانبول، آقای هاشمی از رییس‌جمهور ترکیه خواسته است که اکران آن را متوقف کنند.

۲ - در نخستین ساعات پس از زمین‌لرزه، تعداد تلفات در روستای حیر از بخش الموت، حدود ۵۰۰ کشته و مجروح و در کوهین و روستاهای حومه آن در بخش قلقازان ۱۶۰ کشته گزارش گردید. در استان زنجان دو روستای آب بر و دهشیر که زمین‌لرزه در آنها شدت بیشتری داشته، به کلی تخریب و تعداد زیادی کشته و مجروح شدند. اکثر روستاهای طالقان دچار خسارات مالی زیادی شده و احشام زیادی به هلاکت رسیدند و تعداد زیادی منازل مسکونی ویران گردیدند. در استان گیلان، شهرهای رشت، رودبار، آستانه اشرفیه، لاهیجان، منجیل، لوشان و صومعه‌سرا در جریان زمین لرزه، بیشترین خسارات را دیدند. در این حادثه به بسیاری از منازل مسکونی تجاری، دولتی و راه‌ها و پل‌ها آسیب شدید وارد گردید. منبع بزرگ تأمین آب شُرب رشت- انزلی و تعدادی ساختمان و آپارتمان مسکونی ۷ و ۸ طبقه با خاک یکسان شد و تعدادی کشته و مجروح گردیدند. در آستانه اشرفیه منبع آب آشامیدنی شهر به کلی ویران و دهها خانه در اثر پدیده رانش خاک، تخریب گردیدند. وقوع زمین لرزه در مناطقی از شهرستان فومن، موجب خسارات و تلفات فراوان جانی و مالی شد و در روستاهای ماسوله و نصیرمحله، زمین‌لرزه دهها خانه را ویران و دهها تن را کشت. شهرهای منجیل و لوشان نیز از شهرهای دیگری بودند که به‌شدت تخریب شدند.

بسیج ملی وفراخوانی تمامی امکانات برای کمک رسانی به آسیب دیدگان فاجعه دردناک زمین لرزه

● علیرغم لرزشهای مجدد زمین وریزش پیاپی کوه، امدادگران به عملیات امداد ونجات درمناطق صعب‌العبور کوهستانی ادامه می‌دهند

● پس لرزه‌ها در منطقه زلزله‌زده همچنان ادامه دارد

اطلاعات
تکشماره ۲۰ ریال
شنبه دوم تیر ۱۳۶۹ ـ ۲۹ ذیقعده ۱۴۱۰ ـ ۲۳ ژوئن ۱۹۹۰ ـ شماره ۱۹۰۷۲

● عملیات امداد و نجات زلزله‌زدگان با پشتیبانی دهها فروند هلیکوپتر و هواپیما ادامه دارد

● ۸۵ درصد از برق کل منطقه زلزله‌زده مجددا راه‌اندازی شد

● مردم مناطق زلزله‌زده، نیاز مبرم به پوشاک، ملافه ومواد غذائی کنسرو شده دارند

درصفحات ۲ و ۳ و ۱۰ و ۱۳ و ۱۵

درخطبه های نمازجمعه دیروز تهران مطرح شد:

دعوت امام‌جمعه موقت‌تهران از‌مردم برای کمک همه‌جانبه به‌هموطنان زلزله‌زده

در صفحه ۲

بازدید ۷ ساعته رئیس جمهوری از مناطق زلزله‌زده

رئیس جمهوری: مردم باید باتمام توان به یاری مصدومین فاجعه زلزله بشتابند

در صفحه ۲

پیام حجت‌الاسلام والمسلمین حاج سیداحمد خمینی بمناسبت وقوع زلزله در استانهای شمالی کشور:

ملت عزیز و شریف ایران باید با کرامت وایثار خاص خود بهیاری آسیب دیدگان زلزله بپردازند

در صفحه ۲

پیام‌های تسلیت آیات‌عظام اراکی، گلپایگانی ومرعشی نجفی بمناسبت وقوع زلزله‌اخیر

در صفحه ۲





پیامهای تسلیت رئیس مجلس خبرگان ورئیس مجلس شورای اسلامی بمناسبت وقوع حادثه جانگداز زلزله

پیامهای تسلیت روسای جمهوری ومقامات عالیرتبه کشورهای جهان

در صفحه ۲

● در منطقه زلزله‌زده، مانند یک‌کشور کوچک باید همه چیز از اول ساخته شود

صفحه اول روزنامه اطلاعات

نشستیم. مقداری پیاده و با ماشین در خیابان‌های شـهر گـشتیم. بـیش از هفـتاد درصـدِ شـهر خراب شده است و بسیاری از مردم هنوز زیر آوار هستند. به خـاطر بـسته بـودن راه، دیـروز ماشین‌های سنگین مهندسی به محل نرسیده‌اند؛ امروز تعدادی رسیده و مشغول کـار بودنـد؛ ولی خیلی کم است.

مردمِ عزادار به‌شدت ناراحتند. بعـضی بـا کمـک بـستگان و نیروهـای امـدادی مـشغول کاوش در محل خانه‌های خود، برای افراد و جنازه‌ها و اثاثیه هستند. جنـازه و مجـروح کـم بود؛ اغلب منتقل کرده‌اند. در چادرِ ستاد امداد بـا مـسئولان صـحبت کـردم؛ تقـسیم کـار و سازماندهی جدید درست شد. هنوز به روستاها نرسیده‌انـد؛ قـرار شـده هلـی‌کوپترهـا فعـال شوند. برای جمعی از مردم صحبت کوتاهی نمودم و به شهر منجیل رفتیم.

در منجیل خرابی بیشتر است[1]، ولی کارهای امدادی جلوتر است؛ چون دیروز جاده بـاز بوده. شهر منجیل را به شهرداری تهران واگذار نمودیم. وضع مـردم شـبیه رودبـار اسـت. بـا فرمانده پادگان محل صحبت کردم. جمعی از اسرای عراقی اینجا هـستند کـه در محـل بـاز نگهداری می‌شوند؛ به خاطر استحکام پادگان، تلفاتی جز تعدادی مجروح نداشته‌اند.

با هدف رفتن به روستاهای مخروبهٔ قزوین پرواز کردیم، ولی خلبان‌ها در راه گفتند کـه نمی‌توانند بنشینند؛ احتمال دادم خلاف می‌گویند. به نظر می‌رسـد بـه طـور کلـی هـوانیروز خوب عمل نکرده است. در پادگان لاهوتی[= حُرّ] فرود آمدیم. مصاحبه‌ای نمودم[2]. خیلـی

---

۱ - در شهر منجیل اکثر ساختمان‌ها ویران شدند و صدها کشته برجای ماند. سد منجیـل در جریـان زمیـن‌لـرزه آسـیب دید، به طوری که دریاچه پشت سد تا پایان مرحله بازسازی به طور کامل تخلیه شد. در تونل‌های محور منجیل- رودبار شکستگی‌های بزرگ به وجود آمد و مبادی ورودی تونل‌های به علت ریزش کوه تخریـب گردیدنـد. شـهرک هـرزه ویل در شمال غرب شهر منجیل به علت پایـداری سـاختمان هـای مـسکونی از تلفـات کمتـری برخـوردار بـود، لـیکن روستاهای هرزه ویل به علت رانش کوه به کلی ویران گردیدند. شهر رودبار در مقایسه با شهر منجیل از شدت تخریب کمتری برخوردار بود، لیکن به اکثر ساختمان ها آسیب شدید وارد آمد. همچنین کیلومتر ۲۵ جاده رشت-رودبـار، در اثر ریزش سنگ‌های عظیم مسدود گردید.

۲ - آقای هاشمی در پی بازدید از مناطق زلزله زده، در مصاحبه تلویزیونی گفت: «برای رسیدگی سریع به وضعیت مردم در شمال کشور، به کمک وسیع داخلی و جهانی نیازداریم تا در هفته‌های اول، بخشی از مشکلات مردم مرتفع شود. با توجه به ریزش کوه‌ها و مسدود شدن راه‌ها در ابتدای بروز حادثه زلزله، ارتباط در سطح مطلوبی نبوده است، اما هلی‌کوپترها و وسایل نقلیه‌ای که می‌توانستند از راه‌های فرعی خود را به مناطق آسیب دیده برسانند، بلافاصله وارد عمل شدند. سه شهر منجیل، رودبار و لوشان تقریباً منهدم شده است. در این مناطق وسایل مورد نیاز زندگی مردم از قبیل آب، برق و سایر وسایل زندگی موجود نیست. در این حادثه دلخراش، مسئولان شهرها نیز از دست رفته‌اند و

خسته و کوفته به خانه آمدم. از بیت آیت‌الله [محمدعلی]اراکی، [از مراجع تقلید]، برای اعلان جواز پرداخت سهم امام نظرخواهی کردند.

دکتر ولایتی، [وزیر امور خارجه]، درباره پذیرش کمک‌های خارجی، مخصوصاً کشورهایی مثل مصر و آمریکا، تلفنی پرسید؛ گفتم مانعی ندارد. گزارش وسعت پیشنهاد کمک‌های خارجی را داد. به آقای [محمد]فروزنده، [جانشین ستاد فرماندهی کل قوا] گفتم موافقت کنند، ماشین‌های مهندسی از جبهه بیایند. یاسر هم رسید و گفت رسیدگی به منطقه دِیلَمان خوب نیست.

شنبه ۲ تیر ۱۳٦۹ | ۲۹ ذیقعده ۱٤۱۰ ۲۳ ژوئن ۱۹۹۰

ساعت هشت صبح به محل کاخ دادگستری رفتم و در سمینار مسئولان قوه قضائیه، سخنرانیِ افتتاحیه انجام دادم[۱]؛ به خاطر خراب شدن سیستم صوتی، مدتی معطل شدیم. [آقای عبدالحمید]، سفیر سابق مالزی، برای خداحافظی و عرض تسلیت به خاطر مصائب زلزله آمد. [آقای حسین محمدنبی]، سفیر جدیدمان در نیکاراگوئه آمد و نظر و سیاست ما در برخورد با حکومت ساندنیست‌ها که خواستار ادامه ارتباط هستند و کیفیت پس گرفتن طلب‌مان از آنها، استفسار کرد.

[آقای غلام اسحاق خان]، رییس‌جمهور پاکستان برای تسلیت و اظهار همدردی و

↲مسئولان فعلی، از استان‌های دیگر عازم شده‌اند و مردم نیز یا مجروح هستند و یا خانواده‌های خود را از دست داده و عزادارند. تعدادی از روستاهای اطراف به‌کلی منهدم شده‌اند و بقیه روستاها در نقاط کوهستانی می‌باشند که راه‌های مناسبی را برای امداد رسانی ندارند. برای کسانی که خانه‌هایشان در این حادثه ویران شده است، چادرهای موقت برای زندگی لازم است، اما با توجه به شرایط آب و هوایی این منطقه، نیاز به کانتینر در سطح وسیعی است تا منازل موقتی باشند.» رجوع کنید← کتاب «هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های ۱۳۶۹» ، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۹۲.

۱ - همزمان با هفته عدالت، آقای هاشمی در نخستین گردهمایی مسئولان قضایی سراسر کشور، گفت: «مردم باید از دستگاه قضایی احساس آرامش کنند و مطمئن باشند به حق‌شان می‌رسند و چنانچه عکس این ثابت شود، مردم احساس ناامنی می‌کنند. باید تلاش شود، مظلومان احساس آرامش و راحتی کرده و به حق‌شان برسند. اهمیت استقلال دستگاه قضایی و قاضی و شخصیت نفوذناپذیر قاضی، در اینجاست که به این مسایل توجهی نداشته باشد و به طور مستقل به پرونده‌ها رسیدگی نماید و تحت تأثیر چنین شرایطی قرار نگیرد.» رجوع کنید← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های ۱۳۶۹» ، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۹۲.

آمادگی برای کمک تلفنی صحبت کرد؛ صحبتش دوستانه و صمیمانه بود. [آقای فاروق‌الشرع]، وزیرامورخارجه سوریه، از سوی آقای حافظ اسد به ملاقات آمد و پیام همدردی آورد[1]؛ قرار شد به منطقه آسیب دیده برود.

از منطقه خواستند که [دکتر ایرج فاضل]، وزیر بهداشت، برای بررسی وضع بهداشت به رودبار برود؛ رفته رفته به خاطر انتشار عفونت جنازه‌های مانده در زیر آوار، منطقه به خطر افتاده است؛ دستور دادم، رفت. سیل پیام‌های همدردی و کمک‌های محدود دولت‌ها و سازمان‌های خارجی می‌رسد؛ همکاری و همدردی وسیعی اظهار می‌شود.

دکتر حبیبی، [معاون اول رییس جمهور] برای امور جاری آمد و گزارش سفر به نقاط آسیب دیده زنجان را داد. عصر دکتر هاشمی[گلپایگانی]، برای دستور کار جلسهٔ آینده شورای انقلاب فرهنگی آمد. جلسه شورای عالی امنیت ملی داشتیم. بحث در مورد آمایش سرزمینی خوزستان بود. دکتر ولایتی، [وزیر امور خارجه] مذاکرات ژنو و نیویورک را دربارهٔ قطعنامه[۵۹۸] گفت؛ مثبت است.

شب با احمدآقا مهمان آقای خامنه‌ای بودیم. رهبری با دادن ارز دولتی به آیت‌الله[سیدمحمدرضا]گلپایگانی، به منظور دادن شهریه در پاکستان موافقت نکردند؛ آقای [سیدحسن]طاهری خرم‌آبادی خواسته بود. دربارهٔ مسایل زلزله و اصلاح ساختار تهران و انتقال مرکز سیاسی مذاکره کردیم. آقای [حمید]میرزاده، [معاون اجرایی رییس جمهور] و

---

۱ - در این دیدار، آقای فاروق الشرع، با تقدیم صمیمانه‌ترین پیام‌های تسلیت آقای حافظ اسد رییس‌جمهورسوریه، اظهار داشت: «اینجانب حامل عمیق‌ترین تأثرات دستگاه رهبری و ملت سوریه، به مناسبت فاجعه دردناک زلزله در مناطقی از ایران اسلامی برای رهبر جمهوری‌اسلامی، جنابعالی و ملت مسلمان ایران هستم. ما مطمئن هستیم که ملت مسلمان ایران که به مقابله با مشکلات عادت کرده و در شرایط مختلف، مشکلات بسیاری را پشت سر گذاشته است، این بار هم با ایستادگی و مقاومت، از پس این مشکل عظیم و فاجعه دردناک، سربلند و موفق برخواهد آمد. آقای حافظ اسد، نخست وزیر و وزرای دولت سوریه را مکلف کرده است که خود را برای هرگونه کمک آماده کنند. آنچه ما از آن مطمئنیم، این است که رهبری قدرتمند جمهوری اسلامی و ملت مقاوم و فداکار ایران، بهترین قدرت را برای مقابله با این فاجعه طبیعی دارد. ملت سوریه در کنار شما ایستاده است و همه ملت‌های اسلامی و همه جهان در این شرایط سخت با ملت ایران همراه هستند.» سپس آقای هاشمی با تشکر از ابراز همدردی رییس جمهور، دولت و ملت مسلمان سوریه، اظهار داشت: «ما در گذشته نیز همواره همدردی و همراهی کشور سوریه را با خود داشته‌ایم و همین حضور جنابعالی و محبت آقای حافظ اسد، برای مردم ما مایه دلگرمی و امید است و کمک زیادی در تقویت روحیه و استقامت مردم ایران خواهد داشت.»

آقای [عبدالله]نوری، [وزیر کشور] از منطقه گزارش دادند؛ از پیشرفت کارها راضی‌اند. آقای [محسن]رضایی، [فرمانده کل سپاه پاسداران] هم از خدمات سپاه و جهاد[سازندگی] گفت.

یکشنبه ۳ تیر ۱۳۶۹ | ۱ ذیحجه ۱۴۱۰ ۲۴ ژوئن ۱۹۹۰

صبح به دفترم رفتم. از منطقه زلزله زده رودبار و منجیل گزارش گرفتم؛ مشکلی ندارند. آقای [هادی]نژادحسینیان، [وزیر صنایع سنگین] آمد. راجع به تولید خودروی سواری گزارش آورد و سیاست‌ها را پیشنهاد داد؛ قرار شد در شورای اقتصاد مطرح شود.

آقای [سراج‌الدین]کازرونی، [وزیر مسکن و شهرسازی] آمد. طرح ساخت سرپناه برای آسیب‌دیدگانِ حوادثی مثل زلزله را آورد و درباره بازسازی مناطق زلزله‌زده، پیشنهادهایی داشت. [آقای غلامرضا آقازاده]، وزیر نفت آمد. گزارش وضع منابع گاز و تولید و فروش آن را آورد. مذاکرات با وزیر نفت الجزایر را توضیح داد و خواست منطقه‌ای از زلزله برای بازسازی به وزارت نفت واگذار شود.

عصر جلسه دولت، به خاطر شرکت وزرا در مجلس ترحیم رهبری[برای کشته‌شدگان زلزله]، با یک ساعت تاخیر تشکیل شد. درباره زلزله، وسعت خرابی‌ها، تلفات[1] و بازسازی بحث شد. آقای [عبدالله]نوری، وزیر کشور، به عنوان مسئول و مدیر امور زلزله‌زدگان تعیین شد.

شب با آیت‌الله خامنه‌ای جلسه داشتیم. دربارهٔ حفاظت اطلاعات ارتش، سد منجیل، اسرای عراقی در منجیل، سفر وزیر امورخارجه ترکیه به ایران، کمیسیون برنامه و بودجه، تبلیغات خارج از کشور، طلاب خارجی در ایران و مسایل زلزله، مذاکره و تصمیم‌گیری کردیم. ساعت ده و نیم شب به منزل رسیدم. امروز در گیلان مجدداً زلزله نسبتاً شدیدی روی داد.

---

۱ - در زمان رخداد زلزله، بسیاری از مردم، به‌خصوص جوانان، در دقایقی پس از ساعت ۲۴ روز پنج شنبه، سرگرم تماشای مسابقات فوتبال جام جهانی ۱۹۹۰ ایتالیا بودند که زمین به یکباره لرزید و این‌چنین بود که به دلیل بیدار بودن، بسیاری از جوانان توانستند هنگام وقوع فاجعه از منازل بگریزند و زیر آوار نمانند.

دوشنبه ٤ تیر ۱۳٦۹ | ۲ ذیحجه ۱٤۱۰ ۲۵ ژوئن ۱۹۹۰

ساعت هفت و نیم صبح به دفترم رسیدم. تا هشت و نیم کارها را انجام دادم. [آقای زنگنه]، وزیر نیرو، همراه مهندس خواجوی آمدند. راجع به سد منجیل صحبت شد. قرار شد همراه دکتر [حسن]غفوری‌فرد برای بررسی وضع سد منجیل، به منطقه بروند که آیا آسیبی دیده یا نه؟ آقای احمد جبرئیل، [رهبر جبهه خلق برای آزادی فلسطین] و همراهان به ملاقات آمدند. او ضمن تسلیت، از مواضع ثابت و قاطع ما تقدیر کرد؛ پاسخ مناسب دادم.

آقای [محسن]نوربخش، [وزیر امور اقتصادی و دارایی] در مورد کمک بانک اسلامی و بانک جهانی اجازه خواست؛ موافقت کردم. آقای [سیدمحمد موسوی]خوئینی‌ها آمد. گزارشی از کار مرکز تحقیقات استراتژیک[ریاست جمهوری] داد و نیازهای ارزی و [ساختمان]محل کار و تقویت مرکز از سوی من را گفت.

آقای [مجید]عباسپور، [مشاور فنی رییس جمهور] آمد. گزارش سفر به ایتالیا و پیشرفت کار صنایع پدافند ش. م. ر[=شیمیایی، میکروبی و رادیواکتیو] را داد و برای تقویت مشاوران استمداد کرد. عصر شورای اقتصاد جلسه داشت. تأمین اعتبار خرید محصولات کشاورزی و سیاست مسکن در دستور بود. قرار شد تکیه بر ساخت انبوه مسکن با متراژ زیرِ ۱۰۰ متر، وفور مصالح ساختمانی و رواج فروش خانهٔ قسطی و بررسی مسالهٔ عوارض جدید باشد.

شب دکتر ولایتی، [محمدجواد]ظریف و [علی]خرّم آمدند و گزارش مذاکره با برزان[تکریتی، برادر صدام حسین] را دادند؛ معتقدند پیشرفت داشته و مثبت است. متن جواب تلگراف تسلیت صدام[برای زلزله] را پذیرفتم. دیر وقت به خانه آمدم. با مهدی شام خوردیم: سوپ و تخم مرغ.

سه شنبه ٥ تیر ۱۳٦۹ | ۳ ذیحجه ۱٤۱۰ ۲٦ ژوئن ۱۹۹۰

ساعت هفت و نیم به دفترم رسیدم. به امور زلزله زدگان رسیدگی کردم؛ کارها خوب پیش می‌رود. وضع کمک‌های داخلی و خارجی خیلی خوب است.آقای [حسین]محلوجی،

[وزیر معادن و فلزات] و معاونان آمدند. گزارش وضع فولاد مبارکه و علت بالا رفتن هزینه طرح را دادند. دربارهٔ مسایل [سرمایه‌گذاری در] قشم و بخش خصوصی صحبت شد.

آقای [سیدمنصور]رضوی، برای مسایل اداری و استخدامی آمد و طرح‌های اصلاحی خود را مطرح کرد.آقای عبدالله نوری، [وزیر کشور] آمد و طرح‌ها و ایده‌های خود را برای امور زلزله زدگان گفت؛ خوب است و اجرایی. از مزاحمت‌های بعضی از نمایندگان گله داشت.

یاسر برای موضوع مجتمع آموزشی‌رزمندگان آمد. [آقای تومانو]، فرستاده ویژهٔ خانم«کورازون آکینو» رییس‌جمهور فیلیپین آمد. پیام کتبی او را آورد و درباره مسایل مسلمانان جنوب فیلیپین و مسالهٔ خودمختاری آنها توضیحاتی داد و خواستار حمایت در جهت طرح دولت در موضوع خودمختاری شد؛ چون مسأله برایم روشن نبود و اطلاع داشتم که بخشی از مسلمانان با این طرح مخالف‌اند، تأیید نکردم و کلی حرف زدم.

عصر شورای‌عالی انقلاب فرهنگی جلسه داشت. بحث دربارهٔ اساسنامه نمایندگان رهبری در دانشگاه‌ها بود. رؤسای دانشگاه‌های اهواز و الزهرا(س) هم تصویب شد. شب در دفترم ماندم.

چهارشنبه ٦ تیر ۱۳٦۹ | ٤ ذیحجه ۱٤۱۰ ۲۷ ژوئن ۱۹۹۰

ساعت هشت صبح برای بازدید از محل کارکنان دفترم رفتم؛ جای‌شان تنگ است. از محل نمایشگاه هدایای آیت‌الله خامنه‌ای و خودم بازدید کردم؛ اشیاء زیادی جمع شده است[1]. از آشپزخانه بازدید کردم.

آقای [حمید]میرزاده، برای گزارش مسایل زلزله و امور جاری کشور آمد. آقای [جلیل]بشارتی، برای گزارش مناطق محروم آمد. آقای [اسحاق] جهانگیری، [نماینده جیرفت]آمد و درخواست کرد از آقای [مهدی]کروبی که در جریان مسایل اخیر رنجیده است، دلجویی نمایم؛ قبول کردم. فرماندار قزوین آمد وگزارش مسایل زلزله و امدادها و

---

۱ - اشیای هدیه شده به آیت الله هاشمی در طول دوران ریاست جمهوری، اکنون در موزه و مرکز اسناد ریاست‌جمهوری در شهر رفسنجان نگهداری می شود.

نیازها را داد.

دکتر [محمدعلی]نجفی، [وزیر آموزش و پرورش] برای نیازهای آموزش و پرورش و درخواست مصالح ساختمانی برای مدارسِ ساخت داوطلبان، کمک به مدارس و اجازه استخدام بیشتر آمد و از تهیه طرح اصلاح آموزش متوسطه، در جهت تربیت نیروهای فنی خبر داد.

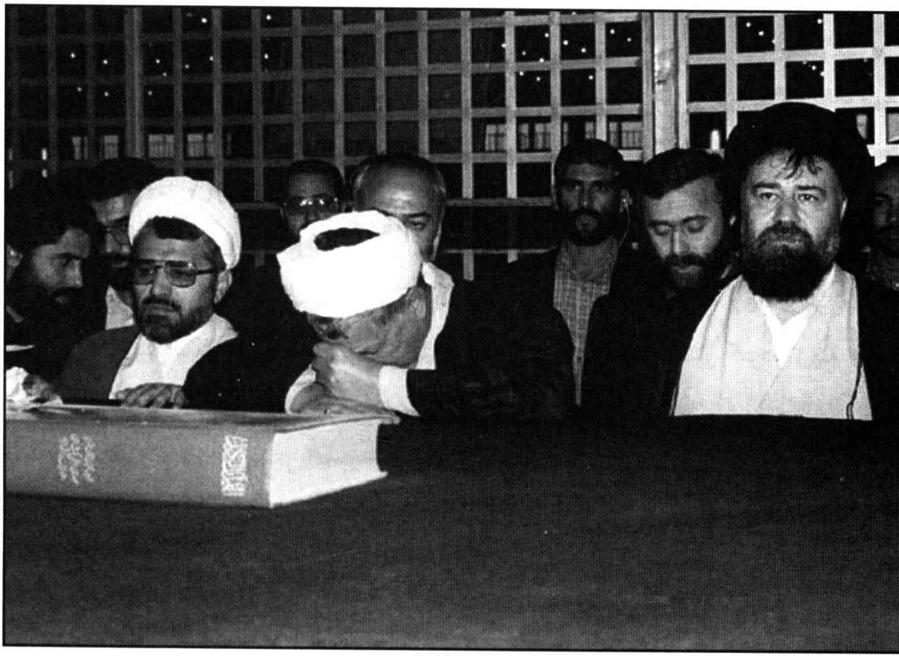
عصر در جلسه هیأت دولت شرکت کردم. بررسی مسایل زلزله و حمل و نقل و کنفرانس‌های بین‌المللی در دستور بود. تا ساعت نُه شب در دفترم کار کردم و به خانه آمدم.

پنج‌شنبه ۷ تیر ۱۳٦۹ | ٥ ذیحجه ۱٤۱۰ ۲۸ ژوئن ۱۹۹۰

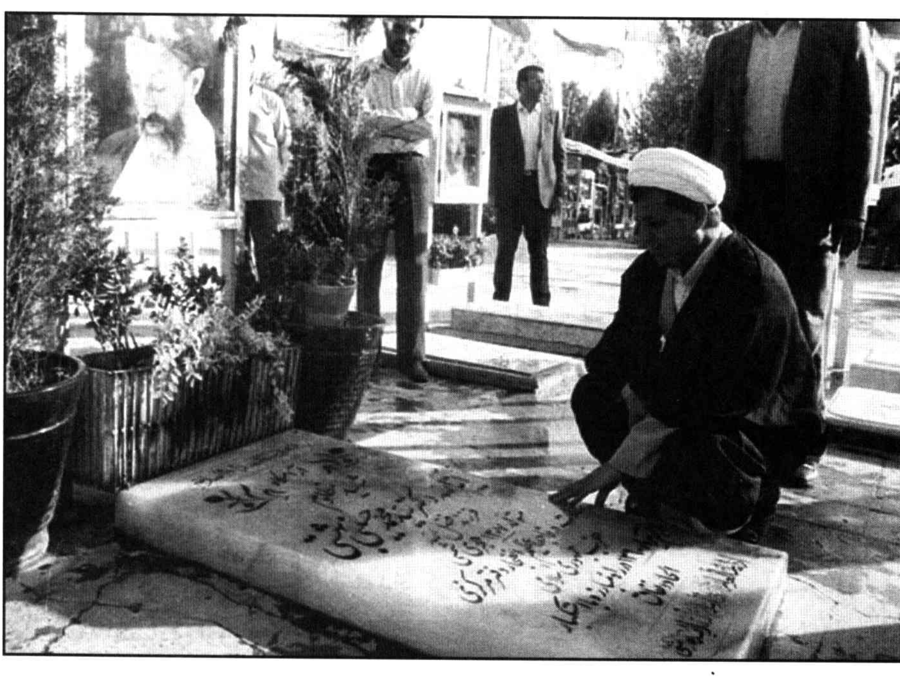
اول وقت برای زیارت قبور شهدای هفتم تیر و جمعه خونین[مکه] و زیارت مرقد امام به بهشت زهرا رفتیم. آقایان [سید حسن]فیروزآبادی، [رییس ستاد فرماندهی کل قوا] و [اکبر]ترکان[وزیر دفاع] آمدند. یازده میلیارد تومان، اضافه بودجه برای مخارج ارتش و سپاه می‌خواستند؛ گفتم از محل معافی سربازان اضافی در مقابل پول، تشکیل شرکت‌های حمل و نقل هوایی، دریایی و زمینی با امکانات خودشان، فروش ارز خودشان و صرفه‌جویی‌های دیگر می‌توان تأمین کرد.

وزیر بهداری عمان، فرستاده ویژه سلطان قابوس برای ابلاغ مراتب تسلیت شاه عمان آمد. تیمسار [مصطفی]ترابی، [فرمانده حفاظت اطلاعات ارتش] آمد و گزارش وضع ساحفاجا را داد و برای کمبودها استمداد کرد. دکتر [حسن]حبیبی برای امور جاری کشور آمد و برای اصلاح روابط خارجی با بهره‌گیری از جوّ به وجود آمده در کمک های بین‌المللی توصیه داشت.

آشیخ حسین هاشمیان آمد. برای گرفتن موافقت آقای [محمد]یزدی، [رییس قوه قضائیه]، برای صرف درآمد اموال مصادره‌ای در طرح‌های عمرانی رفسنجان و همچنین گرفتن ارز [دستگاه]سی تی اسکن استمداد کرد. عصر آقای [محمود]واعظی آمد. درباره بیانیه جامعه اقتصادی اروپا و ایران مشورت کرد.



در کنار آرامگاه مطهر بنیانگذار جمهوری اسلامی حضرت امام خمینی (ره)



فاتحه بر مزار شهید مظلوم آیت الله بهشتی

خانواده‌های شهدای هفتم تیر آمدند. برایشان صحبت کردم[1]. تا غروب در دفترم کار کردم. با آقای [عبدالله]نوری، دربارهٔ سازمان دادن توزیع کمک‌ها به زلزله زدگان صحبت کردم. مهدی اطلاع داد که افرادی از منطقه آمده‌اند و از نرسیدن به بعضی از روستاهای سیاهکل می‌گویند. شب به خانه آمدم.

جمعه ۸ تیر ۱۳۶۹ | ٦ ذیحجه ١٤١٠ ۲۹ ژوئن ۱۹۹۰

تا ساعت ده ونیم صبح در خانه مطالعه می‌کردم. برای اقامه جمعه به دانشگاه تهران رفتم. خطبه اول را دربارهٔ زلزله ایراد کردم[2]. عصر از استخر خانه استفاده کردم. خانم دکتر

---

۱ - در این دیدار، آقای هاشمی با بیان علل وقوع حادثه هفتم تیر اظهار داشت: «با ریخته شدن خون پاک شهدای هفتم تیر که همواره در راه خدا حرکت می‌کردند، وحدت و انسجام کامل بین مردم، مجلس و دولت به وجود آمد و موجب شد گروهک‌های ضدانقلاب که تا آن زمان به ظاهر شعارهای تند می‌دادند، به دامان غرب پناه برند. مظلومیت و خون ناحقی که به این وسعت بر زمین ریخت تا مدت‌ها اسلام را بیمه کرد. این عزیزان با وجودشان و در پایان هم با جان‌شان، از اسلام و انقلاب دفاع کردند و باید سعی شود راه آنان که راه امام (ره)، قرآن و اسلام است، تداوم یابد.»

۲ - در خطبه اول، دیدگاه اسلام در مورد حوادث طبیعی از جمله زلزله، زلزله در کشورهای دیگر و ابعاد حوادث آن، ابعاد خرابی‌ها در زلزله گیلان و زنجان و سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران در هدایت کمک‌های خارجی مطرح شد. در خطبه دوم، آقای هاشمی درباره فاجعه هفتم تیر تحلیلی به نمازگزاران ارائه کرد و مطالبی در خصوص علل کارشکنی‌های عربستان سعودی در مورد فریضه حج بیان نمود. در بخشی از خطبه اول آمده است: «بعضی‌ها زلزله را یک بلا و یک عقوبت الهی می‌دانند و بعضی‌ها زلزله را کاملاً یک پدیده طبیعی، مُجرد از همه مسایل انسانی می‌دانند و بعضی‌ها نیز برای این مسایل، مبانی خرافی قرار می‌دهند، اما دیدگاه اسلام دربارهٔ کل حوادث طبیعی، یک دیدگاه کاملاً منطقی و اساسی است که اگر جامعه اسلامی با این دیدگاه‌ها تربیت شده بود و خودش را برای برخورد با پدیده‌هایی از این قبیل آماده کرده بود، وضعش بهتر از این بود. در نظر اسلام همه حوادث طبیعی از مقتضیات زندگی در دنیا در روی کره خاکی است که طبیعت زندگی، چنین چیزهایی را در این کره به همراه دارد و اینها به عنوان سرنوشت محتوم انسان تلقی نمی‌شود؛ پدیده‌هایی است که به طور طبیعی به وجود می‌آید و قابل برخورد است و به گونه‌ای می‌شود با آنها برخورد کرد، تا در مسیرهای صحیح‌تر و بهتر مهار شوند و از خطرات و ضررهای آنها کم کرد و هم می‌شود، انسان بد عمل کند و دچار این مسایل شود؛ در عین حال، در دیدگاه اسلامی مسأله این طور نیست که کل اینها از دست خداوند بیرون رفته باشد، به طوری که طبیعت به خودش واگذار شده باشد و دست غیبی و اراده الهی تأثیری نداشته باشد. ما نه طبیعی جامد صرف می‌توانیم باشیم که کل مسایل را مادی فرض کنیم و نه می‌توانیم، این نیروهایی که در طبیعت و در مسیر حرکت طبیعت گذاشته شده است را نادیده بگیریم و بگوییم، همه چیز با دعا و استمداد از خدا و بدون تصرف در طبیعت قابل حل است.» رجوع کنید← کتاب «هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های جمعه ۱۳۶۹» ، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۹۲.

منصوریان و شوهرش آمدند. اوضاع ایرانیان در کانادا را توضیح دادند.

شنبه ۹ تیر ۱۳٦۹ | ۷ ذیحجه ۱٤۱۰ | ۳۰ ژوئن ۱۹۹۰

[آقای ولایتی]، وزیر امور خارجه که برای مذاکره با دبیر کل[سازمان ملل] و احتمالاً طارق عزیز، [وزیر امورخارجه عراق] و سخنرانی در مجمع بین‌المللی[اجلاس اقتصادی- اجتماعی سازمان ملل متحد؛ کوسوک]، عازم ژنو بود، برای مشورت آمد؛ بر سیاست مصوب شورای‌عالی امنیت ملی تأکید کردم. [آقای علی بن عبدالله بن زیدان محمودی]، سفیر جدید قطر برای تقدیم استوارنامه آمد[1]. از روند رو به رشد روابط با جنوب خلیج‌فارس و موضع کویت و امارات در مسالهٔ زلزله قدردانی کردم.

آقای [محمدعلی]نظران، [رییس کمیسیون اسرا] آمد و راجع به اسرا و سربازان مامور به دستگاه های اجرایی و نیازهایشان صحبت شد. آقای [عبدالواحد]موسوی‌لاری، [نماینده تهران]، تلفنی در مورد منظور من از تعبیر «اصحاب نق» سئوال کرد؛ نگران بود که نظرم به مجلسیان باشد.

عصر جلسه شورای‌عالی امنیت ملی به خاطر سفر دکتر روحانی به ژنو لغو شد. کار زیادی نداشتم. زودتر به خانه آمدم. عفت برای بستگانش آش‌رشته تهیه کرده بود؛ دسته‌جمعی در حیاط منزل صرف کردیم. آقای حسین مرعشی، [استاندار کرمان] از رودبار، از کم تحرکی وزارت کشاورزی و نرسیدن به کشت زیتون منطقه گله کرد. به [آقای عیسی کلانتری]، وزیرکشاورزی گفتم، تحرک را زیاد کنند. آقای [عبدالله]نوری،

۱- سفیر جدید قطر، در این دیدار ضمن تقدیم شایسته ترین درودها و بهترین آرزوهای «شیخ خلیفه بن حمد آل ثانی» امیر دولت قطر گفت: «روابط جمهوری اسلامی ایران و قطر براساس دین، حُسن همجواری و منافع مشترک استقرار یافته است». آقای هاشمی نیز ضمن قدردانی از همدردی صمیمانه کشورهای مختلف جهان با زلزله زدگان، به‌ویژه کشورهای منطقه گفت: «همبستگی با مردم مصیبت دیده ایران و همدردی با بازماندگان این فاجعه، تأثیری بسزا در روحیه مردم ایران داشت و ما معتقدیم هر قدمی که در نزدیک کردن عواطف و احساسات و احترام به‌حقوق و مصالح یکدیگر برداشته شود، می‌تواند در ایجاد وحدت و یکپارچگی در منطقه و به‌نفع اسلام و مسلمین باشد. امیدوارم در سایه روابط دوستانه و همکاری‌های متقابلِ کشورهای اسلامی، شاهد آرامش و امنیت در منطقه باشیم و شما به‌عنوان سفیر دولت قطر در جمهوری اسلامی ایران، مسئولیت مهمی در این زمینه به عهده دارید.»



ملاقات با سفیر قطر



تلفنی درخصوص تهیه ساختمان‌های فابیسی برای دوران اسکان موقت، مشورت کرد؛ گفتم طرح کامل را بیاورند.

بیش از ظهر آقای [سید علی]مقدم آمد. دربارهٔ تأمین بودجه ساخت مصلای تهران پیشنهاد داشت که از محل فروش اراضی عباس‌آباد تأمین شود.

یکشنبه ۱۰ تیر ۱۳۶۹ | ۸ ذیحجه ۱۴۱۰ — ۱ جولای ۱۹۹۰

آقایان [سیدعلی]غیوری و دکتر [سیف الله]وحید[دستجردی] آمدند. گزارش اقدامات جمعیت هلال احمر و درآمدها و نیازها برای زلزله را دادند؛ از کمک‌ها راضی‌اند. آقای [سید محمدعلی]کامروا آمد. گزارش عملکرد ستاد معین در خرمشهر را داد و از کمبود اعتبار و مصالح ساختمانی شکایت داشت که قدرت کار را محدود کرده است.

[آقای غلامرضا آقازاده]، وزیر نفت آمد. گزارش فروش فوب[FOB] و سیف[CIF][1] را داد و استدلال کرد که فروش سیف، گرچه در این ماه‌ها به‌نفع نیست، ولی روی‌هم‌رفته به‌نفع است. آقای محسن هاشمیان، گزارشی مبنی بر ضرر فروش سیف داده بود؛ به‌نظرم گزارش وزیر نفت قانع کننده است؛ برای بررسی به بازرسی ویژه دادم.

عصر هیأت دولت جلسه داشت. شب در جلسه روضه رهبری[به مناسبت روز عرفه و ایام مسلمیه] شرکت کردم. در دفترم ماندم.

دوشنبه ۱۱ تیر ۱۳۶۹ | ۹ ذیحجه ۱۴۱۰ — ۲ جولای ۱۹۹۰

آقای [حسن]الحسینی، نماینده اراک آمد. از مدیرکل آموزش و پرورش استان مرکزی شکایت داشت؛ اخیراً درگیری‌هایی در استان بوجود آمده است. گفتم برای رسیدگی به وزارت اطلاعات داده‌ام. آقای [علی اصغر]جعفری[اصفهانی= مرتضوی فر]، نماینده لنجان

---

۱ - فوب یعنی بهای تمام شده روی کشتی در مبدا، در این صورت کرایه حمل از بندر مبدا تا بندر مقصد روی کالا اضافه نشده است. سیف به معنای بهای تمام شده کالا درکشور مقصد است که شامل بهای کالا در مبدا به علاوه هزینه حمل و هزینه بیمه تا مقصد می باشد.

آمد. برای خودش و منطقه استمداد کرد و نسبت به دولت و رهبری اظهار وفاداری نمود.

[سرتیپ منصور ستاری]، فرمانده نهاجا [= نیروی هوایی ارتش]آمد. گزارش عملکرد تخلیه کمک‌های خارجی را داد و برای طرح‌های در دست اجرا استمداد کرد. گفت تا این تاریخ ۲۲۳ هواپیما، کمک از خارج آورده‌اند[۱]. عربستان سعودی بیشترین و بهترین کمک را داده است: ۴۲ هواپیما.



شهید سرتیپ منصور ستاری فرمانده نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران

۱ - آقای هاشمی با ارسال نامه های جداگانه از ۹۸ رهبر کشورهای جهان به خاطر کمک به زلزله زدگان تشکر کرد. علیرغم اینکه دولت آمریکا ۷۶۰ هزار دلار کمک به ایران ارسال نمود و کمک ها از طرف دولت ایران پذیرفته شد، اما جرج بوش، رییس جمهور ایالات متحده، در زمره رهبرانی که پیام تشکر آقای هاشمی رادریافت کردند، قرار نداشت. روزنامه واشنگتن پست، این موضوع را دستمایه گزارشی قرار داد و نوشت: «علیرغم سابقهٔ عدم حسن نیت میان ایران و آمریکا، دولت بوش و گروه های خیریه ۷۶۰ هزار دلار کمک نقدی و جنسی به ایران ارسال کردند. اگرچه برخی از جناح های داخل ایران، بحث های داغی به راه انداخته اند که این پول باید برگردد، ولی رییس‌جمهور ایران، آمریکا را از لیست ۹۸ کشوری که از آنها به خاطر کمک ها تشکر شده، جا انداخته است». منبع: «نشریه ویژه خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۹/۴/۱۴ صفحه ۲۴.

اعضای کمیسیون برنامه و بودجه مجلس آمدند. ضمن اظهار علاقه به همکاری با دولت، از موارد تخلف در برنامه انتقاد داشتند؛ توضیحات داده شد. حرف مهمی نداشتند. چند نفر از آنها مسایل منطقه و حوزه انتخابی داشتند.

[آقای بیژن نامدار زنگنه]، وزیر نیرو آمد. قرار شد دربارهٔ سد منجیل بیانیه‌ای مبنی بر آسیب جزیی و امکان ترمیم داده شود. آقای [حسین]صادقی، سفیر ایران در کویت آمد. گزارش کمک‌های دولت و مردم کویت را داد و از بهبود روابط گفت و برای ادامه سیاست مشورت کرد. فرستاده ویژه رییس‌جمهور نیجریه آمد و پیام تسلیت را آورد[1].

عصر شورای اقتصاد جلسه داشت. بحث در سیاست حذف تدریجی سوبسیدها بود. شب آقای [محمدهادی]نژادحسینیان، [وزیر صنایع سنگین] آمد. اجازه گرفت که روزانه مقداری ارز به نرخ روز فروخته شود و مازاد قیمت برای زلزله‌زدگان اختصاص یابد. شب به خانه آمدم.

سه‌شنبه ۱۲ تیر ۱۳۶۹ | ۱۰ ذیحجه ۱۴۱۰ ۳ جولای ۱۹۹۰

در اخبار صبح، خبر تلف شدن صدها زایر مکه در تونل جدیدالاحداث بین مکه و عرفات آمده بود که تا شب معلوم شد به اعتراف رسمی عربستان سعودی، عدد تلفات به ۱۴۲۶ نفر رسیده است. خبر دیگر هم اینکه کنگره حزب کمونیست شوروی، با تنزل و تزلزل حزب، شروع به کار کرده است.

با هلی کوپتر از [اردوگاه]منظریه به‌سوی مناطق زلزله زده پرواز کردیم. وزیر کشور و

۱- در این دیدار، «دریادار الگیر»، عضو شورای عالی فرماندهی نظامی نیجریه و فرستاده ویژه، ضمن تسلیم پیام کتبی آقای ابراهیم بابانگیدا، رییس‌جمهور نیجریه به مناسبت وقوع فاجعه زلزله، مراتب تسلیت و اظهار همدردی دولت و ملت نیجریه را به اطلاع ایشان رساند و گفت: «من و هیأت همراهم، حامل پیام خاصی در مورد این فاجعه بزرگ هستیم. ما امیدواریم که جنابعالی و ملت بزرگ ایران، تسلیت عمیق قلبی دولت و ملت نیجریه و نیز کمک‌های ما را بپذیرید.» سپس آقای هاشمی با ابلاغ سلام متقابل برای رییس جمهور نیجریه و تشکر از پیام تسلیت و اظهار همدردی دولت و ملت نیجریه در ارتباط با زلزله، اظهار داشت: «از رییس جمهور نیجریه، به خاطر اعزام هیات و اظهار همدردی و کمک‌هایی که به زلزله زدگان ما کرده‌اند، خیلی متشکریم. ما مشکلات کشور شما را می‌دانیم و این کمک‌ها را در این مقطع، نشانه صمیمیت و دوستی دو کشور ایران و نیجریه می‌دانیم.»

معاونان و محسن همراه بودند. در حدود منطقه آبیک[در نزدیکی قزوین]، یک موتور هلی‌کوپتر در فضا خاموش شد؛ همان‌جا در مزرعه یونجه کنار کارخانه سیمان آبیک فرود آمدیم. چون هلی‌کوپتر دو موتور داشت، به خیر گذشت. هنگام فرود چند متری روی زمین کشیده شد و آرام گرفت. هلی‌کوپتر شنوک که همراهان را حمل می‌کرد، همان‌جا فرود آمد و سفر را با آن ادامه دادیم. همراهان دستپاچه شده بودند.

قرار بود اول در رازبیان و سپس در گشت رود قزوین بنشینیم که به خاطر ابری بودن منطقه، هلی‌کوپترها نتوانستند برسند؛ ناچار از سومین بخش برنامه آغاز کردیم. در منطقه قاقازان تاکستان در روستای بیگ‌کندی فرود آمدیم. مردم اجتماع کرده بودند. این روستا ۲۱۵ خانوار داشت که تقریباً همه خانه‌ها خراب شده است و همه مردم در چادر زندگی می‌کنند. تلفات جانی کم بوده: ۱۲ نفر. مردم ابراز احساسات پرشوری نمودند. برایشان صحبت کردم[1]. خواست عمدهٔ آنها ساخت مسکن مناسب است و بعضی‌ها خواهان انتقال محل روستا به کنار جاده بودند؛ از کمک‌رسانی راضی بودند.

از آنجا به روستای سیاه‌پوش در طارم سفلی در جنوب دریاچه سد منجیل رفتیم. همان وضع قبلی تکرار شد. خرابی اینجا بیشتر است و تلفات آنها بیشتر از کسانی بوده که موقع زلزله در شهر منجیل بوده‌اند. ساختمان‌های روستایی به خاطر سقف‌های سبک، تلفات کم داشته است. چادرها را در باغ‌های زیتون زیر درخت‌ها نصب کرده بودند.

با اتومبیل به روستای میرخواند رفتیم. تعداد ۱۰۰ خانوار داشت. ۱۲ کشته و شش مجروح داشتند. خواست‌شان سرعت در ساخت مسکن و خرید محصولات کشاورزی با قیمت بهتر بود. به روستای اوُرکن کُرد رفتیم؛ روستایی بزرگتر و با خرابی بیشتر و تلفات کم و خواست‌های مشابه روستاهای دیگر.

به منطقه طارم علیا پرواز کردیم. در گیلوان، در محل جهادسازندگی ناهار و نماز و

---

۱ - آقای هاشمی در بازدید از مناطق زلزله زده، در اجتماع مردم آسیب دیده از زلزله، بر رسیدگی سریع و همه جانبهٔ نیازهای این مناطق تأکید کرد. ایشان را در این سفر نمایندگان مقام معظم رهبری، نماینده ویژه دولت در مناطق زلزله‌زده، رؤسای سازمان برنامه و بودجه و سازمان حفاظت از محیط زیست، معاون اجرایی رییس جمهور، رییس جمعیت هلال احمر و استاندار زنجان همراهی می‌کردند. آقای هاشمی، با طرح پیشنهادهایی برای حل مشکل مسکن، ارتباطات، کشاورزی و دامداری اهالی منطقه، بر ضرورت خرید محصولات کشاورزان و تهیه امکانات لازم برای مرمت و بازسازی تأکید کرد.

استماع گزارش کارها، کمبودها و نیازها انجام شد. امام جمعه زنجان و شال و نمایندگان هم بودند؛ نسبتاً خوب کار کرده‌اند. دستور داده شد که سیب زمینی و گوجه فرنگی را با قیمت بهتری بخرند.

با ماشین به روستای کوهکن عُلیا رفتیم. جاده‌های روستایی همه جا خوب است؛ خرابی خیلی زیاد است و تلفات اینها ۵۶ نفر از ۵۰۰ نفر مردم روستا است. همان برنامه جاهای دیگر تکرار شد: اجتماع و ابرازاحساسات و طرح خواسته‌ها و تسلیت. در اینجا چند نفر، از سبک امدادها شاکی بودند. از مزرعه برنجی که به خاطر شکاف زمین، آب آن قطع شده و خسارت دیده بود، بازدید کردیم.

به بخش آب‌بر رفتیم. دو هزار خانوار و حدود ۲۰۰ نفر تلفات دارند. در ستاد امداد توضیحات گرفتیم. در جاده‌ها با مردم صحبت کردیم. و به نیازها رسیدگی کردیم. برای مردم صحبت نمودم. به‌سوی تهران پرواز کردیم. چند برنامه را نتوانستیم انجام دهیم؛ بیش از حد امکان، برنامه گذاشته بودند.[۱]

خبر دادند یکی از فیلمبرداران همراه، از اتومبیل وانت به زمین افتاده و در حال کُما به بیمارستان برده‌اند؛ تأکید بر رسیدگی کردم. ساعت هفت بعدازظهر به تهران رسیدیم. شب

---

۱ - آقای هاشمی در گفت‌وگو با واحد مرکزی خبر و خبرگزاری جمهوری اسلامی، به سئوالات آنان در مورد اقدامات به عمل آمده در مناطق زلزله زده، برنامه‌های دولت برای اسکان موقت و دایم آسیب دیدگان از زلزله، نقش مردم در بازسازی و نوسازی در این مناطق، کمک‌های خارجی و وضعیت منجیل پاسخ گفت. در این مصاحبه ایشان در تشریح سفر خود به مناطق زلزله‌زدهٔ استان زنجان اظهار داشت: «روز سه شنبه را که مصادف با عید سعید قربان بود، درکنار مردم مصیبت‌زده گذراندم. بنا داشتم از مناطق بیشتری بازدید کنم، اما عملاً وقت کافی برای این منظور نبود. از روستاهای آسیب‌دیده دیدن کردیم. تلفات انسانی در این روستاها زیاد نبود، ولی خانه‌ها یا منهدم شده و یا آسیب وارده به گونه‌ای بوده که بازماندگان این روستاها، نمی‌توانستند در آنها زندگی کنند. تعدادی از اهالی این روستاها هنگام وقوع زمین لرزه در شهر منجیل سکونت داشتند که بیش از هفتاد نفر آنها کشته شده‌اند. مجموعه مشاهدات ما این بود که روستاها خسارات مالی زیادی دیده‌اند، اما تلفات جانی به نسبت شدت زلزله و تخریب ناشی از آن در این منطقه زیاد نبود. در مورد ایراد صدمات به استحکامات سد منجیل براثر زمین لرزه، وزارت نیرو اعلام کرد از آغاز این حادثه، احساس می‌شد که به سد آسیب وارد شده است. متخصصین خودمان شروع به تحقیق کردند و طرّاح این سد نیز به همراه اکیپی از خارج به ایران دعوت شده است و مجموعه تحقیقات نشان می‌دهد که آسیب‌های جزیی به سد وارد شده است. خوشبختانه سد پایداری خود را از دست نداده و نیاز به تقویت دارد تا بتواند استحکام خود را حفظ کند و الحمدالله ما از این بلای احتمالی نجات پیدا کردیم.» رجوع کنید← کتاب «هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های ۱۳۶۹» ، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۹۲.

تاریخ ۶/۱۴/
شماره ۵۱۴۵۴

جمهوری اسلامی ایران
ریاست جمهوری

بسمه تعالی

...یه الاسلام والمسلمین جناب آقای هاشمی رفسنجانی

...یس جمهور محتـــــرم

با سلام،

در بازدید اخیر حضرتعالی از مناطق زلزله‌زده یکی از مشکلاتی که توسط مردم مطرح میشد ...له برداشت محصولات کشاورزی برای خانواده‌هائی بود که سرپرست خود را ازدست داده‌اند ...ی بعضی از آنها فرزندشان مشغول خدمت سربازی است،زلزله‌زدگان درخواست دارند جهت ...لد به برداشت محصول وامر بازسازی و سرپرستی خانواده‌ها باقیمانده خدمت سربازان مذکور ...شیده شود،پیشنهاد می‌شود در صورتیکه بخشودگی مقدور نیست ترتیبی اتخاذ شودباقیماندهٔ ...مت سربازی آنها در شهرها یا روستاهای آسیب دیده بصورت دراختیارستادهای بازسازی ...ری شود،مسلما موافقت بااین پیشنهادگوشه‌ای ازآلام مردم آسیب دیده راتسلی خواهد ...،ضمن اینکه بنظر میرسدتعداد چنین سربازانی زیادنباشد ومشکلی برای نیروهـــــای ...امی و انتظامی ایجاد نمی‌شود،

حمید میرزاده
معاون در امـور اجرائـی

دفتر ریاست جمهوری
۴۹۸۹...
۱۳۶۹/۴/۱۴

نامه معاون اجرایی رییس جمهور در مورد خدمت سربازی خانواده های زلزله زده

در خانه استراحت کردم. رفع خستگی شد.

چهارشنبه ۱۳ تیر ۱۳۶۹ | ۱۳ ذیحجه ۱۴۱۰ ٤ جولای ۱۹۹۰

ساعت هشت و نیم صبح به دفترم رسیدم. متخصصان زلزله، همراه با رییس دانشگاه تهران و آقای میرزاده آمدند و برای گرفتن امکانات جهت تقویت رشته زلزله شناسی و انجام اقدامات ایمن سازی ساختمان‌ها توضیحاتی دادند؛ قول مساعدت دادم[1]. از فرصت برای رفع کمبود رشته‌های مربوط استفاده می‌کنند. مسئولان بنیاد انتشاراتی بعثت آمدند. توضیحاتی برای خدمات خود دادند و برای توسعه کار استمداد کردند.

آقای [حسین]کمالی، [وزیر کار و امور اجتماعی] آمد. گزارش کنگره جهانی کار در ژنو را داد و از بهتر شدن وضع ما در مجامع جهانی به خاطر مواضع دولت گفت و از انتخاب ایران به ریاست کمیسیون تهیه قطعنامه اظهار رضایت کرد و از عدم همکاری بنگلادش گله داشت.

وزیر امورخارجه اوروگوئه آمد و پیام رییس‌جمهورشان را آورد[2]؛ ملاقات تشریفاتی

---

۱ - دولت سازندگی، از تهدید زلزله رودبار، به مثابه فرصتی برای ایجاد و تکمیل زیرساخت های علمی و تحقیقاتی استفاده کرد. زلزله رودبار، بی تردید تاثیر گذارترین زلزله در زمینه ساخت و ساز اصولی ومقاوم سازی در برابر زلزله و حوادث طبیعی بود و نقطه عطفی در مطالعات زلزله شناسی و مهندسی زلزله در ایران شد، به‌طوری‌که مطالعه آن زمین‌لرزه، بخشی از سرفصل‌های دروس زلزله‌شناسی مهندسی و همچنین پهنه‌بندی خطر زلزله را به خود اختصاص داد. این زلزله چنان تاثیرگذار بود که بعد از آن، به دستور آقای هاشمی، ستاد مدیریت بحران وزارت کشور شکل گرفت، سازمان نظام مهندسی تأسیس شد، آیین‌نامه‌های ساخت و ساز مقاوم در کشور تدوین گردید و مراکز پژوهشی مرتبط با زلزله بسط و توسعه یافتند. از دیگر دستاوردهای مهم این واقعه برای جامعه علمی و فنی کشور، تشکیل نخستین مراکز تحقیقاتی و پژوهشی مرتبط با زلزله، تدوین آئین‌نامه‌ها و مقررات ملی ساختمان واستاندارها بود. رخداد زمین‌لرزه رودبار، همچنین سبب شد با کمک بانک جهانی، شبکه شتاب‌نگاری در مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن تجهیز و توسعه یابد.

۲ - آقای «هکتور کراس اسپیل»، وزیر امورخارجه اروگوئه در این دیدار، مراتب همدردی وتأثر عمیق رییس جمهور و مردم اروگوئه را به‌خاطر فاجعه زلزله ابراز داشت وگفت: «دولت اروگوئه علاقمند است که روابط سیاسی، اقتصادی و سایر مناسبات خود را در همه زمینه‌های مورد علاقه دو کشور گسترش دهد.» سپس آقای هاشمی، با تشکر متقابل از پیام دوستانهٔ رییس جمهور اروگوئه اظهار داشت: «در بین کشورهای دوست که با آنان رابطه داریم، اروگوئه به‌عنوان کشوری که همیشه سیاست هماهنگی با ما داشته، مطرح است و موضع کشور شما در مورد مسایل جهانی مثبت ←

بود. محسن[هاشمی، رییس دفتر بازرسی رییس جمهور] آمد و در مورد شیشه قزوین گزارش داد. برای بررسی وضع رود ارس، عازم آذربایجان است؛ گزارش شده است ساحل‌سازی ارس به‌کُندی پیش می‌رود.

هیأت دولت جلسه داشت. بحث درباره سیاست بازسازی مناطق زلزله زده بود. برای اسکان موقت به هر خانواده، جهت ساخت یک اتاق، باید ۲۰ هزار تومان بدهیم؛ دو میلیارد تومان برای این امر اختصاص دادیم. برای ساخت مسکن دائمی، قرار شد ضد زلزله باشد و با اعطای وام قرض‌الحسنه، خود مردم بسازند.

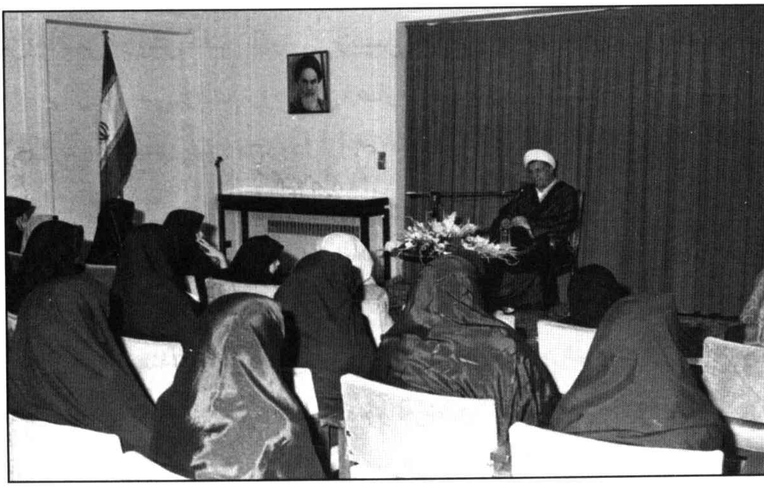
تا ساعت نه و نیم شب در دفترم کار کردم و به خانه آمدم. از خانه اخوی مرحوم حاج قاسم، به مناسبت ازدواج مهدی ، چمدان هدیه برای او آوردند.

پنج شنبه ۱٤ تیر ۱۳٦۹ | ۱۰ ذیحجه ۱٤۱۰ ۱۲ جولای ۱۹۹۰

ساعت هفت ونیم به دفترم رسیدم. ساعت نُه صبح، جمعی از زنان طلبه رفسنجان و شهرداری تهران و خانم‌های مسئول ورزش بانوان آمدند؛ برایشان صحبت مفصلی نمودم[1].

بوده است. ما امیدواریم با تلاش نمایندگان دو کشور، بتوانیم روابط فیمابین را بیش از پیش گسترش دهیم. اگرچه خسارات و تلفات فاجعه زلزله برای ما سنگین است، ولی امیدواریم که بتوانیم با سرعت برمشکلات فائق آییم.»

۱ - در بخشی از این سخنرانی آمده است: «پس از پیروزی انقلاب اسلامی خوشبختانه زنان جامعه ما از دامی که فرهنگ منحط غرب بر سر راه زنان مسلمان گذاشته بود، نجات یافتند و مسیر زندگی آنان اصلاح شد، اما از نظر من به عنوان یک مسئول در نظام جمهوری اسلامی، این پیشرفت‌ها و دستاوردها در حد مطلوبی نیست. ما خطر فرهنگ غرب را رفع کرده‌ایم، ولی باید در جامعه جایگزینی برای پاسخگویی به نیاز جامعه و بانوان وجود داشته باشد. زنان نیمی از جامعه ما را تشکیل می‌دهند و شکی نیست که امروز از استعداد و نیروی زنان به اندازه مردها در جامعه استفاده نمی‌شود. برای فعال شدن جامعه و سرعت یافتن چرخ‌های اقتصادی کشور، ما به نیروی کار زنان نیاز داریم. یکی از ضربه‌هایی که متوجه خانم‌هاست، مستقیماً از طرف معدود زنان بی‌بندوباری است که شاید کمتر از ۲ تا ۳ درصد زنان جامعه را تشکیل می‌دهند و اکثریت جامعه این وضع را نمی‌پذیرند. خانم‌ها می‌توانند فیلسوف، خطیب، عالم و امام‌جماعت نیز باشند و می‌توانند به نویسندگی بپردازند و این نه تنها منافاتی با عفت ندارد، بلکه خود ترویج عفت است.» آقای هاشمی از افراد خُشکه مقدس که حتی صدای زن را نامحرم می‌پندارند، انتقاد کرد و گفت: «ما شاهد بودیم که حضرت امام رضوان الله تعالی علیه، سخنان خانم‌ها را از رادیو و تلویزیون می‌شنیدند و ترویج می‌کردند که خانم‌های طلبه می‌توانند دبیر، معلم، محقق، نویسنده و فقیه باشند و فقط باید اخلاق اسلامی رعایت شود. باید امکانات ورزشی برای خانم‌ها مهیا شود، زیرا تعداد ورزشگاه‌های اختصاصی خانم‌ها کافی نیست، ولی با این حال خانم‌ها



سخنرانی در جمع خواهران طلبه و ورزشکار

آقای جاوید[قرباناوغلی]، سفیر جدید ایران در الجزایر آمد. راجع به سیاست تعامل با دولت الجزایر و جناح مذهبی که اخیراً در انتخابات شهرداری‌ها پیروز شده‌اند، نظرخواهی کرد.

ساعت یازده ونیم، همراه با [آقای کازرونی]، وزیر مسکن وشهرسازی، با هلی کوپتر به منطقه شمال سد لتیان رفتیم؛ جایی که از سوی وزارت مسکن برای مرکز سیاسی کشور پیشنهاد شده است. در شمال لتیان فرود آمدیم. از روی نقشه و با رویت منظره، منطقه را بررسی کردیم. در مرحله اول، هزار هکتار مدنظر است؛ به نظرم جای مناسبی برای انتقال مرکز سیاسی کشور است.

سپس به محل سد رفتیم. خانواده و جمعی از بستگان هم آمده بودند که تا فردا آنجا باشیم. بعد از ناهار و استراحت، در ساحل دریاچه سد قدم زدیم و با قایق که مهدی آن را هدایت می‌کرد، در دریاچه گردش کردیم. هوا بسیار خوب است. والده و خانواده اخوی مرحوم[قاسم] و بستگان هم بودند؛ کمی هم باران بارید.

باید در عرصه ورزش در رشته‌هایی که منعی از نظر اسلام ندارد، در رقابت‌های جهانی حضور یابند.» ایشان ضمن تأکید بر حضور فعال زنان در صحنه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، به مشارکت زنان صدر اسلام و به‌ویژه همسران پیامبر اشاره کرد و از زنان کشور خواست تا شیوه و الگوی جدیدی به دنیا ارائه دهند. رجوع کنید← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های ۱۳۶۹» ، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۹۲.

جمعه ۱۵ تیر ۱۳٦۹ | ۱۳ ذیحجه ۱٤۱۰ — ٦ جولای ۱۹۹۰

امروز عمده وقت به استراحت گذشت. کمی هم گزارش‌هایی را که همراه آورده بودم، خواندم. ناهار و شام هم ماندیم. وقت با قدم زدن و مذاکره با بچه‌ها گذشت. شب ساعت نُه و نیم به خانه رسیدیم. نم نم باران هم می‌بارید و هوا مساعد بود.

شنبه ۱٦ تیر ۱۳٦۹ | ۱٤ ذیحجه ۱٤۱۰ — ۷ جولای ۱۹۹۰

ساعت هفت و نیم به دفترم رسیدم. تا ساعت نُه صبح کارهای مانده از پنج‌شنبه را انجام دادم. آقای [حسین]محلوجی، [وزیر معادن و فلزات] و مدیران شرکت مس آمدند. درخواست داشتند که قیمت مس را اضافه کنیم؛ فعلاً ۲۵ تومان در هر کیلو می‌فروشیم و به خاطر ارزانی، مقداری از آن قاچاق می‌شود و از کشور بیرون می‌رود.

[آقای حسین کمالی]، وزیر کار[و امور اجتماعی] آمد. برای فعالیت و اشتغال منافقان تائب، امکانات بیشتر خواست و همچنین خواستار شرکت در مدیریت بانک کار [رفاه کارگران] و برگشت سازمان تأمین اجتماعی به وزارت کار شد. آقای [محمدعلی]رحمانی از بسیج آمد. مبالغی برای زلزله‌زدگان آورد و از عدم اعتماد رهبری گلایه داشت. گزارش کار ستاد جذب کمک‌های مردمی برای جبهه را داد و گزارشی از وضع «سازمان دفاع غیر نظامی» ارائه کرد؛ معتقد است در بسیج نباشد.

دکتر [حسن]حبیبی برای امور جاری آمد و گزارش سفر به ایلام را داد. دکتر ولایتی، [وزیر امور خارجه] آمد و گزارش سفر به ژنو و مذاکره با [آقای خاویر پرز دکوئیار]، دبیرکل [سازمان ملل]و طارق عزیز، [وزیر امور خارجه عراق]را داد؛ از نتیجه راضی است.

جلسه شورای عالی امنیت ملی داشتیم. دکتر ولایتی توضیحی دربارهٔ پیشرفت در اجرای قطعنامه ۵۹۸ و نشانه‌هایی از آمادگی عراق برای پذیرش قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر، در مقابل بندها و نظر مساعد دبیرکل سازمان ملل داشت؛ قرار شد بعد از سفر دبیرکل تصمیم‌گیری

کنیم[۱].

طرح آمایش سرزمینی استان خوزستان را تمام کردیم. شب، رهبری و احمدآقا مهمان من بودند. درباره قطعنامه ۵۹۸، کسری بودجه نظامیان، وقت عقد مهدی، سازمان دفاع غیرنظامی و مسایل دیگر مذاکره کردیم دیروقت به خانه آمدم. آقای خامنه‌ای به لتیان رفتند، چون منزل مجاورشان را به خاطر آسیب دیدن از زلزله تخریب می‌کنند. قرار شد مسالهٔ عیب هلی‌کوپترِ حامل من پیگیری شود.

یکشنبه ۱۷ تیر ۱۳٦۹ | ۱۵ ذیحجه ۱٤۱۰ — ۸ جولای ۱۹۹۰

آقای [جلیل]بشارتی، مسئول دفتر مناطق محروم آمد؛ پیشنهادهای مهمی داشت. خانم دکتر مکنون آمد. از خانم‌های رادیکال در شورای اجتماعی زنان، به خاطر کم‌کاری و خط‌بازی شکایت داشت و پیشنهاد داشت فاطی به آنجا برود؛ نپذیرفتم.

آقایان نوربخش، [وزیر امور اقتصادی و دارایی] و عادلی،[رییس بانک مرکزی] آمدند. گزارش مصارف ارز سال ٦۸ را دادند و برای مصارف مازاد از برنامه اجازه خواستند. ماکت ساختمان بانک مرکزی را که بناست در [زمین های]عباس‌آباد ساخته شود، آوردند و خواستار حل مشکل زمین شدند.

شورای[عالی]مرکز تحقیقات استراتژیک[۲] جلسه داشت. مسئولان بخش‌ها، طرح‌های

---

۱ - صدام حسین رییس جمهور عراق، در مصاحبه با روزنامه فیگارو چاپ پاریس، گفت: «به نظر می رسد ایرانی ها و مخصوصاً پرزیدنت‌هاشمی رفسنجانی، آمادگی دارند که به پیشنهاد ما مبنی بر ملاقات بین سران دو کشور پاسخ مثبت دهند. من معتقدم که ایرانی ها از این پس حاضرند برای دستیابی به یک راه‌حل سریع، کامل و قطعی در مورد مشکلاتی که بین دو کشورر وجود دارد، به طور جدی مذاکره کنند. بدیهی است هدف از چنین مذاکراتی نیل به یک صلح پایدار بین دو کشور خواهد بود.» منبع: «نشریه ویژه خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳٦۹/۴/۲۱، صفحه ۲.

۲ - این شورا با توجه به بند دوم اساسنامه مرکز تحقیقات استراتژیک، به منظور تعیین سیاست‌های کلی ترسیم شده از سوی بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام (ره) و رهبر معظم انقلاب و همچنین تعیین اولویت‌های تحقیقاتی، به ریاست عالیه رییس جمهور و با شرکت رییس، قائم مقام و معاونین مرکز تحقیقات استراتژیک و هفت نفر از صاحب‌نظران به پیشنهاد رییس مرکز و تأیید رییس جمهور تشکیل شده بود. اولین جلسه شورای عالی مرکز تحقیقات استراتژیک با شرکت آقایان مهدی کروبی، حسن‌حبیبی، سید محمدخاتمی، علی‌اکبر ولایتی، میرحسین موسوی، محسن رضایی و سیدمحمدموسوی خوئینی‌ها تشکیل شد.

تحقیقاتی خود را توضیح دادند و نقّادی شد. من هم نظراتی دادم[1] که در اخبار پخش شد. عصر هیأت دولت جلسه داشت. دکتر ولایتی، پیام صدام[حسین رییس‌جمهور عراق] را گفت که خواسته است، در بالا بردن قیمت نفت، ایران و عراق در اوپک همکاری کنند و به کارشکنی بعضی از کشورهای عضو اوپک اشاره کرد.

استانداران دست‌اندرکار بازسازی مناطق زلزله زده آمدند. گزارش کار و نیازها را دادند؛ تصمیم‌گیری شد. تا ساعت نُه شب در دفترم کار کردم و به خانه آمدم.

دوشنبه ۱۸ تیر ۱۳۶۹ | ۱٦ ذیحجه ۱٤۱۰ ۹ جولای ۱۹۹۰

تا ساعت نُه صبح کارها را انجام دادم. جمعی از مسئولان جهاد دانشگاهی دانشگاه صنعتی شریف آمدند؛ گزارش کار دادند و تأیید و کمک خواستند. آقای[رضا] امراللهی، [رییس سازمان انرژی اتمی]، برای امور انرژی هسته‌ای آمد. آقای [اکبر]ترکان، [وزیر دفاع] آمد. با ستاد کل[فرماندهی کل قوا] اختلاف دارند. با بانک مرکزی هم در مسایل ارزی مشکل دارند؛ برای رفع مشکل استمداد کرد و اجازه خواست که کارخانجات مونتاژ کاترپیلار تاسیس نمایند.

نمایندگان مرغداران آمدند. از سخت‌گیری وزارت بازرگانی و وزارت کشاورزی شکایت داشتند. آقای [ابوالفضل]توکلی‌بینا، [مشاور رییس‌جمهور در امور اصناف] آمد. دربارهٔ صادرات و بازسازی خرابی‌های زلزله مطالبی داشت. عصر آقای [محمد]سعیدی‌کیا، [وزیر راه و ترابری] آمد . در مورد اختلاف نظر با وزارت مسکن و شهرسازی در مسیر

---

۱ - دراین جلسه، ابتدا رییس و معاونین مرکز رئوس فعالیت‌های انجام شده و اولویت‌های تحقیقاتی مرکز در آینده را به اطلاع رییس جمهور و اعضای شورا رساندند، آن‌گاه نظرات اعضای شورا در مورد موضوعات مطروحه بیان شد. سپس آقای هاشمی در سخنانی ضمن تأکید بر اهمیت و نقش مرکز تحقیقات استراتژیک اظهار داشت: «این مرکز در امر تحقیق، باید کاملاً با آزاداندیشی و بدون هیچ‌گونه قیدی، در جهت اهداف خود حرکت کند، به‌طوری که با جامعیت کامل از نیروهای موجود در کشور در جهت تحقیقات استفاده شود. مرکز تحقیقات استراتژیک به عنوان محقّق می‌تواند رویه‌ها و استراتژی‌های موجود را تأیید، اصلاح و یا حتی رد نماید و یا ایده‌های جدیدی را طرح کند. همچنین به منظور رسیدن به نتیجه بهتر، در جریان انجام کارهای تحقیقاتی، باید تقسیم کار مناسب بین مرکز تحقیقات استراتژیک و سایر مراکز تحقیقاتی به عمل آید. موضوعاتی نظیر انرژی، الگوی تکنولوژی، وحدت جهان اسلام و تحولات بین‌المللی از جمله مباحث مهم و استراتژیک است که می‌تواند در دستور کار تحقیق این مرکز قرار گیرد.

اتوبان قزوین- رشت گفت.

شورای اقتصاد جلسه داشت. درباره مشکلات حمل و نقل بحث و برای ورود کامیون بیشتر و لغو سهمیه‌بندی در بنادر تصمیم‌گیری کردیم. همچنین در خصوص واردات شیرخشک و چند قلم کالای دیگر تصمیم گرفتیم. تا ساعت نُه و نیم شب، در دفترم کار کردم و به خانه آمدم. عفت مشغول تدارک مراسم ازدواج مهدی است.

سه‌شنبه ۱۹ تیر ۱۳۶۹ | ۱۷ ذیحجه ۱۴۱۰   ۱۰ جولای ۱۹۹۰

آقای [هادی]نژاد حسینیان، [وزیر صنایع سنگین] آمد. برای تعویض دو معاون اجازه گرفت و از وضع تولید و مزاحمت‌های شوراهای اسلامی کار گزارشی داد. نمایندگان استان گیلان آمدند. راجع به وضعیت زلزله زدگان و نحوهٔ تأمین خسارات و حل مشکلات مذاکره شد.

آقای [حمید]میرزاده، [معاون اجرایی رییس‌جمهور] برای امور جاری و کارهای کیش و بازسازی آمد. جمع مشاورانم آمدند و از کمبود امکانات و عدم توجه من به کارشان و از اینکه من مشاورت خودم را بیشتر با وزرا و مسئولان اجرایی دارم، گله‌مندند. آقای [مجید]عباسپور، [مشاور فنی رییس‌جمهور]، از مزاحمت نیروی زمینی ارتش در محل کارش گله داشت. به آقای [مسیح]مهاجری، [مشاور اجتماعی رییس‌جمهور] گفتم، روزنامه جمهوری اسلامی، باید از سیاست‌های دولت، بیشتر دفاع کند.

عصر [آقای آقازاده]، وزیر نفت آمد و دربارهٔ سفر به ژنو و مذاکره با وزیر نفت عراق مشورت کرد؛ عراقی‌ها برای مذاکره عجله دارند. قرار شد قبلاً به امارات و الجزایر برود که ابتکار اقدام برای ترمیم قیمت نفت از ما باشد. شورای عالی انقلاب فرهنگی جلسه داشت؛ اساسنامه [نهاد]نمایندگان رهبری در دانشگاه‌ها تکمیل شد. آقای دکتر[ایرج] فاضل[وزیر بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی]، برای شکایت از مزاحمت [وزارت]اطلاعات آمد. تا ساعت نُه شب در دفترم کار کردم. به خانه آمدم.

چهارشنبه ۲۰ تیر ۱۳۶۹ | ۱۷ ذیحجه ۱۴۱۰ ۱۰ جولای ۱۹۹۰

امروز عید سعید غدیر است. صبح به دفترم رفتم. جمعی از اعضای خانواده و بستگان برای شرکت در مراسم عقد ازدواج مهدی و فرشته، در دفترم جمع شدند. قرار بود تعداد کمتری بیایند، ولی عده زیادی، از خانواده خودمان و عروس و خانواده مرعشی آمدند.

دسته جمعی به منزل آیت‌الله خامنه‌ای رفتیم؛ جلسه گرمی بود. یاسر فیلم‌برداری می‌کرد. حسین‌آقا مرعشی،[دایی داماد]، شعری خواند. آیت‌الله خامنه‌ای، مقداری مهدی و فرشته را نصیحت کردند. با هم خطبه عقد را خواندیم. قرآنی به زوجین هدیه دادند و عبارت خوبی نوشتند. عیدی هم به حضّار دادند.

همراهان رفتند و من و آقای خامنه‌ای ماندیم و دربارهٔ امور جاری کشور و کارشکنی‌های مخالفان صحبت کردیم. با هم به حسینیه برای مراسم[عید غدیر]رفتیم؛ چون عبای خوبی نپوشیده بودم، رهبری یک عبای خوبِ خاشیه به‌من دادند. من هم امروز صبح، یک عبای خاشیه به آشیخ محمد[هاشمیان] داده بودم که عبای خوبی نداشت. در مراسم، از سوی حضار تبریک گفتم[1] و آقای خامنه‌ای صحبت طولانی داشتند.

به دفترم برگشتم. آقای دکتر ولایتی[وزیر امور خارجه] آمد و گزارش سفر کویت را داد؛ راضی است. کویتی‌ها استقبال گرمی کرده بودند و بعضی از مشکلات روابط را مورد بحث قرار داده بودند؛ خوشبین است. آنها گفته‌اند که عراقی‌ها به خاطر نگرانی از بند ۶ قطعنامه ۵۹۸، می‌خواهند صلح از طریق مذاکره مستقیم تحقق یابد و نه از طریق سازمان‌ملل[2].

---

۱ - در این مراسم، آقای هاشمی گفت: «با اینکه رنج زلزله زدگان و مصیبت دیدگان ما را به شدت متأثر کرده است، ولی گرامیداشت این روز که مایهٔ حرکت ماست، برای ما عظمت دارد، مخصوصاً که امروز از بیانات شخصیتی که چکیده و عصارهٔ حرکت مردمی انقلاب است، می‌خواهیم بهره بگیریم. آنچه که در غیاب حضرت امام امت و در کنار این همه مصیبت‌ها و توطئه‌ها و رذالت‌های کفر جهانی که نسبت به انقلاب روا می‌دارند، ما را محکم نگه‌می‌دارد، همین عظمت و اعتبار سرمایهٔ ولایت فقیه است که خوشبختانه مناسب‌ترین جای خود را پیدا کرده است.» رجوع کنید← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های ۱۳۶۹»، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۹۲.

۲- در بند ۶ قطعنامه ۵۹۸، شورای امنیت سازمان ملل، از دبیرکل خواست در مشورت با ایران و عراق، موضوع احاله بررسی مسئولیت آغاز جنگ را با گروهی بی طرف پیگیری کرده و در اولین فرصت ممکن در جهت اجرای این درخواست به شورای امنیت گزارش دهد. گفتنی است با دیپلماسی مناسب دولت سازندگی، در نهایت دبیرکل ←

بسم الله الرحمن الرحیم

مهدی عزیز از این مناسبت فرخنده که
برای شما فراهم گشته و برای ما شیرین
است استفاده میکنم و شما را به تدبر در قرآن
و فهم آن و به راهنما قرار دادن آن در
زندگی توصیه می کنم. ان شاء الله این امر
و همراه سعادت زندگی با شما و همسر عزیزتان
مبارک باشد سید علی خامنه ای
عید غدیر ۱۴۱۰
۶۹/۴/۲۰

دستخط آیت الله خامنه ای رهبر معظم انقلاب برای مهدی هاشمی به مناسبت ازدواج

آقای [مسلم]ملکوتی، امام جمعه تبریز برای احوالپرسی و تبریک عید آمد. به خانه آمدم. ظهر آشیخ محمد [هاشمیان]مهمانمان بود؛ مقداری از موضع رادیکال‌ها و روحانیون انتقاد کرد. عصر آقای [عبدالمجید]معادیخواه آمد و گزارش سفر داد.

شب بچه‌ها برای مهمانی عروسی به منزل عروس رفتند و من در خانه تنها بودم. آشیخ‌حسن صانعی آمد. از درج اخبار منفی از خودش در بولتن [وزارت]اطلاعات شکایت داشت؛ از من توقع دارد جلوگیری کنم. همراه پاسداران در جشن ازدواج مهدی و فرشته در خانه عروس شرکت کردم؛ این محله بافت قدیمی خود را حفظ کرده است. مراسم بی‌زرق و برق و با روح بود. مداحی خواند و شام خوردیم. عروس و داماد را در جمع زنان دیدیم؛ تبریک گفتم و به خانه برگشتم.

پنج‌شنبه ۲۱ تیر ۱۳۶۹ | ۱۹ ذیحجه ١٤١٠   ۱۲ جولای ۱۹۹۰

در منزل بودم. بیشتر وقت به استراحت و مطالعه فقهی گذشت. آقای حسین مرعشی، استاندار کرمان از مناطق زلزله زده آمد. گزارش کارهای انجام شده را داد و دربارهٔ اسکان موقت و دایم پیشنهادهایی داشت. از عدم هماهنگی آقای [صادق]احسان‌بخش، امام‌جمعه[رشت] گیلان گفت.

ظهر محسن[هاشمی، رییس دفتر بازرسی رییس‌جمهور] آمد و گزارش سفر به استان

سازمان ملل در گزارشی، عراق را مسئول آغاز جنگ معرفی کرد و چنین نوشت: «مسلم است جنگ بین ایران و عراق که سالیان دراز به طول انجامید ، شروع آن نقض حقوق بین الملل بود و موارد نقض حقوق بین الملل، موجب مسئولیت برای مخاصمه است. آن بخش از موارد نقض مقررات بین المللی که که در چارچوب بند ۶ باید مورد توجه ویژه جامعه جهانی قرار گیرد ، استفاده غیر قانونی از زور و عدم احترام به تمامیت ارضی یک کشور عضو است . مسلماً در طول جنگ مواردی عمده و گسترده از نقض اصول مختلف حقوق بین المللی انسانی وجود داشته است. پاسخ عراق به نامه ۱۴ اوت ۱۹۹۱ من ، پاسخی محتوایی نیست . لذا من ناچارم بر توضیحاتی که قبلا توسط عراق ارائه داده شده است، تکیه کنم . توضیحات عراق برای جامعه بین المللی قابل قبول و کافی نیست . بنابراین ، رویداد برجسته‌ای که تحت عنوان موارد نقض اشاره کردم ، همانا حمله ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰ علیه ایران است که بر اساس منشور سازمان ملل متحد، اصول و قوانین شناخته شده بین المللی یا اصول اخلاقی بین المللی، قابل توجیه نیست و موجب مسئولیت مخاصمه است.»

آذربایجان‌شرقی را داد. برای بازدید و بازرسی از جادهٔ[درحال احداث شهید کلانتری برروی]دریاچه ارومیه و کارخانجات صنعتی تبریز و مجتمع کشت و صنعت مغان و همچنین رودخانه ارس، جهت بررسی موضوع تخریب سواحل ارس سفر کرده بود.

شب مهدی و فرشته به منزل آمدند؛ وضع امروز جوانان با گذشته خیلی فرق کرده است. دو سکه به آنها هدیه دادم. برای شام، پیتزا در خیابان خورده بودند.

جمعه ۲۲ تیر ۱۳٦۹ | ۲۰ ذیحجه ۱٤۱۰ ۱۳ جولای ۱۹۹۰

در خانه بودم، کار داشتم. ظهر بستگان مهمانمان بودند. ناهار از بیرون خبر کردیم. عصر مقداری شنای بچه‌ها را در استخر خانه تماشاکردم؛ در حقیقت حوض بزرگی است. بچه‌های شهرستانی، از بچه‌های ما شجاع‌تر و مسئولیت شناس‌تر به نظرم آمدند. هر یک به فکر لباس و ابزار خود بودند، بر خلاف بچه‌های خودمان.

دکتر[سیف الله]وحید[دستجردی، رییس جمعیت هلال احمر] آمد وگزارش کارهای هلال‌احمر برای زلزله زدگان و آمار کمک‌های خارجی را گفت و از وزیر بهداشت و درمان انتقاداتی داشت. شب آقای[عبدالله] نوری، [وزیر کشور]، تلفنی از ضعف همکاری وزارت دفاع گله کرد؛ به آقای ترکان، [وزیر دفاع] تذکر دادم.

شنبه ۲۳ تیر ۱۳٦۹ | ۲۱ ذیحجه ۱٤۱۰ ۱٤ جولای ۱۹۹۰

ساعت هفت و نیم صبح به دفترم رفتم. آقای [علی‌اکبر]ادب آمد و از سفری که با جمعی از اهل علم داشته، گزارش داد. آقای [سید رضا]زواره‌ای، [رییس سازمان ثبت اسناد و املاک] آمد. گزارش کار ثبت اسناد را داد و برای اعتبار بیشتر استمداد کرد و از رادیکال‌ها انتقاد نمود.

ملاقاتی با [آقای کیم یانگ نام]، وزیر امور خارجه کره شمالی داشتیم؛ مذاکرات در جهت توسعه روابط بود. ظهر با دکتر ولایتی، [وزیر امور خارجه] ملاقات داشتم. دربارهٔ سفر آقای کورت والدهایم، رییس‌جمهور اتریش به ایران و تاخیر سفر [ژنرال

حسین]ارشاد، رییس‌جمهور بنگلادش و دربارهٔ کمک به نهضت‌ها صحبت کردیم.

[آقای غلامرضاآقازاده]، وزیر نفت آمد و گزارش سفر به امارات [متحده عربی] را داد؛ راضی است. اماراتی‌ها، نسخه‌ای از توافق با سایر کشورهای نفت خیز خلیج فارس، مبنی بـر بالابردن قیمـت بـه بـالاتر از ۱۸ دلار و مراعـات سـهمیه‌ای را ارائـه داده بودنـد و بـا قیمـت ۲۰دلار در هر بشکه موافقت نموده‌اند. گفته‌اند عراق، امارات را برای بالا بردن قیمت نفت، تهدید نظامی کرده است. برای سفر به الجزایر مشورت کرد.

محسن، [رییس دفتر بازرسی رییس‌جمهور] آمد. گـزارش بازرسـی [از کارخانـهٔ]شیـشه قزوین را آورد؛ مسأله مهمی است. در عین کمبود شیشه و وجود بازار سـیاه آن در کـشور، مقادیر زیادی شیشه در کارخانه، گویا به خاطر عدم ابلاغ سهمیه‌ها، انبار شده است.

عصر شورای‌عالی امنیت ملی جلسه داشـت. بخشی از پیـشنهادهای آمـایش سـرزمینی کردستان تصویب شد. تا ساعت نُه شب در دفترم کار کردم و به خانه آمدم.

یکشنبه ۲٤ تیر ۱۳٦۹ | ۲۲ ذیحجه ۱٤۱۰ ۱۵ جولای ۱۹۹۰

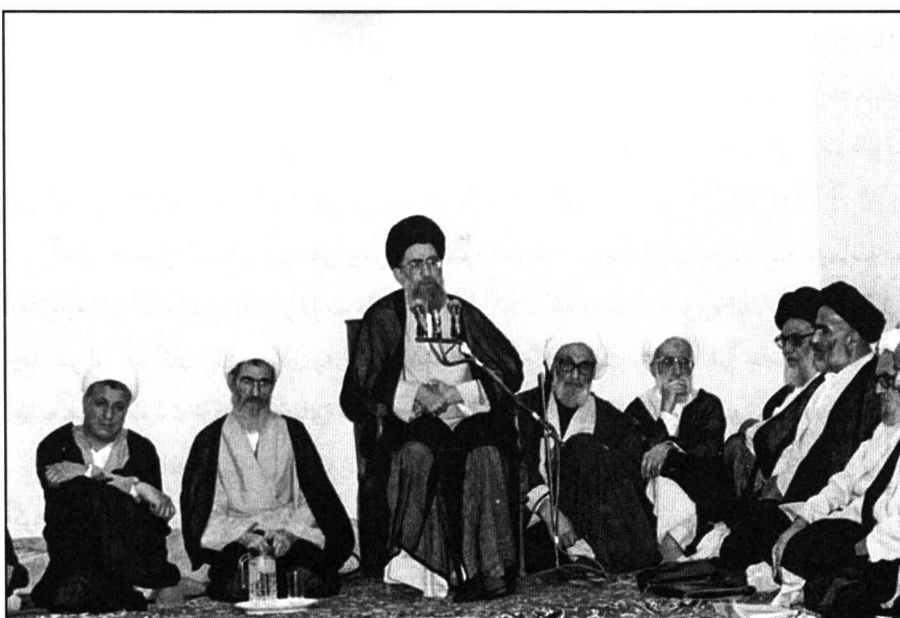
ساعت هفت و نیم صبح، اعضای هیأت رییـسه مجلـس خبرگـان بـه دفتـرم آمدنـد. دربـارهٔ دستورهای اجلاسیه خبرگان بررسی و تصمیم‌گیری شد. سـاعت هـشت و نـیم، در حـسینیه امام خمینی(ره)، اجلاسیه خبرگان شروع به‌کـار کـرد؛ بعـضی‌هـا خیـال مـی‌کردنـد، قانونـاً نمی‌توانیم از مجلس به جای دیگر برویم که معلوم شد چنین نیست.

آقای حسینی کاشانی در نطق پیش از دستور، دربارهٔ عدم قـانونی بـودن تـصمیمات در اجلاسیه خبرگان قبلی، بعد از فوت امام، مطالبی گفت که به شدت مورد انتقاد قرار گرفت؛ چند نفر از خبرگان، با استدلال به اظهارات او جوابِ گرم گفتند. عصر هم جلسه داشتیم. بـه جلسه هیأت دولت نرفتم. اعضای مجلس خبرگان، مهمان نهاد[ریاست‌جمهوری] هستند.

شب با آیت‌الله خامنه‌ای جلسه داشتیم. مسایل زیادی مورد بحث و تـصمیم‌گیـری قـرار گرفت: سفر [کورت]والدهایم، لغو سفر [ژنرال حسین]ارشـاد، [رییـس‌جمهـور بـنگلادش]، مـصرف ارز، [منطقـه آزاد]قـشم، کردسـتان، عبـاس‌آبـاد، مُـصلی، انتقـال مرکـز سیاسـی، رادیکال‌ها، روزنامه‌ها، مجلس خبرگان و ملاقات با آنها، مجلس و چند موضوع دیگر.



آخرین اجلاسیه دومین دوره مجلس خبرگان در محضر رهبر معظم انقلاب اسلامی



شب در دفترم ماندم؛ هم به خاطر خستگی و هم به خاطر انجام کارهای باقی‌مانده.

دوشنبه ۲۵ تیر ۱۳۶۹ | ۲۳ ذیحجه ۱۴۱۰ ۱۶ جولای ۱۹۹۰

تا ساعت هشت و نیم صبح در دفترم کار کردم. با نیم ساعت تاخیر به جلسهٔ خبرگان رفتم. تا ظهر چند مصوبه داشتیم. پیشرفت کار خوب بود. اجلاسیه را ختم کردیم. مجموعاً خوب برگزار شد؛ راضی بودیم. به دفترم رفتم. تا ساعت پنج بعد از ظهر، خبرگان با رهبری ملاقات داشت. آقای [علی]مشکینی، [رییس مجلس خبرگان] و رهبری صحبت کردند[1]؛ جلسهٔ خوبی بود.

در جلسهٔ شورای اقتصاد شرکت کردم. بحث دربارهٔ خودروی سواری بود؛ تصویب شد که با شرکت یکی از کمپانی‌های دارای اتومبیل پیشرفته، کارخانه خودروسازی در قشم تاسیس بنماییم و در داخل، از خودروهای پیکان، رنو و پژو تا رسیدن به نتایج اقدامِ قشم استفاده کنیم.

شب اعضای مجلس خبرگان، رؤسای قوا، [جامعه]روحانیت و [مجمع]روحانیون مبارز مهمانم بودند؛ من و آقای مشکینی صحبت کردیم[2]. بعد از شام، به خانه آمدم. هوا گرم

---

۱ - آیت الله مشکینی رییس مجلس خبرگان رهبری، در سخنان خود از آیت‌الله خامنه‌ای و آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی تجلیل کرد و گفت که امروز حمایت از رهبر معظم انقلاب و سیاست های دولت، یک فریضه الهی است. آیت الله خامنه‌ای نیز در سخنان خود گفت: «مجلس خبرگان، تعیین‌کننده ترین و مهمترین رُکن از ارکان اسلام است و هیچ یک از ارکان جمهوری اسلامی، دارای چنین اهمیتی نیستند واین مساله، مسئولیت مجلس خبرگان را سنگین‌تر می کند.» رهبر معظم انقلاب، همچنین در بخش دیگری از سخنان خود، به ابراز حمایت از دولت پرداخت و گفت: «دولت و رییس جمهور محترم و ارجمند و عزیز، در شرایط فعلی بهترین کسانی هستند که می توانند این کشور، این ملت و این نظام را در اهداف عالیه خود راهنمایی کرده و به پیش ببرند و مایهٔ آبروی اسلام در میان ملت ها باشند.»

۲ - در این نشست، روند مذاکرات ایران و عراق در چارچوب قطعنامه ۵۹۸، علل افزایش قیمت نفت و مسایل داخلی کشور تشریح شد. ابتدا آقای هاشمی در سخنان مبسوطی به مسایل داخل کشور و سیاست‌های در حال اجرای دولت اشاره کرد و اظهار داشت: «آنچه اکنون مشاهده می‌شود، یک جریان مثبت در جهت افزایش تولید در بخش صنعت و کشاورزی در کشور است و تاکنون طرح‌های دولت بسیار موفق به مرحله عمل درآمده است، به طوری که امروز کارخانجات تولیدی با ظرفیت بیش از ۹۰ درصد، در حال فعالیت هستند.» ایشان سپس به سیاست خارجی و مواضع جمهوری اسلامی ایران در جهان اشاره کرد و گفت: «سیاست جمهوری اسلامی ایران بر این است که دشمن‌تراشی نشود، اما با کسانی که دشمن آنها هستیم و یا آنها با جمهوری اسلامی دشمنی می ورزند، قاطعانه برخورد خواهد

بود، بد خوابیدم.

سه‌شنبه ۲٦ تیر ۱۳٦۹ | ۲٤ ذیحجه ۱٤۱۰ ۱۷ جولای ۱۹۹۰

پیش از ظهر امروز، بیشتر وقت به ملاقات با اعضای مجلس خبرگان گذشت. ساعت هشت و نیم صبح، آقای[عبدالله]شیرازی، امام جمعه مشهد آمد. گزارش سفر به منطقه زلزله‌زده را داد و مطابق معمول، پیشنهادهایی برای بازسازی و اصلاح امور داشتند؛ عالِم خوب و ساده‌ای است. خبر داد که آیت‌الله[سید ابوالقاسم]خویی، برای بعد از خود، آیت‌الله [سید علی]سیستانی را مشخص کرده‌اند. دربارهٔ آقای منتظری سئوال داشت. تا ظهر در نهاد[ریاست‌جمهوری] ماندند و ناهار را با هم خوردیم.

آقای [شیخ‌مرتضی]بنی‌فضل، [نماینده استان آذربایجان شرقی در مجلس خبرگان]آمد. پیشنهاد ائتلاف [جامعه]روحانیت و [مجمع]روحانیون[مبارز] در انتخابات خبرگان را داد و از مسئولان تبریز انتقاد کرد. راجع به اوضاع قم هم مطالبی گفت. آقای [واعظ]طبسی آمد. عازم سفر به لندن، برای جراحی پا است. برای تسریع در صدور ویزا استمداد کرد؛ به دکتر ولایتی تذکر دادم. نوشته‌های سنگ جدید قبر امام رضا(ع) را برای مشورت آورد؛ دوسه تذکر دادم[1].

شد. در مورد روند مذاکرات صلح، مجموعاً مذاکرات اخیر مفید بوده است و انتظار می‌رود دو کشور ایران و عراق به طرف صلح حرکت کنند و قرائن نشان می‌دهد که عراقی‌ها فعلاً نسبت به صلح، مثبت‌تر از گذشته برخورد می‌کنند. هم اکنون سفیران دو کشور در ژنو در حال مذاکره هستند و نظرها در محدودهٔ قرارداد الجزایر، به یکدیگر نزدیک شده است و سیاست جمهوری اسلامی ایران، تأمین صلح در چارچوب اجرای قطعنامه و با کمک دبیرکل است. حالت نه جنگ و نه صلح بین دو کشور، به نفع قدرت‌های استکباری است. حرکت به طرف صلح در منطقه، تأثیر خوبی گذاشته که تحول در قیمت نفت و ایجاد همکاری بیشتر بین کشورهای منطقه خلیج فارس، از نتایج این حرکت است. البته باید بنیهٔ نظامی کشور همچنان تقویت شود و مذاکرات با هوشیاری کامل ادامه یابد.» رجوع کنید← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های ۱۳٦۹» ، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۹۲.

۱ - متن زیر بر سطح سنگ جدید مرقد امام رضا (علیه السلام) حک شده است: «هذا هو المرقد الشریف للامام التقی النقی الصدیق الشهید ، وارث الانبیاء والمرسلین ، ثامن الائمه المعصومین من اهل بیت رسول رب العالمین ، حجه الله علی الخلق اجمعین ، سیدنا و مولانا ابی الحسن الرضا علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین. ولد بالمدینه فی الحادی عشر من ذی القعده عام ۱٤۸ و استشهد بطوس فی آخر صفر سنه ۲۰۳ من الهجره النبویّه و قد جدّد هذا المضجع المطهّر عام ۱٤۱۸ ه .ق » ترجمه متن کتیبه: «این مرقد شریف امام پرهیزگار ، پاک ، راستگو ، شهید و وارث پیامبران و فرستادگان پروردگار ، هشتمین فرد از امامان

آقایان[محمدمهدی و علی‌محمد] دستغیب،[نمایندگان استان فارس در مجلس خبرگان] آمدند. راجع به شیراز مطالبی داشتند؛ از شدت اختلافات کاسته شده است. برای مراجعت برادرشان از آمریکا که در رژیم قبل رفته، استمداد کردند. نگران هستند در دادگاه نظامی پرونده داشته باشد؛ برادرشان دکتر ژاندارمری بوده است. به آقای [علی]رازینی گفتم کمک کند.

آقای [محمدحسین]مجتهدی، امام جمعه بهبهان آمد و برای عمران بهبهان استمداد کرد. آقای [محی الدین]حائری شیرازی، [امام جمعه شیراز] آمد؛ پیشنهاد حذف بهره از بانک‌ها را داشت و دربارهٔ امور کشور و شیراز مطالبی اظهار داشت.

عصر آقای [محمد]اصغری، مدیرمسئول [روزنامه]کیهان آمد. از تقویت آقای [مهدی]نصیری توسط آیت‌الله خامنه‌ای گفت و بیست میلیون تومان کمک کارکنان [موسسه]کیهان برای زلزله‌زدگان را آورد.

رییس‌جمهور سریلانکا، تلفنی صحبت کرد و اجازه خواست که وزیر دفاع آن کشور برای کمک گرفتن در مقابل نیروهای تامیل، به ایران بیاید؛ موافقت کردم. آقای [حبیب‌الله]عسکراولادی آمد. از کار و برخورد آقای [مهدی]کروبی گفت و دربارهٔ اموال [کمیته]امداد[امام خمینی] در رفسنجان مشورت کرد. از حُسن عملکرد دولت در کمک به زلزله‌زدگان گفت؛ اخیراً در منطقه بوده.

دکتر [حسن]حبیبی، [معاون اول رییس‌جمهور]، برای امور جاری آمد؛ با ایشان خیلی کار داریم. شب، مجمع تشخیص مصلحت، برای اصلاح قانون کار جلسه داشت. دیروقت به خانه آمدم.

پیش از ظهر، آقای [حیدرعلی]جلالی خمینی آمد. از انتقاداتش در اجتماع [مجمع]روحانیون، در مقابل افراد افراطی تعریف کرد و از آقای [محی‌الدین]انواری، مسئول دایره [رسیدگی به امور]مساجد، به خاطر کم توجهی به ایشان انتقاد داشت. مبلغی

معصوم اهل بیت پیامبر خدای جهانیان ، حجت خدا بر تمام موجودات عالم ، آقا و مولای ما ابوالحسن رضا ، علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب (علیه السلام)، که سلام و درود خداوند بر تمام آنان باد. در روز ۱۱ ذی العقده سال ۱۴۸ ه .ق در مدینه متولد و در آخر ماه صفر سال ۲۰۳ از هجرت پیامبر ، در شهر توس شهید شد و این مضجع مطهر در سال ۱۴۱۸ ه .ق بازسازی شد .»

کمک برای زلزله زدگان آورد؛ پیشنهاد ائتلاف در انتخابات مجلس خبرگان داشت.

آقای [محسن مجتهد]شبستری، نماینده رهبری در [امور زلزله‌زدگان]استان زنجان، برای امور زلزله آمد. از امدادها اظهار رضایت کرد و پیشنهادهایی داشت. برای انجام مصاحبه در صداوسیما استمداد نمود.

چهارشنبه ۲۷ تیر ۱۳۶۹ | ۲۵ ذیحجه ۱٤۱۰ ۱۸ جولای ۱۹۹۰

ساعت نُه صبح آقای[حمید] میرزاده آمد. گزارش وضع کیش و بازسازی و برنامهٔ عمران جزیره هندورابی را داد. [آقای احمد نیکفر]، نماینده اِقلید[فارس]، همراه فرماندار آمد. برای عمران منطقه و اسکان عشایر و ساخت سیلو که بناست در آباده ساخته شود، استمداد کردند. آقای غلامی آمد. به عنوان تبلیغ در کشور اتریش ساکن است. گزارش وضع مسلمانان آنجا را داد و برای ساخت مسجدی در شهر وین استمداد کرد و از نحوهٔ صحبت کردن آیت‌الله [سیدعبدالکریم موسوی]اردبیلی در سفر به اتریش، در جلسهٔ انجمن اسلامی گفت.

عصر هیأت دولت جلسه داشت. گزارش وضع زلزله‌زدگان و موضوع صادرات را داشتیم. طرح موضوع تأسیس سازمان دفاع غیر نظامی به جلسهٔ بعد موکول شد. شب در دفترم ماندم. آقای [جواد]ترک‌آبادی آمد و گزارش مذاکرات ژنو را داد؛ پیشرفتی نداشته‌اند. نامهٔ جدیدی از صدام آورد که پیشنهاد کرده است، برای تسهیل امر صلح، فرستاده‌ای نزد من بفرستد.

عفت و یاسر به دفترم آمدند. برای سفر به رفسنجان به فرودگاه رفته بودند، ولی به‌خاطر تأخیر، جای آنها را به دیگری داده بودند و سفر به تأخیر افتاده بود.

پنج شنبه ۲۸ تیر ۱۳۶۹ | ۲۶ ذیحجه ۱٤۱۰ ۱۹ جولای ۱۹۹۰

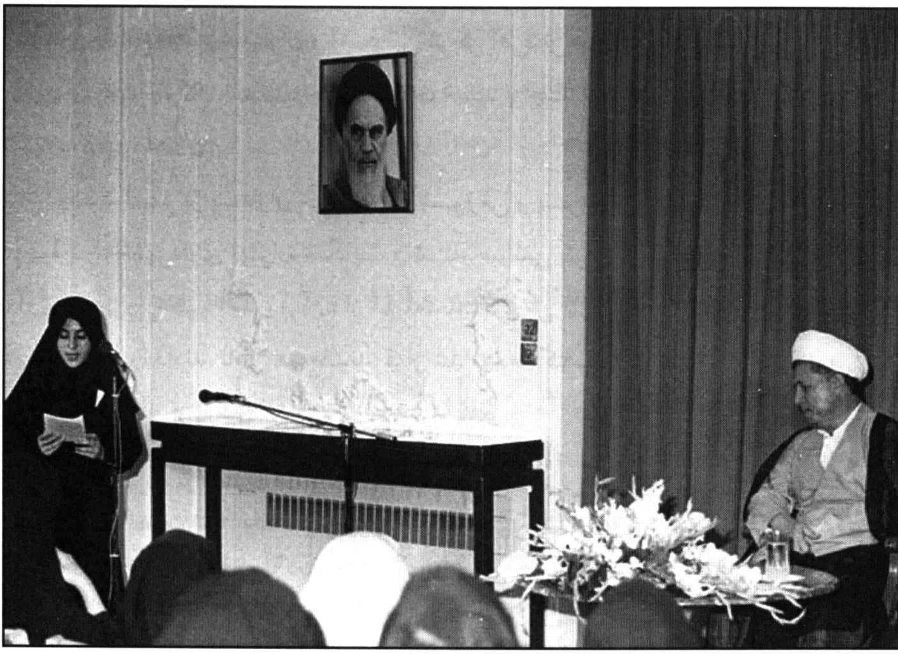
در اخبار، تهدید عراق علیه کویت و تیره شدن روابط آنها و درگیری‌های اَمَل و حزب‌الله و احتمال دخالت فلسطینی‌ها مورد توجه است. جمعی از دختران شرکت کننده در مسابقه

«نامه‌ای به امام»، همراه پدران و [مسئولین مرکز آفرینش‌های ادبی]کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان آمدند. چند نامه خواندند و چند سئوال کردند. برایشان صحبت کردم[1].

چند نفر از پدران شهید از آموزش و پرورش آمدند و از بدحجابی و [عملکرد]شهرداری تهران شکایت داشتند. مبالغی برای کمک به زلزله‌زدگان هم آوردند. گروه تنظیم «کلید قرآن» از قم آمدند. گزارش کار و نحوهٔ استفاده از کامپیوتر برای پیشبرد کار را دادند. ناهار هم ماندند. قرار شد مقدمهٔ کتاب را بنویسم؛ کار بزرگ و

---

۱ - در این دیدار که در فضایی از صفا و محبت برگزار شد، پس از معرفی کودکان برنده در این مسابقه و خواندن سه نامه خطاب به حضرت امام، کودکان و نوجوانان از آقای هاشمی خواستند تا به سئوالات آنها پاسخ دهد. اولین سئوال را کودکی آغاز کرد که پرسید: آیا می‌توانیم سئوالات سخت بکنیم؟ به هنگامی که ایشان پاسخ مثبت به این کودک ۹ ساله داد، او پرسید، آیا شما بچه‌ها را دوست دارید؟ رییس جمهور پاسخ داد: بله. برای بچه‌ها چه کار می‌خواهید بکنید؟ جواب داد: «می‌خواهیم کاری کنیم تا در آینده سعادتمند باشند.» دختر نوجوانی از ایشان پرسید که اگر شما شغل رییس‌جمهوری را نداشتید، چه حرفه‌ای را انتخاب می‌کردید؟ آقای هاشمی جواب داد: «اگر مسئولیتی برای کارهای مملکت نداشتم، بیشتر به مسایل علمی و فرهنگی می‌پرداختم. یعنی دوست داشتم هم تحقیق کنم و هم بیاموزم.» دختر نوجوان دیگری سئوال کرد: آیا وقتی شما اولین اثرتان را نوشتید، تشویق‌تان کردند؟ آقای هاشمی جواب داد: «اولین کتاب من، سرگذشت فلسطین یا کارنامه سیاه استعمار بود. وقتی این کتاب منتشر شد، مرا گرفتند و به زندان بردند؛ اما همین قدر که خشم حکومت ایران و آمریکا و اسرائیل را دیدم، خوشحال و تشویق شدم.» ایشان در پاسخ به سئوال دیگری در مورد اولین جایزه خود در دوران کودکی، گفت: «ما در کودکی، در روستا به مکتب می‌رفتیم و در آن زمان تشویق‌ها بسیار محدود بود و شکل حساب شده و برنامه‌ریزی نداشت. پنج ساله بودم که با برادر بزرگترم به مکتب می‌رفتیم و من حرکت‌های حروف را زود یاد گرفتم و استادم که پیرمرد بسیار خوبی بود، قلمی از نی تراشید و به من داد و راه درست کردن مرکب را به من یاد داد و این اولین تشویق من بود.» ایشان در پاسخ به سئوال یک دختر نوجوان دربارهٔ «شعر شاعران معاصر» گفت: «من به شعر علاقه‌مندم و شعر را زبان مؤثری در رساندن فکر می‌دانم، مُنتها وقتم آن‌قدر نیست که به صورت مطالعه و تحقیق بر روی آثار شعرا کار کنم. بعد از انقلاب، شعر جهت خوبی پیدا کرده و شُعرا به مضامین خوبی دست یافته‌اند.» سپس ضمن قدردانی از برگزیدگان مسابقه «نامه‌ای به امام»، گفت: «شما به‌عنوان طرز تفکر بخش عظیمی از جوانان و نوجوانان کشور که دارای قریحه، استعداد و روحیه‌های ارزشمندی هستند، به‌شمار می‌روید و من برای این نسل و این گروه سنی، ارزش زیادی قائلم و شما در آینده بنیه فکری نظام را تحت تأثیر خود قرار خواهید داد.» سپس آقای هاشمی، در خصوص امام خمینی اظهار داشت: «دنیا خبیثانه تلاش می‌کند که نگذارد شخصیت امام، آن چنان که هست، برای مردم روشن شود و استکبار غرب در تلاش است، الگوی شخصیت امام را از میان بردارد، چرا که این الگو برای استکبار جهانی خطرناک است و به راستی امام امت، ما را در ابعاد اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی، نظامی و جسمانی و روحانی احیا کردند.» رجوع کنید← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های ۱۳۶۹» ، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۹۲.



ملاقات با دختران دانش آموز شرکت کننده در مسابقه نامه ای به امام

ماندگاری است. در زندان نوشته‌ام، آنها تنظیم می کنند[1].

آقای [سیدجلال الدین]طاهری اصفهانی،[امام جمعه اصفهان و نماینده استان اصفهان در مجلس خبرگان] آمد. دربارهٔ مصوبات مجلس خبرگان سئوال داشت. دربارهٔ پشت کنکوری‌ها و افغان‌های متخلف هم مذاکره شد.

عصر آقای آقازاده، وزیر نفت آمد. گزارش سفر به الجزایر، لیبی و مذاکره با وزیر نفت عراق را داد؛ راضی است. برای سیاست‌مان در اوپک مذاکره شد. آقای [بیژن نامدار]زنگنه، [وزیر نیرو] آمد. از علاقهٔ مهندسان آب وزارت جهاد سازندگی برای همکاری با وزارت نیرو گفت؛ گفتم تا تصویب و ابلاغ لایحه صبر کنید. آقای[غلامرضا] فروزش،[وزیر

---

۱ - مجموعهٔ ماندگار «تفسیرراهنما» و مجموعهٔ «فرهنگ قرآن»، با روش ابتکاری آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی، یادگار دوران زندان ایشان در سال‌های مبارزه با رژیم ستم شاهی است. این مجموعه اکنون چاپ شده و در اختیار تشنگان معارف قرآنی قرار گرفته است. انتشارات بوستان کتاب، وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی قم، به دلیل کثرت تقاضا، دورهٔ تفسیر راهنما را چند بار تجدیدچاپ کرده است. برای مطالعهٔ تاریخچهٔ تدوین و ایدهٔ نخستین کلید قرآن و شیوهٔ جالب خارج‌کردن پنهانی فیش‌های تحقیقی از زندان، به مقدمهٔ مفصل آقای هاشمی در جلد اول مجموعهٔ ۲۰ جلدی تفسیرراهنما مراجعه کنید.

جهادسازندگی] نگرانِ رفتن نیروهایش است.

مغرب به خانه آمدم. عفت به رفسنجان رفته است. با سعید و فاطی و بچه‌ها و مهدی شام خوردیم؛ از بیرون پیتزا گرفته بودند.

جمعه ۲۹ تیر ۱۳۶۹ | ۲۷ ذیحجه ۱۴۱۰ — ۲۰ جولای ۱۹۹۰

در خانه بودم. بیشتر وقت به مطالعه و استفاده از حیاط و استخر گذشت. فاطی پذیرایی می‌کرد. عفت و مهدی و یاسر در سفر بودند. مقداری برای اصلاح پیش‌نویس مجموعۀ «کلید قرآن» و تحریر مقدمه، وقت صرف کردم. شب دکتر حمید لاهوتی، [همسر فائزه] آمد. از مُحسنات تراکتور سنگین اشنایدر برای ساخت در ایران می گفت.

شنبه ۳۰ تیر ۱۳۶۹ | ۲۸ ذیحجه ۱۴۱۰ — ۲۱ جولای ۱۹۹۰

مدیران سازمان بهزیستی و سازمان تأمین اجتماعی آمدند و گزارش دادند. برایشان صحبت کردم[1]. دکتر [حسن]روحانی، [دبیر شورای عالی‌امنیت ملی] آمد. دربارۀ قطعنامه و تلاش صلح با عراق و مسایل مجلس شورای اسلامی و انتخابات مجلس خبرگان صحبت شد.

۱- در بخشی از این سخنرانی آمده است: «باید ریشه‌های فقر، اعتیاد و سوداگران مرگ را در جامعه اسلامی خشک کرد و با تعمیم عدالت اجتماعی و بهداشت، از افراد مستضعف و ستمدیده حمایت می‌کنیم. امروز در سراسر جهان اینگونه سازمان‌ها در خدمت نیازمندترین و محتاج‌ترین اقشار جامعه هستند و الحمدالله در کشور ما، توجه خوبی به این بخش از کارهای خدماتی جامعه شده است و سازمان‌های بهزیستی و تأمین اجتماعی، در خدمت به محرومین موفق بوده‌اند. باید با کار اساسی و ریشه‌ای، جلوی رشد فقر، بیماری اعتیاد و فرهنگ نادرست گرفته شود و ما باید ریشه‌های این عوامل را بسوزانیم، تا به تدریج تعداد افراد نیازمند را کاهش دهیم. اینکه سازمان تأمین اجتماعی، حداقل مستمری را از شش هزار ریال به چهل هزار ریال افزایش داده است، کار بزرگی است و اداره این تعداد افراد سالمند و بی‌سرپرست توسط سازمان بهزیستی، اگر چه ارزشمند است، ولی تحقیقاً مردم مورد حمایت شما، به حد نصابی که مورد نظر اسلام است، نرسیده‌اند. ما در اسلام برای توجه به نیازمندان، تکالیف سنگین و بزرگی داریم. هیچ چیز زیباتر از آن نیست که انسان بخشی از دارایی‌های خود را برای نیازمندان مصرف کند و همه ما موظفیم با اختصاص دادن وقت، سرمایه و امکانات مختلف خود به یاری محرومین بشتابیم.» رجوع کنید← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های ۱۳۶۹»، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۹۲.

آقای [سید مهدی]یثربی، امام جمعه کاشان آمد. مطابق معمول عطر کاشان آورد. خواست که به کاشان سفر کنم. از مصوبات مجلس خبرگان خیلی راضی است. راجع به مسایل کاشان صحبت کرد.

عصر آقای هاشمی گلپایگانی برای دستور شورای عالی انقلاب فرهنگی آمد. شورای عالی امنیت ملی جلسه داشت. نامهٔ سوم صدام مطرح شد که پیشنهاد کرده نمایندهٔ ویژه‌ای به تهران بفرستند؛ موافقت کردیم. قرار شد قبلاً سطح نماینده مشخص شود و تذکر بدهیم که قرارداد الجزایر خط قرمز است. شب با احمد آقا و آقای خامنه‌ای جلسه داشتیم. ایشان هم مصوبه شورا را تأیید کردند. برای خواب به دفترم برگشتم.

یکشنبه ۳۱ تیر ۱۳۶۹ | ۲۹ ذیحجه ۱٤۱۰ ۲۲ جولای ۱۹۹۰

خانم[گوهرالشریعه] دستغیب، [نماینده تهران] آمد و گزارش جامعه زنان را داد. گفتم نگذارد درگیری‌ها خطی بشود و بی‌طرفانه اداره کند. آقای [مسلم]میرزاپور، نماینده رودبار آمد. برای تسریع در بازسازی استمداد کرد.

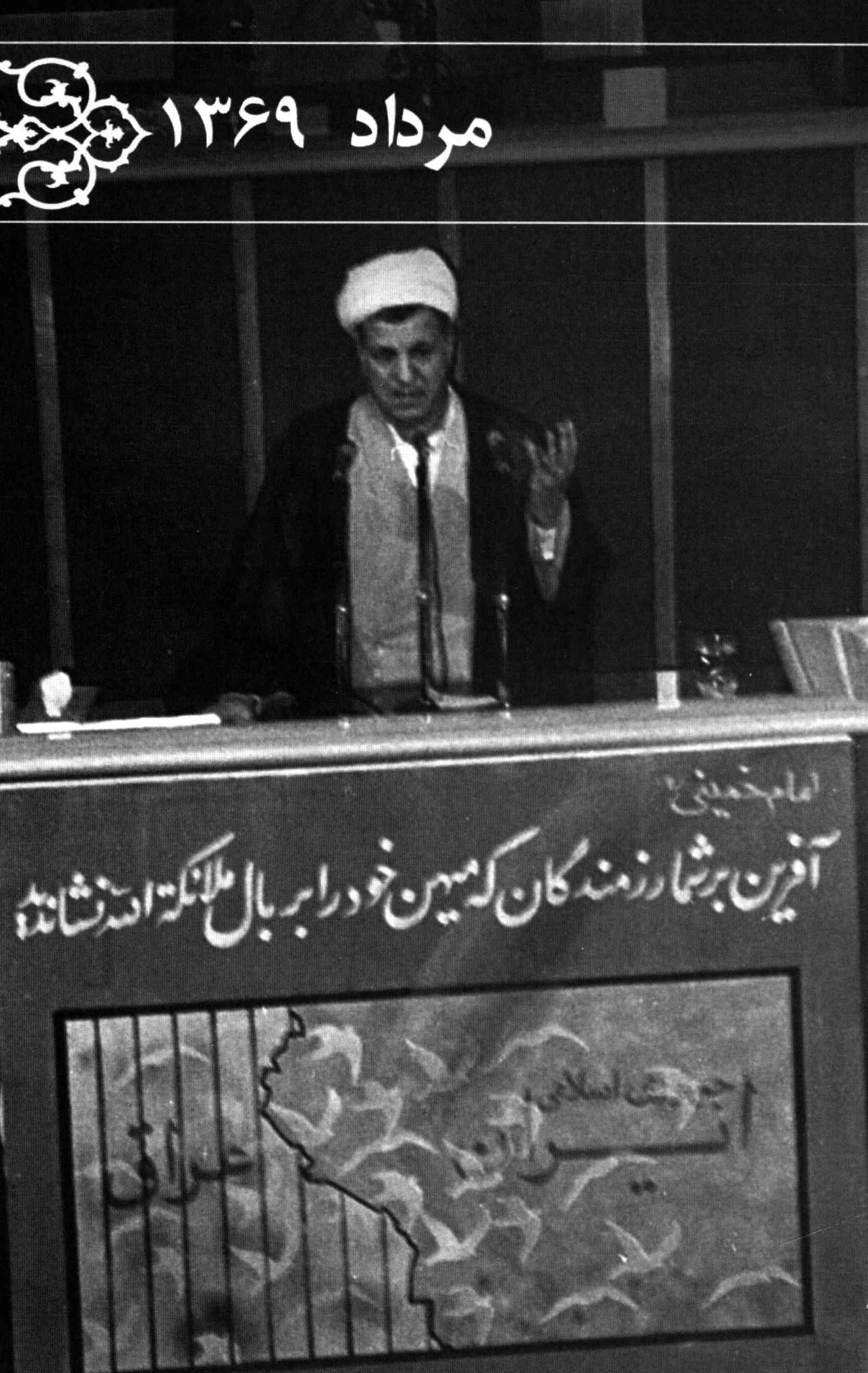
آقای [علی‌اکبر]ناطق نوری، [نماینده تهران] آمد و دربارهٔ انتخابات مجلس خبرگان مشورت کرد. مهندس [محمد]غرضی، [وزیر پست و تلگراف و تلفن]و معاونان آمدند. گزارش کار دادند و فیلم‌هایی از سفرهای فضایی پخش کردند. عصر به خاطر کار زیاد، در جلسه دولت شرکت نکردم و کارها را انجام دادم.

شب مهمان آیت‌الله خامنه‌ای بودم. دربارهٔ سیاست خارجی، زلزله و مسایل جاری و اختلافات خطی و کنترل بیشتر صداوسیما و رسانه‌ها صحبت کردیم. پیشنهاد داشتند که روزنامه جمهوری اسلامی به نام من بشود؛ فعلاً به نام ایشان است. قرار شد بعداً جواب بدهم[1]. برای خواب به دفترم برگشتم. عفت هنوز در سفر است.

---

۱ - آقای هاشمی این مسئولیت را نپذیرفت و آقای مسیح مهاجری، به عنوان مدیرمسئول روزنامه جمهوری اسلامی معرفی گردید.

مرداد ۱۳۶۹


امام خمینی ره
آفرین بر شما رزمندگان که میهن خود را بر بال ملائکه

دوشنبه ۱ مرداد ۱۳۶۹ | ۳۰ ذیحجه ۱۴۱۰ ۲۳ جولای ۱۹۹۰

جمعی از علما و وعاظ تهران آمدند. برایشان در مورد سیاست‌های دولت، صحبت مفصلی کردم[1]. آقای [سید محمد]کوثری، ذکر مصیبت کرد. [آقای سراج‌الدین کازرونی]، وزیر مسکن و شهرسازی و مهندس[محمدعلی]کامروا، [مسئول ستاد مُعین بازسازی خرمشهر] آمدند؛ درباره منطقهٔ لواسانات، [واقع در شمال شرق تهران] که برای انتقال پایتخت سیاسی در نظر گرفته شده است، و سیاست اجرایی آن مذاکره شد.

دانش‌آموزان شرکت‌کننده در مسابقهٔ المپیاد ریاضی و فیزیک آمدند؛ تشویق‌شان کردم[2] و هدیه دادم. [آقای غلامحسین کرباسچی]، شهردار تهران آمد. دربارهٔ طرح عباس‌آباد، مُصلی و کارهای شهرداری مذاکره و تصمیم‌گیری شد.

عصر شورای اقتصاد جلسه داشت. دربارهٔ حمل و نقل، طرح [قیمت]فوب[FOB] و

---

۱ - آقای هاشمی با اشاره به فرارسیدن ماه محرم گفت : «وظیفه ماست که از امانت اهل‌بیت و اسلام پاسداری کنیم. در طول تاریخ، علما، وعاظ، مداحان و شاعران، هر یک به‌نحوی از این موفقیت برای تبلیغ و نشر و دعوت، استفاده کرده‌اند. موفقیت‌های اسلامی در کشور ما از نتایج و آثار ماه محرم است و این ماه برای ما سازنده و مؤثر بوده است. حضور روحانیون در میان مردم مسلمان کشور، می‌تواند فرصتی برای توضیح و تبیین معارف اسلامی و تحکیم روابط با مردم شود و ماه محرم در دوران مبارزه با رژیم ستمشاهی، عظیم‌ترین پایگاه ما بود و همین ماه بود که به پیروزی انقلاب اسلامی انجامید. اکنون خداوند فرصتی استثنایی را به عنوان اتمام حجت در اختیار ما گذاشته و ما به اندازه کافی نیروی مؤمن و فداکار داریم و صبر و متانت مردم آزمایش شده است و باید درک خود را از اسلام پیاده کنیم.» ایشان با اشاره به شخصیت ممتاز مقام معظم رهبری افزود : «ایشان برجسته‌ترین چهرهٔ اسلام‌شناس به معنای جامع آن هستند و تحقیقاً ایشان مجتهد هستند و بر درک مبانی اسلام و متون احاطه دارند و من به هر چهره‌ای از چهره‌های ارزشمند در میان روحانیت نگاه می‌کنم، می‌بینم کسی که واجد این همه صفات ممتاز به‌صورت یکجا باشد، وجود ندارد. مجلس خبرگان با انتخاب چنین شخصیتی در مقطعی حساس، تصمیم متین و جالبی گرفت و اکنون اسلام با همه آرمان‌ها و اهداف اصولی‌اش، با قدرت به پیش می‌رود» رجوع کنید← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های ۱۳۶۹»، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲ .

۲ - ایشان ضمن قدردانی از دانش‌آموزان شرکت‌کننده در این مسابقات بین‌المللی گفت : «طی چند سال گذشته علاقهٔ جوانان به ریاضیات بیشتر شده و همین که دانش‌آموزان ایرانی بتوانند کشورهای پیشرفته اروپایی را پشت سر بگذارند و یا در میان کشورهای اسلامی رتبهٔ اول را کسب کنند، اگرچه امری غیرمنتظره نیست، اما در شرایط فعلی افتخارآفرین است. از همه فرزندان‌مان این را انتظار داریم که در مسابقات گوناگون حضور یابند و ایده‌آل ما وقتی است که میدان رشد برای همه باز باشد و شاهد تلف شدن استعدادهای درخشان فرزندان‌مان نباشیم و این هدفی دور از دسترس نیست.» رجوع کنید← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های ۱۳۶۹»، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲.

موارد دیگر تصمیم‌گیری شد. شب، سفیران، کارداران و صاحب منصبان وزارت امورخارجه آمدند. نماز جماعت خواندیم و تعدادی از آنها صحبت کردند و من هم صحبت نمودم[1]. شام مهمان من بودند و مراجعات زیادی داشتند. عفت هم آمده بود.

سه‌شنبه ۲ مرداد ۱۳٦۹ | ۱ محرم ۱٤۱۱ ۲٤ جولای ۱۹۹۰

مقداری از کارها را انجام دادم. با عفت صبحانه خوردیم. دکتر [ایرج]فاضل، [وزیر بهداشت،درمان و آموزش پزشکی] و معاونان آمدند. دربارهٔ قیمت دارو و تجهیزات پزشکی و استفاده از ارز صادراتی، اجازه خواستند. آقای[سید محمدحسین]لواسانی، برای رفتن به مأموریت سفارت در کاناداآمد؛ تأکید بر توسعه روابط شد.

کمیته توسعه صادرات جلسه داشت. راه‌های آسان کردن امور اداری صادرات بررسی شد. عصر شورای‌عالی انقلاب فرهنگی جلسه داشت. اعضای فرهنگستان‌ها و دانشگاه دینی [طبق مذاهب مختلف]اهل سنّت تصویب شد.

بعد از نماز مغرب، دکتر[محسن] نوربخش، [وزیر امور اقتصادی و دارایی]آمد. گزارش دستاوردهای مثبت نسبی سیاست اقتصادی را داد و شاخص‌های روبه بهبود در تولید، جمع نقدینگی، موجودی خزانه و نقدینگی مردم را گفت و اجازه گرفت که از بانک جهانی، وام طویل‌المدت برای بازسازی زلزله بگیریم. تا ساعت نُه شب کار کردم و به خانه آمدم.

---

۱ - در بخشی از این سخنرانی آمده است: «پس از پذیرش قطعنامه، حضرت امام (رضوان‌الله‌تعالی‌علیه)، گروهی را مأمور نمودند تا سیاست‌های سازندگی کشور را ترسیم کنند. این سیاست‌ها تحت نظر ریاست جمهوری و سران دیگر قوا، نخست‌وزیر و با کمک گروهی از وزرا و نمایندگان مجلس‌شورای اسلامی و جمعی از کارشناسان طراحی شد و مبنای تنظیم برنامه پنجساله قرار گرفت. این سیاست‌ها پس از تنظیم توسط حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، به محضر حضرت امام برده شد و به تصویب ایشان رسید و به‌عنوان سیاست رسمی نظام جمهوری اسلامی ایران در رسانه‌ها منتشر شد که براساس همان سیاست‌ها، برنامه پنجساله تنظیم شد و اکنون همان موارد، محور سیاست رسمی سازندگی کشور است؛ البته طبیعت آزاد جامعه، می‌طلبد که افرادی با این سیاست‌ها مخالف باشند، ولی مسلماً سیاست قطعی جمهوری اسلامی، سیاست دشمن‌تراشی نخواهد بود. وزارت خارجه باید در مواضع خود شجاع، صریح و فعال باشد، به‌طوری که امور سیاسی کشور از طریق این وزارتخانه در جامعه طرح و بحث شود. عمده مسایل ما، مسایل اقتصادی است و اکنون سیاست و شعار اصلی در بخش اقتصاد کشور، تولید است.» رجوع کنید← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های ۱۳٦۹»، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲.

چهارشنبه ۳ مرداد ۱۳٦۹ | ۲ محرم ۱٤۱۱ — ۲۵ جولای ۱۹۹۰

ساعت هشت صبح به دفترم رسیدم. آقای [حمید]میرزاده برای کارهای جاری و همچنین موضوع سوادآموزی و مسایل مربوط به منطقه آزادکیش آمد. آقای مسیح مهاجری، [مشاور اجتماعی رییس‌جمهور] آمد. درباره سیاست تبلیغی در مقابل رادیکال‌ها صحبت شد[1] و از مقابله تبلیغاتی اظهار نگرانی کرد.

سه نفر از رزمندگان مجتمع آموزشی رزمندگان آمدند. از مدیران آنجا و ضعف تدارکات شکایت داشتند. یاسر آنها را آورده بود؛ به نظرم رسید که بهانه‌جویی دارند. هیأت‌اُمنای شهرک مهدیه قم آمدند و برای مصالح ساختمانی و سایر نیازها کمک گرفتند.

آقای [محمدعلی]شرعی، [نماینده قم]، دربارهٔ مسایل اخیر مجلس خبرگان مطالبی داشت. عصر هیأت دولت جلسه داشت. شب تا ساعت نُه شب کار کردم و به خانه آمدم.

پنج‌شنبه ٤ مرداد ۱۳٦۹ | ۳ محرم ۱٤۱۱ — ۲٦ جولای ۱۹۹۰

مدیران مدارس استثنایی استعدادهای درخشان آمدند. آقای[جواد] اژه‌ای، [مشاور فرهنگی رییس‌جمهور و سرپرست سازمان استعدادهای درخشان]، گزارش کار داد و من صحبت کردم[2]؛ تشویق‌شان نمودم. آقای [قدرت الله]علیخانی آمد؛ خواست به نحوی از آقای [مهدی]کروبی در مورد مسایل اخیر دلجویی کنم.

آقای [عباسعلی]وکیلی، [رییس ستاد رسیدگی به امور آزادگان] آمد. پیشرفت کار

---

۱ - در آن مقطع زمانی، تندروها دولت را به اتهام واهیِ عدول از سیاست های انقلابی امام خمینی(ره)، مورد حملات تبلیغاتی قرار می دادند. مثلاً در حادثه زلزله، قبول کمک از کشورهای غربی، مخصوصاً آمریکا را دستمایهٔ انتقاداتِ دامنه‌دار و حملات رسانه‌ای خود قرار داده بودند. از طرف دیگر، در سیاست تنش زدایی در سطح بین الملل، تا جایی که می‌توانستند، اخلال ایجاد می کردند.

۲ - آقای هاشمی با اشاره به حرکت خوب و مثبت این سازمان و لزوم رسیدگی بیشتر به استعدادها و شکوفایی استعدادهای ناشکفته، اظهار داشت: «بدون شک یکی از مواهب الهی، استعداد و آمادگی های روحی است که خداوند در انسان‌ها به وجود آورده و نمی شود به سادگی از این نعمت گذشت، لذا مسئولین کشور وظیفه دارند از این استعدادها بهره گیری کنند و در شکوفایی آنها بکوشند.» رجوع کنید← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های ۱۳۶۹»، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲.

تشکیل ستاد رسیدگی به امور آزادگان را داد و برای ادامه کار استمداد کرد. فرمانداران سراسر کشور آمدند برایشان صحبت کردم[۱].

عصر ستاد مبارزه با مواد مخدر[۲] جلسه داشت. مدیرکل اطلاعات خراسان، دربارهٔ مبارزه با سران قاچاقچی در خاک افغانستان و در مرز گزارش داد؛ تصمیماتی اتخاذ شد. به خانه آمدم.

جمعه ۵ مرداد ۱۳۶۹ | ٤ محرم ۱٤۱۱ ۲۷ جولای ۱۹۹۰

دکتر ولایتی، [وزیر امورخارجه]، تلفنی اطلاع داد که امروز آقای اَنیس نقّاش[۳] و همدستانش در فرانسه آزاد می‌شوند و به ایران می‌آیند. برای خطبه‌ها مطالعه کردم.

---

۱ - ایشان خطاب به فرمانداران سراسر کشور، اجرای برنامه پنجساله را یک تکلیف دینی و یک وظیفهٔ قانونی دانست و گفت: «شما باید در حوزه کاری خود، این برنامه را به‌دقت مطالعه کنید، در جهت اجرای آن بکوشید و پیشنهادهای خود را نیز به مسئولین مافوق برسانید.» آقای هاشمی، همچنین اجرای دقیق و بی‌طرفانه انتخابات را یکی از وظایف مهم فرمانداران دانست و با اشاره به انتخابات مجلس خبرگان و شوراهای اسلامی، از فرمانداران سراسرکشور خواست با کمال بی‌طرفی و آزادمنشی، پاسدار حقوق مردم باشند و به آرای مردم احترام بگذارند. ایشان خاطرنشان ساخت: «انتظار ما از شما این است که واقعاً مردم، چهره نظام را در شما متبلور ببینند و باید وجود شما، آینه‌ای باشد تا انقلاب اسلامی را به مردم ارائه دهد، زیرا شما با مأموران کشورهای عادی و مرسوم دنیا فرق دارید. یک مدیریت خشک و وظیفه‌شناس بودن کافی نیست، زیرا مردم در نظام جمهوری اسلامی، به شما به‌عنوان یک انسان انقلابی نگاه می‌کنند و از شما به‌عنوان فرماندار، همان توقعی را دارند که از روحانیون انتظار دارند. باید در برخورد با طبقات مختلف مردم، به طبقات محروم که دست‌شان به‌جایی نمی‌رسد، توجه بیشتری کنید.» رجوع کنید← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های ۱۳۶۹»، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲ .

۲ - به منظور پیشگیری از اعتیاد و مبارزه با قاچاق موادمخدر و به موجب ماده ۳۳ قانون مبارزه با مواد مخدر، مصوب ۶۷/۸/۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام، ستادی به ریاست آقای هاشمی رییس‌جمهور تشکیل شد و عملیات اجرایی، قضایی، برنامه های پیشگیری، آموزش عمومی و تبلیغ علیه سوءمصرف موادمخدر، در این ستاد متمرکز گردید. هدف از تاسیس ستاد، تمرکز کلیهٔ اقدامات علیه مواد مخدر بود. اعضای این ستاد عبارت بودند از: رییس‌جمهور، دادستان‌کل کشور، وزیرکشور، وزیراطلاعات، وزیرآموزش‌و پرورش، رییس سازمان صدا و سیما، فرمانده نیروی انتظامی، رییس دادگاه انقلاب اسلامی تهران، رییس سازمان زندان‌ها و اقدامات تامینی و تربیتی، فرمانده نیروی مقاومت بسیج، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و وزیر بهداشت، درمان وآموزش‌پزشکی.

۳- در سال ۱۳۵۹، شاپور بختیار، آخرین نخست وزیر شاه، از یک ترور در شهر پاریس پایتخت فرانسه، جان سالم به‌در برد، اما یک پلیس و یک شهروند عادی کشته شدند. آقای «اَنیس نقّاش» اهل لبنان، به اتهام اقدام به این ترور، در دادگاه فرانسه به زندان ابد محکوم شد، ولی پس از شش سال مورد عفو قرار گرفت و آزاد گردید.

نمازجمعه را در دانشگاه تهران اقامه نمودم.[۱]

عصر بچه‌ها می‌خواستند مرا در استخر بیندازند، زورشان نرسید؛ فهمیدند پدرشان قدرت جسمی بیش از آنها دارد. آقای [عبدالمجید] معادیخواه آمد؛ از مزاحمت بعضی از عناصر در دستگاه قضایی نگران بود. شب بچه‌ها به رستوران رفتند و بیرون شام خوردند؛ برای من هم آوردند.

شنبه ٦ مرداد ١٣٦٩ | ٥ محرم ١٤١١ — ۲۸ جولای ۱۹۹۰

اول وقت برای بازدید از کارخانجات سوپا[= ساخت وسایل پزشکی ایران]، در هلجرد کرج رفتیم؛ تجهیزات پزشکی می‌سازند؛ جمعی از پزشکان سرمایه‌گذاری کرده‌اند و هفت قلم تجهیزات یکبار مصرف و پرمصرف مثل دستکش و نخ جراحی تولید می کنند؛

---

۱ - در خطبه اول، موضوعات اسراف و ریاضت از دیدگاه اسلام، مسئولیت در قبال مسایل داخلی و خارجی و همکاری بین مردم و مسئولین در تمام زمینه‌ها، مورد بحث قرار گرفت. در خطبه دوم، خطیب جمعه دربارهٔ مسأله قیمت نفت و خیانت بعضی از کشورهای منطقه به دنیای اسلام، تحلیلی ارائه کرد و سپس به موضوع دستاوردهای ماه‌محرم پرداخت. در بخشی از خطبه دوم آمده است: «تقریباً الان از کشورهای اسلامی، اعم از اعضای اوپک و خارج از اوپک، حدود ۳۰ میلیون بشکه در روز، نفت به کشورهای عمدتاً صنعتی صادر می‌شود. ۳۰ میلیون بشکه، اگر ما فرض کنیم برای هر بشکه، ۱۰ دلار ارزان می‌فروشیم، معنایش این است که روزانه ۳۰۰ میلیون دلار به کشورهای صنعتی پیشرفته، مجانی می‌دهیم که البته بیش از این ارزان می‌فروشیم. واقعاً قیمت یک بشکه نفت، امروز ۲۰ تومان و ۳۰ تومان نیست، اگر بدانیم نفت چه مشتقاتی و چه آثاری در صنعت دارد و چه نقشی در دنیا ایفا می کند. اگر این نفت در اختیار کشورهای صنعتی، پیشرفته و استعمارگر بود، یقیناً الان بشکه‌ای ۱۰۰ و ۲۰۰ دلار به ما می‌فروختند، همین طور که محصولات صنعتی را به ما می‌فروشند؛ یعنی گاهی اینها یک لیتر نفت را تبدیل به مواد صنعتی می کنند و برای ما می‌فرستند، ۱۰۰ دلار، ۲۰۰ دلار، ۵۰۰ دلار و ۱۰۰۰ دلار و یا بیشتر از ما پول می گیرند؛ در حالی که در ساخت اینها خرج کمی می کنند. متأسفانه دنیای اسلام و کشورهای صاحب نفت، نتوانسته‌اند حق خودشان را بگیرند. حالا فرض می کنیم که ما ۱۰ دلار ارزان می‌فروشیم ، اول انقلاب یادتان هست که نفت به ۳۶ دلار، ۳۷ دلار و ۴۰ دلار رسید که بدون علت آن را پایین آوردند، اگر ما روی ۱۰ دلار حساب کنیم که ارزان می‌فروشیم؛ یعنی ۳۰۰ میلیون دلار در روز، بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار در سال، نفت مجانی به کشورهای صنعتی داده می‌شود. آن وقت اینها با همین اهرم، یعنی با همین ۱۰۰ میلیارد دلاری که از جیب ما برمی‌دارند چه بلایی بر سر ما می‌آورند؛ یعنی با این قدرت مالی که به طور مجانی در اختیار آنها قرار می گیرد، چه بر سر ما می‌آورند، با این اهرم، کل دنیا را قبضه می کنند و بر همه دنیا حکومت می کنند. این تکنیک و فن خودشان است، ولی با ثروت ما، ببینید اینها چه می کنند؟» رجوع کنید← کتاب «هاشمی رفسنجانی، خطبه های جمعه۱۳۶۹» ، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲ .

صرفه‌جویی ارزی بالایی دارد: با صرف ۱۰ میلیون دلار، ۷۰ میلیون دلار صرفه‌جویی دارد. بازدید تا ظهر طول کشید. برای کارکنان صحبت کردم[۱] و مصاحبه نمودم[۲]. نیازهای فراوانی داشتند که قول کمک دادم. آقایان دکتر[ایرج] فاضل، [محمدرضا]نعمت‌زاده و [عیسی]کلانتری هم بودند.

به دفترم برگشتم. عصر شورای‌عالی امنیت ملی جلسه داشت.آقای[علی]خرّم، [مشاور وزیر امورخارجه و مسئول ستاد قطعنامه ۵۹۸] گزارش مذاکرات ژنو را داد؛ صدام پیشنهاد کرده است، طارق عزیز، [وزیر امورخارجه عراق] و برزان[تکریتی، برادرش] را بفرستند؛ گفتیم به شرط قبول قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر[۳] می‌توانند بیایند.

---

۱ - آقای هاشمی در اجتماع کارکنان سوپا، ضمن قدردانی از طراحی و سرعت راه‌اندازی و حُسن مدیریت و نظم کارخانه گفت: «اهمیت این نوع تولیدات برای همهٔ ما روشن است. ما همه به نحوی با اطبا سروکارداریم و هیچ خانواده‌ای نیست که ارزش محصولات این کارخانه را نداند. امیدوارم همه بخش های صنعت به همین خوبی و انضباط اداره شوند.» رجوع کنید← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های ۱۳۶۹»، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲.

۲ - ایشان در مصاحبه با خبرنگاران گفت: «راه رشد و کمال صنعت ما، ایجاد چنین کارخانه هایی در بخش های دیگر است. نظیر چنین سرعتی در تاریخ صنعت ما کم پیدا می شود که محصولات آن از کیفیت مطلوب بین‌المللی هم برخوردار باشد. دولت میزان قابل توجهی ارز برای اینگونه صنایع اختصاص داده است و چنین صنایعی، مدیریتی می‌خواهد که با روحیهٔ تجارتی، با سرمایه گذاری خیلی کم، مثلاً روده یک دلاری را به نخ بخیه ۲۰۰ دلاری تبدیل کند. این کارخانه می‌تواند منبع تامین ارز باشد و محصولات آن قابل رقابت با انواع مشابه خارجی آن است». رجوع کنید← کتاب «هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های ۱۳۶۹» ، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲ .

۳ - عهدنامه ۱۹۷۵ الجزایر، قراردادی میان ایران و عراق است که خط مرزی دو کشور در آب‌های اروندرود را تعیین کرده است.این قرارداد به دلیل انتشار اعلامیه مشترک دو کشور در ۱۵ اسفند ۱۳۵۳ (۶ مارس ۱۹۷۵) در الجزیره که پیش‌زمینه امضای پیمان‌نامه شد و میانجی‌گری مقامات الجزایر در تمام مراحل، به پیمان الجزایر معروف شده‌است، هرچند محل امضای تمام پیمان‌ها و پیوست‌ها و موافقتنامه‌های مرتبط در بغداد بوده‌است.این قرارداد در اوج اختلافات مرزی میان ایران و عراق بر سر مالکیت آب‌های اروندرود با میانجی‌گری «هواری بومدین» رییس‌جمهور وقت‌الجزایر بین عباسعلی خلعتبری و سعدون حمادی، وزیران خارجه ایران و عراق و در حضور عبدالعزیز بوتفلیقه عضو شورای انقلاب و وزیر امورخارجه الجزایر امضا شد. در این معاهده مرز دو کشور در اروندرود، بر پایه خط تالوِگ تعیین شد. همچنین دو کشور موافقت کردند که از «رخنه اخلال‌گران» در مرزهای دو کشور جلوگیری کنند. پیمان الجزایر در زمان حکومت محمدرضا شاه پهلوی و صدام حسین بسته شد. نسخه اصلی این پیمان هم‌اکنون به عنوان یکی از اسناد سازمان ملل متحد در مقر آن نگهداری می شود. صدام حسین، رییس‌جمهور عراق در ۲۶ شهریور ۱۳۵۹ معاهده الجزایر را به طور یک‌جانبه فسخ و سند معاهده را جلوی دوربین تلویزیون عراق پاره کرد و در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ دست به حمله گسترده علیه ایران زد. صدام حسین پس از اشغال کویت در سال ۱۹۹۰ میلادی که باعث↲

سعودی‌ها هم پیشنهاد کرده‌اند، برای حل مشکلات، در سطح وزرای خارجه مذاکره شود؛ پذیرفتیم. انگلیس حاضر شده قانون مجلس را برای ایجاد رابطه مراعات کند؛ تصویب کردیم که متن پیشنهادی آنها را بپذیریم.

سرشب کارها را انجام دادم و مصوبات شورا را تلفنی به آیت‌الله خامنه‌ای اطلاع دادم. دکتر ولایتی، پیامی از آقای سلیم‌الحص، نخست وزیر لبنان آورد که خواسته بود، پاسداران را از لبنان فرا خوانیم. به خانه آمدم. هوا گرم است.

یکشنبه ۷ مرداد ۱۳۶۹ | ٦ محرم ١٤١١ — ۲۹ جولای ۱۹۹۰

[آقای دیمیتریو دریس و آقای بادو سیلوا]، سفیران یونان و سریلانکا برای تقدیم استوارنامه آمدند؛ مراسم تشریفاتی بود. آقای [سیدکمال]خرازی، نماینده دایم ایران در سازمان ملل آمد و گزارش کار داد؛ از کمک‌های زیاد ایرانیان مقیم آمریکا برای زلزله‌زدگان گفت.

آقای[عبدالحسین]وهاجی، [وزیر بازرگانی]آمد. گزارش وضع تولید و خرید گندم را داد و خواستار تقویت بیشتر شد. دربارهٔ لزوم توزیع سریع‌تر کالاهای ساخته شده از واحدهای صنعتی تأکید کردم. هیأت نظامی سریلانکا به ریاست وزیردفاع آمدند و پیام رییس‌جمهورشان را آوردند. [وزیردفاع‌سریلانکا]، وضع خود و ببرهای تامیل را که علیه دولت مبارزه مسلحانه می‌کنند، کامل توضیح داد و خواستار کمک نظامی شد؛ جزییات را به‌عهدهٔ [آقای اکبر ترکان]وزیردفاع گذاشتم. عصر هیأت دولت جلسه داشت.

شب آیت‌الله خامنه‌ای مهمان من بودند. دربارهٔ نحوه فروش سلاح به سریلانکا، مسایل لبنان، مذاکرات با عراق، عربستان و مسایل داخلی، مذاکره و تصمیم‌گیری کردیم. شب در دفترم ماندم.

شکل‌گیری اجماع بین‌المللی علیه عراق شد، با ارسال نامه‌ای به آقای هاشمی، قرارداد الجزایر را به عنوان سندی رسمی برای تعیین مرز آبی ایران و عراق در اروندرود پذیرفت. متن این نامه در بخش ضمایم همین کتاب چاپ شده است.

دوشنبه ۸ مرداد ۱۳۶۹ | ۷ محرم ۱٤۱۱ — ۳۰ جولای ۱۹۹۰

ساعت نُه صبح، مدیران سازمان انتقال خون آمدند. دکتر [احد]میلانی‌نیا، [رییس سازمان انتقال خون]، گزارش تأسیس کارخانه و نیازها را داد و من برای آنها صحبت تشویق‌آمیز نمودم[1]. برای افرادی که بیش از بیست بار خون داده‌اند، تعدادی قرآن امضا کردم. دکتر[عبدالله]جاسبی برای نیازهای دانشگاه آزاد اسلامی و اجازهٔ بالا بردن شهریه‌ها، برای جُبران افزایش حقوق کادر هیأت علمی آمد.

آقایان [حسین]محلوجی، [وزیر معادن و فلزات] و [محمدحسین]عادلی، [رییس بانک مرکزی]، برای گرفتن اجازهٔ صرف بیشتر ارز برای فولاد مبارکه آمدند. دکتر حبیبی، [معاون اول رییس جمهور] برای گزارش سفر غرب و مسایل جاری و همچنین مشورت دربارهٔ برنامه مراسم فردا و شرکت در مجمع عمومی سازمان ملل در نیویورک آمد.

عصر مهندس کازرونی، [وزیر مسکن و شهرسازی]، برای گزارش طرح اتاق‌های اسکان موقت زلزله‌زدگان و مخارج انتقال مرکز[= پایتخت] آمد. شورای اقتصاد جلسه داشت. دربارهٔ پرداخت مطالبات بانک مرکزی از دولت که در ده سال گذشته گرفته‌ایم، مقرر شد از طریق واگذاری واحدهای صنعتی دولتی و فروش ارز تأمین شود. تا ساعت نُه شب در دفترم کار کردم و به خانه آمدم.

سه‌شنبه ۹ مرداد ۱۳۶۹ | ۸ محرم ۱٤۱۱ — ۳۱ جولای ۱۹۹۰

جمعی از پاسداران آمدند و مراسم عزاداری برگزار کردند؛ در مراسم شرکت کردم.

---

۱ - ایشان با اشاره به فاجعه جانگداز زلزله، خطاب به‌کارکنان سازمان انتقال خون گفت: «در حادثه زلزله، همه فکر می‌کردند که ما با مشکل روبرو خواهیم شد، ولی در پی این حادثه، هم مردم و هم شما به‌گونه‌ای عمل کردید که ما را از کمک خارجی بی‌نیاز کرد.» آقای هاشمی از مشارکت ملت مقاوم ایران در برابر حوادث گوناگون، از قبیل جنگ تحمیلی و زلزله قدردانی‌کرد وگفت: «رمز مقاومت ما، علیرغم ده سال شرارت و توطئه‌های گوناگون استعمارگران، همین ایثارها و فداکاری‌هاست. دشمنان ما پس از پیروزی انقلاب اسلامی، از هیچ رذالتی دریغ نکرده‌اند، اما این ملت همه شرارت‌ها را دفع کرد و با موفقیت راه انقلاب را پیمود و این صلابت، بهترین راه تکامل دوره سازندگی است. ما در دوره سازندگی، کشور را به جایگاه واقعی خود خواهیم رساند؛ البته باز هم مزاحمت و درگیری خواهیم داشت، ولی آنها تا حدودی دلسرد شده‌اند و مشاهده کردند که در هر صورت ما راه خود را ادامه خواهیم داد.» رجوع کنید← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های ۱۳۶۹» ، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲ .

گریستم و صحبتی نکردم. [آقای مسعود روغنی زنجانی]، رییس سازمان برنامه‌وبودجه و معاونانش آمدند. گزارش وضع گمرکات مرزی با ترکیه و لزوم توسعه و عمران آنها و فعال‌تر کردن گمرک رازی سِرُو را دادند.

[آقای سید مسیح مومنی]، استاندار مرکزی آمد. دربارهٔ برنامه سفر به آن استان مذاکره شد. آقای تورانی، مسئول فرودگاه‌ها آمد. گزارش پیشرفت اصلاحات را داد و مشکلاتی که با گمرک و سپاه و نیروهای دیگر انتظامی دارند و همچنین نیازها را گفت. آقای سیدمحمد هاشمی، [مسئول نذورات مرقد امام خمینی(ره) و عضو شورای مرکزی مجمع روحانیون مبارز]آمد؛ اظهار وفاداری و صحبت کرد و گزارش وضع مالی مرقد امام را گفت و از بی توجهی رهبری به جناح آنها و همین‌طورکمیِ حمایت من از آنها در مقابل خط مقابل گله کرد؛ گفتم آنها باید وضع و موضع خودشان را در مقابل دولت و سیاست‌های رسمی نظام، صریح و هوادارانه و یا منتقدانه معقول ارائه کنند، تا من بتوانم بیشتر از آنها حمایت کنم.

عصر آقای [جلیل]بشارتی، مسئول دفتر مناطق محروم آمد و گزارش کار داد. آقای [محمد]غرضی، [وزیر پست وتلگراف و تلفن] و معاونانش آمدند. فیلم‌ها و عکس‌هایی از پیشرفت‌های فضایی و نحوه کار و نقش ماهواره‌ها ارائه دادند و اهمیت تسخیر فضا را گفتند؛ آقای [حسین]شیخ عطار، [مدیر طرح ماهواره]، گوینده و متخصص‌شان بود. برنامه ساخت و پرتاب ماهوارهٔ «زهره» را گفتند و در نهایت خواستار حمایت از مرکز امور فضایی و جلوگیری از تجزیه آن شدند.

آقای[محمود]واعظی، [معاون وزیر امور خارجه]آمد. دربارهٔ کمک به آزادی گروگان‌ها و پذیرش بیانیهٔ[دولت]انگلیس که بناست به عنوان پذیرش قانون مجلس صادر شود، مذاکره شد. آقای [علی]فلاحیان، [وزیر اطلاعات]آمد. گزارش از باندی فاسد را آورد و از عدم همکاری وزارت امورخارجه شکایت کرد.

برای عزاداری در مراسم روضه رهبری در حسینیه امام خمینی(ره) شرکت کردم. دیروقت به خانه آمدم. عفت برای شرکت در مراسم عزاداری به مسجد بلال رفته بود. با مهدی شام خوردیم و خوابیدم.

چهارشنبه ۱۰ مرداد ۱۳۶۹ | ۹ محرم ۱۴۱۱ ۱ آگوست ۱۹۹۰

امروز تاسوعاست. صبح زود حمید لاهوتی، [همسر فائزه]آمد. پیغام مهندس[مهدی] بازرگان، [رهبر نهضت آزادی ایران] را آورد که برای علی اردلان که در زندان است، [و ناراحتی قلبی دارد]، اظهار نگرانی کرده و خواستار کمک برای معالجه‌اش شده است؛ گفتم کمک می‌شود.

برای عزاداری در حسینیه جماران، در جمع محافظان شرکت نمودم و برای آنها کمی صحبت کردم؛ خواستار امکانات بیشتر رفاهی شدند. دکتر ولایتی، [وزیر امور خارجه]، تلفنی گفت،آقای[علی] خرّم، نامه‌ای از صدام[حسین، رییس‌جمهور عراق] که در ژنو تحویل داده‌اند،آورده است و آورندهٔ نامه گفته که پایه‌های مذاکرات بعدی صلح، در این‌نامه نوشته شده و آن را خیلی مهم دانسته است؛ گفتم به منزل بیاورند.

عصر آقایان [علی]خرّم و [جواد] تُرک‌آبادی آمدند. پیش‌نویس نامه‌ای از صدام را آورده بودند. صدام آن را با عجله، با هواپیمای اختصاصی به ژنو فرستاده بود که زودتر به دست من برسد تا اگر ما مضمون نامه را بپذیریم، آن را امضا کند و رسماً با پیک ویژه بفرستد. نامهٔ مفصلی است[1] و در آن پیشنهاد جامعی برای اجرای قطعنامه ۵۹۸ آمده که نکته

---

۱ - متن کامل این نامه در بخش ضمایم همین کتاب چاپ شده است. در بخشی از نامه صدام حسین آمده است: «پس از تفحص دقیق در آنچه باید تفحص کرد، ما براساس مسئولیت ملی و انسانی که اصول اعتقادی عظیم‌مان آن را بر دوش‌مان نهاده، خود را در موقعیت ارائه پیشنهاد تازه‌ای یافتیم. از آنجا که این بار ابتکار عمل پیشنهادی، ناظر به تمام مسایل ماهوی که بندهای قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت یکجا و در یک چارچوب و به صورت تفصیلی به آن پرداخته است، ما امیدواریم که برخورد با آن در همین سطح صورت گیرد و جوشش با آن در حدی از جدیت انجام شود که از دو ملت‌مان، فرصت زندگی در شرایط صلحی که حتی بر جزئیات آن توافق شده باشد، گرفته نشود و این امر به منظور دور کردن طرح‌های دشمنان ملت‌هاست که در تلاش‌اند، شرایط را خدای ناکرده به جایی بکشانند که وضع دو کشور به آنچه قبل از اوت ۱۹۸۸ بود بازگردد و به این ترتیب هر که هر چه را از دست بدهد باخته است، بدون اینکه سودی به دست آمده باشد. نیروهای اهریمنی که در تاریکی در جستجوی‌اند و ابزارهای نیرنگ نیز در دست‌شان است می‌توانند با استناد به این واقعیت که جنگ بین دو کشور از نظر حقوقی پایان نیافته است، دو کشور را به سوی آنچه مجدداً جرقه جنگ را بزند سوق دهند. و همچنان که می‌دانید شروع جنگ، چه بسا از اموری که ساده به نظر می‌رسد به وجود می‌آید، به مانند آتش سوزی مهیبی که از یک جرقه برمی‌خیزد. اشراری که در کمین ما هستند، ممکن است به انگیزه ناتوانی در تحقق اهداف‌شان، بدون درگیر کردن دو کشور و یا یکی از آنها در جنگ و شاید هم به دلیل نگرانی از سلاح‌های انباشته شده نزد طرفین نزاع و چه بسا با انگیزه تمایل آنها برای شناخت کارآیی آن سلاح‌ها و ←

اصلی آن، پذیرش نوعی مشارکت ایران و عراق در شط‌العرب[= اروندرود]، براساس خط تالوگ[1] و یا منتظر خلع بعرض‌الطرفین، در مقابل صرف نظر از پذیرش قطعنامه است.

مضمون نامه را تلفنی با رهبری در میان گذاشتم؛ قرار شد در شورای عالی امنیت ملی بررسی شود. به نظر می‌رسد در ارتباط با کشور کویت، برنامه‌ای در نظر دارد که می‌خواهد از جانب ما خیالش راحت باشد. شب بچه‌ها برای مراسم عزاداری رفتند. من تنهایی شام خوردم و خوابیدم.

پنج‌شنبه ۱۱ مرداد ۱۳۶۹ | ۱۰ محرم ۱۴۱۱ ۲ آگوست ۱۹۹۰

برنامه فارسی رادیو بی‌بی‌سی را گرفتم؛ اطلاعی از حمله عراق به کویت نداد. برنامه فارسی رادیو صدای آمریکا که در ساعت شش و نیم صبح شروع شد، پس از گذشت چند دقیقه از شروع پخش اخبار، از حمله عراق اطلاع پیدا کرد و گفت که مطلع شدیم نیروهای عراق از مرز کویت گذشته‌اند؛ حادثۀ مهمی است[2].

یا بخشی از آنها با به کارگیری ابزارهای پلید خود برای زده شدن جرقه بکوشند و برای این کار شاید مشکل چندانی نداشته باشند، آن هم در جبهه‌ای که تنها در خشکی هزار و دویست کیلومتر و در دریا تقریباً هشتصدکیلومتر امتداد دارد. و این جبهه‌ها مملو از امکان و احتمال بروز جرقه‌های پراکنده شده از دهانه سلاح‌ها می‌باشد، بنابراین برای آغاز، نیازی به گشودن آتش سلاح‌ها توسط شمار کثیری از افراد نیست، زیرا کافی است یک نفر به هر علتی و تحت تأثیر هر عاملی به چنین کاری اقدام کند و باعث شود، جمع بزرگی آتش بگشایند و بدین ترتیب زیان فراوانی متوجه همگان خواهد شد که از این امر به جز دون صفتان، هیچ کس سود نخواهد برد و تمام این امور همچنان که قبلاً گفتیم به زیان ملت‌های ما تمام خواهد شد. از آنجا که این وضع، هدف هیچ کدام از عراق و ایران نیست، آن چنان که در اظهارات نمایندگان دو کشور آمده، بنابراین وظیفه حکم می‌کند که نه تنها به صلح برسیم، بلکه در اسرع وقت برسیم تا امکان تحقق رویاهای بدخواهان و ستمگران از صحنه ما دور بماند.» رجوع کنید← کتاب «دوازده نامه»، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۶.

۱- تالوگ، (به آلمانی: Talweg) یا خَطُ‌القَعر یا ژرفگاه در دانش جغرافیا، خطی است فرضی که از به هم پیوستن ژرف ترین نقاط بستر یک رودخانه یا دره به دست می‌آید. از اصل تالوگ در حقوق بین‌الملل برای تعیین مرز دقیق دو کشور در زمانی که رودخانه‌ای مرز دو کشور باشد، استفاده می‌شود. قرارداد الجزایر، مرز ایران و عراق را که تاپیش از آن در ساحل شرقی اروند رود قرار داشت، به خط تالوگ رودخانه تغییر داد.

۲ - صدام در تاریخ ۱۱ مرداد ۱۳۶۹ به کویت حمله کرد و خاک آن را به عراق ضمیمه ساخت و با این کار خود باعث بروز بحران‌های بین‌المللی گشت. اشغال کویت به معنای آن بود که صدام با احتساب ذخایر نفتی عراق، دارای ۲۰ درصد ذخایر نفت جهان شده بود. دلیل حملۀ عراق به کویت، مشکل بدهی ۳۰ میلیارد دلاری عراق به کویت و

اخبار را به دقت تعقیب کردم. رادیو کویت را نتوانستم بگیرم. کم‌کم خبرها روی تلکس‌ها آمد و معلوم شد ساعت دو بامداد، تجاوز شروع شده است و نیروهای ارتش عراق، به سرعت خود را به پایتخت کویت رسانده‌اند. حمله هوایی هم داشته‌اند؛ مقاومت جدی از طرف کویتی‌ها، جز برخوردهای پراکنده، مشهود نیست. امیرکویت گریخته است.

عراقی‌ها اخبار را به‌گونه‌ای پخش می‌کنند که کودتایی در کویت به‌وقوع پیوسته است و کودتاچیان از عراق حمایت خواسته‌اند و ارتش عراق به دعوت آنها وارد کویت شده است؛ ولی پیداست که مطلب درست نیست. با وزارت امورخارجه، فرماندهی سپاه در اهواز، فرماندهی نهاجا[= نیروی هوایی ارتش] و [آقای محمد هاشمی]، رییس [سازمان] صداوسیما در تماس بودم.

با رهبری تلفنی مذاکره کردم؛ قرار شد در موضع‌گیری عجله نکنیم و جلسه شورای‌عالی امنیت را تشکیل دهیم. عصر شورای‌عالی امنیت ملی در دفتر مطالعات و تحقیقات وزارت امورخارجه، برای بررسی تجاوز عراق به کویت جلسه داشت. فرماندهان

تلاش آن کشور برای بازسازی اقتصاد بود. صدام اعتقاد داشت چون جنگ ایران و عراق به سود کشورهای عرب حوزه خلیج فارس بوده‌است، دولت‌های عربی باید بدهی ۳۰ میلیارد دلاری عراق را ببخشند. کویت زیر بار نرفت و تشنج با کویت بروز کرد. هنگامی که گفتگوها و تهدیدهای پس از جنگ، هنوز در جریان بود، صدام با رویکردی دوباره به قضیهٔ فلسطین، اعلام کرد که اگر اسرائیل از نوار غربی رود اردن، بلندی‌های جولان و نوار غزه عقب‌نشینی کند، او نیز از کویت باز پس می‌نشیند. این پیشنهادِ صدام باعث بروز شکاف بین کشورهای عرب شد و آمریکا و کشورهای غربی را در مقابل فلسطینی‌ها قرار داد. همکاری بین ایالات متحده و شوروی، باعث شد تا موضوع به شورای امنیت سازمان ملل فرستاده شود. این شورا تصمیم گرفت که اگر صدام نیروهای خود را طبق برنامه زمان‌بندی‌شده از کویت خارج نکند، اجازه استفاده از زور علیه این کشور را خواهد داد. صدام ضرب‌الاجل شورای امنیت را نپذیرفت. آمریکا و متحدانش با پشتیبانی شورای امنیت، در تاریخ ۲۶ دی ۱۳۶۹ حمله هوایی گسترده‌ای را علیه عراق آغاز کردند. اسرائیل نیز توسط موشک‌های عراقی مورد اصابت قرار گرفت، ولی از آنجا که نمی‌خواست کشورهای عرب از ائتلاف ضدعراق خارج شوند، درصدد انتقام‌جویی برنیامد. یک نیروی زمینی که اغلب افرادش از قوای مسلح آمریکایی و انگلیسی و تیپ‌های پیاده‌نظام بودند، ارتش صدام را در بهمن ماه سال ۱۳۶۹ از کویت بیرون راندند و بخش جنوبی عراق را تا رود فرات اشغال کردند.

نظامی و مدیران وزارت امورخارجه هم بودند؛ مقرر شد اعلامیه بدهیم و محکوم کنیم و به نیروها آماده باش داده شود.

تفسیر این بود که عراق از این اقدام خسارت خواهد دید و به نفع ما تمام می‌شود. مقرر شد [آقای ولایتی]، وزیر امورخارجه به بعضی از کشورهای عربی مثل سوریه، عمان و امارات متحده عربی سفر کند. [آقای الصباح]، وزیر امورخارجه کویت، از نقطه نامعلومی تلفن کرد و استمداد نمود.

جمعه ۱۲ مرداد ۱۳٦۹ | ۱۱ محرم ۱٤۱۱ ۳ آگوست ۱۹۹۰

در منزل بودم. گزارش‌های مربوط به کویت را تا شب خواندم؛ تازۀ مهمی پیش نیامده است. آقای [سرتیپ منصور]ستاری، [فرمانده نیروی هوایی] اطلاع داد که هواپیماهای عراقی، مراکز نفتی کویت را بمباران می‌کنند؛ علت برایم نامعلوم است. در اخبار آمده است که ترمینال نفتی الاحمدی را هم گلوله باران کرده‌اند.

جمعی از محافظان جماران آمدند و برای امتیازات بیشتر استمداد کردند. به دکتر ولایتی گفتم بهتر است سفر را به تأخیر بیاندازد. عصر احمدآقا آمد؛ در مورد مسایل کویت و پیام صدام صحبت کردیم. از ژنو گزارش رسید که صدام پیغام داده است که اقداماتش با ایران تاکتیک نیست و خواسته است که تدوام یابد.

فاطی و سعید که به شمال رفته بودند، مراجعت کردند. می‌گفتند باید کمک [به زلزله‌زدگان]، سریع‌تر انجام شود.

شنبه ۱۳ مرداد ۱۳٦۹ | ۱۲ محرم ۱٤۱۰ ٤ آگوست ۱۹۹۰

ساعت هشت صبح به دفترم رسیدم. در اخبار آمده بود که عراق اعلام کرده از فردا عقب‌نشینی از کویت را آغاز می‌کند؛ به شرط اینکه حکومت جدید مستقر باشد و خاندان الصباح برنگردند؛ تقریباً تعلیق به محال کرده است.

آقایان [مسعود روغنی]زنجانی، [رییس سازمان برنامه و بودجه] و [سراج‌الدین]

کازرونی، [وزیر مسکن وشهرسازی]آمدند. برسر مسئولیت تهیه طرح جامعهٔ سرزمینی اختلاف نظر دارند؛ قانوناً به وزارت مسکن وشهرسازی داده شده، اما از زمان رژیم قبل، عملاً در دست سازمان برنامه بوده است؛ گفتم به همین صورت بماند و مسأله در شورای اقتصاد مطرح شود. به وزیر مسکن وشهرسازی گفتم، برای عرضهٔ مسکنِ کوچک و ارزان و شکستن قیمت مسکن، طرحی مثل خانه‌سازی انبوه در تهران و شهرهای بزرگ بیاورد.

آقای [خلیل]تورگوت اوزال، رییس‌جمهور ترکیه تلفن کرد و دربارهٔ تجاوز عراق و کویت نظرخواهی کرد. او از اعلامیه دیشب عراق اظهار نارضایتی نمود و گفت با [ملک]فهد[پادشاه عربستان سعودی] و [جرج]بوش[رییس‌جمهور ایالات متحده] و [حافظ]اسد[رییس‌جمهور سوریه]در تماس است. مطرح شد که برای مشاوره به ایران بیاید و یا کسی را بفرستند.

آقای [اکبر]ترکان، [وزیر دفاع]آمد. راجع به ساخت و خرید سلاح و اظهار آمادگی ایتالیا و آلمان شرقی برای همکاری صحبت شد و نیازها را گفت. آقایان[فریدون] مهدی‌نژاد[= وردی نژاد] و مصلحی آمدند و راجع به کمک به آزادی گروگان‌ها حرف زدند. گفتم بهتر است کمک کنیم که [برایان کینان]گروگان‌ایرلندی آزاد شود. در اخبار آمده که ۱۷ نفر حزب‌الله بازداشتی در کویت آزاد شده‌اند.

دکتر حبیبی، [معاون اول رییس‌جمهور] برای امور جاری کشورآمد. عصر آقای[غلامرضا]آقازاده، [وزیر نفت]آمد. در مورد سیاست حفظ قیمت‌های بالای نفت و جلوگیری از زیادی عرضه دیگران به بهانه قطع نفت کویت، مذاکره شد.

شورای‌عالی‌امنیت ملی جلسه داشت. راجع به مسایل کویت و عراق و جواب پیشنهاد صدام مذاکره کردیم. قرار شد بگوییم به شرط اعلان پذیرش قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر می‌توانند به ایران بیایند. تا ساعت نُه ونیم شب در دفترم کار کردم و به خانه آمدم.

یکشنبه ۱٤ مرداد ۱۳٦۹ | ۱۳ محرم ۱٤۱۱ — ۵ آگوست ۱۹۹۰

تا ساعت نُه صبح کارها را انجام دادم. گزارش‌ها را خواندم. وضع کویت و عراق بحرانی است. دکتر وحید[دستجردی، رییس جمعیت هلال احمر] و خانم دکتر [شفیقه]حبیبی

آمدند. گزارش کار در هلال‌احمر را دادند. خانم حبیبی از نرسیدن به کارخانه[سوپا؛ تولیدکننده وسایل پزشکی] گفت. [آقای‌محمد سعیدی کیا]، وزیر راه و ترابری آمد و گزارش کار داد؛ عازم ترکیه است و حمایت بیشتر می‌خواست.

آقای [محمدعلی]رحمانی از ساحفاجا[= سازمان حفاظت و اطلاعات ارتش]آمد. از بی‌توجهی تیمسار[مصطفی]ترابی،[فرمانده ساحفاجا] شکایت داشت. آقای[سید حسین] موسویان از وزارت خارجه آمد. گزارش ملاقات سفیر سوئیس- حافظ منافع آمریکا - را داد که پیام [جرج بوش]، رییس‌جمهور آمریکا را آورده بود که به نوعی اطلاع از دخالت نظامی در مسالهٔ کویت داده و خواسته بود که ایران درگیر نشود؛ می‌خواستند نظر ما را بفهمند که گفتم لازم است از طرح آمریکا مطلع باشیم تا نظر بدهیم.

آقای [علی]فلاحیان، [وزیر اطلاعات] و معاون اطلاعات خارجی آمدند. گزارش کار دادند و از عدم همکاری وزارت امورخارجه و تداخل کار با سپاه پاسداران شکایت داشتند. آقای [علی]خرّم، [مشاور وزیر امورخارجه و مسئول ستاد قطعنامه ۵۹۸]آمد. نامهٔ صدام را آورد که اصرار بر پذیرش سفر طارق عزیز، [وزیر امورخارجه‌عراق] را دارد و احتمال به‌هم خوردن مذاکرات را گوشزد می‌کند. عصر هیأت دولت جلسه داشت؛ مسالهٔ کویت و صدام و زلزله رودبار در دستور بود.

شب مهمان آیت‌الله خامنه‌ای بودم. درباره مسالهٔ کویت و عراق و نامهٔ صدام و احتمال مداخله آمریکا مذاکره شد. نظر ایشان و من متّفق بود: برای جلوگیری از دخالت آمریکا، نباید عملاً درگیر شویم و نباید اظهار رضایت کنیم.

ساحفاجا[= سازمان حفاظت و اطلاعات ارتش]، اطلاع داد که شنود مکالمات عراقی‌ها، نشان می‌دهد که صدام دستورآماده باش کامل پدافند داده و گفته است، ساعت سه بامداد، آمریکا به عراق حمله خواهد کرد.

دوشنبه ۱۵ مرداد ۱۳۶۹ | ۱۴ محرم ۱۴۱۱ — ۶ آگوست ۱۹۹۰

در خبرها، احساس تشدید فشار برعراق مشهود است. بخشی از پیش‌نویس نامهٔ جواب صدام را تهیه کردم. آقای[سیدکمال]خرازی، [نماینده دایم ایران در سازمان ملل]آمد.

دربارهٔ سیاست خارجی مطالبی گفت و برای مدارس و مساجد در آمریکا استمداد کرد.

[آقای احمدعلی نظری پور]، نماینده داراب و آقای نجفی که برای ساخت مدارس کمک می‌کنند، آمدند؛ برای مصالح ساختمانی و رفع مشکلات داراب استمداد کردند. آقای[قاسم]شعله‌سعدی، نماینده شیراز آمد. مقداری از رادیکال‌ها بدگفت و تذکراتی‌دربارهٔ امور اجرایی داد.

آقای [سیدمنصور]رضوی، [دبیرکل سازمان امور اداری و استخدامی]آمد. برای امور اداری و استخدامی مطالبی داشت. آقای[سید حسین] موسویان آمد و پیام دوم آمریکا را که از طریق سفارت سوئیس رسیده بود، آورد؛ نوعی اعلان قصد دخالت نظامی در مسالهٔ کویت است؛ می‌خواهند مطمئن شوند که ایران با آنها درگیر نمی‌شود.

[آقای عیسی کلانتری]، وزیر کشاورزی آمد. گزارش تولیدات کشاورزی و دامداری را داد که همه رشد مطلوبی دارند. دکتر حبیبی، [معاون اول رییس‌جمهور] برای امور جاری‌آمد. به آقای [علی‌محمد]بشارتی،[قائم مقام وزیر امور خارجه]، دربارهٔ مقاله‌ای که در روزنامه جمهوری اسلامی[در خصوص اشغال کویت] نوشته است، تلفنی تذکر دادم.

دکتر ولایتی از فرودگاه تلفنی اطلاع داد که از سوریه برگشته و از سفر راضی است. از فرودگاه مهرآباد، عازم جنوب خلیج فارس است. پاسخ نامهٔ صدام را تمام کردم و خدمت رهبری فرستادم که تأیید کامل کردند. عصر آقای[تورگوت]اوزال، رییس‌جمهور ترکیه تلفن کرد و از عزم مبارزه با صدام گفت و خواست که به ترکیه بروم. با مشورت رهبری، آقای[علیرضا] معیری، [مشاور امور بین‌الملل رییس‌جمهور] را برای مذاکره و اطلاع از برنامه کار اعزام کردم.

شورای اقتصاد جلسه داشت. دربارهٔ تقویت پیمانکاران صنعتی داخلی و تقویت صنایع داخلی، تصمیمات خوبی گرفتیم. اطلاع رسید باز هم نفت گران شده است. یک خط لوله نفت عراق از طریق ترکیه تعطیل شده و آقای غلام اسحاق خان، رییس‌جمهور پاکستان، خانم[بی نظیر] بوتو را برکنار کرده و مجلس ملی را منحل نموده است.

آقایان [حسن]روحانی،[دبیر شورای عالی امنیت ملی] و [محسن]رضایی،[فرمانده کل سپاه پاسداران] آمدند. درباره سیاست برخورد با عراق مذاکره کردیم. تصمیماتی اتخاذ شد. شب آقای [عباس‌واعظ]طبسی،[تولیت‌آستان قدس رضوی] برای خداحافظی آمد؛

برای معالجه عازم لندن است. تا ساعت نُه و نیم شب در دفترم کار کردم. در راه، مصاحبهٔ فرهاد[بهبهانی]، یکی از اعضای توبه‌کردهٔ جمعیت لیبرال‌ها را گوش دادم.

سه‌شنبه ۱۶ مرداد ۱۳۶۹ | ۱۵ محرم ۱۴۱۱ — ۷ آگوست ۱۹۹۰

صبح رؤسای مناطق آموزش و پرورش[تهران] آمدند؛ برایشان صحبت کردم[۱]. آقای محسن رضایی آمد. دربارهٔ مسایل جبهه‌ها و تجاوز عراق به کویت مذاکره شد؛ خیال می‌کنند طرح شوروی است.

شورای پشتیبانی نهضت سواد آموزی جلسه داشت. گزارش عملکرد مرحله اول را دادند و برای مرحله دوم که برای فعالیت در روستاها است، قول پشتیبانی گرفتند. عصر شورای عالی انقلاب فرهنگی جلسه داشت. اساسنامه جهاد دانشگاهی در دستور بود؛ اکثریت نظر مساعدی به اصل جهاد ندارند، بنابراین پیشرفت نداشت.

شب برای خواندن گزارش‌ها و اشراف بیشتر بر مسایل کویت، در دفترم ماندم؛ روزبه‌روز مسأله حادتر می‌شود. آقای[علیرضا] معیری، [مشاور بین‌الملل رییس‌جمهور]آمد و گزارش سفر به ترکیه را داد. آقای [تورگوت]اوزال، [رییس‌جمهور ترکیه]، تا دیروقت منتظر او بوده و تا ساعت یک بامداد مذاکره داشته‌اند؛ نگران بوده و گفته است لوله‌های نفت عراق را خواهد بست. خواستار همکاری ایران در فشار بر عراق شده و پیام [آقای‌جرج بوش]، رییس‌جمهور آمریکا را در همین خصوص داده است. مدعی بوده که

---

۱ - ایشان ضمن تقدیر از تلاش معلمین آموزش و پرورش گفت : «آموزش و پرورش یکی از سرنوشت‌سازترین بخش‌های کشور است و اگر کارها به‌خوبی و طبق برنامه و اهداف انجام شود، مهمترین بنیان جامعه را تحکیم خواهد کرد و پایه‌های استقلال، عظمت، رفاه، خوشبختی و سعادت نسل‌های آینده را فراهم خواهد آورد.» آقای هاشمی با اشاره به کمبود نیروی انسانی و فضای آموزشی، تأکید کرد : «جامعه دانش‌آموزان و مدیریت ما سالم است و این سلامت بزرگترین سرمایه کار است و کمبودها می‌توانند سازنده هم باشند. کمبود نیروی انسانی، معلول شرایط انقلاب و جنگ است و کشور هنوز نتوانسته شرایط مطلوبی برای معلمان فراهم آورد. در مورد کمبود حقوق معلمین، افزایش ناگهانی حقوق معلمین در شرایط کشور به صلاح آنان نیست، چون این پول موجب افزایش قیمت کالا می‌شود و ما در صددیم به‌طور هماهنگ و متناسب با افزایش تولیدات و کالا، پول به جامعه تزریق کنیم.» رجوع کنید← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های ۱۳۶۹» ، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲ .

در این مرحله، درگیری نظامی در دستور نیست، مگر اینکه عراق درگیری پیش‌آورد؛ فعلاً برنامه این است که با فشار اقتصادی و سیاسی، مسأله را فیصله دهند.

دکتر روحانی، [دبیر شورای عالی امنیت ملی]، برای توضیح اصلاحات پیشنهادی در پیش‌نویس جواب نامهٔ صدام آمد و پیشنهاد داشت که برای کشف نظر روس‌ها، سفری به شوروی بشود.

چهارشنبه ۱۷ مرداد ۱۳۶۹ | ۱۶ محرم ۱۴۱۱ — ۸ آگوست ۱۹۹۰

آقای[محسن] نوربخش، [وزیر امور اقتصادی و دارایی]، برای مسایل اقتصادی و سیاسی آمد. آقای[علی] خرّم آمد. شرح مذاکرات اخیر با برزان[تکریتی] در ژنو را داد. از پیشنهاد ما مبنی بر اعلان پذیرش معاهده ۱۹۷۵ الجزایر، قبل از سفر به تهران ناراحت شده‌اند و پیشنهاد ملاقات فوری وزیران نفت دو کشور، در تهران یا جای دیگر را داده اند.

آقای [عبدالله]نوری، وزیر کشور برای مسایل زلزله‌زدگان و امور کشوری آمد و از وزیران بهداشت و آموزش و پرورش و عدم هماهنگی در انتخاب مدیرکل‌ها، گله داشت. جمعی از مسئولان گسترش تعاونی‌ها آمدند. از پیشرفت کارها گزارش دادند و برای توسعهٔ کار استمداد کردند. خواستار وزارت شدن بخش تعاون بودند. ملاقات آقای [حمید]میرزاده را برای رسیدگی به مسایل مربوط به بحران منطقه، لغو کردم.

نیروهای نظامی آمریکا وارد عربستان سعودی شده‌اند. نامهٔ جواب به صدام را تکمیل کردم[1]. در جلسه هیأت دولت شرکت نمودم، ولی زودتر به دفترم آمدم. قرار بود امروز

---

۱ - متن کامل پاسخ آقای هاشمی به نامه صدام حسین رییس جمهور وقت عراق، در بخش ضمایم همین کتاب چاپ شده است. در بخشی از این نامه آمده است: «لحن نامه اخیرتان مناسب با حالت لازم در جریان مذاکره نیست. لحن و زبانی به کار گرفته که در گذشته عدم کارآیی آن در رابطه با ملت مسلمان و انقلابی ما آزموده شده، و از تحلیلی درباره موضع‌گیری‌های جدید دوستان و حامیان گذشته خودتان برای قانع کردن ما استفاده شده که مناسب نیست، زیرا می‌دانید که ما در عمل همه این مراحل را آزموده‌ایم و از سر گذرانده‌ایم و ثابت کرده‌ایم که بیش از هر چیز روی ایمان و مقاومت و حمایت مردم حساب می‌کنیم و قهر و لطف دیگران را دارای آن چنان ارزشی نمی‌دانیم که برنامه زندگی و موضع‌گیری‌ها و تصمیمات مهم را براساس آن قرار دهیم. ما به دنبال استفاده از شرایط فعلی نیستیم و جز حقوق مشروع و قانونی خود چیز دیگری را نمی‌خواهیم. چیزی که در همه مراحل مذاکرات روی آن تأکید داشته‌ایم.» رجوع کنید← کتاب «دوازده نامه»، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۸۶.

عصر، [جرج]بوش و صدام[حسین، رؤسای جمهور آمریکا و عـراق] سـخنرانی مهـم داشته باشند. بوش، اعلان رسمی اعزام نیرو برای جلوگیری از شرارت صـدام را گفـت و تـصریح کرد نیرو برای دفاع از عربستان به‌کار گرفته می‌شود و نـه پـس گـرفتن کویـت؛ عـراق هـم اعلان داشت که کویت را ضمیمه عراق کرده است.

شب، شورای مرکزی [جامعه]روحانیت مبارز[تهران]، جلسه داشـت. لیـست نامزدهـای انتخابات مجلس خبرگان در دستور بود که تصویب شد. عفت و بچه‌ها برای شام و خـواب به دفترم آمدند. دیروقت خوابیدند.

پنج‌شنبه ۱۸ مرداد ۱۳۶۹ | ۱۷ محرم ۱٤۱۱ ۹ آگوست ۱۹۹۰

آقای[احمد]احمدی، معاون خارجی وزارت اطلاعات آمد. از اهمیت اطلاعات بـرای نظـام گفت و از کم توجهی به اطلاعات و مـشکلات‌شـان بـا وزارت امـور خارجـه گلـه داشـت. آقای[ابوالفضل]توکلی بینا، [مشاور رییس‌جمهور در امور بازرگانی واصـناف]، بـرای امـور اصناف و حمل و نقل آمد.

تیمسار [سرتیپ‌حسین]حسنی‌سعدی، [فرمانده نیروی زمینی ارتش]آمد. گزارش جبهه‌ها را داد و برای امور آسایش ارتش استمداد کرد. آقای مجیـد انـصاری آمـد. از عـدم توجـه رهبـری بـه رادیکـال‌هـا، مجلـس و مـسایل مجلـس خبرگـان انتقـاد داشـت. مـن هـم از موضع‌گیری‌های آنها انتقاد کردم.

[آقـای غلامرضـا آقـازاده]، وزیـر نفـت آمـد. راجـع بـه فـروش، تولیـد و ذخیـره نفـت تصمیم‌گیری شد. عربستان با اعلان تولید دو میلیون بشکه اضافی، قیمت نفت را کـه در اثـر بحران عراق و کویت بالا رفته بود، پایین آورده؛ لابد به دستور آمریکا بوده است.

عصر آقای [علی]شمس اردکانی، [رییس منطقه آزاد قشم]، برای طـرح عمـران جزیـره قشم آمد؛ بناست ایشان را مسئول نمایم. دکتر ولایتی، [وزیـر امـور خارجـه]آمـد. گـزارش سفر به سوریه، عمان، امارات، قطـر و بحـرین را داد و گفـت، آنهـا خیلـی از موضـع ایـران ممنون هستند و به حُسن روابط، اظهار علاقه می‌کنند و از صدام، خشمگین و از کمک‌های گذشته به عراق، پشیمان‌اند.

عصر همراه بچه‌ها به خانه آمدم. [آقای سیدحسن فیروزآبادی]، رییس ستادکل [نیروهای مسلح] اطلاع داد که سازمان ملل می‌گوید که یک کشتی از بصره به طرف ام‌الرصاص می‌آید؛ گفتم درگیر نشوند؛ بعداً معلوم شد کشتی با باد و جزر و مد جابجا می‌شده است.

جمعه ۱۹ مرداد ۱۳٦۹ | ۱۸ محرم ۱٤۱۱ ۱۰ آگوست ۱۹۹۰

در خانه بودم. وقت به مطالعه و استراحت گذشت. عصر احمدآقا آمد. دربارهٔ مسایل کویت و عراق مذاکره شد. گفت بعضی پیشنهاد دارند که با عراق بسازیم؛ قرار شد این موضوع در جلسه فردا مورد بحث قرار گیرد. مسایل کویت و عراق در گزارش‌ها و اخبار، در صدر است.

شنبه ۲۰ مرداد ۱۳٦۹ | ۱۹ محرم ۱٤۱۱ ۱۱ آگوست ۱۹۹۰

بحران خلیج فارس رو به توسعه است. صبح، آقای میرزاده، [معاون اجرایی رییس‌جمهور] برای امور جاری، بازسازی و مسایل مربوط به منطقه آزاد کیش آمد. آقای[عبدالله] نوری، [وزیر کشور]آمد. دربارهٔ مسایل زلزله‌زدگان، مبارزه با مفاسد اجتماعی، طرح ادغام نیروهای انتظامی، مسایل خلیج فارس، صدام، کویت و نیروهای خارجی در منطقه مذاکره شد.

آقای الهی، [معاون فرهنگی بنیاد شهید]آمد؛ عازم کنفرانس مذاهب و ادیان در آمریکا است که از سوی کلیسا برگزار می‌شود؛ مشورت کرد. آقای [سیدحسین]موسویان آمد. گزارش مذاکره با سفیر سوئیس و نیز ملاقات با سفیران غربی را داد؛ همهٔ آنها از ایران انتظار دارند، علیه صدام، بیش از وضع موجود فعال شود؛ نوعی پیشنهادِ دادنِ تسلیحات و حمایت در سازمان ملل، در جهت اجرای قطعنامه می‌کنند. آقای موسویان، به‌خاطر اعلان مبادلهٔ پیام بین ایران و آمریکا، اعتراض کرده که سفیر سوئیس عذرخواهی کرده است.

ظهر آقایان [سیروس]ناصری و [علی]خرّم آمدند و گزارش مذاکرات ژنو را دادند؛

پیشرفتی نداشته و عکس‌العمل صدام در مقابل نامه ارسالی، هنوز نرسیده است. گفتند هندوجا مراجعه کرده که آمریکا و انگلیس، تصمیم برحذف صدام گرفته و روی جانشین او توافق کرده‌اند. پیشنهاد داشته که روابط انگلیس و ایران به‌زودی برقرار شود و خواسته است که قبلاً [راجر]کوپر[1] آزاد شود.

عصر شورای عالی امنیت ملی جلسه داشت. در مورد سیاست‌های برخورد با مسأله کویت و عراق و نیروهای خارجی، مذاکره و تصمیم‌گیری کردیم. قرار شد از درگیری نظامی با عراق پرهیز شود. با حضور نیروهای خارجی در منطقه مخالفت شود. آمادگی کامل نظامی، برای استفاده از فرصت‌ها حفظ شود و مذاکرات ژنو ادامه یابد. همچنین پذیرش فرستادهٔ صدام به ایران، مشروط به اعلان پذیرش معاهده ۱۹۷۵ الجزایر باشد. ضمناً تبلیغات کنترل شود و نیز مذاکره و مراوده با کشورهای جنوب و شوروی، فعال شود.

شب با احمدآقا و دکتر ولایتی[وزیر امور خارجه]، مهمان آیت‌الله خامنه‌ای بودیم. همین مصوبات مطرح و مورد تأیید ایشان قرار گرفت. دیر وقت به خانه رسیدم. پیشنهاد صدام از ژنو رسید که خواسته است آقای [سیروس]ناصری به بغداد برود و وزیر بازرگانی ایران و عراق ملاقات کنند.

یکشنبه ۲۱ مرداد ۱۳۶۹ | ۲۰ محرم ۱۴۱۱ ۱۲ آگوست ۱۹۹۰

مسئولین اداره عقیدتی سیاسی ارتش آمدند. برایشان صحبت کردم[2]؛ آقای [غلامرضا]

---

۱ - «راجر کوپر» یکی از جاسوسان سازمان اطلاعات انگلستان بود که تحت پوشش بازرگان، فعالیت های جاسوسی قبل و بعد از انقلاب داشت.

۲ - ایشان گفت : «حضور نیروهای بیگانه، منطقه خلیج‌فارس را ملتهب کرده و منطقه به شکل انبار باروت درآمده است و نگرانی‌هایی برای آینده وجود دارد.» آقای هاشمی در عین حال تجاوز عراق به‌کویت را محکوم کرد و گفت : «آنچه که در منطقه اتفاق افتاده است، جنگ انقلاب با ضدانقلاب و یا دعوای میان مرتجعین و مترقی‌ها نیست، بلکه منازعه بر سر تصرف یک گنج است و این اقدام، یکی از کارهای بسیار بد عراق بود، چرا که اصل تجاوز زشت است و هرکس می‌توانست پیش‌بینی کند که این تجاوز، حضور نیروهای بیگانه را در پی خواهد داشت.» ایشان با اشاره به اهمیت استراتژیک منطقه خلیج‌فارس گفت : «این منطقه تأمین کنندهٔ اصلی انرژی جهان است و دنیا به این منطقه وابسته است و به سادگی نمی‌تواند از آن صرف‌نظر کند و تنها کشوری که می‌توان بر روی اقتدار آن حساب کرد ایران است و ما باید برای حفظ امنیت منطقه، منابع و انقلاب خود، همواره آمادگی نظامی و قدرت دفاعی خویش

صفایی، [رییس عقیدتی سیاسی ارتش]، برای امکانات کار استمداد نمود. سردبیران جراید و [آقای محمد هاشمی]، مسئول سازمان صداوسیما آمدند. سیاست‌های نظام را در مورد برخورد با عراق و مخالفانشان در مسأله کویت توضیح دادم که در رسانه‌ها مراعات کنند؛ به سئوالات‌شان پاسخ دادم.

آقای [محمد]غرضی [وزیر پست و تلگراف و تلفن]آمد. توضیحاتی در مورد برنامه‌های توسعه مخابرات داد و تلاش کرد که موافقت من را برای گران کردن نرخ مکالمه تلفن جلب کند. عصر محسن[هاشمی، رییس دفتر بازرسی رییس‌جمهور] برای کارهای جاری کشور آمد. در جلسه هیأت دولت شرکت کردم.

سر شب دکتر روحانی، [دبیر شورای عالی امنیت ملی]، آمد و برای مسایل جاری نظرخواهی کرد. شوروی‌ها خواسته‌اند موافقت کنیم که ۴۰ هزار تبعه آنها در عراق، از طریق ایران به شوروی منتقل شوند؛ چون احتمال سوءاستفاده از هواپیما، در برگشت، برای رساندن تدارکات به عراق در جهت شکستن تحریم می‌رود؛ تأکید کردیم که به صورت زمینی از عراق خارج شوند.

شب مهمان آقای خامنه‌ای بودم. دربارهٔ مسایل جاری کشور مذاکره کردیم. قرار شد برای تعیین حدود اسلامی در برخورد با مفاسد اجتماعی و همچنین دادن تسهیلات برای اجرای دین سهله و سمحه، گروهی تشکیل دهیم که جوان‌ها مجبور به فساد نشوند. دیر وقت به خانه رسیدم.

↩را حفظ کنیم. دنیا به این حقیقت که ایران اهل تجاوز و زورگویی نیست، دست یافته است. ما برای مردم دنیا پیام داریم و به دنبال وظیفهٔ الهی - انسانی خود هستیم که این به معنای تجاوز و تعدی به‌دیگران نیست.» آقای هاشمی از نقش مسئولین تبلیغات و دوایر عقیدتی - سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران در دوران جنگ تحمیلی، در بالابردن سطح آگاهی‌های دینی، فرهنگی و سیاسی نیروهای مسلح تقدیر کرد و گفت: « این آموزش‌ها باید ادامه یابد و در اوضاع و احوال کنونی دنیا، حضور نیروهای ایثارگر در کنار نیروهای مسلح، تکلیفی قطعی است و مسئولیت شما عظیم است و شما نگاهبان نیروهای مسلح هستید.» رجوع کنید← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های ۱۳۶۹»، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲.

دوشنبه ۲۲ مرداد ۱۳٦۹ | ۲۱ محرم ۱٤۱۱ ۱۳ آگوست ۱۹۹۰

آقای [محمدعلی]شهیدی، نماینده محلات آمد. برای عقیدتی سیاسی نهاجا[= نیروی هوایی ارتش] استمداد کرد و خواست در سفر به استان مرکزی، به شهرستان محلات هم بروم. آقای [قاسم مهرزاد]صدقیانی، نماینده سلماس آمد. از رواج قاچاق در مرز ترکیه که مرتباً گوسفندان به خارج قاچاق می‌شود، انتقاد داشت. همچنین از حمله من به نق‌زدن‌ها گله کرد.

آقای[رضا] امراللهی، [رییس سازمان انرژی اتمی]آمد. برای تخصیص اعتبار جهت خرید کارخانه ساخت آب سنگین از آرژانتین استمداد کرد و از پیشرفت کار غنی‌سازی[اورانیوم] گزارش داد. دکتر[هادی] منافی، [رییس سازمان نظام پزشکی]،آمد و درباره نظام پزشکی گزارش داد.

آقای [عباس]پورمحمدی آمد. اوضاع رفسنجان را گفت و از قرار عدم تعرّض با آشیخ‌محمد [هاشمیان] گفت. از مدیرکل آموزش و پرورش کرمان شاکی بود. برای عمل جراحی مثانه عازم بیمارستان است. دکتر رجبی برای امور جاری آمد و دربارهٔ مذاکرات با صدام که قرار است از سوریه بیاید، نظرخواهی کرد.

عصر شورای اقتصاد جلسه داشت. تصمیمات مهمی درباره حمل و نقل و امور دیگر گرفتیم. شب در دفترم ماندم. عفت هم آمد. [آقای سید حسین مرعشی]، استاندار کرمان هم آمد. شام با ما خورد و دربارهٔ مسایل کرمان مذاکره شد.

سه‌شنبه ۲۳ مرداد ۱۳٦۹ | ۲۲ محرم ۱٤۱۱ ۱٤ آگوست ۱۹۹۰

دانشجویان ایرانی مقیم خارج از کشور که برای دیدار به ایران آمده‌اند، همراه با وزیران بهداشت و آموزش عالی آمدند. آقای واعظ‌زاده گزارش برنامه اردوها را داد و من هم برایشان صحبت کردم[1]. حدود ۲۰ هزار نفر تحت پوشش هستند که حدود پانصد نفرشان

---

۱ - ایشان با اشاره به‌اینکه دوران سخت سپری شده است، خطاب به دانشجویان گفت : «یکی از مشکلات برنامه پنجساله، کمبود نیروی انسانی در همه رشته‌ها است؛ البته پذیرش دانشجو در دانشگاه‌ها افزایش یافته و تحصیل ←



سخنرانی در جمع دانشجویان خارج از کشور

آمده‌اند.

آقای [مرتضی]مقتدایی، رییس دیوان عالی کشور آمد. گزارش وضع کار را داد؛ مدعی است سرعت عمل [در قوه قضاییه]بیشتر شده است. دربارهٔ تعزیرات حکومتی و مبارزه با عوامل پخش مواد مخدر مذاکره شد.

[آقای‌رینالدو فیگوردو]، وزیر امورخارجه ونزوئلا آمد و در مورد [نحوهٔ اقدام در مقابل]افزایش تولید نفت بعضی از اعضای اوپک، برای جایگزینی نفت قطع شدهٔ عراق و کویت با هدف جلوگیری از بحران در بازار نفت، مشورت کرد. بر ضرورت حفظ وحدت

دانشجویان در خارج از کشور امیدبخش است، همچنین در صورت نقد شدن منابع کشور، وابستگی به خارج بسیار کم خواهد شد. تنها با کمی صبر و تحمل مشکلات به‌خوبی می‌توانیم کمبود نیروی انسانی را برطرف کنیم و با ساخت زیربنای اقتصاد کشور در طول دو برنامه پنجساله در پایان دهه سازندگی، کشوری خودکفا و از هر جهت مستقل تحویل نسل آینده بدهیم.» آقای هاشمی با اشاره به مساعد بودن زمینه‌های فعالیت درکشور، از دانشجویان خارج از کشورخواست با جدیت دوره‌های تخصصی را تمام کنند و به‌کشور خود بازگردند و در فرصت به‌دست آمده، دِین خود را به مردم میهن اسلامی‌شان در بازسازی کشور ادا نمایند. رجوع کنید← کتاب «هاشمی‌رفسنجانی، سخنرانی‌های ۱۳۶۹»، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲.

اوپک و احترام به مصوبات آن تأکید کردم و گفتم ترجیح دارد دنیا از ذخایر نفت خود استفاده کنند تا تضعیف اوپک پیش نیاید[۱].

[آقای جولیو صیدو]، وزیر امورخارجه گینه بیسائو، همراه با وزیر دیگری آمد. درباره توسعه روابط صحبت شد. هر دو وزیر، پیام رییس‌جمهورشان را آورده بودند. دکتر ولایتی، [وزیر امورخارجه]، قبل از ملاقات‌ها تذکراتی داد.

عصر [آقای سید احمد جعفری]، امام جمعه زرند آمد. اوضاع منطقه را گفت و از تحرکات محافظه‌کاران انتقاد داشت. دکتر روحانی[دبیر شورای عالی امنیت ملی]آمد. دربارهٔ مسایل کویت و عراق مذاکره شد. آقای [علی] خرّم، [مسئول ستاد قطعنامه ۵۹۸ در وزارت امور خارجه]، تلفنی اطلاع داد که سفیران ژاپن و کانادا برای استمداد از ایران در مورد محاصره عراق آمده بودند؛ گفته شده اگر غرب برای اجرای قطعنامه ۵۹۸ کاری نکند، ممکن است ایران از ابتکارهای اخیر عراق استفاده کند.

دکتر ولایتی، تلفنی از مذاکرات خود با [آقای یوسف بن علوی]، وزیر امورخارجه عمان گفت که پیشنهادهایی در جهت همکاری ما علیه عراق داشتند. شب، مجمع تشخیص [مصلحت نظام]، برای اصلاح قانون کار جلسه داشت. از ژنو خبر دادند که صدام جواب نامهٔ من را داده و شرایط ما را پذیرفته است[۲]؛ می‌خواستند یکسره به تهران بیایند.

---

۱ - در این ملاقات وزیر امورخارجه ونزوئلا گفت: «ما از آثار اقدام عراق که یکبار دیگر در منطقه رخ می دهد، به شدت نگران هستیم و برای حفظ اهداف استراتژیکی که در داخل سازمان اوپک داریم، تصمیم گرفتیم با چند کشور عضو که احساس مسئولیت می‌کنند، مشورت کنیم و وحدت موجود در اوپک را حفظ کنیم تا برای تولید نفت و مقابله با وضعیت جدیدی که در خلیج فارس به وجود آمده یک تصمیم واحد و هماهنگ بگیریم. سپس آقای هاشمی گفت: «ما فکر می کنیم ذخیره نفت دنیا برای چنین روزهایی است و دنیا نباید برای جبران کاهش تولید، به اوپک فشار بیاورد. ما معتقدیم اعضای اوپک حق ندارند به نفع نفتخواران جهانی، به مردم کشورشان خیانت کنند. اگر دنیا این ذخیره را نداشت، تکلیف دیگری داشت، ولی حال که دارای ذخیره است، باید از ذخیره خود مصرف کند. اوپک باید وحدت خود را حفظ کند و تکروی هم خیانت به اوپک است و در نهایت هم به ضرر تکروها خواهد بود.»

۲ - صدام در این نامه که سند پیروزی ایران و شکست عراق است، نوشته بود: «با پیشنهاد شما، ناظر بر لزوم مبنا قراردادن عهدنامه ۱۹۷۵، موافقت می‌شود. ما آماده‌ایم هیأتی را به تهران اعزام کنیم و یا هیأتی از سوی شما به بغداد سفر کند تا ضمن تهیه موافقت‌نامه‌های مربوطه، موجبات امضای آن را در سطحی که مورد توافق قرار می‌گیرد، فراهم نمایند. به نشانهٔ حُسن نیت، ما عقب‌نشینی خود را آغاز کرده و به جز یک نیروی سمبلیک، نیروهای خود را از مناطق رویاروی شما در طول مرز فرا خواهیم خواند. مبادلهٔ فوری و همه جانبه اسرای جنگ، به هر تعدادی که در عراق و ایران در اسارت به سر می‌برند، صورت خواهد گرفت. ما آغازگر این اقدام خواهیم بود و از روز جمعه به آن ←

چهارشنبه ۲٤ مرداد ۱۳٦۹ | ۲۳ محرم ۱٤۱۱ ۱۵ آگوست ۱۹۹۰

[آقای عُمر سی]، وزیر امورخارجه گامبیا آمد. ملاقات تشریفاتی و حرف‌ها معمولی بود.[آقای غلامرضا آقازاده]، وزیر نفت آمد. از قیمت و تولید نفت راضی است؛ برای عدم تولید اضافیِ اعضای اوپک تلاش می کند؛ خودمان مقداری اضافه تولید می کنیم که برای شرایط احتمالی بحرانی‌تر ذخیره می‌شود.

آقای [مهدی]نصیری، مدیر[روزنامه]کیهان آمد. مراحل اختلاف خودش را با آقای [محمد]اصغری، [مدیرمسئول سابق کیهان] و آقای[سیدمحمد]خاتمی، [مدیر موسسه کیهان و وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی] که منجر به ابقای او از سوی رهبری شده، تعریف کرد و از سیاست مطبوعاتی خودش دفاع نمود.

خبر رسید که رادیو بغداد، نامۀ صدام حسین به من را خوانده و صدام در این نامه خواسته‌های ما را پذیرفته است؛ حدس دیشب درست درآمد. سیل تلفن‌های تبریک راه افتاد؛ پیروزی مهمی است و حاکی از تصمیم عراق به مقاومت در کویت در مقابل آمریکاست که به ما امتیاز داده است. از صبح زود، خبر اعلان اقدام سخاوتمندانه‌ای در ارتباط با ایران را داده بودند و ما منتظر بودیم.

[آقای یوسف بن علوی]، وزیر امورخارجه عمان به ملاقات آمد ؛ از شنیدن خبر قبول خواست‌های ما که برای آنها نشان از ادامه بحران در جنوب خلیج فارس است، خیلی دمغ شده بود. از همکاری ما با عراق نگران بود؛ گفتم در مورد موضوع تجاوز به کویت همکاری نخواهیم کرد و برای خروج از کویت پافشاری می کنیم. خبر داد که عربستان

مبادرت خواهیم کرد. برادر علی اکبر هاشمی رفسنجانی، رییس جمهور؛ با این تصمیمِ ما، دیگر همه چیز روشن شده و بدین ترتیب همۀ آنچه را که می‌خواستید و بر آن تکیه می کردید، تحقق می‌یابد و دیگر اقدامی جز مبادلۀ اسناد باقی نمی‌ماند، تا با هم از موضع مسئولیت، نظاره‌گر واقعی حیات جدیدی سرشار از تعاون در سایه اصول اسلام باشیم، حقوق یکدیگر را محترم شمرده و بدین وسیله کسانی را که سعی می کنند از آب گل آلود ماهی بگیرند، از سواحل خود دور کنیم و چه بسا در جهاتی همکاری کنیم که در نتیجه آن خلیج [فارس] به دریاچه صلح و امنیت و عاری از ناوگان‌ها و نیروهای بیگانه که در کمین ما نشسته‌اند، مبدل شود. مضافاً اینکه همکاری مزبور، می‌تواند شامل جنبه‌های دیگر زندگی شود. الله اکبر و لله الحمد»

سعودی و سایر کشورهای جنوب خلیج فارس، شایق به اصلاح روابط خود با ایران هستند و رییس‌جمهور آمریکا هم با سلطان عمان، در این خصوص و بررسی راه حل مشکل و روابط با ایران، ۴۵ دقیقه حرف زده و خواستار کمک به آزادی گروگان‌های آمریکایی از طرف ماست؛ گفتم نوبت اقدام آمریکا است.

عصر هیأت دولت جلسه داشت. همه از پذیرش شرایط ما توسط عراق خوشحالند و آن را پیروزی مهمی می‌دانند. شورای‌عالی امنیت ملی جلسه داشت. تصویب شد که اجازه بدهیم هیأت عراقی، بتوانند از یکشنبه آینده به ایران بیایند. شب برای تمشیت امور اسرا که بناست آزاد شوند، در دفترم ماندم.

پنج‌شنبه ۲۵ مرداد ۱۳٦۹ | ۲٤ محرم ۱٤۱۱ — ۱٦ آگوست ۱۹۹۰

عفت برای صبحانه، پسته تازه نوبرانه آورده بود. ساعت نُه صبح، [آقای مهدی معین‌فر]، سفیر جدیدمان در ایرلند، برای مشورت و خداحافظی آمد و خواست که مسأله خرید گوشت از ایرلند که در اثر شایعه مریضی گاوهای ایرلند قطع شده است، تجدید شود.

[آقای تورگوت اوزال]، رییس‌جمهور ترکیه تلفنی صحبت کرد. از خبر حل اختلافات ایران و عراق نگران است. گفتم صلح ما، سیاست ثابت ایران را در خصوص محکومیت اشغال کویت عوض نکرده است و آمادهٔ همکاری برای اجبار عراق به عقب‌نشینی هستیم. گفت وزیر خارجه‌اش را به‌زودی به ایران می‌فرستد.

[آقای احمد کنعانی]، سفیر ایران در ماداگاسکار آمد. گزارش داد و برای ساخت مسجد برای تازه مسلمانان که گروه گروه به اسلام می‌پیوندند، استمداد کرد. آقای [قربانعلی]درّی[نجف‌آبادی، نماینده مجلس خبرگان و رییس هیات مرکزی گزینش] آمد و از حمله‌هایی که اخیراً در جراید علیه آیت‌الله منتظری می‌شود، گله کرد؛ گفتم این کارها برخلاف سیاست ما است. آقای [علی]خرّم آمد. متن نامه اخیر صدام را که خواسته‌های ما را پذیرفته است، آورد و گفت در سازمان ملل به عنوان سند پخش شده و ضمناً غربی‌ها به شدت نگرانند که همکاری ایران و عراق، کار مبارزه با صدام را مشکل‌تر کند.

" بسمه تعالی "

حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای هاشمی رفسنجانی
رئیس جمهور محترم

نظر به اهمیت هماهنگی اقدامات مربوط به ایثارگران آزاده که پس از سالها پایمردی و استقامت اکنون به میهن عزیز اسلامی خود بازمی‌گردند و ضرورت پشتیبانی همه‌جانبه‌ی دولت بدینوسیله از حضرتعالی درخواست میگردد دستورات اکید به کلیه دستگاههای اجرائی برای انجام این وظیفه‌ی خطیر و مهم را صادرفرمائید.

با تقدیم احترام — عباسعلی وکیلی
مسئول ستاد رسیدگی به امور آزادگان

جناب آقای وکیلی
کلیه دستگاه‌های اداری و سازمان‌ها و نهادها مکلفند
جهت همکاری، در جنب فعالیت‌های خود، با ستاد رسیدگی به امور
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

دستور اکید رییس جمهور به کلیه سازمان ها و نهاد ها برای همکاری با ستاد رسیدگی به امور آزادگان

تلفنی مصوبات دیروز شورای‌عالی امنیت را به اطلاع آقای خامنه‌ای رساندم و قرار شد به عراق اطلاع دهیم که بتواند از یکشنبه هفته آینده هیأت بفرستند. قرار شد تأکید کنیم که موضع ما در مورد کویت، تغییر ناپذیر است.

اعضای هیأت امنای دانشگاه شاهد جلسه داشت. آیین نامه‌ها و شرایط دانشجویان و درصد دانشجویان شاهد و میزان شهریه تصویب شد. سلمانی برای اصلاح آمد. عصر [آقای عبدالحلیم خدام، معاون اول رییس‌جمهور سوریه و] هیأت سوری به ملاقات آمد. با آقای فاروق الشرع، [وزیر امورخارجه سوریه] درباره شرایط جدید منطقه بحث طولانی شد. از توافق ما با عراق نگران هستند و معتقدند صدام حذف می‌شود. دستور دادم نامهٔ اخیرم به صدام، به خاطر روشنگری‌های آن در رفع ابهام‌ها، در صداوسیما خوانده شود.

امروز در مورد برنامهٔ آوردن اُسرایی که بناست آزاد شوند و برای تنظیم برنامه‌های لازم دربارهٔ استقبال از اسرا، وقت زیادی صرف کردم؛ قرار شد آقای میرزاده، [معاون اجرایی رییس‌جمهور]، ستاد مسئول را پشتیبانی کنند. عصر به خانه آمدم.

جمعه ۲۶ مرداد ۱۳۶۹ | ۲۵ محرم ۱۴۱۱ — ۱۷ آگوست ۱۹۹۰

در خانه بودم. مراجعات تلفنی بیشتر مربوط به اسرا بود که امروز آزادی آنها شروع شده است. متنی نوشتم که برای خیرمقدم آنها خوانده شود[۱]. احساسات مردم خیلی خوب است؛ حالت جشن پیروزی بر کشور حاکم است.

---

۱ - در این پیام آمده است: «آزادگان پرافتخار، مقدم پُربرکت‌تان را گرامی می داریم . مراجعت پیروزمندانه و افتخارانگیزتان مایهٔ سرور و شادمانی میلیون‌ها دل منتظر گردیده است. با ورود پیشقراولان عزیزترین کاروان اسلامی و انقلابی‌مان، امروز شاهد تحقق وعده‌های نصر الهی و به ثمر نشستن شجره طیبه جهاد در راه خدا و تبلور آرزوها و پیش‌بینی های بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و نشانهٔ طراوت لاله زارهای همسنگرانتان هستیم... تاریخ اسلام به شما شیران دربند که با سلامت ایمان و آگاهی، با تحمل مشکلات دوران اسارت، دشمن را به عجز و اعتراف و استوارقدمی‌تان وادار کردید و سرانجام با افتخار و عظمت و سرافرازی به پایگاه انقلاب برمی گردید، می‌بالد و بی‌شک ارواح مقدس همسنگران شهیدتان، از این جهت که پاسداری از خون‌های مقدس‌تان را ادا کردید، از شما راضی‌اند و هماهنگ با امت اسلامی برای شما دعا می کنند.» رجوع کنید← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های ۱۳۶۹»، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲.



ملاقات با معاون رییس جمهور و وزیر امور خارجه سوریه



در گزارش‌ها، شکست ملک‌حسین[پادشاه اردن] از سفر به آمریکا، برای تبدیل موضع آمریکا[در عدم درگیری با صدام] جلب توجه می‌کند؛ بعضی‌ها به این امید بسته بودند. عصر احمد آقا آمد. در مورد متن نامه صدام و دربارهٔ آینده عراق صحبت شد.

شنبه ۲۷ مرداد ۱۳۶۹ | ۲٦ محرم ١٤١١ ۱۸ آگوست ۱۹۹۰

عراقی‌ها رسماً اعلان کرده‌اند که اهالی کشورهای خارجی را در مراکز حساس که احتمالاً هدف حمله آمریکایی‌ها است، برای جلوگیری از حمله، پخش کرده‌اند و این موضوع را به اتباع خارجی هم اعلان نموده‌اند که باعث عکس‌العمل‌های تند در دنیا شده است. این کار قدمی است به طرف بحرانی‌تر شدن اوضاع، ضمن اینکه مشکلی برای غربی‌ها است.

آقای دکتر[محمدعلی]نجفی، [وزیر آموزش و پرورش] آمد و برای نیازهای آموزش و پرورش استمداد کرد. دکتر [حسن]حبیبی آمد و گزارش برنامه ورود اسرا و نیازها را داد. آقای [علی اکبر]ناطق نوری آمد. در مورد انتخابات مجلس خبرگان صحبت شد.

آقای ولید جنبلاط، [رهبر دروزی‌های لبنان] آمد. از حضور گسترده آمریکا در منطقه و جنگ امل و حزب‌الله در لبنان اظهار نگرانی کرد و برای نیازهای حزبش استمداد نمود. به سازمان برنامه و بودجه گفتم اعتبار مخارج اسرای آزاد شده را تأمین نمایند.

شورای‌عالی امنیت ملی، در حضور آیت‌الله خامنه‌ای جلسه داشت. قرار شد هیأت عراقی را بپذیریم، ولی ترکیب هیأت سیاسی باشد، نه اقتصادی و کمک به رفع محاصره نکنیم. همچنین بند ۶ قطعنامه ۵۹۸ [در مورد معرفی آغازگر جنگ] را فعلاً لغو نکنیم. اگر بیانیه صلح خواستند، موافقت کنیم. همچنین ایرانی‌های مقیم کویت را بپذیریم.

فرانسه پیغام داده است، چه انتظاری از سازمان ملل برای قطعنامه ۵۹۸ داریم. تا ساعت هشت و نیم شب در دفترم کار کردم و به خانه آمدم.

یکشنبه ۲۸ مرداد ۱۳۶۹ | ۲۷ محرم ١٤١١ ۱۹ آگوست ۱۹۹۰

بحران عراق و کویت وارد مرحله تازه‌ای شده‌است. عراق اتباع کشورهای خارجی و

مخصوصاً غربی را گروگان گرفته و در مراکز حساس جای داده است. آمریکا به سوی دو کشتی نفتی عراق، شلیک هشداردهنده کرده است.

[آقای محمدنبی حسن‌پور]، سفیر جدیدمان در کشور گابُن، برای خداحافظی و مشورت آمد. آقای[محسن] قرائتی آمد. نامه‌ای از رهبری، مبنی بر سفارش پذیرش پیشنهاد مدرسه عالی تربیت دبیر معارف دینی در قم، از سوی وزارت فرهنگ و آموزش‌عالی آورد؛ به دکتر[مصطفی]معین، [وزیر فرهنگ وآموزش عالی]، دستور دادم. [آقای‌قرائتی]، خبر داد که آیت الله خامنه‌ای برای استفاده از نیروهای مشمول و وسایل نقلیهٔ نیروهای مسلح برای نهضت سوادآموزی، موافقت کرده‌اند.

آقای‌راشدالغنوشی، رهبر نهضت اسلامی تونس آمد. وضع نهضت‌های اسلامی شمال قاره آفریقا را گفت؛ راضی است. خواست که نگذاریم صدام ساقط شود. [آقای‌علی‌بوذر]، وزیر امورخارجه ترکیه برای ملاقات آمد. راجع به اعمال تحریم‌ها علیه عراق مذاکره شد؛ نگرانند که ایران تحریم‌ها را مراعات نکند؛ گفتم مراعات می‌کنیم. نیاز ترکیه به نفت ایران زیادتر شده است.

دکتر[محسن] نوربخش، [وزیر امور اقتصادی و دارایی]آمد. گفتم برای وفور مصالح ساختمانی و کامیون برای حمل و نقل و مخصوصاً وسایل لوله‌کشی گاز اقدام کنند. عصر هیأت دولت جلسه داشت. پنج میلیارد تومان برای مخارج اُسرای آزاد شده تصویب شد. برای استقبال اسرای آزاد شده، به فرودگاه [مهرآباد]رفتیم. سرودی خواندند؛ من هم خیرمقدم گفتم و تمجیدشان نمودم[1].

---

۱ - آقای هاشمی، با قدردانی از صبر و استقامت آزادگان، خطاب به‌آنان گفت : «ما به شما به عنوان ذخیره‌های انسانی که حامی انقلاب هستند، نگاه می‌کنیم و امروز که شما به‌کشور وارد می‌شوید، قلب مردم شاد و دل‌ها راضی است و می‌بینید که جهادتان بی‌نتیجه نمانده است. برای ما و جهان اسلام، لحظه باشکوهی است، لحظه‌ای که سال‌های طولانی در انتظار آن بودیم. خداوند را شکر می‌گوییم که این لحظه را با پیروزی، قبول خواسته‌هایی که شما به‌خاطر آنها جهاد کردید، اسیر شدید، زندان کشیدید و تحمل رنج و مشقت نمودید، هماهنگ کرد. با شروع آزادی شما عزیزان دربند، ملت ما یکپارچه شور و شعف شد و شما در زندان‌های عراق، نمی‌دانستید که قلب و دل ملت خودتان، برای شما چگونه می‌تپد. بعد از پذیرش قطعنامه، مهمترین چیزی که ما نگران بودیم، وضع شما در اسارت بود. کسانی بودند که فکر می‌کردند به‌خاطر نجات و آزادی شما، باید امتیاز داد که شما زود برگردید؛ اما آنانی که با اصول انقلاب و راه امام و خواسته‌های شما موافق بودند، این را نمی‌پسندیدند. خداوند این صبر را به نتیجه رساند و امروز که شما به‌کشور وارد می‌شوید، جهادتان بی‌نتیجه نمانده است، زیرا دنیا، ناگزیر حق را قبول کرد و به‌ما داد. متأسفیم، ←

با آیت‌الله خامنه‌ای جلسه داشتیم. دربارۀ آیندۀ عراق، احتمال تجزیه، ماندن صدام و یا حاکم دیگر و عکس‌العمل ما در هر یک از سه احتمال مذکور بحث شد و با آمدن وزیرامورخارجه کویت به ایران موافقت شد. دیر وقت به خانه آمدم.

دوشنبه ۲۹ مرداد ۱۳۶۹ | ۲۸ محرم ۱۴۱۱ — ۱۹ آگوست ۱۹۹۰

ساعت هفت و نیم صبح به دفترم رسیدم. حرکت آزادگان از فرودگاه مهرآباد به‌سوی مرقد امام تاخیر داشت و مردم در خیابان‌ها منتظر بودند؛ استقبال عظیمی است. بالاخره به‌خاطر ازدحام نتوانستند از خیابان‌های مسیر بروند و باعث ناراحتی مردم منتظر شد.

[آقای صاحب‌زاده یعقوب‌خان]، وزیر امورخارجه پاکستان آمد.



ملاقات با وزیر امور خارجه پاکستان

«موقعی که شما برمی‌گردید، امام بزرگوار در بین ما نیست. ما و خودتان می‌دانیم که امام سخت مشتاق دیدار شما بود ولی تحقیقاً روح بزرگوار امام، شاهد مراجعت پیروزمندانه شماست. هم‌اکنون یکی از شاگردان امام که خود امام به‌ایشان علاقه داشتند، جای امام هستند و راه‌شان را ادامه می‌دهند. مجلس قانون جامعی را تدوین کرده است که من امیدوارم بتواند گوشه چشمی از مشقت شما را تأمین کند. ما با پشتوانه مردم جنگیدیم و با حمایت شما توانستیم مقاومت کنیم و با حمایت مردم این کشور امام زمان «عج» را باید بسازیم.» رجوع کنید← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های ۱۳۶۹»، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲.

دربارهٔ بحران خلیج فارس مذاکره شد. اعزام نیرو به عربستان‌سعودی را توجیه کرد و خواستار کمک ما برای انتقال پاکستانی‌ها از عراق به پاکستان شد. دکتر ولایتی، [وزیر امور خارجه]آمد و برای سفر به شوروی مشورت کرد؛ قرار شد سفر را چند روزی به تأخیر بیاندازد، چون معلوم شد امروز سعدون حمادی از عراق به مسکو رفته است؛ نخواستیم در یک زمان آنجا باشند.

آقایان [محمدتقی]مصباح یزدی، [عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم] و [محمود] محمدی عراقی، [نماینده ولی فقیه در سپاه پاسداران]آمدند. از مواضع دولت و من تقدیر داشتند و برای اعزام جمعی از فضلا به آمریکا برای شرکت در یک کنفرانس فلسفی، و همچنین برنامه تربیت طلاب به سبک روز، برای تدریس در دانشگاه‌ها، مشورت و استمداد کردند[1]. [آقای محمد بلو]، رییس قوه قضاییه نیجریه برای ملاقات آمد و نامهٔ [آقای ابراهیم بابانگیدا]، رییس‌جمهورشان را آورد و گفت برای مطالعه در سیستم قضایی اسلامی ایران آمده است؛ از جریان اسلامی‌تر کردن نیجریه راضی است.

آقای [محسن]رفیق‌دوست، [رییس بنیاد مستضعفان و جانبازان]آمد و برای فروش عتیقه‌جات بنیاد و وارد کردن اجناس استمداد کرد. عصر شورای اقتصاد جلسه داشت؛ تصویب کردیم پنج هزار کامیون و قطعات یدکی با ارز ترجیحی وارد کشور شود. در جلسه دیدار آزادگان با رهبری شرکت کردم و صحبت کوتاهی نمودم.

سرشب آقای دکتر روحانی، [دبیر شورای امنیت ملی]آمد. گزارش نظرات گروه بررسی شورای‌عالی امنیت ملی درباره عفو را داد و گفت قرار شده هیأت عراقی روز یکشنبه آینده بیاید.

---

۱ – در این دیدار، آقای محمدی عراقی خطاب به آقای هاشمی گفت: «فرزندان امام و پاسداران سپاه اسلام، پیروزی بزرگ الهی را در سایه تدابیر جنابعالی می دانند و از صلابت و برخورد قاطع و تدابیر حکیمانه شما در برابر توطئه‌های استکبار جهانی سپاسگزاری می کنند.» آقای محمدتقی مصباح یزدی نیز ابتدا گزارشی از دوره های آموزشی تخصصی در حوزه علمیه قم، به آگاهی ایشان رساند و ضرورت گسترش این آموزش ها، به ویژه با توجه به مسئولیت های سنگین روحانیت در حوزه های علمیه را تشریح کرد. ایشان همچنین گزارشی از سفر خود به کشورهای اروپایی و آمریکایی داد و نیاز شدید و اشتیاق مسلمانان مقیم این کشورها به شناخت معارف اسلامی و نیز ضرورت اعزام روحانیون آگاه برای نشر فرهنگ اسلامی را مورد تاکید قرار داد.

سه‌شنبه ۳۰ مرداد ۱۳۶۹ | ۲۹ محرم ۱۴۱۱   ۲۱ آگوست ۱۹۹۰

آقای [محمد محمدی]ری‌شهری، [دادستان کل کشور]آمد؛ برای شرکت در کنفرانس مبارزه با جرایم، عازم کوبا است. برای سخنرانی‌اش مشورت داشت ؛ نظراتی دادم. آقای [سید منصور]رضوی، [دبیر کل سازمان امور اداری و استخدامی]آمد و برای تشکیل شورای‌عالی اداری، طرح و آیین‌نامه آورد.

دکتر [محمدحسین]عادلی، [رییس بانک مرکزی]آمد. گزارش ارزی و حجم گشایش اعتبارات اسنادی ارزی در پنج ماه اول سال جاری را داد که حدود دوازده میلیارد دلار است. اقدامات اصلاحاتی بانک مرکزی را داد؛ بر سیاست وفور مصالح ساختمانی و وسایل حمل و نقل[عمومی بار و مسافر]تأکید کردم. عصر شورای‌عالی انقلاب فرهنگی جلسه داشت. سرشب در دفتر تا ساعت هشت و نیم کار کردم و اخبار و گزارش‌ها را گرفتم؛ به نظر می‌رسد فشار برعراق، اوج می‌گیرد.

چهارشنبه ۳۱ مرداد ۱۳۶۹ | ۳۰ محرم ۱۴۱۱   ۲۲ آگوست ۱۹۹۰

آقای[علی]آقامحمدی آمد. گزارش کرد که معارضین کُرد عراقی، بنا دارند در صورت امکان با دولت عراق آشتی کنند. خواست که سیاست‌های جاری را برای نمایندگان مجلس توضیح بدهم. جمعی از فرزندان شهدا آمدند. برایشان صحبت کردم[۱] و به خاطر احساس ناراحتی که در آنها، در اثر آمدن اُسرا، ممکن است به‌یاد پدران‌شان بروز کند،

---

۱ - در این دیدار که صدها تن از فرزندان شاهد استان های کردستان، همدان، هرمزگان و کرمان حضور داشتند، آقای هاشمی با اشاره به ورود آزادگان به میهن اسلامی و جشن و شور و شعف در کشور گفت: « پیروزی افتخارآفرین ایران ، ثمره جان‌فشانی شهدا و مقاومت ملت است. هیچکس به اندازه شهدا در تحقق این روزها و پیروزی‌ها سهم ندارد و آزادگان عزیز، جامعه و امت حزب‌الله، باید محور جشن و سرور را گلزارهای شهدا بگذارند و آزادگان عزیز، باید ضمن تبریک این پیروزی ها به ارواح طیبه شهدای عزیز از آنان تشکر کنند. ما تعداد زیادی از مخلص‌ترین و پاکبازترین نیروهای خود را با انتخاب و تشخیص آگاهانه آن عزیزان، تقدیم اسلام و و قرآن کردیم و آنها با ایثار و شهادت به مقامی رسیدند که ما هرگز به آن دست نخواهیم یافت.» رجوع کنید← کتاب «هاشمی رفسنجانی»، سخنرانی‌های ۱۳۶۹ ، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲ .

دلداری زیاد دادم.

آقای [حمید]میرزاده، [معاون اجرایی رییس‌جمهور] برای امور جاری و گزارش کار آزادگان آمد. آقای [محمد]اسحاق مدنی، [مشاور رییس‌جمهور در امور اهل سنت]آمد. وضع روحانیون سنّی کردستان را گفت و خواستار توجه بیشتری به آنها شد. از جمهوری‌های سنّی‌نشین شوروی دعوت شده؛ موافقت کردم که برود. آقای[حسین]ابراهیمی، [نماینده رهبری در امور افغانستان]آمد. گزارش وضع گروه‌های شیعه افغان را داد و برای امور آنها استمداد نمود و از آقای [عبدالعلی]مزاری، [رهبر حزب وحدت اسلامی افغانستان] انتقاد کرد.

عصر برای انجام کارها به جلسه هیأت دولت نرفتم؛ دستور مهمی هم نداشتند. آقای‌آقازاده، [وزیر نفت]، تلفنی اطلاع داد که چاه گاز دریای خزر، در عمق بیش از چهارهزار متر با فشار مناسب به گاز رسیده؛ خیلی راضی است.

شب به خانه آمدم. بچه‌ها جمع بودند. امروز مبادله اُسرا با عراق از طریق هوایی هم آغاز شد. مراجعات فراوانی مبنی بر احساس خوشحالی و تبریک‌گویی به خاطر پیروزی سیاسی در مقابل عراق داریم.

شهریور ۱۳۶۹



پنج‌شنبه ۱ شهریور ۱۳۶۹ | ۱ صفر ۱۴۱۱ — ۲۳ آگوست ۱۹۹۰

بحران خلیج فارس روز افزون است. [آقای غلامرضا آقازاده]، وزیر نفت آمد. گفت بازهم قیمت نفت در حال تصاعد است و رییس الجزایری اوپک خواسته است که جلسهٔ مشورتی در وین تشکیل شود؛ پذیرفتم. در مورد آقای [محمدجواد]تندگویان[1] که ممکن است این روزها آزاد شود، پرسید؛ گفتم اگر بخواهد سمت معاونت داده شود.

هیأت الجزایری آمدند. [آقای عبدالعزیر بل‌خادم، نایب رییس مجلس ملی الجزایر]، ضمن محکوم کردن تجاوز عراق[به کویت]، از فشار غرب به عراق اظهار نگرانی کرد و از ما درخواست نمود که با کمک به عراق، در کم کردن آثار محاصره، اعتماد آنها را جلب کنیم و از این طریق، عراق را وادار به خروج از کویت کنیم.

[شیخ صباح‌الاحمدالصباح]، وزیر خارجه کویت آمد[2]. ماجرای اشغال کویت را گفت

۱- شهید محمدجواد تندگویان(۱۳۲۶- ۱۳۶۸)، وزیر نفت در کابینه شهید رجایی، در دوران دانشجویی، عضو مؤثر انجمن اسلامی دانشکده نفت بود. به علت فعالیت های ضدرژیم استبدادی، توسط ساواک دستگیر و هفت ماه در انفرادی زندانی شد. پس از پیروزی انقلاب، به دلیل مشکلات فراوان در جنوب و به ویژه در آبادان، به عنوان نماینده وزیر نفت در مناطق جنوب، به آبادان رفت. چندی بعد به سمت مدیر شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب منصوب شد. فعالیت در این سمت، تا زمان نخست وزیری شهید رجایی ادامه داشت. اقدامات او در ارتباط با ایجاد آرامش در مراکز صنعتی جنوب، مدیریت فعالیت های صنعتی و راه‌اندازی پروژه‌های نفتی باعث شد، شهید رجایی در ۱۰ مهر ۱۳۵۹ او را به عنوان وزیر نفت به مجلس معرفی کند. مهندس تندگویان در نهم آبان ۱۳۵۹ ـ درحالی که حدود یک ماه از دوره وزارت گذشته بود- برای بازدید از پالایشگاه نفت آبادان عازم منطقه بود که در جادهٔ ماهشهر- آبادان، به همراه معاون و دیگر همراهان اش به اسارت درآمد و به زندان اسیران ایرانی منتقل شد. به نقل از برخی آزادگان، وی تا مدت ها زنده بود و حتی از شکست حصر آبادان (مهر ۱۳۶۰) و آزادسازی خرمشهر (خرداد ۱۳۶۱) آگاهی یافته بود. اما از چگونگی وضعیت اسارت و نحوه و زمان شهادت او در اردوگاه‌های اُسرا، اطلاعات دقیقی در دست نیست. سرانجام پس از پایان گرفتن جنگ و تبادل اسرا میان دو کشور، پیکر شهید محمدجواد تندگویان که در اثر شکنجه در عراق به شهادت رسیده بود، به کشور بازگردانده و در ۲۵ آذر ۱۳۷۰ در قطعه ۷۲ تن بهشت زهرا به خاک سپرده شد.

۲- شیخ صباح به هنگام تسلیم پیام امیرِکویت گفت: «ما به ملت و دولت ایران، به جهت دست یافتن به حقوق حقهٔ خود و بازپس گرفتن سرزمین‌هایش براساس عهدنامه ۱۹۷۵ الجزایر و همچنین آزادی اسرای ایرانی، صمیمانه تبریک می‌گوییم. آنچه را که شما به دست آوردید پیروزی حتمی بود و اصول پایبندی به اخلاق و حقوق مشروع را به اثبات رساند.» وی همچنین از برخوردهای گذشته کویت و بیانیهٔ پایانی اجلاس وزرای اطلاعات کشورهای شورای همکاری خلیج فارس اظهار تأسف کرد و اظهار داشت که آن بیانیه، متوجه عملکرد سوء عراق بوده است.آقای هاشمی نیز در این دیدار، ضمن تأکید بر پایبندی و پیروی جمهوری اسلامی ایران از اصول خود، اظهار داشت: «موضع ما در

و مدعی شد، چند دقیقه قبل از تصرف مقر، [شیخ جابرالاحمدالصباح]امیر کویت با اتومبیل به سوی عربستان فرار کرده است. گفت اکثریت نیروی هوایی و نیمی از نیروی دریایی هم خود را به عربستان سعودی رسانده‌اند. مدعی است مقاومت شروع شده است و ارتش عراق در کویت روحیه ندارد. معتقد است به زودی درگیری آمریکا با عراق آغاز می‌شود. صدام سقوط می‌کند و احتمالاً عراق تجزیه می‌شود. به او گفتم موضع ما، همان موضع اعلام شده است. در جلسهٔ خصوصی، خواست که مشکل‌مان را با عربستان سعودی حل کنیم.

آقای [محمدرضا]مهدوی کنی آمد. از اینکه شهرداری تهران اراضی زراعی [روستای]کَن، [واقع در شمال‌غرب تهران] را به عنوان معوّض اراضی واقع در طرح‌های عمرانی تهران اعلان کرده است، شکایت داشت. همچنین خواست که به آقای آیت‌الله [سیدمحمدرضا]گلپایگانی، برای پرداخت شهریه به طلاب پاکستان ارز بدهیم و برای حفظ محافظان بعضی از شخصیت‌ها تأکید کرد.

عصر به مناسبت هفته دولت، همراه اعضای دولت، به ملاقات آیت‌الله خامنه‌ای رفتیم. من و رهبری صحبت کردیم[1]. همان‌جا نشان درجه یک فتح را به من دادند؛ پذیرفتم. مدتی پیش می‌خواستند بدهند، مناسب نمی‌دیدم، ولی با پیروزی‌های جاری، قابل قبول شده بود[2].

↵ارتباط با منطقه و آنچه که در کویت اتفاق افتاد، ثابت و تغییرناپذیر است و ایران خواهان عقب نشینی نیروهای عراقی از خاک کویت و بازگشت ثبات و آرامش به منطقه است.»

۱- آقای هاشمی گفت : «محاسبات دشمنان ما که براساس معیارهای مادی صورت می‌گرفت، اشتباه بود و اکنون پیش‌بینی‌های رهبر بزرگوار فقید اسلام، حضرت امام خمینی (رضوان‌الله‌تعالی‌علیه)را تحقق یافته می‌بینیم و دلیل آن نیز شرایط امروز ماست. هماهنگی موجود میان دستگاه‌های مختلف کشور و مسئولان اجرایی، مطلوب و رضایت‌بخش است. ما از نتایج کارمان راضی هستیم، اما مایلیم که هرچه سریع‌تر در چارچوب برنامه به‌اهداف خود دست یابیم. در زمینه مسایل اقتصادی، موفق به کاهش کسری بودجه که مایهٔ اصلی همه گرفتاری‌هاست، شده‌ایم و وضع خزانه دولت بهتر از گذشته است. در منطقه و جهان، ابتکار عمل را در اختیار داریم. ما در هیچ جا انفعالی عمل نمی‌کنیم و اکنون از انقلاب و جمهوری اسلامی، به عنوان یک محور سالم برای حفظ تعادل در منطقه نام برده می‌شود و دنیا اعتقاد پیدا کرده است که نمی‌توان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را نادیده گرفت». ایشان همچنین از وضعیت فرهنگی، فعالیت تولیدی و مبارزه با قاچاق مواد مخدر،گزارش کوتاهی را به استحضار رهبر معظم انقلاب رساند و برخورداری دولت از حمایت‌های معظم‌له را مایهٔ دلگرمی اعضای کابینه خود و مسئولان کشور دانست. رجوع کنید← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های ۱۳۶۹»، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲ .

۲ - - نشان درجه یک فتح، به جهت کسب پیروزی های متعدد در عرصه های سیاسی، نظامی، اجتماعی و اقتصادی، به آقای هاشمی رفسنجانی، فرمانده هشت سال دفاع مقدس اهدا شد. نشان ها، طبق مقررات آیین‌نامه اعطای↵

عصر به خانه آمدم.

جمعه ۲ شهریور ۱۳۶۹ | ۲ صفر ۱۴۱۱ ۲۴ آگوست ۱۹۹۰

امروز در خانه بودم. برای اقامه جمعه[۱] به دانشگاه تهران رفتم. پیش از ظهر، وقتم صرف تهیهٔ مطالب خطبه‌ها و عصر، صرف مطالعه گزارش‌ها شد. جمعی از بستگان آمدند. ظهر بچه‌ها جمع بودند.

نشان‌های دولتی، به افراد شایسته، اعطا می‌شود. نشان «انقلاب‌اسلامی» به عنوان عالی‌ترین نشان جمهوری اسلامی ایران، مخصوص رییس‌جمهور وقت است. سایر نشان ها را رییس جمهور، به پیشنهاد وزرای ذیربط و تصویب هیأت وزیران، اعطا می‌نماید.

۱- خطیب جمعه تهران ، در خطبه اول به مناسبت هفته دولت، گزارشی از عملکرد یکساله دولت سازندگی به نمازگزاران ارائه داد و به تشریح فعالیت‌های اقتصادی دولت، مسأله تورم و لزوم مقابله با آن و همچنین آمار فعالیت واحدهای اقتصادی کشور، مسأله کسری بودجه و مقایسهٔ آن با سال های قبل و همچنین کاهش نرخ تورم، تنگناهای حمل و نقل و مصالح ساختمانی پرداخت. در خطبه دوم نیز، در مورد تمام شدن حالت «نه جنگ نه صلح» و همچنین علل پیروزی در جنگ و ورود پرشور آزادگان به میهن اسلامی مطالبی بیان کرد و تحلیلی دربارهٔ تجاوز عراق به کویت و کشاندن پای قدرت‌های جهانی به منطقه خلیج فارس ارائه نمود. در بخشی از خطبه دوم آمده است: «تجاوز به کویت به هیچ نحوی برای ما قابل قبول نیست. ما با رؤسای آن کشور اختلاف داشتیم و آنها در جنگ، به دشمن ما کمک کرده و به ما ظلم نموده بودند؛ آن به جای خود، چرا که حساب دیگری دارد، اما مردم کویت و یک کشور مستقل را ما به هیچ وجه مصلحت و جایز نمی‌دانیم که مورد تعدّی و تجاوز قرار بگیرد. اگر هم اختلاف داشتند، باید به مجامع بین‌المللی و یا منطقه‌ای مراجعه می‌کردند و لذا ما از همان لحظه اول پیشقدم شدیم، موقعی که سایر کشورهای شریک کویت در شورای همکاری خلیج‌فارس جرأت نکرده بودند، حتی خبر این حمله را هم در رادیوهای‌شان بگویند، ما قبل از همه محکوم کردیم که همهٔ اینها را بهت زده کرده بود که چطور ما با کویتی که این قدر با ما بد رفتاری کرده بود از او حمایت می‌کنیم، ولی ما از حق حمایت می‌کنیم و کاری به افراد نداریم. قطعاً عراق باید از کویت بیرون بیاید و به هیچ نحو، قابل‌تحمل نیست.به هم خوردن شرایط منطقه‌ای در خلیج‌فارس، حتی اگر خود عرب‌ها هم راضی شوند، ما راضی نیستیم. ما شریک عمدهٔ خلیج‌فارس هستیم و این تغییر عمده را در سواحل خلیج‌فارس نمی‌پذیریم و عراقی‌ها قطعاً باید بیرون بیایند. حالا با ما صلح کردند که کردند، این یک مسأله جداگانه‌ای است. ما پروندهٔ صلح‌مان جداست و با عراقی ها تا آخر می‌رویم و روابط حُسن همجواری برقرار خواهیم کرد و دو ملت با هم همکاری خواهند کرد؛ اما این حساب با آن حساب جداست و عراق باید بیرون بیاید.» رجوع کنید← کتاب «هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های جمعه ۱۳۶۹» ، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲

شنبه ۳ شهریور ۱۳۶۹ | ۳ صفر ۱٤۱۱ — ۲۵ آگوست ۱۹۹۰

ساعت نُه صبح، آقای [مهدی]کروبی، [رییس مجلس شورای اسلامی]آمد. تا ساعت ده‌ونیم، دربارهٔ گله‌هایی که از ما داشت و گله‌هایی که ما از او داشتیم، مذاکره شد؛ به‌خوبی قانع نشد. ماند و من تا ظهر کارهایم را انجام دادم. ناهار را با هم خوردیم و مذاکرات ادامه یافت؛ مقداری از ناراحتی‌ها کاسته شد.

خانم دکتر [شفیقه]حبیبی، [سرپرست مرکز فوریت های دارویی و تجهیزات پزشکی جمعیت هلال احمر] آمد. گزارش بازدید از کارخانه سوپا[= ساخت وسایل پزشکی ایران] را داد. گفت منزل ندارد و صاحبخانه جواب‌شان کرده است. آقای [جلیل]بشارتی برای مناطق محروم آمد و امکانات گرفت. عصر فاطی آمد و برای خرید منزل یکی از دوستان نیازمندش، مبلغی کمک گرفت و نشان فتح من را برد. به [دخترش]سارا هم هدیه‌ای دادم.

شورای‌عالی امنیت ملی جلسه داشت. تصمیم گرفتیم کسانی که از عراق فرار می کنند و به ایران می‌آیند، بپذیریم و نیروهای نظامی را برای شرایط حملهٔ آمریکا به عراق آماده کنیم. همچنین در آزادی اُسرا تسریع کنیم و وزیر امورخارجه اردن را بپذیریم. خبر رسید که شورای امنیت سازمان ملل، خواستهٔ آمریکا مبنی بر استفاده از زور برای اجرای تحریم علیه عراق را تصویب کرده است؛ مجموعاً شرایط منطقه بحرانی‌تر شده است و احتمال جنگ بیشتر حس می شود.

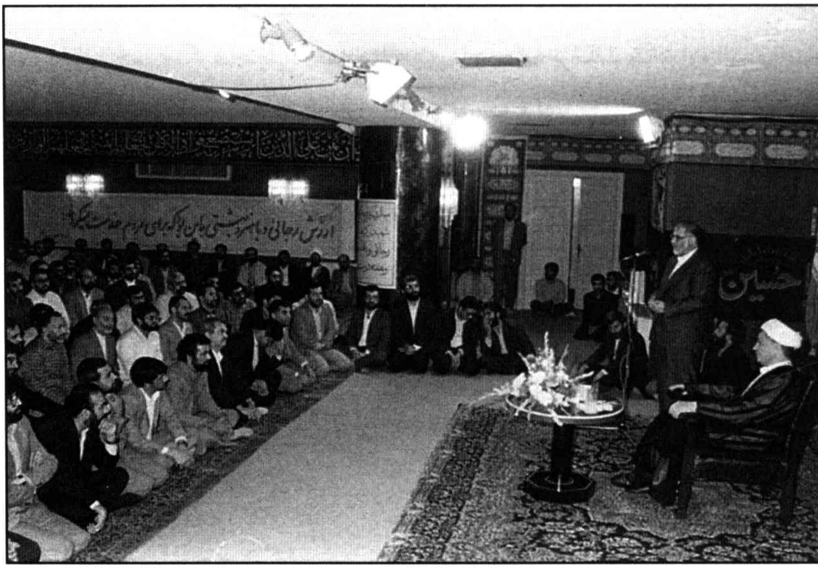
شب با احمدآقا و آقای [واعظ]طبسی، مهمان آیت‌الله خامنه‌ای بودیم. مصوبات شورای‌عالی امنیت ملی مطرح و تأیید شد. آقای طبسی را در لندن عمل جراحی نکرده‌اند.

یکشنبه ٤ شهریور ۱۳۶۹ | ٤ صفر ۱٤۱۱ — ۲۶ آگوست ۱۹۹۰

معاونان وزرا آمدند. برای آنها درباره مسایل سیاسی، اقتصادی و اداری صحبت کردم[1].

---

۱ - ایشان با اشاره به‌اینکه امروز چهره‌های متعهد و کارآمد بسیار خوبی در سطح معاونین وزارتخانه‌ها در خدمت مردم هستند، اظهار داشت: «در ده سال گذشته که انقلاب اسلامی، مواجه با حوادث و برهه‌های حساس و تاریخی بود، ☜



ملاقات با معاونین وزرا

[آقای اکبر ترکان]، وزیر دفاع، برای امور جاری و صنایع نظامی آمد. [آقای محمدحسن تولایی]استاندار خوزستان آمد و گزارش بازسازی مناطق جنگی و مراجعت ایرانی‌های مقیم کویت را داد؛ از جریان کار راضی است. حدود پنجاه هزار نفر کویتی آمده‌اند که اغلب دارای اتومبیل هستند و در ایران خانه یا فامیل دارند و مشکلی برای دولت نیستند.

آقای مهندس [محمد]غرضی، [وزیر پست و تلگراف و تلفن] آمد. گزارش سفر به

نیروی انسانی بسیار خوبی رشد کرده است که امروز سعی‌شان خدمت به‌مردم صبور و پراستقامت است. شهید رجایی سخت مقاوم بود و بر روی اهداف صلابت داشت و شهید باهنر متفکری عمیق و فردی پرکار و خستگی ناپذیر بود. یاد این عزیزان با آن خلوص صفا و پشتکارشان، می‌تواند برای مسئولان کشور الهام‌بخش باشد. این افراد در دوران انقلاب ساخته شده بودند و منافقین هم آنان را بسیار خوب می‌شناختند و درست افرادی که استخوان‌بندی دوران مبارزه را تشکیل می‌دادند، هدف قرار دادند و جمعی از بهترین نیروهای انقلاب از ما گرفته شد، ولی وجود نیروهای مخلص متعهد و پرانرژی، این مشکل را جبران کرد.» آقای هاشمی با اشاره به اینکه وضع اداری دستگاه‌های اجرایی با مشکلات متعددی روبروست و نیاز به اصلاح جدی دارد، گفت: «بخشی از این مشکلات به‌علت عدم آشنایی مردم در برخورد با ادارات است، اما بخش عمده اشکالات به‌دلیل وجود قوانین دست وپاگیر و بخشی هم ضعف عملکرد و یا وجود افرادی است که به‌خواست مردم احترام نمی‌گذارند. با توجه به‌فعال شدن شورای اداری کشور، باید به‌این موارد رسیدگی شود. همچنین زندگی کارمندان باید به‌حد مطلوبی برسد، ساختار اداری کشور تغییر یابد و تداخل امور در وزارتخانه‌ها از بین برود.» رجوع کنید← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های ۱۳۶۹» ، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۹۲.

کشورهای چین و کره جنوبی را داد؛ با چینی‌ها درباره پرتاب ماهواره ایران صحبت کرده است. [آقای رائول منگلاپوس]، وزیر امورخارجه فیلیپین آمد. درباره توسعه روابط، خرید نفت و انتقال فیلیپینی‌های مقیم کویت و عراق از طریق ایران صحبت شد[1].

عصر هیأت دولت جلسه داشت. شب به علت تراکم کارها به مهمانی رهبری نرفتم. شب در دفترم ماندم کارها را انجام دادم. برنامه تبادل اسرا با عراق کُند شده، به خاطر اینکه بقیه اسرای ما در عراق نام‌نویسی نشده‌اند.



ملاقات با وزیر امور خارجه فیلیپین

دوشنبه ۵ شهریور ۱۳۶۹ | ۵ صفر ۱۴۱۱ — ۲۷ آگوست ۱۹۹۰

در گزارش‌ها، تمایل عراق به مذاکره و حل سیاسی به چشم می‌خورد. نمایندگان ایلام

---

۱ - دراین دیدار ابتدا وزیر امورخارجه فیلیپین ضمن تشکر از کمک‌های جمهوری اسلامی به زلزله زدگان فیلیپین و تقدیم پیام رییس جمهوری کشور متبوع‌اش، ابراز تمایل کرد سطح روابط دو کشور گسترش یابد. او همچنین از ایران برای خروج اتباع فیلیپینی از عراق و کویت درخواست کمک و همکاری کرد. آقای هاشمی نیز کمک ایران به فیلیپین در مورد وقوع زلزله را یک اقدام انسانی دانست و افزود: «جمهوری اسلامی ایران برای توسعه روابط آمادگی دارد. اگر عراق بپذیرد، جمهوری اسلامی ایران آماده است تا نسبت به خروج اتباع فیلیپین که در کویت و عراق به سر می‌برند، از مرزهای ایران اقدام کند.»

آمدند. از استاندار شاکی‌اند و خواستار تسریع در بازسازی هستند. [آقای افلاطون ضیافت]، نماینده زرتشتیان در مجلس، تلفنی گفت اولین اُسرای زرتشتی که به یزد برگشته‌اند، به خاطر مسلمان شدن، به جای رفتن به مرکز زرتشتیان، به مسجد آقای صدوقی رفته‌اند؛ از من کمک می‌خواست؛ گفتم اگر مسلمان شده‌اند، چاره‌ای نیست.

آقای [عبدالعزیز]دادگر، نماینده چابهار آمد و برای نصب آب شیرین کن و اعلان بندر آزاد چابهار و عمران منطقه استمداد کرد. آقای [غلامرضا]فدایی[عراقی]، نماینده اراک آمد. برای کتابخانه‌ها و ترویج زبان فارسی و سفر به اراک تأکید داشت. گزارش سفر به جمهوری‌های مسلمان شوروی را داد. دکتر [عباس]شیبانی آمد. از تحریم رهبری در خصوص رفتن دانشجویان پسر در برنامه جراحی زنان و زایمان گله داشت.

دکتر [عباسعلی]زالی، [وزیر سابق کشاورزی و نماینده کرج] آمد. نظراتی دربارهٔ لایحه تفکیک وظایف وزارت جهادسازندگی و وزارت کشاورزی، برخلاف لایحه دولت ارائه داد و برای مسایل کرج استمداد کرد. دکتر [حسن]حبیبی برای امور جاری آمد.

عصر شورای اقتصاد جلسه داشت. سیاست ساخت مسکن انبوه تصویب شد و ساخت نیروگاه در دستور بود. شب به خانه آمدم. بستگان، مهمان فائزه بودند.

سه‌شنبه ٦ شهریور ۱۳٦۹ | ٦ صفر ۱٤۱۱ — ۲۸ آگوست ۱۹۹۰

دکتر [علی اکبر]ولایتی، [وزیر امور خارجه] و [علی]فلاحیان، [وزیر اطلاعات]آمدند. اختلافات دو وزارت را که در اثر تداخل وظایف پیش آمده است، مطرح کردند. سرانجام با داوری من به توافق رسیدند؛ قرار شد عدد مأموران اطلاعات در خارج محدود نشود، ولی به تصویب وزیر امورخارجه هم برسند و در محل، تابع سفیر باشند و اطلاعات و اسناد را به صورت موردی بگیرند.

قرار بود جلسه شورای‌عالی تعاون جهانی داشته باشیم که به خاطر دعوت نشدن اعضا تشکیل نشد؛ دفتر من و وزارت امورخارجه، هر یک فکر کرده دیگری دعوت می‌کنند. دکتر حبیبی، [معاون اول رییس‌جمهور]، برای امور جاری آمد. به خواندن گزارش‌ها و تماشای تلویزیون سی ان ان پرداختم؛ وقت زیادی صرف مسایل عراق و کویت می‌کنند و

نگران گروگان‌هایشان در عراق هستند.

عصر علمای[روستای]کن آمدند. از شهرداری تهران که اعلان کرده اراضی مزروعی کن را به عنوان عوض به مردم می‌دهد، شکایت داشتند؛ قرار شد رسیدگی کنیم. آقای [هادی]نژادحسینیان، [وزیر صنایع سنگین]آمد. گزارش تولیدات و سفر به ترکیه را داد و برای پرداخت بدهی‌های فراوانِ شرکت‌های تحت پوشش استمداد کرد.

شب مجمع تشخیص مصلحت برای قانون کار جلسه داشت؛ پیشرفت خوبی داشتیم. بعد از شام، آقای [احمد]جنتی[رییس سازمان تبلیغات اسلامی]، از سخت‌گیری [آقای غلامحسین کرباسچی]شهردار تهران در مورد صدور جواز ساختمان مرکزی سازمان تبلیغات اسلامی گلایه کرد. شب در دفترم ماندم.

چهارشنبه ۷ شهریور ۱۳۶۹ | ۷ صفر ۱٤۱۱ ۲۹ آگوست ۱۹۹۰

برنامه سفر به استان مرکزی را تنظیم کردیم. گزارش‌ها خبر از تقویت راه حل سیاسی برای بحران منطقه می‌دهد؛ البته احتمال فریب عراق، به منظور گرفتن اتباع خارجی گروگان و آمادگی دیگران برای حمله هم هست. آقای[حمید] میرزاده، [معاون اجرایی رییس‌جمهور] برای امور بازسازی و ارز و آزادگان آمد.

[آقای عبدالعزیز الدالی]، وزیر مشاور در امور خارجه یمن به ملاقات آمد. از حمایت ایران از وحدت دو یمن و موضع اصولی ما تشکر می‌کرد، ولی مقصد عمده او جلب حمایت ما نسبت به عراق بود که برای رفع حصر کمک کنیم. سئوالاتی کردم که جواب نداشت؛ از موضع ضعف و التماس برخورد داشت. به نظر می‌رسد در مقابل محاصره عراق و احتمال حمله نظامی عاجز مانده‌اند و راه چاره‌ای هم ندارند؛ حتی خودشان مجبور شده‌اند که اعلان شرکت در محاصره و اجرای مصوبه شورای امنیت را بنمایند. از او خواستم که برنامه مقاومت و مقابله را توضیح بدهند تا بتوانیم تصمیم بگیریم، برای گرفتن نفت هم استمداد نمود.

دکتر [مصطفی]معین، [وزیر فرهنگ و آموزش عالی] آمد. گزارش وضع آموزش عالی را داد و از پیشرفت کمّی و کیفی کارها راضی است، ولی معتقد است که من حمایت لازم



ادای احترام به شهدای هشتم شهریور در مزار بهشت زهرا



ملاقات با وزیر امور خارجه یمن

را از او نمی‌کنم؛ قول حمایت دادم. از عِتابی که چند روز پیش در جلسه دولت نسبت به ایشان داشتم، دلگیر است.

عصر با هیأت دولت به مزار امام(ره) رفتیم[1]. احمدآقا استقبال کرد و من و ایشان صحبت کوتاهی داشتیم[2]. در حرم، زوّار احساسات گرمی ابراز داشتند. سپس به زیارت قبور شهدای ۸ شهریور[شهید محمدعلی رجایی و شهید محمدجواد باهنر] رفتیم. به دفترم برگشتم. به خاطرآماده شدن جهت سفر فردا شب، در جلسه هیأت دولت شرکت نکردم.

با هیأت دولت، مهمان مجلس بودیم. جلسهٔ خوبی بود. آقای [مهدی] کروبی، [رییس مجلس شورای اسلامی] خیرمقدم گفت[3] و چند نماینده سئوالاتی نمودند. من جواب

---

۱ - آقای هاشمی گفت: «امروز در اثر ادامهٔ راه حضرت امام (ره) و خطوط روشنی که ایشان ترسیم کرده بودند، دشمنان در مقابل امت ما خاضع‌اند و به حقانیت ما اعتراف کردند. ما اراضی‌مان را پس گرفتیم و قرارداد الجزایر را تحکیم بخشیدیم و به دنیا هم ثابت کردیم که می‌توانیم از حق‌مان دفاع کنیم و اکنون نیز اُسرای‌مان برمی‌گردند. هیات دولت امروز واقعاً سرافراز است که بعد از حدود یک سال کار می‌بیند، با همت مردم و حمایت‌های رهبری و دوستان با ادامه راه امام (ره) چیزهایی که ایشان به آن علاقمند بودند تحقق پیدا کرد. من شاهدم که همهٔ وزرا و دست‌اندرکاران، همهٔ تلاش خودشان را برای خدمت به ملت و تحقق آرمان‌های امام انجام می‌دهند و تا حدودی هم موفق بوده‌اند، ولی این اول راه است. امام همواره انتظار چنین روزهایی را داشتند و نوید آن را می‌دادند، ولی کاش حضرت امام بودند که مثل ما شاهد اوج خوشحالی و نشاط مردم باشند؛ گرچه روح منوّر ایشان، قطعاً غایب نیست و برجامعه حضور دارد.» رجوع کنید← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های ۱۳۶۹» ، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲.

۲ - در این مراسم، حاج سید احمدآقا خمینی نیز با قدردانی از زحمات آقای هاشمی و اعضای هیأت دولت گفت: «امروز در رأس دولت ما، شخصیتی از دوستان صمیمی، مقلّد و شاگرد امام است. چهرهٔ انقلابی که لحظه‌ای امام و آرمان‌های امام را در زندگی‌اش از یاد نبرد و همیشه در این راه تلاش کرد و ما هیچ‌گاه زندان‌های آقای هاشمی را در زمان شاه فراموش نمی‌کنیم، کما اینکه بعد از انقلاب، زحماتی که ایشان برای آرمان‌های اسلامی کشیدند را نیز فراموش نخواهیم کرد. هر کس هر چه می‌خواهد بگوید، ما مصمم هستیم برادر بسیار عزیزمان را یاری کنیم. مردم ما ایشان را یار خودشان می‌دانند و همه از ایشان تشکر دارند؛ بخصوص در جریانات اخیر حاکم بر منطقه، با موضع‌گیری‌های خوب و نامه‌های ایشان، ما در مقابل عراق و آمریکا هیچ‌گونه نرمشی نشان ندادیم.»

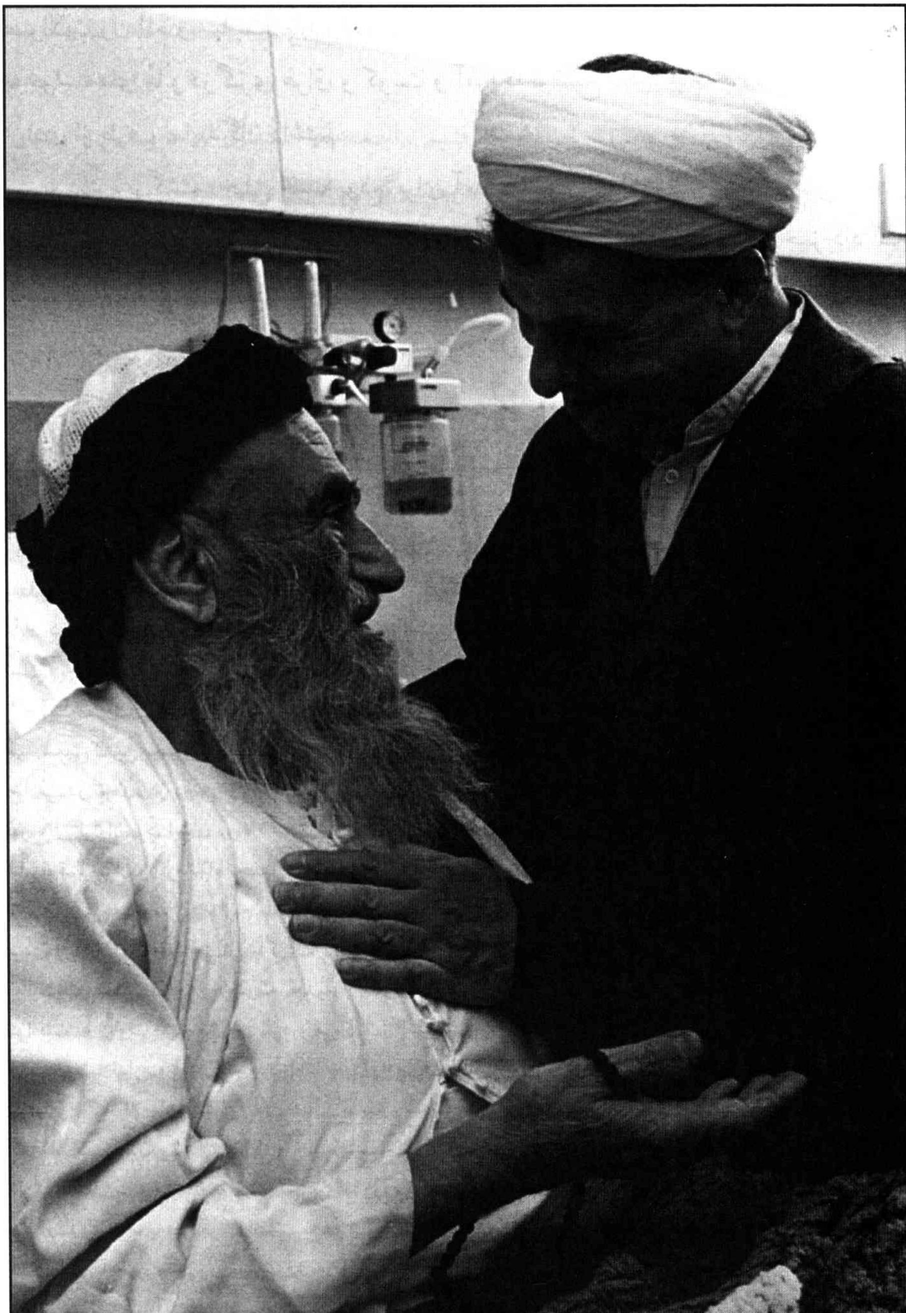
۳- رییس مجلس شورای اسلامی در این نشست مشترک تصریح کرد: مجلس از بدو تشکیل، حامی و پشتیبان و یاور مسئولین اجرایی و دولت‌های در خط امام و مکتبی و خدمتگذار به انقلاب بوده است. حمایت مجلس از دولت آیت‌الله مهدوی کنی، دولت خدمتگزار مهندس موسوی و دولت آقای هاشمی رفسنجانی، شاهد این مدعا است. دولت آقای هاشمی با همه مشکلات ناشی از جنگ تحمیلی و با وقوع حوادث طبیعی مثل سیل و زلزله و غیره، گام‌های مثبتی در زمینه‌های گوناگون برداشته و حرکت‌های جدیدی را آغاز نموده که چشم انداز آینده را روشن می‌سازد. حرکت‌های دولت کنونی در زمینه‌های جذب نقدینگی، کاهش کسری بودجه، مهار تورم و افزایش تولیدات

سئوالات را دادم و سیاست نظام را در ارتباط با مسایل جاری منطقه، تسلیم شدن عراق به‌خواسته‌های ما و درگیری عراق و کویت و آمریکا توضیح دادم. شام خوردیم. مراجعات زیادی از طرف نمایندگان داشتیم.

به دفترم برگشتم. خیلی خسته بودم. برای آمادگی سفر فردا، دوش گرفتم. وقتی که از حمام بیرون آمدم، آقای [سیدمحمد]میرمحمدی، [رییس دفتر رییس‌جمهور] خبر داد که آیت‌الله [سید شهاب‌الدّین]نجفی مرعشی، [از مراجع تقلید]، شب بعد از نماز فوت کرده‌اند[1]. به همین جهت تصمیم گرفتیم سفر فردا را لغو کنیم. بیانیه ای برای تسلیت و

داخلی، امیدوارکننده است و حمایت مجلس از دولت فعلی در مورد تصویب برنامه پنج ساله و سایر مصوبات، در راستای ایفای رسالت خطیر و انقلابی مجلس می باشد.» آقای کروبی، انتقادهای نمایندگان از برنامه‌های دولت را به‌دلیل دلسوزی و انجام هرچه بهتر امور خواند و در خاتمه تأکید کرد: «قوانینی که در مجلس تصویب می‌شود، پس از تأیید شورای نگهبان، باید به‌طور دقیق و خوب اجرا شود و این امر، همواره خواست حضرت امام (قدس سره) بوده است.»

۱ - آیت‌الله‌العظمی سیدشهاب‌الدین مرعشی نجفی (۱۲۷۶- ۱۳۶۹) از مراجع عظام تقلید، در نجف به دنیا آمد. پدرش سید شمس الدین محمود مرعشی، از بزرگان فقهای دوران خود بود. سید شهاب الدین، پس از فراگیری مقدمات علوم اسلامی در نجف، در درس خارج فقه و اصول آقا ضیاء عراقی و شیخ احمد کاشف الغطا حاضر شد و از محضر آنان بهره‌های فراوان برد. ایشان در ۲۷ سالگی به درجهٔ اجتهاد نایل آمد. آقای مرعشی نجفی در نجف، کاظمین، کربلا، سامرا، قم، تهران و کرمانشاه تحصیل کرد و از محضر استادانی چون حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی استفاده برد و از برخی مراجع عظام تقلید از جمله آیات عظام آقا ضیاء عراقی، آسید ابوالحسن اصفهانی، آشیخ عبدالکریم حایری یزدی و علامی کرمانشاهی(از شاگردان آخوند خراسانی)اجازه اجتهاد دریافت کرد. تأسیس مدارس علمیه یکی از فعالیت‌های ایشان بوده که مدرسه مهدیه و مدرسه شهابیه از جمله آنهاست. آیت‌الله‌العظمی‌مرعشی‌نجفی، هرگز نتوانست به زیارت کعبه مشرف شود و می‌گفت: «استطاعت و تمکّن مالی که لازمه وجوب تشرّف به خانه خداوند کریم است، ندارم.» ایشان تمام درآمد خود را صرف خرید کتاب می‌کرد. کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی از بزرگترین کتابخانه‌های کشور و در ردیف کتابخانه مجلس شورای اسلامی و کتابخانه آستان قدس رضوی است. این کتابخانه هم اکنون بیش از ۲۵۰هزار جلد کتاب چاپی و ۲۵ هزار جلد کتاب خطی دارد. او در طول عمرش بیش از ۱۴۸ کتاب، رساله و مقاله به رشته تحریر درآورد که بسیاری از آنها هنوز به چاپ نرسیده‌اند. کتاب «مشجرات آل رسول الله الاکرام» یا «مشجرات الهاشمیین» و «ملحقات الاحقاق» از مهمترین آثار چاپ شده آقای مرعشی نجفی است. ایشان برای نوشتن برخی کتب خود، به کشورهای مختلفی سفر کرد و با دانشمندان و علمای ادیان مختلف به گفت‌وگو نشست. آیت‌الله‌العظمی‌مرعشی‌نجفی، از ابتدای نهضت امام خمینی همراه بود و بعد از دستگیری امام در سال ۱۳۴۲ به همراه دیگر علما به تهران آمد و برای آزادی امام تلاش کرد . بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نیز با جریان انقلاب همراهی نشان می داد. آقای مرعشی نجفی، از اقوام خانم عفت مرعشی، همسر آقای هاشمی بود.



مرجع عالیقدر شیعه حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی

اعلان سه روز عزای عمومی تهیه کردم[۱].

پنج شنبه ۸ شهریور ۱۳۶۹ | ۸ صفر ۱۴۱۱ ۳۰ آگوست ۱۹۹۰

چون سفر در برنامه امروز بود، کاری نگذاشته بودند. با لغو سفر، روز کم‌مشغله‌ای داشتم. هنگام صرف صبحانه، گوشهٔ یکی از دندان‌هایم شکست؛ از قبل هم دو سه دندانِ خراب شده، فرصت مراجعه به دندانپزشک پیش نیامده بود، از فراغت امروز استفاده کردم و به دندان‌پزشکی مجلس مراجعه نمودم. نزدیک دو ساعت وقت برد؛ دو دندان پر شد.

کتاب‌های هدیه رسیده را که خیلی جمع شده بود، در کتابخانه مرتب کردم. آقای [علاءالدین]بروجردی آمد. عازم ترکیه بود؛ توصیه‌هایی درباره مسایل جاری منطقه کردم. مقداری [شبکه خبری] سی ان ان تماشا کردم.

عصر به خانه آمدم. یاسر در سفر مشهد و مهدی و فائزه در سفر اصفهان هستند. آقای [سیروس]ناصری، تلفنی اطلاع داد که عراقی‌ها حاضر شده‌اند دو هواپیمای مسافربری ما را که منافقین ربوده و به عراق برده‌اند، پس بدهند.

جمعه ۹ شهریور ۱۳۶۹ | ۹ صفر ۱۴۱۱ ۳۱ آگوست ۱۹۹۰

در منزل بودم. وقت به مطالعه و استراحت گذشت. ناهار محسن و اعظم و عماد و علی آمدند. غذا تهیه کرده بودند. محسن وضع البرز قم را گفت. قرار شد چند هکتار پسته با

---

۱ - در این بیانیه آمده است: «انّاللهوانّاالیه‌راجعون؛ ضایعهٔ مولمهٔ فقدان عالم وارسته، عارف والامقام، مرجع عالیقدر جهان اسلام، مرحوم حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی‌نجفی(رضوان الله تعالی علیه) را به پیشگاه بقیه الله‌الاعظم (ارواحنا له الفداء) و رهبر معظم انقلاب اسلامی، مراجع عظام، جامعه روحانیت و خانواده محترم و فرزندان گرامی ایشان و امت اسلامی تسلیت عرض می‌کنم. این مرد بزرگ که عمر خود را در راه ترویج دین مبین اسلام و فرهنگ غنی شیعه در جهان مصروف داشته و خود را وقف خدمت به اسلام و مسلمین کرد. به حق، پشتوانهٔ استوار و محکم برای انقلاب اسلامی و نظام مقدس جمهوری اسلامی و از یاوران صدیق امام راحل و بنیان گذار جمهوری اسلامی حضرت امام خمینی قدس سره الشریف بود. به مناسبت این ثُلمه عظیم از سوی دولت جمهوری اسلامی، سه روز عزای عمومی اعلام می‌شود. اکبر هاشمی رفسنجانی، رییس جمهور»



جلسه مشترک همدلی دولت و مجلس شورای اسلامی



سیستم آبیاری قطره‌ای آماده شود. شب هم مجدداً محسن آمد. در گزارش‌ها مذاکرات [خاویرپرز]دکوئیار، [دبیرکل سازمان ملل] و طارق عزیز، [وزیر امورخارجه عراق] در اردن مورد توجه است؛ سعی دارند آرامش‌آور مطرح کنند.

شنبه ۱۰ شهریور ۱۳٦۹ | ۹ صفر ١٤١١ — ۱ سپتامبر ۱۹۹۰

دکتر مجید عباسپور، [مشاور فنی رییس‌جمهور]، آمد و برای گرفتن ارز مورد نیاز برای خرید مواد صنعت ش.م.ر.[پدافند شیمیایی، میکروبی و رادیواکتیو] استمداد کرد. آقای [احمد]سالک، [مسئول کمیته بررسی مسایل عراق]آمد. دربارهٔ کمیته بررسی مسایل عراق و نهضت‌ها مذاکره شد. از ابهام مسئولیت‌ها و عدم حمایت‌ها گفت. گفتم که آقای [سیدمحمدباقر]حکیم، [رییس مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق]، از کم‌تحرکی کمیته شاکی است. لزوم جلب موافقتِ [آقای ولایتی]، وزیر امور خارجه، برای برنامه نهضت‌ها را تذکر دادم.

آقای [حسن]واعظی مدیر جدید رادیو آمد. از توجیه مدیران رادیو در جهت حمایت از برنامه‌ها و سیاست‌های دولت گفت و نظر من را دربارهٔ اهداف و سیاست‌های تبلیغی خواست. برای بودجه و رفاه پرسنل استمداد نمود.

در جلسه فاتحه آیت‌الله [سید شهاب الدین]نجفی[مرعشی] در مسجد شهید مطهری شرکت کردم. جلسه از طرف رهبری اقامه شده بود. آقای [محمدتقی]فلسفی و سایر کسانی که در اطرافم بودند، سیاست‌های دولت را تحسین می نمودند.

دکتر [حسن]روحانی آمد. درخصوص دستورات شورای‌عالی امنیت ملی و سیاست‌های مربوط به بحران خلیج فارس گفتگو کردیم. عصر دکتر هاشمی[گلپایگانی]، برای دستور شورای‌عالی انقلاب فرهنگی آمد. شورای‌عالی امنیت ملی جلسه داشت. قرار شد هیأت عراقی را با وزیر نفت بپذیریم. با تأسیس سفارت[عراق] و تجدید روابط و خط تلفن موافقت شد. سیاست و مطالب قابل مذاکره با هیأت عراقی مشخص گردید. تا ساعت هشت و نیم شب کار کردم و به خانه آمدم.

یکشنبه ۱۱ شهریور ۱۳۶۹ | ۱۱ صفر ۱۴۱۱ ۲ سپتامبر ۱۹۹۰

آقای مسیح مهاجری آمد و برای روزنامه جمهوری اسلامی، استمداد ارزی و ریالی کرد. [آقای استول تنبرک]، رییس کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل آمد و درباره کمک بیشتر به آوارگان موجود در ایران مذاکره شد[1]. اعضای شورای مرکزی جهاد دانشگاهی آمدند و گزارش دادند[2]. قرار شد جهاد دانشگاهی بماند، ولی در وظایف مدیران دانشگاه‌ها دخالت نکنند.

در گزارش‌ها در مورد بحران خلیج فارس، تمایل به تخفیف تشنج دیده می‌شود، ولی مصنوعی است؛ عملاً به سوی جنگ پیش می‌روند و طرح‌های با راه‌حل سیاسی به بن بست می‌رسد. دبیرکل سازمان ملل، پس از ملاقات با طارق عزیز، [وزیر امورخارجه عراق]، در مورد راه‌حلی مسالمت‌آمیز، اظهار ناامیدی کرده است.

عصر هیأت دولت جلسه داشت. درباره حمل و نقل تهران تصمیم‌گیری شد. شب استانداران و مدیران وزارت کشور مهمانم بودند. نیازهایشان را گفتند. من هم صحبت

---

۱ - آقای هاشمی در این ملاقات اعلام کرد، جمهوری اسلامی ایران آمادگی دارد در چارچوب موازین اسلامی و مسایل انسان‌دوستانه، نسبت به رفع نیازهای انسان‌هایی که به ایران پناه آورده‌اند، تلاش کند. همچنین آمادگی ایران را برای همکاری با سازمان‌های بین‌المللی، برای پذیرایی از پناهندگان دیگر کشورها، مورد تأکید قرار داد. ایشان با اشاره به تأمین نیازهای پناهندگان به ایران در شرایط سخت اقتصادی گذشته، گفت: «ما به‌عنوان یک وظیفه اسلامی و انسانی همواره سعی کرده‌ایم که در حد توان به آوارگان و پناهندگان کمک کنیم. ما معتقدیم سازمان‌های بین‌المللی، وظایف خود را در این زمینه به خوبی انجام نداده‌اند و نسبت به ایران در مقایسه با سایر کشورها تبعیض قائل شده‌اند و همواره در انجام وظایف انسانی خود روابط سیاسی را اولویت داده‌اند که این مساله، درجهٔ اعتماد به این مجامع را کاهش می‌دهد. امیدوارم این سازمان‌ها با تغییر روش خود درآینده، نسبت به جمهوری اسلامی ایران برخورد عادلانه داشته باشند.»

۲ - در این دیدار، ابتدا گزارشی از فعالیت‌ها، عملکرد ده‌ساله جهاد دانشگاهی، توانایی‌ها و ظرفیت‌های تحقیقاتی و فرهنگی این نهاد برای بازسازی کشور و برنامه پنجساله توسعه ارائه شد.سپس آقای هاشمی، ضمن قدردانی از خدمات جهاد دانشگاهی، آمادگی دولت را برای سرمایه‌گذاری و مساعدت به این نهاد انقلاب اسلامی اعلام و تأکید کرد: «ما قطعاً باید جهاد دانشگاهی را که از نهادهای معتبر انقلاب است، حفظ کنیم. در مورد آیندهٔ جهاد دانشگاهی، باید به نحوی عمل کنیم که محدودهٔ وظایف مشخصی داشته باشد و در انجام وظایف خود تداخلی با سایر نهادها نداشته باشد و بتواند هماهنگ با سیاست نظام و رهنمودهای مقام معظم رهبری عمل کند.» رجوع کنید← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های ۱۳۶۹» ، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲.

کردم و قول کمـک دادم[1]. شـام خوردنـد و رفتنـد. اختیـارات بیشتر، مـصالح سـاختمانی و اصلاحات اداری می‌خواهند. شب در دفترم ماندم.

دوشنبه ۱۲ شهریور ۱۳۶۹ | ۱۲ صفر ۱۴۱۱ ۳ سپتامبر ۱۹۹۰

اول وقت برای افتتاح موزه جواهرات ملی رفتم. مدتی پـیش، بـه خـاطر جنـگ، جـواهرات جمع شده بود و اکنون مجدداً در ویترین‌ها چیده شده؛ دیدنی اسـت. مـی گوینـد مجموعـۀ بی‌نظیری در دنیا است. در مصاحبه تشکر کردم و برای کارکنـان بانـک مرکـزی سـخنرانی نمودم[2].

---

۱ - در این دیدار، ایشان ضمن اظهار رضایت از عملکرد وزارت کشور و استانداران، پیشرفت‌های امور مربوط به مناطق زلزله زده را افتخارآمیز خواند و بر جدّیت و تلاش هر چه بیشتر همهٔ دستگاه‌های ذیربط در به انجام رساندن تعهدات خود، با توجه به تأمین اعتبارات لازم تأکید کرد. آقای هاشمی با اشاره به وجود مشکل کمبود مصالح ساختمانی و مسأله حمل ونقل گفت: «سیاست قطعی دولت، این است که مصالح ساختمانی را به حد وفور برساند و برای مشکل حمل ونقل هم تصمیمات خوبی گرفته شده که به‌تدریج این مشکل نیز تا حد زیادی حل خواهد شد.» ایشان با تأکید بر لزوم اصلاح ساختار اداری در جهت عدم تمرکز، تشکیل شورای‌عالی اداری را عامل مؤثری در این امر دانست و افزود: «یکی از کارهای اساسی ما اصلاح ساختار اداری است و در زمینه نظام پرداخت نیز معتقدیم که باید اصلاحاتی صورت گیرد.» ایشان، استانداران را به بررسی جدی مسایل اجتماعی و فرهنگی به‌ویژه مسایل جوانان و نوجوانان فراخواند و در زمینه رفع نیازهای آزادگان عزیز، به‌ویژه در مورد مسایل تحصیلی آنان مطالبی بیان کرد. رجوع کنید← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های ۱۳۶۹» ، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲.

۲ - در بخشی از سخنرانی آمده است: «بانک‌ها در دوران نیازهای دولت، نگذاشتند کشور در زمان جنگ دستش به‌سوی بیگانگان دراز شود و با تدابیر مناسب، این دوران سخت طی شد. در حال حاضر دولت بر مسایل خاصی تکیه دارد و شعار اصلی ما تولید است و بانک‌ها می‌توانند ضمن جلوگیری از کندی امور به تولید کنندگان کمک زیادی بکنند. اتکای اقتصاد کشور به نفت، یک مساله ناسالم و ناپایدار است. توسعه صادرات غیرنفتی باید مورد توجه قرار گیرد و من به‌طور جدی از سیستم بانکی می‌خواهم که به‌این مساله مهم اهمیت بدهد تا صادرات غیرنفتی کشور به خصوص صادرات صنعتی رشد کند. یکی از اقدامات مهم دولت که تأثیر بر سایر بخش‌های کشور می‌گذارد، بازسازی شهرهای جنگ زده است و طی چند روز گذشته که ۶ شهر جنگ زده کشور از اشغال عراق خارج شد، مردم این شهرها به‌سوی خانه‌های خود روانه شده‌اند و با توجه به روند مذاکرات صلح، مساله بازسازی شکل بسیار جدی‌تری گرفته است. برای بازسازی سریع‌تر شهرها، دولت در تلاش است؛ امکانات بانکی نیز باید در خدمت این مساله باشد و در این زمینه حل مشکلات مصالح ساختمانی باید حل بشود. در حال حاضر کشور از لحاظ ارزی مشکلات کمتری دارد و با دست باز می‌تواند عمل کند و اگر رونق اقتصادی ایجاد شود، همه مشکلات مردم حل خواهد شد.» رجوع کنید← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های ۱۳۶۹» ، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲

آقای [سیدمحمدباقر]حکیم، [رییس مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق] و برادرش [سیدعبدالعزیز حکیم] و آقای [سیدمحمد] حیدری آمدند. درباره مسایل عراق و آیندهٔ این کشور بحث و بررسی و توافق شد که با سایر معارضین، برای اداره عراق در فرض سقوط صدام، ائتلاف کنند. یکصد هزار دلار به آنها دادم؛ خیلی امید دارند و فکر می‌کنند فقط ائتلاف معارضین می‌تواند آلترناتیو[= جایگزین]صدام باشد.

دکتر حبیبی، [معاون اول رییس‌جمهور] برای امور جاری و مسایل آزادگان آمد. عصر شورای اقتصاد جلسه داشت. بخشنامه دستور تنظیم بودجه سال ۷۰ تصویب شد. شب مهمان رهبری بودیم. درباره آینده عراق، پادگان نیروی دریایی در کنار مرقد امام، تصرف اماکن تخلیه شده توسط عراقی‌ها و مسایل مهم دیگر کشور بررسی و تصمیم‌گیری شد. مصوبات شورای عالی امنیت ملی را تصویب نمودند.

سه‌شنبه ۱۳ شهریور ۱۳۶۹ | ۱۳ صفر ۱۴۱۱ — ٤ سپتامبر ۱۹۹۰

[آقای سراج‌الدین کازرونی]، وزیر مسکن وشهر سازی و معاونان آمدند. دربارهٔ ساخت انبوه مسکن ارزان قیمت برای تهران مذاکره و قرار شد در جلسه آینده برنامه کامل بیاورند. شورای تعاون جهانی اسلام جلسه داشت. دربارهٔ اقدام امدادی و فرهنگی در آفریقا، توسط جهادسازندگی، هلال‌احمر و بهداشت و درمان و همچنین ازدیاد دانشجویان دانشگاه اسلامی بین‌المللی تصمیم‌گیری شد.

عصر شورای عالی انقلاب فرهنگی جلسه داشت. کلیات طرح تغییر نظام آموزشی در دبیرستان‌ها و همچنین تغییر رییس دانشگاه [فردوسی]مشهد تصویب شد. تا ساعت هشت و نیم شب در دفترم کار کردم.

[آقای محمدسعیدی کیا]، وزیر راه و ترابری اطلاع داد که امشب هواپیمای فالکن که توسط منافقین در زمان جنگ ربوده و به عراق برده شده بود، به کشور باز می‌گردد. شب به منزل آمدم.

چهارشنبه ۱٤ شهریور ۱۳٦۹ | ۱٤ صفر ۱٤۱۱ ۵ سپتامبر ۱۹۹۰

[آقای خوان اِررا]، وزیر نیشکر کوبا آمد. گزارش وضع تولید نیشکر و شرایط اقتصادی کوبا را گفت[۱]. نامه‌ای از آقای فیدل کاسترو، [رهبر کوبا] آورده بود. شوروی‌ها نفت تحویلی به کوبا را کم کرده‌اند، مشکل برایشان بوجود آمده است. پیشنهاد فروش شکر و خرید نفت دارند؛ مدعی است هشت میلیون تن شکر تولید می‌کنند. اگر درست باشد نباید مشکل داشته باشند.

[آقای راشد عبدالله النعیمی]، وزیر امورخارجه امارات آمد[۲]. از موضع ضعف، از ما برای فشار بر عراق استمداد کرد. از کمک گذشته خودشان به عراق در جنگ با ما، اظهار ندامت نمود و پیروزی ما را تبریک گفت. برای اخراج عراق از کویت قول مساعدت دادم.

آقای [حمید]میرزاده، [معاون اجرایی رییس‌جمهور] آمد. برای تدارک نیازهای بازسازی قول مساعدت گرفت. قرار بود شورای [کمیته بررسی مسایل]عراق جلسه داشته باشد که به خاطر سفر بعضی از وزیران تشکیل نشد.

---

۱ - وزیر نیشکر کوبا در این دیدار اظهار داشت: «هدف من از این سفر، تحرک بخشیدن هر چه بیشتر به توسعه روابط اقتصادی در کنار روابط خوب سیاسی میان دو کشور است. مواضع دو کشور ایران و کوبا در زمینه مسایل بین‌المللی تشابه بسیاری دارد.» ایشان اظهار علاقهٔ آقای کاسترو را برای گسترش مناسبات مورد علاقه دو کشور غیرمتعهد ایران و کوبا را در همه زمینه‌ها اعلام کرد.سپس آقای هاشمی با تشکر از پیام محبت آمیز آقای فیدل کاسترو و تلاش‌های ایشان جهت توسعه همکاری‌ها گفت: «ما کوبا را از کشورهای دوست خوب خود می‌دانیم و در سال‌های بعد از انقلاب، شاهد همکاری‌های سیاسی دو کشور بوده‌ایم، گرچه همکاری‌های اقتصادی در حد مطلوب نبوده است که امیدواریم با توجه به پیشنهادهای شما در سطح همکاری‌های اقتصادی نیز گسترش یابد.»

۲ - آقای راشد عبدالله، با تقدیم صمیمانه‌ترین سلام‌ها و درودهای آقای شیخ زاید، رییس دولت امارات متحده عربی به مناسبت پیروزی‌های جمهوری اسلامی ایران گفت: «آقای شیخ زاید به بنده مأموریت دادند تا بهترین تبریکات و درودهای ایشان و دولت و ملت امارات را به‌خاطر پیروزی‌هایی که با تحمل رنج بسیار و با مقاومت و پایداری قابل ستایش به‌دست آورده‌اید، به جنابعالی و ملت بزرگ ایران تقدیم نمایم. در مورد اشغال کشور کویت توسط عراق، جمهوری اسلامی ایران اولین کشوری بود که این تجاوز را محکوم کرد و ما از این موضع‌گیری سپاسگزاریم.» سپس آقای هاشمی، با تشکر از پیام محبت آمیز رییس دولت امارات گفت: «همان‌طور که می‌دانید ما به‌طور اصولی، از ابتدای امر، مخالفت خود را با اشغال کویت توسط عراق اعلام کردیم و آن را محکوم نمودیم. ما هیچ‌گونه تغییری را در جغرافیای منطقه نمی‌پذیریم و معتقدیم که تجاوز عراق به کویت، باعث حضور گسترده نیروهای بیگانه در منطقه خلیج فارس شده است، مخصوصاً در کشوری که سرزمین مقدس مکه و حرم امن الهی و حرم پیامبر بزرگ اسلام در آن وجود دارد.»

در جلسه هیأت دولت شرکت کردم. اختیارات دولت در امر بازسازی را به آقای میرزاده دادیم. برای انجام کارها، به منظور آماده شدن برای مسافرت فردا، به دفترم برگشتم. شب را در دفترم ماندم. کارها را تمام کردم. استحمام نمودم و زودتر خوابیدم.

پنج‌شنبه ۱۵ شهریور ۱۳٦۹ | ۱۵ صفر ۱٤۱۱ ٦ سپتامبر ۱۹۹۰

ساعت هفت صبح با هلی‌کوپتر به سوی اراک پرواز کردیم. ساعت هشت و ربع در کنار گلزار شهدای اراک فرود آمدیم. بعد از استقبال رسمی و مصاحبه و زیارت قبور شهدا، به سوی خانه امام جمعه حرکت کردیم؛ در بین راه، مردم اطراف خیابان‌ها اجتماع کرده و ابراز احساسات نمودند. با آقای خوانساری امام جمعه[اراک]، مقداری صحبت کردیم. در جمع روحانیون حاضر شدم و برایشان صحبت کردم[1].

به سوی کارخانه آلومینیوم سازی حرکت کردیم. مدیرعامل توضیحات کاملی داد. از خط تولید و انبار و سالن ریخته‌گری بازدید کردیم؛ جالب است. تولید در حد اعلا قرار دارد و کاملا راضی‌اند. بعد از رکود سال‌های جنگ، با سیاست دولت، صنایع فعال شدند و این کارخانه پیشتاز است. مشتری به حد کافی ندارند.

به کارخانه واگن سازی [پارس]رفتیم. مدیرعامل و آقای [هادی]نژادحسینیان، [وزیر صنایع سنگین] توضیح دادند. از خط تولید واگن باری، مسافربری و تانکرهای نفتکش بازدید کردیم؛ اینها هم از رشد تولید خوشحال‌اند. ناهار در دفتر کارخانه مهمان بودیم. استراحت مختصری کردیم و با هلی‌کوپتر به سوی خمین حرکت کردیم. مردم خمین استقبال پرشوری نمودند. خانهٔ زادگاه امام را زیارت کردیم و پذیرایی شدیم. در ورزشگاه

---

۱ - در این دیدار آقای هاشمی اظهار داشت: «روحانیت در هر مرحله از انقلاب، نقش اساسی خود را ایفا کرده است. در دوران مبارزه، دوران انقلاب و در دوران دفاع مقدس و امروز که دوران بازسازی و سازندگی است، مسئولیت ما اگر بیشتر نباشد، کمتر نیست. ما باید جوابگوی بسیاری از نیازهای روحی و مادی مردم باشیم که روحانیت صالح ما این آمادگی را دارد و امتیاز کشور ما این است که جمعی مثل شما در مملکت وجود دارد، و مردم به آنها اطمینان دارند. مردم امروز به امید و اعتماد ما وارد میدان می‌شوند و از هیچ چیز دریغ ندارند.» رجوع کنید← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های ۱۳٦۹»، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۹۲

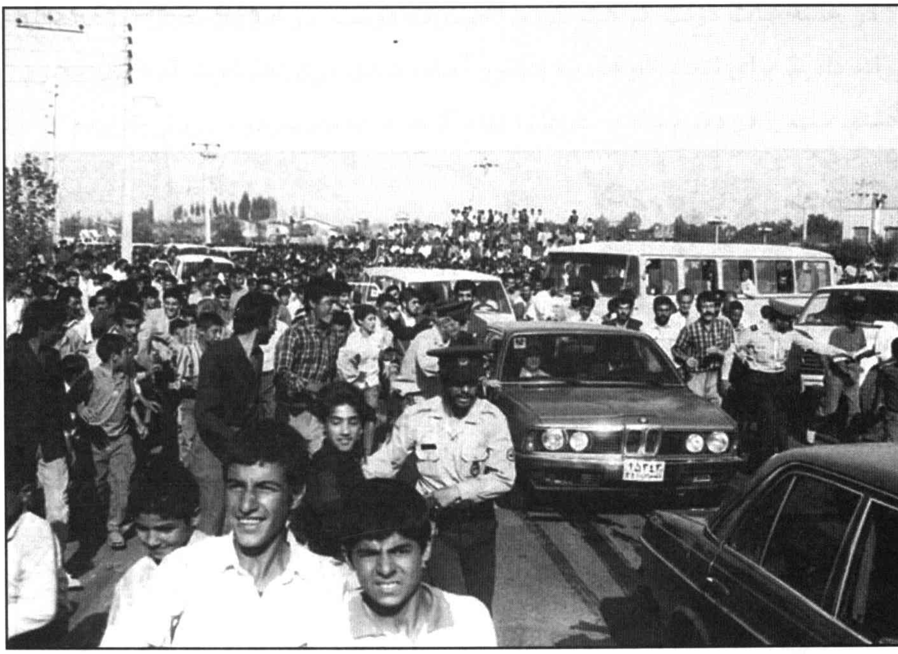
برای مردم صحبت کردم[۱].



حضور در گلزار شهدای اراک

---

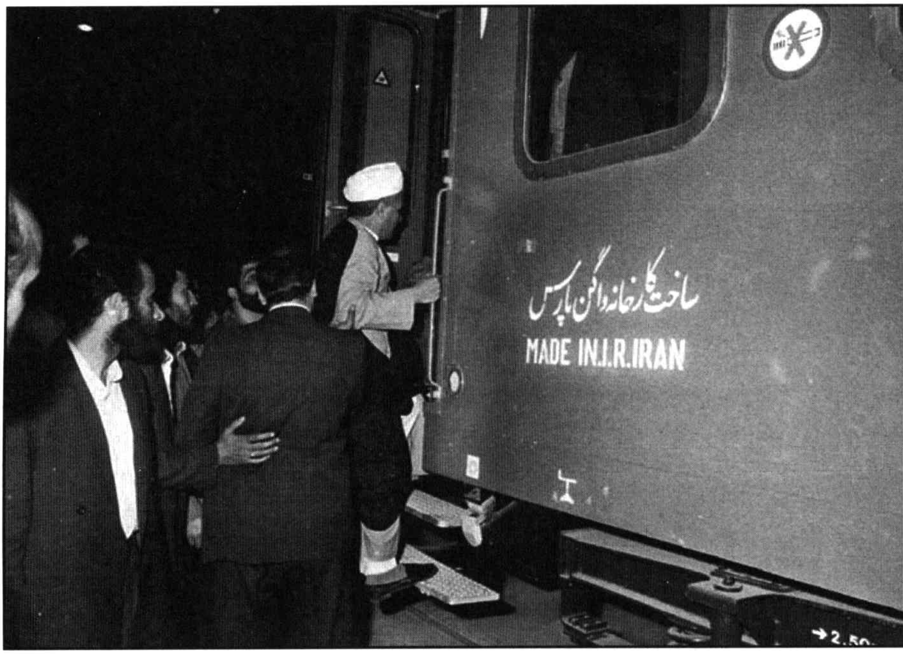
۱ - آقای هاشمی ضمن قدردانی از ایثارگری‌های آزادگان و خانواده معظم شهدا، خطاب به مردم خمین گفت: «شهر خمین، به دلیل داشتن فرزندی گرانقدر و بی‌مانند چون امام خمینی، از بلندآوازه ترین شهرهای گیتی می‌باشد. کاری که امام (رضوان الله تعالی علیه) انجام دادند، در چشم‌انداز محاسبات سیاسی سیاستمداران جهان اصلاً مطرح نبود و امام امت با شکستن طلسم هزارساله ظلم و حکومت شاهنشاهی در این کشور زمام امور را به دست مردم سپردند و این معجزه‌ای بود که به دست امام امت انجام شد تا جایی که امروز ایران، آزادترین و دموکرات‌ترین کشور دنیا می‌باشد.» رجوع کنید← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های ۱۳۶۹» ، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲



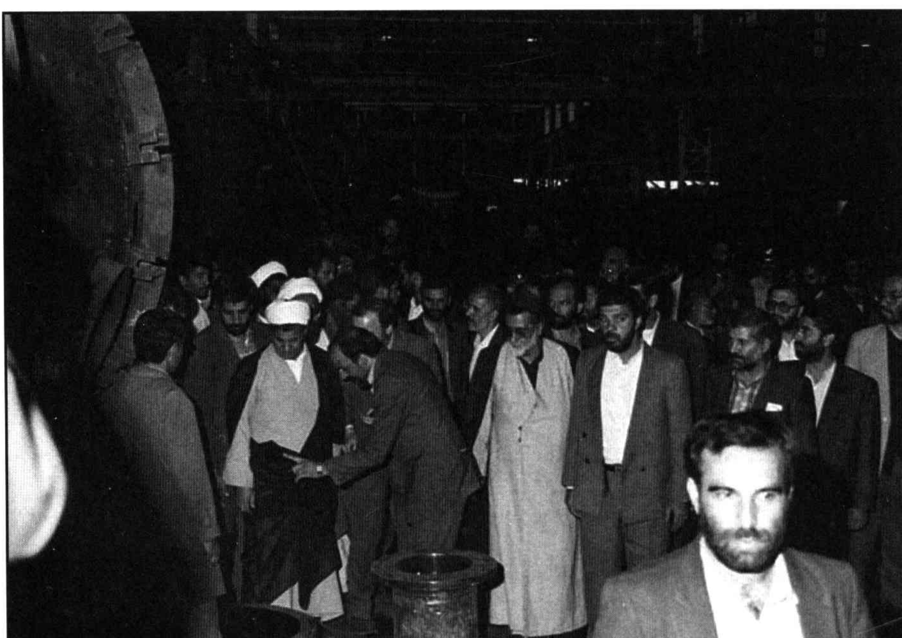
استقبال مردم اراک در سفر اراک



سخنرانی در جمع روحانیون اراک



بازدید از کارخانه واگن سازی پارس



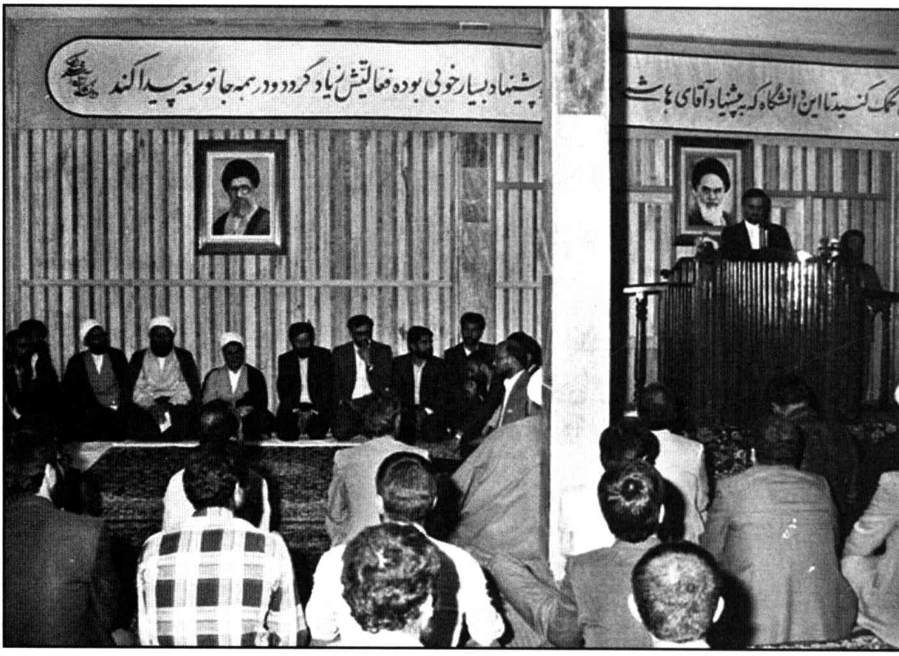
بازدید از مراکز صنعتی اراک



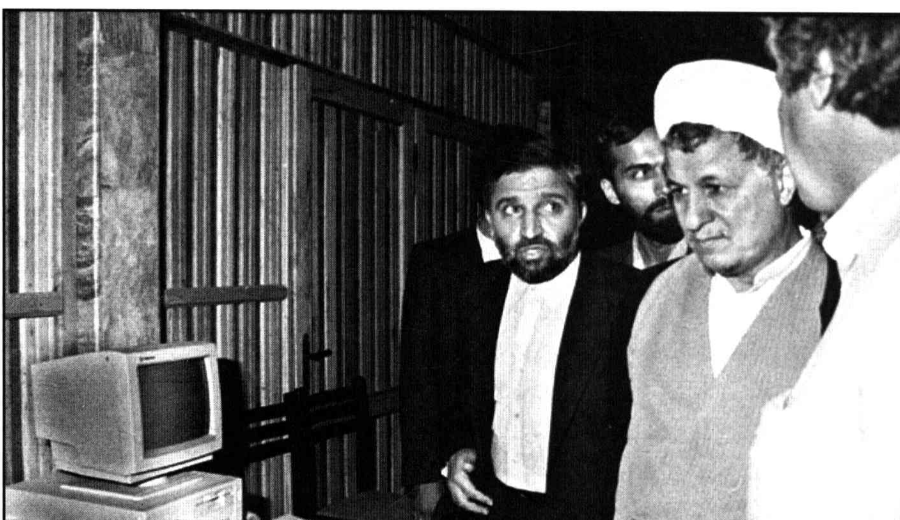
سخنرانی در جمع مردم خمین



بازدید از خانه پدری حضرت امام خمینی (ره)



حضور در جمع دانشگاهیان استان مرکزی



بازدید از دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک

بدرقهٔ گرم مردم، به سوی اراک پرواز کردیم. از فضا، دشت وسیع و معمور جنوب خمین را دیدیم. در اراک به مسجد جامع رفتیم. برای مردم سخنرانی کردم[1]. [آقایان جلالی‌خمینی و خوانساری]، ائمه جمعه خمین و اراک، قبل از صحبت من خیرمقدم گفتند. سرشب به محل دانشگاه آزاد اسلامی رفتیم؛ ساختمان جالبی است. دکتر [عبدالله]جاسبی [رییس دانشگاه آزاد اسلامی]توضیحات داد. حدود هفت هزار دانشجو دارند. برای جمع دانشگاهیان سخنرانی کردم[2].

به استانداری استان مرکزی رفتیم. با مسئولان استان، جلسه طولانی و خسته کننده‌ای داشتیم. مسئول هر بخش گزارش وضع و نیازها را داد. ساعت ده ونیم شام خوردم و با خستگی خوابیدم.

---

۱ - در بخشی از سخنرانی آمده است: «استان مرکزی یک استان قابل توجه و عظیم کشور اسلامی ماست که هم از لحاظ مردم و هم از لحاظ شرایط طبیعی و استعدادهایی که در آن وجود دارد، باارزش است. این استان از استان‌های شخصیت‌پرور کشور است. بنیانگذار جمهوری اسلامی و شخصیت‌های بزرگ همچون آقا ضیاءالدین عراقی که اکثر شخصیت‌های ما از شاگردان ایشان می‌باشند و همچنین ظهور مردانی چون امیرکبیر و تاریخ ایران، نشانهٔ پرورش این قبیل چهره‌ها در این خطه است. امروز استان مرکزی یکی از مراکز مهم صنعتی است و به خاطر شرایط جغرافیایی که در اینجا وجود دارد، در آینده اتکای کشور تا حد زیادی به صنایع حساس این استان است و به خاطر حضور این همه صنایع مادر، طبعاً تقویت مراکز علمی در این استان از ضروریات است. طرح عظیم دانشگاه بزرگ تفرش و آشتیان که در آینده یکی از مراکز عمیق و عظیم علمی و صنعتی کشور خواهد بود، دلیل این است که در مرکز اداره کشور توجه خاصی به این استان می شود.» رجوع کنید← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های ۱۳۶۹» ، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲

۲ - آقای هاشمی با اشاره به مشکل کمبود نیروی انسانی و اجرای دو برنامهٔ مهم پنجساله اول و دوم جمهوری اسلامی گفت: «محاسبه خسارات ناشی از کمبود نیروی انسانی در واحدهای تولیدی و آموزشی امکان پذیر نیست. دانشگاه آزاد اسلامی تا دو سه سال دیگر ۵۰۰ هزار دانشجو می‌تواند داشته باشد و این امر با جذب امکانات مردمی میسر شده است.» ایشان عدم استفاده از کمک‌های مردمی در طی هفت تا هشت سال گذشته در مورد تأسیس مدارس غیرانتفاعی را یک اشتباه خواند و اضافه کرد: «اگر از امکانات مردم در مسیر درست و با انگیزه‌های دینی و ملی، میهنی استفاده شود، در بخش‌های صنعت و کشاورزی هم می‌توان از این موضوع بهره برد.» ایشان ضمن قدردانی از استادان دانشکده‌های دولتی در ارتقاء و توسعه کمّی و کیفی سطح دانشگاه‌ها، گفت: «این دانشکده‌ها پاسخگوی ما نیست و ما هنوز با استاندارد دنیای پیشرفته فاصله داریم و لذا باید با استفاده از امکانات دولتی و غیردولتی، این عقب ماندگی را جبران کنیم. ما در بخش آموزش متوسطه وضع بدی داریم و این همه جوان، به سوی دانشگاه‌هایی که ظرفیت جذب آنان را ندارند، سوق داده می‌شوند.» رجوع کنید← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های ۱۳۶۹» ، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲

جمعه ۱۶ شهریور ۱۳۶۹ | ۱۶ صفر ۱۴۱۱ ۷ سپتامبر ۱۹۹۰

اول وقت مسئولین ادارات اطلاعات و دادگستری استان آمدند. مقداری از امام جمعه انتقاد داشتند. خانواده‌های شهدا آمدند. برایشان صحبت کردم[1]. به کارخانه ماشین سازی رفتیم. آقای [سیف الله]ابراهیمی، مدیرعامل توضیح داد. سپس از سالن‌های متعدد کارخانه شامل ساخت مخازن تحت فشار، دیگ‌های بخار، برج‌های تقطیر، قطعات دیگ‌های حساس و ریخته‌گری بازدید کردیم. وضع تولید خوب است و نیروها شاداب و راضی از سیاست‌های دولت هستند. در خاتمه بازدید، برای کارکنان صحبت کردم[2].

شنبه ۱۷ شهریور ۱۳۶۹ | ۱۷ صفر ۱۴۱۱ ۸ سپتامبر ۱۹۹۰

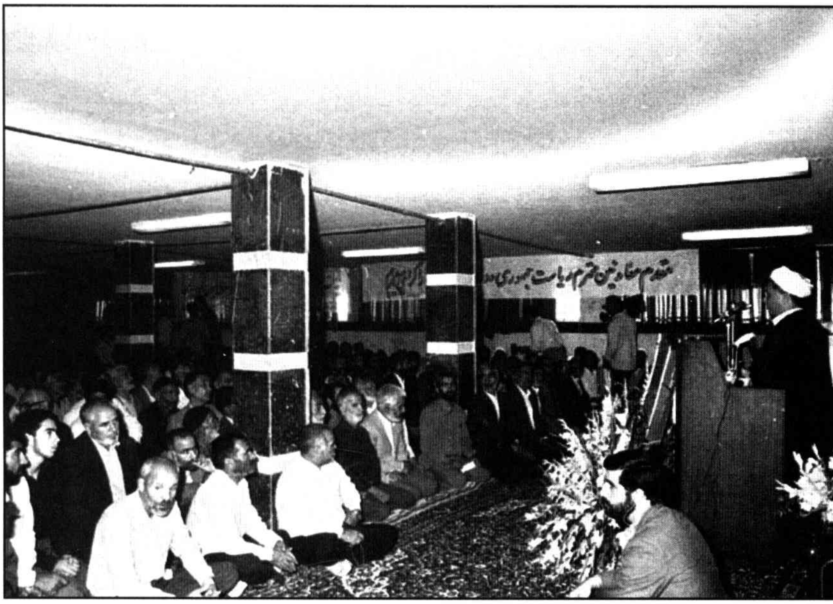
جمعی از خانواده شهدای سه شهیدداده آمدند؛ به مناسبت ۱۷ شهریور برای آنها صحبت کردم[3]. شورای [بررسی]مسایل عراق جلسه داشت. دربارهٔ کیفیت کار و مسایل معارضان

---

۱ - ایشان در جمع خانواده‌های شهدا در محل نمازخانه استانداری حضور یافت و با قدردانی از خانواده‌های شهدا و تشریح نقش آنان درجامعه اظهار داشت: «یکی از دستاوردهای سفرهای من به شهرها، زیارت خانواده شهداست، لحظاتی با خانواده شهدا ملاقات می‌کنم و از آنها روحیه می‌گیرم و برای خودم بسیار مفید می‌بینم که با آنها ملاقاتی داشته باشم. پشتوانه فرهنگی عظیم جامعه، شما خانواده شهدا و جانبازان و خانواده‌هایی هستید که به نحوی در دفاع مقدس سرمایه‌گذاری کرده‌اند.» رجوع کنید← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های ۱۳۶۹» ، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲

۲ - آقای هاشمی در اجتماع کارگران و مهندسان این کارخانه، با تشکر از زحماتی که این عزیزان در جهت رشد کارخانه متحمل شده‌اند، اظهار داشت: «صنعت کشور ما با امکانات صنعتی عظیم موجود در کارخانه ماشین سازی اراک تا حدود زیادی تغذیه می‌شود و این کارخانه مایهٔ اعتبار کشور است. افزایش تولید و امکانات سنگین این کارخانه، پشتوانه قابل اطمینانی است، لذا در شرایط کنونی توجه به حقوق عموم افرادی که دراین کارخانه کار می‌کنند، وظیفه مدیریت است.» رجوع کنید← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های ۱۳۶۹» ، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲

۳ - آقای هاشمی با ادای احترام نسبت به شهدای گرانقدر هفده شهریور گفت: «امروز هفدهم شهریور، روز تاریخی مهمی است، روزی که حکومت طاغوت از اوج‌گیری انقلاب اسلامی به شدت نگران شده بود، زیرا می‌دید که مردم شجاعانه در همه صحنه‌ها وارد میدان شده‌اند و بدون هیچ ترسی در جریان مبارزه قرار گرفته‌اند. در روز هفدهم شهریور آن سال، رژیم به‌گمان باطل خود، با تجربه‌ای که از کشتار پانزده خرداد به‌دست آورده بود، تصمیم گرفت با برپاکردن حکومت نظامی و کشتار مردم از اوج‌گیری مبارزات جلوگیری کند و مردم را بترساند، اما این بار عجیب

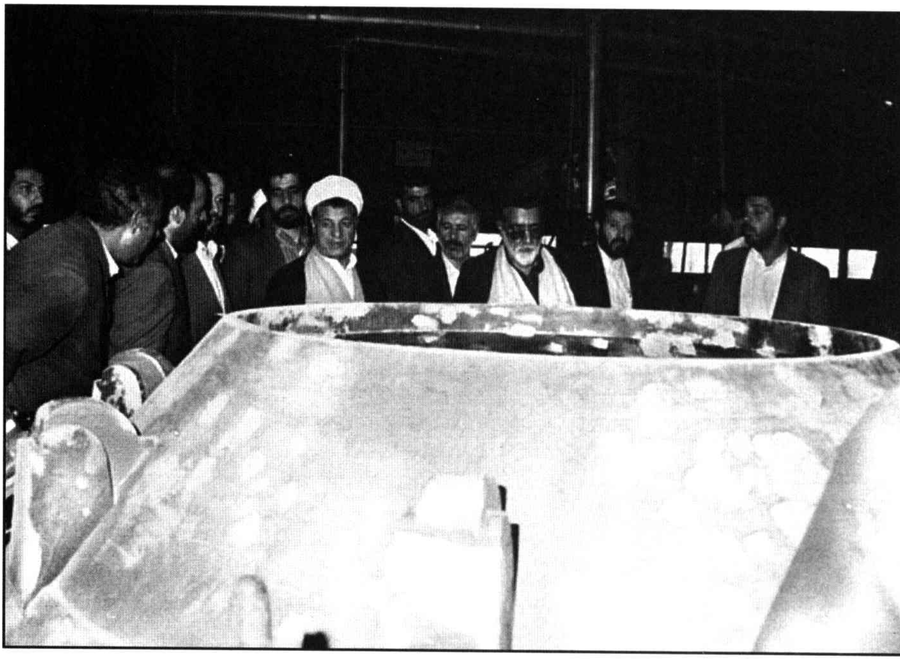


ملاقات با خانواده شهدای سه شهید داده

عراق تصمیم‌گیری شد. عصر دکتر [محسن]نوربخش، [وزیر امور اقتصادی و دارایی] و دکتر روحانی، [دبیر شورای عالی امنیت ملی] برای امور جاری و مسایل عراق و مسایل صنعت آمدند.

شورای‌عالی امنیت ملی جلسه داشت. دربارهٔ مسایل مربوط به سفر هیأت عراقی که فردا به ایران می‌آیند، تصمیم‌گیری شد. رییس‌جمهور سوریه که بنا بود ۲۴ شهریور به تهران بیاید، اطلاع داده است، به خاطر سفر هیأت عراقی، سفر خود را یک هفته به تأخیر خواهد انداخت.

بود که مردم نترسیدند و با رهبری روحانیت و در رأس آنها حضرت امام خمینی (رضوان الله علیه)، راه خودشان را ادامه دادند. البته وسعت کار هم بیش از سابق بود. ما در اثر مبارزه طولانی، تجربه‌های فراوانی اندوخته بودیم و تشکیلاتی داشتیم. برنامه‌هایمان بهتر بود و مردم هم آگاه‌تر شده بودند. رمز آن موفقیت بزرگ، آگاهی مردم و حفظ ارتباط با امام و حضور روحانیت در همه صحنه‌های مبارزه بود. مردم از لحاظ روحی به سطح وسیعی از آگاهی رسیده بودند که در تشخیص خود و راه خودشان خدا و اسلام و قرآن را در رأس هدف‌شان قرار داده بودند، مردم به‌خوبی دریافته بودند اصل، رضایت خداوند است و برای به دست آوردن این رضایت، آمادهٔ دادن جان و مال و فرزند شدند و در نتیجهٔ آن همه ایثار، شاهد پیروزی را در آغوش گرفتند.» رجوع کنید← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های ۱۳۶۹» ، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲



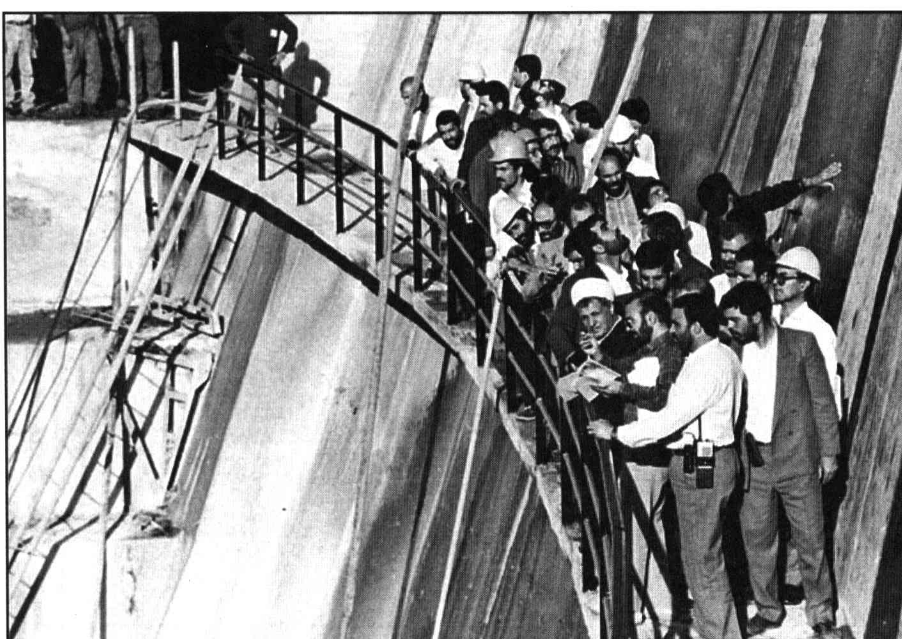
بازدید از کارخانه آذراب اراک



بازدید از کارخانه آلومینیوم سازی اراک



بازدید از سد بزرگ ساوه



به کارخانه آذرآب رفتیم. مدیرعامل، گزارش و توضیحات داد. مدت دو ساعت از سالن‌ها بازدید کردیم؛ ماشین‌های مهم و حساس و سالن عظیم آن قابل توجه است. قدرت ساخت بویلرهای سطح بالا و بزرگ را دارند، ولی در ارجاع کارها به آنها ناراضی‌اند. ساخت نیروگاه را معمولا به خارجی‌ها واگذار می کنند و آنها بخشی از کار را به آذرآب سفارش می‌دهند؛ برای تقویت ساخت داخل تلاشی شروع شده است.

پس از ناهار و نماز، پسرِامام جمعه آمد و از استاندار انتقاد داشت. با هلی کوپتر به محل سد ساوه رفتیم. در حال بتون‌ریزی سد هستند. توضیحات داده شد و از محل سد بازدید کردیم؛ جمعی از مردم ساوه هم آمده بودند. مصاحبه رادیوتلویزیونی انجام دادم[۱]. گوشم از صدای هلی کوپتر ناراحت شده است.

ساعت شش بعد از ظهر به سوی تهران پرواز کردیم. مغرب در فرودگاه مهرآباد فرود آمدیم. به دفترم رفتم و گزارش‌ها را خواندم.

یکشنبه ۱۸ شهریور ۱۳۶۹ | ۱۸ صفر ۱۴۱۱ ۹ سپتامبر ۱۹۹۰

[آقایان کازرونی، کرباسچی و زواره‌ای]، وزیر مسکن و شهرسازی، شهردار تهران و رییس سازمان ثبت اسناد و املاک آمدند. پروژه‌های ساختمانی که وزارت مسکن و

---

۱ - آقای هاشمی در این مصاحبه با اشاره به بازدید خود از چهار واحد بزرگ آلومینیوم سازی، واگن سازی، ماشین‌سازی و کارخانه آذرآب اراک، گفت: «پس از طی یک دوره رکود و کم‌کاری، وضعیت تولیدی در این واحدها تا سه برابرِ این می‌شود.کیفیت کارها امیدوار کننده و خلاقیت‌ها رو به رشد است. یکی از مشکلات کارخانه‌ها، این است که مصرف‌کنندگان ما حتی در بخش دولتی ترجیح می‌دهند که نیازهای خود را از خارج بگیرند و اکنون زمان آن فرا رسیده است که ما محصولات ساخت کشور را جدی بگیریم. سد ساوه، کشاورزی منطقه را دگرگون می‌سازد و احداث این سد، یکی از آرزوهای دیرینه ایران است و از زمان قدیم در فکر احداث این سد بوده‌اند و اکنون یکی از آرزوهای تاریخی ما، به دست مهندسین ایرانی جامه عمل می‌پوشد و من از فرزندان انقلاب تشکر می کنم.» ایشان در پاسخ به سئوالی پیرامون اختصاص ارز به کارخانه‌ها گفت: «در مرحله اول در حد یک شیفت برای واحدها ارز قرار دادیم، ولی در حال حاضر هر کارخانه‌ای برای تولید ارز بخواهد به قیمت رقابتی ترجیحی و یا دولتی می‌تواند ارز بگیرد و مشکل کارخانه‌ها، نقدینگی است و ما به بانک‌ها گفته‌ایم که ۲۵ درصد مبلغ را برای ارز مورد نیاز آنها بگیرند و اگر بدانیم باز هم مشکلی دارند، کمک خواهیم کرد. با شرایط جدیدی که پیدا شده است مراکز تولیدی به سوی سقف کامل تولید جهش برداشته‌اند و راه تولید باز است.» رجوع کنید← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های ۱۳۶۹» ، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲

شهرسازی، با دستور من، برای شهر تهران، به منظور شکستن بحران مسکن تنظیم کرده است، بررسی شد. قرار شد سازمان ثبت اسناد و املاک و شهرداری تهران همکاری کنند تا سالانه حدود بیست هزار واحد مسکنِ ارزان قیمت، با انبوه‌سازی تهیه و عرضه شود و ارز مصالح ساختمانی را دولت بپردازد.

[آقای غلامرضا آقازاده]، وزیر نفت آمد. گزارش فروش و طرح‌ها را داد و برای اخذ ارز بیشتر و همکاری بانک مرکزی استمداد کرد. قرار است روزانه پانصد هزار بشکه نفتِ اضافه استخراج و ذخیره کنیم که هنگام بروز بحران احتمالی بفروشیم.

آقای [مسعود روغنی]زنجانی، [معاون رییس‌جمهور و رییس سازمان برنامه و بودجه] و مشاوران آمدند. دربارهٔ نظارت بر اجرای برنامه، طرحی آوردند و نیز نتیجهٔ رسیدگی به مسأله واگذاری کارخانه‌های دولتی به بخش خصوصی را توضیح دادند؛ اصرار برای انجام دارند.

ظهر برای اصلاح دندان به دندانپزشکی رفتم. دکتر غیرماهری است؛ خوب کار نمی‌کند. هیأت عراقی به ریاست آقای طارق عزیز، وزیر امورخارجه، نزدیک ظهر به تهران رسید. در فرودگاه مهرآباد ناهماهنگی بوده. آنها را برای مراعات امنیت، به باشگاه وزارت نفت برده‌اند؛ چون احتمال مزاحمت بعضی از نیروهای حزب‌اللهیِ شهیدداده می‌رود.

عصر هیأت دولت جلسه داشت. شب مهمان آیت‌الله خامنه‌ای بودم. آقایان ولایتی و آقازاده، [وزیران امور خارجه و نفت]، تلفنی گزارش مذاکره با عراقی‌ها را دادند. گفتند آنها مواظبند مطالبی را که احتمال می‌دهند با مخالفت ما روبرو شود، مطرح نکنند؛ دست به عصا راه می‌روند و بیشتر برتحکیم روابط و صلح تکیه دارند و فقط پیشنهاد فروش فرآورده‌های نفتی اضافی را به ما دارند.

با رهبری دربارهٔ مسایل منطقه، عراق، آمریکا و اعراب و نیز درباره اعزام خانم‌ها به مسابقات تیراندازی به چین و سفر آقای حافظ اسد، [رییس‌جمهور سوریه] به ایران، مذاکره شد. به دفترم برگشتم.

دوشنبه ۱۹ شهریور ۱۳۶۹ | ۱۹ صفر ۱۴۱۱ ۱۰ سپتامبر ۱۹۹۰

تا ساعت هشت و نیم کار کردم. ساعت نُه صبح، مطابق معمول ملاقات‌ها شروع شد. شورای اسناد ملی آمدند. برای تنظیم اسناد گذشتهٔ موجود در بایگانی‌های راکد کشور که ده‌ها سال است تنظیم نشده، اعتبار و امکانات زیادتر خواستند؛ موافقت نمودم.

آقای [محمد]معزّی، نماینده اصفهان آمد. از موفقیت‌های سیاسی و اقتصادی دولت تمجید کرد. پیشنهادهایی برای اصلاحات اداری داد و برای حفظ میراث‌های فرهنگی اصفهان استمداد کرد. آقای [علی‌محمد]بشارتی، [قائم‌مقام وزیرامورخارجه] تلفنی گفت، عراقی‌ها توسط صلیب سرخ اطلاع داده‌اند که آقای[محمدجواد]تندگویان در سال ۶۸ فوت کرده است.

آقای [علی محمد]باباخاص، نماینده پاوه آمد. مشکلات منطقه کردستان را گفت و ضمن تجلیل از سیاست‌های دولت، از مأموران محلی به خاطر برخورد تبعیض آمیز با کُردها و اهل سنت انتقاد داشت و ضمن تشکر از اجازه تأسیس دانشگاه دینی برای سُنی‌ها، برای ساخت مسجد اهل سنت در تهران اجازه خواست.

آقای [رسول]منتجب‌نیا، [نماینده شیراز] آمد. از استاندار فارس و وزیر آموزش و پرورش انتقاد داشت و برای انجمن اسلامی معلمان استمداد کرد. از همراهی خود و دوستانش با دولت گفت و گزارش‌های مخالفت آنان با دولت را منکر شد؛ گفتم وقت دیگری صحبت خواهیم کرد.

با هیأت عراقی، مرکب از طارق عزیز، وزیر نفت و برزان تکریتی، برادر صدام ملاقات داشتیم؛ از موضع ضعف مذاکره می‌کردند و سعی در توجیه اقدامات خود در تجاوز به کویت را داشتند؛ نپذیرفتم و تأکید کردم که اسرا زودتر آزاد شوند و اتباع دو کشور بتوانند برای زیارت مسافرت کنند و با برقراری روابط رسمی و افتتاح سفارتخانه‌ها موافقت نمودیم. برای آنها، وضع خطرناکی را که در مقابل آمریکا و غرب و رقبای عرب‌شان دارند، توضیح دادم. مدعی بودند، اگر عراق شروع نکرده بود، آنها با برنامه مشخص حکومت عراق را ساقط می‌کردند.

ظهر دندانم درد گرفت. عصر به دندانپزشک مجلس مراجعه کردم. آقایان

[سیروس]ناصری و [سیدحسین]موسویان آمدند؛ گفتند برزان تکریتی، از ضعف طارق‌عزیز در مذاکرات و عدم جواب منطقی به من انتقاد داشته است. دربارهٔ جواب پیام آمریکایی‌ها که دیروز توسط سفیر سوئیس در خصوص مسایل خلیج فارس و مسایل ایران و آمریکا و غرب داده بودند، صحبت شد؛ قرار شد محکم جواب بدهند.

شورای اقتصاد جلسه داشت. دربارهٔ نرخ تلفن و خرید تجهیزات پزشکی تصمیم‌گیری شد. شب به خانه آمدم؛ بچه‌ها جمع بودند.

سه‌شنبه ۲۰ شهریور ۱۳۶۹ | ۲۰ صفر ۱۴۱۱ ۱۱ سپتامبر ۱۹۹۰

در منزل بودم. کار زیادی از دفتر آورده بودم که عمده وقتم را گرفت و نگذاشت استراحت داشته باشم. پیش از ظهر آقای عبدالله نوری، [وزیرکشور] آمد و گزارشی از بازسازی مناطق مخروبهٔ زلزله داد؛ از پیشرفت کار راضی است. برای تقویت استاندارها استمداد کرد و گزارش پیشرفت طرح ادغام نیروهای انتظامی را داد؛ کمیته‌ای‌ها ناراضی‌اند.

ظهر بچه‌ها جمع بودند. فائزه و فرشته ناهار درست کرده بودند. عصر احمدآقا آمد. از آیت‌الله خامنه‌ای به خاطر ندادن پادگان نیروی دریایی به مرقد امام گله داشت. دربارهٔ مسایل سفر هیأت عراقی صحبت شد. شب غذای نذری خوردیم که برایمان آورده بودند.

چهارشنبه ۲۱ شهریور ۱۳۶۹ | ۲۱ صفر ۱۴۱۱ ۱۲ سپتامبر ۱۹۹۰

ساعت هشت و نیم صبح به دفترم رسیدم. آقای کاظمی از صنایع نظامی آمد. از عدم انسجام مدیریت ساصد[= سازمان صنایع دفاع] و مشکلات عدم هماهنگی با ستاد کل[نیروهای مسلح] گفت و چاره‌جویی نمود.

[آقای عبدالحسین وهاجی]، وزیر بازرگانی آمد؛ عازم آفریقا است. مشورت کرد. گفتم برای فعال شدن در تجارت با آفریقایی‌ها به منظور کمک به آنها و استفاده از منابع خوب آنجا، مرکز تجاری در آفریقا تأسیس کنند. گزارش وضع نمایشگاه بین‌المللی را داد و خواست که در افتتاح شرکت کنم. گزارش وضع توزیع داخلی را داد و اعتراف کرد که

نابسامان است. گفت طرح اصلاحی تهیه کرده‌اند که به‌زودی به شورای اقتصاد می‌آورند.

آقای [حمید]میرزاده، برای امور جاری و بازسازی و مسایل جزیره کیش آمد؛ اخیراً مدیرعامل[سازمان عمران کیش] را عوض کرده‌اند[1]. آقای [سیدمحمدباقر]مُهری، [امام‌جماعت شیعیان کویت] و جمعی از کویتی‌هایی که اخیراً به ایران مهاجرت کرده اند، برای ملاقات آمدند. گزارش وضع آنجا را دادند و برای رفع مشکلات مهاجران کویتی به ایران استمداد کردند؛ قول کمک دادم. قرار شد مشکلات را بنویسند. آقای مُهری در کویت در زندان بوده که مدتی پیش با شفاعت من آزاد شده است؛ از این بابت تشکر کرد.

دکتر [محمدحسین]عادلی، [رییس بانک مرکزی]آمد. گزارش وضع ارزی و مالی داد و برنامه‌های آینده را گفت. مدیرعامل بانک مسکن همراه او بود. برنامه خانه‌سازی و انبوه‌سازی را گفت که تأیید کردم و قول حمایت دادم.

عصر مهدی آمد و دربارهٔ تولید اتومبیل سواری نظراتی ارائه داد که نپذیرفتم. در جلسه دولت شرکت کردم. بحث طولانی برای تغییر ساعات کار ادارات در تهران، به‌منظور کم‌کردن فشار ترافیک در ساعات صبح و بالا بردن کارایی ادارات داشتیم؛ بالاخره تصویب شد. اجرای این طرح، مشکلاتی هم خواهد داشت.

شب در دفترم ماندم. آقای [علی]یونسی، دادستان[عمومی] تهران آمد. برای آوردن یک متهم فراری از ترکیه مذاکره شد. [آقای عبدالله نوری]، وزیر کشور از اقدام ارتش برای تصرف اتوبوس‌ها در ترمینال جنوب، تلفنی شکایت کرد؛ معلوم شد برای مبادلهٔ اسرا که عددشان دو هزار نفر شده، اقدام کرده‌اند. گفتم ماشین از وزارت دفاع بگیرند. آیت‌الله خامنه‌ای امروز حملهٔ تندی علیه آمریکا داشتند[2].

---

۱ - آقای محسن مهرعلیزاده، به جای آقای محمدرضا یزدان پناه، به عنوان مدیرعامل سازمان عمران کیش منصوب شده بود.

۲ - بیانات رهبر معظم انقلاب، مبنی بر محکومیت شدیداللحن حضور نظامی آمریکا در منطقه خلیج فارس و تاکید ایشان بر جهاد فی‌سبیل‌الله بودن مبارزه با توطئه های آمریکا و شهید محسوب‌شدن قربانیان این مبارزه، در سطح وسیعی در رسانه‌های ارتباط جمعی جهان انعکاس یافت. بسیاری از رسانه‌ها ادعا کردند: «رهبر عالی ایران ، علیه حضور نیروهای آمریکایی در خلیج فارس اعلام جهاد کرده است.» این در حالی است که ایشان در بیانات‌شان از مبارزه و مقابله با تجاوز، طمع‌کاری ها، نقشه ها و سیاست های آمریکا برای دست‌اندازی به خلیج فارس، به عنوان جهاد فی‌سبیل الله یاد کرده بودند. «ریچارد بوچر» سخنگوی وزارت امورخارجه آمریکا، در برابر خبرنگاران، از اظهار نظر دربارهٔ بیانات رهبر معظم انقلاب طفره رفت و تبعیت جمهوری اسلامی ایران از قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل

پنج‌شنبه ۲۲ شهریور ۱۳۶۹ | ۲۲ صفر ۱۴۱۱ ۱۳ سپتامبر ۱۹۹۰

استاندار ایلام آمد. گزارش مثبت و خوشحال کننده‌ای از وضع استان داد و خدمات و کارهای عمرانی زیادی که در آنجا شده است؛ در گذشته از مأموران منفی باف بود. احتمالاً به خاطر فشاری که نمایندگان و امام جمعه استان برای تعویض او، به ادعای عدم‌کارآیی دارند، چنین موضعی گرفته است. گفت در بسیاری از نقاط مرز، نیروهای مسلح پس از عقب‌نشینی عراقی‌ها، به نزدیک مرز رفته‌اند و در مواضعی هم هنوز نرفته‌اند. مین‌ها هنوز جمع‌آوری نشده است.

آقای [سید منصور]رضوی، دبیرکل سازمان امور اداری و استخدامی آمد. پیشنهادهایی در جهت اصلاح اداری داشت. آقای [اصغر]ابراهیمی، مدیرعامل شرکت متروی تهران

در مورد تجاوز عراق به کویت، به عنوان یک عضو سازمان ملل را مورد تاکید قرار داد. خبرگزاری رویتر به نقل از یک مقام ارشد نزدیک به رییس‌جمهور فرانسه گفت: «فراخوان آیت‌الله خامنه‌ای رهبر عالی ایران، نشانگر کشمکش داخلی بین رادیکال ها و میانه‌روهای دولت ایران است . این کشمکش داخلی است و اینها افرادی هستند که می خواهند از این وضعیت برای رقابت با خط هاشمی‌رفسنجانی در خلیج[فارس] بهره برداری کنند. به نظر ما این نشانگر سیاست رسمی ایران نیست. سیاست در ایران، پیچیده‌تر از اظهاراتی است که توسط[آیت‌الله] خامنه‌ای ایراد شده است.» همچنین چهار شبکه مهم رادیو تلویزیونی آمریکا، این خبر را به عنوان مهمترین تحول جدید در بحران خلیج فارس، در راس اخبار بامداد پنج‌شنبه خود قرار دادند. این شبکه ها بیشتر بر روی عباراتی چون «لزوم جهاد علیه نیروهای آمریکا» و «منزلت شهادت برای کسانی که در راه مبارزه با نیروهای آمریکا کشته شوند» تاکید کردند. رادیو صدای آمریکا نیز در چندین بخش خبری خود، با آب وتاب به انعکاس سخنان رهبرمعظم انقلاب پرداخت و اظهارات چند عنصر ضدانقلاب از جمله شاهپور بختیار، آخرین نخست وزیر شاه، رضا پهلوی، منوچهر گنجی و آیت الله روحانی را در این ارتباط پخش کرد. همچنین رادیو صدای آمریکا، در یک مغالطه آشکارگفت: « [آیت الله]خامنه‌ای به صدام‌حسین پیوسته و مبارزه با نیروهای امریکا در خلیج فارس را جهاد خوانده است. دولت ایران، اظهار نظر مشابهی نکرده و با وجود اینکه با درخواست عراق برای برقراری روابط سیاسی توافق کرده است، همچنان تجاوز عراق به کویت را محکوم می کند.» رادیو مسکو نیز در گزارشی، صرفاً به نقل بیانات رهبر معظم انقلاب پرداخت و از عربستان سعودی و برخی کشورهای خلیج فارس، به عنوان کشورهای هدف انتقاد ایشان نام برد. کانال یک تلویزیون اسپانیا نیز با اشاره به سخنان آیت الله خامنه ای برای مقابله با حضور نظامی آمریکا در منطقه خلیج فارس،گفت: «چنانچه تهدید ایران عملی شود، تعادل منطقه به طور کامل به هم خواهد خورد.» تحلیلگر تلویزیون اسپانیا، این سخنان را مصداق دعوت به «جنگ مقدس» دانست و گفت: «ایران از اعلام این امر، مسایل مختلفی را جستجو می کند.» منبع: نشریه ویژه خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۹/۶/۲۳، صفحه ۱۴

آمد. گزارش کار داد؛ پیشرفت امسال خوب نیست. مدعی است به خاطر پول ندادن بانک‌ها و عدم پشتیبانی وزارت کشور بوده. برای ارز و مصالح استمداد کرد.

دکتر [حسن]حبیبی آمد. گزارش سفر به بوشهر را داد؛ راضی است. برای امور جاری مشورت کرد. عصر آقای علی هاشمی، عموزاده‌ام آمد؛ هفت سال و یک ماه در عراق اسیر بود. توضیحات جامعی از وضع اردوگاه‌ها و عملکرد اسرا و رفتار عراقی‌ها گرفتم. عراقی‌ها خیلی سبعانه و شقاوتمندانه با اسرای ما رفتار کرده‌اند.

به خانه آمدم؛ کسی در خانه نبود. سرشب به رادیو بی بی سی گوش دادم. رسانه‌های غربی از اظهارات دیروز آیت‌الله خامنه‌ای که مبارزه با حضور آمریکا در منطقه را جهاد خوانده‌اند، اظهار نگرانی دارند؛ به آقای [سیدکمال]خرازی، [نماینده دایم ایران در سازمان ملل]گفتم مصاحبه کند و فضا را تعدیل نماید.

جمعه ۲۳ شهریور ۱۳۶۹ | ۲۳ صفر ۱٤۱۱ — ۱٤ سپتامبر ۱۹۹۰

در منزل بودم. بیشتر وقت به استراحت گذشت. فائزه پذیرایی می‌کرد. عفت، فاطی، مهدی و یاسر در سفرهستند. در گزارش‌ها هنوز اظهارات آیت‌الله خامنه‌ای در مورد جهاد با آمریکا مورد توجه است. استخر را آب کردم و قدری شنا نمودم. به دستور دکترها، برای رفع کمردرد، شنا می‌کنم.

شنبه ۲٤ شهریور ۱۳۶۹ | ۲٤ صفر ۱٤۱۱ — ۱۵ سپتامبر ۱۹۹۰

در اظهارات [جرج بوش]، رییس‌جمهور آمریکا، نوعی عقب‌گرد در مورد مسأله ماندن نیروهای آمریکایی در منطقه دیده می‌شود که می‌تواند عکس‌العمل در مقابل اظهارات آیت‌الله خامنه‌ای باشد.

به دفترم رفتم. کارها را انجام دادم. آقای [سید محمد]خاتمی، وزیر[فرهنگ و ارشاد[اسلامی] آمد. برای سفر به کوبا مشورت کرد. آقای [محمد]غرضی، [وزیر پست و تلگراف و تلفن] آمد. برای توسعه مخابرات و پیج استمداد و مشورت کرد و پیشنهادهایی

در مورد دانشگاه‌ها داشت. همچنین در جهت کوچک کردن حجم دولت پیشنهادهایی داد.

آقای [محمد محمدی]ری‌شهری آمد. گزارش سفر به کوبا را داد؛ راضی است. برای شناخت بهتر غرب، پیشنهادی داشت؛ اولین سفرش به این منطقه است و تحت تأثیر قرار گرفته. دکتر [حسن]حبیبی برای امور جاری کشور آمد.

عصر دکتر هاشمی [گلپایگانی]، برای دستور شورای انقلاب فرهنگی آمد. دکتر روحانی برای دستور شورای‌عالی امنیت ملی آمد. سپس شورای‌عالی امنیت ملی جلسه داشت. نتایج سفر هیأت عراقی بررسی شد. دربارهٔ دستور هیأت ایرانی که فردا عازم سفر به عراق است، بحث و تصمیم‌گیری شد. عراقی‌ها اعلان کرده‌اند که اسرای ما تمام شده‌اند؛ نظر این شد که نپذیریم و مدعی وجود هزاران اسیرمان در عراق باشیم، چون مفقودالاثر زیاد است.

شب با احمدآقا مهمان رهبری بودیم. گزارش تصمیمات شورا را دادیم و مقرر شد هفته دفاع مقدس، تبدیل به جشن پیروزی شود. شب در دفترم ماندم. بچه‌ها همه در سفر هستند.

یکشنبه ۲۵ شهریور ۱۳۶۹ | ۲۵ صفر ۱۴۱۱ — ۱۶ سپتامبر ۱۹۹۰

[آقای ایرژی هگو]، سفیر جدید چکسلواکی آمد[1]. خواستار توسعه روابط اقتصادی شد. از خسارات حضور نیروهای روسی در کشورش گفت و از طلب‌های وصول نشده کشورش از شوروی و از کم شدن تحویل نفت و گاز شوروی به کشورش ناراحت بود و خیلی از خرابی اوضاع اقتصادی شوروی گفت.

[دکتر احمد محمدعلی]، سفیر جدید یمن آمد. از مشکلات فراوان اقتصادی یمن بعد

---

۱ - در این دیدار، سفیر چکسلواکی ضمن ابلاغ سلام‌های گرم «واسلاو هاول» رییس‌جمهور این کشور، اظهار امیدواری کرد که دوره مسئولیت خود در جمهوری اسلامی ایران، توأم با بسط و توسعه روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی دو کشور باشد. آقای هاشمی نیز در این دیدار، برای سفیر جدید چکسلواکی در جمهوری اسلامی ایران جهت گسترش و تعمیق روابط دوجانبه آرزوی موفقیت کرد.



ملاقات با سفیر چکسلواکی

از هجوم عراق به کویت و قطع کمک‌های کویت و قطع نفت عراق و کویت گفت و استمداد کرد. [آقای جودت نورالدین]، سفیر جدید لبنان آمد. از وضع خراب لبنان و اضافه شدن مشکلات بعد از بحران کویت و سقوط بیشتر لیره لبنان گفت.

آقای [نعمت‌الله] ایزدی، سفیر جدیدمان در شوروی آمد و مشورت کرد. گفتم در توسعه روابط بکوشد. از اینکه روس‌ها بهای جدی به ما نمی‌دهند، گله داشت. گفتم آنها به ما اعتماد ندارند و از تحرک ما در جمهوری‌های مسلمان نشین کشورشان، نگران هستند و طبیعی است که ما را مثل دوستان مورد اعتمادشان ندانند؛ علاوه براین تحت فشار آمریکایی‌ها نیز هستند و از سیاست ما در افغانستان هم راضی نیستند. در عین حال از اینکه اسلحهٔ پیشرفته به ما می‌دهند، باید قانع بود و واقع‌بین.

آقای [سیدرضا]زواره‌ای، همراه اعضای شورای نقشه‌برداری آمدند و برای اجرای طرح کاداستر[=طرح نقشه اراضی کشور] استمداد کردند و هواپیما و دوربین خواستند؛ قول حمایت دادم. عصر هیأت دولت جلسه داشت. طرح تغییر مرکز سیاسی کشور در دستور بود؛ ناتمام ماند. به کمیسیون ارجاع نمودیم.

شب مهمان رهبری بودم. درباره اظهارات تند ایشان علیه آمریکا و اعلان جهاد بحث شد. ایشان گفتند نظرشان به وضع فعلی نبوده و از حضور فعلی آنها ناراحت نیستند، بلکه

صحبت ایشان، مربوط به اظهارات بعضی از سران آمریکا است که گفته‌اند در آینده می‌خواهند در منطقه بمانند و سیستم امنیتی درست کنند. به دفترم برگشتم.

دوشنبه ۲۶ شهریور ۱۳۶۹ | ۲۶ صفر ۱۴۱۱ — ۱۷ سپتامبر ۱۹۹۰

آقای[علیرضا] افشار، [فرمانده نیروی مقاومت بسیج] و فرماندهان بسیج آمدند و برای فعال‌تر کردن بسیج استمداد کردند. آقای[سیدکمال] خرازی، [نماینده دایم ایران در سازمان ملل]آمد. درخصوص سیاست خارجی سؤالاتی داشت. شورای‌عالی افغانستان جلسه داشت. پیشنهادهای بلندپروازانه‌ای در کمک به افغان‌ها و جذب سایر گروه‌های غیرشیعی داشتند؛ تعدیل‌شان کردم.

عصر شورای اقتصاد جلسه داشت. تصویب کردیم که گندم را از کشاورزان، ده ریال گران‌تر بخریم. همچنین اجازه دادیم که با ارز صادرات غیر نفتی، بتوانند قطعات یدکی اتومبیل وارد کنند؛ هدف تشویق صادرات و حل مشکل کمبود قطعه است. شب در دفترم ماندم.

سه‌شنبه ۲۷ شهریور ۱۳۶۹ | ۲۷ صفر ۱۴۱۱ — ۱۸ سپتامبر ۱۹۹۰

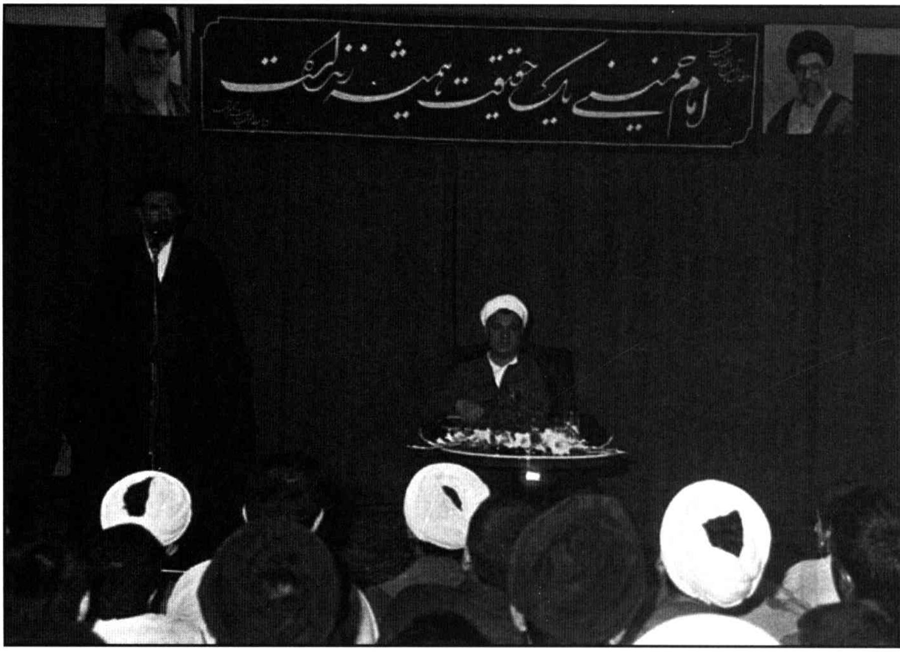
ساعت نُه صبح، دکتر [محسن]نوربخش،[وزیر امور اقتصادی و دارایی]آمد. گزارش وضع اقتصادی را داد و از پیشرفت امور اظهار رضایت کرد.

آقای [سیدعلی‌اکبر]ابوترابی، اسیرِ آزاد شده، همراه پدر و فرزندش آمد؛ از استقامت، صبر و خدمات ایشان در دوران اسارت ستایش کردم. قبل از رسیدن پدرشان، [سید عباس ابوترابی]، خیال می‌کردم پدرش مرحوم شده، اظهار تأسف کردم؛ جواب داد که آمده است؛ خجالت کشیدم.

اعضای ستاد رسیدگی به امور اسرا آمدند. گزارش کار دادند و من هم صحبت کردم[1].

---

۱ - آقای هاشمی در دیدار روحانی سرافراز و آزاده، حجت‌الاسلام حاج سید علی اکبر ابوترابی و مسئولین ستاد رسیدگی به امور آزادگان گفت: «آزادگان عزیز، دلسوزترین و آزمایش‌داده‌ترین افراد جامعه و فرهنگ مجسّم ↩



ملاقات با روحانیون آزاده

آقای ابوترابی هم صحبت کرد؛ او از کاردانی مسئولان که باعث آزادی افتخارآمیز و پیروزمندانه اسرا گردید، قدردانی کرد[1].

انقلاب اسلامی هستند.» ایشان ضمن قدردانی از مسئولین ستاد رسیدگی به امور آزادگان و همه دستگاه‌هایی که در امور آزادگان فعالیت داشته‌اند، گفت: «در ابتدای فعالیت ستاد، این همه موفقیت و سرعت کار قابل پیش بینی نبود، اما خوشبختانه به لطف خداوند، کار در بُعد وسیعی و بسیار با سرعت و با همکاری دستگاه‌ها انجام پذیرفت. مسایل مربوط به آزادگان باید با دقت و حساسیت خاصی دنبال شود، چون آزادگان انسان‌هایی هستند که به خاطر صلاحیت‌ها و خوبی‌هایی که در وجودشان بوده به جنگ رفتند، در جهاد شرکت کردند و در دوران اسارت نیز سخت‌ترین زحمات را متحمل شدند. آزادگان استعدادهای بسیار باارزشی هستند و هرکس به تناسب استعداد، باید در جامعه فعال گردد، مخصوصاً آن کسانی که خوب استقامت کرده‌اند و خداوند اجر و پاداش این همه استقامت را به آنان عطا خواهد کرد. باید از آزادگان، این دلسوزترین و شایسته‌ترین نیروهای جامعه استفاده شود. از آقای ابوترابی می‌خواهم همان‌طور که در دوران اسارت به آزادگان عزیز کمک می‌کرد، همچنان به کمک خود ادامه دهد.» رجوع کنید← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های ۱۳۶۹» ، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲

۱ - آقای سید علی‌اکبر ابوترابی، در این ملاقات گفت: «بحمدالله امروز ما در شرایطی به وطن عزیز برگشتیم که ملت عزیز و سربلند ایران، در خود احساس غرور و سربلندی دارد و دنیا و دشمنان نیز از مدت‌ها پیش، به گونه‌های مختلف این امر را اعتراف کرده است. به حمدالله برای ملتی که مشعل فروزان ولایت فقیه را در دست دارد و از نهایت محبوبیت برخوردار است، این امر که مسئولین‌شان شاگردان صالح، کاردان و متعهد امام عزیزشان هستند، که در

آقایان هاشمی و جوادی از شورای برگزاری مراسم[دفتر رییس‌جمهور] آمدند. دربارهٔ اصل ماندن شورا و برفرضِ ماندن، در مورد جایگاه آن نظرخواهی کردند؛ با ماندن آن موافقت کردم. خواستند که مستقل یا زیر نظر رییس‌جمهور باشد؛ قرار شد با رهبری مشورت شود و بودجه خواستند.

[آقای یوسف بن علوی]، وزیر امورخارجه عمان، همراه با دکتر ولایتی آمد. گزارش مذاکرات خود با سران آمریکا و انگلیس را داد و گفت آنها خواستار حل مشکل‌شان با ایران هستند و می‌خواهند قبل از آن، برخی گروگان‌ها آزاد شوند. گفتم بدون اقدامی که نشان حُسن نیت آنها باشد، احتمالاً لبنانی‌ها حاضر نیستند کسی را آزاد کنند. خواستار همکاری ایران، ترکیه، پاکستان، شورای همکاری خلیج فارس، سوریه و مصر در حفظ امنیت منطقه شد. راجع به آیندهٔ عراق گفت. تصمیم غربی‌ها و عرب‌ها، عراقِ بدون صدام است. او احتمال انجام کودتایی در عراق، توسط عمّال روسیه با توافق آمریکا را مطرح کرد.

عصر در جلسه شورای‌عالی انقلاب فرهنگی شرکت نکردم. شب آقای [منوچهر]متکی، [معاون بین الملل وزیر امور خارجه] آمد و گزارش سفر به عراق را داد. عراقی‌ها خیلی گرم گرفته‌اند، ولی به طور قاطع گفته‌اند که دیگر اسیری از ما ندارند، جز حدود ۵۰۰ نفر که به منافقین[= سازمان مجاهدین خلق] پیوسته‌اند و یا محکوم به خاطر جرمی شده‌اند و یا پرونده‌ای دارند که در دادگاه مطرح است. هیأت ، به زیارت عتبات نجف و کربلا و کاظمین رفته بودند و مردم برای آنها ابراز احساسات کرده بودند.

آقای [اسدالله]بیات، نایب رییس مجلس، تلفنی گفت که شورای نگهبان او را برای امتحان جهت نامزدی مجلس خبرگان، روز سه‌شنبه دعوت نکرده و احتمال می‌دهد که صلاحیت او را رد کرده باشند. برای حل مشکل استمداد کرد. با آقای [محمد] امامی[کاشانی] صحبت کردم، گفت چند نفری صلاحیت‌شان رد شده، منجمله ایشان و

رأس آنها آقای هاشمی رفسنجانی، رییس جمهور محبوب و عزیز، مردی متعهد، صالح، کاردان و شایسته و با سوابق علمی بسیار قرار دارد، بزرگترین نعمت است. همه اینها در نتیجه رهبری پیامبرگونه امام (اعلی الله مقامه) و حضرت آیت الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی و مدیریت و قاطعیت ریاست محترم جمهوری و کاردانی مسئولین نظام است. این صداقت‌ها و مدیریت‌های صحیح و قاطع و اطاعت و فرمانبری ملت متعهدمان که مایه افتخار جمهوری اسلامی عزیزمان گشت، در آینده نیز استمرار داشته باشد.»



مجمع فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

[سیدعلی‌اکبر]محتشمی و چند نفر دیگر.

به خانه آمدم. مهدی و فرشته، شام از بیرون تهیه کرده بودند؛ با هم خوردیم.

چهارشنبه ۲۸ شهریور ۱۳۶۹ | ۲۸ صفر ۱۴۱۱ ۱۹ سپتامبر ۱۹۹۰

محسن از رفسنجان تلفن کرد و گفت مهدی برای کمک به ادامه ضبط پسته برود. با مهدی و فرشته صبحانه خوردیم. برای افتتاح سمینار فرماندهان سپاه، به مرکز ستاد سپاه رفتیم. پس از استقبال رسمی نظامی و قرائت پیام رهبری و نوحه‌خوانی و خیرمقدم [آقای محسن رضایی]فرمانده سپاه، سخنرانی کردم و با تحلیل شرایط جاری و نقش سپاه، بر هوشیاری در شرایط جاری و شرکت در سازندگی کشور تاکید نمودم[1].

---

۱ - آقای هاشمی در مجمع بزرگ فرماندهان و مسئولین سپاه سراسر کشور، با توجه به اوضاع حساس منطقهٔ خلیج‌فارس، پاسداران انقلاب را به هوشیاری و آمادگی جدی فراخواند و گفت: «شرایط منطقه برای ما خیلی روشن نیست و در صورت بروز هر وضعیتی، ما باید کاملا مهیا باشیم و این یک ضرورت جدی است. امیدوارم مجمع

به خانه برگشتم. دکتر[محمدعلی]هادی، [سفیر ایران در امارات متحده عربی] آمد. پیشنهاد داشت فکری برای مرجعیت بعد از آیت‌الله[سید محمدرضا] گلپایگانی بشود. همچنین می‌گفت از صدام بخواهیم که منافقین را تحویل بدهد.

احمد آقا تلفنی گفت که شورای نگهبان، آقای[مهدی] کروبی، [رییس مجلس شورای اسلامی] را برای امتحان، جهت احراز صلاحیت علمی برای نامزدی خبرگان، دعوت کرده است؛ آقای کروبی حاضر نیست در امتحان شرکت کند و ممکن است طرفداران او، علناً به مبارزه با شورای نگهبان برخیزند؛ از من خواست که برای رفع این مشکل اقدام کنم.

مسأله را تلفنی با رهبری در میان گذاشتم. ایشان هم گفتند دخالتی نمی‌کنند و شفاعت نخواهندکرد، چون موارد متعدد است و نمی‌شود یکی را مستثنی کرد. جمع زیادی از نامزدها دعوت به امتحان شده‌اند؛ جمعی قبول و جمعی رد شده‌اند. آقای[اسدالله] بیات، نتیجه درخواست دیشب خود را تلفنی پیگیری کرد؛ گفتم شورای نگهبان برسر موضع خود محکم است.

آقایان دکتر ولایتی و [سیروس]ناصری و [علی]خرّم آمدند. آقای ناصری مذاکرات با برزان تکریتی در ژنو را گزارش داد. برزان از صحبت‌های طارق عزیز در مذاکره با من ناراضی بوده و به صدام گزارش داده است. از حرف‌های من خیال کرده، ما آمادگی کمک به عراق را با شرایط داریم. صدام پیغام داده بود که هر پیشنهادی در این جهت داریم، مطرح کنیم؛ تاکید کرده که سخاوتمندانه برخورد می‌کنند. گفتم بگوید اول باید

فرماندهان و مسئولین سپاه، گذشته، حال و آینده خود را واقع‌بینانه بررسی کنند. شما فرماندهان و اعضای سپاه و بسیج، یکی از عوامل مهم رسیدن ما به این مقطع پیروزی هستید و شما در پیش خدا و روح امام و رهبری سرفراز می‌باشید. حضور نیروهای مخلص بسیج در صحنه‌های دفاع که از اقشار مختلف گرد می‌آمدند به جنگ ما یک شیوه استثنایی بخشید، شیوه‌ای که ارزان‌ترین، مناسب‌ترین و مستقل‌ترین شیوه‌های جنگی بود. استفاده شما از داوطلبین جنگ، به‌جای افراد موظف، تجربه‌ای ابتکاری بود که برای دیگر کشورها به راحتی قابل استفاده نمی‌باشد، مگر اینکه این کشورها وفاداری و حمایت بی‌دریغ توده‌های مردم از نظام خودشان را داشته باشند. یکی از رموز موفقیت و محبوبیت مردمی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ناشی از ایجاد آرامش و امنیت برای مردم است. شما باید این نقش را حفظ کنید و پیشاپیش حرکت جهادی مردم باشید و در زمان آرامش هم با امکانات انسانی و فنی خود، در خدمت مردم و انقلاب اسلامی قرار گیرید که این رمز عزت و رضایت خدا از شما می‌باشد.» رجوع کنید← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های ۱۳۶۹» ، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲



سخنرانی در جمع فرماندهان سپاه پاسداران



سناریو و برنامه را به‌طور کامل بدانیم، سپس مطالب دیگر مطرح بشود. بدون اطلاع کامل به هیچ‌وجه سرنوشت خودمان را با آن گره نمی‌زنیم.

پنج‌شنبه ۲۹ شهریور ۱۳۶۹ | ۲۹ صفر ۱۴۱۱ ۲۰ سپتامبر ۱۹۹۰

پیش از ظهر احمدآقا آمد. از برخورد شورای نگهبان نسبت با بعضی از کاندیداهای [مجمع] روحانیون مبارز اظهار نگرانی نمود، به خصوص در مورد آقای[مهدی] کروبی، [رییس مجلس شورای اسلامی] که دعوت به امتحان شده و او مصمم است نرود و احتمال درگیری و مبارزه بین دو جناح، بر سر این موضوع را جدی می‌داند؛ اصولاً از کم توجهی رهبری به این جناح گله داشت.

عصر دکتر ولایتی، [وزیر امور خارجه]، تلفنی خواست که موافقت کنم در مراسم استقبال حافظ اسد، رژه هم باشد و توپ هم شلیک شود؛ با رژه موافقت کردم. به دکتر ولایتی گفتم، از ترکیه و عراق بخواهند که سران منافقین را تحویل بدهند و مراسم نورباران و تکبیر را که در هفته جشن پیروزی باید انجام شود، از فردا شب به پس فردا شب منتقل کنند.

تیمسار [سرتیپ منصور]ستاری، [فرمانده نیروی هوایی ارتش]خبر داد، امروز تعداد ۹ فروند میگ ۲۹ از روسیه وارد شده و یکی از آنها اطراف اراک سقوط کرده است. قرار شد خبر سقوط را ندهیم و اگر بتوانند در مانور شنبه، آنها را شرکت دهند؛ در این شرایط برای دنیا قابل توجه خواهد بود.

جمعه ۳۰ شهریور ۱۳۶۹ | ۳۰ صفر ۱۴۱۱ ۲۱ سپتامبر ۱۹۹۰

تا ساعت ده و نیم، برای خطبه‌های جمعه مطالعه کردم. به دانشگاه تهران رفتم. خطبه‌ها طولانی شد[1] و خسته شدم. بعد از ظهرِ امروز، با اینکه آب سرد بود، از استخر استفاده

۱ - در خطبه اول درباره زندگی امام رضا(ع) و هدف مأمون عباسی از به ولایت‌عهدی رساندن ایشان مطالبی بیان شد. در خطبه دوم به مناسبت هفته دفاع مقدس، شروع و تداوم جنگ و پایان آن تشریح شد و تحلیلی در خصوص ←

کردم. شب، احمدآقا بدون اطلاع قبلی آمد و گفت مطلع شده تصمیم مجمع روحانیون مبارز بر مبارزه با خط مقابل، در صورت عدم قبول آقای [مهدی]کروبی، جدی است و از من خواست که کمک کنم. متن نامه‌های من و صدام، امشب از تلویزیون پخش شد.

شنبه ۳۱ شهریور ۱۳۶۹ | ۱ ربیع‌الاول ۱۴۱۱ ۲۲ سپتامبر ۱۹۹۰

صبح به دفترم رفتم. کارها را انجام دادم. برای شرکت در مراسم رژهٔ نیروهای مسلح به مناسبت هفته دفاع مقدس و مراسم جشن پیروزی به میدان آزادی رفتیم. سخنرانی کردم[1] و

عوامل پیروزی ایران در جنگ تحمیلی ارائه گردید. دربخشی از خطبه دوم چنین آمده است: «ملت ما امروز با همه وجودش احساس پیروزی و ثبات و آرامش می‌کند. در شرایطی که دشمنان ما و شرورهای آتش‌افروز و دیوهای قدرتمندِ پشت صحنه‌ای که از پشت و رو به ما خنجر می‌زدند، همه احساس ناراحتی و ناامنی و مشکل می‌کنند. این شرورها به‌جان هم افتاده‌اند، البته ما از این وضع راضی نیستیم و دلمان می‌خواهد که هیچ کشوری مورد تجاوز قرار نگیرد و هیچ کس احساس ناامنی نکند و کشورها و منطقه امن باشد و شوک به جامعه جهانی وارد نشود و مردم کار خودشان را انجام دهند و زندگی خودشان را با آرامش ادامه دهند؛ این خواست ما است. اما اعمال سوء و گناهان انسان، یک جایی دامن انسان را می‌گیرد و حساب خدا در دنیا و آخرت هست و مثقال و ذره‌ای از اعمال هیچ‌کس را ترازوی عدل الهی، غلط جواب نمی‌دهد. همه چیز اثر خود را دارد. آنهایی که به ما ظلم کردند، الان خودشان گرفتار ظلم خودشان هستند. همدیگر را تهدید و ناامن می‌کنند، همدیگر را گروگان می‌گیرند، نیش و دندان به یکدیگر نشان می‌دهند و زهر به همدیگر می‌ریزند و منطقه را هم دچار این التهاب کرده‌اند که می‌بینید. ما در این مقطع، باز نقش اسلامی خودمان را انجام می‌دهیم، بدون اینکه هیچ تحت تأثیر ظلم‌ها و کینه‌هایی که به ما کرده‌اند، باشیم. ما در این مقطع، دنبال انتقام جویی و دشمن‌کشی و حتی سرزنش کردن دشمن هم نیستیم. این مقدار را هم که می‌گوییم به این اندازه می‌گوییم که متوجه بشوند به ملت مظلوم دیگری درآینده ظلم نکنند.» رجوع کنید← کتاب «هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های جمعه ۱۳۶۹» ، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲

۱ - آقای هاشمی، ضمن تجلیل از فداکاری‌های نیروهای مسلح در هشت سال دفاع مقدس اظهار داشت: «امروز هفته دفاع مقدس و جشن پیروزی را با اجرای رژه نیروهای مسلح که نوک پیکان این پیروزی هستند، آغاز می‌کنیم. همه آحاد ملت غیور ما در این پیروزی شریک و سهیم هستند، اما سهم نیروهای مسلح با دیگران قابل قیاس نیست. نیروهای مسلح در این راه سهم عمده‌ای از سرمایه‌گذاری انسانی را به خود اختصاص دادند که البته اقتضای کار هم همین است. تعداد شهدا، آزادگان و مجروحین نیروهای مسلح، نسبت به بخش‌های دیگر بیشتر بوده است. ده سال است که پرسنل نیروهای مسلح، به واسطه حضور در جبهه‌های جنگ کمتر به زندگی شخصی خود پرداختند. امروز دوران آسایش بعد از جنگ نیست، زیرا ما هنوز در کنار انبار باروت در منطقه قرار داریم و تجربه گذشته به ما می‌آموزد که هرگونه غفلت در این زمینه موجب پشیمانی خواهد شد. با توجه به شناختی که ما از نیروهای اهریمی در منطقه داریم، لازم است نیروهای مسلح تا برقراری امنیت کامل در منطقه آماده باشند و بتوانند از منافع اسلامی و ملی خود دفاع

رژه را تحویل گرفتم. ساعت ده صبح به دفترم برگشتم.

نزدیک ظهر برای استقبال [آقای حافظ اسد]، رییس‌جمهور سوریه و هیأت همراه به فرودگاه رفتیم؛ با یک ساعت تأخیر وارد شدند. به خاطر مراعات امنیت، از فضای روسیه آمده بودند. بعد از سان و رژه و مصاحبه[1] ما دو نفر، به سوی مقّر مهمانان در کاخ سعدآباد حرکت کردیم. ساعت دو بعد از ظهر به مقّر رسیدند و من به دفترم برگشتم.

ساعت پنج بعد ظهر، سوری‌ها پس از زیارت مرقد امام، به دفترم آمدند. ابتدا با حضور آقایان [حسن]حبیبی، [علی اکبر]ولایتی، [عبدالحلیم]خدام[معاون اول رییس‌جمهور]، فاروق الشرع، [وزیر امورخارجه] و حافظ اسد جلسه خصوصی داشتیم و بیشتر دربارهٔ مسأله عراق، کویت و احتمالات آینده حوادث صحبت کردیم که ناتمام ماند و به جلسه خصوصی دیگری موکول شد.

سپس جلسه رسمی و علنی داشتیم. مذاکرات یک ساعت انجام شد و آنها به مقّرشان رفتند و برای ضیافت شام به کاخ وزارت خارجه برگشتند که تا ساعت ده شب، مراسم

کنند.» رجوع کنید← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های ۱۳۶۹»، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۹۲

۱ - آقای هاشمی گفت: « این سفر در موقع بسیار مناسبی انجام می‌شود، زیرا این دیدار با برگزاری هفته جشن‌های دفاع مقدس ایران مقارن است و ما از این بابت خوشحالیم. بسیار بجاست که در مراسم جشن‌های دفاع مقدس، رییس جمهور سوریه نیز شرکت داشته‌اند. این دیدار در حساس‌ترین مقطع تاریخ منطقه روی می‌دهد و تحقیقاً ایران و سوریه می‌توانند بیشترین نقش را در هدایت مسایل منطقه داشته باشند. امیدواریم که این سفر برکات زیادی برای مصالح منطقه و صلح جهانی در بر داشته باشد. ما به آینده خوشبین هستیم و فکر می‌کنیم که بحران کنونی با هوشیاری مردم کشورهای منطقه، پایان خواهد یافت.» سپس آقای حافظ‌اسد با تشکر از اظهارات برادرانه آقای هاشمی، و میهمان‌نوازی‌های گرم دولت و ملت ایران گفت: «همانگونه که فرمودید، تردیدی در این نیست که هم اکنون چشم جهانیان متوجه دیدار ماست و ما مطمئن هستیم که با بحث و تبادل نظر پیرامون مسایل منطقه، به‌ویژه حوادثی که اخیراً رخ داده است. می‌توان نتایج خوبی که به نفع دو ملت و سایر ملت‌های منطقه باشد، بدست آورد. ما با ارزیابی جنابعالی از اوضاع منطقه، کاملاً موافقیم و معتقدیم که ژاندارم مورد اعتماد آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها در منطقه، بدون شک رژیم صهیونیستی است و رژیم اشغالگر قدس غیر از آنچه تا به حال بدست آورده است، مطامع دیگری نیز در منطقه دارد. از نظر ما توسعه طلبی و حضور بیگانگان در منطقه مردود است و همان‌گونه که بارها گفته‌ایم امنیت منطقه باید توسط کشورهای آن تأمین شود و بیگانگان نباید کمربند امنیتی منطقه باشند. ما فکر می‌کنیم، این خواست همه نیروهای مردمی منطقه است و بیگانگان نمی‌توانند در برابر این منطقه بایستند و به اعتقاد من، آنها می‌دانند که این یک دیدگاه مشترک بین ایران و سوریه است.» رجوع کنید ← «هاشمی رفسنجانی، مصاحبه های ۱۳۶۹»، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۹۲.

طول کشید. بعد از سخنرانی من[۱] و حافظ اسد، هنگام شام خوردن، مذاکرات مهمی دربـاره مسایل عراق داشتیم؛ باز هم ناتمام ماند. حافظ اسد شام نخورد، بـا اینکـه همراهـان خـودش شام مخصوص او را تهیه کرده بودند؛ گفت اصلاً گوشت نمی‌خورد. شب در دفترم ماندم.



استقبال از حافظ اسد رییس جمهور سوریه

۱ - آقای هاشمی در مراسم میهمانی شام که به افتخار آقای حافظ اسد ترتیب یافت، ضمن خوشامدگویی به ایشان و هیأت همراه گفت که حضور ایشان و هیأت بلندپایه سوری در جشن دستاورد ده سال مقاومت و هشت سال دفاع خونین ملت ایران، این جشن و حضور را معنادارتر کرده است. ایشان با اشاره به روابط برادرانه دو کشور گفت: «جمهوری اسلامی ایران، با عنایت به معتقدات اسلامی و خصوصیات اخلاقی سرچشمه گرفته از دین حنیف، تحکیم پیوندهای مودت آمیز با برادران را یکی از اصول مورد تأکید خود می‌داند. ملت ما بخصوص از تقویت هرچه بیشتر مبانی دوستی و برادری با کشور مسلمان سوریه که در حساس‌ترین لحظات تاریخ جمهوری اسلامی ایران از مواضع عادلانه ما دفاع کرده است، استقبال می‌کند. در خصوص تجاوز غیرقابل توجیه دولت عراق به کویت، جمهوری اسلامی ایران، ضمن پیشقدمی در محکومیت اشغال کویت توسط عراق و تأکید بر لزوم خروج نیروهای عراقی از کویت، بنا به ملاحظات ژئوپولیتیکی و ارتباط مستقیم تحولات جاری در خلیج فارس با ایران که طولانی‌ترین ساحل را در این آبراه بین‌المللی دارد، اعلام داشته که تغییرات در وضعیت جغرافیایی منطقه را نمی‌پذیرد.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های ۱۳۶۹» ، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲.

۱

جمهوری اسلامی ایران
سازمان امور اداری و استخدامی کشور

تاریخ ....
شماره ....
پیوست ....

بسمه تعالی

بخشنامه به کلیه وزارتخانه ها ، سازمانها ، موسسات دولتی و نهادهای انقلاب اسلامی استانداریهای سراسر کشـــور

کلیه وزارتخانه ها ، سازمانها ، موسسات وشرکتهای دولتی ،نهادهای انقلاب اسلامی ، بانکها ، شرکتهای بیمه ،وزارت نفت وشرکتهای تابعه ،موسسات وشرکتها کارخانجات ملی شده و دارای مدیریت دولتـــی وتحت پوشش موسسات دولتی ، شهرداریها و موسسات تابعه یا وابسته به آنها و کلیه شرکتهاوموساتیکــه به نحوی از بودجه عمومی دولت استفاده مینمایند و مصادرهایها و موسسات واگذاری دولت به موســـــات فرهنگی وخیریه وعام المنفعه و همچنین موسساتی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است، مکلفنـــد آزادگان معرفی شده از سوی ستاد رسیدگی بهامور آزادگان در مرکز و واحدهای تابعه یا نمایندگیهای مربوطـه در استانها را [illegible] پس از معرفی به استخدام در آورده وحکم استخدام مربوط را صادرنمایند٠

مقتضی است کلیه اقدامات لازم از قبیل تامین اعتبار ، ایجاد پست یا شغل سازمانی وغیـــــره بعداز بکارگیری آزاده انجام گیرد٠ ستادامور آزادگان مکلف است تا پایان سال جاری کلیه آزادگان متقاضـــی را به دستگاههای فوق الذکر معرفی و با پیگیری . پیشرفت کار راماهانه بهاینجانب گزارش نماید٠دستورالعمل اجرائی اداری واستخدامی قانون حمایت از آزادگان راسازمان امور اداری واستخدامی کشور تهیه و بـــــه دستگاههای فوق الذکر ابلاغ خواهند نمود ٠

علی اکبرهاشمي رفسنجانی

رئیس جمهـــور

رونوشت به :
- سازمان برنامه و بودجه و سازمان امور اداری و استخدامی کشور جهت اقدامات ومساعدتهـــــای لازم برای اجرای این بخشنامه با توجه به وظایف مربوطه ٠
- ستاد رسیدگی به امور آزادگان جهت توزیع آزادگان در دستگاهها به تناسب حجم کارکنان آنهـــا و هماهنگیهای لازم با سازمان امور اداری واستخدامی کشور براساس قانون استخدام جانبــــازان و ۰۰۰ مصوب ۱۳۶۷/۱۰/۷

دستور رییس جمهور به کلیه سازمان ها و نهاد ها برای همکاری با آزادگان

مهر ۱۳۶۹


شانزدهمین نمایشگاه بین المللی بازرگان
تهران
۱۰ـ۱۸ مهرماه ۱۳۶۹
6th. TEHRAN INTERNATIONAL
TRADE FAIR

یکشنبه ۱ مهر ۱۳۶۹ | ۲ ربیع‌الاول ۱۴۱۱ ۲۳ سپتامبر ۱۹۹۰

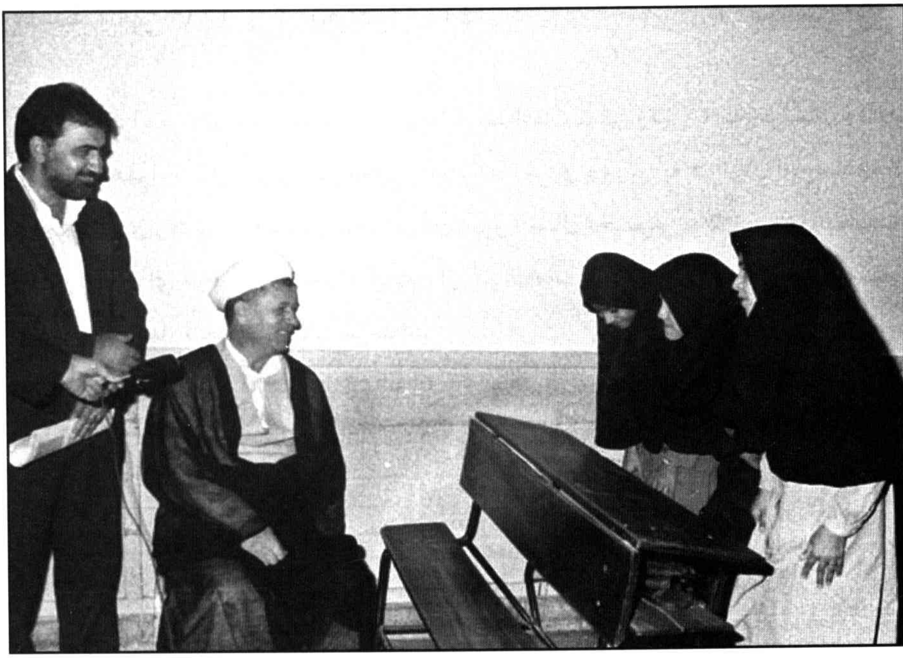
آقای حافظ اسد[1]، [رییس‌جمهور سوریه] و همراهان برای زیارت به خراسان رفتند. اول‌وقت، همراه [آقای محمدعلی نجفی]، وزیرآموزش و پرورش به هنرستان امام‌صادق(ع) در خیابان ری رفتیم. زنگ مدرسه را برای شروع سال تحصیلی ۱۳۷۰- ۱۳۶۹ به صدا درآوردم و برای محصلان صحبت کردم[2]. از کارگاه‌ها بازدید کردم؛ هنرستان وسیعی است. اتریشی‌ها، پنجاه سال پیش ساخته‌اند.

از آنجا به مدرسه راهنمایی دخترانه معراج واقع در خیابان سهروردی رفتیم. از سه کلاس بازدید کردم و با معلم‌ها صحبت کردم؛ بازدید سرزده بود. خوشحال شدند. مردم

---

۱ - حافظ الاسد(۱۳۰۷- ۱۳۷۹)، رییس‌جمهور فقید سوریه، در سال ۱۹۳۰ در «قرداحه» واقع در استان لاذقیه به دنیا آمد. پس از طی تحصیلات مقدماتی وارد دانشکده افسری شد و در نیروی هوایی سوریه به درجه ژنرالی رسید. پس از طی مقاماتی چون وزیردفاع و فرمانده نیروی هوایی، نخست‌وزیری و دبیرکلی حزب بعث، از ماه مارس ۱۹۷۱ میلادی، پس از انجام کودتایی، رییس‌جمهور سوریه شد . آقای اسد، سیاست آشتی‌جویانه‌ای را با اعراب دنبال می‌کرد و به‌دنبال گسترش اتحاد دنیای اسلام و عرب در برابر دشمنان خارجی بود. او در جنگ تشرین بین اعراب و اسراییل، توانست قسمت هایی از بلندی های جولان را آزاد کند. حافظ اسد، روابط خوبی با جمهوری اسلامی ایران داشت و در طول هشت سال دفاع مقدس، در کنار ایران ایستاد. حافظ اسد در روز ۱۰ ژوئن ۲۰۰۰، هنگام مکالمه تلفنی با امیل‌لَحود، رییس‌جمهور لبنان، بر اثر حمله قلبی، در سن ۶۹ سالگی درگذشت. پس از وی، پسرش آقای بشّارالاسد، رهبری حزب بعث و ریاست‌جمهوری سوریه را بر عهده گرفت.

۲- ایشان ضمن گرامیداشت خاطرهٔ رشادت‌ها و ایثارگری‌های شهدای دانش‌آموز در طول جنگ تحمیلی، مهمترین وظیفه دانش‌آموزان را تحصیل دانست و از آنان، به‌عنوان سرمایه‌های ارزشمند، امید اسلام و آیندهٔ‌کشور، خواست همه چیز را تحت تأثیر و تحت‌الشعاع تحصیل خود قرار دهند. آقای هاشمی همچنین ضمن تشکر از خدمات و نقش بی‌نظیر معلمان در پرورش استعدادها و سرمایه‌های انقلاب گفت : «معلمان، تعلیم و تربیت و پرورش کسانی را بر عهده دارند که برای آینده بشریت و ملت مسلمان و بزرگ ایران، مرکز خیر و برکت خواهند بود.» ایشان، مسئولیت مدیران ادارات آموزش و پرورش، مراکز آموزشی و مدارس را حائزاهمیت خاصی توصیف کرد و از دانش‌آموزان خواست که معلمان و مدیران خود را همچنان به‌عنوان دوست صمیمی و پدری مهربان در نظر بگیرند. رییس‌جمهور در بخش دیگری از سخنان خود، به بهای زیادی که در نظام جدید آموزشی برای تحصیلات فنی و حرفه‌ای در نظر گرفته شده است، اشاره کرد و گفت : «در بررسی‌هایی که به عمل آمده است، نیروهای علاقمند به‌کار و تلاش و دارای افکار و احساسات اجرایی و خدمت به‌مردم، به‌وفور در مراکز فنی و حرفه‌ای دیده می‌شوند و این سرمایهٔ عظیم می‌تواند در عمل، بخش مهمی از گرفتاری‌های مردم را برطرف کند، لذا تشخیص داده شد که راه آنان برای رسیدن به مدارج اعلای تحصیلات فنی و حرفه‌ای باز شود، تا بتوانند قدرت و استعداد، تکامل و ترقی خود را به ظهور برسانند.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های ۱۳۶۹» ، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲.



سخنرانی در مراسم آغاز سال تحصیلی ۷۰ - ۱۳۶۹



محل هم جمع شدند و اظهار احساسات گرم نمودند. به دفترم برگشتیم. تا ظهر کارها را انجام دادم.

با آقای [محمد]امامی[کاشانی، عضو شورای نگهبان] دربارهٔ انتخابات [مجلس]خبرگان صحبت کردم. بیست نفر از نامزدها که[به نحوهٔ احراز صلاحیت] معترض بودند، در انتخابات شرکت نکرده‌اند و مشکل درست شده است.

عصر به دفتر آیت‌الله خامنه‌ای رفتم. دربارهٔ انتخابات مجلس خبرگان، مذاکرات با سوری‌ها و مسایل دیگر مذاکره کردیم. حافظ اسد از مشهد مراجعت کردند و به دیدن ایشان آمدند. من استقبال کردم. یک ساعت مذاکره داشتند. آنها به محل‌اقامت رفتند و من به دفترم برگشتم.

ساعت هفت بعد از ظهر، به سعدآباد رفتم و تا ساعت ده و نیم شب، مذاکرات خصوصی داشتیم دربارهٔ احتمال سقوط صدام، احتمال تجزیه عراق، احتمال روی کارآمدن دولت آمریکایی در عراق و راه‌های مقابله با هر یک از احتمالات، آلترناتیو[= جایگزین] دولت عراق و کیفیت گرفتن خسارات جنگ برای ما و همچنین در خصوص مذاکرات [جیمز بیکر]، وزیرامورخارجه آمریکا[1] با سوری‌ها، مذاکره و تصمیم‌گیری کردیم. قرار شد برای بحث‌های لازم، یک روز اقامت در ایران را اضافه کنند. شام خوردیم و به خانه آمدم. مهدی و فرشته در خانه بودند.

دوشنبه ۲ مهر ۱۳٦۹ | ۳ ربیع‌الاول ١٤١١ ‏ ۲٤ سپتامبر ۱۹۹۰

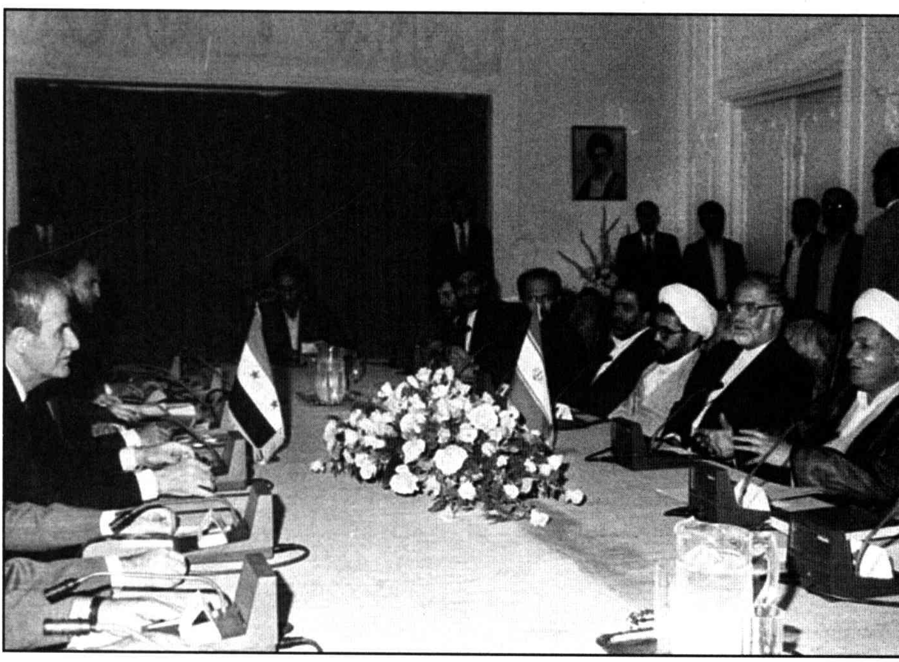
به دفترم رفتم. به خاطر حضور مهمان‌های سوری در ایران، برنامه ملاقات نداشتیم. کارهای جاری را انجام دادم و گزارش‌ها را دیدم. با تهدید دو پهلوی عراق، امروز قیمت نفت بالا رفته و از چهل‌دلار در هر بشکه گذشته؛ این قیمت، در ده‌سال اخیر بی‌سابقه است.

دکتر حبیبی، [معاون اول رییس‌جمهور]آمد. راجع به مذاکرات با سوری‌ها و کارهای جاری صحبت شد. ظهر محسن آمد. گزارش سفر به نوق[رفسنجان]، برای ضبط پسته‌ها را

۱ - جیمز بیکر، وزیر امورخارجه وقت آمریکا، پیش از سفر حافظ اسد، رییس‌جمهور سوریه به تهران، در دمشق با ایشان ملاقات وگفت وگو کرده بود.



ملاقات رییس جمهور سوریه با رهبر معظم انقلاب اسلامی





امضای یادداشت تفاهم میان جمهوری اسلامی ایران و جمهوری عربی سوریه



داد؛ یاسر در کشکوئیه پسته‌ها را جمع می‌کند. قرار شد مهدی برای تکمیل کار محسن برود؛ حدس می‌زند مجموعاً در نوق و کشکوئیه ۱۵ تن پسته داشته باشیم.

عصر هیأت سوری برای دور دوم ملاقات آمدند. ابتدا خصوصی صحبت کردیم؛ بیشتر دربارهٔ ملاقات حافظ اسد با آقای [سیدمحمدباقر]حکیم و مسایل معارضین عراقی که احتمالاً آلترناتیو صدام بشوند. در مذاکرات رسمی، صحبت‌ها تعارف‌گونه و تشریفاتی بود. سپس معاونان من، آقایان [مسعود روغنی]زنجانی، [معاون رییس‌جمهور و رییس‌سازمان برنامه و بودجه] و [حمید]میرزاده، [معاون اجرایی رییس‌جمهور]، تفاهم نامه‌ها را در حضور ما، با طرف‌های سوری امضا کردند.

سرشب آقای [عبدالله]نوری، [وزیر کشور]آمد. توصیه داشت کمک کنم که شورای نگهبان، برای احتراز از درگیری با رادیکال‌ها، سخت‌گیری نکند؛ آقای [احمد] آذری[1] [قمی]، تلفنی برعکس این را خواست.

شب تا ساعت یازده، با سوری‌ها، مذاکره داشتیم و شام خوردیم. دربارهٔ لبنان، اردن، اسرائیل، وضع گاز و نفت سوریه، مسایل متفرقه، متن بیانیه مشترک و تشکیل هیأت عالی هماهنگیِ همکاری‌ها، مذاکره و تصمیم‌گیری شد. مجموعاً مذاکرات دوستانه و توأم با

---

۱ - آیت الله احمد آذری قمی (۱۳۰۳ - ۱۳۷۷)، از شاگردان امام خمینی و یکی از بنیانگذاران جامعه مدرسین حوزه علمیه قم بود. ایشان جزو طلاب مبارزی بود که در دوره استبداد پهلوی، به همراه چند تن دیگر، از جمله آقای هاشمی، گروهی را تحت عنوان «اصلاح حوزه» تشکیل داده بودند. کشف اساسنامه این گروه انقلابی در کتابخانه آقای آذری، باعث دستگیری و حبس آقای هاشمی شد. ایشان بعد از پیروزی انقلاب اسلامی سمت های مختلفی از جمله عضو مجلس خبرگان قانون اساسی، عضو شورای بازنگری قانون اساسی، نماینده قم در دوره دوم مجلس شورای اسلامی، نماینده دوره‌های اول و دوم مجلس خبرگان رهبری داشت و از مؤسسین روزنامه رسالت بود. آقای آذری قمی در دهه اول پس از انقلاب، به عنوان یکی از سردمداران جناح راست و از منتقدان حضرت امام(ره) شناخته می‌شد. ایشان در جلسه رأی اعتماد به دوره دوم نخست‌وزیری مهندس موسوی، در نطق مخالف خود در انتقاد از اصرار امام برای معرفی آقای موسوی، دستورات ولی فقیه را به احکام ارشادی و مولوی تقسیم کرد و با توجه به اینکه ولی‌فقیه در برابر نمایندگان مجلس به جز توصیه و نصیحت، اختیار دیگری ندارد، این حکم را ارشادی دانست. آقای هاشمی در مورد نطق مخالف او، در کتاب «به سوی سرنوشت» نوشته است: « آقای آذری قمی در مورد تائید امام از دولت، اظهارات بدی کرد که خالی از اهانت به امام نبود و در مجلس مورد اعتراض قرار گرفت». انتقادات آقای آذری از تصمیمات دولت و نظرات امام، در مقاله‌هایش در روزنامه رسالت نیز بازتاب داشت و به موضوع جنجال برانگیزی تبدیل شده بود، تا جایی که حضرت امام در سال ۱۳۶۳ دستور عدم‌ارسال روزنامه رسالت به جبهه را برای جلوگیری از تضعیف روحیهٔ رزمندگان صادر کردند. بعد از رحلت امام(ره)، او اغلب در انزوا بود. وی در ۱۱ بهمن ۱۳۷۷ درگذشت.

تفاهم بود. دیروقت به خانه آمدم و خوابیدم.

سه‌شنبه ۳ مهر ۱۳۶۹ | ٤ ربیع‌الاول ١٤١١ — ۲۵ سپتامبر ۱۹۹۰

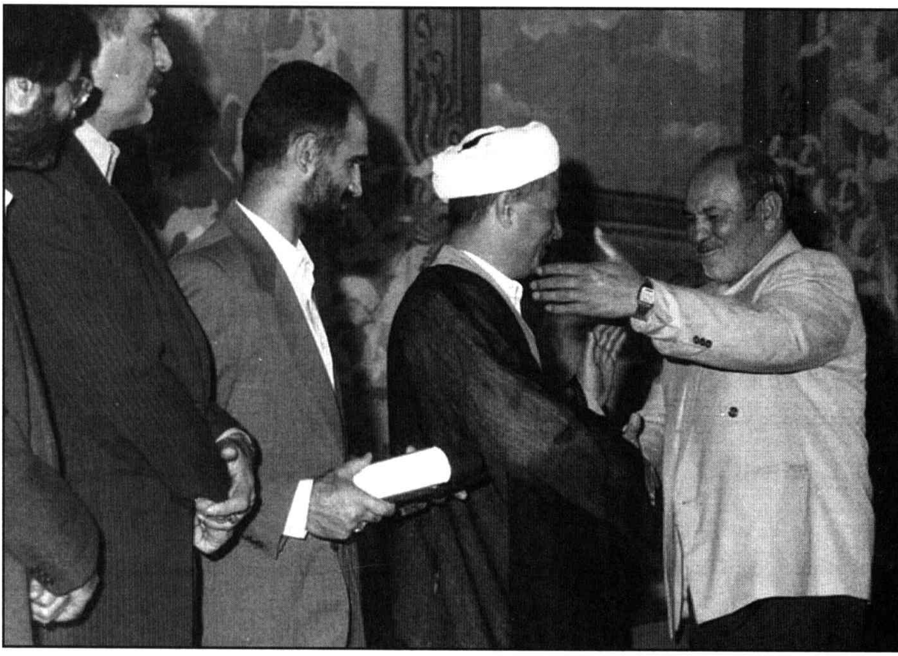
صبح، لوح تقدیر استادان و دانشجویان ممتاز را امضا کردم. ساعت هشت و نیم به دانشگاه تهران رفتیم. در مراسم آغاز سال تحصیلی دانشگاه‌ها. به دستور اکید من، برخلاف سال‌های گذشته، دو وزارت «فرهنگ و آموزش عالی» و «بهداشت و درمان» با هم جشن گرفته بودند[1]. انجمن‌های اسلامی هم بیانیه خودشان را قبل از خواندن، به تصویب رساندند.

با قرآن، سرود، گزارش، اعطای جوایز و صحبت من[2]، برنامه تمام شد. از آنجا برای

---

۱ - مراسم آغاز سال‌تحصیلی برای دانشگاه‌های علوم پزشکی و سایر دانشگاه‌ها، جداگانه برگزار می شد که حضور رییس‌جمهور در یکی و عدم حضور در مراسم دیگری، منشاء حرف و حدیث و اختلاف می شد.

۲- در بخشی از این سخنرانی آمده است: «تردید ندارم اساسی‌ترین بخش جامعه ما دانشگاه است که می‌تواند امروز و آیندهٔ جامعه را ترسیم کند. اگرچه طی سال‌های جنگ، به‌اندازه کافی نتوانستیم به‌آن توجه کنیم و اگرچه تحصیل هنوز در حد استاندارد فراهم نشده است و از نظر امکانات و در سطح مطلوب نیستیم، ولی نظام، سرمایه‌گذاری در این راه را با تلاش جدی دنبال می‌کند. دنیا نباید ما را از راه صدور نفت بشناسد. تحصیل در کشور ما باید به‌صورتی درآید که بتوانیم به‌عنوان یک کشور اسلامی، در ارائه شخصیت‌های علمی و برگزیده به‌جهان، برای همه الگو باشیم. بحمدالله در جهت تأمین نیازهای دانشگاه‌ها مشکلی نداریم، به‌ویژه اینکه رهبر معظم انقلاب اسلامی، به‌عنوان رییس‌شورای انقلاب فرهنگی و بنده نیز سال‌ها در این شورا حضور داشته‌ایم و به نیازها و امکانات و استعدادهای دانشگاه آگاهی کامل داریم.» آقای هاشمی، با اشاره به ظهور استعدادهای فراوان در میان زنان دانشجو و کسب رتبه‌های ممتاز توسط این قشر اظهار داشت: «استعداد زنان کشور، در رژیم گذشته صرف تجمل‌پرستی می‌شد، اما امروز صرف تحصیل می‌شود و بحمدالله نتایج ارزشمندی داشته است.» ایشان با اشاره به سهمیه رزمندگان و خانواده معظم شهدا در دانشگاه‌ها، اظهار داشت : «اختصاص سهمیه به‌این عزیزان، به این دلیل است که بیشترین خدمت را به کشور کرده‌اند. این امر نشانهٔ عدالت‌خواهی و قدرشناسی دانشگاهیان از سرمایه‌گذاری انسان‌ها است.» آقای هاشمی، با تأکید بر حفظ سلامت اخلاقی و عقیدتی دانشگاه‌ها اظهار داشت : «صالح‌ترین اساتید و دانشجویان در دانشگاه‌های ما مشغول تدریس و تحصیل هستند و هرچه این قشر به‌اخلاق پسندیده مزین شود تأثیر آن بر جامعه گویاتر خواهد بود. تا زمانی که ابهت و عظمت استاد در دل شاگرد نباشد، علم پیشرفت نمی‌کند و ارزش علم در برخورد دانشجو و استاد متبلور می‌شود. همچنین دانشگاهیان، منتقل‌کنندهٔ نظم و انضباط و ضوابط به‌جامعه هستند و نباید ضوابط مدیریت در دانشگاه‌ها نقض شود. هر مقدار که محیط دانشگاه‌ها منظم‌تر باشد، به نفع اساتید، دانشجویان و کشور است. اساسی‌ترین کار دانشگاه‌ها تحقیق است و روز به روز باید سرمایه‌گذاری در این زمینه بیشتر شود تا ان‌شاءالله کار تحقیق در کشور سامان بگیرد، زیرا کشور بدون تحقیق همیشه وابسته خواهد بود.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های ۱۳۶۹» ، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲.



اهدای جوایز دانشگاهیان

بدرقه هیأت سوری به سعدآباد رفتیم[1]. با آقای حافظ اسد در یک ماشین به‌سوی فرودگاه[مهرآباد] حرکت کردیم. در راه، حافظ اسد ملاقات و مذاکره خود با صدام را مفصل نقل کرد که در سال ۱۹۸۶، یک جلسهٔ سیزده ساعته در اَمان[پایتخت اردن] داشته‌اند و بالاخره درخواست صدام را رد کرده و نپذیرفته که از حمایت ایران در جنگ با عراق دست بردارد.

در پاویون جمهوری، مصاحبه[2] مشترک داشتیم. پس از بدرقه رسمی، با سان و رژه

---

۱ - آقایان عبدالحلیم خدّام، معاون رییس‌جمهور سوریه، فاروق الشّرع، وزیر امورخارجه، محمد العمادی، وزیر اقتصاد و بازرگانی، محمد حَربه، وزیر کشور و صباح بُقچه‌چی، وزیر برنامه‌ریزی و چند تن دیگر از مقامات بلندپایه کشوری و لشکری سوریه از جمله همراهان آقای حافظ اسد بودند که توسط آقایان دکتر حبیبی، معاون اول رییس‌جمهور، اکبر ترکان وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، عبدالله نوری وزیر کشور، حمید میرزاده و مسعود روغنی زنجانی، معاونین رییس‌جمهور و گروهی از مقامات کشوری و لشکری کشورمان بدرقه شدند.

۲ - آقای حافظ اسد، رییس‌جمهور سوریه پیش از ترک تهران در گفت‌وگویی با خبرنگاران نتایج سفرش به جمهوری اسلامی ایران را بسیار سودمند خواند و گفت: «من فکر نمی‌کنم در دیدارهای دوستانه‌ای که در جمهوری اسلامی ایران داشته‌ایم، مساله‌ای از مسایل منطقه بررسی نشده باشد و دیدار من با آقای هاشمی رفسنجانی، متعدد و مفید بود و در دیداری که با حضرت آیت الله خامنه‌ای رهبر انقلاب اسلامی داشتیم، روحیه و علاقمندی حاکم بود

ساعت ۱۳ رفتند و ما هم به دفتر برگشتیم.

عصر کارهای دفتر را انجام دادم. سرشب آقای [احمد]جنتی، [عضو شورای نگهبان و رییس سازمان تبلیغات اسلامی]آمد. دربارهٔ انتخابات مجلس‌خبرگان گفت و برای [سازمان]تبلیغات[اسلامی] استمداد کرد. شب مجمع تشخیص مصلحت جلسه داشت. کیفرهای تخلف از قانون کار در دستور بود. دیروقت به دفترم رفتم و خوابیدم.

و مسایل دوجانبه بررسی شد.» ایشان با اشاره به اینکه در دیدارهایش با آقای هاشمی، اوضاع خلیج فارس، لبنان و حمله عراق به کویت بررسی شد و توافق کامل دوطرف دربارهٔ این مسایل به دست آمد، گفت: «حضور نیروهای بیگانه در منطقه باید پایان یابد و ما با تمام توان، برای خارج کردن لبنان از رنج‌ها تلاش می‌کنیم.» آقای حافظ اسد، با اشاره به اینکه سفرش به ایران، اثر مثبت و مهمی در روابط ایران و سوریه خواهد داشت گفت: «من در انتظار دیدار آقای هاشمی رفسنجانی از سوریه هستم.» رییس‌جمهور سوریه، درباره علت تمدید سفرش به ایران گفت: «چون موضوع‌های مورد بحثی که با آقای هاشمی رفسنجانی داشتیم، بسیار گسترده بود و برای پرداختن به آنها به وقت بیشتری نیاز بود، از این رو مدت دیدار من از ایران تمدید شد.» یکی از خبرنگاران از آقای حافظ اسد پرسید، آیا موضع سوریه در مورد حضور نیروهای بیگانه در منطقه با ایران یکسان است که ایشان به این سئوال پاسخ مثبت داد. آقای حافظ اسد افزود: ما بر این باور هستیم که حمله به کویت موجب حضور نیروهای بیگانه در منطقه شد و بنابراین نمی‌توانیم کسی را که علت و باعث حضور نیروهای خارجی در منطقه بوده است، ببخشیم. ما نه خواهان تجاوز و نه خواهان حضور نیروهای بیگانه در منطقه هستیم و باید واقع بین باشیم. حافظ اسد با اشاره به اینکه عامل دست یافتن به نتایج مثبت اطمینان دو کشور بوده است، همچنین بر همکاری وسیع‌تر اعراب و ایران تأکید کرد و با اشاره به جنگ تحمیلی گفت: «ما، در طول سال‌های گذشته همواره می‌گفتیم که این جنگ باید متوقف و دوستی مستحکمی میان اعراب و ایران برقرار شود و این به صلاح ایران، اعراب و منافعی است که اعراب به آن ایمان دارند و روابط اعراب و ایرانیان، می‌تواند سمبلی برای مسلمانان جهان باشد.» ایشان همچنین از توقف جنگ ابراز خوشحالی کرد و گفت: «امیدواریم آینده را با ساختن یک جبهه عربی ایرانی و جبهه اسلامی فراهم آوریم و از منافع و خواسته‌های خود دفاع کنیم.» آقای هاشمی نیز در مورد طرح مساله جایگزینی یک نیروی منطقه‌ای به جای نیروهای بیگانه در منطقه خلیج فارس در مذاکرات دو کشور ایران و سوریه پاسخ داد: «ما در این مورد به تصمیم مشخص رسیده‌ایم.» یکی از خبرنگاران از آقای هاشمی پیرامون همراه داشتن پیامی از آمریکا برای تهران توسط رییس‌جمهور سوریه پرسید که ایشان با خنده گفت: «آمریکایی‌ها نمی‌توانند آنقدر پررو باشند که پیام خود را به آقای حافظ اسد بدهند که برای ما بیاورند. ما حرف برای گفتن بسیار داریم.» یکی از خبرنگاران از ملاقات حافظ اسد و جیمز بیکر و انعکاس این ملاقات در مذاکرات تهران از رییس‌جمهور پرسید که آقای هاشمی گفت: «ایشان شرح مذاکرات خود را با بیکر داده‌اند و این مسایل چیزی نبود که به بحث ما مربوط شود.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، مصاحبه های ۱۳۶۹» ، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۹۲ .

چهارشنبه ٤ مهر ۱۳٦۹ | ٥ ربیع‌الاول ۱٤۱۱ — ۲٦ سپتامبر ۱۹۹۰

در اخبار آمد که شورای امنیت[سازمان ملل]، قطعنامه دیگری مبنی بر تحریم هوایی عراق تصویب کرده است که با این مصوبه، محاصرهٔ عراق کامل می‌شود. آقای [حسین]محلوجی، [وزیر معادن و فلزات]آمد. برای سفر به آفریقا و روسیه مشورت کرد و گزارش کار تولید فولاد را داد. همچنین دربارهٔ واگذاری اسکله در بندرعباس به کره‌جنوبی مشورت کرد؛ گفتم ابتدا با سازندگان داخلی موضوع را در میان گذارد. اجازهٔ تعویض مدیرعامل ذوب آهن اصفهان را گرفت.

آقای [عبدالله]نوری، [وزیرکشور]، همراه با آقای[رسول]زرگر، معاون عمرانی‌اش آمدند. گزارش وضع شهرداری‌های کشور را دادند. از ۵۲۰ شهرداری در سطح کشور، حدود یک چهارم محروم هستند و کمک می‌خواهند؛ بقیه فعال شده‌اند و با نشاط دارند کار می‌کنند. با درآمد عوارض شهرداری، کار زیباسازی شهرها شروع شده است.

آقای [محمد]سعیدی کیا، [وزیر راه و ترابری] و معاونان، برای استجازهٔ بالا بردن تعرفهٔ بلیت راه‌آهن و اتوبوس‌ها و استمداد برای مدرن کردن راه‌آهن جنوب آمدند. عصر، محسن برای گزارش بازرسی در مورد کارهای تعزیرات حکومتی آمد.

در جلسه هیأت دولت شرکت کردم. آثار تغییر ساعات کار ادارات را بررسی کردیم. جمعی ناراضی‌اند، ولی بنا شد ادامه دهیم. [به مناسبت هفته دفاع مقدس]، مقابل دفتر آتش‌بازی شد. شب به خانه آمدم. اعظم و محسن غذا آورده بودند. محسن، گزارش شفاهی از وضع تولید مرغ و شوینده‌ها داد؛ نظرش این است که این اقلام، رفته رفته آزاد شوند. آقای [محسن]نوربخش، [وزیر امور اقتصادی و دارایی]، از واشنگتن تلفنی گفت آقای تورگوت اوزال، رییس‌جمهور ترکیه، از او خواسته که ملاقات داشته باشند؛ موافقت کردم.

پنج‌شنبه ٥ مهر ۱۳٦۹ | ٦ ربیع‌الاول ۱٤۱۱ — ۲۷ سپتامبر ۱۹۹۰

ساعت هشت و نیم به دفترم رسیدم. در ترافیک مقداری معطل شدم. فرمانده سپاه در لبنان

آمد. گزارش کار و ساخت سلاح را داد و برای اعتبارات بیشتر استمداد کرد. مسئولین حزب الله لبنان آمدند[1] و پیروزی های اخیر را تبریک گفتند. مدیران صنایع سنگین آمدند. [آقای هادی نژاد حسینیان]، وزیر [صنایع سنگین] گزارش داد. من صحبت کردم[2].

آقای [سیدمحمود]دعایی، همراه جمعی از اُدبا و شعرای تاجیکستان شوروی آمدند. ریاست هیأت با یک خانم مسلمان و شاعر تاجیکی است که نماینده مجلس هم هست. آنها فوق‌العاده علاقه‌مند به ایران و زبان فارسی هستند و گفتند اگر می‌دانستیم به حضور رییس‌جمهور ایران می‌رسیم، کوه بدخشان را برای هدیه می‌آوردیم.

آقایان [مسعود روغنی]زنجانی، [رییس سازمان برنامه و بودجه] و [اکبر]ترکان، [وزیردفاع]، برای بررسی نیازهای بودجه‌ای نیروهای مسلح آمدند. بحث بر سر مقدار و مبلغ جیرهٔ غذایی است که مورد اختلافشان است؛ قرار شد بررسی کارشناسی شود.

دکتر [حسن]روحانی آمد. دربارهٔ برنامه شورای‌عالی امنیت ملی و نتایج سفر حافظ اسد صحبت شد. گفت جمعی از نمایندگان در مجلس، به شدت از عدم قبول آقای [مهدی]کروبی و همفکران‌شان در نامزدی برای مجلس‌خبرگان ناراحت‌اند و درگیری با

---

۱ - شیخ «صبحی طفیلی»، دبیرکل جنبش حزب الله لبنان، به همراه جمعی از اعضای این جنبش با آقای هاشمی دیدار و گفت وگو کردند. در این دیدار شیخ صبحی طفیلی، پیروزی‌های اخیر جمهوری اسلامی ایران را به رییس‌جمهور و مردم ایران تبریک گفت و این پیروزی‌ها را پیروزی مردم مسلمان لبنان خواند.

۲ - آقای هاشمی گفت : «عامل اصلی پیشرفت مملکت، تقویت بخش صنعت است که این مهم در برنامه‌های دولت از اولویت خاصی برخوردار می‌باشد. من به‌آینده صنعت کشور خوشبین هستم. واحدهای صنعتی، با نوسازی و به‌کارگیری تکنولوژی پیشرفته، باید ساختار تولید را اصلاح کنند تا بتوانند در توسعه کشور، نقش اصلی را ایفا نمایند. صنایع کشور ما، از مواد اولیه و انرژی کافی و ارزان برخوردارند و باید تلاش نمایند، علاوه بر بازار تضمین شده داخلی، وارد بازارهای بین‌المللی شوند و با تقویت صادرات صنعتی، به رقابت با سایر تولید کنندگان خارجی بپردازند. رفع برخی از مشکلات و موانع، زمینه کار و تلاش را برای واحدهای صنعتی کالا فراهم آورده است. ما قصد نداریم، تکنولوژی صنعتی را همواره از خارج وارد کنیم. واحدهای صنعتی، با همکاری تنگاتنگ با مراکز دانشگاهی، می‌بایست در جهت تحقیقات صنعتی گام بردارند. همکاری دانشگاه‌ها و واحدهای صنعتی را، ما در دوران جنگ تحمیلی دیده‌ایم و واحدهای صنعتی باید کماکان امکانات اجرایی خودشان را در اختیار مراکز آموزش عالی قرار دهند و از امکانات تحقیقاتی آن مراکز نیز متقابلاً استفاده نمایند. سیاست‌گذاران صنعت کشور همچنین باید زمینه مشارکت مردمی را کاملاً مهیا نمایند و ادارهٔ آن بخش از کارها را که مردم، توان اجرای آن را دارند، به‌آنها واگذار نمایند. جلب مشارکت و همکاری مردمی که در دوران انقلاب، بهترین تجربه و آزمایش برای وفاداری را ارائه داده‌اند و پرافتخارترین برگ‌های زرین تاریخ این کشور را رقم زده‌اند، از مهمترین وظیفه مدیران واحدهای صنعتی است.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های ۱۳۶۹» ، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲ .

شورای نگهبان را شروع کرده‌اند.

بیست و پنج نفر از سران اخوان‌المسلمین، فعال در کشورهای عربی و اسلامی، [به سرپرستی آقای عبدالرحمن خلیفه، رهبر اخوان المسلمین اردن]،آمدند. به عربستان‌سعودی، اردن و عراق هم رفته‌اند. از ما می‌خواهند که برای رفع خطر از عراق در مقابل آمریکا، به صدام کمک کنیم. گفتم عراق و بعثی‌ها قابل اعتماد نیستند و ممکن است وسط راه با آمریکا بسازند و علیه ما وارد عمل بشوند. علاوه بر این، برنامهٔ کار عراق روشن نیست. لازم است برنامه را بگویند؛ چون عراقی‌ها هم به آنها جواب درستی در این‌باره نداده بودند، حجتی برای ادامه بحث نداشتند و مجاب شدند[1].

در ملاقات با رهبری، از این جهت که در طول جنگ[هشت ساله با ایران] که عراق با حمایت آمریکا علیه اسلام می‌جنگیده است، چرا چنین اقدامی نکرده‌اند؟ مورد ملامت قرار گرفته بودند. صحبت‌شان جنبه دفاعی داشت. به خانه آمدم. اعظم، [همسر محسن] غذا درست کرده بود.

جمعه ٦ مهر ۱۳٦۹ | ۷ ربیع‌الاول ۱٤۱۱ ۲۸ سپتامبر ۱۹۹۰

فائزه از سفر چین برگشته است. با یاسر صبحانه خوردیم. بیشتر وقت به استراحت و مطالعه گذشت. آخر شب، عفت و فاطی و همراهان از سفر رسیدند.

شنبه ۷ مهر ۱۳٦۹ | ۸ ربیع‌الاول ۱٤۱۱ ۲۹ سپتامبر ۱۹۹۰

ساعت هشت و نیم صبح به دفترم رسیدم. آقای دکتر هاشمی[گلپایگانی]، برای دستور شورای‌عالی انقلاب فرهنگی آمد. [آقای بیژن نامدار زنگنه]، وزیر نیرو آمد. گزارشی

---

۱ – در این دیدار، ابتدا چند تن از اعضای هیات اخوان‌المسلمین، گزارشی از فعالیت‌های خود را در منطقه ارائه کردند و براهمیت نقش جمهوری اسلامی ایران در ارائه راه حل‌هایی برای مقابله با خطراتی که منطقه را تهدید می‌کند و حمایت از امت اسلامی تأکید کردند، «قاضی حسین امیر» از جماعت اسلامی پاکستان در این دیدار گفت: «ما انتظار داریم، جمهوری اسلامی، در دنیا رهبری حرکت‌های اسلامی و توده‌های مسلمان را به عهده گیرد.»

دربارهٔ طرح آب‌رسانی به قطر داد و اجازه گرفت که برای عقد قرارداد، وارد مذاکره شوند؛ قبول کردم. گزارشی از وضع تولید و مصرف برق در حال حاضر و در طول برنامه‌های اول و دوم داد. گفتم باید تولید برق را به سطحی برسانیم که خاموشی نداشته باشیم و در ساعات پیک از برق‌های اختصاصی و صرفه‌جویی‌ها بهره بگیریم.

دکتر [حسن]حبیبی برای امور جاری آمد. مشاور وزیر امورخارجه کویت آمد و پیام امیرکویت را آورد و از مواضع ما اظهار امتنان کرد و گزارشی از وضع فعلی حکومت داد. آقای[زین العابدین]قربانی، امام‌جمعه لاهیجان آمد. خواستار حمایت بیشتر از کشت و صنعت چای شد و از کمک‌های دولت به زلزله زدگان ابراز رضایت کرد.

عصر شورای‌عالی امنیت ملی جلسه داشت. دربارهٔ وضع اُسرا و مسایل جاری منطقه بحث و تصمیم گیری شد. شب با احمدآقا مهمان رهبری بودیم. مصوبات شورا مطرح شد که به تأیید رهبری رسید.

دیر وقت به خانه رسیدم. آشیخ محمد هاشمیان در منزل بود. از امتحان شورای نگهبان از ایشان برای نامزدی مجلس خبرگان که درآن مردود شده، شاکی است و خواستار تجدید امتحان شفاهی بود.

یکشنبه ۸ مهر ۱۳٦۹ | ۹ ربیع‌الاول ۱٤۱۱ — ۳۰ سپتامبر ۱۹۹۰

ساعت هفت و نیم صبح به دفترم رسیدم. آقای [جلیل]بشارتی، مسئول دفتر مناطق محروم آمد و اجازهٔ اختصاص اعتبار ماشین آلات برای چند طرح گرفت. وزیر صنایع عمان آمد. درباره توسعه روابط صحبت شد. اخوی محمد، [رییس سازمان صداو سیما]آمد و برای نیازهای صداوسیما اعتبار اضافی خواست.

نمایندگان رهبری در دانشگاه‌ها آمدند؛ سمینار دارند. آقای [احمد]جنتی از سوی آنها حرف زد و من مفصلاً صحبت کردم[1]. [آقای نعمت زاده]، وزیر صنایع آمد. گزارش

---

۱ - ایشان در دیدار با اعضای شورای مرکزی نمایندگان رهبر معظم انقلاب در دانشگاه‌ها و مسئولان دفاتر نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه‌های سراسر کشور، با تأکید بر نقش حساس و محوری روحانیت در حل مسایل و مشکلات دینی و فرهنگی دانشجویان، نمایندگان رهبری را به‌عنوان پایگاه مطمئن روحی در دانشگاه توصیف کرد. آقای هاشمی با

پیشرفت تولید را داد و نیازهای ارزی بیشتر را مطرح کرد. عصر در جلسه هیأت دولت شرکت نکردم و کارهای دفتر را انجام دادم.

شب مهمان آقای خامنه‌ای بودم. دربارهٔ اقدامات اخیر شورای نگهبان که منجر به مردودشدن جمعی از رادیکال‌ها در نامزدی مجلس خبرگان شده است، مذاکره کردیم. امروز در مجلس اعتراض کرده‌اند و آقای [محسن]قرائتی خبر داد که آقای[هادی]غفاری در مسجدش گفته [مجمع]روحانیون مبارز، تصمیم گرفته‌اند انتخابات را تحریم کنند. نظر آیت‌الله خامنه‌ای این است که این اقدام به ضررشان تمام می‌شود؛ قرار شد که به دو طرف تذکر داده شود. شب به خانه آمدم.

دوشنبه ۹ مهر ۱۳۶۹ | ۱۰ ربیع‌الاول ۱۴۱۱ — ۱ اکتبر ۱۹۹۰

ساعت نُه صبح به نمایشگاه بین‌المللی تهران رفتیم. با نیم ساعت تأخیر، شانزدهمین نمایشگاه [بازرگانی] را افتتاح کردم. از غرفه‌های صنایع سنگین، غرفه آلمان و غرفه‌های کشاورزی بازدید نمودم؛ از سال‌های گذشته بهتر است. مصاحبهٔ کوتاهی انجام شد[1].

اشاره به لزوم همکاری هر چه بیشتر دانشگاهیان و مدیریت دانشگاه‌ها با نمایندگان رهبری، نقش نظارتی نمایندگان ولی فقیه را در امور دینی و فرهنگی دانشگاه‌ها مورد تأکید قرار داد و خطاب به آنان افزود: «مسئولیت روحانیت امروز بیش از هر زمان دیگری است و بهترین دستاورد انتصاب شما به نمایندگی از سوی مقام رهبری در دانشگاه، جوابگویی به نیازهای فکری و روحی و معنوی دانشجویان است. شما باید با برخورد مدبرانه و پدرانه، مرجعی برای حل مسایل سیاسی، اجتماعی، دینی و فرهنگی دانشجویان باشید.» ایشان با مفید توصیف کردن نقش انجمن‌های اسلامی در دانشگاه‌ها، دانشجویان، استادان، مدیران و نمایندگان رهبری را مجموعه‌ای دانست که باید با هماهنگی و همدلی با یکدیگر، رسالت خود را در بازسازی و سازندگی کشور ایفا کنند. رجوع کنید← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های ۱۳۶۹»، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲.

۱ - ایشان در مراسم گشایش شانزدهمین نمایشگاه بین‌المللی صنعتی تهران اظهار داشت : «یکی از راه‌های خوب آشناکردن ملل با یکدیگر، ایجاد نمایشگاه‌هاست که کاری است ستودنی. زیرا به‌این ترتیب مشکلات را حل کرده و دل‌ها را به‌هم نزدیک می کند. محققان می‌توانند از چنین مجموعه‌ای استفاده کنند و مراکز صنعتی و بازرگانی نیز از آن بهره‌برداری نمایند که این خود یک ضرورت است.کسانی که در این نمایشگاه‌ها شرکت می‌کنند، باید بُخل را کنار بگذارند و اجازه دهند از دستاوردهای علمی و فنی آنها، دیگران نیز استفاده نمایند، تا هرکس وارد نمایشگاه می‌شود، برای بالا بردن اطلاعاتش و نیز به منظور معرفی ابتکاراتش، بتواند از آن استفاده کند. کشور ما در شرایطی

ساعت دو ونیم بعد از ظهر به دفترم رسیدم. عـصر در شـورای اقـتصاد، قیمـت تـضمینی محصولات کشاورزی را معین کردیم. تا ساعت هشت و نیم شب در دفترم کار کردم و بـه خانه آمدم.

سه‌شنبه ۱۰ مهر ۱۳۶۹ | ۱۱ ربیع‌الاول ۱۴۱۱ — ۲ اکتبر ۱۹۹۰

تـا سـاعت نُـه صـبح کارهـای دفتـرم را انجـام دادم. آقایـان سـید محمـود مرعـشی و [عباسعلی]عمید زنجانی، [فرزند و داماد آیت الله نجفی مرعشی]آمدند. به خاطر مساعدت‌ها در بزرگداشت مراسم درگذشـت مرحـوم آیـت‌الله نجفـی مرعـشی تـشکر کردنـد و بـرای تکمیل و اداره کتابخانهٔ ایشان استمداد نمودند؛ قول مساعدت دادم.

[آقای غلامرضا فروزش]، وزیر جهاد سازندگی آمد. از وظایفی که در لایحـه تفکیـک وظایف به جهاد داده شد اظهار خوشحالی کرد و گفت نیروهـای جهـادی، بانـشاط و امیـد شده‌اند. برای مصارف ارزی کارهای جهاد در خارج استمداد کرد.

آقای دکتر [سید عباس]پاک‌نژاد، اسیر آزاد شـده آمـد؛ اولِ جنـگ اسـیر شـده اسـت. گزارش دوران اسارت را داد و بـرای شـغلی مـشورت کـرد. [در دوران اسـارت]، بـا دکتـر [حبیب]جریری بوده‌اند که او هنوز نیامده است[1].

☜که گرفتار جنگ بود، در حد توان این نمایشگاه را برگزار کرد، منتها امروز برای اولین بار است که با خاطری آسوده‌تر و با توجهی بیشتر، به نمایشگاه نظر می‌افکنیم. خیرمقدم رییس‌جمهور کشور به شما میهمانان داخلی و خارجی، نشان اهمیتی است که برای کار قائلیم. امیدوارم نمایشگاه امسال، موفق‌تر از گذشته باشد و شرکت کنندگان و بازدیدکنندگان راضی باشند تا ما برای آینده آماده‌تر باشیم.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های ۱۳۶۹»، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۹۲.

۱ - دکتر حبیب جریری در بهمن ماه ۱۳۱۱ در شیراز به دنیا آمد. تحصیلاتش را در رشته داروسازی و تخصص علوم آزمایشگاهی به پایان برد. او به چهار زبان خارجی؛ انگلیسی، فرانسه، عربی و روسی آشنا بود. در سال ۱۳۴۹ با دکتر شریعتی در حسینیه ارشاد آشنا شد و به شدت مجذوب شخصیت، افکار و اندیشه های او شد. او که از فعالان سیاسی دوران مبارزه برای پیروزی انقلاب اسلامی بود، به جرم همکاری برای انتشار کتاب «پدر، مادر، ما مُتهمیم» نوشته دکتر علی شریعتی و مبارزه علنی با رژیم پهلوی، به پنج سال زندان محکوم شده بود. وی بعد از انقلاب از بانیان نهضت‌سوادآموزی بود و مدتی به عنوان استاندار سیستان و بلوچستان خدمت کرد. دکتر حبیب جریری با شروع دفاع مقدس، با گروهی از پزشکان به جبهه رفت و در روز ۱۴ مهر سال ۱۳۵۹ توسط نیروهای عراقی به اسارت گرفته☜

آقای [عطاءالله]مهاجرانی، [معاون حقوقی و پارلمانی رییس‌جمهور]آمد. دربارهٔ طرح نمایندگان مجلس در مورد انتخابات [مجلس خبرگان]که به منظور مقابله با شورای نگهبان مطرح شده، صحبت کرد. آقای [علی اکبر]ناطق نوری آمد و در مورد برخوردهای تند رادیکال‌ها در مجلس با شورای نگهبان، بر سر حذف بعضی از کاندیداها، گزارشی داد؛ گفتم مذاکرات باید مستدل و متین باشد.

عصر شورای‌عالی انقلاب فرهنگی جلسه داشت. گزارش‌های بازرسی مطرح شد. قرار شد رییس دانشگاه علوم پزشکی تبریز را در مقابل افراطی‌ها تقویت کنیم. همچنین تصمیم بر این شد که جلسات شورا، به جای دو هفته، هفتگی شود. تب داشتم؛ دارو خوردم و شب در دفترم ماندم.

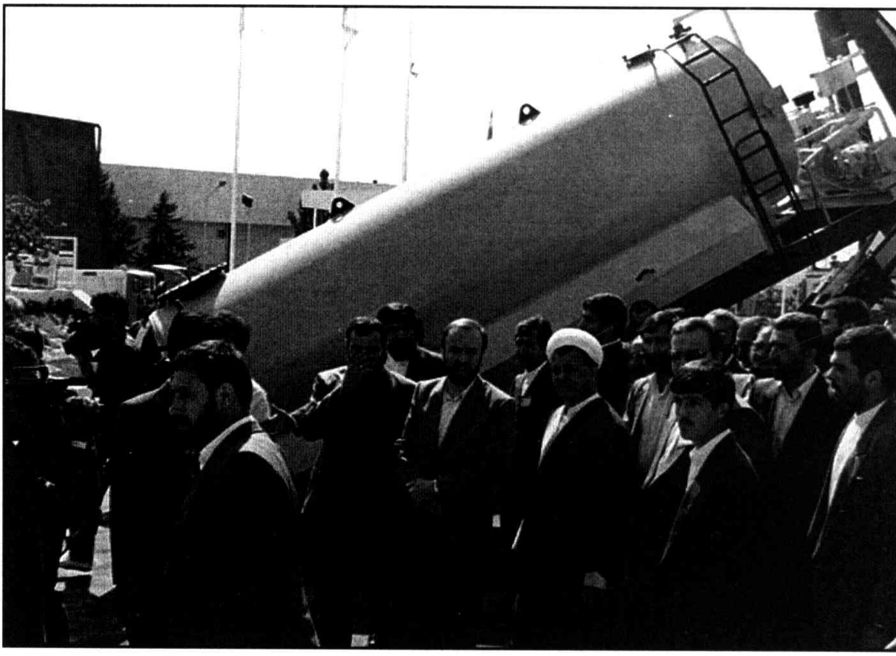
چهارشنبه ۱۱ مهر ۱۳۶۹ | ۱۲ ربیع‌الاول ۱۴۱۱ — ۱۳ اکتبر ۱۹۹۰

با استراحت دیشب، امروز حالم مساعد بود. تا ساعت نُه صبح کارهای دفتر انجام شد. آقای [حمید]میرزاده آمد. گزارش سفر به نقاط جنگی را که اخیراً آزاد شده، داد و برنامه‌های بازسازی را گفت.

هیأت سودانی، [به سرپرستی سرهنگ سلیمان محمد سلیمان، عضو شورای رهبری] آمد. نامهٔ رییس‌جمهور سودان را آورد و اعتراف به حقانیت مواضع ایران نمود و برای رفع مشکلات‌شان استمداد کرد. برای نفت و تأسیس پخش صوت و تصویر و اسلحه برای جنگ با شورشیان جنوب سودان، قول حمایت دادم[1].

شد. در آنجا بارها مورد شکنجه قرار گرفت و حتی نام وی جزو لیست صلیب سرخ نیز نبود. تاکنون پیکر این جاویدالاثر به ایران بازنگشته است.

۱ - در این دیدار عضو شورای رهبری سودان، نقش مهم جمهوری اسلامی ایران را در هدایت امت اسلامی متذکر شد و گفت: «ما آگاهیم که انقلاب اسلامی از آغاز با محاصرات بسیاری از جمله محاصره اقتصادی، سیاسی و تبلیغاتی روبرو بود و با تکیه براصول اسلامی و یاری خداوند بزرگ به پیروزی رسید. ما جمهوری اسلامی ایران را امید امت اسلام و پیشتاز در به پیروزی رساندن نیروهای مستضعف می‌دانیم. ما در سودان در معرض همان محاصره‌هایی هستیم که انقلاب اسلامی با آن روبرو بود، ولی به خواست خداوند بزرگ با پیروی از اسلام، پیروزی از آن ما خواهد بود.» سپس آقای هاشمی با تشکر از پیام رییس جمهور سودان و اظهار رضایت از روند رو به رشد همکاری‌های دو کشور مسلمان ایران و سودان اظهار داشت: «ما از پیش از انقلاب با کشور سودان آشنایی داشتیم و همواره علاقه‌مندیم که



بازدید از شانزدهمین نمایشگاه بین المللی بازرگانی تهران



آقای [محسن]نوربخش، [وزیر امور اقتصادی و دارایی] و آقای [محمدحسین]عادلی، [رییس بانک مرکزی]آمدند. گزارش سفر به آمریکا برای صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی را دادند و از ملاقات با شخصیت‌های غربی در جهت رفع مشکلات و روابط، و نیز از ملاقات با ایرانیان مقیم آمریکا اظهار رضایت نمودند.

آقای [محمد]قمی، نماینده ورامین آمد. برای نجات رادیکال‌ها از حذف در انتخابات مجلس خبرگان و نیز برای آب و مترو برای ورامین استمداد کرد؛ به نوعی از مواضع افراطیون انتقاد نمود. [آقای عبدالعظیم خزایی]، نماینده ماهشهر آمد. برای عقب افتادگی ماهشهر اظهار نارضایتی و استمداد نمود؛ کمک کردم و قول کمک بیشتر دادم. آقای [سیدحسین]حسینی شاهرودی، نماینده شاهرود آمد. ضمن تمجید از سیاست‌های اقتصادی دولت، در مورد ضعف وزیر راه و ترابری و بعضی از مجریان دیگر گفت و برای توسعه شاهرود استمداد کرد.

عصر دکتر ولایتی[وزیر امور خارجه]آمد. گزارش سفر به نیویورک و مذاکرات و ملاقات‌های زیاد خود را داد؛ خیلی راضی است. معتقد است مسابقه‌ای برای تحسین روابط با ایران به وجود آمده است. در جلسه هیأت دولت شرکت کردم[1].

پنج‌شنبه ۱۲ مهر ۱۳۶۹ | ۱۳ ربیع‌الاول ۱٤۱۱ — ٤ ١اکتبر ۱۹۹۰

آقای [سیدحسین]موسویان، سفیر جدیدمان در آلمان آمد. درباره روابط جاری با غرب و آینده روابط و اهمیت همکاری با آلمان مذاکره شد. بنا شد از آنها بخواهد که نیروگاه هسته‌ای بوشهر را تکمیل کنند.

آقای [محمدحسین]طارمی، سفیر ایران در چین آمد. دربارهٔ نظریه قبلیِ استراتژیک بودن روابط با چین استفسار کرد؛ تأیید کردم و خواستم برای توسعه همکاری‌ها تلاش

با آن کشور مسلمان همکاری داشته باشیم. جمهوری اسلامی ایران به خاطر رضای خداوند و تشخیص مصلحت اسلام، آماده کمک به مسلمانان سودان است.»

۱ - در این روز آلمان شرقی و آلمان غربی به هم پیوستند و به ۴۵ سال تقسیم خود پایان دادند. برداشتن دیوار برلین، به عنوان یک نقطه عطف تاریخی در قرن بیستم و پایان رسمی جنگ سرد میان شرق و غرب به ثبت رسید.

کنند. آقای گرگانی، رییس یکی از شُعب دیوان‌عالی کشور آمد. اظهار خستگی از کار یکنواخت هشت ساله خود کرد و خواستار تنوع بود.

آقای [عبدالحسین]وهاجی، [وزیر بازرگانی]آمد. گزارش سفر به چهار کشور آفریقایی داد و بر ایجاد خط هوایی با آفریقا و ایجاد مرکز تجاری و تقویت خط کشتیرانی و سرمایه‌گذاری و تجارت تأکید داشت. دستور دادم که ورود چای با ارز آزاد را بلامانع نمایند. چای قاچاق بازار را گرفته است. آقای [جواد]مقصودی آمد. گله‌هایی از تعزیرات و وزارت بازرگانی داشت و از سیاست اقتصادی دولت تمجید کرد.

عصر تا ساعت پنج، کار کردم. با آقای خامنه‌ای تلفنی صحبت کردم. قرار شد انتخابات استان‌های سیستان و بلوچستان و گیلان، به خاطر کم بودن تعداد نامزدهای تأیید شده در حدّ نیاز، به تأخیر افتد. به خانه آمدم[۱].

جمعه ۱۳ مهر ۱۳۶۹ | ۱۴ ربیع‌الاول ۱۴۱۱ — ۵ اکتبر ۱۹۹۰

در منزل بودم. بیشتر وقت‌به استراحت و مطالعه عمدتاً درباره تاریخ معاصر گذشت. عفت به قم رفت. فاطی و اعظم آمدند. ظهر و شب، بچه‌ها اینجا بودند. در گزارش‌ها مسأله مهمی نداشتیم. عصر آقای [عبدالمجید]معادیخواه برای مسایل بنیاد تاریخ آمد.

شنبه ۱۴ مهر ۱۳۶۹ | ۱۵ ربیع‌الاول ۱۴۱۱ — ۶ اکتبر ۱۹۹۰

مصاحبه‌ای برای تبلیغات انتخابات مجلس خبرگان کردم. از خودم چیزی نگفتم و بیشتر

---

۱ - در این روز، اداره‌کل روابط عمومی ریاست‌جمهوری، در مورد نحوه انتشار نقطه نظرات رییس جمهور، اطلاعیه‌ای صادر کرد. در این اطلاعیه آمده است: «اخیراً مشاهده می شود، رسانه های بیگانه سعی دارند برخی از روزنامه‌های داخلی ایران را به عنوان بیان کننده خاص نظرات مقام محترم ریاست جمهوری معرفی کنند و یا در نقل اخبار خود، به نقل از محافل نزدیک به رییس جمهور، مطالبی را بیان می کنند. ضمن تکذیب اینگونه انتساب ها و نقل‌قول‌ها، اعلام می دارد که کلیه رسانه های داخلی در زمینهٔ بیان نظرات مقام محترم ریاست جمهوری، وضعیت یکسانی دارند.» این اطلاعیه ، واکنشی بود به نقل قول رسانه‌های خارجی به «روزنامه تهران تایمز» به عنوان منعکس کننده نظرات آقای هاشمی، که در پوشش خبری اخبار رییس جمهور از آن استفاده می کردند.

روی شرکت در انتخابات حرف زدم. مصاحبه طولانی با خبرنگار لوموند داشتم[۱]؛ همراه با آقای احسان نراقی[۲] آمده بود.

[آقای محمدحسن تولایی]، استاندار خوزستان آمد. گزارش پیشرفت بازسازی را داد و از دخالت‌های آقای میرزاده، [معاون اجرایی رییس‌جمهور] گله داشت؛ گفتم تحمل کنند، چون در اینجا برای پشتیبانی خیلی تلاش می‌کند. تیمسار [سرتیپ منصور]ستاری، [فرمانده نیروی هوایی ارتش]آمد. گزارش خریدهای تسلیحاتی از چین و شوروی را داد و برای ساخت هواپیمای اف-۵ کمک مالی خواست.

عصر [آقای اکبر ترکان]، وزیر دفاع آمد. عازم سفر به چین است؛ برای مذاکرات و خریدها مشورت کرد. همچنین گزارش توافق‌های اخیر با انگلستان بر سر بسیاری از موارد اختلاف در مورد معاملات تسلیحاتی قبل از انقلاب را داد.

[آقای غلامرضاآقازاده]، وزیر نفت آمد. گزارش وضع نفت را داد و پیشرفت کار بازسازی پتروشیمی ایران و ژاپن و پالایشگاه آبادان و تهیه تانکر نفتکش از ترکیه برای حمل و نقل داخلی را گفت. خبر دادند که تیم ملی فوتبال، در بازی‌های المپیک آسیایی،

---

۱ - در این مصاحبه ، مطالب مهمی درباره سیاست خارجی جمهوری اسلامی، بحران خلیج فارس، روابط با عراق، چشم‌انداز آینده اقتصادی ایران، ارتباط با آمریکا و سایر مسایل منطقه‌ای و بین المللی، مطرح شده است. متن کامل این مصاحبه، در بخش ضمایم همین کتاب چاپ شده است.

۲ - دکتر احسان نراقی(۱۳۰۵- ۱۳۹۱)، از نوادگان ملامهدی نراقی صاحب کتاب «جامع‌السعادات»، جامعه شناسِ عمل‌گرا و پژوهشگر ایرانی مقیم فرانسه بود. او مدتی معاونت سازمان یونسکو را برعهده داشت. نراقی در دوران تحصیل در سوئیس، به مرام کمونیستی گرایش یافت، اما بعد از بازگشت به کشور، وارد سیستم دولتی شد و از افکار سابق خود فاصله گرفت. در دوره مصدق، فعالیت های سیاسی داشت. عمده ترین کار او تاسیس «موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی» در دانشگاه تهران بود که خود ۱۲ سال، ریاست آن را بر عهده داشت. وی سال ها مشاور فرح پهلوی، همسر محمدرضاشاه بود، اما وجه انتقادی خود را همواره حفظ کرد. دکتر حسن حبیبی، دکتر ابوالحسن بنی‌صدر و صادق قطب زاده از معروف ترین شاگردان او بودند. او بعد از انقلاب در سال ۱۳۵۸ دستگیر و زندانی شد، اما با وساطت استاد شهید مطهری و احراز بی گناهی آزاد گردید. دکتر نراقی در کتاب معروف خود «از کاخ شاه تا زندان اوین»، به شرح زندگی خود پرداخته است. او دو بار نشان لژیون دونور از رؤسای جمهور فرانسه دریافت کرده بود. احسان نراقی، سرانجام در ۱۲ آذر ۱۳۹۱ در تهران درگذشت.

پس از شانزده سال قهرمان شده است[1]؛ گفتم از آنها تشکر کنند و پاداش بدهند. شب به خانه آمدم.

یکشنبه ۱۵ مهر ۱۳۶۹ | ۱۶ ربیع‌الاول ۱۴۱۱ | ۷ اکتبر ۱۹۹۰

دکتر [هادی]منافی، [معاون رییس‌جمهور و رییس سازمان حفاظت محیط زیست] و مسئولان اتکا[= اتحادیه تامین کالای ارتش]آمدند. بر سر ریختن فاضلاب کارخانه قند میاندوآب[متعلق به اتکا]، به رودخانه[زرینه‌رود] که باعث تلف شدن تعدادی ماهی شده و اتکا در دادگاه به پانصد میلیون تومان جریمه محکوم شده است، از من داوری خواستند. قرار شد با پرداخت مقداری لباس، دوربین، ماشین، موتورسیکلت و مواد غذایی به [سازمان حفاظت از]محیط زیست، مصالحه کنند.

آقای [قدرت‌الله]علیخانی آمد. برای کارهای عمرانی اطراف قزوین استمداد کرد و از جریان اخیر مجلس خبرگان که ضربه‌ای به مجمع روحانیون بود، اظهار ناراحتی نمود و از من خواست برای دلجویی از آنها فکری کنم.

جلسه مجلس شورای اسلامی، برای اولین بار در تاریخ انقلاب، به خاطر خودداری جمعی از نمایندگان به خاطر اعتراض به برنامه هیأت رییسه، به رسمیت نرسید. طبق گزارش‌ها، اظهارات تندی از طرف رادیکال‌ها علیه خط مقابل شده‌است. آقای [حمید]میرزاده برای امور جاری و بازسازی آمد.

دکتر [عبدالله]جاسبی برای امور دانشگاه آزاد اسلامی آمد. دکتر [مصطفی]معین و مهندس [میرحسین]موسوی و [حمید]میرزاده، از جلوگیری [غلامحسین کرباسچی]، شهردار تهران از ادامه کار ساخت شهرک تحقیقاتی در چیتگر شکایت آوردند؛ به شهردار گفتم همکاری کند. عصر در هیأت دولت شرکت کردم. تصویب شد که اتومبیل‌های وارده توسط ایرانی‌های مقیم کویت را ترخیص کنیم و اجازهٔ فروش بدهیم.

---

۱ - تیم ملی فوتبال ایران، در این روز با پیروزی ۴ بر یک با ضربات پنالتی، برابر تیم کره شمالی، پس از شانزده سال از بازی‌های آسیایی ۱۳۵۳ تهران، بار دیگر از رفیع ترین قله افتخار فوتبال قاره آسیا بالا رفت و بر سکوی قهرمانی نشست و عنوان قهرمانی یازدهمین دوره بازی های آسیایی - ۱۹۹۰ پکن را کسب کرد.

شب مهمان آیت‌الله خامنه‌ای بودم. بیشتر مذاکرات دربارهٔ تبعات مسایل اخیر انتخابات مجلس‌خبرگان و شدت اختلاف بین دو جناح و نحوه چاره‌جویی آن بود. همچنین قرار شد در جلسات‌مان، بحثی از مسایل اجتماعی فقهی داشته باشیم؛ بحث «غنا» را برای اولین بحث انتخاب کردیم.

دوشنبه ۱۶ مهر ۱۳۶۹ | ۱۷ ربیع‌الاول ۱۴۱۱ ۸ اکتبر ۱۹۹۰

ساعت نُه صبح در حسینیه جماران، برای مجلس‌خبرگان و میان دوره‌ای مجلس رأی دادم و مصاحبه کردم[1]. سپس به خانه رهبری رفتم و برای شرکت در مراسم عید[میلاد حضرت محمّد(ص)] با هم به حسینیه رفتیم. من صحبت کوتاهی کردم[2] و آیت‌الله خامنه‌ای هم صحبت نسبتاً کوتاهی نمودند. به خانه برگشتم. ناهار تنها خوردم.

عفت و فائزه، مهمان همسر امام بودند. عصر و شب به مطالعه فقهی و استراحت گذشت.

---

۱ - آقای هاشمی پس از انداختن آرای خود به صندوق شماره ۱۱۱، درباره اهمیت آرای مردم اظهار داشت: «حضرت امام (ره) معتقد بودند، انقلاب متکی به مردم است و هدیه‌ای نیست که از بیرون یا از طرف شخصی به مردم داده شده باشد. حضرت امام، همواره به ما و سایر مسئولان نصیحت می‌کردند، تا زمانی که مردم را با خود دارید، می‌توانید خدمت کنید و سعی کنید مردم همواره انقلاب را از خود بدانند. همان‌طور که زندگی حضرت امام نشان داده، ایشان افکار عمومی را اساسی‌ترین پایه نظام می‌دانستند. این عقیده را دیگران کم و بیش اظهار می‌داشتند، اما حضرت امام تا آخر عمر به آن معتقد بودند.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، مصاحبه های ۱۳۶۹» ، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲ .

۲ - آقای هاشمی، میلاد پیامبراکرم (ص) و حضرت امام صادق(ع) را تبریک گفت و یاد امام بزرگوار و شهدای عالیقدر اسلام را گرامی داشت و افزود : «خوشبختانه ندای روح‌انگیز امام‌مان را امروز از زبان کسی که افکار بلند و آرمان‌های مقدس امام را داراست، می‌شنویم و طرح تشکیل «دارالتقریب بین‌المذاهب الاسلامی» یکی از نمونه‌های همین افکار اندیشمندانه و از آرزوهای دیرینه مسلمانان دلسوخته است. امروز خلوص انقلاب اسلامی و علاقه شدید و ایمان ما به وحدت اسلامی برای دنیای اسلام روشن‌تر شده و مسلمین جهان از ولی امر مسلمین، تقاضای هدایت جریان همکاری و هماهنگی امت اسلامی را دارد. انتظار می‌رود با تشکیل مجمع تقریب بین مذاهب اسلامی، حرکت تازه‌ای در راه وحدت اسلامی که خواسته به‌حق و ضروری امت اسلام است تحقق یابد. امیدوارم مسلمانان جهان، از طریق وحدت و همکاری بتوانند شیاطین و مستکبران را از مناطق اسلامی طرد و قدس‌شریف را آزاد کنند.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های ۱۳۶۹» ، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲ .



شرکت در انتخابات مجلس خبرگان رهبری



سه‌شنبه ۱۷ مهر ۱۳۶۹ | ۱۸ ربیع‌الاول ۱۴۱۱ ۹ اکتبر ۱۹۹۰

مدیران پست به مناسبت روز جهانی پست آمدند. گزارش دادند و من صحبت کردم[۱]. معاون وزارت اطلاعات آمد. راجع به تماس با منابع خارجی و مبادله اطلاعات با سرویس‌های اطلاعاتی کشورهای دیگر پرسید؛ به طور محدود موافقت کردم.

شورای انرژی اتمی جلسه داشت. قرار شد نیروگاه اتمی بوشهر، به شرط حصول اطمینان از سوی پیمانکار، مبنی بر تکمیل و بهره‌برداری فعال شود. دکتر ولایتی، [وزیر امورخارجه]آمد. راجع به مسایل سیاست خارجی مذاکره شد.

عصر هیأت ترکیه، به ملاقات آمدند. در قیمت نفت، تخفیف می‌خواستند که قبول نکردم. شب مجمع تشخیص مصلحت جلسه داشت. در مجازات‌های تخلف از تکالیف قانون کار به نتیجه رسیدیم.

آقای [محمد]امامی کاشانی، [عضو شورای نگهبان]، از اینکه آرای انتخابات مجلس‌خبرگان که فقط به نام «کاشانی» نوشته شده، به علت تردید بین ایشان و آقای [حسین]راستی کاشانی، باطل شده‌است، شکایت داشت. قرار شد بررسی شود؛ اگر چنین است باطل نشود، بلکه [برابر قانون]تسهیم به نسبت آرای دو نفر شود. بعضی‌ها هم از اینکه عنوان «خمینی» شهرت احمدآقا، درلیست حوزه‌ها، برخلاف دیگران، مقدم بر فامیل واقعی

---

۱ - در این دیدار، آقای هاشمی با اشاره به اینکه امروز شبکه پستی، نقش زیربنایی در توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور دارد و در بسیاری موارد، جلوتر از جریان توسعه گام برمی‌دارد، گفت: «پست به‌عنوان ابزاری اساسی در جهت ایجاد تحول در نظام اداری کشور مؤثر است. کار پست فقط منحصر به رساندن نامه نیست. در کشور ما روزانه ۵۰ میلیارد ریال هزینه سفرهایی می‌شود که با استفاده از پست، می‌توان آن را با صرف چند میلیارد ریال انجام داد و اگر مردم با ارائه آمار و ارقام از صرفه جویی‌هایی که توسط شبکه پستی در وقت آنها و همچنین سوخت و استهلاک ماشین آلات و نیز کاهش میزان تخریب و آلودگی محیط زیست آشنا شوند قطعاً به استفاده از شبکه پستی روی خواهند آورد. پست باید از بسیاری از مراجعات مردم به ادارات جلوگیری کند، حتی یک روستایی می‌تواند با استفاده از پست، مشکلات خود را در شهر حل کند و بسیاری از صف‌های فروشگاه‌ها و طی مسیر طولانی اداره‌ها، با بهره‌گیری مناسب از پست از بین خواهد رفت. توسعه پست نیاز به سرمایه‌گذاری زیادی ندارد و فقط باید با حمایت دولت و مشارکت مردم آن را تقویت کرد. پست می‌تواند منشاء خدمات شایسته بیشتری باشد و باید از آن به عنوان یک اهرم تحول در ارتباطات مردم استفاده کرد.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های ۱۳۶۹»، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۹۲.

آمده و به این دلیل در ردیف بالاتر قرار گرفته است، شاکی بودند.

چهارشنبه ۱۸ مهر ۱۳۶۹ | ۱۹ ربیع‌الاول ۱۴۱۱ ‏۱۰ اکتبر ۱۹۹۰

اول وقت از منزل به محل ستاد نیروی دریایی ارتش رفتم. مراسم نظامی، سخنرانی[۱] و استماع گزارش و اعطای جوایز به مناسبت پایان تحصیل دوره‌های پنجم دافوس نداجا انجام شد. از دافوس[۲] بازدید کردم و قول کمک به تکمیل ساختمان ستاد دادم؛ خیلی بزرگ و وسیع است، اما ناتمام.

به دفترم رفتم. با [آقای شیخ حمد بن جابرآل ثانی]، وزیر کشاورزی قطر ملاقات داشتم[۳]. نامه امیر قطر را آورده بود. ملاقات، بیشتر به خاطر اطلاع از موضع ما در مسأله

۱- ایشان در مراسم اختتامیه پنجمین دوره دانشکده فرماندهی و ستاد نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران، خطاب به پرسنل این نیرو تأکید کرد : «خلیج‌فارس، گرانبهاترین جواهر دنیاست که در حفاظت شما قرار دارد. در این وظیفه خطیر در حفاظت از یک سنگ کوچک جزایر خلیج‌فارس هم نباید غفلت شود. با توجه به موقعیت استراتژیک خلیج‌فارس، نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران، با کسب پیشرفته‌ترین فنون رزمی و تجارب ارزنده‌ای که در جنگ دریایی دارد، باید در آینده به‌عنوان محور ثبات و پایگاه امنیت منطقه مطرح شود. امروز نیروی دریایی در مقابل حضور آمریکا و یا هر نیروی دیگر در منطقه ایستادگی و مقاومت خواهد کرد، لذا سپاه و ارتش باید برای بالابردن کیفیت این نیرو حرکت لازم را داشته باشند. موقعیت زمانی و مکانی و شرایط خارجی حرکت سریع را برای تقویت نیروی دریایی ایجاب می‌کند و نیروی دریایی از قدرت خوبی برخوردار است، در طول دو سال گذشته قدم‌های محکمی برای تقویت نیروهای دریایی، هوایی و زمینی برداشته شده است.» آقای هاشمی، با اشاره به مسئولیت خطیر نیروی دریایی، به پرسنل این نیرو توصیه کرد در جهت تعمیق آموزش‌ها و بهتر کردن کیفیت آن، هیچ فرصتی را از دست ندهند و هیچ امکانی را نگذارند که از بین برود، زیرا یک نیروی دریایی فعال می‌تواند در منطقه بسیار سرنوشت‌ساز باشد.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های ۱۳۶۹» ، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲.

۲ - دانشکده فرماندهی و ستاد که به اختصار دافوس خوانده می‌شود، به ارائه دوره‌های تخصصی آموزش علمی و نظامی می‌پردازد که برای اخذ درجه‌های بالاتر از سرهنگی و فوق لیسانس، باید توسط نیروهای نظامی گذارنده شود.

۳ - در این ملاقات وزیرکشاورزی قطر، ضمن ارائه گزارشی از آخرین تحولات منطقه خلیج فارس، از مواضع جمهوری اسلامی در قبال حوادث اخیر تشکر کرد و اظهار داشت: «مردم مسلمان کشورهای منطقه خلیج‌فارس، امید فراوانی به جمهوری اسلامی دارند و ما به عنوان برادران کوچک شما، از جمهوری اسلامی انتظار داریم که با نقش هدایتگرانه خود ما را در این حوادث کمک کند. حضور نیروهای بیگانه در منطقه، ناشی از تجاوز عراق به کویت است. تمامی نیروهای خارجی، متعهد شده‌اند، پس از خروج عراق از کویت، از منطقه خارج شوند.» سپس آقای هاشمی با تشکر از پیام امیر قطر، از گسترش روابط بین دو کشور اظهار رضایت کرد و در مورد تجاوز عراق به ←

عراق و کویت است. نگرانی از موضع ما دارند؛ ابهام را رفع نکردم و ضمن تأکید بر موضع اعلام شده، به او گفتم که شورای همکاری[خلیج‌فارس]، لازم است بهای بیشتری به ایران در این مسأله بدهد. عصر به جلسه هیأت دولت نرفتم. کارهای دفترم را انجام دادم. شب را ماندم.

پنج‌شنبه ۱۹ مهر ۱۳۶۹ | ۲۰ ربیع‌الاول ۱۴۱۱ | ۱۱ اکتبر ۱۹۹۰

آقایان [بهروز]بوشهری و [محسن]یحیوی که اخیراً از اسارت آزاد شده‌اند، آمدند. شرح دستگیری و دوران اسارت را دادند. با [محمدجواد] تندگویان همراه بوده‌اند. هنگام اسارت، تمام این مدت را در زندانی در بغداد به سر برده‌اند؛ حدود ده سال. به وزارت نفت گفتم آنها را به شبیه کار گذشته‌شان دعوت کند.

ملاقاتی با [آقای الحاج ایندای]، رییس انجمن مبارزه با مواد مخدر[در آفریقا و کشورهای اسلامی]، از کشور سنگال داشتم[1]. نامه رییس‌جمهور را آورده بود؛ قول حمایت دادم. دکتر نوربخش، [وزیر امور اقتصادی و دارایی]آمد. برای امور ارزی و مالیاتی پیشنهادهایی داشت. طرح یکسان کردن قیمت ارز در آینده و مالیات بر فروش را در دست تهیه دارند.

کویت گفت: «موضع قطعی ما این است که عراق باید بدون هیچ امتیازی از کویت خارج شود و بیگانگان نیز منطقه را ترک کنند و امنیت منطقه به وسیلهٔ خود کشورهای حوزه خلیج فارس تأمین گردد.» آقای هاشمی در پایان بر هماهنگی جمهوری اسلامی ایران با کشورهای منطقه خلیج فارس برای حل مشکل منطقه تأکید کرد.

۱ - آقای «الحاج ایندای» در این دیدارگفت: «از تجارب بسیار ارزشمند ایران در اجلاسیه کشورهای آفریقا که در سنگال برگزار می‌شود، استفاده خواهد شد.» او با اظهار تأسف از اینکه استعمار، اطلاعات ناقص و غلط از مبارزه با مواد مخدر در ایران در اختیار مجامع بین‌المللی قرار داده است، گفت: «ما انتظار داریم جمهوری اسلامی ایران، روابط نزدیک‌تری با سنگال داشته باشد.» سپس آقای هاشمی با اشاره به اینکه مواد مخدر از بلاهای جدی برای مردم در قرن حاضر می‌باشد، اظهار داشت: «اسلام برای حفظ سلامت افراد و جامعه توصیه‌های زیادی ارائه کرده است. گسترش مواد مخدر ریشهٔ استعماری دارد و همواره به عنوان عاملی در جهت تضعیف ملت‌ها و از بین بردن نیروهای سالم کشورهای عقب افتاده مورد استفاده قرار گرفته است. لذا باید به مبارزه جدی با آن پرداخت. علیرغم تبلیغات سوء استکبار، مبارزه ما علیه مواد مخدر جدی است و این حرکت انسانی را تا آخر ادامه خواهیم داد.»

عفت و فاطی و بچه‌ها آمدند. عصر فیلم خواستگاری[۱] را تماشا کردم؛ جالب است. سعید[لاهوتی][۲]، آقای رسولی و دکتر شیرازیان آمدند و دندان‌هایم را معاینه کردند. گفتند به مرکز دندانپزشکی بنیاد شهید بروم؛ شب رفتم و دو ساعت در دندانپزشکی بودم. قرار شد چند جلسه دیگر هم بروم.

دیر وقت به خانه آمدم. سوپ خوردم و خوابیدم. دکتر ولایتی، تلفنی دربارهٔ مطالبی که با هیأت عراقی در مذاکره دارند، مشورت کرد.

جمعه ۲۰ مهر ۱۳۶۹ | ۲۱ ربیع‌الاول ۱۴۱۱ — ۱۲ اکتبر ۱۹۹۰

تا ساعت ده و نیم صبح برای خطبه‌ها مطالعه می‌کردم. آقای[حسین]شیخ‌الاسلام از وزارت امورخارجه اطلاع داد که رییس‌جمهور سودان می‌خواهد با یک هیأت مفصل نظامی- اقتصادی به ایران بیاید؛ موافقت کردم. نماز و خطبه‌های جمعه را در دانشگاه تهران اقامه کردم. به خاطر کشتار فلسطینی‌ها، امروز عزای عمومی اعلان کرده‌ایم[۳].

بعد از نماز جمعه، چشمانم شروع به سوختن کرد و صورتم داغ شد و خاریدن گرفت؛ کم‌کم معلوم شد در اثر نور نامناسب پروژکتورهای نماز جمعه بوده و محافظان همراه هم مبتلا شده بودند. شب چشم‌هایم درد گرفت. دکتر [سید حمید]سجادی آمد و گفت در اثر

---

۱ - فیلم «خواستگاری»، ساخته مهدی فخیم زاده و بازی هادی اسلامی و ثریا قاسمی است که در سال ۱۳۶۸ ساخته شده است. این فیلم داستان پیرمردی است که چندین فرزند و نوه دارد و همسرش سال‌ها پیش مرده است، اکنون تصمیم گرفته با پیرزنی ازدواج کند و این خواستهٔ او، موافقین و مخالفینی دارد.

۲ - دکتر سعید لاهوتی، داماد آقای هاشمی و همسر خانم فاطمه هاشمی، دندانپزشک است. ایشان مسئولیت بخش دندانپزشکی بیمارستان اختر را عهده‌دار بود.

۳ - یک سازمان یهودی افراطی اعلام کرده بود که قصد دارد طبق معمول هرسال وارد صحن مساجد، از جمله مسجدالاقصی شود. در پی این اقدام، رهبران روحانی مسلمان فلسطینی، در خطبه‌های نمازجمعه از مسلمانان خواستند برای دفاع ازمسجدالاقصی وارد صحنه شوند. این فراخوان رهبران، با لبیک مردم فلسطین مواجه شد و ماموران اسرائیلی در یک عملیات سبعانه، به تجمع فلسطینیان حمله برد و آن را به خاک و خون کشید. در این واقعه بیش از ۲۱ فلسطینی شهید و ۱۵۰ نفر مجروح شدند. آقای هاشمی در خطبه های نماز جمعه، اسرائیل و آمریکا را به شدت مورد حمله قرار داد و رویدادهای خونین روز دوشنبه گذشته در شرق بیت المقدس را به عنوان یک جنایت صهیونیستی توصیف کرد که مایهٔ شرمندگی جامعهٔ بشریت است. ایشان دولت آمریکا را متهم کرد که قطعنامه ۶۷۲ ضداسرائیلی را در شورای‌امنیت وتو کرده است. دولت، روز جمعه را برای ابراز همبستگی با مردم مظلوم، عزای عمومی اعلام کرد.

اشعهٔ ماوراء بنفشِ لامپ‌ها، سوختگی شدید در صورتِ و چشم‌ها ایجاد شده است. قطره و پماد داد و چشم‌ها را بست. قرص مُسکّن و خواب‌آور خوردم. شب با ناراحتی گذشت. بهروز پاسدار هم، مثل من بود. قرار شد روی موضوع تحقیق امنیتی علمی شود. قبلاً هم یک‌بار دیگر در مراسم مرقد امام، همین وضع پیش آمده بود.

شنبه ۲۱ مهر ۱۳۶۹ | ۲۲ ربیع‌الاول ۱٤۱۱ ۱۳ اکتبر ۱۹۹۰

ناراحتی چشمان و صورتم ادامه داشت؛ برنامه‌های کاری را لغو کردم و در خانه ماندم. با چشمان بسته خوابیدم. فقط چند بار برای قطره ریختن و وضو و نماز و ناهار باز کردم. گزارش‌ها را آوردند؛ خلاصهٔ آنها را عفت و مهدی برایم خواندند. به اخبار رادیوهای بیگانه و خودی گوش دادم. میشل عون، [رهبر جریان مسیحی آزاد] در لبنان شکست خورده و به سفارت فرانسه پناهنده شده است. نیروهایش تسلیم شده‌اند. حافظ اسد در سفر به ایران، خصوصی به من گفته بود که به‌زودی کار عون تمام می‌شود؛ قبلاً از طرف صدام حمایت می‌شده که فعلاً این حمایت نیست.

[رفعت محبوب]، رییس مجلس مصر ترور و کشته شد. [وفگانگ شائوبل]، وزیر کشور آلمان هم ترور و مجروح شده است. در همان ساعات به جان میشل عون هم سوءقصد شد؛ عجیب است، سه سوءقصد شبیه به هم در یک زمان. ظاهراً ارتباطی هم با هم ندارند. آقای [محمود]واعظی، [معاون اروپا و آمریکای وزارت امور خارجه]، گفت نخست‌وزیر ایتالیا می‌خواهد به ایران بیاید و مایلند مهمان من باشند؛ قبول کردم و گفتم مراسم استقبال و بدرقه توسط دکتر حبیبی، [معاون اول رییس‌جمهور] باشد. وقت آن را تعیین کردیم.

آقای [علی‌محمد]بشارتی، [قائم مقام وزیرامورخارجه]، برای اعزام هیأتی جهت شرکت در مراسم عزاداری عبدالله راشد اجازه گرفت. دکتر ولایتی دربارهٔ نتایج مذاکره با عراقی‌ها و تعیین کاردار و اعزام زوّار، تلفنی صحبت کرد. در گزارش‌ها از زبان طارق‌عزیز صحبت از موضع جدید صدام است. بالاخره شورای امنیت سازمان ملل، قطعنامه علیه اسرائیل به خاطر کشتار بیت‌المقدس را صادر کرد و آمریکا هم پذیرفت؛ حادثه مهمی در شرایط جاری منطقه است.

برای فاطی، تحلیلی از اوضاع جاری منطقه، مسایل عراق و کویت و نیروهای بیگانه و احتمالات نتایج حوادث، برای استفاده در سازمان تبلیغات اسلامی گفتم. شب دکتر [سیدحمید]سجادی آمد و گفت وضعم رو به خوبی است؛ چشم‌هایم را باز کرد.

یکشنبه ۲۲ مهر ۱۳٦۹ | ۲۳ ربیع‌الاول ۱٤۱۱ — ۱٤ اکتبر ۱۹۹۰

دیشب راحت خوابیدم. امروز حالم بهتر است. برنامه امروز را که قرار بود برای بازدید از موسسه استاندارد به کرج بروم، لغو کردم. برنامه‌های دیگر امروز را هم برای ادامه معالجه لغو نمودم. به آیت‌الله خامنه‌ای هم گفتم جلسه امشب نباشد.

عصر برای دیدن آقای[مهدی] کروبی، [رییس مجلس شورای اسلامی]، به منزل احمدآقا رفتم؛ درآنجا، بستری است. گزارش‌ها را از دفترم آوردند؛ خواندم. مسأله مهمی نداشتیم.

دوشنبه ۲۳ مهر ۱۳٦۹ | ۲٤ ربیع‌الاول ۱٤۱۱ — ۱۵ اکتبر ۱۹۹۰

ساعت هفت و نیم به دفترم رسیدم. تا نُه صبح کارهای عقب مانده را انجام دادم.آقای [احمد]زمانیان، نماینده نهاوند آمد. ماجرای درگیری‌های مجلس، پس از نطق پیش از دستورش را تعریف کرد و استمداد نمود.

آقای [سیدجلیل]سیدزاده، نماینده باختران[= کرمانشاه]آمد. وضع استان را گفت. از نتایج انتخابات مجلس خبرگان اظهار رضایت کرد و برای امور ورزش و فرهنگی استان کمک خواست. [آقای منوچهر کلیمی نیکروز]، نماینده کلیمیان، همراه با خاخام یهودیان آمدند. برای تسهیلات سفر خارجی یهودی‌ها و تعطیلی روز شنبه و مدرسه کلیمی‌ها استمداد کردند و کمکی برای زلزله آورده بودند.

آقای [بیژن نامدار]زنگنه، [وزیر نیرو]، برای مسایل آب آمد. دکتر هاشمی[گلپایگانی] برای برنامه شورای‌عالی انقلاب فرهنگی آمد. آقای عباسی آمد و سوغات سفر، یک رادیوی دیجیتالی کوچک آورد. ظهر و عصر کارهای عقب افتاده دو روز گذشته را به‌روز

رساندم.

دکتر ولایتی، [وزیر امور خارجه]، تلفنی اجازه گرفت که آقای [محمدکاظم] خوانساری به عنوان سفیر ایران در عراق باشد و نه کاردار موقت. آقای [عطاءالله]مهاجرانی، [معاون حقوقی و پارلمانی رییس‌جمهور]آمد. پیشنهاد کرد که برای کم شدن اختلافات، از آقای کروبی در ارتباط با انتخابات مجلس خبرگان دلجویی شود.

عصر، شورای اقتصاد جلسه داشت. قیمت مس را بالا بردیم؛ فوق العاده ارزان است که باعث رواج قاچاق آن به خارج شده است. همچنین قیمت تضمینی خرید زیتون و قیمت کامیون‌های تولیدی تعیین شد. شب به خانه آمدم.

سه‌شنبه ۲۴ مهر ۱۳۶۹ | ۲۵ ربیع‌الاول ۱٤۱۱ — ۱۶ اکتبر ۱۹۹۰

هیأت غنایی[به سرپرستی آقای کوجو چیکاتا، عضو شورای رهبری غنا]، به ملاقات آمدند و نامه رییس‌جمهورشان را آوردند. خواستار کمک در تدارک اداره کنفرانس جنبش عدم تعهد هستند. این کنفرانس قرار است امسال در غنا برگزار شود. همچنین خواستار تخفیف در فروش نفت شدند. رییس‌جمهور غنا از من برای سفر به آن کشور دعوت کرده بود؛ گرانی نفت برای این‌گونه کشورها، مشکلات جدی درست کرده است.

[آقای عابدینی]، مدیرعامل شرکت [هواپیمایی]آسمان آمد. خواستار تقویت شرکت و دادن اجازهٔ استفاده از هواپیماهای سنگین‌تر شد و برای خلبانان خود، درخواست امتیازاتی شبیه شرکت هما[= هواپیمایی ملی ایران]کرد.

آقای رییس‌زاده از مجلس آمد. از درگیری‌های جاری در مجلس اظهار نگرانی کرد و خواستارکمک من برای حل غائله شد. از اظهارات امروز آقای[ابراهیم]اصغرزاده به شیوه‌ای سیاسی، اظهار نگرانی نمود و خواستار کار در وزارت امورخارجه شد.

آقای[عبدالله] نوری، وزیر کشور آمد. از درگیری‌های جاری بین دو خط اظهار نگرانی کرد و پیشنهادهایی داد برای دلجویی از رادیکال‌ها و سپس دستور آتش‌بس؛ مدعی است باند روزنامه رسالت، گردانندهٔ معرکه است.

آقای [منوچهر] متکی، [معاون بین‌الملل وزارت امورخارجه]آمد. گزارش مذاکرات با

هیأت عراقی را داد و از نتایج سفر [رینالدو]گالیندوپل، [نماینده ویژه کمیسیون‌حقوق بشر سازمان‌ملل] اظهار رضایت کرد و برای سفر به آفریقا مشورت نمود. عصر دکتر [محمدعلی]نجفی، [وزیر آموزش و پرورش]آمد. گفت رهبری پیغام داده‌اند که مدرسه‌علوی، مرکز فعالیت حجتیه‌ای‌ها شده است،کنترل شود.

در جلسه شورای‌عالی انقلاب فرهنگی شرکت کردم. طرح تغییر نظام آموزشی‌متوسطه در دستور بود. چند ماده تصویب شد و نماینده شورا در هیأت بررسی رشته‌های دانشگاه آزاداسلامی تثبیت شد. تا ساعت هشت شب کار کردم و به خانه آمدم.

چهارشنبه ۲۵ مهر ۱۳٦۹ | ۲٦ ربیع‌الاول ۱٤۱۱ ۱۷ اکتبر ۱۹۹۰

آقای [حمید]میرزاده، [معاون اجرایی رییس‌جمهور]آمد. گزارش خرابی‌های سیل گیلان و مازندران را داد[1]؛ خرابی زیاد داشته است. گفتم استانداری‌ها کمک کنند و برای وعده‌های سفر استان مرکزی، اعتبار ارزی و ریالی گرفت.کمیسیون تعزیرات حکومتی آمدند. گزارش کار دادند و مشکلات را گفتند. از عدم اعتماد به ادامه کار و عدم همکاری استانداری‌ها گله داشتند؛ وعده تقویت دادم و تأکید بر مراعات قانون نمودم.

آقای[علیرضا]معیری، [مشاور بین‌الملل رییس‌جمهور]آمد؛ عازم تایلند و مالزی است درباره مسایل مربوط به این دو کشور و همچنین راجع به نظارت بر بودجه وزارت اطلاعات صحبت شد. عصر آقای [محمود]واعظی،]معاون اروپا و آمریکای وزارت امورخارجه] آمد. راجع به گروگان‌های لبنان و شروط ما برای وساطت پرسید. گفتم همان حرف‌های گذشته است.

در جلسه هیأت دولت شرکت کردم. تا ساعت هشت شب در دفترم کار کردم. در راه خانه، برای عیادت آیت‌الله [سید عبدالکریم]موسوی اردبیلی، به بیمارستان خاتم‌الانبیاء(ص) رفتم؛ عمل جراحی پروستات کرده‌اند.

---

۱ - بر اثر بارندگی های شدید و جاری شدن سیلاب، در شهر رشت به ۲هزار و ۵۰۰ واحد مسکونی خسارت وارد شد. بارندگی سیل‌آسا در استان گیلان، بیش از ۲ میلیارد و ۲۵۰ میلیون ریال خسارت به تاسیسات زیربنایی شهرها و روستاهای این استان وارد کرد. منبع: روزنامه اطلاعات، ۱۳٦۹/۷/۲۵

جمهوری اسلامی ایران
ریاست جمهوری

تاریخ ۱۳۶۹/۷/۲۵
شماره ۴۵۶۱۸

بسمه تعالی

حجه الاسلام والمسلمین جناب آقای هاشمی رفسنجانی
رئیس جمهور محترم

پیرو نامه شماره ۲۱۶۲۲ مورخ ۱۳۶۹/۲/۹ درخصوص ارز موردنیاز جهت تجهیز بیمارستانهای شهرستان دزفول، بدینوسیله به استحضار میرساند، نظر به اینکه تاکنون در رابطه با تصمیم مورخ ۱۳۶۸/۲/۱۸ هیات محترم وزیران مبنی‌بر پرداخت ۶ میلیون دلار از محل سهمیه ارزی نخست وزیری اقدامی صورت نگرفته است (تصویر پیوست) پیشنهاد می‌شود باتوجه به توافقات بعمل آمده، درصورت موافقت جنابعالی، مبلغ شش میلیون دلار از محل سهمیه ارزی ریاست جمهوری به نرخ دولتی تخصیص ارز شود و در مقابل شش میلیون دلار از محل اعتبارات ارزی رقابتی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به حساب ارزی نهاد واریز گردد./ب

حمید میرزاده
معاون در امور اجرائی

دکتر فاضل
وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی

۶۹/۷/۲۵

دستور رییس جمهور در مورد تجهیز بیمارستان های دزفول

پنج‌شنبه ۲۶ مهر ۱۳۶۹ | ۲۷ ربیع‌الاول ۱۴۱۱ ۱۸ اکتبر ۱۹۹۰

آقای [جواد]اژه‌ای، [مشاور فرهنگی رییس‌جمهور]، برای امور جاری فرهنگی و مسایل دانشجویان خارج از کشور آمد. پیشنهاد داشت که برای رفع اختلافات داخلی اقدام نمایم. آقای [حسین]محلوجی، [وزیر معادن و فلزات]آمد. گزارش سفر به کشوهای گینه و زامبیا را داد و پیشنهاد داشت که در گینه، در زمینه استخراج بوکسیت و در زامبیا، در صنعت مس همکاری کنیم.

دکتر [حسن]حبیبی برای امور عمومی کشور آمد. پیشنهاد دخالت در حل اختلافات و نیز خرید چند ساختمان از بنیاد مستضعفان را داد. در مورد مسایل خارجی و برنامه کار دولت نیز مطالبی گفت. همچنین خواستار شرکت در جلسات شورای‌عالی امنیت ملی شد.

دکتر نوربخش، [وزیر امور اقتصادی و دارایی]آمد. گزارش سفر به جمهوری آذربایجان شوروی را داد و مطالبی در خصوص توافق بر سر ترانزیت گاز از طریق شوروی به اروپای شرقی و مبادله کالاهای غیرنفتی و همچنین همکاری در مهار آب دریای خزر که بالا آمده است، بیان کرد. آقای [مسعود روغنی]زنجانی، [رییس سازمان برنامه و بودجه] آمد. درخصوص متمّم بودجه که در مجلس است، نظر خواهی کرد.

عصر تا مغرب کارهای جاری را انجام دادم. سرشب، فیلم «هامون»[1] را با خانواده تماشا کردیم. سپس به دندان‌پزشکی رفتم. از ساعت هشت تا دوازده و نیم شب، یکسره روی صندلی، زیر دست دکترها بودم؛ خسته شدم. کار زیادی شد؛ باز هم کار دارد. ساعت یک بامداد به خانه رسیدم. شام مختصری خوردم و کپسول آنتی‌بیوتیک مصرف کردم و خوابیدم.

جمعه ۲۷ مهر ۱۳۶۹ | ۲۸ ربیع‌الاول ۱۴۱۱ ۱۹ اکتبر ۱۹۹۰

در منزل بودم. به خاطر خستگی مفرط از معالجه دندان دیشب، نیاز به استراحت داشتم.

---

۱ - فیلم سینمایی «هامون»، ساخته داریوش مهرجویی، فیلمی اجتماعی و سورئالیستی است که به دغدغه جوانان روشنفکر بعد از انقلاب می پردازد که میان دنیا و آرمان هایشان، در تلاطم هستند. در این فیلم عزت‌الله انتظامی، خسرو شکیبایی و بیتا فرّهی بازی کرده اند.

مقداری وقت هم به مطالعه بولتن‌ها گذشت. پیش از ظهر، اخوی احمد با خانواده آمدند. درباره تهیه منزل بحث داشتند؛ گفتم بهتر است در سرچشمه بمانند. شب بستگان دیگر آمدند.

شنبه ۲۸ مهر ۱۳۶۹ | ۲۹ ربیع‌الاول ۱۴۱۱   ۲۰ اکتبر ۱۹۹۰

ساعت هشت و نیم به دفترم رسیدم. ساعت نُه صبح، آقای [مصطفی]پورمحمدی از [وزارت]اطلاعات آمد. گزارش اطلاعاتی داد و خواستار استرداد ساختمان‌های اطلاعات شد که در اختیار سپاه و کمیته است. سپس همراهانش و دادستان انقلاب آمدند. گزارش پرونده سفر [رینالدو]گالیندوپل[1] را دادند و تصمیم‌گیری شد.

دکتر [حسن]روحانی، [دبیر شورای عالی امنیت ملی]آمد. گزارش مذاکره با آقای [مهدی]کروبی را داد که سخت ناراحت است. جمعی از زندانیان در کویت که در اثر اشغال کویت از زندان آزاد شده و ۱۶ نفرشان به ایران آمده‌اند، همراه با آقایان [احمد]وحیدی و مصلحی از سپاه آمدند. صحبت مختصری مبنی بر مقاومت و ادامه مبارزه کردند.

آقای اروج آمد و جریان مذاکراتش را با آشیخ یوسف صانعی گفت. آقای صانعی توسط او به من پیغام داده که برای حل مشکل کمک کنم. عصر جلسه شورای‌عالی امنیت‌ملی داشتیم. بحث بر سر همکاری با شورای همکاری خلیج فارس، برای امنیت منطقه بود؛ تصمیم گرفتیم که همکاری شود. قرار شد دکتر ولایتی تا یک هفته دیگر به عراق برود.

شب با احمد آقا، مهمان آیت‌الله خامنه‌ای بودیم. مذاکره درباره مصوبات شورای عالی امنیت ملی بود که مورد بررسی و تأیید قرار گرفت.

---

۱ - رینالدو گالیندوپل، از سال ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۳ به عنوان نماینده ویژه حقوق بشر سازمان ملل فعالیت می کرد. وی چند بار به ایران سفر کرد و از زندان ها بازدید نمود، با زندانیان ملاقات کرد و گزارش هایی از وضعیت حقوق بشر در ایران تهیه کرد. برخی گزارش های گالیندوپل، با اعتراض ضدانقلاب خارج نشین مواجه شده بود.

یکشنبه ۲۹ مهر ۱۳۶۹ | ۱ ربیع‌الثانی ۱۴۱۱ ۲۱ اکتبر ۱۹۹۰

آقای [احمد]جنتی،]رییس سازمان تبلیغات اسلامی[آمد. پیشنهاد کرد در اعلان مراسم روز سیزده آبان پیشدستی شود[1]. آقای مسیح مهاجری، [مشاور اجتماعی رییس‌جمهور]آمد. از آقای[عبدالله] نوری، وزیرکشور انتقاد داشت. از اختلافات جاری اظهارنگرانی کرد و از من خواست برای رفع اختلافات اقدام نمایم.

آقایان [عبدالواحد]موسوی لاری، مجید انصاری و [اسحاق]جهانگیری آمدند. از حذف رادیکال‌ها از مجلس خبرگان اظهار نگرانی نمودند و از رهبری، به خاطر عدم حمایت از آنها گله کردند؛ توضیحاتی برایشان دادم و گفتم لازم است اعتماد رهبری را جلب کنند. قرار شد جلسه دیگری داشته باشیم.

دکتر عادلی[رییس بانک مرکزی]آمد. درباره ارز گزارش داد که وضع بهتری پیداکرده است. سیاست ارزی را مورد مشورت قرار دادیم. فرستاده مخصوص آقای [خلیل]تورگوت اوزال، [رییس‌جمهور ترکیه]آمد[2]. گزارش سفر به پنج کشور عربی را داد و از من دربارهٔ مسایل جاری منطقه نظرخواهی کرد. گفتم محاصره اقتصادی می‌تواند عراق را وادار به تسلیم کند. در مورد شتاب سه کشور عربستان‌سعودی، قطر و امارات درخصوص شروع عملیات نظامی علیه عراق پرسیدم. گفت آنها نگرانند که کم‌کم، تصرف کویت به صورت یک واقعیت پذیرفته شود. خواست که آقای اوزال، نهم آبان، بر سر راه سفر به ژاپن، در ایران توقف نماید؛ قبول کردم. سلمانی برای اصلاح آمد.

عصر در جلسه هیأت دولت شرکت کردم. آیین‌نامه نشان‌های دولتی تصویب شد. شب

---

۱ - مراسم ۱۳ آبان، به طور سنتی توسط دفتر تحکیم وحدت در مقابل سفارت آمریکا در تهران (لانه جاسوسی) واقع در خیابان آیت الله طالقانی برگزار می‌شد. از زمانی که این مراسم به شکل رسمی، توسط شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی برگزار گردید، مسئولین دفتر تحکیم وحدت، مراسم خود را یک روز جلوتر ترتیب می‌دادند.

۲ - در این دیدار «آقای چیچک» با تقدیم سلام‌های گرم و صمیمانه آقای تورگوت اوزال، رییس‌جمهور ترکیه، با اشاره با اجلاس کمیسیون مشترک اقتصادی دو کشور گزارشی از مذاکرات انجام شده با مقامات ایرانی را اعلام کرد. سپس آقای هاشمی اظهار داشت: «ظرفیت همکاری دو کشور ایران و ترکیه در همه زمینه‌های انرژی، نفت، صنعت و بازرگانی، بیشتر از آن مقداری است که فعلاً وجود دارد و به لحاظ سیاسی نیز هم اکنون شرایط به گونه‌ای است که هر دو کشور، باید هر چه بیشتر و به طور جدی در پیشرفت روابط تلاش کنند. من از شخص آقای تورگوت اوزال، انتظار دارم که مسایل را زیر نظر داشته باشند، تا بتوانیم دو کشور را به سوی روابط عمیق‌تری هدایت کنیم.»

با رهبری جلسه داشتیم. دربارهٔ رادیکال‌ها مذاکره کردیم. قرار شد دلجویی شود. در مورد مرجعیت آینده و همچنین درباره ارزاق عمومی و نیازهای مردم مذاکره شد. دیروقت به خانه آمدم.

دوشنبه ۳۰ مهر ۱۳٦۹ | ۲ ربیع‌الثانی ۱٤۱۱ ۲۲ اکتبر ۱۹۹۰

آقایان [غلامعلی]شهرکی و [امیر] میر، نمایندگان زابل و زاهدان آمدند. از وضع مجلس انتقاد کردند که بی محتوا و همراه با دعوا و نزاع و مشاجره و باندبازی شده است. برای عمران زابل و تقویت شیعه در استان سیستان و بلوچستان استمداد نمودند. آقای [مرتضی]الویری، [رییس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس]آمد. راجع به متمم بودجه و سیاست ارزی صحبت شد. از موفقیت سیاست ارزی دولت قدردانی کرد و از اختلافات جاری اظهار نگرانی نمود و گفت که در جهت تضعیف نیروهای رادیکال است و استمداد نمود.

[آقای غلامرضا معتمدی نیا]، نماینده کهنوج، همراه آقای [محمد] شهسواری، اسیر آزاد شده آمدند. او هنگام اسارت، در مقابل دوربین تلویزیون‌های غربی، علیه صدام شعار داد و فیلم آن در آن موقع پخش شد و تأثیر زیادی داشت. جریان اقدام خودش را تعریف کرد. گفت او را بین اجساد شهدا خوابانده بودند و خارجی‌ها فیلمبرداری می‌کردند و او در یک لحظه تصمیم گرفت که شعارهای انقلاب را بدهد و اطمینان به شهادت داشت و نمی‌دانست که دوربین ها مربوط به تلویزیون‌های خارجی است؛ خیال می‌کرد تلویزیون عراق است. وقتی شعار داده، او را خاموش کرده‌اند. تحسینش کردم و هدیه به او دادم[1].

آقای احمد جلالی آمد. از اقدامات خودش در مراکز علمی غرب گفت و برای ادامهٔ کار مشورت کرد. آقای [محمد]غرضی آمد. تذکراتی دربارهٔ وزارت کشور و خط اصفهان

---

۱ - آزاده سرافراز، شهید محمد شهسواری، در سال ۱۳۶۹ به همراه سایر اسرا به کشور بازگشت و از دست آقای‌هاشمی، مدال شجاعت دریافت کرد. او باقی سال های عمر خود را به سرایداری یک مدرسه گذراند و سرانجام در ۲۰ مرداد ۱۳۷۵، در حالی که عازم ماموریت محوله از سوی لشکر ۴۱ ثارالله بود، در مسیر زاهدان، به فیض شهادت نایل آمد؛ روحش شاد.

و مسایل سیاسی داشت. عصر آقای محلوجی، [وزیر معادن و فلزات] آمد. از احتمال استیضاح خود در مجلس، به خاطر مسایل خطی و همچنین ماجرای درگیری با معاون خود در مجلس، اظهار نگرانی کرد.

شورای اقتصاد جلسه داشت. تا ساعت هشت شب در دفترم کار کردم و به خانه آمدم. بعد از شام، فیلم تماشا کردم و پس از نوشتن خاطرات، خوابیدم.

جمهوری اسلامی ایران
ریاست جمهوری

تاریخ ۱۳۶۸/۱۲/۱
شماره ۸۱۸۲۴

بسمه تعالی

بخشنامه به وزارتخانه‌هاوسازمانهای دولتی

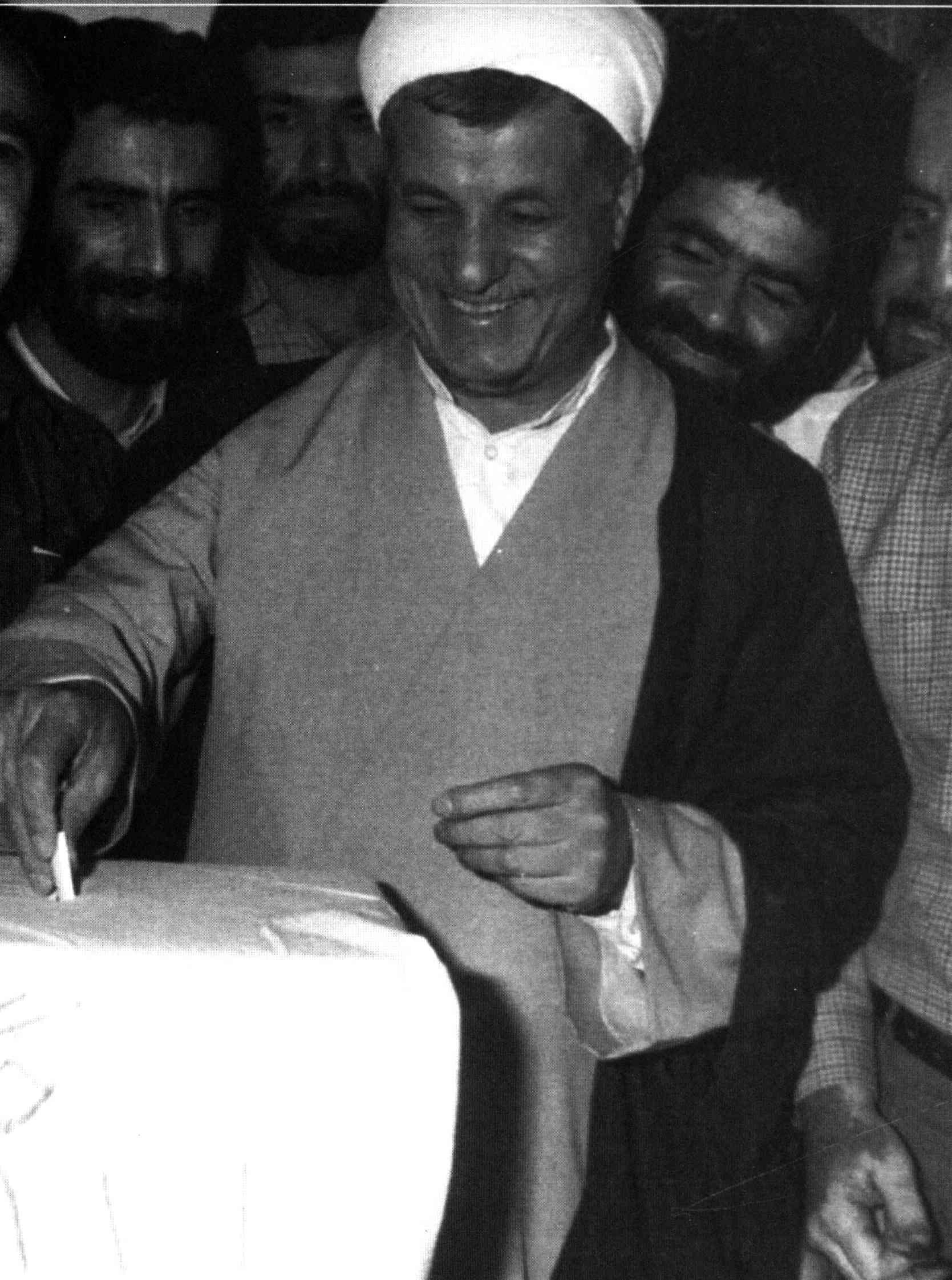
دراجرای سفارشات ووصیت اکید حضرت‌امام‌امت‌وبنیانگذار جمهوری‌اسلامی‌حضرت‌آیت‌ا... العظمی امام خمینی رضوانا... تعالی علیه درخصوص مساعدت‌وکمک ورسیدگی به اموررزمندگان ،جانبازان آزادگان ،خانواده محترم شهدا، ،مفقودین وباتوجه بند "ک" تبصره ۱۳ قانون بودجه سال ۱۳۶۸ کل کشورمصوب مجلس شورای اسلامی وماده ۲ آئین‌نامه اجرائی بند "ک" تبصره مذکور مصوب مورخ ۶۸/۴/۱۰ هیات وزیران لازمست‌لیست مشخصات کامل کلیه‌موارد مذکوردربند "ک" تبصره فوق‌الذکر، مرتبط به آن وزارت باواحدهای تابعه ،ازقبیل اراضی ،کشت‌وصنعتهاوواحدهای تولیدی و طرحهای عمرانی وتاسیسات ، مستحدثات ، عرصه واعیان ،ماشین‌آلات ،مستغلات و سایر دارائیهای مشمول بند مذکور راجهت‌واگذاری به تعاونیهائی که حداقل ۸۰٪ اعضاء آنرا رزمندگان ،جانبازان ،اسرای آزادشده وخانواده محترم شهداومفقودین تشکیل میدهند ، به دبیرخانه کمیته اجرائی بند "ک" تبصره فوق‌الاشاره مستقردرنهادریاست‌جمهوری منعکس‌نمایند ./

اکبرهاشمی
رئیس‌جمهور

۶۸/۷/۱

بخشنامه رییس جمهور به وزارتخانه ها و سازمان ها در مورد مساعدت و رسیدگی به امور ایثار گران

آبان ۱۳۶۹



سه‌شنبه ۱ آبان ۱۳٦۹ | ۳ ربیع‌الثانی ۱٤۱۱ — ۲۳ اکتبر ۱۹۹۰

آقای [رضا]امراللهی، [رییس سازمان انرژی اتمی]آمد. نمونه یک لیزر ساخت سازمان را آورد و توضیح داد. [آقای عیسی کلانتری]، وزیرکشاورزی آمد و گزارش وضع کشاورزی را داد؛ گفتم که در مورد ایجاد تأسیسات آبیاری قطره‌ای و بارانی در زابل اقدام کند؛ این کار برای صرفه‌جویی در مصرف آب است که احتمالاً در آینده محدودیت خواهیم داشت.

با مدیران وزارت نفت و وزیران اقتصاد و نفت و آقایان زنجانی و عادلی، [رؤسای سازمان برنامه و بانک مرکزی]، جلسه داشتیم. برنامه جدید اکتشاف و تولید نفت و گاز بررسی شد؛ برای بالاتر بردن از سطح برنامه[پنجساله اول]، تأمین بودجه کردیم. عصر اعضای کمیسیون امور [اداری و]استخدامی مجلس آمدند[1]. دربارۀ لایحه افزایش دستمزد کارمندان دولت که در مجلس است، مذاکره شد. کمیسیون اصرار دارد، خیلی بیشتر از پیشنهاد دولت تصویب کند؛ توصیه به اعتدال کردم.

مدیران روزنامه‌های یومیه آمدند. سیاست‌های جاری را توضیح دادم و با تاکید بر ضرورت انتقاد، حدود انتقادات مورد مشورت قرار گرفت؛ رهبری جواب این سئوال را به من محول کرده‌اند. شب مجمع تشخیص مصلحت جلسه داشت. بحث در قانون کار ادامه یافت. شب در دفترم ماندم و تا دیروقت کار کردم.

چهارشنبه ۲ آبان ۱۳٦۹ | ٤ ربیع‌الثانی ۱٤۱۱ — ۲٤ اکتبر ۱۹۹۰

[آقای ماتارا معیشا]، وزیر امورخارجه کومور آمد[2]. در مورد نفت و تحصیل جوانان و

---

۱ - اعضای کمیسیون اموراداری و استخدامی مجلس، عبارت بودند از: آقایان سیدعلی عوض زاده(رییس)، احمد بلوکیان و غلامرضا فدایی(نواب رییس)، سید خلیل موشح، صمد رییسی، رحمت‌الله رحمتی، علی‌محمد غریبانی، اصغر نوروزی، سید عبدالله هجرتی، اسماعیل سهمی حصاری، محمدکریم مروجی و جعفری‌اصفهانی.

۲ - وزیر امورخارجه کومور در این دیدار، خواستار خرید نفت و کمک‌های کارشناسی جمهوری اسلامی ایران در زمینه‌های مختلف شد. آقای معیشا ضمن بیان مشترکات اسلامی و تاریخی دو کشور، تمایل رییس‌جمهور کشورش را برای دیدار از ایران ابراز داشت و اظهار امیدواری کرد که در آینده نزدیک این سفر انجام شود. سپس آقای هاشمی، با تشکر از پیام رییس‌جمهور کومور، علاقه جمهوری اسلامی ایران را برای کمک به آن کشور در زمینه‌های

حمایت‌های عمرانی و فرهنگی استمداد کرد ؛ قول مساعدت دادم. آقای [حمید]میرزاده، برای امور ارزی و بازسازی و کارهای جاری آمد. آقای [عباسعلی]وکیلی، [رییس ستاد رسیدگی به امور آزادگان]آمد. گزارشی دربارهٔ اقدامات انجام شده برای آزادگان را داد[1]. جمعی از سران اصناف آمدند. از وزارت بازرگانی و همچنین [آقای کرباسچی]، شهردار تهران گله داشتند.

عصر هیأت دولت جلسه داشت. لایحه اصلاح قانون مالیات مستقیم، در جهت حمایت از صنایع، در دستور بود. رهبری، امروز در صحبت‌هایشان به افرادی که در مشاجرات اخیر، در مجلس تند حرف زده‌اند، به شدت حمله کرده‌اند[2]. شب به خانه آمدم. با عفت، مهدی، یاسر و فرشته شام خوردیم.

پنج‌شنبه ۳ آبان ۱۳۶۹ | ۵ ربیع‌الثانی ۱۴۱۱ — ۲۵ اکتبر ۱۹۹۰

آقای [احمد]آذری قمی آمد. چندین کسالت دارد. به دکتر [ایرج]فاضل، [وزیر بهداشت] سفارش کردم. دربارهٔ مسایل سیاسی، اقتصادی و اداری مذاکره شد. آقای سید محمود

↩مختلف مورد تأکید قرار داد و اظهار امیدواری کرد که با توجه به زمینه‌های مشترک اسلامی و تاریخی دو کشور جمهوری اسلامی در رفع نیازمندی‌های اقتصادی، فرهنگی و فنی، با کشور کومور همکاری گسترده‌تری داشته باشد.

۱ – آقای هاشمی، بخشنامه‌ای به منظور تسهیل در استخدام آزادگان به کلیه وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، مؤسسات دولتی و نهادهای انقلاب اسلامی استانداری‌های سراسر کشور صادر کرد. متن بخشنامه چنین است: «کلیه وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی، نهادهای انقلاب اسلامی، بانک‌ها، شرکت‌های بیمه، مؤسسات و شرکت‌ها و کارخانجات ملی شده و دارای مدیریت دولتی و تحت پوشش مؤسسات دولتی و شهرداری‌ها، مکلفند آزادگانی را که از سوی ستاد رسیدگی به امور آزادگان یا نمایندگی‌های آن در استان‌ها برای اشتغال معرفی می‌شوند، به استخدام درآورده و کلیه اقدامات لازم از قبیل تأمین اعتبار ایجاد پست یا شغل سازمانی و غیره را بعد از به‌کارگیری آزاده انجام دهند. ستاد امور آزادگان، مکلف است تا پایان سال جاری، کلیه آزادگان متقاضی را به دستگاه‌های فوق‌الذکر معرفی و با پیگیری، پیشرفت کار را ماهانه به اینجانب گزارش نمایند. اکبر هاشمی رفسنجانی. رییس جمهور»

۲ – آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب، در بخشی از سخنان خود گفتند: «بعضی از حرف هایی که در این چند روز گذشته از بعضی نمایندگان مجلس شنیده شد، حرف خودی‌ها نبود، حرف غریبه ها بود... نروند بگویند ما در مجلس آزاد نیستیم. چرا؛ نماینده در مجلس آزاد است. کسی نباید آزادی را به ما و مسئولین امروز کشور که عمرشان را به مجاهدت برای آزادی گذرانده اند، یاد بدهد. آزادی حق نماینده است، حق ملت است...» منبع: پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله خامنه ای، آرشیو بیانات.

هاشمی[شاهرودی]، رییس مجلس اعلای [انقلاب اسلامی]عراق آمد. پیشنهادی مطرح کرد که مبارزان مسلمان عراقی با صدام، برای مبارزه با آمریکا همکاری کنند، تا از این راه برای آینده عراق، در صورت سقوط صدام، در کشور حضور داشته باشند؛ با توجه به عدم صداقت صدام، این راه خطرناک به نظر می‌رسد. قرار شد بررسی شود. تذکراتی درباره توجه بیشتر به عراقی‌ها داشت.

آقای [محسن]دعاگو آمد. ضمن اظهار ناراحتی از اختلافات اخیر داخلی، دربارهٔ تشکیل گروه مستقل روحانی در مقابل دو خط تند و محافظه‌کار استفسار کرد؛ گفت با رهبری هم مطرح کرده اما به نتیجه نرسیده است. قرار شد بیشتر بررسی کنیم.

اعضای هیأت رییسه مجلس خبرگان آمدند. درباره هیأت رییسه خبرگان آینده، ساختمان مرکز خبرگان در قم و مسایل جاری و به خصوص اختلافات اخیر و شروع بعضی از نمایندگان در انتقاد از رهبری و اظهارات رهبری مذاکره شد. ناهار مهمان من بودند.

عصر تا ساعت هفت، کارهای دفتر را انجام دادم و به مصاحبه بعضی از زندانیان گوش دادم. برای اصلاح دندان به مرکز دندانپزشکی بنیاد شهید رفتم؛ سه ساعت ونیم طول کشید. به خانه آمدم. شام خوردم و خوابیدم.

جمعه ٤ آبان ١٣٦٩ | ٦ ربيع‌الثانی ١٤١١ — ٢٦ اکتبر ١٩٩٠

دیشب باران باریده بود. در خانه بودم. وقت به استراحت و به مطالعهٔ مسایل فقهی و تفسیری گذشت. امروز در قم، طلاب و مردم، علیه بعضی از نمایندگان رادیکال مجلس راهپیمایی کردند. آقای [محمد]یزدی هم در نماز جمعه، به تلخی نمایندگانی را که حرف ولایت فقیه را در مجلس مراعات نکرده‌اند، مورد حمله قرار داد.

عصر احمد آقا آمد. از موج جدید حمله اظهار نگرانی کرد و گفت [مجمع]روحانیون خود را برای ختم درگیری ها آماده کرده بودند. گفتم آنها حساب خودشان را از افراد تند جدا کنند؛ از من خواست که برای آرام کردن جریان و جلب اعتماد آنها کمک کنم.

شنبه ۵ آبان ۱۳۶۹ | ۷ ربیع‌الثانی ۱۴۱۱ ۲۷ اکتبر ۱۹۹۰

تا ساعت نُه صبح، کارها را انجام دادم. آقای [محمدرضا]یزدان پناه، مدیرعامل سابق[سازمان عمران]کیش آمد. از برخورد آقای [حمید]میرزاده، [معاون اجرایی رییس‌جمهور] با خودش ناراحت است. گفتم دربارهٔ بندرآزاد چابهار بررسی کند و پیشنهاد بیاورد.

[آقای غلامحسین کرباسچی]، شهردار تهران آمد و دربارهٔ طرح‌های اصلاح ساختار تهران و تقویت شرکت مترو مطالبی گفت. دکتر حبیبی آمد. در خصوص هماهنگ کردن شرکت مخابرات و سازمان صداوسیما و کمک به رفع اختلافات آنها دربارهٔ بدهی‌ها و نرخ خدمات و همچنین در مورد مسایل جاری، گزارش داد.

آقای [عبدالله] نوری، [وزیر کشور] تلفن کرد و از اعلان راهپیمایی فردا در مقابل مجلس اظهار نگرانی نمود و خواستار اعمال نفوذ برای لغو آن شد. گفتم به دفتر رهبری پیشنهاد بدهد. سپس از دفتر رهبری، در این خصوص تلفنی از من نظر خواستند؛ نظر دادم که دفتر رهبری اعلام کنند که با تشکر از مردم، مراسم لغو شود. با آیت‌الله خامنه‌ای در این خصوص تلفنی مذاکره شد؛ با لغو [برنامه راهپیمایی در مقابل مجلس] موافقت کردند.

عصر شورای‌عالی امنیت ملی جلسه داشت. بحث در امنیت شرق کشور بود که ناتمام ماند. شب حدود دویست نفر از روحانیون آزاده آمدند. نماز جماعت خواندیم و آقایان [سیدعلی‌اکبر]ابوترابی و جمشیدی صحبت کردند. سپس صحبت مفصلی برایشان نمودم[1] و

---

۱ - آقای هاشمی با اظهار خرسندی از ملاقات آزادگان روحانی گفت : «ما نمی‌دانستیم، به این زودی لطف خداوند شامل حال‌مان شود و به بخشی از آرزوهای‌مان که دیدار با شما عزیزان است، برسیم. حضور آقایان اهل علم در جریان جنگ تحمیلی، تأثیر زیادی در سرنوشت جامعه داشته است. حضور جمع بزرگوار روحانیون آزاده در دوران اسارت، مایهٔ نشاط روحیه و رشد تعلیم و تربیت دیگر آزادگان بوده و این موجب افتخار ماست که درصد آمار شهدای روحانیت، نسبت به اقشار دیگر بالاتر است، البته این یک امر طبیعی است، زیرا روحانیت مردم را به‌انقلاب و جهاد در راه خدا دعوت کرد و باید خود در صف مقدم این جهاد حرکت کند. این افتخار بزرگی برای روحانیت، انقلاب و شیعه است که ما توانستیم در مراحل سخت انقلاب پا به‌پای مردم عزیز کشورمان و بلکه جلوتر از آنها در میدان‌ها حضور داشته باشیم. هماهنگی مردم و روحانیت همواره از عوامل اصلی مقاومت‌ها و رسیدن به پیروزی‌ها بوده است. شما که سال‌های طولانی و رنج‌های فراوان را تحمل کرده‌اید، بدانید که در محاسبه نهایی پیروز هستید. شهدا فاتحان بزرگ این انقلاب هستند و در جوار رحمت خدا و در کنار انبیاء حضور دارند و نیروهایی که تا آخر در

شام خوردیم؛ روحیهٔ خوبی دارند.

دکتـر ولایتـی، [وزیـر امورخارجـه]، خبـر ورود معـاون وزارت امورخارجـه عربـستان سعودی و توافق بر سر حج را داد؛ هنوز در عدد به توافق نرسیده‌اند. باران خـوبی باریـد. در دفتر ماندم و به خانه نرفتم.

یکشنبه ٦ آبان ۱۳٦۹ | ۸ ربیع‌الثانی ۱٤۱۱ ۲۸ اکتبر ۱۹۹۰

[آقای محمد سعیدی کیا]، وزیر راه و ترابری آمد. گزارش سـفر بـه شـوروی و بازدیـدها و توافق‌ها را داد و اهمیت راه‌آهـن بـافق- بنـدرعباس را و لـزوم توجـه بیـشتر بـه آن طـرح را گفت. آقای[مرتضی] محمدخان، رییس کل گمرک آمـد. گـزارش موفقیـت‌هـا و اقـدامات اصلاحی را داد و برای تأسیسات جدید کمک مالی خواست.

از وزارت اطلاعات آمدند و گـزارش مـسایل امنیتـی را دادنـد. آقـای[حسین]نـصیری، مدیرعامل خبرگزاری جمهوری اسلامی،[ایرنا]آمد. گزارش کار و راه‌های توسـعه و تکامـل را داد. تأکید کردم که استقلال سازمان را حفظ کنند و خبرهـا را بـدون توجـه بـه خطـوط موجود تهیه نمایند و جهت‌گیری شان، در چارچوب سیاست‌های نظام باشـد؛ قـول کمـک دادم.

اعضای هیـأت رییـسهٔ[فراکسیون]نماینـدگان منـاطق محـروم مجلـس آمدنـد. گـزارش درگیری‌های امروز مجلس را دادند و از رادیکال‌ها انتقاد داشتند. از توجه دولت بـه منـاطق محروم تشکر کردند و اعتبارات زیاد ریالی و ارزی برای سال آینده پیشنهاد دادند؛ گفتم بـا سازمان برنامه و بودجه هماهنگ کنند.

عصر هیأت دولت جلسه داشت . در مورد سرعت بیشتر در بازسازی مناطق جنگی

میدان بودند و یا جانباز شدند و مردمی که به صورت‌های دیگر کمک کردند، به‌اندازه سرمایه‌گذاری‌شان سود خواهند برد. این بهترین نوع برنده شدن در جنگ بود و ما به قسمت عمده‌ای از خواسته‌هایمان رسیده‌ایم، اکنون هم باید با ادامه عمل شایسته، رحمت الهی را برای خود حفظ کنیم، در این صورت این ملت می‌تواند تاریخ‌ساز و منشاء اثر در جهان باشد.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های ۱۳٦۹» ، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲.



ملاقات با روحانیون آزاده



تصمیم‌گیری شد. اصلاح قانون مالیات‌ها در دستور بود. شب مهمان آقای خامنه‌ای بودم. دربارهٔ نهضت آزادی، حج، اضافه حقوق نظامیان، درگیری‌های جاری [انتخابات مجلس]خبرگان، معارضان عراقی، پیشنهادهای آقای[محسن]دعاگو، [در خصوص ایجاد خط روحانیون مستقل از جناح های چپ و راست] و آقای سید محمود هاشمی[شاهرودی در خصوص همکاری نیروهای انقلابی عراق با صدام در مبارزه با آمریکا]، مذاکره و تصمیم‌گیری شد. به خانه آمدم؛ باران می‌بارید.

دوشنبه ۷ آبان ۱۳۶۹ | ۹ ربیع‌الثانی ۱۴۱۱ ۲۹ اکتبر ۱۹۹۰

[آقای سید حمید طهایی]، استاندار[سمنان]، نماینده، امام جمعه و شخصیت‌های دامغان آمدند و برای ساخت دانشگاه دامغان و همچنین انتقال آب به سمنان و دامغان استمداد کردند. آقای[هاشم هاشم‌زاده]هریسی، نماینده تبریز، همراه فرزندش که پس از ده‌سال از اسارت برگشته‌است، آمدند. هدیه‌ای دادم و تشویقش کردم. او در اسارت، مثل بسیاری دیگر از اسرا، در اثر سوء تغذیه و سختی معیشت، مریض شده است.

جمعی از نمایندگان استان گیلان آمدند. برای کمک بیشتر به زلزله‌زدگان و سیل‌زدگان استان استمداد کردند. از درگیری‌های مجلس ناراحت بودند و از من خواستند که برای رفع تشنج اقدامی بکنم. نمایندگان بجنورد، به همراه امام جمعه و فرماندار آمدند. آنها خواستار اجرای طرح پتروشیمی خراسان در بجنورد بودند.

ظهر، محسن، [رییس دفتر بازرسی رییس‌جمهور]، برای گزارش وضع نیروگاه شهیدرجایی و سد پیشین و فرودگاه هفتم تیر[= فرودگاه امام خمینی فعلی] آمد. عصر شورای اقتصاد جلسه داشت. دربارهٔ قیمت کامیون، موتور سیکلت و دوچرخه تصمیم‌گیری شد. همچنین گزارش پیشرفت طرح [تکمیل زنجیره تولید الیاف مصنوعی پلی‌استر در کشور،]D.M.T (دی متیل ترفتالات) را شنیدیم. دیروقت به خانه آمدم.

سه‌شنبه ۸ آبان ۱۳۶۹ | ۱۰ ربیع‌الثانی ۱۴۱۱ ۳۰اکتبر ۱۹۹۰

آقای مقدم، مسئول طرح بهداری تهران آمد. توضیحاتی دربارهٔ طرح داد و برای شروع کار استمداد نمود. برنامه سفر به مناطق زلزله زده را تنظیم کردیم. [آقای منصور غروی]، سفیر جدید ایران در دانمارک، برای خداحافظی و نظرخواهی آمد. [آقای سیدشمس‌الدین خارقانی]کاردار جدیدمان در انگلستان[1] هم برای خداحافظی و نظرخواهی آمد.

کمیته توسعه صادرات جلسه داشت. درباره سیاست‌های صادراتی، در جهت تسهیل صادرات و نیز درباره تأسیس مرکز تجارت بین‌المللی یا نمایشگاه دایم تصمیم‌گیری شد.

عصر شورای‌عالی انقلاب فرهنگی جلسه داشت. دربارهٔ انتقال رشته تحصیلی دامپزشکی به وزارت بهداشت و درمان و همچنین درخصوص طرح تغییر نظام آموزشی متوسطه، بحث شد. تا ساعت هشت شب در دفترم کار کردم و به خانه آمدم.

چهارشنبه ۹ آبان ۱۳۶۹ | ۱۱ ربیع‌الثانی ۱۴۱۱ ۳۱اکتبر ۱۹۹۰

ساعت هفت صبح به مهمانسرای دولت در [کاخ]سعدآباد رفتیم. وزارت بهداشت برنامه‌ای برای چکاپ‌پزشکی اعضای هیأت دولت تنظیم کرده بود؛ ضمن اینکه همه را چکاپ کردند، هیأت دولت هم جلسه داشت که تا ساعت یازده و نیم طول کشید. ظهر در دفترم، عقد ازدواج یکی از محافظانم و همچنین یک جانباز را بستم و به آنها هدیه دادم.

عصر چند ملاقات خارجی داشتم. [آقای ماتسو ناگا]، مشاور ویژه نخست وزیر ژاپن آمد؛ حامل پیام بود[2]. در مورد روابط ایران و ژاپن، بحران خلیج فارس و نیز موضوع روابط

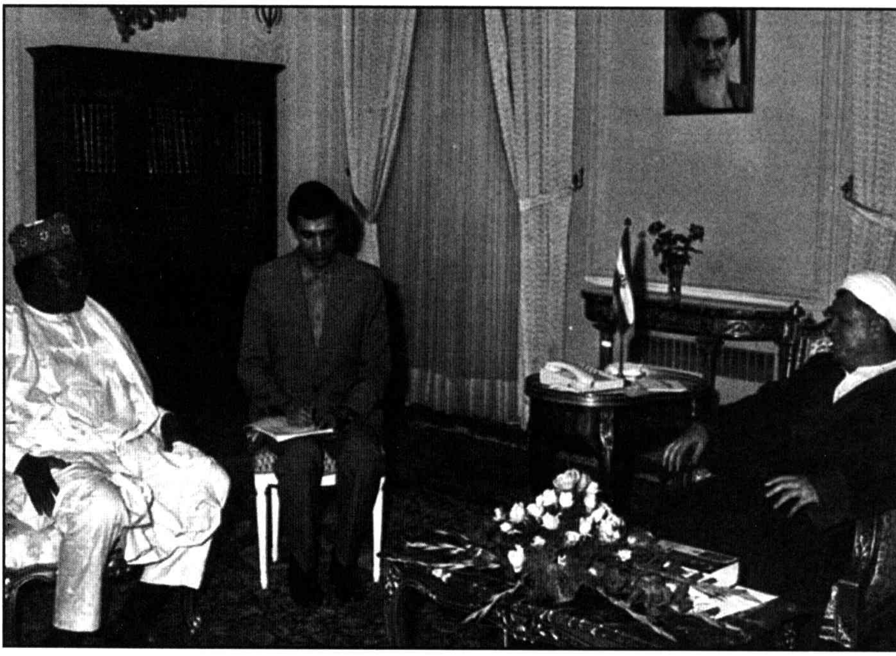
---

۱ - در این روز، آقای جان مِیجر ۴۷ ساله به عنوان نخست وزیر دولت انگلیس، به جای خانم مارگارت تاچر، انتخاب شد. وی در دولت تاچر، پست وزارت امور اقتصادی و دارایی را عهده‌داربود.

۲ - در این ملاقات، آقای ماتسو ناگا، مشاور ویژه نخست وزیر و سفیر سابق ژاپن در آمریکا، با ارائه گزارشی از مذاکرات خود با مقامات ایرانی گفت: «ما جمهوری اسلامی ایران را دارای قدرت و نفوذ سیاسی در منطقه می‌دانیم و از اینکه ایران تجاوز عراق به کویت را محکوم نموده است، مطلعیم و برای این اقدام، ارج شایسته‌ای قائل هستیم.» سپس آقای هاشمی، با تشکر از پیام محبت‌آمیز نخست‌وزیر ژاپن اظهار داشت: «جمهوری اسلامی ایران معتقد است، تحریم‌های بین‌المللی علیه عراق، چنانچه به طور جدی اجرا شود، مؤثر خواهد بود و جمهوری اسلامی ایران نیز از

ایران و آمریکا صحبت شد؛ گفتم تا آمریکا اموال ما را آزاد نکند، صحبت از هر اقدام دیگری بی‌ثمر است.

[آقای ابراهیم زکریا]، وزیر امورخارجه نیجریه آمد و نامهٔ رییس‌جمهورشان را آورد. درخصوص توسعه روابط و تلاش برای حل بحران خلیج فارس صحبت شد.



ملاقات با وزیر امور خارجه نیجریه

وزیرامورخارجه بحرین با نامه امیر بحرین آمد. از موضع پایین، خواستار توسعه روابط و همکاری ایران با شورای همکاری خلیج فارس بود. ضمن تشکر از مواضع ایران، نظرات ما را استفسار کرد.

[آقای بماناجا راجین]، وزیر امورخارجه ماداگاسکار آمد. خواهان کمک بیشتر و توسعه

اقدامات بین‌المللی در بحران جاری در منطقه حمایت می‌کند. آقای هاشمی در پایان این دیدار، ضمن استقبال از اظهار تمایل آقای کایفو، نخست وزیر ژاپن برای سفر به ایران، گسترش همکاری‌ها و روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بین دو کشور ایران و ژاپن را مورد تأکید قرار داد.



ملاقات با وزیر امور خارجه بحرین



ملاقات با وزیر امور خارجه ماداگاسکار

روابط و نیز تلاش برای حل معضل خلیج فارس بود[۱]. تا ساعت هشت شب در دفترم کار کردم و به خانه آمدم.

پنج‌شنبه ۱۰ آبان ۱۳٦۹ | ۱۲ ربیع‌الثانی ۱٤۱۱ — ۱ نوامبر ۱۹۹۰

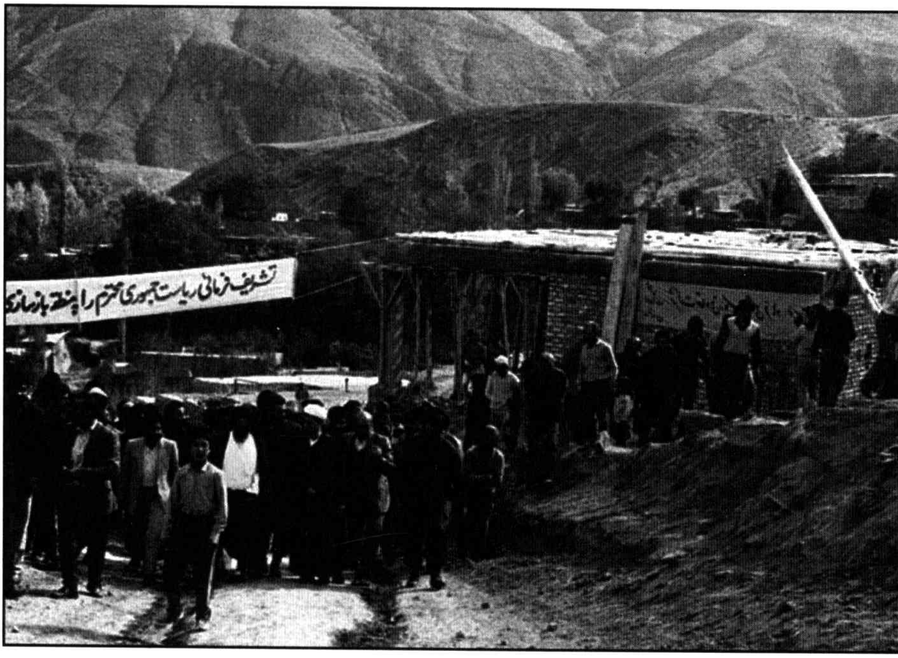
ساعت هفت صبح از [اردوگاه] منظریه [واقع در شمال تهران]، با هلی‌کوپتر به سوی مناطق زلزله‌زده پرواز کردیم. در روستایی در شمال قزوین، در بخش رودبار شهرستان فرود آمدیم مسئولان استان[گیلان] هم بودند.آن روستا ویران شده بود ودر نزدیکی آن، حدود ۸۰ خانه کوچک برای اسکان موقت مردم، توسط استان یزد و کمک دولت و مردم، ساخته بودند.

از آنجا به روستای میرخوند سُفلی رفتیم. مُعین شهرستان طارم سفلی، استان اصفهان است و خانه‌ها را خیلی خوب ساخته بودند. برای هر خانه با مصالح، حدود ۱۴۰ هزار تومان، به قیمت دولتی، خرج کرده‌اند؛ مردم راضی‌اند. در هر دو روستا از کلاس های دبستان هم بازدید شد، محقر است.

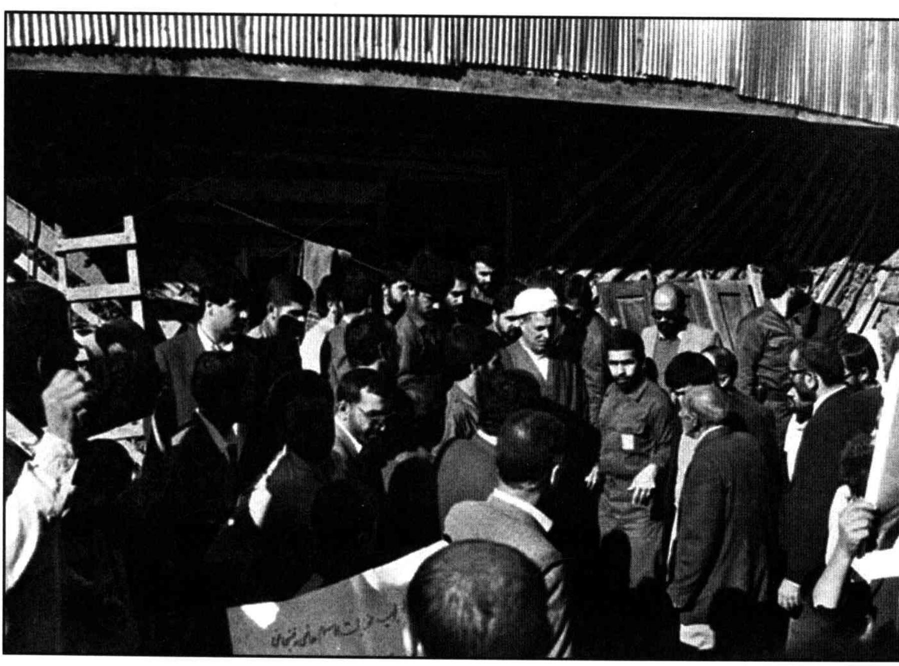
به روستای طونیان رفتیم؛ به کمک شهرستان کاشان، شبیه میرخواند ساخته شده و مردم راضی‌اند. خانه‌ها نزدیک تحویل است. به روستای ساروانک رفتیم که به کمک استان لرستان ساخته شده و از لحاظ کیفیت متوسط است. مراسم رسمی داشتند ؛ برای مردم

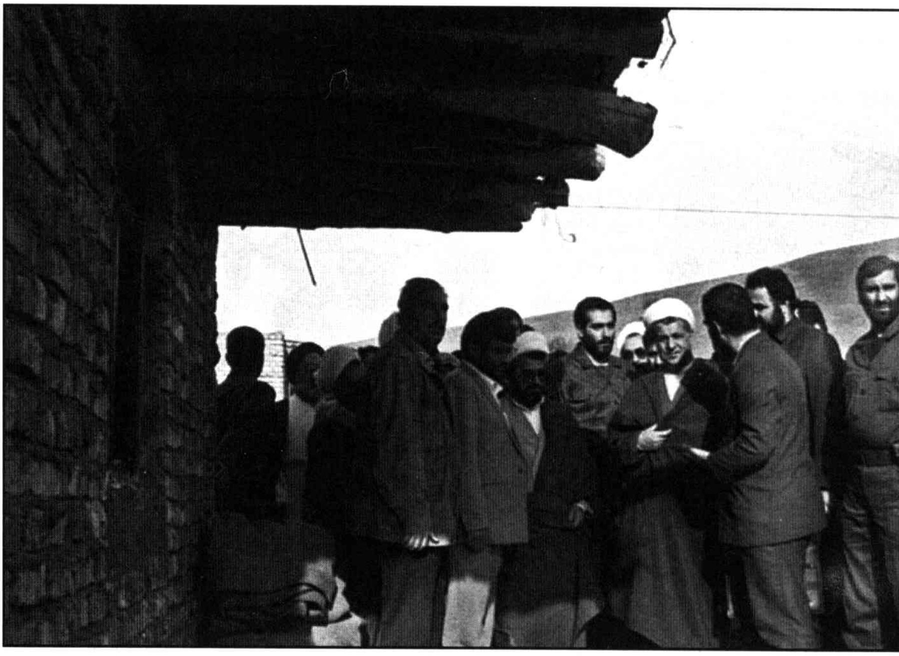
---

۱ - آقای هاشمی‌در این دیدار، ضمن دریافت پیام کتبی رییس‌جمهور ماداگاسگار، از توجه وی نسبت به مسایل منطقه خلیج فارس تشکر کرد و ابراز نگرانی از برخوردهای خشن و بروز جنگ در این منطقه را مورد تأیید قرار داد و تصریح کرد: «ما همچنان به تلاش خود برای حل مسالمت‌آمیز بحران و عدم بروز جنگ در خلیج فارس ادامه خواهیم داد. ما کشور ماداگاسکار را یکی از دوستان و همراهان خود می‌دانیم و مایلیم هر چه بیشتر روابط دو جانبه در همه زمینه‌های مورد علاقه گسترش یابد.» در این دیدار وزیر امورخارجه ماداگاسکار نیز ضمن تبریک پیروزی‌های اخیر جمهوری اسلامی ایران، ملت ایران را ملتی با شجاعت تمام و مقاوم و پایدار و پیروزی‌آفرین توصیف کرد و گفت: «ایران و ماداگاسکار در اکثر موارد به خصوص در مورد بحران خلیج فارس، دارای مواضع مشترک هستند. ما نیز ضمن محکومیت توسعه‌طلبی، خواستار خروج عراق از کویت هستیم. ماداگاسکار، خواهان خروج نیروها و ناوگان‌های خارجی از منطقه خلیج فارس است و نقش جمهوری اسلامی ایران را در حل این بحران، تعیین کننده می‌داند و آن را تحسین می‌کند.»

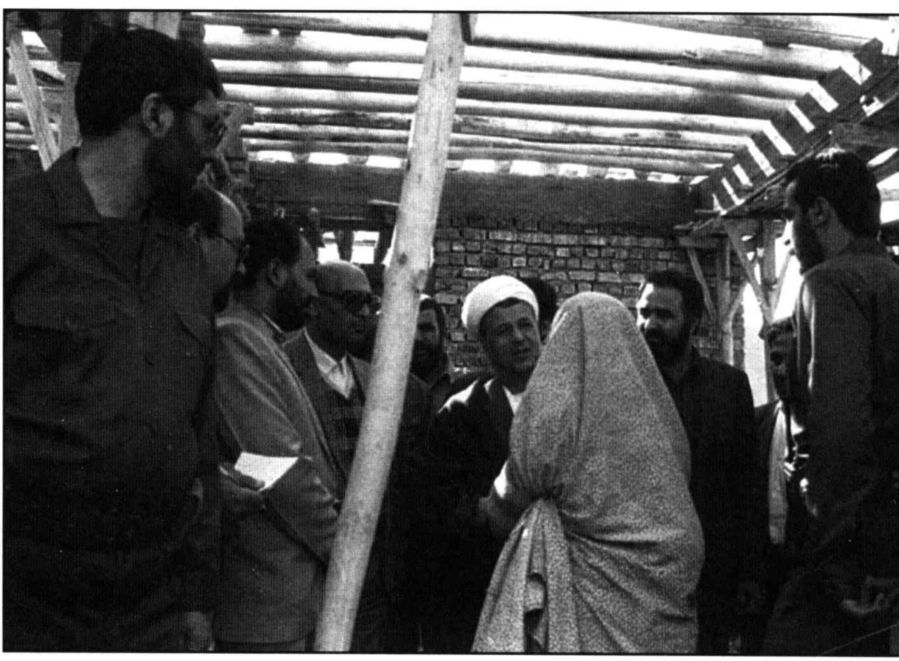


بازدید از بازسازی مناطق زلزله زده شمال کشور





رسیدگی به مشکلات زلزله زدگان رودبار و منجیل





بازدید از پیشرفت های بازسازی مناطق زلزله زده



صحبت کردم[1] و به احساسات آنها پاسخ دادم و به نمایندگان روستاها قرآن هدیه کردم. در همه روستاها، با چند خانواده در محل خانه آنها صحبت کردم.

به سوی رازمیان، مرکز بخش رودبار پرواز کردیم. در روستایی توقف کردیم و چند خانه اسکان موقت را دیدیم. با چوب و رو کار آجری ساخته شده بود؛ بعضی‌ها راضی و بعضی ناراضی بودند. هزینه ساخت هر خانه، حدود پنجاه هزار تومان تمام شده است. دولت برای هر واحد، بیست و پنج هزار تومان داده و بقیه از محل کمک‌های مردمی و یا خود صاحبخانه تأمین شده است.

به شهر لوشان رفتیم. از خیابان‌ها عبور کردیم. این شهر خرابی زیادی ندارد. به سوی معدن سنگرود حرکت کردیم. در بین راه، در چند روستا مثل روستاهای لوشان ترک توقف کردیم. مردم از کمبودها و بعضی از ناتمام ماندن خانه‌شان شکایت داشتند.

غروب، ساعت هفت و نیم به محل معدن رسیدیم. پس از نماز مغرب و عشاء و مذاکره خصوصی با[آقای صادق احسان‌بخش]، امام جمعه رشت، در جلسه عمومی با حضور مدیران، وزراء، استانداران و ائمه جمعه شرکت کردم. آقای احسان‌بخش خیرمقدم گفت و آقای [علیرضا]تابش، استاندار گیلان، گزارش جامعی از وسعت خرابی‌ها و اقدامات انجام شده و مشکلات و نیازها داد. سپس من صحبت کردم و جمع‌بندی از نتیجه بازدیدها ارائه دادم[2].

---

۱ - در این سخنرانی آمده است: «اینکه خداوند توفیق به من داد که توانستم از نزدیک در محل زندگی شما حاضر شوم و مشکلات شما را، تنگناها را، نیازها را، و مشقاتی که تحمل کرده‌اید و می‌کنید، از نزدیک مشاهده کنم، خدا را سپاسگزارم. البته در همین سفر کوتاه چیزهای زیادی فهمیدم. از گزارش‌ها نمی‌شد، این‌طور که حالا می‌فهمم، بفهمم. امیدوارم که این تماس و این برداشت‌ها، بتواند برای زندگی آینده مردم این منطقه، مؤثر و مفید باشد. ما واقف به‌امور غیبی و تدبیرهای الهی نیستیم و مطلع نیستیم که در غیب عالم چه می‌گذرد و از قلم تدبیر خداوند، در حوادث طبیعی روزگار چه چیزهایی نهفته است. البته با راهنمایی‌هایی که شده و با درس‌هایی که تاریخ به ما می‌دهد، می‌توانیم کم و بیش درک کنیم و تصمیم بگیریم و راه‌مان را انتخاب کنیم. جملاتی در قرآن هست که برای ما خیلی درس و راهنما است. قرآن می‌فرماید، چه بسا شما از یک چیزهایی ناراحت می‌شوید و خوش‌تان نمی‌آید، اما در واقع خیری و برکتی در آنها هست که شما نمی‌دانید. این حادثه زلزله، از حوادث عجیب و غریب روزگار ما است. واقعاً زلزله وسیعی بود، ما نمونه این زلزله را در تاریخ زلزله‌های بزرگ، کمتر مشاهده کردیم.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های ۱۳۶۹»، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۹۲.

۲- در این نشست، ایشان ضمن تأکید بر ارائه گزارش‌های مربوط به خسارات ناشی از زلزله به مردم، اقدامات استان‌های مُعین در بازسازی استان گیلان را رضایت بخش ارزیابی کرد و گفت: «یکی از امور بسیار عمده که باید ←

در راه، از فضا چندین روستای در حال بازسازی را دیدیم؛ کارها وسیع و سریع است. نماز و ناهار و استماع گزارش‌ها، یک ساعت و نیم طول کشید. از آنجا به سوی استان گیلان پرواز کردیم. در رستم‌آباد فرود آمدیم. در اینجا وسعت خرابی زیاد است. به مردم حداقل یک اتاق برای اسکان موقت داده شده است؛ گرچه خود مردم هم در ساخت کمک کرده‌اند، ولی عمده مخارج را دولت و استان‌های معین داده‌اند.

به شهر رودبار رسیدیم. در این شهر به اندازه خانواده‌ها، محل اسکان موقت تهیه نشده بود. خانه‌ها با پیش‌ساخته‌های فابیس[=سقف‌های پیش‌ساخته فایبرگلاس] تهیه شده است و مردم از کمبودها ناراحت و معترض بودند. در چند نقطه توقف کردم و به خواسته‌ها و اعتراضات آنها گوش دادم.

از سد سفیدرود بازدید کردیم؛ سد آسیب دیده و در حال تعمیر است. آب سد خالی شده است. وعده داده‌اند که تا آخر سال، آبگیری مجدد آغاز می‌شود که اگر بشود، به کشاورزی آسیب نمی‌رسد.

به شهر منجیل رفتیم. در خیابان‌ها گشتی زدیم؛ وضع مثل رودبار است. فابیسکم است و مردم معترض‌اند. در چند نقطه با مردم حرف زدیم. آنها از کمبودها شاکی‌اند. در محل اجرای پروژه ساخت وزارت صنایع، از طرح‌شان بازدید کردیم.

سر سفره شام، مدیر عامل معدن توضیحاتی داد. معدن زغال سنگ البرز غربی است. سالانه ۶۰ هزار تن زغال سنگ و ۱۲ هزار تن خاک نسوز تولید می‌کرد، اما به خاطر کارگر زیاد و تکنولوژی عقب مانده، اقتصادی نبوده و خسارات زیادی در زلزله دیده

↩مورد توجه بیشتر قرار گیرد و به مرحله اجرا درآید، اسکان دائم زلزله زدگان است. در این خصوص از نظر تأمین اعتبارهای ریالی مشکلی نیست و می‌توان در این زمینه با سرعت عمل کرد.» آقای هاشمی در ادامه، ضمن تأکید بر لزوم انعکاس عمیق فاجعه زلزله و اقدامات انجام شده از طریق رسانه‌های همگانی افزود: «رسانه‌های گروهی باید اقدامات انجام شده را به اطلاع مردم برسانند، چرا که این اقدامات جزو کارهای درخشان تاریخ انقلاب اسلامی است.» ایشان هدف از سفر خود را گفت‌وگو با مردم آسیب دیده و در جریان مستقیم قرار گرفتن اقدامات انجام شده، جهت رفع مشکلات مردم منطقه، اعلام کرد و ضمن تشکر از کمک‌های مردمی و فعالیت‌های ستادهای بازسازی استان‌های معین در مناطق زلزله زده یادآور شد: «آنچه که تاکنون در این مناطق انجام شد، با آنچه که مردم انتظار داشته‌اند، فاصله زیادی دارد و باید فعالیت‌ها برای اسکان دایم زلزله زدگان تشدید شود و اما امیدواریم مسئولین منطقه به هموطنان زلزله زده، مصالح و هزینه ساختمانی تحویل دهند تا آنان خود هر چه زودتر نسبت به اسکان دایم خویش اقدام کنند.»

است. به همین خاطر معدن را تعطیل کرده‌اند و مشغول بازخرید کارگران هستند. بنا دارند با نصف عدد فعلی، کار را مجدداً شروع کنند. آقای زین‌العابدین قربانی[امام جمعه لاهیجان]، بعد از شام آمد و مبلغ دو میلیون تومان کمک برای زلزله‌زدگان آورد و برای تقویت چای‌کاران استمداد کرد.

جمعه ۱۱ آبان ۱۳۶۹ | ۱۳ ربیع‌الثانی ۱۴۱۱ ۲ نوامبر ۱۹۹۰

ساعت پنج صبح بیدار شدم و دیگر نخوابیدم. بعد از نماز صبح، زلزله نسبتاً شدیدی رخ داد؛ صدای مهیبی داشت و درها لرزید. اخبار بخش فارسی رادیو بی‌بی‌سی و رادیو صدای‌آمریکا را گرفتم؛ مطلب مهمی نداشتند. آقای [علیرضا] تابش، [استاندار گیلان]آمد. گزارشی دربارهٔ روستای ماسوله داد که با تدابیری، جلوی خطر سقوط کوه روی خانه‌ها را می‌گیرند و به همین دلیل، رفته رفته مردم جرات رفتن به خانه‌ها را پیدا کرده اند.

پس از صرف صبحانه، به سوی مرکز بخش عَمارلو حرکت کردیم. بعد از منطقه معدن، وارد جنگل‌ها و مراتع سرسبز با هوای شمالی شدیم. در شیب البرز به سوی خزر، به منطقه وگار رسیدیم؛ بخش وسیعی است. روستاهای بسیار دارد که تقریباً همه در اثر زمین لرزه خراب شده‌اند. اطراف رودخانه سیاهرود است که به سفید رود می‌ریزد. اغلب روستاها را برای بازسازی، تغییر محل داده‌اند و در ارتفاعات می‌سازند.

تا انتهای روستای استلنخ‌کوه رفتیم. در هر روستا [= لیاول، سرمُل، سوسف، هاشمیان، بَره‌سر، پشت‌کلا، نوده، سیبان و ناش]، مقداری توقف می‌کردیم. مردم اجتماع می‌کردند و از برنامه بازسازی تحقیق می‌کردیم و نیازها و کمبودها و توقعات را می‌پرسیدیم. اهالی از ساخته‌ها و هدایا راضی هستند.

در همه جا با استقبال گرم مردم و اظهار تشکر و ذکر کمبودها مواجه می‌شدیم. آنها گل و سیب و قند روی ماشین می‌پاشیدند. تقریباً برای همه خانواده‌ها یک اتاق چوبی با سقف شیروانی فلزی تهیه شده که تهیه کاهگل دیوار برعهده خودشان گذاشته شده است. مصالح و مبلغی پول را دولت داده است.

مازندران استان معین این منطقه بوده و آنها در کار چوبی مهارت داشته‌اند. روستاها

نوعاً فاقد برق، آب لوله کشی، حمام و بهداشت هستند. به جهادسازندگی گفتم برای این امور اقدام کند و قول تأمین اعتبار دادم.

در نقطه‌ای که چند روستا را جمع کرده بودند و صدها اسکلت برای اسکان موقت برپا شده بود، جمعیت انبوهی از روستاها [بعدرود، حشمت‌آباد، دره‌دشت، چگاسر، چره و سندز]، اجتماع کرده بودند. امام جمعه رودبار، بعد از خیرمقدم، توقعات مردم را گفت. سپس من صحبت کردم[۱].

از آنجا به سوی بخش رحمت‌آباد حرکت کردیم. روستاها در کناره های رودخانه سیاهرود کشیده شده و با اینکه منطقه غنی است، مردم فقیرند و خانه‌ها محقر است. همهٔ خانه‌ها در زلزله خراب شده. در هر روستا، همان استقبال و سئوال و جواب و وعده‌ها تکرار می‌شد. استان تهران معین بازسازی این منطقه است. [آقای حسین طاهری]، استاندار تهران دربارهٔ کارهای انجام شده توضیح داد.

سرانجام ساعت دو بعد از ظهر، خسته و کوفته به محل ستاد معین رسیدیم. بعد از نماز ناهار خوردیم و پس از انجام مصاحبه رادیو تلویزیونی، به سوی رستم‌آباد حرکت کردیم. هلی‌کوپترها در آنجا آماده بودند. با بدرقه مردم رستم‌آباد، به سوی تهران پرواز کردیم. غروب در [اردوگاه] منظریه، [واقع در شمال تهران] فرود آمدیم. به خانه آمدم. عفت برای زیارت به قم رفته بود. یاسر، مهدی و فرشته در منزل بودند.

شنبه ۱۲ آبان ۱۳۶۹ | ۱٤ ربیع‌الثانی ۱٤۱۱ — ۳ نوامبر ۱۹۹۰

ساعت هشت و نیم صبح به دفترم رسیدم. بخشی از کارهای عقب مانده را تا ساعت نُه و نیم

---

۱ - ایشان با اظهار تأسف از وقوع زلزله و خسارات عمده‌ای که به مردم وارد شده، از این گونه حوادث و مصائب به عنوان آزمایش الهی یاد کرد و افزود: «وقوع چنین حوادثی، به منزله یک امتحان الهی برای مسئولین نظام و مردم است و شما برای سربلندی در این امتحان، باید تلاش بیشتری را به کار گیرید. برای جبران خسارت‌های ساختمانی ناشی از این زلزله باید ۷ میلیون متر مربع ساختمان سازی انجام شود.» آقای هاشمی، پاره‌ای از مشکلات موجود در منطقه را یادآور شد و خواسته‌های مردم در جهت رفع نیازها و رفع مشکلات را منطقی خواند و لزوم استمرار عملیات، تا رسیدن به وضعیت مناسب را مورد تأکید قرار داد. رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های ۱۳۶۹»، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۹۲.

انجام دادم. مهندس[میرحسین] موسوی، [مشاور سیاسی رییس‌جمهور] آمد و گزارش سفر به چین را داد. نخست وزیر چین توصیه کرده بود که وضع جاری منطقه به نفع ایران و چین است. او خواسته بود که برای طولانی شدن وضع موجود که برای آمریکا مشکلات زیادی بار آورده و می‌آورد، به نوعی عراق را تشویق به مقاومت کنیم. گزارش وضعیت مناطق آزاد چین را داد؛ تحت تأثیر برنامه آنها بود.

آقای [علی]شمس اردکانی، [رییس منطقه آزاد قشم]آمد. گزارش اقدامات دربارهٔ جزیره آزاد قشم را داد. دربارهٔ تهیه اساسنامه[منطقه آزاد] و سیاست استفاده از سرمایه‌های خارجی گفتگو شد.



ملاقات با دبیر کل سازمان کنفرانس اسلامی

[آقای حامد الغابد]، دبیرکل سازمان کنفرانس اسلامی آمد. قبلاً نخست‌وزیر نیجر بوده است. دربارهٔ محتوا و شرایط سازمان مذاکره کردیم[1]. قبل از او، آقای منوچهر متکی،

---

۱ - آقای هاشمی در ملاقات با دبیرکل سازمان کنفرانس اسلامی گفت: «اکنون که بحران کویت و عراق، واقعاً دنیای اسلام را مورد تهدید قرار داده و موجب تفرقه بین کشورهای اسلامی شده است، سازمان کنفرانس اسلامی وظیفه

[معاون بین‌الملل وزیرامورخارجه]آمد و مذاکرات‌شان را گزارش کرد. عصر دکتر [محسن]نوربخش و دکتر[سید محمدحسین]عادلی آمدند. طرح اقتصادی در رابطه با قیمت ارز و سوبسیدها[=یارانه‌ها] و برنامه‌های آزادسازی اقتصادی را توضیح دادند و مذاکرات طولانی داشتیم؛ پیشرفت خوبی داشت.

آقای [مصطفی حایری]فومنی، در مورد مفاد مذاکرت با سران عربستان سعودی در سفر به آن کشور، تلفنی مشورت کرد. شب برای انجام کارهای عقب مانده در دفترم ماندم.

یکشنبه ۱۳ آبان ۱۳۶۹ | ۱۵ ربیع‌الثانی ۱٤۱۱ — ٤ نوامبر ۱۹۹۰

تا ساعت نُه صبح کارهای دفترم را انجام دادم. جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان دختر و پسر بسیجی به مناسبت ۱۳ آبان [روزدانش‌آموز]آمدند. سرود خواندند. آقایان [علیرضا]افشار، [فرمانده نیروی مقاومت بسیج] و دکتر [محمدعلی]نجفی، [وزیر آموزش و پرورش] صحبت کردند. من هم صحبت مفصلی کردم[1]. آقای [سید ابوالفضل]موسوی

دارد در این امر مهم دخالت نماید. سازمان کنفرانس اسلامی در مسایل حاد و اساسی کشورهای اسلامی، آن‌طور که باید نقش خود را در گذشته به خوبی ایفا نکرده است. باید این احساس در مسلمانان به‌وجود آید که این سازمان از آرمان‌های اسلامی و حق‌طلبانه آنان دفاع می‌کند، تا در قبال آن احساس مسئولیت نمایند. لذا تکلیف سازمان کنفرانس اسلامی ایجاب می‌کند، ضمن پرهیز از هرگونه آلودگی به اعمال نفوذهای دیگران، به‌گونه‌ای عمل نماید تا کشورهای اسلامی بپذیرند که از این سازمان به‌عنوان تریبون اختصاصی خویش استفاده نکنند و سازمان کنفرانس اسلامی، بتواند به‌طور مستقل عمل نماید و بی‌طرفانه قضاوت کند. ضمن اظهار تأسف از برخورد سازمان کنفرانس اسلامی با مسالهٔ جنگ بین ایران و عراق در گذشته، ما انتظار داشتیم، این سازمان به منظور حل و فصل جنگ، برخورد عادلانه‌تری می‌نمود. کنفرانس اسلامی پیش از آنکه نقش ناسیونالیستی یا رنگ دیگری به‌خود بگیرد، باید نقش اسلامی داشته باشد تا همه کشورها و ملت‌ها از همه زبان‌ها و رنگ‌ها را شامل شود. اکنون مسلمانان در آسیا، آفریقا، اروپا، آمریکای لاتین و هندوستان نیاز به حمایت دارند، لذا یک چنین سازمانی باید در بین دولت‌ها و ملت‌ها حضور داشته باشد. برای تحقق این امر، جمهوری اسلامی ایران نیز حضور جدی‌تری در سازمان کنفرانس اسلامی خواهد داشت و حمایت بیشتری از آن به‌عمل خواهد آورد.»

۱ - آقای هاشمی اظهار داشت : «شما وارثان انقلاب و صاحبان آینده تاریخ ایران هستید و حوادث امروز برای تاریخ انقلاب بسیار مهم و حساس است. کشتار دانش‌آموزان در ۱۳ آبان، یک امر تصادفی نبود. رژیم منحوس گذشته برای جلوگیری از حضور نسل نو و ایجاد ترس و وحشت در دیگر اقشار مردم، دست به کشتار فجیع دانش‌آموزان زد که

تبریزی، رییس دیوان عدالت اداری آمد. از [آیت‌الله مسلم ملکوتی]، امام جمعه تبریز انتقاد کرد و نیز برای تعمیر ساختمان دیوان عدالت اداری استمداد نمود.

جمعی از فرماندهان سپاه آمدند و برای مسکن و نیازهای زندگی سپاهیان استمداد کردند؛ قول کمک دادم. آنها برای شرکت در سازندگی اظهار آمادگی نمودند و گزارش موارد همکاری‌های در حال انجام را دادند؛ قرار شد تسهیلات برایشان قایل شویم.

عصر در جلسه هیأت دولت شرکت کردم. بیشتر دربارهٔ تأمین نیازهای زلزله‌زدگان و ساخت خانه و اسکان دایم، مذاکره و تصمیم‌گیری شد. وزیر اطلاعات از برخورد میان دانشجویان تحکیم وحدت و مدیران مراسم امروز در شیراز خبر داد.

ورود پارچه را با بالا بردن سود بازرگانی آزاد کردیم. شب، رهبری مهمان من بودند. گزارش وضع بازسازی مناطق زلزله زده را دادم و دربارهٔ مسایل اختلاف جاری و همچنین در خصوص اوضاع منطقه و بحران خلیج فارس مذاکره و تصمیم‌گیری کردیم.

به خانه آمدم. از نقطه ورودم به حیاط خانه، تا دخول به ساختمان را برای مجموعه «یک روز زندگی رییس‌جمهور»، فیلمبرداری کردند.

دوشنبه ١٤ آبان ١٣٦٩ | ١٦ ربيع‌الثانی ١٤١١ — ٥ نوامبر ١٩٩٠

از نماز صبح و صبحانه و وضع زندگی‌ام در خانه فیلمبرداری شد. مصاحبهٔ کوتاهی هم کردم. به دفترم رفتم. ساعت نُه صبح، آقای [محمد]مجدآرا، نماینده [بابلسر و]بندپی آمد.

این اقدام رژیم، تحرک جدیدی در مردم ایجاد کرد و به عبارتی انقلاب اسلامی را به مرحله بالاتری هدایت کرد. هر سه حادثه‌ای که در ۱۳ آبان صورت گرفت، نشان دهندهٔ ارتباط این حوادث با یکدیگر هستندو نشان‌دهندهٔ هوشیاری مردم به‌ویژه نسل جوان در حفظ و حراست از ارزش‌های انقلاب اسلامی است. بنابراین برای ادامه انقلاب و تحقق خواسته‌های اصلی آن، باید همیشه با چشم باز و هوشیاری مواظب باشیم، تا هرگاه شاخه‌های استقلال، آزادی، خودکفایی و نجات از سلطه خارجی مورد خدشه قرار گرفت، بر ارزش‌های انقلاب تأکید کنیم. حفظ این ارزش‌ها در چارچوب جمهوری‌اسلامی، اسلام، امامت و تبلور آن یعنی ولایت‌فقیه امکان‌پذیر است. شما نسل جوان اساس و پایه‌های مملکت هستید. ما در آینده‌نگری کشور، لازم است تا برای تعالی نسل نو، توجه ویژه‌ای قائل بشویم و نسل نو باید بالنده‌تر، هوشیارتر و مسلح‌تر به علم و عمل، نسبت به نسل‌های گذشته باشد. آینده کشور در اختیار شماست و باید از فرصت‌های طلایی که انقلاب اسلامی در اختیار شما گذاشته است، به نحو شایسته‌ای استفاده کنید.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های ۱۳۶۹» ، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲.

بسمه تعالی
جمهوری اسلامی ایران
دفتر فرماندهی کل

شماره
تاریخ
پیوست

حضور محترم حضرت حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای هاشمی رفسنجانی

دام عزه ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

۶۹/۸/۱۴
۳۴۲

با سلام و تحیات،

احتراماً باستحضار می‌رساند در پی موافقت مقام معظم رهبری مبنی بر مشارکت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در امر بازسازی و ایجاد تشکیلات مجزائی از مدیریت عمومی سپاه این نهاد نسبت به ایجاد تشکیلاتی تحت عنوان قرارگاه بازسازی خاتم الانبیاء (ص) اقدام نموده و در انجام پروژه‌های بازسازی و عمرانی تاکنون قراردادهائی را با دستگاههای وابسته به دولت منعقد نموده است از آنجائیکه استمرار فعالیتهای این قرارگاه مستلزم همکاری و مساعدت بیشتر دستگاههای اجرائی کشور می‌باشد استدعا دارد دستور فرمائید موارد ذیل به دستگاههای اجرائی کشور ابلاغ گردد.

۱- قرارگاه بازسازی خاتم الانبیاء (ص) تنها تشکیلات رسمی سپاه پاسداران بمنظور مشارکت در انجام پروژه‌های قابل واگذاری از طرف دولت می‌باشد.

۲- تعهد بالاترین رده مسئول قرارگاه به عنوان تضمین و تعهد تمام کار تلقی گردد.

رئیس ستاد کل سپاه پاسداران
محمد باقر ذوالقدر
۶۹/۸/۱۴

درخواست سپاه پاسداران برای تشکیل قرارگاه بازسازی خاتم الانبیاء (ص)

بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی

تاریخ ۶۹/۸/۱۵
شماره ۱۰۰/۹۹۹۷
پیوست ....

" بسمه تعالی "

حضرت حجت الاسلام و المسلمین آقای هاشمی رفسنجانی
ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

سلام" علیکم :

احتراما" باستحضار میرساند تعدادی از جانبازان عزیز جهت تامین معاش اقدام به راه اندازی کارگاههای تولیدی کوچك نموده اند که متاسفانه بدون مجوز بوده و بهمین جهت با مشکلات جدی در ادامه کار مواجه شده اند .

لذا خواهشمند است دستور فرمائید وزارت صنایع مجوز لازم جهت ادامه کار کارگاههای موجود را صادر نماید ./ف

ومن ا... التوفیق
محسن رفیقدوست
رئیس بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی

آدرس : بلوار کشاورز کوچه سهد ترسیده به بیمارستان پارس تلفن ۶۵۸۱۹۱

نامه بنیاد مستضعفان در مورد کارگاه های تولیدی جانبازان

از وضع مجلس اظهار ناراحتی کرد و دربارهٔ نحوهٔ برخورد با تندروی بعضی از نمایندگان در مقابل رهبری مشورت کرد؛ گفتم مدارا شود. برای عمران آب مازندران استمداد نمود.

آقای [صادق]خلخالی، [نماینده قم]آمد و از من و آقای خامنه‌ای به خاطر عدم حمایت از او در جریان انتخابات مجلس خبرگان گلایه کرد و برای مدرسه علمیه‌اش، [واقع در آستانه حضرت عبدالعظیم]، از آقای [محمدی]ری‌شهری گله نمود و استمداد کرد؛ تذکراتی دادم.

آقای [محمدجواد]راستی، نماینده لار آمد. از اقدامات عمرانی و خدماتی‌اش در لارستان گفت؛ مدعی است حدود سه میلیارد تومان از کمک‌های مردمی را جمع و خرج کرده که بیشتر آن را از ایرانی‌های مهاجر به کشورهای جنوب خلیج فارس به دست‌آورده است. او ضمن تشکر از سیاست‌های اقتصادی و سیاست خارجی دولت، برای طرح‌های مهم آنجا استمداد کرد.

دکتر [حسن]روحانی آمد و در مورد اوضاع مجلس و اختلافات مشورت کرد. دکتر [محمدعلی]هادی، [سفیر ایران در امارات]آمد. راجع به جزایر سه گانه[تنب بزرگ و کوچک و ابوموسی] و وصول مطالبات ایران از شارجه، پیشنهادهایی داشت. آقایان روحانی و هادی، ناهار پیش من ماندند.

عصر شورای اقتصاد جلسه داشت. دربارهٔ قیمت کامیون‌ها و برق بحث و تصمیم‌گیری کردیم. قرار شد کامیون‌ها، فعلاً به نرخ ارز دولتی داده شود. تا ساعت هشت شب در دفترم کار کردم و به خانه آمدم؛ بچه‌ها جمع بودند.

سه‌شنبه ۱۵ آبان ۱۳۶۹ | ۱۷ ربیع‌الثانی ۱۴۱۱ ۶ نوامبر ۱۹۹۰

[آقای هانس بلیکس]، مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی آمد. دربارهٔ خلع سلاح اتمی و نیروگاه بوشهر مذاکره شد[1]. [آقای حسین صادقی]، سفیرمان در کویت آمد. اجازه

---

۱ - آقای هاشمی در این ملاقات، بر جلوگیری از آثار مخرب انرژی اتمی، در بروز حوادث و استفاده از سلاح اتمی تأکید کرد و گفت: «اگر یک کشور هم در جهان، مسلح به سلاح اتمی باشد، کنترل آن امکان پذیر نخواهد بود. تنها امضای قرارداد عدم استفاده از سلاح اتمی کافی نیست و با توجه به وجود موشک‌های قاره پیما و تجربهٔ استفاده

خواست که همراه هیأت به عربستان برود و با امیر کویت ملاقات نماید. [آقای علی نعمت‌اللهی]، سفیر جدیدمان در برزیل، برای خداحافظی و نظر خواهی آمد. [آقایان محمدمهدی پورگل و کاظم بیگدلی]، سفیران جدیدمان در نروژ و نامیبیا نیز به همین منظور آمدند.

آقای [محسن]رفیق دوست [رییس بنیاد مستضعفان و جانبازان] و جمعی از مدیران بنیاد مستضعفان آمدند؛ گزارش کار دادند و برای امور بنیاد استمداد کردند. عصر آقای [سیدعلی اکبر]ابوترابی، [نماینده ولی فقیه در امور آزادگان]آمد و برای آزادگان کمک خواست.

جمعی از سران رادیکال‌ها آمدند. از عدم حمایت من از آنها گله کردند؛ گفتم با رهبری مخالفت نکنند و صادقانه حامی دولت باشند، تا توقع حمایت از طرف ما را داشته باشند. مجمع تشخیص مصلحت، جلسه داشت؛ مجازات‌های قانون کار مشخص شد. دیروقت به خانه آمدم.

چهارشنبه ۱۶ آبان ۱۳۶۹ | ۱۸ ربیع‌الثانی ۱۴۱۱ — ۷ نوامبر ۱۹۹۰

تا ساعت نُه ونیم صبح کارها را انجام دادم. وقت ملاقات آقای[حمید]میرزاده را صرف کارها کردم. او برای رسیدگی به وضع زلزله زدگان جنوب، به منطقه سفر کرده است؛

عراق از سلاح‌های شیمیایی در جنگ علیه ایران، ثابت شده است هرگاه منافع بعضی‌کشورها به خطر افتد، قوانین بین‌المللی را رعایت نخواهند کرد. جمهوری اسلامی ایران که یک نظام مبتنی بر اصول اعتقادی و اخلاقی است به تعهدات خود پایبند خواهد ماند، اما این امر در مورد همه کشورها صادق نیست. اگر امریکا درگیر جنگ در خلیج فارس شود، نحوهٔ جنگ و پایان آن مشخص نخواهد بود. جمهوری اسلامی ایران، ضمن تأیید نظارت بی‌طرفانه بین‌المللی بر سلاح‌های اتمی، خواستار حذف این سلاح‌ها در همه کشورهای جهان است.» در این دیدار که آقای امراللهی رییس سازمان انرژی اتمی ایران نیز حضور داشت، آقای هانس بلیکس دبیرکل سازمان بین‌المللی انرژی اتمی، همکاری جمهوری اسلامی ایران با آژانس انرژی اتمی را ستود و با اشاره به قدمت عضویت ایران در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و تشریح وضعیت کشورهای خاورمیانه و جهان در استفاده از انرژی اتمی، بر عزم این آژانس جهت منع گسترش سلاح‌های اتمی و شیمیایی توسط کشورها تأکید کرد و افزود: «با توجه به اینکه ۱۴۱ کشور جهان، قرارداد منع استفاده از سلاح اتمی را امضا کرده‌اند، انتظار می‌رود ایران در برقراری شرایط صلح آمیز، تلاش بیشتری در صحنه جهانی به عمل آورد.»

دیشب زلزله‌ای با قدرت ۶/۶ [درجه در مقیاس]ریشتر، بخشی از روستاهای داراب را [در استان فارس]خراب کرده و تلفات داشته است: ۲۲ کشته و چند مجروح.

[آقایان محمدحامد انصاری، جان فرانسیس کوگان و محمد ازهاری بن کریم]، سفیران جدید هند، ایرلند و مالزی برای تقدیم استوارنامه آمدند. با هر یک از آنها صحبت کوتاهی داشتم؛ بیشتر تشریفاتی بود.

شورای‌عالی صنایع با حضور من تشکیل شد. به نظرمان رسید که قانون شورا، اختیاراتی به شورا نداده و ارزش صرف وقت ندارد و کارها را می‌توان در دولت یا شورای اقتصاد انجام داد؛ بنابراین تصمیم گرفتیم که دیگر این شورا، جلسه نداشته باشد. دربارهٔ استفاده صنایع مربوط به نفت و قیمت ارزهای سرمایه‌گذاری و تولیدی- صنعتی مذاکره شد.

به [آقای عبدالحسن وهاجی]، وزیر بازرگانی در مورد توزیع لاستیک‌های ساخته شده که به ادعای [آقای نعمت زاده] ، وزیر صنایع در کارخانه‌ها مانده است، تذکر دادم. او تراکم [کالا] را قبول نداشت؛ بنا شد بررسی کنیم.

عصر در جلسه هیأت دولت شرکت کردیم.[1] دکتر ولایتی و دکتر حبیبی گزارش سفر به سوریه و حل مشکل حزب الله و اَمَل را دادند. لایحه مالیات در دستور بود. معافیت درآمد حقوق ودستمزد افراد را از۶ هزار تومان به ۱۲ هزار و ۵۰۰ تومان بالا بردیم؛ برای حمایت از ضُعفا است. ساعت هشت ونیم، به دفترم برگشتم. تا نُه شب کار کردم و به خانه آمدم.

---

۱ - در این جلسه، آقای سید محمدحسین عادلی، رییس‌کل بانک مرکزی، گزارش وضعیت اقتصادی کشور در هفت‌ماهه گذشته را تقدیم هیأت دولت کرد. در این گزارش، رشد تولیدات صنعتی به نسبت ۲۰ تا ۵۰ درصد در میان ۷۳ گروه از ۸۸ گروه کالای صنعتی و نیز رشد تولید در صنایع سنگین بین ۳۶ تا ۳۵۶ درصد، کاهش قابل توجه کسری بودجه به میزان ۲۳/۱ درصد، تقلیل نرخ رشد نقدینگی از ۱۱ درصد به ۸/۴ درصد و کاهش حجم مسکوک و اسکانس به میزان ۳/۳ درصد و افت نرخ تورم از ۲۴ درصد به ۵/۱ درصد نسبت به دوره مشابه سال گذشته و همچنین افزایش درآمدهای عمومی دولت، به میزان ۸۱/۸ درصد و افزایش درآمدهای مالیاتی در خلال این دوره، به میزان ۳۴/۹ درصد، عنوان شده بود. طبق این گزارش ، همچنین پرداخت‌های عمرانی ۸۶/۳ درصد افزایش یافته که نشان‌دهنده توجه دولت به سرمایه‌گذاری‌های عمرانی است. حجم سپرده‌ها نیز ۱۱/۳ درصد افزایش یافته و سپرده‌های بلند مدت دارای افزایش قابل توجهی است که نشانگر اعتماد عمومی است.

پنج‌شنبه ۱۷ آبان ۱۳۶۹ | ۱۹ ربیع‌الثانی ۱۴۱۱ ۸ نوامبر ۱۹۹۰

ساعت هفت ونیم صبح به دفترم رسیدم. دکتر[عباس]شیبانی آمد. برای تجهیزات بیمارستان‌ها و ساخت شهرک دانشگاهی استمداد کرد. دکتر [حسن]حبیبی آمد و گزارش سفر به سوریه را داد. [آقای عبدالله نوری]، وزیرکشور و استانداران گیلان و استان‌های معین آمدند. از آنها به خاطر تلاش‌هایشان در بازسازی تشکر کردم؛ گفتم خدمات انجام‌شده را به مردم بگویند[1].

آقای [غلامعلی]شهرکی، [نماینده زابل]، همراه مولوی حامد برای احاله کار به مولوی‌ها آمدند. آقایان [مسعود روغنی]زنجانی، [سیدحسن]فیروزآبادی و [اکبر]ترکان، برای اعتبارات نیروهای مسلح آمدند ؛ برسر مبلغ اعتبارات جیرهٔ غذا، اختلاف داشتند. در مورد اعتبارات سال آینده و امتیازات توافق شد.

عصر ستاد مبارزه با مواد مخدر جلسه داشت. گزارش را شنیدم. برای تأمین اعتبار اردوگاه‌های معتادان تصمیم گرفتیم. تا ساعت هشت شب، در دفترم کار کردم و به خانه آمدم. فیلمبرداران برای تهیه فیلم «یک روز زندگی[رییس‌جمهور]»آمده بودند؛ در خانه از صرف شام و معاشرت‌ها فیلمبرداری کردند.

---

۱ - آقای هاشمی، در این دیدار بر ضرورت تشکیل «سازمان امداد ملی» به منظور کمک‌رسانی در حوادث غیر مترقبه تأکید کرد. ایشان ضمن سپاسگزاری از رهبرمعظم انقلاب، به خاطر عنایت خاص ایشان در تعیین نمایندگان ویژه و پشتیبانی‌های لازم در این امر، به ویژه ساخت مدارس و مراکز آموزشی اظهار داشت: «زحمات و تدابیر وزارت کشور و نیز تلاش‌های مردم ایثارگر کشورمان و مدیران و مسئولان مناطق زلزله زده، به ویژه استان‌های معین، قابل تقدیر است. اقدامات انجام شده در مناطق زلزله زده، بیش از حد تصور بوده است و من که از ابتدا در جریان کارها بوده‌ام، تا زمانی که اقدامات انجام شده را از نزدیک ندیدم، تصوری غیر از این داشتم. فعالیت‌های عمرانی در حجمی بسیار زیاد، جدی و بسیار دلسوزانه بود. من موقعی که گزارش سفر خود را تقدیم مقام معظم رهبری کردم، علیرغم اینکه مقام رهبری، نمایندگانی در منطقه داشتند، کارهای انجام شده را با این وسعت و کیفیت مورد تقدیر قرار دادند.» ایشان ضمن تأکید بر ضرورت انعکاس فعالیت‌های انجام شده از طریق رسانه‌ها، جهت آگاهی عموم مردم، یادآور شد: «کارهای انجام شده را به اطلاع مردم برسانید و این حق نظام است که باید بیان شود و حق نیست که از آن بگذرید؛ البته مشکلاتی هم وجود دارد که باید کمبودها را هم گفت.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های ۱۳۶۹»، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲.

جمعه ۱۸ آبان ۱۳۶۹ | ۲۰ ربیع‌الثانی ۱۴۱۱ ۹ نوامبر ۱۹۹۰

تا ساعت ده ونیم در خانه مطالعه می‌کردم. در حیاط منزل فیلمبرداری و مصاحبه داشتیم. در دانشگاه تهران اقامه جمعه نمودم[1]. ظهر هم از سفرهٔ غذا با جمع بچه‌ها فیلمبرداری کردند.

عصر آقای علیرضا سالاری[از وزارت امورخارجه]آمد و دربارهٔ [سازمان همکاری اقتصادی][2] اکو، به مناسبت آمدن آقای [تورگوت]اوزال، [رییس‌جمهور ترکیه] گزارش

---

۱ - در خطبه اول ادامه بحث «اسلام برنامه زندگی» ادامه یافت و در مورد مخافت اسلام با زهدنمایی و عدم استفاده از مواهب خدادادی، با ذکر روایات و احادیثی از معصومین و نقل سیره و شیوه امامان در زندگی اجتماعی مطالبی بیان شد. در خطبه دوم نیز تحلیلی در خصوص حرکت کشور به سوی تعادل اقتصادی، موضوع بازسازی مناطق زلزله زده و در خاتمه تحلیلی از آخرین وضعیت منطقه و بحران خلیج فارس به نمازگزاران ارائه گردید. در بخشی از خطبه اول که بازتاب زیادی در سطح جامعه داشت، آمده است: «افرادی برای ریاکاری و یا برای اینکه خودشان را در جامعه موجه جلوه دهند، در جامعه‌ای که دچار محرومیت و فقر باشد و تظاهر به فقر در آنجا با ارزش تلقی شود، انسان‌های متمکنی به صورت فقیرانه در جامعه ظهور می‌کنند و شعار می‌دهند و نفاق می‌کنند و ظاهر و باطن‌شان دو تا می‌شود. آنها دنبال این هستند که وجهه‌ای برای خودشان درست کنند. از دیدگاه اسلام، همان طور که افراط، اسراف و تجمل بی‌حساب و زیاده‌روی در مصرف، حرام و نامطلوب است، ریاضت‌کشی‌های ضد غریزه‌ای و ضد نیاز بشریت و برخلاف طبیعت هم حرام و نامطلوب است. اگر چنین روحیه و طرز تفکری، به عنوان یک برنامه و نظام زندگی اجتماعی، در سطح کل جامعه اشاعه و ترویج بیابد، چنین جامعه‌ای به دنبال توسعه، تولید، ابتکار و اختراع و از این دست مسایل نخواهد رفت. در چنین شرایطی منابع طبیعی به حالت راکد در خواهد آمد، جامعه به دامن فقر خواهد غلطید، میزان رفاه کاهش خواهد یافت و در زمینه علوم هم، شاهد هیچ گونه تعالی و تکاملی نخواهیم بود. اگر چنین روحیه‌ای به صورت یک فرهنگ عمومی جا بیفتد، خطر دارد و من فکر می‌کنم، یکی از علل عقب‌ماندگی مسلمانان در دنیای کنونی، حاکمیت چنین طرز تفکری بر روحیات آن دسته از کسانی است که می‌توانستند منشأ اثرات بسیار مهمی باشند.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های جمعه ۱۳۶۹» ، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲

۲- سازمان همکاری اقتصادی (Economic Cooperation Organization)، به طور مخفف اکو، یک سازمان اقتصادی منطقه‌ای است که سه کشور ایران، پاکستان و ترکیه در سال ۱۳۴۱ (۱۹۶۲میلادی)،آن را پایه‌ریزی کردند. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، کار سازمان با وقفه مواجه شد و در سال ۱۳۶۴ ، دوباره حیات خود را از سر گرفت. پس از فروپاشی شوروی،کشورهای افغانستان، آذربایجان، قزاقستان، ترکمنستان، قرقیزستان، ازبکستان، و تاجیکستان نیز در سال ۱۳۷۲به اکو پیوستند. این سازمان هم‌اکنون با ده عضو، حدود ۳۳۰ میلیون نفر جمعیت و ۸،۶۲۰،۶۹۷ کیلومتر مربع وسعت کشورها، امکانات نفت، گاز و صنعت در اختیار دارد. طبق اساسنامه این سازمان، اکو برای بهبود شرایط توسعه اقتصادی پایدار کشورهای عضو تلاش می‌کند؛ و برای حذف تدریجی موانع تجاری در این منطقه فعالیت دارد. از دیگر اهداف اکو، تهیه برنامه مشترک برای توسعه منابع انسانی در این ده کشور است. این سازمان، همچنین برای تسریع برنامه توسعه حمل و نقل و ارتباطات فعالیت می‌کند. زبان رسمی اکو انگلیسی است و مقر اصلی آن، شهر تهران است.

داد. بستگان آمدند. حاجیه والده از پخش شایعات تهدید خودشان توسط اشرار در نوق ناراحت است؛ خیال می کند که شیطنت مخالفان است. شام با هم خوردیم. حالشان بد نیست. اخیراً گزارش‌های غیرمستندی از برنامه‌ریزی اشرار، برای ربودن حاجیه والده جهت گرفتن باج می‌رسد و ایشان هم حاضر نیستند روستای زادگاه خودشان را ترک کنند.

شنبه ۱۹ آبان ۱۳٦۹ | ۲۱ ربیع‌الثانی ۱٤۱۱ ۱۰ نوامبر ۱۹۹۰

با خانواده و حاجیه بی بی صبحانه خوردیم. به دفترم رفتم. تا ساعت نُه و ربع کارها را انجام دادم. شورای‌عالی امنیت ملی جلسه داشت. دربارهٔ امنیت شرق کشور، بحث و تصمیم گیری کردیم. قرار شد آقای ولایتی، [وزیر امورخارجه] به عراق برود. گزارش شد که عراق، طرح سران اخوان‌المسلمین[1]، در خصوص جایگزینی نیروهای ایران در کویت و عقب‌نشینی عراق و برگزاری انتخابات در کویت را رد کرده است؛ معلوم بود که نمی‌پذیرد. ما برای اتمام‌حجت بر اِخوانی‌ها، قبول کردیم که دنبال کنند.

ساعت سه بعد از ظهر، برای استقبال آقای تورگوت اوزال، رییس‌جمهور ترکیه به فرودگاه مهرآباد رفتیم. مراسم رسمی انجام شد. من و او مصاحبه کردیم[2]. به

---

۱ - اخوان‌المسلمین یک جنبش فراملی اسلام‌گراست که در بسیاری از کشورهای عربی، بزرگترین جریان اپوزیسیون به شمار می‌رود. اخوان‌المسلمین قدیمی‌ترین و بزرگترین گروه سیاسی اسلامی است که در سال ۱۹۲۸ میلادی (۱۳۰۷ شمسی، ۱۳۴۷ قمری) در شهر اسماعیلیه مصر، به رهبری حسن‌البنا بنیان نهاده شد و سپس فعالیت خود را به دیگر کشورهای عربی و اسلامی گسترش داد. این نهضت متأثر از اندیشه های سیدجمال‌الدین اسدآبادی و در پاسخ به انحطاط داخلی مسلمانان و سلطه بیگانگان بر کشورهای اسلامی، به ویژه بر کشور مصر پدید آمد. اخوان‌المسلمین جهت رسیدن به اهداف خود، چون زنده کردن شعائر اسلامی و برافکندن سلطه اجانب و برقراری حکومت اسلامی، در جبهه های مختلف فرهنگی، نظامی و سیاسی به مبارزه پرداخته است.

۲ - رییس‌جمهور ترکیه، هنگام ورود به تهران، در گفت‌وگو با خبرنگاران اظهار داشت: «ما از آغاز بحران خلیج‌فارس، با جناب آقای رفسنجانی، ارتباط نزدیکی برقرار کردیم و در جریان این بحران رؤسای جمهور دو کشور، هم از طریق تلفن و هم از طریق اعزام نمایندگانی به تهران و آنکارا، از دیدگاه‌های یکدیگر آگاهی یافتند و این برای طرفین مفید فایده بوده است. در تماس‌های ما مشخص شد که هیچ‌گونه تفاوتی در دیدگاه های ایران و ترکیه وجود ندارد و دو کشور به طور موازی به این بحران می‌نگرند. این سفر قبلاً در تماس تلفنی با آقای رفسنجانی، هماهنگ شده بود و به ایشان گفته بودم که در توقفی چند ساعته در تهران، اطلاعات رسیده از منابع مختلف را با یکدیگر مبادله کنیم.» آقای هاشمی نیز به اهمیت ایران و ترکیه در حل بحران خلیج فارس اشاره کرد و گفت: «دو کشور در این

[کاخ]سعدآباد، مهمانسرای دولت رفتیم. تا ساعت ده ونیم شب، به جز یک تنفس کوتاه برای نماز، یکسره مذاکره داشتیم.

موضوعات مذاکره تقریباً دربارهٔ همه موارد لازم، منجمله مسایل منطقه، بحران خلیج فارس، مسایل دو کشور و اکو بود. آقای اوزال معتقد است، بقای صدام و حزب بعث تحمل نمی‌شود و او یا با جنگ، یا با کودتا و یا با ترور، حتی در صورت عقب‌نشینی از کویت نیز حذف می‌شود؛ برای جانشینان صدام هم فشار خواهد بود تا کوچک کردن ارتش عراق و انهدام سلاح‌های شیمیایی و بیولوژیکی و هسته‌ای شدن و مصوبهٔ اخیر شورای امنیت در مورد تعویض خسارات برای همین بوده که در صورت عقب‌نشینی هم، دستاویز ادامه حصار باشد.

او تصریح نمود که ترکیه چشمداشتی به کرکوک ندارد، اما به ما توصیه کرد که در صورت آشوب شدن عراق، برای گرفتن خسارات جنگ، جزیره مجنون را تصرف کنیم. گفت غیر از فرانسه، تمام کشورهای مؤثر، در انجام عملیات نظامی آمریکا همراه هستند.

در مورد آینده عراق و منطقه، روی عدم اجازه تشکیل حکومت مستقل کُرد در شمال عراق، حفظ تمامیت ارضی عراق، دموکراسی کشورهای جنوب خلیج‌فارس درآینده، تقویت اکو و همچنین ایجاد خط لوله گاز از ایران به اروپا از طریق ترکیه هم مذاکره و توافق شد.

آقای اوزال ساعت ده ونیم شب، با بدرقه و مصاحبه[1] به سوی ژاپن پرواز کرد. به خانه

امر منافع حیاتی دارند و در قبال حوادث جاری منطقه، تبادل نظر یک ضرورت است. کار عمده را در سفری که من به ترکیه خواهم داشت، انجام خواهیم داد و مسایل فوری‌تر، در این فرصت کوتاه بررسی خواهد شد.»

۱ - آقای تورگوت اوزال، قبل از ترک تهران در مصاحبه‌ای با خبرنگاران گفت: «در طول دیداری که با جناب آقای هاشمی رفسنجانی داشتم، درباره بحران خلیج فارس، راه‌حل‌های آن و اینکه بعد از آن چه خواهد شد، مذاکره کردیم و به این نتیجه رسیدیم که دو کشور، هیچ اختلافی در این زمینه ندارند. در زمینه نقش ایران و ترکیه در حل بحران خلیج فارس، اینکه ما چقدر مؤثریم، مهم نیست، این مساله به خود عراق بستگی دارد و ما آرزوی خونریزی در عراق را نمی‌کنیم و امیدواریم بحران خلیج فارس بدون جنگ و خونریزی و از طریق مصوبات سازمان ملل پایان یابد. ما در دیدار از تهران، درباره گسترش روابط دو کشور و در رأس آن «اکو» گفت وگوهایی به عمل آوردیم و قرار شد به منظور توسعه همکاری‌های اقتصادی، کمیسیونی متشکل از متخصصین تشکیل شود تا در مورد برخی از پروژه‌ها، مانند گاز، به فعالیت بپردازند.»

آمدم و خوابیدم.

یکشنبه ۲۰ آبان ۱۳۶۹ | ۲۲ ربیع‌الثانی ۱٤۱۱ ۱۱ نوامبر ۱۹۹۰

صبح زود بعد از نماز، با حاجیه والده صحبت کردم. به دفترم رفتم. به شهرداری تهران و وزارت کشور، به خاطر گران کردن کرایه تاکسی‌ها اعتراض کردم. [آقای غلامرضا آقازاده]، وزیر نفت آمد. گزارش کار داد و دربارهٔ فروش ۷۵ میلیون بشکه نفت که در اروپا ذخیره کرده‌ایم، نظر خواست. قرار شد در دولت بحث شود. از پیشرفت طرح‌های عمرانی راضی است. از کمبود لوله برای خانه‌های مردم جهت لوله‌کشی گاز گفت.

آقای [سیدحسن]ربانی، نماینده رهبری در اهل سنت سیستان و بلوچستان آمد. برای انجام وظایف استمداد کرد. دکتر هاشمی[گلپایگانی]، برای دستور شورای‌عالی انقلاب فرهنگی آمد. آقای [حمید]میرزاده آمد و گزارش زلزله داراب و کمک‌های اولیه و نیازهای بازسازی را داد.

دکتر ولایتی، [وزیر امور خارجه] اطلاع داد که نخست‌وزیر جدید پاکستان، اجازه خواسته که به ایران بیاید؛ موافقت کردم. عصر به جلسه هیأت دولت رفتم. شب مهمان آقای خامنه‌ای بودم. دربارهٔ مذاکرات با اوزال، سفر دکتر ولایتی به عراق و آزادی بعضی از زندانی‌ها با عفو و گذشت و امور جاری مذاکره شد. به خانه آمدم.

آقای هاشمی نیز در مورد مذاکرات انجام شده گفت: «در خلال مذاکراتی که حدود هفت ساعت به طول انجامید، در همه زمینه‌هایی که می‌باید صحبت شود، گفت و گو کردیم و آقای اوزال مرا در جریان سفرهای‌شان به کشورهای جنوب خلیج فارس قرار داد. مساله عراق برای هر دو کشور قابل توجه است و منافع حیاتی ما مورد تعرض می‌باشد. ما در زمینه راه‌حل‌های بحران خلیج فارس، فرض‌های مختلفی را بررسی کردیم. هم فرض حل بحران به شیوه مسالمت‌آمیز و هم چنانچه برخورد نظامی اتفاق افتد. در مورد تکلیف دو کشور، در هر مورد تصمیماتی اتخاذ شد که مواضع مشترک بود و اختلاف‌نظر زیادی نداشتیم. ایران و ترکیه مایلند در منطقه خونریزی نباشد و دو کشور برتمامیت ارضی عراق و استقلال کویت تأکید دارند. دو کشور، تغییر در مرزها را به مصلحت منطقه نمی‌بینند. ما باید همکاری کنیم تا تغییر در مرزهای منطقه بوجود نیاید و مصوبات سازمان ملل به منظور جلوگیری از درگیری اجرا شود. در مورد مسایل جاری بین دو کشور نیز ما معتقدیم احداث لوله گاز به غرب، تأثیر زیادی در بحران، صلح و امنیت منطقه دارد.»



استقبال از رییس جمهور ترکیه در فرودگاه مهرآباد



دوشنبه ۲۱ آبان ۱۳۶۹ | ۲۳ ربیع‌الثانی ۱۴۱۱ ۱۲ نوامبر ۱۹۹۰

مسئولان ایرانشهر آمدند. وضع آنجا را گفتند و پیشنهادهایی برای امنیت و عمران داشتند. امام جمعه و [آقای حمیدالدین ملازهی]، نماینده شهر صحبت کردند. آقایان [میرفخرالدین موسوی]ننه‌کران و [سیدفرج الله] افرازیده، نمایندگان مجلس آمدند؛ از رادیکال‌ها شکایت داشتند و برای امور اردبیل و نوشهر استمداد کردند.

دکتر [غلامحسین]آقایی، نماینده همدان آمد و کار خصوصی و حوزه انتخابیه داشت. نقشه‌هایی آورده بود، برای اثبات اینکه آب‌های شمال شرق کشور، از طریق گسل‌ها به دریای جنوب می‌روند؛ دلیل درستی نداشت. صرف فرضیه است. گفتم تحقیق را ادامه دهد.

دکتر [عباسعلی]زالی، [نماینده کرج] و فرماندار کرج آمدند. مشکلات فراوان و کمبودهای شهر کرج را گفتند که به خاطر توسعه سریع و بی‌رویه پیش آمده است. پیشنهادهایی ارائه دادند. آقای [ابوطالب]شالچیان، مشاور اقتصادی[رییس‌جمهور]آمد. از تعزیرات انتقاد داشت و تذکراتی داد.

عصر شورای اقتصاد جلسه داشت. دربارهٔ اساسنامه منطقه‌آزاد قشم بحث بود که ناتمام ماند. شهردار تهران و وزیر کشور به خاطر گران کردن بی‌اجازه نرخ تاکسی احضار شدند و مورد اعتراض قرار گرفتند؛ دفاع قانع کننده‌ای نداشتند، ولی به خاطر ضررهای احتمالیِ لغو تصمیم، قرار شد به مردم توضیح بیشتر بدهند[1]. به خانه آمدم.

---

۱ - آقای هاشمی، با صدور بخشنامه‌ای به کلیه دستگاه‌های اجرایی، نهادهای انقلاب اسلامی، موسسات و شرکت‌های دولتی، شهرداری‌ها، موسسات و نهادهای عمومی غیر دولتی، دستور داد راساً از اتخاذ هرگونه تصمیمی که به طور مستقیم یا غیر مستقیم، منجر به افزایش قیمت محصولات و خدمات می‌گردد، اکیداً خودداری نمایند. این بخشنامه در جهت اجرای اهداف برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و به منظور ایجاد رشد اقتصادی برای افزایش تولید سرانه، اشتغال مولد و کاهش وابستگی اقتصادی و با تأکید بر خودکفایی محصولات استراتژیک کشاورزی و مهار تورم صادر شده بود.

سه‌شنبه ۲۲ آبان ۱۳۶۹ | ۲٤ ربیع‌الثانی ۱٤۱۱   ۱۳ نوامبر ۱۹۹۰

ساعت هفت ونیم صبح به مجلس رسیدم. [آقای لونچار]، وزیر امورخارجه یوگسلاوی و رییس دوره ای جنبش عدم تعهد آمد. دربارهٔ راه‌های حفظ امنیت و رفع بحران خلیج‌فارس مذاکره شد؛ تحرّکی دارند. از ضعف عملکرد غیرمتعهدها در این مورد و تجاوز عراق به ایران انتقاد کردم[1].

آقای عباس صفریان آمد. خواستار احالهٔ سمت سفارت بود. چهار ماهی است که از سفارت گابُن آمده است. آقای [محسن]رفیق دوست، [رییس بنیاد مستضعفان‌و جانبازان] و معاونان آمدند. برای اجرای برنامه‌های عمرانی، تجاری و خدماتی بنیاد مستضعفان استمداد کردند.

عصر، هیأت کنگره پان آفریقا[= سازمان ضدآپارتاید]آمدند؛ آنها برای رفع آپارتاید در آفریقای جنوبی مبارزه می کنند. برای ادامهٔ مبارزه، استمداد پولی و سلاحی کردند. توضیحات زیادی دربارهٔ آفریقای جنوبی و شیوه مبارزه و آپارتاید، [از آقای مک وتو

---

۱ - وزیر امورخارجه یوگسلاوی، در این ملاقات، با اشاره به اینکه یوگسلاوی، انقلاب اسلامی ایران را یک حادثهٔ بزرگ تلقی می کند و همواره سعی برگسترش روابط با ایران داشته است، آمادگی کشورش را برای همکاری بیشتر در همه زمینه‌ها ابراز داشت و ضمن قدردانی از مواضع صریح و روشن جمهوری اسلامی ایران در جنبش عدم تعهد، افزود: «با توجه به اینکه هم اکنون ریاست جنبش به عهده یوگسلاوی است و تلاش می کند با همکاری مشترک اعضا، در زمینه ایجاد یک حرکت منتهی به صلح در بحران خلیج فارس حرکت کند، خواستار نظرات سازنده و راهگشای جمهوری اسلامی در این راستا است.» وزیرامورخارجه یوگسلاوی ضمن قبول عدم برخورد جدی و اصولی جنبش عدم تعهد در قبال جنگ عراق علیه ایران، تلاش جدی جنبش عدم تعهد را در قبال بحران خلیج فارس ضروری دانست و اهداف کشورش در زمینه جلوگیری از بروز جنگ ، بررسی راه حل‌های سیاسی و اتخاذ تصمیماتی که به حضور نیروهای بیگانه در این منطقه حساس پایان دهد، برشمرد و گفت: «یوگسلاوی مصمم است در جهتی تلاش کند که جنبش عدم تعهد، بتواند مسئولیت تاریخی خود را در قبال این بحران جهانی ایفا کند.» سپس آقای هاشمی بااشاره به اینکه جمهوری اسلامی ایران تمایل دارد در زمان صلح همکاری بیشتری با یوگسلاوی داشته باشد، اظهار داشت: «تا هر حدی که امکانات اجازه دهد، زمینه همکاری بین دو کشوروجود دارد. در مورد بحران خلیج فارس، انتظار می‌رفت جنبش عدم تعهد، خیلی فعال‌تر عمل کند و بهتر بود قبل از لشکرکشی آمریکا، این جنبش اختلافات دو عضو خود را حل می‌کرد. در اینگونه بحران‌ها، نمی‌شود محافظه‌کارانه عمل کرد و هر دو طرف را راضی نگه داشت. این موضوع روشن است که عراق تجاوز کرده است و اگر تمام کشورهای غیرمتعهد، یکپارچه و قاطع متجاوز را محکوم می‌کردند، میدان برای آمریکایی‌ها این طور باز نمی‌شد. در دوران جنگ تحمیلی هم جنبش عدم تعهد، اقدامی جدی برای جلوگیری از تجاوز انجام نداد.»

رییس سازمان کنگره پان‌آفریقا] گرفتم[1].

[آقای عبدالله نوری]، وزیر کشور آمد. از اعتراض من در دولت و شورای اقتصاد نسبت به اقدام شهرداری تهران در بالا بردن نرخ تاکسی‌ها گله داشت. می‌خواست بیشتر به مأموران و مدیران اعتماد شود و میدان ابتکار داده شود. برای حل اختلافات جاری جناح‌ها مذاکره شد. آقای [عبدالله]عُقبایی فرمانده کمیته تهران را مسئول اقدام تحویل اجرای برنامه ۱۳ آبان به دفتر تحکیم وحدت دانست.

شب شورای انقلاب فرهنگی جلسه داشت. بخشی از طرح فرهنگ عمومی تصویب شد. دربارهٔ جهاد دانشگاهی، قرار شد که در خارج دانشگاه‌ها باشد، با جواز استفاده از امکانات دانشگاه‌ها، با موافقت رؤسای دانشگاه‌ها.

شب دکتر ولایتی، [وزیر امورخارجه]آمد. دربارهٔ برنامه سفر به عراق مشورت شد. فردا عازم عراق است. خبر داد سفیر سوئیس آمده و خبر داده که آمریکا تحریم علیه ایران را تمدید می‌کند. شب در دفترم ماندم.

چهارشنبه ۲۳ آبان ۱۳٦۹ | ۲۵ ربیع‌الثانی ١٤١١ — ١٤ نوامبر ١٩٩٠

تا ساعت نُه صبح کارهای عقب مانده انجام شد. دکتر [محمدعلی]نجفی، [وزیر آموزش و

۱- آقای «مک وُتو»، رییس سازمان کنگره پان‌آفریقا، در این دیدار ضمن اظهار خوشوقتی از سفر به ایران و تقدیم سلام ملتِ رنج‌دیدهٔ آفریقای جنوبی گفت: «کشور ما قربانی مطامع امپریالیست‌ها شده است و با وجود معادن بسیار غنی و ثروت‌های خدادادی در کشورمان، مردم در فقر و محرومیت به سر می‌برند. ما خواستار حمایت جمهوری اسلامی ایران از مبارزات حق‌طلبانهٔ مردم آفریقای جنوبی علیه آپارتاید هستیم.» سپس آقای هاشمی با خوشامدگویی به اعضای سازمان کنگره پان‌آفریقا، به تاریخ مبارزات مردم ستمدیده آفریقا اشاره کرد و گفت: «ما همواره از دیدن نیروهای فعال و مبارز راه عدالت که به منظور تحقق آرمان‌ها و اهداف‌شان تلاش می‌کنند، خوشحال می‌شویم. ما حمایت از مبارزه با مظاهر ظلم را در هر کجای دنیا برخود واجب می‌دانیم. این وظیفه‌ای است که اسلام برعهده ما گذاشته است. از نظر ما واژه آپارتاید و تبعیض نژادی، جزو منفورترین واژه‌های تاریخ است؛ چون از دیدگاه قرآن، هیچ تفاوتی میان انسان‌ها از لحاظ رنگ و نژاد نیست.» ایشان اعضای سازمان ضدآپارتاید کنگره پان‌آفریقا را به حفظ وحدت و یکپارچگی توصیه کرد و گفت: «تنها با وحدت است که می‌توانید در مقابل شیطنت دشمنانتان موفق شوید. ما خود این عامل «وحدت» را در کشورمان تجربه کرده‌ایم و پیروزی انقلاب اسلامی ایران و پشت سر گذاشتن هشت سال جنگ تحمیلی، موید این مهم است.»

پرورش]آمد. از ایذاء رادیکال‌های مجلس گله داشت. برای تعجیل در تصویب طرح تغییر نظام آموزشی استمداد کرد و خواست آقای [سید محمد]خاتمی، [وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی]را حمایت کنیم که با رادیکال‌ها اختلاف دارد.

آقای مهدی تاجر آمد. نظراتی دربارهٔ اوضاع منطقه داشت. خواستار برنامه‌ریزی برای حفظ شیعه و دادن قدرت به آنها در منطقه بود. دکتر [هادی]منافی، [رییس سازمان نظام پزشکی]آمد. گزارش سفر و وضع نظام پزشکی را داد و خواستار تقویت سازمان حفاظت از محیط زیست شد.

آقای [اسدالله]بادامچیان،آمد. مقداری از رادیکال‌ها بد گفت و از قوه قضائیه تعریف کرد و از سیاست‌های اقتصادی دولت تمجید کرد.آقایان [محمدعلی]شرعی، [سیدعلی‌اکبر]پرورش، [سیدرضا]زواره‌ای و [حسن]غفوری فرد، به نمایندگی از جناح راست آمدند و در مورد مسایل جاری و اختلافات و انتخابات آینده مجلس، مشورت و نظرخواهی نمودند.

عصر، محسن[هاشمی، رییس دفتر بازرسی رییس‌جمهور]آمد. گزارش هایی داد و برای امور خانوادگی و شخصی‌مان پول خواست. به جلسه دولت نرفتم. کارها را تا ساعت هشت شب انجام دادم. آقای [سید منصور]رضوی، [دبیرکل سازمان امور اداری و استخدامی کشور]آمد. از مدیریت امروز جلسه هیأت دولت گله داشت.

به خانه آمدم. عفت برای مراسم فوت یکی از بستگان به قم رفته بود.

پنج‌شنبه ۲۴ آبان ۱۳۶۹ | ۲۶ ربیع‌الثانی ۱۴۱۱ ۱۵ نوامبر ۱۹۹۰

ساعت هشت و نیم صبح به دفترم رسیدم. رؤسای واحدهای دانشگاه‌آزاد اسلامی آمدند. دکتر جاسبی گزارش داد و من صحبت کردم[1] و جوایز واحدهای ممتاز را دادم. بسیاری از

---

۱ - در بخشی از این سخنرانی آمده است: «اگر امروز به امر تحقیقات در دانشگاه‌ها توجه نشود، در آینده با مشکل روبرو خواهیم شد. اگر روزی استکبار جهانی، مانع ایجاد مراکز مستقل علمی و تحقیقاتی در کشورهای جهان سوم می‌شد، امروز با ظهور انقلاب اسلامی و الگو شدن این انقلاب برای ملت‌های جهان سوم، دیگر قادر به ادامه این سیاست نیست و ملت ایران نشان داده است که هر تصمیمی را که به مصلحت کشور بداند، به مرحلهٔ اجرا درآورده است. نقص اصلی در کشورهای جهان سوم، بی‌سوادی و پایین بودن سطح علم و دانش در نزد مردم این کشورها

آنها تقاضای خودرو برای حمل و نقل دانشگاه داشتند.

آقای رحمانی که از ساحفاجا[= سازمان حفاظت و اطلاعات ارتش] اخراج شده است، برای شکایت آمد؛ با آقای[اسدالله] لاجوردی، [رییس سازمان زندان‌ها و اقدامات تـأمینی و تربیتی]، همکاری می کند.

شورای‌عالی اداری[1]، اولین جلسه خود را به ریاست مـن تـشکیل داد. تـصمیماتی اتخـاذ شد؛ اختیارات وسیعی برای اصلاح اداری دارد[2]. عصر تا ساعت پنج، کارهای دفتر را انجـام دادم و به خانه آمدم.

بوده و بسیاری از رنج‌های ناشی از خلاء معنویت، نزد کشورهای جهان سوم و عقب مانده، به‌خاطر بی‌سوادی و یا کم‌سوادی مردم این کشورهاست.» ایشان ضمن قدردانی از تلاش مسئولان دانشگاه آزاد اسلامی، در مورد تحت‌پوشش قراردادن ۲۴۰ هزار دانشجوی تمام وقت و ده‌ها هزار دانشجوی پاره وقت، به کمبود امکانات دولت برای پوشش تحصیلی حدود یک میلیون جوان عاشق تحصیل در دانشگاه‌ها اشاره کرد و افزود : «با استفاده از امکانات مردمی، این دانشگاه، حرکت ارزشمندی را در این مدت کوتاه انجام داده است و انتظار می‌رود تا پایان برنامه پنجساله، تعداد دانشجویان این دانشگاه به ۵۰۰ هزار نفر افزایش یابد. البته دانشگاه آزاد اسلامی و دانشگاه‌های دولتی ، با یکدیگر به عنوان دو بازوی علمی کشور، موظف به همکاری هستند. امروز مشکلات دانشگاه آزاد اسلامی در مقایسه با مشکلات اولیه بسیار ناچیز است و این مرکز علمی، با تلاش پیگیر می‌تواند مشکلات خود را حل کند. ضمن اینکه فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های کشور، باید از نظر اخلاق و معنویت، در سطحی باشند که بتوانند عالمانی دلسوز، آگاه و پاک برای آینده کشور و جوامع اسلامی باشند.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی‌رفسنجانی، سخنرانی‌های ۱۳۶۹» ، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲.

۱ - شورای عالی اداری کشور ، به موجب قانون برنامه پنجساله اول و به منظور اصلاح نظام اداری در ابعاد مدیریت نیروی انسانی، تشکیلات سازماندهی و روش‌ها، به ریاست رییس‌جمهور و شرکت وزیران آموزش و پرورش، فرهنگ و آموزش عالی، یک نفر از وزیران وزارتخانه‌های تولیدی به انتخاب هیأت دولت، رییس سازمان‌های امور اداری و استخدامی و سازمان برنامه و بودجه و سه نفر از صاحب نظران امور اداری به انتخاب رییس‌جمهور تشکیل شده بود. این شورا در زمینه‌های ادغام یا انحلال سازمان‌ها و تشکیلات دولتی، محدود کردن تشکیلات و یا تنظیم روابط و سازماندهی ادارات تصمیم‌گیری می کند.

۲ -آقای هاشمی در اولین جلسه شورای عالی اداری کشور، بر لزوم انجام اصلاحات در کلیه ادارات و سازمان‌های دولتی تأکید کرد. ایشان همچنین تلاش در جهت تسهیل و تسریع در امور و مراجعات مردم را ضروری دانست. در این جلسه،آیین‌نامه داخلی شورا و کلیات طرح اصلاح اداری، پیشنهادی سازمان امور اداری و استخدامی کشور و سیاست‌ها و اولویت‌های اصلاح اداری در زمینه‌های مدیریت، تشکیلات، نیروی انسانی، سیستم‌ها و روش‌ها مورد بررسی قرار گرفت. همچنین کلیه وزارتخانه‌ها به عنوان مسئول نظارت بر حُسن اجرا و پیگیری برنامه اصلاح اداری در قلمرو وزارتخانه خود و سازمان‌های تابعه و دبیرکل سازمان امور اداری و استخدامی کشور، به عنوان مجری طرح‌های مصوب شورا تعیین شدند.

جمعه ۲۵ آبان ۱۳٦۹ | ۲۷ ربیع‌الثانی ۱٤۱۱ — ۱٦ نوامبر ۱۹۹۰

اول وقت با هلی‌کوپتر، همراه [آقای عبدالله نوری]، وزیر کشور و [آقای غلامحسین کرباسچی]، شهردار تهران، وضع شهر تهران را از بالا مشاهده کردیم. طرح‌ها و مناطق جدید شهر، در شمال، شرق، جنوب و غرب تهران را دیدیم.

سپس با اتومبیل، از شهرک‌ها و مناطقی که بدون مراعات ضوابط، در اطراف تهران، بعد از انقلاب ساخته شده و مشکلات زیادی برای امر تدارک و تسهیلات بوجود آورده، دیدن کردیم. سرانجام از کانال‌های زیرزمینی که برای انتقال آب‌های سطحی تهران در دست اجراست، بازدید شد[1].

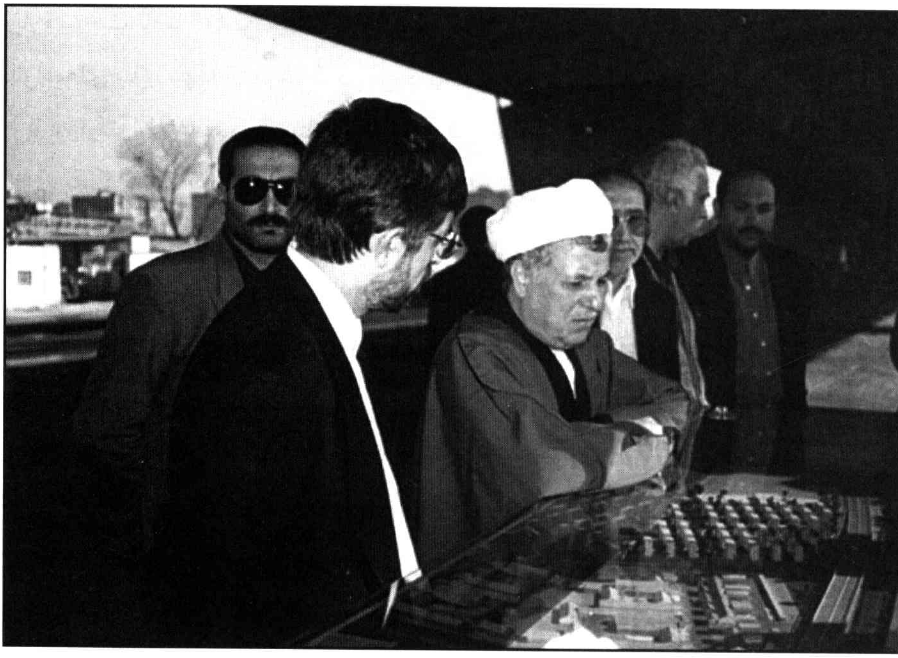
عصر دکتر ولایتی، [وزیر امورخارجه]آمد و گزارش سفر به عراق را داد. عراقی‌ها خیلی به سفر اهمیت داده‌اند. قرار شد آزادی اُسرا ادامه یابد و برای سفر زوّار برنامه ریزی شود. عراقی‌ها انتظار کمک ما در بحران خلیج فارس را دارند، ولی تقاضای صریح نکرده‌اند. حاجیه بی بی و بستگان آمدند.

شنبه ۲٦ آبان ۱۳٦۹ | ۲۸ ربیع‌الثانی ۱٤۱۱ — ۱۷ نوامبر ۱۹۹۰

بعد از صبحانه، ساعت هشت و نیم به دفترم رسیدم. دکتر حبیبی، [معاون اول رییس‌جمهور]، برای امور جاری آمد. آقای محمدرضا بهشتی، [فرزند شهید بهشتی]آمد.

---

۱ - آقای هاشمی در این بازدید پنج ساعته، نقاط مختلف شهر تهران به ویژه مناطق جنوب و غرب را مورد بازدید قرار داد. در این بازدید، شهردار تهران گزارشی از ساخت و سازهای خلاف و وضعیت نامطلوب بهداشتی و خدماتی این مناطق و برنامه‌های در دست طرح و اجرای شهرداری، شامل بزرگراه‌ها، مسیل‌ها، فضاهای سبز ارائه کرد. در پایان این بازدید، آقای هاشمی با اشاره به ضرورت رفع آلودگی‌های جنوب تهران و تأسیسات مزاحم و آلوده‌کننده، جهت تأمین سلامت مردم، رعایت بهداشت محیط و استفاده بهتر زمین در تهران، با رعایت مسایل شهرسازی را مورد تأکید قرار داد و گفت : «شهر تهران به شدت به بازسازی و نوسازی احتیاج دارد.» ایشان همچنین با مشاهده بافت موجود نقاط مورد بازدید، اعم از خیابان‌ها، ورزشگاه‌ها، فضاهای آموزشی، فضای سبز و آلودگی‌های ناشی از فاضلاب‌ها، بر رفع مشکلات موجود و ارائه خدمات بیشتر به مردم تأکید کرد. در دوران سازندگی، شهرداری تهران با حمایت ویژه آقای هاشمی، اقدامات مهم و اساسی برای کلانشهر تهران انجام داد، به نحوی که بحث تمام شدهٔ انتقال پایتخت به مکان دیگر، با اقدامات قابل تحسین آقای غلامحسین کرباسچی، شهردار موفق تهران، به کلی منتفی شد.



بازدید از پروژه های در دست اجرای شهرداری تهران



دربارهٔ ساخت یادمان مدفن شهدای هفتم تیر، مذاکره و استمداد کرد؛ گفتم با توجه به توقع خانواده‌های سایر شهدا اقدام شود. در مورد تحصیل‌اش و تحصیل برادرش صحبت شد.

از وزارت اطلاعات و دادستانی انقلاب آمدند. دربارهٔ آزادی و محاکمهٔ اعضای نهضت آزادی مذاکره شد. قرار شد به تدریج آزاد شوند؛ تأکید بر عدم فشار بر مردم و مدارا با متخلفان کردم. تاکنون سه نفر را آزاد کرده‌اند.

آقای [سیدکمال]خرازی، [نماینده دایم ایران در سازمان ملل]آمد و گزارش اقدامات در نیویورک را داد. عصر دکتر [حسن]روحانی آمد. دربارهٔ برنامه شورای عالی امنیت ملی صحبت شد.

شورای‌عالی امنیت ملی جلسه داشت. دکتر ولایتی گزارش سفر به عراق را داد. دربارهٔ کیفیت آزادی بقیه اسرا و برنامه سفر زوّار مذاکره شد. تصمیم گرفتیم که تا سقف ۲۰هزار زایر در هفته پیشنهاد کنیم. قرار شد هیأتی، در آخر هفته، وضعیت اسرایی که نیامده‌اند، بررسی کنند. وزارت اطلاعات می‌گوید حدود ۵ هزار اسم اسیر داریم که دلایلی بر اسارت آنها داریم و هنوز نیامده‌اند.

در مورد عرب‌های مرزی خوزستان که اوایل جنگ به عراق رفته بودند و با صدام همکاری داشته‌اند، مذاکره شد. وزارت اطلاعات تعداد آنها را ۷۵ هزار نفر می‌داند که حدود ۱۰هزار نفرشان در «لشکر الاحواز» اسم نوشته و به نفع عراق عمل می‌کرده‌اند. قرار شد آنها را به سادگی نپذیریم و بر فرض آمدن، بازداشت و محاکمه شوند و حتی الامکان به نقطه‌ای دیگر، غیر از خوزستان اعزام شوند. آقای [عبدالله]نوری، [وزیرکشور]، خواست که قطعات یدکی تاکسی‌ها را با نرخ دولتی تأمین کنیم.

شب با احمدآقا، مهمان رهبری بودیم. دربارهٔ مسایل عراق و منطقه و آزادی [اعضای دستگیرشدهٔ] نهضت آزادی، مذاکره شد.

یکشنبه ۲۷ آبان ۱۳۶۹ | ۲۹ ربیع‌الثانی ۱۴۱۱ — ۱۸ نوامبر ۱۹۹۰

ساعت هفت و نیم صبح به دفترم رسیدم. در اخبار و گزارش‌ها، مسایل مهم، مربوط به تغییرات در شوروی و همچنین تحرکات آمریکا برای فشار بیشتر بر عراق بود. آقایان

[مسعود روغنی]زنجانی، [رییس سازمان برنامه و بودجه] و [معاونش، مسعود]نیلی آمدنـد و کلیات بودجه سال ۷۰ را توضیح دادند.

آقـای [محمدرضـا]یـزدان‌پنـاه آمـد. توضـیحاتی دربـارهٔ منطقـه آزاد چابهـار داد، ولـی نتوانست از نظراتش دفـاع کنـد؛ گفـتم بـرود بیـشتر بررسـی کنـد و نتیجـه را بیـاورد.آقـای [حسین]محلوجی، [وزیـر معـادن و فلـزات]آمـد. از فـشارهای وزارت اطلاعـات بـر بعـضی مدیرانش شکایت کرد؛ به آقای [علی]فلاحیان، [وزیر اطلاعات]، گفتم رسیدگی کند.

سران مجاهدان افغانستان، [به سرپرستی آقای صِبغت الله مجدّدی، رییس‌جمهـور دولـت موقت افغانستان]آمدند. آنها خواستار حمایـت بیـشتر شـدند و از بعـضی برخوردهـا کـه در ایران، نسبت به بعضی افاغنه متخلف می‌شود، گله داشتند؛ گفتم باید کاری کنیم که تخلف نکنند. در مورد افغانستان برضرورت اتحاد و گذشت در مقابل همرزمان‌شان تأکید کـردم[1]. محسن آمد و در مورد کارهای خودمان صحبت شد.

عـصر در جلـسه هیـأت دولـت شـرکت کـردم. [انتـصاب آقایـان محمـود شـریفیان و یحیی‌محمدزاده]، استانداران زنجان و ایلام تصویب شد. شـهرداری تهـران، قـرار شـد نـرخ کرایه تاکسی را که اخیراً گران کرده، در مقابـل دادن قطعـات یـدکی و لاسـتیک، بـا نـرخ دولتی تعدیل کند.

شب مهمان رهبری بودم. دربارهٔ اختلاف وزارت اطلاعات و شرکت مخابرات، بـر سـر کنترل تلفن و مسایل جاری دیگر کشور مذاکره کردیم.

دوشنبه ۲۸ آبان ۱۳۶۹ | ۳۰ ربیع‌الثانی ۱٤۱۱ ۱۹ نوامبر ۱۹۹۰

[آقای فوزی الجاسم]، سفیر جدید کویت، برای تقدیم استوارنامه آمد. با او گـرم گـرفتم و سئوال‌هـای زیـادی نمـودم و دلجـویی کـردم. آقـای [علیرضـا]معیـری، [مـشاور بـین‌الملـل

---

۱ - آقای صبغت الله مجددی، با اظهار خوشوقتی از ملاقات با آقای هاشمی اظهار داشت: «سفر ما به جمهوری اسلامی ایران، دارای ثمرات پرباری بوده است و بحمدالله توانستیم با همکاری دیگر برادران، کمیته‌ای را به‌منظور پیشبرد مسایل سیاسی افغانستان پایه‌گذاری نماییم.» ایشان اظهار امیدواری کرد که با همکاری‌های بی‌شائبه و ابتکار عمل جمهوری اسلامی، مساله افغانستان در بعد سیاسی موفق و وارد مرحله ثبات، آرامش و بازسازی در آن کشور شود.

رییس‌جمهور] آمد و گزارش سفر به ژاپن و تایلند را دارد.

آقای سراج[الدین موسوی، فرمانده سابق کمیته های انقلاب اسلامی]آمد. او به عنوان رایزن فرهنگی، عازم پاکستان است. با لحن مودبانه، از وزیرکشور به خاطر ادغام نیروهای انتظامی انتقاد نمود. از تندروهای رادیکال‌ها هم انتقاد می‌کرد؛ متأثر شدم. از احمدآقا و آقای [مهدی]کروبی و چند نفر دیگر، به خاطر برخوردشان با آقای [حسینعلی] منتظری انتقاد داشت.

آقای مسیح مهاجری، [مدیر روزنامه جمهوری اسلامی]آمد. برای چاپخانه روزنامه استمداد کرد و ارز خواست. با او درباره سیاست‌های جاری کشور، برای اطلاع جراید صحبت شد. آقای [سید محمود]دعایی، [مدیر روزنامه اطلاعات]آمد. برای نوسازی چاپخانه موسسه اطلاعات، استمداد کرد و ارز خواست.

عصر به جای شورای اقتصاد، برای تصویب زودتر بودجه، جلسه هیأت دولت گذاشتیم؛ تبصره‌ها در دستور است. پیشرفت خوبی داشتیم. شب برای انجام کارها در دفترم ماندم.

سه‌شنبه ۲۹ آبان ۱۳۶۹ | ۱ جمادی‌الاول ۱۴۱۱ — ۲۰ نوامبر ۱۹۹۰

[آقای اوزبرس سیلوا]، وزیر زیربنایی برزیل آمد. توضیحاتی دربارهٔ وضع کشورش گرفتم؛ تشابهات زیادی داریم. امکان همکاری فراوان داریم[۱]. مهندس[میرحسین]موسوی، [مشاور سیاسی رییس‌جمهور]، که با جمعی از همفکرانش برای بررسی وضع مناطق زلزله‌زده رفته بودند، آمدند و گزارش جامعی آوردند؛ نقاط قوت، ضعف، نیازها و اقدامات لازم آینده را

---

۱ - وزیر زیربنایی برزیل در این ملاقات درباره نفت، سد سازی، کشاورزی و نیشکر، تبادل تکنولوژی و آموزش به رایزنی پرداخت. آقای سیلوا، آمادگی کشورش را برای همکاری‌های فنی و مهندسی، انتقال تکنولوژی و مبادله کارشناس اعلام کرد و گفت: «کشورهای توسعه یافته، همواره برهمکاری بین یکدیگر در زمینه تولیدات صنعتی تأکید دارند. بنابراین کشورهای در حال توسعه نیز که در زمینه کشاورزی فعالیت خوبی دارند، باید برای مقابله با هجوم اقتصادی کشورهای پیشرفته، همکاری نزدیکی با یکدیگر داشته باشند.» سپس آقای هاشمی با اشاره به اینکه گسترش روابط اقتصادی به نفع دو کشور ایران و برزیل است،گفت: « سطح روابط دو کشور باید بیش از این گسترش یابد و برزیل می‌تواند در روابط خود با ایران در زمینه‌های سدسازی، توسعه راه‌آهن، صنایع فرعی پتروشیمی، صنعت نیشکر و کشاورزی فعالیت داشته باشد.»

جمع‌بندی کرده بودند؛ نتایج بررسی آنها، تقریباً همان است که خودم در سفر به آن رسیده بودم.

مجدداً با مهندس موسوی و جمعی دیگر از همفکرانش که اقدام به تأسیس یک مؤسسه تحقیقاتی غیرانتفاعی غیردولتی[توسعه دانش و پژوهش]کرده‌اند، ملاقات داشتیم. برای امکانات و ارجاع کارهای دولتی استمداد نمودند؛ تشویق‌شان کردم، به خاطر اینکه، جریان معروف به اعتقاد بر دولتی‌کردن کارها، به این اقدام دست زده‌اند. شبیه کار دانشگاه آزاد اسلامی است، منتهی به طور محدود و در بخش تحقیقات؛ قول کمک دادم. گفتند متعهد هستند که این مؤسسه را سیاسی نکنند.

ظهر، عفت با اضطراب آمد و از اینکه یاسر که به یزد رفته، در فرودگاه دیده نشده و پاسداران نتوانسته‌اند او را پیدا کنند، سخت ناراحت بود. محسن را هم احضار کرد؛ معلوم شد در تهران، سوار بر هواپیما شده است. قرار بوده برای بازدید از طرح پرورش شتر، به اداره کشاورزی یزد برود. مدتی با این وضع گذشت؛ نتوانستم عفت را قانع به آرامش و خونسردی کنم. بالاخره حدود ساعت یک بعد از ظهر، یاسر و ناصر- عموزاده‌اش- از اداره کشاورزی یزد تماس گرفتند؛ راحت شدیم و عفت از اضطرابِ بی‌جا پشیمان شد.

عصر برای بازدید از یک مدرسه نهضت سواد آموزی به خیابان نظام‌آباد، [واقع در شرق تهران]رفتیم[1]. سرشب دکتر [محسن]نوربخش، [وزیرامور اقتصادی و دارایی]آمد. برای سیاست ارزی مطالبی داشت. مجمع تشخیص مصلحت جلسه داشت. بررسی قانون

---

۱ - در این بازدید دو ساعته که آقای محسن قرائتی، نماینده ولی فقیه در نهضت سوادآموزی نیز حضور داشت، آقای هاشمی، ضمن گفت و‌گو با آموزشیاران و سوادآموزان، بر ادامه جدی و فعالانه طرح بسیج سوادآموزی تأکید کرد. ایشان در پایان این بازدید اظهار داشت: «مرحله اول طرح بسیج سوادآموزی، نسبتاً رضایت بخش بود و براساس آمار موجود، در این مرحله حدود ۸۵۰ هزار نفر شرکت کردند. در مرحله دوم با توجه به اینکه در زمستان برگزار خواهد شد و مردم روستاها نیز نوعاً وقت بیشتری دارند، امید می‌رود که استقبال خوبی از آن به عمل آید. در این زمینه من اصرار دارم که مرحله دوم از همه جوانب بهتر از مرحله اول برگزار شود.» آقای هاشمی در پاسخ به این سئوال که سوادآموزی چه نقشی در دوران رشد و سازندگی کشور دارد؟ گفت: «در کلاس‌هایی که بازدید کردم، اکثراً خانم‌ها، خانه‌دار و گرفتار کار زندگی بودند. خودشان اذعان داشتند که شرکت در کلاس‌های سوادآموزی، تأثیر زیادی در روحیه و اداره زندگی‌شان داشته است. اما آنچه که ما به طور تحلیلی می‌توانیم نظر بدهیم، این است که یک خانم و آقای باسواد در برخورد با زندگی و نحوه تربیت کودکان خود، قطعاً با یک فرد بی‌سواد تفاوت دارد. بی‌شک از لحاظ رشد فکری و تربیت خانوادگی و تأثیر در محیط خانواده ارتقای کیفی قابل توجهی خواهند داشت.»

کار به اتمام رسید.

چهارشنبه ۳۰ آبان ۱۳۶۹ | ۲ جمادی‌الاول ۱۴۱۱ ۲۱ نوامبر ۱۹۹۰

ساعت هشت و نیم صبح به دفترم رسیدم. جمعی از بسیجیان نمونه ادارات آمدند. برایشان به مناسبت هفته بسیج سخنرانی کردم[1]؛ هنوز پرشورند. [آقای سراج‌الدین کازرونی]، وزیر مسکن و شهرسازی آمد. دربارهٔ برنامه اجرایی ساخت ۵۰۰ هزار مسکن در برنامه [پنجساله اول]، گفت که می‌توانند، متری حدود ۱۰ هزار تومان، با ارز رقابتی و ترجیحی با اقساط بیست ساله بفروشند. همچنین گفت که تکنیک‌های جدید ساختمان را می‌خواهند از فرانسه بگیرند.

---

۱ - آقای هاشمی گفت: «بسیج باید به‌عنوان یکی از پایگاه‌های مهم اجرای احکام الهی، همچنان به فعالیت پویای خود ادامه دهد و شما بسیجیان، پاسداران ادارات در این نظام مقدس اسلامی هستید. نهاد مقدس بسیج که با خون خود شجره اسلام را آبیاری کرده است، باید ارزش‌های واقعی‌اش را همچون گذشته حفظ کند و این ارزش‌ها با تداوم عملکرد مطلوب بسیجیان حفظ خواهد شد. در تاریخ انقلاب ما، نقاط درخشان و قابل توجهی وجود دارد؛ یکی از نقاط برجسته، نهاد مقدس بسیج است و این تعبیر حضرت امام که « بسیج از الطاف خفیه الهی است » مانند این نهادِ مقدس، ماندنی خواهد بود. ارزیابی تأثیر وجود این نهاد مقدس کار آسانی نیست و ما نمی‌توانیم منافعی که در کوتاه‌مدت و درازمدت برای بسیج مترتب بود، به‌درستی دریابیم. تفکر بسیجی روحیه‌ای است که باید همیشه تداوم یابد تا جامعه در حال تعادل و سعادت نگه داشته شود. در مراحل شکل‌گیری انقلاب، چیزی به‌نام « بسیج » طراحی نشده بود. همهٔ شواهد نشان می‌دهد که خداوند، این تفکر و روحیه را در ذهن رهبر انقلاب نازل فرمودند و اگر این تفکر در جامعه گسترش نمی‌یافت، نیروهای مخلص ما شناخته نمی‌شدند. حضور بسیجیان در جبهه و ادارات در دوران دفاع مقدس و بعد از آن تأثیر مثبت داشته است. عزیمت داوطلبانهٔ کارکنان مخلص، فداکار و با گذشت ادارات و کارخانجات به‌جبهه‌ها، جامعه و کارکنان ادارات و خانواده‌ها را با معنویت آشنا می‌کرد و این خیل عظیم را به‌عنوان پشتیبان جبهه‌ها به صحنه آورد. این بسیجیان در بازگشت از جبهه‌های نبرد نیز، روحیه و معنویت و عطر جبهه‌ها را با خود به خانه و اداره می‌آوردند و این حرکت در دوران دفاع مقدس برای کل جامعه سازنده بود. حضور بسیجیان ادارات در جبهه‌ها، باعث اصلاح روحیه کارمندان می شد و کارکنان ادارات را به‌خود و خدا نزدیکتر می‌کرد، لذا سازندگی بسیج فقط در جبهه‌ها نبود، بلکه آثار آنان در کل جامعه متبلور می‌شد. سیاست دولت این است که روحیهٔ بسیجی در ادارات تداوم یابد و نهاد مقدس بسیج، حضورش را در همه صحنه‌ها حفظ کند و نیروهایی که این سرمایهٔ عظیم را همراه خود دارند، احساس نکنند که تکلیف آنها با خاتمه جنگ پایان یافته، بلکه تکلیف بسیجیان این است که برای استمرار افکار بلند حضرت امام ، این روحیه را گسترش دهند. بسیجیان ادارات، باید ضمن حفظ حالت و روحیه اسلامی در ادارات، مدیریت را تقویت کنند.» رجوع کنید← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های ۱۳۶۹» ، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲.



سخنرانی در جمع بسیجیان ادارات

[آقای برونو بوتای]، فرستادهٔ ویژه نخست وزیر ایتالیا، با نامهٔ او آمد. بیشتر در مورد توسعه روابط ما با ایتالیا و بازار مشترک گفت. مدعی است آمریکا درباره مسأله کویت تکروی می‌کرده و اخیراً با اروپا و شوروی، به تفاهم رسیده‌اند که تحت برنامه شورای امنیت[سازمان ملل] عمل کنند. همچنین گفت که آقای [جولیو]آندره ئوتی، [نخست وزیر ایتالیا]، به‌زودی به تهران می‌آید. او از سیاست‌های جدید ایران تمجید کرد.

[آقای عبدالکریم الایریانی]، وزیر خارجه یمن آمد[1]. شرح مفصلی از خسارات یمن در

---

۱ - در این ملاقات، ابتدا وزیر امورخارجه یمن، با اشاره به ملاقات‌ها و مذاکرات مفیدی که در تهران داشته است، نقش حساس و تعیین‌کنندهٔ جمهوری اسلامی در تحولات منطقه خلیج فارس را مورد تأکید قرار داد و گفت: «ما موضع اصولی جمهوری اسلامی را در بحران اخیر ستایش می‌کنیم و اعلام می‌داریم که یمن نیز همچون شما اشغال کویت را محکوم کرده و حضور نیروهای بیگانه را در منطقه خلیج فارس تحمل نخواهد کرد.» او سپس گزارشی از تحولات کشورش را پس از اعلام وحدت دو یمن ارائه کرد و خواستار گسترش و تعمیق هر چه بیشتر روابط دو کشور ایران و یمن در همه زمینه‌های مورد علاقه طرفین گردید و از فشارهایی که توسط عربستان سعودی نسبت به یمنی‌های مقیم عربستان وارد می‌شود انتقاد نمود. سپس آقای هاشمی از گسترش همکاری‌ها و مناسبات دو کشور مسلمان ایران و یمن استقبال کرد و اظهار داشت: «ما عمیقاً علاقه‌مندیم که با یمن همکاری و ارتباطات گسترده‌تری داشته باشیم، به ویژه آنکه می‌دانیم مردم مسلمان دو کشور علاقمندند بیش از گذشته با هم ارتباط داشته باشند. ما

اثر مسأله [اشغال]کویت، از لحاظ قطع کمک‌ها و اخراج یمنی‌های مهاجر به کویت داد. مدعی است عربستان سعودی با اینکه از جنگ می‌ترسد، با فشار آمریکا تسلیم می‌شود. از ما کمک خواست: نفت نسیه.

احمدآقا تلفنی گفت که رهبری، آقای [اسماعیل]فردوسی‌پور را برای مسأله زوّار کربلا، نماینده کرده‌اند و این امر باعث رنجش آقای [سید مهدی]امام جمارانی، [رییس سازمان اوقاف و امور خیریه] شده و ایشان از سمت نمایندگی در مسأله زوّار سوریه استعفا داده است.

عصر در جلسه هیأت دولت شرکت کردم. بحث دربارۀ تبصره‌های بودجه در دستور بود؛ به تبصره ۱۰ رسیدیم. تا ساعت نُه شب در دفترم کار کردم و به خانه آمدم. یاسر به رفسنجان رفته است.

نباید اجازه دهیم که در تاریخ دنیا ثبت شود که آمریکا با لشکرکشی به این منطقه، فتنه‌ای را خواباند و خود کشورهای منطقه، نتوانستند راساً اقدام کنند. ما معتقدیم ضرر معنوی این عمل آمریکا بیش از ضرر مادی آن برای مردم منطقه است.»

آذر ۱۳۶۹



پنج‌شنبه ۱ آذر ۱۳۶۹ | ۳ جمادی‌الاول ۱۴۱۱ ۲۲ نوامبر ۱۹۹۰

ساعت هفت و نیم به دفترم رسیدم. تا ساعت نُه صبح، کارهای مانده انجام شد. [آقای علی دانش منفرد]، استاندار فارس آمد. گزارش وضع استان را داد. از تنازع دو جریان در مجلس انتقادکرد و پیشنهاد سفر من به فارس را داشت. بازرسی و نظارت بیشتر مرکز بر استان‌ها را خواست.

آقایان [علی]رازینی و [علی] نیازی از دادگاه نظامی آمدند؛ نیازها را گفتند و گزارش پرونده باند فاسد شهرداری تهران را دادند. ظهر مهدی آمد؛ دربارهٔ اسکله بندرعباس که به کره‌ای‌ها داده‌اند، مطالبی گفت؛ ادعا داشت داخلی‌ها می توانند انجام دهند.

رؤسای دانشگاه‌ها، همراه وزیر علوم[= فرهنگ و آموزش عالی] و معاونان آمدند. دکتر[مصطفی]معین گزارش داد و خواسته‌ها را مطرح کرد؛ برایشان مفصلاً صحبت کردم[۱] و وعدهٔ کمک دادم. عصرآزادگان نیروی زمینی ارتش آمدند. برایشان صحبت کردم[۲]. تا ساعت هفت بعد ازظهر، در دفترم بودم.

---

۱ - در بخشی از این سخنرانی آمده است: «استقلال کشور و اعتلای جامعه انقلابی، به هماهنگی و تلاش نیروهای مخلص دانشگاهی، اعم از مدیران، اساتید، محققان و دانشجویان بستگی دارد. راه استقلال کشور از میان مراکز آموزش عالی و تحقیقاتی می‌گذرد . برای رسیدن به استقلال اقتصادی، باید استعدادها و منابع مادی کشور نقد شود؛ ابزار لازم برای کسب این امکانات، دانشگاه ها و مراکز تحقیقاتی است . باید دانشمندان، با سعه صدر بیشتری از سوی مسئولان کشور مواجه شوند، به طوری که با مدیریت صحیح، میدان عمل برای عالمان و متخصصان آگاه و دانشمندان متعهد باز باشد. رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های ۱۳۶۹» ،دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۹۲.

۲ - در بخشی از این سخنرانی آمده است: «آزادگان ارتش می‌توانند نیروهای مؤثری در فعال‌تر شدن ارتش جمهوری‌اسلامی ایران باشند. آزادگان ارتش با روحیهٔ بالایی که از دوران اسارت دارند، در مسئولیت‌هایی که در آینده برعهده خواهند داشت، تأثیر جدی و مؤثری در کاراتر شدن نیروهای مسلح از خود به‌جا خواهند گذاشت. شما در دوران جنگ و اسارت در خدمت اسلام و انقلاب بودید و صلابت انقلاب را با تحمل سختی‌ها و دشواری‌های دوران اسارت حفظ کردید. آتش‌افروزان به‌خیال آنکه نیروهای مسلح ما آمادگی کافی برای دفاع از کشور را ندارند، برای شکست انقلاب به ایران حمله کردند، اما امروز پس از گذشت ده سال از آغاز جنگ، شیاطین دنیا اعتراف کرده‌اند که ما توانستیم در مقابل همهٔ شرارت‌های دشمن مقاومت کنیم. ارتش ایران با محدودیت‌های تدارکاتی و تسلیحاتی زیادی که روبرو بود، هشت سال مقاومت کرد و امروز توان نظامی ایران از زمان آغاز جنگ به مراتب بالاتر است. ناوگان هوایی نیروی هوایی و هوانیروز اکنون بسیار فعال‌تر شده و صنایع نظامی رشد قابل توجهی کرده که با قبل از جنگ قابل مقایسه نیست. سپاه نیز در کنار ارتش رشد شایان توجهی کرده و همچون بسیاری از ارتش‌های مدرن دنیا، عملیات فوق‌العاده‌ای را به مرحله اجرا درآورد. امروز پس از تحمل یک دهه جنگ و مقاومت، آثار

سرشب وزیر لیبیایی به ملاقات آمد. برای توسعه روابط حرف زدیم. مذاکرات دوستانه و تشریفاتی بود[۱]. آقای[هادی] نژاد حسینیان، [وزیر صنایع سنگین]آمد. گزارش شروع تولید خودروهای پیکان و پژو و برنامه فروش آنها را داد. به خانه آمدم. فاطی و سعید و بچه‌ها هم آمدند.

جمعه ۲ آذر ۱۳۶۹ | ٤ جمادی‌الاول ١٤١١ — ۲۳ نوامبر ۱۹۹۰

در منزل بودم. وقت با استراحت و مطالعه تاریخ معاصر و همچنین ملاقات با بستگان گذشت. از دفترم خبر دادند، هواپیمای حامل ژنرال نجیب الله، رییس‌جمهور افغانستان که از فضای ایران عبور می‌کند، دچار نقص فنی شده و اجازه می‌خواهد که در فرودگاه فرود آید؛ موافقت کردم.

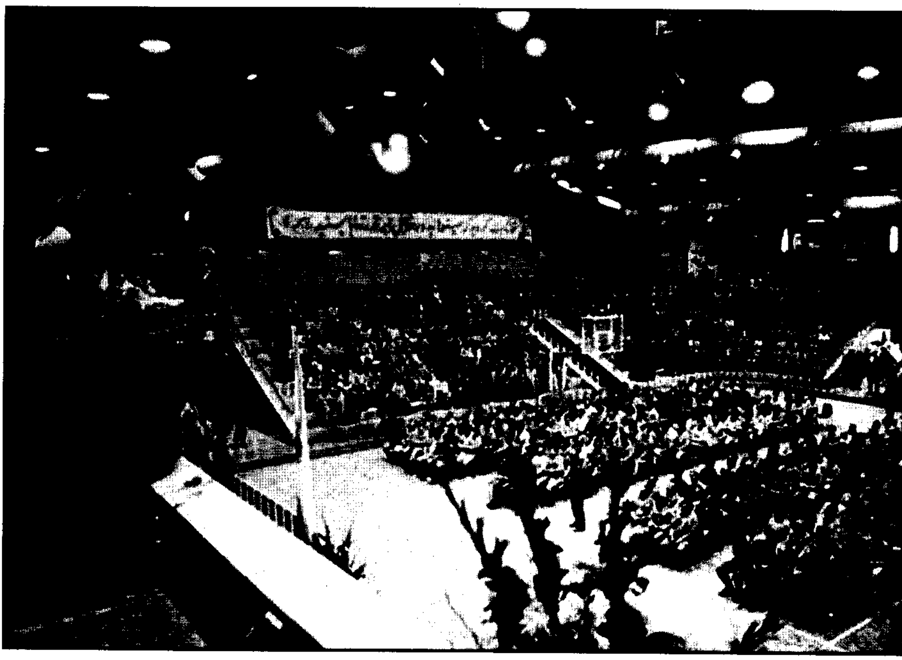
شنبه ۳ آذر ۱۳۶۹ | ٥ جمادی‌الاول ١٤١١ — ٢٤ نوامبر ۱۹۹۰

ساعت هشت و نیم صبح، برای شرکت در مراسم افتتاح هفته بسیج، به ورزشگاه شهیدشیرودی رفتم؛ اجتماع پرشوری بود. برایشان سخنرانی کردم[۲]. به دفترم رفتم.

کمی از جنگ در کشور دیده می‌شود، زیرا مردم یکپارچه در خدمت جنگ بوده و صبر و تحمل آنان پایان خوبی برای جنگ به همراه داشت.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های ۱۳۶۹» ، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۹۲.

۱ - دکتر فتحی شتوان، وزیر صنایع لیبی، در دیدار با آقای هاشمی، گزارشی از مذاکرات خود با مسئولین جمهوری اسلامی ایران در زمینه گسترش روابط دوجانبه و همکاری های فیمابین ارائه کرد. آقای هاشمی نیز ضرورت توسعه روابط اقتصادی و صنعتی دو کشور را مورد تاکید قرار داد و گفت: «با توجه به دوستی ها و هم هدفی های فراوانِ دو کشور، همکاری ها کمتر از دوستی هاست.»

۲ - آقای هاشمی گفت : «اصل فلسفه تشکیل بسیج، به خاطر یک اصل اسلامی و قرآنی است که به ما دستور داده است، آمادگی دفاعی خود را در حد اعلاء حفظ کنیم و امکانات خود را به منظور جلوگیری از طمع و تهاجم دشمنان به‌عنوان بازدارنده از خطرها حفظ کنیم. این اصل را با آیه شریفه «وَ أَعِدّوا لَهُم مَاستَطَعتُم مِن قُوَّة» اعلام داشته است. بسیج بر حسب تصادف در زمان جنگ تشکیل یافت و لذا درخشندگی‌های فوق حد معمول بروز داد و به عنوان یک نهاد بسیار شریف و محبوب و فداکار، جای خود را در جامعه باز کرد و ما نباید از این سرمایه غفلت کنیم. نباید این فکر غلط جا بیفتد، حالا که جنگ نیست، دیگر وجود بسیج و ارتش بیست میلیونی بی‌مورد است، بلکه برعکس،



سخنرانی در جمع بسیجیان

آزادگان جدیدالورود - افرادی که در دادگاه‌های عراقی محکوم شده بودند و با توافق اخیر آزاد شده‌اند - آمدند. قرآن و سرود خواندند. صحبت کوتاهی نمودم[1].

همان نیاز زمان جنگ وجود دارد و حضور نیروهای مردمی در کنار نیروهای مسلح کارساز است. امروز ما باید از آن سرمایه استفاده کنیم و نیروهای مخلص را با نشان دادن افق‌های تازه‌تری تشویق و جذب کنیم و آنها را با دادن آموزش‌های لازم آماده نگه داریم. بسیج می‌تواند انواع کارهای خیرخواهانه و پیشاهنگی را که ممکن است انسان برای جامعه خودش به طور داوطلبانه انجام دهد، در زمان صلح به عهده بگیرد. فعالیت‌های خود را در زمینه‌های ورزشی، کارهای هنری و سرگرمی‌های مؤثر و مفید ادامه دهد و همه نیروهای مؤمن و علاقه‌مند به خدمت به اسلام را در همه جای جامعه جمع کرده و نقش بازوی پرتوان مردمی برای نظام و خصوصاً مقام معظم رهبری را ایفا کند.»
رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های ۱۳۶۹»، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۹۲.

۱- آقای هاشمی به مناسبت ولادت با سعادت حضرت زینب کبری(س) گفت: «آزادگان با ورودشان به میهن اسلامی، حالت کاملاً جدیدی در کشور به‌وجود آوردند و یک بار دیگر انقلاب اسلامی را شاداب و مردم را خرسند ساختند. ما از سرنوشت آزادگانی که به اسم محکومیت در عراق گرفتار بودند، نگران بودیم و می‌دانستیم که معمولاً محکومیت آنها در اثر مقاومت بیشتر و تسلیم نشدن در مقابل خواست بعثی‌ها بوده است که بحمدالله این نگرانی با آمدن شما برطرف شد و امیدواریم نگرانی نسبت به‌وضع دیگران هم رفع شود. هنوز مسالهٔ بازگشت کامل آزادگان تمام نشده و بلاتکلیفی باقی‌مانده است. مسالهٔ مفقودین در عراق، باعث نگرانی ماست. تا این مسأله حل نشود طبعاً مذاکرات ادامه خواهد داشت و عراقی‌ها نیز باید جواب قانع کننده‌ای به ما بدهند. لیستی از نام افرادی که به نحوی

[آقای کالینز]، وزیر امورخارجه ایرلند آمد[1]. مذاکرات معمولی بود؛ اولین وزیر خارجه از جامعه اقتصادی اروپا است که بعد از تحریم مربوط به سلمان رشدی به ایران آمده است.
عصر شورای‌عالی امنیت ملی جلسه داشت. دربارهٔ تسلیح عشایر و مسلح بودن پایگاه‌های بسیج صحبت شد و تصمیماتی گرفتیم. تا ساعت هشت شب در دفترم ماندم.
آقای [سیروس]ناصری، [سفیر ایران در مقر اروپایی سازمان ملل] آمد. برای سفر به عراق دربارهٔ مذاکرات مشورت کرد. با آیت‌الله خامنه‌ای، دربارهٔ همراهی نماینده ایشان با هیأت عازم به عراق، مذاکره کردیم.

یکشنبه ٤ آذر ۱۳٦۹ | ٦ جمادی‌الاول ۱٤۱۱ — ۲۵ نوامبر ۱۹۹۰

ساعت هفت و نیم صبح به دفترم رسیدم. کارها را انجام دادم. سپس با [آقای یوسف بن‌علوی]،وزیر امورخارجه عمان ملاقات کردم[2]؛ مثل سابق از حتمی بودن جنگ می‌گفت.

دلیلی بر اسارت‌شان در دست عراقی‌ها داریم، تهیه شده و کسانی که اسم یا عکس‌شان در جراید عراق منتشر شده یا صدا و تصویرشان از رادیو و تلویزیون عراق پخش شده، یا افراد دیگری آنها را در عراق دیده‌اند و یا سند دیگری وجود آنها را در عراق ثابت کرده است، جمع‌آوری شده و آنها باید جواب روشن بدهند و قاعدتاً صلیب سرخ و دیگران نیز در این زمینه مسئول پیگیری خواهند بود.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های ۱۳٦۹» ، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲.

۱ - وزیر امورخارجه ایرلند، در این دیدار اظهار داشت که دولت متبوع وی، برای گسترش روابط با جمهوری اسلامی ایران اهمیت زیادی قائل است. او ضمن اشاره به بحران خلیج فارس گفت: «اهمیت جمهوری اسلامی در منطقه حساس خلیج فارس، برکسی پوشیده نیست و ما معتقدیم که کشور شما قادر است، نقش بسیار مهمی در جلوگیری از برخورد نظامی در منطقه خلیج فارس به عهده گیرد.» وزیر امورخارجه ایرلند، در پایان موضع جامعه اروپا برای خروج بدون قید و شرط عراق از کویت را اعلام کرد. سپس آقای هاشمی نیز در ارتباط با بحران خلیج فارس، ضمن تأکید بر ضرورت حفظ امنیت منطقه به وسیله کشورهای منطقه گفت: «سیاست‌های غرب به ویژ آمریکا در ارتباط با منطقه دچار تناقض است. آنها از یک سو مرتباً اسرائیل را تقویت می‌کنند و از سوی دیگر به اسم امنیت منطقه، نمی‌گذارند در کشورهای اسلامی و عربی، نیرویی که بتواند در مقابل اسرائیل بایستد، وجود داشته باشد. این سیاست از نظر جهان اسلام نادرست است و حقوق ملت فلسطین باید تأمین شود.» ایشان همچنین با تشکر از سلام‌های دوستانه مسئولین کشور ایرلند، از گسترش و تعمیق روابط ایران با ایرلند استقبال کرد و افزود: «ما امیدواریم، سطح همکاری‌ها و روابط فیمابین، بهتر از گذشته باشد و هر چه بیشتر در همه زمینه‌های مورد علاقه توسعه یابد.»

۲ - در این دیدار، آقای یوسف بن علوی، پیام سلطان قابوس، پادشاه عمان را در خصوص آخرین وضعیت منطقهٔ خلیج فارس، تقدیم کرد و گزارشی از مذاکرات خود با مسئولان ایرانی ارائه داد . سپس آقای هاشمی، با تشکر از

آقای [علی‌اکبر]ناطق‌نوری، [نماینده تهران]آمد. مقداری دربارهٔ سیاست‌های اقتصادی و اقدامات شهرداری و مسایل مجلس و تندروها صحبت شد.

[آقای غلامرضا آقازاده]، وزیر نفت آمد. از بانک مرکزی به خاطر تأخیر در گشایش اعتبارات ارزی گله داشت. اعضای کمیسیون تولید آمدند. دربارهٔ حرکت به سوی نرخ واحد ارز و یکنواخت کردن ارز تولید ترجیحی و رقابتی صحبت شد؛ نظر من این است که بین قیمت رقابتی و ترجیحی - قیمت شصت تومان - را انتخاب کنیم و سپس موارد ارز دولتی را به تدریج اقدام نماییم. قرار شد باز هم بررسی بشود.

عصر آقای [بیژن نامدار] زنگنه، [وزیر نیرو] برای مسایل کاری آمد و برای اعتبار بیشتر برای تامین آب شهرها استمداد کرد. در جلسه هیأت دولت شرکت کردم. مسالهٔ اصفهان و حرکت بعضی از معلمان برای اضافه حقوق مطرح شد و راه علاج را بررسی کردیم.

شب با رهبری جلسه داشتیم. دربارهٔ مصوبات شورای عالی امنیت ملی، بودجه ارتش و سپاه، مسأله معلمان، سفر زوّار به عراق، محاکمهٔ رشوه‌گیران شهرداری تهران، تعزیرات حکومتی، دولتی، وضع بهداشت و درمان خانواده‌ها، مذاکره شد. شب برای انجام کارهای عقب مانده، در دفترم ماندم.

دوشنبه ۵ آذر ۱۳٦۹ | ۷ جمادی‌الاول ۱٤۱۱ ۲٦ نوامبر ۱۹۹۰

تا ساعت نُه صبح کارها انجام شد. آقای میرزاده، [معاون اجرایی رییس‌جمهور]، برای کارهای بازسازی و مصارف ارزی آمد. آقایان [محمد]غرضی، [وزیر پست و تلگراف و تلفن] و [مجید]ملکی‌تبار، [مدیرعامل شرکت پست] آمدند. گزارش عملکرد شرکت پست را دادند و برای جلوگیری از گران کردن خدمات، اعتبار بیشتر خواستند.

آقای [محمد]رجبی، رییس کتابخانه ملی آمد. گزارش وضع کتابخانه را داد. قرار شد هیأت امناء تشکیل دهند. برای شروع در کار ساختمان جدید استمداد کرد. به موجب مصوبه اخیر مجلس، مسئولیت اداره کتابخانه ملی، زیر نظر رییس جمهور قرار گرفته است.

پیام سلطان قابوس، از همکاری های دوجانبه و گسترش هرچه بیشتر روابط با کشورهای منطقه خلیج فارس ابراز رضایت کرد.

عصر در جلسه هیأت دولت شرکت کردم. تبصره‌های بودجه سال ۷۰ در دستور است؛ پیشرفت خوبی داشتیم. به خانه آمدم.

سه‌شنبه ٦ آذر ۱۳۶۹ | ۸ جمادی‌الاول ۱٤۱۱ — ۲۷ نوامبر ۱۹۹۰

ساعت هفت و نیم صبح به دفترم رسیدم. هیأت نظامی کره شمالی، [به سرپرستی آقای اِجین اُو، وزیر نیروهای مسلح] آمد. برای دادن تکنیک ساخت سلاح‌های پیشرفته اظهار آمادگی کردند؛ در مقابل خواستار نفت نسیه شدند. گفت شوروی تاکنون سالانه حدود یک و نیم میلیون تن نفت، به قیمت ارزان، به کره می‌داده است و اخیراً اعلان کرده که از اول ژانویه ۱۹۹۱آن را قطع می‌کنند[1].

آقای[ابوالفضل]توکلی‌بینا، [مشاور رییس‌جمهور در امور اصناف]آمد. از سخت گیری مالیاتی، وزارت بازرگانی و شهرداری تهران انتقاداتی داشت. آقای [محمدجواد]ایروانی آمد؛ از بعضی اقدامات اقتصادی، در جهت افزایش قیمت خدمات، مثل برق و نفت و نظایر آن انتقاد داشت و برای سمت سفارت، اظهار تمایل کرد. جلسه هیأت امنای دانشگاه تربیت‌مدرس داشتیم. گزارش دادند و نیازها را گفتند.

عصر آقای [علی]عبدالعلی زاده، نماینده ارومیه آمد. گزارشی از ابتکارهایی در ارومیه، برای تشکیلات بخش‌های مختلف معلمان و تشکیل شرکت‌های صنعتی متناسب با تحصیل

---

۱ - در این دیدار که آقایان محسن رضایی، فرمانده‌کل‌سپاه پاسداران و اکبر تُرکان، وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح نیز حضور داشتند، وزیر نیروهای مسلح خلق کره، پیام آقای کیم ایل سونگ، رهبر خلق کره را تقدیم آقای هاشمی کرد و گفت: «آقای کیم ایل سونگ از من خواستند، به استحضار جنابعالی برسانم که در سال‌های اخیر، رفت و آمد هیات‌های بلندپایه دو کشور، حاکی از تحکیم بیشتر روابط و همکاری دوجانبه در همه زمینه‌های مورد علاقه طرفین است. ما در گذشته در کنار شما بوده‌ایم و موفقیت جمهوری اسلامی در منطقه خلیج فارس و استحکام میراث انقلاب اسلامی و دفاع از حاکمیت و استقلال را حمایت می‌کنیم.» سپس آقای هاشمی، با تشکر از پیام دوستانه رهبر کره شمالی، از دیدار با هیأت عالیرتبه کشور و دولت خلق کره اظهار خرسندی کرد و روابط بین دو کشور را خوب و صمیمی توصیف نمود. ایشان آقای کیم ایل سونگ را از دوستان خوب انقلاب اسلامی دانسته و با یادآوری همکاری‌های صمیمانه ایشان در دوران دفاع مقدس، آن همکاری‌ها را فراموش نشدنی خواند و افزود: «به‌خاطر مواضع انقلابی که کشور شما دارد، ما همواره مایل هستیم همکاری‌های گسترده و عمیق‌تری با هم داشته باشیم.» آقای هاشمی با تأکید بر وحدت دو کره، اظهار امیدواری کرد که به‌زودی موانع این وحدت برطرف شود.

آنـان بـرای کارهـای اقتـصادی و صـنعتی را داد. همچنـین گزارشـی از اقـدامات شـورای خریدهای خارجی داد.

آقای [سراج الدین]کازرونی، [وزیر مسکن و شهرسازی]آمـد. در مـورد قیمـت فـروش خانه‌هایی که بناست بسازند، تصمیم گیری شد؛ حدود ۱۲ هزار تومان برای هر متر، با اقساط طـولانی و شـرایط سـهل. دربـارهٔ بیـرون بـردن مراکـز تحقیقـاتی و آموزشـی و فرهنگـی غیرلازم‌الوجود در داخل شهر، از تهران پیشنهادهایی داشت.

شـب شـورای عـالی انقـلاب فرهنگـی جلـسه داشـت. در مـورد بـسیج دانـشجویی تصمیم گیری شد؛ تؤلیت آن به سپاه داده شد. به خانه آمدم.

چهارشنبه ۷ آذر ۱۳٦۹ | ۹ جمادی‌الاول ۱٤۱۱ ۲۸ نوامبر ۱۹۹۰

ساعت هفت و نیم صبح به دفترم رسیدم. کارها انجام شد. [آقای محمد سعیدی کیا]، وزیر راه و ترابری آمد. دربارهٔ طرح در دست اجـرای راه‌آهـن بـافق- بنـدرعباس گفـت؛ تأکیـد کردم که به صورت ضربتی انجام شود. خواستم که طرح جاده تهـران – چـالوس[= اتوبـان شمال]، آماده شود که سپاه خواستار پیمانکاری آن است.

آقـای [غلامرضـا]فـروزش، وزیـر جهادسـازندگی آمـد. گـزارش سـفر بـه کـشورهای آفریقایی و طرح‌هایی که جهاد در غنا، سیرالئون و سـودان در دسـت اجـرا دارد، ارائـه داد. برای توسعهٔ اقدامات عمرانی امکانات خواست و برای تقویت روابط با سودان که مـردم آن با انقلاب اسلامی ایران همراه هستند، توصیه کرد.

شورای عالی اداری جلسه داشت. لایحه پیشنهادی نظام هماهنگ پرداخـت، در دسـتور بود؛ کلیات آن تصویب شد. عصر در جلسه هیأت دولت شرکت کردم. بودجـه در دسـتور است.

شب نمایندگان مجلس و وزرا مهمانم بودند؛ جلسه خوبی بود. چنـد نفـر از نماینـدگان سئوال و انتقاد مطرح کردند و آقای [مهدی]کروبی، [رییس مجلـس شـورای اسـلامی] هـم ضمن ستایش از من، از مسایل [مربوط به انتخابات مجلس]خبرگان انتقاد کـرد و از حـذف دوستانش و خودش و نیز عدم حمایت من گله کرد.

من صحبت مفصلی کردم[۱]. وضع منطقه را گفتم و انتقادات را پاسخ دادم. رادیکال‌ها از مطالب خطبهٔ جمعه اخیر من ناراحت‌اند؛ آن را به خودشان گرفته‌اند؛ قانع‌شان کردم که نباید به خود بگیرند. منظور مخالفت با تندروی است؛ از هر فرد و گروه. بعد از شام به خانه آمدم.

پنج‌شنبه ۸ آذر ۱۳۶۹ | ۱۰ جمادی‌الاول ۱۴۱۱ ۲۹ نوامبر ۱۹۹۰

ساعت هفت و نیم صبح در دفترم بودم. ساعت هشت به جلسه هیأت دولت رفتم. بررسی تبصره‌های بودجه در دستور بود؛ جلسهٔ فوق‌العاده گذاشته‌ایم. برای ملاقات فرماندهان نیروی دریایی ارتش، به دفترم برگشتم. آقای [علی]شمخانی، [فرمانده نیروی دریایی]، دربارهٔ برنامه‌های نیرو و مسایل منطقه مطالبی داشت. من هم صحبت کردم[۲].

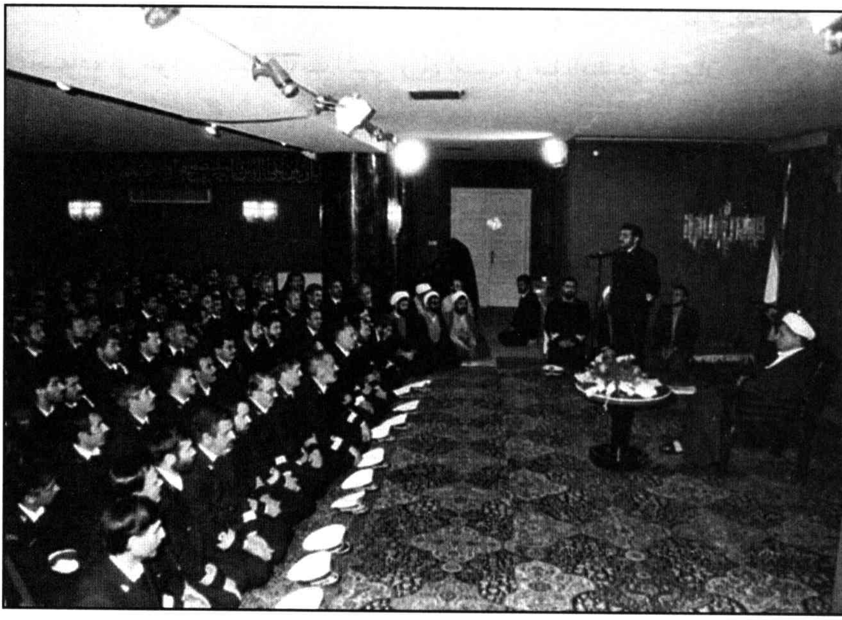
---

۱ - در این جلسه که سه ساعت به طول انجامید، ابتدا چند تن از نمایندگان مجلس، مطالبی دربارهٔ اوضاع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور مطرح کردند. سپس آقای کروبی، رییس مجلس، ضمن تشکر از رییس‌جمهور، به خاطر دعوت از نمایندگان مجلس برای تشکیل این جلسه، به سوابق درخشان آقای هاشمی در مبارزه علیه رژیم ستم‌شاهی و نزدیک بودن ایشان به امام، در تمام مراحل انقلاب و خدمات شایسته ایشان در موقعیت‌های مختلف کشور، از ایشان خواست در مواقع حساس، با تدبیری که دارند، در جهت حفظ وحدت و ارزش‌های انقلابی و تداوم راه امام (ره) وارد عمل شوند. سپس آقای هاشمی، در سخنانی مسایل منطقه خلیج فارس و همچنین وضعیت عمومی کشور را برای نمایندگان تشریح کرد و گفت: «وظیفه همه ما این است که برای حفظ وحدت تلاش کنیم. اعتقاد من این است که همه نیروهای انقلابی، باید در مسئولیت‌ها حضور داشته باشند و با حذف یک جریان، امکان ندارد انقلاب اسلامی ادامه پیدا کند.» ایشان در مورد مسایل اقتصادی کشور گفت: «برخلاف شایعات موجود، سوبسید[=یارانه]کالاهای اساسی حذف نخواهد شد و دولت با تمام وجود، برای حل مشکلات اقتصادی مردم تلاش خواهد کرد. همچنین من با صراحت اعلام می کنم که دولت جمهوری اسلامی ایران، برای رسیدن به وضعیت اقتصادی مطلوب، هرگز هیچ قولی به هیچ دولت خارجی نداده و نخواهد داد و با کمال عزت و استقلال، مسایل کشور را حفظ کرده و می‌کند.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های ۱۳۶۹» ، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲.

۲ - در بخشی از این سخنرانی آمده است : «نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران، در حساس‌ترین نقطهٔ جهان عهده‌دار مسئولیت خطیر تأمین امنیت و دفاع از منافع مسلمانان شده است. لذا ضروری است نیروی دریایی ما آمادگی لازم برای ایفای مسئولیت حساس خود را کسب کند. بخشی از مسئولیت آمادگی نیروی دریایی یعنی تسلیح نیروها به سلاح‌های روز به عهده نظام است که نظام به مسئولیت خود عمل می‌کند. در این بخش ما باید به فکر این باشیم که سلاح مورد نیاز را از منابع خودمان تأمین کنیم، چون تجربه جنگ نشان داد که عامل موفقیت ما این بود که عمده کار جنگ را خودمان کردیم و محاصره‌ها و اذیت‌های دشمن، نتوانست ما را از پای دربیاورد. در این مقطع، نیروی دریایی هم باید کاری کند که از یک قدرت دفاعی ملی متکی به منابع داخلی برخوردار باشد و این میسر نیست، جز با

آقای[محمدرضا]موحدی قمی، مسئول عقیدتی سیاسی نیروی دریایی هم، جداگانه آمد و برای تقویت عقیدتی سیاسی استمداد کرد.

به جلسه هیأت دولت برگشتم؛ تا ظهر تبصره‌ها را تمام کردیم و پس از صرف ناهار به دفترم رفتم. عصر [آقای ولادیمیر پِتروفسکی]، فرستاده ویژه آقای[میخائیل]گورباچف،



ملاقات با فرماندهان نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران

[صدر هیأت رییسه اتحاد جماهیر شوروی]آمد[1]. گفت بناست یک ماه و نیم دیگر به عراق

تلاش و اخلاص فراوان خود شما و نیروهای وزارت دفاع. ما باید زیردریایی، موشک‌ها، ناوها و ناوچه‌های کوچک سریع‌السیر را خودمان تولید کنیم و با ابزاری که در اختیار داریم، باید آرامش غارتگران را سلب کنیم و دایماً برای آنها مزاحمت ایجاد کنیم. کسانی که برای منطقه خلیج‌فارس و دریای عمان برنامه دارند، روی نیروهای ما حساب می‌کنند و می‌دانند یک طرف هر برنامه‌ای، ایران است و اگر ایران راضی نباشد، هیچ کاری در منطقه موفق نخواهد بود. ما ماجراجویی در منطقه و خلیج‌فارس را به نفع خودمان، دنیا و منطقه نمی‌دانیم و ترجیح می‌دهیم که همسایگان‌مان با آنکه سیاست‌های آنها را قبول نداریم، خیال‌شان از ما جمع باشد و به بیگانگان پناه نبرند و دست بیگانه را در منطقه باز نکنند. سیاست جمهوری اسلامی ایران در منطقه، آرامش کامل منطقه است، تا منطقه بتواند از منابع‌اش بهره‌برداری کند و عقب ماندگی‌های گذشته را جبران نماید.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های ۱۳۶۹» ، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲.

۱ - فرستاده رهبر شوروی، در این دیدار ضمن تقدیم سلام‌های دوستانه و پیام شفاهی آقای گورباچف در مورد

مهلت داده شود که اگر از کویت بیرون نرفت، از زور استفاده شود. گفت در سفر طارق عزیز، [وزیر امورخارجه عراق] به مسکو، او هیچ مطلبی که نشانهٔ آمادگی برای تخلیه کویت باشد، ارائه نداد و گفت در صورت عقب نشینی عراق هم، باید در جهت کم کردن نیروهای نظامی در منطقه گام برداریم و در صورت سقوط صدام، ایجاد سیستم امنیتی در منطقه را در نظر داشته باشیم. نظر ما را خواست؛ گفتم اگر عراق مطمئن شود که از نیروی نظامی استفاده می‌شود، احتمال عقب نشینی زیاد است و ما باید در جریان برنامه بعد از سقوط دولت عراق قرار گیریم.

در راه خانه، برای اصلاح دندانم توسط دکتر سعید لاهوتی، [همسر فاطی]، به بیمارستان اختر رفتم. شب [آقای غلامرضا آقازاده]، وزیر نفت اطلاع داد که چاه سوم نفت دهلران که می‌سوخت، خاموش شده است. از سه چاه دچار حریق، آخرین چاه است.

جمعه ۹ آذر ۱۳۶۹ | ۱۱ جمادی‌الاول ۱۴۱۱ ۳۰ نوامبر ۱۹۹۰

تا ساعت ده و نیم صبح برای خطبه‌ها مطالعه کردم. در گزارش‌ها، خبر تصویب قطعنامه شورای امنیت[سازمان ملل]آمد: دادن یک ماه ونیمِ دیگر مهلت به عراق و سپس اجازهٔ توسل به زور برای بیرون راندن آن از کویت.

تحولات منطقه، گزارشی از آخرین وضعیت بحران خلیج فارس و سفر وزیر امورخارجه عراق به شوروی و نقطه‌نظرات کشور متبوع‌اش در خصوص تشکیل اجلاس آتی شورای امنیت سازمان ملل ارائه کرد. او با اظهار نگرانی از وضعیت موجود در منطقه گفت: «ما معتقدیم خطر بروز جنگ در منطقه جدی است و حجم زیاد نیروهای خارجی در منطقه، موید این مهم است. امیدواریم با خروج عراق از کویت نیروهای غربی نیز منطقه را ترک کنند و آمریکا گفته است قصد حضور دایم در منطقه را ندارد و به نظر ما اهمیت اماکن مقدس اسلامی مسلمانان برای آمریکا قابل درک است.» پتروفسکی خطاب به آقای هاشمی گفت: «با توجه به تجارب ارزشمند جنابعالی در امور بین‌الملل و بخصوص حل و فصل مناقشه ایران و عراق، رهبری شوروی بسیار مایل است، نظرات جنابعالی را در مورد تحولات منطقه و جلوگیری از بروز جنگ در این منطقه جویا شود.» سپس آقای هاشمی، ضمن تشکر متقابل از رهبر اتحاد جماهیر شوروی، بر موضع قاطع جمهوری اسلامی ایران مبنی بر عقب‌نشینی بی‌قیدوشرط عراق از کویت و خروج نیروهای خارجی از منطقه تأکید کرد و اظهار داشت: «جمهوری اسلامی ایران، امیدوار است بحران ایجاد شده در منطقه از طریق مسالمت آمیز حل وفصل شود. بروز جنگ در این منطقه، به نفع هیچ‌یک از کشورهای جهان و منطقه نخواهد بود و ما ضمن حمایت از قطعنامه‌های سازمان ملل متحد، معتقدیم که ثبات امنیت منطقه، باید توسط کشورهای منطقه تأمین شود.»

نمازجمعه را در دانشگاه[تهران] اقامه کردم[1]. ناهـار بچـه‌هـا جمـع بودنـد. عـصر هـم بـه استراحت و مطالعه گذشت. شب فیلم [مستند] «صعود به قله تفتان» را دیدم؛ جالب است.

آقای [محمود]واعظی، [معاون اروپا و آمریکـای وزارت امورخارجـه]، اطـلاع داد کـه غربی‌ها بعد از صحبت امروز من در نماز جمعه، از تصمیم خود مبنی بر محکومیت ایران در خصوص نقض حقوق بشر، منصرف شده‌اند[2]. آنها مشغول تهیهٔ متنی هستند که رضـایت مـا را جلب کنند.

---

۱ - در خطبه اول، ادامه بحث «اسلام برنامهٔ زندگی» دنبال شد و مباحثی درباره آداب نماز خواندن در مسجد و نمازجمعه و بحث ازدواج‌موقت مطرح گردید. در خطبه دوم، موضوع زیر پاگذاشتن حقوق بشر در قبال مردم فلسطین، هیاهوی غرب در مورد نقض حقوق بشر در ایران و طرح آن در سازمان ملل و همچنین بحران خلیج فارس، تحلیل شد و در خصوص بهبود معیشت زندگی کارمندان، به عنوان یکی از سیاست‌های دولت و تصویب معافیت مالیاتی توسط دولت، مطالبی به نمازگزاران ارائه گردید.

۲ - در بخشی از خطبه دوم که به تحلیل وضعیت منطقه پرداخته، چنین آمده است: «از اینکه می‌بایست جلوی تجاوز عراق را گرفت، جای هیچ شکی نیست و عراق واقعاً عمل بدی را مرتکب شده که ما هم اعمالش را محکوم کردیم و عراق باید از خاک کویت بیرون رانده شود. چون آخرالامر عراق را از کویت بیرون خواهند راند و باید هم بیرون برود که چاره‌ای هم جز این برایش متصور نیست، این یک بحث جدایی است. منظور نظر مربوط به آن سوی قضیه است. آنهایی که از مدعیان حقوق بشر و عدالت جهانی هستند، به چه دلیلی در قبال مسأله فلسطین سکوت مرگبار اختیار کردند؟ چرا به وظایف‌شان عمل نمی‌کنند؟ حتی طی همین چند روز اخیر، مجدداً یک دفعه سر و صدای نقض حقوق بشر در ایران، در سازمان ملل به راه افتاده است، که این دست از مسایل، حقیقتاً به مثابه سند رسوایی آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها تلقی می‌شود. این جوّ و سروصدا دفعتاً رخ نمود و ما ملاحظه کردیم که مسأله امری غیرعادی جلوه می‌نماید. در صدد پرس‌وجو برآمدیم و راجع به اصل ماجرا پرسیدیم که متوجه شدیم که دو نفر از مقامات رسمی کشورهای اروپای شرقی و غربی به ما پاسخ دادند که قضیه به مواضع شما در زمینه عراق و کویت و لشکرکشی آمریکایی ها به منطقه ارتباط پیدا می‌کند. یعنی اینکه گفتند، چون شما به طور مستقل حرکت می‌کنید و حاضر نیستید که سیاست های دیکته شدهٔ ابرقدرت ها در زمینه لشکرکشی آنها به منطقه را تأیید نمایید، مستحق تنبیه و مجازات هستید و لذا باید غائله حقوق بشر را برعلیه‌تان به راه انداخت. شما با این فریبکاری‌های‌تان درصدید که اذهان چه کسانی را مشوب سازید و یا افکار چه کسانی را به فریب بکشانید؟ شما فکر می‌کنید که در این قضیه، طرف مقابل‌تان چه کسانی هستند؟ شما بارها این بازی‌ها را بر سر جمهوری اسلامی ایران آوردید و هر وقت هر چقدر که دل‌تان خواست، به هم زدید. با این جوسازی‌هایی که در دنیا نسبت به جمهوری اسلامی ایران به راه می‌اندازید، فکر می‌کنید که ما در تصمیمات‌مان، تجدید نظر می‌نماییم؟ آیا تصور می‌کنید که ما با سروصداها، مسیر استقلال‌طلبانه‌ای را که در پیش گرفته‌ایم، عوض می‌کنیم؟ از همان لحظه اول شروع صلح بین جمهوری اسلامی ایران و عراق، با تجاوز عراق به کویت مقارن گشت که هر یک از این دو، دو پرونده جداگانه به حساب می‌آید و پرونده صلح ما با عراق، یک مساله جدایی است.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی‌رفسنجانی، خطبه‌های ۱۳۶۹» ، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲.

جمهوری اسلامی ایران
ریاست جمهوری

شماره ....
تاریخ
پیوست ....

بسمه تعالی

حضرت حجةالاسلام والمسلمین جناب آقای هاشمی رفسنجانی

مقام محترم ریاست جمهور

باسلام

دربازدید اخیر از مناطق جنوب خراسان موضوع پروژه‌کارخانه تولید اکسیدمنیزیم سینتره درمنطقه محروم سربیشه بیرجند مطرح گردیده‌ونیازمند به ماشین آلات متعدد برای راه اندازی بوده لذا خواهشمنداست درصورت صلاحدید مقررفرمایند تعداد ۵دستگاه کامیون کمپرسی ده‌تنی ودودستگاه وانت نیسان از محل سهمیه ارزخاص حضرتعالی نزد وزارت صنایع سنگین دراختیار شرکت دولتی ایران منیزیا قرارگیرد.

جلیل بشارتی
رئیس دفتر امور مناطق محروم کشور

نامه دفتر امور مناطق محروم در خصوص منطقه سربیشه بیرجند

شنبه ۱۰ آذر ۱۳۶۹ | ۱۲ جمادی‌الاول ۱۴۱۱ ۳ دسامبر ۱۹۹۰

ساعت هفت و نیم صبح به دفترم رسیدم. در گزارش‌ها، خبر دعوت [جرج]بوش، [رییس‌جمهور آمریکا] از [طارق عزیز]، وزیر امورخارجه عراق، برای سفر به آمریکا جهت مذاکره برای اجرای قطعنامه[شورای امنیت سازمان ملل]، از موضع قدرت و قبول عراق، درصدر است. این خبر باعث سقوط قیمت نفت در حدود چهار دلار در بشکه شده است.

تا ساعت نُه صبح، کارهای مانده را انجام دادم. [آقای حسین کمالی]، وزیر کار و اموراجتماعی به همراه رییس بنیاد مهاجرین جنگ آمدند. برای اعتبار بیشتر استمداد کردند و سیاست بنیاد در مورد اموال و سرمایه‌های آن را، پس از مراجعت مهاجران، توضیح دادند. [اموال بنیاد]، در مناطق جنگی صرف اشتغال خودشان می‌شود.

دکتر [حسن]روحانی برای دستور شورای‌عالی امنیت ملی و مذاکره در مورد مسایل اختلافی با رادیکال‌ها آمد و گزارش بررسی مسایل معلم‌ها را داد. آقای عصاران آمد و برای فرش‌های اهدایی به مزدوجین محروم که عفت می‌خواهد بدهد، پول گرفت.

عصر از [آقای اصغر ابراهیمی]، مدیرعامل شرکت مترو توضیح گرفتم. از پیشرفت کار مترو در ماه اخیر، اظهار رضایت کرد؛ گرچه در ماه‌های گذشته به خاطر تاخیر در پرداخت اعتبار لنگ بودند. شورای‌عالی امنیت ملی جلسه داشت.

دکتر ولایتی، [وزیر امورخارجه]، گزارش کار سفر هیأت به عراق را داد که عراقی‌ها برای سفر پنج هزار زائر [عتبات عالیات] در هفته، به طور اصولی موافقت کرده‌اند. دربارهٔ اسرای مفقود، مذاکرات ناتمام مانده و بناست در سفر هیأت عراقی در این هفته تکمیل شود. در خصوص مهاجران افغانی و همچنین دربارهٔ چاپ نشریه به زبان‌های ترکی و کُردی توسط موسسه اطلاعات بحث شد و ناتمام ماند.

شب با احمدآقا مهمان آقای خامنه‌ای بودیم. دربارهٔ مسایل مطروحه در شورای‌عالی امنیت ملی و احتمالات حوادث بحران کویت مذاکره شد. ساعت ده شب به خانه آمدم. بچه‌ها مهمانی بودند. خوابیدم.

بسمه تعالی

۶۹/۹/۱۰

[illegible]

جناب آقای میرمحمدی
رئیس محترم دفتر ریاست جمهوری
سلام علیکم

محترماً در جلسه روز سه‌شنبه مورخ ۶۹/۹/۵ شورای عالی انقلاب فرهنگی تصمیمات زیر اتخاذ گردید:

۱- در مورد طرح تشکیل بسیج دانشجو:

الف- متولی بسیج دانشجوئی خود سپاه خواهد بود.

ب- فعالیتهای این مرکز بیرون از دانشگاه خواهد بود، اعم از فعالیتهای اداری و آموزشی،

ج- عضویت کلیه دانشجویان در این مرکز آزاد می‌باشد.

د- دانشجویان جهت عضویت در این مرکز می‌توانند بطور مستقیم به بسیج مراجعه نموده و یا از طریق رئیس دانشگاه به بسیج معرفی گردند. در هر دو صورت دانشگاه از عضویت دانشجویان در بسیج [redacted] مطلع می‌گردد.

هـ- درخواست امکانات خدماتی، آموزشی و سایر موارد فوق برنامه از دانشگاه، منوط به موافقت رئیس دانشگاه بوده و تأمین اعتبار و دیگر امکانات بعهده بسیج می‌باشد.

و- در فعالیتهائی مانند رفتن به مناطق خاص اعم از مناطق جنگی یا زلزله‌زده و یا امور بهداشتی جهت عدم تداخل و تعارض با برنامه‌های دانشگاه، هماهنگی لازم با رئیس دانشگاه صورت پذیرد.
[illegible]

لطفاً نظر [illegible] محترم شورای عالی انقلاب فرهنگی را در مورد انتشار خبر به رسانه‌ها، [illegible] و همچنین [illegible] برادر گرامی آقای علیرضا افشار (پیوست است) استعلام و هر چه زودتر اطلاع دهید تا اقدام به موقع صورت گیرد.

۲- شورای عالی انقلاب فرهنگی بر مبنای اختیار تفویضی از سوی مقام معظم رهبری آقای مهندس رحیمی رئیس محترم شورای مرکزی جهاد دانشگاهی را بعنوان نماینده این نهاد به عضویت شورای عالی انقلاب فرهنگی درآورد.

لذا در این مورد نیز نظر حضرتعالی استفسار گردد.

۳- پیشنهاد هیئت امنای دانشگاه تربیت مدرس مبنی بر انجام گزینش اعزامی داوطلبان ورود به این دانشگاه مطابق ضوابط مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی برای دوره‌های دکترا و کارشناسی ارشد از این هیئت مرکزی گزینش دانشجو وزارت فرهنگ و آموزش عالی مورد موافقت قرار گرفت.

صورتجلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی در خصوص تشکیل بسیج دانشجویی در دانشگاه ها

یکشنبه ۱۱ آذر ۱۳٦۹ | ۱۳ جمادی‌الاول ۱٤۱۱ ۲ دسامبر ۱۹۹۰

ساعت نُه صبح، از منزل به کتابخانه ملی، [واقع در خیابان سی تیر] رفتیم. [آقای محمد رجبی]، مدیر کتابخانه توضیحات داد. از مخازن کتب و نشریات بازدید کردیم. ساختمان قدیمی و نامناسب است و ظرفیت این همه کتاب را ندارد. حدود ۲۰۰ هزار جلد در اینجا و ۳۰۰ هزار جلد کتاب در دو مرکز دیگر دارند. قرار است بنای جدید متناسب با نیازها در منطقه عباس‌آباد ساخته شود.

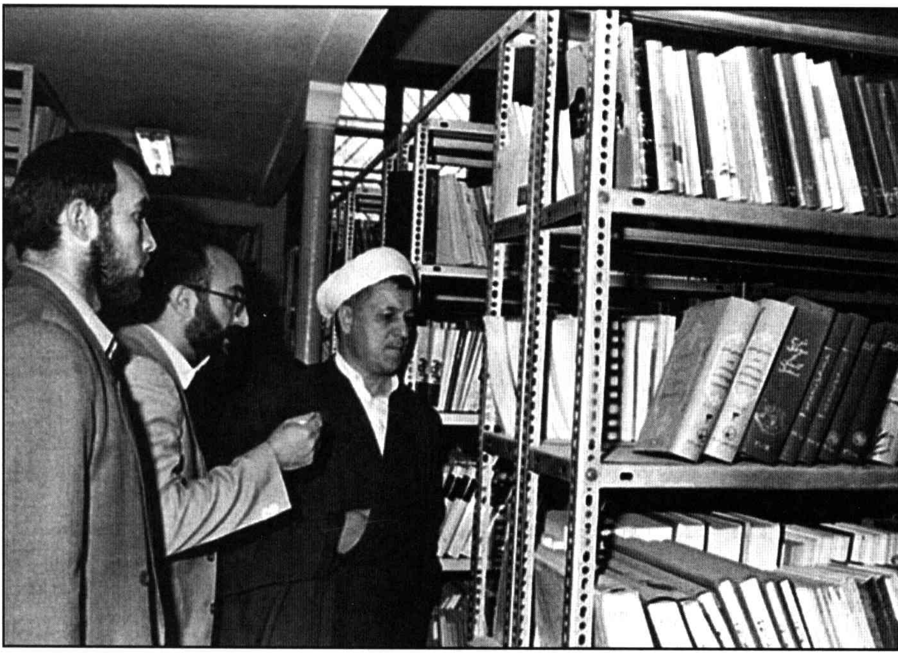
از آنجا به موزه ایران باستان رفتیم و تا ساعت دو بعد از ظهر، آنجا را بازدید کردیم. آثار باستانی قبل از اسلام و بعد از اسلام، در دو بخش جداگانه و موزه قرآن و سپس مرکز آثار عتیقه‌ای را که اخیراً وزارت اطلاعات از چند باند قاچاق آثار عتیقه کشف کرده است، دیدیم؛ حیرت‌آور است. به اندازه چند موزه، انواع آثار تاریخی از آنها گرفته‌اند و هنوز هم ادامه دارد.

در سال‌های بعد از انقلاب و دوران جنگ که ما گرفتار امور دیگر بوده‌ایم، قاچاقچیان با نوعی خاطر جمعی، به این غارت و دزدی پرداخته و با حفاری‌های غیر مجاز و جمع‌آوری آثار از دست افراد و مراکز، اینها را جمع کرده‌اند و به کمک ماموران سفارتخانه‌های خارجی، بعضی از آنها را به خارج فرستاده‌اند. اکنون خوشبختانه گرفتار و شناسایی شده‌اند و گویا تاکنون حدود یکصد نفر بازداشت شده‌اند و تعقیب کار ادامه دارد؛ بعضی اشیا را هم از خارج بازگردانده‌ایم. مصاحبه‌ای نمودم[1] و به دفترم رفتم.

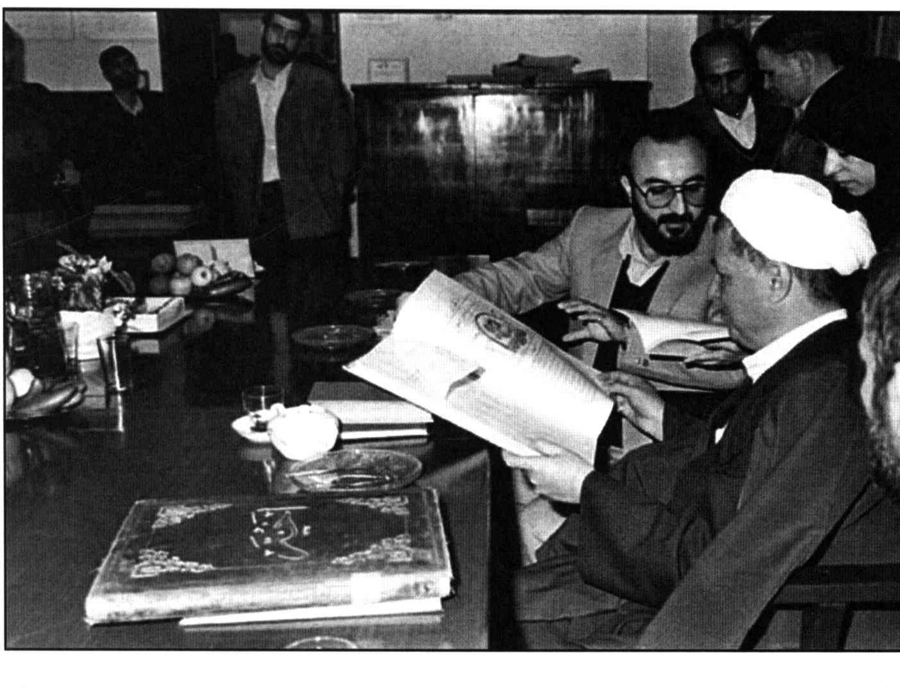
عصر در جلسه هیأت دولت شرکت کردم. تبصره ۲۹ – مربوط به فاینانس- در دستور بود. شب با آیت‌الله خامنه‌ای جلسه داشتیم. دربارهٔ مسایل جدید بحران خلیج فارس و

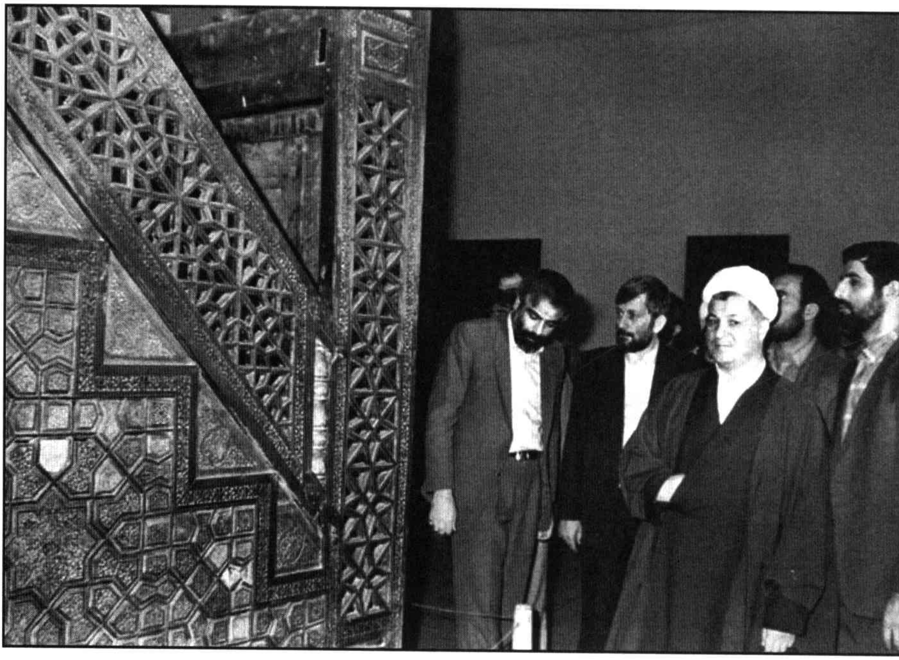
---

۱ -آقای هاشمی در پایان بازدید پنج ساعته خود، در جمع خبرنگاران گفت: «کتابخانه ملی ایران، یکی از عظیم‌ترین ذخایر علمی فرهنگی و از افتخارات تاریخ ماست. خوشبختانه آثار ادبی به خوبی حفظ و تنظیم شده و در اختیار محققان و فرهنگ دوستان قرار گرفته است، اما تاکنون شرایط و امکانات لازم را برای این کتابخانه فراهم نکرده ایم و حدود ۵۰۰ هزار جلد کتاب، در چند نقطه شهر پراکنده است و مخزن های کتاب قرائت خانه‌ها و محیط کارکنان کافی نیست. طرحی برای احداث کتابخانه ملی ایران در دست اقدام است. امیدواریم جای مناسبی برای این کتابخانه پیدا کنیم.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های ۱۳٦۹» ، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲ .

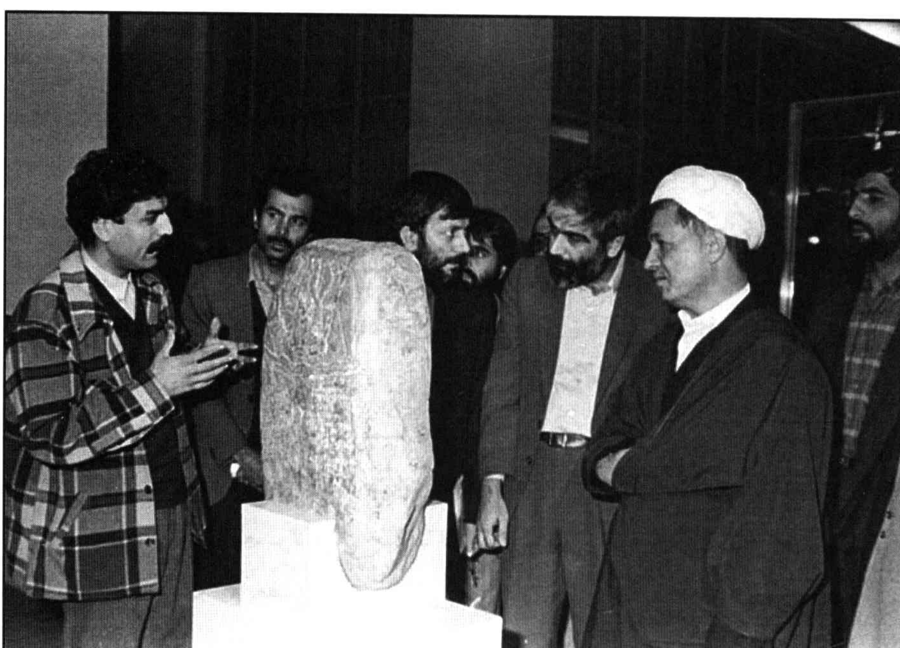


بازدید از کتابخانه ملی جمهوری اسلامی





بازدید از موزه ایران باستان



احتمالات و مسایل جاری داخلی و اختلافات و جلسه چهارشنبه ایشان، مذاکره کردیم.

شب، به خاطر انجام کارهایی که امروز فرصت انجام آنها را نیافتم، در دفترم ماندم و تا ساعت یازده شب، کارها را انجام دادم.

دوشنبه ۱۲ آذر ۱۳۶۹ | ۱٤ جمادی‌الاول ۱٤۱۱ ۳ دسامبر ۱۹۹۰

تا ساعت نُه صبح، بقیه کارهای دیروز انجام شد. [آقای سیدحسین مرعشی]، استاندار کرمان آمد. گزارش سفر به آلمان را داد؛ برای دیدن صنایع الکترونیک زیمنس رفته بودند که انتقال تکنولوژی برای ساخت کنند. می‌گوید مبلغ یک میلیارد دلار ارز صادراتی استان را برای این منظور مصرف می‌کنند؛ گفتم رقم بزرگ و غیر قابل تأمین است. طرح را کوچک بگیرند که قابل اجرا باشد.

آقای [مصطفی]ناصری، نماینده زنجان آمد و برای نیازهای عمرانی و سیاسی استان استمداد کرد و از تعویض استاندار شکایت نمود. آقای [جلیل]بشارتی، مسئول دفتر مناطق محروم آمد. برای چندین نقطه محروم، اعتبار و ماشین‌آلات گرفت. آقای [محسن]نریمان، نماینده بابل آمد و برای ساختمان مدارس و پل‌های نیمه تمام استان کمک گرفت.

چند نفر از نمایندگان کردستان آمدند و تقاضای برگشتن «شیخ عثمان نقشبندی» متواری را دادند؛ مدعی‌اند مریدان زیادی در داخل دارد و مایل به همکاری است. گفتم برای بررسی تقاضای کتبی بیاورند. برای مسایل عمرانی و سیاسی استان و حمایت بیشتر از ائمه جمعه اهل‌سنت کردستان استمداد کردند؛ به خاطر تکمیل فیلم «یک روز زندگی رییس‌جمهور»، از ملاقات‌شان فیلم برداری شد.

[آقای مختار کلانتری]، فرمانده کمیته‌های انقلاب آمد. راجع به شیوع مفاسد اجتماعی و راه‌های جلوگیری مطالبی داشت. خبر از پیشنهادهایی از آمریکا، در خصوص پس دادن اموال‌مان داد که گفتم، معمولاً این خبرها درست نیست. از عکس‌العمل اظهاراتم در نمازجمعه اخیر گفت که بعضی از حزب‌اللهی‌ها را ناراحت کرده است. رده‌های عملی اجرای پیشنهاد رسمی‌تر شدن ازدواج موقت را مطرح کرد؛ مخصوصاً بخشنامه لزوم ثبت

در دفتر[ثبت اسناد رسمی]. از آقای [عبدالله]نوری، [وزیر کشور] گله کرد و مدعی بود که برنامه ادغام او موجب نارضایتی پرسنل کمیته‌های انقلاب است. قرار شد طرح خودش را بفرستد که نوعی تقسیم وظایف است، نه ادغام.

آقایان [سیروس]ناصری، [سفیر ایران در مقر اروپایی سازمان ملل] و [علی]خرّم، [مسئول ستاد اجرای قطعنامه ۵۹۸] آمدند. گزارش سفر به عراق را دادند؛ چیزی زیادتر از گزارش آقای ولایتی، [وزیر امورخارجه] نداشتند.

عصر شورای اقتصاد جلسه داشت. بحث دربارهٔ قیمت ارز رقابتی و فرآورده‌های سوختی، نفت، گاز، برق و آب بود که ناتمام ماند. شب [آقای محمدعلی نجفی]، وزیر آموزش و پرورش آمد و از اذیت و کارشکنی‌های مخالفانش در مجلس شکایت کرد. به خانه آمدم.

سه‌شنبه ۱۳ آذر ۱۳۶۹ | ۱۵ جمادی‌الاول ۱۴۱۱ ٤ دسامبر ۱۹۹۰

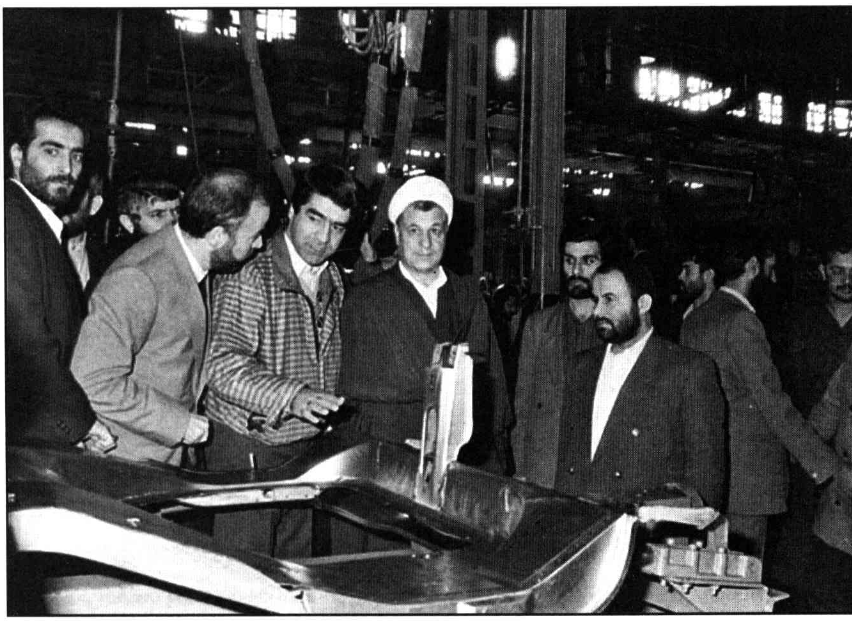
اول وقت به کارخانه ایران خودرو رفتیم و تا ساعت دو بعد از ظهر آنجا بودیم[۱].

---

۱ - آقای هاشمی در پایان بازدید خود از کارخانه ایران خودرو گفت: «من در چند بازدید از این کارخانه، نه‌تنها احساس خستگی نکردم، بلکه هر لحظه با نشاط‌تر می‌شدم، زیرا می‌دیدم سیاست‌هایی که برای راه افتادن تولید و چرخ اقتصادی کشور ترسیم شده، به بار نشسته و ثمر می‌دهد. تولید خودرو یکی از مشکل‌ترین کارها است. صنعت خودروسازی به صدها کارخانه دیگر وابسته است و در این کارخانه، غیر از وارد کردن قطعات از خارج، ۱۷۰ کارخانه و کارگاه، باید به‌طور هماهنگ کار کنند تا یک اتومبیل ساخته شود. اکنون پس از مدت‌ها معطل ماندن کارخانه‌ها، ما توانستیم خطوط تولید را دوباره راه بیاندازیم و این علامت خوبی است که نیروهای مخلص و مؤمن، آمادگی حل مشکلات کشور را دارند.» ایشان ضمن قدردانی از کارکنان ایران خودرو، افزود : «شما کارگران قطعاً در مضیقه زندگی می‌کنید و حتماً مجلس و دولت در فکر هستند که به تناسب تورم، دستمزدها را افزایش دهند و از طریق افزایش تولید کالا، بالا بردن درآمدها و حفظ سوبسیدها تا رسیدن به نقطه تعادل اقتصادی، این امر ادامه خواهد یافت. یکی از آرزوهای من این است که به‌عنوان مسئول کشور، بتوانم از عهده پاسخگویی به حق مردم، به‌ویژه کارگران زحمتکش که پایه‌های استقلال کشور را مستحکم می‌کنند و در جنگ و انقلاب و صحنه‌های مختلف ملی، بیشترین حق را داشته‌اند، برآیم.» رجوع کنید← کتاب «هاشمی‌رفسنجانی، سخنرانی‌های ۱۳۶۹» ، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۹۲.

توضیحات مدیرعامل را شنیدم و از خطوط تولید ماشین‌های پیکان، پژو ۴۰۵ و اتوبوس و مینی‌بوس بازدید کردم. به مناسبت راه اندازی خط تولید پژو، یک دستگاه پژو ۴۰۵ آوردند؛ خودم سوار شدم و مقداری راندم. نزدیک ده سال است که رانندگی نکرده‌ام.

بعد از ناهار به «مرکز سنجش از راه دور» رفتیم. تصویری که ماهواره هواشناسی از منطقه دریای سرخ و کشورهای اطراف و نیز تصویری که از ایران مخابره می‌کرد، دیدم و



بازدید از کارخانه ایران خودرو

توضیحات را شنیدم. قبل از انقلاب، آمریکایی‌ها برای پشتیبانی کشورهای منطقه ساخته‌اند که بعد از انقلاب ناتمام گذاشته و رفته‌اند؛ قسمتی را فعال کرده‌ایم، ولی ارتباط با ماهواره لندسَت ندارند. مصاحبه‌ای انجام دادم[1].

---

۱ - آقای هاشمی با تأکید بر اینکه از اطلاعات ماهواره‌ای باید استفاده کنیم، گفت: «وقتی این همه ماهواره وجود دارد، ما نمی‌توانیم از این تکنولوژی عظیم فاصله بگیریم و با مدرن‌ترین ماهواره‌ها که اطلاعات مخابره می‌کنند، باید ارتباط برقرار کنیم.» ایشان در ادامه سخنان خود، به مباحثی که در هفته گذشته، موجب واکنش‌های متفاوت شد، اشاره کرد و گفت: «در خطبه نمازجمعه اخیر، مقداری به مسایل داغ و روز جامعه پرداختم. از مجموع گزارش‌هایی که از محافل مختلف دریافت شده است، بعضی از گزارش‌ها موید این است که مردم تعبیرهای مثبت کرده‌اند و در بعضی گزارش‌ها نیز ابهاماتی وجود دارد. در خطبه نمازجمعه در زمینه بهره‌مند شدن نیروهای متدین و اصیل جامعه

سرشب به دفترم رفتیم. شب مجمع تشخیص مصلحت جلسه داشت. بحث تعزیرات حکومتی، بخش دولتی در دستور بود؛ دستگاه قضایی می‌خواهد که به خودش برگردد. به خاطر انجام کارهای مانده، شب در دفترم ماندم و تا دیر وقت کار کردم.

چهارشنبه ١٤ آذر ١٣٦٩ | ١٦ جمادی‌الاول ١٤١١ — ٥ دسامبر ١٩٩٠

تا ساعت نُه صبح کارهای دفترم را انجام دادم. آقایان [حمید]میرزاده، [عیسی]کلانتری و دکتر اکبرزاده آمدند. درباره کارهای تحقیقاتی شیمیایی و سم‌سازی، بودجه خواستند.

به دفتر رهبری رفتم. همه نمایندگان مجلس و سران قوا با دولت و قوه قضائیه و شخصیت‌های کشور را دعوت کرده بودند؛ نوحه‌سرایی آقای[محمد]کوثری و صحبت من و رهبری و سپس نماز و ناهار و ختم جلسه. در اظهارات آیت‌الله خامنه‌ای مواردی بود که بعضی از مجلسیان را ناراضی می‌کرد؛ از حمایت دولت و انتقاد از برخوردهای نامناسب در مجلس.

عصر در جلسه دولت شرکت کردم. بررسی بودجه سال ٧٠ را تمام کردیم. شب به خانه بچه‌ها رفتم. جشن سالگرد تولد عفت را گرفته بودند. شام خوردیم و به خانه آمدیم.

پنج‌شنبه ١٥ آذر ١٣٦٩ | ١٧ جمادی‌الاول ١٤١١ — ٦ دسامبر ١٩٩٠

صبح زود به دفترم رفتم. فیلمبرداران مقداری از وقتم را برای مصاحبه، فیلمبرداری از اتاق خواب و کتابخانه‌ام گرفتند. مسئولان ستادهای آزادگان سراسر کشور آمدند؛

که انقلاب اسلامی به آن متکی است، از نعمت‌های الهی اشاره کردم.» ایشان محور دوم سخن خود را موضوع تأمین صحیح غریزه‌های جنسی ذکر کرد و یادآور شد: «ما در دین خود، دو جور ازدواج دایم و موقت داریم و در هر رساله‌ای در مبحث نکاح در این دو مورد بحث شده است و هر یک احکام خاص خود را دارد. ازدواج موقت برای سلامت ازدواج دایم و برای جلوگیری از فسق و فجور و فسادهای اجتماعی گذاشته شده است. جامعه ما ازدواج دایم را به عنوان حقیقتی مقدس پذیرفته، ولی از ازدواج موقت تصویر زشت و نامطلوبی دارد. من گفتم زن‌های بی شوهر هم می‌توانند استفاده کنند و زندگی یک ساله، دو ساله، پنج ساله و کمتر و یا بیشتر تشکیل دهند و این امر اگر رایج نشود، جامعه ما دچار شکست می‌شود. در مورد دختران جوان، این امر باید با موافقت پدرشان باشد و ازدواج موقت، همه شرایط ازدواج دایم را دارد و باید در دفاتر موجود ثبت شده و مشخص و روشن باشد.»

توصیه‌هایی برای امور آزادگان نمودم[1]. آقای[محمدعلی]انصاری، مسئول مرقد امام آمد. گزارش عملکرد کارهای عمرانی مرقد و امور دفتر تنظیم و نشرآثار امام را داد. برای ادامه کارهای عمرانی و کارهای دفتر و مراسم سالگرد آینده امام خمینی(ره) استمداد نمود.

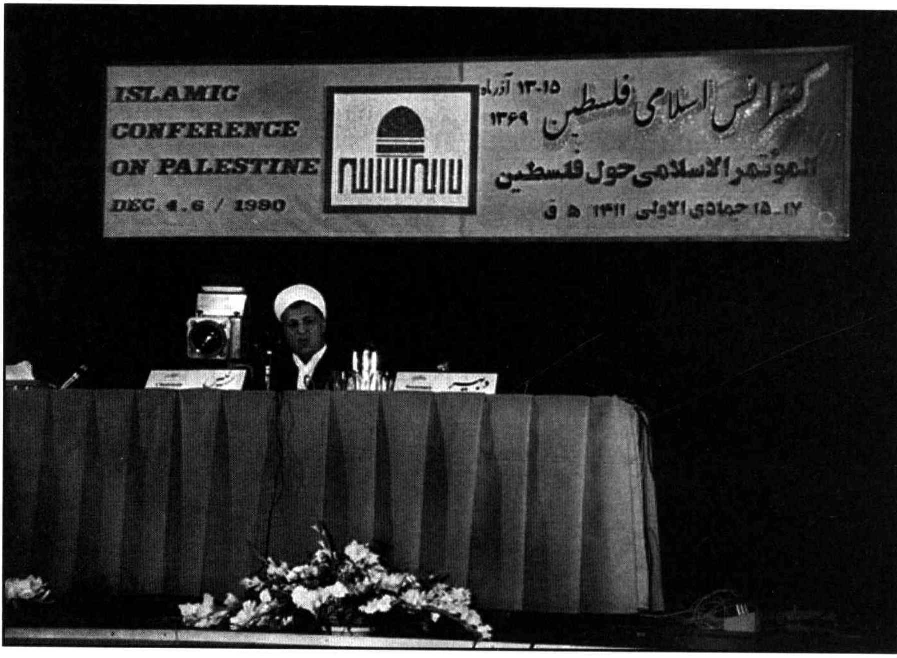
جلسه شورای نظارت بر توسعه و گسترش تهران را داشتیم. دربارهٔ ساخت و ساز روستاهای حریم تهران و منطقه غرب مسیل کن و نیازهای توسعه‌ای صنایع غرب تهران، بحث و تصمیم گیری شد. آقای [عبدالله]نوری، [وزیرکشور]آمد. درباره فرمانده نیروی انتظامی مذاکره شد.

عصر به مجلس رفتم و در کنگره فلسطین، سخنرانی اختتامیه را انجام دادم[2] و با امامت من، نماز مغرب و عشاء خوانده شد. گروه های مبارز، مستقل، اسلامی و فلسطینی در کنفرانس شرکت کرده‌اند.

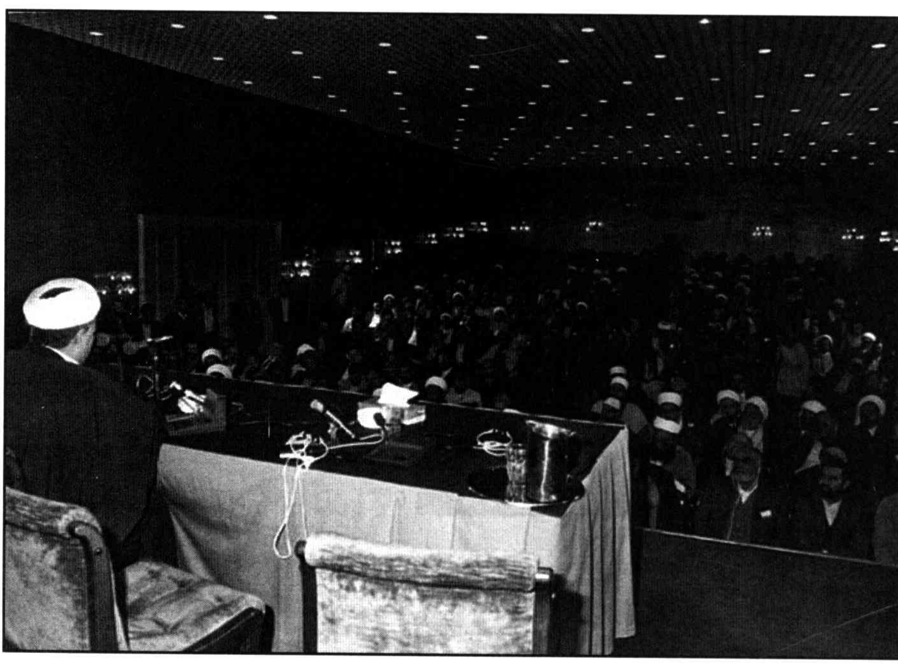
---

۱ - آقای هاشمی با اشاره به‌اینکه رزمندگان، خانواده‌های شهدا و جانبازان که در طول دفاع مقدس جان‌فشانی کردند، از مقام شایسته‌ای در جامعه انقلابی برخوردارند، گفت : «آزادگان سرافراز نیز که در جنگ حضور فعال داشتند و در دوران اسارت رنج کشیدند، انسان‌های والای تاریخ این کشور هستند و باید از آنان قدردانی شایسته به‌عمل آید.» ایشان با تأکید بر اهمیت وظایف و مسئولیت‌های مسئولین ستادهای رسیدگی به امور آزادگان اظهار داشت : «آزادگان علیرغم ارتباط معنوی و علاقه‌ای که به‌کشور داشتند، مدتی از جامعه جدا بوده‌اند و می‌بایست عقب‌ماندگی‌های این عزیزان جبران شود. اجرای دقیق قانون و دستورالعمل‌ها و آیین‌نامه‌های پیش‌بینی‌شده از وظایف اصلی مسئولین ستادهای رسیدگی به امور آزادگان است. ارائه کمک به آزادگان باید به‌گونه‌ای باشد که عواطف و احساسات و شخصیت آنان جریحه‌دار نشود. مسئولین ستادهای رسیدگی به امور آزادگان، با دقت و حساسیت ادای حقوق قانونی آزادگان را پیگیری و نظارت نمایند. رسیدگی به مسایل فرهنگی آزادگان، از برنامه‌های مهم مسئولین ستادهای رسیدگی به‌امور آزادگان است. مسئولین این ستادها به‌منظور برنامه‌ریزی اصولی، اطلاعات مربوط به آزادگان را جمع‌بندی کنند و مشکلات و نیازهای آنان را به مسئولین ذیربط منعکس نمایند تا آیین‌نامه‌های مورد نیاز اصلاح یا تدوین شود.» آقای هاشمی، خطاب به مسئولین ستادهای مذکور گفت : «آزادگان همچون فرزندان شما هستند و زمانی طول خواهد کشید تا آنها به زندگی عادی برگردند، شما حرف‌های آنان را گوش کنید و تا حد امکان مشکلات‌شان را مرتفع نمایید. همچنین وضعیت تعدادی از اسراء و مفقودین، تاکنون مشخص نشده و خانواده‌های آنان نگران هستند و تا تعیین قطعی وضعیت این عده، مذاکرات مسئولین ایرانی با طرف عراقی ادامه خواهد داشت.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های ۱۳۶۹» ، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲.

۲ - آقای هاشمی، با اشاره به اینکه اهداف فلسطین در کشور ایران، جزو اهداف عالی انقلاب اسلامی است، تاکیدکرد: «اگر یک حرکت منطقه‌ای و اسلامی، در ابعاد خارج از جمهوری اسلامی ایران، برای نجات فلسطین به وجود آید، ایران آمادگی دارد، جزو ارکان اصلی آن باشد. راه نجات فلسطین، طرد اسرائیل از منطقه و آزادی فلسطین است.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های ۱۳۶۹» ، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲ .



سخنرانی افتتاحیه در کنفرانس اسلامی فلسطین

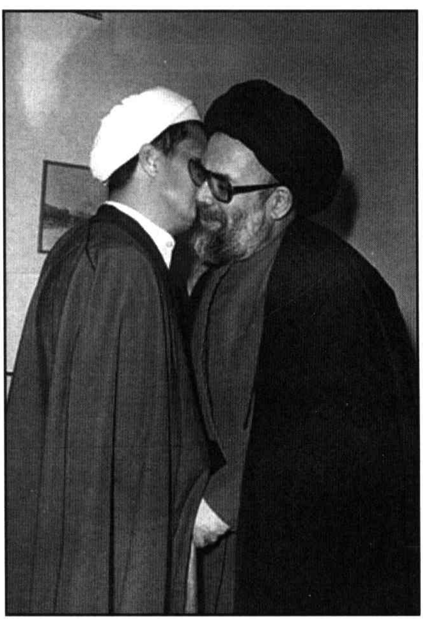


جمعه ١٦ آذر ١٣٦٩ | ١٨ جمادی‌الاول ١٤١١ — ٧ دسامبر ١٩٩٠

امروز در خانه بودم. گزارش‌ها را خواندم و استراحت کردم. از ظهر تا شب، جمعی از بستگان آمدند. معمولاً عصرهای جمعه می‌آیند. گاهی نامه‌هایی از افراد دیگر می‌آورند و تقاضای کمک یا شکایت یا پیشنهاد دارند. آقای [عبدالمجید]معادیخواه، برای مسایل بنیاد تاریخ آمد.

شنبه ١٧ آذر ١٣٦٩ | ١٩ جمادی‌الاول ١٤١١ — ٨ دسامبر ١٩٩٠

صبح زود به دفتر رفتم. قسمتی از نطق، برای هنگام تقدیم بودجه سال ٧٠ به مجلس، که از سوی سازمان برنامه و بودجه تهیه شده است، بررسی کردم. آقای دکتر هاشمی[گلپایگانی]، برای دستور شورای‌عالی انقلاب فرهنگی آمد. برای سالگرد شورای‌عالی انقلاب فرهنگی، مصاحبه‌ای انجام دادم.


ملاقات با سید محمد حسین فضل الله

آقای سید [محمدحسین]فضل‌الله، [از علمای سرشناس]لبنان آمد. وضع آنجا را گفت و سیاست ما را تحسین کرد. از اقدام‌مان برای حل اختلاف امل و حزب‌الله تشکر کرد و خواستار جدیت بیشتر برای حل کامل اختلاف، تعیین سفیر قوی در لبنان، حل مسأله گروگان‌های لبنان و تقویت روابط با دولت لبنان شد. همچنین در مورد کمک به خودش در انجام تعهداتی که دارد و قبلاً از طریق وجوهی که از کویت می‌رسیده، می‌پرداخته و اکنون قطع شده است، گفت.

دکتر [حسن]روحانی برای دستور جلسه شورای‌عالی امنیت ملی آمد. دکتر

[حسن]حبیبی برای امور جاری و برنامهٔ همکاری مطبوعات آمد؛ گفت پنج نفر از اعضای شورای نگهبان، نظر دارند که بودجه ارزی، خلاف قانون اساسی است و باید ریالی باشد؛ دو نفر مردّد هستند؛ فردا رأی نهایی معلوم می‌شود. همچنین شورای نگهبان، حذف بخشی از اعتبار صداوسیما را خلاف شرع و خلاف قانون اساسی دانسته‌اند.

آقای [محمد]غرضی، [وزیر پست و تلگراف و تلفن]آمد و برای اعتبار بیشتر استمداد کرد. عصر دکتر ولایتی، [وزیر امورخارجه]آمد. گزارش سفر به فرانسه را داد؛ خیلی راضی است. گفت آقای [فرانسوا]میتران، [رییس‌جمهور فرانسه]، به من پیغام داده که باید مسایل اختلافات مالی را حل کنیم و برای توسعه روابط، تلاش بیشتر نماییم.

شورای‌عالی امنیت ملی جلسه داشت. دکتر ولایتی[وزیر امورخارجه] و [آقای محمدعلی نظران]، مسئول کمیسیون اسرا گزارش دادند. همچنین دربارهٔ ضعف عملکرد هیأت بین‌المجالس که به ریاست آقای [سیدعلی‌اکبر]محتشمی، امسال در اروگوئه شرکت داشتند، بحث شد. در اثر سوءتدبیر هیأت، مصوبه به اتفاق‌آرا ثبت و نام خلیج فارس، «خلیج ع ر ب ی ـ فارسی» ذکر شده است و اینکه ایران در گروه کشورهای آسیایی به حساب بیاید.

بعضی‌ها خیلی دست و پا زدند که به نحوی این ضعف را توجیه کنند که نشد؛ در تمام دوران انزوای ایران، عرب‌ها نتوانستند چنین مصوبه‌ای بگیرند. در این کنفرانس که ایران در بهترین شرایط بین‌المللی بوده، چنین اتفاقی افتاد. این موضوع انتقاد شدید اکثریت جلسه را در پی داشت. قرار شد که آقای [مهدی]کروبی، [رییس‌مجلس]، در هیأت رییسه مطرح کند و پس از توضیح خواستن از اعضای هیأت، از طریق سازمان ملل و رییس کنفرانس، راه علاج پیدا شود.

سرشب آقایان [محسن]نوربخش، [وزیر امور اقتصادی و دارایی] و [مسعود روغنی زنجانی، [رییس سازمان برنامه و بودجه] و [سید محمدحسین]عادلی، [رییس بانک مرکزی] آمدند. از بالا رفتن مبلغ بودجه سال ۷۰ اظهار نگرانی کردند؛ با اینکه خودشان تصویب نموده‌اند. به خانه آمدم.

یکشنبه ۱۸ آذر ۱۳۶۹ | ۲۰ جمادی‌الاول ۱۴۱۱ ۹ دسامبر ۱۹۹۰

ساعت هفت و نیم به دفتر رسیدم. تا ساعت نُه ونیم صبح، پیش‌نویس سخنرانی تهیه‌شده را اصلاح کردم. آقای [مسعود روغنی]زنجانی، [رییس‌سازمان برنامه و بودجه]آمد. با هم به مجلس رفتیم. سخنرانی حدود دو ساعت طول کشید[1]. نمایندگان را تحت تأثیر قرار داد. آقای کروبی، هنگام گفتن خیرمقدم، اشتباهی به جای رییس‌جمهور، رییس مجلس گفت.

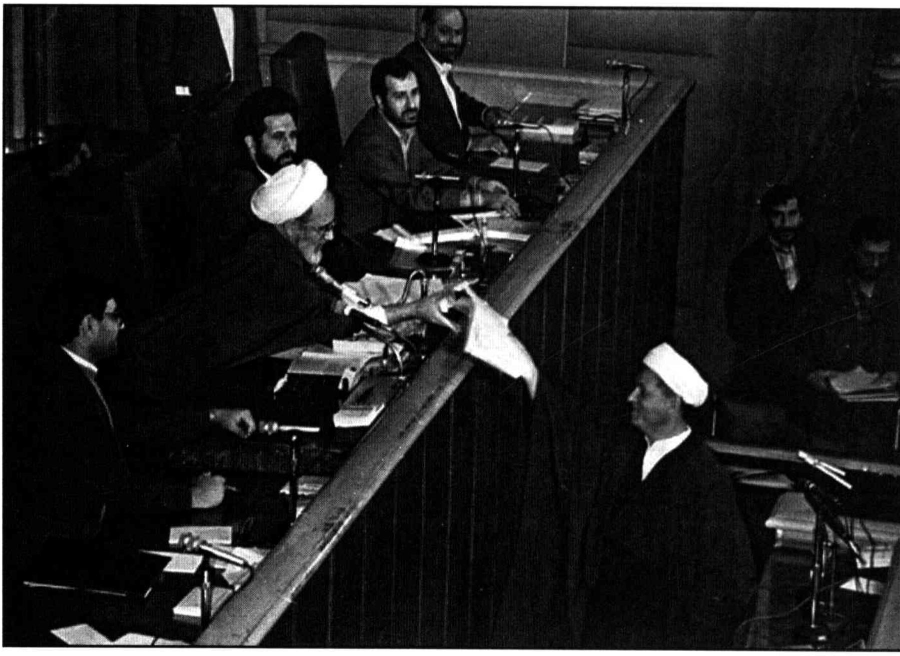
به دفترم برگشتم. نماز و ناهار و مقداری کار دفتری و سپس استراحت، وقت را گرفت. به خاطر انباشته‌شدن کارها به جلسه دولت نرفتم. تا شب کار کردم و مقداری هم به تنظیم کتابخانه پرداختم.

سرشب آقایان ولایتی، [وزیر امورخارجه]، [محسن]نوربخش، [وزیر امور اقتصادی و دارایی] و [رضا]امراللهی، [رییس سازمان انرژی اتمی] آمدند. راجع به اختلافات مالی با فرانسه مذاکره شد. در محاسبات ابتدایی، به نظر رسید که حدود یک میلیارد و نیم، طلب ما خواهد بود که فرانسوی‌ها آن را خیلی کمتر می‌گویند. قرار شد تا فردا رقم روشن‌تری مشخص شود که به پاریس اعلان کنیم. [آقای فرانسوا میتران]، رییس‌جمهور فرانسه گفته، دو وزیر خارجه با هم توافق کنند.

شب با آیت‌الله خامنه‌ای جلسه داشتیم. درباره مسأله توافق با فرانسه و مبادلات پیشنهادیِ تسلیحاتی و نفتی با کره شمالی، وضع بودجه فرماندهی دو نیروی دریایی ارتش و سپاه توسط آقای [علی]شمخانی و همچنین دربارهٔ شرکت آقای خامنه‌ای در مانور نیروی دریایی و مسایل جاری کشور، مذاکره و تصمیم‌گیری کردیم. دکتر ولایتی، [وزیر امورخارجه] خبر داد که رییس‌جمهور الجزایر، می‌خواهد آخر هفته به ایران بیاید؛ موافقت کردم.

---

۱ - متن کامل این سخنرانی به جهت اهمیت، در بخش ضمایم همین کتاب درج شده است. در این سخنرانی، آقای هاشمی، رویکردهای دولت سازندگی را در بخش های مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و بین‌المللی تشریح کرده است.



تقدیم لایحه بودجه سال ۱۳۷۰ به مجلس شورای اسلامی



دوشنبه ۱۹ آذر ۱۳۶۹ | ۲۱ جمادی‌الاول ۱۴۱۱ — ۱۰ دسامبر ۱۹۹۰

ساعت هشت و نیم صبح به دفترم رسیدم. اطلاع دادند که مجلس، به خاطر ناراحتی از نظریهٔ شورای نگهبان در مورد مخالفت با بودجه ارزی و خلاف شرع و قانون اساسی دانستن کاهش اعتبار صداوسیما، جلسه خصوصی گذاشته است. معلوم شد تصمیم گرفته‌اند بودجه بدون بخش ارزی را بررسی نکنند و گفته‌اند، چون شورای نگهبان در مهلت قانونی نظر نداده، مصوبه متمم بودجه را به دولت ابلاغ کرده‌اند. گفتم به آنها بگویند، دولت هم بودجه با ارز و هم بدون ارز داده است؛ مسأله بین مجلس و شورای نگهبان است.

[آقای غلامرضا آقازاده]، وزیر نفت آمد. از روند رونق اقتصادی و به بار نشستن سیاست‌های اقتصادی اظهار شادمانی کرد و پیشنهاد نمود، برای انتخابات مجلس آینده برنامه‌ریزی شود. عازم اجلاس اوپک است. قرار شد آقایان [علی]شمس‌اردکانی و [حسین]کاظم‌پور[اردبیلی] را برای دبیرکلی اوپک معرفی نماید. لیستی از صنایع نفتی قابل‌واگذاری به بخش خصوصی را آورد.

همراه اعضای شورای‌عالی انقلاب فرهنگی، به مناسبت سالگرد شورا، به ملاقات رهبری رفتیم. من و رهبری صحبت کردیم. رهبری، برای شرکت در مانور نداجا[= نیروی دریایی ارتش] با من مشورت کردند؛ نظر موافق دادم.

به دفترم برگشتم. آقای [مرتضی]الویری، [رییس کمیسیون برنامه و بودجه]آمد. از اختلاف جدید بین مجلس و شورای نگهبان اظهار نگرانی کرد و برای حل آن استمداد کرد؛ گفتم خیلی حساسیت ابراز نکنند، تا برای حل آن اقدام شود.

ساعت سه و نیم، برای استقبال از رییس‌جمهور سودان، به فرودگاه مهرآباد رفتیم. آقای «عمرحسن البشیر»، همراه چند وزیر و هیأت بزرگی به ایران آمدند. مراسم رسمی استقبال انجام شد و پس از مصاحبه کوتاه[1] به سوی اقامتگاه سعدآباد حرکت کردیم. در

---

۱ - آقای هاشمی در این مصاحبه گفت: «در گذشته روابط ایران و سودان، مطلوب نبود و ما انتظار داریم با سفر آقای البشیر، این روابط در همه زمینه‌ها مطلوب شود.» در این سفر، حسن‌البشیر را آقایان احمدسحلول، وزیر امورخارجه، علی‌احمد قنیف وزیرکشاورزی، یعقوب ابوشوری، وزیرآبیاری،محمداحمد،وزیرآموزش‌و پرورش، حسین‌سلیمان ابوصالح، وزیر مسکن و کار، دکتر عوض‌احمد الجاز، وزیر بازرگانی، دکتر تاج‌السّر مصطفی، رییس همکاری‌های عمومی برای سرمایه‌گذاری و گروهی دیگر از شخصیت‌های اقتصادی، نظامی و فرهنگی سودان همراهی می‌کردند.



ملاقات با رییس جمهور سودان



راه مقداری دربارهٔ شورش جنوب سودان توضیح داد؛ به نظر رسید مشکل بزرگی دارند. گفت شورشیان حدود پنجاه هزار نیروی مسلح، با پشتوانه‌های مالی و تسلیحاتی از سوی غربی‌ها و ارتجاع عرب دارند. آنها چند شهر و منطقهٔ وسیعی را تصرف کرده‌اند و در اتیوپی پایگاه دارند. مختصری در اقامتگاه ماندم و به دفترم آمدم. کارها را انجام دادم. شورای اقتصاد به خاطر غیبت من، بدون تصمیم‌گیری جلسه را ختم کرده بود.

ساعت هفت بعد از ظهر، برای ضیافت شام به کاخ وزارت امورخارجه رفتیم. سودانی‌ها هم آمدند. دربارهٔ مسایل اخیر چاد پرسیدم. گفتند با حمایت لیبی و سودان، شورشی‌ها پُررو شده‌اند. انتقال اسرای لیبی هم به این خاطر است که این اسرا، قبلاً به حسن هابره پیوسته و جزو معارضین لیبی بوده‌اند و لابد خودشان همراه فرانسوی‌ها و آمریکایی‌ها رفته‌اند.

سرمیز شام سخنرانی کردم[1]. سئوالات زیادی از وضع اقتصادی و نظامی و فرهنگی سودان کردم که معلوم شد از هر جهت، وضع بدی دارند و توقعات زیادی از ما دارند. ساعت نُه شب به دفترم رفتم.

سه‌شنبه ۲۰ آذر ۱۳۶۹ | ۲۲ جمادی‌الاول ۱۴۱۱ — ۱۱ دسامبر ۱۹۹۰

تا ساعت نُه صبح کارها را انجام دادم. مهمانان سودانی آمدند؛ ابتدا جلسه خصوصی با حضور وزرای امورخارجه دو کشور و معاون اول داشتیم. بحث دربارهٔ عراق و کویت بود. مدعی بودند که عراقی‌ها آماده عقب نشینی هستند، به شرط اطمینان از عدم مزاحمت آمریکا و ختم محاصره و خواستار امتیاز مرزی منجمله در جزیره وَربه و بوبیان هستند. گفتم با دادن جزایر مخالفیم. گفت سعدون حمادی، [نخست وزیر عراق]، اخیراً در ملاقات با او گفته که در تجدیدرابطه با ایران، جدی و صمیمی‌اند؛ گفتیم هنوز اطمینان به صداقت عراق پیدا نکرده‌ایم.

---

۱ - در بخشی از این سخنرانی آمده است: «ما علاقمند هستیم امکانات و تجارب خود را در اختیار کشورهای اسلامی خصوصاً کشورهای مظلوم و محروم آفریقایی مثل سودان قرار دهیم. جمهوری اسلامی ایران در سایه مبارزه طولانی با استکبار جهانی و تلاش بی وقفه برای سازندگی، تجارب ارزنده‌ای کسب کرده و آماده است این تجارب ارزشمند را در اختیار کشورهای مسلمان قرار دهد» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های ۱۳۶۹»، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۹۲.

جلسه رسمی مذاکره تشکیل شد. دربارهٔ مسایل منطقه و روابط دو طرف صحبت کردیم. قرار شد چهار کمیسیون سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی، برای موارد همکاری کار کنند. مهمانان به اقامتگاه رفتند و من هم به کارهایم پرداختم.

عصر محسن آمد. گزارش کارها را داد و دربارهٔ تأسیس مرکز انتشارآثار من صحبت کرد[1]. آقای [سید محمد]خاتمی، [وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی] و معاونت سینمایی‌اش آمدند. گزارش وضع سینما و فیلم‌سازی را دادند؛ خیلی راضی‌اند. سالانه حدود پنجاه فیلمِ خوب تولید می‌شود. از مشکلات ساخت سالن سینما و تولید فیلم گفتند و استمداد کردند. از اینکه صنف فیلمسازی ایران، در دنیا اعتبار بالایی کسب کرده و در مسابقات جهانی پیروزی‌های خوبی به دست می‌آورد، گفتند.

آقای [حسین]کاظم‌پوراردبیلی آمد. گزارش مسأله قرار و خرید آب شیرین کن از ژاپن را گفت که سال‌هاست بلاتکلیف است؛ قرار شد رسیدگی و تصمیم گیری کنیم. مربوط به انرژی اتمی است. شورای‌عالی انقلاب فرهنگی جلسه داشت. دربارهٔ تغییر نظام تحصیلی آموزش متوسطه بحث شد.

چهارشنبه ۲۱ آذر ۱۳۶۹ | ۲۳ جمادی‌الاول ۱٤۱۱ ۱۲ دسامبر ۱۹۹۰

جمعی از شخصیت‌های اسلامی از لیبی، ترکیه، الجزایر، سنگال، اردن و فلسطین، برای مسأله عراق و کویت و پیدا کردن راه حل صلح‌آمیز و در حقیقت برای نجات صدام آمدند[2]. گفتم راه حل منطقی این است که صدام، بدون شرط از کویت بیرون برود. آقای

---

۱ - «دفتر نشر معارف انقلاب» در سال ۱۳۷۰ آغاز به کار کرد. این ناشر تاکنون نزدیک به ۶۰ عنوان کتاب چاپ کرده است.

۲ - در این دیدار، ابتدا یکی از آنان، گزارشی از فعالیت‌های انجام شده در جهت وحدت هرچه بیشتر مسلمانان ارائه کرد و گفت: «ما در این حرکت اسلامی و مردمی بر این اعتقادیم که مشکلات موجود بین مسلمین، باید به وسیله خود آن‌ها حل شود و نباید به بیگانگان اجازه داد تا در امور مسلمان‌ها و کشورهای اسلامی دخالت کنند.» سپس با تأکید برجایگاه ویژهٔ جمهوری اسلامی ایران، در تقویت حرکت‌های اسلامی، از موضع اصولی و افتخارآمیز جمهوری اسلامی در قبال بحران اخیر خلیج فارس قدردانی کرد و اظهار داشت: «ما تأکید می‌کنیم که یک کشور اسلامی نباید توسط کشورهای اسلامی دیگر اشغال شود و همچنین باید تمامی نیروهای بیگانه از منطقه خلیج فارس خارج شوند.» سپس آقای هاشمی با اظهار خرسندی از دیدار با رهبران حرکت‌های اسلامیِ برادران مسلمان، آنان را به تلاش و

میرزاده، [معاون اجرایی رییس‌جمهور] برای امور جاری آمد. [آقای جواد ترک آبادی]، سفیر ایران در بحرین، برای خداحافظی آمد؛ مترجم عربی‌مان است. جلسه شورای‌عالی اداری برای بررسی لایحه نظام هماهنگ پرداخت‌ها داشتیم.

عصر همراه مهمان سودانی به دیدار رهبری رفتیم. زودتر از موعد مقرر رسیده بود. در جلسه هیأت دولت شرکت کردم؛ گزارش کمیسیون‌ها در دستور بود.

شب به اقامتگاه سعدآباد رفتیم. شام را با سودانی‌ها خوردیم و کمیسیون‌ها، گزارش کار دادند و مذاکره خصوصی داشتیم. تقاضای کمک کردند. اسناد مبادله شد. [آقای البشیر] گفت، سعدون حمادی قبل از سفر او به ایران، به سودان رفته و از او خواسته است که با ما، راجع به همکاری با عراق و مبادله تجاری در مرزها صحبت کنند. گفتم ما اعتماد به عراقی‌ها نداریم و مخصوصاً از این جهت که سرنوشت مفقودان و هزارها اسیر که اسم‌شان را دادیم، مشخص نمی‌کنند.

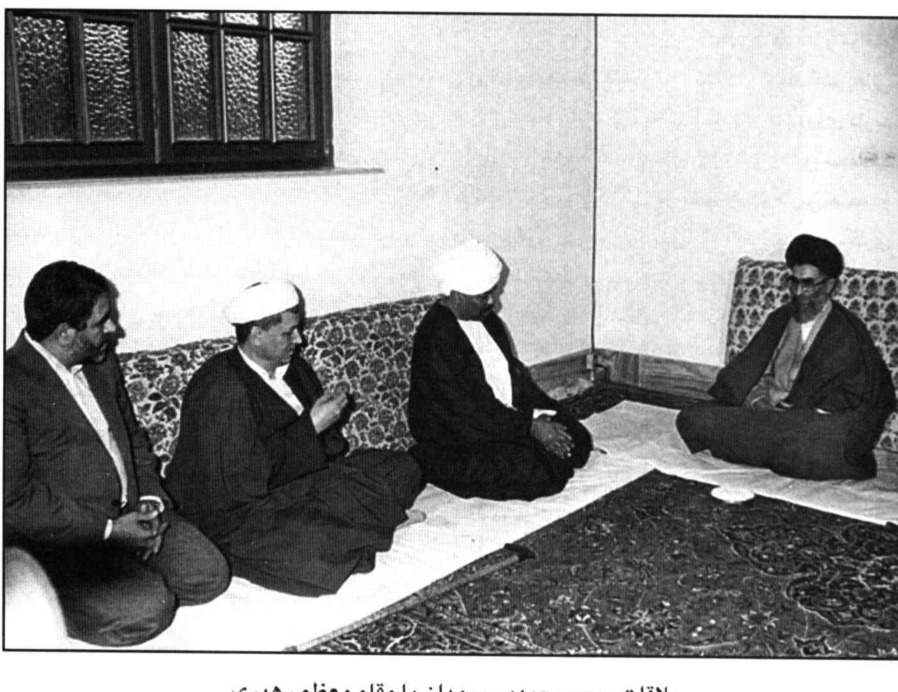
پنج‌شنبه ۲۲ آذر ۱۳۶۹ | ۲۴ جمادی‌الاول ۱۴۱۱ ۱۳ دسامبر ۱۹۹۰

از منزل به اقامتگاه سعدآباد رفتم و همراه [آقای عمرالبشیر]، رییس شورای انقلاب سودان به فرودگاه رفتیم. در راه مذاکرات خصوصی‌تر انجام شد. گفت می‌خواهد چند روز دیگر به عراق برود و خواست که اگر مطلبی برای صدام داریم، بگوییم. گفتم به خاطر ناتمام ماندن مسأله اسرا، اعتماد لازم برای ما بوجود نیامده است. از حال صادق المهدی پرسیدم.

↩فعالیت هرچه بیشتر در جهت همفکری و همدلی مسلمانان فراخواند و گفت: «شما به عنوان انجام یک تکلیف دینی و ملی، حرکت خوبی را آغاز کرده‌اید، ولی باید به کار خودتان سرعت بیشتری بدهید.» ایشان با تأکید برتلاش همه جانبه جمهوری اسلامی از جمله دیدارهای رسمی سران برخی از کشورها و مسافرت‌های اخیر وزیرامور خارجه ایران برای جلوگیری از جنگ و خونریزی در منطقه خلیج فارس، پافشاری عراق برای ماندن در کویت را یک اشتباه خواند و افزود: «هر قدر بیشتر معلوم شود که عراقی‌ها تحت فشار آمریکا از کویت بیرون خواهند رفت، این به ضرر مسلمان‌ها و منطقه است و به نفع امپریالیسم و موجب غرور بیشتر استکبار خواهد بود.» آقای هاشمی همچنین با اشاره به تأثیرات منفی بحران خلیج فارس بر انتفاضه قیام اسلامی مردم فلسطین گفت: «متأسفانه در اثر این بحران، فلسطینی‌ها نیز خسارات فراوانی متحمل شده‌اند که باید در این مراحل حساس، همه مسلمان‌ها متحد و یکپارچه علیه رژیم اشغالگر قدس بپاخیزند و در جهت جهاد مقدس مردم مظلوم فلسطین حرکت کنند.»



ملاقات با نمایندگان اخوان المسلمین



ملاقات رییس جمهور سودان با مقام معظم رهبری

گفت در منزلی تحت نظر است و بعضی از اعضای حزب‌اش فراری و بعضی ساکت و بعضی هم همکاری می کنند.

پس از مصاحبه[1] و بدرقه رسمی، ساعت ده ونیم به دفترم رفتم. کارها را انجام دادم. ساعت چهار و نیم بعد از ظهر، برای استقبال [آقای شاذلی بن جدید]، رییس‌جمهور الجزایر به فرودگاه مهرآباد رفتیم که از عراق می‌آید. با یک ساعت تأخیر رسید. پس از مراسم استقبال رسمی و مصاحبه کوتاه دو نفر[2]، به سوی دفتر من حرکت کردیم.

۱- آقای البشیر در زمینه موضع سودان در قبال بحران خلیج فارس و یافتن راه حل مسالمت‌آمیزی برای این بحران گفت: «هر دو کشور اشغال کویت و حضور نیروهای بیگانه در خلیج فارس را قبول ندارند و عراق باید از کویت خارج شود.» ایشان همچنین دیدار خود از جمهوری اسلامی ایران را موفق ذکر کرد و گفت: «در این دیدار آمادگی جدی برای همکاری دو کشور مشاهده شد و در ملاقات‌هایی که با رهبران عالیرتبه جمهوری اسلامی ایران صورت گرفت، مذاکراتی در زمینه تقویت همکاری دو ملت انجام شد.» رییس‌جمهور سودان با اشاره به امضای یک قرارداد فرهنگی و اقتصادی بین دو کشور گفت: «ما شاهد پیشرفت جمهوری اسلامی ایران در سایه انقلاب اسلامی بودیم و در این سفر با تجربیات و امکانات جمهوری اسلامی ایران که می تواند تکیه‌گاه ما باشد، آشنا شدیم و ملاقات من با حضرت آیت الله خامنه‌ای، رهبرانقلاب فرصت بسیار خوبی برای بررسی مسایل جهان اسلام بود.» آقای هاشمی رفسنجانی نیز در پاسخ به سئوالی در زمینه آینده روابط دو کشور گفت: «هر دو دولت علاقمند هستند که این روابط توسعه یابد و مردم سودان در میان کشورهای اسلامی، یکی از انقلابی‌ترین و مسلمان‌ترین کشورها هستند و مواضع سودان در قبال مسایل جهانی و منطقه‌ای به جمهوری اسلامی ایران نزدیک می‌باشد و این کشور از جمله کشورهایی است که همکاری با آنها، برای ما مطرح است. ما تجربیاتی در زمینه جهاد سازندگی، بخش صنعت و کشاورزی داریم که بدون استفاده از بیگانگان صورت گرفته و می‌تواند برای سودان سودمند باشد. مواضع ما، در مورد مسایل منطقه نیز کاملاً با یکدیگر منطبق بود و هر دو دولت، مخالف اشغال کویت و حضور بیگانگان در منطقه خلیج فارس هستند و معتقدند راه حل مساله را باید در مذاکره جستجو کرد و نیروهای اسلامی باید هماهنگ شوند. با وجود میدان همکاری بیشتر برای دو کشور، در مسایل منطقه فعالیت ما و سودان بیشتر خواهد شد تا از خطر بروز جنگ جلوگیری شود.»

۲ - آقای شاذلی بن جدید، هدف از سفرش را گفت وگو با مقامات جمهوری اسلامی ایران در زمینه همکاری‌های دوجانبه، مسایل منطقه‌ای و بین‌المللی ذکرکرد. ایشان با اشاره به اینکه ملت الجزایر نسبت به ملت ایران احساس دوستی و محبت دارد، گفت: «ما با علاقمندی بسیار، گام‌های جمهوری اسلامی ایران را برای ایجاد جامعه‌ای متمدن و تمدن اسلامی برای امت اسلامی دنبال می‌کنیم. امیدوارم که در این سفر، صفحه جدیدی از همکاری‌ها بین دو کشور در تمام زمینه‌ها گشوده شود.» آقای هاشمی نیز به خبرنگاران گفت: «حضور ریاست جمهوری الجزایر در ایران، با توجه به موقعیتی که این کشور در میان کشورهای اسلامی دارد، می‌تواند به عنوان حرکت جدیدی مطرح شود. شرایط بحرانی منطقه، ضرورت آغاز یک تحرک جدی را به وجود آورده است و آقای بن جدید، تحقیقاً مسئولیت حل بحران منطقه از طُرق مسالمت‌آمیز را احساس کرده است. در همین رابطه، از چند روز قبل تحرکات ما نیز بیشتر شده و با کشورهای مختلف ارتباط برقرار کرده‌ایم. ما نتیجه مذاکرات آقای بن جدید را بررسی خواهیم کرد، و ان‌شاءالله اقدامی برای جلوگیری از شروع خطر جنگ اتخاذ خواهد شد.»

در راه، صحبت‌های خصوصی و سرّی انجام شد. گفت در آخرین جلسه که لحظات قبل از حرکت از بغداد، با صدام به طور خصوصی داشتند، به این نتیجه رسیده که صدام آماده خروج از کویت است، به شرط اینکه طرف مقابل امتیازاتی بدهد؛ به تعبیر خودش «تنازل مشترک» و گفت پس از اردن، عراق، ایران، عمان ومصر، به سوریه می‌رود؛ به عربستان نمی‌رود. زیرا سعودی‌ها، با سفر او موافقت نکرده‌اند و معتقد بود که آمریکا مانع قبول سعودی‌ها شده است.

لَدی‌الورود، در دفترم مذاکرات فشرده‌ای داشتیم. از حرکت به سوی دموکراسی در الجزایر و مسایل کشورهای مغرب عربی و مذاکراتش در بغداد و امان و همکاری‌های بین‌الامنیتی صحبت شد. من برای نماز مغرب رفتم و او هم به اتاقی برای استراحت رفت.

ساعت هفت بعد از ظهر، به مقر رهبری، برای ملاقات با ایشان رفتیم.



ملاقات رییس جمهور الجزایر با مقام معظم رهبری

مذاکرات تشریفاتی و کلیات بود. آنها به اقامتگاه سعدآباد رفتند و من بعداً ملحق شدم. جلسه مذاکره خصوصی با حضور مترجم داشتیم. پیام صدام را داد که گفته بود، در اراده دوستی و همکاری با ایران مصمم است و از من خواسته بود که اگر شبهه‌ای دارم، توضیح بخواهم. گفت عراقی‌ها آماده «تنازل مشترک» با آمریکا و کویتی‌ها هستند، و هم این را صریح نمی‌گویند؛ از حرف‌های آنها می‌شود فهمید. دربارهٔ احتمالات جنگ و صلح

مذاکره شد.

سر میز شام، با حضور اعضای هیأت، حرف‌های معمولی زدیم؛ درباره گاز و نفت و صنایع. دیر وقت به خانه آمدم.

جمعه ۲۳ آذر ۱۳۶۹ | ۲۵ جمادی‌الاول ۱۴۱۱ — ۱۴ دسامبر ۱۹۹۰

ساعت نُه و نیم صبح، برای ملاقات و دور دوم مذاکره با آقای[شاذلی]بن جدید، به دفترم رفتم. ایشان به زیارت مرقد امام رفته بود. ساعت ده ونیم آمد. تا ظهر مذاکره کردیم بیشتر مطالب تکراری بود. برای اقامه [نماز]جمعه در دانشگاه تهران رفتند و من در دفترم نماز خواندم.

به فرودگاه رفتم، آنها هم رسیدند. مصاحبه و بدرقه انجام شد[1] و به سوی عمان پرواز کردند. به خاطر اینکه زودتر از موعد حرکت کردند، سفیران مقیم به بدرقه نرسیدند. به خانه آمدم.

---

۱ - آقای شاذلی بن جدید، پیش از ترک تهران در گفت وگویی با خبرنگاران، ضمن مثبت توصیف کردن مذاکراتش، از میهمان نوازی ملت ایران تشکر کرد و اظهار امیدواری نمود این دیدار، فرصتی را برای گسترش روابط دوجانبه دوملت ایران و الجزایر فراهم کرده باشد. رییس جمهور الجزایر با اشاره به اوضاع بحرانی خلیج فارس گفت: «در دیدار از کشورهای منطقه تأکید برحل مسالمت‌آمیز بحران خطرناک خلیج فارس بود، اما برای پیدا کردن راه حل نهایی مشکلاتی وجود دارد.» ایشان بی تفاوتی در مورد بحران کنونی خلیج فارس را نکوهش کرد و اظهار امیدواری نمود این دیدارها نتایج خوبی در جهت نزدیک‌کردن نقطه نظرات طرف‌های متخاصم‌داشته باشد.رییس‌جمهور الجزایر اظهار داشت: «بحران کنونی خلیج فارس، تنها مشکل جهان اسلام نیست، بلکه قیام مردم فلسطین نیز از جمله مشکلات مسلمین، است که باید مورد توجه جدی قرار گیرد.» آقای هاشمی نیز ضمن مثبت توصیف‌کردن مذاکراتش با «بن جدید»، به اوضاع بحرانی خلیج فارس، ناشی از اشغال‌کویت اشاره کرد و افزود: «در مذاکرات با رییس‌جمهور الجزایر، بحران کنونی خلیج فارس و حضور نیروهای بیگانه مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت. نگرانی از اوضاع بحرانی خلیج فارس همچنان باقی است و در این مذاکرات، همچنین تهدید ملت فلسطین توسط رژیم اشغالگر قدس و نقش ملت‌های مسلمان در حمایت از قیام مردم فلسطین، بررسی شد.» ایشان از تحولات سیاسی، اجتماعی الجزایر در جهت گام برداشتن به‌طرف دموکراسی و سهیم نمودن مردم در تصمیم‌گیری‌ها استقبال کرد و اظهار داشت: «شرکت دادن مردم در مسایل سیاسی و اجتماعی در الجزایر، تأثیر مثبتی بر اوضاع مناطق غرب و شرق عربی دارد.»

شنبه ۲۴ آذر ۱۳۶۹ | ۲۶ جمادی‌الاول ۱۴۱۱ ۱۵ دسامبر ۱۹۹۰

ساعت هشت و نیم به دفترم رسیدم. ساعت نُه صبح، اعضای سازمان اعتباری دانشگاه(مات)آمدند؛ این سازمان قبل از انقلاب، به منظور کمک و دادن وام به دانشجویان، تحت ریاست رییس دولت تشکیل شده است که بعد از انقلاب فعال نبوده است. شرح امکانات، سرمایه، برنامه، اهداف و اعضا را دادند. جمعی از بازرگانان و دانشگاهیان هستند. اکثراً از دوستان بازاری قبل از انقلاب‌اند. قرار شد کارشان را با منابع جدید مالی ادامه دهند.

اَنیس نقّاش و یکی دیگر از هم‌بندی‌هایش آمدند. تشکر کردند و توضیحات مختصری از دوران زندان در فرانسه دادند؛ روحیه خوبی دارند.

دکتر [محسن]نوربخش، [وزیر امور اقتصادی و دارایی] و معاون مالیاتی‌اش آمدند. درباره مالیات کسبه و مشاغل آزاد توضیح دادند. قرار بود با اتحادیه‌ها هماهنگ کنند که توسط آنها مالیات وصول شود. مرتباً شکایت از عدم همکاری وزارت اقتصاد با آنها می‌رسید. ادلّه‌ای اقامه کردند که آنها می‌خواهند از زیر بار مالیات بیرون بروند. قرار شد ابتدا تفاهم کنند و سپس موارد خلاف را پیگیری کنند؛ مدعی‌اند که خیلی کمتر از مالیات واقعی را می‌پردازند.

آقای [رضا]امراللهی، [رییس سازمان انرژی اتمی] از سفر فرانسه آمد و آمادگی فرانسوی‌ها، برای همکاری و فصل اختلافات مالی را گفت. عصر شورای‌عالی امنیت ملی جلسه داشت. درباره شرایط منطقه و پیشنهادها در جهت گیری‌ها بحث شد. به این نتیجه رسیدیم که سیاست و برخورد فعلی درست است و نباید به طرف عراق، یا طرف دیگر تمایل بیشتر نشان دهیم.

با احمدآقا، شب مهمان آقای خامنه‌ای بودیم. ایشان امروز بندرعباس و دیروز در کیش بوده‌اند؛ از وضع جزیره کیش اظهار خرسندی داشتند. دربارهٔ منطقه و مسایل مطروحه در شورای عالی امنیت ملی مذاکره کردیم و تصمیم شورا تأیید شد.

به خانه آمدم. شوفاژ خراب و هوای خانه کمی سرد بود؛ چند روزی است که گاه‌به‌گاه خاموش می‌شود و تحت تعمیر است.

یکشنبه ۲۵ آذر ۱۳۶۹ | ۲۷ جمادی‌الاول ۱۴۱۱ — ۱۶ دسامبر ۱۹۹۰

ساعت هشت و نیم صبح به دفترم رفتم. آقای [عبدالله]نوری، وزیر کشور آمد. دربارهٔ انتخابات شوراها و انتخابات مجلس خبرگان، منطقه آزاد چابهار و فرماندهی نیروی‌انتظامی مذاکره شد. آقای [ابوالفضل]توکلی‌بینا، [مشاور رییس‌جمهور در امور اصناف] آمد. از کارهای تند [آقای غلامحسین کرباسچی]شهردار تهران و همچنین از عدم‌تحویل گرفتن اتحادیه‌های اصناف از سوی وزیر اقتصاد، برای تفاهم در مورد مالیات مشاغل انتقاد داشت.

آقای [علی اصغر]باغانی، [نماینده ولی‌فقیه در دانشگاه شهید بهشتی]آمد و برنامه سخنرانی پس فردا در دانشگاه شهید بهشتی را گفت. آقای [محمدرضا]آیت‌اللهی آمد. دربارهٔ پذیرفتن سمت استاندار آذربایجان غربی نظر خواهی کرد؛ مخیرش کردم، میان پذیرفتن و ماندن در سمت معاونت انرژی اتمی. آقای [اکبر]ترکان، به همراه معاونان مهندسی و جغرافیایی آمدند و توضیح اقدامات خودشان را دادند. عصر در جلسه هیأت دولت شرکت کردم.

شب با آیت‌الله خامنه‌ای جلسه داشتیم. دربارهٔ اختلاف مجلس و شورای نگهبان، مناطق‌آزاد و گروگان‌ها در لبنان مذاکره کردیم. به خانه آمدم. کسی در خانه نبود. سریال سیدجمال‌الدین[اسدآبادی] را تماشا کردم و خوابیدم.

دوشنبه ۲۶ آذر ۱۳۶۹ | ۲۸ جمادی‌الاول ۱۴۱۱ — ۱۷ دسامبر ۱۹۹۰

ساعت هفت و نیم صبح به دفترم رسیدم. ملاقات‌ها بیشتر با نمایندگان مجلس بود. آقای دکتر [محمدکریم]شهرزاد، نماینده اصفهان آمد. از تندروها و از وزارت آموزش و پرورش انتقاد داشت.

آقای [سیدرضا]اکرمی، نماینده سمنان آمد. برای آب و صنایع سمنان و همچنین برای احداث راه یزد - سمنان - بهشهر استمداد کرد و تقاضای سفر من به سمنان را نمود. پیشنهادهایی برای اصلاح امور داد. آقای [خداکرم]جلالی، نماینده فیروزآباد فارس آمد. برای راه و سیلو و کشاورزی منطقه استمداد نمود.

اعضای کمیسیون دیوان محاسبات آمدند[1]. خواستار تقویت دیوان شدند و گزارش سفر به تایلند، هند و امارات را دادند و در جهت توسعه روابط با این کشورها توصیه کردند. دکتر [حسن]حبیبی، برای امور جاری آمد. عصر شورای اقتصاد جلسه داشت. دربارهٔ تعرفه حمل و بار و مسافر راه‌آهن و همچنین تعیین فهرست‌بهای جدید پیمانکاری طرح‌ها تصمیم‌گیری شد. شب برای انجام کارهای عقب مانده در دفترم ماندم.

سه‌شنبه ۲۷ آذر ۱۳۶۹ | ۲۹ جمادی‌الاول ۱۴۱۱ ۱۸ دسامبر ۱۹۹۰

ساعت پنج ونیم صبح بیدار شدم و دیگر نخوابیدم. تا نُه صبح کار کردم. ساعت نُه آقای [غلامحسین]جمی، [امام جمعه آبادان]آمد. اوضاع آبادان و نیازها را گفت و استمداد کرد. مبلغ یک میلیون تومان، برای کمک به نیازمندان جنگ‌زده دادم؛ علی‌رغم پذیرفته‌نشدن[توسط شورای نگهبان] در مجلس خبرگان، اظهار وفاداری کرد.

آقایان [سید محمدحسین]عادلی، [رییس بانک مرکزی] و [مسعود روغنی]زنجانی، [رییس سازمان برنامه و بودجه]آمدند. برای مسایل پولی و بودجه‌ای و تسهیلات بانکی صحبت شد. سفیران جدیدمان در یوگسلاوی و ویتنام برای خداحافظی و مشورت آمدند. برای مراسم روز[دانشجو]، ۲۷ آذر، به دانشگاه شهید بهشتی رفتیم. نماز جماعت خواندیم. آقای [علی‌اصغر]باغانی خیرمقدم گفت. من صحبت کردم و جواب سئوالات را دادم[2]؛ جلسه پرشور و با حالی بود. اجتماع عظیمی بود. تا ساعت دو بعد از ظهر طول کشید. به دفتر برگشتم؛ بعد از استراحتی کوتاه، شروع به کار کردم.

آقای [محمد]واعظ زاده[خراسانی]، مسئول مجمع تقریب بین‌المذاهب آمد و گزارش کار داد؛ بودجه خواست و از سیاست‌های دولت تشکر کرد. آقای [حسن]صانعی، [رییس بنیاد پانزده خرداد] با فرزندش محسن آمد. گزارش وضع کارخانجات بنیاد را دادند و برای

---

۱ - اعضای کمیسیون دیوان محاسبات، بودجه و امورمالی مجلس‌سوم، عبارت بودند از: آقایان علی موحدی ساوجی(رییس)، سید محمدحسن نبوی و سیدمحمدحسن علوی(نواب‌رییس)، عبدالله تاتلی، جهانشاه دانش، قهرمان رحمانی و سیدحسن شجاعی کیاسری.

۲ - متن کامل سخنرانی آقای هاشمی در دانشگاه شهید بهشتی تهران و برنامه پرسش و پاسخ با دانشجویان، در بخش ضمایم همین کتاب آمده است.

فروشگاه استمداد کرد. آقای[محمدعلی]نظران آمد و گزارش مذاکرات کمیسیون اسرا در عراق را داد.

شب مجمع تشخیص مصلحت جلسه داشت. اختلاف بین مجلس و شورای نگهبان دربارهٔ متمم بودجه را حل کردیم و تعزیرات حکومتی بخش دولتی را لغو کردیم و به دستگاه قضایی محول نمودیم. بعد از شام به خانه آمدم.

چهارشنبه ۲۸ آذر ۱۳۶۹ | ۱ جمادی‌الثانی ۱۴۱۱ ۱۹ دسامبر ۱۹۹۰

ساعت هشت و نیم صبح به دفترم رسیدم. گزارش‌ها را خواندم. التهاب بحران خلیج‌فارس برجا است. جامعه اقتصادی اروپا گفته است که پیش از مذاکره عراق با آمریکا، حاضر نیست با عراق مذاکره کند.

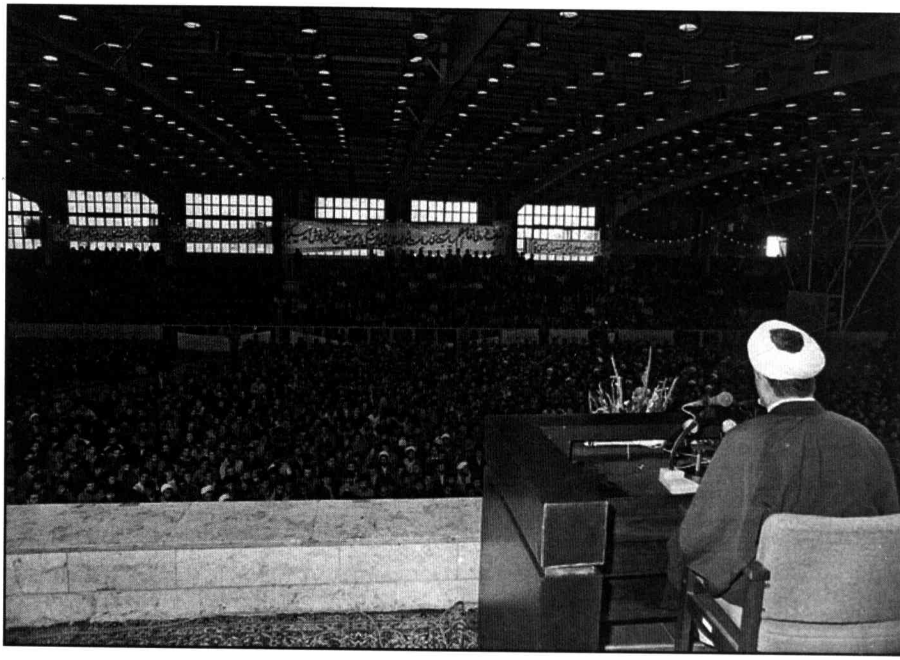
آقای [حسن]شفتی، مدیرعامل[شرکت] هما [= هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران]آمد. گزارش وضع هواپیماها را داد. گفتم خط پرواز به آفریقا را دایر کند. برای حقوق پرسنل استمداد کرد. آقای میرزاده، [معاون اجرایی رییس‌جمهور] برای کارهای ارزی و بازسازی آمد.

فرماندار و شخصیت‌های قم آمدند. گزارش وضع قم را دادند و حدود ۲۵ میلیون تومان کمک برای زلزله‌زدگان آوردند. برای امور عمرانی قم استمداد کردند و اختیارات بیشتر برای فرماندار خواستند.

شورای‌عالی اداری، برای بررسی لایحه نظام هماهنگ در پرداخت‌ها، جلسه داشت. عصر برای انجام کارها، به جلسه هیأت دولت نرفتم. به آنها گفتم، به پیشنهاد رهبری، فردا را به مناسبت وفات حضرت زهرا(س) تعطیل کنند. خبر دادند که رایزن فرهنگی ما را در لاهور[پاکستان]ترور کرده اند و شهید شده است[1]؛ متاثر شدم.

---

۱ - شهید صادق گنجی، رایزن فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در پاکستان بود که در ۲۸ آذر ۱۳۶۹ در روزهای پایانی ماموریت خود در شهر لاهور پاکستان، توسط شاخه نظامی سپاه صحابه ترور شد. او مسئولیت کنسولگری و خانه‌فرهنگ جمهوری اسلامی در لاهور پاکستان را از سال ۱۳۶۵ تا سال ۱۳۶۹ برعهده داشت.



سخنرانی در جمع دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی تهران



شب با [جامعه]روحانیت مبارز جلسه داشتیم. دربارهٔ مسایل تهران، شهردار، مالیات، اختلافات و انتخابات صحبت شد. بعد از شام به خانه آمدم.

پنج‌شنبه ۲۹ آذر ۱۳۶۹ | ۲ جمادی‌الثانی ۱۴۱۱ — ۲۰ دسامبر ۱۹۹۰

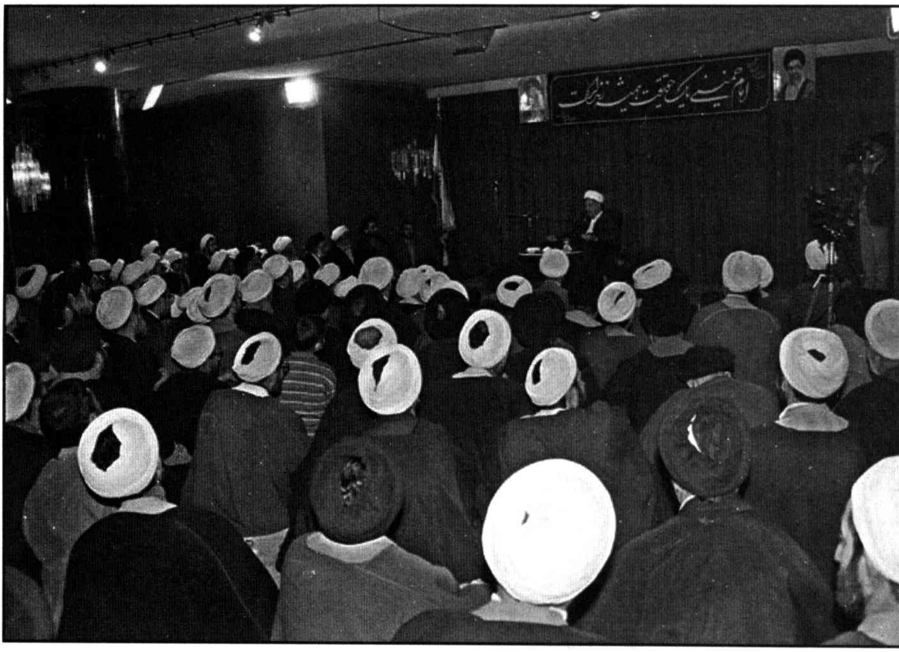
ساعت نُه صبح، تعداد زیادی از وعاظ و ائمه جماعات تهران آمدند. آقای [علی‌اکبر]ناطق نوری، [نماینده تهران]صحبت کوتاهی کرد. روضه خوبی خوانده شد. من مفصلاً برای آنها از وضع کشور، سیاست‌ها، برنامه و مسایل جاری داخلی و منطقه‌ای صحبت کردم[۱] و جواب سئوال‌های تعدادی را دادم؛ جلسه خوبی بود.

آقایان [محمد]عبایی[خراسانی]، صفری و [سیدحسین]موسوی تبریزی آمدند و برای دفترتبلیغات‌اسلامی قم استمداد کردند. آقای [حمیدرضا]آصفی، مدیرکل اروپا از وزارت امورخارجه آمد. دربارهٔ مسایل سیاسی نظر خواهی کرد[۲].

---

۱ - آقای هاشمی در جمع وعاظ و ائمه جماعات تهران گفت : «ایران اسلامی به‌عنوان الگو و نمونه‌ای برای کشورهای اسلامی و مستضعف جهان، بدل خواهد شد. امور اجرایی کشور در چارچوب برنامه پنجساله انجام می‌شود که براساس سیاست‌هایی است که در زمان امام امت (*رضوان‌الله علیه*) توسط شورای سیاستگذاری منصوب ایشان تهیه شده و به تصویب رسیده است. مسایل مهم کشور که سیاستگذاری آن به عهده ولایت فقیه است، در شورای عالی امنیت ملی بررسی می‌شود و مصوبات این شورا به تصویب حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر انقلاب اسلامی می‌رسد. پس از قرن‌ها، آرزوی دیرینه مسلمانان برای داشتن حکومتی اسلامی محقق شده است و ما موظفیم که به‌کارهای زیربنایی بپردازیم و این کشور را به صورت الگو درآوریم. اگر جامعه ما، جامعه‌ای فقیر و جاهل و وابسته به‌خارج باشد و اگر نتواند با علم و تمدن و تکنیک جهان، خود را هماهنگ سازد، ایجاد یک جامعه نمونه ممکن نیست و اگر واقعاً بنا داریم که کشور را به‌عنوان جامعه نمونه اسلامی به‌دنیا عرضه کنیم، می‌بایستی اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی، معارف اسلام را به‌صورت جامع و کاری مدنظر قرار دهیم. جامعه‌ای فقیر و شکست خورده، نمی‌تواند الگو باشد و ما در عین حال که باید از اسراف بپرهیزیم، باید رفاه نسبی را برای تمامی آحاد ملت فراهم آوریم. دولت اساس کار خود را ایجاد طرح‌های زیربنایی قرار داده و قسمت عمدهٔ امکانات کشور، به‌خاطر آینده انقلاب به‌این طرح‌ها که دیربازده هستند، اختصاص یافته است.» ایشان با اشاره به اشکالات جدی در نحوهٔ مبارزه با فساد اجتماعی افزود : «این معضل به شکل ریشه‌ای باید حل شود و با ارائه احکام منطقی اسلامی،کلیه افراد قانع خواهند شد و گاه تحمیل احتیاط‌های نادرست بر مردم به صورت ضداحتیاط درمی‌آید و اگر می‌خواهیم با مفاسد اجتماعی مبارزه کنیم، باید سعه‌صدر اسلام را نیز در نظر بگیریم و توجه داشته باشیم که اسلام، شریعت سهله و سمحه است، نه مقررات خشکِ غیرقابل تحمل.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های ۱۳۶۹»، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲ .

۲ - آقای دیوید رداوی،کاردار انگلیس در تهران در روز ۲۳ آذر ۱۳۶۹ با معاون اروپا و آمریکای وزارت



ملاقات با ائمه جماعات و وعاظ تهران

[آقای غلامحسین کرباسچی]، شهردار تهران آمد. گزارش کار را داد و دربارهٔ اقدام به خرید سیستم اتوبوس برقی برای تهران نظرخواهی کرد؛ مخالفت نکردم. برای یک خط ۲۵ میلیون دلار هزینه می‌برد. نصایحی هم نمودم.

عصر دکتر ولایتی، [وزیر امورخارجه] آمد. گزارش سفر داد و از اینکه به شوروی نرفته، اظهار خوشحالی کرد؛ چرا که آقای [ادوارد]شوارد نادزه، [وزیر امورخارجه اتحاد جماهیر شوروی]، استعفا داده و معلوم می‌شود مشکلی جدی دارند.

کارهای دفترم را انجام دادم. سرشب، به حسینیه امام خمینی رفتم و در مراسم‌روضه رهبری شرکت کردم. شب به خانه آمدم. برای صحبت پس فردا، مقداری دربارهٔ فردوسی مطالعه کردم.

امورخارجه دیدار و پیام کتبی آقای جان میجر، نخست وزیر انگلیس خطاب به آقای هاشمی را تسلیم کرد. در این پیام، نخست‌وزیر جدید انگلیس، ضمن اظهار تمایل به توسعه روابط دو جانبه، نقطه نظرات انگلیس را در ارتباط با بحران خلیج فارس تشریح نموده بود.

جمعه ٣٠ آذر ١٣٦٩ | ٣ جمادی‌الثانی ١٤١١ — ٢١ دسامبر ١٩٩٠

امروز در خانه بودم. برای سخنرانی فردا در کنگره فردوسی مطالعه کردم. کارهای دفتر را که به خانه آورده بودم، انجام دادم. شب احمدآقا آمد. از برخورد بعضی تندروها در مقابل تصمیمات آیت‌الله خامنه‌ای، در صورت ادامه روند قبلی، اظهار نگرانی کرد. [آقای سیدحسین مرعشی]، استاندار کرمان آمد و گزارش سفر به چین را داد.

دی ۱۳۶۹



شنبه ۱ دی ۱۳۶۹ | ٤ جمادی‌الثانی ۱٤۱۱ ۲۲ دسامبر ۱۹۹۰

دیشب و امروز مقداری برف و باران آمد؛ تاکنون دچار خشکسالی هستیم. برای افتتاح کنگره جهانیِ هزارهٔ شاهنامه فردوسی، به دانشگاه تهران رفتیم؛ مراسم خوب و با شکوهی بود. من هم صحبت کردم[1] و پای صحبت [آقای فدریکو مایور]، رییس سازمان یونسکو[= سازمان آموزشی ، علمی و فرهنگی سازمان ملل] هم نشستم. نزدیک ظهر به دفترم رفتم.

رییس سازمان یونسکو به ملاقات آمد. او را تشویق کردم که یونسکو را مستقل و دور از سلطه قدرتمندان نگه‌دارد[2]. او خواست که از امکانات خود برای برگرداندن آمریکا و

---

۱ - آقای هاشمی ، ضمن تجلیل از شخصیت فردوسی، گفت : « تجلیل از چهره‌های برجسته تاریخی و بزرگداشت آنان، یکی از کارهای خوبی است که باید رایج شود. این درست است که نباید افراد مورد نظر خود را مطلق و بدون‌عیب به دنیا معرفی کنیم. ممکن است کسانی در اثر بزرگ شاهنامه و یا در تاریخ زندگی فردوسی و امثال وی، از شیوه زندگی آنان انتقاد کرده و کم وکاستی‌ها را مطرح کنند که این به هیچ‌وجه اشکال ندارد، چرا که هیچ‌کس نمی‌تواند ادعا کند که بدون نقص است. شاید عده‌ای از این قضیه انتقاد کنند که چرا در آثار فردوسی، توجه به ویژگی‌های ملی خیلی بزرگ شده است. در پاسخ به این افراد، باید گفت، یک وقت است که انسان خود را در مسیر آرمان‌های خود قرار می‌دهد و در این چارچوب از میهن و وطن و آب و خاک خود دفاع می‌کند و آن را مغتنم می‌شمرد، این کار، بسیار خوب است و نمی‌توان آن را منفی تلقی کرد. من مطمئن هستم که روح اسلام، از ما نمی‌خواهد که زبان فارسی خود را فراموش کنیم. این از اشتباهات افراطی افرادی است که ممکن است عاشقانه جذب مکتب بشوند و همه چیز را فراموش کنند. شاهنامه یکی از کتاب‌های آرمانیِ روزگار ماست. پنج هزار بیت از ابیات شاهنامه، دربارهٔ ارزش‌های دینی و اخلاقی است که یک شاهکار است. فردوسی در شاهنامه روی مسأله توحید و خداشناسی، نبوت و ولایت و همچنین مسأله آخرت و حساب و کتاب و روز جزا تکیه می‌کند که همه آنها از اصول مکتب ماست. فردوسی اهل مکتب و هدف بوده است و این را به‌خوبی از شاهنامه می‌توان فهمید. اگر چه ما وی را مطلق نمی‌کنیم، اما باید گفت که شاهنامه برای جامعه و تاریخ ما مفید و احیاکننده زبان و ادب فارسی و معارف اسلامی است.» رجوع کنید ← هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های ۱۳۶۹ ، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲ .

۲ - آقای فدریکو مایور، مدیرکل سازمان بین المللی یونسکو، در این دیدار، برگزاری کنگره فردوسی را نقطه عطفی در روابط جمهوری اسلامی ایران و یونسکو دانست. ایشان با تجلیل از سخنان مهم آقای هاشمی در مراسم افتتاحیهٔ این کنگره اظهار داشت: «سازمان علمی، فرهنگی یونسکو، علاقه فراوانی به میراث فرهنگی ایران دارد و معتقد است که امروز ایران، جلوه‌گاه صلح، تفاهم و آزادمنشی است.» سپس آقای هاشمی با اظهار رضایت از عملکرد مثبت یونسکو، به‌عنوان یک سازمان فرهنگی که باید همه مردم آن را متعلق به‌خود بدانند، اظهار داشت: «در دوران مسئولیت شما، خط نسبتاً مستقلی در یونسکو دیده می شود که مایهٔ خوشحالی است. اگر یونسکو بخواهد در انجام رسالت خود

انگلستان در یونسکو استفاده کنیم که به خاطر مواضع سیاسی [آقای مختار اُمبو]، دبیرکل قبلی قهر کرده‌اند[1].

عصر شورای عالی امنیت ملی جلسه داشت. دربارهٔ شرایط منطقه در فرض شروع جنگ عراق و آمریکا بحث کردیم و تصمیمات لازم اتخاذ شد: عدم شرکت در جنگ و جلوگیری از عبور از خاک ما برای حمله به عراق، در صورت خواست آنها و انجام مانور.

تا ساعت هشت و نیم شب کار کردم و به خانه آمدم. آقای رضا هاشمیان، [مدیرکل حفاظت از محیط زیست استان کرمان]آمد و برای راه اندازی دانشکده محیط زیست در کرمان استمداد کرد.

آقای نواز شریف، نخست‌وزیر پاکستان، تلفنی تماس گرفت و از حادثه شهادت آقای

موفق باشد، باید مستقل عمل کند و تحت تأثیر قدرت‌هایی که می خواهند از این سازمان فرهنگی سوء استفاده کنند، قرار نگیرد. این مرکز فرهنگی، همچنان مورد اعتماد مردم جهان باقی بماند. این سازمان می‌تواند مرکز مفیدی برای تبادل فرهنگی و وسیله خوبی برای بهره مندی کشورهای نیازمند تکنولوژی و علوم باشد و حتی کشورهای پیشرفته هم می‌توانند با توجه به منابع با ارزش و غنای بسیار بالای جهان سوم از یونسکو استفاده کنند، مشروط بر آنکه ملت‌ها احساس کنند، یونسکو متعلق به همه آنهاست.» ایشان با برشمردن خصوصیات بارز انقلاب اسلامی، ضرورت تقویت یونسکو را خاطرنشان ساخت و افزود: «انقلاب ما بیش از هر چیزی، یک انقلاب فرهنگی، اخلاقی، آرمانی و انقلاب ارزش‌ها است و تکیه اصلی آن بر مسایل فرهنگی است و امیدواریم یونسکو بتواند مستقل و فعال به حرکت خود ادامه دهد.»

۱ – سازمان یونسکو که یکی از سازمان های تخصصی وابسته به سازمان ملل متحد می باشد ، در سال ۱۹۳۵ با هدف کمک به صلح و امنیت جهان، از راه همکاری بین المللی در زمینه‌های آموزشی، علمی و فرهنگی، به منظور افزایش احترام به عدالت، قانون مداری و حقوق بشر، برپایه منشور سازمان ملل تشکیل شد. در فاصله ۱۹۷۳ تا ۱۹۸۷ میلادی که آقای «مختار اُمبو» وزیر فرهنگ سنگال، ریاست یونسکو را بر عهده داشت، گرایش‌هایی در روند کاری یونسکو به وجود آمد که کشورهای غربی به ویژه آمریکا و انگلیس به مخالفت برخاستند و این اختلاف به جاهای باریک کشید، به نحوی که این کشورها، عضویت خود در یونسکو را تعلیق کردند و کمک های مالی خود را قطع نمودند و یونسکو را دچار بحران ساختند. اوج این اختلافات، زمانی بود که آقای «شان مک براید»، گزارشی دربارهٔ «نظم نوین اطلاعات در جهان» تهیه و منتشر کرد که غربی‌ها، آن را تلاشی برای مقابله با آزادی مطبوعات دانستند. در این گزارش، به مسئولیت اجتماعی روزنامه‌نگاران تاکید شده بود. بعد از آمدن آقای «فدریکو مایور» وزیر فرهنگ اسپانیا، وضعیت مقداری تغییر کرد و در نهایت، آمریکا در سال ۲۰۰۳ به یونسکو بازگشت.



سخنرانی در کنگره بزرگداشت فردوسی



صادق گنجی اظهار تأسف نمود و تسلیت گفت و اعلان کرد که ۱۹ دی به ایران می‌آید.

یکشنبه ۲ دی ۱۳۶۹ | ۵ جمادی‌الثانی ۱۴۱۱ | ۲۳ دسامبر ۱۹۹۰

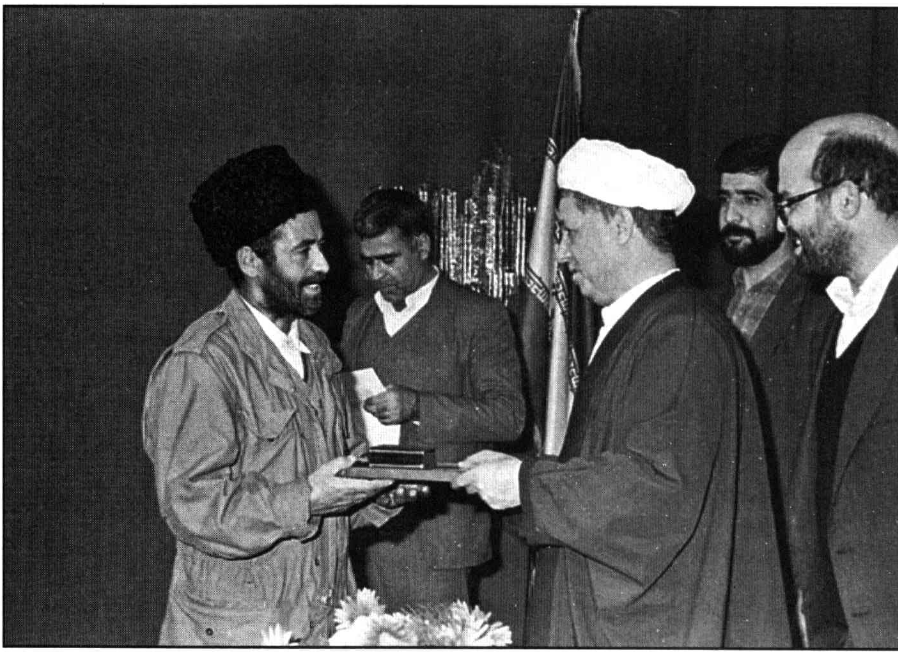
کشاورزان نمونه آمدند. برایشان صحبت کردم[۱] و جوایز را دادم. [آقای سیدامان‌الله مرتضوی]، رییس شهربانی کل آمد. گزارش وضع شهربانی و برنامه‌ها را داد؛ از برنامه ادغام نیروهای انتظامی اظهار رضایت کرد.

با [آقای مصطفی معین]، وزیر علوم و معاونان و بعضی از رؤسای دانشگاه‌ها، جلسه داشتیم[۲]. درباره نیازهای دانشگاه‌ها مذاکره شد؛ پنج میلیون دلار و یکصد میلیون تومان

---

۱ - آقای هاشمی در دیدار کشاورزان، مروجین و کارشناسان نمونه کشور، صنایع و کارهای آموزشی و فنی را مکمل یکدیگر خواند و بر اهمیت تولیدات کشاورزی و نقش آن در حیات جامعه تأکید کرد و ضمن ستایش معدل تولیدکشاورزان نمونه گفت: «با توسعه علوم و فنون و توجه صحیح به امر کشاورزی قطعاً می توانیم در تمامی محصولات کشاورزی به خودکفایی برسیم و یا صادر کننده آن محصولات باشیم. یکی از اشکالات اساسی جامعه ما و بیشتر کشورهای در حال رشد، بی توجهی به پیشرفت‌های کشاورزی جهان است. لذا مسئولین و دست اندرکاران امورکشاورزی، باید از دستاوردهای علمی دنیا در زمینه کشاورزی استفاده کنند. کارهای تولیدی از شرافت و اعتبار بالایی برخوردار است و کشاورزی که با طبیعت و نعمت های تجدید شونده الهی سروکار دارد، اعتبار بیشتری را دارا است.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های ۱۳۶۹» ، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۹۲ .

۲ - در این جلسه مقرر شد، ستاد رسیدگی به مسایل دانشجویان، مستقر در نهاد ریاست جمهوری، با مسئولیت معاون اجرایی رییس جمهور، به‌طور فعال مسایل معیشتی و رفاهی دانشجویان را پیگیری کند و راه حل و طرح های لازم را تهیه و اجرا کند. در این جلسه اعلام شد: «در حال حاضر، علیرغم کمبود فضاهای آموزشی دو میلیون متر مربع، پروژه های عمرانی مربوط به آموزش عالی به علت کمبود مصالح ساختمانی از پیشرفت کار مناسب برخوردار نیست.» قرار شد ارز مورد نیاز برای تأمین تجهیزات کارگاه ها و آزمایشگاه ها، کتاب و مجلات مورد نیاز، کتابخانه‌های دانشگاه ها، اعضای هیئت علمی و دانشجویان در سال جاری، به دانشگاه ها تخصیص یابد. سقف اعتبار ارزی مذکور در سال آینده افزایش خواهد یافت. آقای هاشمی در این جلسه گفت: «سعادت کشور در گرو رشد آموزش عالی و تحقیقاتی کشور می باشد و در این رابطه تأمین نیازهای آموزش عالی برای ما از اولویت خاصی برخوردار است. متأسفانه تأمین این نیازها به دلیل مضیقه های مملکت با تأخیر همراه بوده است.» در این جلسه همچنین اعلام گردید: «در حال حاضر حدود ۵۳۰ هزار دانشجو در کشور مشغول تحصیل هستند. از این تعداد ۲۵۰هزار نفر در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی تحت پوشش وزارت فرهنگ و آموزش عالی تحصیل می کنند. وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی آموزش ۸۰ هزار تن از آنان را عهده دار است و بخش غیردولتی نیز پذیرای ۲۰۰ هزار دانشجو است.»



مراسم اهدای جوایز کشاورزان نمونه



کمک کردم. محسن برای بررسی گیاه هالوفیت[1]، به امارات رفت.

عصر هیأت دولت جلسه داشت. قرار شد آیین نامه برای هدایایی که رد و بدل می‌شود، تهیه کنیم و نیز بخشنامه شود که مهمانی‌های دولتی مُسرفانه برگزار نشود.

شب با آقای خامنه‌ای جلسه داشتیم. دربارهٔ مصوبات شورای عالی امنیت ملی، بودجه نیروهای مسلح، مسایل منطقه و نوشته‌های ضد نظام مذاکره کردیم. شب در دفترم ماندم و تا ساعت یازده شب، کارها را انجام دادم. دکتر ولایتی، تلفنی اطلاع داد که فرستاده انگلیس به منطقه و نیز آقای عزت ابراهیم، نفر دوم عراق، اجازه خواسته‌اند که به ایران بیایند.

دوشنبه ۳ دی ۱۳۶۹ | ٦ جمادی‌الثانی ۱٤۱۱ ۲٤ دسامبر ۱۹۹۰

تا ساعت نُه صبح کارها را انجام دادم. آقای [محمود]واعظی آمد. گزارش مذاکره با فرانسوی‌ها درخصوص اختلافات مالی را داد؛ قرار شد با هماهنگی دیگران، مبلغ مورد مصالحه را مشخص کنند. همچنین مقرر شد، برای کمک به مبادله گروگان‌های غربی با زندانیان لبنانی در اسرائیل مذاکره شود. آقایان [حسین]محلوجی، [وزیر معادن و فلزات] و [علی]شمس اردکانی، [رییس منطقه آزاد قشم] برای مذاکره دربارهٔ مقررات مناطق آزاد آمدند.

شورای‌عالی حفاظت از محیط زیست جلسه داشت؛ اولین جلسه در دوران مسئولیت من است. درباره رفع آلودگی تهران مصوباتی داشتیم. با کمیسیون برنامه و بودجه مجلس،

---

۱ - گیاهان مقاوم به نمک یا به اصطلاح نمک دوست را «هالوفیت» می گویند که برای کاشت در مناطق کویری شور و کم آب مانند ایران مناسب است. در دوران سازندگی مطالعات و تحقیقات بسیاری برای امکان سنجی کشت این گیاه مقاوم به نمک در کشور انجام شد و از تجارب کشورهای حاشیه خلیج فارس که در این زمینه کارهایی کرده بودند، نیز استفاده شد. نتیجه تحقیقات آن بود که گیاه هالوفیت برای کاشت در زمین های پهناور کم آب و خاک شور ایران مناسب است، اما مشکل آن است که برگ های این گیاه بعد از رشد، در اثر نمک موجود در جریان هوا، از بین می رود و نیاز است که کشت آن در محیط بسته گلخانه ای، محفوظ از جریان هوا انجام شود که چنین کاری از نظر اقتصادی مقرون به صرفه نبود. مطالعات دربارهٔ این گیاه در پژوهشگاه‌های کشاورزی ادامه دارد.

دربارهٔ بودجه سال ۷۰ جلسه داشتیم؛ قرار شد اهداف برنامه اصل باشد و ارقام بودجه با توجه به آنها مورد نظر باشد و استثنائاتی را بپذیریم. ظهر، فاطی با پسرش علی در دفترم بودند.

عصر شورای اقتصاد جلسه داشت؛ مقررات کلی مناطق آزاد تصویب شد. شب به خانه آمدم. برف می‌بارد. مهدی و فرشته و یاسر هم بودند.

سه‌شنبه ٤ دی ١٣٦٩ | ٧ جمادی‌الثانی ١٤١١ ٢٥ دسامبر ١٩٩٠

دیشب برف سنگینی در تهران به زمین نشسته است و هنوز هم که ساعت هفت و چهل دقیقه صبح است، می‌بارد؛ مدارس تهران به همین جهت تعطیل اعلان شده است. در راه دفتر، به خاطر برف و بندآمدن خیابان یاسر، به خاطر گیرکردن بولدوزر برف‌روب، مدتی معطل شدیم.

ساعت هشت به دفتر رسیدم. آقای عباس سحاب و پسرانش آمدند. گزارشی از کار موسسه نقشه‌برداری و جغرافیایی سحاب دادند؛ خیلی کار کرده‌اند. برای تهیه اطلس‌ملی استمداد نمودند و تعدادی از آثارشان را آوردند. به آقای [مسعود روغنی]زنجانی، [رییس سازمان برنامه و بودجه] گفتم که از آنها استفاده شود.

استاندار چهارمحال بختیاری و دو نفر از نمایندگان آمدند. برای طرح‌های استان استمداد کردند و برای دانشگاه و راه‌ها اعتبار گرفتند. جلسه توسعه صادرات داشتیم. تصمیمات مهمی در جهت توسعه صادرات گرفتیم؛ منجمله آزاد کردن ارز حاصله از صادرات برای صادرکنندگان بخش خصوصی و حذف مقررات دست‌وپاگیر.

عصراعضای شورای مرکزی نظارت بر انتخابات شورای نگهبان آمدند. مواردی از عدم‌همکاری و سوءعملکرد وزارت کشور را گفتند و برای امکانات نظارتی و سلامت انتخابات مجلس‌آینده استمداد کردند؛ قول مساعد دادم. آقای [رضا]امراللهی، [رییس سازمان انرژی اتمی]، برای گزارش کار آمد.

شب شورای‌عالی انقلاب فرهنگی جلسه داشت. در این جلسه، اعضای فرهنگستان علوم پزشکی و همچنین، رییس دانشگاه علوم پزشکی مشهد انتخاب شدند. شب در دفترم ماندم.

برف می‌بارید. تا ساعت یازده شب، کارها را انجام دادم و خوابیدم.

چهارشنبه ٥ دی ۱۳٦۹ | ۸ جمادی‌الثانی ۱٤۱۱ ۲٦ دسامبر ۱۹۹۰

آقای [حمید]میرزاده، [معاون اجرایی رییس‌جمهور]، برای امور جاری و بازسازی آمد و قول گرفت که در کنفرانس بین‌المللی بازسازی شرکت نمایم. [آقای غلامرضا آقازاده]، وزیر نفت آمد و گزارش وضع تولید و فروش نفت را داد.

گروهی از اعضای انجمن‌های اسلامی دانشجویان آمدند[1]. در مقابل تندروها و دولتی‌ها، جریان معتدلی راه انداخته‌اند؛ در مورد برنامه‌ها و اهداف توضیح دادند و استمداد نمودند. قبول کردم که کمک‌شان کنم و گفتم که خبر ملاقات‌شان پخش شود.

شورای عالی اداری جلسه داشت. بررسی پیش نویس لایحه نظام هماهنگ پرداخت‌ها را تمام کردیم. ناهار را با یاسر صرف کردم. عصر در جلسه هیأت دولت شرکت نمودم. خبر دادند که در مجلس، موضوعِ استیضاح دکتر [ایرج] فاضل، وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مطرح شده است. قبلاً به دکتر [علیرضا]فرزاد، [رییس کمیسیون بهداری و بهزیستی مجلس]، گفته بودم که اقدام نکنند. فکر می‌کنم تحت تأثیر تعویض رییس دانشگاه [علوم پزشکی]مشهد، اقدام کرده‌اند.

به خاطر انجام کارها و مراعات حال محافظان، که در این سرما و خیابان‌های پر ازبرف، در مراجعت دچار مشکل نشوند، شب در دفتر ماندم؛ خانواده هم در سفر است. ظهر جمعی از اعضای اطلاعات سپاه آمدند و گزارشی از وضعیت سلمان رشدی، [نویسنده کتاب آیات شیطانی] دادند.

---

۱ - آقای هاشمی، در دیدار با اعضای «شورای مرکزی اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان و فارغ التحصیلان دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی»، دانشجویان را به پرهیز از افراط و تفریط در فعالیت‌هایشان دعوت کرد و گفت: «لازم است دانشجویان در فعالیت‌های سیاسی و عقیدتی، حد اعتدال را خط مشی خود قرار دهند و محیط دانشگاه‌ها را برای ابراز عقیده و برخورد اندیشه‌ها، سالم و سازنده نگاه دارند. چشم امید جامعه به دانشجویان دانشگاه‌ها دوخته شده است و باید بدانند که مسئولیت بزرگی برعهده دارند.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های ۱۳۶۹ ، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲ .»

بانک مرکزی اطلاع داد که [آقای شیخ جابر الصباح]، امیرکویت، مبلغ ده میلیون دلار برای کمک به بازسازی مناطق زلزله‌زده[رودبار و منجیل]، فرستاده است.

پنج‌شنبه ٦ دی ١٣٦٩ | ٩ جمادی‌الثانی ١٤١١ ٢٧ دسامبر ١٩٩٠

با اذان صبح بیدار شدم و دیگر نخوابیدم. تا ساعت نُه صبح کار کردم. به دکتر ولایتی، [وزیر امورخارجه] گفتم اظهارات سفیر سابق ژاپن را، مبنی بر اینکه ایران مایل به ایجاد رابطه عادی با آمریکا است، تکذیب نماید.

جمعی از روحانیون [اهل سنت]شافعی آمدند. آقای [محمد]اسحاق مدنی، [مشاور رییس‌جمهور در امور اهل سنت]، از سوی آنها صحبت کرد. من هم برای آنها مفصلاً سخنرانی کردم[1] و قول تأسیس دانشگاه برای علمای اهل سنت دادم؛ تأسیس این دانشگاه، قبلاً [در شورای عالی انقلاب فرهنگی]، تصویب شده است.

دکتر [عباس]شیبانی، [نماینده تهران]آمد. توصیه نمود که از آقای [مهدی]کروبی

---

١ - در بخشی از این سخنرانی آمده است: «همیاری و همدلی میان برادران اهل سنت و شیعه همانند دوران انقلاب و دفاع مقدس در دوران سازندگی نیز باید ادامه یابد. علمای اهل سنت، در دوران دفاع مقدس، در تمامی مشکلات شریک بودند و تعداد زیادی از آنان به همراه خانواده‌های خود به فجیع‌ترین وضع به شهادت رسیدند و شمار شهدای اهل سنت در جنگ تحمیلی و یا توسط اشرار، زیاد است که این نشان دهنده روحیه انقلابی و احساس وظیفه آنان است. ما امروز می‌توانیم خوشحال باشیم که رسالت خود را در دنیا انجام داده‌ایم و فکرمان در دنیا مطرح شده است و اکنون دوره اساسی دیگری را که دوران سازندگی کشور است، در پیش داریم و باید ثابت کنیم که اسلام می‌تواند جامعه مناسبی را بسازد و در صورت توفیق در این راه، تمامی کشورهای اسلامی تحقیقاً راه ایران اسلامی را دنبال خواهند کرد. دوران سازندگی، بدون همکاری و وحدت میان علمای اهل سنت و برادران شیعه خود، نمی‌تواند به‌کمال نایل شود و ما باید با هوشیاری کامل و پرهیز از تعصب، همانند دوران دفاع مقدس و انقلاب، این دوران را نیز طی کنیم.» آقای هاشمی با اشاره به اهمیت ایجاد دانشگاه ویژه علمای اهل سنت گفت : «تأسیس‌آن دانشگاه از افتخارات ما خواهد بود و ما به دنیا نشان خواهیم داد که علمای اهل سنت با تحصیل در این دانشگاه می‌توانند به مراحل عالی نایل و در دنیای اسلام مؤثر واقع شوند و علما و روحانیون دیگر کشورها نیز با حضور در این دانشگاه، می‌توانند از نزدیک با واقعیات جامعه انقلابی ایران آشنا شوند و در اولین مرحله، کرسی ویژه برادران اهل سنت در دانشگاه‌های موجود کشور تأسیس خواهد شد.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های ١٣٦٩» ، دفتر نشر معارف انقلاب ، ١٣٩٢.

دلجویی شود تا تندروها، او را تحریک نکنند. شورای مرکزی نهضت سواد آموزی جلسه داشت. گزارش دادند که امسال حدود سه میلیون نفر را تحت پوشش گرفته‌اند؛ سه برابر سال‌های قبل است. برای حُسن اجرای کار تصمیماتی گرفتیم.

آقای [محمدحسن]تولایی، استاندار خوزستان آمد. گزارش کار بازسازی را داد. آقای [سید محمودرضا]آقامیری، [مسئول کمیسیون اُسرا] آمد. گزارش سفر به عراق برای مسأله اسرا را داد. او به این نتیجه رسیده است که عراقی‌ها، اسرایی از ما دارند که مخفی کرده‌اند و لیست اسامی ۱۱۸۵ اسیر را که با سند به آنها داده‌ایم، جواب سربالا داده‌اند. عصر تا ساعت چهار ونیم، کارها را انجام دادم و به خانه آمدم.

جمعه ۷ دی ۱۳٦۹ | ۱۰ جمادی‌الثانی ۱٤۱۱ ۲۸ دسامبر ۱۹۹۰

عفت ساعت دوازده دیشب از سفر آمد. تا ساعت ده ونیم، برای خطبه‌ها مطالعه کردم. نماز جمعه را در دانشگاه تهران اقامه نمودم. هوا خیلی سرد بود. خطبه‌ها را کوتاه ایراد کردم[۱].

شب محسن، [رییس دفتر بازرسی رییس‌جمهور]آمد. گزارش سفر به امارات را داد. گیاه «هالوفیت» که به خاطر آن سفر کرده بود، آن‌گونه که گفته شده بود، در آنجا

---

۱ - در خطبه اول، مسأله جسم و روان از دیدگاه اسلام و موضوع نیت و انگیزه به مثابه عبادت، مورد بحث و بررسی قرارگرفت. در خطبه دوم، خطیب جمعه تهران، تحلیلی از آخرین وضعیت بحران در منطقه خلیج فارس و موضع ایران در قبال آن ارائه داد. در بخشی از خطبه دوم آمده است: « تجاوز عراق به کویت، یک اقدام توسعه‌طلبانه و باطل بود که به دنبال تصور باطل سران عراق، پیرامون تجاوز به ایران در ده سال گذشته به وجود آمد. پشتیبانی و تشویق و کمک و همکاری استکبار جهانی در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران با این کشور مشوق تجاوز اخیر بود. ولی باید گفت عراق در محاسبات خود اشتباه کرده و تنها نتیجه این تجاوز، ویرانی و ایجاد خسارت خواهد بود. از طرف دیگر، حضور نظامی استکبار جهانی و خصوصاً آمریکا، نه به نفع منطقه است و نه به نفع استکبار و اگر در بعضی موارد نتایج مفیدی داشته باشد، در موارد فراوان دیگری مضّر بوده و باعث پشیمانی خواهد شد. اگر کشورهای منطقه از جمله خود عراق، براساس حق و عدالت رفتار کنند و زور، ثروت و دیگر امتیازات طبیعی و انسانی را وسیله نقض قوق و آزار و اذیت دیگران قرار ندهند، در این صورت می‌توانیم مشکلات جهان اسلام را بدون نیاز به دخالت بیگانگان حل کنیم و این تنها راه آزادی فلسطین و بیرون راندن صهیونیست‌ها از مناطق اشغالی می‌باشد.» رجوع کنید ← هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های جمعه ۱۳٦۹ ، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲.

کِشت‌های آزمایشگاهی و میدانی به نتیجه قابل توجهی نرسیده است؛ هر چند در جهت علوفه، تا حدی مُثمر بوده، ولی دانه روغنی هنوز نداده و آنها از اجرای طرح منصرف شده‌اند.

شنبه ۸ دی ۱۳۶۹ | ۱۱ جمادی‌الثانی ۱۴۱۱ ۲۹ دسامبر ۱۹۹۰

آقایان [مسعود روغنی]زنجانی، [رییس سازمان برنامه و بودجه] و [معاون ایشان، مسعود]نیلی آمدند. راجع به واگذاری کارخانجات دولتی و حذف تدریجی سوبسید[= یارانه]، پیشنهادهایی ارائه دادند. آقای [علی اکبر]آشتیانی، نماینده رهبری در ژاندارمری آمد. برای معالجه خود در خارج استمداد کرد.

آقای [مصطفی]پورمحمدی از [وزارت]اطلاعات آمد. نظر من را در خصوص اطلاعات خارجی پرسید و برای رفع مشکلاتی که با وزارت امورخارجه دارند و همچنین برای حل مشکلات‌شان با بانک مرکزی، درخصوص خریدهای ابزار کار، استمداد کرد.

ظهر مقداری به تنظیم کتابخانه‌ام پرداختم. عصر شورای‌عالی امنیت ملی جلسه داشت. موافقت کردیم که آقای عزت ابراهیم، معاون صدام به ایران بیاید؛ خودشان خواسته‌اند. قرار شد که از فردا، آزادی اسرای عراقی را دیگر ادامه ندهیم، چون عراقی‌ها جواب روشنی به ما درخصوص لیست اسرای موجود در عراق نداده‌اند. مقرر شد در صورت بروز جنگ، اگر آمریکایی‌ها خواستند از خاک ما برای حمله به عراق استفاده کنند، مخالفت کنیم.

سرشب با احمدآقا در دفترم مذاکره داشتیم. دربارهٔ برنامه کار خودش در آینده مشورت کرد که به قم برود، یا در تهران بماند. شب با احمد آقا، مهمان آیت‌الله خامنه‌ای بودیم. درباره مصوبات امروز شورای عالی امنیت ملی مذاکره کردیم. احمدآقا با ماشین من به جماران آمد.

یکشنبه ۹ دی ۱۳۶۹ | ۱۲ جمادی‌الثانی ۱۴۱۱ ۳۰ دسامبر ۱۹۹۰

ساعت هفت و نیم به دفتر رسیدم. کارهای مانده از دیروز را تا ساعت نُه صبح انجام دادم.

در گزارش‌ها، مسأله بحران خلیج فارس، رو به تشدید دیده می شود. آقای مختار کلانتری فرمانده کمیته[های انقلاب اسلامی]آمد. از طرح آقای [عبدالله]نوری، وزیرکشور، برای ادغام نیروهای انتظامی انتقاد داشت. او گفت، واسطه‌ای از طرف آمریکایی‌ها، گفته است، به عنوان نشانه حُسن نیت، حاضرند یک میلیارد دلار از اموال ما را آزاد کنند و یکی از ایرانیان را که علیه ما به عنوان تبعه آمریکا[تابعیت مضاعف]، به عنوان جاعل سند، [در دادگاه لاهه]، اقامه دعوی نموده است، وادار به صرف نظر کنند.

با [آقای علی فلاحیان]، وزیر اطلاعات، درباره حفاظت صحبت کردم.آقای [سیدمحمدباقر] مُهری، [رهبر شیعیان کویت] آمد. وضع کویتی‌ها را گفت و درباره سیاست برخورد با حکومت آل صباح پرسید و کمک مالی گرفت. آقای [سیدغلامرضا]شیرازیان، [مجری‌ساخت فرودگاه امام] و همکارانش آمدند. گزارش وضع طرح ساخت فرودگاه امام خمینی را دادند و از اینکه [آقای محمد سعیدی کیا]، وزیر راه و ترابری، او را برکنار کرده است، انتقاد داشت و حمل بر اختلاف نظر سیاسی می کرد.

[آقای ایرج فاضل]، وزیر بهداشت، همراه با معاونان آمدند و گزارش کار دادند؛ به خاطر استیضاح ناراحت به نظر می‌رسیدند؛ تقویت روحی‌شان کردم. عصر آقای [بیژن نامدار]زنگنه [وزیر نیرو] آمد و گزارش پیشرفت کار تعمیر سد سفید رود را داد؛ راضی است. او همچنین اطلس آب‌های ایران را آورد. در جلسه هیأت دولت شرکت کردم.

شب با آیت‌الله خامنه‌ای جلسه داشتیم. درباره سفر ایشان به استان ایلام، دادستانی تهران، استیضاح دکتر فاضل و مسئولیتی برای احمدآقا و مسایل اقتصادی، سیاسی و قضایی و همچنین تعیین سخنگو برای دولت، مذاکره و تصمیم گیری شد. به خانه آمدم.

دوشنبه ۱۰ دی ۱۳۶۹ | ۱۳ جمادی‌الثانی ۱۴۱۱ ۳۱ دسامبر ۱۹۹۰

ساعت هفت و نیم صبح به دفترم رسیدم. مطابق معمول عفت از اینکه خیلی زود از خانه بیرون می‌روم، اظهار نارضایتی می کند. کارها انجام شد. مدیران سازمان ثبت اسناد و

املاک آمدند. آقای [سیدرضا]زواره‌ای، گزارش کار داد و من صحبت کردم[1].

آقای [محی‌الدین]فاضل هرندی آمد. گزارش کار هیأت‌های هفت نفره[واگذاری زمین] را داد. در مورد اختلاف نظر با شورای نگهبان در بعضی مواد آیین نامه، گفت که رهبری، موضوع را به مجمع تشخیص مصلحت ارجاع داده‌اند؛ خواست که زودتر در دستور قرار دهیم. به او گفتم که در مجلس تلاش کنند که آقای دکتر فاضل رأی اعتماد بیاورد.

آقای [غلامعباس]زائری، نماینده بندرعباس آمد. از تعویض امام جمعه بندرعباس اظهار خوشحالی کرد و خواستار تعویض استاندار [هرمزگان]شد؛ از خوشحالی و امید مردم بندرعباس از سیاست‌های اقتصادی و برنامه جزیره قشم گفت.

آقای [محمد]رشیدیان، نماینده آبادان آمد. مطابق معمول، مقداری از بنیاد امورمهاجرین و بازسازی انتقاد کرد و پیشنهادهایی ارائه داد. عصر شورای اقتصاد جلسه داشت. تصمیم گرفتیم که کارخانه ریخته‌گری سنگین در اِسفراین ساخته شود. تا ساعت هشت شب کار کردم و به خانه آمدم[2].

---

۱ - آقای هاشمی، با اشاره به‌اینکه خوشبختانه در کلیه ارگان‌ها و ادارات، یک تحرک عمومی به‌چشم می‌خورد که می‌تواند در کل جامعه اثرات مثبتی داشته باشد، بر رفع مشکلات مردم در ارتباط با ثبت اسناد و اصلاح آنها که معلول مشکلات گذشته می‌باشد، تأکید کرد و افزود : «یکی از وظایف مهم و لازم سازمان ثبت اسناد و املاک، این است که مشکلات معوقه مردم در رابطه با مسایل ثبتی را حل کنند. چون عدم رسیدگی به‌امور ثبتی مردم، باعث روی‌آوری گروهی به موارد خلاف و نوشتجات غیرقابل اعتبار می‌شود که می‌تواند عواقب منفی برای جامعه داشته باشد و در نهایت موجب ایجاد ناامنی در جامعه شود و هیچ چیز در جامعه، بدتر از ناامنی و اینکه مردم نسبت به آیندهٔ دارایی و املاک‌شان نگرانی داشته باشند، نیست.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های ۱۳۶۹» ، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲.

۲ - در این روز، آقای هاشمی در پیامی آغاز سال نو مسیحی را به همه مسیحیان جهان، به‌ویژه هموطنان مسیحی تبریک و تهنیت گفت. در این پیام ضرورت گردآمدن تمامی خداپرستان پاک اندیش، بر محور مشترکات خود برای بنا کردن جهانی آباد و باشکوه، در سایه اخلاق و معنویت، مورد تأکید قرار گرفته است. متن کامل این پیام، در بخش ضمایم همین کتاب درج شده است.

سه‌شنبه ۱۱ دی ۱۳۶۹ | ۱۴ جمادی‌الثانی ۱۴۱۱ | ۱ ژانویه ۱۹۹۱

آقای[محمدحسین]مشایخی، مسئول سازمان تعزیرات حکومتی آمد.دربارهٔ آینده بازرسی‌ها و افراد تحت مسئولیت خود نظرخواهی کرد.اخیرًا تصویب شد که سازمان تعزیرات، به دستگاه قضایی برگردد؛ گفتم در بازرسی‌های دیگر خدمت کنند. خواست که دایره نظارت بر معاملات خارجی تأسیس کنیم.

[آقای سید منصور رضوی]، رییس سازمان امور اداری و استخدامی آمد. دربارهٔ نظام هماهنگ پرداخت‌ها، گزینش و مسایل اخلاقی در مجلس صحبت شد. آقای [عباسعلی]وکیلی، مسئول ستاد[رسیدگی به امور]آزادگان آمد. گزارش کار داد و برای ادامه کار، تأیید بیشتر و دستور هماهنگی سایر ارگان‌ها را خواست.

آقای صادق خرازی آمد. گزارش اقدامات فرهنگی در آمریکا را داد. در مورد تأسیس کانال تلویزیونی برای پخش فیلم و مطالب دیگر برای ایرانیان خارج از کشور، جذب نیروهای متخصص ایرانی و پیشنهاد تأسیس دانشگاه برای مسلمانان سیاه پوست در آمریکا مطالبی گفت. دکتر [سیدمحمدحسین]عادلی، [رییس بانک مرکزی]آمد. توضیحاتی درباره امور اقتصادی و نظام ارزشیابی و توزیع ارزی را داد و از فزونی مصرف ارز بر درآمدها، اظهار نگرانی نمود.

عصر آقای [ابوطالب]شالچیان، [مشاور اقتصادی رییس‌جمهور]آمد. دربارهٔ سیاست‌های اقتصادی و واگذاری سهام کارخانجات دولتی، نظراتی ارایه نمود. آقای [اکبر]ترکان، [وزیر دفاع] و معاون تحقیقاتی‌اش آمدند. توضیحاتی درباره تشکیلات تحقیقاتی و پیشرفت‌ها در ساخت موشک و سوخت جامد مرکب و سایر امور نظامی دادند.

آقای دکتر ولایتی، [وزیر امورخارجه]آمد و برای سفر به پاکستان مشورت کرد؛ به منظور تشکیل اجلاسیه اکو[= سازمان همکاری اقتصادی] می‌رود. شب، مجمع تشخیص مصلحت نظام جلسه داشت. مسأله «حق پیشه وکسب و سرقفلی» که اخیراً از سوی شورای‌نگهبان مورد ایراد قرار گرفته و باعث مشکلاتی در امر قضاوت شده‌است، مطرح بود؛ ناتمام ماند. شب در دفترم ماندم. دوش گرفتم و دیروقت خوابیدم.

چهارشنبه ۱۲ دی ۱۳۶۹ | ۱۵ جمادی‌الثانی ۱۴۱۱ ۲ ژانویه ۱۹۹۱

پس از نماز صبح، تا ساعت نُه،کارهای عقب‌مانده دیروز را انجام دادم. آقای [محسن]رفیق‌دوست، [رییس بنیاد مستضعفان و جانبازان] و معاونانش آمدند. گزارش کار بنیاد را دادند و برای نیازهای ارزی استمداد نمودند. آقای [احمد] سالک، [سرپرست کمیته بررسی مسایل عراق]آمد. دربارهٔ کمیته امور عراق مذاکره شد؛ با وزارت امورخارجه نمی‌سازند و می‌خواهد زیر نظر رییس‌جمهور باشد.

دکتر[گودرز] افتخار جهرمی آمد. گزارش کار دادگاه لاهه را داد و دربارهٔ پرونده‌ها نظر خواست؛ گفتم سریعاً نظر کارشناسی درباره مطالبات از فرانسه را بدهند که در آستانه توافق هستیم. آقای شیخ سعیدشعبان، [رهبر حرکت توحید اسلامی لبنان] آمد. راجع به تقویت نهضت‌های اسلامی گفت و از موفقیت آمریکا در منطقه اظهار نگرانی کرد. درباره موضوع مُتعه[= ازدواج موقت] در شیعه و اسلام صحبت شد. علمای سُنی مثل ایشان، از طرح این مسأله شیعی در خطبه‌های جمعه ناراحت‌اند. پرسیدم شما چه راهی برای حل مشکل جنسی جوانان در جهان اسلام دارید؟ جواب درستی نداشت.

آقای [علی]یوسف پور، [نماینده اردل و فارسان]آمد. او با اینکه مخالف رادیکال‌ها است، اما درخواست استیضاح دکتر [ایرج] فاضل را امضا کرده است؛ انتقاداتی به دکتر فاضل داشت که مهمترین آن، بی‌اعتنایی او به خواسته‌های نمایندگان مجلس است.

عصر در دفترم ماندم و به جلسه هیأت دولت نرفتم و تا ساعت هفت و نیم کارها را تمام کردم و به خانه آمدم.

پنج‌شنبه ۱۳ دی ۱۳۶۹ | ۱۶ جمادی‌الثانی ۱۴۱۱ ۳ ژانویه ۱۹۹۱

نزدیک ساعت نُه صبح، به دفترم رسیدم. گزارش‌ها را دیدم؛ به نظر می‌رسد بحران خلیج‌فارس رو به وسعت است و طبل جنگ به‌گوش می‌رسد. [آقای عبدالحسین وهاجی]، وزیر بازرگانی با معاونانش آمدند. گزارش تنظیم برنامه چاپ و توزیع کوپن‌ها را دادند. با نظم جدید، جلوی بسیاری از تقلب‌ها را گرفته‌اند.

تاکنون که فقط کوپن شهرها داده شده است، حدود ۵۰۰ هزار نفر، کوپن کمتر داده‌اند و پیش‌بینی می‌شود، با اضافه شدن روستاها، به یک میلیون نفر برسد. با حذف شناسنامه‌های تکراری و مرده‌ها و جلوگیری از تقلب مأموران توزیع، این نتیجه به دست آمده است. او حدس می‌زند، حدود هفت درصد صرفه جویی شود.

چند خانواده شهید آمدند؛ درخواست‌هایی داشتند که دادم. حدود ۱۰۰ نفر از نمایندگان طلاب سراسر کشور آمدند. آقای [محمدرضا]فاکر از سوی آنها صحبت کرد و سیاست‌های دولت را تأیید نمود. من در صحبت مفصلی، آنها را به واقع بینی در فهم و تبلیغ اسلام ترغیب کردم.[1]

آقای [علی]فلاحیان، [وزیر اطلاعات]آمد. راجع به نصب معاونان و سیاست‌ها مذاکره شد. دکتر [حسن]حبیبی، [معاون اول رییس‌جمهور] برای امور جاری و مسایل مهم ستادی‌آمد. بعد از نماز مغرب و عشاء به خانه آمدم. محسن آمد و راجع به حمل و نقل و تبلیغات، نکات مفیدی مطرح کرد.

جمعه ١٤ دی ١٣٦٩ | ١٧ جمادی‌الثانی ١٤١١ — ٤ ژانویه ١٩٩١

در خانه بودم. کار زیادی نداشتم. وقت به استراحت گذشت. ظهر، بچه‌ها غیر از فاطی،

---

۱ - آقای هاشمی در دیدار مجمع نمایندگان طلاب و فضلای حوزه‌های علمیه قم گفت: «در نهضت اخیر اسلامی که به پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل حکومت منجر شد، برای نخستین بار روحانیت شیعه، به شرایط جدیدی رسید که در گذشته در روحانیت و حوزه‌های علمیه بی‌سابقه بود و اسلام از حاشیه زندگی جامعه به متن جامعه آمد و مدیریت جامعه به‌اسلام سپرده شد و روحانیت با قبول مسئولیت، می‌بایستی پاسخ‌هایی قانع‌کننده برای مردم داشته باشد و نیازهای اساسی آنها را تأمین کند. رسول‌گرامی اسلام(ص) و حضرت علی (ع)، پس از احراز مسئولیت، اداره جامعه مسئولیت خود را بر عهده دیگران نگذاشتند و خود مسئولیت قبول کردند و قرآن و احکام اسلامی اجازه نمی‌دهند که مسئولیت اساسی را برعهده دیگران بگذاریم و فقط امر به معروف و نهی از منکر کنیم و یا منتقد باشیم. روحانیت باید در چارچوب اسلام عمل کند و از تأثیر شعارهای غیر اسلامی و مسایلی که خط انحرافی به جامعه می‌دهند، مصون باشد و آزاداندیشی را در حوزه‌ها رعایت کند و به متفکرین این فرصت را بدهد که با اجتهاد، مسایل تازه‌ای را درک کنند. ما باید با طرح‌های خود، به دنیا ثابت کنیم که اسلام، مکتبی پویا و قابل استفاده برای همه مردم است و برای نیازهای واقعی مردم، پاسخ‌هایی قانع کننده داشته باشیم.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های ۱۳۶۹»، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۹۲.

جمع بودند. دست فائزه، هنگام ورزش آسیب دیده است. بحث بر سر این بود که استخوان شکسته و یا فقط مو برداشته؛ به هر حال آسیب دیده و گچ گرفته‌اند.

عصر آقای طباطبایی، مسئول صنایع طرح نیشکر خوزستان آمد و گزارش از برنامه خود داد. آقای صفریان از سرچشمه آمد و از وضع مس و فروش و خریدها و همچنین مشکل آب صنعت که با حفر چاه‌های غیر مجاز، در خاتون آباد پیش آمده است، گزارشی داد؛ راه‌های احتمالی حل مشکل مطرح شد.

در حالی که مشغول نوشتن این صفحه بودم و به [بخش فارسی]رادیو صدای آمریکا گوش می‌دادم، گفت هم اکنون خبر رسید که عراق، مذاکره با آمریکا در ژنو را ، برای روز چهارشنبه پذیرفته است.

شنبه ۱۵ دی ۱۳۶۹ | ۱۸ جمادی‌الثانی ۱۴۱۱ ۵ ژانویه ۱۹۹۱

ساعت نُه صبح به دانشگاه تهران رفتیم. کنگره دوم بازسازی را با سخنرانی افتتاح کردم.[۱] به دفترم رفتم و تا ساعت یازده، کارها را انجام دادم. آقای [سید یحیی]جعفری، امام جمعه

---

۱ - در بخشی از این سخنرانی آمده است: «تاکنون در امر بازسازی مناطق جنگ‌زده کشورمان، از سوی هیچ کشور، سازمان و نهاد بین‌المللی، کمکی به ما نشده است و مردم قهرمان و جان برکف ما، همچون دوران دفاع مقدس با استفاده از امکانات داخلی امر بازسازی و ترمیم خرابی‌ها را که از زمان جنگ آغاز شده، ادامه می‌دهند. این کنفرانس در ابعاد علمی، تحقیقاتی و همچنین اقتصادی، می‌تواند به تاریخ نیز غنایی ببخشد و تجربه موفق و صحیح بازسازی مناطق جنگی را در تاریخ برای استفاده آیندگان ثبت کند. چون جنگ ایران و عراق، اولین و آخرین جنگ بشریت نبوده است و ترمیم ویرانی‌های جنگ نیز به نظر می‌رسد تا آینده‌های خیلی دور، به عنوان یک ضرورت اساسی مطرح باشد. اینگونه که ما در حال ترمیم و بازسازی ویرانی‌های جنگ هستیم، هیچ‌یک از کشورهای جنگ‌زده دنیا درگیر نبوده‌اند، برای نمونه، در بازسازی ژاپن پس از جنگ جهانی دوم، کمک‌های بسیاری از کشورهای سراسر جهان انجام شد، همچنین کشورهایی چون آلمان، ایتالیا و انگلستان در اروپا و کشوری چون ویتنام در جهان سوم، با کمک‌های وسیع بین‌المللی و کمک دیگر کشورهای همفکر، بازسازی مناطق جنگی خود را انجام داده‌اند ، در حالی که جمهوری اسلامی، نه تنها از این کمک‌ها محروم است، بلکه موانع بسیاری نیز در سر راه دارد. مجموع خرابی‌های مستقیم و غیرمستقیم دوران جنگ تحمیلی، رقمی در حدود هزار میلیارد دلار است که ترمیم و جبران این خرابی‌ها، همت جانانه ملت ما را همچون دوران جنگ می‌طلبد.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های ۱۳۶۹» ، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲.

کرمان آمد. برای تأمین امنیت استان و اصلاح مقررات عوارض اخیر، استمداد کرد و از اختلاف روحانیون کرمان اظهار ناراحتی نمود.

آقایان [محمد]غرضی، [وزیر پست و تلگراف و تلفن] و [مسعود روغنی]زنجانی، [رییس سازمان برنامه و بودجه]آمدند. اختلاف خود را در مورد اعتبارات ارزی - ریالی پست و مخابرات مطرح کردند؛ رفع اختلاف نمودم. عصر دکتر ولایتی[وزیر امورخارجه]آمد. گزارش سفر به پاکستان را داد؛ مطابق معمول راضی است و سفر را موفق می‌داند.

شورای‌عالی امنیت ملی‌جلسه داشت. بحث دربارهٔ اوضاع منطقه و سفر «عزت ابراهیم» به ایران بود. سرشب، آقای [عبدالله]نوری وزیرکشور آمد؛ پیشنهادی در مورد مطبوعات داشت. به خانه آمدم. بچه‌ها به مهمانی رفته بودند. تنهایی شام خوردم.

یکشنبه ۱۶ دی ۱۳۶۹ | ۱۹ جمادی‌الثانی ۱۴۱۱ ۶ ژانویه ۱۹۹۱

ساعت هفت و نیم به دفترم رسیدم. تا ساعت نُه صبح، کارهای مانده انجام شد. آقای [علی]رازینی، رییس دادگاه ویژه روحانیت آمد. گفت، دیروز به آقای [سید علی‌اکبر] محتشمی، [مدیرمسئول ماهنامه بیان] در ارتباط با نوشته‌های اخیر مجله بیان تذکر داده است[1]. درباره محاکمهٔ تعدادی از نمایندگان مجلس که از یکدیگر شکایت کرده‌اند، مشورت کرد و برای تجهیزات دادگاه کمک گرفت.

آقای [محمدحسن]اختری، سفیرمان در سوریه آمد و گزارش وضع لبنان را داد. آقای هاشمی نیک، سفیر جدید ایران در فیلیپین برای خداحافظی آمد. آقای دکتر [محمدعلی]نجفی، وزیر آموزش و پرورش برای امور جاری آمد و برای کمبودها و تسریع

---

۱ - ماهنامه «بیان» به مدیریت آقای محتشمی‌پور و روزنامه «سلام» به مدیریت آقای موسوی خوئینی‌ها، در دوره ریاست‌جمهوری آقای هاشمی، از جمله مطبوعات مخالف دولت بودند که با آزادی تمام، اقدامات دولت سازندگی را زیر تیغ انتقاد و تخطئه قرار می دادند. هیچگاه شکایت یا مانعی در مقابل فعالیت این رسانه ها از سوی دولت در آن دوره انجام نشد و حتی بسیاری از همین نویسندگان چپ، در مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست‌جمهوری شاغل بودند و حقوق دریافت می‌کردند.

در تصویب تغییر نظام آموزشی استمداد کرد. جمعی از خانواده‌های شهدا و معلمان زن به مناسبت روز زن آمدند. برایشان مفصل صحبت کردم[1]. آقای [بیژن نامدار]زنگنه، [وزیر نیرو]آمد و گزارش علت خاموشی‌ها را داد.

عصر در جلسه هیأت دولت شرکت کردم؛ مصوبات زیادی داشتیم. [آقای گزایسنسکی]، وزیر امورخارجه مجارستان آمد[2]. دربارهٔ توسعه روابط صحبت شد و نامهٔ

---

۱ - آقای هاشمی گفت : «زنان مسلمان ایرانی با وجود مشعل و راهنمایی چون حضرت زهرا(س)، نقش خود را در دوران انقلاب اسلامی بازیافته‌اند و هم‌اکنون در کنار برادران خود، در کلیه صحنه‌های علمی، فرهنگی، تحقیقاتی، ادبی و هنری حضور فعال دارند. خداوند در طول تاریخ، همواره نمونه‌هایی برجسته از انسان‌های شریف و خودساخته را مانند حضرت مریم، حضرت فاطمه، حضرت آسیه، حضرت خدیجه و حضرت زینب، مقدس معرفی می‌کند تا رهروان راه الهی بتوانند راهنما و مشعلی داشته باشند. وجود حضرت زهرا (س)، در تاریخ بشریت یک هدیه آفرینش به‌شمار می‌رود و زنان مسلمان ایرانی، زندگی آن حضرت را نمونه و سرمشق خود قرار داده‌اند.» ایشان، ضمن قدردانی از حضور زنان در صحنه‌های گوناگون کشور، تأکید کرد: «در جریان پیروزی انقلاب و در صفوف راهپیمایی‌ها، هیچگاه شمار زنان کمتر از آقایان نبوده است و نقش زنان در پاسداری از ارزش‌های انقلاب و به‌ویژه در دفاع مقدس به‌همین شکل ادامه یافت. زنان انقلابی ما، در مواجهه با مصائب، با صبر و استقامت و پایداری خود در مقابل شهدا، اسرا، مفقودالاثرها و جانبازهای انقلاب اسلامی، کانون انقلاب را با طراوت نگاه داشتند و صحنه‌هایی که به‌هنگام بدرقه افراد اعزامی به جبهه‌های جنگ تحمیلی و یا اظهارات زنان مسلمان در سوگ شهدای خود یا اهدای گوشواره و دستبند خود به دفاع مقدس و با حضور در خدمات پشتیبانی رزمندگان، از صحنه‌های جاودان تاریخی به‌شمار می‌رود و هر انسانی را متأثر می‌سازد. امروز راه برای شما هموار است و ما مشکلی برای حضور شما نمی‌بینیم، اگرچه عدم مراعات حجاب و شئون اسلامی از سوی معدودی از زنان، مانعی در ترقی خانم‌هاست و شما باید با برخورد دوستانه خود، آنها را قانع کنید که با این رویه ناپسند، مانع تکامل و ترقی خانم‌ها نشوند. وظیفه زنان تنها به خانه‌داری و فرزندداری و شوهرداری منحصر نمی‌شود و زن ایرانی با استعداد درخشان خود، باید علاوه بر حضور مؤثر و موفق در محیط خانه، به‌کارهای اجتماعی به‌ویژه بخش‌های تعلیم و تربیت، دانشگاه، بهداشت، بخش‌های اداری و امور ادبی و هنری نیز بپردازد.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های ۱۳۶۹»، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲.

۲ - در این ملاقات، وزیر امورخارجه مجارستان، با ارائه گزارش مبسوطی از آخرین تحولات این کشور، گفت: «ملت مجارستان با علاقه بسیار، تحولات و پیشرفت‌های جمهوری اسلامی ایران را در همه زمینه های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ارج می گذارد. کشور مجارستان نیز تلاش بسیاری برای حفظ هویت، فرهنگ و استقلال ملی خود نموده است و همان‌گونه که ملت بزرگ ایران، با تلاش‌ها و قهرمانی های بسیار، توانست خود را از نفوذ بیگانگان رها سازد، ملت مجارستان هم ده سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی، با تکیه بر ارزش‌های انسانی و معنوی، حاکمیت خود را به دست آورده است و مردم بنا دارند که با استفاده از روحانیت و لطافت مذهب، حالت خشونت و ←

دعوت رییس‌جمهورشان را آورده بود. رییس جامعه اسلامی مجارستان هم همراه‌شان بود؛ دویست خانوار مسلمان دارند. او به خاطر نجات از مارکسیسم، اظهار خوشحالی می‌کرد.

دوشنبه ۱۷ دی ۱۳۶۹ | ۲۰ جمادی‌الثانی ۱۴۱۱ ۷ ژانویه ۱۹۹۱

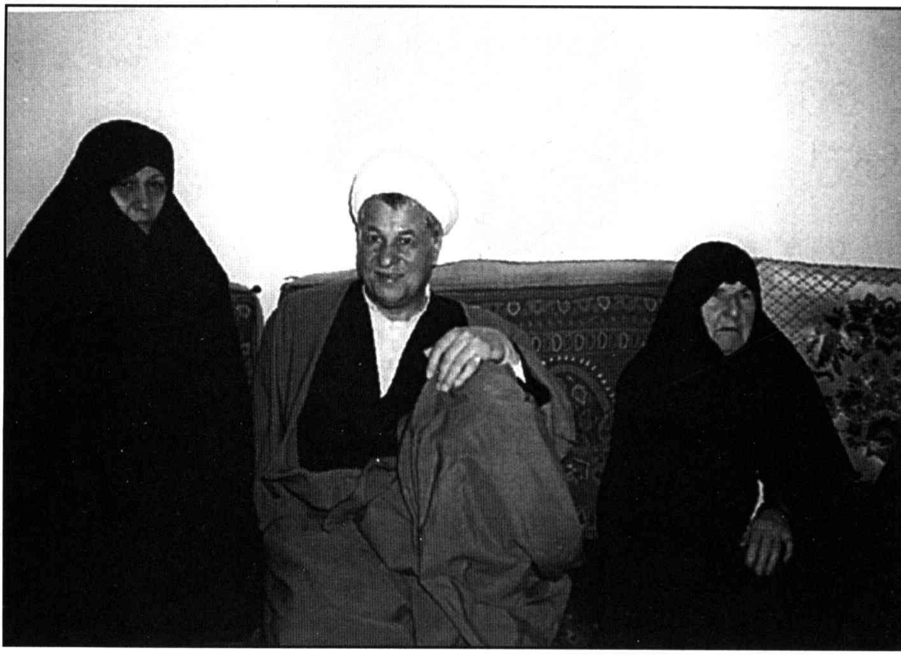
[آقایان محمدحسین انزابی، هاشم هاشم زاده هریسی، سیدحسین موسوی تبریزی، حمید چیت‌چیان، محمدعلی سبحان‌اللهی و سید مهدی حسینی]، نمایندگان تبریز آمدند. برای نیازهای آب تبریز[= طرح انتقال آب از زرینه‌رود] و تربیت معلم استمداد کردند. [آقای احمدعلی نظری پور]، نماینده داراب آمد و برای نیازهای حوزه انتخابیه‌اش کمک گرفت.

آقای [سیدحسین]موسویان، سفیرمان در آلمان آمد. گزارش کار داد و نتیجهٔ مذاکره با آلمانی‌ها درخصوص نیروگاه بوشهر، زیردریایی‌ها، کارخانه‌های سم سازی و اعتبارات خارجی را گفت. دکتر [سیدمحمدرضا]هاشمی[گلپایگانی]، برای دستور شورای‌عالی انقلاب فرهنگی و کارهای دانشگاه‌ها آمد.

عصر به نمایشگاه تشخّص[و منزلت]زن رفتم. بازدید کوتاه و سریعی انجام شد و در جلسه افتتاحیه صحبت کردم[۱]. به دفتر برگشتم. شورای اقتصاد جلسه داشت. در مورد پتروشیمی خراسان بحث کردیم؛ قرار شد در بجنورد انجام شود. نمایندگان نیشابور و

مادی‌گری ناشی از تعلیمات و روش‌های مارکسیستی را پاک کنند و جامعه را به تعادل برسانند.» سپس آقای هاشمی، تحولات آن کشور را امیدوارکننده خواند و افزود: «ما واقعاً از تحولات کشور شما خوشحالیم و از اینکه کشور شما و بسیاری از همسایگانتان، از مارکسیسم نجات پیدا کرده اند، خرسندیم. ما امیدواریم، کشور مجارستان بتواند مستقل، آزاد و به‌دور از سلطه کشورهای بزرگ دنیا، دوران سازندگی خود را آغاز کند.» در این دیدار، آقای شیخ عبدالرحمن، رییس انجمن مسلمانان مجارستان، یک جلد کتاب نهج البلاغه را که شخصاً ترجمه کرده بود، تقدیم آقای هاشمی نمود که ایشان نیز تشکر کرد.

۱ - در بخشی از این سخنرانی آمده است: «به اعتقاد من، زنان در طول تاریخ مظلوم واقع شده اند و امروز نیز تداوم مظلومیت زنان را در زندگی آنان می بینیم. اگرچه وجدان عمومی جامعه به این مظلومیت راضی نیست، ولی طبیعت مادی‌گرای حاکم بر جهان، این وضعیت را به وجود آورده است. امیدوارم زن ایرانی با حرکت سالم و به دور از غوغا و دور از ایده و عقاید باندی و سیاسی جامعه، به تدریج نقش خود را باز یابد.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های ۱۳۶۹» ، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲.



در کنار والده و همسر

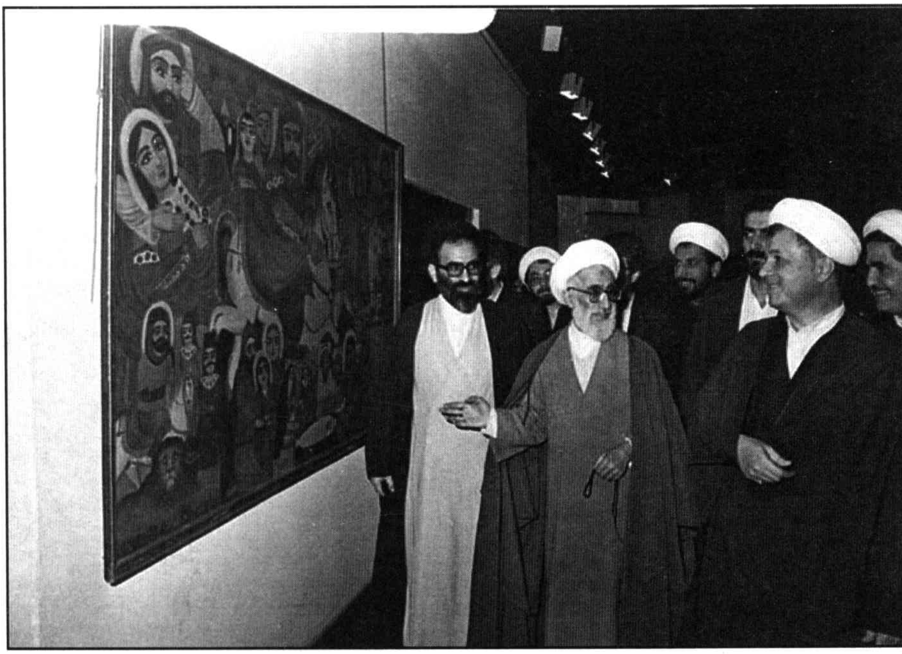
سبزوار آمدند و هر یک خواستار بودند که پتروشیمی‌در حوزه آنها باشد.

شب به خانه آمدم. حاجیه بی‌بی و طاهره خواهرم، از نوق آمده‌اند. آنها می خواهند برای زیارت به سوریه بروند. به خاطر «روز مادر»، عفت، یک چادر مشکی به والده هدیه کرد. تا ساعت یازده شب احوالپرسی کردیم. حال‌شان بد نیست، ولی خیلی پیر شده‌اند.

سه‌شنبه ۱۸ دی ۱۳۶۹ | ۲۱ جمادی‌الثانی ۱۴۱۱ ۸ ژانویه ۱۹۹۱

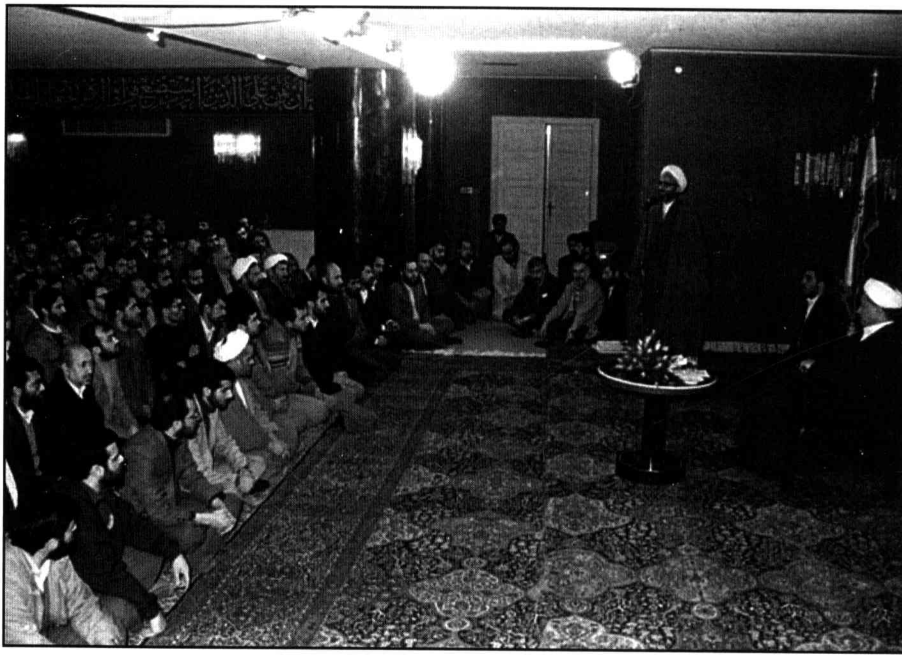
صبح زود به دفترم رفتم. قبل از ساعت نُه صبح، دکتر [حسن]حبیبی، [معاون اول رییس‌جمهور]، برای مشورت در مورد مذاکره با عزت ابراهیم، [معاون صدام حسین و نایب رییس شورای انقلاب عراق آمد؛ قرار است امروز به تهران بیاید. معمولاً قبل از ساعت نُه صبح، ملاقاتی نمی‌پذیرم.

مدیران هسته‌های گزینش ادارات آمدند. آقای [قربانعلی]درّی [نجف آبادی، رییس



بازدید از نمایشگاه تشخص و منزلت زن
آیت الله جنتی رییس سازمان تبلیغات اسلامی توضیح می دهد





ملاقات با مسئولین هیات های مرکزی گزینش کشور

هیأت عالی گزینش] گزارش داد. برایشان صحبت کردم و تأییدشان نمودم[1]. قرار بود جلسه شورای عالی حفاظت از محیط زیست داشته باشیم که به نصاب نرسید. دکتر [هادی]منافی، [رییس سازمان حفاظت محیط زیست]، از وقت استفاده کرد و مطالبی را

---

۱ - آقای هاشمی در نهمین سالروز صدور فرمان حضرت امام(ره) در خصوص امر گزینش، در دیدار با اعضای هیأت‌عالی گزینش گفت : «رعایت قاطعیت از شروط اساسی کار هسته‌های گزینش است و اعمال دلسوزی و سلیقه در اینگونه موارد که مصالح عامه را در بر می‌گیرد، کار درستی نیست. مسئولیت گزینش افراد، شبیه کار قضاوت است. اعمال دلسوزی در این امور حساس، برای مردم و نظام مشکل آفرین است و ملاحظه کردن به نفع هیچ کس نیست، پس مسئولین گزینش، نباید این مسئولیت مهم را ضایع کنند.کارگزارانی که در یک نظام، ولایت را اعمال می‌کنند باید ویژگی‌هایی داشته باشند، چرا که اعمال نظر در کار مردم، به‌آنها محول شده است. پس انتخاب کارگزاران صالح، بدون تردید نیاز به گزینش دارد و این تشکیلات را ما به خاطر شرایط انقلاب ایجاد نکرده‌ایم، بلکه همچون سایر نظام‌های دنیا، برای انتخاب افراد بهتر به‌وجود آمده است. ارزیابی عملکرد افراد در طول فعالیت آنان در دستگاه‌های دولتی نیز باید به شکل نیمه متمرکز ادامه یابد و ما باید مراحل تکامل، رشد، کسب تجربه و صلاحیت کارگزاران را همواره مورد ارزیابی قرار دهیم که این موضوع نیز با استفاده از تجارب هسته‌ای گزینش انجام‌پذیر است.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های ۱۳۶۹» ، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲.

مطرح نمود.

وزیر انرژی اتمی چین آمد. از توافق‌های به عمل آمده با ایران، در مورد انتقال تکنولوژی ساخت سوخت موشک، ابراز خوشحالی کرد و خواست که ملاقات و سفرش محرمانه بماند.

[آقای دِبی]، قائم مقام وزیر امورخارجه هند آمد و نامهٔ نخست‌وزیر هند را آورد. از مشکلاتی که در اثر گران شدن نفت و بحران خلیج فارس دامنگیرشان شده گفت و خواست که نفت نسیه به هند بدهیم؛ قول حفظ امنیت مسلمانان را داد[۱].

عصر آقای [علاءالدین]بروجردی، [معاون آسیا و اقیانوسیه وزارت امورخارجه]آمد. گزارش وضع روابط با کشورهای آسیایی را داد و برای مجاهدین افغان، کمک بیشتر خواست. همچنین اجازه خواست که با دولت افغان برای اصلاح قرارداد استفاده از آب هیرمند، در جهت منافع ایران، وارد مذاکره شوند؛ قبول کردم.

آقای [سیدمحمدباقر]حکیم، [رییس مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق] و برادرش، [سید عبدالعزیز حکیم] و [شیخ علی] مولا، [دبیر اجرایی مجلس اعلا] آمدند. مقداری از مشکلات عراقی‌ها را مطابق معمول گفت. دربارهٔ شرکت در کنفرانس معارضین عراقی در لندن مشورت کرد و راجع به مسایل عراق و آینده منطقه صحبت شد.

شب شورای عالی انقلاب فرهنگی جلسه داشت. طرح تغییر نظام آموزشی متوسطه تصویب شد و درباره مسأله تغییر احتمالی حروف در آذربایجان شوروی مذاکره شد. شب به خانه آمدم. والده و خواهرم طاهره خوابیده بودند و بچه‌ها بیرون بودند.

---

۱ -آقای هاشمی در ملاقات با قائم مقام وزیر امورخارجه هند، خشونت‌های این کشور را مغایر با منافع آن در ارتباط با کشورهای اسلامی خواند و ابراز امیدواری کرد: «فتنه هایی که اخیراً در هند بر پا شده، خاموش و به شکل عادلانه‌ای حل شود تا موانعی که ممکن است در راه همکاری کشورهای اسلامی با هند بوجود آید، برطرف شود. در صورتی که مسلمان‌ها در هند، احساس امنیت بیشتری داشته باشند، همکاری دنیای اسلام با هند، بیش از گذشته خواهد بود و این مساله برای همه مفید است.» در این ملاقات، آقای دبی نیز در زمینه درگیری‌های قومی و مذهبی در هند که موجب کشتار عده ای از مسلمانان این کشور شده بود،گفت: «دولت هند، به خوبی نگرانی ملت و دولت جمهوری اسلامی ایران را در قبال این درگیری‌ها درک می کند و اعتقاد داریم، این نگرانی کاملاً بجاست و ما را مجبور می کند تا بر تلاش‌های خود برای حل این معضل ملی هند بیافزاییم. اگر هند نتواند این برخوردهای جوامع مختلف را متوقف کند، وحدت ملی خود را در خطر جدی می بیند.»

چهارشنبه ۱۹ دی ۱۳٦۹ | ۲۲ جمادی‌الثانی ۱٤۱۱ ۹ ژانویه ۱۹۹۱

صبحانه را با والده و همشیره طاهره و عفت خوردیم و احوالپرسی نمودیم. به دفترم رفتم. در گزارش‌ها، التهابی در محافل ناظران جهانی دیده می‌شود؛ به خصوص نتایج ملاقات امروز وزیران امورخارجه آمریکا و عراق در ژنو؛ خود من هم با علاقه دنبال می‌کنم.

چهار ملاقات با [آقایان پال‌استوارت دینگِلداین، جان گراهام ولدون، ایوشان واسیلیو و فوربرتو آگستواکه]، سفیران جدید کشورهای کانادا، استرالیا، رومانی و آرژانتین داشتم که برای تقدیم استوارنامه آمده بودند. مطابق معمول ملاقات‌ها کوتاه بود. برخورد گرم و صمیمانه کردم و به تناسب با هر یک، مقداری مذاکره انجام دادم. به نظر می‌رسد خیلی بیشتر از گذشته به انقلاب ما احترام می‌گذارند؛ مجموعاً ۸۰ دقیقه طول کشید.

شورای عالی اداری جلسه داشت. بحث بر سر تورم کارکنان دولت و وظایف دولت بود که براساس برنامه، تصمیم گرفتیم بار دولت را سبک کنیم. تصویب شد که از ارگان‌های دولتی بخواهیم، ظرف سه ماه، بخش‌های قابل واگذاری از مسئولیت‌های خود به مردم را معرفی کنند و ستادی در سازمان امور اداری و استخدامی، موضوع را دنبال و هدایت نماید.

عصر دکتر [ایرج] فاضل،[وزیر بهداشت]آمد و دربارهٔ مطالبی که می‌خواهد در جریان استیضاح در مجلس بگوید، توضیح داد و مشورت کرد؛ تذکراتی دادم. دکتر [حسن] حبیبی، ظهر آمد و نتیجه مذاکره با عزت ابراهیم، [معاون رییس‌جمهور عراق] را گفت. صریحاً گفته است که از کویت بیرون نخواهند رفت و در ژنو امتیازی نمی‌دهند و آماده دفاع در مقابل حمله آمریکا هستند و از ما هم کمک غذایی و دارویی می‌خواهند.

در جلسه هیأت دولت شرکت کردم. اظهارات هیأت عراقی و همچنین نحوهٔ اجرای تراز فیزیکی در مصالح و ماشین‌آلات مورد مذاکره قرار گرفت. شب برای انجام کارهای عقب مانده، در دفترم ماندم.

از تلویزیون سی‌ان ان، فیلم مذاکرات وزیران امورخارجه آمریکا و عراق در ژنو را گرفتم؛ هر دو بعد از ختم مذاکرات، مضطرب و هیجانی به نظر می‌رسند که قابل حدس بود. اگر این حدس درست باشد، انتظار آنها این بوده که عراقی‌ها در مذاکرات،

۲۱

جمهوری اسلامی ایران
ریاست جمهوری

تاریخ ۱۳۶۹،۹،۲۰
شماره ۹۶۵/ر ۶۹

بسمه‌تعالی

حضرت حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای هاشمی رفسنجانی

ریاست محترم جمهوری

به پیوست نامه شماره ۶۲۲/۲۶۷۶ مورخ ۱۳۶۹/۹/۶ وزارت امور خارجه منضم به گزارش تهیه‌شده در خصوص سابقه. اهداف و اصول موافقت نامه عمومی تعرفه‌ها وتجارت "گات" و همچنین شرایط عضویت در آن و روابط ایران در قبل و پس از انقلاب اسلامی با آن سازمان و بالاخره مزایا ومشکلاتی که عضویت احتمالی ما در سازمان مذکور در بر خواهد داشت ارسال میگردد.

باتوجه به اینکه مذاکرات مربوط به موافقتنامه‌های بین‌المللی "گات" برای آینده روابط تجاری بین کشورهای جهان (ازجمله کشورما) از اهمیت فوق‌العاده برخوردار است ونماینده دولت ایران قبل از انقلاب بعنوان ناظر در جلسات شرکت می‌کرده‌است.

توصیه می‌شود: جمهوری اسلامی ایران فعالیت خود را به عنوان عضو ناظر در جلسات "گات" از سر گیرد./ی

۶۹/۱۰/۰۱

میرحسین موسوی

توصیه مشاور سیاسی رییس جمهور در مورد سازمان تجارت جهانی (گات)

عقب‌نشینی کنند که نکرده‌اند. ساعت دوازده شب خوابیدم.

پنج‌شنبه ۲۰ دی ۱۳۶۹ | ۲۳ جمادی‌الثانی ۱۴۱۱ ۱۰ ژانویه ۱۹۹۱

وقت اذان صبح بیدار شدم و دیگر نخوابیدم. به اخبار رادیو بی‌بی‌سی و صدای آمریکا گوش دادم؛ شکست مذاکرات ژنو، خطر جنگ [در منطقه خلیج فارس]را بالا برده است. قیمت سهام در بورس‌ها پایین آمده و قیمت نفت و طلا بالا رفته است. تا ساعت نُه صبح، کارهای عقب مانده انجام شد.

قبل از ملاقات با هیأت عراقی، [آقای محمد سعیدی کیا]، وزیر راه و ترابری، دکتر [حسن]حبیبی، [معاون اول رییس‌جمهور] و [علی‌محمد]بشارتی، [قائم مقام وزیر امورخارجه] آمدند و گزارش مذاکرات را دادند. عراقی‌ها خواسته‌اند هواپیماهای مسافربری‌شان را برای مصونیت از حمله آمریکا، در فرودگاه‌های ما بگذارند و از امکانات پشتیبانی ما استفاده کنند. از [آقای عبدالحسین وهاجی]، وزیر بازرگانی، خواسته‌اند که برایشان کالا بخرد و یا کالاهایشان را از طریق ایران بیاورد؛ به بررسی موکول کرده‌اند.

هیأت عراقی به ریاست آقای عزت ابراهیم آمدند. در جلسه رسمی، مذاکرات کوتاه و تشریفاتی بود[1]. تقاضای مذاکره خصوصی‌شان را با حضور دکتر [حسن]حبیبی، مترجم و رییس‌دفترم پذیرفتم. او از موضع ضعف و خضوع برخورد می‌کرد و هیأت، تلاش داشت ثابت کند که در امر همکاری و صلح با ما، خلوص نیت دارند.

---

۱ - معاون رییس جمهور عراق در این ملاقات، آمادگی و علاقه کشور خود را به اجرای مفاد قطعنامه ۵۹۸ و توسعه روابط با ایران ابراز داشت. در این دیدار که در جو تفاهم‌آمیز انجام شد، آقای هاشمی، نگرانی جمهوری اسلامی ایران را از اوضاع و شرایط جدیدی که پس از اشغال کویت در منطقه پدید آمده است، ابراز داشت و گفت: «برای آنکه دو کشور ایران و عراق، بتوانند در زمینه های مختلف همکاری کنند، باید در جهت برطرف کردن مرارت هایی که مردم ما در دوران ده ساله گذشته متحمل شده‌اند، تلاش های زیادی به عمل آید، تا به این ترتیب اثرات نامطلوب وقایع گذشته، به تدریج زدوده شود و یک حالت طبیعی نیز بین دو کشور پدیدار گردد. عبور از این مرحله دشوار، برای همکاری های سالم میان دو کشور، ضرورت دارد.»



ملاقات با معاون صدام حسین رییس جمهور عراق

عزت ابراهیم[1]، جواب سئوالات من را صریح داد. گفت بنا ندارند از کویت بیرون بروند؛ کویت را جزو خاک خود می‌دانند. حتی پس از حل مسأله فلسطین - در فرض قبول آمریکا - فقط حاضرند که دربارهٔ کویت به مذاکره بنشینند و قبل از آن، حاضر به مذاکره نیستند. احتمال جنگ را جدی گرفته‌اند و آماده دفاع هستند و خیال می کنند شکست نمی‌خورند؛ قول داد مسأله اسرا را حل کنند. او تقاضای صریحی نکرد، جز اعتماد و حرکت سریع در جهت صلح و همکاری. او بیان خواسته‌ها را به عهده همراهانش گذاشته بود.

هیأت امنای دانشگاه شاهد جلسه داشت. بودجه سال ۷۰ را تصویب کردیم. گزارش

۱ - عزت ابراهیم الدوری، معاون صدام حسین، بعد از اشغال عراق توسط آمریکا متواری شد و پس از اعدام صدام ، از سوی طرفداران حزب بعث، به رهبری این حزب و جانشینی صدام انتخاب شد. تاکنون نیروهای ائتلاف و حکومت جدید عراق، موفق به دستگیری عزت ابراهیم نشده اند. او در واکنش به اعدام صدام به جرم جنایت علیه بشریت، آمریکا، بریتانیا، اسرائیل و ایران را عامل اعدام صدام معرفی کرد و خواهان انتقام خون صدام حسین، رییس جمهور معدوم عراق از این کشورها شد.

کار دادند. تصویب آیین‌نامه‌ها را به عهده کمیسیونی از هیأت امنا گذاشتیم و رشته‌های جدید را تصویب کردیم.

تا ساعت پنج بعد از ظهر کار کردم و به خانه آمدم. آقای [مصطفی حایری]فومنی آمد. اطلاع داد که سعودی‌ها برای حل مشکلات فیمابین و موافقت با دادن خواست‌های ما، اظهار آمادگی نموده‌اند و متن بیانیه مشترک تهیه کرده‌اند که منتشر شود و حاضرند، برای اتمام‌کار به ایران بیایند؛ به رهبری اطلاع دادم، ایشان موافق‌اند. قرار شد در شورای عالی امنیت ملی مطرح شود.

جمعه ۲۱ دی ۱۳٦۹ | ۲۱ جمادی‌الثانی ۱٤۱۱   ۱۱ ژانویه ۱۹۹۱

امروز در منزل بودم. بیشتر وقت، به مطالعه گزارش‌ها و استراحت گذشت. ناهار فاطی و بچه‌ها و شام، محسن و خانواده‌اش آمدند. در گزارش‌ها، بحران خلیج فارس رو به اوج دیده می‌شود.

شنبه ۲۲ دی ۱۳٦۹ | ۲۵ جمادی‌الثانی ۱٤۱۱   ۱۲ ژانویه ۱۹۹۱

در گزارش‌ها، علایم تهیه مقدمات برای جنگ، فراوان به چشم می‌خورد. نزدیک ساعت نُه صبح به دفترم رسیدم. دکتر [حسن]روحانی، برای دستور کار شورای‌عالی امنیت ملی آمد.

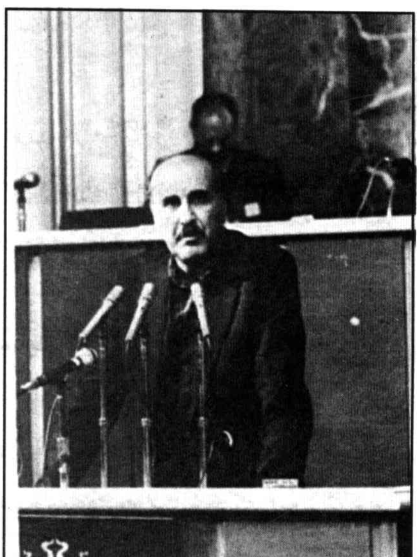
از ساعت نُه ونیم صبح تا دوازده ونیم ظهر، جلسه شورای اقتصاد داشتیم. بحث دربارهٔ قیمت جدید ارز رقابتی بود که به نتیجه رسیدیم و چند تصمیم مهم گرفتیم که بعداً اعلان شود. دربارهٔ شرایط منطقه هم بحث شد و به خاطر احتمال بروز جنگ، اعلان تصمیمات شورای اقتصاد را به عقب انداختیم.

عصر شورای‌عالی امنیت ملی جلسه داشت. دربارهٔ تقاضاهای عراقی‌ها بحث کردیم. قرار شد در حد پذیرش هواپیماهای مسافربری آنها و عدم سخت‌گیری درخصوص رفتن غذا و دارو به صورت غیر رسمی به عراق، در مقابل تحویل منافقین موافقت شود. همچنین قرار شد در مورد ایجاد روابط سیاسی با عربستان سعودی، با پذیرش شرایط ما در حج،

شامل عدد[= تعداد حجاج اعزامی]، [راهپیمایی] برائت[از مشرکین] و [پرداخت] دیه[شهدای حج سال ۱۳۶۶]، اقدام شود. اردوگاه‌ها و مراکز درمانی و امداد نیز در مرزها، برای پذیرش مجروحان و آوارگان جنگ، با همکاری صلیب سرخ جهانی ایجاد گردد.

شب با احمدآقا مهمان رهبری بودیم. همان بحث‌های جلسه شورا مورد مذاکره و تصویب رهبری قرار گرفت. به خانه آمدم. همشیره‌ها - فاطمه و طاهره- هم بودند.

یکشنبه ۲۳ دی ۱۳٦۹ | ۲٦ جمادی‌الثانی ۱٤۱۱ ۱۳ ژانویه ۱۹۹۱


جلسه استیضاح وزیر بهداشت

ساعت هفت و نیم به دفترم رسیدم. تا ساعت نُه صبح، کارها را انجام دادم. در گزارش‌ها، همه امیدها به سفر [آقای خاویر پرز دکوئیار]، دبیرکل سازمان ملل به عراق، برای جلوگیری از جنگ است.

آقای [جواد]اژه‌ای، [مشاور فرهنگی رییس‌جمهور]آمد. گزارش سفر به اروپا برای مسایل دانشجویان را داد و کمک گرفت. اخوی محمود، [از وزارت امورخارجه]آمد و گزارش وضع لبنان را داد. فرمانده سپاه لبنان آمد. دربارهٔ اوضاع لبنان گفت و دربارهٔ استراتژی ما در لبنان، نظراتی ارائه داد.

آقای [هادی]نژادحسینیان، [وزیر صنایع سنگین] آمد. دربارهٔ مسایل و سیاست‌های تولید خودرو و شرکت‌های تحت پوشش و سهام سهامداران جزء، که کارخانه‌هایشان به مالکیت دولت در آمده است، مطالبی داشت.

عصر در جلسه هیأت دولت شرکت کردم. امروز استیضاح دکتر [ایرج]فاضل، وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، صبح و عصر، در مجلس جریان داشت. آخروقتِ جلسه، خبر آمد که او رأی اعتماد نیاورد. ۱۱۴ رای موافق، ۱۱۵ رای مخالف و ۱۷ رأی

ممتنع بوده است. از خدمات ایشان تشکر کردم و از رفتن ایشان از دولت اظهار تأسف نمودم. او هم صحبت کوتاه خوبی کرد؛ مجلسی‌ها از او ناراحت بودند.

شب با رهبری جلسه داشتیم. دربارهٔ انجمن‌های اسلامی دانشجویان، وزیر بهداشت، مسایل سپاه، بحران منطقه و مسایل فراوان جزیی دیگر مذاکره کردیم. بعد از شام به خانه آمدم. عفت از پیشامد[استیضاح و برکناری] دکتر فاضل ناراحت بود و سخت انتقاد می‌کرد.

دوشنبه ۲۴ دی ۱۳۶۹ | ۲۷ جمادی‌الثانی ۱۴۱۱   ۱۴ ژانویه ۱۹۹۱

ساعت هشت و نیم صبح به دفترم رسیدم. در اخبار، شکست مذاکرات آقای دکوئیار، [دبیرکل سازمان ملل] با صدام[حسین، رییس‌جمهور عراق] در بغداد، جلب توجه می‌کند و جنگ را در افق نشان می‌دهد.

آقای [سیدمحمد]اصغری، نماینده تهران و مدیرمسئول روزنامه کیهان آمد. از کم‌توجهی رهبری به او، در خصوص گرفتن روزنامه کیهان و واگذاری آن به آقای [مهدی]نصیری گله کرد و گفت از من انتظار حمایت بیشتر دارد. ضمناً از کار مجلس درخصوص استیضاح دکتر فاضل انتقاد داشت.

آقای [یدالله]اسلامی، نماینده بافت آمد. نگران بود که به خاطر استیضاح دکتر فاضل، او را سرزنش کنم؛ چنین نکردم، ولی گفتم کار بدی کرده‌اید و خیر نخواهید دید. توصیه‌هایی در جهت ارتباط بیشتر با رادیکال‌ها، برای جلوگیری از انحراف و اشتباه آنها داشت و مدعی بود که همه معترف‌اند که نقش من، منحصر به خودم است و کس دیگری نیست که بتواند این نقش را ایفا کند.

آقای [عزت‌الله]دامادی، نماینده ساری آمد. تذاکراتی برای اصلاح امور داشت و از وزارت کشور و خط رادیکال انتقاد داشت و برای ساخت دانشگاه ساری کمک خواست.

آقای [احمد]کبیری، نماینده مرودشت آمد و برای حوزه انتخابیه‌اش استمداد کرد.

دکتر [ایرج]فاضل و معاونانش آمدند. معاونان از مجلس عصبانی هستند و به عنوان اعتراض، با عبارات تند، استعفا داده‌اند؛ دلداری‌شان دادم و تقویت روحیه نمودم. گفتم

یکی از خودشان را سرپرست وزارت می‌کنم. با دکتر [ایرج]فاضل، دکتر[حسن] حبیبی و دکتر [علی‌اکبر]ولایتی، مشورت کردم و دکتر [رضا]ملک‌زاده، معاون آموزشی وزیر را به سرپرستی وزارت بهداشت برگزیدم؛ خبر را ظهر پخش کردیم.

دکتر حبیبی، [معاون اول رییس جمهور]آمد. در مورد سفر سرگرد [عبدالسلام]جلّود، [نخست‌وزیر لیبی] مذاکره کردیم. دربارهٔ نظر شورای نگهبان در خصوص بودجه ارزی هم صحبت شد. عصر آقای[غلامرضا]آقازاده، [وزیر نفت]آمد و گزارش وضع بازار نفت را داد؛ امروز قیمت‌ها بالا رفته است و ما در حدود ۸۵ میلیون بشکه نفت، روی آب داریم که به قیمت خوبی فروخته خواهد شد.

شورای اقتصاد جلسه داشت. دربارهٔ شوینده‌ها، تخم‌مرغ و سیگار، تصمیمات خوبی گرفتیم. شب به خانه آمدم. پسر آقای [عبدالمجید]معادیخواه اطلاع داد که پدرش را بازداشت کرده‌اند. معلوم شد دادگاه ویژه روحانیت حکم داده است؛ مایهٔ ناراحتی شد.

سه‌شنبه ۲۵ دی ۱۳٦۹ | ۲۸ جمادی‌الثانی ۱٤۱۱ ۱۵ ژانویه ۱۹۹

به دفترم رفتم. دکتر ولایتی، [وزیر امورخارجه]آمد. دربارهٔ کمیته [بررسی مسایل]عراق و مسایل منطقه صحبت شد. [آقای حُسنی اولدیدیچ]، وزیر امورخارجه موریتانی به ملاقات آمد؛ حرف مهمی نداشت. تشریفاتی بود. درگذشته موضع خوبی نسبت به ما نداشته‌اند.[عبدالله نوری]، وزیرکشور، برای امور جاری آمد.

تلفنی با رهبری صحبت کردم. قرارشد بپذیریم که هواپیماهای غیرنظامی عراقی به ایران بیایند. یاسر همراه با حسن معادیخواه آمدند؛ از وضع پدرش پرسیدم که دیروز بازداشت شده است. آقای [مسیح]مهاجری، [مشاور اجتماعی رییس‌جمهور]آمد. دربارهٔ مسایل اجتماعی و سیاسی داخلی و منطقه مذاکره شد. ظهر اخوی محمد، [رییس سازمان صدا و سیما]آمد. دربارهٔ سمینار شخصیت زن توضیحاتی داد و خواست شرکت کنم.

عصر دکتر [حسن]حبیبی آمد. گزارش مذاکره با سرگرد [عبدالسلام]جلّود، [نخست‌وزیر لیبی] را داد و دربارهٔ پیشنهادهای آنها برای همکاری‌های دو جانبه و منطقه و عراق، مشورت کرد. تا ساعت هفت، کارهای دفترم را انجام دادم و گزارش‌ها را خواندم.

روز آخر مهلت عراق برای خروج از کویت است؛ التهاب بالاست و نفت گران‌تر شده است.

شب مجمع تشخیص مصلحت نظام جلسه داشت. مسأله «حق کسب و کار و پیشه» و لایحه ایثارگران در دستور بود. شب در دفترم ماندم. ساعت یازده ونیم خوابیدم.

چهارشنبه ۲۶ دی ۱۳۶۹ | ۲۹ جمادی‌الثانی ۱۴۱۱ ۱۶ ژانویه ۱۹۹۱

نزدیک ساعت شش صبح بیدار شدم. به خاطر نزدیک شدن به زمان سرآمدن مهلت عراق، به گزارش‌ها و اخبار بخش فارسی رادیو [بی بی سی]انگلیس و صدای آمریکا گوش دادم. با اینکه التهاب بالاست، پس از رسیدن موعد، اعلان جنگ نشد و اظهاراتی هم که احتمال سازش بدهد، مطرح گردید.

ساعت نُه صبح، [آقای جلیل بشارتی]، رییس دفتر مناطق محروم آمد. گزارش کار داد و حواله‌هایی گرفت. جمعی از مسئولین حزب الله لبنان آمدند. دربارهٔ اوضاع خلیج فارس و شرایط منطقه انتقاد کردند و گزارش وضع لبنان را دادند. دربارهٔ مذاکره با اسرائیلی‌ها، برای مبادله چند جنازه اسیرانشان پرسیدند.

با هیأت لیبی، به سرپرستی آقای [عبدالسلام]جلّود، [نخست‌وزیر لیبی]، ملاقات داشتم[1]. مطابق معمول از مبارزه با امپریالیسم و همکاری دول و ملل اسلامی صحبت شد. خواست

---

۱ - در این ملاقات، آقای هاشمی گفت: «جمهوری اسلامی ایران، به منظور حفاظت از منافع اسلام و مسلمین در برابر فشارهای امپریالیسم، به عنوان یک تکلیف اسلامی و انسانی، خود را آماده کرده است. ما به طور جدی نگران این هستیم که در صورت وقوع جنگ در خلیج فارس، دنیای اسلام و جهان سوم، تحت فشار بیشتری از سوی امپریالیسم قرار گیرد. در حال حاضر کانون توجه امپریالیسم، به خاطر شرایط و امکانات، منطقه خلیج فارس است و ما با کمال هوشیاری، اوضاع را تحت نظر داریم. من امیدوارم اسلام ناب و انقلابی، بتواند منطقه را از شر سلطه استکبار جهانی محافظت کرده و آنها را در دستیابی به اهداف‌شان ناکام سازد.» آقای عبدالسلام جلّود عضو شورای انقلاب مردمی لیبی نیز در این دیدار، انقلاب اسلامی ایران را احیاگر اسلام انقلابی و بیدارگر مسلمانان جهان توصیف کرد و ازاینکه انقلاب اسلامی ایران، همچنان هدایت یک میلیارد مسلمان جهان را برعهده دارد و زنده و با نشاط، راه خود را ادامه می دهد، اظهار خوشحالی کرد. آقای جلّود با تجلیل از مبارزات آقای هاشمی در جریان چندین سال مبارزه، گفت: «برادران انقلابی مسلمان ما در جمهوری اسلامی ایران، برای همهٔ ما ا لگو هستند.»

که به عراق، در مبارزه با چندملیتی‌ها کمک کنیم. بعد از مذاکرات رسمی، وقت خصوصی خواست؛ مدتی هم خصوصی صحبت شد.

او از مذاکراتش با صدام گفت. معتقد است صدام کوتاه نمی‌آید و جنگ درمی‌گیرد و اسرائیل هم وارد کارزار می‌شود و حکومت‌های سوریه و مصر، به خاطر همکاری با آمریکا، با کودتا سقوط می‌کنند. گفت صدام از او خواسته، برای اصلاح روابط عراق و ایران اقدام کند و گفته است که حمله به ایران، از اشتباهات مهم زندگی‌اش است. گفتم اگر صادق است، بقیه اُسرای ما را آزاد کند و منافقین را تحویل بدهد.

عصر محسن، [رییس دفتر بازرسی رییس‌جمهور] آمد. گزارش‌هایی دربارهٔ دانشگاه تربیت مدرس و همچنین مشکل سوخت کارخانه‌ها داشت. در جلسه هیأت دولت شرکت کردم. در اخبار شب، با اینکه التهاب خطر جنگ بالا است، اما بروز جنگ را به صورت قطعی نمی‌گویند. آثار و شرایط درگیری از جمله بالا رفتن بیمه‌ها، قطع پروازها به منطقه و رفتن خارجی‌ها از منطقه، دارد بروز می‌کند. شب به خانه آمدم. از مصاحبه تورگوت اوزال، [رییس‌جمهور ترکیه]، احتمال حمله آمریکا به عراق، در آینده نزدیک برمی‌آید.

پنج‌شنبه ۲۷ دی ۱۳٦۹ | ۳۰ جمادی‌الثانی ۱٤۱۱ ۱۷ ژانویه ۱۹۹۱

ساعت سه و نیم بامداد، با زنگ تلفن بیدارم کردند. آقای [سیدکمال]خرازی، [نماینده دایم ایران در سازمان ملل]، از نیویورک، خبر شروع حمله نیروهای متحدین به عراق، در ساعت دو و نیم بامداد به وقت بغداد را داد؛ دیگر نخوابیدم. عفت هم بیدار شد. مرتب از دفتر و دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی، اطلاعات از اوضاع جنگ می‌رسید[1].

۱- صدام‌حسین، رییس‌جمهور عراق، در تاریخ ۱۱ مرداد ۱۳۶۹ به کویت حمله کرد و خاک آن را به عراق ضمیمه نمود. اشغال کویت به معنای آن بود که صدام با احتساب ذخایر نفتی عراق، دارای ۲۰ درصد ذخایر نفت جهان شده بود. پس از آنکه صدام‌حسین، ضرب‌الاجل شورای امنیت سازمان ملل، برای خروج از کویت اشغال‌شده را نپذیرفت، آمریکا و متحدانش، در تاریخ ۲۶ دی ۱۳۶۹ حملهٔ هوایی گسترده‌ای را علیه عراق آغاز کردند. عراق هم، اسرائیل را با موشک مورد حمله قرار داد، اما اسرائیل از آنجا که نمی‌خواست کشورهای عرب از ائتلاف ضدعراق خارج شوند، درصدد انتقام‌جویی برنیامد. یک نیروی زمینی که اغلب افراد آن از قوای مسلح آمریکایی و انگلیسی و تیپ‌های ←

اخبار بخش فارسی رادیو [بی بی سی] انگلیس و صدای آمریکا را هم گرفتم. خبر از موفقیت کامل و بیش از حد انتظار می‌دادند. ساعت هفت و نیم صبح، به دفترم رسیدم. برای پیگیری مسایل جنگ و کنترل اوضاع داخلی، بعضی از ملاقات‌ها را لغو کردم. در مجلس جلسه‌ای برای بررسی اوضاع بود؛ فشار زیادی برای شرکت من داشتند که قبول نکردم؛ هم به خاطر کار زیاد و هم برای ابراز ناخشنودی از اقدام اخیر مجلس.

جمعی از اعضای سازمان فدائیان اسلام آمدند. برایشان صحبت کردم[1]. [آقای مبارک

پیاده‌نظام بودند، ارتش صدام را در بهمن ماه ۱۳۶۹ از کویت بیرون راندند و بخش جنوبی عراق را تا رود فرات اشغال کردند. جرج بوش، رییس‌جمهور آمریکا در روزهای نخست با احتیاط رفتار کرد. پیش از شروع جنگ، سیاست‌گذاران خارجی، کارشناسان خاورمیانه و منتقدان نظامی واشنگتن و کارخانه‌هایی که سرمایه‌گذاری‌های سنگینی در منطقه کرده بودند، نگرانی‌های زیادی در مورد ثبات منطقه داشتند. این حمله باعث ترس از این شد که بهای نفت جهانی و در نتیجه اقتصاد جهانی در خطر قرار گیرد؛ کویت تقریباً ۱۰ درصد کل ذخایر نفت خام را در اختیار داشت. همکاری بین آمریکا و شوروی، باعث شد تا موضوع اشغال کویت به شورای امنیت فرستاده شود. این شورا تصمیم گرفت که اگر صدام نیروهای خود را از کویت خارج نکند، اجازهٔ استفاده از زور علیه این کشور را خواهد داد. آمریکایی‌ها از این می‌ترسیدند که عراق قصد حمله تلافی‌جویانه به عربستان سعودی را داشته باشد. پس از آن بود که متحدین، نیروهای خود را به مرز عربستان و کویت و عراق فرستادند تا ارتش عراق را که در آن زمان بزرگترین ارتش خاورمیانه بود، دور بزنند. هنگامی که گفت‌وگوها و تهدیدهای پس از جنگ هنوز در جریان بود، صدام اعلام کرد که اگر اسرائیل از نوار غربی رود اردن، بلندی‌های جولان و نوار غزه عقب‌نشینی کند، او نیز از کویت باز پس می‌نشیند. این پیشنهادِ صدام، باعث بروز شکاف بین کشورهای عرب شد و آمریکا و کشورهای عرب غربی را در مقابل فلسطینی‌ها قرار داد. ائتلاف ضداشغال در پایان، هرگونه ارتباطی بین موضوع فلسطین و کویت را رد کرد. ارتش پرتعداد و کم‌سلاح عراق، در نهایت نشان داد که دیگر نمی‌تواند در برابر نیروهای زمینی سریع‌الانتقال ائتلاف و پشتیبانی هوایی قدرتمندآنها دوام بیاورد. در این جنگ، حدود ۱۷۵هزار عراقی اسیر شد و بنابر آمارهای اعلام‌شده از سوی آمریکا، شمار تلفات عراقی‌ها به ۲۰هزار نفر رسید. منابع دیگر، شمار کشته‌ها را تا ۱۰۰هزار نفر هم برآوردکردند. در پایان، عراق براساس توافقنامهٔ آتش‌بس، قبول کرد که همهٔ جنگ‌افزارهای شیمیایی و بیولوژیک خود را از بین ببرد و به بازرسان سازمان ملل اجازهٔ بازرسی از پایگاه‌های خود را بدهد. تحریم سازمان ملل تا زمانی که عراق تمامی شروط را اجرا نکرده بود، باقی ماند.

۱ - آقای هاشمی ضمن اظهار تأسف شدید از حمله نیروهای چند ملیتی به سرکردگی آمریکا به عراق، این تهاجم را یک فاجعه تاریخی قلمداد کرد و گفت : «متأسفانه در شرایط تلخی این لحظات را سپری می‌کنیم و از ساعات اولیه بامداد تاکنون، شاهد حرکت امواج وسیع هواپیماهای آمریکایی و چند ملیتی از پایگاه استکبار و سرکردگی سردمدار امپریالیسم هستیم که یک کشور مسلمان را منهدم کرده و منابع اسلامی و مردم مسلمان را بمباران می‌کنند.

علی‌الخاطر]، وزیر امورخارجه قطر آمد و نامه امیر قطر را آورد؛ بر توسعه روابط و همکاری با شورای همکاری خلیج فارس تأکید داشت. در هر دو ملاقات، با استفاده از فرصت، موضع‌مان را دربارهٔ جنگِ جاری گفتم[۱].

تا ساعت دو بعد از ظهر، کارها را انجام دادم. تصاویر تلویزیون سی ان ان آمریکا از جنگ در عراق را مشاهده کردم. صداوسیما هم به فاصله نیم ساعت، آخرین اخبار را پخش می کند؛ خوب است. مجموعاً فعالیت چشمگیری از نیروهای عراقی نقل نمی‌شود؛ به نظر می‌رسد، تعادل را از دست داده‌اند.

عصر شورای‌عالی امنیت ملی جلسه داشت. اوضاع بررسی شد. در مورد سیاست خبری، آوارگان عراقی، قاچاق اجناس به عراق و همه مسایل مربوطه بحث و تصمیم‌گیری شد.

جنگنده‌های مهاجم در سرزمین وحی و کنار مکه و این خانه مقدس خدا پرواز می‌کنند و انسان‌های مظلوم و بی‌گناه را مورد حملات خود قرار می‌دهند و متأسفانه به‌علت سوءتدبیر و مدیریت بعث عراق وضع بین‌المللی، به‌گونه‌ای شده که عکس‌العمل منطقی و عادلانه‌ای نمی‌بینیم. یک بار دیگر نیروهای آمریکایی، توسط کویت و عراق به منطقه آمدند، ولی فتنه آنها با تدبیر حضرت امام راحل و مسئولان کشور تمام شد. این بار شاهد حضور نکبت‌بار آنان و شاهد انهدام امکانات و ضربه خوردن و کشته شدن جمعیت مسلمانان با توجه و جواز بین‌المللی هستیم و اکنون می‌بایستی عواقب وحشتناک مسیر آینده تهاجم این نیروهای مغرور را اصلاح و جلوگیری کرد.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های ۱۳۶۹» ، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲.

۱ - وزیر امورخارجه قطر، علاقه دولت متبوع خود را به منظور گسترش هر چه بیشتر روابط ابراز داشت و گفت: «آرزومندیم که روابط ایران با کشورهای منطقه ، در همه زمینه ها گسترش یابد و امنیت این منطقه حساس با همکاری یکدیگر به طور کامل برقرار شود.» او ضمن توصیف ابعاد خطرناک حمله نیروهای چند ملیتی به عراق، اظهار امیدواری کرد هر چه زودتر این بحران خاتمه یابد. سپس آقای هاشمی با تشکر از پیام امیر قطر و استقبال از همکاری هر چه بیشتر با کشورهای منطقه خلیج فارس، نگرانی عمیق خود را از وقوع فاجعه جنگ ابراز داشت و افزود: «ما این حُسن روابط را نیاز حتمی کل منطقه می دانیم. اگر روابط سالم و طبیعی بود، ما امروز شاهد این فاجعه‌ای که در جریان است، نبودیم و قبل از این آن جنگ طولانی بر ما تحمیل نمی شد. این تجربه‌های تلخ، باید نشان دهد که کشورها به گونه‌ای با هم صمیمی باشند که نیازی به این درگیری‌ها و عداوت ها نباشد. امروز از روزهای بسیار تلخ در تاریخ زندگی همه مسلمان‌های منطقه و دنیا است و شاهد هستیم مسلمانان و منابع آنان، به‌دست مستکبران و در رأس آن آمریکای متجاوز و توسعه طلب منهدم می شود و از بین می رود و می بینیم که این از یک سوءتدبیر و محاسبهٔ غلط سرچشمه گرفته که این فرصت بی سابقه و خطرناک را در اختیار نیروهای استکباری که حریصانه، همیشه منتظر چنین فرصتی بوده اند، قرار داده است. ما باید با همفکری و همکاری، آثار شوم حضور نیروهای بیگانه در منطقه و این کینه و عداوتی را که بین کشورهای منطقه اسلامی بوجود آمده است، هر چه زودتر پاک کنیم.»



جلسه شورای عالی امنیت ملی



مصاحبه با واحد مرکزی خبر و ایرنا



اعضای شورای عالی امنیت ملی در محضر رهبر معظم انقلاب اسلامی



مصاحبه‌ای انجام دادم[1]. به خانه آمدم.
از صدای آمریکا، اخبار را علاوه بر اخبار خودمان و گزارش‌ها، پیگیری می‌کردم. آقای [سیدکمال]خرازی گفت با دبیرکل[سازمان ملل] ملاقات دارد؛ پیامی برای اقدام صلح دادم و اظهار نظر کوتاهی هم به رادیو ارسال کردم.

جمعه ۲۸ دی ۱۳۶۹ | ۱ رجب ۱۴۱۱ ۱۸ ژانویه ۱۹۹۱

پیش از طلوع فجر، با زنگ تلفن بیدارم کردند. خبر دادند که عراق با موشک به اسرائیل حمله کرده است. بلافاصله آقای [سیدکمال]خرازی از نیویورک زنگ زد و گفت از ترکیه هم به عراق حمله شده و در ملاقات با آقای خاویر پرز دکوئیار، [دبیرکل سازمان‌ملل] هم، او گفته طرحی که به جنگ خاتمه بدهد، در دست ندارد.

دکتر ولایتی، [وزیر امورخارجه]، اطلاع داد که سفیر ژاپن گفته است، آمریکایی‌ها می‌گویند خبری رسیده که تعدادی از هواپیماهای نظامی و غیر نظامی عراق، در ایران نگهداری می‌شوند و یک افسر نیروی دریایی آمریکا هم در مصاحبه‌ای، به این موضوع

---

۱ - آقای هاشمی در مصاحبه با خبرگزاری جمهوری اسلامی اعلام کرد: «در صورتی که گسترش جنگ در خلیج فارس، منافع ملی جمهوری اسلامی ایران را به خطر بیندازد، ایران دخالت خواهد کرد. تا این لحظه دلیلی برای به خطر افتادن منافع ملی ایران ظهور نکرده است، هر چند منافع منطقه و مردم مسلمان آن برای ما مهم است. ایران تلاش وسیعی را برای متوقف کردن جنگ خلیج فارس که می تواند خطرناک باشد، به‌عمل خواهد آورد. این تلاش‌ها، در تماس با دولت‌ها و مراکزی که می توانند مؤثر باشند و نیز ارسال پیام برای مسئولین عراقی بوده است.» ایشان در پاسخ به سئوالی در مورد احتمال وقوع کودتا در عراق اظهار داشت: «این مساله نمی‌تواند منتفی باشد. آنهایی که این وضعیت را درست کرده اند، حتماً در برنامه‌هایشان چنین موردی را گنجانده اند، ولی اینکه موفق شوند، حرف دیگری است. ما تا این لحظه، نشانه‌ای نداریم که آنها این امکان را داشته باشند ولی به هر حال یکی از راه‌های کوتاه کردن جنگ است.» آقای هاشمی در زمینه احتمال تغییر جغرافیای سیاسی منطقه بر اثر جنگ خلیج فارس، اظهار داشت: «احتمال این مساله وجود دارد، ولی ما تلاش می کنیم که این اتفاق نیفتد، چون به نفع هیچ‌کس نیست.» ایشان در پاسخ به این سئوال که آیا درگیری نیروهای غربی منجر به خروج عراق از کویت خواهد شد، گفت: «به نظر من، عراق نمی تواند در کویت بماند و دیر یا زود کویت را خواهند گرفت.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های ۱۳۶۹» ، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲.

اشاره کرده است؛ گفتم تکذیب کنند.

[آقای محمد سعیدی‌کیا]، وزیر راه و ترابری، اطلاع داد که تعدادی هواپیمای مسافربری عراق، امروز آمده‌اند. خبرها، از توسعه جنگ می‌گویند. کار زیادی از دفترم آورده بودم که تا آخر شب انجام شد.

شنبه ۲۹ دی ۱۳۶۹ | ۲ رجب ۱۴۱۱ ۱۹ ژانویه ۱۹۹۱

ساعت هشت و نیم، به دفترم رسیدم. در اخبار و گزارش‌ها، تلاش آمریکا برای جاانداختن اینکه جنگ به سرعت تمام نمی‌شود و جلوگیری از دخالت اسرائیل در جنگ که ممکن است در جواب موشک‌پرانی عراق وارد شود، متمرکز شده است. روز اول، اخبار به گونه‌ای پخش شد که به نظر می‌رسید، عراق تعادلش را از دست داده و در حال رفتن است.

آقای [جواد]منصوری، سفیر ایران در پاکستان آمد و در مورد توسعه همکاری‌ها، ایجاد خط لوله گاز بین دو کشور، سرمایه‌گذاری در پالایشگاه در پاکستان و حضور جهادسازندگی برای امور عمرانی گفت.

آقای [محمد]اسحاق مدنی، مشاورم در امور اهل سنت آمد. از ضعف ارتباط با علمای اهل‌سنت پاکستان و همچنین از لزوم کمک به مسلمانان بنگلادش در انتخابات آینده گفت و برای حل مشکل مسجد اهل سنت در مشهد، استمداد کرد. آقایان [محسن]نوربخش و [سیدمحمد حسین]عادلی آمدند. گزارش سفر به یوگسلاوی و زمینه‌های همکاری را دادند. دربارهٔ سیاست‌های ارزی و اقتصادی مذاکره شد. بر تسریع احداث خط لوله گاز به سوی غرب تأکید داشتند و توصیه زیادی برلزوم حفظ بی‌طرفی در جنگ جاری کردند.

عصر شورای‌عالی امنیت ملی را در حضور آقای خامنه‌ای تشکیل دادیم. بررسی وضع‌جاری سیاست تبلیغاتی و خبررسانی، نحوه موضع‌گیری در خصوص فرض دخالت اسرائیل در جنگ، ادامه سیاست بی‌طرفی و پرهیز جدی از کشیده شدن به جنگ در هر حال و جواب نامه امروز گورباچف به من که خواسته از توسعه جنگ جلوگیری کنیم،

مورد بحث قرار گرفت و تصمیم‌گیری شد[1].

به دفترم رفتم و کارها را انجام دادم. امروز عراق، باز به اسرائیل حمله موشکی کرده است؛ تاکنون اسرائیل از نشان دادن عکس‌العمل خودداری نموده است. به خانه آمدم. باران خفیفی از دیشب تاکنون می‌بارد.

یکشنبه ۳۰ دی ۱۳۶۹ | ۳ رجب ۱۴۱۱ ۲۰ ژانویه ۱۹۹۱

ساعت هشت و نیم صبح به دفترم رسیدم. در گزارش‌ها، مسأله مهمی غیر از تصاعد عملیات در جنگ نبود. رؤسای دانشگاه‌های علوم پزشکی و معاونان و مدیران وزارت بهداشت همراه با دکتر [رضا]ملک‌زاده، سرپرست جدید، آمدند. از رفتن دکتر [ایرج]فاضل، اظهار اندوه و از نصب ملک‌زاده و حمایت‌های من، اظهار امتنان کردند. برایشان در جهت تأیید و تقویت روحیه صحبت کردم[2]. دکتر ملک‌زاده، در ملاقات خصوصی، پیشنهاد کرد که دکتر فاضل، عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی و مشاور من شود؛ وعده دادم. همچنین به نحوی رساند که حاضر است، به عنوان وزیر معرفی بشود؛ رد نکردم.

---

۱ - آقای گورباچف، در این نامه که توسط «گودوف»، سفیر شوروی در تهران تسلیم وزارت امورخارجه شد، رهبرشوروی از وقوع جنگ در خلیج فارس ابراز تأسف و از امکان گسترش آن در منطقه ابراز نگرانی کرده بود.

۲ - آقای هاشمی در جمع سرپرست و معاونان وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و رؤسا و سرپرستان دانشگاه‌های علوم پزشکی و مدیران عامل سازمان‌های منطقه‌ای بهداشت و درمان سراسر کشور، از تلاش‌های دکترفاضل وزیر سابق این وزارتخانه، در ارائه خدمات پزشکی، بهداشتی، آموزشی و تحقیقاتی تجلیل کرد و گفت: «دکتر فاضل از دوستان خوب ما هستند و از آغاز کار تاکنون، در هر جا و تحت هر شرایطی، وظیفه خود را به‌ویژه درمسئولیت وزارت به‌خوبی انجام داده و گره‌گشای بسیاری از مشکلات بوده‌اند.» ایشان ضمن ابراز تأسف از عدم حضور دکتر فاضل در دولت یادآور شد: «اگر چه ایشان عنوان وزارت را ندارند، ولی از افکار و اندیشه‌هایشان استفاده خواهد شد. این جمع هماهنگ، باید مثل گذشته کار خود را ادامه دهد و نیازی به تغییرات اساسی در این جمع خدمتگزار نیست و شما با دلگرمی تمام کار خود را ادامه دهید. برای مردم ما ضرر دارد که کارها نیمه‌تمام بماند و تجربه‌ها فراموش شود و مسایل از نو تکرار شود.» آقای هاشمی با اشاره به لزوم برنامه‌ریزی و پژوهش در این بخش افزود: «ما در تحقیقات پزشکی باید به جایی برسیم که خود صاحب‌نظر باشیم و باید با مراکز عمده تحقیقاتی دنیا نیز ارتباطات خود را توسعه بخشیم.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های ۱۳۶۹»، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲.

[آقای غلامحسین کرباسچی]، شهردار تهران آمد. گزارش کار داد و برای خرید اتوبوس و جبران کسری بودجه شرکت واحد اتوبوسرانی استمداد کرد. [آقای سودا رسونو]، سفیر جدید اندونزی برای تقدیم استوارنامه آمد. دربارهٔ جنگ جاری و لزوم اقدام برای ختم آن، مطالبی گفتم[۱].

[آقای محمد سعیدی کیا]، وزیر راه و ترابری آمد. گزارش مذاکره با فرمانده سپاه درخصوص واگذاری طرح احداث راه آهن چادرملوی میبد به کره شمالی، در مقابل دادن نفت را داد و دربارهٔ طرح آزادراه‌ها، فرودگاه امام خمینی، خط راه‌آهن بافق - بندرعباس و کارهای دیگر مطالبی گفت.

ظهر محسن، [رییس دفتر بازرسی رییس‌جمهور] آمد و گزارشی در مورد پروژه متروی تهران داد و اجازه گرفت مسأله بالا آمدن آب دریای خزر را پیگیری کند. برای کارهای جاری شخصی‌مان پول گرفت. عصر به جلسه هیأت دولت نرفتم و کارهایم را در دفتر انجام دادم. وزارت امورخارجه گفت، تورگوت اوزال، [رییس‌جمهور ترکیه]، خواسته تلفنی صحبت کند. ترجیح دادم که پیک برود.

شب مهمان آیت‌الله خامنه‌ای بودم. دربارهٔ حرف‌های نامربوط بعضی از تندروها درخصوص لزوم کمک به صدام، مسایل جنگ، دادگاه ویژه روحانیت، نماینده ایشان در گزینش، تشکیلات کارگری، کسالت آقای منتظری، اعزام پیک به ترکیه، گزینش و مسایل حوزه علمیه و نصب دکتر فاضل در شورای انقلاب فرهنگی و نصب او به عنوان مشاور، صحبت و تصمیم‌گیری کردیم. به خانه آمدم. باران خفیفی آغاز شده است.

---

۱ - آقای هاشمی با اشاره به جنگ جاری در منطقه خلیج فارس، ضرورت گسترش همکاری‌های صمیمانه و روابط نزدیک‌تر میان کشورهای اسلامی برای پایان دادن به این بحران، آن را مورد تأکید قرار داد و گفت: «متأسفانه حوادث جاری در خلیج فارس به حضور بد و زشت نیروهای استکباری و این جنگ نابرابر مخرب و ظالمانه منجر شده است و امروز بر همه کشورهای اسلامی، تکلیف است که به سرعت با همکاری یکدیگر، در جهت پایان بخشیدن به بحران جاری از منطقه خلیج فارس و اصلاح امور تلاش کنند.»

بهمن ۱۳۶۹



دوشنبه ۱ بهمن ۱۳۶۹ | ٤ رجب ١٤١١ ۲۱ ژانویه ۱۹۹۱

در گزارش‌ها، تشدید جنگ و پرتاب موشک‌های عراق به ریاض و ظَهران، [واقع در عربستان سعودی]آمده است. خانم دکتر[شفیقه]حبیبی[1] آمد. گزارش سفر به آلمان، جهت تهیهٔ تجهیزات پزشکی هلال‌احمر را داد و برای تأسیس کارخانه ساخت سرنگ استمداد کرد.

آقای [مجید]قاسمی، [رییس پیشین بانک‌مرکزی]آمد. نظراتی دربارهٔ سیاست‌های ارزی داد و از فشار بانک مرکزی برای تخلیه منزلی که در اختیار دارد، شکایت کرد. اعضای ستادهای برگزاری مراسم دهه فجر آمدند. برایشان صحبت کردم[2].

آقایان [هادی]نژادحسینیان، [وزیر صنایع سنگین]، [محسن]نوربخش، [وزیر امور اقتصادی و دارایی] و [سید محمدحسین]عادلی، [رییس بانک مرکزی] برای بررسی اختلاف‌نظرشان دربارهٔ ارز و ریال صنایع سنگین آمدند. با آقای [علیرضا]معیری، [مشاور بین‌الملل رییس‌جمهور] که از سوی من عازم ترکیه بود، دربارهٔ مطالبی که باید به [آقای

---

۱ - خانم دکتر شفیقه رهیده، همسر دکتر حسن حبیبی، سرپرست مرکز فوریت های دارویی و تجهیزات پزشکی جمعیت هلال احمر بود.

۲- ایشان، نقش ستادهای دهه فجر سراسر کشور را در برنامه‌ریزی و راهنمایی مردم، در برگزاری هرچه باشکوه‌تر این ایام فرخنده مورد تأکید قرار داد و گفت: «تجربه نشان می‌دهد که عملکرد و نقش ستادهای دهه فجر، تأثیر مثبتی در برگزاری هرچه بهتر جشن‌های پیروزی انقلاب داشته است که امیدواریم هر سال شاهد شکوه و عظمت بیشتر آن باشیم. انسان‌ها هر لحظه تحت بمباران ابهامات، از سوی دشمنان و شیاطین هستند، لذا باید با دقت و هوشیاری، جلوی این شیطنت‌ها را گرفت و ایام دهه فجر از بهترین و مناسب‌ترین زمان‌ها، برای آگاه کردن مردم و مسلمانان است. خوشبختانه هرچه پیش می‌رویم و هرچه ابهامات برطرف می‌شود، دلایل اطمینان از راه درست، برای ما روشن‌تر می‌شود. بحران فعلی در خلیج‌فارس نشانهٔ خوبی برآسمانی بودن انقلاب اسلامی و انحراف و باطل بودن دشمنان ما است. آمریکا و اقمارش، برای از بین بردن منابع و امکانات جهان اسلام، از مسأله اشغال کویت، فرصتی به‌دست آوردند و به یکی از خواسته‌های خود که جلوگیری از به قدرت رسیدن جهان اسلام در مقابل اسرائیل است، دست یافتند. ما به شدت از این حوادث تلخ متأثریم و موضع ما در این خصوص، از لحظه اول اعلام شده و ما همان‌گونه که بارها گفته‌ایم، با اشغال کویت توسط عراق و حضور بیگانگان در پی آن مخالفیم. یکی از دستاوردهای انقلاب اسلامی، مواضع اصولی ما است و در قضیه بحران خلیج‌فارس هم، موضع‌گیری ما روشن است و مبتنی بر احکام الهی است.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های ۱۳۶۹» ، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲.

تورگوت اوزال]، رییس‌جمهور ترکیه، در مورد ختم جنگ و آینده عراق بگوید، تلفنی صحبت کردم.

عصر شورای اقتصاد جلسه داشت. قرار شد قیمت ارز رقابتی را از [هر دلار] ۸۰ تومان، به ۶۰ تومان و ارز ترجیحی را از ۴۲ تومان به ۶۰ تومان تعدیل کنیم. قبل از شروع اخبار ساعت ده ونیم سیما، به خانه آمدم.

سه‌شنبه ۲ بهمن ۱۳۶۹ | ۵ رجب ۱٤۱۱ ۲۲ ژانویه ۱۹۹۱

آقای [اکبر]ترکان، [وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح] و معاونان آمدند؛ توضیح وضع کار را دادند و برای رفع کمبود پول صندوق بازنشستگی ارتش استمداد کردند. آقای [بیژن نامدار]زنگنه، [وزیر نیرو] و معاونان آمدند. وضع آبرسانی کشور و نیازها و کمبودها و تنگناها را گفتند و برای تامین آب تهران و شهرستان‌ها، بودجه اضافی خواستند.

آقای [علیرضا]معیری، [مشاور بین‌الملل رییس‌جمهور]آمد. گزارش سفر ترکیه را داد. آقای اوزال، [رییس‌جمهور ترکیه] گفته که نمی‌خواهند وارد عراق شوند، ولی حکومت عراق باید ساقط شود. ظهر عفت، ناهار را با من بود.

عصر، [آقای نوازشریف]، نخست وزیر پاکستان و همراهان آمدند[1]. اول جلسه خصوصی و سپس مذاکره رسمی علنی داشتیم؛ آدم متواضعی است و جداً خواستار همکاری با ما می باشد. طرحی برای حل جنگ دارد و خبر تازه‌ای ندارد. می‌خواست که طرح را ما هم امضا کنیم که به ترکیه، سوریه و مصر هم ببرد. گفتم ظاهراً پذیرفته نیست،

---

۱ - در این دیدار،آقای هاشمی ضمن خوشامدگویی اظهار داشت: «بدون شک این‌گونه دیدارها، تأثیر فراوانی در گسترش همکاری‌ها و روابط بین دو کشور مسلمان و همسایه ایران و پاکستان دارد و مردم مسلمان دو کشور نیز علاقمند به توسعه هر چه بیشتر مناسبات و همکاری‌های دو کشور هستند. در شرایط کنونی، مسلمانان انتظار همکاری بیشتری بین کشورهای اسلامی دارند. اقدام سریع شما در برخورد با تروریست‌هایی که می خواستند روابط دو کشور را به هم بزنند، خیلی مفید واقع شد و تأثیر مطلوبی در مردم ما داشت. البته حتماً کسانی وجود دارند که مایل نیستند، همکاری‌ها و ارتباطات میان دو کشور برادر گسترش پیدا کند، ولی منافع دو ملت ایجاب می کند که ما همچنان در جهت همکاری هر چه بیشتر تلاش نماییم. ما علاقمند به گسترش و تقویت همکاری‌های سه جانبه میان سه کشور ایران، پاکستان و ترکیه و فعال‌تر شدن اکو هستیم.»



ملاقات با نخست وزیر جدید پاکستان

بهتر است اول در این سفر، نظرها را بفهمید و سپس طرح را بگویید. برای مسایل خودمان، همکاری در نفت و گاز و راه و چند موضوع دیگر مطرح بود.

سرشب، شورای‌عالی انقلاب فرهنگی جلسه داشت[1]. به افتخار مهمانان پاکستانی، شام دادیم؛ سرشام صحبت تشریفاتی کردیم و مذاکرات خصوصی نمودیم. او از اسرار مهم تسلیحاتی پاکستان گفت و اظهار آمادگی همکاری با ما نمود. شب به خانه نرفتم و تا

---

۱ - شورای عالی انقلاب فرهنگی در دویست و هفتاد و یکمین جلسه خود، نفی ریاکاری، نفاق و تملق را به عنوان یکی از «اصول سیاست فرهنگی کشور» تصویب کرد و نسبت به خطر گسترش آن به صورت اخلاق اجتماعی هشدار داد. در این جلسه که به ریاست آقای هاشمی تشکیل شد، موارد دیگری از «اصول سیاست فرهنگی کشور» بررسی و به این شرح تصویب شد: «مدون نبودن فلسفه سیاسی و نظریه مدیریت در جامعه با وجود مبادی و مواد اولیه لازم از منابع فقه اسلامی؛ نفی برداشت نادرست از بعضی مفاهیم دینی؛ نفی تحت الشعاع قرار گرفتن حق درمقابل شخصیت؛ نفی رواج بعضی خرافات در پوشش سُنن قومی یا عقاید دینی؛ نفی پرده دری، حرمت شکنی، قانون شکنی وجوسازی به عنوان یک وظیفه دینی با حرکت انقلابی؛ نفی سوءظن به مردم و میل به تجسس در زندگی شخصی آنان و تفسیر نادرست اعمال آنها و متهم کردن آنان؛ نفی بی اعتنایی به امور و ارزش‌های ملی در جامعه و نیز بی‌حرمتی به فرهنگ و سنن اقوام و ملل دیگر.»

دیروقت در دفترم کار کردم.

چهارشنبه ۳ بهمن ۱۳۶۹ | ٦ رجب ١٤١١ ۲۳ ژانویه ۱۹۹۱

دیشب عراق باز توانست به تل‌آویو و ریاض، موشک بزند و پدافندهای آمریکایی‌ها هم کاری از پیش نبرده‌اند؛ به نظر می‌رسد جنگ طولانی‌تر از آن چیزی است که آمریکایی‌ها خیال می‌کردند. به همین دلیل قیمت نفت رو به فزونی گذشته است. در چند روز گذشته، با تبلیغات، قیمت نفت را سقوط دادند و به زیر ۲۰ دلار آوردند، ولی فروشنده‌ای نبود. صحبت از شروع جنگ زمینی و همچنین انهدام منابع نفتی کویت هم هست.

آقای [حمید]میرزاده، [معاون اجرایی رییس‌جمهور]آمد؛ کار مهمی نداشت. [آقای غلامرضاآقازاده]، وزیر نفت آمد. گزارش وضع بازار نفت را داد؛ رو به بهبود است. در مورد تعمیرات لوله‌های گاز که منجر به خاموشی بیشتر شده و همچنین مذاکره با رادیکال‌ها هم، مطالبی گفت.

شورای‌عالی اداری جلسه داشت. انحلال مراکز تهیه و توزیع [کالای وزارت بازرگانی] مطرح بود که به نتیجه نرسید و ادامه بحث به جلسه بعد موکول شد. عصر در جلسه هیأت دولت شرکت کردم؛ کارهای جزیی زیادی انجام شد. شب به خانه آمدم.

پنج‌شنبه ٤ بهمن ۱۳۶۹ | ۷ رجب ١٤١١ ۲٤ ژانویه ۱۹۹۱

آقایان دکتر [حسن]حبیبی، [معاون اول رییس‌جمهور] و دکتر [علی‌اکبر]ولایتی، [وزیر امورخارجه]آمدند و نتیجه مذاکرات با هیأت سوری را توضیح دادند. سپس با هیأت سوری، [به سرپرستی آقای عبدالحلیم خدّام، معاون رییس‌جمهور سوریه] ملاقات کردیم. آنها از انهدام عراق خوشحال‌اند و شکست صدام را قطعی می‌دانند. می‌گویند، حتی در صورت درگیری عراق با اسرائیل، به نفع عراق وارد جنگ نمی‌شوند و حرکت عراق در پرتاب موشک به اسرائیل را ماجراجویی برای کشاندن دیگران به دنبال خود می‌خوانند.

گروه فرهنگ و معارف قرآن از قم آمدند و توضیحاتی دربارهٔ پیشرفت کار پروژه

«کلید قرآن» دادند و کمک گرفتند. تا شب، کارهای عقب مانده را در دفترم انجام دادم. شب، برای اصلاح دندان به دندانپزشکی رفتم؛ خیلی خسته شدم و ناتمام ماند.

دیروقت به خانه آمدم. شیر خوردم و خوابیدم. امروز رهبری، سخنرانی صریحی در مورد جنگ کرده اند و تأکید بر بی‌طرفی و محکومیت آمریکا و عراق داشته‌اند.

جمعه ۵ بهمن ۱۳۶۹ | ۸ رجب ۱۴۱۱ ۲۵ ژانویه ۱۹۹۱

تا ساعت ده ونیم صبح، برای خطبه‌های جمعه مطالعه کردم. خطبه‌ها طولانی شد و قسمت عمده آن دربارهٔ شرایط جنگ جاری در منطقه بود[۱]. عفت، فاطی و محسن به آبعلی رفتند

---

۱ - در بخشی از خطبه دوم آمده است: «مظالمی را که عراقی ها در مراحل پس از تصرف کویت در حق مردم آن کشور روا داشتند، انصافاً غیرقابل قبول می‌باشد. عده زیادی از مردم، اقدام به مهاجرت و عده‌ای نیز در آوارگی به‌سر می‌برند، این همه تخریب و ویرانی که به وجود آمد و این تعداد از انسان ها که در یک جامعه اسلامی کشته شدند، چگونه قابل توجیه می‌باشد؟ بعضاً آقایان پیشنهاد جانبداری از عراق در جنگ از سوی کشور ما را می‌نمایند، باید قبل از هر چیز این سئوال در ذهن‌شان نقش بندد که اگر عراق در ساحل جنوبی خلیج‌فارس باشد، برای ما چه اتفاقی خواهد افتاد؟ هر چند که موقعیت سایر کشورها، نفت و امنیت و سایر چیزها را جداگانه بحث می کنیم. اگر به شرایط مربوط به زمان جنگ آن وقت برگردید، جواب این سئوال را دریافت خواهید کرد. ما اگر در زمان جنگ، یعنی وقتی که مشغول جنگ بودیم و عراقی ها در جنوب خلیج‌فارس بودند، به همین شکلی که اقدام به مقاومت کردیم، آنها از سواحل جنوب کل خلیج‌فارس را برای استفاده ما ناامن می‌ساختند، حتی یک کشتی ما قادر نبود از آتش عراقی ها سالم عبور کند. نیروی دریایی ما از بندرعباس نمی‌توانست به این طرف عبور کند، ما در زمان جنگ، یک بار که بحث راجع به در اختیار گذاردن جزیره بوبیان از سوی کویت به عراق بوده است، من به عنوان فرمانده جنگ، در همان موقع اعلام نمودم و بعد از اینکه خدمت امام (ره) مطرح کردم و نظر ایشان داده شد، اعلام کردم. خدمت امام صحبت کردم و موقعیت جغرافیایی را توضیح دادم و امام خطاب به من فرمودند؛ شما اعلام کنید و بگویید اگر کویت، جزیره بوبیان را در اختیار عراق بگذارد و چنانچه ما این جزیره را تصرف نماییم، دیگر به کویت پس نخواهیم داد. ایشان تاکید فرمودند که ما به هیچ وجه، آمدن عراق به جنوب خلیج‌فارس را تحمل نخواهیم کرد که آن هم در گوشه‌ای از کویت در کنار مرز عراق واقع است. برای ما اهمیت این مسأله بسیار روشن می‌باشد. جمهوری اسلامی ایران به عنوان مرکز انقلاب اسلامی جهانی، نمی‌تواند قبول کند که چنین تهدید جدی در سواحل ما، یعنی در آن جایی که حیات ما وابسته به آن مناطق است و شاهرگ حیاتی ما می‌باشد، عراقی ها بیایند و آن سواحل جنوب را در اختیار بگیرند.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های جمعه ۱۳۶۹»، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲.

و یاسر دنبال کارش بود. من و مهدی و فرشته، ناهار و شام در خانه با هم بودیم. در گزارش‌ها، ادامه جنگ و سانسور اخبار مورد توجه است.

شنبه ۶ بهمن ۱۳۶۹ | ۹ رجب ۱۴۱۱ ۲۶ ژانویه ۱۹۹۱

آقای [اصغر]ابراهیمی، مدیرعامل مترو آمد. گزارش پیشرفت کار را داد و نیازها را گفت. آقای سیفیان آمد. از دانشگاه‌ها گفت و از عدم اعزام دانشجو به آمریکا شکایت داشت که به عقیده او، از تحریف غلط وصیت‌نامه امام ناشی شده و معتقد است وصیت امام مربوط به نیروهای مسلح است و از ضررهای علمیِ عدم اعزام دانشجو به آمریکا گفت. از سخنان دیروز نماز جمعه من اظهار تشکر کرد. امروز به طور کلی، همهٔ کسانی که تماس داشتند، از خطبه ها اظهار رضایت و تشکر داشتند[۱].

دکتر ولایتی، [وزیر امورخارجه]آمد. نتیجهٔ مذاکره با وزیر امورخارجه هند را گفت. با [آقای وی‌سی شوکولا]، وزیر امورخارجه هند ملاقات داشتم. دربارهٔ فعال شدن عناصر مهم جنبش عدم‌تعهد برای صلح مطالبی داشت؛ از ایران هم می‌خواست همکاری کند. دربارهٔ توسعه روابط دو کشور تأکید داشت که آن را به خوش‌رفتاری با مسلمانان هند مربوط کردم.

خبر دادند که تعدادی هواپیمای جنگی عراق، بدون اجازه وارد فضای ایران شده‌اند و تقاضای فرود اضطراری کرده‌اند و علیرغم بدی هوا، در پایگاه نوژه و فرودگاه همدان بر

---

۱ - متن کامل خطبه دوم نمازجمعه موصوف، (مورخ ۱۳۶۹/۱۱/۵)، به جهت اهمّیت، در بخش ضمایم همین کتاب به چاپ رسیده است. این خطبه، بازتاب بسیاری در رسانه های بین المللی داشت. خبرگزاری فرانسه، در این باره گزارش داد: «آقای هاشمی رفسنجانی رییس‌جمهور ایران، امروز جمعه، در بخشی از سخنان خود در خطبه های نمازجمعه تهران، قویاً درخواست جناح تندرو را که خواستار شرکت در جنگ در کنار عراق علیه نیروهای مهاجم غربی بود، رد کرد و تاکید نمود چنین کاری برای ایران در حکم انتحار است. وی سپس به تفصیل از سیاست محکم بی‌طرفی که توسط دولت او در این جنگ پیش گرفته شده دفاع کرد و افزود: «ما خون خود را در راه عراق به زمین نمی ریزیم تا این کشور به خلیج فارس دست یابد و [در آخر هم]، آمریکاییان در جنگ پیروز شوند.» در نظر آقای رفسنجانی، ایران به دلایل موقعیت جغرافیایی، نمی تواند بپذیرد که عراق به خلیج فارس دست یابد، زیرا این امر موجب خرابی وضع امنیتی ایران در منطقه خواهد شد.» منبع: «نشریه ویژه خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۹/۱۱/۶، صفحه۱»

زمین نشسته‌اند. با مشورت تلفنی با رهبری، قرار شد خبر آمدن هواپیماها را بدهیم. یکی از هواپیماها، هنگام فرود، از باند بیرون رفته و آتش گرفته است. عصر، دکتر [حسن]روحانی، [دبیر شورای عالی امنیت ملی]، برای مشورت در همین مورد آمد.

شورای‌عالی امنیت ملی جلسه داشت. بیشتر وقت صرف بررسی مسأله ورود هواپیماهای عراقی و نحوهٔ برخورد تبلیغاتی شد. آمریکایی‌ها پیام فرستاده‌اند و با توجه به خبر فرود چند هواپیمای غیر نظامی، خواسته‌اند براساس مفاد قطعنامه‌های شورای امنیت[سازمان ملل]، این هواپیماها، تا آخر جنگ به عراق برنگردند.

تصمیم گرفتیم به عراق از طریق جمعیت هلال احمر، کمک غذایی و دارویی کنیم. آقای [مهدی]کروبی، [رییس مجلس شورای اسلامی]، از اعلان طرح صلح منع شد[1]؛ گفتیم کلی‌گویی کنند. شب با احمد آقا مهمان آقای خامنه‌ای بودیم. همان مسایل شورا مطرح بود.

یکشنبه ۷ بهمن ۱۳۶۹ | ۱۰ رجب ۱۴۱۱ ۲۷ ژانویه ۱۹۹۱

ساعت هفت از خانه بیرون رفتم. تا ساعت نُه صبح کارها انجام شد. آقای[علی‌اکبر] ناطق نوری، [نماینده تهران]آمد. دربارهٔ انتخابات مجلس آینده مطالبی داشت و برای سفر به خارج و مذاکره با دانشجویان مشورت کرد. قرار بود با روزنامه [انگلیسی‌زبان] کیهان‌بین‌المللی مصاحبه داشته باشم؛ به تأخیر انداختم.

مهندس [میرحسین]موسوی، [مشاور سیاسی رییس‌جمهور]آمد. دربارهٔ عراق و صنایع الکترونیک و تندروها نظراتی ارائه داد. ظهر عفت، فاطی، یاسر و علی، [فرزند فاطی]، در دفترم بودند. عصر هیأت دولت جلسه داشت. دربارهٔ جزیره قشم، تصمیم‌گیری شد که کل‌جزیره، منطقه‌آزاد اعلان شود؛ اختیارات وزیران، به [آقای علی شمس اردکانی]، رییس منطقه آزاد جزیره واگذار شد.

امروز هم تعدادی هواپیمای جنگی عراق آمدند؛ یکی از آنها سقوط کرد و خلبان آن

---

۱ - آقای مهدی کروبی، رییس وقت مجلس شورای اسلامی، در طرح صلح پنج ماده ای خود، خواستار خروج همزمان نیروهای متحدین و عراق از کویت، و استقرار سربازان کشورهای اسلامی به جای آنان بود.

کشته شد. شب با آیت‌الله خامنه‌ای جلسه داشتیم. دربارهٔ وصیت‌نامه امام در خصوص اعزام دانشجو به خارج و مفاد قانون اساسی دربارهٔ استیضاح وزیران و مسایل جنگ جاری در منطقه و همچنین امور جاری کشور مذاکره کردیم. شب به خانه آمدم. خاطراتم را نوشتم و اخبار ساعت ده ونیم [تلویزیون]را گرفتم و خوابیدم.

دوشنبه ۸ بهمن ۱۳۶۹ | ۱۱ رجب ۱٤۱۱ — ۲۸ ژانویه ۱۹۹۱

مسأله آلوده شدن محیط زیست خلیج فارس، به‌خاطر ورود مقدار زیادی نفت به دریا و همچنین موج هواپیماهای عراقی که به سوی ایران سرازیر است و نیز نگرانی غرب از عدم بی‌طرفی ایران، مورد توجه رسانه‌هاست. گفتم وزارت امورخارجه بر بی‌طرفی تأکید کند.

[آقای طاهرالمصری]، وزیرامورخارجه اردن به ملاقات آمد. پیام ملک حسین، [پادشاه اردن] را در خصوص تشکر از مواضع اصولی ایران آورده بود. [محمدرضا بهمئی]، نماینده رامهرمز آمد و از محرومیت و نیاز منطقه گفت و برای تأسیس دانشگاه پیام نور استمداد کرد. آقای [سیدرسول]موسوی، نماینده اهواز آمد و ضمن توضیح مشکلات خوزستان، از بی‌اطلاعی نمایندگان نسبت به واقعیات، پس از رفتن من از مجلس، ابراز ناراحتی کرد.

دکتر [حسن]حبیبی برای امور جاری و مشورت دربارهٔ لایحه بودجه آمد. عصر قرار بود شورای اقتصاد جلسه داشته باشد که تشکیل نشد. آقای زنگنه، [وزیر نیرو]آمد. پیشنهاد داشت از وضع عراق استفاده شود و بعضی از افراد متخصص در صنایع نظامی آنها را جلب کنیم؛ قبلاً مهدی خودمان هم، همین پیشنهاد را داده بود.

شب، برای گذاشتن دو روکش دندان، به دندانپزشکی رفتم؛ خسته به خانه آمدم. شیر خوردم. اخبار ساعت دوازده شب را گرفتم و خوابیدم.

سه‌شنبه ۹ بهمن ۱۳۶۹ | ۱۲ رجب ۱٤۱۱ — ۲۹ ژانویه ۱۹۹۱

در گزارش‌ها، مسأله آمدن هواپیماهای نظامی و غیرنظامی عراق به ایران مورد توجه و تفسیرهای گوناگون است؛ حدس‌ها خیلی دور از واقعیت نیست، گرچه ابهام زیادی برای

ناظران دارد. آنها نمی‌خواهند ایران را ناراحت کنند و در عین‌حال نگرانی هم دارند.

آقای محمدجواد حجتی[کرمانی]آمد. از سیاست رهبری و دولت قدردانی کرد. از محسن هم تعریف کرد؛ روزی با او همسفر بوده. برای مشغول‌کردن [برادرش]، علی‌آقا و همچنین برای استرداد ماشین خودش که پس از سرقت از او، پلیس پیدا کرده و به نهاد [ریاست‌جمهوری] داده است، استمداد نمود؛ گفتم بدهند. عبایی هم به ایشان هدیه کردم. کتابی هم آورده بود.

سفیر جدیدمان در یمن، برای خداحافظی آمد و بر دادن نفت به یمنی‌ها که دنبال آن هستند، با فرصت شش‌ماه در پرداخت بهای آن، تأکید کرد.آقای امان‌پور از جهاد[سازندگی]آمد. نتیجه مطالعات برای خودروی ملی و بهینه‌کردن پیکان را آورد. [سیدجلال] ساداتیان، برای مسأله شورای نهضت‌ها آمد و از عدم تفاهم سپاه و وزارت‌اطلاعات و وزارت‌امورخارجه گفت.

عصر دکتر [رضا]ملک زاده، [سرپرست وزارت بهداشت،درمان‌و آموزش‌پزشکی]آمد. گزارش سفر به مناطق بازسازی را داد و جهت پیشبرد کارها، برای ارز و ریال بیشتر استمداد کرد. دکتر ولایتی، [وزیر امورخارجه]آمد. دربارهٔ مذاکره با عربستان سعودی درخصوص حج و روابط با آن کشور صحبت شد. با رهبری، تلفنی صحبت کردم؛ بر انجام حج تأکید داشتند.

نمایندگان رهبری در دانشگاه‌ها آمدند. از دفتر تحکیم وحدت و مدیران [وزارت فرهنگ و]آموزش عالی در عدم همکاری با آنان، شکایت داشتند و برای تقویت خودشان استمداد کردند. دکتر [حسن]روحانی، [دبیر شورای‌عالی امنیت‌ملی] خبر داد که امروز هم تعدادی هواپیمای عراقی آمده و بعضی‌ها هم آسیب دیده‌اند. یکی از آنها در جاده‌ای فرود آمده است؛ چون حالت فرار دارد و قبلاً کسب اجازه نکرده‌اند و شاید دستپاچه‌اند، دچار حادثه می‌شوند.

شب مجمع تشخیص مصلحت نظام جلسه داشت. دربارهٔ موضوع محاکمه نمایندگان[مجلس] تصمیم گیری شد؛ قرار شد مثل استاندارها باشند. تأسیس دفتر نمایندگان در شهرستان‌ها به مجلس برگشت. دکتر [سیدکمال]خرازی، [نماینده دایم ایران در سازمان ملل]، از نیویورک آمد؛ نگران بود. دربارهٔ سئوال‌های زیاد خبرنگاران رسانه‌ها

از مسأله آمدن هواپیماهای عراقی پرسید؛ راهنمایی‌اش کردم.

چهارشنبه ۱۰ بهمن ۱۳۶۹ | ۱۳ رجب ۱۴۱۱ ۳۰ ژانویه ۱۹۹۱

ساعت نُه و نیم صبح، همراه عفت و محافظان، برای استراحت در سه روز تعطیلی، به محل سد لَتیان رفتیم؛ هوای خوبی دارد. آب سد در اثر خشکسالی، خیلی پایین رفته است؛ اگر جبران نشود، تهران در تابستان مشکل آب خواهد داشت.

نزدیک ظهر، محسن، فائزه و بچه‌هایشان، حمید مرعشی و خانواده‌اش، حاجیه والده و همشیره فاطمه هم آمدند. وقت را به استراحت و مطالعه و قایق‌سواری و تیراندازی گذراندیم. در گزارش‌ها آمده است که بعضی از هواپیماهای نظامی عراق، از ایران دوباره به عراق برگشته‌اند که مایهٔ نگرانی غربی‌ها شده است. به دکتر ولایتی، [وزیر امورخارجه]گفتم تکذیب کنند. دکتر خرازی هم از نیویورک، تلفنی همین مطلب را گفت. همچنین دربارهٔ اظهارنظر در خصوص سفر سعدون حمادی، [معاون نخست‌وزیر عراق به تهران] مشورت کرد که توضیح دادم.

عراق اعلان کرده که نیروهای زمینی‌اش وارد شهر نفتی و بندری «خفجی» در بیست کیلومتری داخل خاک عربستان‌سعودی شده‌اند؛ این مسأله مورد توجه شدید محافل خبری است. اگر در این عملیات، عراق پیروز شود، نشان قدرت نیروی زمینی‌اش خواهد بود و برای غربی‌ها گران تمام می‌شود.

پنج‌شنبه ۱۱ بهمن ۱۳۶۹ | ۱۴ رجب ۱۴۱۱ ۳۱ ژانویه ۱۹۹۱

صبح زود، در هوای دلپذیر سد لتیان، بیدار شدم و دیگر نخوابیدم. گزارش‌ها را خواندم. جنگ خفجی[عربستان سعودی] و تصرف این منطقه توسط عراق، مسأله مهمی شده است. اگر بتواند آن را نگه‌دارد، علامت بدی برای نیروهای متحدین خواهد بود. عراق مدعی است، از آمریکایی‌ها اسیر گرفته، منجمله چند زن را که آمریکایی‌ها، اسارت فقط یک زن و یک مرد را تأیید کرده اند.

دکتر روحانی، [دبیر شورای عالی امنیت ملی]، خبر داد که یک قایق جنگی عراق، مورد تعقیب و حمله هواپیماهای متحدین قرار گرفته و به خورموسی آمده است؛ گفتم خبرش را به رسانه‌ها بدهند. مقداری در ساحل سد پیاده روی کردم.

دکتر ولایتی، [وزیر امورخارجه]، تلفنی خبر داد که سعدون حمادی، معاون نخست‌وزیر عراق که قرار بود تا اطلاع ثانوی نیاید، بدون اطلاع قبلی، از راه زمین وارد ایران شده است؛ گفتم تحویل‌اش بگیرند. همچنین خواستم، خبر اعتراض ما به آمدن هواپیماهای عراقی به ایران، بدون جلب موافقت ما را منتشر کنند.

جمعه ۱۲ بهمن ۱۳٦۹ | ۱۵ رجب ۱٤۱۱ ۱ فوریه ۱۹۹۱

ساعت پنج صبح بیدار شدم و دیگر نخوابیدم. بعد از نماز صبح و استماع اخبار، گزارش‌ها را مطالعه کردم. از گزارش‌ها برمی‌آید که عراقی‌ها از خفجی بیرون رانده شده‌اند؛ اگر این خبر درست باشد، تفسیرش این است که در نیروی زمینی هم، عراق مشکل دارد.

بعد از صرف صبحانه، به سوی پیست آبعلی[واقع در شمال شرق تهران]، حرکت کردیم. در محل مخصوص وزارت نفت که دارای تله‌کابین و پیست اسکی و استخر و رستوران و چند ویلا است، وارد شدیم. میهمان وزارت نفت بودم. [آقایان دکتر نوربخش و دکتر عادلی]، وزیر اقتصاد و رییس کل بانک مرکزی هم بودند.

با تله‌کابین به بالای کوه رفتیم. برف می‌بارید و مه بود. ناهار را در رستوران خوردیم. عصر فیلمی دیدم و به سوی تهران حرکت کردیم. غروب، ساعت شش ونیم به خانه رسیدیم. والده و همشیره فاطمه در ماشین من بودند. مهدی و فرشته هم از کیش برگشته بودند.

شنبه ۱۳ بهمن ۱۳٦۹ | ۱٦ رجب ۱٤۱۱ ۲ فوریه ۱۹۹۱

ساعت هفت و نیم به دفترم رسیدم. نزدیک ساعت نُه صبح، دکتر ولایتی آمد و گزارش مذاکرات با عراقی‌ها، یمنی‌ها و الجزایری‌ها را داد. [آقای احمد غزالی]، وزیر امورخارجه

الجزایر آمد[1]. دربارهٔ ضرورت تحرک برای آتش‌بس گفت و از عدم انعطاف عراق، در مورد خروج از کویت شاکی بود. او راه‌حل را در خروج عراق از کویت می‌دانست.

آقای سعدون حمادی، [معاون نخست وزیر عراق]آمد[2]؛ ملاقات خصوصی بود. از اوضاع عراق پرسیدم. گفت خرابی‌ها خیلی زیاد است. نیروی هوایی عراق کارایی خود را از دست داده است. نیروی زمینی آسیبی ندیده و بین ۵ تا ۱۰ هزار نفر کشته شده‌اند. گفت تصمیم دارند تا آخر مقاومت کنند. معتقد بود که بالاخره آمریکا را شکست می‌دهند.

برای دارو، غذا، امکانات تسلیحاتی و فنی و اجازهٔ عبور کمک‌های دیگران از ایران، کمک خواست. دربارهٔ کمک‌های غذایی و دارویی، گفتم براساس اعلان قبلی، ادامه می‌دهیم. جواب سایر کمک‌ها را موکول به بررسی نمودم و به صدام پیغام دادم که نظر ما این است که در جنگ، بالاخره به بن‌بست خواهند رسید و صلاح این است که اصل خروج از کویت را تحت شرایطی بپذیرد که امکان تحرک برای آتش‌بس باشد و اینکه

---

۱ - در این دیدار، وزیر امورخارجه الجزایر، به تشریح دیدگاه‌های دولت این کشور و تلاش‌های انجام شده در زمینه حل بحران اخیر منطقه خلیج فارس پرداخت و اظهار داشت: «ما امروز جهان اسلام را با جدی‌ترین خطرات روبرو می‌بینیم و معتقدیم که باید با کمک شما و سایر کشورهای اسلامی از این جنگ ویرانگر جلوگیری کنیم، تا بیش از این ملت مسلمان عراق و امکانات این کشور در معرض نابودی قرار نگیرد.» سپس آقای هاشمی، حوادث اخیر منطقه خلیج فارس و کشتار مظلومانه مسلمانان را غم انگیزترین فاجعه بشریت امروز خواند و افزود: «ما می بینیم با توطئه استکبار و توجیه بین المللی، این چنین مسلمانان کشته می شوند و منابع اسلامی در حال انهدام است و متأسفانه می‌بینیم که این وضع با یک اقدام اشتباه و محاسبه نادرست به‌وجود آمد و فرصت در اختیار دشمنان اسلام قرار گرفت و می‌بینیم که دست خود مسلمان‌ها هم درکار است و فتنه از داخل کشورهای اسلامی شروع شده و این نشان عدم رشدکافی و عدم واقع بینی است. ما به عنوان یک تکلیف انسانی و اسلامی، موظفیم برای کم کردن رنج مسلمانان و برای رسیدن به آتش‌بس و پایان بخشیدن به رنج و مصیبت های ملت همسایه و مسلمانان عراق تلاش نماییم و همچنان همه امکانات خود را دراین زمینه به کار خواهیم گرفت.»

۲ - آقای سعدون حمادی، ضمن قدردانی از کمک‌های انسان دوستانه جمهوری اسلامی، مبنی بر ارسال کمک‌های دارویی و همچنین در زمینه فرود هواپیماهای جنگی به ایران گفت: «دولت عراق، هرگز قصد ایجاد اشکال برای جمهوری اسلامی ایران را ندارد و فرود هواپیماها در حالت اضطراری و بدون برنامه ریزی قبلی بوده است.» سپس آقای هاشمی نگرانی عمیق خود را از تداوم جنگ و بمباران مناطق مسکونی عراق ابراز داشت و افزود: «ما به‌شدت متأثریم که امکانات انسانی منابع اقتصادی کشورهای اسلامی در چنین جنگ ویرانگری تلف می شود و لازم است، هر چه سریع‌تر به این جنگ خاتمه داده شود و ما در این راه، از هیچ تلاشی فروگذار نخواهیم کرد.»



ملاقات با سعدون حمادی معاون نخست وزیر عراق



ملاقات با احمد غزالی وزیر امور خارجه الجزایر

درست نیست، با یکدندگی این همه خسارت به مردم و منابع عراق وارد شود. موافق تشکیل جلسه سازمان کنفرانس اسلامی هم نبود؛ فکر می کرد که رأی کنفرانس به نفع عراق نیست.

جمعی از آزادگان، به مناسبت ۱۳ بهمن، روز آزادگان و جانبازان، آمدند. برایشان صحبت کردم[۱]. هیأت یمنی [به سرپرستی آقای عبدالعزیز الدالی، وزیر مشاور در امور خارجی]، برای چاره‌جویی جهت راه ختم جنگ آمدند و از احتمال عدم‌توجه به ایران و یمن، در برنامه امنیت منطقه‌ای، اظهار نگرانی کردند[۲].

---

۱ - در بخشی از این سخنرانی آمده است: «دهه فجر، این دهۀ سرنوشت‌ساز و تاریخ‌ساز، به کلی سیر حرکت تاریخ را عوض کرد و راه امت اسلامی را که به بیراهه می‌رفت، در مسیری که پیامبر اکرم(ص) ترسیم کرده بودند، تغییر جهت داد. قطعات شیرین و خوب در تاریخ اسلام کم نیست. اما هیچ مقطعی همانند دهه فجر، این چنین سازنده و مبارک نیست و ما این مقطع تاریخی را از رهبری امام خمینی (ره) که پس از ائمه معصومین، در تاریخ اسلام بی‌نظیر است و همچنین استواری و پایمردی و هوشیاری امت مسلمان و در رأس همه آنها، رزمندگان داریم. آزادگانی که با قامتی برافراشته و سرافراز به میهن اسلامی بازگشته‌اند و شهدای عزیزی که با خون خود، درخت انقلاب را آبیاری کردند و مفقودان و جانبازان انقلاب اسلامی، از افتخارات ملت ایران به‌شمار می‌روند و شما سربازان خط مقدم انقلاب خواهید بود. امت اسلامی با راهپیمایی خود در ۲۲ بهمن نشان می‌دهد که قدردان انقلاب است و ما با همکاری یکدیگر و در خدمت رهبر بزرگوارمان حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، مصمم هستیم که پایه‌های انقلاب را آن‌چنان محکم کنیم که این کشور امام زمان «عج» و قرآن و افکار امام، از هرگونه تعرّضی آسیب‌ناپذیر بماند و اسلام ناب محمدی «ص» در پهنه تاریخ نورافشانی کند. آزادگان، مفقودالاثرها، شهدا و جانبازان انقلاب اسلامی و سایر بخش‌هایی که در دوران جهاد درخشیدند، با تلاش خود موفق شدند انقلاب را از شر این همه شیطان و شیطنت حفظ کنند و به‌اینجا برسانند. این امت هرقدر به رزمندگان و خانواده‌های شهدا و آزادگان و جانبازان عزیز خدمت کند، نمی‌تواند هرگز این زحمات و تلاش‌ها را جبران نماید و جزای اعمال شما با خداوند است. بازگشت سرافرازانه آزادگان به میهن، نمونه‌ای از امداد غیبی بود. اگر امروز شما در عراق می‌بودید و شرایطی به‌وجود نمی‌آمد که به ایران می‌آمدید و در شرایطی که هزاران بمب به مراکز نظامی عراق که شما در آنجا به‌سر می‌بردید، فرود می‌آمد، چه بر ما و شما و یا خانواده شما می‌گذشت؟ امیدوارم که با تلاش‌های مسئولین،گروهی از آزادگان که هنوز در عراق به سر می‌برند، هرچه زودتر به‌ایران اسلامی بازگردند.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های ۱۳۶۹» ، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲ .

۲ -آقای الدالی در این دیدار، ضمن تقدیم پیام کتبی آقای علی عبدالله صالح رییس جمهور یمن، به تشریح تلاش‌های دولت یمن برای متوقف ساختن جنگ خلیج فارس پرداخت و افزود: «ما احساس می کنیم هدف غرب و به‌ویژه آمریکا از شروع این جنگ ویرانگر، بازگشت مجدد استعمار به منطقه است و معتقدیم با توجه به جایگاه ویژه جمهوری اسلامی ایران در جهان و در بین سازمان‌های بین المللی و نفوذ گسترده در میان بسیاری از کشورهای

برای سخنرانی افتتاحیه [هشتمین دوره] مسابقات [حفظ و قرائت] قرآن کریم، به حسینیه ارشاد رفتم. عصر آقای محسن رضایی، [فرمانده کل سپاه پاسداران]آمد. نظراتی دربارهٔ آینده عراق ابراز کرد. شورای عالی امنیت ملی جلسه داشت. وضع بحران منطقه بررسی شد. برای آینده عراق، مذاکرات مفصلی صورت گرفت، اما بحث ناتمام ماند. احتمال طولانی شدن جنگ زیاد است که در این صورت برای آمریکا، عراق و کشورهای جنوب خلیج فارس مشکل‌آفرین است.

در منطقه سیستان با طغیان رودخانه هیرمند، سیل آمده است. برای هلی‌کوپتر و امدادهای دیگر استمداد شد. به خانه آمدم. همسر آقای [عبدالمجید]معادیخواه آمد و نحوهٔ برخورد مأموران دادگاه ویژه[روحانیت] در بازرسی منزل را گفت.

یکشنبه ۱۴ بهمن ۱۳۶۹ | ۱۷ رجب ۱۴۱۱ ۳ فوریه ۱۹۹۱

سفیر ایران در نیکاراگوئه آمد. گزارش وضع آنجا را داد؛ پس از شکست کمونیست‌ها رو به بهبود می‌رود، ولی مشکلات جدی دارند. خوشحال بود که از آنها راجع به بدهی ۵۰میلیون دلاری به ایران سند گرفته است. در مورد درخواست دولت‌های دیگر کشورهای آمریکای مرکزی، برای ایجاد رابطه با ایران، مطالبی گفت.

آقایان [محمدتقی]مصباح یزدی و [محمود]محمدی عراقی آمدند. گزارش سفر به آمریکا و کانادا برای شرکت در سمینار فلسفه را دادند؛ اظهار رضایت و توفیق نمودند و کمک بیشتری خواستند. سلمانی برای اصلاح آمد. عصر در جلسه هیأت دولت شرکت کردم. اخبار سیل زابل تأسف بار است. هلی‌کوپترهای ارتش با تأخیر رفته‌اند و باعث

عربی، نقش ایران در حل این بحران تعیین کننده است.» او حمایت دولت یمن را از هرگونه اقدام جمهوری اسلامی در این زمینه مورد تأکید قرار داد و برحفظ امنیت منطقه توسط کشورهای منطقه خلیج فارس به ویژه ایران و یمن تأکید کرد. سپس آقای هاشمی، اظهار داشت: «ما می دانیم که شما هم جدی هستید و حُسن نیت دارید که این جنگ هرچه زودتر متوقف شود. ما معتقدیم همه کشورهای اسلامی باید تلاش کنند تا شاید به آتش بس برسیم. متأسفانه در این روزهای تلخ، ما شاهد ذوب شدن امکانات عراق و کویت و منطقه هستیم. در جنگی که خرج آن هم از جیب مردم مسلمان پرداخت می شود و در مقابل دشمنان اسلام و استکبار جهانی از آن سود می برند.»

بسمه تعالی

مقام منیع ریاست جمهوری اسلامی ایران دامت تأییداته

با عرض سلام همچنانکه شفاهاً بعرض مبارک رسید تتمه ارزی که برای سفر اینجانب به نیویورک و همراهان اختصاص داده شده بود در حساب نمایندگی [illegible] جمهوری اسلامی ایران در نیویورک باقی مانده

لطفاً نظر مبارک را در باره مورد مصرف آن مرقوم فرمائید

[illegible]

۶۹/۱۱/۱۴

[illegible]

نامه آیت الله مصباح یزدی در خصوص تتمه ارزی هزینه سفر به نیو یورک

نگرانی است.

شب با رهبری جلسه داشتیم. دربارهٔ تأخیر هلی‌کوپترهای ارتش صحبت شد؛ قرار شد مؤاخذه شوند. نتایج مذاکره با هیأت‌های عراقی، یمنی و الجزایری، وضع جنگ، همکاری با پاکستان و همچنین پرونده آقای [عبدالمجید]معادیخواه، مورد بررسی قرار گرفت. شب در دفترم ماندم. امروز خوشبختانه باران و برف داشتیم.

دوشنبه ۱۵ بهمن ۱۳۶۹ | ۱۸ رجب ۱۴۱۱ ٤ فوريه ۱۹۹

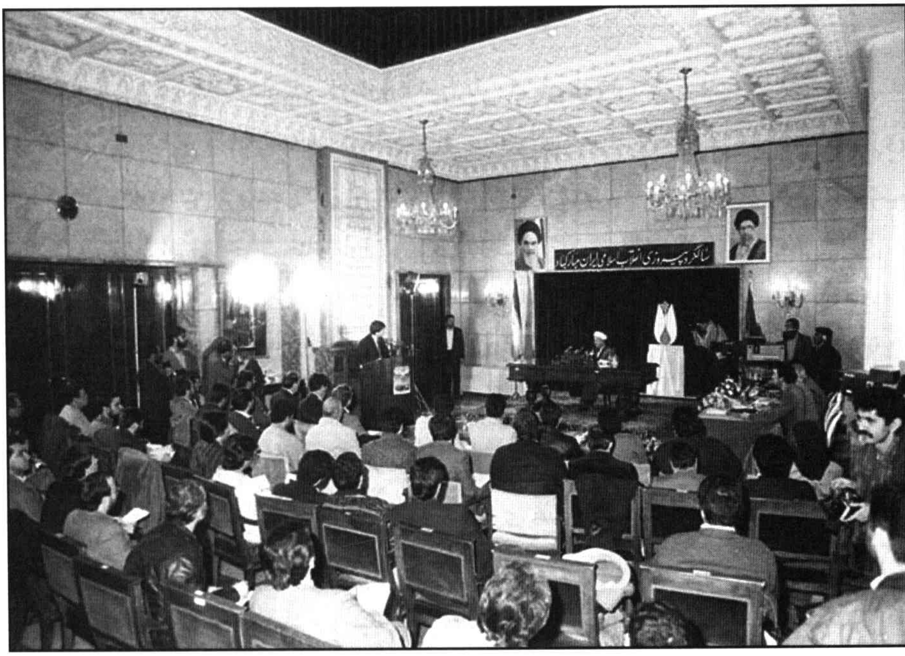
اول وقت برای شرکت در سمینار حقوق زن به صداوسیما رفتم. ضمناً از محل درحال‌ساخت سالن کنفرانس‌ها و محل جدید اداری صداوسیما بازدید کردم؛ جالب است. سخنرانی کوتاهی در افتتاح سمینار ایراد کردم[۱].

ساعت نُه ونیم صبح به دفترم رسیدم. صبحانه خوردم. در جلسه مصاحبه مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی شرکت کردم[۲] که تا ظهر طول کشید؛ منظم برگزار شد.

---

۱ - ایشان با اشاره به وجود اختلاف در موضوعات نظری و وجود سلیقه‌ها و دیدگاه‌های مختلف در مسایل اجتماعی، از جمله در مورد مسأله زنان، گفت : «در تجزیه و تحلیل و بررسی وضعیت زنان در جامعه ما، باید فقه اسلام را محور قرار داد، چون محکم‌ترین و مطمئن‌ترین پایگاه برای بررسی و تبیین نقش زنان در حیات جامعه است. اگر متکی به فقه حرکت کنیم، نیرومندترین امکانات و محکم‌ترین زمینه تئوریک و علمی را برای حرکت خودمان فراهم کرده‌ایم. خصوصاً اینکه در زمینه فقه، شخصیتی چون امام را داریم که کسی نمی‌تواند منکر ارجعیت مقام علمی ایشان باشد. امام، واقع‌بین‌ترین و نافذترین نظرها را در عرصه مسایل اجتماعی داشتند و مقبولیت امام در جامعه ما، به‌حدی است که در تبیین نظریه‌های ایشان، کسی را یارای مخالفت با آن نیست. در کنار نظریات امام، آثار و دیدگاه‌های شهید مطهری، از غنی‌ترین منابع مورد دسترس همگان است که می‌تواند با تأییدی که امام از ایشان داشته‌اند، یکی از مبناها و محورهای بررسی مسایل مورد بحث این سمینار باشد. نوشته‌های استاد مطهری در مورد مسأله زنان، در نوع خود کامل‌ترین و غنی‌ترین آثار است، بنابراین شما از نظر تئوری و اصول، با کمبود و مشکلی مواجه نیستید و همت خود را باید در مسیر تدوین و پیگیری راه‌های اجرایی افکار و اندیشه‌های انسان‌هایی مانند امام (ره) و استاد شهید مطهری قرار دهید.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های ۱۳۶۹» ، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲ .

۲ - متن کامل این مصاحبه مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی که بازتاب بسیاری در رسانه های بین المللی داشت، در بخش ضمایم همین کتاب چاپ شده است.



کنفرانس مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی

خبرنگاران غربی، برخلاف مصاحبه‌های گذشته، مواظب بودند سئوالات ناراحت‌کننده‌ای مطرح نکنند. خیلی خسته بودم. سیل عظیمی منطقه زابل را فراگرفته است و هر ساعت ابعاد بیشتر خسارات روشن می‌شود.

تا ساعت دو بعد از ظهر، کارهای دفتر را انجام دادم. عصر در جلسه شورای اقتصاد شرکت کردم. قیمت جدید برق و فرآورده‌های نفتی را تصویب کردیم. تا ساعت نُه شب در دفترم کار کردم و به خانه آمدم.

سه‌شنبه ۱۶ بهمن ۱۳۶۹ | ۱۹ رجب ۱۴۱۱ ۵ فوریه ۱۹۹۱

[آقای عیسی کلانتری]، وزیر کشاورزی و معاون تحقیقاتی‌اش آمدند. اجازه خواستند از متخصصان و محققان بین‌المللی برای اصلاح [بذر]گندم استفاده کنند. گزارش سفر به کوبا را دادند. در مورد پیشرفت به‌زراعی اراضی آبی و آبیاری تحت فشار هم گزارش دادند.

خانم دکتر [شفیقه]حبیبی، [سرپرست مرکز فوریت های دارویی و تجهیزات پزشکی

جمعیت هلال احمر]آمد و برای تأسیس سرنگ سازی هلال احمر استمداد نمود. کارکنان دفتر آمدند. به مناسبت دهه فجر برایشان صحبت کردم[1]. مسئول دفتر «نشان‌ها» آمد. گزارش پیشرفت کار را داد. هنوز برنامه اعطای نشان که در قانون اساسی آمده و قانون و آیین‌نامه‌هایش تهیه شده، آماده و کامل نشده است؛ طرح نشان‌ها را ارائه دادند.

[آقای تورگوت اوزال]، رییس‌جمهور ترکیه، تلفنی صحبت کرد. از طرح ما برای صلح که با آن صدام جان سالم بدر ببرد، نگران بود. عصر وزیر مشاور در امورخارجه کویت آمد. نامه امیر کویت را آورد. از مواضع ما تشکر کرد و خواستار عدم پیگیری آتش‌بس در جنگ عراق، قبل از خروج عراق از کویت، در اجلاس جنبش عدم‌تعهد شد.

دکتر [حسن]روحانی خبر داد که امروز هم تعدادی هواپیمای جنگی و یک ایرباس عراقی آمده‌اند. دکتر [حسن]حبیبی، برای امور جاری و مشورت برای سفر به ترکیه آمد. شب، شورای عالی انقلاب فرهنگی جلسه داشت. در این جلسه اعضای شورای فرهنگ عمومی[2] و همچنین اعضای هیأت مؤسس دانشگاه پزشکی قم برای خانم‌ها، تصویب شد.

در گزارش‌ها، بازتاب مصاحبه دیروز من در رسانه‌های جهانی، خیلی وسیع است. مسأله احتمال مذاکره با آمریکا را برخلاف اظهارات من، بزرگ می‌کنند.

---

۱ - آقای هاشمی، با اشاره به فرا رسیدن چهاردهمین سال پیروزی انقلاب اسلامی گفت: «این جشن بیشتر از همه متعلق به خانواده شهدا، جانبازان و مفقودین و ایثارگران است که بیش از همه سرمایه‌گذاری کردند و شایسته تبریک‌شنیدن هستند. دستاوردهای عظیم معنوی انقلاب اسلامی، تحمل مرارت‌ها و رنج‌های این راه را آسان می‌کند. سرافرازی مسلمانان و مطرح شدن اسلام به عنوان یک حرکت جهانی در این دهه، مرهون فداکاری‌ها و خون‌های پاک شهدایی است که درخت بارور اسلام را آبیاری کردند. ارواح شهدا، اکنون در عالم قدس به عیان شاهد هستند، راهی را که انتخاب کردند، چگونه ثمر داده است و من تردید نداریم که راضی‌ترین افراد در کل جامعه، شهدا هستند که سعادت واقعی را کسب کرده‌اند. خانواده‌هایی که در فراق عزیزان خود رنج و مرارت کشیده‌اند، عمیقاً در ثواب‌ها و دستاوردهای معنوی فراوانی که از رهگذر این رشادت‌ها به‌جامعه رسیده است، شریک هستند. حمایت‌های دولت و جامعه از این عزیزان، هر قدر هم وسیع باشد، با کار بزرگ آنها، اصلاً قابل مقایسه نیست و آنچه باید موجب خوشحالی خانواده شهیدان باشد، این است که اهداف آن شهیدان، با قدرت و صلابت توسط مسئولان و مردم، با هدایت‌های رهبر معظم انقلاب دنبال می‌شود.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های ۱۳۶۹» ، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲ .

۲ - در جلسه شورای‌عالی انقلاب فرهنگی، آقایان عباسعلی عمید زنجانی، اسدالله بیات، هادی ندیمی، مسیح مهاجری، محمد اصغری و خانم زهرا رهنورد، به عنوان اعضای جدید شورای فرهنگ عمومی کشور انتخاب شدند.

چهارشنبه ۱۷ بهمن ۱۳۶۹ | ۲۰ رجب ۱٤۱۱ ٦ فوریه ۱۹۹۱

ساعت هفت و نیم صبح به دفترم رسیدم. در گزارش‌ها، توجه زیادی از رسانه‌ها و دولت‌ها نسبت به اظهارات من در خصوص میانجیگری برای صلح وجود دارد و نوعاً مثبت است. [جرج] بوش، [رییس‌جمهور آمریکا] هم برخورد بدی نکرده. تا نُه صبح، کارها انجام شد. خبر رسید که باز دیروز تعدادی هواپیمای عراقی آمده است.

آقای [حمید]میرزاده، [معاون اجرایی رییس‌جمهور]،آمد و گزارش سفر به زابل را داد؛ خرابی [حادثه سیل]زیاد است. قرار شد به منطقه مسافرت کنم. آقای [قدرت الله]علیخانی آمد. گزارش وضع قزوین را داد و برای برق‌کشی به روستاهای قزوین و هدیه به آزادگان قزوین و تبدیل قزوین به استان، استمداد کرد.

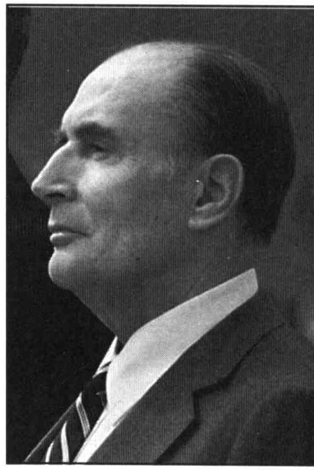
شورای‌عالی اداری جلسه داشت. سه ساعت طول کشید و بالاخره مراکز تهیه و توزیع وزارت بازرگانی منحل شد؛ تصمیم مهمی است. عصر آقای [سیدکمال]خرازی، [نماینده دایم ایران در سازمان ملل]آمد. برای مسایل جاری مشورت کرد و برای اطلاع از مواضع واقعی، توضیحاتی خواست. در جلسه هیأت دولت به‌خاطر انجام کارها و نیز به علت کسالت و سرماخوردگی، شرکت نکردم.

سرشب، [آقای فرانسوا میتران]، رییس‌جمهور فرانسه، تلفنی صحبت کرد[1] و از مواضع ایران تشکر نمود و برای همکاری بیشترِ دو کشور و همکاری برای اصلاح منطقه و ختم

---

۱ - آقای فرانسوا میتران، در این مکالمه تلفنی، ضمن ابراز خرسندی از تبادل نظر با آقای هاشمی، اظهار داشت: «از دیدگاه دولت فرانسه در زمینه مسایل بین المللی، جمهوری اسلامی ایران دارای یک موقعیت بسیار مهم و تعیین ننده است و ما علاقه‌مندیم این صحبت تلفنی، شروع جدیدی بر همکاری هر چه بیشتر دوکشور در حل مسایل بین المللی باشد. در فاجعه اخیر، نقش ایران می تواند قاطع و سرنوشت ساز باشد و ما به این مساله خیلی اهمیت می دهیم.» رییس‌جمهور فرانسه، اظهار امیدواری کرد در آینده همکاری‌ها و تبادل نظرات مسئولان دو کشور افزایش یابد. سپس آقای هاشمی، با تشکر از تماس تلفنی آقای میتران، با تأکید بر مواضع اعلام شده ایران در بحران اخیر خلیج فارس، افزود: «موضع ما در مورد بحران خلیج فارس، کاملاً صریح و روشن است. ما مخالف اشغال کویت و حضور نیروهای چندملیتی در منطقه هستیم و معتقدیم نباید تمامیت ارضی عراق و کویت مخدوش شود و در مورد ماندن نیروهای بیگانه در منطقه نیز به طورجدی حساس هستیم و تحمل نمی کنیم و طولانی شدن جنگ را هم بیش از این به مصلحت نمی دانیم. ما برای رییس جمهور عراق، پیامی فرستاده ایم و منتظر جواب هستیم تا ابتکار خود را آغاز کنیم.»


جولیو آندرئوتی نخست وزیر ایتالیا


فرانسوا میتران رییس جمهور فرانسه

جنگ، اظهار اشتیاق کرد. آقای [محمود]واعظی، [معاون اروپا و آمریکا]، توضیحاتی دربارهٔ نظرات فرانسه در خصوص مسایل منطقه و جنگ داد؛ فرانسه از سلطه آمریکا بر منطقه نگران است و تمایل دارد با همکاری با ایران، مانع از انحصار قدرت آمریکا شود. از نماینده شوروی نقل کرد که وضع روس‌ها هم نظیر فرانسه است.

پنج‌شنبه ۱۸ بهمن ۱۳۶۹ | ۲۱ رجب ۱۴۱۱ ۷ فوریه ۱۹۹۱

ساعت هشت و نیم صبح به هتل استقلال رفتیم و در جشنواره خوارزمی شرکت کردیم. گزارش شنیدیم، جوایز مخترعان و مبتکران را دادم و صحبت کوتاهی نمودم[1] و سپس به

۱ - آقای هاشمی گفت : «هم‌اکنون یک سیکل منفی، در جهت جذب و به‌کارگیری مغزهای خلاق و مبتکر جهان سوم، از سوی کشورهای پیشرفته و عموماً غربی جریان دارد. نیروهای علمی بسیاری در کشورهای جهان سوم، از جمله کشور ما مشغول کار هستند و اکثر این نیروها، انسان‌های صادق و علاقمند به‌کشور خودشان می‌باشند. از وظایف عمده ما این است که زمینه‌های رشد و پرورش استعدادهای جامعه خود را فراهم کنیم و در این راستا نباید دچار بخل و تنگ‌نظری بشویم. چون تحقیق و پژوهش و فعالیت‌های علمی محققان و مبتکران، در مسیر پیشرفت جامعه است. شرکت من در این جشنواره، نشانگر توجه مسئولان کشور به امر گسترش علم و تحقیق است. مسلماً هیچ کشوری بدون تحقیق نمی‌تواند مستقل شود و ما نیز بدون بنیه علمی قوی، در عرصه جهان امروز عقب خواهیم ماند. ما امروز فاصله بسیاری با سطح علم و پیشرفت در جهان داریم که تنها وسیله پرکردن این خلاء، تحقق برنامه‌های

دفترم رفتم. [آقای احمدآلپ تموچین]، وزیر امورخارجه ترکیه آمد[1]. دربارهٔ اوضاع منطقه و جنگ و آینده عراق و مسایل بین‌الشطین مذاکره شد؛ مدعی است که همه متحدین برحذف صدام توافق دارند.

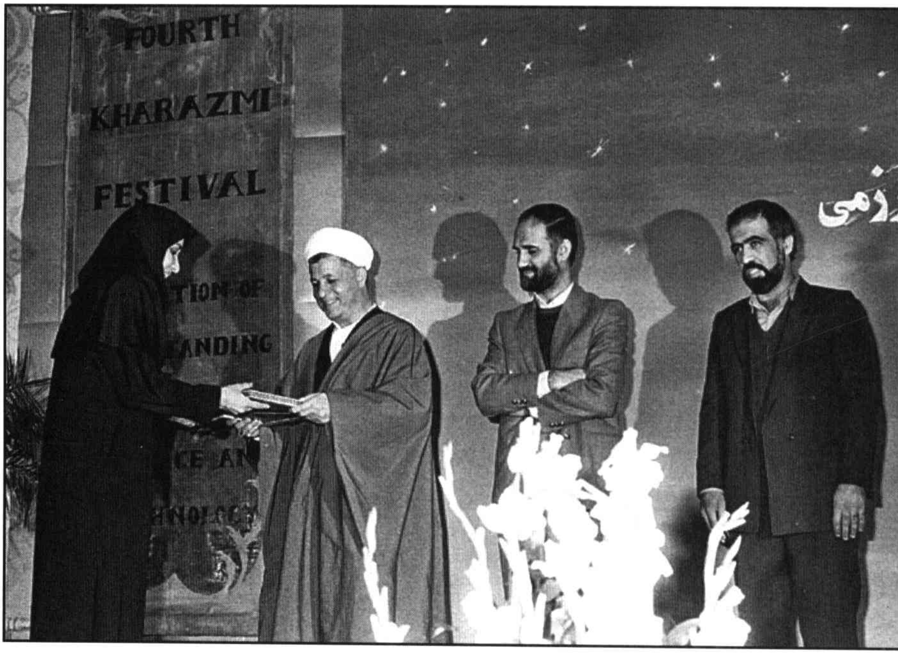
عصر آقای عباس مدنی، رهبر نهضت اسلامی الجزایر آمد[2]. سئوالات زیادی دربارهٔ مواضع و برنامه‌های نهضت و روابط آنها با کشورهای عربی، منجمله عربستان سعودی و مراکش و چند موضوع دیگر از او کردم؛ به موضع دفاعی افتاد و موقعیتی به‌دستش نیامد که توقع همکاری بیشتر ما با صدام را بنماید.

مواردی مثل مسلمانان زندانی در عراق و مسیحی بودن وزیر امورخارجه عراق و نظایر آن، زبان اینها را می‌بندد که اسلامی بودن رژیم بعث را ادعا نمایند. قرار شد برود و

پژوهشی و علمی می‌باشد. هر چند که این مسأله وقت زیادی لازم داشته باشد. یکی از کارهای خوب جمهوری اسلامی، شکستن طلسم انحصار محیط علم و دانشگاه‌ها بود که برای طبقه محروم مانعی بود. محیط تحصیلی ما به‌گونه‌ای است که استعدادهای محرومان جامعه ما، به‌طور کامل میدان رشد پیدا نکرده است و باید بیشتر به‌این امر توجه شود.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های ۱۳۶۹» ، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲ .

۱ - در این ملاقات، وزیرِ امورخارجه ترکیه، با بیان اهمیت فراوانی که ترکیه برای همکاری با ایران قائل است، افزود: «جمهوری اسلامی ایران، مهمترین کشور منطقه است و ما علاقه‌مندیم به عنوان یک کشور دوست و همسایه، چه در حال و چه در آینده، همکاری گسترده‌ای با ایران داشته باشیم.» او آمادگی دولت متبوعش را برای یافتن راه حل مسالمت آمیز و خاتمه هرچه زودتر جنگ، با حفظ تمامیت ارضی عراق، اعلام کرد. سپس آقای هاشمی با استقبال از ادامه رایزنی ها جهت دستیابی به راه حلی که هر چه سریع‌تر به توقف جنگ و جلوگیری از وارد آمدن خسارت به امت اسلامی بیانجامد، اظهار داشت: «ما همچنان به تلاش‌های خود برای رسیدن به آتش بس ادامه می دهیم و معتقدیم این تکلیف همه کشورهای اسلامی است که در این شرایط حساس بر تلاش‌هایشان بیافزایند و در این زمینه از همکاری با کشور مسلمان و همسایه خودمان ترکیه استقبال می کنیم.»

۲ - ایشان در دیدار با رهبر جبهه نجات اسلامی الجزایر، تأکید کرد که موضع جمهوری اسلامی ایران در قبال جنگ جاری در منطقه خلیج فارس، بی طرفی است، نه بی تفاوتی. آقای هاشمی گفت: «علیرغم بی طرف بودن در جنگ، ما در قبال کشتار مردم مسلمان و بی گناه عراق و انهدام وسیع امکانات و تأسیسات متعلق به آنها، بی‌تفاوت نیستیم. کمک‌رسانی هلال احمر جمهوری اسلامی ایران به مردم مسلمان و مظلوم عراق با هماهنگی صلیب سرخ جهانی در چارچوب همین موضع‌گیری صورت می پذیرد. امیدوارم با تلاش جمهوری اسلامی ایران، رنج‌ها و مصیبت مردم مسلمان کویت نیز هر چه سریع تر خاتمه یابد.» آقای عباس مدنی نیز با تقدیر از مواضع ایران در قبال بحران جاری در منطقه گفت: «امت اسلام به ایران امید بسته و امیدواریم که تلاش های حکیمانه و صادقانه ایران برای خاتمه جنگ به نتیجه برسد.»



اهدای جوایز چهارمین جشنواره خوارزمی



کمک‌های مردم الجزایر را برای مردم عراق بفرستد.

تا ساعت هشت و نیم شب، در دفترم کار کردم و به خانه آمدم. دکتر ولایتی، [وزیرامورخارجه]، گفت که از عراق اطلاع داده‌اند، سعدون حمادی، [معاون نخست‌وزیر]، روز شنبه با پیام کتبی صدام به ایران می‌آید؛ موافقت کردم.

جمعه ۱۹ بهمن ۱۳۶۹ | ۲۲ رجب ۱٤۱۱ ۸ فوریه ۱۹۹۱

ساعت هفت به فرودگاه مهرآباد رسیدم و بلافاصله با جمعی از وزرا، معاونان و محافظان به‌سوی زاهدان حرکت کردیم. ساعت نُه صبح به زاهدان رسیدیم. باران شدیدی می‌بارید. چهار هواپیمای ایلوشین عراقی، در گوشه‌ای از فرودگاه زاهدان به چشم می‌خورد.

بلافاصله با هواپیمای سی- ۱۳۰ به‌سوی زابل پرواز کردیم. در راه، از بالا با توضیح [آقای محمود حجتی]، استاندار[سیستان و بلوچستان]، با وضع مناطق سیل‌زده آشنا شدیم. کارشناسان هم ، در مورد طرح‌های عمران منطقه سیستان و وضع موجود، توضیحات دادند. در فرودگاه زابل، استقبال رسمی بود. بلافاصله با هلی‌کوپترها به مناطق سیل‌زده رفتیم. از فضا چندین روستای خراب‌شده را دیدیم. مردم در چادرها در نقاط مرتفع زندگی می‌کردند. کنار سد انحرافی آبگیر چاه نیمه‌ها، در کنار رودخانه هیرمند در مرز افغانستان، فرود آمدیم. طرح جالبی است که ژاپنی‌ها اجرا کرده‌اند. این سد، حدود ۷۰۰ میلیون مترمکعب آب اضافی را به نقاط گودتر منتقل و برای مصرف در طول سال ذخیره می‌کند. قرار است ظرفیت آنها را به دوبرابر برسانیم.

از فضا چاه نیمه‌ها را دیدیم. با مردم روستاهای مرزیِ کنار سد صحبت کردم؛ از لحاظ آب و برق و راه، خیلی محروم و مستضعف هستند. با هلی‌کوپتر در کنار هیرمند و پریان مشترک که مرز است، پرواز کردیم و در منطقه نادر پیاده شدیم.

خرابی سیل زیاد است. با مردم صحبت کردم؛ از کمک‌های دولت راضی‌اند. به همه آنها، چادر و پتو و غذا و سوخت داده شده است. به چند چادر سرزدم. مردم صبور و قانعی هستند. به منطقه جرینک رفتیم. در اینجا هم، مثل نقطه قبل عمل شد. مردم، از جهت علوفه دام‌ها نگرانند. دام‌ها هم آسیب دیده‌اند.



رسیدگی به مشکلات سیل زدگان سیستان



به شهر زابل رفتیم. در مسجد جامع برای مردم صحبت کردم[١]. باران ضعیفی می‌بارید. در محل ژاندارمری، نماز خواندیم و بعد از ناهار، استراحت کردم. سپس در جلسه در مورد بازسازی سریع، ذخیره بیشتر آب در چاه نیمه‌ها و دریاچه‌ها و اصلاح مسیل‌ها و زهکشی منطقه و انتقال نقاط مسکونی به جاهای مرتفع تصمیم‌گیری شد. مصاحبه‌ای انجام دادم[٢] و به زاهدان و از آنجا به تهران پرواز کردیم. ساعت هشت و نیم شب به تهران رسیدیم.

شنبه ٢٠ بهمن ١٣٦٩ | ٢٣ رجب ١٤١١ — ٩ فوریه ١٩٩١

ساعت هشت و نیم، به دفترم رسیدم. ساعت نُه صبح، آقای نژادحسینیان[وزیر صنایع سنگین]آمد و گزارش سفر به آلمان داد. آلمان‌ها به‌طور اصولی با تکمیل نیروگاه بوشهر موافقند. دربارهٔ تولید خودروی بنز و خودروهای دیگر، توافقاتی داشته‌اند. اجازه گرفت که

---

١ - آقای هاشمی گفت: «شما مردم صبور و قدرتمند سیستانی که علیرغم متحمل شدن خساراتی، همچون کوه استوار هستید و به جای شِکوه و شکایت از مشکلات بوجود آمده، با ابراز احساسات، ما را بسیار تحت تأثیر قرار دادید، وظیفه دولت را نسبت به خود سنگین‌تر کردید. پس از دوران جنگ تحمیلی، هیچ گونه عذری در کوتاهی از عمران این منطقه قابل قبول نیست. این منطقه نیاز به کارهای زیربنایی زیادی دارد. منطقه زابل دارای آب فراوانی است و اگر با برنامه‌ریزی، اینها ذخیره شود، نیاز منطقه را در طول سال می تواند تأمین کند.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های ١٣٦٩» ، دفتر نشر معارف انقلاب ، ١٣٩٢ .

٢ - آقای هاشمی در پایان بازدید خود از مناطق سیل زده سیستان، در گفت و گو با خبرنگاران، ضمن تأکید بر تسریع در بهبود فاضلاب شهر زابل از سوی دستگاه های اجرایی اعلام کرد: «باید هرچه سریع‌تر مردم آسیب دیده که خانه و کاشانه خود را در اثر فاجعه سیل ازدست داده اند، با احداث واحدهای مسکونی که از امروز آغاز خواهد شد، به مکان معینی انتقال یابند و در این رابطه لازم است هر چه سریع‌تر، مصالح ساختمانی مورد نیاز به منطقه حمل شود. با توجه به تصویب سازمان توسعه و عمران سیستان که اساسنامه آن تا پایان اسفند ماه سال جاری، از سوی دولت ابلاغ خواهد شد، امیدواریم دشت سیستان به جلگه ای آباد و حاصلخیز تبدیل شود. سیل اخیر، یکصد و هشتاد روستا را در منطقه سیستان، تخریب کرده، به اراضی کشاورزی منطقه نیز آسیب فراوانی رسانده و تعداد زیادی از احشام نیز تلف شده اند و اکثر واحدهای مسکونی غیرقابل سکونت گردیده است.» ایشان ضمن تجلیل از صبر و استقامت مردم مصیبت دیدهٔ سیستان، از تلاش مسئولین و دست اندرکاران ستاد سیل شهرستان زابل، در امداد رسانی به آسیب دیدگان قدردانی کرد. رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های ١٣٦٩» ، دفتر نشر معارف انقلاب ، ١٣٩٢ .

پژوهای تولیدی را برای تاکسیرانی واگذار کنند.

آقایان نوربخش و عادلی، [وزیر اقتصاد و رییس بانک مرکزی]آمدند. گزارش سفر به ژنو را دادند و تحلیل‌هایی که در آنجا، دربارهٔ عواقب بحران خلیج فارس مطرح بوده گفتند. دربارهٔ سیاست‌های ارزی مذاکره کردیم. قرار شد ارز آزاد را بیشتر عرضه کنند.

دکتر ولایتی، [وزیر امورخارجه]آمد. راجع به سفر به یوگسلاوی، ژنو و ایتالیا و همچنین مذاکره با [آقای سعود الفیصل]، وزیر امورخارجه عربستان سعودی مذاکره شد. اجازه خواستند که [آقای جولیو آندرئوتی]، نخست وزیر ایتالیا، تلفنی با من تماس بگیرد؛ پذیرفتم.

عقد ازدواج یکی از کارکنان دفتر را بستم. ساعت سه بعد از ظهر، به تالار وحدت رفتم. جوایز برندگان مسابقه «کتاب سال» را دادم و برایشان صحبت کردم[1]. آقای سعدون حمادی، [معاون نخست وزیر عراق]آمد و نامه صدام را آورد که در جواب پیشنهاد من جواب نوشته بود؛ نپذیرفته است که از کویت بیرون برود و همان حرف‌های گذشته را تکرار کرده. سعدون حمادی، قاطعانه گفت که به جنگ با آمریکا ادامه می‌دهند. از ما برای آرد و غذا و چند مورد دیگر کمک خواست.

---

۱ - ایشان در سخنان خود در مراسم اهدای جوایز برگزیدگان هشتمین دوره انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی، گفت: «هیچ چیز به اندازه پایه های علم، ادب و هنر و آثار فکری سودمند انسانها، منشاء سعادت و تکامل برای جوامع بشری نیست. اگر اندوخته های دانشمندان را از تاریخ بشریت حذف کنیم، مطلب دلگرم کننده ای برای انسان های عصر حاضر نخواهد ماند. بنابراین وظیفه ماست که مراتب قدردانی خود را از کسانی که گام‌های اولیه رشد و تعالی را در کشور برمی دارند، ابراز کنیم.» آقای هاشمی با اشاره به این نکته که اگر قدرشناسی نباشد، فضیلت ها بسط پیدا نمی کنند، متذکر شد: «تشویق و تنبیه برای کلیه افراد در جهان مفید است، لذا در امور معنوی و کارهای اساسی جامعه که بسیار با ارزش است، نباید مسامحه شود. نویسندگان، محققان و کسانی که افکار خود را به روی کاغذ منتقل می کنند و مردم را در جریان اندیشه های خود می گذارند، مایه خیر و برکت نسل‌های آینده هستند و در جهت رشد و تعالی دیگران گام می نهند. امروزه شاهد برداشته شدن گام‌های سریع بشریت به سوی اوج قله‌های علم هستیم. چنانچه پس ازانقلاب اسلامی موفق شویم دانشمندان آزاد و آزاداندیش داشته باشیم، راه ترقی را برای اسلام هموار کرده ایم. امروز جنگ جاری در منطقه خلیج فارس، مثال خوبی برای برتری علم و تکنولوژی است. متحدین غربی در جنگ اسلحه، برتری خود را نشان داده و عراقی ها به دلیل فقدان علم کافی، دراین راه نتوانستند از هواپیماها و سایر تجهیزات خود استفاده لازم را بکنند.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های ۱۳۶۹» ، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲ .

جلسه شورای‌عالی امنیت ملی داشتیم. دربارهٔ آینده عراق و آلترنانیو احتمالی حکومت بعث در صورت سقوط صدام و سیاست ما در این باره و جواب نامه صدام، مذاکره کردیم. سرشب، [آقای جولیو آندرئوتی]، نخست‌وزیر ایتالیا تلفنی صحبت کرد که قطع شد و به فردا موکول گردید. شب با احمدآقا مهمان آقای خامنه‌ای بودیم. مذاکرات دربارهٔ مسایل دستور شورای‌عالی امنیت ملی بود. به خانه آمدم. در جماران، امروز برف باریده است.

یکشنبه ۲۱ بهمن ۱۳۶۹ | ۲۴ رجب ۱٤۱۱ — ۱۰ فوریه ۱۹۹۱

ساعت هفت و نیم به دفتر رسیدم. کارهای مانده را تا نُه صبح انجام دادم. سفیران و کارداران خارجی، به مناسبت دهه فجر آمدند. سفیر اسپانیا به عنوان مُقدم‌السُفرا[1]، از سوی آنها تبریک گفت و من هم صحبت مفصلّی، دربارهٔ سیاست خارجی‌مان و بحران خلیج فارس کردم[2]. همه آمدند و مصافحه کردند. سپس در جمع آنها در اتاق انتظار نشستم و

---

۱ - مقدم السفرا، یعنی سفیری که سابقه بیشتری از سایر سفیران مقیم آن کشور دارد.

۲ - ایشان طی سخنانی گفت : «سیاست و زندگی ما روشن و باز است و نقطه مبهمی در آن وجود ندارد. در سیاست داخلی، ما اولویت را به بازسازی کشور و ترمیم خرابی‌ها و جبران عقب‌ماندگی اقتصادی داده‌ایم. در سیاست خارجی نیز اصل بر همکاری با تمام کشورهایی است که مایلند با ما همکاری کنند، به‌جز چند مورد استثناء که فکر نمی‌کنیم به طور اصولی مشکل عمده‌ای در راه روابط با دیگر کشورها داشته باشیم. در روابط ما با دیگر کشورها، اصل منافع مشترک، برخورد مساوی و دوستانه حاکم است و در منطقه خودمان نیز صلح و آرامش و همکاری را بسیار جدی می‌بینیم. سیاست ما با همسایگان نیز بر همین اساس است. در مورد عراق نیز که قبلا مشکل داشتیم، اکنون سیاست ما حل و فصل مسایل براساس قطعنامه ۵۹۸ است. ما نسبت به هیچ‌یک از همسایگان ادعایی نداریم که برای آنها تلخ باشد و راه را برای همکاری با همه باز گذاشتیم. در سیاست جهانی هم منطق بسیار روشنی داریم. ما نمی‌پذیریم که در دنیا، کشوری حق برتری و تعیین تکلیف برای دیگران داشته باشد. شاید تفاوت ما با دیگران، این باشد که نظر خود را صریح می‌گوییم و به برخی کشورهای بزرگ برمی‌خورد. ما این روزها شاهد حوادث بسیار تلخی در همسایگی خود هستیم و من فکر نمی‌کنم که انسان‌های دلسوز و علاقمند به سعادت بشریت، از وضع کنونی راضی باشند. به‌نظر نمی‌رسد که در پایان این جنگ و خون‌ریزی‌ها، هیچ طرفی از این درگیری‌ها نفعی ببرد و من فکر نمی‌کنم که این جنگ دارای فاتح و یا خیر و برکتی برای طرفین باشد. نه عراق که جرقه اول این آتش را روشن کرد، از اقدام خود خیری خواهد دید، و نه آمریکایی‌ها که سردمدار تخریب و کشتار وسیعی در منطقه شده‌اند، سودی را عاید کویت، عربستان سعودی و یا همسایگان دیگر خواهند کرد. همچنین فلسطینی‌های مظلومی که گاهی به نام آنان می‌خواهند

عکس یادگاری دسته جمعی در حیاط نهاد گرفتیم.



عکس یادگاری رییس جمهور با سفیران مقیم تهران

آقای [عبدالله]نوری، وزیر کشور آمد. دربارۀ بودجه شهرداری‌ها و نیازهای مالی آنها، با گران شدن بنزین و مسایل سیل و بندرآزاد چابهار صحبت شد. آقـای [جولیـو]آنـدرئوتی، نخست‌وزیر ایتالیا، تلفنی تماس گرفت و از پیشرفت کار میانجیگری مـا در جنـگ پرسید. گفتم آقای ولایتی در سفر به ایتالیا توضیح می‌دهد.

عصر در جلسه هیأت دولت شرکت کردم. قرار شد با سرمایه‌گذاری خارجی در تولید مسکن موافقت کنیم. تا ساعت هشت شب در دفترم کار کـردم. آقـای خامنـه‌ای بـه خـارج

این ماجراجویی‌ها را توجیه کنند نیز به چیزی دست نخواهند یافت. ما بدون تعصبات منطقه‌ای، قومی و یا تعصبات دیگر، هر دو طرف را در این ماجراجویی‌ها مقصر می‌دانیم. عراقی‌ها به‌خاطر اینکه بدون دلیل موجه، تهاجم غیرقابل قبولی به‌کشور مستقلی داشته و این همه مشکلات را برای منطقه بوجود آورده، مقصرند و حتی اگر آنان ادعای حقی هم داشتند، می‌توانستند این مساله را به‌گونه دیگری حل کنند که البته ما ادعای حقی برای آنها نمی‌بینیم.آمریکایی‌ها هم اگر نظر دیگری غیر از حل مسأله کویت نداشتند، تحقیقاً می‌شد از تحقق این فاجعه جلوگیری شود.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های ۱۳۶۹» ، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲ .

تهران رفته‌اند و جلسه معمول هفتگی را نداشتیم. زودتر به خانه آمدم. آشیخ محمد هاشمیان در خانه بود. مطابق معمول، مقداری از اوضاع رفسنجان و همچنین اختلاف با آشیخ عباس[پورمحمدی] گفت و از سیاست‌های اقتصادی دولت ابراز رضایت کرد. از آقای فلاح، دادستان کرمان هم دفاع نمود.

[آقای علی اکبر ولایتی]، وزیر امورخارجه ما، امروز برای مذاکره با سران جنبش عدم‌تعهد، در جهت صلح، به یوگسلاوی رفته است. عراقی‌ها از ما خواسته‌اند که برای آتش‌بس بدون قید و شرط تلاش کنیم. کویتی‌ها هم خواسته‌اند که بدون خروج عراق از کویت، درخواست آتش‌بس نکنیم.

دوشنبه ۲۲ بهمن ۱۳۶۹ | ۲۵ رجب ۱٤۱۱ ۱۱ فوریه ۱۹۹۱

در گزارش‌ها مطلب مهمی نیست. تا ساعت ده صبح مطالعه می‌کردم. همراه اعضای خانواده به میدان آزادی رفتیم. خواستیم در بین راه در راهپیمایی شرکت کنیم که نشد. اجتماع عظیمی بود. شرکت مردم در راهپیمایی خوب است. سخنرانی کوتاهی نمودم[۱]. به خانه برگشتیم. فاطی و فائزه و بچه‌هایشان، امروز به کیش رفتند و ما فردا به آنها ملحق می‌شویم.

رییس‌جمهور زامبیا اطلاع داده که پس فردا، ۱۳ فوریه - ۲۴ بهمن - با سران الجزایر، یمن، اردن، سودان و فلسطین، نشستی در اردن برای بررسی راه‌های ختم بحران خلیج فارس دارند. از من خواست که اخبار پیشرفت کارم را به آنها اطلاع بدهم و حتی‌الامکان در جمع آنها شرکت کنم و اگر حاضر به شرکت نیستم، آنها را به ایران دعوت کنم. تلفنی

---

۱ - آقای هاشمی، سالروز پیروزی انقلاب اسلامی را نقطه ختم حضور بیگانگان در کشور خواند و بر کارایی و تعهد جوانان مخلص و انقلابی در اداره و پیشبرد امور جامعه تاکید کرد. ایشان پشت سر گذاردن پیروزمندانه هشت سال دفاع مقدس را نبردی پیروز و بی نظیر در تاریخ مبارزه ملت ها با دشمنان شرور خواند . رییس‌جمهور، موضع‌گیری صریح و باصلابت جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران کویت را مدیون دلاوری‌ها و جانبازی‌های ایثارگرانی دانست که در طول هشت سال جنگ، نقطه عطفی از تاریخ اسلام را به وجود آوردند. رجوع کنید ← هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های ۱۳۶۹ ، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲

با آقای خامنه‌ای در این خصوص مشورت کردم. قرار شد با آمدن آنها موافقت کنیم.

سه‌شنبه ۲۳ بهمن ۱۳۶۹ | ۲۶ رجب ۱۴۱۱ ۱۲ فوریه ۱۹۹۱

دیشب و امروز برف می‌بارید. هوا سردتر شده. ساعت هشت و نیم‌صبح، همراه عفت، مهدی، فرشته، یاسر و محسن به فرودگاه رفتیم. یاسر می‌خواست همراه دوستانش به اصفهان برود؛ گفتم با ما بیاید.

حدود ساعت ده به سوی جزیره کیش پرواز کردیم. ساعت یازده ونیم وارد کیش شدیم. به محل پاویون رفتیم. هوا مطبوع است. کمی در ساحل دریا قدم زدم. آقایان [محسن] مهرعلیزاده، [رییس سازمان عمران کیش] و مسئولان کیش توضیحات دادند؛ از پیشرفت کارها راضی‌اند. بعد از نماز و ناهار و استراحت، گزارش‌ها را مطالعه کردم.

عصر از نیروگاه گازیِ در دست ساخت، به ظرفیت ۷۰ مگاوات و نیروگاه کوچک در حال کار به ظرفیت ۱۰ مگاوات بازدید کردیم. نیروگاه در حال احداث، نیازهای جمعیت زیادی را که در سال‌های آینده قابل پیش‌بینی است، تأمین می‌کند. فرانسوی‌ها یک ماه در تحویل آن تأخیر داشته‌اند.

از آب شیرین کن در دست ساخت نیز بازدید نمودیم. قبل از انقلاب، اسرائیل، پنج واحد آب شیرین کن، هر یک به ظرفیت اسمی دو هزار متر مکعب احداث کرده است. به خاطر قطع روابط ما با اسرائیل و کمیِ نیاز، رفته‌رفته از کار افتاده‌اند. کارشناس تعمیر و قطعه یدکی هم نبوده است. اخیراً خود جزیره آنها را برای تعمیر باز کرده و مدعی هستند که سیستم ساده‌ای است که تعمیر آن مشکلی ندارد و حتی ساخت آنها هم، در کشور مقدور است.

خوشبختانه یک واحد را هم عملیاتی کرده‌اند که دلیل خوبی بر صحّت ادعای‌شان است؛ گفته بودند که آب محصول آنها، با محاسبه سرمایه‌گذاری، هر مترمکعب ۳۵۰ تومان می‌شود. محاسبه کردم، معلوم شد خیلی کمتر از اینها است؛ بنا شد محاسبه دقیق‌تر کنند.

به نظر می‌رسد، آب و برق جزیره که مشکل عمده بود، به‌زودی تأمین می‌شود. از

استخر ذخیره آب که ۲۰ هزار مترمکعب گنجایش دارد، بازدید کردیم. به نظر می‌رسد، سقف گرانی برای آن زده‌اند؛ می‌شد ارزان‌تر تمام شود. از سینمای باز جزیره که ظرفیت نشسته ۳۵۰ نفر دارد، بازدید کردیم. با اتومبیل، گشتی در بخشی از جزیره زدیم. اخبار داخلی و خارجی را گرفتم؛ خبر مهمی نیست.

شب در ساحل دریا قدم زدم. هوا سرد است. آقای [محمدرضا]یزدان‌پناه، مسئول سابق [سازمان عمران]جزیره آمد. دربارهٔ منطقه آزاد چابهار صحبت شد. قبلاً صحبت شده که مسئولیت آنجا را بپذیرد؛ خیلی علاقه‌مند است، اما بودجه نداریم و او دویست میلیون تومان اعتبار پیشنهاد دارد. آقای [سیدکمال]خرازی، [نماینده دایم ایران در سازمان ملل]، از نیویورک تلفن کرد و گفت که با [آقای خاویر پرز دکوئیار]، دبیرکل[سازمان ملل]، ملاقات دارد؛ راهنمایی خواست.

چهارشنبه ۲۴ بهمن ۱۳۶۹ | ۲۷ رجب ۱٤۱۱ — ۱۳ فوریه ۱۹۹۱

بعداز صبحانه، دسته‌جمعی کمی در ساحل قدم زدیم. گزارش‌ها را خواندم. با هلی‌کوپتر به جزیره فارور رفتیم. از کیش، گروهی برای شروع عمران آن جزیره رفته‌اند. طرح انتقال و اسکان معتادان[مصوب ستاد مبارزه با مواد مخدر] که قرار بود در جزیره هندورابی باشند، به این جزیره منتقل شده است. می خواهند چند سیل‌بند، به منظور جمع‌آوری آب باران، جهت استفاده در جزیره و انتقال به کیش ایجاد کنند.

جزیره فارور، ارتفاعات قابل توجهی دارد و گویا بارش باران در آن، بیش از جزیره کیش است. یک پاسگاه ژاندارمری بدون امکانات و تجهیزات لازم، در آن است که هشت نفر پرسنل دارد. گفتم کیش به آنها کمک کند. راه‌سازی، اسکله‌سازی و تجهیز کارگاه را شروع کرده‌اند.

سپس از فضا جزیره کوچک مجاور آن، بنی‌فارور را هم دیدیم. تصمیم گرفتیم، هر دو جزیره را با کمک سازمان عمران کیش آباد کنیم. به جزیره کیش برگشتیم. نخلستان جدیدالاحداث را دیدیم؛ رشد بدی ندارد. نماز و ناهار و استراحت انجام شد.

عصر رفتیم و پروژه‌های در حال ساختِ «مرجان کیش» و «پردیس» را دیدیم؛ پیشرفت

خوبی دارند. از محل ساخت اسکله دریاپای هم دیدن کردیم. با فرمانده پاسگاه ژندارمری کیش حرف زدیم. به آکواریوم رفتیم؛ اصلاحاتی در آن شده است. در اجتماع مدیران [سازمان عمران]کیش شرکت کردم. آقای [محسن]مهرعلیزاده، مسئول جزیره گزارش داد و بعد از معارفه، صحبت کوتاهی کردم. همراهان در بیرون شام خوردند و من در پاویون.

در اخبار، اصابت دو موشک به یک پناهگاه غیر نظامی در بغداد و کشته شدن تعداد زیادی از مردم مورد توجه قرار گرفته است. مقداری در ساحل دریا پیاده‌روی کردم. دکتر ولایتی[وزیر امورخارجه]، تلفنی گفت با [آقای سعودالفیصل]، وزیر امورخارجه عربستان سعودی مذاکره کرده است. روی ۱۰۰هزار حاجی و [راهپیمایی]برائت[از مشرکین]، توافق شده است اما دیه نمی‌دهند و کمک به بازسازی می‌کنند؛ حاضرند به اسم دادن خسارت جنگ باشد؛ گفتم بپذیرد. اجازه گرفت که به شوروی برود.

پنج‌شنبه ۲۵ بهمن ۱۳۶۹ | ۲۸ رجب ۱۴۱۱ ۱۴ فوریه ۱۹۹۱

در اخبار و گزارش ها، انهدام یک پناهگاه در بغداد و آسیب دیدن جمع زیادی از مردم غیر نظامی، هنوز سایر مطالب را تحت‌الشعاع قرار داده است. مقداری در ساحل دریا قدم زدم. صبحانه‌ام را همان‌جا، تنهایی خوردم.

با هلی‌کوپتر به جزیره هندورابی رفتیم و از تأسیسات در حال احداث بازدید کردیم. قرار بود این جزیره را برای اعزام و اسکان معتادان به مواد مخدر آماده کنند، اما مدیران کیش به فکر افتاده‌اند آنجا را به بخش سیاحتی اختصاص دهند و معتادان را به جزیره فارور بفرستند. با بومیان جزیره که هشت خانوارند، صحبت کردم. از یکی از خانه‌های آنها بازدید کردیم. در مسجدشان پذیرایی کردند.

از آسمان در هلی‌کوپتر، جزیره لاوان را بازدید کردیم. نفتکش‌های زیادی در انتظار نوبت بودند. ناهار را در باغی در کیش که متعلق به یکی از بومیان است، خوردیم. این باغ با آب باران و آب چاه، سرسبز است. عصر در پاویون ماندم و جواب نامهٔ صدام[حسین، رییس‌جمهور عراق] را تهیه کردم. گزارش‌ها را خواندم.

سرشب، چند نفر از معلمان و چند نفر از سران مردم بومی آمدند و خواسته‌هایی داشتند.

مقداری در ساحل پیاده‌روی کردم. آقای سلامتی از اردن تلفن کرد و برای ملاقات هیأت پارلمانی با ملک‌حسین[پادشاه اردن] مشورت نمود؛ موافقت کردم. قرار بود شب با کشتی به سیاحت دریا برویم، اما به خاطر خستگی نرفتم. بچه‌ها رفتند.

جمعه ۲۶ بهمن ۱۳۶۹ | ۲۹ رجب ۱۴۱۱ ۱۵ فوریه ۱۹۹۱

در اخبار مسالهٔ مهمی نبود. مقداری در ساحل دریا پیاده‌روی نمودم. صبحانه را همان‌جا خوردم و مجدداً پیاده‌روی کردم. فاطی از من و فرزندش علی فیلم گرفت. به مار کوچکی در ساحل برخوردیم.

مدیران [سازمان عمران]کیش آمدند. با آنها راجع به برنامه و سیاست‌های آینده جزیره کیش و جزایر هندورابی و فارور صحبت شد. از پروژه‌های عمرانی، کشتی‌سازی، بندر و کشتی مسافربری بازدید کردم.

ساعت سه و نیم بعد از ظهر، آقای[مصطفی حایری] فومنی، از ژنو، نتیجه مذاکره با سعودی‌ها برای مسایل حج را تلفنی گفت و برای ادامه آن نظرخواهی نمود. ساعت یک ربع به چهار، به‌سوی تهران پرواز کردیم.

امروز عصر اعلان شد که عراق با پذیرش اصل مذاکره بر سر خروج از کویت، گام مثبتی در جهت ختم جنگ برداشته است، ولی شرایطی آورده که حتماً مورد قبول متحدین نخواهد بود؛ به هرحال گام مثبتی است. غروب، ساعت هفت به منزل رسیدیم. آقای [سیدکمال]خرازی، برای موضع‌گیری ایران دربارهٔ اعلان عراق، تلفنی مشورت کرد.

شنبه ۲۷ بهمن ۱۳۶۹ | ۱ شعبان ۱۴۱۱ ۱۶ فوریه ۱۹۹۱

مسأله تغییر موضع عراق در ارتباط با خروج از کویت، همه مسایل دیگر را تحت‌الشعاع گرفته است. دیروز عصر، ساعت چهار بعدازظهر، تلویزیون با قطع برنامهٔ نمایش فیلم، این خبر را به عنوان «خبر مهم» پخش کرد. ساعت سه و نیم، اعلامیه شورای فرماندهی عراق منتشر شده و گفته که عراق حاضر است به قطعنامه ۶۶۰ شورای امنیت عمل کند و شرایطی

قائل شده که از طرف متحدین رد شده است. جمعی از کشورها، حرکت عراق را مثبت و جمعی دیگر، آن را غیر مثبت گفته‌اند.

ساعت هشت و نیم صبح به دفترم رسیدم. تیمسار [سرتیپ منصور] ستاری، [فرمانده نیروی هوایی ارتش]آمد. در مورد وضع هواپیماهای عراقی که به ایران آمده‌اند، گزارش داد و برای تداوم خریدها از چین استمداد کرد. دکتر هاشمی[گلپایگانی]، برای دستور شورای عالی انقلاب فرهنگی آمد.

آقای [حسین]محلوجی، [وزیر معادن و فلزات] با معاونان آمدند. گزارش وضع کارخانه‌های ذوب‌آهن اهواز، اصفهان، مبارکه و معادن سنگ آهن گل‌گهر و چادرَملو را دادند و نیازها را مطرح کردند؛ پیشرفت ذوب آهن اصفهان خوب است.

عصر دکتر ولایتی، [وزیر امورخارجه]آمد. گزارش سفر به یوگسلاوی، ژنو، ایتالیا و روسیه را داد. با [آقای سعود الفیصل]، وزیر امورخارجه عربستان سعودی، در ژنو به توافق کامل نرسیده‌اند و مذاکرات ادامه دارد. روس‌ها و ایتالیایی‌ها از انحصار قدرت آمریکا بعد از جنگ در منطقه خلیج فارس نگران‌اند و مایل هستند، برای جلوگیری از انحصار، با ایران همکاری کنند.

آقای[میخائیل] گورباچف، [صدر هیأت رییسه اتحاد جماهیر شوروی]، پیام خصوصی برای من فرستاده و از حل نظامی مسأله خلیج فارس، اظهار نگرانی کرده بود. او خواستار تحرک بیشتر برای حل سیاسی مسأله شده و گفته که در صورت اصرار آمریکا به آن راه‌حل، ممکن است در سیاست خلع سلاح شوروی تجدید نظر شود. رهبر شوروی خواهان روابط عالی و همکاری بیشتر با ایران است.

در جلسه شورای‌عالی امنیت ملی، وضع جدید بررسی و قرار شد موضع جدید عراق، مثبت اعلام شود. دربارهٔ جواب نامهٔ صدام، با توجه به شرایط جدید صحبت شد. آقای [مهدی]کروبی، [رییس مجلس‌شورای اسلامی]، برای سفر به کشورهای کره[شمالی] و پاکستان از من نظر خواهی کرد. شب احمدآقا آمد و راجع به پذیرش مسئولیتی صحبت کردیم.

یکشنبه ۲۸ بهمن ۱۳۶۹ | ۲ شعبان ۱۴۱۱ ۱۷ فوریه ۱۹۹۱

ساعت هفت و نیم صبح به دفترم رسیدم. در گزارش‌ها، تصریح نماینده عراق به اینکه منظور از بیانیه، خروج بدون شرط از کویت است، مورد توجه قرار گرفته و عقب‌نشینی از مواضع قبلی با ضعف تلقی شده است.

ساعت نُه صبح، هنرمندان تئاتر آمدند و گزارش کار دادند. برایشان صحبت تشویق‌آمیز نمودم[1]. دکتر ولایتی آمد. در مورد مذاکره با طارق عزیز که در راه شوروی، در تهران توقف دارد، راهنمایی نمودم. [آقای اینگلو تراوره]، وزیر امورخارجه مالی آمد[2] و

---

۱ - آقای هاشمی در دیدار هنرمندان برگزیده نهمین جشنواره سراسری تئاتر فجر، حمایت مسئولان کشور از جامعهٔ هنری را مورد تأکید قرار داد و افزود: «هنر و هنرمندان در آگاهی مردم و پیگیری اهداف انقلاب اسلامی، می توانند نقش بسیار مهمی ایفا کنند و دیدگاه مسئولان کشور این است که از هنر به عنوان یکی از بهترین وسیله های رشد و تربیت مردم می بایستی استفاده شود. ذوق هنری ودیعه‌ای الهی است. شُکر این نعمت این است که از ذوق هنری و نعمتی که خداوند به هنرمندان اعطا کرده، در جهت اصلاح جامعه و خدمت به همنوعان استفاده شود. به غیر از معدودی از مراکز قدرت جهانی که از هنر برای اغراض زیان بار استفاده می کنند، هنر و هنرمندان در دنیا مورد توجه هستند، زیرا کسی نمی تواند ارزش هنرمند را منکر شود و ما باید از این هنر در جهت تقویت و تحکیم انقلاب و خدمت به توده های مردم استفاده کنیم. تعهد برای هنرمندان یک ضرورت است و هنرمندان نباید ارزش وجودی خود را وسیله ای برای امرار معاش تلقی کنند، زیرا در این صورت با ذوق هنری آنها منافات خواهد داشت و ارواح ظریفه‌ای که در وجود آنان است، با این دریافت ها نزول می کند. این ارزش ها مطابق فطرت در سطحی بالاتر از سطح زندگی مادی قرار دارد.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های ۱۳۶۹» ، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲ .

۲ - آقای اینگلوتراوره، ضمن ابلاغ صمیمانه‌ترین سلام‌های دولت و ملت مسلمان مالی، پیام آقای موسی تراوره، رییس‌جمهور کشورش را تقدیم آقای هاشمی نمود و با بیان اهمیت و نقش ایران، به‌عنوان یک کشور باستانی و مهم که همواره در عرصه جهانی مطرح بوده است، اظهار داشت: «دولت و ملت مالی نقش تعیین‌کننده‌ای را برای جمهوری اسلامی قائل هستند. ما از ابتکارات جنابعالی در جهت استقرار صلح و امنیت در منطقه حمایت می کنیم و امیدواریم این تلاش‌ها هر چه زودتر به نتیجه برسد.» سپس آقای هاشمی، از کشور مسلمان مالی، به‌عنوان کشوری که سابقه ممتدی در توسعه و نشر اسلام در قاره آفریقا دارد نام برد و افزود: «همکاری و کمک به کشور شما در راستای فکر و آرمان‌های انقلابی ماست. ما همواره علاقه‌مندیم براساس سیاست‌های قطعی جمهوری اسلامی با کشورهای محروم، بخصوص قاره مظلوم آفریقا و مسلمانان مظلوم این قاره همکاری بیشتری داشته باشیم. در تحولات جاری منطقه خلیج فارس با اعلام آمادگی عراق برای خروج از کویت، علایمی به چشم می خورد که راه‌هایی برای حل مشکل منطقه

نامه رییس‌جمهورشان را آورد و برای رفع مشکلات مالی استمداد کرد.

با مسئولان مربوطه، برای عمران زابل جلسه داشتیم. در مورد شیوه‌های اجرایی تصمیماتِ اتخاذی در سفر به زابل، بحث و تصمیم‌گیری شد. عصر هیأت دولت جلسه داشت. بحث لایحه نظام هماهنگ پرداخت مطرح بود. [آقای محمد سعیدی‌کیا]، وزیر راه و ترابری، اطلاع داد که دو هواپیمای بوئینگ ۷۴۷ عراقی که در هند بوده‌اند، از طرف هندی‌ها جواب شده و به ایران آمده‌اند.

دکتر ولایتی، [وزیر امورخارجه]، تلفنی، خلاصه مذاکرات با طارق عزیز، [وزیر امورخارجه عراق] در فرودگاه را گفت. او گفته است در تصمیم خروج از کویت جدی‌اند و تاکتیک نیست. خواسته است که از یک هواپیمای خودشان، برای رفتن از شوروی به چین استفاده کنند؛ گفتم صلاح نیست. تا ساعت هشت شب در دفترم کار کردم و به خانه آمدم.

دوشنبه ۲۹ بهمن ۱۳۶۹ | ۳ شعبان ۱۴۱۱ ۱۸ فوریه ۱۹۹۱

نزدیک نُه صبح به دفترم رسیدم. [آقای مصطفی مرسلی]، نماینده ابهرآمد و تقاضایی برای عمران حوزه انتخابیه‌اش داد. آقای [علی]آقامحمدی، نماینده همدان [و عضو کمیته بررسی مسایل عراق]آمد. دربارهٔ سیاست برخورد با معارضین عراقی بحث شد. تصمیماتی در جهت حفظ و تقویت آنها گرفتیم. از اقدامات کارشکنانه تندروها و راه چاره آن گفت.

[آقای سیدمحمود کاظم‌دینان]، نماینده آمل آمد و برای حوزه انتخابیه‌اش امکاناتی خواست. با [آقای پروس پروکوما]، وزیر امورخارجه بورکینافاسو ملاقات داشتم[1]. برای

باز شده است. ما همیشه فکر می کردیم که نقطه آغاز حل بحران، اعلام آمادگی عراق برای خروج از کویت است و روح و جوهر پیام من به رییس‌جمهور عراق هم همین بوده و این نیاز به همکاری همه کشورهای اسلامی دارد که دریچه‌ای که باز شده، بسته نشود. با آنچه که اتفاق افتاده، نیروهای مقابل عراق هم در بوته آزمایش روشنی قرار می‌گیرند. اگر حسن نیت داشته باشند، باید به اثبات برسانند که هدف، خاتمه اشغال کویت است.»

۱ - وزیر امورخارجه بورکینافاسو، در این دیدار، با اشاره به سابقه شروع روابط دو کشور در شرایط حساس جنگ تحمیلی، حمایت‌های این کشور از سیاست‌های جمهوری اسلامی را در شورای امنیت سازمان ملل، کنفرانس

رفع مشکلات‌شان استمداد کرد. نامه رییس‌جمهورشان را آورده بود و از سیاست‌های ما حمایت نمود.

آقای [محسن]رفیق‌دوست، [رییس بنیاد مستضعفان و جانبازان]آمد و برای وارد کردن کامیون و همچنین ورود سیمان، ارز خواست. برنامه کار اولین اجلاس دور دوم مجلس‌خبرگان را برای روز چهارشنبه تنظیم کردیم. عصر شورای اقتصاد جلسه داشت. تصمیماتی دربارهٔ قیمت گاز مایع و همچنین تعرفه حمل مسافر و بار گرفته شد. شب به خانه آمدم.

سه‌شنبه ۳۰ بهمن ۱۳۶۹ | ٤ شعبان ١٤١١ — ۱۹ فوریه ۱۹۹۱

صبح زود همراه محسن و یاسر، برای بازدید از صنایع نظامی رفتیم. [آقای اکبر ترکان]، وزیر دفاع آمد و از منزل، در ماشین من سوار شد که در راه توضیح بدهد. از جاده اتوبان اختصاصی که وزارت دفاع، بین صنایع نظامی پاسداران و پارچین در حال احداث دارد، عبور کردیم؛ جادهٔ خوبی است.

از صنایع موشکی شهید همت بازدید کردیم. از کره شمالی، تکنولوژی ساخت موشک‌اسکاد- بی و سی را خریده‌ایم. مشغول مونتاژ به‌صورت اس. کی. دی[1] هستند و سپس سی. کی. دی و بعد، ساخت مستقل می‌شود. قبلاً خودمان مشغول کپی‌سازی بودیم

غیرمتعهدها و سایر مجامع بین‌المللی اعلام کرد و افزود: «دولت و ملت بورکینافاسو، همواره قاطعیت و مقاومت جمهوری اسلامی ایران را که شجاعانه در جنگ تحمیلی ایستاد، تحسین می کنند.» سپس آقای هاشمی از مواضع مثبت این کشور در مجامع بین‌المللی قدردانی کرد و توسعه روابط با کشور بورکینافاسو را مورد تأکید قرار داد. ایشان با اظهار خرسندی از چشم‌انداز روشنی که در راه‌حل مشکل منطقه خلیج فارس مشاهده می شود، گفت: «خوشبختانه اقدامات جمهوری اسلامی، نتایج مثبتی در برداشته و عراق اعلام آمادگی کرده است که از کویت خارج شود و باید تلاش‌ها با کمک سایر کشورهای اسلامی، همچنان ادامه یابد و متمرکز شود تا نیروهای مقابل عراق نیز حُسن‌نیت نشان دهند.»

۱ - اس.کی.دی SKD مخفف Semi knock Down، قطعات نیمه سوار شده وارداتی ، یا قطعاتی است که مونتاژ اولیه شده‌اند و پس از ورود به کشور، مونتاژ نهایی روی آنها صورت می‌گیرد. سی.کی.دی CKD مخفف Complete Knock Down، بسته‌ای کامل، شامل تمام قطعاتی است که برای تولید یک وسیله، باید مونتاژ شود.

که از آن سابقه هم، به خوبی استفاده کرده‌ایم.

اولین موشک اسکاد- بی آماده شده بود. از لانچری که خودمان برای پرتاب آنها ساخته‌ایم، بازدید کردیم؛ جالب بود. به مجتمع نظامی صیاد، کنار جاده دماوند رفتیم؛ مجتمع عظیمی است. چندین محصول نظامی و غیر نظامی دارد. تازه افتتاح می‌شود. بازدید تا ظهر طول کشید. بقیه برنامه بازدید را به خاطر ملاقات با هیأت عراقی، حذف کردیم.

با هلی‌کوپتر به دفتر برگشتیم. آقای طارق عزیز، وزیر امورخارجه عراق و هیأت همراه به ملاقات آمدند؛ از مسکو برگشته‌اند. علل بیانیه اخیر عراق، سفر به شوروی، مذاکرات با گورباچف، برنامه آینده عراق، مسایل جنگ و وضع عراق را توضیح داد. از اینکه جواب مساعد را به روس‌ها داده‌اند و نه به ما، به نوعی عذرخواهی کرد، ولی به نظر ما کار درستی کرده‌اند، چون برای ما امکان مذاکره با آمریکا، برای تأمین خواسته عراق نیست و اهرمی



ملاقات با طارق عزیز وزیر امور خارجه عراق

هم برای فشار نداریم.

جلسه خصوصی هم داشتیم. با صراحت گفتیم که به نظر ما عراق شکست می‌خورد.

اگر بنا دارید روزی تسلیم شوید، بهتر است زودتر اقدام کنید که این همه فساد و خرابی به بار نیاید. بالاخره جواب صریحی نداد که آیا نهایتاً می‌پذیرند یا نه؟ ولی فعلاً حاضر نیستند، بدون قید و شرط از کویت خارج شوند.

پیام گورباچف، به صدام این است که اعلان کنند بدون شرط از کویت خارج می‌شوند؛ ما هم همین پیغام را دادیم. بنا شد جواب را به ما بدهند. مشکل سوخت در عراق خیلی جدی است و از ما کمک می‌خواهند.

عصر نمایندگان ولی فقیه در سپاه آمدند و برای آنها صحبت کردم[۱]. [آقای صاحب‌زاده یعقوب‌خان]وزیر امورخارجه پاکستان آمد[۲]. برای شرکت در جلسه چند کشور اسلامی، عازم قاهره است؛ مشورت کرد و نظر خواست. گفتم سعی کنند اقدامی برای تشویق خروج

---

۱ - آقای هاشمی، از وجود نیروهای روحانی، در کنار نیروهای سپاه پاسداران، به عنوان یک تجربه موفق، هم در داخل سپاه و هم در حفظ و دفاع از انقلاب یاد کرد و مسئولان دفاتر نمایندگی ولی‌فقیه در سپاه پاسداران و اعضای سپاه را به‌خاطر این نعمت، دعوت به شکرگزاری از خداوند نمود و با اشاره به حضور فعال این نهاد در صحنه‌های انقلاب اسلامی، نقش سپاه پاسداران را به‌ویژه در ایام دفاع مقدس بسیار مهم توصیف کرد و اظهار داشت: «در جنگ تحمیلی، نیرویی وارد عمل شد که برای دشمن ناشناخته بود و اطلاعی از آن نداشتند و نیروهای این نهاد در طول جنگ موفقیت‌های مهمی کسب کردند. با توجه به‌اوضاع جاری منطقه، آرامش و ثبات، آن هم در شرایط کنونی منطقه، مرهون عوامل مختلفی است. سطح بالای آگاهی مردم، رهنمودهای‌حضرت امام (ره)، وجود رهبرمعظم انقلاب، صلاحیت‌هایی که تاکنون جمهوری اسلامی از خود نشان داده است، سابقه تاریخی کشورمان و وجود نهادهای‌انقلابی از جمله این عوامل است. در شرایط کنونی که اینگونه جمهوری اسلامی، در موضع انقلابی، حرف خودش را با اراده خودش می‌زند، این امر به صلابت، حسن اداره، صحت راه، قضاوت‌ها و موضع‌گیری‌های کشورمان اعتراف می‌کند.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های ۱۳۶۹»، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۹۲.

۲ - آقای صاحب‌زاده یعقوب خان، در این دیدار از تلاش‌های ایران، برای حل و فصل بحران منطقه و استقرار صلح در منطقه که به صورت مرکز شایسته ای برای تبادل نظرهای دیپلماتیک درآمده است، تقدیر کرد. وزیر امورخارجه پاکستان با اشاره به سفر خود به قاهره، برای شرکت در اجلاسی که با حضور برخی از اعضای سازمان کنفرانس اسلامی تشکیل می شود، گفت: «بی شک تلاش‌های جنابعالی برای تشکیل چنین کنفرانسی، جهت دستیابی به راه حل مناسبی برای توقف جنگ، به ثمر نشسته است که امیدوارم این کنفرانس نتایج خوبی در برداشته باشد.» آقای هاشمی نیز با ابراز خوشبینی نسبت به اقدام اولیه و مثبت عراق در پذیرش قطعنامه ۶۶۰ شورای امنیت گفت: «جمهوری اسلامی ایران، مصمم است همچنان به تلاش‌های خود برای یافتن راه حل مناسبی برای خاتمه این جنگ خانمان‌سوز ادامه دهد. این جنگ موجب انهدام منابع انسانی و اقتصادی فراوانی در کشورهای اسلامی شده است. امیدوارم اجلاس قاهره به نزدیک شدن مواضع دو طرف درگیر در منطقه خلیج فارس کمک نماید.»

عراق انجام شود. شورای‌عالی انقلاب فرهنگی جلسه داشت.

امروز با [آقای تورگوت اوزال]، رییس‌جمهور ترکیه، تلفنی مذاکره کردم و از او خواستم به چندملیتی‌ها بگوید، جواب مثبتی به این کار عراق بدهند؛ خیلی اصرار کرد که بفهمد موضع واقعی عراق و شوروی چیست؟ [آقای حافظ اسد]، رییس‌جمهور سوریه هم تلفن کرد و دنبال کسب اطلاع از موضع واقعی عراق بود؛ اطلاعات خوبی به ایشان دادم. شب برای انجام کارهای عقب مانده، در دفترم ماندم.

۱۰۰/۱۴۰۰۱

پیوست دارد

حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای هاشمی رفسنجانی
ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

احتراما" به‌پیوست گزارش قیمت عمده فروشی وخرده‌فروشی ۲۱ قلم محصولات تولیدی شیمیائی وسلولزی منتهی به‌آذر ماه سالجاری متضمن درصد تغییرات آن نسبت به آبانداه ۶۸ ونسبت به دوهفته قبل جهت استحضارتقدیم میگردد ۰/

با سلام

محمدرضا نعمت‌زاده
وزیرصنایع

گزارش وزارت صنایع در خصوص قیمت محصولات صنعتی در ۹ ماهه اول سال ۱۳۶۹

گزارش قیمت کالاهای منتخب مشمول ارزرقابتی 1

محصول	واحد محصول	قیمت خرده فروشی درآبان ۶۸	قیمت خرده فروشی در ۶۹/۱۰/۱	تغییرنسبت به آبان ۶۸(درصد)	تغییرنسبت به ۲ هفته قبل (درصد)
سلوفان ،نایلون ،نایلکس	کیلو	۲،۲۹۰	۱،۰۵۰/۰	- ۵۴/۱	- ۳/۶
ظروف پلاستیکی خانگی و صنعتی (بادی ،تزریقی)	"	۲،۶۰۰	۱،۰۲۰/۰	- ۶۰/۸	- ۱۰/۴
پودرملامین	"	۳،۱۵۰	۲،۱۰۰/۰	- ۳۳/۳	- ۳/۶
دستمال کاغذی	جعبه	۱،۴۵۰	۳۰۰/۰	- ۷۹/۳	- ۳۳/۳
نواربهداشتی	بسته	۶۰۰	۳۲۰/۰	- ۴۶/۷	- ۲۸/۹
پوشک	"	۱،۵۰۰	۷۵۰/۰	- ۵۰/۰	- ۱۶/۷
لوله اتصالات PVC	کیلو	۲،۰۰۰	۷۵۰/۰	- ۶۲/۵	+ ۰/۹
مشمع PVC	"	۲،۲۰۰	۸۰۰/۰	- ۶۳/۶	- ۵/۰
ورق اکریلیک ولوازم بهداشتی	ورق		۲۹،۷۰۰/۰	۰/۰	- ۹/۱
سنباده	رول		۵۱،۰۰۰/۰	۰/۰	۰/۰
ورق چندلا	ورق	۱۳،۰۰۰	۵،۵۰۰/۰	- ۵۷/۷	۰/۰
نئوپان	"	۳۲،۰۰۰	۱۷،۰۰۰/۰	- ۴۶/۹	۰/۰
دستکش خانگی	جفت	۱،۵۰۰	۷۹۵/۰	- ۴۷/۰	۰/۰
انواع شیلنگ	کیلو	۲،۲۰۰	۸۰۰/۰	- ۶۳/۶	- ۳/۸
کفپوش	"	۲،۲۰۰	۸۴۰/۰	- ۶۱/۸	- ۰/۲
کاغذحساس	رول	۸۰،۰۰۰	۲۶،۰۰۰/۰	- ۶۷/۵	- ۳/۷
رنگ روغنی	گالن	۲۲،۰۰۰	۹،۹۰۰/۰	- ۵۵/۰	۰/۰
رنگ پلاستیک	"	۱۲،۰۰۰	۷،۴۲۵/۰	- ۴۲/۹	۰/۰
کارتن (ورق)	مترمربع	۲۸۰	۳۰۰/۰	+ ۷/۱	+ ۲۵/۰ *
سرنگ	عدد	۱۵۰	۱۰۰/۰	- ۳۳/۳	۰/۰
سلوفان	کیلو	۱،۳۰۰	۱،۶۰۰/۰	+ ۲۳/۱	۰/۰

* ظرف دوهفته اخیرازسوی سازمان حمایت مبنای قیمت ازارزدولتی به ترجیحی تغییریافته است .

قیمت کالاهای مشمول ارز رقابتی در سال ۱۳۶۹

اسفند ۱۳۶۹



چهارشنبه ۱ اسفند ۱۳۶۹ | ۵ شعبان ۱۴۱۱ ۲۰ فوریه ۱۹۹۱

ساعت پنج و نیم صبح بیدار شدم. پیامی از طرف [آقای هِلموت کُهل]، رییس‌جمهور آلمان رسید که به عراقی‌ها اطلاع دهیم اگر خروج از کویت را صریحاً و بی شرط نپذیرند، به‌زودی حمله زمینی آغاز می‌شود. به‌دنبال آن از طرف [آقای فرانسوا میتران]، رییس‌جمهور فرانسه هم همین پیام آمد؛ به عراق منتقل کردیم.

تا ساعت هشت و نیم، کارها را انجام دادم. برای شرکت در اولین اجلاسیه دوره دوم [مجلس]خبرگان، به حسینیه امام خمینی رفتم. پیام رهبر، گزارش انتخابات، استقرار هیأت رییسه سنی و سپس انتخابات هیأت رییسه دایمی انجام شد که همان اعضای سابق، انتخاب شدند[۱]. اعضای کمیسیون‌ها هم انتخاب شدند.

عصر، پس از ملاقات ، به زیارت مرقد امام رفتیم و بعد از نماز و صحبت کوتاه من، به دفتر رهبری مراجعت کردیم. شب اعضای مجلس خبرگان مهمان من بودند. برایشان دربارهٔ اوضاع منطقه و جنگ و مسایل اقتصادی و حج صحبت کردم[۲]. آقای مشکینی[رییس مجلس خبرگان] هم، مقداری نصیحت و مؤعظه کردند. بعد از صرف شام و خداحافظی به خانه آمدم.

---

۱ - اعضای هیات رییسه دوره دوم مجلس خبرگان رهبری عبارت بودند از: آیت‌الله علی مشکینی(رییس)، آیت‌الله اکبر هاشمی رفسنجانی(نایب رییس اول) آیت‌الله ابراهیم امینی(نایب رییس دوم)، آیت‌الله سیدحسن‌طاهری خرم‌آبادی و آیت الله محمد مؤمن(منشی).

۲ - آقای هاشمی با اشاره به جایگاه والای مجلس خبرگان در نظام جمهوری اسلامی گفت: «امروز که نزدیک به دو سال از غیبت حضرت امام می گذرد، با سرافرازی می گوییم، پس از رحلت ایشان، با حمایت امت و ملت‌مان نگذاشتیم، اهداف ایشان فراموش شود. نگذاشتیم آنکه امام برای آن می سوخت و تلاش می کرد، از دست برود. خبرگان، امتحان خیلی خوبی داد و در میان همه نهادها یعنی مجلس، دولت و دستگاه قضایی و نهادهای انقلاب که همه وظایف‌شان را به خوبی انجام می دهند، خبرگان درخشید. مجلس خبرگان در لحظه ای که کسی نمی‌دانست، پس از فقدان امام، چه سرنوشتی برای انقلاب بوجود خواهد آمد، پس از چند ساعت، علمای امت تصمیم گرفتند و شایسته‌ترین فرد را در میان روحانیت برای این مقام انتخاب کردند و یکپارچه در کنار حضرت آیت الله خامنه‌ای ایستادند و حمایت کردند و امروز می بینیم با گذشت بیش از یک‌سال بهترین انتخاب بود و از کارهایی که کرده ایم، کاملاً راضی هستیم.» رجوع کنید← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های ۱۳۶۹» ، دفتر نشرمعارف انقلاب، ۱۳۹۲.



رییس و نایب رییس مجلس خبرگان رهبری

امروز عصر، چند نارنجک صوتی به‌سوی سفارتخانه‌های ترکیه، ایتالیا و آلمان [در تهران] پرتاب شده است. شب آقای [علی]فلاحیان، اطلاع داد که یک نفر را به اتهام پرتاب نارنجک بازداشت کرده‌اند. خبر داد که طارق عزیز، [وزیر امورخارجه عراق]، امشب با جواب مثبت عراق به پیشنهاد شوروی، برای سفر به شوروی وارد تهران می‌شود.

پنج‌شنبه ۲ اسفند ۱۳۶۹ | ۶ شعبان ۱۴۱۱ ۲۱ فوریه ۱۹۹۱

از دیشب تا امروز عصر، باران خفیفی می‌بارید. ساعت هفت و نیم صبح به دفترم رسیدم. گزارش‌ها، خبر از نزدیک شدن جنگ زمینی می‌دهد. دکتر [عباس]شیبانی، [نماینده تهران]آمد؛ حرف مهمی نداشت.

آقای مرشد زاده، سفیر ایران در مالزی آمد. از پیشرفت روابط راضی است و از اینکه اخیراً دیپلمات‌های ما در خارج، مورد احترام و توجه هستند، تشکر کرد. آقای [عباس واعظ]طبسی، [تؤلیت آستان قدس رضوی]آمد. از هماهنگی در خراسان و برنامه‌های دولت

اظهار شادمانی کرد و از وضع مجلس، اظهار نگرانی نمود. پیشنهاد چاره‌جویی برای انتخابات آینده و انتخابات شوراها داشت. همچنین خواست که مطالبات آستان‌قدس رضوی از دولت پرداخت شود.

آقای [سیدجلال‌الدین]طاهری اصفهانی، [نماینده ولی‌فقیه و امام جمعه اصفهان]آمد. از استاندار اصفهان انتقاد خفیفی داشت. راجع به طلاهایی که از زمان جنگ، پیش ایشان مانده است،استفسار کرد؛ گفتم از رهبری بپرسد. از سیاست‌های دولت و اینکه ایران در دنیا جای مناسب خود را یافته است، تشکر داشت.

عصر ستاد مبارزه با مواد مخدر جلسه داشت. قرار شد، در مبارزه با قاچاقچیان، از امکانات بین‌المللی استفاده کنیم و با افغانستان و پاکستان هماهنگی داشته باشیم. قبول کردیم به جای جزیره هندورابی، جزیره فارور را که [سازمان عمران]کیش پیشنهاد کرده است، [برای اعزام معتادان مواد مخدر] بپذیریم. آیین نامه عفو زندانیان مواد مخدر هم تصویب شد.

سرشب [آقای یوسف بن علوی]، وزیر امورخارجه عمان به ملاقات آمد. پیام سلطان قابوس را دربارهٔ همکاری امنیتی منطقه داد و فرضیات گوناگونی در مورد عراق مطرح کرد. من هم نظرات کلی دادم. قرار شد با دکتر ولایتی صحبت کنند. خبر داد که جنگ زمینی، اوایل هفته آینده با حمله متحدین به عراق شروع می‌شود. معتقد است حتی اگر صدام بپذیرد که بی قید و شرط از کویت خارج شود، باز نمی‌پذیرند، مگر اینکه حاضر شود اسلحه‌های سنگین را در کویت بگذارد و نیروهایش را ببرد. به خانه آمدم.

دکتر ولایتی، [وزیر امورخارجه]، تلفنی نتیجه مذاکرات با طارق عزیز را گفت. در فرودگاه مهرآباد مذاکره کرده‌اند؛ ولایتی از اروپا رسیده و او از بغداد. [طارق عزیز]گفته با چند سئوال برای کشف مقاصد آمریکایی‌ها، به شوروی می‌رود. براساس فرض خروج از کویت، به‌نظر می‌رسد روحیه خود را از دست داده‌اند، ولی اعلان صریح نمی‌کنند.

جمعه ۳ اسفند ۱۳٦۹ | ۷ شعبان ۱٤۱۱ ۲۲ فوریه ۱۹۹۱

از دیشب تا امروز عصر، بارش برف داشتیم. در اخبار صبح، خبر پذیرش طرح شوروی از

جمهوری اسلامی ایران

رئیس جمهور

بسم الله الرحمن الرحیم

حجت الاسلام و المسلمین جناب آقای کروبی

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

بنا به اصل یکصد و سی و سه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ، بدینوسیله جناب آقای دکتر رضا ملک زاده باتوجه به صلاحیت و سوابق برای تصدی وزارتخانه بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی جهت اخذ رای‌اعتماد از مجلس شورای اسلامی معرفی می‌شوند .

اکبر هاشمی رفسنجانی

رئیس جمهور

رونوشت :

- جناب آقای دکتر حبیبی معاون اول محترم رئیس جمهور جهت اطلاع
- جناب آقای مهاجرانی معاون محترم رئیس جمهور در امور حقوقی و مجلس

نامه معرفی وزیر جدید بهداشت به مجلس شورای اسلامی

سوی عراق در صدر اخبار است و خبر مهمی است. عراق بدون قید و شرط از کویت بیرون می‌رود. [میخائیل]گورباچف، [رهبر شوروی] با [جرج] بوش، [رییس‌جمهور آمریکا]، سی‌وپنج دقیقه در این باره صحبت کرده است، ولی آمریکا طرح را نپذیرفته و گفته است که با شرکای خود مشورت می‌کند.

دکتر ولایتی آمد. گزارش سفر به آلمان و فرانسه داد. هر دو کشور خواستار همکاری بیشتر با ایران هستند. [فرانسوا]میتران، [رییس‌جمهور فرانسه]، می‌خواهد به ایران بیاید تا اختلاف مالی حل شود. آلمان، آمادگی تکمیل نیروگاه بوشهر را اعلان کرده است. بوش رییس‌جمهور آمریکا، دیشب اعلان کرد که عراق، فقط تا ظهر شنبه به وقت واشنگتن، فرصت دارد از کویت بیرون برود.

دکتر [سیف‌الله]وحید [دستجردی]آمد. گزارش کمک به عراقی‌ها و پاکستانی‌ها و افغان‌ها را داد. برای وزیر جدید بهداشت، اسم چند نفر را پیشنهاد آورد. آمریکا اعلان کرده که عراق از امروز، شروع به تخریب وسیع مراکز و منابع نفتی کویت کرده است. اگر این خبر درست باشد، دلیل یأس عراق است. ادعا این است که تا این لحظه ۱۴۰ چاه نفت را عراقی‌ها به آتش کشیده اند و می‌سوزد. اگر درست باشد، آثار تخریبی بر محیط زیست خواهد داشت.

شنبه ٤ اسفند ١٣٦٩ | ٨ شعبان ١٤١١ — ٢٣ فوریه ١٩٩١

نزدیک ساعت نُه صبح به دفترم رسیدم. به خاطر برف در راه معطل شدم. مدیران صداوسیما آمدند. اخوی محمد، [رییس سازمان صدا وسیما]، گزارش داد و من برایشان مفصل صحبت نمودم[1]. [آقای یِتنگ فوچگ]، معاون وزارت امورخارجه چین آمد. پیام

---

۱ - در این دیدار، آقای هاشمی با اشاره به حساسیت و اهمیت صداوسیما، نسبت به‌سایر رسانه‌ها در کشور تأکید کرد: «صدا وسیما، تابع رهبری است و باید سیاست‌های نظام را که از فرامین رهبری سرچشمه می‌گیرد، ترویج کند. آگاه‌کردن هرچه بیشتر مردم، در کنار تشخیص نیازهای جامعه، از مهمترین وظایف صداوسیما است و صداوسیما با یک برنامه‌ریزی دقیق و به‌کارگیری روش‌های مختلف، باید مسایلی را که در کشور می‌گذرد، برای مردم تشریح و واقعیات را روشن کند. جریانات هفته‌های اخیر، نشان داد که یک حرکت سیاسی درست و منطقی، می‌تواند ←

[آقای شان کان]، رییس‌جمهور چین را آورد. از تلاش‌های صلح‌جویانه ما تشکر کرد و برای همکاری اظهار آمادگی نمود.[1]

دکتر [حسن]حبیبی برای امور جاری آمد. گفتم فردا شورای نگهبان در مقابل طرح مجلس، برای کاهش قیمت بنزین که برخلاف اصل ۷۵ قانون اساسی است، نظر بدهد. به آقای [احمد]جنتی، [عضو شورای نگهبان] هم تلفنی در این خصوص تذکر دادم.

عصر شورای‌عالی امنیت ملی جلسه داشت. دربارهٔ احتمال درگیری زمینی عراق و متحدین و سفر دکتر ولایتی به عمان برای بررسی راه‌های همکاری منطقه‌ای و کمک به مردم عراق مذاکره شد. شب با احمدآقا و دکتر ولایتی، مهمان آقای خامنه‌ای بودیم. مطالب مطروحه در جلسه شورای عالی امنیت ملی مطرح بود.

آقای [میخائیل]گورباچف، [رهبر شوروی] از مسکو تلفن کرد. مفصلاً مذاکره کردیم.[2]

حقانیت و راه درست ما را در دنیا بیشتر جلوه دهد. جمهوری اسلامی، پیام و حرف منطقی دارد و بایستی فعالانه سیاست حضور را در مجامع بین‌المللی دنبال کند و اگر به جریانات دنیا معترض است، با حرکت و حضور فعال مسایل را مطرح و حرف خود را بگویید.» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های ۱۳۶۹» ، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲ .

۱ - فرستاده ویژه رییس‌جمهور چین، به بحران جاری در خلیج فارس اشاره کرد و اظهار داشت: «جمهوری خلق چین، با توجه به مشترکات بسیار زیادی که در مواضع دو کشور ایران و چین، در قبال این بحران مبنی بر عقب نشینی عراق از کویت و خروج نیروهای خارجی از منطقه وجود دارد، از تلاش های کشور شما، به منظور حل و فصل مسالمت‌آمیز جنگ جاری، قاطعانه حمایت می کند و ما آماده ایم، به منظور جلوگیری از گسترش هر چه بیشتر این جنگ خانمان‌سوز، با کشور شما که موقعیت بسیار مهمی در منطقه دارد همکاری داشته باشیم و معتقدیم بعد از جنگ باید امنیت منطقه با شرکت کشورهای منطقه تأمین گردد.» آقای هاشمی ضمن تشکر از پیام محبت‌آمیز رییس‌جمهور خلق چین گفت: «اظهار تمایل چین برای خاتمه بحران جاری در منطقه به‌عنوان کشوری که در شورای امنیت سازمان‌ملل هم حضوری فعال دارد، قابل تقدیر و تشکر است. پاسخ مثبت عراق به درخواست خروج از کویت و رد آن از سوی آمریکا نشان می دهد، عراقی ها در مقابل تلاش‌های ایران و شوروی، عکس‌العمل خوبی از خود نشان داده اند، ولی به‌نظر می رسد آمریکا هدفی بیش از خروج از کویت را دنبال می کند. در غیر این صورت کشورهای متحد باید از خود حُسن نیت نشان دهند و از گسترش و تشدید جنگ در منطقه پرهیز کنند. امیدواریم با فرصت کمی که باقی است، دولت چین و سایر کشورهای علاقه مند تلاش بیشتری برای متوقف کردن جنگ انجام دهند.»

۲ - در این گفت وگوی تلفنی، آقای گورباچف با اشاره به اقدامات انجام شده و با بیان اهمیت و نقش جمهوری اسلامی ایران در کمک به این تلاش‌ها، برای پایان بخشیدن به جنگ خلیج فارس اظهار داشت: «در زمینه بحران

۲۷ دقیقه طول کشید. از اینکه در مذاکره با آمریکا به جایی نرسیده است، ناراحت بود و گفت با رؤسای کشورهای مؤثر و مهم دنیا، منجمله آلمان، انگلیس، ایتالیا و فرانسه صحبت کرده است که برای تشکیل جلسه اضطراری شورای امنیت[سازمان ملل] همکاری کنند. از من خواست که در این راه کمک کنم. گفتم اگر عراق عقب نشینی را شروع کند، ممکن است مشکل حل شود. بنا شد در این جهت هم تلاش کنیم.

به خانه آمدم. در اخبار شبکه دو تلویزیون آمد که آمریکا دستور حمله زمینی به نیروهای عراق را صادر کرده است.

یکشنبه ۵ اسفند ۱۳۶۹ | ۹ شعبان ۱۴۱۱ — ۲۴ فوریه ۱۹۹۱

ساعت شش صبح با زنگ آقای [سیدکمال]خرازی، [نماینده دایم ایران در سازمان ملل]، از نیویورک بیدار شدم. خبر داد که حمله زمینی متحدین به عراق آغاز شده ساعت هفت و نیم صبح به دفترم رسیدم. در گزارش‌ها نیروهای متحدین خبر شکستن خطوط دفاعی عراق را دادند.

اخیر، ما همیشه با جمهوری اسلامی ایران، تماس‌های نزدیک و مفیدی داشته ایم و نقش مثبت و مفید شما را برای حل مسالمت‌آمیز بحران ستایش می کنیم و امیدواریم جمهوری اسلامی ایران با همکاری کشورهای غیرمتعهد، بتواند راه‌حل مسالمت‌آمیزی برای خاتمه بحران پیدا کنند. با توجه به عدم پیشرفت در مذاکرات خود با رییس‌جمهور آمریکا، تماس‌هایی نیز با رؤسای کشورهای فرانسه، انگلیس، ایتالیا، آلمان که می توانند نقش مؤثری در خاتمه صلح‌آمیز این جنگ داشته باشند، برقرار کردیم و همچنان بر این تلاش‌ها ادامه خواهیم داد.» رهبر شوروی با ارائه پیشنهاد تشکیل اجلاس اضطراری شورای امنیت سازمان ملل، برای بررسی وضع جدید و اتخاذ یک راه حل اصولی و مسالمت‌آمیز به منظور پایان بخشیدن به جنگ خلیج فارس، بار دیگر خواستار تلاش هر چه بیشتر جمهوری اسلامی ایران در این زمینه گردید. سپس آقای هاشمی، با تشکر از تماس تلفنی آقای گورباچف و ضمن تقدیر از تلاش‌های ایشان در جهت صلح، اظهار داشت: «ما در روزهای اخیر، در جریان تلاش‌های جنابعالی هستیم. جمهوری اسلامی ایران برای پایان بخشیدن به این جنگ ویرانگر، همچنان به تلاش‌های خود ادامه خواهد داد و فردا از کمیته ویژه جنبش عدم تعهد که در تهران تشکیل جلسه می دهد، خواهیم خواست تا تمام تلاش‌های خود را در این زمینه متمرکز کنند. ما معتقدیم، عراق باید برای جلوگیری از خون‌ریزی و نشان دادن حُسن نیت خود، با یک اقدام عملی، نسبت به عقب نشینی از کویت اقدام کند و به این وسیله بهانه را از دست آمریکا و نیروهای متحدین بگیرد و همچنین نیروهای متحد، لازم است با برخورد مثبت خود، زمینه های عقب نشینی را فراهم نمایند.»



دیدار با وزیران امور خارجه چهار کشور جنبش عدم تعهد

[آقای عبدالله نوری]، وزیر کشور و معاونان و استانداران آمدند. برایشان صحبت کردم و سیاست‌های داخلی و خارجی و شرایط بین‌المللی و منطقه‌ای را گفتم[1]. [آقایان سیهافوم،

---

۱ - آقای هاشمی، ضمن تشریح وضعیت اقتصادی کشور گفت : «در مسایل اقتصادی، باید به طرف تعادل حرکت کنیم و این راهی است که انتخاب شده است. با اتخاذ این سیاست، تاکنون توانسته‌ایم بسیاری از مشکلات از جمله مشکل ریالی را حل کنیم و دولت اکنون مشکل ریالی ندارد و از رشد سرسام‌آور نقدینگی جلوگیری شده، مراکز تولیدی فعال گردیده و ورود تولیدات داخلی به بازار روزافزون است، به‌طوری که محتکرین دیگر از لحاظ اقتصادی صرفه‌ای نمی‌برند.در حال حاضر طرح‌های عقب‌مانده فعال شده، وضع مصالح ساختمانی خیلی بهتر از سال گذشته است و در حمل و نقل بهبود به چشم می‌خورد. گرچه هنوز از مشکلات جدی نظام است. اعتماد به سرمایه‌گذاری روبه بهبود است و وضع بانک‌ها خوب است. التهاب بازار کم شده، وضع ساختار مالی کارخانجات رو به بهبود است. صدور تولیدات صنعتی آغاز شده و در بسیاری موارد، دو نرخی و فسادهای ناشی از آن رخت بربسته و حرکت به سوی یک نرخی ادامه دارد. بسیاری از گره‌های کور اداری، در راه تجارت و تولید باز شده و گردنه‌ها صاف شده و یا در حال صاف شدن است. با برداشتن بسیاری از موانع از سر راه صادرات، اکنون کالاهای قابل صدور، به سهولت می‌تواند به خارج از کشور صادر شود.» ایشان با اشاره به نقش وزارت کشور در برگزاری انتخابات، براهمیت انتخابات سالم و بی‌طرفی کامل مسئولین تأکید کرد و افزود : «در انتخابات، رأی مردم مورد نظر است و با متخلفین برخورد

مُصیب‌جعفر و خاشبات]، سفیران آکرودیته لائوس، آلبانی و مغولستان بـه ملاقـات آمدنـد؛ مختصر و تشریفاتی بود. با آنها گرم گرفتم. [آقای مـک]، وزیـر امورخارجـه اتـریش آمـد. راجع به روابط دو طرفه و مسایل جنگ صحبت شد.

عـصر در جلسه هیـأت دولـت شـرکت کـردم. سرشـب، وزیـران امورخارجـه هنـد و یوگسلاوی و کوبا آمدند[1]. قرار است به عنوان اعضای کمیسیون ویژه جنبش عدم‌تعهد،

خواهد شد.» آقای هاشمی، در زمینه مسایل خارجی، بر سیاست اصولی جمهوری اسلامی، در زمینه‌های بین‌المللی تأکید کرد و تمایل کشورهای جهان را برای برقراری ارتباط با جمهوری اسلامی خاطرنشان ساخت و افزود: «بسیاری از کشورهای منطقه، به‌این نتیجه رسیده‌اند که بدون جمهوری اسلامی ایران، امنیت منطقه عملی نخواهد بود.» رجوع کنید ← «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های ۱۳۶۹»، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲ .

۱ - کمیته ویژه جنبش‌عدم‌تعهد، مرکب از وزیران امورخارجه یوگسلاوی، کوبا، قائم مقام وزیر خارجه هند و وزیر امورخارجه ایران که به منظور دستیابی به راه حل مسالمت‌آمیز جهت توقف جنگ جاری در خلیج فارس، در تهران تشکیل جلسه داده بودند، با آقای هاشمی ملاقات کردند. در این دیدار، ابتدا آقای «لونچار» وزیرامورخارجه یوگسلاوی به‌عنوان کشوری که ریاست جنش عدم تعهد را برعهده دارد،گزارشی از برگزاری اجلاس ویژه چهارجانبه ارائه کرد و گفت: «با توجه به مأموریتی که ۱۵ کشور عضو جنبش در اجلاس بلگراد به ما محول کردند، در تهران مذاکراتی مفید و سازنده به‌عمل آوردیم. ما از تلاش‌های ویژه جنابعالی در جهت توقف جنگ قدردانی می‌کنیم و متأسفیم که علیرغم همه تلاش‌ها، وضعیت جدیدی در جنگ پیش آمده و حمله زمینی از سوی متحدین آغاز شده است. ما امیدواریم، تلاش‌های جنبش عدم تعهد در این مرحله به نتیجه برسد و موفق به توقف جنگ شویم و آماده ایم در این زمینه به بغداد سفر کنیم و معتقدیم جمهوری اسلامی و شخص جنابعالی، نقش منحصر به‌فردی در تأمین صلح و ثبات در این منطقه خواهید داشت.» سپس آقایان «مالمیرکا» وزیر امورخارجه کوبا و «سینگ» قائم‌مقام وزیر امورخارجه هند، نگرانی عمیق خود را از وضعیت جدید منطقه وگسترش جنگ اعلام کردند و خواستار عقب نشینی عراق از کویت و نیروهای خارجی از منطقه شدند و از تلاش‌های جمهوری اسلامی تشکرکردند. سپس آقای هاشمی، با تشکر از تحرک جدید جنبش عدم تعهد و اجلاس چهارجانبه در تهران، گفت: «اظهار آمادگی سفر به بغداد از سوی شما آقایان، نشانهٔ جدی بودن این حرکت است و صمیمانه از این اقدام متشکرم. تلاش‌های فراوانی، قبل و بعد از شروع جنگ، توسط ایران برای جلوگیری و عدم گسترش جنگ به‌عمل آمده است. تلاش‌های فراوانی شد که کار به اینجا کشیده نشود، ولی متأسفانه در اثر محاسبات غلط عراقی‌ها که احتمال جنگ را ضعیف می دانستند، نصیحت‌ها و میانجی‌گری‌هایی که از طرف ما و برخی از کشورهای دیگر می شد، مؤثر واقع نگردید و زمانی به اشتباه و محاسبه خود پی بردند و انعطاف نشان دادند که دیر بود. در روزهای اخیر، برای چندین بار از طریق آقای طارق عزیز برای رییس‌جمهور عراق پیام فرستادم و بر مضمون پیام‌های گذشته تأکید کردم و معتقدم که باید بهانه را از دست آمریکا و نیروهای متحدین گرفت، زیرا آنها با طراحی های حساب شده و قدم به قدم برای مقاصد دیگری، غیر از خروج

همراه دکترولایتی به بغداد بروند؛ منتظرند ببینند صدام می‌تواند با آنها ملاقات کند، یا نه؟ اگر امکان ملاقات باشد، فردا می‌روند. مشورت کردند و از مواضع ما تشکر داشتند.

شب مهمان آقای خامنه‌ای بودم. راجع به آیندهٔ عراق، جنگ جاری، انتخاب شوراها، برنامه‌های رادیو و تلویزیون، مسایل اقتصادی و مجلس مذاکره کردیم. به خانه آمدم. اخبار کانال دو را گرفتم و خوابیدم.

دوشنبه ٦ اسفند ۱۳٦۹ | ۱۰ شعبان ۱٤۱۱ ۲۵ فوریه ۱۹۹۱

اخبار ضدو نقیض از جنگ زمینی عراق و متحدین می‌رسد. عراق مدعی دفع حملات و آنها مدعی پیشروی‌اند. ساعت نُه صبح، [آقای یحیی محمدزاده]، استاندار ایلام آمد. نیازهای استان را گفت و استمداد کرد. آقایان [علی‌اکبر]ناطق نوری و [محمدرضا] باهنر آمدند و راجع به انتخابات شوراها و مجلس تذکراتی دادند. آقای ناطق گزارش سفر به خارج را داد.

با ائمه جمعه و جماعات شیعه و سنی خراسان ملاقات داشتم. برای آنها صحبت کردم[1]. هیأت امنای کتابخانه ملی جلسه داشت. آقای [محمد]رجبی، به عنوان رییس کتابخانه تعیین شد. همچنین برای ساخت ساختمان جدید در [منطقه]عباس‌آباد[تهران] توصیه شد. چارت سازمانی [کتابخانه ملی] تصویب شد.

ظهر، عفت و فاطی و فائزه و علی، [فرزند فاطی] و حسن، [فرزندفائزه] و یاسر، مهمان

عراق از کویت تلاش می کنند. هدف اصلی کار شما، باید این باشد که جنگ متوقف شود و در تقسیم کاری که در تماس تلفنی آقای گورباچف با اینجانب عمل آمد، نیز بر این تلاش‌ها تأکید شد.»

۱ - در بخشی از این سخنرانی آمده است: «مردم به اتکای روحانیت در صحنه‌ها حضور دارند و روحانیت، رهبری فکری مردم را برای تحقق همه جانبه حکومت اسلامی برعهده دارد. انقلاب در طول حیات خود، در مقابل بحران‌های سختی مقاومت کرده است و امروز دنیا قضاوت می کند که انقلاب اسلامی ایران، در مقایسه با سایر انقلاب‌ها، علیرغم فشارها و تهاجمات خارجی و مشکلات داخلی، مسیر خود را به‌خوبی ادامه داده و بدون ابتلا به دیکتاتوری و کج‌روی، مسیر اولیه خود را دنبال می‌کند. دشمنان انقلاب به‌خاطر تغییر شرایط جهان و منطقه، در ماه‌های اخیر اعترافاتی در مورد حقانیت انقلاب اسلامی کرده‌اند و پشتیبانی و حمایت گذشته غرب و شرق از صدام را زیر سئوال برده‌اند.» رجوع کنید ← «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های ۱۳٦۹»، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲ .

شماره ۵۱۵۰۱
تاریخ ۶۹/۱۲/۶
پیوست ندارد

جمهوری اسلامی ایران

بسمه تعالی

ابرارجمندجناب حجت الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی
ریاست محترم جمهوری وشورایعالی دانشگاه آزاد اسلامی

سلام علیکم
پیرونامه شماره ۴۹۸۹۲ مورخ ۶۹/۱۱/۱ تصویرنامه شماره نب ۴۹۱۷ مورخ ۶۹/۱۱/۱۶ مدیریت نظارت اموربانکها که درجوابیه نامه اشاره شده فوق که بهجناب آقای دکترعادلی مرقوم فرمودهبودید : خودتان پیگیری کنیدوکارشان انجام شود) جهت استحضاربه پیوست ایفادمیگردد .

همانطوریکه مسبوق هستیداصولا سیستم بانکی کشوربا استفاده ازمکانیسم نوسانات سپردههای مختلف ودرراستای اجرای سیاست های پولی برنامههای اقتصادی نسبت به تخصیص اعتبارات اقدام مینماید وبه غیرازسپردههای بلندمدت پرهزینه ازمنابع دیداری که درحسابهای بانکی متمرکزاست ، سیستم بانکی میتواندتسهیلات ارزان قیمتی آنهم بمنظوراشاعه علم وفرهنگ وتربیت کادرهای متخصص موردنیازجامعه دراختیاردانشگاه قراردهد .

لذاعنوان کردن تسهیلاتیکه بانرخ ۸٪ آنهم فقط سهمیلیارد ریال درسال ۱۳۶۶ به این دانشگاه اختصاص داده شده وقبلا جذب گردیده بهیچوجه نمیتواندمشکل تامین فضای آموزشی بیش از ۱۰۰ واحد دانشگاهی درسراسرکشورراکه اغلب درشرایط بسیارنامساعدبه امرآموزش عالی اشتغال دارندمرتفع کند وازطرفی تحمل پرداخت ۱۴ درصدسودبادرنظرگرفتن خصوصیات سرمایه گذاری درامرآموزش که زیربناشی محسوب شده وبازدهی آن بسیارکنداست ، برای دانشگاه مقدورنمیباشد . ازاینروخواهشمنداست دستور فرمائید موضوع رامجددا " موردبررسی قرارداده وحداقل این دانشگاه که ازبودجه دولت هم استفاده نمیکند بتواندبانرخ سودمشابهاشیکه برای سایردانشگاهها درنظرگرفتهمیشوداز تسهیلات بانکی جهت ایجادفضاهای آموزشی وخوابگاه دانشجویان استفاده نماید ./ غ ۱۱/۳۰

عبدالله جاسبی
رئیس دانشگاه آزاد اسلامی

ورود به دبیرخانه دفتر رئیس جمهور
شماره ۱۱۲۶۴۷
تاریخ ۱۳۶۹/۱۲/۸

تاریخ ۱۳۶۹/۱۲/۸
شماره

۱۳۶۵۱۶

آدرس : تهران ـ پاسداران نیستان نهم ـ تلفن ۲۲۲۶۶۷ منطقهٔ پستی ۱۹ ـ صندوق پستی ۱۹۵۸۵/۴۶۶

درخواست رییس دانشگاه آزاد اسلامی و دستور جالب رییس جمهور

من بودند؛ غذای درستی نداشتیم. دکتر ولایتی اطلاع داد که هیأت غیرمتعهدها، به خاطر ندادن وقت ملاقات صدام، به عراق نمی‌روند. عصر، شورای اقتصاد جلسه داشت. دربارهٔ ارز هواپیمایی و نرخ بلیت‌ها تصمیم گیری شد.

سه‌شنبه ۷ اسفند ۱۳۶۹ | ۱۱ شعبان ۱۴۱۱ — ۲۶ فوریه ۱۹۹۱

خبر اعلان عقب‌نشینی عراق از کویت، همه را بهت‌زده کرده است. تصور نمی‌شد به این آسانی و زودی از پای درآید. فکر می‌شد نقطه ضعف چند ملیتی‌ها در جنگ زمینی باشد که برعکس درآمد. بدتر اینکه متحدین، اعلان عراق را نپذیرفتند. اول گفتند که شخص صدام بگوید و پس از آنکه صدای صدام، از رادیو عراق پخش شد، گفتند باید تمام دوازده قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل را بپذیرد.

مدیران شهرداری تهران آمدند. برایشان صحبت کردم[1] و برای عمران تهران و سرعت کار تشویق‌شان کردم. آقای راجیو گاندی، نخست‌وزیر اسبق هند آمد؛ مذاکرات طولانی راجع به جنگ و آینده عراق و منطقه و روابط دو جانبه و وضع هند داشتیم. در خصوص

۱- آقای هاشمی، ضمن تشکر از زحمات و تلاش‌های کارکنان شهرداری تهران در انجام کارهای عمرانی و زیربنایی، بر تسریع حل مشکلات مردم و برخورد قاطع با تخلفات و بی‌قانونی‌ها تأکید کرد. ایشان با اشاره به مشکلات اداره شهر بزرگی مثل تهران که بی‌حساب رشد کرده و سازگاری با شهرسازی مدرن امروز ندارد، اظهار داشت: «یکی از مشکلات اساسی شهر تهران، انجام کارهای خلاف قانون است که باید با آن با قاطعیت برخورد شود و این کار باید همراه با شنیدن ملامت‌ها، فداکاری و صبر، با جدیت به پیش برود. تجاوز به معابر عمومی، سد معبرها، وجود کارگاه‌ها، کارخانجات و منابع مزاحم و آلوده کننده محیط زیست، عدم وجود فضای سبز لازم، غیراستاندارد بودنِ خودروها و نیاز شهر به لوله‌کشی‌های آب و گاز از اهم مشکلات شهر تهران است. یکی از کارهای خوبی که در یک سال گذشته در تهران به‌چشم می‌خورد، کارهای عمرانی و توجه به نظافت و زیبایی شهر است که باید همچنان با همکاری مردم ادامه یابد. باید تدبیری به‌خرج داد که در برخورد با مردم به‌گونه‌ای عمل شود که آنها در قاطعیت شما و نیز در دلسوزی شما شک نکنند. ایشان لزوم برخورد قاطع با کارکنانی که به عادت قدیم، پرونده‌های مردم را معطل می‌کنند، مورد تأکید قرار داد و افزود : «با کارمندان متخلف برخورد کنید و مأموران شایسته را مورد تشویق قرار دهید. کارمند خوب کسی است که کار امروز را به فردا موکول نکند و باید همواره به‌گونه‌ای عمل کنید که وقتی کسی به‌شهرداری مراجعه می‌کند، احساس کند به‌کار او با سرعت رسیدگی می‌شود.» رجوع کنید ← «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های ۱۳۶۹»، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲ .

مسایل مسلمین در هند و کشمیر توضیحاتی داد که اثبات کند، سیاست حزب کنگره همکاری با مسلمین است. دربارهٔ مسایل پاکستان، عراق، شوروی، چین و سریلانکا مفصلاً صحبت کرد.

شورای‌عالی محیط زیست جلسه داشت. دربارهٔ گازسوز کردن ماشین‌ها و اصلاح سیستم سوخت مصوباتی داشتیم. عصر در مراسم فارغ‌التحصیلی افسران ارتش در دانشکده نظامی شرکت کردم و صحبت کردم[1]. رژه و نمایش‌ها را دیدم و نشان‌ها و جوایز را دادم.

شب مجمع تشخیص مصلحت جلسه داشت. اشکال اراضی کشت موقت را که با اظهارنظر شورای نگهبان به‌وجود آمده بود، رفع کردیم. شب در دفترم ماندم.

چهارشنبه ۸ اسفند ۱۳۶۹ | ۱۲ شعبان ۱۴۱۱ ۲۷ فوریه ۱۹۹۱

در گزارش‌ها شکست و رسوایی عراق و بهانه‌جویی آمریکایی‌ها برای ادامه جنگ و تصرف جنوب عراق، با وجود اینکه ارتش عراق از کویت بیرون رفته است، جلب نظر

---

۱ - آقای هاشمی، تلاش‌های نیروهای مسلح در دوران جنگ را افتخارآمیز خواند و تأکید کرد: « نیروهای مسلح در طول جنگ، با کسب تجربه یک جهاد مستقل و خودکفا، توانایی‌های بسیار باارزشی به‌دست آوردند. با آموخته‌های باارزش به‌دست آمده در طول جنگ، می‌توان نیروهای بسیار توانمندی برای تقویت قوای مسلح تربیت کرد. تجارب گذشته به ما آموخته است که ارزش امکانات و توانایی‌های خود را بدانیم و آنها را آماده به‌کار نگه داریم و به‌موقع به‌کار گیریم. پشتیبانی ملت از نیروهای مسلح، از تجارب مثبت این نیروها بوده و ملت در تمام خطوط و صحنه‌های جنگ تحمیلی، نیروهای مسلح را یاری کردند و این مسأله، درسی خواهد بود که قوای نظامی در زمان صلح، ارتباطی صمیمی و نزدیک با ملت خود داشته و در بستر ملت رشد کنند. سرمایه با ارزش دیگر ارتش جمهوری اسلامی، قرارگرفتن تحت فرماندهی ولایت‌فقیه است و در سراسر جهان و تاریخ گذشته، هیچ ارتشی در دنیا از چنین ارزشی برخوردار نبوده است. این ارزش ضمن روشن کردن راه و ایجاد آرامش قلوب نیروهای مسلح به‌آنان اطمینان می‌دهد که حرکت‌شان در راه خدا می‌باشد و نتایج چنین تجربه‌ای در زمان کارزار و جنگ تحمیلی به‌وضوح قابل مشاهده بود.» ایشان با اشاره به تصدی فرماندهی کل قوا توسط حضرت آیت‌الله خامنه‌ای گفت: «ایشان در سخت‌ترین شرایط جنگ تحمیلی که دشمن تا اعماق استان‌های مرزی رسوخ کرده بود، اسلحه به‌دوش در صفوف رزمندگان و در میادین جنگ، مراتب ایثار و فداکاری خودشان را بروز دادند و امروز با توجه به اطلاعات و تسلطی که بر نیروهای مسلح دارند، با علاقه وافر، مسئولیت فرماندهی کل قوا را برعهده دارند.» رجوع کنید ← «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های ۱۳۶۹»، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲ .

می‌کند.

آقای دکتر حبیبی[معاون اول رییس‌جمهور] برای امور جاری آمد. آقای میرزاده، [معاون اجرایی رییس‌جمهور]، برای مسایل عمران جزایر و بازسازی و همچنین مسایل سیل‌زدگان زابل آمد. آقای [غلامرضا]فروزش، [وزیر جهاد سازندگی]آمد و گزارش وضع را داد و وام خواست. از وضع مراتع و جنگل‌ها و همچنین از وضع بد سازمان در زمان سابق و برنامه‌های جهاد سازندگی گفت.

دکتر [سیدحسن]فیروزآبادی، [رییس ستادکل نیروهای مسلح]آمد. وضع ستادکل را گفت. به عدم زیاده‌خواهی در مصرف بودجه توصیه کردم. دربارهٔ مسایل تسلیحات با کُره صحبت شد. مدیران طرح نیشکر خوزستان آمدند. گزارش پیشرفت کار را دادند و نیازها را گفتند؛ راضی‌اند.

امروز عراق ضعف دیگری نشان داد و پذیرفت که کویت جزو عراق نیست و حاضر است خسارت‌های کویت را بپردازد ولی آمریکایی‌ها باز هم قانع نشدند و به جنگ ادامه می‌دهند. صحبت از رفتن به سوی بغداد یا تصرف بصره است.

عصر برای انجام کارهای عقب مانده، به جلسه دولت نرفتم. تا ساعت هشت و نیم شب، کار کردم و به خانه آمدم.

پنج‌شنبه ۹ اسفند ۱۳۶۹ | ۱۳ شعبان ۱۴۱۱ — ۲۸ فوریه ۱۹۹۱

ساعت هفت و نیم صبح به دفتر رسیدم. مسایل جهانی از جنگ، به سوی آینده منطقه می‌رود و ذلت و خفت عراق مشهود است. آقای [عباس]شیبانی، [نماینده تهران]آمد. برای بیمارستان‌ها استمداد کرد و گفت وضع دکتر [رضا]ملک‌زاده در مجلس بد نیست. عقد ازدواج یکی از آزادگان را که در عملیات مرصاد اسیر شده بود، بستم و هدیه‌ای دادم.

[آقای غلامرضا آقازاده]، وزیر نفت آمد. گزارش قراردادهای جدید را در خصوص صنایع پتروشیمی و استحصال گاز مخازن مشترک با قطر را داد. مجموعاً از حدود پنج میلیارد دلار فاینانس[= اعتبار خارجی] استفاده کرده است. یک میلیارد دلار دیگر می‌تواند انجام دهد. قرار شد اعلان کند که آماده همکاری در خاموش کردن چاه‌های نفت مشتعل

کویت و عراق هستیم. می‌گویند بیش از پانصد چاه را عراقی‌ها و تعدادی را چند ملیتی‌ها آتش زده‌اند.

دکتر [گودرز]افتخار جهرمی، [سرپرست دفتر خدمات حقوقی ریاست جمهوری]آمد. گزارش کار دادگاه لاهه را داد. برای مطالبه طلب‌هایمان از اسرائیلی‌ها که از زمان پیش از انقلاب مانده، وکیلی گرفته است. پیشنهاد گرفتن ۲۸۰ میلیون دلار از آمریکایی‌ها داشت که دادگاه حکم کرده، در عوض بعضی از سلاح‌ها که در آنجا داریم، بپردازند.

جمعی از علمای جامعه مدرسین[حوزه علمیه قم]آمدند. از اجرای قانون شوراها و احتمال تأثیر آن بر انتخابات مجلس، اظهار نگرانی کردند و مجلس را به عنوان مزاحم سیاست‌های نظام، مورد انتقاد قرار دادند و اظهار عدم اطمینان از بدنه وزارت کشور نمودند. [آقای رابینسون چونگو]، وزیر صنایع و تجارت زامبیا به ملاقات آمد. دربارهٔ توسعه روابط صحبت شد.

عصر [اقای سیدحسین مرعشی]، استاندار کرمان آمد. از بهتر شدن وضع امنیت منطقه و همچنین از صنایع مورد توجه برای احداث در استان گفت. شورای عالی امنیت ملی جلسه داشت. با توجه به شکست عراق، دربارهٔ آینده عراق، امنیت منطقه و خروج نیروهای بیگانه مذاکره و تصمیم‌گیری شد. قرار شد جواب پیام آمریکا را که از طریق سفارت سوئیس فرستاده است و نظر ما را دربارهٔ آینده منطقه خواسته، بدهیم و بگوییم خروج نیروهای بیگانه و همکاری کشورهای منطقه، براساس بند ۸ قطعنامه ۵۹۸ باشد و از دبیرکل سازمان‌ملل بخواهیم که برای اجرای بقیه بندهای قطعنامه عمل کنند.

شب آقای [علی]فلاحیان آمد و گزارش اطلاعاتی داد. به خانه آمدم. عفت و مهدی و محسن بودند. مهدی مهمان داشت. شام از بیرون آوردند. عفت از اینکه پیش‌بینی‌اش در مورد زمان جنگ، نزدیک به واقعیت بوده، گفت.

جمعه ۱۰ اسفند ۱۳۶۹ | ۱۴ شعبان ۱۴۱۱ — ۱ مارس ۱۹۹۱

در منزل بودم. وقت به مطالعه و استراحت و پیاده‌روی در حیاط منزل گذشت. اول شب آقای تورگوت اوزال از ترکیه تلفن کرد و دربارهٔ آینده عراق و شخص صدام، نظر ما را

خواست؛ نظر صریحی ندادم و سئوال را به خودش برگرداندم. گفت، آمریکایی‌ها صدام را تحمل نمی‌کنند و مناسب هم نیست، چون این همه مشکل برای مردم منطقه به‌وجود آورده است و بنا ندارند به زور اسلحه او را سرنگون کنند، ولی فشار سیاسی و اقتصادی وارد می‌کنند.

از من خواست که برای انجام مذاکرات و در جواب سفر او، به ترکیه بروم. گفتم کسی را می‌فرستم. مسأله مهم، جانشین صدام است. در رسانه‌های غربی، مسالهٔ پناهندگی صدام به الجزایر مطرح شده است. به نظر می‌رسد، بنا نیست صدام را تحمل کنند.

شنبه ۱۱ اسفند ۱۳۶۹ | ۱۵ شعبان ۱۴۱۱ — ۲ مارس ۱۹۹۱

امروز، نیمه شعبان، تعطیل است . در خانه بودم. وقت به مطالعه و استراحت و قدم زدن در حیاط خانه گذشت. آیت‌الله خامنه‌ای، در سخنان امروز خودشان، به شدت به آمریکا و صدام حمله کرده‌اند. در تبلیغات غربی‌ها، خبرهای گوناگون از شورش در بصره خبر می‌دهند.

شب، آقای محسن رضایی، [فرمانده کل سپاه پاسداران]، خبر داد که چند نفر از مأموران ما از بصره خبر می‌دهند که مأموران دولت مرکزی، از بصره اخراج شده و مردم اداره شهر را به‌عهده گرفته‌اند. مردم در کنار مرز آمده و از ما کمک می‌خواهند. غذا و دارو به آنها داده شده است.

یکشنبه ۱۲ اسفند ۱۳۶۹ | ۱۶ شعبان ۱۴۱۱ — ۳ مارس ۱۹۹۱

دیشب، قطعنامه جدیدی در شورای امنیت سازمان ملل تصویب شده که کار عراق را مشکل‌تر کرده است. ساعت هشت و نیم به دفترم رسیدم. در اثر تراکم خودروها در مسیر معطل شدیم؛ معمولاً نیم ساعت بین خانه و دفتر طی می‌شود و امروز سه ربع ساعت کشید.

آقای [محسن]رضایی اطلاع داد که قیام مردم در بصره اوج گرفته و به شهرهای العِماره، ناصریه و سَماوه هم کشیده و از ما کمک می‌خواهند؛ گفتم در حد غذا و دارو

بدهند.

دکتر [محسن] نوربخش آمد. گزارش مذاکرات آقای عسکری با مسئولان عربستان سعودی را داد و گفت از وعده‌های کمک مالی که قبلاً داده بودند، عقب زده‌اند و می‌گویند باید مسایل حج و رابطه سیاسی از مسایل مالی جدا شود و معتقدند با شکست سریع عراق، شرایط عوض می‌شود. گفتم از اول هم برای من معلوم بود که ادعای عسکری پایه‌ای ندارد و برای آزمایش موافقت کردم که مذاکره کنند.

آقای[مسعود روغنی]زنجانی، [رییس سازمان برنامه و بودجه]آمد. گزارش سفر به رومانی و موضوعاتی را که برای همکاری توافق کرده‌اند، داد. آقای[علاءالدین] بروجردی‌آمد و گزارش سفر به ترکیه و مذاکره با آقای تورگوت اوزال را داد. او خیلی صریح صحبت کرده و گفته است که صدام و بعث عراق باید بروند. دربارهٔ جانشینی آنها طرح روشنی ارائه نکرده و خواستار حکومت فدرال عرب، کرد و تُرک بوده و خواستار مشاوره نزدیک‌تر با ایران شده است.

آقای [حسین]صادقی، سفیرمان در کویت آمد. عازم عربستان سعودی است که در طایف با امیرکویت ملاقات کند و از آنجا به کویت برود. پیام شفاهی دادم و برآمادگی در همکاری برای ترمیم خرابی‌ها، مخصوصاً اطفای چاه‌های نفتِ آتش‌گرفته تأکید کردم.

سران شیعه مجاهدان افغانستان آمدند. برایشان صحبت کردم[1] و دعوت به وحدت نمودم. تلفنی با آقای [جولیو]آندرئوتی، نخست‌وزیر ایتالیا صحبت کردم. ایشان تأکید

---

۱ - در این دیدار که شرکت‌کنندگان در سمینار مجمع شیعیان افغانستان، حضور داشتند، آقای هاشمی گفت : «دنیا به صلابت مردم مسلمان افغانستان اعتراف کرده است و مجاهدین مسلمان افغانستان توانسته‌اند با دست خالی یک ابرقدرت را به‌زانو درآورند. متأسفانه مسایل اخیر خلیج‌فارس، مساله افغانستان را تحت‌الشعاع قرار داد، ولی رهبران و مردم مسلمان افغانستان، باید با وحدت و هماهنگی راه خود را ادامه دهند. مجاهدین مسلمان، باید با وحدت حولِ محور اسلام و اتکای به‌آن، اختلافات جزئی را کنار بگذارند و با روحیه سختکوش و فداکار مردم افغانستان، کشور خود را بسازند و برای به پایان رساندن راهی که آغاز کرده‌اند، بر تلاش و مجاهدت خود بیافزایند و به نیروهای خارجی و بیگانه نیز امیدی نداشته باشند زیرا آنها همواره مطامع و اهداف شوم خود را دنبال می‌کنند.» رجوع کنید ← «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های ۱۳۶۹»، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲ .

داشت که در سازمان ملل، مشغول تلاش جهت اجرای بند ۸ قطعنامه ۵۹۸ [1] است که خواسته ما است و من تأکید کردم کمک کنند تا طرح امنیتی برمنطقه تحمیل نشود.

عصر در جلسه هیأت دولت شرکت کردم. شب با آیت‌الله خامنه‌ای جلسه داشتم. در ارتباط با سخنان ایشان در مراسم دیروز مذاکره شد. دربارهٔ آینده عراق و حرکت‌های مردمی در بصره هم مذاکره کردیم. به خانه آمدم. امروز نظامی‌های عراقی و آمریکایی در جنوب عراق مذاکره داشته‌اند؛ وضع عراقی‌ها تحقیر آمیز بوده است.

دوشنبه ۱۳ اسفند ۱۳۶۹ | ۱۷ شعبان ۱٤۱۱ — ٤ مارس ۱۹۹۱

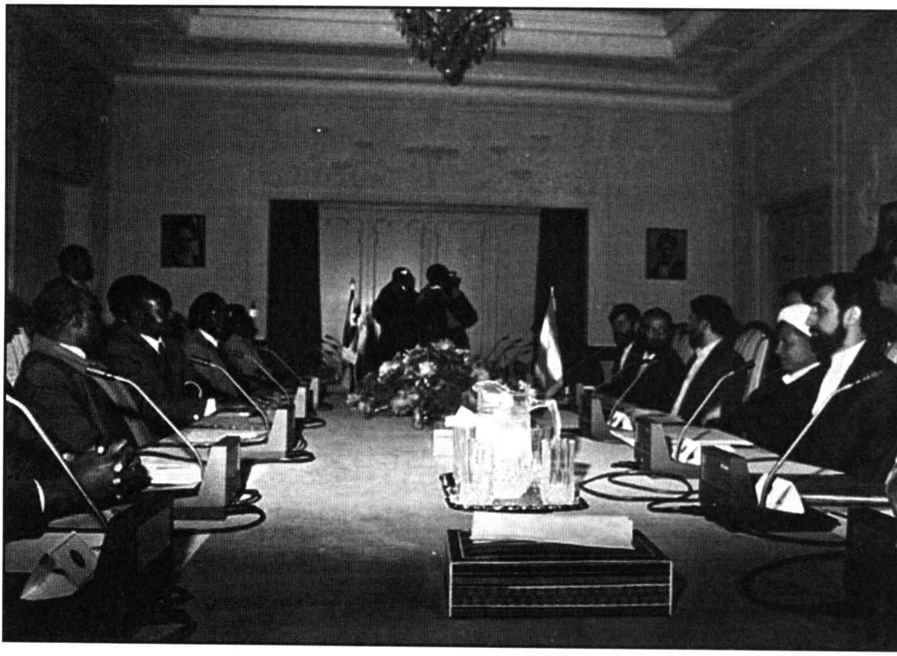
دکتر [رضا]ملک‌زاده، [سرپرست وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی]آمد. دربارهٔ مطالبی که فردا می‌خواهد در مجلس بگوید، مشورت کرد و برنامه خود را گفت. آقای [ابوالفضل]توکلی‌بینا، [مشاور رییس‌جمهور در امور اصناف]آمد. از کم توجهی به مشاوران گله داشت و خواستار ارجاع کار و اطلاعات بیشتر و شرکت در جلسات مربوطه شد.

آقای [محمدباقر]مُهری، امام جماعت شیعیان کویت آمد. گزارشی از وضع شیعیان کویت و ایرانیان مقیم کویت داد و دربارهٔ کیفیت برخورد با دولت کویت مشورت کرد و برای مشکلات ایرانیان آواره از کویت استمداد کرد. قرار شد از محل کمک دولت کویت بپردازیم.

در جلسه شورای اقتصاد شرکت کردم. خرید کالاهای اساسی در دستور بود؛ حدود دومیلیارد و سیصد میلیون دلار تصویب شد. برای استقبال از [آقای یوری مُوسُوینی]، رییس‌جمهور اوگاندا و هیأت همراه که چند وزیر هستند، به فرودگاه مهرآباد رفتیم. با تأخیر، نزدیک ساعت شش بعد از ظهر رسیدند؛ قرار بود ساعت چهار وارد شوند.

---

۱ - در بند ۸ قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل، چنین آمده است: «همچنین از دبیرکل درخواست می‌کند از طریق مشورت با ایران و عراق و سایر کشورهای منطقه، راه‌های افزایش امنیت و ثبات منطقه را بررسی کند.»



مذاکرات دو جانبه رییس جمهور اوگاندا

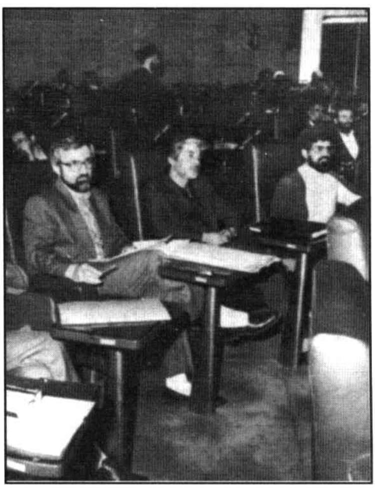
مصاحبه کوتاهی در پاویون انجام دادیم[۱] و در یک ماشین به دفترم آمدیم. مذاکرات دوستانه‌ای در راه داشتیم. یک ساعت وقت استراحت به آنها دادیم و من برای نماز رفتم. سپس با [آقای فرانسوا میتران]، رییس‌جمهور فرانسه، تلفنی صحبت کردم؛ گرم و دوستانه و با تفاهم بود.[۲]

۱ - آقای یوری مُوسُوینی، رییس‌جمهور اوگاندا، در گفتگو با خبرنگاران گفت که در تهران، مقامات ایرانی را در جریان فعالیت‌های سازمان وحدت آفریقا قرار خواهد داد و در ضمن مذاکراتی پیرامون برخی زمینه های همکاری مشترک به‌عمل خواهد آورد. آقای هاشمی نیز با بیان علاقه مندی جمهوری اسلامی ایران به گسترش روابط با کشورهای جهان‌سوم، به‌ویژه کشورهای آفریقایی و برشمردن سیاست‌های ایران در این ارتباط، از سفر رییس‌جمهور اوگاندا به تهران استقبال کرد و اظهار امیدواری نمود که این سفر به بسط مناسبات دو کشور بیانجامد.

۲ - رییس‌جمهور فرانسه گفت: «بند هشت قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل، مبنای خوبی برای حل مسایل مشکلات منطقه خلیج فارس و تنظیم ساختار امنیتی آن است و منطبق با سیاست خارجی فرانسه می باشد.» براساس این بند، دبیرکل سازمان ملل به مشورت با جمهوری اسلامی ایران و عراق و دیگر کشورهای منطقه تدابیر لازم را برای افزایش امنیت و ثبات در منطقه مورد بررسی قرار می دهد. آقای میتران در گفتگوی تلفنی رؤسای جمهور ایران و فرانسه، همچنین دیدگاه آقای هاشمی، مبنی بر حل مسایل منطقه خلیج فارس توسط کشورهای منطقه را مورد تأیید قرار داد. آقای

اولین دور مذاکرات رسمی با رییس‌جمهور اوگاندا انجام شد. سپس با هم سر میز شام رفتیم. سخنرانی رسمی دو طرف انجام شد و همراه خبرنگاران، مذاکرات گوناگون راجع به اوضاع اوگاندا داشتیم. در یک ماشین با اسکورت رسمی تا کاخ سعدآباد، با هم رفتیم. دربارهٔ منابع اوگاندا و نیازها و مشکلات و مسایل آفریقا و کشورهای مجاور اوگاندا، مذاکرات سودمندی داشتیم.

سه‌شنبه ۱۴ اسفند ۱۳۶۹ | ۱۸ شعبان ۱۴۱۱ ۵ مارس ۱۹۹۱

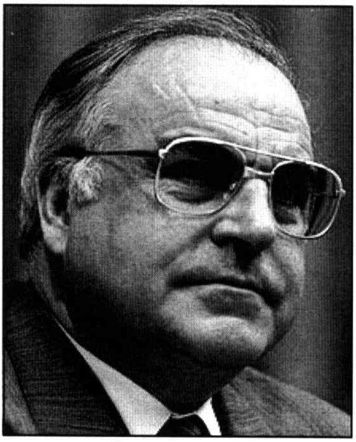

جلسه تقاضای رای اعتماد برای وزیر بهداشت جدید

ساعت هشت و نیم صبح، برای معرفی آقای دکتر [رضا] ملک‌زاده، وزیر بهداشت، به مجلس رفتم. صحبت کوتاهی کردم[1] و بیرون آمدم. مراجعه نمایندگان برای کارها زیاد بود و جز یک مخالف، کسی در مخالفت صحبت نکرد و رأی اعتماد خوبی آورد. مجلسی‌ها، از استیضاح‌شان خیری ندیدند.

مدیران کمیته امداد امام آمدند. گزارش

↩هاشمی در این تماس تلفنی، با اشاره به مسایل حساس منطقه، گفت: «ما معتقدیم مسایل منطقه باید در داخل منطقه و توسط کشورهای عضو حل شود و هر طرحی که از خارج بر منطقه تحمیل شود، محکوم به شکست است. ما امیدواریم فرانسه و دیگر کشورهای اروپایی، در این زمینه تلاش نمایند تا هر چه سریع‌تر صلح و امنیت به منطقه بازگردد.»

۱ - ایشان با اشاره به اینکه دکتر ملک‌زاده، در سال‌های بعد از انقلاب، در پست های حساسی بوده است، گفت: «زبردستی و هوشیاری انقلابی وی مورد قبول همه است و ایشان توانایی انجام مسئولیت مذکور را داراست. آشنایی به امور آموزشی، درمانی و علاقه‌مندی برای رسیدگی به نقاط محروم، از مشخصه های بارز دکتر ملک‌زاده است. وی می‌تواند با همکاری و کمک مجلس، بعضی از گره‌های مسایل درمانی کشور را حل کند. امیدوارم در شرایط حساس کنونی، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی بدون وزیر نماند و نمایندگان در بحث های خود، مراعات مسایل اخلاقی و سیاسی را کرده و به دنبال وحدت نیروهای اسلامی باشند.»


هلموت کهل صدر اعظم آلمان غربی

دادند و از سیاست‌های دولت به گرمی حمایت کردند. برایشان صحبت کردم[1]. فرماندهان سپاه حفاظت آمدند. برای آنها صحبت تشویق‌آمیز کردم.[2] وزیران امورخارجه، اطلاعات، کشور، فرمانده کل سپاه و دکتر[حسن]روحانی آمدند. سیاست کیفیت برخورد با قیام مردم [جنوب]عراق، مورد بررسی و تصمیم گیری قرار گرفت.

عصر کارهای دفتر را انجام دادم و گزارش‌ها را خواندم. سرشب با آقای [هلموت]کُهل، صدراعظم آلمان، تلفنی دربارهٔ

---

۱ - در بخشی از این سخنرانی آمده است: «کمیته امداد امام خمینی، با این همه خدمات، نفوذ و حضور خود، هیچ‌گاه با شعارها و حرف‌های پرجاذبه، از موقعیت خود سوءاستفاده سیاسی نکرده است. مسئولین اصلی کمیته امداد، از مجاهدینی هستند که از روز اول نهضت اسلامی به‌دنبال جهاد و مبارزه و راه امام بوده و عمر خود را در زندان گذرانده‌اند. از نخستین روزهای انقلاب و دوران طولانی اعتصاب و کم‌کاری‌ها که بسیاری از مردم براثر انقلاب با مشکل روبرو شده بودند و متلاشی شدن نظام اقتصادی رژیم گذشته و بعد تحمیل جنگ، افراد مخلصی با تلاش دلگرم کننده خود، به یاری محرومین و مستضعفین شتافتند. اگر کمیته امداد امام در سیاست خودکفایی انسان‌های محروم موفق شود و بتواند ۳۰۰ هزار دانش‌آموز تحت پوشش خود را از طریق رشد استعدادهای‌شان و یافتن حرفه و فن مناسب یاری کند، به‌تحرک عظیمی دست خواهد یافت. هم‌اکنون، یک میلیون مددجوی تحت پوشش این کمیته، سلامت خود را بازیافته‌اند و رنج آنها با استفاده از امکانات کشور، پایان یافته است و در زمینه احداث مسکن که مشکل جدی مردم ماست، این کمیته فعالیت‌های بسیاری داشته است.» رجوع کنید← «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های ۱۳۶۹»، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲ .

۲ - آقای هاشمی گفت: «تمام کسانی که به نحوی نیاز به حفاظت داشته‌اند، به ارزش کار شما واقف‌اند و قدردان تلاش‌های شما هستند . این نهاد مقدس، بر اساس احساس وظیفه شکل گرفت و شما همواره با قناعت کار خود را انجام داده اید. ما از اول به فکر حفاظت نبودیم و دل‌مان می‌خواست که با همان وضعیت ساده و عادیِ دوران طلبگی رفت و آمد کنیم، تا اینکه دشمنان انقلاب، با برنامهٔ حساب شده به ترور شهید بزرگوار مرحوم مطهری دست زدند و قصد از بین بردن عناصر مؤثر انقلاب را داشتند که شما به خوبی از عهدهٔ حفاظت برآمدید و توطئه دشمنان را در ضربه‌زدن به انقلاب، نقش بر آب کردید.» رجوع کنید← «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های ۱۳۶۹»، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲ .

مسایل عراق و منطقه مذاکره کردیم؛ گرم و دوستانه بود و قرار شد ادامه داشته باشد[1]. شورای‌عالی انقلاب فرهنگی جلسه داشت. سعدون حمادی[معاون نخست‌وزیر عراق] و [محمدسعید]صحّاف، [وزیر مشاور در امور خارجی] از بغداد به ایران آمدند. آقای [عبدالحسین]وهاجی، گزارش مذاکره با هیأت اوگاندایی را تلفنی داد. اجازه گرفت نفت نسیه با مهلت یک‌سال به آنها فروخته شود.

با آقای حافظ اسد، رییس‌جمهور سوریه دربارهٔ مسایل منطقه و عراق صحبت تلفنی داشتم؛ علاقه زیادی نشان داد که در مورد مسایل داخلی عراق از ما بشنود. شب در دفترم ماندم. دیر وقت خوابیدم.

چهارشنبه ١٥ اسفند ١٣٦٩ | ١٩ شعبان ١٤١١ ٦ مارس ١٩٩١

در گزارش‌ها، مسأله قیام مردم عراق در رأس است. دولت‌های غربی بی‌تفاوت برخورد می‌کنند، ولی در رسانه‌ها، اظهار نگرانی از ایجاد حکومت اسلامی به سبک ایران در عراق دامن زده می‌شود و ایران را با حدس و گمان، پشت جریان معرفی می‌کنند.

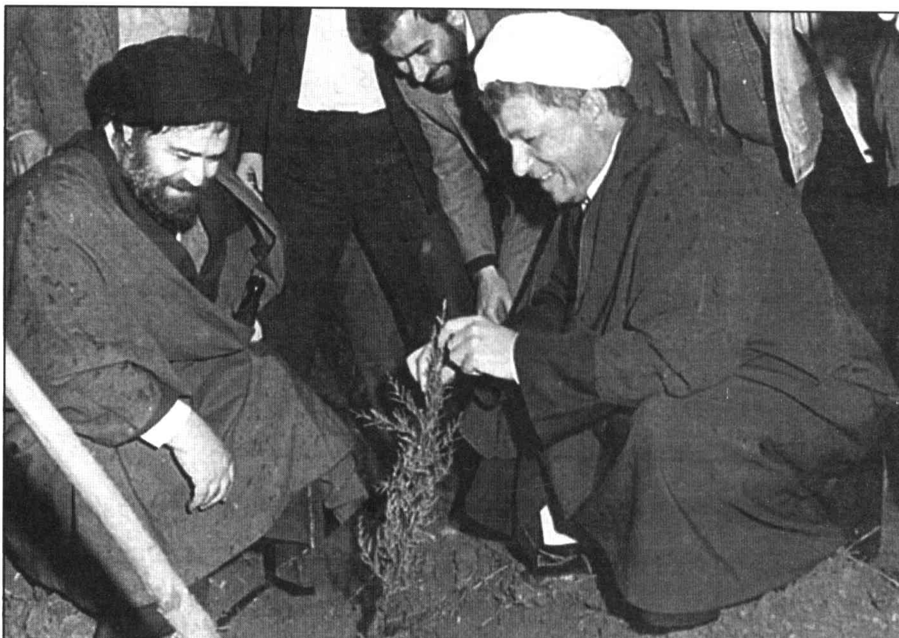
ساعت هفت و نیم صبح، برای شرکت در مراسم درختکاری، به سوی مرقد امام رفتیم. قرار بود با هلی‌کوپتر برویم، اما به خاطر بارش باران شدید که از دیشب تاکنون ادامه دارد،

---

١ - در این گفت وگوی تلفنی، تلاش مشترک ایران و آلمان و دیگر کشورهای اروپایی برای بازگرداندن امنیت و ثبات منطقه حساس خلیج فارس مورد تأکید قرار گرفت. آقای هاشمی با اشاره به اخبار و تحولات جدید از داخل عراق و هجوم شهروندان نقاط مرزی عراق به ایران، ابراز نگرانی کرد که باید برای آن اقدامی عاجل به‌عمل آید. رییس جمهور ایران گفت: « مسایل منطقه باید در داخل منطقه و توسط کشورهای عضو در منطقه حل و فصل گردد و بهترین کاری که چند ملیتی‌ها می توانند بکنند، این است که به سرعت نیروهای خود را از منطقه ببرند و حل مسایل منطقه را به خود منطقه واگذار کنند.» آقای هلموت کُهل، صدراعظم آلمان نیز ضمن تأکید بر ضرورت حفظ امنیت توسط کشورهای منطقه، به ضرورت ایجاد شرایط مناسب برای رشد اقتصادی در منطقه تأکید کرد و اعلام داشت: «ایران می تواند نقش بسیار مؤثر در این حرکت داشته باشد. آلمان در چارچوب جامعه اقتصادی اروپا، آمادگی دارد. برای یک حرکت اقتصادی در منطقه فعالیت جدی داشته باشد.» صدراعظم آلمان، همچنین بر ضرورت تمامیت ارضی عراق تأکید کرد و تماس‌های دو کشور را سازنده توصیف کرد و اعلام داشت که خواستار ادامه این‌گونه تماس‌ها در آینده نزدیک است.

با اتومبیل رفتیم؛ بارندگی مایه خوشحالی است.

بعد از زیارت قبر امام، توضیحات آقای [محمدعلی]انصاری دربارهٔ طرح جنگل کاری اطراف مرقد امام را شنیدیم و در مراسم، شرکت کردیم. پس از صحبت آقای [محمدعلی]انصاری، [غلامرضا]فروزش، [وزیر جهادسازندگی] و احمدآقا، یک درخت



غرس کردم[1]. به سوی دفتر حرکت کردم.

وزیران مذاکره کننده با هیأت اوگاندایی آمدند و گزارش توافق‌ها را دادند. [آقای

---

۱ - آقای هاشمی در مراسم درختکاری اظهار داشت: «این مراسم برای من الهام بخش است. من فرزند کویر هستم و در آنجا که من بزرگ شده ام، مردم کویر معنی و ارزش درخت را می فهمند. نتایج برخی برنامه ها را نسل های آینده خواهند دید. به‌طوری که آنچه صرف جنگل می شود، سود آن را مردم، ده‌سال دیگر می بینند. من حسرت می خورم وقتی می بینم، کشور کوچک سوئد، سالانه ۱۰ میلیارد دلار، صادرات چوب دارد، آن وقت ما سالانه مقدار زیادی واردات چوب داریم که اینها نشان دهندهٔ خیانت رژیم گذشته است. من همواره دنبال چیزی هستم که بتوانم کویر را احیا کنم. به همین منظور از طرف ریاست جمهوری، بازرسی ویژه، مأمور احیای کویر شده است.»

یوری موسوینی]، رییس‌جمهور اوگاندا آمد. دور دوم مذاکرات انجام شد. از توافق‌ها اظهار رضایت کرد و صحبت‌های دوستانه داشتیم و سپس در یک ماشین، به سوی فرودگاه رفتیم. در پاویون جمهوری، هر دو نفر در مصاحبه شرکت کردیم[۱]. در بدرقه رسمی، به خاطر بارش باران، از اجرای سرود خودداری و به سان اکتفا شد.

به دفترم برگشتم. در راه دکتر ولایتی، جریان مذاکره با سعدون حمادی، [معاون نخست‌وزیر عراق] را گفت. او از حمایت ایران از قیام مردم عراق شکایت نموده‌است که دکتر ولایتی، منکر حمایت شده و کار رسانه‌ها و بیانات مسئولان مجلس اعلای عراق را خارج از سیاست دولت گفته که شبیه به بیانیه‌های اخیر منافقین در عراق است.

او خواسته که هواپیماهای حمل و نقل‌شان را بدهیم که [دکتر ولایتی]، از جواب طفره رفته و از عقب‌نشینی‌های سریع عراق، انتقاد کرده که جواب درستی نداشته است. خواستار ملاقات با من بوده که وقت فردا داده شده، ولی او عجله داشته است و عصر امروز به سوی عراق رفته، ولی در باختران خبر تسخیر شهر خانقین توسط مردم عراق را شنیده و به تهران برگشته و خواسته است که هواپیما در اختیارش بگذاریم تا به اردن برود؛ قبول کردم.

با آقایان [حسن]روحانی، [علی اکبر]ولایتی و [حسن]حبیبی در دفترم جلسه مشورتی داشتیم. دربارهٔ سیاست برخورد با مسایل عراق مشورت کردیم. قرار شد طلبکارانه برخورد کنیم که باعث مشکلات در مرزهای ما و هجوم آوارگان به ایران شده، و سعی شود سندی مبنی بر حمایت ما از قیام مردم، به‌دست آنها ندهیم.

آقای [محسن]رضایی، [فرمانده کل سپاه] خبر داد که خانقین و تعدادی از شهرهای

۱- آقای مُوسُوینی با برشمردن مشکلات اقتصادی کشورش و قاره آفریقا با وجود منابع غنی، خواهان همکاری‌های بیشتر فرهنگی، سیاسی و صنعتی ایران با اوگاندا و سازمان وحدت آفریقا شد. آقای هاشمی نیز تأکید کرد: «کار عمده‌ای که انقلاب اسلامی ایران انجام داد، این بود که ثابت کرد کشورهای جهان سوم اگر تصمیم بگیرند، می‌توانند روی پای خود بایستند و در واقع انقلاب اسلامی، فرهنگ حُرّیّت در تصمیم‌گیری را به ثبوت رساند.» ایشان در زمینه همکاری‌های دو جانبه، به علاقمندی جمهوری اسلامی، برای گسترش مناسبات با کشورهای آفریقایی اشاره کرد و افزود: «امیدوارم سفر شما منشاء پیشرفت و بسط روابط باشد. روابط ما با آفریقا براساس اسلام است. ما تحت تأثیر جاذبه ایدئولوژی انقلابی اسلامی‌مان، آماده خدمت به مردم محروم آفریقا هستیم. اسلام به‌شدت با ظلم و استثمار مخالف است و پیروان خود را به حمایت از محرومین تشویق می کند. امیدواریم در آینده شاهد روابط ثمربخش‌تری با قاره افریقا و کشور شما باشیم.»

شمال عراق آزاد شده و ارتش نتوانسته است در مقابل مردم، کار مهمی انجام دهد. سیاست را تلفنی به تصویب رهبری رساندم. عصر در جلسه هیأت دولت شرکت کردم. در این جلسه، اوضاع منطقه بررسی شد و لایحه نظام هماهنگ پرداخت را تکمیل کردیم و همچنین در مورد تولید و تراز فیزیکی، بحث صورت گرفت.

تا ساعت هشت و نیم شب، در دفترم کار کردم. به خانه آمدم. آقای [محسن]رضایی، [فرمانده کل سپاه]، تلفنی اطلاع داد که ارتش عراق، قسمت اعظم شهر بصره را از مردم پس گرفته است.

پنج‌شنبه ۱۶ اسفند ۱۳۶۹ | ۲۰ شعبان ۱۴۱۱ — ۷ مارس ۱۹۹۱

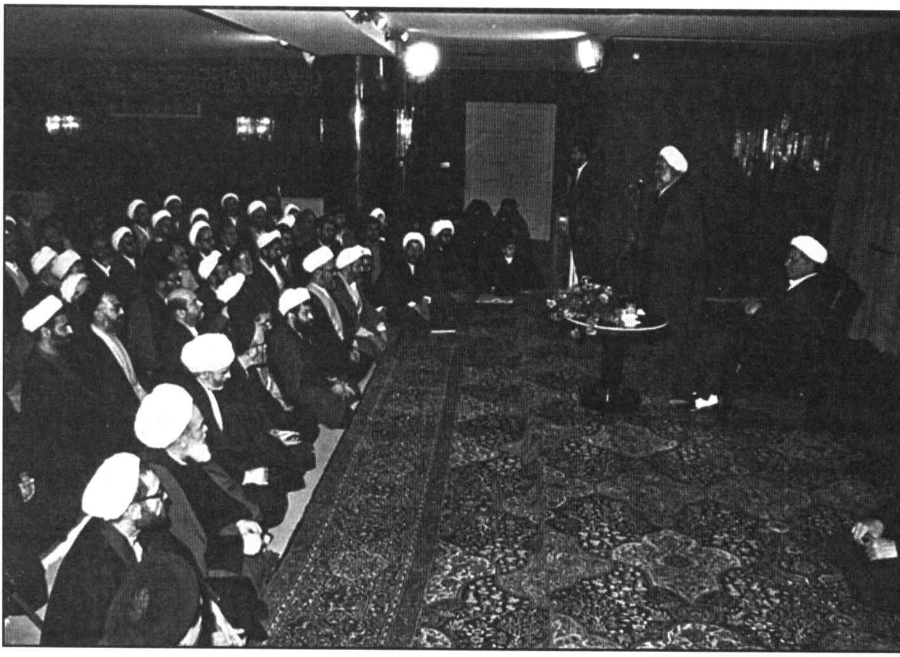
ساعت هفت و نیم صبح به دفتر رسیدم. کارهای عقب مانده زیاد بود که تا ساعت نُه تمام شد. خطبه عربی نمازجمعه را نوشتم. دکتر [مجید]عباسپور، [مشاور فنی رییس‌جمهور] همراه با مدیران پدافند ش . م . ر [= شیمیایی، میکروبی و رادیو اکتیو]آمدند و گزارش پیشرفت کار این صنعت را دادند؛ خیلی مطلوب نیست؛ هنوز کُند است.

جمعی از اساتید معارف اسلامی در دانشگاه‌ها آمدند. تقاضاهایی در خصوص شغل‌شان داشتند. مفصلاً برای آنها صحبت کردم.[1] آقای[سیدکاظم] اکرمی، وزیر سابق آموزش و پرورش آمد؛ مقداری تعریف و مقداری انتقاد داشت. عصر تا شب، کارهای دفتر را انجام دادم و گزارش‌ها را خواندم.

---

۱ - آقای هاشمی، در این دیدار نقش حساس و پُراهمیت استادان معارف دانشگاه‌ها را متذکر شد و گفت: «ما باید جامعه اسلامی را به عنوان یک جامعه نمونه به جهان ارائه دهیم. بدون شک، افراد دلسوز و مسلمانان دلسوخته، از نقش ارزنده شما خوشحال‌اند و زمینهٔ مساعد اسلامی در دانشگاه‌ها، با دانشجویانی مسلمان و مخلص، می‌بایست با حضور شما اشباع شود. شما با فکر و سواد و اطلاعات و همچنین رفتار مناسب در محیط دانشگاه‌ها، می‌توانید بسیار موثر واقع شوید و علاوه بر تدریس احکام و معارف، ملجا و ماوایی برای دانشجویان باشید و رشد واقعی دانشجویان را فراهم آورید. دانشگاه‌ها مرکز ساخت نیروهای محرکه جامعه برای نسل‌های آینده انقلاب به شمار می‌روند و هر چه در امر مهم سرمایه‌گذاری شود، ارزشمند است. شما اساتید معارف دانشگاه‌ها اسلام خالص و بی پیرایه را معرفی کنید و بدانید که محیط منطقی دانشگاه‌ها، بهترین مکان برای بحث درباره اسلام، به عنوان محور زندگی مردم است.» رجوع کنید ← «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های ۱۳۶۹»، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲ .

درگیری مردم با حکومت، در عراق ادامه دارد. در بعضی جاها، مردم عقب رانده می‌شوند و بعضی جاها برعکس. به آقای [محسن]رضایی، [فرمانده کل سپاه]، تذکر دادم که دخالت علنی در امور داخلی عراق نشود؛ حداکثر، به نیروهای بدر عراقی کمک کنند.



ملاقات با اساتید معارف اسلامی دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی

جمعه ۱۷ اسفند ۱۳۶۹ | ۱۷ شعبان ۱۴۱۱ — ۸ مارس ۱۹۹۱

ساعت ده ونیم صبح، برای اقامه جمعه، به دانشگاه تهران رفتم. خطبه دوم، دربارۀ مسایل منطقه و عراق و کویت و اهمیت منطقه و قیام مردم عراق بود که یک جمله آن، مورد توجه محافل سیاسی جهان قرار گرفته است[1]. اینکه از بعث عراق خواستم که مردم را با

---

۱ - در بخشی از خطبه دوم آمده است: «آخرین اشتباه صدام این است که مردمش را اینگونه سرکوب می کند، اگر به سرکوب کردن مردم ادامه دهد. این آخرین صفحه‌ای است که سیاه‌ترین صفحه نامه عمل‌اش می‌شود و ما نصیحت می‌کنیم که این کار را انجام ندهد، تسلیم اراده مردم شوند. کشور با سیاست‌های حزب بعث ، منهدم گردیده و مردم با این همه مصیبتی که در طول دوران دو جنگ گذشته داشتند، بدبخت شده‌اند، حالا با مردم‌اش تفاهم کند و با

سرکوب جواب ندهد و به خواست مردم گردن نهد. رسانه‌های غربی، این سخن را به‌معنای پیشنهاد کناره‌گیری صدام حسین تفسیر کرده‌اند.

ظهر همه بچه‌ها و نوه‌ها جمع بودند. عصر آقای [محسن]رضایی، اطلاع داد که بار دیگر ارتش عراق، بصره را به کنترل خود در آورده است.

شنبه ۱۸ اسفند ۱۳۶۹ | ۲۲ شعبان ۱۴۱۱ ۹ مارس ۱۹۹۱

ساعت هفت و نیم صبح به دفترم رفتم. باران خفیفی در شهر و برف خفیفی در شمیران می‌بارید. [آقای حسین کمالی]، وزیرکار و اموراجتماعی، به اتفاق معاونان آمدند. گزارش وضع تعاونی‌های تولیدی، خدماتی،آموزش فنی و حرفه‌ای و همچنین بنیاد امور مهاجرین[جنگ تحمیلی] را دادند و نیازها را مطرح کردند؛ در مجموع، در همه زمینه ها، در سال جاری، بهتر از گذشته کار شده است.

آقای سید محمدباقر حکیم، [رییس مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق] آمد. گزارشی از وضع داخل عراق داد و دربارهٔ هماهنگی با سایر جریان‌های عراقی، برای مدیریت آینده کشور عراق و سهم هر یک، مشورت کرد؛ مطرح شد اگر ۸ به ۱۷ به شیعیان سهم بدهند، در این مرحله بپذیرند. کمک‌های مالی، تدارکاتی، تسلیحاتی و تبلیغاتی خواست. مقداری پول دادم و موافقت کردم که فردا با پرواز اختصاصی به سوریه برود. دربارهٔ کیفیت مطمئن‌کردن سایر جهات مذاکره شد.

دکتر حبیبی، [معاون اول رییس‌جمهور]آمد و گزارش سفر به سوریه و مذاکره با آقای

رأی و انتخاب‌آنها، یک کسی بیاید و این مشکلات را حل کند، الان حکومت کردن در عراق کار آسانی نیست.کسی که نه دنیا و نه منطقه و نه مردم اش او را قبول دارند، با چه چیز می‌خواهد بسازد؟ با این ارتش؟ این ارتش که یک وبالی به گردن تو هست، می‌خواهی اینها را زیر پرچم نگهداری؟ از کجا؟ با چه پولی و چه امکانی؟ لذا انتظار ما این است که این آخرین اشتباه را حزب بعث مرتکب نشود و با مردم اش درگیر نشود و بگذارد مردم بیایند، رأی خودشان را بدهند و مخصوصاً معارضین عراقی در این مقطع باید خیلی هوشیار باشند. همه شماها اگر دست به دست هم بدهید، حزب بعث هم با شما باشد، مجموع شما کار کنید، با همسایه‌های‌تان هم رابطه خوب برقرار کنید، سال‌ها وقت لازم دارید که به وضع چند ماه پیش خود برگردید و این کاری است که باید انجام بشود.» رجوع کنید ← «هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های ۱۳۶۹»، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲ .

حافظ اسد و [عبدالحلیم]خدام و فلسطینی‌ها را داد. آنها نگران حاکمیت شیعه در عراق هستند؛ قول همکاری داده شده و هماهنگی به‌عمل آمده است که اُپوزیسیون را حمایت کنیم. در مورد مذاکره با ترکیه مشورت شده است.

عصر، جلسه شورای‌عالی امنیت ملی را در حضور رهبری داشتیم. دربارهٔ نحوه کمک به مسلمانان مجاهد عراق که در مقابل صدام قیام کرده‌اند و شیوه تبلیغات و سیاست‌های تبلیغاتی، مذاکره و تصمیم گیری شد. تصمیمات هیأت ما در سوریه با سوری‌ها هم تأیید شد. تا ساعت نُه شب در دفترم کار کردم و به خانه آمدم.

آقای امامی[کاشانی]، تلفنی گفت علمای تهران می‌خواهند در مورد مسایل عراق و حمایت از شیعیان و تأیید مواضع نظام ایران، اعلامیه بدهند؛ موافقت کردم.

یکشنبه ۱۹ اسفند ۱۳۶۹ | ۲۳ شعبان ۱۴۱۱ — ۱۰ مارس ۱۹۹۱

دیشب هم باران خوبی باریده است. ساعت هفت و نیم به دفتر رسیدم. ساعت نُه صبح [آقای عبدالله نوری]، وزیرکشور آمد. دربارهٔ ادغام نیروهای انتظامی، انتخابات و استانداران جدید و همچنین مسایل عراق صحبت شد. او در مورد صحت گزارش‌های سپاه از داخل عراق، اظهار تردید کرد. [آقای محمد سعیدی کیا]، وزیر راه و ترابری آمد و گزارش راه‌ها، بنادر، راه‌آهن و ساخت راه‌ها را داد. آقای [حسین] نصیری، مدیرعامل خبرگزاری جمهوری اسلامی،[ایرنا] آمد و دربارهٔ سیاست‌های خبری مشورت کرد.

[آقای دنیس بیر]، معاون نخست وزیر و وزیر امورخارجه چکسواکی به ملاقات آمد[۱]

---

۱ - آقای «دنیس بیر»، ضمن ارائه گزارشی از نحوه فعالیت‌ها و همکاری‌های اقتصادی فیمابین گفت: «کشور چکسلواکی، علاقمند است از طریق ایجاد یک خط لوله گاز کشورهای اروپایی، از جمهوری اسلامی ایران گاز خریداری کند. این پروژه با همکاری کشورهای دیگر اروپایی، در دست مطالعه می‌باشد.» آقای هاشمی نیز اعلام کرد: «جمهوری اسلامی علاقمند است گاز خود را به کشورهای اروپایی صادر کند و طرحی که کشور چکسلواکی و شُرکایش در نظر دارند، می‌تواند پایه‌ای برای این همکاری باشد. در خصوص عراق، ما نگران اوضاع هستیم که وضعیت داخلی منجر به شورش و جنگ وسیع در داخل عراق شود. قبل از جنگ مکرراً به کشورهای درگیر، تذکر دادیم که قبل از هرکاری که تعادل عراق را برهم بزنند، لازم است فکر درستی برای آینده عراق بشود، به‌طوری که تمامیت ارضی عراق و مردم این کشور آسیب نبینند. اکنون نیز فکر می‌کنیم لازم است دولت و همه گروه‌های

و برای کشیدن لوله گاز از ایران به اروپا، با سرمایه پنج کشور اروپایی استمداد کرد؛ موافقت کردم. از وابسته بودن به لوله گاز شوروی، اظهار نگرانی داشتند. [آقای واسیلی پاولوف]، وزیر امورخارجه [و معاون نخست وزیر] بلغارستان آمد[1] و راجع به توسعه روابط گفت؛ هر دو وزیر، نامهٔ دعوت رییس‌جمهور خودشان را از من، برای سفر به بلغارستان و چکسلواکی آوردند.

شب مهمان رهبری بودم. آقای خامنه‌ای، در ارتباط با نامه آقای [مهدی]کروبی، [رییس مجلس شورای اسلامی] به جامعه مدرسین[حوزه علمیه قم]، پیغامی فرستاده بودند. راجع به وضع عراق، آیت‌الله[سید ابوالقاسم]خویی، [از مراجع تقلید مقیمِ نجف اشرف]، حوزه علمیه نجف، اعلامیه علمای تهران و مجلس خبرگان صحبت کردیم. موافقت شد که طلب‌مان از آمریکا را در مقابل چند محمولهٔ نظامی که آمریکا ضبط کرده و دادگاه لاهه حکم داده است، قبول کنیم که پول آن را بگیریم.

دوشنبه ۲۰ اسفند ۱۳۶۹ | ۲۴ شعبان ۱۴۱۱   ۱۱ مارس ۱۹۹۱

نظامی‌ها خبر دادند که از شنود، خبر گرفته‌اند، چند نفر از سران بعث عراق کشته شده‌اند. آقای دکتر [محمدکریم]شهرزاد، نماینده اصفهان آمد. گزارش سفر به اردن در جمع هیأت بین‌المجالس را داد و از وضع هیأت انتقاد داشت. دربارهٔ بالا بودن احساسات اسلامی و انقلابی در اردن توضیح داد.

آقای [سعید]رجایی خراسانی آمد. از بخشی از برنامه سفر آقای [مهدی]کروبی به

داخلی عراق با هم همکاری کنند تا وضعیت داخلی عراق باعث از هم پاشیدگی عراق نشود. ادامه سرکوب مردم، مشکل را پیچیده تر خواهد کرد و اگر مسأله عراق حل شود، دیگر مشکل مهمی در منطقه نخواهیم داشت. نیروهای خارجی اینک باید منطقه را ترک نمایند و این به صلح در منطقه کمک خواهد کرد.»

۱ - آقای هاشمی، ضمن قبول دعوت رییس‌جمهور بلغارستان گفت: «کشور بلغارستان یکی از کشورهای دوست ما در دوران جنگ بوده است. ما مایلیم با دوستان خود در این دوره روابط خود را تقویت کنیم.» ایشان تحولات در کشور بلغارستان را به نفع مردم بلغارستان دانسته و از آن استقبال نمود و اضافه کرد: «ما امیدواریم هر چه زودتر وضعیت اقتصادی کشور شما به حالت عادی برگشته و جمهوری اسلامی ایران، آماده هرگونه همکاری در این زمینه می‌باشد.»

پاکستان و کره شمالی انتقاد داشت؛ مدعی بود خطی عمل می‌کردند. ائمه جمعه استان های آذربایجان شرقی و غربی آمدند. آیت‌الله [مسلم]ملکوتی، [نماینده ولی فقیه در آذربایجان و امام جمعه تبریز]، از طرف آنها صحبت کرد و گفت برای اظهار تشکر از سیاست‌های دولت و تدبیر من در اداره امور در بحران خلیج فارس و اعلان حمایت آمده‌اند. برایشان مفصلاً صحبت کردم[1].

عصر آقای [بیژن نامدار]زنگنه، [وزیر نیرو] آمد و گزارش آب بوشهر و استفاده از طرح محرم، برای آبیاری سواحل خلیج فارس را داد. شورای اقتصاد جلسه داشت. گران شدن بلیت پروازهای خارجی تصویب نشد و بحث ناتمام ماند. موضوع خرید کالاهای اساسی و بُن کارگری و چای هم در دستور بود.

سه‌شنبه ۲۱ اسفند ۱۳٦۹ | ۲٥ شعبان ۱٤۱۱ ۱۲ مارس ۱۹۹۱

[آقای غلامرضا فروزش]، وزیر جهاد سازندگی، با جمعی از مسئولان آموزش جهاد آمدند و گزارش کارهای تحقیقاتی و آموزشی را دادند. لوح تقدیر به آنها دادم و برایشان صحبت کردم.[2] آقای مختار کلانتری، [فرمانده کمیته های انقلاب اسلامی] آمد. از حرف‌های آقای

۱- آقای هاشمی از نقش علمای آذربایجان و هوشیاری آنان قدردانی کرد و گفت: «روحانیت با تقدیم شهدای گرانقدری در کنار مردم جایگاه ویژه‌ای در انقلاب دارد و در جهاد و مبارزه و تقدیم شهید پیشتاز بوده است.» ایشان از کشتار مردم عراق ابراز نگرانی کرد و یادآور شد: «تحولات داخلی عراق می‌تواند مصیبت بار باشد و من امیدوارم که سرانجام به سیادت مردم عراق و نفع اسلام و مسلمین تمام شود. چشمان حریص استکبار جهانی، هم اکنون متوجه عراق است و اهمیت نفت عراق، جغرافیای انسانی و سیاسی، موقعیت این کشور در رابطه با کشورهای عربی و خلیج‌فارس و اسرائیل، استکبار جهانی را متوجه ساخته است. اگر تقدیر خداوند براین باشد که دین خود را حاکم کند، هیچکس نمی‌تواند جلوی او بایستد و ما هم اکنون در یک مقطع استثنایی از تاریخ زندگی می‌کنیم.» رجوع کنید ← «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های ۱۳۶۹»، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲ .

۲- در این دیدار که آقای فروزش، وزیر جهاد سازندگی، به اتفاق معاون آموزش و تحقیقات و مسئولین آموزش جهاد سازندگی و دانشجویان حائز رتبه های اول و ممتاز در مسابقه علمی کنگره ملی صنایع غذایی حضور داشتند، آقای هاشمی بر لزوم افزایش هر چه بیشترِ توان علمی و تخصصیِ نیرو های انقلاب تاکید کرد و گفت: «در دوران سازندگی، ما به نیروهای علمی، متخصص و متعهد، نیاز فراوانی داریم. فاصله ما با جهان خارج، که در امر نیروی

[عبدالله]نوری، وزیرکشور گله داشت و برای آینده مشورت کرد؛ گفتم نیروهای کیفی[کمیته] را تشویق کند که بمانند. مدعی بود جمعی از نیروهای کیفی کمیته، مایل نیستند که در شرایط ادغام[نیروهای انتظامی]، بمانند و درجه بگیرند.

مدیران بنیاد شهید آمدند. آقای [محمدحسن]رحیمیان، [قائم مقام رییس بنیاد شهید] گزارش کار داد و من هم برایشان صحبت کردم[1]. [آقای آنتونیوس سارامانس]، وزیر امورخارجه یونان به ملاقات آمد[2]. دربارهٔ روابط ایران و یونان و مسایل منطقه مذاکره شد. [آقای جو کلارک]، وزیر امورخارجه کانادا آمد. او به چند کشور منطقه هم رفته است. بیشتر دربارهٔ امنیت منطقه و مسایل عراق صحبت شد؛ توصیه به اصلاح روابط با آمریکا داشت[3].

انسانی اندیشمند، سرمایه‌گذاری فراوانی کرده‌اند، زیاد است و لازم است، همراه با زحمت و کوشش‌هایی که مسئولین آموزشی کشور به عمل می آورند، دستگاه های اجرایی در تربیت نیروی انسانی مورد نیاز خود فعال باشند. طبیعی است که جهادسازندگی که یک نهاد انقلابی است و جمعی از بهترین فرزندان این انقلاب را در خود جمع کرده است، در این راه بیشتر تلاش کند.» .» رجوع کنید ← «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های ۱۳۶۹»، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲ .

۱ - آقای هاشمی، خانواده‌های شهدا را سرمایه تاریخ انقلاب و عزیزترین بخش جامعه توصیف کرد و به مسئولان بنیاد شهید گفت: «شهدا بهترین انسان‌های جامعه بوده‌اند و عزیزترین واژه قاموس لغت ما به شمار می روند. فرزندان شاهد که وارث خون شهدا هستند، وفادارترین انسان‌ها نسبت به جامعه، انقلاب و اهداف انقلاب اسلامی به شمار می‌روند و وظیفه دولت و مردم است که به آنان توجه خاصی کنند. از شما می‌خواهم با فداکاری، پشتکار و تلاش هرچه بیشتر، در خدمت خانواده‌های شاهد باشید. فرزندان شاهد، باید در آینده بتوانند پست‌های کلیدی را در اداره جامعه و در مسئولیت‌های سیاسی، فرهنگی، دانشگاهی و سایر بخش‌ها بر عهده گیرند. خدمت شما مسئولین بنیاد شهید به خانواده‌های شهدا، نمونه‌ای از جهاد است. کسانی که توفیق خدمت در این نهاد انقلابی را یافته‌اند، باید به این خدمت مقدس افتخار کنند.» رجوع کنید← «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های ۱۳۶۹»، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲ .

۲ - در این دیدار آقای هاشمی، خطاب به وزیر امورخارجه یونان گفت: «شما و سایر کشورهای اروپایی، باید تلاش کنید تا این ملت رنجدیده عراق، بیش از این دستاویز سیاست‌های توسعه‌طلبانه‌ای که از ویژگی‌های سیاست‌های قدرت‌های استکباری جهان است، نشوند.آسیب هایی که مردم عراق دیده‌اند، آن‌قدر زیاد است که باید همه تلاش کنند از مشکلات آنان کاسته شود.» وزیر امورخارجه یونان، در این دیدار گفت: «کشور ما به عنوان عضوی از جامعه اروپا، برای نقش مهم ایران در مسایل اخیر منطقه، اهمیت فراوانی قائل است.»

۳ - آقای «جوکلارک» که در پی سفر یک هفته‌ای به کشورهای منطقه خلیج فارس، به تهران آمده بود، در زمینه اوضاع داخلی عراق، بر تمامیت ارضی این کشور و تعیین حکومت آینده آن توسط مردم عراق تأکید کرد. وزیر

عصر مدیران بنیاد جانبازان آمدند. برایشان صحبت کردم[1] و گزارش کار دادند. [آقای عیسی کلانتری]، وزیرکشاورزی آمد. راجع به تبدیل اراضی کشاورزی که در دستور کار مجمع تشخیص مصلحت نظام است، گفت وگو شد. دکتر [حسن]حبیبی آمد و گزارش سفر به ترکیه را داد. تُرک‌ها، اصرار بر حذف صدام دارند و مخالفتی با جایگزینی معارضان عراق ندارند؛ با طرح امنیتی هشت‌گانه موافقت ندارند.

آقایان [محسن]نوربخش، [وزیر امور اقتصادی و دارایی]، [مسعود روغنی]زنجانی، [رییس‌سازمان برنامه و بودجه] و [حسن]شفتی، [مدیرعامل شرکت هواپیمایی هما]آمدند؛ روی قیمت بلیت سفرهای خارجی توافق شد.

در مجمع تشخیص مصلحت نظام جلسه داشتم. مصوبات مجلس دربارهٔ منع تبدیل اراضی کشاورزی و همچنین طرح ایثارگران در دستور بود که با مخالفت شورای نگهبان مواجه است. موکول به بررسی کارشناسی و اصلاح کلی شد. دیر وقت به خانه آمدم.

امورخارجه کانادا، همچنین اجرای قطعنامه ۵۹۸ را برای تأمین امنیت منطقه ضروری دانست. آقای هاشمی در این ملاقات گفت: «ما هم معتقدیم، تلاش برای اجرای قطعنامه ۵۹۸ و بند هشتم آن که از وظایف دبیرکل سازمان ملل است، بسیار راهگشا خواهد بود. ما از همه کشورهای منطقه، برای حفظ صلح و آرامش در منطقه خلیج فارس، جدی‌تر هستیم و فکر می‌کنیم بهترین شکل امنیت منطقه، دوستی و همکاری صمیمانه میان کشورهای منطقه است.» ایشان در پاسخ به اظهار علاقه وزیر امورخارجه کانادا، برای گسترش روابط دوجانبه، از روند رو به رشد روابط دو کشور اظهار خوشنودی کرد. وزیر امورخارجه کانادا، در این دیدار، گزارشی از سفر یک هفته‌ای خود به کشورهای منطقه ارائه داد و دیدگاه‌های دولت کانادا را در زمینه روابط دوجانبه، مسایل منطقه خلیج فارس، اوضاع داخلی عراق و تحولات جهانی تشریح کرد.

۱ - آقای هاشمی، از جانبازان به عنوان انسان‌های افتخارآفرین و الهام‌بخش یاد کرد و اظهار داشت: «مردم هنوز صحنه‌های حماسی جهاد و روزگار پرشکوه دفاع مقدس را به یاد دارند و نیروهای مخلص و فداکاری که سلامت خود را برای عظمت انقلاب و اسلام و دفاع از آرمان‌های اسلام تقدیم کرده‌اند، هرگز فراموش نخواهند کرد. اگر برادران جانباز در گذشته، با دست و پا کار می کردند، امروز با اراده و افتخار ویژهٔ یک جانباز، خدمت می‌کنند و امروز اسناد شجاعت، فداکاری، ایثارگری و شهادت‌طلبی جانبازان را که می بایست در کتاب‌ها می‌خواندیم، به طور مجسم همراه داریم. جامعه نیاز دارد که افتخارات خود را همیشه زنده نگه دارد و با قدرشناسی از جانبازان، روحیهٔ ایثار، فداکاری، جهاد و شهادت‌طلبی را پُرطراوت نگه دارد.» رجوع کنید← «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های ۱۳۶۹»، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲.

چهارشنبه ۲۲ اسفند ۱۳۶۹ | ۲۶ شعبان ۱۴۱۱ ۱۳ مارس ۱۹۹۱

دیشب باران آمده و امروز نیز بارش ادامه دارد. ساعت هفت صبح به فرودگاه مهرآباد رسیدم. بلافاصله با جمعی از وزرا، معاونان، محافظان، خبرنگاران و نمایندگان مجلس، برای بازدید از جریان بازسازی شهرهای مخروبه به سوی باختران[= کرمانشاه]، پرواز کردیم.

در فرودگاه باختران، استقبال رسمی بود. بلافاصله با ماشین به سوی شهر سرپل‌ذهاب حرکت کردیم. به خاطر بارندگی از هلی‌کوپتر استفاده نکردیم؛ طبعاً برنامه‌ها به‌هم خورد. از شهرهای اسلام آباد و کِرِند گذشتیم. در بین راه، [آقای نکویی]استاندار و [آقای‌زرندی]، امام جمعه باختران که در ماشین با من بودند، گزارش و توضیحات می‌دادند.

در شهر سرپل ذهاب، حدود ۲۵ هزار نفر از مردم بازگشته‌اند و بازسازی ادامه دارد، ولی شهر نیمه مخروبه است. قبلاً ۲۲ هزار نفر جمعیت داشته و پیش‌بینی می‌شود که جمعیت به ۵۰ هزار نفر برسد. مردم استقبال گرمی کردند. گشتی در شهر زدیم. در شهرداری با مسئولان شهر مذاکره کردم. برای مردم در مقابل ساختمان شهرداری، صحبت کوتاهی کردم[1]. مردم خواستار تسریع در بازسازی هستند. درخصوص اعتبار و مصالح ساختمانی، کمبودی به نظر نرسید؛ گرچه مردم بیشتر می‌خواهند.

---

۱ - در این سخنرانی آمده است: «امیدواریم این دوره سختی که بر شما گذشت، به پاس صبر و تحمل شما، خداوند این صبر و تحمل را جبران بکند و ما مسئولان کشور، بتوانیم حقی که شما برگردن کل کشور دارید، ادا بکنیم. دلیل حضور بنده، نمایندگان شما، وزرا و معاونین در این منطقه، این است که از نزدیک شرایط اینجا را ببینیم و استعدادها و نیازهای منطقه را بررسی کنیم و حرف‌های شما مردم عزیز، صبور و مقاوم را بشنویم و آنچه که وظیفه ماست، انجام بدهیم. عدل خداوند در کل جهان حاکم است و نمی‌گذارد مردمی که این دوران مظلومیت را تحمل کرده‌اند، در این حال بمانند. الحمدلله، منطقه شما منطقهٔ مستعدی است، امکانات طبیعی شما خوب و قابل بهره‌برداری است، مسئولان کشور علاقمندند که وظایف خودشان را انجام بدهند. خود شما به خاطر دوران آوارگی و علاقه‌ای که به این منطقه پیدا کرده‌اید و عشقی که به منطقه دارید، باید تلاش‌تان را بیشتر کنید و با صبر وتحمل ان‌شاءالله اینجا را آباد کنید. اینجا دروازه کربلا و نجف است. همهٔ مردم ما بالاخره روزی از اینجا عبور می‌کنند و با شما تماس خواهند گرفت. من امیدوارم در سفر بعدی که به خدمت شما می‌رسم، همه چیز را به جای خود و منطقه را در حال رشد و شکوفایی ببینم.» رجوع کنید ← «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های ۱۳۶۹»، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲ .

از آنجا به سوی قصرشیرین حرکت کردیم. در راه از روستاها و اردوگاه‌های نیمه‌مخروبه مهاجران گذشتیم. رودخانه الوند که آب زیادی دارد و به عراق می‌رود، نظرم را جلب کرد. در کنار جاده، لشکرهای ارتش از زمان جنگ مستقر هستند. در شهر قصرشیرین، هیچ ساختمانی از گذشته نمانده و کلِ شهر، به‌جز یک مسجد، با خاک یکسان شده است. هنوز کار بازسازی مردمی شروع نشده و ساخت زیربناها توسط دولت، در حال انجام است. انبار برای مصالح ساختمانی آماده شده است. جمعی از مردم آمده بودند. به جمع آنها رفتم[1]. انتقاداتی ساده داشتند؛ از کم بودن بهای خسارات که به مردم پرداخت می‌شود تا مشکل تردد، به خاطر سخت‌گیری ارتش.

از نهالستان مرکبات که برای ترویج کشاورزی منطقه، توسط وزارت کشاورزی تأسیس شده است، بازدید کردیم. بناست توسعه شهر در آن‌سوی رودخانه باشد. از آنجا به پادگان ابوذر رفتیم. بعد از نماز، ناهار مهمان ارتش بودیم. این پادگان در اواخر جنگ مورد نفوذ عراقی‌ها و منافقین قرار گرفت و صدمات زیادی دید. بخشی از پادگان در اختیار سپاه است. تیمسار جوادیان در گزارشی، از مراجعت نیروهای سپاه بدر به کشور خودشان، برای کمک به مردم عراق خبر داد.

از آنجا به سوی منطقه گیلان غرب حرکت کردیم. باران می‌بارید. مردم در روستاهای مسیر به‌گرمی ابراز احساسات می‌کردند. نزدیک ساعت پنج و نیم به گیلان غرب رسیدیم. امام جمعه و فرماندار، دربارهٔ بازسازی توضیحات دادند و خواسته‌ها را مطرح کردند. با

---

۱ - آقای هاشمی گفت: «این خرابی‌ها، ویرانی‌ها و آوارگی‌هایی که مردم اینجا داشتند، منظره تأسف انگیزی است. بازسازی قصرشیرین تازه می‌خواهد شروع بشود. آنچه که الان اتفاق افتاده، شروع کار است. ما با نیروهای مسلح مشکل داریم که هنوز امنیت را در اینجا کافی نمی‌دانند و اطراف را آلوده می‌دانند، باید منطقه به منطقه تحویل بدهند که بتوانیم حضور پیدا بکنیم. با کمک ارتش و سپاه، باید بازسازی این اطراف انجام بشود. منظورم از پاکسازی از لحاظ خطر رفت و آمد و از بین بردن مین و مواد منفجره است. هدف سفر من این بود که هم بیایم اینجا را ببینم و هم ببینم ما برای تسریع بازسازی چه چیزهایی کم داریم، ولی کار تازه شروع شده است. من به انبار که رفتم، هنوز دارند دیوار دور انبار را می‌کشند، کارآوردن مصالح تازه شروع شده و دارد وارد می‌شود. ما امسال، بازسازی قصرشیرین را با سرعت شروع خواهیم کرد.»رجوع کنید ← «هاشمی رفسنجانی،سخنرانی‌های ۱۳۶۹»، دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۹۲ .

مردم در ورزشگاه ملاقات و برایشان صحبت کردم[1]. استقبال گرمی داشتند. آنها از صبح، زیر باران منتظر بودند.

به خاطر حذف هلی‌کوپتر، برنامه تغییر کرده بود. در شهر گشتی زدیم. بازسازی در حال انجام است. خانه‌های خوبی می‌سازند و خیابان‌ها را وسیع‌تر کرده‌اند. به سوی ایلام حرکت کردیم. در دره‌های اطراف شهر، آلونک‌های ساخته شده در زمان آوارگی مردم، برای فرار از بمباران عراق موجود است؛ هنوز تعدادی از مردم، در آنجا زندگی می‌کنند.

ساعت هفت و نیم شب به شهر ایلام رسیدیم؛ بنا نبود به ایلام برویم. قرار بود شب را در دهلران باشیم. مردم مطلع نشدند. جلسه‌ای با مدیرانِ دو استان باختران و ایلام داشتیم. گزارش‌ها، نیازها و اقدامات مطرح شد[2]. به نظر رسید اعتراضی به پیشرفت بازسازی نیست.

---

۱ - آقای هاشمی گفت: «همیشه آرزومند بودم که در میان شما مردم غیور و شرافتمند این منطقه که از شهامت، شجاعت و مردانگی شما زیاد شنیده بودم، حضور پیدا کنم و از نزدیک شما را زیارت کنم. خداوند به شما و همه نیروهای اسلامی توفیق عطا کند. همان طور که این چند سال ثابت کردید، تا آخر در راه امام امت و در راه اسلام و برای دفاع از میهن و انقلاب، ثابت و پایدار باشید. آنچه که امروز در این لحظه کوتاهی که خدمت شما هستیم، از عواطف و احساسات شما مشاهده می‌شود، سخت بنده را تحت تأثیر قرار داده است. ما در اوایل جنگ شنیده بودیم که شیرزنان این خطه، با چوب به مصاف دشمن می رفتند و با تفنگ برمی‌گشتند و در طول دوران جنگ، با مقاومتی که از شما دیده شد، در منطقه ماندید، با اینکه معمولاً در خطر تهاجم دشمن، بمباران، توپخانه و هجوم مستقیم بودید، در تمام این دوران، اکثر مردم روستاهای شما مشغول تولید و کار بودند. مهاجر بر کشور تحمیل نکردید. خودتان کسانی که، خانه و کاشانه‌شان را از دست داده بودند، در میان خود حفظ کردید و با قناعت، تحمل و صبر این دوره سخت را گذراندید. این افتخاری است که در تاریخ انقلاب کشور ما به نام شما و این خطه و منطقه ثبت شد و حق شما بود که چنین باشد». رجوع کنید ← «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های ۱۳۶۹»، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۹۲ .

۲ - در این جلسه آقای محمد زاده، استاندار ایلام ،گزارشی از میزان آسیب‌های وارده به شهرها و روستاهای استان در طول جنگ تحمیلی را ارائه کرد و نیاز استان به نیروی متخصص انسانی، ایجاد اشتغال در مناطق در دست بازسازی، تسریع در توسعه و احیای زمین‌های کشاورزی، نیاز به استفاده از دشت‌های حاصلخیز و آب‌های سطحی و بازسازی مناطق مهران و موسیان را یادآور شد. سپس آقای هاشمی گفت: «مدیران و مردم این استان آگاهند که نظام به استان ایلام توجه خاصی دارد و این به خاطر مردم دوست داشتنی استان و محرومیت‌هایی است که آنان تحمل کرده‌اند.» ایشان بر لزوم احداث فرودگاه، دانشگاه، تأمین آب آشامیدنی و مهار آب‌های سطحی در استان تأکید کرد و جذب نیروی انسانی را جزو کارهای اساسی دانست و گفت: «استان ایلام، با استفاده از اعتبارات استانی و نقاط محروم و بازسازی، در سال آینده می‌تواند شاهد عمران بیشتری باشد.»



ورود به استان باختران



جلسه شورای اداری و برنامه ریزی استانهای ایلام و باختران

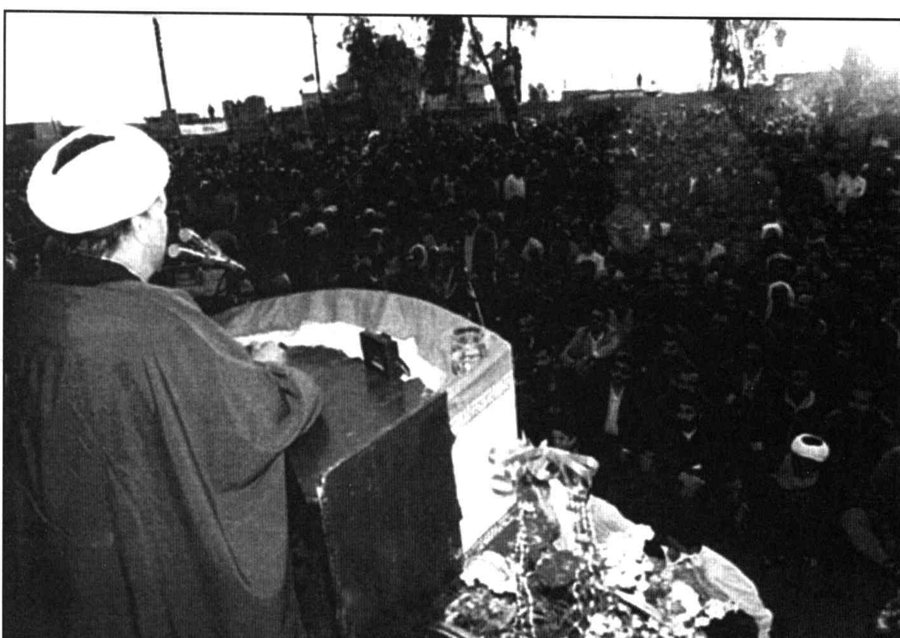


سخنرانی در جمع مردم قصر شیرین





استقبال مردم در گیلان غرب



سخنرانی در جمع مردم گیلان غرب



بازدید از تاسیسات نفتی عین خوش



بازدید از نهالستان مرکبات

اعتبار بیشتر و توجه بیشتر به روستاییان و کمک به مجروحان خواسته می‌شد. مشکلات، نسبت به سفر قبل، خیلی کم شده و کارها روبه‌راه است.

پنج‌شنبه ۲۳ اسفند ۱۳۶۹ | ۲۷ شعبان ۱٤۱۱ — ١٤ مارس ۱۹۹۱

ساعت شش ونیم، بعد از نماز صبح، به سوی مهران حرکت کردیم. از شهرک صالح‌آباد گذشتیم. مردم هنوز به خیابان نیامده بودند. در قبرستان شهدا، فاتحه خواندیم. با چند کودک که به مدرسه می‌رفتند، احوال‌پرسی کردم. اطراف دره‌ها، نیروهای لشکر ۱۶ قزوین مستقر است. استاندار می‌خواست که کم‌کم برگردند.

در ورودی مهران، از سد انحرافی «کنجان چم» بازدید کردیم. در شهر مهران، گشتی در خیابان‌های در حال ترمیم زدیم. هنوز نقشه شهر برای بازسازی آماده نشده است و مردم منتظر اجازه شروع کار هستند. صبحانه را در یک ساختمان نیمه مخروبه که تنها ساختمان باقیمانده شهر است، خوردیم: تخم مرغ.

با شهردار و مسئول بازسازی و سایر مسئولان و نمایندگان مجلس، دربارهٔ مسایل بازسازی شهر صحبت شد. نظر این بود که توسعه شهر، به جای دیگری برود و شهر در حد سابق بازسازی شود؛ به خاطر اینکه خیلی نزدیک مرز است و اطراف شهر، زمین‌های کشاورزی مرغوب است.

به سوی دهلران حرکت کردیم. همه جا، از دشت‌های وسیع و مراتع سرسبز، ولی دست‌نخورده و غیرمعمور می‌گذشتیم. رودخانه‌های گاوی و چنگوله و میمک، پُرآب، همه به عراق می‌ریزند؛ بناست مهار شوند. هنوز مطالعه محل سدها تمام نشده است. در راه [آقای محمدزاده]، استاندار[ایلام] توضیحات می‌داد. در یک پاسگاه ژاندارمری، توقف کوتاهی نمودیم. گزارشی دادند و نیازهای بازسازی پاسگاه‌ها را مطرح کردند.

در دهلران، گشتی در خیابان‌ها زدیم. در اجتماع پرشور مردم برایشان صحبت کردم. در محل بهداری که تازه ساخته شده، ناهار و نماز و مذاکره با شهردار و مسئول بازسازی انجام شد. حدود دو سوم بازسازی انجام شده است. خانه‌ها، بهتر از قبل و خیابان‌ها وسیع‌تر ساخته شده و مثل بقیه نقاط، مشکل ثبتی و مالکیت‌ها وجود دارد که باید با مقررات خاص

حل شود. مشکل بازسازی، حمل و نقل است، نه اعتبار و مصالح.

هلی‌کوپترها رسیدند. با فرمانده لشکر ۲۱ حمزه، دربارهٔ وضع مرزها صحبت کردیم. گفت نیروهای عراقی سنگرها را رها کرده و به داخل عراق رفته‌اند و در مواردی، اسلحه خود را جا گذاشته‌اند. در مهران، با فرمانده لشکر ۱۶ و آقای [مرتضی] قربانی، فرمانده قرارگاه غرب سپاه، دربارهٔ وضع مرزها و پاکسازی منطقه مین و مواد منفجره مذاکره کردم. به سپاه تأکید کردم که از دخالت نیروهای ایران در مسایل داخلی عراق خودداری کنند. معلوم شد نیروهای عراقی، از خطوط مرزی رفته‌اند، یا خیلی ضعیف شده‌اند.

ساعت سه بعد از ظهر، با هلی‌کوپترها به مرکز نفتی عین‌خوش رفتیم. این مرکز، در جنگ نابود شده و اخیراً برای تفکیک نفت‌خام منطقه عین‌خوش و دهلران، بازسازی کرده‌اند. فیلم مهار کردن چاه‌های مُشتعل دهلران را دیدیم؛ توضیحاتی دادند؛ جالب است تشویق‌شان کردم[1].

به سوی بُستان پرواز کردیم. هلی‌کوپترها، اشتباهاً در ورزشگاه سوسنگرد فرود آمدند. مردم به سرعت جمع شدند. زمانی که مردم، شعار «*خوش‌آمدی به سوسنگرد*» دادند، تازه متوجه اشتباه شدیم؛ صحبت کوتاهی، با بلندگوی دستی کردم[2] و به‌روی خودمان نیاوردیم؛ گفتم در مسیر بُستان، خواستیم از مقاومت سوسنگردی‌ها تشکر کنیم.

به سوی بستان پرواز کردیم. برنامه‌ای برای شهر نبود. مردم با احساسات پرشور، دور هلی‌کوپترها را گرفتند و کنترل از دست پاسدارها خارج شد. در یک وانت شخصی سوار شدیم و با زحمت و به زور هل دادن جمعیت، به خیابان رسیدیم. سپس ماشین شهربانی

---

۱ - ایشان گفت: «کار شما در بازسازی این صنعت، مایه دلگرمی مردم و مسئولین است. سرعت عمل برادران متخصص و ایثارگر صنعت نفت در مهار و اطفای چاه‌های مشتعل نفت منطقه دهلران نمونه است. هرچند ما در طول جنگ از سوی دشمن خسارات زیادی را متحمل شدیم، ولی توانایی برادران متخصص و حزب‌اللهی کشور در اداره صنعت پیچیده نفت مایه افتخار کشور است. با مهار چاه‌های نفت مشتعل منطقه دهلران، از سوختن و هدر رفتن روزانه ۲۲۰ هزار فوت مکعب گاز هم جلوگیری به عمل آمد.»

۲ - آقای هاشمی گفت: «بازدید از این منطقه و دیدار با اهالی و عشایر غیور منطقه سوسنگرد و دشت‌آزادگان قبلاً برنامه‌ریزی نشده بود، امیدوارم در یک فرصت مناسب بتوانم بار دیگر با شما مردم قهرمان دیدار کنم. امیدوارم ملت‌های ایران و عراق، بتوانند مانند گذشته با هم زندگی کنند. دولت در سال آینده، تمامی نیروی انسانی، مصالح ساختمانی و حمل و نقل را برای مناطق جنگ زده فراهم خواهد کرد و حتماً به بازسازی خوزستان کمک خواهد شد.»

رسید، سوار آن شدیم. یک سکه به راننده وانت دادم.

در خیابان‌های بُستان گشتیم و بازسازی‌ها را بازدید کردیم. در جایی ایستادم و برای مردم، با بلندگوی دستی، صحبت کوتاهی کردم[1]. بُستانی‌ها، خیلی پرشور استقبال کردند. مردم، عرب زبان هستند. شعارها به زبان عربی بود. زن‌ها هلهله عجیبی می‌کردند.

هلی‌کوپترها پرواز کردند. چون سوخت کم داشتند، به جای آبادان، به اهواز رفتیم و در فرودگاه، سوار [هلی‌کوپتر]شنوک شدیم و به سوی آبادان پرواز کردیم. به خاطر صدای زیاد شنوک، گوش‌هایم سنگین شده بود.

غروب در فرودگاه آبادان نشستیم. استقبال رسمی بود. گفتند از ساعت یازده صبح تاکنون منتظر بوده‌اند. مردم در استادیوم ورزشی جمع شده بودند که عصر منصرف شده‌اند. از فرودگاه مستقیم به خرمشهر رفتیم و شهر را گشتیم. خیابان‌ها روشن بود و رونقی داشت. ساعتی هم در خیابان‌های آبادان گشتیم؛ بهتر از خرمشهر است.

بعد از شام با ائمه جمعه جلسه داشتیم. از مواضع دولت تشکر کردند و برای مخارج خود استمداد نمودند؛ کمک‌شان کردم. امام جمعه شادگان که عراقی است، اطلاعات خوبی از قیام مردم عراق داد. سپس با مسئولان شهر جلسه داشتیم. [آقای محمدحسن تولایی]، استاندار[خوزستان]، گزارش بازسازی را داد و برای سال ٧٠، مقدار ٢٠ میلیارد تومان اعتبار خواست؛ اعتبار فعلاً حدود ١٠ میلیارد تومان است. نمایندگان مجلس، خواست‌های مردم را گفتند؛ بلند پروازنه است. من هم صحبت کوتاهی کردم. خسته بودم و گوشم ناراحت بود. ساعت یازده شب به اتاقم رفتم، دوش گرفتم و خوابیدم.

---

١ - آقای هاشمی در این اجتماع تأکید کرد: «دولت برای بازسازی مناطق جنگزده برنامه‌های مُدونی دارد که این برنامه‌ها در سال آینده، با سرعت هرچه تمامتر دنبال خواهد شد. عمق فجایع در مورد انهدام مناطق شهری و روستایی مناطق جنگزده کشور، زیاد بوده و استان ایلام پس از بازسازی کامل به شکوفایی اقتصادی خواهد رسید. ما عمران و آبادانی و رشد کشاورزی و منابع اقتصادی و مهار رودخانه‌های بزرگ و پرآب این استان را شاهد خواهیم بود. دولت جهت مهار آب‌ها و احیای دشت‌های حاصلخیز مهران، امیرآباد، صالح آباد و دشت‌های بزرگ این استان برنامه‌های مدون دارد و آنها را به‌طور جدی دنبال خواهد کرد. دولت کارهای مطالعاتی بر روی جنگل‌ها، صنایع جنبی دامی و کشاورزی در سطح کشور را شروع کرده و استان محروم ایلام، در آینده نزدیک از شکوفایی خاصی برخوردار خواهد شد.» رجوع کنید ← «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های ١٣٦٩»، دفتر نشر معارف انقلاب ، ١٣٩٢ .



سخنرانی در اجتماع مردم دهلران



در اجتماع مردم بستان



سخنرانی در اجتماع مردم سوسنگرد





سخنرانی در جمع مردم روستا های آبادان



استقبال پرشور مردم خوزستان از رییس جمهور

جمعه ۲۴ اسفند ۱۳۶۹ | ۲۸ شعبان ۱۴۱۱ ۱۵ مارس ۱۹۹۱

نزدیک ساعت شش صبح بیدار شدم. بعد از نماز و استماع اخبار و نوشتن خاطرات دو روز، صبحانه را در اتاقم خوردم. در هتل آبادان مستقر هستیم؛ بد نیست. برای بازدید از روستاهای در حال بازسازی آبادان، در شرق و غرب بهمن‌شیر و اروندکنار رفتیم. در شرق، بازسازی روستاها پیشرفت خوبی دارد و خانه‌ها شبیه خانه‌های شهری ساخته می‌شوند. در روستای ابوشانک، در اجتماع مردم صحبت کوتاهی کردم[1]؛ ابراز رضایت نمودند.

از پُلی که سپاه در جنوب بهمن‌شیر ایجاد کرده، به اروندکنار رفتیم. سد شهید سلیمی که به خاطر عبور نظامیان، در زمان جنگ ساخته شده، باعث اختلال در آبیاری طبیعی نخل‌ها است و نخل‌ها آسیب زیادی دیده‌اند. شبکه راه‌ها که از زمان جنگ در این منطقه مانده است، می‌تواند برای عمران و رفاه مردم مؤثر باشد.

در بخش اروندکنار، با مسئول بازسازی و بخشدار صحبت کردیم؛ هنوز بازسازی این بخش شروع نشده است. تا به حال سپاه، مانع حضور مردم در منطقه بوده و اخیراً آزاد شده و این باعث ناراحتی مردم است؛ به خصوص جلوگیری سپاه از برداشتن سد شهید سلیمی، باعث ناراحتی مردم و مسئولان بازسازی است. حدود ۹ هزار واحد مسکونی، در این منطقه باید بازسازی شود که رقم عظیمی است.

کنار اروندرود رفتیم. دژ شهید رجایی را که کنار اروند، برای ایجاد استحکامات دفاعی در سراسر اروند ایجاد می‌شود، مورد بازدید قرار دادیم. این دژ برای عمران منطقه و هم برای عبور و مرور و حمل و نقل دسترسی به اروند، می‌تواند مفید باشد؛ ولی در بعضی جاها، به خاطر بسته شدن کانال‌های ورود آب‌اروند به نخلستان‌ها، مشکل ایجاد

---

۱ - آقای هاشمی در روستای عرب زبان «ابوشانک»، از توابع آبادان، طی سخنانی گفت: «این لحظات خوب زندگی من است که زنده ماندم و منطقه‌ای را دیدم که مدت‌ها بود شما کشاورزان و روستاییان ساکن در آن، آواره بودید و اکنون دور هم جمع شدید و خانه‌های گلی سابق شما، اینک تبدیل به مناطق مسکونی قابل قبولی شده است. از اینکه شما دارای آب و برق شده‌اید و نخل‌هایتان احیا شده خوشحالم و در زندگی انسان، چیزی بهتر از این یافت نمی‌شود که جمعی از مردم که استحقاق زندگی بهتری را دارند، به حق خود برسند.» رجوع کنید ← «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های ۱۳۶۹»، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲ .

کرده؛ قرار است با ایجاد پل، این کانال‌ها باز شود.

بعضی از روستاییان، می‌خواهند پایهٔ پل‌ها خیلی بلند باشد که قایق بتواند عبور کند، یا پل نباشد. در گذشته، از این کانال‌ها برای صیادی و تجارت استفاده می‌شده و راه ورود اجناس قاچاق بوده است. به خاطر کثرت تعداد آنها، امکان کنترل سلب می‌شود. از جاده خسروآباد به آبادان برگشتیم. نمی‌دانستم این همه روستا در اینجا وجود دارد.

گشتی در شهر زدیم. برای دیدن بازسازی فاز دوّم، به پالایشگاه[آبادان]رفتیم. مدیر مربوطه گزارش داد. من هم تشکر و تشویق نمودم[1]. از بخش‌های مختلف بازدید نمودیم. مدیران درخواست داشتند که کارهای طرح نفت و پتروشیمی را به خودشان واگذار کنیم و از واگذاری به خارجیان خودداری شود.

با [آقای غلامرضا آقازاده]، وزیر نفت صحبت کردم؛ مخالفتی با این پیشنهاد ندارد، ولی می‌گوید به خاطر بوروکراسی موجود در اجرای طرح‌هایی که به داخلی‌ها واگذار می‌شود، کار مشکل خواهد شد. به محل اقامه نمازجمعه و سخنرانی برای مردم رفتیم. از دیروز به مردم اعلام شده بود. به خطبه دوم آقای [غلامحسین]جمی، [امام جمعه آبادان] رسیدیم. از دولت و من تجلیل کرد و نیازهای شهر را گفت. بین دو نماز، صحبت کوتاهی نمودم[2]. با اینکه اعلان شده، جمعیت کمی آمده بودند؛ حدود ۱۳۰ هزار نفر در شهر ساکن

---

۱ - آقای هاشمی خطاب به کارکنان این پالایشگاه گفت: «من آمده‌ام که از نزدیک فعالیت‌های شما را در بازسازی پالایشگاه آبادان ببینم و از زحمات شما قدردانی کنم. کارهای با ارزش شما نیروهای متخصص و انقلابی در همه رده‌ها، به گونه‌ای است که ناظران خارجی، هرگز تصور آن را نمی‌کردند و اکنون که فاز دوم بازسازی پالایشگاه در آستانه بهره برداری کامل است، من از همه نیروهای متخصص و کاردان در تلاش برای بازسازی این پالایشگاه قدردانی می‌کنم.» رجوع کنید ← «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های ۱۳۶۹»، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲ .

۲ - ایشان در مراسم نماز جمعه آبادان گفت: «برای بازسازی استان خوزستان، هزار میلیارد ریال اعتبار اختصاص یافته است و شهرهای خوزستان بهتر از گذشته ساخته خواهد شد. خانه‌های محقر گِلی پیشین روستاییان، هم اکنون به خانه‌های مستحکم و دارای آب و برق و امکانات تبدیل شده است. عُمق ویرانی شهرها و روستاهای خوزستان، توسط نیروهای بعثی، تنها در منطقه اروندکنار و بهمن‌شیر ۹ هزار روستا ویران شده است و این منطقه به سرعت بازسازی شده و پرنشاط‌تر و مؤثرتر از گذشته خواهد بود. خدا را شکر زنده ماندم و شهرهای مقاوم خرمشهر و آبادان را دیدم و امیدوارم شما مردم مقاوم که دوران سخت، ولی پرشور و الهام بخشی را پشت سر گذاشته‌اید، در بازسازی‌ها مشارکت داشته باشید. من اکنون با دید عمرانی و سازندگی به این منطقه نگاه می‌کنم و بسیار متأثر می‌شوم که در نتیجهٔ

هستند. گفتند دیروز در استادیوم جمعیت زیادی جمع شده بود؛ چون ما نرسیدیم، مردم ناراحت شدند.

برای ناهار و استراحت به هتل رفتیم. ساعت سه بعد از ظهر برای بازدید بازسازی‌ها، به خرمشهر رفتیم. از طرح در دست احداث ستاد مُعین دیدن نمودیم. عدم هماهنگی بین‌مدیریت ستاد مُعین و مسئول بازسازی شهر به چشم خورد؛ توبیخ‌شان کردم.

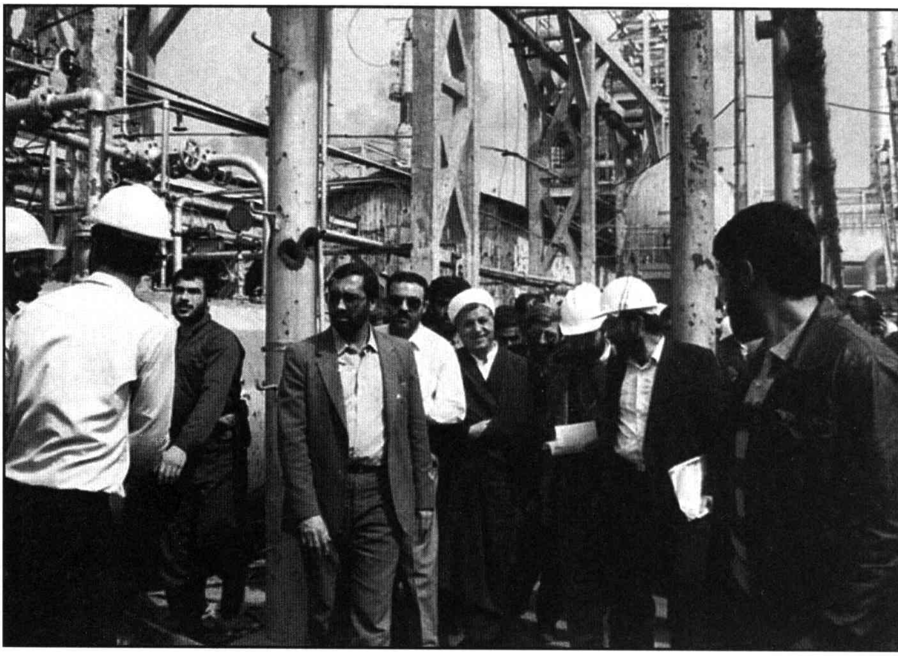
به فرودگاه رفتیم و با هلی‌کوپترها به سوی شادگان پرواز کردیم. دور جزیره آبادان را با هلی‌کوپتر گشتیم و از بالا، وضع جزیره را مشاهده کردیم. در پرواز برفراز اروندرود، منطقه فاو عراق را دیدیم؛ نیروهای عراقی از آنجا رفته‌اند. نخل‌های عراقی‌ها در طول جنگ، خیلی زیاد خراب شده است و اثری از عمران و بازسازی دیده نمی‌شود. منظره دژ شهید رجایی که کنار اروند ساخته‌ایم، توجهم را جلب کرد؛ کار بزرگی است.

در شادگان، مردم استقبال پرشوری نمودند. آنها عرب‌زبانند؛ بعد از سرود و خیرمقدم توسط نماینده شهر و سخنرانی کوتاه من[1] و وعده عمران و آبادی، به سوی ماهشهر حرکت کردیم. غروب در فرودگاه کوچک ماهشهر فرود آمدیم. پس از استقبال رسمی، به مقر واقع در منطقه مسکونی خانه‌های سازمانی پتروشیمی رفتیم.

بعد از نماز مغرب و عشاء، در جلسه مدیران نفت و پتروشیمی شرکت کردم. گزارش

↲جنگ تحمیلی، نخلستان‌ها و مزارع روستاییان آسیب بسیار دید. آبادان بدون روستاهای اطراف و نخیلات و بهمن‌شیر و اروند، و بدون رونق و تجارت‌های گذشته، به عظمت قبلی خود نمی‌رسد.» در ابتدای مراسم نماز جمعه، حجت‌الاسلام‌والمسلمین جمی، امام جمعه آبادان، ضمن قدردانی از آقای هاشمی، گفت: «شما دارای محبوبیتی هستید که مستحق آنید، زیرا شما علاقمند به ملت ایران هستید و مردم خوزستان به شما علاقه‌ای بسیار دارند.»

۱ - آقای هاشمی، ضمن تجلیل از نقش مردم شادگان در دفاع از میهن اسلامی گفت: «هر کس که اهل تاریخ ایران باشد، با شخصیت‌های تاریخی شما آشناست و شما در دوران جنگ تحمیلی، یکی از صفحات درخشان تاریخ ایران را نوشتید. صفا و صمیمیت مردم انقلابی این منطقه مورد بحث و مذاکره مسئولین اجرایی کشور است و مسئولین کشور این منطقه را به‌طوری که شایسته است مورد توجه قرار خواهند داد و اکنون که در جبهه آرامش برقرار شده، مسئولین کشور سعی دارند که در آینده، شادگان را از هر نظر به وجه مطلوب خود برسانند. احداث سد مارون و همچنین واحد نیشکر شادگان، به زودی به بهره برداری خواهد رسید. امیدواریم که مساله صیادی این منطقه احیا شود و به روستاهایی که فاقد آب و برق و خدمات هستند، این نوع خدمات ارائه داده شود.» رجوع کنید ← «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های ۱۳۶۹»، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲ .



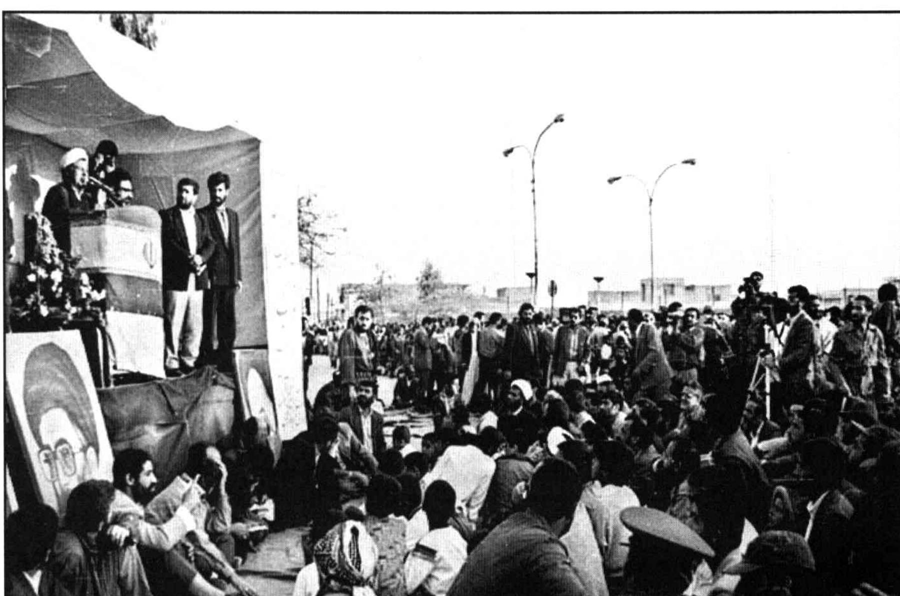
بازدید از پالایشگاه آبادان



سخنرانی در جمع کارکنان پالایشگاه آبادان



شرکت در مراسم نماز جمعه شهر آبادان



سخنرانی در جمع مردم شادگان

کار دادند و نیازها و مشکلات صنعت نفت و پتروشیمی را طرح کردند؛ مشکلات به کمبود ارز برمی‌گردد. امام جمعه ماهشهر و بندر امام نیز خواسته‌هایی ارائه دادند. شام خوردیم و ساعت ده شب، برای بازدید و افتتاح کارخانه جدید تولید کود فسفات رفتیم.

مدیر اجرایی در اتاق کنترل، توضیحات خود را داد. این کارخانه، روزانه ۶۰۰ تن کود فسفات تولید می‌کند و با صرف ۲۷ میلیون دلار ساخته شده است. بخش اعظم نیاز خود را از موسسه شیمیایی رازی می‌گیرد که هزینه جدیدی تحمیل نمی‌کند. در حال حاضر، کشور به یک میلیون و ۲۰۰ هزار تن کود شیمیایی نیاز دارد که فعلاً ۵۰۰ هزار تن تولید می‌کنیم.

با توجه به ارزش افزوده و نقش این محصول در خودکفایی غذایی کشور، دستور دادم که شروع به طراحی و اجرای سه واحد دیگر از این قبیل کنند؛ مخصوصاً که فعلاً قدرت اجرایی خودکفایی این‌گونه طرح‌ها را داریم. ساعت دوازده شب به اقامتگاه رسیدیم و خوابیدم.

شنبه ۲۵ اسفند ۱۳۶۹ | ۲۹ شعبان ۱٤۱۱ — ١٦ مارس ١٩٩١

نزدیک ساعت شش صبح بیدار شدم. بعد از نماز، اخبار را گرفتم. قیام مردم در عراق رو به توسعه است و نیروهای آمریکایی، امروز در عراق تحرک داشته‌اند؛ ظاهراً برای ترساندن صدام از فشار بیشتر بر مردم است. صدام خیلی بی‌رحمانه با مردم برخورد می‌کند. حدود یک ساعت، صرف نوشتن خاطرات شد.

ساعت هفت و نیم به مجتمع پتروشیمی ایران و ژاپن رفتیم. حدود سه ساعت مدیران درمورد کل طرح، برنامه بازسازی، هزینه‌ها، درآمدها و محصولات، توضیحات دادند و به سئوالاتم پاسخ گفتند؛ تشویق‌شان کردم[1] و لوح تقدیر دادم و بر واگذاری طرح‌های دیگر

۱- آقای هاشمی در پایان بازدید خود از مجتمع پتروشیمی امام خمینی (ره)، دفتر یادبود این مجتمع را امضا کرد. ایشان در یادداشت خود، ضمن اظهار خوشوقتی از بهره‌برداری اولین فاز مجتمع عظیم پتروشیمی بندر امام خمینی، نوشت: «این امر، کاری افتخارآمیز و غرورانگیز است و کاری است که ناظران خارجی،آن را خارج از قدرت ما می‌دانند، ولی نیروهای انقلابی، برخلاف گمان آنها، توانستند قدرت طراحی و ساخت خود را برای چندمین بار در ←

به نیروهای داخلی تأکید نمودم. فاز اول را نیروهای داخلی بازسازی کرده‌اند که اعجاب‌انگیز است. با ماشین از بخش‌های مختلف بازدید کردم و به احساسات کارکنان جواب دادم. مصاحبه‌ای طولانی دربارهٔ نتایج سفر نمودم[1].

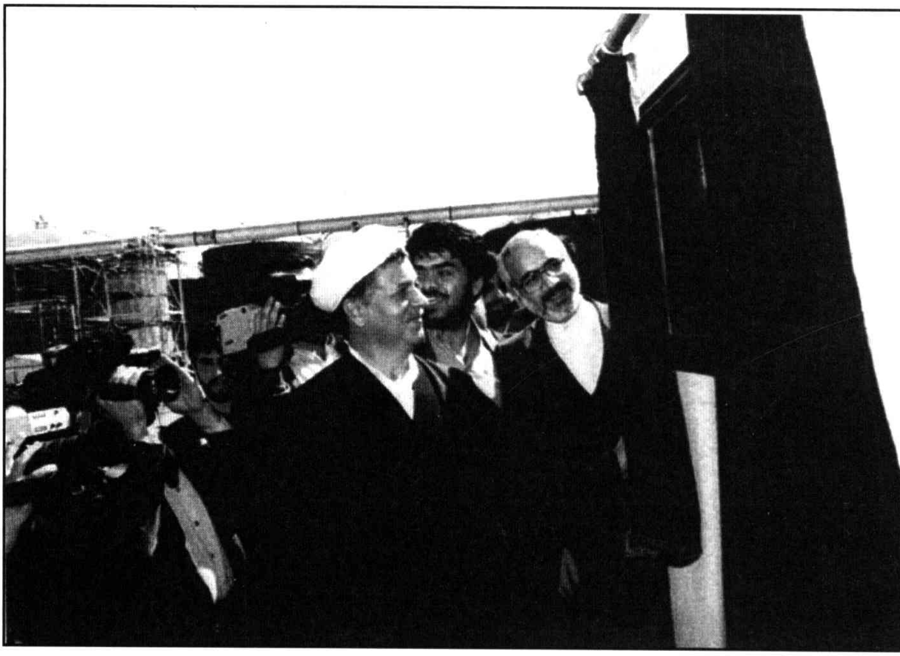
سپس از سیلوی بندرامام و اسکله‌ها بازدید کردم و با چند نفر از کارگران و رانندگان راجع به کارشان گپ زدم. ساعت یک با هلی‌کوپترها به پایگاه امیدیه رفتیم. فرمانده پایگاه خبر داد که هواپیماهای جنگی اف-۷ چینی که اخیراً گرفته‌ایم، در پایگاه، عملیاتی شده‌اند و برای عمران پایگاه استمداد کرد.

با همراهان به سوی تهران حرکت کردیم. ساعت سه بعد از ظهر وارد تهران شدیم. به دفترم رفتم. بعد از نماز، استراحت کوتاهی کردم. در جلسه شورای عالی امنیت ملی شرکت کردم. بررسی آخرین وضعیت بحران عراق در دستور بود. سیاست اتخاذی در جلسه قبل، تأیید شد. در خبر مطبوعاتی جلسه، به‌گونه‌ای جواب ادعای صدام درخصوص پشتیبانی ایران از قیام مردم عراق را دادم.

تا ساعت هشت شب، در دفترم کار کردم و به خانه آمدم. آقای [محسن]رضایی اطلاع داد که نیروهایی برای زدن پایگاه منافقین در عراق رفته‌اند.

↩عرصه بازسازی به ثبوت برسانند. بی‌شک این حرکت، نقطه عطفی در خودکفایی و استقلال صنعت ما خواهد بود و من به ملت عزیز و این تلاشگران این موفقیت را تبریک می‌گویم.»

۱ -آقای هاشمی در پایان بازدید چهار روزه خود از شهرها و روستاهای جنگ‌زده استان‌های باختران، ایلام و خوزستان، در جمع خبرنگاران اعلام کرد: «اعتبارات بازسازی سال ۷۰ که در بودجه پیش بینی شده، مبلغ ۲۷۰ میلیارد ریال است، ولی در بازدیدهایی که از مناطق جنگ‌زده داشتیم، مشخص شد که قدرت جذب این مراکز بیشتر است و اعتبار کم برای آنها در نظر گرفته شده است. سیاست دولت این است که به مناطق جنگ زده و آسیب دیده در جریان جنگ تحمیلی، هرچقدر که قدرت جذب داشته باشند، اعتبار اختصاص دهد و فکر می‌کنم اعتبار برای بازسازی مناطق جنگ‌زده از ۲۷میلیارد تومان بیشتر خواهد بود.» ایشان اهداف سفر خود را بازدید از چگونگی پیشرفت بازسازی در مناطق جنگ‌زده که مستقیماً توسط دشمن آسیب دیده است، ذکر کرد و گفت: «این سفر با وجود اینکه طولانی بود و کار زیادی صورت گرفت، در عین حال موجب نشاط روحیه من شد.» رجوع کنید ← «هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های ۱۳۶۹»، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲ .



پرده برداری لوح یاد بود افتتاح فاز اول مجتمع پتروشیمی بندر امام خمینی (ره)



مصاحبه پایانی سفر به جنوب کشور

یکشنبه ۲۶ اسفند ۱۳۶۹ | ۳۰ شعبان ۱۴۱۱ ۱۷ مارس ۱۹۹۱

آقای [محسن]رضایی، [فرمانده کل سپاه پاسداران]، اطلاع داد که نیروهای آمریکایی در عراق، زبیر را گرفته‌اند و به بصره رسیده‌اند و نیروهای عراقی را خلع سلاح می کنند. صبح به دفترم رفتم. مقداری از کارهای عقب مانده را انجام دادم. ساعت نُه ونیم، جمعی از روحانیون تهران آمدند. برای آنها مفصلاً صحبت کردم[1] و وضع منطقه و عراق را تشریح نمودم.

[آقای ناکاجیمو]، مدیر کل سازمان بهداشت جهانی آمد. از خدمات انسانی ما به آوارگان تشکر کرد و وعدهٔ مساعدت بین‌المللی داد[2]. اعضای هیأت رییسه مجلس خبرگان

---

۱ - در این دیدار که جمعی از روحانیون، ائمه جماعات و مبلغین تهران حضور داشتند، آقای هاشمی بر لزوم حفظ وحدت روحانیت و مردم، و سلامت و صلابت انقلاب اسلامی تاکید کرد و گفت: «روحانیون، باید با پرهیز از جناح‌بندی‌ها و اختلافات، یکپارچگی خود را حفظ کنند و همواره آن را به عنوان یک اصل در نظر بگیرند. روحانیت، مورد اعتماد، احترام و محور وحدت مردم است و تاکنون هیچ حادثه‌ای نتوانسته است، این اعتقاد عمومی را سست کند. اعتماد و احترام مردم به روحانیت، از خلوص ایمان و سلامت نفس اکثر قاطع روحانیت ناشی می شود که باید به این امر مهم توجه شود.» رجوع کنید ← «هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های ۱۳۶۹»، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۲ .

۲ - مدیر کل سازمان بهداشت جهانی، ضمن تجلیل از مواضع جمهوری‌اسلامی ایران در قبال مسایل اخیر خلیج فارس، از اقدامات انسانی و بشردوستانه ایران، نسبت به پناهندگان تشکر کرد و افزود: «سازمان بهداشت جهانی، همکاری خوبی با وزارت بهداشت و درمان جمهوری اسلامی ایران دارد. ما تشریک مساعی و پیگیری‌های ایران را در زمینه رفاه پناهندگان ستایش می‌کنیم و معتقدیم سازمان‌های بین‌المللی در جهت کمک به مشکل پناهندگان و بازسازی خرابی‌های ناشی از جنگ هشت ساله در ایران، مسئولیت مهمی برعهده دارد که باید ایفا کند. همچنین از اوضاع داخلی عراق نگران هستیم. من کودکانی را که به وسیله بمب‌های ناپالم، صورت‌شان سوخته و مجروح شده بودند، از نزدیک مشاهده کردم و از دولت شما به‌خاطر مراقبت‌های ویژه‌ای که نسبت به این مجروحان شده است، سپاسگزارم. من گزارش کاملی در این سفر فراهم کرده‌ام که به دبیر کل سازمان ملل ارائه خواهم داد و امیدوارم با یک تحرک بین‌المللی گام‌های مؤثری در جهت رفع آلودگی‌های ناشی از نشت نفت در منطقه و ترمیم خرابی‌های کل منطقه برداشته شود.» سپس آقای هاشمی با تشکر از تلاش سازمان بهداشت جهانی در این امر انسان‌دوستانه و سفر رییس این سازمان به ایران اظهار داشت: «توجه جامع سازمان بهداشت جهانی به آثار منفی وضع موجود در منطقه خلیج فارس و رسیدگی به مشکلات مردمی که مصیبت دیده‌اند، موجب دلگرمی ماست و از آن حمایت می‌کنیم. در طول سال‌های گذشته، جمهوری اسلامی ایران همواره با این گونه مسایل روبرو بوده است که از طریق همسایگان‌مان، برایمان

آمدند و برای نقشه ساختمان مجلس خبرگان در قم مشورت کردند. ناهار را با من خوردند و رفتند.

عصر در جلسه هیأت دولت شرکت کردم. شب آیت‌الله خامنه‌ای، مهمان من بودند. دربارهٔ وضع عراق، کمک به مردم عراق، مسأله کویر، لزوم انضباط سپاه در کمک به عراق و مسایل دیگر مذاکره کردیم. ایشان امشب به مشهد می‌روند و پس از زیارت برمی‌گردند.

دوشنبه ۲۷ اسفند ۱۳۶۹ | ۱ رمضان ۱٤۱۱ ۱۸ مارس ۱۹۹۱

امروز اول ماه مبارک رمضان است. ساعت سه و نیم بامداد، برای سحری خوردن با زنگ ساعت برخاستیم. سکینه‌خانم، سحری آماده کرده بود. مهدی و یاسر و فرشته، همه بیدار شدند. سحری خوردیم. عفت هم با اینکه سحری نمی‌خورد، بیدار شد؛ کسالت دارد.

بعد از نماز صبح تا ساعت هفت خوابیدم. به دفترم رفتم. کارها را انجام دادم. [مسئولین]حزب الله لبنان آمدند. از وضع لبنان و سیاست ما و کمک‌های ما، اظهار تشکر کردند. دربارهٔ آینده لبنان و منطقه و عراق مذاکره شد. گفتم با مسلمانان عراق، همکاری کنند.

دکتر فتحی شقاقی و یک نفر دیگر از جبهه اسلامی نجات فلسطین آمدند. تحلیلی از مسأله فلسطین و اسرائیل ارائه دادند و کمک بیشتر خواستند؛ قول کمک دادم و کمک همه جانبه را مشروط به اسلامی بودن مبارزه کردم[1]. آقای احمد جبرئیل[رهبر جبهه خلق

پیش‌آمده است و همیشه هم سعی کرده‌ایم، بدون آنکه کمک مناسبی گرفته باشیم، به بهترین وجه وظایف انسانی اسلامی خود را انجام دهیم.»

۱ - آقای هاشمی در دیدار با دکتر «فتحی شقاقی» و «سعید برکه» از روحانیون مبارز و تبعیدی، از مسئولین سازمان جهاد اسلامی فلسطین، تأکید کرد: «جمهوری اسلامی ایران در همه شرایط و با تمام امکانات، در کنار مردم فلسطین خواهد بود. هدف اصلی و اولیه ما اعتلا و عزت اسلامی و آزادی سرزمین فلسطین است. جوانان‌مجاهد فلسطینی، بزرگترین حماسه‌سازان عصر حاضر، در برابر ماشین جنگی صهیونیست‌های غاصب هستند.آنچه که مردم فلسطین را در حال حاضر سربلند کرده است، حرکت اسلامی و قیام مردم در فلسطین اشغالی می‌باشد.» دکتر فتحی شقاقی نیز در این دیدار گفت: «اکنون هزاران مسلمان واقعی که خود را فرزندان حقیقی انقلاب اسلامی‌به رهبری آیت الله خامنه‌ای می‌دانند، آماده جهاد و شهادت براساس روح اسلام و تعالیم عالیه آن تا آزادی قدس شریف می‌باشند.»



ملاقات با مدیر کل سازمان بهداشت جهانی



سخنرانی در جمع ائمه جماعات و وعاظ تهران

برای آزادی فلسطین] و همراهان آمدند[1]. او از سیاست حکیمانه جمهوری اسلامی در بحران خلیج فارس تقدیر کرد و خواستار حذف صدام و همچنین کمک به فلسطینیان و حفظ سازمان آزادیبخش فلسطین بود.

دکتر ولایتی، [وزیر امورخارجه]آمد و گزارش سفر به عمان را داد. با [آقای سعودالفیصل]« وزیر امورخارجه عربستان، راجع به حج و برقراری روابط، به توافق رسیده‌اند. راجع به همکاری با شورای همکاری خلیج فارس هم، مذاکرات تفاهم‌آمیز داشته اند. عصر شورای اقتصاد جلسه داشت. در مورد قیمت ادوات کشاورزی و کتب درسی تصمیم گیری شد. اعضای شورا، افطار مهمان من بودند.

سه‌شنبه ۲۸ اسفند ۱۳۶۹ | ۲ رمضان ۱۴۱۱ — ۱۹ مارس ۱۹۹۱

ساعت هفت و نیم به دفترم رسیدم. مطالب پیام نوروزی را تهیه کردم. ساعت نُه ونیم صبح، پیام نوروزی [برای پخش از صدا و سیما هنگام حلول سال نو]، ضبط شد. آقای [جلیل]بشارتی، مسئول دفتر مناطق محروم آمد. گزارش عملکرد داد و برای امور سال ۷۰ مشورت کرد.

از مجله اشپیگل آلمان برای مصاحبه آمدند. خیلی سئوال داشتند؛ به همه جواب دادم؛ البته فشرده و کوتاه . عصر، شورای‌عالی امنیت ملی جلسه داشت. نحوهٔ حمایت از مسلمانان عراق، روابط با عربستان، حج و نحوه همکاری با «شورای همکاری خلیج فارس» در دستور بود. قرار شد [در عراق]، کمک‌ها بدون دخالت نیروی انسانی ایرانی باشد. حج انجام شود و نحوه همکاری با شورا، در دبیرخانه[شورای عالی امنیت ملی] برای طرح در شورا بررسی

---

۱ - آقای هاشمی در دیدار با احمد جبرئیل، کشورهای عربی را از موضع‌گیری‌های خصمانه نسبت به فلسطینیان ساکن در این کشورها برحذر داشت و گفت: «کشورهای عربی و مخصوصاً کشورهای جنوب خلیج فارس، نباید به‌خاطر موضع‌گیری‌های اخیر بعضی از سران فلسطینی، نسبت به فلسطینیان مهاجر و مظلوم بی‌توجه شوند و مشکلی در زندگی و کار آنان بوجود آورند.» ایشان بر لزوم هماهنگی ارگان‌های فلسطینی در این برهه حساس از زمان و مساعدت کشورهای اسلامی تأکید کرد.

شود. اعضای شورای عالی امنیت ملی، افطار مهمان من بودند.

آقای [علی محمد]بشارتی از وزارت امور خارجه آمد و کمک‌هایی که افراد ایرانی، از لندن، برای زلزله‌زدگان فرستاده بودند، آورد و خبر داد که کویتی‌ها خواسته‌اند در بازسازی کمک‌شان کنیم و مواد غذایی به آنها بفروشیم. وزیر نفت گفت، وزارت امورخارجه اطلاع داده است که هیأت نفتی از عراق، اجازه خواسته که به ایران بیاید؛ گفتم مانعی ندارد.

شب به خانه آمدم. در گزارش‌ها، تشدید درگیری‌ها در عراق، تصرف کرکوک توسط کُردها و اعمال خشونت بیشتر صدام در جنوب، جلب توجه می‌کند.

چهارشنبه ۲۹ اسفند ۱۳۶۹ | ۳ رمضان ۱۴۱۱ ۲۰ مارس ۱۹۹۱

امروز در منزل بودم. بعد از نماز صبح، تا ساعت ده خوابیدم. وقت به استراحت و پیاده‌روی در حیاط منزل و خواندن گزارش‌ها گذشت. آقای [محسن]رضایی، تلفنی گزارش وضع داخل عراق را داد؛ تحول مهمی ندارد و درگیری‌ها ادامه دارد. رییس پارلمان عراق، رسماً ایران را متهم به تربیت و اعزام خرابکار به عراق کرده است.

دکتر ولایتی، [وزیر امورخارجه]، اجازه گرفت که شروع روابط با عربستان سعودی را اعلان نماید. افطار بچه‌ها جمع بودند.

پایان

ضمایم

فهرست مطالب ضمایم

تحلیلی از جنگ خلیج فارس

خطبه نمازجمعه پنجم بهمن ۱۳۶۹

بسم الله الرحمن الرحیم

همچنان که وعده داده بودم، تمام وقت مربوط به خطبه دوم را به بحث پیرامون مسایل منطقه اختصاص می دهم که پرداختن به این مهم ضرورت دارد. اطلاع کامل از اوضاع کنونی منطقه، از نیازهای مهم جامعه ما به شمار می رود و مسأله حاکم بر منطقه ما، یک مسأله بسیار حائز اهمیتی است که شاید از مهم ترین و حیاتی‌ترین مسایل جهانی و منطقه‌ای در این قرن به حساب آید و آثاری که مترتب بر این وضع جاری در منطقه می‌باشد، به جهت تأثیرات مهم سیاسی، اقتصادی و اجتماعی غیرقابل پیش‌بینی‌ای است که در آینده در دنیا و منطقه خواهد داشت.

این مسأله چیزی نیست که ما بخواهیم به سادگی و از موضع عواطف و احساسات و بدون بررسی همه جانبه با آن برخورد نماییم و خوشبختانه در صحبت های دیروز (پنج‌شنبه) مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای تقریباً به صورت اساسی و مهم و به طور فشرده و با ایما و اشاره آمده است و من شدیداً تحت تأثیر صحبت های ایشان قرار گرفتم، چون دیدم که به طور آگاهانه و با بیانی رسا و شایسته است؛ به طوری که انتظارش هم از ایشان می‌رفت.

در این صحبت، ایشان از جهات مختلف به بررسی مسأله مربوط به خلیج فارس پرداختند و حق هم این است که تریبون های نماز جمعه، روزنامه ها، صدا و سیما، خطبا و اهل قلم مطالبی را که ایشان مطرح نمودند، با توضیحات بیشتر و روشن‌تری برای مردم ما بازگو نمایند.

از صحبت های تاریخی و بسیار با ارزش دوران ولایت ایشان هست که من دیروزاز صحبت هایشان متوجه شدم. البته آن قسمت هایی که به نظر من مهمتر محسوب می‌شود و لازم به نظر می رسد که بیشتر باز شود و من به توضیح پیرامون همان قسمت های مهم می‌پردازم که محور صحبت ها هم به شمار می‌آید.

اولاً افکار عمومی جامعه ما، این ضرورت را می طلبد، چون ایشان با توجه به نیاز افکار عمومی، مبادرت به بیان این مباحث و مطالب نمودند. مسأله، مسأله کوچکی نیست که هر کسی به آسانی قادر به گذشتن از کنار آن باشد، چون مسأله بسیار حائز اهمیت می باشد و مخصوصاً با صحبت هایی که اخیراً در بعضی از تریبون های کشور شنیده شد و حرف ها و پیشنهادهایی که ارائه گردید. یک عده حرف های دیگری هم به عنوان یک تکلیف ادعایی در سطح جامعه ما مطرح کردند که ممکن بود، تحت تأثیر این تحریکات واقع شوند و به طور ساده لوحانه فریب بخورند، لذا شاید در زمینه روشنگری نسبت به این گونه مسایل ، بیشتر احساس نیاز نمایند.

البته تاریخچه این قبیل مسایل و علل بروز و وقوع این گونه جریانات ابتدا به ساکن، بر همگان روشن می‌باشد، یعنی علل ظاهری شروع مسأله، ابتدائاً با حمله عراق به کشورکویت آغاز شد و نیروهای رژیم عراق در یک حمله ناگهانی وارد کشور کویت شدند.

پس از این غائله، آمریکایی ها متقابلاً به بهانه پیشگیری از تهاجمات بعدی عراقی ها نسبت به خاک عربستان وارد میدان شدند و در همان روزهای اول بحران، نیروهای آمریکایی به منطقه آمدند. آمریکایی‌ها وقتی عراقی ها را در مرزهای عربستان متوقف ساختند، متعاقب این قضیه، مسأله خروج عراق از کشور کویت از سوی آنان مطرح شد، چون بعد از این مسأله، حمله عراق به عربستان ظاهراً منتفی شده بود.

سازمان ملل و شورای امنیت وارد میدان شد، تا چنان که آمریکایی‌ها مایل بودند، پوستین وار و نه در قالب جار و جنجال و تبلیغات عوام فریبانه به خورد ملت ها داده شود.

در راستای همین سیاست های مزورانه استکبار، شورای امنیت به طور مداوم و مستمر، اقدام به صدور قطعنامه نمود و حضور نیروهای آمریکایی را از حیث مقررات بین المللی کاملاً موجه جلوه داد، تا اینکه این مرحله نیز از دیدگاه آنها به طور ایده‌آل سپری گردید.مقدمه چینی های مورد نیاز جهت حضور نیروهای غربی و کشورهای قدرتمند در

منطقه و توسل به زور جهت خروج عراق از کویت در همان شورای امنیت صورت گرفت.

گاهی این طرز تفکر مترتب می گشت که همان تهدیدات و اعلام آمادگی ها جهت اخراج عراقی ها از کویت کافی است؛ چون وقتی حضور این همه نیروها را در مقابل خود برای خروج و نیز تأیید به کارگیری زور از سوی شورای امنیت دیدند، احساس می شد که عراقی ها جدی تصور کنند.

بنابراین در محاسبه هم کشور متوسطی مثل عراق، نمی تواند فکر کند که با این همه قدرت هایی که در منطقه حضور دارند، قادر به رویارویی با آنها نیست، طبعاً اقدام به عقب نشینی خواهد کرد. البته این عقب نشینی ها هم درجنگ تحقق نیافت و عراقی ها در کویت ماندگار شدند و اعلام نمودند که ما قصد خروج نداریم و در همین رابطه برای خروجشان یک سری شرایطی را به صورت پیش شرط مطرح ساختند.

چون عراق مکرراً اعلام کرد که قصد خروج از کویت را ندارد و به ما هم اعلام کردند که ما اینجا را متعلق به خود می دانیم و در صورتی که شرایط ما محقق شد، ما حاضریم بر سر اینکه کویت اساساً بخشی از عراق می باشد یا نه، بحث شود و بحث را با مراجعه به اسناد تاریخی آغاز می کنیم.

خود عراقی ها ادعا می کردند که در صورت ارائه این اسناد معتبر تاریخی، هر داور منصفی با تطبیق ادعاهایشان با اسناد تاریخی از اینکه کویت را بخشی از خاک عراق بداند، حتی یک درصد هم شک وتردید به خود راه نخواهد داد. یعنی اینکه آنها عزم خود را بر ماندن در کویت جزم نموده بودند و آمریکایی ها هم به طور ظاهری مصمم بر خروج عراق از خاک کویت بودند.

اینکه آیا اهداف دو طرف همین مواردی است که گفته شده است یا خیر؟ خود این یک مسأله است و لازم است که ما به توضیح آنها بپردازیم. واقعاً عراقی ها شرایطی دارند و به صورت ظاهر به تحقق آن شرایط مصمم هستند و خروج خود از کویت را منوط به اجرای آن شرایط دانستند و یا اینکه در شرایط جدی تر در محافل وابسته به خودشان، کویت را بخش لاینفکی از خاک عراق می‌دانند و به کمتر از تصرف و تصاحب کویت هم بسنده نمی کنند.

متقابلاً آن طرف قضیه، آیا آمریکایی ها هم در ادعاهایشان صادق اند؟ واقعاً برای

خروج عراق از خاک کویت به منطقه لشکرکشی نموده‌اند و مسئولیت آنها در همین چهارچوب می باشد و بعد اقدام به ترک منطقه می‌نمایند؟ البته از نظر ما، ماهیت هر دو طرف قضیه تقریباً روشن و گویا است، یعنی اصل ماجرا به این شکل نیست، نه ازطرف آمریکایی ها و نه عراقی ها.

هدف آمریکایی ها قطعاً با خروج عراق از کویت پایان نمی‌یابد، البته این یکی از اهداف آنها را تشکیل می‌دهد و نسبت به این مسأله جدی هستند. ولیکن آنها در منطقه در پی مساله دیگری می‌باشند.

آنها در صددند که از این پس، شرایطی در منطقه حادث نشود که کسی جرأت پیدا کند که در رابطه با سرنوشت نفت در منطقه اعمال قدرت نماید، این جنگ از یک بُعد بیش از هر چیزی بر سر مسأله نفت می‌باشد و جنگ در مقابل نیروهای انقلابی اسلامی است، نه عراق؛ چون حزب بعث عراق، نیرویی نیست که مانند انقلاب اسلامی باشد. اگر یک نیروی اسلامی بود، به مدت هشت سال انقلابی ترین کشور اسلامی را به بدترین وضع ممکن آماج حملات خود قرار نمی داد. نه عمل و نه ایدئولوژی رژیم عراق، هیچ کدام تبیین کننده ماهیت اسلامی رژیم عراق نیست.

مساله‌ای که مدنظر ما می باشد، انقلابی های واقعی و مسلمان های مخلص منطقه که ممکن است بعد از ایران، رفته رفته در راه ایران قدم بگذارند و حاکمیت منطقه به دست اینها بیفتد و از این رهگذر اسرائیل، ارتجاع و صهیونیسم به طورکلی و عوامل استکبار در آستانه تهدید می‌باشند.اهداف آمریکا در بحران کنونی از بُعد اقتصادی نفت است و از بُعد سیاسی مقابله با نیروهای مخلص و انقلابی، البته حفظ موجودیت اسرائیل هم بخشی از اهداف آمریکا می‌باشد.

البته، حمایت از کسانی که به عنوان مهره‌های آمریکا در منطقه تلقی می‌شوند، نیز جزئی از همین سیاست های مداخله جویانه آمریکا است. یعنی امیر کویت که یکی از دوستان آمریکا به شمار می رود، وقتی به سادگی از حکومتش عزل شود، دیگر کمترین امیدی برای دوام و قوام حکومت سایر مهره‌های سرسپرده آمریکا در منطقه باقی نمی‌ماند.

سرنوشت رژیم شاه در گذشته به اندازه کافی تاج وتخت حکومت های وابسته به آمریکا در منطقه را لرزانده بود و اگر امروز هم دوباره رژیم کویت و فردا نیز کشور

دیگری که با اتکاء به آمریکا به حکومتش تداوم می‌بخشید، لاجرم آمریکا می‌بایست جهت پایه‌های تاج و تخت مهره‌هایش فکری کند. لذا حفظ آن دسته از حکومت هایی که به نحوی از انحاء با سیاست های آمریکا حرکت می کنند، برای آمریکا حائز اهمیت می‌باشد، لذا با حضور جدی‌تر و با چهره‌ای خشن در مقابل نیروهایی که احتمالاً در آینده در صددند، تا در دنیایی که به سوی یک قطبی به پیش می‌رود، در مقابل آمریکا ابراز وجود و عرض اندام نمایند، چهره نشان دهد.

با توجه به مسایلی که برشمردیم، اهداف آمریکا با گسیل نیروهایش به منطقه بیشتر آشکار شد. چنان چه تا به حال به تجربه در نیامده است که اگر عراق، مبادرت به خروج از کویت می‌نمود، متقابلاً آمریکا هم اقدام به ترک منطقه می‌نمود. چون شیوه جنگیدن گویای این است که هدف اصلی آنها این نیست، اگر چنانچه خروج عراق از خاک کویت به عنوان یک مسأله اساسی قلمداد می شد، نیازی به تخریب منابع اقتصادی و نفتی عراق نبوده است.

بنابراین این طور نیست که ما فکر کنیم به محض خروج عراق از کویت ،غائله خاتمه می یافت، البته آنها مدعی هستند که با این کار کل قضیه پایان می یابد. البته کم کم این اواخر مطرح نمودند که باید نیروی نظامی عراق هم مهار شود و اخیراً هم یک قطعنامه‌ای را هم در شورای امنیت از تصویب گذرانده‌اند که محتوای آن بیش از این حرف ها دارای معنی است. آن هم این که در خلال این قطعنامه، عنوان نمودند که باید خساراتی که از ناحیه اشغال کویت توسط عراق متوجه کشورهای منطقه و یا هر کس دیگری شده، عراق باید پرداخت این خسارت ها را تقبل نماید.

معنی این هم این است که تازه وقتی که عراق از کویت عقب‌نشینی کرده، فوراً درخواست پرداخت خسارت را می‌نمایند و از آن جایی که قطعنامه شورای امنیت هم لازم‌الاجرا می‌باشد و عراق هم با توجه به اینکه قادر به پرداخت خسارات نیست، فردا به بهانه عدم پرداخت هر آنچه را که باید بر سر عراق بیاورند، بر سرش خواهند آورد. بنابراین آنها به اندازه کافی بهانه جهت موجه جلوه دادن حضورشان در منطقه را در اختیار داشتند، لذا ما نمی توانیم به صرف اینکه آمریکایی ها به خاطر اهداف مذکور وارد منطقه شدند، آسوده خاطرباشیم.

آن قدر افکار ما برایمان محکم می‌باشد که قادریم، تحت هر شرایطی، مخصوصاً در شرایط آرام تر، افکارمان را با ملل منطقه در میان بگذاریم. از نظر ما این یک عمل بسیار غلطی است که اجازه داده شود که به صرف اختلاف ارضی با نیروی نظامی، مبادرت به اشغال کشوری نماییم و به طور کلی اقدام به انهدام منابع انسانی آن کنیم.

علاوه بر این مسایل ، مظالمی را که عراقی ها در مراحل پس از تصرف کویت در حق مردم آن کشور روا داشتند، انصافاً غیرقابل قبول می‌باشد. در همین راستا از آن جایی که از قبل این ماجرا، عده زیادی از مردم اقدام به مهاجرت و عده‌ای نیز در آوارگی به سر می‌برند، این همه تخریب و ویرانی که به وجود آمد و این تعداد از انسان ها که در یک جامعه اسلامی کشته شدند، چگونه قابل توجیه می‌باشد؟

از لحاظ خود ما که بعضاً آقایان پیشنهاد جانبداری از عراق در جنگ از سوی کشور ما را می نمایند، باید قبل از هر چیز این سئوال در ذهن‌شان نقش بندد که اگر عراق در ساحل جنوبی خلیج فارس باشد، برای ما چه اتفاقی خواهد افتاد؟ هر چند که موقعیت سایر کشورها، نفت و امنیت و سایر چیزها را جداگانه بحث می کنیم.

اگر به شرایط مربوط به زمان جنگ آن وقت برگردید، جواب این سئوال را دریافت خواهید کرد. ما اگر در زمان جنگ، یعنی وقتی که مشغول جنگ بودیم و عراقی ها در جنوب خلیج‌فارس بودند، به همین شکلی که اقدام به مقاومت کردیم، آنها از سواحل جنوب کل خلیج‌فارس را برای استفاده ما ناامن می‌ساختند، حتی یک کشتی ما قادر نبود از آتش عراقی ها سالم عبور کند. نیروی دریایی ما از بندرعباس نمی توانست به این طرف عبور کند، ما در زمان جنگ، یک بار که بحث راجع به در اختیار گذاردن جزیره بوبیان از سوی کویت به عراق بوده است، من به عنوان فرمانده جنگ در همان موقع اعلام نمودم و بعد از اینکه خدمت امام (ره) مطرح کردم و نظر ایشان داده شد، اعلام کردم.

خدمت امام صحبت کردم و موقعیت جغرافیایی را توضیح دادم و امام خطاب به من فرمودند؛ شما اعلام کنید و بگویید اگر کویت جزیره بوبیان را در اختیار عراق بگذارد و چنان چه ما این جزیره را تصرف نماییم، دیگر به کویت پس نخواهیم داد. ایشان تأکید فرمودند که ما به هیچ وجه آمدن عراق به جنوب خلیج‌فارس را تحمل نخواهیم کرد که آن هم در گوشه‌ای از کویت در کنار مرز عراق واقع است.

برای ما اهمیت این مسأله بسیار روشن می‌باشد. جمهوری اسلامی ایران به عنوان مرکز انقلاب اسلامی جهانی، نمی‌تواند قبول کند که یک چنین تهدید جدی در سواحل ما، یعنی در آن جایی که حیات ما وابسته به آن مناطق است و در واقع شاهرگ حیاتی ما می‌باشد، عراقی ها بیایند و آن سواحل جنوب را در اختیار بگیرند.

در یکی از نامه هایی که رییس جمهور عراق به من نوشتند، این نامه ها هم که پخش شد و به زبان فارسی و عربی نیز به اطلاع عموم رسیده است، آمده بود که ما ۸۰۰ کیلومتر مرز آبی و هزار و اندی هم مرز خاکی با شما داریم. یکی از سران عراقی که به کشورمان آمده بود، من از او پرسیدم که این رقم ۸۰۰ کیلومتری که شما در آن نامه نوشته بودید چه چیزی بود؟ آیا این متعلق به خودتان است، یا آن را شورای فرماندهی تصویب کرده، یا شخص صدام آن را نوشته بود؟

گفت؛ نه، نامه ها در شورای فرماندهی تصویب می شد و همه شخصی نبود. گفتم، پس این ۸۰۰ کیلومتر چیست؟- حالا شما آقایان می‌توانید یک بار دیگر نامه را بخوانید.-گفت؛ لابد همین کویت است گفتم؛ این که ۸۰۰ کیلومتر نمی شود. گفت؛ من حالا یادم نیست. این ۸۰۰ کیلومتر از فاو تا آنجا می‌شود.

من این مساله را به خود عراقی ها می گویم، ما در مذاکراتمان هم به آنها گفتیم، همین حالا هم می گویم، آنهایی که توقع دارند جمهوری اسلامی آنها را حمایت کند و وارد جنگ شود، معنایش این است ما وارد جنگ شویم که عراق در کویت بماند، چون او می خواهد مرز ما با عراق تا نزدیک تنگه هرمز هم امتداد پیدا کند، فردا خلیج‌فارس هم خلیج عربی شود و همین چیزهایی که شنیدید.

این از نظر شما انتحار نیست؟ حالا اگر فرض هم می کردیم، جنگ حق و باطل بود و در اصل، اختلاف، اختلاف دیگری بود، ما به عنوان جمهوری اسلامی چگونه می توانیم وارد چنین نبردی شویم؟ بچه‌هایمان، این حزب‌اللهی ها را بگوییم، بروند و شهید شوند به خاطر اینکه عراقی‌ها به جنوب خلیج‌فارس بیایند و در آنجا ساحل درست کنند و خلیج‌فارس را از ما بگیرند.

این چه حرفی است که ما دنبال این باشیم؟ حالا که این نیست، واقعاً یک سری اغراض باطل این طرف است و یک سری اغراض باطل تر آن طرف است. البته ما خودمان

گفتیم، این حرف ماست که ام‌الباطل، استکبار غرب و مخصوصاً آمریکاست. حرف چیزی نیست که دیگران این حرف را بزنند. این حرف خود ماست. ولی اینجا که این مسأله به این شکل رسیده، معنایش این نیست که جمهوری اسلامی بیاید انتحار کند.

ما واقعاً نصیحت هایمان را با همه زبان های ممکنه کرده ایم؛ آدم فرستادیم، مذاکره کردیم، حرف زدیم و گفتیم که ما قبول نداریم، شما در کویت بمانید. شما اعلام کنید از کویت باید بیرون بیایید، تا یک راه روشنی پیدا شود.این حرف در سخنان مقام معظم رهبری به طور خیلی جدی و قاطع آمده است.

یک نکته ای را من عرض کنم. الان سیاست های جمهوری اسلامی را چه کسی مورد تصمیم گیری قرار می‌دهد و چگونه است؟ این را خوب است مردم ما بدانند، چون من متأسفم که گاهی از بعضی دوستان مطالبی را می شنوم ، آدم هایی که قطعاً سوءنیت ندارند، ولی حرفهایی مطرح می کنند که سیاست ها را زیر سئوال می‌برند و نمی‌دانند این زیر سئوال بردن سیاست ،ها به نفع چه کسی در دنیا تمام می‌شود.

آدم های ساده لوح، کم سواد، جوان و نوجوان در کشور ما زیاد است که این تحلیل‌ها را نمی‌توانند هضم کنند. اگر اینها به سیاست های کشور بدبین شدند، چه کسی نفع می‌برد؟ آیا هیچ وقت فکر این را کرده‌ایم؟ هیچ باند و گروهی در کشور نفع نمی‌برد، همه ضرر می کنیم.

یکی از سیاست های بسیار شیطنت آمیزی که بعد از رحلت حضرت امام (ره)، استکبار تبلیغاتی غرب به شدت دنبال می کند، این است که در کشور ما، افکار امام و سیاست های کشور را زیر سئوال ببرد، برای آنها خیلی مهم است. او می فهمد که چه اتفاقی می افتد، اگر موفق شود سیاست های نظام و افکار امام (ره) را زیر سئوال ببرد، چون با یک تیر چند نشان می‌زند.

اگر این نظام موفق شود که مشکلات کشور را حل کند، آنها با این سیاستشان موفق شدند که امام را از دوران سازندگی جدا کنند، چون می گویند این سیاست های امام نبوده است. کسانی که اینجا پیوسته می گویند، خط امام (ره) کم‌رنگ شد، چه چیز را تعقیب می‌کنند؟ چه چیز کم‌رنگ شد؟ آنها هم این مسایل را بزرگ می کنند.

اگر ما موفق شدیم وکشورمان را بعد از این همه خرابی های جنگ آباد کردیم، با این

تبلیغاتی که شده، می گویند؛ این سیاست های امام (ره) نبوده است و ما اگر روزی کشورمان از اندیشه های امامان جدا شود، هر قدر هم ساخته شده و مرفه باشیم، آن چنان ضرر می کنیم که با هیچ چیز نمی‌توانیم جبرانش کنیم.

کسانی که مسأله کم رنگ شدن خط امام (ره) را مطرح می کنند، خیلی‌هایشان واقعاً ممکن است که حسن نیت دارند، واقعاً با دلسوزی می گویند، یک چیزهایی می‌بینند، ناراحت می شوند، فکر می کنند، این با آن پیامی که امام (ره) دادند و حرفی که امام (ره) زدند جور در نمی‌آید.

من واقعاً نمی‌خواهم کسی را متهم کنم که سوء نیت دارد. ولی ، دشمنان اساسی انقلاب سودش را می برند. یک عده‌ای از مردم فکر می کنند - آن هم جوان ها و نیروهای بالنده کشور و آن حزب اللهی‌های نابی که جانشان با افکار امام آن چنان آمیخته است که هیچ وقت جدا نمی شوند- حالا که سیاست های امام کم رنگ شده، چرا ما دیگر در صحنه باشیم.

این روزها، بحث هایی که در روزنامه‌ها بود، یکی دو نفر حرف زدند و گفتند که ما همراه صدام برویم.اکثریت گفتند که نرویم، ولی روزنامه های غربی همان حرف های آن چند نفر را هنوز هم می گویند. ولی حرف بقیه را اصلاً نمی گویند. حرف نماینده‌های مجلس را که می گویند، نرویم، نمی گویند. ولی آن چند نفر را گنده می کنند. آنها هدف دارند. شیطان هستند و ما باید عاقل و هوشیار باشیم و مواظب باشیم [که] اندیشه‌های امام (ره) را به این آسانی خدشه دار نکنیم .

اصلاً این موضوع در جامعه ما قابل طرح نیست. جامعه ما همیشه باید آن گونه باشد که کسی جرأت نکند، در مخیله خودش حاضر کند که یک روزی ،این جامعه را از افکار امام (ره) جدا کند. پی در پی گفتن، مسأله را عادی می‌سازد.

بنابراین داستان سیاست گذاری کشور ما الان این گونه است. این را ملت ما بدانند، براساس قانون اساسی ما در این مقطع، اعلان جنگ و صلح و بسیج، اینها همه متعلق به ولایت فقیه است. نه متعلق به دولت، نه مجلس، نه شورای نگهبان و نه متعلق به مجمع تشخیص مصلحت است و نه متعلق به دستگاه قضایی است.

[این اختیارات] در قانون اساسی به رهبری و ولایت فقیه داده شده است. ولایت فقیه

هم یک بازوی توانایی برای مشورت در همان قانون اساسی دارد که آن شورای عالی امنیت ملی است.

در شورای عالی امنیت ملی، مؤثرترین نیروهای کشور حضور دارند. رییس جمهور، رییس مجلس، رییس قوه قضائیه، وزیر کشور، وزیر اطلاعات، رییس سازمان برنامه و بودجه، به خاطر اشرافی که بر امور اقتصادی دارد، عالی ترین مقامات نظامی سپاه و ارتش، وزیر دفاع و دو نماینده از طرف شخص رهبری که فعلاً آقای حاج سید احمد آقا و آقای دکتر روحانی هستند و مشاوران سیاسی رییس جمهور و رهبری و وزیر امور خارجه هم آنجا هست، دائماً هم اشخاص مؤثر دعوت می‌شوند، یک چنین جمعی می‌نشینند، مسایل را بررسی می کنند، بعد هم به صورت پیشنهاد، نظرشان را به رهبری می‌دهند، اگر رهبری امضاء کرد، تصویب می‌شود و دستور اجراء می‌دهند.

یک چنین تشکیلاتی که حق قانونیش هم این است، حق شرعی هم همین است، ولی فقیه هم اینجا رهبر است، وقتی که تصمیم گرفت، ما دیگر نباید این را زیر سئوال ببریم و بگوییم چرا ما بی طرف، یا این طور هستیم. واقعاً گناه است. من مطمئن هستم که برادران ما مایل نیستند که چنین گناهی را مرتکب شوند و قصدشان هم قطعاً این نیست که با رهبری یا شورای امنیت ملی مخالفت کنند، من نگران هستم که یک عده از جوان های خوب ماو مردم مخلص ما شک کنند و بگویند، آیا این سیاست بی طرفی که نظام و رهبری اعلام کرده، این درست است یا نه؟ واقعاً درست است.

حالا آن توضیحات را دادم، باز هم توضیح می‌دهم. اصلاً گاهی روی کلمه بی طرفی می‌چسبند و مغالطه می کنند و می گویند، معنای بی طرفی این است که ما بی‌تفاوت هستیم. بی طرفی‌این است که ما در این جنگ، نه به نفع غربی ها و نه به نفع عراقی ها، از لحاظ جنگی وارد نخواهیم شد. برای اینکه برویم، خون دهیم، که آمریکا از آن طرف پیروز شود و به اهدافش برسد که محال است. از این طرف برویم، خون بدهیم، برای اینکه عراق در کویت بماند! این هم محال است . برای چه خون بدهیم؟

در تاریخ اسلام ما از این موارد زیاد داریم. در زمان امام صادق (ع) وقتی که بنی امیه و بنی‌عباس می جنگیدند، آنهایی که طرفدار بنی عباس بودند، ابومسلم خراسانی و شخصیت های دیگر انقلابی که اسلحه به دست گرفته بودند و در مقابل جانیان بنی امیه می جنگیدند،

وقتی که به امام صادق (ع) نامه نوشتند و تأیید خواستند، امام نامه آنها را جلوی چراغ گرفت و در مقابل همان پیکی که این نامه را آورده بود، آتش زد و فرمود، این جواب شما است. ما در این جنگ دخالت نمی کنیم. با اینکه ظاهراً می گفتند، به عنوان حمایت از آل پیغمبر می‌جنگند.

در جنگ هایی که بین سفیانی ها و مروانی ها و زبیری ها اتفاق افتاد، امام سجاد را می‌خواستند، به میدان بکشند. ایشان به هیچ نحوی زیر بار نمی‌رفتند. چون نه این و نه آن برای خدا می جنگیدند. خون دادن و جان دادن و مال دادن و آماده تخریب وسیع امکانات مردم شدن و مردم را به زحمت انداختن، این یک تصمیمی نیست که آدم بتواند مثل آب خوردن بگیرد و بگوید یک قانون است، حالا این گونه شد، فردا اصلاحش می کنیم.

این کار ممکن است، انسان را به جایی بکشد که صدها هزارنفوس شریفه را از دست بدهد و خرابی ها به بار آورد. اما در دفاعی که در مقابل عراقی ها داشتیم، آن قدر کار برای ما روشن بود که هر حادثه‌ای که اتفاق می‌افتاد، واقعاً با خیال راحت می‌پذیرفتیم. برای اینکه ما داشتیم از اسلام و کشورمان و انقلابمان دفاع می کردیم و الان مثل آن موقع نیست که ما به بچه‌های مردم بگوییم یا اللّه بروید. واقعاً نمی‌شود، این گونه برخورد کرد.

بی طرفی که می گوییم، یعنی اینکه در جنگ شرکت نمی کنیم،امّا اینکه بی‌طرف باشیم که آمریکایی ها در عراق این همه جنایت مرتکب شوند، چه موقع بی‌طرف هستیم؟ این همه داریم محکوم می کنیم، این همه داریم ناله می کنیم. ممکن است بعضی ها فکرشان این باشد که نه، ما برویم آنجا خودمان بجنگیم که این اتفاق نیفتد. این همان حرف قبلی است. کاری که از ما ساخته است، این است که فشار بیاوریم و داریم می‌آوریم که این همه جنایت در عراق علیه مردم عراق نشود که این کار را ما در هر مرحله‌ای انجام می‌دهیم.

اول خیلی تلاش کردیم که جنگ شروع نشود و شد. الان داریم در سازمان ملل، در منطقه، در رفت و آمدها و پیام ها تلاش می کنیم که دامنه این قضیه را کوتاه کنیم. جنگ، مثل جنگ ما (جنگ تحمیلی) نیست. طرف جنگ الان آمریکایی ها و غربی ها هستند که می‌بینید چگونه عمل می کنند، مثل کارهایی که خود عراقی ها با ما انجام دادند.

شما به یاد دارید، در زمان جنگ وقتی که شهرهای ما را می زدند، ما مدتی جواب

نمی‌دادیم. در همین نماز جمعه، وقتی که یک موشک به دزفول می‌زدند، فریاد می کشیدید؛ فلانی، موشک جواب موشک، موشک جواب موشک. ما می گفتیم، شما صبر کنید، ما مردم عراق را نمی خواهیم مورد هدف قرار دهیم. مگر این گونه نبود؟آنها هواپیمای مسافربری ما را می زدند، [۱۲] ما نمی زدیم. آنها شهرهای ما را بمباران می کردند، ما نمی کردیم. فقط این اواخر، چون دیدیم آنها گستاخ تر شده‌اند، امام اجازه دادند [که] در حد بازدارندگی، ما مقابله به مثل کنیم. حالا جنگ این گونه هست؟ طرفین جنگ این گونه هستند؟ در یک چنین جنگی ،جمهوری اسلامی و مسلمان های مخلص نمی توانند وارد شوند. دو طرف قضیه ناحق است. مقام معظم رهبری گفتند که نه این طرف حق است و نه آن طرف.

حالا اینکه آمریکا باطل‌تر است، در این شکی نیست. در اینکه آنها ظالم‌تر هستند، شکی نیست و اینکه آنها اهداف شومی دارند، شکی نیست، اما این را چگونه باید علاج کرد، همین راه هایی است که رهبری و جمهوری اسلامی و مجلس و سایر نیروهای مخلص اسلامی می‌روند. ما باید این طور وارد ماجرا شویم.

در مورد مسأله فلسطین، جنگ با اسرائیل جزء اولین اهداف جمهوری اسلامی بوده و هیچ کس نمی‌تواند بگوید که در این مسأله از جمهوری اسلامی جدی‌تر است.

ما در دورانی که خودمان جنگ داشتیم، با اجازه امام (ره) به لبنان نیرو فرستادیم که آنجا بروند و با اسرائیل بجنگند. یعنی وقتی که این همه ما در کشور نیاز به نیرو داشتیم و هنوز هم آنها آنجا مانده‌اند و جوانان لبنانی را برای جهاد تربیت می کنند.

ما آن موقع جدی بودیم، حالا جنگ با اسرائیل واقعاً راهش این است که اتفاق می افتد؟ اگر ما بخواهیم، با اسرائیل بجنگیم، باید کشورهای اسلامی را متحد کنیم، همه ما کنار هم بایستیم، پول و اسلحه و انسان و ارتش و نیروهای خلقی را جمع کنیم و سیاست‌هایمان را متمرکز کنیم و به جنگ برویم. اگر بخواهیم با اسرائیل بجنگیم، همین‌هایی که الان آمده‌اند که علیه عراق بجنگند، خیلی هایشان می آیند و در مقابل ما قرار می گیرند، وقتش حالا نیست. وقتی که شما همه شیاطین را با یک سیاست غلطی در منطقه جمع کرده اید،آمریکا، انگلیس، فرانسه، کانادا، آلمان، ایتالیا و هر کس هر جا بوده، یک نمکی در این آتش ریخته و شریک شده است.

همه اینها حامی اسرائیل هستند. الان وقت جنگ با اسرائیل است که همه دست‌شان روی ماشه تفنگ، بمب و موشک، کنار ما ایستاده‌اند؟ آن وقت در شرایطی که شما صف مسلمین را متفرق کرده‌اید.

با اشغال کویت، بخشی از کشورهای اسلامی را آن طرف انداختید، خودتان در مقابل هم می‌جنگید. حالا چه نیرویی می‌تواند آنجا برود و با اسرائیل بجنگد؟ ما که نباید عوام فریبی کنیم. ما مردم خودمان را نباید گول بزنیم، بلکه آنها را باید روشن کنیم. بلی، جنگ و جهاد با اسرائیل تا نجات کلی فلسطین - نه اراضی اشغالی سال ۶۷ - تا طرد دولت صهیونیستی و حاکمیت مردم فلسطین باید ادامه پیداکند.

با این شرایط باید آماده بود، باید پول های کشورهای نفت خیز پشتوانه این جنگ باشد، آراء ما در سازمان ملل پشتوانه سیاسی این جنگ باشد، نیروهای اسلامی متحد در جبهه وارد شوند، کشورهای هم مرز با اسرائیل همه وارد میدان شوند، کشورهای عقب‌تر باید عمق استراتژیک جبهه شوند و برنامه‌های خاص خودش را دارد.

یک روزی هم این واقعه خواهد رسید، نیروهای مخلص اسلامی وارد خواهند شد، اما خراب کردن کار که مهم نیست. مصوبات شورای امنیت در حد معارضه با حضور عراقی‌ها در کویت، کار می کند، اینها درست، اما از این جلوتر رفتن و منهدم کردن اقتصاد عراق و کشتن مردم عراق و رنج رساندن به مردمی که این همه مشکلات را در این سال ها به خاطر سوء محاسبه مدیرانشان تحمل کرده‌اند، اینها دیگر خواسته شورای امنیت هم نیست.

آمریکایی ها از حدی که حتی شورای امنیت به آنها داده، تجاوز می کنند. شورای امنیت که در اختیار خودشان هم بوده، با اینها باید معارضه کرد و جلوی آن را گرفت و باید افکار عمومی دنیا را همین طور که تجهیز شده، تجهیز کرد. رأی ما هنوز هم همین است. از آن لحظه اول در شورای امنیت ملی، وقتی که بحث کردیم به یک نقطه ای رسیدیم و رهبری تصویب کردند، باز هم فکر می کنیم، یک ذره هم فکرمان عوض نشده که باید عراقی ها بدون هیچ امتیازی از کویت بیرون بروند و باید کل نیروهای بیگانه از منطقه بدون هیچ دست آوردی بیرون بروند و منطقه را به حال خودش بگذارند، البته این جنگ ،مسایل دیگری را هم روشن کرد که قابل توجه است؛

اولاً معلوم شد که این ببر کاغذی که همیشه می گفتیم، واقعیت است، واقعاً ببر کاغذی

هستند. خیلی‌ها بودند که فکر می کردند آمریکا به محض اینکه تصمیم گرفت، دیگر عراق رفته است. به محض اینکه، نیروهایی که اینجا جمع کرده اند، وقتی که وارد صحنه کردند، دیگر کل عراقی‌ها افتاده‌اند. دیدیم این گونه نیست، معلوم شد که برای آمریکایی ها درسی خواهد شد که از این به بعد به فکر نیفتند که کشورهای مستقل قابل توجه را با اسلحه بخواهند از میدان بیرون کنند.

این لشکر کشی که اینجا شده، بی سابقه است. هیچ وقت، این مقدار لشکر و امکانات پیشرفته یک جا جمع نشده است و این حرکتی که در مقابل عراقی ها این گونه ضعیف انجام می‌شود، نشان می‌دهد که استکبار غرب، واقعاً آن طور که ابهت و هیمنه از خودش نشان داده و مردم را ترسانده، چنان چیزی نیست و طولانی تر از این باید در منطقه تلفات دهند، تا بتوانند به اهداف‌شان برسند که ما امیدواریم، هیچ وقت نتوانند به اهداف استکباری‌شان در منطقه برسند. حالا خودشان نشان دادند و با همه وجودشان فهمیدند که چه جنایتی اینها در هشت سال گذشته، نسبت به جمهوری اسلامی روا داشته‌اند.

اینها برای اینکه بغض شدیدی با انقلاب و امام (ره) ما داشتند، چشمهایشان را بستند و هر چه که ممکن بوده، بدون آینده نگری در اختیار عراقی ها گذاشتند. ما از همین تریبون نماز جمعه، وقتی که اسلحه شیمیایی به میدان آمد، اخطار کردیم و گفتیم این طور فکر نکنید که همیشه جمهوری اسلامی طرف جنگ شماست. وقتی که فرانسوی ها سوپراتاندارها را داده بودند، با خلبان های خودشان با ما می‌جنگیدند، وقتی که اگزوسه‌هایی که به هیچ کجا نداده بودند، به عراقی ها دادند، وقتی که روس‌ها اسکادهای دورپرواز را به عراقی ها دادند و باز هم برایشان بهسازی کردند که به تهران هم برسند، وقتی که برای تخفیف جمهوری اسلامی و بزرگ کردن آنها، اطلاعات را می دادند، وقتی که چشم‌هایشان را در مقابل زدن شهرهای ما و شیمیایی کردن مردم ما و عراق می بستند، همیشه ما اخطار کردیم و به اینها گفتیم که شما اشتباه می کنید. حالا خودشان می فهمند که چه کرده‌اند.

امروز، مساله دیگری که روشن شد، مقاومت نیروهای عظیم مردم ماست. اینکه حالا همه آنها با این مشکل برخورد کردند، این چیزی بود که بچه های ما، همین نیروهای حزب اللهی نوار به پیشانی که با تفنگ کلاشینکف به میدان می رفتند، اینها را فرسنگ ها

عقب می‌نشاندند و ده هزار، ده هزار اسیر می کردنـد و بچه‌هـای روسـتایی مـا مـی‌رفتنـد و تانک‌ها را می گرفتند و از مقابل اینها برمی‌داشتند، می‌آوردند.

اینها در فاو، سه هزار بمب شیمیایی بر سر بچه های ما در آن منطقـه محـدود ریختنـد و این بچه ها ماندند و فاو را تا آن موقع حفظ کردند. همه این نیروهـای اسـتکباری هـم واقعاً پشت سر اینها بودند. آخر بار هم این گونه تمام کردند کـه اعـلان کردنـد، ایـران شکسـت خورد که این نبود.

وقتی آمریکایی ها دیدند، این طرف کاری پیش نمـی‌برنـد، خودشـان وارد جنـگ مـا شدند و همه شیطان هایی که امروز هستند، آن روز هم آمدند،این موقع بـود کـه امـام (ره) تشخیص دادند که باید ما اینجـا متوقـف شـویم. متوقـف کردنـد، بـرای ایـن کـه آینـده را می‌دیدند، با آن روشن‌ضمیری و تیزبینی کـه داشـتند، طراحـی کردنـد و جنـگ را متوقـف نمودند. حالا [آمریکایی ها]فهمیدند که قدرت ایران ،عظمت و صلابتی بـود کـه در مقابـل این امواج سیاسی ماند. روزهای آخر که دیگر خیال می کردند، ایرانی ها شکست خوردند، یک دفعه بچه های ما از سراسر کشور به جبهه ریختند و پانصد، ششصد هزار نیرو بـه جبهـه آمد که عراقی ها مجبور شدند و آتش‌بس را پذیرفتند.

صلابت جمهوری اسلامی معلوم شد و در همان لحظه‌هایی هم که آنها می‌خواستند، مـا را ضعیف معرفی کنند،این صلابت باقی بود. منتها تصمیم گرفته بودیم کـه دیگـر نجنگـیم. این هم روشن شد.

تبلیغات، یکی ازمسایل مهمی است که در اشارات رهبری بود و واقعاً مسأله مهمی است و نمی‌شود آسان از آن گذشت. الان غربی ها داد و بیداد راه می‌اندازند که عراقی ها خلبان های اسیر را به تلویزیون آورده و اینها را وادار می کنند که به نفع خودشـان حـرف بزننـد و این برخلاف حقوق بشر و قوانین است. این ازکارهای مسخره روزگار است.

خب، آن خلبانی که بمب انداخته و خانه‌های مردم را ویران کرده وحـالا اسیرشـده، او را داخل تلویزیون بیاوریم و بگوییم اظهار پشیمانی کند، این چه چیزی است که شما بـرای آن روضه خوانی می کنید؟ آیا خود شما این کارها را نمی کنید؟ شـما اگـر یـک عراقـی را الان پیدا کنید که بیاید و به نفع شما حرف بزند، آنجا نمی‌برید که حرف بزند؟ شما کویتی ها را که آواره شده بودند، در سازمان ملل نبردید و در کنگره آمریکا، روضه هـای کویـت

را برای شما خواندند!

شما تبلیغات می کنید، طرف مقابل هم تبلیغات می کند. شما ببینید ما با چه وحشی هایی طرف هستیم که اینها ما را متهم به ضد حقوق بشر می کنند.

ما در طول این ده، دوازده سال، گرفتار این پرمدعاها بودیم که این گونه برخورد می کنند. می آیند به قول خودشان با دوازده هزار سورتی پرواز یک کشوری را منهدم می کنند، خلبانشان که حالا یا ترسیده یا پشیمان شده،- فهمیده کارهای بدی کرده- در تلویزیون اعتراف نموده، این را علیه عراقی ها علم کرده‌اند.

اینها گواه این است که طرف بی‌منطق است. گواه این است که اینها « اَلْغریقُ یَتَشَبَّثُ بِکُلِّ حَشْیش » و ضعف‌شان را نشان می‌دهد.

به هر حال مجموعه حوادثی که در منطقه اتفاق می‌افتد، از نظرما محکوم است؛ هم حرکت عراق و هم حرکت آنها و محکوم تر، این جنایاتی است که الان در عراق علیه مردم عراق می‌شود. برای میدان جنگ، یک بساط دیگری است که در جبهه ها مسایل خودش مشخص می شود که البته ما آن را هم قبول نداشتیم که آمریکایی ها اینجا بیایند و بجنگند.

مردم منطقه باید این کار را می کردند و اگر به عهده مردم منطقه می گذاشتند و آنها دخالت نمی کردند، این اتفاقات نمی‌افتاد. اگر به جمهوری اسلامی، این همه فشار نمی‌آوردید و این همه اجازه نمی‌دادید که از اطراف به این مردم مظلوم ظلم شود، با حضور جمهوری اسلامی کسی جرأت نمی کرد، در کنار مرز او، این چنین کار گستاخانه‌ای را مرتکب شود.

حالا راه حل هم همین است که از هر جا جلوی ضرر را بگیریم، به نفع است. بیایید در شورای امنیت، در سازمان ملل، در منطقه و هر جا که می‌خواهید جمع شوید به خود بیایید. عراق بفهمد که در کویت نمی تواند بماند. شما هم بفهمید که آن اهداف استکباری را نمی توانید اینجا اجرا کنید. مردم منطقه را این قدر اذیت نکنید، دست از این مخاصمات بردارید و بگذارید مردم منطقه، مسایل خودشان را حل کنند.

پیام به مناسبت آغاز
سال نو مسیحی ۱۹۹۱

آقای هاشمی در روز ۱۰ دیماه ۱۳۶۹ در پیامی، آغاز سال نو مسیحی را به همه مسیحیان جهان به‌ویژه هموطنان مسیحی تبریک و تهنیت گفت. در این پیام ضرورت گردآمدن تمامی خداپرستان پاک اندیش بر محور مشترکات خود برای بنا کردن جهانی آباد و باشکوه در سایه اخلاق و معنویت مورد تأکید قرار گرفته است. متن کامل این پیام، به این شرح است.

بسم الله الرحمن الرحیم

تولد پیامبر بزرگ خدا حضرت عیسی علیه السلام و آغاز سال ۱۹۹۱ میلادی را به همه مسیحیان جهان به ویژه هموطنان عزیز مسیحی تبریک و تهنیت می گویم. دعوت حضرت مسیح برای سعادت بشر و بر پایه عدالت، حریت، برادری، محبت و صفا استوار گردیده که این روش ستوده همه انبیای الهی است.

خداپرستان پاک اندیش جهان باید برمحور مشترکات خود گرد آیند و جهانی آباد و باشکوه را در سایه اخلاق و معنویت بنا کنند. براساس این مشترکات ایمان به پروردگار یگانه و گردن نهادن به فرامین سعادت بخش اوست که بالطبع آزادی از یوغ طاغوت‌های فتنه‌انگیز درونی و نیز سلطه گر بیرونی را به همراه خواهد داشت.

امروز بیش از هر زمان دیگر ضرورت دارد که این پیوند مقدس برقرار شود، زیرا از یک‌سو در بسیاری از جوامع بشری فقر، جهل و فساد، کودکان و نوباوگان مظلوم بی گناه را بیش از پیش به تباهی وسقوط می کشاند و از سوی دیگر خودکامگی های قدرت‌های سلطه جو، مستکبر و بی ایمان، امنیت و صلح و صفا را در جهان برهم می زند که نمونه بارز

آن وضع موجود خلیج فارس است.

اگر همه موحدان جهان به ندای فطرت الهی خویش پاسخ مثبت گویند و دست در دست یکدیگر، با همه مظاهر شرک و ظلم و فساد مبارزه کنند می توانند دنیایی پاکیزه، آزاد و مرفه را پیش رو داشته باشند. دنیایی که جهل، تبعیض، فقر و پلیدی از آن رخت بربسته و ایمان و معنویت، دانش وخرد، عدالت و آزادگی، رفاه و سعادت و بالاخره عزت و کرامت انسانی برآن حکومت کند.

با اغتنام از فرصت، بار دیگر این سال نو را به تمامی هموطنان عزیز مسیحی به ویژه آنان که در راه حراست از میهن خود و حفظ ارزش‌های والای انقلاب پایداری و فداکاری کرده و می کنند، تبریک می گویم و سالی خوب و پربرکت را برای یکایک آنان آرزو دارم.

اکبر هاشمی رفسنجانی

رییس جمهوری اسلامی ایران

پیام به مناسبت میلاد حضرت زهرا(س) و روز زن

بسم الله الرحمن الرحیم

تولد حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها و روز مبارک زن را به همه بانوان شریف کشور و شما خواهران زحمتکش کارگر تبریک و تهنیت می گویم.انتخاب روز ولادت زهرای اطهر (س) به عنوان روز زن به معنی انتخاب ایمان و تقوی، پاکدامنی و عفاف، علم و عرفان و بالاخره جهاد و تلاش برای برقراری ارزش‌های متعالی اسلام در جامعه است. ایران اسلامی بااین انتخاب همه مردان و زنان جهان به‌ویژه کشورهای اسلامی را به احترام و فروتنی در برابر ارزش‌های فطری و معنوی اسلام ناب فرا می خواند و آنان را از ذلت، فساد و جهل و زبونی برحذر می دارد.

انتخاب زن نمونه کارگر نیز در چنین روزی به معنی توجه و عنایت مسئولین نظام جمهوری اسلامی به منزلت والای زنانی است که ضمن حفظ شئون معنوی و اسلامی خویش با پذیرش مسئولیت در خانه و کارخانه، در مزرعه و درمانگاه، در مراکز تعلیم و تعلّم به سازندگی و رشد جامعه کمک می کنند.طبیعی است که مسئولان و برنامه ریزان کشور نیز سعی می کنند تا با ایجاد فرصت‌های جدید شغلی و برطرف کردن مشکلات

فرهنگی و رفاهی به‌نوعی تلاش و کوشش بانوان محترم کارگر را ارج نهند و موجبات آرامش خاطر آنان را در مسایل تربیتی و شغلی فراهم نمایند.باردیگر این روز فرخنده را به همه زنان کارگر به ویژه خواهران، همسران و مادران بزرگوار شهدای گرانقدر تبریک می‌گویم و از برگزار کنندگان این مراسم تشکر می‌کنم.

اکبر هاشمی رفسنجانی
رییس جمهوری اسلامی ایران



روی جلد کتاب دوازده نامه

دوازده نامه

متن نامه‌های مبادله شده ایران و عراق

اشاره: از هنگام پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون، کشور ما مسایلی را پشت سر گذاشته و با واقعیت‌هایی مواجه شده که به سرعت آنها را مرور می کنیم. پس از پیروزی انقلاب، دشمنان ما در جهان، که با اسلام و انقلاب مخالف بوده و هستند و آنها را به زیان خود می دانند، شروع به برنامه ریزی برای در هم شکستن انقلاب و یا تضعیف آن کردند. در یک مقطع زمانی، همه تلاش‌های آنها برای تغییر محتوای انقلاب، کودتا، برپایی شورش، تحریکات و فتنه‌های گوناگون شکست خورد. در همین مدت، آنها برای یک تهاجم نظامی رسمی نیز آماده می‌شدند. آنها احتمال می‌دادند که توطئه‌های گوناگون پیش گفته کارگر نیفتد و به همین سبب به تدارک تهاجم نظامی پرداختند. اسنادی در دست است که دشمنان ما در آن از کاری سخن گفته‌اند که به زعم ایشان، ایران قادر به مقاومت در برابر آن نیست؛ و این همان حمله نظامی عراق به ایران بود. و گویا سناریوی آن به عنوان پیشامدهای احتمالی قبل از انقلاب تنظیم شده بود.

ما می‌دانیم که حمله عراق به ایران چگونه آغاز شد. بعثی‌ها با طرح بهانه‌هایی، به تمهید مقدمات حمله پرداختند. دو سه ماه نیز درگیری‌های مرزی مختلفی را برپا کردند تا با مبهم ساختن قضیه، ایران را مقصر در شروع جنگ معرفی کنند. خوشبختانه در این مرحله نیز توفیقی به دست آنها نیامد و سرانجام، در زمانی خاص، تهاجم نظامی را آغاز کردند که تقریباً مورد حمایت همه شیاطین دنیا واقع شد.

در این تهاجم، دست استکبار غرب و شرق، ارتجاع منطقه و صهیونیسم در کار بود، ولی در نوک حمله، حکومت حزب بعث عراق قرار داشت. مجامع بین‌المللی نیز با سکوت خود با این تهاجم برخورد ناشایستی کردند؛ اقدامات این مجامع در مقابل تجاوز عراق به کویت، آن زمان نیز قابل اجرا بود؛ مانند تشکیل جلسه شورای امنیت، صدور قطعنامه‌ای در

محکومیت متجاوز و درخواست عقب‌نشینی بی‌قید و شرط او و محاصره و تحریم اقتصادی و... ولی هیچ یک از این اقدامات صورت نگرفت و حتی در مباحثات مختلف، پیوسته علیه جمهوری اسلامی ایران به بدگویی نیز پرداختند.

بعثی‌ها در اولین ضربه نظامی قدمهای مهمی برداشتند، ولی به اهداف خود نرسیدند. آنها نه موفق به اشغال آبادان و اهواز شدند و نه توانستند راه اهواز ـ دزفول را سد کنند و یا رابطه استان خوزستان را با مرکز قطع کنند. آنها حتی نتوانستند در ابتدای حمله، خرمشهر رااشغال کنند؛ چیزی که از اهداف اولیه‌شان بود. در منطقه غرب نیز وضع چنین بود.

عامل این وضعیت نیز روشن است: اول، مقاومت مردم. همگان به یاد دارند که مردم در خرمشهر ۲۴ روز ارتش عظیم عراق را در پشت دروازه‌های شهر نگه داشتند و این کاری بزرگ بود؛ در حالی که در تهاجم عراق به کویت، تانکهای عراقی طی حدود دو ساعت از رمیله تا کاخ امیر کویت رفتند.

پس از تصرف خرمشهر در دروازه آبادان، بعثی‌ها زمینگیر شدند و نتوانستند این گره را بگشایند.آن روزها ارتش جمهوری اسلامی ایران آمادگی رزمی نداشت. ارتش تصفیه شده بود و امرا و کارشناسان خارجی آن رفته بودند. در آن زمان انسجامی در ارتش وجود نداشت و انتظار نمی‌رفت که بتواند کار مهمی انجام دهد، و بعث عراق با توجه به همین نکته زمان تجاوز را انتخاب کرده بود. همان مقدار مقاومت در مرزها برای ایجاد تأخیر در حرکت دشمن مؤثر افتاد. سپس نیروی هوایی ارتش در آن مقطع زمانی بسیار خوب عمل کرد و به راستی ضربه نخست را این نیرو وارد ساخت و گاهی برای جلوگیری از پیشروی دشمن، نقش نیروی زمینی را به عهده می‌گرفت. نیروی هوایی با روزانه بیش از ۱۵۰ پرواز به داخل عراق، ضربه‌های کاری اقتصادی، فنی، تدارکاتی و روانی در پشت جبهه دشمن وارد ساخت و انهدامی وسیع را ایجاد کرد. صنعت نفت عراق از کار افتاد و در جبهه‌ها از پیشروی نیروهای عراقی جلوگیری شد.

نیروهای داوطلب مردمی کمک موثری نمودند و سپس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به میدان آمد. آن زمان سپاه پاسداران بیشتر به صورت نیروی انتظامی و امنیتی در داخل کشور عمل می‌کرد. با حضور نیروهای بسیج و مردم، در این مقطع زمانی و با متوقف ساختن حرکت دشمن و تثبیت جبهه‌ها و خطوط دفاعی، نیروهای ایران در پشت جبهه خود

را برای تهاجم بعدی آماده می‌ساختند.

پس از پشت سر گذاشتن این مرحله از جنگ، تهاجم نیروهای اسلام آغاز شد. حضرت امام (ره) با صدور فرمان شکستن حصر آبادان، کار را وسعت دادند و عملیات دارخوین، ثامن‌الائمه، فتح‌المبین، بستان و بیت‌المقدس به دنبال هم و بدون اینکه مهلتی برای تجدید قوا به دشمن داده شود، عراق را وادار به فرار از بخش‌های مهمی از نقاط اشغال شده ایران کرد و فتح خرمشهر، اوج پیروزی‌های جمهوری اسلامی ایران بود.

عراق به پشت خطوط و استحکامات خود پناه برد و با ایجاد دریاچه‌های وسیع و میدانهای مین و سیمهای خاردار چند درجه‌ای، در موضع تدافعی قرار گرفت و نیروهای ایران حالت تهاجمی خود را حفظ کردند، چرا که عراقی‌ها هنوز در بخش وسیعی از خاک ایران حضور داشتند. سپس سلسله عملیات والفجرها، کربلاها، فتح‌ها و نصرها صورت گرفت و معمولاً در طول این چند سال رزمندگان اسلام پیروز بودند.

در این دوره نفاق و خباثت دشمنان بیشتر ظاهر شد. صهیونیستها، آمریکایی‌ها، انگلیسی ها، فرانسوی‌ها، روسها و ارتجاع عرب دم از صلح می‌زدند و در همان حال به عراق کمک می‌کردند. در مراحلی که نیروهای ایران، عراقی‌ها را در پشت استحکاماتشان تحت فشار قرار داده بودند، آنها همه نوع مساعدت به عراق کردند و هر رذالتی که میسر بود علیه ایران به کار می‌بردند، که نیازی به تکرار و یادآوری آن نیست.

با چشم‌پوشی مراکز بین‌المللی، بسیاری از مقررات بین‌المللی نقض شد و جنایات جنگی هولناکی توسط دشمنان اسلام به وقوع پیوست که زدن هواپیماهای مسافربری و نقاط مسکونی و استفاده وسیع از اسلحه شیمیایی نمونه‌هایی از آنهاست.

پس از فتح عظیم نیروهای اسلام در حلبچه و حضور ما در اعماق خاک دشمن در شمال عراق، سه عامل جدید وارد صحنه می‌شود :

۱- اجازه قتل عام مردم عراق؛
۲- سیاست «سرزمین سوخته»؛
۳- حضور نیروهای بیگانه در خلیج فارس و دریای عمان.

معلوم شد که بعثی‌ها بنا دارند ولو با انهدام ملت خود و قتل عام مردم عراق، ایران را به رحم آورند تا کمتر وارد خاک عراق شود. جنایت بعثی‌ها در حلبچه نمونه روشن آن

است. چون می‌دانستند ایران اسلامی ادامه نبرد را به خاطر نجات مردم عراق می‌خواهد، با این ترفند راه ما را به سوی هدف می‌بستند. دیدید که عراقی‌ها با حلبچه چه کردند. آنها در کردستان با سلاحهای شیمیایی قتل‌عام‌ها کردند. نیروهای اسلام در آن هنگام در منطقه حضور داشتند و در عملیات نفوذی خود تا موصل پیش رفته بودند و شاهد این قساوتها بودند. سیاست «سرزمین سوخته» به صورت مانعی در برابر نیروهای ایران قرار گرفت. ادامه جنگ علاوه بر احقاق حقوق ایران و تنبیه متجاوز به خاطر نجات مردم عراق بود و ایران خواستار بروز چنین فجایعی برای آنها نبود. این وضع آشکار ساخت که چنانچه نیروهای ایران تا بغداد نیز پیش بروند، همین وضع برپا خواهد شد و مردمی نمی‌مانند که بتوان نجاتشان داد.

به موازات سیاست مذکور، لشکر کشی نیروهای استکباری به خلیج فارس و دریای عمان صورت گرفت و این نیروها به طور رسمی با ایران وارد جنگ شدند و سکوهای نفتی ما را منفجر کردند. هدف اصلی ما همواره صلح پایدار بوده است و در این مرحله، برای تحقق صلح، راه قطعنامه ۵۹۸ انتخاب شد.

خوشبختانه در همان روزها روشن شد که این انتخاب، از سر ضعف نبود؛ زیرا به محض سرپیچی عراق از برقراری آتش‌بس و پیشروی در داخل خاک ایران، با صدور فرمان بسیج، گروههای عظیم مردم روانه جبهه‌ها شدند. هجوم نیروهای مردمی برای شرکت در جبهه‌ها چنان بود که ما در یک ماه آخر جنگ، شاهد بیشترین حضور نیرو و امکانات در طول سالهای دفاع خود بودیم. لیکن به دلیل تصمیم صحیح امام(ره) و برنامه ریزی به عمل آمده برای ادامه نیافتن جنگ، به نیروها بعد از رفع تجاوز جدید دشمن اجازه حمله به داخل خاک عراق داده نشد.

سپس مرحله مذاکرات برای اجرای قطعنامه ۵۹۸ آغاز شد. همگان می‌دانند ما در هنگامی که در اوج پیشروی در خاک عراق بودیم، این قطعنامه را رد نکردیم؛ زیرا در واقع آن را قبول داشتیم و پس از گنجاندن بخشی از خواسته‌های نظام در آن به موقع خود پذیرش آن را اعلام کردیم. پیش‌نویس قطعنامه در هنگام پیشروی ما و انهدام بعثی‌ها تنظیم شده بود.

وقت زیادی از دو کشور در این مرحله تلف شد و حقایقی روشن گردید. برای خیلی‌ها

واضح گردید که بعث عراق، صلح واقعی نمی‌خواهد و آماده اجرای قطعنامه ۵۹۸ نیست و شعارهای صلح‌خواهی سالهای جنگ، معلول وضع جبهه‌ها و از سر ضعف و ناچاری بوده است. همچنین روشن شد که مستکبران حامی عراق و ارتجاع عرب نیز وضعی مشابه عراق داشته و دارند و متأسفانه معلوم شد که سازمان ملل و شورای امنیت نیز تمایلی به اجرای قطعنامه در شرایط خاص آتش‌بس ندارند.

در این مرحله، ایران مظلوم، مانند دوران جنگ، تنها و غریب در صحنه مذاکرات برای احقاق حق به تلاش پرداخت و با هوشیاری و مقاومت، امید گرفتن امتیاز را از دشمن سلب کرد و به استعمارگران اجازه سوء استفاده از وضع نه جنگ و نه صلح را نداد.

در کنار این وضع نامطلوب و افشاگر، تضادهای داخلی جبهه دشمنان انقلاب اسلامی و مشکلات اقتصادی عراق و توقعات غیر قابل تحمل عراق از پشتیبانان ثروتمند خود در دوران جنگ، وضع و شرایط جدیدی را پیش آورد که امروز شاهد آثار آن هستیم.

بی‌شک وعده‌های نصرت‌الهی برای انسانهای صبور و مقاوم و جهادگر که برای انجام وظیفه الهی ـ انسانی خود از همه چیز گذشته و رضایت خدای را نصب‌العین قرار داده‌اند، از عوامل اصلی این وضع و شرایط جدید است که بهره‌گیری از آن نیز صحنه‌ای دیگر از امتحان الهی است.

***

علائمی از تغییر سیاست طرف ما دریافت می‌شد و اطلاعات و قراین و محاسبات، راه درست حرکت را به ما نشان می‌داد. در تاریخ ۵ اردیبهشت سال ۱۳۶۹ مطلع شدیم که نامه سربسته‌ای از رییس جمهور عراق و آقای یاسر عرفات برای مقام معظم رهبری و رییس‌جمهور کشورمان رسیده است. حامل نامه فردی از سازمان آزادیبخش فلسطین بود و ابتدائاً با ناباوری با این ادعا برخورد شد، چون وضع ما و عراق در شرایطی نبود که با عرف دیپلماتیک، ارسال پیک و نامه قابل توجیه باشد.

بررسی‌های ابتدایی از لحاظ مضامین و امضای نامه و مهر و آرم و با توجه به شناخته شده بودن حامل نامه و همراهی با نامه عرفات، اطمینان نسبی ما را در خصوص صحت ادعا جلب کرد.

برای بررسی مضامین نامه و تهیه جواب و برخورد مناسب با موضوع، در تاریخ ۸ اردیبهشت سال ۱۳۶۹ جلسه‌ای در محضر مقام معظم رهبری با حضور اعضای شورای عالی امنیت ملی و مشاوران سیاسی رهبری و من تشکیل شد.

گرچه در گذشته آقای صدام حسین چند بار اقدام به ارسال پیام از طریق نمایندگی‌های عراق در آلمان و سوئیس و جاهای دیگر کرده بود و پیشنهاد مذاکره حضوری و رو در روی رؤسای دو کشور را داده بود و تا مرحله مذاکره مقدماتی در سطح رؤسای نمایندگی ها بدین منظور پیش رفته بودیم و ابتکار آن بی‌سابقه نبود، ولی ویژگی‌های مضامین نامه کافی بود که مطلب را جدی بگیریم که گرفتیم. با مشورت و دقت همه جانبه، جواب تهیه شد و از طریق نمایندگیمان در ژنو به نمایندگی عراق در آنجا تحویل گردید و سپس تبادل نامه‌ها به همین صورتی که در متن کتاب می‌بینید، ادامه یافت و چیزی که توجه ما را به خود معطوف داشت، عجله‌ای بود که در طرف عراقی به چشم می‌خورد که برای ما توجیه معقولی داشت.

گرچه در تحلیل‌ها و بررسی‌های مربوط به انگیزه طرف مقابل در ارائه این ابتکار و عجله غیر معمول در ادامه کار، ضمن احتمالات فراوان دیگر، احتمال مشکل داشتن با همسایه‌های عرب خود و به خصوص کشورهای نفت خیز خلیج فارس مطرح بود، ولی بعضی احتمالات دیگر از قبیل مشکل داشتن با کشورهای صنعتی طلبکار عراق و به خصوص آمریکا و فرانسه و یا مشکلات اقتصادی و اجتماعی داخلی ناشی از دوران طولانی جنگ بی‌ثمری که خود راه انداخته بود و طولانی شدن دوره اسارت ده‌ها هزار اسیر عراقی که عمدتاً در سال‌های اول جنگ اسیر شده بودند و مخارج گزاف نگهداری این همه نیرو به خاطر دوران نه جنگ و نه صلح و... به عنوان عوامل این حرکت توجه ما را جلب می‌کرد و کمترین اهمیت را به احتمال پیش آمدن جنگ با حامیان دیروز و آن روز عراق می‌دادیم.

***

مناسب است که در این مقدمه کوتاه نکات زیر مورد توجه قرار گیرد:

۱- اکنون اسناد غیر قابل انکاری در اختیار تاریخ است که نشان می‌دهد این جنگ با خواست استکبار و ارتجاع و صهیونیسم، برای شکست و یا حداقل تضعیف انقلاب اسلامی ایران آغاز شد و به بعث عراق حداقل امید اشغال خوزستان و تجزیه ایران و رسیدن به موقعیت سیادت و ژاندارمی در خلیج فارس داده شده بود.

۲- برای این هدف پلید از همه ابزارهای ممکن استفاده شد: کمک‌های مالی، تسلیحاتی، اطلاعاتی، تبلیغاتی و سیاسی بی‌دریغ و سخاوتمندانه و چشم‌پوشی از هرگونه جنایت جنگی و تخلف از موازین بین‌المللی و سرانجام دخالت علنی و رسمی ابرقدرت آمریکا در کنار عراق و علیه ایران در جنگ.

۳- ایران اسلامی به تنهایی در مقابل جبهه کفر جهانی و شیاطین کوچک و بزرگ زمان، دفاع می‌کرد و به جز از خداوند منان از جایی کمک دریافت نمی‌کرد و جالب توجه اینکه به جز چند هفته اوایل و اواخر جنگ در تمام دوران هشت ساله دفاع، نیروهای ایران و اسلام در وضع تهاجمی و ارتش بعث عراق تحت فشار و رو به انهزام بود. وضع هفته‌های استثنایی هم عوامل خاص خود را دارد که مورد اشاره قرار گرفت و این پیروزی عظیم و کم سابقه می‌تواند سرمشقی برای سایر ملتها و به خصوص ملت‌های اسلامی در ترسیم راه زندگی خود باشد؛ به شرط آنکه به تاریخ در ثبت حقیقت خیانت نشود و واقعیتها در اختیار جویندگان حق قرار گیرد.

۴- حقایقی که با تهاجم سنگین تبلیغاتی استکبار جهانی پوشیده مانده بود و بخشی از افکار عمومی را به انحراف کشانده و خطر تحریف تاریخ هم وجود داشت، بالاخره کشف شده و امروز مردم دنیا با بسیاری از واقعیتها که از آنها مخفی نگاه داشته شده بود، رفته رفته آشنا می‌شوند و حقانیت و مظلومیت اسلام و قران و انقلاب اسلامی ایران آشکار می‌گردد.

در کنگره آمریکا رییس جمهور را به محاکمه کشیدند که چرا آن همه از صدام حسین در طول جنگ با ایران حمایت کرده است و همسایگان جنوبی ما از کمک های فراوان مالی و.... خود به عراق پشیمان‌اند و مرتباً پرونده شرکتها و مراکز دیگر امپریالیستی برملا می‌شود که برخلاف مقررات بین‌المللی، با هدف تضعیف انقلاب اسلامی ایران به بعث عراق کمک‌های نامشروع کرده‌اند: از قبیل امکانات اسلحه شیمیایی و... این حقایقی که

امروز در جهان مطرح است، در تاریخ ثبت خواهد شد و دوستان حق، روزی آنها را گردآوری خواهند کرد و در کتابخانه‌ها و مراکز تحقیقاتی دنیا به عنوان مراجع اصیل مطالعه خواهد شد تا جهانیان بدانند که این ملت مظلوم از دست ستمگران تاریخ چه کشید و چه شهامتی از خود نشان داد.

۵- مردم ایران به صحیح بودن راهشان مطمئن‌تر شدند و این هم به لحاظ ملی بسیار مهم است. چنانچه مردم ما پس از ده سال مجاهده به این نتیجه می‌رسیدند که اشتباه کرده‌اند، ضربه مهلکی بر شخصیت تاریخی و پشتوانه فرهنگی ملت و انقلاب وارد می‌آمد. حال ملت ما با نگریستن به گذشته در می‌یابد که تمامی حرکت‌ها و سیاست‌ها هدفدار و با برنامه بوده است. دفاع، مقابله به مثل، پذیرش قطعنامه ۵۹۸، مقاومت در مذاکرات، مکاتبات و همه حرکاتی که انجام داده‌ایم از روی حساب و تدبیر بوده است.

این ملت به خود اعتماد دارد و تلاش دشمنان برای مشوب کردن اذهان ملت ما بی‌اثر است. ملت ما با نگریستن به مجموعه مسیر طی شده، در می‌یابد که حرکت صحیح بوده است و امام امت در مواقع مناسب تصمیمات بجا و راه‌های مناسب را پیش پای ملت گذاشت و حال مردم، نقطه ضعیفی در حرکت گذشته خود نمی‌بینند.

۶- کیفیت جنگیدن ما نیز خود پیروزی بزرگ دیگری است. به هنگام ختم جنگ، امکانات نظامی ما و آن نیرویی که با آن می‌جنگیدیم برای ما باقی مانده، چرا که متعلق به دیگران و یا وابسته به دیگران نبوده است. ارتش جمهوری اسلامی ایران امکانات خود را به خوبی حفظ کرد، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با ابتکار جنگید و بسیج ـ آن نیروی عظیم بی‌انتها و آن دریای بیکران انسانها که در موقع لزوم به جبهه می‌رفت و آن هنگام که نیازی نبود، در کارخانه و دانشگاه و مدرسه و... کار می‌کرد ـ همچنان آماده باقی ماند. تجربه دفاع مقدس، برای ما تجربه‌ای عظیم است. تجربه‌ای موفق که در سراسر جهان بی‌نظیر است. با این تجربه عظیم و نیروهای مقاوم و مجاهد، دیگر تا مدتها کسی فکر تجاوز به این سرزمین را در سر نمی‌پروراند.

۷- بخشی از عوامل موفقیت‌ها را نام می‌بریم: نخست، مدیریت کم سابقه و معجزه‌گونه حضرت امام است که ما بسیاری چیزها را در این انقلاب از ایشان داریم. و امروز مدیریت

بسیار خردمندانه و کم نظیر رهبر معظم ماست که به بهترین نحو هدایت امور کشور را در دست دارند.

فداکاری‌ها و ایثارگری‌ها و شهادت‌طلبی‌های نیروهای رزمنده ایران که دوره بسیار سخت دفاع را تحمل کردند.

حمایت‌های بی‌دریغ ملت که در هیچ زمان رهبری کشور و رزمندگان احساس تنهایی نکردند و مسئولان نظام همواره خود را در کنف حمایت رهبر و ملت می‌دیدند.

صبر و تحمل خانواده‌های شهدا، اسرا و مفقودان و استقامت جانبازان که بخشی عظیم از فرهنگ جهاد ماست.

تحمل آزادگان ما که در اردوگاههای دشمن و در شرایط سخت و طاقت فرسا با استقامت و صبر خود دشمن را عاجز کردند و افتخار بزرگی را در صفحات تاریخ ایران ثبت نمودند.

۸- با تکیه بر تجارب هشت سال دفاع مقدس، امروز ایران اسلامی از توان دفاعی قابل توجه و خودکفایی برخوردار است که می‌تواند محوری قابل اعتماد برای صلح و ثبات منطقه باشد و شیاطین کوچک و بزرگ دیگر فکر تجاوز به ایران را در مخیله خود خطور نخواهد داد.

۹- امروز ملت ما با تمام وجود خود احساس پیروزی و ثبات و آرامش می‌کند، در حالی که دشمنان ما و شریران آتش افروز و دیوهای قدرتمند پشت صحنه، همگی احساس ناراحتی و ناامنی می‌کنند. البته ما از این وضع راضی نیستیم و نمی‌خواهیم هیچ کشوری مورد تجاوز قرار گیرد و کسی احساس ناامنی کند. خواست ما، امنیت و آرامش برای جامعه جهانی است. ولی اعمال سوء و گناهان، سرانجام دامان مجرمان را خواهد گرفت. حساب خداوند هم در دنیا و هم در آخرت دقیق است و مثقال و ذره‌ای از اعمال هیچ کس در پیشگاه عدل الهی نادیده گرفته نخواهد شد. کسانی که به ما ظلم کردند، گرفتار نتایج ظلم خویش شدند. سرنوشت صدام حسین آینه عبرت ظالمان و متجاوزان خواهد بود.

۱۰- ما در این مقطع زمانی باز هم نقش اسلامی خود را ایفا می‌کنیم، بدون اینکه تحت تأثیر ظلم‌هایی که به ما کردند و کینه‌هایی که به ما ورزیدند قرار گرفته باشیم. ما به دنبال انتقام‌جویی و دشمن کشی و حتی سرزنش دشمن نیز نیستیم. ما پیش از همه تجاوز عراق به

کویت را محکوم کردیم؛ کویتی که در طول جنگ میلیاردها دلار کمک مالی به دشمن ما داد.

۱۱- جمهوری اسلامی هم اکنون چیزی جز بیرون رفتن نیروهای بیگانه از منطقه را نمی پذیرد. از حضور وسیع نیروهای نظامی قدرت‌های شروری که نمی‌توان به آنها اعتماد کرد، نگران است؛ این نیروهایی که با اهداف توسعه طلبانه وارد منطقه شده‌اند و در کنار خانه خدا لانه کرده‌اند و از سخنان آنها می‌توان چنین دریافت که اهدافی دراز مدت دارند. آمریکایی‌ها و همراهانشان باید به کشورهای خود بازگردند و منطقه را به اهالی آن واگذارند. جمهوری اسلامی نیز آماده است به کشورهای همسایه یاری رساند تا همه با هم در صلح و صفا زندگی کنیم.

اکبر هاشمی رفسنجانی

نامه اول: پیشنهاد ملاقات

نامه صدام حسین رییس جمهور عراق مورخ اول اردیبهشت ۱۳۶۹

بسم‌الله الرحمن الرحیم

جناب آقای علی خامنه‌ای

جناب آقای هاشمی رفسنجانی

سلام علیکم

پیش از این در مناسبت‌های مختلف در طول جنگ، به طور مستقیم از طریق رسانه‌های جمعی عراق که تنها وسیله ممکن بود برای اعلام آنچه می‌خواستیم به شما بگوییم، شما را مورد خطاب قرار دادم. همچنان که متقابلاً سخنان شما را از طریق رسانه‌های جمعی

خودتان می‌شنیدم. آخرین ابتکاری که با نیت بی‌شائبه‌ای برای تحقق صلح کامل و فراگیر فراروی شما قرار دادیم، ابتکاری بود که در پنجم ژانویه ۱۹۹۰ عنوان کردیم. ولی تاکنون متفقاً به صلح مورد علاقه دو کشورمان راه نیافته‌ایم تا با هم از بلایای جنگ و امکان شعله ور شدن مجدد آن فاصله بگیریم.

بدیهی است که امر خیر و آنچه می‌تواند پایه و اساسی برای آمال و آرزوها باشد، ممکن است در هاله‌ای از حدس و گمانها و تفسیرهای شک برانگیز قرار گیرد، اینک بدون تکرار دیدگاه‌های قبلی خود که می‌تواند موجب طرح متقابل دیدگاه شما شده و بحث را از محدوده و اهداف سازنده خویش دور نموده و به سوی جدلی سوق دهد که در آن عوامل اختلاف نمایان می‌گردد و برای اینکه چنین وضعی بر توافق مورد علاقه ما در زمینه تحقق صلح قابل اجرا، فراگیر و فوری، به خواست خدا نه تنها بین عراق و ایران، بلکه میان امت عرب و ایران فائق نیاید، این بار مستقیماً شما را مخاطب قرار داده تا در این ماه مبارک که مسلمانان روزه دارند و به سوی نیل به رضای خدای سبحان و متعال روی می آورند، پیشنهاد کنم ملاقات مستقیمی بین ما صورت گیرد که در آن از سوی ما، بنده خدا، فرستنده این نامه و آقای عزت ابراهیم به همراه مجموعه‌ای از دستیاران خودمان و از سوی شما آقایان علی خامنه‌ای و هاشمی رفسنجانی به همراه گروهی از دستیاران شما شرکت کنند.

همچنین پیشنهاد می‌کنم که این ملاقات در مکه مکرمه، قبله گاه مسلمانان و بیت عتیق که مولایمان ابراهیم علیه‌السلام آن را بنا نهاد، یا در هر مکان دیگری که بر آن توافق می کنیم برپا شود تا به یاری خدا برای تحقق صلحی که ملت‌هایمان و تمامی امت اسلام در انتظار آن به سر می‌برد، بکوشیم و بدین ترتیب خون‌هایی را که چه بسا بار دیگر به هر علت بر زمین ریخته شود، محفوظ بداریم.

زیرا از جمله احتمالات مترتب بر وضع موجود، اینکه عوامل دست اندر کار وقوع فتنه میان ایران و عراق در گذشته، بار دیگر برای شروع مجدد جنگ به نحوی که صلح را از دو کشورمان دور سازد، تلاش کنند.

شما قطعاً اخبار تهدیدهایی را که از طرف صهیونیسم و برخی ابرقدرت‌ها و کشورهای بزرگ علیه عراق و امت عرب به عمل می‌آید دنبال می کنید، و بی‌شک می‌دانید که هدف

اصلی این تهدیدها بازگذاردن دست رژیم صهیونیستی برای به فساد کشاندن جهان است تا بتواند هر طرفی را که سد راه باطل می‌شود و رژیم صهیونیستی را از نیات و اطماع شرارت بارش در منطقه باز می‌دارد و هر تلاشگر در راه آزادی سرزمین عربی فلسطین و قدس شریف را که برای هر مسلمان، بلکه برای هر مؤمن به خدا و کتابها و پیامبران او و روز رستاخیز گرامی است، سرکوب کند.

این نیروهای شرور که امیدواریم به یاری خدا آرزوهای‌شان نقش برآب شود و تیرهای‌شان به خطا رود، حتماً برای از سرگیری ستیز مسلحانه و خونین بین ایران از یک طرف و امت عربی از طرف دیگر خواهند کوشید و اینان امکانات متعددی را برای تحقق این امر در اختیار دارند؛ در آن صورت مسلمانان نه تنها فرصت بکارگیری امکانات و توانایی‌های خود را در جهت آزادسازی مقدسات‌شان در فلسطین از دست می‌دهند، بلکه زیانهای بی شماری را نیز متحمل خواهند شد.

به اعتقاد ما در ملاقات مستقیمی که با هم خواهیم داشت، دستیابی به آنچه عراق حق تلقی می‌کند و آنچه ایران حق تلقی می‌کند، قابل تحقق است؛ ملاقاتی که راه را بر فرصت طلبان و آنان که می‌کوشند محیط صلح و آرامش را آلوده سازند، خواهد بست، مشروط براینکه نیت‌ها، صادقانه متوجه صلح خداپسندانه و مورد رضایت ملت‌هایمان باشد.

تا آنجا که به ما مربوط می‌شود، این نیت توأم با ایمانی عمیق و پایدار فراهم است و در آن به جز میل به دستیابی به حق ثابت خودمان که هم طراز با حق ثابت شماست، چیز دیگری نیست.

من به شما پیشنهاد می‌کنم ملاقات مزبور با توجه به اصل شتاب در کار نیک پسندیده است، در دومین روز عید مبارک فطر و یا در هر زمان دیگری که مورد توافق قرار می گیرد، انجام شود.

در مورد سفر شما به مکه و تشریفات مربوطه از سوی کشور میزبان، ما براساس رابطه برادری و احترام متقابلی که با برادرانمان در پادشاهی عربستان سعودی داریم، از برادرمان ملک فهد ابن عبدالعزیز خواهش خواهیم کرد آنچه را که برای چنین مسال ضروری و مناسب است، فراهم کند. توضیح اینکه ما تاکنون وی را از مضمون این نامه مطلع نکرده‌ایم.

برای تسهیل و تدارک ملاقات، شاید شما هم مانند ما بر این نظر باشید که فردی به نمایندگی از طرف ما در تهران و فردی به نمایندگی از شما در بغداد حضور داشته باشند و به منظور برقراری تماس‌های لازم بین دو پایتخت، خطوط تلفنی مستقیم دایر گردد.

خدایا تو خود گواه باش که من ابلاغ کردم.

والسلام علیکم

صدام حسین

بغداد ـ ۲۶ رمضان ۱۴۱۰ ه

برابر با ۲۱ آوریل ۱۹۹۰ م

[اول اردیبهشت ۱۳۶۹]

نامه دوم : میانجیگر

نامه یاسر عرفات رییس دولت فلسطین و رییس کمیته اجرایی سازمان آزادیبخش فلسطین مورخ ۲ اردیبهشت ۱۳٦۹

بسم‌الله الرحمن الرحیم

فقیه عالی مقام حضرت آقای علی خامنه‌ای
برادر جناب آقای هاشمی رفسنجانی
رییس جمهوری اسلامی ایران

با درود جهاد و انقلاب

با اغتنام فرصت، حضور برادر ابوخالد فرستاده این جانب نزد شما و حامل نامه ویژه پرزیدنت صدام حسین که به وسیله من به نامبرده تسلیم شده، به اطلاع می‌رساند نامه

غیرمترقبه و مهم رییس جمهور عراق در واقع ابتکار عمل حسن نیت عراق نسبت به ایران و به عبارت دیگر رهبری عراق به برادران‌شان، کادر رهبری ایران است که شرایط خطیر فعلی امت اسلام به طور اعم و امت عرب به طور اخص ارسال آن را موجب شده است.

شرایط مورد اشاره خود معلول تصمیم مشترک بین‌المللی است که پس از دیدار [سران شوروی و آمریکا] در مالت در مورد مهاجرت یهودیان شوروی و دیگر کشورهای اروپایی شرقی اتخاذ شده است. تعداد مهاجرین یهودی طی ده سال آینده به بیش از ۳ میلیون نفر و با توجه به افزایش موالید، این تعداد به چهار میلیون نفر خواهد رسید و بدین ترتیب اسرائیل جدیدی در سراسر منطقه خاورمیانه قد علم خواهد کرد که این امر به معنی تثبیت سلطه استعمارگران بر مقدسات اسلامی در فلسطین و قدس، نخستین قبله گاه و سومین حرم شریف می‌باشد. مضافاً اینکه مهاجرت مورد بحث به قصد خفه کردن قیام مبارک ملت مجاهد فلسطین صورت می‌گیرد.

در مقابل، تحولات تازه‌ای که در تهدیدات اسرائیل، آمریکا و برخی از کشورهای اروپایی علیه کشورهای عربی و امت اسلام و تمامی منطقه شکل گرفته و هدف آن تحمیل سلطه آنها به وسیله اسرائیل، این سرپل و سرنیزه نیروهای استکبار جهانی بر منطقه خاورمیانه که علاوه بر موقعیت استراتژیک، مهمترین ذخایر نفتی جهان را در خود جای داده است، دنیای عرب و اسلام و حتی ملتها و کشورهای جهان سوم به ویژه ملت فلسطین در برابر ابتکار عمل پرزیدنت صدام حسین ابتکار عمل مثبت و سازنده‌ای را از سوی شما انتظار دارند.

ابتکار عمل رییس جمهور عراق، برخاسته از مجموعه عوامل یاد شده و تلاش‌های پسندیده‌ای است که نقطه آغازین تحرک ما در جهت پایان بخشیدن به وضعیت موجود فی مابین دو کشور برادر و مسلمان ایران و عراق می‌باشد، پایانی که ضامن منافع دولت ایران و عراق و امت اسلامی سرزمین فلسطین و ملت مجاهد آن باشد، ملتی که از عرصه مسجدالاقصای مبارک به پیروزی ابتکار عمل مورد بحث چشم دوخته و در آرزوی تحقق وحدت کلمه، قدرت و اراده مسلمانان در جهت فلسطین، این سرزمین اسراء و معراج به سر می‌برد.

با توجه به مراتب، خالصانه و برادرانه و به نام تمام مقدسات استدعا دارد که در برداشتن

این گام فرخنده تسریع کنیم زیرا دل‌های مسلمانان به شما بسته شده و در اشتیاق موفقیت این اقدام است.

من و برادران‌تان، مردم مجاهد فلسطین، با تمام علاقه‌مندی و تأیید و پشتیبانی جهانی که از آن برخوردارند، برای تحقق و کامیابی این ابتکار عمل که صلاح امت اسلامی در آن است، صادقانه وفادار خواهیم بود.

بسم‌الله الرحمن الرحیم

«ربنا افتح بیننا و بین قومنا بالحق و انت خیر الفاتحین»

صدق الله العظیم

خداوند از مقاصدمان آگاه است.

حلول عید فطر بر شما و ملت برادر ایران مبارک باد که به یاری خداوند در کنار هم در قدس آزاد شده نماز گزاریم.

برادرتان

یاسر عرفات الحسینی

رییس دولت فلسطین و

رییس کمیته اجرایی سازمان آزادیبخش فلسطین

۲۷ رمضان ۱۴۱۰

۲۲ آوریل ۱۹۹۰

[۲ اردیبهشت ۱۳۶۹]

نامه سوم : استقبال از پیشنهاد

پاسخ رییس جمهوری اسلامی ایران به نامه مورخ ۱ اردیبهشت ۱۳٦۹ رییس جمهور عراق

بسم‌الله الرحمن الرحیم

الحمدلله رب العالمین والصلوة والسلام علی محمد عبده و رسوله و علی اله الاطیاب الاطهار

جناب آقای صدام حسین

نامه مورخ ۲۶ رمضان المبارک ۱۴۱۰ ه شما را دیدم؛ به راستی اگر مطالبی که در این نامه آمده هشت سال پیش مورد توجه واقع می‌شد و ارسال پیام جای اعزام سرباز را می‌گرفت، امروز دو کشور ایران و عراق و شاید همه امت اسلامی با این همه خسارات و ضایعات مواجه نبود.

همه می‌دانند که انقلاب اسلامی از آغاز و همیشه نزدیکی کشورهای اسلامی و مجد و عظمت اسلام و مسلمین و مبارزه با دولت غاصب اسرائیل و آزادی فلسطین را وجهه همت ساخته است.

اگر همه دولت‌های منطقه عربی همان طور که بعضی از آنان عمل کردند، قدر این انقلاب ضدصهیونیستی و ضداستکباری را شناخته، با آن همکاری می‌کردند، اکنون معادله قدرت در خاورمیانه به سود اسلام و مسلمین می‌بود و اسرائیل و استکبار این گونه فرصت بسط وجود و توسعه شرارت را نمی‌یافتند.

البته ما با امت عرب مشکلی نداریم و از همکاری صادقانه بعضی از دولت‌های عربی بهره برده‌ایم. افسوس که فرصتی تاریخی در ده سال گذشته از کف رفته است. در همان

آغاز انقلاب اسلامی جنگی ناخواسته و ویرانگر بر ما تحمیل شد و بخش بزرگی از سرزمین ما در مرزهای غربی کشور اشغال گردید و بخش عظیمی از سرمایه‌های انسانی و اقتصادی و نظامی دو ملت بزرگ ایران و عراق که باید در راه مبارزه با کفر و الحاد به کار گرفته می‌شد، از میان رفت.

دشمنان اسلام و قدرت‌های بزرگ، به ویژه آمریکای جهانخوار، از این جنگ بهره گرفتند و به بهانه حمایت از برخی از کشورهای منطقه به مداخله در امور داخلی آنها پرداختند و یا بر مداخلات خود افزودند، اسرائیل نیز توانست از این موقعیت سود جوید و قسمتی از برنامه‌های توسعه‌طلبانه و تجاوزگرانه خود را به مرحله اجرا درآورد. عادی سازی ننگ کمپ دیوید و سازش برخی از دولتهای منطقه با اسرائیل غاصب نتیجه این وضعیت است.

ما بارها گفته‌ایم که اگر جنگ آغاز نمی‌شد و امکانات دو ملت ایران وعراق در راه وحدت و حفظ منافع مسلمانان به کار گرفته می‌شد، استکبار غرب و صهیونیسم جرأت این همه گستاخی نمی‌یافتند. به هر حال باید از آنچه گذشته است، عبرت گرفت و توجه داشت که ادامه وضع نه صلح و نه جنگ و یا تجدید جنگ برای هر دو کشور و هر دو ملت عراق و ایران ویرانی بیشتر و برای امت اسلام ناتوانی و برای کفر جهانی، شادمانی و فرصت کسب امتیاز به بار خواهد آورد.

البته تجربه جنگ تحمیلی به دیر باوران هم فهماند که تهاجم نظامی قادر نخواهد بود که پایه‌های انقلاب اسلامی متکی بر اراده مردم مسلمان را متزلزل سازد.

در اینجا لازم است تأکید نمایم همان گونه که رهبر کبیر انقلاب اسلامی و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی (قدس سره الشریف) بعد از پذیرش قطعنامه اعلام کردند که «ما با مردم خود با صداقت صحبت می‌کنیم، ما در چارچوب قطعنامه ۵۹۸ به صلحی پایدار فکر می‌کنیم و این به هیچ وجه تاکتیک نیست»، ما در کوشش برای رسیدن به صلح واقعی و جامع هیچ گونه تردیدی به خود راه نداده‌ایم و حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب، قاطعانه همان راه ترسیم شده توسط امام راحلمان را برای دستیابی به صلح جامع ادامه می‌دهند.

براین اساس ما از هرگونه ابتکار و پیشنهادی که دو کشور را به صلح جامع برساند

استقبال می کنیم. خصوصاً در موقعیت کنونی که حامیان اسرائیل غاصب در صدد بهره گیری از پراکندگی جهان اسلام در جهت کسب امتیاز بیشتر و تضعیف مسلمین و تقویت صهیونیسم فتنه گرند، وضعیت نه جنگ و نه صلح را مطلوب نمی‌دانیم و قاطعانه راه صلح واقعی و جامع را که در بردارنده مصالح امت اسلامی است، انتخاب می کنیم.

توجه شما را به این حقیقت جلب می کنم که ادامه اشغال بخشی از سرزمینی اسلامی ما می‌تواند حرکت ما را در راه تحصیل صلح جامع کُند و یا بی‌ثمر کند و خود می‌دانید که ما پس از تصمیم به قطع جنگ، بلادرنگ تمامی نیروهای خودمان را از داخل خاک عراق به مرزها فراخواندیم. مطمئن باشید که این وضع برای مردم مسلمان ایران که خود را وقف اسلام و انقلاب کرده‌اند، تردید جدی در حسن نیت طرف دیگر به وجود می‌آورد و ما مصممیم که در راه صلح همانند دوران دفاع، اعتماد مردم را همراه داشته باشیم.

نکته دیگر اینکه قبل از اقدام به تماس رؤسای جمهور دو کشور، لازم است نماینده‌ای از سوی من و نماینده‌ای از سوی شما در کشوری که روابط دوستانه‌ای با طرفین داشته باشد بنشینند و درباره آنچه باید انجام گیرد گفتگو کنند تا زمینه و مقدمات تصمیم نهایی را بدون فوت وقت فراهم سازند و از طرفی شیوه اقدام باید به گونه‌ای باشد که خللی به اعتبار قطعنامه ۵۹۸ که چارچوب مناسبی برای حل و فصل اختلافات است، وارد نشود.

ان ارید الاالاصلاح ما استطعت علیه توکلت و الیه انیب

والسلام علی من اتبع الهدی

اکبر هاشمی رفسنجانی

۶ شوال ۱۴۱۰ هجری قمری

مطابق با ۶۹/۲/۱۲ هجری شمسی

نامه چهارم : صلح پایدار

پاسخ رییس جمهوری اسلامی ایران به نامه یاسر عرفات

بسم‌الله الرحمن الرحیم

جناب آقای یاسر عرفات
رییس سازمان آزادیبخش فلسطین

نامه جناب عالی که توسط فرستاده ویژه ارسال شده بود، دریافت گردید.آروزی ما آن است که در این شرایط سخت و بحرانی همه کشورها و جنبش‌ها و نیروهای مسلمان، مبارز و ضدصهیونیست جهان اسلام، حول محور واحدی که همان جهاد تا آزادی و رهایی است، گرد آیند. رهبری و ملت انقلابی و مسلمان ایران بارها به صراحت مساله فلسطین را مساله خود دانسته و آمادگی خویش را برای بذل امکانات جهت احقاق حقوق این ملت مسلمان شجاع و مقاوم و مبارز اعلام داشته‌اند و جواب نامه مورد نظر شما به گونه‌ای که راه رسیدن به صلح پایدار و هماهنگی کشورهای اسلامی را در مقابل تهاجم صهیونیسم هموار سازد، داده شده و اگر طرف با حسن نیت اقدام نماید به نتیجه می‌رسیم.

توفیق انجام وظیفه برای جناب عالی و سربلندی و سعادت ملت برادر فلسطین را از خداوند متعال مسئلت دارم.

اکبر هاشمی رفسنجانی
رییس جمهوری اسلامی ایران
۱۳۶۹ /۳/۳

نامه پنجم: گشایش باب گفت‌وگو

نامه صدام حسین رییس جمهور عراق
مورخ ۲۹ اردیبهشت ۱۳۶۹

بسم الله الرحمن الرحیم

آقای علی خامنه‌ای
آقای علی اکبر هاشمی رفسنجانی

نامه مورخ ۶ شوال ۱۴۱۰ [۱۲ اردیبهشت ۱۳۶۹] شما را که در پاسخ به نامه مورخ ۲۶ رمضان ۱۴۱۰ ه برابر با ۲۱ آوریل ۱۹۹۰ ما ارسال شده بود، دریافت کردم و بیش از یک‌بار توسط من و برادرانم در کادر رهبری عراق مطالعه شد. گرچه برداشت ما از نامه مزبور این بود که شما با پیشنهاد ما در زمینه برگزاری ملاقاتی در سطح سران برای حل و فصل قاطع و نهایی مشکلات موجود بین دو کشور که علت کشمکش و یا نتیجه آن بوده، موافقت دارید و ما از این امر خوشحال شدیم؛ ولی روح پیام شما آن چنان که ما امیدوار بودیم نبود، زیرا مقدمه پیام در هرجا که فرصتی دست داده، شامل عبارتهای دو پهلو و پایان آن خشن بوده است.

آقایان، آن گاه که ما به مکاتبه مستقیم با شما اندیشیدیم وضعیت ویژه موجود در رابطه فیمابین را بررسی کرده و به این نتیجه رسیدیم که روش مکاتبه مستقیم و رابطه‌ای که براساس آن به وجود می‌آید، روش مفیدتر برای تحقق ملاقات و گفتگوی مستقیم است و هیچ روشی برای تحقق صلح مطلوب بین ایران و عراق، بلکه بین امت عرب و ایران سودمندتر و کارآتر از آن نیست.

ما می‌دانیم و فرض بر این است که شما نیز می‌دانید که صلح بین دو کشور، نمی‌تواند براین اساس که مقرون به باور طرف دیگر باشد، تحقق یابد و عنایت یک طرف به صلح بدون آنکه به موازات آن اندیشه‌ها، مفاهیم و روشها توسط طرف مقابل نیز مورد عنایت

قرار گیرد، مفید فایده نخواهد بود.

ما پیش از آنکه نخستین نامه را بنویسیم، این نکته را به یاد آوردیم که هر یک از طرفین در طول ده سال گذشته، شدیدترین و خشن‌ترین عبارتها را علیه یکدیگر به کار گرفته و به سمع رسانده بود. لکن صرف نظر از آثار آن روش و چگونگی تأثیر آن که یکی از ابعاد کشمکش و جنگ بین ما بود، آن روش نتوانست صلح را محقق سازد. از جمله عباراتی که در نامه شما آمده «جنگ تحمیلی» و «کند ـ ذهنی» است و با جمله «والسلام علی من اتبع الهدی» به جای «والسلام علیکم» که قاعدتاً در چنین نامه‌هایی به کار گرفته می‌شود، ختم شده است.

از آنجا که ما صلح را تنها به خاطر جایگاه عظیم آن در وجدان خود و به دلایل ایمانی می‌خواهیم، مفاهیم و اصطلاحاتی در نامه خود به کار بردیم که با معیارهای انسانی و اهداف والای ما سازگار باشد. لذا فقط از عباراتی خداپسند و مردم پسند استفاده کردیم. و این امر در وهله اول بدان معنا نیست که تغییری در تمام مفاهیم و دیدگاه‌های ما حاصل شده است، بلکه به معنای این است که ما مایل به گشودن باب جدیدی هستیم که به دل طرف مقابل نزدیکتر باشد و قدرت اثرگذاری بیشتری برآن داشته باشد تا به صلحی که ما آن را هدف شریفی می‌دانیم و به سود ملتمان و بشریت است، خدمت کنیم.

از آنجا که این روش، شایسته و مناسب برای چنین مقصد و راهی است، بنابراین وظیفه اقتضا می‌کند که شیوه جدیدی را در نامه‌نگاری غیر از شیوه زمان جنگ یا پیش از آن بیازماییم. مضافاً اینکه به کارگیری الفاظ و عبارات زمان جنگ این توهم را به وجود نمی آورد که به کاربرنده آن الفاظ به قدرتی افزون بر قدرت شناخته شده آن در زمان جنگ، دست یافته است، کمااینکه این شیوه کمکی به اثبات حقانیت یک امر نمی‌کند.

استفاده از عبارت‌های مناسب در چنین مکاتباتی اگر توان توانا را افزایش ندهد و بعد از توکل برخدا به یاری وی نشتابد، چیزی از قدرت او نخواهد کاست و حق ثابت شده‌ای را از او کم نخواهد کرد، بلکه روزنه‌ای خواهد بود برای ورود نور به دل‌هایی که از جنگ، درد و رنج‌های فراوانی متحمل شده و آن دلها را در صورتی که در جاده صواب قرار گیرند و به سوی خیری که صلح را محقق می‌سازد، رهنمون خواهد شد.

بدین جهت چیزی را که برای مکاتبه بین خودمان مناسب یافتیم این بود که آنچه را

حق خودمان می‌دانیم درج نکنیم تا شما نیز به درج آنچه حق خود می‌دانید کشیده نشوید. چه در غیر این صورت ممکن است آمادگی روانی شایسته برای استقبال طرفین از گفتگوی مستقیم فراهم نشود. منظور ما بستن باب گفتگو در مورد موضوعات مفیدی که هر یک از طرفین طرح آن را مناسب می‌بیند، نیست، تا بدین وسیله هر طرفی رابطه بین اولین و آخرین گام در راه صلح را بشناسد و روند صلح را به صورت یک مجموعه از نخستین گام‌های مربوطه ببیند و رابطه بین آنچه را حق خود و آنچه طرف مقابل حق خویش می‌داند، به طور مشخص درک کند.

اکنون که با هم برای تحقق صلح تلاش می‌کنیم، شایسته است هیچ یک از طرفین به گذشته نپردازد تا بدین وسیله به آینده لطمه نزنند. زیرا سیاست نشخوار حوادث گذشته، باعث می‌شود طرفی که این صفت بر او منطبق می‌شود از سوی ملت‌هایمان که در شناخت خصوصیات هر یک از ما تواناترند، به کندذهنی متهم گردد.با توجه به مراتب فوق، ما خواهان گریز از گذشته نیستیم، زیرا شما می‌دانید و یا این ارزیابی را دارید که ما قادر به ارائه اسناد کافی در جهت اثبات تفصیلی دیدگاه‌های خود در صحنه مناظره (و اینکه چه کسی جنگ و ستیز را آغاز کرد... و چگونه شروع شد؟) هستیم.

شما همچنین می‌دانید که اسناد و مدارک در متقاعد کردن بخش وسیع‌تری از ملت‌هایمان و جامعه بشری از گفته‌ها و پیشداوری‌های هر یک از رهبری‌های دو کشور مؤثرتر خواهد بود. کمااینکه می‌دانید به زیر سؤال بردن این موضوع و کنکاش در آن به عنوان پیش درآمد بحث، به نحوی که شما قبل از ژوئیه ۱۹۸۸ در زمینه تسلسل زمانی (تعیین آغازگر جنگ) عنوان می‌کردید، ادعایی است که اثبات آن به وقت و تلاشی برابر با مدت زمان جنگ به علاوه مدتی معادل دوران قبل از جنگ نیاز خواهد داشت.

همچنین اطلاع دارید هر یک از طرفین نزاع برای آغاز جنگ، تاریخ خاص خود را دارد و در این امر به دلایل و وقایع عملی و قانونی غیر از دلایل و وقایعی که طرف دیگر در دست دارد، استناد می‌کند و آنجاست که روشن خواهد شد، چه کسی در توصیف جنگ به «جنگ تحمیلی» و چه کسی در اشاره به فرستادن نامه به جای گسیل سربازان و... محق‌تر است.

اما در مورد قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت، از نظر ما آن قطعنامه از زمانی که آن را پس از

صدور یعنی ژوئیه ۱۹۸۷ پذیرفتیم، یک طرح صلح همه جانبه و دائمی بین دو کشور براساس آنچه هر دو بر آن توافق می‌کنند و از اصول و احکام وارده در آن یاری می جویند، بوده است. بدین جهت به قطعنامه مزبور پایبند بوده و همچنان به اجرای آن براساس این درک پایبند هستیم.

ما در حالی که برای صلح تلاش می‌کنیم فرض را بر این نهادیم که تمایل دو کشور به صلح و استفاده از آن از شور و قوت یکسان و هم سطحی برخوردار است. علیهذا برای هیچ یک از دو طرف کشمکش، شایسته نیست که پیش بهایی برای دیدار مستقیم غیر از تمایل جدی به تحقق صلح که با تعبیرهای عملی و مستدل از آن صحبت شود، بپردازد.

بدیهی است که تحقق صلح، حضور ارتش هر کشوری را محدود به آن کشور خواهد نمود و حضور آن در هر تپه‌ای یا در یک وجب خاک و یا در آبهای کشور دیگر که شرایط و ملاحظات آتش‌بس و حالت نه جنگ و نه صلح آن را تحمیل نموده است، خاتمه خواهد یافت.

در نامه خود خاطر نشان کرده‌اید شما از سرزمین‌های عراق عقب‌نشینی نموده‌اید تا آخر جمله... و البته منظور شما عقب‌نشینی از حلبچه در شرایط خاص و شناخته شده بود. تحلیل ما براین امر این است که عقب‌نشینی نیروهای نظامی ما از سرزمینهای شما که در شرایط شناخته شده در آغاز نزاع مسلحانه در سال ۱۹۸۰ وارد آن شده بودند، در تاریخ ۲۰ ژوئن ۱۹۸۲ صورت گرفت، به این شکل که تصمیم خود را در مورد عقب‌نشینی در رسانه‌های جمعی سمعی و بصری در ۱۰ ژوئن ۱۹۸۲ اعلان کرده و در آن گفته بودیم که حداکثر طی مدت ۱۰ روز عقب‌نشینی نیروهای شما از حلبچه در شرایط جنگی ویژه‌ای غیر از شرایطی که نیروهای ما در آن عقب‌نشینی کردند، صورت گرفت.

بنابراین اگر شما عقب‌نشینی خودتان را از حلبچه که در شرایط خاص صورت گرفت، دلیل حسن نیت خود می‌دانید و اینکه شما چشمداشت و یا تمایلی به اشغال سرزمین‌های دیگران ندارید، پس اولی اینکه عقب‌نشینی ما از سرزمین‌های شما بعد از عملیات «توکلنا علی الله چهارم» در منطقه جنوبی و میانه در ژوئیه ۱۹۸۸ دلیل اضافی دیگری در کنار دیگر دلایل نشان دهنده حسن نیت ما و عدم تمایل ما به اشغال یک وجب از خاک ایران به شمار آید.

به هر حال، ازطرف ما یکی از معانی صلح این است که هیچ طرفی حق ثابت طرف دیگر را غصب نکند و همچنین هیچ طرفی یک وجب از خاک و یا آب طرف دیگر را غصب و یا اشغال نکند. و این رویه‌ای است که همواره بر آن تأکید کرده و در پیچیده‌ترین و خصمانه‌ترین شرایط بدان پایبند بوده‌ایم. بنابراین بدیهی است در حالی که شما را به پایبندی به آن در جو مذاکرات صلح و ان‌شاءالله به عنوان راهی برای دستیابی به آن دعوت می‌کنیم، خود به آن پایبند باشیم.

ما از پاسخهای شما به پرسشهای سفیرمان در ژنو از سفیرتان در خصوص مفاد نامه شما راجع به ملاقات مقدماتی بین نمایندگان دو طرف اطلاع حاصل کردیم که شما این روش را برای تدارک ملاقات سران ترجیح می‌دهید. ما با این روش موافق هستیم و به سفیرمان در ژنو، «آقای برزان ابراهیم التکریتی» بود. چه بسا نمایندگان بتوانند بر سر برخی از جوانب توافق کنند و این امر تصویر روشنی را در هنگام ملاقات در سطح سران فراروی خواهد نهادو کار ما را آسان خواهد ساخت، و آنچه احتمالاً بر سر آن به توافق نرسند برای رسیدگی نهایی به ملاقات سران واگذار خواهد شد.

در مورد محل ملاقات سران، ما همچنان در انتظار پیشنهاد شما هستیم. زیرا در پاسخ شما نظر قاطعی در مورد محل پیشنهادی ما که مکه مکرمه است نیافتیم. این امر می‌تواند یکی از مسایل مورد بحث نمایندگان باشد. اما در مورد اینکه چه کسانی در جلسه سران حضور یابند، ما همچنان معتقدیم. که اگر شما عملاً ایده ملاقات در سطح سران را پذیرفته و برای تحقق آن با ما با توکل بر خدا مصمم شده‌اید، جلسه در سطح سران باید در برگیرنده مراجع اصلی تصمیم‌گیری در دو کشور باشد. زیرا حضور ما با همدیگر در سطح سران آزمایشی برای جدی بودن ما در جهت حل و فصل نهایی قضایا به گونه‌ای که برای طرفین قابل قبول باشد، به شمار می‌رود. و چنانچه به یاری خدا این امر تحقق یابد متعاقب آن صلح پایدار و همه جانبه محقق خواهد شد، زیرا عدم حضور بعضی از مراجع اصلی تصمیم‌گیری که قادرند (آری یا نه) بگویند در این اجلاس، می‌تواند بر اجرای آنچه مورد توافق قرار می‌گیرد و نیز بر میزان پایبندی به آن تأثیر بگذارد. چرا که بیرون ماندن آنها از محدوده ملاقات نه نظر آنها را تأمین می‌کند و نه امضا کنندگان توافق را به نحو مطلوب مطمئن می‌سازد. و چه بسا مصوبات اجلاس سران را بلااجرا و یا در معرض تعدیل قرار

دهد.

به علاوه صلح عملاً از نقطه‌ای شروع می‌شود که رویش آن در روان بافندگان تاروپود صلح آغاز گشته و به صورت ثابتی در سینه‌ها جای گیرد. بنابراین هر کس که از آغاز کار در به وجود آوردن صلح شرکت کند، خویشتن را از جنبه‌های اخلاقی و روانی مسئول اجرا و پایبندی به آن خواهد دید. مضافاً اینکه حضور تمام مراکز تصمیم‌گیری راه را بر هر گونه بهانه‌جویی احتمالی که ممکن است روند صلح را پس از توافق بر آن پیچیده و یا کند سازد، مسدود خواهد کرد.

به همین جهت پایبندی خود را به پیشنهادمان مبنی براینکه در ملاقات سران از طرف ما رییس شورای فرماندهی انقلاب، رییس جمهور و نایب رییس شورای فرماندهی انقلاب و از طرف ایران آقایان علی خامنه‌ای و علی اکبر هاشمی رفسنجانی حضور داشته باشند، یک بار دیگر تکرار می‌کنیم. والله من وراءالقصد

والسلام علیکم

صدام حسین

بغداد ۲۴ شوال ۱۴۱۰ ه

برابر با ۱۹ مه ۱۹۹۰ م

[۲۹ اردیبهشت ۱۳۶۹]

نامه ششم : پاسخ به ادعاها

پاسخ رییس جمهوری اسلامی ایران به نامه مورخ ۲۹ اردیبهشت ۱۳۶۹ رییس جمهور عراق

بسم‌الله الرحمن الرحیم

الحمدلله والسلام علی رسول الله و آله و صحبه الکرام

جناب آقای صدام حسین

نامه دوم مورخ ۲۹ اردیبهشت ماه ۱۳۶۹ هجری شمسی (۲۴ شوال هجری قمری) شما را دریافت کردیم. چون احتمال جدی بودن دولت شما در راه صلح در حد قابل توجهی از نامه برمی‌آید، جواب نامه دوم را هم می‌دهیم، ولی انتظار داریم بعد از این وقت را با مبادله نامه‌ها تلف نکنیم، مگر در موارد ضروری، و دو ملت و مردم منطقه تحت تأثیر حالت نه جنگ و نه صلح بیش از این رنج و خسارت نبینند و دعا می‌کنیم که این آخرین نامه باشد و شاهد گامهای جدی عملی در راه صلح باشیم.

در نامه شما گله‌هایی از بخشی از عبارات و مضامین پاسخ ما مطرح شده بود. ما هم از اینکه در مکاتبات صلح، مطالب رنجش‌آور مطرح شود راضی نیستیم، ولی متأسفانه سنگ این بنا در اولین نامه شما که به اظهار خودتان با قصد زدودن رسوبات نزاع خیز و هموار کردن راه دوستی تنظیم شده، گذاشته شده بود، از جمله :

در نامه اول به گونه‌ای ادعا شده بود که گویا طرف ما «امت عرب» است، چیزی که در طول جنگ برای جا انداختن آن تلاشهای فراوان بی‌نتیجه‌ای به کار رفت.

خود شما و حزب شما آن روزها که از موضع جریان پیشرو و جبهه مقابله حرف

می‌زدید گفته‌اید که افرادی مثل بعضی از ملوک و شیوخ و اُمرایی که در طول جنگ پشت سر شما بودند، «امت عرب» نیستند و به اندازه کافی در افشای ماهیت آنها گفته و نوشته و اسناد گویا به جا گذاشته‌اید.

بعید است که از یادتان رفته باشد که بیشتر دولت‌های پیشرو و همسنگرانتان در موضع جبهه مقابله، در این نزاع با ما بودند و یا لااقل بی‌طرف، و وضع مردم و مخصوصاً نیروهای مخلص اسلامی را هم به خوبی می‌شناسید.

و نیز در نامه اول از موضع متولی امور فلسطین و فلسطینیان و نیروهای مقاوم در مقابل تهاجم امپریالیسم مورد دعوت قرار گرفته بودیم، با اینکه تهیه کنندگان نامه بعید است که از دلسوزی و پیشتازی جمهوری اسلامی ایران نسبت به این مساله آگاه نبوده باشند و ندانند که هدف اول تهاجم استکبار، انقلاب اسلامی ایران است، و خوب بود که این واقعیت مورد غفلت قرار نمی‌گرفت، اگر برای جلب اعتماد نوشته می‌شد.

علاوه براینکه در نامه شما آداب معمول در مکاتبات رسمی و رایج رعایت نشده، عبارات و تعبیرات حاوی نکات منفی و رنجش‌آور دیگری نیز از قبیل آنچه در نامه ما خرده‌گیری شده در مکتوب اول و دوم شما موجود است، که بهتر است بگذاریم و بگذریم و اگر شما باب گله را نگشود بودید، همین‌ها را هم نمی‌نوشتیم، زیرا اکنون به صلح می‌اندیشیم و نه مشاجره و جنگ نامه‌ها.

و در خصوص مقامات مذاکره کننده نهایی، خوب است از هم اکنون روشن باشد که حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، مقام ولایت امر انقلاب اسلامی، در مذاکرات شرکت نخواهند کرد، البته رییس جمهور و سایر مسئولان برخلاف نظر رهبری اقدامی نمی‌کنند و در مسایل مهم با کسب نظر رهبری اقدام می‌نمایند. و در این موضوع هم اگر رییس جمهور در مذاکرات شرکت کند، قطعاً با اختیارات کامل خواهد بود که تصمیمات مطمئناً اجرا خواهد شد و جای نگرانی از آن گونه که در نامه شما آمده، نیست.

برای اثبات حسن نیت و جدیت در راه صلح در نامه دوم مقایسه‌ای شده بود بین عقب نشینی نیروهای ما پس از پذیرش قطعنامه و وضعیت پس از عملیات «بیت‌المقدس» و بازپس‌گیری خرمشهر و عقب‌نشینی‌های تاکتیکی آخر جنگ.

کاش وارد این بحث نمی‌شدید که احتیاجی به توضیح بیشتر نباشد. خودتان می‌دانید

که حتی پس از فتح خرمشهر، نیروهای نظامی شما در جبهه‌های میانی در بسیاری مواضع از خاک ایران باقی ماندند، من جمله شهرهای نفت شهر و خسروی و مهران و ده‌ها روستا و ارتفاعات که شرایطی متفاوت با جبهه جنوب داشت که اکثر آن مناطق از اول جنگ تا امروز در اشغال نیروهای شماست و بعید است که فرماندهان شما حقیقت را از شما مکتوم داشته باشند.

با اینکه به طور مکرر تأکید بر لزوم اجتناب از اتخاذ مواضع بحث‌انگیز و عکس‌العمل‌زا در نامه‌ها شده، در نامه دوم اشاراتی به بعضی ادعاها آمده که با این تأکیدات ناسازگار است و توجه دارید که حقوق نه براساس دریافتها و خواسته‌های شخصی، بلکه برمبنای قوانین و مقررات شناخته شده تعریف می‌شود، به اعتقاد ما یکی از مهمترین اصولی که متضمن برقراری صلحی بادوام و شرافتمندانه بین دو کشور می‌باشد، اصل وفای به عهد و احترام به تعهدات بین‌المللی است.

ما تأکید شما را بر اعتبار قطعنامه ۵۹۸ مثبت تلقی می کنیم، ولی شایان ذکر است که این قطعنامه روشن و خالی از ابهام است و می‌تواند براساس روش‌های پیشنهادی دبیر کل [سازمان ملل] که مسؤولیت اجرای آن را به عهده دارد، اجرا گردد.

تکرار موضع غیر مفید که در چند دوره مذاکرات زیر نظر دبیرکل عدم کارایی آنها روشن شده، مشکل جلوه دادن تعیین طرف آغازگر جنگ که به موجب قطعنامه ۵۹۸ از وظایف کلیدی دبیرکل برای پایه‌گذاری صلحی جامع و پایدار بین دو کشور است و بستن راه براقدامات تدریجی و گامهای عملی در جهت نیل به صلح جامع و نهایی و طرح ادعاهای فاقد دلیل و هر چیزی از این قبیل را که منافات با حسن نیت داشته باشد با اهداف صلح‌طلبانه برای هیچ یک از دو طرف مناسب نمی‌دانیم.

متأسفانه اظهارات نامناسبی که در قطعنامه اجتماع سران عرب در بغداد در رابطه با مسایل قطعنامه ۵۹۸ و حقوق عراق و ایران انعکاس یافت، می‌تواند مشکلی در راه حصول اعتماد و اطمینان به حسن نیت و صلح دوستی گردد که نیاز به جبران دارد.

آقای سیروس ناصری به عنوان نماینده این جانب در مذاکرات با نماینده شما شرکت می کنند؛ مأموریت ایشان مذاکره در مسایل محتوایی برای اجرای قطعنامه و مهیا کردن زمینه از سرگیری روابط صلح‌آمیز بین دو کشور مسلمان ایران و عراق است. و از ایشان

خواسته‌ایم که از شرکت در بحث‌های شکلی و حاشیه‌ای که باعث اتلاف وقت و طولانی‌تر شدن وضع موجود است، خودداری کند. و لازم است که تأکید نمایم ملاقات رؤسای جمهوری فقط در صورتی مناسب و به صلاح است که از نتایج مثبت آن دو طرف مطمئن باشند. چه، در غیر این صورت ممکن است آثار منفی آن از وضع موجود خسارت بارتر باشد.

به خاطر مواضع منفی زمامداران سعودی نسبت به انقلاب اسلامی ایران در گذشته و حال، قلمرو دولت عربستان در حال حاضر محل مناسبی برای مذاکرات صلح نیست و با توجه به وجود مکانهای متعدد، در راه انتخاب مکان مناسب برای دو طرف مشکلی نخواهیم داشت و بهتر است که نقطه مورد نظر در آستانه شروع مذاکرات مشخص شود، و با پیشنهاد شما که نمایندگانمان در مذاکرات مقدماتی محل را مشخص کنند موافقیم.

طبیعی است در طول مذاکرات مقدماتی، دبیرکل سازمان ملل متحد در جریان مذاکرات قرار خواهد گرفت و در مواقع و موارد لازم از نظرات و ابتکارهای ایشان در راه تحکیم صلح استفاده می‌شود و از انحصار راه صلح به مذاکره مستقیم (آن گونه که در نامه دوم اشاره رفته بود) پرهیز خواهد شد و راههای دیگر، من جمله راه اصلی را که قسمتی از آن پیموده شده، به روی خود نمی‌بندیم.

در خاتمه از پیشگاه خداوند متعال خواستارم که به ما توفیق کامل در جهت رفع خصومت و کندن ریشه‌های نزاع و هموار کردن راه دو ملت و سایر مردم و دولت‌های منطقه برای صلح و همکاری در جهت رفاه امت اسلامی و جهاد با دشمنان اسلام و مسلمانان و مخصوصاً آزادی کامل سرزمین اسلامی فلسطین عنایت فرماید.

وما توفیق الا بالله علیه توکلت والیه انیب

تهران ـ اکبر هاشمی رفسنجانی

۲۸ خرداد ماه ۱۳۶۹ هجری شمسی

مطابق با ۲۴ ذیقعده الحرام ۱۴۱۰ هجری قمری

نامه هفتم: نماینده مذاکرات

نامه رییس جمهور عراق مورخ ۲۵ تیر ۱۳٦۹

بسم‌الله الرحمن الرحیم
وقل اعملوا فسیری الله عملکم و رسوله والمؤمنون صدق الله العظیم

آقای علی اکبر هاشمی رفسنجانی
رییس جمهوری

سلام علیکم،

جهت تسریع در راه صلح، تمایل خودم را در فرستادن نماینده‌ای از طرف ما به سوی شما جهت رویارویی و بحث در مورد استقرار صلح بین دو کشور و استفسار از نظریات شما نسبت به هر آنچه اجرای صلح را در عراق و ایران تسهیل نماید، اعلام می‌نمایم.

طبق نظر شما این دیدار می‌تواند علنی یا محرمانه باشد.

والله الموفق

صدام حسین

بغداد در ۲۴ ذی‌الحجه ۱۴۱۰

مطابق با ۱۶ تموز ۱۹۹۰ میلادی [۲۵ تیر ۱۳۶۹]

نامه هشتم: پیشنهاد جدید

متن نامه رییس جمهور عراق مورخ ۸ مرداد ۱۳۶۹

بسم‌الله الرحمن الرحیم

جناب آقای علی اکبر هاشمی رفسنجانی
ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

سلام علیکم

پس از تفحص دقیق در آنچه باید تفحص کرد و پس از بررسی دقیق تحول روابط و وضعیت فعلی میان عراق و ایران و خطراتی که منطقه را در برگرفته و محیط برآن شده است و به منظور ادامه نقش خود در ارائه ابتکار عمل‌هایی که فرصت‌های وسیع‌تری جهت تحقق صلح فراهم می‌سازد، ما براساس مسؤولیت ملی و انسانی که اصول اعتقادی عظیممان آن را بر دوشمان نهاده، خود را در موقعیت ارائه پیشنهاد تازه‌ای یافتیم.

از آنجا که این بار ابتکار عمل پیشنهادی ناظر به تمام مسایل ماهوی که بندهای قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت یک جا و در یک چارچوب و به صورت تفصیلی به آن پرداخته است، ما امیدواریم که برخورد با آن در همین سطح صورت گیرد و جوشش با آن در حدی از جدیت انجام شود که از دو ملتمان، فرصت زندگی در شرایط صلحی که حتی بر جزئیات آن توافق شده باشد، گرفته نشود و این امر به منظور دور کردن طرح‌های دشمنان ملتهاست که در تلاش‌اند، شرایط را خدای ناکرده به جایی بکشانند که وضع دو کشور به آنچه قبل از اوت ۱۹۸۸ بود بازگردد و به این ترتیب هر که هر چه را از دست بدهد باخته است، بدون اینکه سودی به دست آمده باشد.

نیروهای اهریمنی که در تاریکی در جستجویند و ابزارهای نیرنگ نیز در دست‌شان است می‌توانند با استناد به این واقعیت که جنگ بین دو کشور از نظر حقوقی پایان نیافته است، دو کشور را به سوی آنچه مجدداً جرقه جنگ را بزنند سوق دهند. و همچنان که می‌دانید شروع جنگ چه بسا از اموری که ساده به نظر می‌رسد به وجود می‌آید، به مانند

آتش سوزی مهیبی که از یک جرقه برمی‌خیزد.

اشراری که در کمین ما هستند، ممکن است به انگیزه ناتوانی در تحقق اهدافشان بدون درگیر کردن دو کشور و یا یکی از آنها در جنگ و شاید هم به دلیل نگرانی از سلاح‌های انباشته شده نزد طرفین نزاع و چه بسا با انگیزه تمایل آنها برای شناخت کارآیی آن سلاح‌ها و یا بخشی از آنها با به بکارگیری ابزارهای پلید خود برای زده شدن جرقه بکوشند و برای این کار شاید مشکل چندانی نداشته باشند، آن هم در جبهه‌ای که تنها در خشکی هزار و دویست کیلومتر و در دریا تقریباً هشتصد کیلومتر امتداد دارد.

و این جبهه‌ها مملو از امکان و احتمال بروز جرقه‌های پراکنده شده از دهانه سلاح‌ها می‌باشد، بنابراین برای آغاز، نیازی به گشودن آتش سلاحها توسط شمار کثیری از افراد نیست، زیرا کافی است یک نفر به هر علتی و تحت تأثیر هر عاملی به چنین کاری اقدام کند و باعث شود جمع بزرگی آتش بگشایند و بدین ترتیب زیان فراوانی متوجه همگان خواهد شد که از این امر به جز دون صفتان هیچ کس سود نخواهد برد و تمام این امور همچنان که قبلاً گفتیم به زیان ملت‌های ما تمام خواهد شد.

از آنجا که این وضع، هدف هیچ کدام از عراق و ایران نیست، آن چنان که در اظهارات نمایندگان دو کشور آمده، بنابراین وظیفه حکم می‌کند که نه تنها به صلح برسیم، بلکه در اسرع وقت برسیم تا امکان تحقق رویاهای بدخواهان و ستمگران از صحنه ما دور بماند.

و بر پایه تمام این مطالب به نکات ذیل مبادرت می‌ورزم :

۱- مجدداً ایده انجام ملاقات فوری بین سران دو کشور را در محلی که مورد توافق قرار می‌گیرد مطرح می‌کنم تا موضوعاتی که با توافق بر سر آنها، صلح همه جانبه و دائمی محقق می‌شود را به بحث بگذارند.

۲- بحث و توافق، تمام موضوعات معلق را در برگیرد و طرح هر موضوع جدید پس از دستیابی به توافق همه جانبه، از سوی هر طرف بدون موافقت طرف دیگر امری مردود و به عنوان گریز از توافق تلقی می‌شود و عنوانهای فرعی مطالب مورد توافق باید از بندهای قطعنامه ۵۹۸ استخراج شود، و این توافق براساس این درک و با تأکید براینکه هدف اصلی قطعنامه ۵۹۸ تحقق صلح همه جانبه و دائمی از طریق گفتگوست و نه هر چیز دیگر و بر

مبنای اینکه پارامترهای توافق‌های کلی، تجزیه ناپذیرند و به صورت یک معامله کامل و به هم پیوست که اخلال در هر بند از بندهای آن به معنی اخلال در تمامی بندهای آن است، صورت می‌گیرد.

۳- مهم نیست که گفتگو و توافق بر سر موضوعات از کجا شروع می‌شود، ولی توافق بر سر هر یک از پارامترها و یا تعدادی از پارامترهای موضوعات مورد بحث طبق مفاد بند (۲) این نامه ما منوط به توافق بر بندهای دیگر می‌باشد. علیهذا هر یک از دو طرف گفتگو، حق پاسخگویی به هر گونه اظهارات یک جانبه طرف مقابل به نحوی که مناسب می‌داند، از جمله حق تکذیب توافق جزئی بر سر هر یک از مطالب مورد گفتگو را دارد.

۴- عقب‌نشینی طی مدت زمانی که از دو ماه از تاریخ تصویب نهایی توافق همه جانبه طرفین فراتر نرود، صورت می‌گیرد و هر چه زمان کوتاهتر شود بهتر است. همچنین بر سر رابطه ناگسستنی بین هر گامی که هر یک از طرفین نزاع در اجرای تعهدات قراردادی خود برمی‌دارد توافق شود، به نحوی که با گام متناسب و یا هم طرازی از سوی طرف مقابل پاسخ داده شود.

۵- ما همچنان مساله اسرا را مشمول موافقتنامه‌های ژنو دانسته و بر همین اساس، فرض می‌کنیم که آزادی آنها می‌بایست براساس بندهای موافقتنامه مزبور انجام می‌گرفت و اکنون دو سال از زمان آزادی اسرا بر مبنای موافقتنامه یاد شده گذشته است، به این تعبیر که بین برقراری آتش‌بس و زمان حال دو سال سپری شده است.

با این وصف و به منظور تسهیل در روند صلح ما با توجه به اصول و مفاهیم فوق‌الذکر مانعی نمی‌بینیم که برای آزادی اسرا در چارچوب مدت تعیین شده در بند (۴) (دو ماه) از تاریخ تصویب نهایی توافق و به عنوان حداکثر مدت لازم، برنامه‌ریزی شود و هر چه این کار سریعتر انجام گیرد بهتر است.

۶- بحث در مورد شط‌العرب بر مبنای سه عنوان زیر انجام گیرد :

الف ـ حاکمیت کامل بر رودخانه متعلق به عراق باشد، زیرا که حق تاریخی و مشروع آن است.

ب ـ اعمال حاکمیت در شط‌العرب از سوی عراق، توأم با اجرای شیوه خط تالوگ در زمینه کشتیرانی به نحوی که عراق و ایران از حق کشتیرانی، ماهیگیری و شرکت در تنظیم

امور کشتیرانی در شط‌العرب برخوردار بوده و سود حاصله از آن را تقسیم نمایند.

ج - ارجاع مساله شط‌العرب به حکمیت در چارچوب فرمولی که مورد توافق قرار می‌گیرد، همراه با تعهد قبلی مبتنی بر پذیرش نتایج حکمیت و تا زمانی که مرجع حکمیت اعلان رأی کند لایروبی شط‌العرب براساس فرمول مورد توافق طرفین به قصد مهیا کردن آن برای کشتیرانی و بهره‌برداری آغاز می‌شود.

توافق بر این فرض مبتنی است که طرفین متفقاً یکی از عنوانهای سه گانه فوق را انتخاب خواهند کرد، با این ملاحظه که عنوان نخست، بیانگر حق عراق است و فرض ما بر این است که دو عنوان دیگر نشانگر تمایل ایران است.

۷- توافق بر حذف بند (۶) قطعنامه ۵۹۸ از گفتگوها و نادیده گرفتن قطعی آن. چرا که نه تنها هیچ فایده‌ای برای صلح در بر ندارد، بلکه موانعی بر سر راه آن می‌گذارد و چه بسا عواقب آن کینه‌توزی، دشمنی و انتقامجویی در آینده را موجب خواهد شد، در شرایطی که صلح راه دیگری را فراروی دو ملت ایران و عراق قرار می‌دهد. در این خصوص لازم است توافق‌هایی که به آن دست خواهیم یافت رسماً و کتباً به دبیر کل سازمان ملل متحد ابلاغ شود.

۸- اجرای هیچ یک از گامهای مورد اشاره که در موافقتنامه آتی صلح میان عراق و ایران مندرج خواهد شد، قبل از اتخاذ کلیه اقدامات قانونی لازم برای تصویب آن به موجب قانون اساسی هر یک از دو کشور، به نحوی که از لحاظ حقوقی و قانونی قطعیت آن در سطوح جزئی و کلی محرز و غیر قابل نقض گردد، شروع نخواهد شد. مضافاً اینکه لازم است اسناد تأیید شده موافقتنامه در یک زمان واحد که مورد توافق طرفین قرار می‌گیرد به دبیر کل سازمان ملل متحد سپرده شود.

۹- موافقتنامه آتی صلح بین عراق و ایران در برگیرنده همه موارد توافق خواهد بود و به منظور تسهیل در سرعت بخشیدن به اتمام موافقتنامه صلح، موافقتنامه مورد بحث می‌تواند در کنار موضوعات جدید و مسایل مرزهای خشکی و دیگر حقوقی که مورد توافق قرار می‌گیرد، بعضی از موارد موافقتنامه‌های سابق را که در طول تاریخ روابط دو کشور به تصویب رسیده و هر آنچه در گذشته مورد توافق قرار گرفته، بدون اخلال در بندهای مندرج در این نامه نیز در بر گیرد.

۱۰- توافق‌ها باید دربرگیرنده اصولی روشن در زمینه برقراری روابط حسن همجواری و عدم دخالت در امور داخلی و احترام هر کشور نسبت به حق کشور دیگر در انتخاب نظام سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مورد نظر خود و همچنین شناسایی قطعی و بی‌تردید حق انواع کشتیرانی در آبراههای بین‌المللی خلیج و تنگه هرمز باشد.

۱۱- شاید مناسب باشد که یک مرجع بین‌المللی که مورد توافق قرار خواهد گرفت حسن اجرای موافقتنامه را تضمین کند. [مثلاً] (شورای امنیت).

۱۲- با علم به اینکه اوضاع بین‌المللی برای دل‌بستن به کمک‌های مربوط به بازسازی مساعد نیست، ما معتقدیم که کمکهای بین‌المللی موضع بند (۷) [قطعنامه ۵۹۸] بالمناصفه بین عراق و ایران تقسیم شود.

۱۳- برای تسهیل تماسهای فی‌مابین و در پرتو تحول مثبت در روابط دو کشور، ما معتقدیم سفارتخانه‌های ما در تهران و بغداد بازگشایی شود، خاصه اینکه در شرایط جنگ سفارتخانه‌ها دایر بوده و تنها از ماه سپتامبر ۱۹۸۷ تعطیل شده است.

آقای رییس جمهور آنچه به نظر ما صلح دائمی و همه جانبه را بین عراق و ایران محقق می‌سازد همین است که در این نامه آمده است. پیشنهاد فوق فراگیر بوده و اجزای آن به هم پیوسته و غیرقابل تفکیک است و رسیدن به آن با استمداد از تجربه و نیز گفتگوهای نمایندگان ما در ژنو، آقایان ناصری و برزان، ممکن گشته است.

بدین سان، همه چیز روشن شده به نحوی که جایی برای تفسیر دیگری باقی نمانده و صلح حقیقی، همه جانبه و سریع را که خواستار آن هستیم همین است.

والله اکبر

همراه با آرزوهای خوب برای شما و از خلال شما برای کادر رهبری ایران.

صدام حسین

رییس جمهوری عراق

بغداد در ۸ محرم ۱۴۱۱ ه

برابر با ۳۰ ژوئیه ۱۹۹۰ م

[۸ مرداد ۱۳۶۹]

نامه نهم : در انتظار موافقت

متن نامه رییس جمهور عراق مورخ ۱۲ مرداد ۱۳۶۹

بسم‌الله الرحمن الرحیم

جناب آقای علی اکبر هاشمی رفسنجانی
ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

سلام علیکم

صبح جمعه ۱۹۹۰/۸/۳ [۱۲ مرداد ۱۳۶۹] از خلاصه فعالیت سیاسی شما و شمه‌ای از آنچه از سوی دولت ایران صادر شد (بیانیه وزارت خارجه ایران و جلسه شما با فرماندهان نظامی و خبرهای منتشره آن) آگاهی یافتم. علیهذا به منظور تأکید براحساس مسؤولیت انسانی در برابر ملت ایران، مضافاً به مسئولیت ملی در قبال ملت‌مان، مصلحت دیدم دیگر بار برای شما نامه بنویسم.

در تاریخ ۱۹۹۰/۷/۱۶ [۲۵ تیر ۱۳۶۹] به شما پیشنهاد کردیم فرستاده‌ای را از جانب ما برای امری مربوط به پیشبرد هر چه سریع‌تر روند صلح به حضور بپذیرید. هنگامی که پاسخ شما در مورد تعیین زمان برای به حضور پذیرفتن فرستاده ما به تعویق افتاد، مبادرت به ایفاد نامه نموده و فرستاده را مأمور تسلیم آن به شما کردیم، تا شما ضمن آمادگی برای مطالعه نامه، بحث و بررسی مقتضی را با برادران‌تان در کادر رهبری در مورد مفاهیم، نظریات و پیشنهادهای مندرج آن به عمل آورید. و بدین ترتیب از مواضع شما در قبال آن پس از اینکه شرایط شما اجازه دهد، فرستادگان ما را که تاکنون تاریخی به جای تاریخ پیشنهادی ما (دوشنبه ۱۹۹۰/۷/۳۰) برای به حضور پذیرفتن آنها تعیین نکرده‌اید، مطلع شویم، و پیش از این نامه، در تاریخ ۱۹۹۰/۸/۲ توضیحی به ابتکار خود از طریق نماینده شما در ژنو، آقای ناصری برایتان فرستاده بودیم.

ما تمامی این اقدامات را نه تنها به نشانه تأکید بر تمایل خود به صلح، بلکه تأکید بر علاقه ما به تحقق هر چه سریع‌تر صلح به عمل آوردیم تا دو کشور و دو ملت خود را از گردباد تغییر و تحولات منطقه و جهان و از رویدادهای خطرناک احتمالی دور نگه‌داریم.

آقای رییس‌جمهور این اقدامات من کلاً به این جهت صورت می‌گیرد که یقین دارم جنگجویان قادرند همدیگر و مقاصد یکدیگر را سریعتر دریابند، اگر چه این صفت جنگجو بودن در جریان یک ستیز مسلحانه فی‌مابین آنها به دست آمده باشد.

اینک پس از قضیه کویت، علایم بحران در افق پدیدار گشته و ممکن است کسانی را که به اندازه کافی تأمل و بردباری از خود نشان ندهند به مسیر کشمکش بکشاند. از دشوارترین کارها و شاید هم خطرناکترین آنها این است که اندیشه و رفتار در برهه‌ای از زمان از هدف و یا اهدافی که به طریق مشروع برای دستیابی به آنها می‌کوشد به هدف و یا اهدافی پا فراتر نهد که نه در تجزیه و تحلیل مردمش مشروعیت دارد و نه در طرز تفکر کسانی که طرف دیگر قضیه هستند.

از هدف اعلام شده‌تان چنین دریافته‌ایم که شما خواهان صلحید و ما نیز از جانب خود آنچه تمایل ما را به صلح مورد تأکید قرار می‌دهد ارائه کردیم و نیز می‌دانیم که شما برای تحقق عقب‌نشینی تلاش می‌کنید و این امر در نامه مورخ ۱۹۹۰/۷/۳۰ ما، مورد تأکید قرار گرفته و یک سقف زمانی غیر قابل تمدید نیز برای عقب‌نشینی در آن ارائه شده است.

نامه مورخ ۱۹۹۰/۷/۳۰ ما، متضمن چاره‌جویی‌های مشخص و پیشنهادهای قابل اجرا و نه یک کلی گویی در مورد هر یک از بندهای قطعنامه ۵۹۸ که عراق و ایران برپایبندی به آن تأکید کرده‌اند، بوده است.

ما هنوز در انتظار موافقت شما با تعیین تاریخی برای به حضور پذیرفتن دو فرستاده ما که آنها را به شما معرفی کرده‌ایم (وزیر خارجه و نماینده دائمی ما در ژنو) هستیم. تا به خواست خدا همان‌طوری که امید می‌رود، پس از انجام گفتگو با شما و با کسانی که معرفی می‌نمایید در آستانه مرحله سرنوشت ساز صلح قرار بگیریم.

بنابراین اگر خواست شما همین است که اعلام شده و ما آن را می‌دانیم و پاسخ ما به آن کل مطالبی است که یادآور شدم، پس، لغزیدن در مسیر رویدادهای مقطعی که به روابط بین اعراب مربوط می‌شود و در چارچوب امور مربوط به گذشته و حال آنها دور می

زند تلاشتان را از هدف دور ساخته و تصویر آن را مخدوش می‌سازد و چنانچه تصویر هدف مخدوش گردد، تهیه مقدمات کاری که امید است با تسریع در انجام آن صلح تحقق یابد، بر ما دشوار می‌شود، و چه بسا افراد کم تجربه را به سمتی سوق دهد که قضایا از محاسبات درست آن دور شود.

ولی به هر حال من پیش‌بینی نمی‌کنم و آرزو ندارم افرادی همچون شما و برادران شما در کادر رهبری ایران که یک جنگ هشت ساله را آزموده‌اند متزلزل شده، به امری که نه به مصلحت ایران و نه جزو هدفهای مردم ایران است روی آورند.

بی‌تردید و یا حداقل گمان من براین است که شما از انگیزه اظهاراتی که از صبح دیروز، پنجشنبه ۱۹۹۰/۸/۲ چه از درون و چه از برون منطقه ابراز می‌گردد، آگاهید و قبلاً حرفهای آن را ارزیابی کرده‌ایم و همه ما انگیزه آنها را می‌دانیم.

شما اما می‌دانید آنها همگی آن گاه که پی ببرند اظهاراتشان در برابر خواست ملت بزرگ عراق که مصمم براحقاق حق خود و برخورد با اجحاف و ناجوانمردی و توطئه است، کاری از پیش نمی‌برد با در اختبار داشتن وسایل و امکانات شناخته شده‌شان قادرند مواضع خود را اصلاح کنند.

کسی که به ما سلاح صادر می‌کند و اظهار می‌دارد که صدور آن متوقف شده هنگامی که مجدداً صدور آن را از سر می‌گیرد کار را اصلاح خواهد کرد و کسی که روابط اقتصادی خود را با ما قطع می‌کند، هنگام برقراری دوباره آن درصدد چاره‌جویی برخواهد آمد، ولی اگر عراق و ایران، هر یک از آنها از موضع صحیح خود منحرف شود، ملت خویش را از یک فرصت تاریخی برای نیل به صلح و نیز تثبیت حقوق مشروع خود، محروم خواهد ساخت.

و هر گاه مسیر آنچه تاکنون در گفتگوهایمان در این راه انجام گرفته و سرآغاز اطمینان بخشی در مورد گام‌های یکدیگر به وجود آورده به لرزه در آید، زیان وارده بس بزرگ خواهد بود و من چنین آرزویی را برای شما، همچنان که برای خود، خواهان نیستم.

به هر حال اگر آنچه ما می‌دانیم و هدف‌های اعلام شده شما در مذاکرات است، کل هدف‌های شما باشد، همان گونه که ما تأکید می‌کنیم آنچه از جانب ما اعلام شده تحقیقاً کل هدف‌های ما می‌باشد، پس باید در انعقاد اجلاس تسریع کنیم و شما در تعیین تاریخی

برای به حضور پذیرفتن نمایندگان ما تسریع کنید. از این طریق، و تنها از این طریق است که هدف‌های مشروع تحقق یافته و صلحی که هدف والای ملت‌های دو کشور است، تحقق می‌یابد.

والله الاکبر والسلام علیکم

صدام حسین
بغداد ـ تاریخ ۱۲ محرم ۱۴۱۱ ه
برابر با ۳ اوت ۱۹۹۰ م
[۱۲ مرداد ۱۳۶۹]

نامه دهم: معاهده ۱۹۷۵، پایه مذاکره

پاسخ رییس جمهوری اسلامی ایران به نامه ۱۲ مرداد ۱۳٦۹ رییس جمهور عراق

بسم‌الله الرحمن الرحیم
الحمدلله رب العالمین والصلوة والسلام علی محمد نبیه و آله الاطهار

جناب آقای صدام حسین، رییس جمهور محترم

نامه مورخ ۶۹/۵/۱۲ شما دریافت شد؛ با اینکه اصل نامه علی‌الظاهر به منظور پیشبرد مذاکرات صلح تنظیم شده، لیکن بخشی از مضامین آن تأسف‌آور است.

قبل از هر چیز لازم می‌دانم بار دیگر بر اراده و خواست جمهوری اسلامی ایران نسبت به تحقق صلح عادلانه و پایدار تأکید نمایم. امیدوارم شما نیز به این نتیجه رسیده باشید. پس

از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ با آگاهی کامل از مسؤولیتهای خودمان در قبال صلح و تبعات ناشی از آن، حرکت صادقانه‌ای را آغاز کردیم و بنا را براین گذاشتیم که به جز آنچه که مربوط به حقوق مشروع و تغییرناپذیر ملت ایران است، هیچ چیز پیشروی ما در مسیر صلح را محدود نکند و چنین نیز کردیم. نحوه برخوردمان هم در طول مذاکراتی که تحت نظر دبیرکل سازمان ملل انجام گرفت و هم پاسخگویی به نام شما و گفتگوهایی که توسط نمایندگان من و شما در ژنو در جریان است، می‌بایست این مساله را برای شما روشن کرده باشد.

تسریع در امر رسیدن به صلح و برداشتن گامهای عملی در اجرای قطعنامه ۵۹۸ به جای نامه‌نگاری‌ها و مذاکرات طولانی، از تأکیدات ما در ابتدای مذاکرات نمایندگان دو کشور در ژنو بوده و اکنون نیز براین باوریم که پیشرفت در محتوای مذاکرات و نه در شکل آن و تلاش در روشن ساختن وضعیت خود در قبال آن مسایلی که کلید دروازه صلح است ما را به هدف خود نزدیک خواهد ساخت.

هدفی که زمینه‌های بالقوه برای تخریب وضعیت فعلی و یا زمینه‌های تصنعی ساخته و پرداخته دشمنان اسلام که در شرایط خاص فعلی جهان و منطقه می‌تواند به وجود آید را از بین خواهد برد. این چنین است که صلح در دسترس دو کشور همسایه قرار خواهد گرفت و نیروهای مشغول شده به یکدیگر می‌توانند در خدمت نیازهای حیاتی دو ملت و مسئولیت‌های اساسی آنها در جهت سازندگی، صلح و امنیت منطقه قرار گیرند.

با توجه به موارد فوق، تذکر نکات زیر را در مورد مضامین نامه ۱۳۶۹/۵/۱۲ (۳ اوت ۱۹۹۰) و نامه بدون امضای مورخه ۱۳۶۹/۵/۸ (۳۰ ژوئیه ۱۹۹۰) و نامه مورخه ۱۳۶۹/۴/۲۵ (۱۶ ژوئیه ۱۹۹۰) شما ضروری می‌دانم:

۱- ملاقات و مذاکرات در سطحی بالاتر از آنچه فعلاً در ژنو وجود دارد، موقعی قابل قبول است که از مذاکرات جاری ژنو نتایج مشخصی به دست آورده باشیم که پایه‌ای برای مراحل بعد باشد، ولی می‌دانید که در ژنو به جز آشنایی بیشتر با نظرات یکدیگر پیشرفت قابل ملاحظه‌ای نداشتیم؛ در حالی که مأموریت نمایندگان ما و شما مذاکرات در مسایل محتوایی بوده است. به همین دلیل نیز همانگونه که قبلاً تذکر داده‌ایم، ملاقات دو رییس‌جمهور فقط در شرایطی می‌تواند مفید باشد که مسایل مهم و کلیدی روشن و حل

شده باشد، در غیر این صورت شکست در مذاکرات دو رییس جمهور می‌تواند آثار زیان بارتری بر صلح داشته باشد و آن را از دسترس دو کشور دورتر سازد.

۲- در نامه مورخه ۱۳۶۹/۵/۸ شما در مورد اروندرود پیشنهاداتی مطرح شده که گرچه تنزلی از ادعاهای اعلامیه‌ای قبلی شماست، لاکن برای شما مشخص است که نمی‌تواند از جانب ما مورد پذیرش قرار گیرد.

پیشنهاد مشخص ما مبنا قرار گرفتن معاهده ۱۹۷۵ برای مذاکرات صلح می‌باشد، زیرا بدون پایبندی به قراردادهای گذشته، علی‌الخصوص آن قراردادی که امضای خود شما را دارد، نمی‌توان انتظار داشت که اعتماد نسبت به آنچه که امروز گفته می‌شود به وجود آید.

۳- برای عقب‌نشینی از اراضی اشغالی ایران، سقف زمانی دو ماه در نظر گرفته شده که غیر قابل توجیه است. زیرا این کاری است که اگر با حسن نیت بخواهد انجام گیرد در ظرف یکی دو روز قابل انجام است، در حالی که دبیر کل سازمان ملل در طرح خودش زمان لازم را دو هفته در نظر گرفته بود، در مقابل سه ماه زمان برای آزادی اسرا.

۴- شگفت‌آور است که با تمسک به عروبت از موضع حق ما در خصوص اشغال خاک کویت توسط ارتش عراق انتقاد شده، حال آنکه بدیهی‌ترین مسایل از جمله زمینه سازی برای حضور گسترده‌تر نیروهای خارجی در منطقه، سلب آسایش و آرامش و ایجاد مشکلات برای مردم مسلمان، تضامن اسلامی، همجواری، به هم خوردن ثبات و امنیت منطقه، تغییر شرایط جبهه‌ها و تعهدات بین‌المللی مورد غفلت قرار گرفته است.

چگونه می‌توان توجیه کرد که در نامه‌ای که با اسم خداوند تبارک و تعالی شروع و با شعار الهام بخش الله اکبر ختم می‌شود، برخلاف تعلیمات صریح و قیوم اسلام و قرآن، اصل نژادی و قومی بر اصل اسلامی و عقیدتی مقدم شمرده شود. آیات محکمات :

«انما المؤمنون اخوه» و «ان هذه امتکم امه واحده و...»، «وانا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوباً و قبائل لتعارفو انّ اکرمکم عندا... اتقیکم» برای هر مسلمانی کافی است که در موضعگیری‌های خود علائق نژادی، جغرافیایی و زبانی را تحت‌الشعاع اصول اسلامی قرار دهد. شما بهتر از دیگران از سیاستهای دولت کویت در طول جنگ و مراتب ظلم آنها نسبت به انقلاب اسلامی ایران آگاهی دارید، اما موضع گیری ما نه در ارتباط با افراد، بلکه برخاسته از اصول ماست.

۵- بی‌تردید در موقعیت و شرایط مذاکرات صلح بین دو کشور، تهاجم غیر قابل تصور به یک کشور همسایه بدون کوچکترین اطلاع و هماهنگی آن هم با آثار و تبعات فوق العاده آن در رابطه با ما می‌تواند اعتماد ما را سُست سازد و تردید جدی در انگیزه‌های مذاکرات چند ماهه اخیر ایجاد نماید، به خصوص که در طول این مدت ما شاهد اقداماتی که نشانه حسن نیت باشد نبوده‌ایم و کماکان اصرار بر تداوم اشغال سرزمین‌مان و حتی مخالفت با مسأله کوچکی چون خاموش کردن حریق چاههای نفتی که جز اتلاف سرمایه میهن اسلامی نتیجه‌ای برای شما ندارد را شاهدیم.

۶- لحن نامه اخیرتان مناسب با حالت لازم در جریان مذاکره نیست. لحن و زبانی به کار گرفته که در گذشته عدم کارآیی آن در رابطه با ملت مسلمان و انقلابی ما آزموده شده، و از تحلیلی درباره موضعگیری‌های جدید دوستان و حامیان گذشته خودتان برای قانع کردن ما استفاده شده که مناسب نیست، زیرا می‌دانید که ما در عمل همه این مراحل را آزموده‌ایم و از سر گذرانده‌ایم و ثابت کرده‌ایم که بیش از هر چیز روی ایمان و مقاومت و حمایت مردم حساب می‌کنیم و قهر و لطف دیگران را دارای آن چنان ارزشی نمی‌دانیم که برنامه زندگی و موضع‌گیری‌ها و تصمیمات مهم را براساس آن قرار دهیم. ما به دنبال استفاده از شرایط فعلی نیستیم و جز حقوق مشروع و قانونی خود چیز دیگری را نمی‌خواهیم. چیزی که در همه مراحل مذاکرات روی آن تأکید داشته‌ایم.

۷- نکته مورد تأکید نامه شما در مورد سرعت حرکت در جهت صلح را کاملاً قبول داریم ولی آنچه که به صلح سرعت می‌بخشد، پیشقدمی در ارائه پیشنهادهای شکلی و بالا بردن سطح مذاکرات بدون آنکه در محتوا پیشرفتی حاصل شده باشد نیست، بلکه می‌بایست به قراردادهای بین دو کشور که از نظر بین‌المللی به رسمیت شناخته شده پایبند باشیم و بیش از حق مشروع خود طلب نکنیم، زیرا قابل تصور نیست آنچه که با جنگ هشت ساله حاصل نشد در مذاکرات قابل تحقق باشد.

اگر این مطلب را قبول داشته باشیم لازم نیست برای مشخص کردن مرزها در زمین و رودخانه به دنبال چیزی جز معاهده ۱۹۷۵ باشیم و اگر قبول نداشته باشیم بهتر است کار اجرای قطعنامه را به سازمان ملل و شورای امنیت واگذاریم، ضمن اینکه نقطه ارتباط ژنو را برای تبادل نظرات در مسایل مشترک حفظ کنیم.

والسلام علیکم
اکبر هاشمی رفسنجانی
۱۶ محرم ۱۴۱۱ هجری قمری
مطابق با ۶۹/۵/۱۷ هجری شمسی

نامه یازدهم : تحقق خواسته‌ها

نامه رییس جمهور عراق مورخ ۲۳ مرداد ۱۳۶۹

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب آقای علی اکبر هاشمی رفسنجانی
ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

با توکل بر خدای قادر متعال و به منظور از میان برداشتن موانع از سر راه گشودن روابط برادرانه با همه مسلمانان و آن دسته از مسلمانان کشور همسایه ایران که برادری را برمی‌گزینند، و در جهت ایجاد فضا برای جوشش جدی با تمام مؤمنان در جهت مقابله با نیروهای شرور که بدخواه مسلمانان و امت عرب هستند و به انگیزه دور نگه‌داشتن عراق و ایران از شانتاژ و ترفندهای نیروهای شرارت‌طلب بین‌المللی و ایادی آنها در منطقه و هماهنگ با روح ابتکار عمل ما که با هدف تحقق صلح همه جانبه و همیشگی در منطقه در تاریخ ۱۹۹۰/۸/۱۲ اعلام شده و به منظور گرفتن بهانه‌های مانع جوشش از کف بهانه جویان متردد و ظنین و به خاطر اینکه هیچ یک از توانایی‌های عراق در خارج از میدان نبرد بزرگ بلا استفاده باقی نماند و به جهت بسیج این توانایی‌ها در جهت اهدافی که مسلمانان و

اعراب شرافتمند بر حقانیت آنها اتفاق نظر دارند و برای جلوگیری از تداخل سنگرها و دور ساختن گمانها و تردیدها تا اینکه خیراندیشان راه خود را برای برقراری روابط طبیعی میان عراق و ایران بیابند و به عنوان بازده گفتگوهای فی‌مابین که به طور مستقیم از نخستین نامه ما مورخ ۱۹۹۰/۴/۲۱ تا آخرین نامه شما مورخ ۱۹۹۰/۸/۸ به طول انجامید و همچنین راه حل نهایی و روشن که هیچ بهانه‌ای برای بهانه جویان باقی نمی‌گذارد، تصمیمات زیر را اتخاذ نمودیم:

۱- با پیشنهاد شما مندرج در نامه جوابیه هشتم اوت ۱۹۹۰ که توسط آقای برزان ابراهیم تکریتی نماینده ما در ژنو از نماینده شما آقای سیروس ناصری دریافت شد و ناظر به لزوم مبنی قرار دادن عهدنامه ۱۹۷۵ می‌باشد، ضمن مرتبط دانستن آن با اصول مندرج در نامه سی ژوئیه ۱۹۹۰ ما، به ویژه در مورد مبادله اسرا و بندهای ۶ و ۷ قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت، موافقت می‌شود.

۲- براساس بند یک این نامه و مندرجات نامه سی ژوئیه ۱۹۹۰، ما آماده‌ایم هیأتی را به تهران اعزام کنیم و یا هیأتی از سوی شما به بغداد سفر کند تا ضمن تهیه موافقتنامه‌های مربوطه، موجبات امضای آن را در سطحی که مورد توافق قرار می‌گیرد، فراهم نمایند.

۳- به نشانه حسن نیت، ما عقب‌نشینی خود را از روز جمعه هفدهم اوت ۱۹۹۰ آغاز کرده و به جز یک نیروی سمبلیک در کنار مأموران مرزبانی و پلیس که برای انجام مأموریت‌های روزمره در شرایط عادی، باقی می‌ماند، نیروهای خود را از مناطق رویاروی شما در طول مرز فرا خواهیم خواند.

۴- مبادله فوری و همه جانبه اسرای جنگ به هر تعدادی که در عراق و ایران در اسارت به سر می‌برند. و این از طریق مرزهای زمینی و از راه خانقین ـ قصرشیرین و راه‌های دیگری که مورد توافق قرار می‌گیرد صورت خواهد گرفت. ما آغازگر این اقدام خواهیم بود و از روز جمعه ۱۹۹۰/۸/۱۷ به آن مبادرت خواهیم کرد.

برادر علی اکبر هاشمی رفسنجانی رییس جمهوری...

با این تصمیم ما، دیگر همه چیز روشن شده و بدین ترتیب همه آنچه را که می‌خواستید و بر آن تکیه می‌کردید تحقق می‌یابد و دیگر اقدامی جز مبادله اسناد باقی نمی‌ماند تا با هم از موضع مسؤولیت، نظاره گر واقعی حیات جدیدی سرشار از تعاون در سایه اصول اسلام

باشیم، حقوق یکدیگر را محترم شمرده و بدین وسیله کسانی را که سعی می‌کنند از آب گل آلود ماهی بگیرند از سواحل خود دور کنیم و چه بسا در جهاتی همکاری کنیم که در نتیجه آن خلیج [فارس] به دریاچه صلح و امنیت و عاری از ناوگان‌ها و نیروهای بیگانه که در کمین ما نشسته‌اند، مبدل شود. مضافاً اینکه همکاری مزبور می‌تواند شامل جنبه‌های دیگر زندگی شود. الله اکبر ولله الحمد

صدام حسین

رییس جمهور عراق

۲۳/محرم/۱۴۱۱ ه

۱۴/اوت/۱۹۹۰ م

[۲۳ مرداد ۱۳۶۹]

نامه دوازدهم : مکتوب آخر

پاسخ رییس جمهوری اسلامی ایران به نامه مورخ ۲۳ مرداد ۱۳۶۹ رییس جمهور عراق

بسم‌الله الرحمن الرحیم

الحمدلله علی ماانعم وله الشکر علی ماالهم

ریاست محترم جمهوری عراق، جناب آقای صدام حسین

نامه مورخه ۶۹/۵/۲۳ (۱۴ اوت ۱۹۹۰) جناب عالی دریافت شد. اعلام پذیرش مجدد

معاهده ۱۹۷۵ از سوی شما راه اجرای قطعنامه و حل اختلافات در چارچوب قطعنامه ۵۹۸ و تبدیل آتش بس موجود به صلح دائم و پایدار را هموار ساخت.

شروع عقب‌نشینی نیروهای شما از اراضی اشغالی ایران را دلیل صداقت و جدی بودن شما در راه صلح با جمهوری اسلامی ایران به حساب می‌آوریم و خوشبختانه در موعد مقرر آزادی اسرا هم آغاز گردید که امیدواریم عقب‌نشینی نظامیان شما طبق زمانبندی اعلام شده و آزادی اسرای دو طرف با آهنگ و سرعت هر چه بیشتر ادامه یافته و تکمیل گردد.

همان گونه که از طریق نماینده ما در ژنو به اطلاع رسانده‌ایم، اکنون ما برای پذیرش نمایندگان شما در تهران آمادگی داریم و امیدواریم با تداوم جو مثبت و حسن نیت موجود بتوانیم به صلح جامع و پایدار با حفظ همه حقوق و حدود مشروع دو ملت و دو کشور اسلامی دست یابیم.

والسلام علیکم

اکبر هاشمی رفسنجانی

رییس جمهوری اسلامی ایران

۶۹/۵/۲۷

متن کامل مصاحبه با
روزنامه لوموند، چاپ پاریس

بهترین راه‌حل بحران در خلیج‌فارس چیست؟

ج-عراق باید سرعقل بیاید و نیروهای خارجی نیز منطقه را ترک کنند؛ آنگاه کشورهای منطقه مسایل خودشان را حل خواهند کرد و اگر مصوبات بین‌المللی به‌طور همه جانبه از سوی کشورهای جهان به‌اجرا گذاشته شود، نیازی به‌حضور نیروی نظامی نیست، زیرا شرایط کنونی جهان ایجاب می‌کند که مسایل همواره از طریق احساس مسئولیت‌ها و انجام وظایف حل شود، نه با استفاده از شیوه‌های زورمدارانه و غیرانسانی.

چرا ایران در خصوص اعزام نیرو با کشورهای دیگر مشارکت نمی‌کند و بر تخلیه کویت از نیروهای عراقی اصرار می‌ورزد؟

ج-ما هم قبول داریم که گاهی توسل به‌زور لازم است و هنگامی که متخلفی تسلیم حق نمی‌گردد، باید زور اعمال شود، اما بهتر بود با مسایل به‌صورت سالم برخورد می‌شد. در مورد اعزام نیرو به منطقه هم پیشنهادی به ما نشد و اگر هم می‌شد، ما نمی‌پذیرفتیم. در ضمن ما خودمان با کشور متجاوز، بیش از هزار کیلومتر مرز داریم و نیروهایمان هنوز در مرزها هستند. اگر روزی بنا باشد از نیروهایمان استفاده کنیم، نیازی نیست به عربستان برویم. به‌علاوه ما یک روز هم حاضر نیستیم با آمریکا در یک سنگر باشیم و به کشوری مثل عربستان که در جنگ و مسایل اقتصادی، همواره در مقابل ما بوده، نیرو و کمک بفرستیم.

ما با مسایل منطقه، مثل عربستان برخورد نمی‌کنیم. ما از یک موضع معتدل و منافع ملی برخورد می‌کنیم و تصادفاً در بخشی از چیزها، مثلا در مورد مخالفت با تجاوز عراق به

کویت با عربستان توافق داریم.

گرچه کویت در دوران جنگ تحمیلی علیه جمهوری اسلامی ایران خصمانه عمل کرده است، اما این صحیح نیست که به‌وسیله یک کشور متجاوز مجازات شود. گناه عراق در جنگ بیش از کویت بود و ضرر عراق برای منطقه هم بیش از کویت است.

در مورد اینکه اگر فرض کنیم عراق از کویت کنار بکشد و مساله کویت باعث شود که قوای عراق دست‌نخورده باقی بماند، آیا این خطری برای منطقه و خود ایران نخواهد داشت؟

ج-البته بی‌خطر نخواهد بود، ولی ما نمی‌گذاریم عراق موفق شود؛ لکن ما در صدد ضربه‌زدن به‌قوای عراق نیستیم، اما اگر عراق بخواهد از نیروهای خود برای تجاوز استفاده کند، قطعاً اجازه نخواهیم داد. حتی اگر بخواهند جزیره بوبیان را به‌او بدهند، ما اجازه نمی‌دهیم و دخالت خواهیم کرد و مانع تجاوز خواهیم شد.

آیا عراق این قدرت نظامی را از کجا بدست آورده است؟ غیر از این است که فرانسه و دیگران، سخاوتمندانه در اختیار او گذاشته‌اند. قرض دادن هواپیماهای جنگی که فرانسه اجازه فروش آنها را نداشته و در اختیار گذاشتن موشک‌های اگزوسه از سوی فرانسه به عراق برای زدن چاه‌های نفت، پل‌های حساس و کشتی‌ها در دوران جنگ، گواه بر این مدعاست.

ضمن تأکید بر تغییر ناپذیربودن مرزها در منطقه، اعلام می کنیم که ما به هیچ عنوان اجازه نمی‌دهیم مرزها در منطقه به هم بخورد، زیرا اگر به‌هم بخورد، خیلی جاهای دیگر هم باید عوض شود.

آیا بحران خلیج‌فارس و موضع‌گیری فرانسه در مورد اشغال کویت، تأثیری در نزدیک شدن روابط ایران و فرانسه خواهد داشت؟

ج-ما مواضع غربی‌ها را ناشی از عدالت خواهی و طرفداری از مظلوم نمی‌دانیم، ولی در مورد ایجاد ارتباط با فرانسه، پرونده جداگانه‌ای بین دو کشور وجود دارد و علیرغم سوابق تلخی که از رفتار فرانسه وجود دارد، راه‌ها را برای تعادل همکاری‌های بین‌المللی

که به نفع طرفین است، باز گذاشته‌ایم.

در اوایل انقلاب اسلامی، فرانسویان به خاطر حضور امام خمینی (رضوان‌اللّه تعالی علیه) در نوفل لوشاتو، موقعیت خوبی را نزد مردم ایران داشتند و آن هنگامی که سفارتخانه ها مورد حمله مردم قرار گرفت، سفارت فرانسه گلباران می‌شد؛ اما فرانسه خصمانه‌ترین شیوه را در مقابل ما پیش گرفت و از منافقین تروریستی که در ایران با انفجار حزب جمهوری اسلامی ۷۲ نفر را یکجا شهید کردند، در فرودگاه نظامی فرانسه، همانند رییس یک حکومت به‌گرمی استقبال کرد، اموال ایران را مسدود نمود و سخاوتمندانه به عراق کمک کرد. فرانسه همچنین در تعصب علیه انقلاب اسلامی، تا جایی پیش رفت که رییس جمهور این کشور علیرغم مدارک تاریخی و برخلاف اسناد بین‌المللی، از خلیج‌فارس متاسفانه به‌عنوان خلیج ع ر ب ی نام برد و این برای یک کشور پیشرفته و قدیمی که تحت تأثیر مسایل سیاسی با تاریخ، بازی می‌کند یک رسوایی فرهنگی بشمار می‌آید.

حضور قوای کفر (منظور سربازان آمریکایی) در حرمین شریفین و تأثیر آن بر افکار عمومی ایرانیان را چگونه ارزیابی می کنید؟

ج- مردم ما از حضور قوای کفر در سرزمین اسلام شدیداً ناراحت هستند، منتها اگر یک وقت احساس کنیم که اینها ماندگار هستند، تکلیف پیدا می‌کنیم که برای بیرون راندن آنها اقدام نماییم.

لطفاً نظرتان را در خصوص وضعیت فعلی ایران و چشم‌انداز آینده اقتصادی کشور بفرمایید.

ج-اگر شما وضع کشور فرانسه بعد از جنگ جهانی دوم را با وضعیت جمهوری اسلامی ایران مقایسه کنید، در خواهید یافت که جمهوری اسلامی ایران قابل تحسین است؛ زیرا هشت سال به تنهایی با همه شیاطین دنیا جنگید و در شرایط فعلی، مردم از چنان آگاهی و رشدی برخوردارند که از مسئولین می‌خواهند تا در بازسازی مناطق جنگ‌زده و آسیب‌دیده از زلزله به‌گونه‌ای عجله نکنیم که موجب وابستگی کشور شود.

برنامه‌های دولت جهت حل مشکلات اقتصادی و حل مسایل حقوق و

دستمزد در کشور چیست؟

ج-اولاً در مقایسه با کشورهای همسایه، زندگی مردم در ایران از اکثر جاها مناسب‌تر است و ثانیاً مردمی که ده سال را با آگاهی کامل تحمل کردند و ما را مجبور نساختند که اهداف‌مان را فراموش کنیم، برای اجرای بهتر دو برنامه پنج ساله که از سوی دولت جهت بهبود وضع اقتصادی کشور و شرایط خوب و متعادل در نظر گرفته شد، ده سال آینده را نیز تحمل خواهند کرد تا مشکلات پشت سر گذاشته شود.

اخیراً چندتن از مخالفین سیاسی در ایران دستگیر شده اند. در خصوص ادعای عدم وجود آزادی قلم و انتشار در جمهوری اسلامی ایران، چه نظری دارید؟

ج-همواره سعی شده است این آزادی وجود داشته باشد. همان‌طور که آنها آزادند، مردم دیگر هم آزادند، شاید کسانی که نظرات خود را صریح بیان نمی‌کنند از افکار عمومی واهمه دارند تا از دولت. من قاطعانه می‌گویم، سیاست جمهوری اسلامی ایران، این نیست که کسی را به‌خاطر اظهارنظر و مخالفت سیاسی تحت تعقیب قرار دهد. بیان مسایل گوناگون از تریبون مجلس شورای اسلامی به‌طور آزاد، گواه بر این مدعاست. لکن در مورد لیبرال‌هایی که اخیراً دستگیر شده‌اند، کسانی بوده‌اند که ماهیت جاسوسی پیدا کرده‌اند و از آمریکا دستور می‌گرفته‌اند. والا ما دل‌مان نمی‌خواست که اینها بازداشت شوند.

آیا برای رابطه با آمریکا، طرحی در نظر گرفته شده است یا خیر؟

ج-ما هیچ طرحی نداریم. آمریکا در زمان رژیم گذشته جنایات فراوانی مرتکب شده و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی هم از هیچ فرصتی برای خصومت علیه ایران دریغ نکرده است و هم‌اکنون نیز میلیاردها دلار از پول‌های ایران را در شرایطی که به‌آن نیاز داریم، مسدود نموده و مقدار زیادی از کالاهای ما را در انبارهای خود نگه داشته و تحویل نمی‌دهد. تفسیر آمریکا و کلاً غربی‌ها این‌است که ما تحت تأثیر نیازهای‌مان، حاضریم مصالح ملی‌مان را نادیده بگیریم. لذا همین اشتباه است که آنها را وادار می‌کند تا خیال

کنند باید روابط از طرف ایران شروع شود.

آیا در نظر دارید روابط با فرانسه در مورد استخراج گاز و ساخت مترو و مسایل دیگر تعمیق بخشید؟

ج-علیرغم برخورد فرانسه با ما و سوابق تلخی که از رفتار فرانسه داریم، ما راه‌ها را باز گذاشته‌ایم. زیرا می‌دانیم که به نفع کشورمان هست که همکاری بین‌المللی متعادل باشد. اگر بخواهند منطقی برخورد کنند می‌توانند همکاری‌ها را توسعه بدهند.

سخنرانی در دانشگاه شهید بهشتی و پرسش و پاسخ با دانشجویان درباره مسایل اجتماعی و اقتصادی جامعه

ممکن است بعضی فکر کنند که سختی‌های دوران جنگ و انقلاب، اکنون که دیگر جنگ تمام شده است، به پایان رسیده است و برخوردهای تفرقه‌انگیز هم دیگر نمی‌تواند، این شجره تنومند را از پا در بیاورد. من فقط یک اشاراتی می‌کنم تا شما ببینید که ما هنوز در مرحله مشکلی در حرکت هستی. مرحله جنگ بسیار مشکل بود که گذراندیم، ولی ما آثار جنگ را الان بیشتر از زمان جنگ داریم. کاش شما که اهل اندیشه هستید، به همه می‌گفتید کشورهایی که در حال جنگ بودند، بعد از جنگ، چه دوره سختی را سپری کردند.

کشورهای ژاپن، آلمان، ایتالیا و نظایر آن هم حتی این‌طور بودند. تازه وضع ما با آنها هم خیلی فرق دارد. اغلب آنها، بعد از جنگ و در حال جنگ، به کمک‌های از خارج از کشور متکی بودند. خود عراقی‌ها هم چنین بودند. ما با عراقی‌ها در جنگ‌مان یک تفاوت اصلی داشتیم ؛ برای عراق از اطراف دنیا کمک می‌رسید، ما از درون خودمان، می‌خوردیم. مثل یک انسانی که روزه است و از ذخایر انرژی بدن خود ارتزاق می‌کند و انسان دیگری که مرتب به او آمپول و داروی تقویتی می‌دهند.

عراقی‌ها بیش از ۷۰، ۸۰ میلیارد دلار کمک از بیرون گرفتند و ظرف هشت سال جنگ سالیانه ۱۰، ۱۵ میلیارد دلار به عراق می‌آمد، و این که حالا بدهکار و الان مشکلات اساسی دارند، همان ضعف‌شان هم در اینجاست. ما این طور نبودیم؛ اولاً کسی به ما چیزی

نمی‌داد، چون کشورهای پولدار که با ما مخالف بودند، و اگر هم با کشوری دوستی داشتیم، دوستان مستضعف‌تر از خودمان را داشتیم که آنها هم، می‌خواستند چیزی از ما بگیرند. بنابراین خودمان جنگ را اداره می‌کردیم. لابد همه شما فکر می‌کردید پس از کجا می‌آوردیم. یک راه خیلی روشن بود. هر سال در بودجه کشور، یک کسری مهمی را می‌گذاشتیم، یعنی این کسری را از بانک می‌گرفتیم. دیگر، از بانک مرکزی پول می‌گرفتیم. بانک مرکزی که از بیرون برایش پول نمی‌آمد، از پول‌هایی که مردم در بانک می‌گذاشتند، از آنها برمی‌داشت، یا اسکناس چاپ می‌کردیم، برای اینکه این مقدار کسری حداقل زندگی را، یعنی برای اداره جنگ، حقوق و دستمزد روزمره و یک آب باریکه‌ای که در طرح‌های عمرانی‌مان داشتیم، با آن انجام می‌دادیم.

الان همه آنها جمع شده است؛ یعنی به اندازه کل آنچه که ما در این ۱۰، ۱۲ سال از حساب‌ها برداشتیم، عراق اینها را از خارج گرفته و به جنس، طرح، جادّه، پل، اقلام زیربنایی یا اسلحه و یا مخارج تبدیل شده است. ما از مردم‌مان گرفتیم و حالا به مردم بدهکاریم و عامل تورم ، همین بوده است، یعنی جنس از بیرون در جامعه نمی‌آوردیم و پول از بیرون تزریق نمی‌کردیم. ما نقدینگی از مردم بر می‌داشتیم، در مردم پخش می‌کردیم؛ نقدینگی‌ها را دوباره زیاد می‌کردیم.

این سبک جنگیدن، خاصیت اساسی داشت و آن خاصیت، این بود که به هیچ کس وابسته نشدیم؛ یعنی واقعاً در همان دوران جنگ هم کسی از ما طلبکار نبود، غیر از معاملات معمولی که حالا جنس نسیه‌ای را یک ساله، دو ساله می‌خریدیم و این در تجارت دنیا معمول است، اما این کار باعث شد مقدار زیادی کسر بودجه- که رقم آن خیلی بالاست- در این هفت، هشت سال، برای نظام، دولت و جامعه بماند و باید این جبران بشود که طول می‌کشد.

از طرف دیگر، [در طول دوران جنگ]، کارهای زیربنایی کشور را تعطیل کردیم. در این ده سال، اگر وضع‌مان عادی بود، سدهایمان را ساخته بودیم، همه آب‌هایی که از این طرف در دریای خزر، از آن طرف در دریای جنوب، دارد می‌رود، این آب‌ها در مزارع می‌رفت و در شهرها می‌آمد و اگر اینها را سد بسته بودیم، انرژی برق می‌شد و در اختیار شما بود.

در این سال‌ها، راه‌آهن توسعه پیدا نکرد و ما الان برای آوردن کالا از بندر عباس، حسابی در مضیقه هستیم. ماشین‌آلات‌مان اضافه نشد، کامیون‌ها هر چه فرسوده شد، کم شد، اکنون برای بار بردن محتاج به کامیون هستیم. پالایشگاه‌ها را نساختیم، الان سوخت باید از خارج وارد کنیم. ما امروز روزانه ۲۰۰ هزار بشکه نفت تصفیه شده، از بیرون می‌خریم و با همین ماشین‌ها می‌آوریم که خیلی گران تمام می‌شود. ما در این سال‌ها، هواپیماها را نتوانستیم تجدید بکنیم و حمل و نقل هوایی ما نیاز به توسعه دارد. قطار نخریدیم. لوکوموتیو، به اندازه کافی نداریم. جاده‌ها را نساختیم‌که باید بسازیم.

در شهرها، بخش حمل و نقل شهری به اندازه کافی اتوبوس ندارد. تاکسی‌ها فرسوده و قدیمی‌اند. بیرون شهر هم همین طور است. چاه‌ها، رودخانه‌ها، کانال‌هایی که زیر سدها باید می‌زدیم، انجام نداده‌ایم. حقوق‌ها را عقب انداختیم. ما در این ده سال، همراه تورم حقوق را اضافه نکردیم. حالا کارمندها می‌گویند حقوق ما را اضافه بکنید؛ حق هم دارند و باید به آنها اضافه بکنیم.

خیلی از کارهایی که شما دارید می‌بینید، اینها بعد از هر جنگی دیده می شود. عراقی‌ها این طوری نبودند. عراقی‌ها با پول‌های دیگران، همهٔ این کارها را می کردند. ما مثلاً ده کارخانه الان در دست ساختمان داریم، به خاطر همین ادّله نساختیم، و لنگان، لنگان پیش رفتیم. امروز طرح‌هایی در دست دولت است، که باید ساخته شود. سیمان هم در کشور کم است. وضعیت بندرها این طوری است، بهره برداری از دریا این طوری است. این همه ماهی در دریا وجود دارد، ما که کشتی نخریدیم که حالا صیادی بکنیم. دلیل آن، این است که در زمان جنگ مجبور بودیم بودجه هایی که صرف اینها می‌شود، به جنگ اختصاص دهیم، از انقلاب‌مان دفاع کنیم، دست‌مان را پیش دشمنان دراز نکنیم.

الان دوره‌ای است که باید همه کارهایی را که در این ده ساله نکردیم، بکنیم که ما ده‌سال را، برای بازسازی گذاشتیم تا این عقب ماندگی‌ها را جبران کنیم. کشورهایی دیگر شرایط ما را ندارند. مثلاً در فرانسه یا آلمان، الان نه خرجی برای بندر، نه راه، نه برای کشتی، نه خرجی برای هواپیما، نه خرجی برای نیروگاه می کند. آنها اگر درآمدی داشته باشند، صرف بهتر کردن زندگی مردم‌شان می کنند. مثلاً صرف دانشجوها و دانش‌آموزان می کنند.

ما اکنون بسیاری از روستاهای کشورمان، مدرسه ندارند. تعدادشان خیلی زیاد است. من ابتدای سال جاری در جنوب سیستان و بلوچستان، یک منطقه وسیعی را دیدم که اصلاً مدرسه درآنجا نبود، برق نبود. خیلی مردم مشکل دارند. نقاط محروم ما، روستاهای ما راه ندارند، به جامعه ظلم شده، ما باید اینها را برطرف بکنیم. باید به محرومین برسیم.

مخروبه‌های جنگ که به حساب دقیق ما ۳۰۰ میلیارد دلار، خسارت جنگی داریم؛ رقم را یک بار در ذهن‌تان مرور کنید: ۳۰۰ میلیارد دلار. ما سالیانه در این سال‌های جنگ، حدود ۱۰ میلیارد دلار درآمد نفتی داشتیم؛ گاهی ۷ میلیارد بوده، گاهی مثلاً ۱۲ میلیارد بوده، معدل آن حالا یک مقدار بیشتر. با ۳۰۰ میلیارد دلار، باید این شهرها، این روستاهای خراب شده، راه‌ها، پل‌ها، دریاها، بندرها، سکّوهای نفتی، کارخانه‌ها، خانه‌های مردم و نظایرآن ساخته شود. این کاری است که در پیش روی ملت ماست و باید انجام بشود. درعین حال زندگی طبیعی مردم را هم باید درست بکنیم.

شما دانشجوها، خودتان می‌بینید. ما رنج می‌بریم، از اینکه می‌بینیم دانشجوی شهرستانی دختر، بخصوص در تهران آمده، خوابگاه ندارد. این قطعاً انسان را رنج می‌دهد. گاهی آدم خبرهایی می‌شنود که بسیار متأثر می‌شود. نباید ما این جور باشیم. فضای آموزشی، آزمایشگاه‌ها، کتابخانه‌ها، کتاب‌های درسی مناسب نیست. آنهایی که در خارج از کشور درس می‌خوانند، مثل شما، برادران شما، به اینها نمی‌توانیم شهریه بدهیم. متأثریم فرزندان ما که آنجا درس می‌خوانند، زندگی‌شان را نتوانند اداره بکنند و مجبور شوند برای انجام کار، این طرف و آن طرف بروند.

همه اینها، کمبودهای کشور در این مرحله است. جامعه ما اگر متحد نباشد، اگر همرنگ و همراه نباشد، اگر صبور نباشد، چطور می‌خواهد از این مرحله سخت عبور بکند. البته ما کشور نیرومندی هستیم، این نقطه مثبت ماست. ما بحمدالله از لحاظ منابع، آن قدر غنی هستیم که جزو مطمئن‌ترین کشورهای دنیا از لحاظ آینده هستیم. مردم ما هم امکاناتی دارند؛ چون ما مثل کشورهای کمونیستی نیستم . شوروی‌ها که حالا می‌خواهند بازسازی بکنند، یک مشت مردم فقیر دست به دهن دارند. اما اینجا نه، ثروت زیادی در دست مردم است که اگر خوب به کار گرفته بشود، نعمت بزرگی است که می‌تواند به کار گرفته بشود و می‌تواند هم بد باشد و اگر بد استفاده بشود، این ثروت به بلای جامعه، وسیله احتکار،

گرانفروشی و بدبختی و اینها تبدیل می‌شود.

بنابراین من فکر می‌کنم، الان دوره‌ای نیست که با خیال راحت به تنوع در برخوردهای سیاسی، باندبازی، حزب‌بازی و اینها بپردازیم؛ واقعاً نیست. گرچه محیط باز و آزاد هر کسی، مثل دوران گذشته وجود دارد. ما در زمان جنگ هم محیط را نبسته بودیم، این ارزش انقلاب ما، با آزادی و باز بودن محیط است؛ این را حفظ بکنیم، اما واقعاً باید متحد، همکار و دلسوز نسبت به همدیگر باشیم و یک دوره‌ای هم قبول کنیم که ما در این دوره، هنوز باید کمبودها را قبول بکنیم تا برویم، یک قدری کار و، یک مقداری صرفه‌جویی بیشتری بکنیم، یک مقدار علاقه‌مندی به زندگی نشان بدهیم، دنبال کار و زندگی برویم و فشار برای تولید بیشتر بیاوریم و کاری بکنیم تا این موتور نیرومند جامعه حرکت بکند و جامعه را از این مرحله‌ای که دشمنان ما بر ما تحمیل کردند، بیرون بیاورد.

من کاملاً امیدوارم که در آینده، پتانسیل جامعه ما، روحیه انقلابی ما، مکتب خوب ما و راه مشخص ما، می‌تواند ما را به یک الگویی برای کشورهای اسلامی تبدیل بکند. اینکه خوشبختانه همین حالا شدیم، من به عنوان کسی که قاعدتاً هم تحولات دنیا را می‌فهمم و هم روابط دارم، تشخیص می‌دهم، انقلاب اسلامی امروز در دنیا جا افتاده است. واقعاً کسانی که الان برخورد می‌کنند، قبول دارند که جامعه اسلامی ایران، جامعه‌ای است که راه مستقیم درستی در دنیا رفته است. کشورها دارند به استقلال شما غبطه می‌خورند؛ غبطه می‌خورند به اینکه توانستید بدون اینکه به هیچ کس، در مقابل هیچ قدرتی خم به ابرو بیاورید و به هیچ قدرتی باج بدهید، توانستید خودتان را حفظ بکنید. غبطه می‌خورند که امروز هم روی پای خودتان ایستاده‌اید و به عنوان تنها کشوری که اسلام واقعی اینجا در حال اجرا شدن است، نمی‌گویم الان اجرا می‌شود، ما با اسلام واقعی خیلی فاصله داریم اما در میان کشورهای اسلامی، شما مقام بالایی دارید. دست کشورهای آفریقایی و آسیایی زیادی پیش شما دراز است برای اینکه از شما نیرو و کمک فکری می‌خواهند. ان‌شاءالله ما کمی وضع‌مان بهتر بشود، می‌توانیم به آنها بپردازیم و آن حرکتی که جزو آرزوهای ما بود که انقلاب‌مان را جهانی بکنیم، راه آن بحمدالله هموار شده است.

من در اینجا می خواهم به سؤالات شما جواب دهم. خیلی سؤال اینجا جمع شده، یک مقدارش را می گویم.

با توجه به میزان پذیرش دانشجو در دانشگاه‌های سراسری و آزاد، آیا در مورد اشتغال آنان نیز فکری کرده‌اید؟ بسیارند دانشجویانی که نسبت به آینده خویش نگرانند و بسیارند فارغ‌التحصیلانی که در پی یافتن شغل سرگردانند، به خصوص در علوم انسانی، آیا بهتر نیست که آیا دانشگاه‌های آزاد، فقط به پذیرش افراد در زمینه‌های فنی مورد نیاز همّت بگذارند؟

البته ما یکی از نگرانی‌هایمان معکوس این است. اگر فرض کنیم که این برنامه پنجساله این طور که تدوین شده، بخواهد اجرا بشود، ما در همه رشته‌ها کمبود نیرو داریم. افراد غیرمتخصص و غیرفنی کارهای فنی را دارند انجام می‌دهند. ما نزدیک ۴۰۰، ۵۰۰ هزار نفر نیرو برای این برنامه پنجساله کم داریم که دانشگاه‌های ما این را نمی‌تواند بدهد، البته ممکن است بعضی از رشته‌ها، زیادی داشته باشند، مخصوصاً رشته‌های فنی که این سؤال هم در آن آمده بود که ما در تغییر برنامه آموزش متوسطه، جهتی درست کردیم که نیروهای کیفی هم به طرف کارهای فنّی حرفه‌ای بروند و راه ترقی‌شان را تا آخرین مرحله تکامل علمی بازگذاشتیم، که باید قطعاً یک تحرکی در جهت تربیت نیرو پیدا بکنیم و البته اگر رونق اقتصادی باشد که ما در آستانه رونق اقتصادی هستیم، الان گردش امور اقتصادی نسبت به یک سال گذشته، خیلی بیشتر است. آن ارقامی که من در بودجه در مجلس اعلام کردم، شما از این دید، ببینید که اینها پشت سرش شغل به وجود می‌آمد. اگر برنامه اجرا بشود که ان‌شاءالله می‌شود، ما نگران بیکاری به آن شکل نیستیم. ممکن است بعضی از رشته‌ها، نیاز بیشتری داشته باشند، که باید برایشان کار پیدا کنیم.

بیکاری و ازدواج از مشکلات عمده دانشجویان و کلاً جوانان ما است. آیا امید به حل این دو مشکل بزرگ در آینده نزدیک می‌باشد و یا هنوز باید رنج تنهایی و مشکل بیکاری را تحمل کنیم؟

جواب سؤال اول را که من در آن دادم، یک بخش سؤال را جواب دادم. ان‌شاءالله در آینده، وضع بهتر از این خواهد بود، در مورد دوم هم، البته یک مقدار از مشکلات مربوط به همین کمبودهای زندگی است که تشکیل خانواده، برای دانشجو در دوران تحصیل‌اش

تحقیقاً کار مشکلی است و ما تا زمانی که بتوانیم، بگوییم که در این سنین پایین بشود برای همه امکانات، یک زندگی با خانواده را فراهم بکنیم فاصله داریم. راه‌های دیگری هم است که ما در گذشته اشاره‌ای کردیم، منتها حالا، دوباره می‌خواهید شما را به بحث‌های آن طوری برسانید.

نظر شما راجع به دو جناح سیاسی موجود چیست؟ و آیا راهی برای مسأله وحدت و به وجود آوردن یک جناح وجود دارد یا خیر؟

این توضیحاتی که من در سخنرانی خود گفتم، قطعاً جواب این سؤال در آن است. دو جناح، ده جناح، ما هیچ اشکالی نداریم، چون سلیقه‌ها مختلف است. اگر همه قبول کنیم که محور ولایت فقیه را داشته باشیم، هیچ اشکال ندارد، یعنی جایی که به مشکل رسیدیم، این محور را داشته باشیم.

در انتخابات یک عده طرفدار یکی هستند، یک عده طرفدار یکی دیگر هستند، فرقی هم نمی‌کند که حالا این آقا در مجلس برود یا آن برود، چون همه بالاخره مردم آدم‌های بدی که نمی‌آورند. به آدم‌های بد رأی نمی‌دهند. یکی خوب‌تر، یکی خوب، یا در انتخابات ریاست جمهوری یا در کارهای که خودتان در دانشگاه دارید، این رییس، آن رییس، به هر حال اگر آن اصل کار درست باشد، از این چیزها نگران نباشید، ولی من تأکید می‌کنم که اجازه ندهید در محیط دانشگاه، چیزی غیر از محور ولایت فقیه، بتواند مقدس شمرده بشود.

در مورد متمم بودجه سال ٦٩ که مجلس آن را بدون تأیید شورای نگهبان در اختیار شما قرار داد، مختصری توضیح بفرمایید؟

همان‌طور که در اخبار شنیدید، مجلس معتقد است که مهلت ده روزه شورای نگهبان تمام شده، چون در قانون اساسی ده روز است. شورای نگهبان می‌گوید که نه، آنها تفسیر قانون اساسی می‌کنند. می‌گویند نه این در قانون اساسی است، ما مفسریم، روز اول که می‌رسد و روز آخر که ما تحویل می‌دهیم، این جزو ده روز حساب نمی‌شود، بنابراین در مدت ده روز انتخاب شد. این اختلاف از همین مواردی است که در بحث من بود، مقام

معظم رهبری به ما ارجاع کردند، مجمع تشخیص مصلحت، امشب برای این موضوع جلسه دارد که این موضوع مطرح می‌شود و ما حرف آخر را در مجمع خواهیم زد. هر کسی از آنکه بیشتر رأی آورد، آن ملاک شما می‌شود. ببینید اگر ما روی اصول و موازین حرکت کنیم، گیر نمی‌کنیم. خیلی خب! اختلاف شده، راه حل آن هم این است که در قانون اساسی هم پیش‌بینی شده این طور موارد اختلاف را مجمع تشخیص مصلحت باید جواب بدهد و ما جواب آن را امشب می‌دهیم.

بعضی از برنامه‌های رادیو، تلویزیون، تبعات نامشروعی درپی دارد. از جمله نشان دادن مراسم عروسی، نشان دادن خود عروس در لباس مخصوص عروسی (داماد را چرا نمی‌گویید شما؟ بیچاره زن‌ها) **پخش کردن این مراسم با ساز و نقارها که تبلیغاتی از جمله رقص زن‌ها از این قبیل، خصوصاً در روستاها.**

حالا اینکه آدم بخواهد از کل برنامه‌های رادیو و تلویزیون دفاع بکند، بگوید صددرصد همه آنها درست است، معمولاً کسی نمی‌تواند این طوری بگوید، ولی شما نمونه‌هایش را ببینید. اگر کاسه داغ‌تر از آش نباشیم، زندگی‌مان خوب می‌شود. من فکر می‌کنم، آن برنامه خاصی که در تلویزیون یکبار پیدا شد که آن موقع خیلی هم سر و صدا کرد، سریال «پاییز صحرا» بود. یادتان هست؟ همان تیپ بازیگرانی که آنجا بودند، مشخص است. آن را به خصوص از امام پرسیدند، یعنی آقای [اسماعیل]فردوسی پور از امام پرسیدند، اسم آن فیلم را هم بردند، یا امام در اظهارات‌شان برد. امام گفت این فیلم اشکالی ندارد. امام هم این فیلم را می‌دیدند، یا آن سریال «سلطان و شبان» را که یادتان است، یک بار نشان می‌داد، آن وقت من در شورای سرپرستی صدا و سیما، مسئولیت داشتم. وقتی که این سریال را می‌خواستند پخش بکنند، من خودم خدمت امام رفتم، گفتم آقا ما امشب یک سریالی را شروع می‌کنیم، این شب دوم آن است. حلقه دوم بود، گفتم شما آن را ببینید، آن نمونه زنی که آنجا می‌بینید، آن صحنه‌هایی که می‌بینید، آن می‌تواند یک معیار باشد. اگر این را خلاف شرع تشخیص دادید، به ما بگویید که بگویم این طور چیزها را از صدا و سیما حذف بکنند. اگر قبول دارید ما دیگر جواب از شما نمی‌خواهیم. اگر شما ما را نهی نکنید، همین راه خوب است. ایشان دیدند و پیغام دادند اشکالی ندارد، آن را

بگذارید بماند.

این دو نمونه از فیلم‌هایی است که شما حتماً، مقدسین ما و خیلی از نیروهای مخلص ما میل ندارند آن طور چیزها در صدا و سیما باشد. خب! ببینید امام شما، رهبر شما، مرجع تقلید شما، آنکه از شما دینش کمتر نبوده که قطعاً هم دلسوزتر بوده، با توجه به مجموعه شرایطی که هست، قبول دارد. ساز و آواز را ایشان به خصوص، موسیقی را حلال کردند. ما چرا خودمان را آن طوری خدای نخواسته به زحمت بیندازیم؛ چرا آنچه خدا حلال کرده، شما حرام می‌کنید؟ چرا آدم بیاید خودش را، البته من عرض کردم، صد در صد نمی‌توانم بگویم، همه آنچه که آنجا می‌گذرد، مشروع است، ولی در مجموع، رهبری شما یک مجتهد آگاه به زمان است و صدا و سیما تحت نظر خود ایشان است، رییس آن را ایشان باید تعیین بکنند. ایشان احساس تکلیف می‌کند، امام هم همین طور بود؛ یعنی شما فکر می‌کنید امام با آن قدرتی که داشتند، نهی از منکر نمی‌کردند، اگر اینها را منکر تشخیص می‌دادند؛ می‌گفتند این کار را نکنید. دیگر حالا بیشتر سخت‌گیری نکنیم.

با توجه به گذشت بیش از دو سال از پیام حضرت امام در ارتباط با ضرورت تشکیل تشکّل حوزه و دانشگاه که بسیج دانشجویی است، محبت بفرمایید که در این خصوص چه تصمیماتی را اتخاذ کرده اید؟

ما مساله بسیج را تصویب کردیم، و به دست فرمانده بسیج دادیم. قرار بر این است که تمام اعضا و دانشجوها بتوانند عضو بسیج شوند. برنامه خارج از دانشگاه‌شان را در اردوگاه‌های بسیج بروند. برای آموزش‌های نظامی، ورزشی و اردوگاهی که بخواهند بکنند، آنجا انجام بدهند. در داخل دانشگاه‌ها هم اگر برنامه‌ای اضافه بر برنامه تحصیلی دانشگاه ها، نیاز داشتید، با بودجه خود بسیج دانشگاه‌ها برایتان با هماهنگی رؤسای دانشگاه‌ها تنظیم می‌کنند.

لطفاً در مورد صحت و سقم شایعات موجود در رابطه با بخش برنامه‌های تلویزیونی آمریکا از طریق ماهواره در ایران شرح بدهید؟

چون شایعه وسیعی شده بود که آمریکایی‌ها دارند ماهواره مخصوص ایران یا این

منطقه درست می‌کنند که به آسانی بشود اینجا را بگیرند و حتی گویا خیال می‌کردند مثلاً ظرف چند روز تا آنجا که من اطلاع دارم، البته همین حالا هم یک برنامه‌ای از تلویزیون آمریکا، برای کل دنیا پخش می‌شود که با یک آنتن‌هایی می‌توانند بگیرند؛ منتها آنتن‌هایش خیلی گران است و به درد خانواده‌ها نمی‌خورد. مثلاً صدا و سیما برای استفاده بعضی از تصویرهایش، می‌تواند بگیرد، یا بعضی از مراکز سیاسی مهم ما که از مسایل آنجا باید مطلع باشند، می‌توانند بگیرند، ولی آنچه که شایعه بود، به این زودی نخواهد بود؛ یعنی آنها به فکر هستند ولی فاصله زیادی دارد.

نظرتان راجع به وضعیت دانشگاه‌ها از جهت مسایل سیاسی و، تشکّل‌های اسلامی موجود در آن مانند انجمن اسلامی، و جامعه اسلامی دانشجویان چیست؟ آیا جامعه اسلامی دانشجویان می‌تواند در دانشگاه در صحنه سیاست نقشی داشته باشد؟

بله اینها محدود که نیست؛ مخصوص یک نفر که نیست. آزاد است، با معیارها و مقرراتی که در دانشگاه گذاشته می‌شود و با برخورد سالم اندیشه‌ها؛ ما هیچ مناسب نمی‌دانیم که دانشجوها خدای نکرده یک روزی به جان هم بیفتند، به همدیگر یک وقت اهانت بکنند، تخطئه به خود بکنند. اما میدان حرکت سالم اندیشه سیاسی در دانشگاه‌ها مفید است. من هم استقبال می‌کنم و این را به خیر مملکت‌مان می‌دانم و منحصر به یک کس و به یک جریانی هم نیست.

ما را از سردرگمی خوابگاه نجات دهید. دانشگاه به ما خوابگاه نمی‌دهند اگر هم بدهند می‌گویند باید رزمنده باشی و حدود ٦ ماه در جبهه خدمت کرده باشی، پس ما بچه‌های شهرستانی چه بکنیم؟

عرض بکنم که اولاً دانشگاه شما به خصوص ان‌شاءاللّه در آینده، مشکل خوابگاه ندارید، چون آن طوری که ریاست محترم دانشگاه گفتند، حدود ۴۸۰۰ تخت خوابگاه دانشجویی نزدیک به اتمام است که اواخر امسال، حدود ۱۳۰۰ آن را می‌دهند و در سال آینده هم بقیه آن را خواهند داد که مشکل شما برطرف می‌شود. اما مشکل خوابگاه دانشجویی

کماکان در سطح کشور یک مشکل جدی است. با آن توضیحاتی که من خدمت شما دادم، بپذیرید که دانشجو دیگر از متفکرترین و آشناترین به اقتصاد در همه بخش‌های کشور است. وقتی که ما الان برای ساختن خانه‌های روستایی که ۱۲۰۰ روستا را در مرز عراق منهدم کرده بودند و مردم آنها الان در سراسر کشور آواره هستند، باید سیمان، میلگرد، مصالح و پول را آنجا خرج بکنیم. شهرهایی مثل آبادان، خرمشهر، بُستان، دهلران، مهران، قصرشیرین و صالح آباد، همه اینها به کلی خراب است.

مصاحبه مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی درباره مسایل مهم داخلی و منطقه‌ای

خرداد ۱۳۶۹

خبرنگار نشریه « لوموند »، چاپ فرانسه در مورد برگزاری اجلاس سران عرب در بغداد و احتمال ملاقات رؤسای جمهور دو کشور ایران و عراق پرسید.

این ملاقات از طرف دولت عراق مطرح شده و ما نیز پاسخ منفی به‌آن نداده‌ایم، ولی گفته‌ایم قبلا از طریق مذاکره کارشناسان دو کشور تحت نظر دبیرکل سازمان ملل، مطالب مورد بحث باید روشن شود که اگر ملاقاتی رخ داد، این ملاقات موفق باشد. البته موردی که در قطعنامه کنفرانس سران عرب در بغداد اعلام شد، تا حدودی برداشت ما را از نامه دولت عراق تضعیف کرد، چون ما از نامه دولت عراق بیشتر این طور برداشت می‌کردیم که آنها در دستیابی به صلح جدی هستند.

خبرنگار خبرگزاری آسوشیتدپرس، در مورد احتمال آزادی سایر گروگان‌ها در لبنان سئوال کرد.

سیاست ما الان این است که به آزادی تمامی گروگانها اعم از غربی‌ها، لبنانی‌ها و ایرانی‌ها کمک کنیم و این سیاست را همانطور که مقام رهبری فرمودند ادامه می‌دهیم. برخورد غیرمسئولانه آمریکایی‌ها در این مسأله، کار را دشوار کرده است.

خبرنگار مجله ژون‌آفریک در مورد شرکت حجاج ایرانی در مراسم حج و مذاکراتی که در این مورد بین ایران و عربستان سعودی انجام شده است

سئوال نمود.

ما تلاش‌های مستقیم و غیرمستقیم زیادی را انجام داده‌ایم تا حجاج ایرانی امسال به‌مکه مشرف شوند، اما به‌نظر می‌رسد که سعودی‌ها از طرف دیگران و احتمالا آمریکا مشکل دارند و مایل نیستند حجاج ایرانی به‌مکه اعزام شوند، اما ما تلاشمان را ادامه می‌دهیم تا مسأله اعزام حجاج برای سالهای بعد حل شود.

خبرنگار مجله ژون آفریک در مورد موضع ایران در قبال سیاست گورباچف در اعطای آزادی به‌مردم مسلمان این کشور سئوال نمود.

ج -آزادی‌هایی که داده شده قابل ستایش است و مسلمانان بعد از انقلاب مارکسیستی روسیه، برای اولین بار احساس آزادی می‌کنند و ما از این سیاست استقبال می‌کنیم و امیدواریم این روند ادامه داشته باشد.

خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی(ایرنا)، در مورد تمایل انگلیس برای برقراری روابط مجدد با ایران سئوال کرد.

ما مشکلی نداریم که رابطه خود را با لندن عادی کنیم. هر دو کشور ایران و انگلیس خواهان برقراری روابط هستند، اما آنچه که واقعیت است، برخورد بد انگلیسی‌ها در قبال مسأله کتاب آیات شیطانی بود که مجلس شورای اسلامی نیز براساس این برخوردها، قانون را به تصویب رساند. سیاست ما نیز هم‌اکنون بر محور آن قانون است، هروقت انگلیسی‌ها حاضر شوند آن قانون اجرا شود، مانعی در برقراری روابط نخواهد بود، وگرنه وضع به‌همین صورت باقی خواهد ماند.

خبرنگار تلویزیون « بی بی سی » در مورد احتمال برقراری روابط مجدد بین ایران و انگلیس و همچنین مصوبه مجلس شورای اسلامی در مورد این مسأله سئوال کرد.

اشتباه غربی‌ها این است که حس می‌کنند ایران به‌شدت نیازمند به‌آنها است و آماده است به‌خاطر این نیازها، از اصول و سیاست‌های اعلام شده توسط حضرت امام (س) دست بردارد.

نیاز ایران برای بازسازی اقتصادی به‌هیچ کشور خارجی، نیاز غیرقابل اجتناب نیست. روابط

بین‌المللی براساس نیازهای ملتها بوجود می‌آید و این یک نیاز متقابل است. البته نیازهای ما به‌گونه‌ای است که همیشه قابل رفع است، همانطور که در دوران هشت ساله جنگ، بارها این نیازها رفع شد.

انقلاب برای ما اصل است. هیچ چیز در دنیا برای ما عزیزتر از انقلاب و آرمان‌های آن که حضرت امام ترسیم کرده‌اند، نیست و ما از این آرمان‌ها دست نخواهیم کشید.

خبرنگار تلویزیون «بی. بی. سی.» مجدداً در مورد احتمال برقراری روابط مجدد بین ایران و انگلیس و همچنین مصوبه مجلس شورای اسلامی در مورد این مسأله سئوال کرد؟

براساس مصوبه مجلس، دولت انگلیس باید اهانت‌هایی که در مورد مسأله کتاب آیات شیطانی به‌اسلام شده را محکوم کند و به حقوق مسلمانان احترام بگذارد. در همین حال اگر انگلیس لجاجت را کنار بگذارد، روابط بین دو کشور بزودی می‌تواند برقرار شود. برای غربی‌ها نیز منطقی و عاقلانه‌تر این است که راضی نباشند. اسلام که دین دوم اروپا است، مورد اهانت قرار بگیرد. این به‌نفع هیچ‌کس نیست و دنیای اسلام این اهانت‌ها را نمی‌بخشد.

برخورد دولت‌های غربی در مورد مسأله سلمان رشدی بیشتر از اصل کتاب آیات شیطانی، مسلمانان را جریحه‌دار کرد. آنها نشان دادند به‌عنوان یک سیاست می‌خواهند مسلمانان را تهدید کنند.

خبرنگار رادیو صدای مستضعفین لبنان در مورد توطئه صهیونیست‌ها در اسکان یهودیان در مناطق اشغالی پرسید..

اعاده حقوق مردم فلسطین جزو آرمان‌های اصلی انقلاب ما بوده و هنوز هم به قوت خود باقی است و به‌همین دلیل در این مدت، حامیان اسرائیل و عمالشان در منطقه جنگ را بر ما تحمیل کردند. ما برای مقابله با توطئه اسکان یهودیان در مناطق اشغالی، طرح داریم و در وقت مناسب اقدام خواهیم کرد.

افکار عمومی جهان اسلام باید برای چنین روزی آماده شود که در حال آماده شدن نیز هست. ما عقیده داریم اسرائیل به‌عنوان عضو زاید در منطقه قابل دوام نیست و فکر اسرائیل بزرگ برای

آنهایی که در فکر اجرای آن بودند، یک تفکر مرده است.

با درخشیدن حکومت اسلامی در ایران، دیگر برای این افکار جایی وجود ندارد، صهیونیست‌ها تمام سعی‌شان این است که وضع موجود را حفظ کنند و به‌وضوح پیش‌بینی می‌شود در آینده‌ای نه‌چندان دور، فلسطین به صاحبان اصلی‌اش برگردد.

خبرنگار تلویزیون سوریه مبنی بر موضع ایران در قبال این کشور، پس از ارسال نامه دولت عراق به‌ایران سئوال کرد.

ما سوریه را دژی محکم در برابر توسعه‌طلبی‌های اسرائیل می‌دانیم و از این کشور حمایت می کنیم. از سوی دیگر در دنیای عرب جدی‌ترین دولت برای مقابله با اسرائیل و نزدیک‌ترین هدف برای خطر اسرائیل، سوریه است. ما در کل با این کشور روابط خوبی داریم و از نقش سوریه در لبنان نیز حمایت می کنیم.

خبرنگار شبکه تلویزیونی « ان. بی. سی»آمریکا پیرامون سقوط هواپیمای پان‌آمریکن و مسأله دخالت ایران و نیروهای آزادیبخش فلسطین در این ماجرا سئوال کرد.

این قضیه شایعه‌ای بیش نیست و دنیا نیز چنین شایعه‌ای را نمی‌پذیرد، من فکر می کنم وجدان آمریکایی‌ها به‌خاطر ساقط کردن هواپیمای مسافربری ایران توسط این کشور ناراحت است و این شایعات را به‌خاطر آرامش وجدان ملت خود مطرح می‌کنند و در چهارچوب همان شیطنت‌های آمریکایی می گنجد و بس. بنظر من شما خبرنگاران مسئولیت دارید، زشتی کار آمریکایی‌ها در مورد سقوط هواپیمای مسافربری ایران را به‌دنیا نشان دهید، تا مردم دنیا را از جنایت وحشتناکی که آمریکایی‌ها مرتکب شده‌اند، آگاه سازید.

خبرنگار شبکه تلویزیونی « سی. ان. ان »آمریکا مبنی بر موضع خصمانه آمریکا در قبال مسلمانان سئوال کرد.

اخیراً سران آمریکا دست به‌کارهایی زده‌اند که باعث عصبانیت مسلمانان جهان شده است. یکی تصویب مصوبه‌ای توسط مجلس سنا برای به رسمیت شناختن بیت‌المقدس به‌عنوان پایتخت رژیم

صهیونیستی، دیگری حمایت از مهاجرت یهودیان به فلسطین اشغالی و مسأله سوم وتوی قطعنامه سازمان امنیت برای ششمین بار در مورد محکومیت رژیم صهیونیستی در کشتار فلسطینیان.

خبرنگار صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران، پیرامون بهره‌گیری از امتیاز حق عضویت ایران در صندوق بین‌المللی پول سئوال کرد.

ما قبل از انقلاب در صندوق بین‌المللی پول سهم داشتیم و فعلا نیز در این صندوق حضوری قوی داریم. لذا می‌توانیم از امتیازات خود در این صندوق بهره بگیریم. هر چند در حال حاضر نیازی به‌این مسأله نداریم. ولی هروقت احساس نیاز کردیم از امتیاز خود در این صندوق بهره خواهیم گرفت و این حق طبیعی ما است.

در خصوص انتقال مرکز سیاسی کشور هم مقدمات این‌کار در شورای عالی شهرسازی تصویب شده و فعلاً در حال بررسی منطقه‌ای مناسب برای انتقال مرکزیت سیاسی کشور هستیم. هر چند تاکنون جایی مشخص را در نظر نگرفته‌ایم، ولی در حال برنامه‌ریزی هستیم و بالاخره این‌کار روزی اتفاق خواهد افتاد.

خبرنگار تاجیکستان شوروی پیرامون روابط ایران و شوروی پرسید.

سفر من به شوروی مبداء تحولی در روابط دو کشور شد و پایه آن را نامه حضرت امام به گورباچف ریخت. در حال حاضر توافق‌نامه‌های ما در اجرا به خوبی پیش می‌رود. خط لوله گاز ما افتتاح شده و ما روزانه ۶ میلیون متر مکعب گاز به‌این کشور صادر می‌کنیم. چند پروژه نیز در دست اجراست که از جمله می‌توان به‌احداث چندین سد بر روی رودخانه ارس را نام برد که مقدمات این‌کار نیز انجام شده است. پروژه بعد کار بر روی ذوب آهن اصفهان به‌منظور حصول به ظرفیت مطلوب این کارخانه است. در کل روابط سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و مرزی دو کشور در حال توسعه است.

در مورد همکاری‌های جمهوری‌های شوروی با ایران هم روابط ما با جمهوری‌های شوروی بسیار خوب است. نمونه این امر را می‌توان حضور مردم شوروی در مراسم سالگرد ارتحال حضرت امام ذکر کرد.

خبرنگار روزنامه تهران تایمز، در خصوص سقوط بهای نفت و تأثیر آن در برنامه پنجساله توسعه کشور سئوال کرد.

ما در این زمینه مشکل خاصی نداریم و در برنامه پنجساله نوسان قیمت نفت پیش‌بینی شده است. ما در اجرای این برنامه کاملا در روال صحیحی قرار داریم و ابعاد کار به‌خوبی پیش می‌رود.

در پاسخ به سئوال دوم مبنی بر برقراری روابط ایران و عربستان هم سیاست ما برقراری روابط با کلیه کشورهای منطقه از جمله عربستان است. عمده مشکل ما در این زمینه همان مسأله حجاج می‌باشد.

خبرنگار تلویزیون هند در مورد موضع ایران در قبال مسأله کشمیر سئوال کرد.

در مورد مسأله کشمیر ما براساس سیاست اعلام شده‌مان عمل کردیم. یعنی از هند خواستیم که با مردم کشمیر بدرفتاری نکند و مصوبات سازمان ملل را در مورد مسأله کشمیر اجرا کند. ما خشونت در کشمیر را به‌نفع هند نمی‌دانیم. هند از کشورهایی بود که از اوایل پیروزی انقلاب روابط خوبی با آن داشته‌ایم و علاقه نداریم رابطه ما با آن کشور تیره شود. مسأله کشمیر یک مسأله جدی است. برخورد خشن با مردمی که آزادی می‌خواهند، درست نیست. آنها مسلمان هستند و از دین خود دفاع می‌کنند.

خبرنگار دیگری در مورد شرایط شرکت در مراسم حج که از سوی عربستان سعودی گذاشته شده است، سئوال کرد.

شرایطی که ایران برای شرکت در مراسم حج گذاشته است، فکر نمی‌کنیم شرایط غیرقابل قبولی باشد. انجام تظاهرات هیچگونه اخلالی در امنیت عربستان ایجاد نمی‌کند، همان‌طوری که سال‌ها وارد نکرده بود. آن اتفاقی که در مراسم حج افتاد، از قبل برنامه‌ریزی شده بود و فکر می‌کنیم به‌دستور آمریکایی‌ها بود. چون در همان زمان آمریکایی‌ها در خلیج‌فارس خود را برای جنگ با ما آماده می‌کردند.

فکر می‌کنم عربستان روزی به‌سر عقل خواهد آمد و مصالح اسلام را خواهد پذیرفت و قبول خواهد کرد که شعار دادن علیه آمریکا و اسرائیل به نفع دنیای اسلام و در مسیر اهداف دنیای

اسلام است و این‌طور نیست که عربستان مدت طولانی ما را از حج محروم کند.

خبرنگار تلویزیون « ای. بی. سی » آمریکا در مورد احتمال آزادی گروگان‌ها در لبنان سئوال کرد.

ج- ما در حرف‌های‌مان جدی هستیم. اگر آمریکا مایل است گروگان‌ها آزاد شوند، کاملا راه باز شده است. من از شما به‌عنوان یک انسان آزاد سئوال می‌کنم، واقعاً اگر گروگان‌های لبنانی که در زندان‌های اسرائیل هستند، آزد شوند چه اشکالی وجود دارد؟

خبرنگار آمریکایی جواب داد: من تنها می‌توانم بگویم نقش من به‌عنوان یک گزارشگر است و اینجا نیامده‌ام اطلاعاتی را برای تصمیم‌گیری‌های دولت آمریکا جمع کنم. تا زمانی که من برای سازمانم کار می‌کنم، هیچ‌گاه یک انسان آزاد نیستم.

آقای هاشمی ادامه داد: آمریکا واقعاً در ایران مشکل دارد، افکار عمومی مردم ما بحث از آمریکا متنفر هستند. اگر آمریکا مایل به برقراری روابط با ایران است باید در عمل نشان دهد و جبران اقدامات زشت خود را بکند و افکار عمومی ما را تحت تأثیر قرار دهد.

خبرنگار تلویزیون «آی تی ان» انگلیس در مورد مسأله سلمان رشدی سئوال کرد.

حکم حضرت امام در مورد سلمان رشدی را هیچ‌کس نمی‌تواند پس بگیرد. این اشتباه است که غربی‌ها اصرار می‌کنند تا این حکم و فتوا را پس بگیریم.

خبرنگار خبرگزاری « یونایتدپرس» در مورد سیاست «نه شرقی نه غربی» سئوال کرد.

در مورد سیاست نه شرقی نه غربی، اساس مطلب این است که کشور ما نباید تحت سلطه شرق یا غرب باشد و سیاست ما در روابط بین‌المللی مستقل بوده و رابطه با کشورهای غربی یا شرقی معنایش این نیست که با این اصل منافات دارد. آنچه که مطرح است سلطه و نفوذ آنها است که نفی ما شود.

در ارتباط با سئوال خبرنگار کیهان انگلیسی در مورد مسأله آزادی گروگان‌های ایرانی در لبنان هم ما از یک دولت، پیامی دریافت کرده‌ایم که گفته شده است گروگان‌های ایرانی زنده هستند و سندیت این مطلب، درست‌تر از ادعاهای آمریکاییان است.

در خصوص سفر هیأت پارلمانی انگلیس به ایران هم این سفر، بستگی به‌موضع مجلس ما دارد. اگر مجلس بپذیرد، ما میزبان این هیأت خواهیم بود.

خبرنگار هندی در مورد موضع جمهوری اسلامی ایران در مورد سایر کشورهای منطقه سئوال کرد.

ما اصولاً مخالف دخالت یک کشور در امور داخلی کشور دیگری هستیم و سیاست ما ایجاد حُسن همجواری بین کشورها و احساس مسئولیت متقابل است.

در خصوص بازسازی کشور هم حضور و مشارکت مردم در امر بازسازی کشور، امری اجتناب ناپذیر است و ما برای بازسازی مناطق جنگی و خرابی‌ها نیاز به پشتوانه مردمی و مشارکت آنها در این امر هستیم. حمایت رهبری نیز در این زمینه بسیار کارساز است.

خبرنگار روزنامه اطلاعات پیرامون مشکلات اقتصادی، تورم و گرانی در جامعه سئوال کرد.

عمده برنامه ما جمع‌آوری نقدینگی مردم است و ما در این زمینه، برنامه‌ها و طرح‌های مهمی در دست اقدام داریم و تاکنون توانسته‌ایم ۲۰۰ میلیارد تومان نقدینگی مردم را با توزیع ارزی که برای تولید و واردات که ما در نظر گرفته‌ایم جمع کنیم. در زمینه مهار تورم نیز موفقیت‌هایی بدست آمد، و آمار سال گذشته نیز نشان می‌دهد که ما در این زمینه موفق بوده‌ایم. در کل، با برنامه‌های مناسبی که در دست داریم، در صدد کاهش تورم هستیم.

خبرنگار لبنانی در خصوص مسایل لبنان و نامه یاسرعرفات به‌ایران سئوال کرد.

مشکل اصلی در لبنان، حضور نیروهایی است که در اقلیت هستند و می‌خواهند در این کشور حاکم باشند مثل فالانژها، مشکل دیگر، خطر اسرائیل است که باید با همکاری جهانی، این معضل

را از میان برداشت. در مورد نامه یاسرعرفات نیز، باید بگویم این نامه همراه با نامه آقای صدام به دست ما رسید و در آن به‌گونه‌ای بر همان مسایلی که در نامه آقای صدام آمده است، تأکید شده است و جواب ما نیز این بود که باید بیشتر متوجه فلسطین و فلسطینی‌ها بود و در مبارزه با اسرائیل نیز باید جدی بود.

در مورد درگیری‌های امل و حزب‌الله در لبنان، قدرت‌های غربی به اختلافات داخلی در لبنان دامن می‌زنند. نظر ایران این است که هر قطره خونی که در نزاع بین مسلمانان به زمین ریخته شود، خیانت به اسلام است و هر کس در این خونریزی دست داشته باشد، در مقابل خدا روسفید نخواهد بود، البته ما با سوریه در این رابطه وارد مذاکره شده‌ایم تا این درگیری‌ها قطع شود.

آخرین سئوال خبرنگاران در مورد اجلاس سران عرب در بغداد بود.

این کنفرانس بیشتر به منظور اهداف تبلیغی و بازسازی چهره بعضی جناح‌های عربی تشکیل شد. اگر برای آنها، مسأله مبارزه با اسرائیل مهم است، پس غیبت سوریه و لبنان که بیشترین سهم را در مواجهه با اسرائیل دارند، چگونه توجیه می‌کنند. کسانی که در آن‌جا حضور داشتند، از جمله بعضی شیوخ خلیج‌فارس مانند عربستان و کویت چطور می‌توانند علیه آمریکا شعار بدهند و جدی باشند. این جمعی که در بغداد بودند نمی‌توانند علیه آمریکا و اسرائیل اقدام جدی بکنند؛ آنها هم که می‌توانستند در این اجلاس شرکت نداشتند.

در پایان از نمایندگان رسانه‌های جمعی داخلی و خارجی تشکر و قدردانی می‌کنم و امیدوارم در جهت حق و حقیقت و پخش واقعیات و کمک به‌آگاه کردن مردم، قدم مثبتی بردارید.

تحلیلی از دهه اول انقلاب اسلامی
و
چشم اندازی از آینده

متن سخنرانی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در جمع وعاظ و ائمه جماعات تهران

بسم الله الرحمن الرحیم،

الحمدالله و السلام علی رسول الله و آله

برادران و دوستان‌مان خیلی خوش آمدند. با محبتی که شما کردید، فرصتی هم پیش آمد، حرف‌هایی که فکر می‌کنم در مورد امورکشور ضروری است، با علما و اهل علم در میان بگذارم. ماه محرم اولین نقطه‌ای است که من می‌خواهم روی آن تأکید کنم. ما در آستانه ماه محرم که دوره مهمی برای ما هست، هر سال این اجتماع را با شما داریم. محرم واقعاً یک فرصت استثنایی تاریخی است که با هدایت الهی و آسمانی و با اجرای بسیار خوب عزیزترین موجودات روی زمین، پیش خداوند ـ امام حسین(ع)، یاران و اهل بیت او ـ در تاریخ بشریت تعبیه شده است و واقعاً وظیفه ماست که از این امانت اهل بیت و اسلام پاسداری کنیم و حق شهدای کربلا و امام حسین(ع) را ادا کنیم. کم و بیش در تاریخ این

طوری بوده، یعنی واقعاً استفاده شده و علما، وعاظ، مداح‌ها، روضه خوان‌ها، شعرا، مردم و همه به نحوی از این موهبت الهی، برای تبلیغ و نشر دعوت اسلام استفاده کردند و ما امروز موفقیت‌های اسلامی را در کشورمان و در دنیا از همین جا داریم؛ حالا همه‌اش را نمی‌گویم، ولی به عنوان یک عامل مهمی، ما از محرم داریم.

همه شما می‌دانید، [ماه]محرم، همیشه برای ما سازنده و مؤثر بوده است. ممکن است به ذهن بیاید، حالا که صدا و سیما، روزنامه‌ها و تبلیغات همه در اختیار جمهوری اسلامی است، ما هر حرفی بزنیم از طریق رسانه‌ها به گوش مردم می‌رسد، فیلم و تأتر هم هست؛ بله،آن طوری هست، اما حضور در میان مردم و در همین جلسات کوچک متفرقی که مردم به‌عنوان امام حسین جمع می‌شوند و آن حالت روحانی که مردم در جلسات امام حسین دارند، با اینکه در خانه‌هایشان نشسته باشند و از تلویزیون استفاده بکنند، فرق می‌کند. تماس با مردم، با گفتن، با قلم ویا با رادیو خیلی فرق می‌کند و حرف‌ها رودررو با حضور علما و وعاظ، در مردم قطعاً تأثیر دیگری دارد و این نقطه مثبت ما است.

بنابراین ما واقعاً باید نه به عنوان خودمان و نه به عنوان فرصتی برای روحانیت یا اهل علم، واقعاً به عنوان فرصتی برای توضیح و تبیین معارف اسلامی و تحکیم رابطه با مردم، باید استفاده بکنیم و ما خیلی استفاده کردیم. در دوران مبارزه، عظیم‌ترین پایگاه ما همین بود و چیزی که نتوانستند از ما بگیرند، همین ها بود. رژیم صرفش نمی‌کرد که حسینیه‌ها و مساجد را ببندد، چون این تجربه را قبلاً ارباب‌هایشان در زمان رضا شاه داشتند و موفق نبودند. چند سال مردم را محدود کردند، ولی وقتی که[در مساجد را] باز کردند، مثل بمب هیدروژنی منفجر شد؛ چون سال‌ها احساسات مردم انباشته شده بود، این اوضاع پیش‌آمد. حالا زمان فرق کرده بود، مثل زمان رضاخان که نبود، بستنش برای آنها صرف نمی‌کرد و بازگذاشتنش هم همین شد که دیدید. الان هم در طول انقلاب، برای خنثی کردن توطئه‌ها، شایعه‌ها و رذالت‌هایی که می‌شود، با پخش یکپارچه نیروهای مخلص اهل علم به سراسر کشوردر ماه محرم، تقریباً همه خنثی می‌شود. من به همین مناسبت، یک قدری از مسایل عمومی کشور را خدمت‌تان عرض می‌کنم، شاید حرف‌های تازه‌ای نباشد، ولی ما در یک محفل خصوصی، بازتر با شما می‌توانیم حرف بزنیم.

مساله‌ای که ما باید توجه بکنیم، یک فرصت استثنایی به عنوان اتمام حجت، خداوند در اختیار ما گذاشته است و این پیروزی اسلام در ایران و مذهبی شدن جامعه ماست و تحقیقاً این یک آزمایشی برای ما است و از نظر دنیا هم، آزمایشی برای اسلام است. خداوند حقانیت اسلام را می‌داند و نمی‌خواهد اسلام را آزمایش بکند، دنیا می‌خواهد آزمایش بکند، ولی صلاحیت ما باید مورد آزمایش قرار بگیرد. واقعاً این همه که حرف می‌زدیم و از خداوند می‌خواستیم که به ما مهلتی و فرصتی بدهد که برای اجرای اسلام کار بکنیم، حالا همه چیز در اختیار ماست و باید بگوییم که حاکمیت، یعنی تصمیم‌گیری الان مال روحانیت است. در امور اجرایی همه هستند، اما رهبری، ریاست جمهور، دستگاه قضاییه، ریاست مجلس و شورای نگهبان که اینها مراکز تصمیم‌گیری هستند، عمدتاً دست خود روحانیت است. مردم هم الحق گوش به‌فرمان هستند، یعنی ما به اندازه کافی نیروی گوش به فرمان داریم که اگر اسلام را بخواهیم اجرا بکنیم، آنها از ما بپذیرند و عمل بکنند. صبر، متانت و تحمل مردم هم بارها آزمایش شده وقابل قبول است.

ما واقعاً باید الان تلاش بکنیم که چیزی که از اسلام می‌فهمیم و درک می‌کنیم وتشخیص می‌دهیم، آن را اجرا بکنیم و دنبال پیاده کردن آن باشیم. خوشبختانه، نقطه اصلی تصمیم‌گیری- مقام رهبری- در گذشته و امروز، بالاترین صلاحیت تشخیص اسلام را دارند. در زمان امام، بحث و شکی نیست، مرجع تقلید بودند و همه روشنی‌هایی که ما داریم، از انوار ایشان است. ما می‌دانیم، شما همه می‌دانید، - من شاید به‌خاطر نزدیکی که با مقام رهبری از دوران تحصیلی دارم، بیشتر بدانم - در اینکه برجسته‌ترین چهره اسلام شناسی به معنای جامع کلمه، امروز مسئولیت رهبری را دارد، ما هیچ تردیدی نباید بکنیم. تحقیقاً ایشان مجتهد هستند، تحقیقاً ایشان مبانی اجتهاد دست شان است، تحقیقاً به اندازه نیاز درک مسایل اجتماعی اسلام، بر مبانی و متون احاطه دارند و از لحاظ فکر و تجربه و گذشته و امروز، همه شرایطی که مجموعه اسلام را مخصوصاً معارف اجتماعی اسلام را بشناسند، ایشان دارند. ما آدم‌های خوب، عالم و دانشمند خیلی داریم و واقعاً شخصیت‌های با ارزشی در روحانیت است که آدم در مقابلشان خاضع است و فراوان هم هستند، ولی من هر چه الان فکر می‌کنم، کسی که مثل ایشان، این‌همه صفات و شرایط را در خودش داشته باشد، یا نداریم یا خیلی خیلی کم داریم. این امتیازی است که باز در اختیار ماست. مثلاً

اگر رهبری داشتیم که یک بعدی بود، فقیه متبحری بود، اما مسایل اجتماعی را خوب متوجه نمی‌شد، چه ابطلاعی برای اداره کشوربود؟ یا اگر بر عکس بود، یعنی مسایل اجتماعی را خیلی خوب می‌فهمید، اما مبانی اجتهاد را نمی‌توانست تطبیق بکند، چون ما می‌خواهیم برای اسلام کار بکنیم، ما که هوس حکومت نداریم، می‌خواهیم اسلام را پیاده بکنیم، درآن صورت هم مشکل داشتیم و آن آرامش و اطمینان را در اجرا پیدا نمی‌کردیم که حجت داشته باشد.

از کارهای خیلی خوب و با ارزش مجلس خبرگان، همین[انتخاب رهبر] بود. البته امام به ما در این کار کمک کردند و شایدکار اصلی را امام کردند، اما به هرحال مجلس خبرگان هم انصافاً در یک مقطع حساس پر عجله‌ای، تصمیم بسیار متین و جالبی را گرفت. حالا اسلام بنا است اجرا بشود، البته اسلام تا حدودی اجرا شده و تا حدودی شناخته شده، اما واقعاً ما هنوز حکومت اسلامی و جامعه اسلامی نداریم. ما فکر می‌کنیم مدینه‌ای که طبق‌آن پیش خودمان ودر ذهن‌مان، تابلویی ترسیم کرده بودیم، از همه ابعاد، از آن مدینه فاصله، خیلی فاصله داریم.

الان مساله اصلی و مبارزه اصلی در دنیا، بین ما و کفر جهانی این است که ـ من روح حرف را به شما عرض می‌کنم ـ آنها نمی‌خواهند اسلام به صورت یک مکتب موفقی، جایی پیاده بشود. این روح مطلب است. ما هم باید دنبال این باشیم که اسلام را به صورت یک نمونه موفق پیاده بکنیم. اشکال مبارزه فرق می‌کند. آنها همه ابزار را به‌کار می‌برند که جلوی این مساله را بگیرندکه این حالت پیش نیاید. آنها به اندازه ما که ایمان ندارند و شاید اصلاً عقیده ندارند که اسلام می‌تواند جامعه بشری را امروز اداره بکند. این طرز تفکر آنها مثل[طرز تفکر] ما نیست، ما این عقیده را داریم و فکر می‌کنیم که اسلام می‌تواند این کار را انجام بدهد. اگرآنها به اندازه ما می‌دانستند، دو حالت داشت؛ بعضی‌هایشان ممکن بود قبول کنند،آنهایی که خیرخواه هستند و آنهایی هم که شرورهستند، همه ابزار را به کار می‌بردند که ما به هیچ وجه نتوانیم این‌کار را بکنیم. آنها فکر می‌کنند که بالاخره اینها گیر می‌کنند. در ایده‌ها و افکار و اظهارات و شعارهای ما دقت می‌کنندو می‌گویند این شعارها و این‌گونه ایده‌ها به جایی نمی‌رسد، چون آنها راه‌های متعددی را در حکومت‌ها تجربه کردند و دیدند، می‌گویند ممکن است اینها به جایی نرسند. لذا دردوره اول، اینها بیشتر این

طوری می‌گفتند، با فسادی که در رژیم شاه بود، اینها سوار بر موج ناراحتی مردم شدند و حکومت را از بین بردند، حالا خودشان که نمی‌توانند مملکت را اداره بکنند، یک دوره‌ای می‌گذرد، مردم می‌فهمند این هم نشد،آن وقت یک چیز دیگری دوباره بر می‌گردد و واقعیت‌ها خودش را بر مردم تحمیل می‌کند. رفته رفته آن بنیان از ذهنشان می‌رود. یک موقعی قضاوت می‌کردند و می‌گفتند به شخص امام مربوط است. می‌گفتندبه شخص مربوط است، یک آدم محبوب است، چهره متنفذی است، مردم گوش به حرفش می‌کنند، متعبد هستند و سختی‌ها را تحمل می‌کنند، چون او می‌گوید، و او که رفت، قضایا تمام می‌شود. دیدند این هم نشد. این قدم‌هایی که بر می‌دارند، اگر امروز را با دو سال پیش مقایسه کنند، می‌بینند که واقعاً با رفتن حضرت امام، یک ذره هم رابطه مردم با حکومت ضعیف‌تر نشد، بلکه یک قدری هم متعصب‌تر شدند، چون احساس کردند که تکلیفشان سنگین‌تر است وباید خودشان این نظام را حفظ بکنند. آنها هنوز هم انتظار این را دارند و دنبال این هستند و امید بیشترشان به این است که سلام از اداره جامعه اظهار عجز بکند. ما هم به خاطر ایمانی که به قرآن و به معارف خودمان داریم، معتقدیم که می‌توانیم مسایلی راکه آنها فکر می‌کنند مردم را از پا در می‌آورد، از بین ببریم و می‌توانیم جامعه‌مان را جامعه محکم، ثابت و جامعی بسازیم.

جنگ اصلی ما با دنیا سر این است که اسلام به عنوان یک الگو پیاده بشود یا نشود. تحقیقاً هیچ یک از دشمنان اسلام نمی‌خواهند این موفق بشود، منتها بستگی دارد به مقدار احساس خطری که می‌کنند. خیلی ازآنها قبول ندارندکه ما موفق می‌شویم، می‌گویند یک مدت این‌طوری بگذرد، ولی ما این‌طور فکر نمی‌کنیم. تکلیف ما چیست؟ اولاً عقیده داریم که می‌شود و ثانیاً ما مکلفیم اسلام خالص را اجرا بکنیم؛ چیزی‌که از اسلام می‌فهمیم، چیزی‌که با اجتهاد زنده اسلامی، برای ما از اسلام قابل فهم است، آن را پیاده بکنیم. ما باید این راه را برویم. اگر موفق بشویم این راه را برویم، هم پیش خداوند معذوریم، اگر هم اشکالی برایمان پیش بیاید، شرمسار نیستیم و هم امید داریم که‌این به نتیجه می‌رسدو چیز دیگری به نتیجه نمی‌رسد.

ما راه اسلام را در پیش بگیریم، هوا و هوس‌ها یا نظراتی که اطراف ما هست، اینها کار خودشان را می‌کنند. ما هم در داخل این مساله را داریم و هم در خارج این مساله را داریم.

آنهایی که در مبارزه بودند، خوب خبر دارند و آنهایی هم که نبودند، در عرض این چند سال فهمیدند که مساله چه طوری است. ما از اول که مبارزه را شروع کردیم، در کشور دچار دو جریان چپ و راست بودیم. چپ‌ها به هیچ نحوی با ما سازگار نبودند و از ما به عنوان یک پل می‌خواستند استفاده بکنند، راست‌ها هم با ما به هیچ نحوی سازگار نبودند، آنها هم از ما به عنوان یک پل می‌خواستند استفاده بکنند. چون می‌دیدند ما افکار عمومی و توده‌های ملت را داریم، با ما کنار می‌آمدند. خودشان چنین چیزی نداشتند، الان هم همین طور است. این دو جریان چپ و راست، هنوز هم بعد از انقلاب، همین طور راه ما را می‌آیند. ما به حمدالله تاکنون راه خودمان را گم نکردیم. در حرف‌های چپ‌ها، یک مقدار حرف درست هست، در حرف‌های راست‌ها هم، یک مقدار حرف درست هست و با ما تطبیق می‌کند، ولی یک مقدارش را قبول نداریم.

بنابراین با هر یک از آنها می‌شود کمی مماشات کرد، مقدار زیادی نمی‌شود مماشات کرد و این درگیری هم همیشه به وجود می‌آید.« وَلَن تَقْضی اَن کل یهود و لن نصاری حتی تتّبع الملتهم» واقعاً برای من که در کانون مبارزه بودم و امروز هم در کانون مسئولیت هستم، کاملاً روشن است، نه هیچ وقت چپ‌های چپ از ما راضی بودند و نه هیچ وقت راست‌های راست از ما راضی بودند. راست‌ها موقعی راضی می‌شوند که ما کشور را به صورت دوران فئودالی و خان خانی و حکومت‌های هزار فامیلی و همان اشکالی که بود، برگردانیم. چپ‌ها هم موقعی از ما راضی می‌شوند که ما مملکت را مثل افراطی‌ترین کشورهای کمونیستی اداره بکنیم. ممکن است نظربعضی از آنها از روی حسن نیت هم باشد، یعنی تشخیص‌شان این باشد و این کار را بکنند، ممکن هم هست که به صورت باندی با عوامل خارجی سرو کار داشته باشند.

در دوران مبارزه، سر همین مساله، بین ما و منافقین به‌هم خورد. یعنی آنها نتوانستند جریان معتدل اسلامی را تحمل بکنند. سال‌ها از امکانات ما استفاده کردند، وقتی که فکر کردند جا افتادند، حسابی در مقابل ما موضع گرفتند، تا آنجا که در زندان، ماها را بایکوت می‌کردند، اصلاً سر سفره ما نمی‌آمدند، سر سفره علما، من که یک طلبه کوچکی بودم. راست‌ها هم که تکلیفشان روشن بود. آنها آن موقع‌ها، مبارزات جدی نداشتند و خیلی در ماجراها نبودند. بعد از انقلاب هم، جریاناتی مثل ملی گراها و نهضت آزادی و شاه پرست‌ها

این طرف بودند ودر طرف دیگر فداییها و منافقین بودند و همه‌شان با ما سر این قضایا درگیر شدند.

متأسفانه در این بین، چیزی که بد اتفاق می‌افتد، این هست که همیشه جمعی از بچه‌های خوب مسلمان، بچه‌های مخلص، آنهایی که واقعاً با حسن نیت دنبال عدالت، دنبال حقیقت و دنبال تکامل جامعه هستند، در دام اینها گیر می‌افتند و منحرف می‌شوند، پل‌های پشت سرشان هم خراب می‌شود و دیگر نمی‌توانند برگردند. ما الان هزاران جوان داریم که این طوری هستند. همین‌ها منحرفشان کردند. در بین طلبه‌ها هم هستند. ما دیدیم که اعدام بعضی از طلبه‌ها بعد از انقلاب، به‌خاطر همین مسایل بود.

ما با موازینی که دستمان است و با هماهنگی کامل در زمان امام با حضرت امام و با هماهنگی کامل امروز با مقام رهبری، راهی که تشخیص می‌دهیم راه اسلام است، می‌رویم. من کمی این مساله را باز می‌کنم. ما واقعاً اسلام را به عنوان یک مجموعه، مجموعه کامل ـ که شما خودتان حتماً در این بابت، منبرهای زیادی رفتید ـ می‌پذیریم. در اسلام، نمی‌شود بعضی‌ها را بپذیریم و بعضی‌ها را نپذیریم، این کفر است. ما باید مجموعه را بپذیریم. «یَقُولُوُن نومِنُ وَ بَعضَ نُکَّفِرُ به بَعضَ اولیکُم الکافِرون حَقّی » یعنی ما مجموعه را می‌پذیریم. این اسلام است. ما نباید خیال بکنیم اسلام را در مثلاً بعد فرهنگی و بعد اخلاقی اجرا بکنیم، ولی در بعد اقتصادی توجه نکنیم. چون حساسیت ما طلبه‌ها از اول، روی مسایل فرهنگی بوده، ما وقتی که در انقلاب پیروز شدیم، دنبال مسایل فرهنگی رفتیم و اقتصاد را به دست کسانی داده بودیم که نباید می‌دادیم. اگر مجموعه را درنظرنگیریم، اسلام تضمینی ندارد موفق بشود. مردم هرچقدر هم اخلاقشان خوب باشد، عفتشان خوب باشد، اگر با سواد نباشند و از لحاظ علمی، ما مردم را پیش نبریم، موفق نمی‌شویم. اگر مردم جاهل باشند، امروز که عصر علم است، به زمین می‌خوریم و بدترین چهره را از اسلام در تاریخ، ثبت خواهیم کرد و برای کارهای روزمره کوچکمان، دستمان پیش یهودی‌ها و نصرانی‌ها و مشرکین باید دراز باشد. امروز نمی‌شود مسایل و نیازهای جامعه را با عصر قاجاریه حل کرد. نمی‌توانیم این کار را بکنیم.

ما می‌دانیم که اسلام بیش از همه طرفدار علم است، هیچ علمی نیست که اسلام با تحصیل او مبارزه بکند، ما قطعاً باید تلاش بکنیم مراکز علمی‌مان را غنی بکنیم، تجربه‌های

دنیا را بگیریم، از دانشمندان دنیا استفاده بکنیم، دور خودمان حصار نکشیم که فردا دانشگاه‌های عراق، ترکیه، پاکستان و اطراف ما، اینها که اسلامی هم هستند، کفار که دورتر هستند، آنها متخصص‌های سطح بالا داشته باشند و ما اینجا به عنوان اسلام ناب، دستمان پیش آنها دراز باشد. این کار یک مقدار سعه صدر نیاز دارد. ممکن است بعضی از بچه‌های افراطی چپ و گول خورده، این را حمل کند بر اینکه این کار لیبرالیست را دارد وآرمان‌ها زیر پا می‌رود.

ما به عنوان روحانی و اسلام شناس، نباید زیر بار این‌گونه طرز تفکرها برویم، مگر وقتی که ببینیم اصول ضربه می‌خورد. ما اگر اصول‌مان را از دست بدهیم، نمی‌توانیم این کارها را هم بکنیم. پایه‌ها را باید محکم بکنیم. اسلام هیچ وقت نخواسته، زندگی مردم خوب نباشد و راست نمی‌گویند کسانی که می‌گویند مردم با فقر و جهل و مرض و همه چیز می‌سازند. این‌طوری نیست، نمی‌سازند. شما هم می‌دانید نمی‌سازند. همه در زندگی‌تان خیلی نمونه‌ها دارید که نمی‌سازند، تا یک حدی می‌سازند. ما قطعاً باید به زندگی مادی مردم برسیم. ما طلبه‌ها می‌توانیم تحمل کنیم. البته حالا کسی از طلبه‌ها هم تحمل نمی‌کند، اما اگر بنا باشد، می‌توانیم تحمل بکنیم. اما ازدیگران نمی‌توانیم چنین انتظاری داشته باشیم. شما باید خیلی مواظب باشید که در این قضیه، حرف‌های بی‌خود نزنند.

شما وضع کشور خودتان را می‌دانید. یکی از اشکالات جامعه روحانیت، این است که با آمار و ارقام و با واقعیت‌های اقتصادی کشور خوب آشنا نیست. عمدتاً آشنا نیستید، تعدادکمی از ما آشنا است. در مملکت ما در این دوره ده، دوازده سال، به خاطر جنگ، انقلاب و مسایل دیگر، تولید ناخالص ملی به جای اینکه زیاد شود، کم شده است. تولید ناخالص ملی یعنی مجموعه آن چیزی که تولید می‌شود. جمعیت هم نزدیک به دو برابر شده،کسی هم مقصر نبوده، طبیعت جنگ همین است. این یعنی معنای فقر، فقر واقعی. ما روزی که آمدیم، پنج، شش میلیون بشکه نفت تولید می‌شد، حالا دو، سه میلیون تولید می‌شود. بقیه مسایل صنعتی هم همین‌طور است. قدری کشاورزی بیشتر می‌شود، منتها این نمی‌تواند آنها را جبران بکند. سال که می‌گذرد، یک میلیون و چهارصد، پانصد هزار آدم به ما اضافه می‌شود، هر هفت ماهی، تقریباً یک میلیون آدم اضافه می‌شود. این خیلی رقم بالایی است. اینها غذا می‌خواهند، آب می‌خواهند، نان می‌خواهند، راه می‌خواهند، ماشین

می‌خواهند، پوشاک می‌خواهند، همه چیزهایی که شما دارید، اینها همه را می‌خواهند، نمی‌شود بگوییم نمی‌دهیم. هیچ وقت هم نبوده که زمانی مردم زیادی مصرف می‌کردند، حالا کمتر مصرف کنند ومعتدل شوند. آن موقع عده‌ای مصرف می‌کردند، اکثریت[مصرف] نمی‌کردند، حالا اکثریت هم مصرف می‌کنند. در این مساله همه مثل هم هستند و شبیه به هم هستند. باید روی این کار بکنیم و مساله را جدی بگیریم. نمی‌شود نان مردم را ندیده گرفت. بعضی‌ها مثلاً در مغازه‌ها که می‌روند، می‌گویند همه چیز هست، ولی گران است و چون گران است، مردم نمی‌خرندو مصرف نمی‌کنند. اگر ارزان بود، یک روزه تمام می‌شد واینها همه را می‌بردند. ما که ارقام دستمان است، می‌دانیم. قدرت خریدمان هم کم شده است، مثلاً نفت راآن‌موقع اگر سیزده دلار می‌فروختیم، قدرت یک دلار برای خرید، امروز از نصف هم کمتر شده است. دردنیا همه چیز گران شده است. درآمدکم، واردات گران‌تر، مخارج بیشتر، توسعه مصرف بیشتر، به همه جا باید آب بدهیم، برق بدهیم، مردم حق هم دارند، عدالت این را ایجاب می‌کند. اینها زیر بار شعارهای چپ گرایانه جاهلانه، می‌گویند ملت ما با فقر می‌سازند. این حرف را بزرگان هم می‌گویند، ما حرفی نداریم، اگر جنگ باشد، ملت می‌سازد، اگر انقلاب باشد می‌سازد، اگر واقعاً باید باشد می‌سازد، اما بنده تقصیر بکنم که این مزرعه کار نکند، یا این چاه نفت استخراج نشود، چرا مردم بسازند؟ اگر می‌سازند، بدکاری می‌کنند که می‌سازند. نباید بسازند. باید جلوی من را بگیرند و بگویند وظیفه‌ات را انجام بده.

در دنیا در مورد سیاست‌های خارجی، اگرآدم بنا را بر این بگذارد که با همه دنیا دعوا کند، نمی‌تواند زندگی کند. دنیا الان مثل عهد زندیه وقاجاریه نیست که آدم دور خودش را ببندد و با همین‌هایی که اینجا هست، زندگی بکند. همه چیز الان بین‌المللی است، مجامع بین‌المللی است، راه این‌طوری است، تلفن این‌طوری است، پست این‌طوری است، بهداری این‌طوری است، صلیب سرخ این‌طوری است، همه این مسایل بین المللی است. ما با دنیا سروکار داریم، اگر این ارتباطات‌مان را قطع بکنیم، اصلاً نمی‌توانیم زندگی بکنیم. بالاخره کشوری که از هرجهت مطلوب‌مان باشد و مورد قبول‌مان باشد، نیست. حالا مثلاً ما با کره‌شمالی که این همه صمیمی بودیم، این[کشور] از هر جهت مطلوب ما است؟ چون ضدآمریکایی بود و انقلابی بود و در جنگ با ما همکاری می‌کرد، ما صمیمی شدیم. خدا

آنجا بیشتر هست یا مثلاً در کویت بیشتر هست؟ ما که افکارمان یک بُعد ندارد. هر جایی یک عیوبی و یک محاسنی دارند. ما باید زندگی‌مان را به گونه‌ای ترسیم کنیم که بیخودی دشمن‌تراشی نکنیم. یک وقت آنها دشمنی می‌کنند، مثل عراق که با ما جنگید، ما هم با او جنگیدیم. آمریکا علیه ما شرارت می‌کند، ما هم با او دعوا داریم و هرجا بتوانیم ضربه می‌زنیم. اسرائیل یک عنصر نا مشروعی است که اصلاً نمی‌توانیم او را قبول بکنیم.

بنابراین سیاست خارجی ما در این مجموعه، باید سیاست خارجی دشمن تراشی نباشد. البته، قطعاً ما باید نفوذ خارجی را از کشورمان نفی کنیم. این اصل است؛ چه شرقی باشد وچه غربی باشد. قطعاً ما باید وابستگی‌ها را کم کنیم و هر چیزی که ما را وابسته می‌کند، باید از بین ببریم. اما وابستگی مسایلی دارد، هر نوع ارتباطی وابستگی دارد، یعنی بدون وابستگی نمی‌شود. وابستگی دو نوع است؛ یک نوع وابستگی این است که آدم باج می‌دهد و نوع دیگر وابستگی این‌طوراست که نیازها مردم را به هم وابسته می‌کند. این خیلی تفاوت دارد.

ما اگر ارتباط نداشته باشیم، نفت مان را نمی‌توانیم بفروشیم، همان‌طور که مدتی نفت ما را نمی‌خریدند. واقعاً ما برای فروش نفت، هنوز هم مشکل داریم. یعنی من به شما عرض بکنم، دیگران در خانه‌هایشان به التماس از ایشان نفت می‌فروشند، ما نفت‌مان را از اینجا به اروپا می‌بریم، آنجا در روتردام انبارها را پرکردیم. کسانی که نیاز دارند، گاهی آنجا از ما نفت می‌خرند، چون کشورهای اصلی مصرف کننده نفت، خیلی حاضر نیستند از ما نفت بخرند؛ یا آمریکاست یا آلمان است یا فرانسه است، انگلیس خودش نفت دارد و یا ژاپن است که حداقل از ما می‌خرند. مثلاً ژاپن از امارات چند برابر ما نفت می‌خرد. از اول تنظیم کرده در روز حدود دویست هزار بشکه از ما نفت می‌خرد، در صورتی که قبلاً هفتصد، هشتصد هزار بشکه نفت می‌خریده، حالا نمی‌خرند. باکشور کوچکی مثل امارات، آنها به آسانی قراردادهای دراز مدت می‌بندند، درحالی‌که ما نفتمان را اثبات می‌فروشیم، یعنی محموله، محموله می‌فروشیم. البته اخیراً کمی بهتر شده است. در حوزه کارائیب که بیشترین مصرف نفت دنیاست، چون ما از طرف آمریکا تحریم شدیم، تقریباً نفت ما آنجا می‌رود، مگر به صورت قاچاقی و دست دوم و سوم. نفت فروشی بازار می‌خواهد و این یک نوع وابستگی است. شما فرش‌تان را بخواهید بفروشید، بازار می‌خواهید، این هم

وابستگی است. آنها بیشتر به ما وابسته هستند. کشوری که از ما نفت می‌خرد، اگر نفت ما نرود، کارخانه‌اش تعطیل می‌شود. کشوری که آهن تولید کرده، اگر ما نخریم، باید در انبارش بماند، آن هم مثل ماست. این واقعیت دنیاست که به هم مربوط است. آن که روح قضیه است این است که ما به گونه‌ای عمل بکنیم که اسیر این ارتباطات خارجی نشویم. برنامه ریزی کنیم که قدرت مانور داشته باشیم و درست انجام بدهیم.

حالا ممکن است از این آدم‌های نادان، به شما حرف بزنند ، شعار بدهند، این حرف‌ها قابل قبول نیست. شما ببینید همین اپک و چند مساله اخیر که اتفاق افتاد، الان چهار، پنج دلار نفت بالا رفت. عامل عمده‌اش این بود که ما با عراقی‌ها، یک مقدار همکاری کردیم. اساسش این بودکه صدام در همین روزهایی که در ژنو مذاکره می‌کردیم، به من پیغام کتبی داد که ما ضرر می‌کنیم، شما هم ضرر می‌کنید و دشمنان عرب و خارجی با هم دست دادندو ما و شما را از پا در می‌آورند. راست هم می‌گوید؛ برای اینکه یک دلار که از هر بشکه کم می‌شود، ما یک میلیارد دلار ضرر می‌کنیم. یعنی مثلاً اگر شانزده تومان، پانزده تومان بشود، ایران یک میلیارد و صد میلیون دلار ضرر می‌کند. یک میلیارد دلار، چقدر مشکلات این کشور را حل می‌کند. ما اگر با یک میلیارد دلار، دانشگاه بسازیم، همه این مملکت پراز دانشگاه می‌شود. اگر کارخانه بسازیم، همه بیکارهایمان کار پیدا می‌کنند. ما در ظرف چند ماه، هیجده دلارمان دوازده، سیزده دلار شد، یعنی پنج میلیارد در سال ضرر. عراقی‌ها هم مثل ما هستند، ولی این مشکل برای کویت، عربستان و امارات نیست. آنها ذخایرشان خیلی بیشتر از ما و جمعیتشان خیلی کمتر از ماست. برای دویست، سیصد سال نفت دارند. آنها می‌گویند بگذارید نفت را ارزان بفروشیم، دنیا را عادت به نفت کنیم، صنعت دنیا را به نفت خودمان معتاد کنیم، سال‌های بعد جبران می‌کنیم، آنها سیاستشان این است. ما همین امروز نمی‌توانیم[نفتمان را] ارزان بفروشیم، فرق ما با آنها دراین است. ما هفت، هشت سال و یا ده، پانزده سال دیگر نمی‌توانیم نفت صادر بکنیم، باید خودمان در داخل کشور مصرف کنیم. بنابراین الان نباید نفت‌مان را ارزان بفروشیم. ما با عراق، وزیر نفتمان در ژنو ملاقات کردند، محرمانه قرار گذاشتیم که مبارزه کنیم، برای اینکه قیمت نفت را به بالا برگردانیم. ما گفتیم بیست دلار عملی است، عراقی‌ها مدعی بیست و پنج دلار، سی دلار هستند و ظاهراً ممکن است عملی نباشد. اگرآدم نخواهد با این کشورهای

همسایه همکاری بکند، این طوری می‌شود. این چه نفعی دارد؟ این چه اداره کشوری است وچه هنری برای اداره مردم است؟ اینها به پای ما نوشته می‌شود. مردم از کلاهی‌ها خیلی توقع ندارند، ولی شما روحانیون و همه عمامه به سرها را که در خیابان می‌بینند، می گویند اینها ما را بدبخت کردند. یعنی یک طلبه‌ای که هیچ تقصیری ندارد و هیچ کاری هم دستش نیست، اما در صف همین‌ها ما را بدبخت کردند، است. ولی اگر یک مدیرکلی آنجا باشد، یک وزیری باشد، به او چیزی نمی‌گویند. ما باید واقعاً دلمان برای اسلام بسوزد، برای خودمان بسوزد و گوش به حرف‌های این بچه‌های نادانی که با این حرف‌ها می‌خواهند زندگی‌مان را به هم بزنند، ندهیم. درمورد مسایل اقتصادی باید بگویم، ما اگر امروز مثلاً فولاد وارد نکنیم، همه کارخانه‌هایمان می‌خوابد. اگر مواد پتروشیمی وارد نشود، کارخانه هایمان می‌خوابد. چیزهای کوچک، کوچک وارد نشود، یک کارخانه عظیم می‌خوابد. من سرکار که آمدم، کارخانه سیمان آبیک، یک کارخانه عظیمی در راه کرج است، خیلی تولید بالایی دارد، می‌تواند روزی چهارده، پانزده هزار تن سیمان تولید بکند، به خاطر آجر نسوز، کوره‌های کارخانه خوابید بود. آجر نسوز یک چیز معمولی است. یعنی ما این چنین در دنیا الان وابسته‌ایم. بالاخره ما بایددر کشور تکنولوژی بیاوریم واین حلقه‌های مفقوده را پربکنیم. تکنولوژی را همین طوری که به ما نمی‌دهند، دشمن ما فلان فلز را به ما نمی‌دهد که ما از این فلز بتوانیم هواپیما بسازیم. شما دارید می‌بینید، آمریکایی‌ها گفتند فلان کوره را به عراقی‌ها ندهید، کوره یک چیز معمولی در کارخانه‌ها است، اما با این کوره می‌شود یک فلزی را درآورد که آن فلز، فلز با آلیاژ خاص است که می‌تواند در صنایع حساس به کار برود. حالا تکنولوژی‌های سطح بالاتری از اینها هم هست که ما نیاز داریم. ماهواره، ما که ماهواره نداریم. ماهواره مال آنهاست. ما اگر از ماهواره استفاده نکنیم، بسیاری از ارتباطات ما فلج می‌شود. این تلفن‌ها، این سینماها ، این فیلم‌ها و خیلی چیزها از دست ما می‌رود. این را وابستگی نمی‌گویند. یک ماهواره آنجا گذاشتند،کرایه می‌دهند، هر کسی می‌خواهد یک رشته از آن می‌گیرد، آنهایی که می‌توانند خودشان ماهواره درست می‌کنند، آنهایی هم که نمی‌توانند، از آنجا کرایه می‌کنند. این یک وابستگی جهانی است. اگر ما استفاده نکنیم، چون او هم وابسته به ماست، او ضرر می‌کند. باید مخارج خودش را دربیاورد.

به هرحال دنیا به صورت یک مجموعه‌ای است که ما باید دنبال این مساله باشیم که دشمن تراشی بیخود برای خودمان نکنیم. ولی جاهایی است مثل اسرائیل که نمی‌شود. آمریکا در حال حاضر این‌طوری است. تجربه ما الان این است، یعنی ما واقعاً می‌دانیم، اگرآمریکا از دستش بیاید، ما را سرکوب می‌کند. این مساله الان برای ما روشن است. تحلیل ما این است که هر مقدار در مقابل او کوتاه بیاییم، او قدم بعدی را می‌خواهد بردارد که ما کوتاه بیاییم. لذا وقتی این حالت را دارد، ماباید همین‌جا محکم بایستیم و بگوییم نه، ما اصلاً با تو حرف نمی‌زنیم. اگر آمریکا مثل فرانسه باشد، یا مثل آلمان باشد که با ما این همه خصومت نکند، شرایط فرق می‌کند. ولی الان در این شرایط این‌طوری نیست. ما الان این‌طوری احساس می‌کنیم. یعنی برداشت ما فعلاً این است.

در مورد جنگ، ما به جایی رسیدیم که دیگر امام مصلحت ندیدند که این جنگ ادامه پیدا کند. حق هم با امام بود. ما هم نظرمان همین بود. عراقی‌ها هم به همین نتیجه رسیدند، ما هم به همین نتیجه رسیدیم و جنگ را متوقف کردیم. الان هم به طرف صلح می‌رویم، اما ما خیلی مطمئن نیستیم که به صلح می‌رسیم. به هرحال برای عراق پذیرش قرارداد ۱۹۷۵[الجزایر] بسیار دشوار است. یعنی او باید به مردم و به عرب‌ها جواب بدهد که چرا این جنگ را شروع کرد. گفت برای لغو این قرارداد شروع کردیم. این قرارداد در زمان ضعفمان برما تحمیل شد، الان ضعیف نیستیم و قرارداد دیگری هم نمی‌خواهیم. برای عراق بسیار دشوار است. ما هم خط قرمزمان این است، یعنی ما نمی‌توانیم ازاین قرارداد تنزل بکنیم. قطعاً سر قرارداد می‌ایستیم، به هر قیمتی، ولو تجدید جنگ هم بشود، این جنگ را تحمل می‌کنیم که البته بعید می‌دانیم عراق مصلحتش باشد جنگ را شروع بکند، به خاطر سیاست عاقلانه تری که ما الان گرفته ایم. یعنی عراق اگر می‌توانست ما را به همان سیاست‌های قبلی که با همه دشمنی می‌کردیم، برمی‌گرداند، شاید جنگ هم شروع می‌کرد.

ما مساله‌مان را با روسیه حل کردیم. در دوران جنگ، مهم‌ترین ضربه را ما از طریق اسلحه‌های روسیه خوردیم. هیچ دلیلی نداشت ما با اینها، وضع را این‌طوری بکنیم که این همه برای عراق سلاح بفرستند. عالی‌ترین هواپیماها را به عراق دادند. هواپیماهای میگ ۲۹ یادتان هست، بالای سر تهران که می‌آمد، هرچقدر توپخانه‌های ما کار می‌کرد، اصلاً

گلوله به او نمی‌رسید. بمبش را می‌انداخت می‌رفت. این قدر موشک به عراق داده بودند که می‌توانست روزی ده ، پانزده تا موشک از بغداد به شهرهای ما شلیک کند. اینها همه روسی بود. اسلحه غربی کم داشت. اگرما سیاست عاقلانه‌ای دربرابر روسیه داشتیم، این اتفاق نمی‌افتاد. شاید هم آن موقع وقتش نبود، اما حالا که وقتش شد، ما باید این را حل می‌کردیم که کردیم.

کشورهای خلیج فارس را چنان ترسانده بودیم که اینها از ترس ما به عراق پناه برده بودند. عراق که‌کمی ازما خیالش راحت شد، مبارزه علیه کویت را شروع کرد. هنوز جنگ تمام نشده، ولی در مذاکرات ما مطمئن شد که ما نمی‌خواهیم بجنگیم، بلافاصله با کویتی‌ها درمساله مرزی و مساله نفتی دعوایش را شروع کرده است. ما اوایل انقلاب اینها را چنان ترساندیم که این بیچاره‌ها با اینکه با عراق همیشه بد بودند، همیشه دشمنی داشتند، دعواهای مرزی داشتند، اینها این‌طوری شدند. حالا شرایط اول انقلاب و آن موقع‌ها شاید همان را اقتضاء می‌کرد، ما که نمی‌توانستیم با این شاه‌ها و امیرها این طوری بکنیم. کم‌کم مسایل شکل دیگری گرفت و الان می‌شود کاری نکنیم که در کنار خودمان دشمن داشته باشیم. همان مقداری که با ترکیه در جنگ مماشات می‌کردیم، مقدار زیادی مشکلاتمان حل می‌شد. اگر ترکیه راه را به روی ما در جنگ می‌بست، چه اتفاق بدی می‌افتاد؟ بنابراین سیاست خارجی به گونه‌ای باید اداره بشود که دشمن تراشی نکنیم، از همسایه‌هایمان بدی نبینیم، باج هم به کسی ندهیم، از ما هم کسی باج نمی‌خواهد. من به شما با صراحت اعلام می‌کنم در این مدتی که من سرکار بودم، هیچ کشوری در دنیا پیدا نشد که از ما باج بخواهد. یعنی چیز زیادی از ما نمی‌خواهند. آنها تمایل دارند که ایران مزاحم آنها نباشد وآنها هم با زندگی عادی با ما برخورد کنند. در همین داستان زلزله، تهاجمی که از سراسر دنیا شد و برای کمک به ما مسابقه ای شد، حالا مجموعه کمک‌ها چیزی نبود، اما معلوم شد که دولت‌ها می‌خواهند با ما رابطه دوستانه داشته باشند. خیلی ازآنها نمی‌خواهند عناد داشته باشند. به هرحال روح سیاست خارجی ما این است؛ در مقابل نفوذ خارجی به شدت می‌ایستیم، در مقابل عوامل وابستگی حساسیم، دشمن تراشی نمی‌کنیم و از این حرف‌های بچه‌گانه خیلی نباید زد. البته باید بحث وحرف باشد.

ما باید مواظب باشیم بچه‌هایمان گمراه نشوند واین از وظایف شماست. شعار دادن برای گمراه کردن بچه‌ها آسان است. من الان می‌دانم نیروهای چپ چپ از ما راضی نیستند، نیروهای راست راست هم از ما راضی نیستند و راضی نباشند. ما نمی‌توانیم آنها را راضی بکنیم. قطعاً نمی‌توانیم راضی بکنیم و مصالح مان را هم فدای رضایت آنها نمی‌خواهیم بکنیم. ولی باید تحملشان بکنیم و باید اجازه بدهیم حرف بزنند، چون حرف زدن و این بحث‌ها منافعی هم دارد، اندیشه‌ها برخورد می‌کند، تعادل ایجاد می‌کند و مسئولان را هوشیار می‌کند که مواظب باشند کار خلافی نکنند، کار مضری نکنند که مورد تعرض قرار بگیرند. حضور این‌گونه مسایل خوب است، اما نباید گولشان را خورد. باید مواظب باشیم و ذخیره‌هایمان را حفظ بکنیم. همین حمله‌ای که اخیراً به خبرگان شد، این از کارهای بسیار بد بود. نباید ما اجازه بدهیم چنین اتفاقی بیافتد. برای اینکه خبرگان کار اجرایی که ندارد ودر مزاحمت‌های پست و مقام و از این حرف‌ها نیست، سال‌های سال بگذرد، یک کاری لازم باشد مثلاً اگر خدای نکرده برای رهبر مساله‌ای پیش بیاید، حل بکند. چرا ما باید این را بکوبیم؟ چرا باید چیزی که احترامش پشتوانه عالی‌ترین نقطه اتکاء ما، یعنی مذهب ما و رهبری ما است، ما بیاییم این را تضعیف بکنیم؟ این چه هنری است؟ نباید این‌کارها را بکنیم، البته غیراز اهل علم، کسی جرأت این کار را ندارد، اما اهل علم هم نباید جرأت بکند، این گستاخی است. با مسایلی نظام را زیر سؤال ببریم، حرف‌های کلی بگوییم، مثلاً بگوییم ما وابسته می‌شویم، آرمان‌های امام کم رنگ شده، فراموش شده است. با گفتن اینها چه خدمتی به مردم می‌شود؟ چه خدمتی به این جوان‌هاست؟ چه اتفاقی افتاده که آدم این‌طوری حرف بزند؟ ما باید مواظب باشیم. ما باید کاملاً مواظب راست‌ها باشیم، آنها ممکن است به شرایط این‌گونه ما امید ببندند وخیال بکنند که دوباره خواب‌های آنجا را ببینند. من به شما مخصوصاً روحانیت عرض می‌کنم که حالا محرم هم است، در بحث‌های‌مان مواظب باشیم. ما واقعاً هر وقت از توده مردم، از مستضعفان و از محرومان فاصله بگیریم، بدترین ضربه را به اسلام زده‌ایم. طبقه مرفه و متمکن، آدم‌های خوب درون‌شان است، زیاد هم هست، اما آنها دل‌شان برای اسلام نمی‌سوزد،آنها لشگر اسلام نیستند، در حد خودشان باید مواظبشان بود که کار بکنند، تلاش بکنند و زندگیشان را بکنند. اما ما روحانیون، تیپ معمم، ما منادیان اسلام باید خودمان را از طبقه متوسط و

پایین‌تر از متوسط بدانیم. زندگی‌مان را باید همین‌طور بکنیم، یعنی همین حالتی که شما دارید، بسیار خوب است. ما در این ده سال تجربه خوبی داریم، بسیاری از علمای ما و شخصیت‌های ما دستشان به خیلی چیزها باز بود، اما عمدتاً از این حالت ازجا در نرفته‌اند و خودشان را حفظ کرده‌اند. ما باید این را حفظ بکنیم، مبادا روحیه حاکمیت به خودمان بگیریم و توده مردم را فراموش بکنیم. با توده مردم باید بجوشیم، همرنگ آنها باشیم، با آنها صمیمی باشیم، آنها با ما صمیمی باشند، آنها ما را از خودشان بدانند و ما هم آنها را از خودمان بدانیم. طبقات متمکن هم طبق موازین اسلام، آن‌قدری که اسلام قبول دارد، هستند، کارشان را می‌کنند، بایدجلوی تعدی‌ها و تجاوزشان را بگیریم. با این هوای گرم، من هم خیلی حرف زدم، اما فکر می‌کنم این مقدار در آستانه محرم و این جلسه‌ای که شما زحمت کشیدید، لازم بود.

والسلام علیکم و رحمه‌الله و برکاته

اسلام
برنامه زندگی انسان است

متن کامل خطبه ۹ آذر ۱۳۶۹
درباره ازدواج موقت

در خطبه اول هر نماز جمعه، بحث بر سر این بود که «اسلام برنامه زندگی انسان است» و گفته شد این برنامه زندگی، برنامه مشخص و روشن است و تصوری که خیلی‌ها دارند که معارف اسلام، مسایل مبهم و پیچیده و سربسته‌ای است، این درست نیست. برنامه مشخص روشن و قابل عمل و اجرا است. هدف هم تأمین سعادت انسان است. سعادت مادی و معنوی دنیا و آخرت است و قدم به قدم جلو آمدیم، برای ابعاد مادی و زندگی دنیایی که عرض شد.

برای اداره معیشت برنامه‌های مشخص و کلی دارد که در هر زمان به تناسب زمان قابل اجرا است.تأکید بر کار و تولید و نقد منابع زمین مواردی بود که گفته شد که زندگی مادی و دنیوی انسان را تأمین می‌کند.

آخرین بحث ما، بحث مصرف بود که دو خطبه درباره آن گفته شده و گفتیم در مصرف مثل بقیه موارد، اسلام طریقه اعتدال را پیموده است. نه طرفدار اسراف و زیاده‌روی و نه طرفدار ریاضت و خمودی و بی‌حالی است. همان طور که در تملک هم، همچنین بود که نه سرمایه‌داری و وسعت منطقه تصرف را ترویج می‌کرد و نه از فقر و نداری طرفداری

می‌کرد. بلکه کفاف و عفاف آنجا بود که در بحث مصرف قناعت است که با طبع قانع و در حد نیاز به عنوان یک حکم اسلامی هر کسی می‌تواند از منابع زمین و امکانات با کار بهره‌گیری کند.

روی این مسأله از آن جهت تکیه می‌کنم که فکر می‌کنم، افرادی هستند که هنوز کمابیش در دنیا خیال می‌کنند اسلام و ادیان آسمانی کاری به زندگی مادی مردم ندارند. آمده‌اند که رابطه بین انسان و خدا را اصلاح کنند و آسمانی حرف می‌زنند و نه زمینی و برای آخرت انسان برنامه دارند، نه برای دنیا. چون دینی به عنوان برنامه زندگی مطرح هست و به عنوان مکتب که مدیریت جامعه را در اختیار دارد.

قطعاً باید این شبهه‌ها را از ذهن عامه مردم پاک کنیم. مخصوصاً طبقات جوان که گاهی کلماتی را در بحث های اخلاقی می‌شنوند ، ممکن است برداشتشان این باشد که اگر بخواهند مسلمان باشند، این مساوی با تحمل مشکلات و درد و رنج ها است. قطعاً اگر این روحیه است، باید اصلاح شود. اکثریت مردم هم می‌دانند، اسلام چنین برنامه‌های ریاضت‌کشانه ندارد. اما واقعیت این است که کسانی هم هستندکه هنوز این طور فکر می‌کنند.

جاهایی نیز هست که جامعه دچار زیان است، آنجا رهبران فکری جامعه مردم را دعوت می‌کنند که در این سختی، خودشان را با قشر فقیر برابر کنند. وقتی که جامعه در حال تعادل است و می‌تواند زندگی خودش را اداره کند، اینجا صحبت از این نباید باشد که از کسی بخواهیم که سختی را تحمل کند.

گاهی جامعه نیاز به تحرک بیشتر دارد. آنجا رهبران فکری گفته‌اند؛ مردم تلاش و کار کنند.این کلیاتی بود که گفتیم.

در خطبه قبل، من وعده دادم که این بحث را تا بخش دیگری تکمیل کنم که امروز عرض می‌کنم. آیه قرآن این نکته مهم را در بخش مصرف و استفاده از نعمت های الهی تکمیل می‌کند. آیه می‌گوید: جهت حرکت، خودتان را با دین و فطرت منطبق کنید. صورت خودتان را که منظور جهت حرکت است، در زندگی درست تنظیم کنید. با دین از انحراف به راه حق متمایل شوید که درست همان نقطه محوری برنامه‌های دینی است.

بعد این دستور را به شکل دیگری تدوین می‌کند. همان فطرتی که خداوند مردم را

خلق کرده است، این همان است، یا این راه ترسیمی همان است. با فطرتتان سازگار است. نکته بسیار جالبی است.

بعد آخرش می‌فرماید: دین پابرجا و محکم و اساسی همین است که با فطرت سازگار باشد.

ما به بحث خیلی احتیاج نداریم. در میان جامعه اسلامی مان این جزء معتقدات ما است که خداوند هم خالق انسان و هم شارع دین است. کسی که انسان را با همه ریزه‌کاری های وجودش خلق کرده و آفریده و با علم حضوری همه چیز انسان را جامعه انسان می‌داند، این خدا است و کسی هم که دین را برای ما فرستاده، خدا است.

شارع و فاطر هر دو یکی است و دین را متناقض با فطرت نفرستاده [است]. این کاملاً عقلی است و استدلالش قابل روشن است.

کسی که آفریده و برای این آفریده خودش، قانون آورده و فرض هم این است که ما قبول داریم، او عالم و قادر است و ضعف و جهلی در او راه ندارد. قابل قبول این است که عقلاً بپذیریم دستوراتی برخلاف آن فطرت به ما داده باشد. اگر قرار بود، دستوراتی برخلاف فطرت به ما دهد، پس باید فطرت را به گونه دیگری می‌ساخت. چیزی ساخته و برای آن برنامه تنظیم کرده است.

نیازهایی که خداوند در وجود انسان خلق کرده، نخواسته که این نیازها بی‌جواب بماند. این نیازهایی که ما داریم، با حساب تعبیه شده است و با حساب باید اداره شود.

تمایلات انسانی بی‌پایان است و باید آنها هدایت شوند و باید راهشان را به انسان ارائه دهیم. به همین خاطر است که انسان نیاز به معلم و مربی دارد و به دین و قانون نیاز دارد و هیچ جامعه‌ای در هیچ دورانی از تاریخ تاکنون پیدا نشده که بدون قانون و دین اداره شده باشد.

حالا آنهایی که به فکر می‌افتند که آن قدر انسان را آزاد بگذارند که بدون محال هر چه می‌خواهد، از این تمایلاتی که دارد استفاده کند و حد و قیدی نداشته باشد، اینها هم در اشتباه هستند. چنین چیزی در دنیا عملی نیست. یک چنین آزادی ممکن نیست و آن چنان ظلم و تباهی دنبال آن است که در هیچ جامعه حیوانی هم قابل تحمل نیست.

انسان تمایلات و خواسته‌های درونی‌اش حدی ندارد و مثل خود وجود انسان بی‌پایان و

مثل خود حرکت تکاملی انسان بی‌پایان است و نقطه پایانی برای آن متصور نیست. در یک مرحله‌ای ممکن است اشباع شود؛ ولی این باز حرکت خودش را به شکل دیگری و به گونه دیگری ادامه می‌دهد.

دین وسط و دین معتدل و این همه بحث که از اعتدال می کنیم، به خاطر این است که احساس می کنم، حفظ این تعادل یک ضرورت است و نقش دین و قانون هم همین است و نقش مدیریت جامعه این است که این تعادل را در حرکت نیازها و امکانات واقعی به وجود بیاورد که حرکت ظلم و جور در جامعه نباشد.

مخصوصاً ما که به عنوان مفسّر دین و اسلام‌شناس برای مردم حرف می‌زنیم، قطعاً باید همیشه مراقب باشیم در تعلیماتمان، مردم را منحرف نکنیم. یا آن قدر با ولع آنها را بار بیاوریم که مهار نداشته باشند و هر تعدی را به نام اسلام انجام دهند و یا آن قدر آنها را خمود و راکد بار بیاوریم که در مسابقات جهانی عقب بیفتند و کفر از ما جلو بزند. این تعادل بسیار ضروری‌است و این حفظ آن است که اسلام از ما خواسته [که] در جامعه انجام دهیم.

در خطبه قبلی گفتم، آنهایی که دعوت به ریاضت می کنند، اشتباه می کنند. دو سه مورد نیز عرض می کنم. در بسیاری از مسایل هست که افراط و تفریط را در زندگی خود داریم، حتی در جوامع اسلامی. یکی از آنها مسایل مصرفی جامعه است. این وضعی که وجود دارد، عده زیادی آن قدر سوء استفاده می کنندکه دائماً دچار اسراف هستند و عده‌ای هم آن قدر محتاج هستند که بسیاری از نیازهای جسمی شان تأمین نمی‌شود. این خود نشان بی‌تعادلی جامعه است، والا کل امکانات جامعه را که ما نگاه می کنیم، برایمان روشن است که اگر عادلانه مصرف می شد، ما عقب مانده نداشتیم. اشکال کار اینجا است و ریشه بدبختی ها در همین تجاوزها است.

اگر ما خودمان فردی به این دستور عمل می کردیم، جامعه ما همیشه سالم بود؛ یعنی کسی بیش از حد لازم مصرف نمی‌کرد و آنهایی هم که ندارند، دستشان به این زیادی‌هایی که دیگران دارند، می‌رسید.

من روایتی از امام صادق(ع) برای‌تان می‌خوانم. خداوند اجازه داده که همه از مصارف خوردن و آشامیدن و مصارف پوشیدن و مسکن و مصارف حمل و نقل به طور متعادل

استفاده کنند. خب، بعضی ها اضافه دارند و این اضافه را به آنهایی که ندارند برگردانند. برای این برگرداندن هم، همان طور یک نصیحت است. تکیه من روی مواردی است که با اعتدال باید مصرف شود، حتی غرائز که خیلی ظریف‌تر از این موارد معمولی است که ما با حیوانات نیز شریک هستیم؛ مثلاً حس زینت طلبی و زیبایی دوستی، خداوند در وجود هر انسانی تعبیه کرده است که به چیزهای زیبا و خوش منظره عشق بورزد و علاقه‌مند باشد و از چیزهای بد منظره و بد شکل و بدقیافه متنفر باشد.

این چیزی نیست که به انسان ها تلقین کرده باشند، حالا ممکن است در تشخیص زیبایی ها، فطرت ها تفاوت داشته باشند.

یک سری چیزها برای همه زیباست و یک سری چیزها برای بعضی ها زیباست. این می‌تواند تفاوت پیدا کند. ولی اصل اینکه حس زیبایی خواهی و زینت‌طلبی یک حس جدی در انسان است و اگر نبود، انسان ها به تکامل کشیده نمی‌شدند، این یک واقعیت است. حالا ما بیاییم با مناظر زیبا و زینت ها مخالفت کنیم!

این کار، مبارزه با طبیعت و فطرت است و چیزی است که خدا هم نخواسته است.در قرآن ببینید زینت را چقدر آورده است، حتی این کرات آسمانی که هر یک برای خودشان عالمی دارند و مسایل خاص خودشان را دارند، چون در منظره ما، حرکت یک منظره زیبایی را در شب برای ما مشخص می‌کنند، خداوند از همین منظره که به خاطر اهداف فراوان دیگری در دید ما ترسیم شده، به عنوان نعمت هایش اسم می‌برد.

قرآن صریح به ما می‌فرماید: ما مکلفیم که در مساجد وارد می‌شویم، آن جایی که مردم جمع می‌شوند، با لباس بهتر بیاییم و این یک دستور قطعی است. چرا این گونه است؟ این دستور در خانه آن قدر نیست، آدم وقتی که تنها هست، چنین دستوری ندارد؛ البته برای همسرش و اطرافیانش چرا، اما برای خودش این نیست، این یک حالت اجتماعی قضیه است که نخواسته ما را به سیری بیاندازد که فقط دنبال منظره‌های تنفرآمیز باشیم. اصلاً قیافه یک مسلمان، اگر ما واقعاً بخواهیم قرآنی فکر کنیم و مسلمان باشیم، قطعاً باید در جوامع بشری زیباترین قیافه انسان باشد. از لحاظ لباس، لازم نیست گران بها باشد، گران بها بودن با زیبا بودن خیلی تفاوت دارد.

از مناظر زیبا استفاده کنیم، یکی از چیزهایی که در جامعه ما انحراف بود و هنوز هم

هست و متأسفانه اصلاح نشده، در این مملکت هر جای خوش آب و هوا و منظره خوبی که وجود داشت، طاغوت ها و رفاه‌طلب ها و آنهایی که کاری به اسلام نداشتند، متعلق به آنها بود و غیر مناسب همیشه متعلق به مسلمان ها بود. شمال شهر و مناطق لب دریا از آن آنها بود، مناظر خوب، مراتع و جنگل ها و کوهستان ها را آنها تصرف می کردند.

آدمی که مسلمان است، یک چنین فرهنگی دارد و ما تلاش کردیم که این فرهنگ را به هم بزنیم، ولی هنوز نشده است. یک فرهنگی وجود دارد که آدم های متدین و مقدس و حزب‌اللهی زندگیشان با جاهای بدمنظره و بی‌زینت و نامناسب برابر است . یک وقت بحث این است که اینها نمی‌خواهند اسراف کنند، این درست است. یک وقت زینت همراه با اسراف است، جامعه‌ای که فقیر دارد، اسراف در آن واقعاً گناه بزرگی است که نباید مرتکب شد. یک وقت است که این یک فرهنگ در جامعه شود که من این خطر را برای جامعه اسلامی می‌بینم. اگر فرهنگ شود که اصلاً مقدس بودن و حزب‌اللهی بودن و متدین و متعهد بودن برابر است با این که آدم قیافه‌اش قابل رویت نباشد، این گناه است، اسلام با این مبارزه کرده است.

با یک نوع عصبانیت می‌فرماید؛ چه موقع به شما آمده و گفته شده که زینت ها حرام است، این یک نوع اعتراض و ملامت است که قرآن آن را متوجه مردم می کند، چون چنین طرز تفکری، آن موقع هم بوده است. خیال می کردند که بی‌دین ها باید در جامعه تر و تمیز و خوش منظره باشند، ولی مردم متدین باید جلنبر باشند.

این طرز تفکر بسیار ضرر دارد و جامعه را منحرف و اسلام را بدنام می کند. حرکت جامعه را می کوبد. روایتی است که متعلق به حضرت امام حسن(ع)می باشد. وقتی که امام حسن (ع) مشغول نماز می‌شدند، بهترین لباس هایشان را می‌پوشیدند. بعضی از همان تیپ های نادان آمدند و اعتراض کردند و گفتند؛ چرا شما در حال نماز که می‌خواهید با خدا رابطه داشته باشید، لباس های بهتر را می‌پوشید؟

فرمود: خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد و من هم برای خدای خودم که زیبایی را دوست می‌دارد و این زیبایی ها را هم به من داده، خودم را زیبا می کنم. این منطقی است و به اندازه کافی هم ما سند داریم که هیچ جا اصلاً اسلام در صدد نبوده است که حس زیبایی خواهی را در انسان ها بکوبد و واقعاً الان جامعه اسلامی ما این گونه

نیست.

نمازهای جمعه اگر بخواهد منظره اسلامی داشته باشد، باید مردم که می‌آیند، بهترین لباس‌هایشان را و عالی‌ترین حالت آرایشی در همان سطحی که در زندگی‌شان هست، داشته باشند. اصلاً باید مانور تجمل باشد، نه تجمل فوق حساب آن زیبایی هایی که هست. الان این گونه نیست و قبول کنید که در بعضی مساجد که آدم می‌رود، وقتی که اجتماع هست، بوی عرق پاها انسان را آزار می‌دهد. ما دستور شرعی داریم، شما باید عطر به خودتان بزنید، باید سرتان را شانه کنید، ریشتان را شانه کنید، لباس های‌تان تمیز باشد. خود پیغمبر(ص) شخصاً مقید بود، هر وقت که می‌خواست به جایی برود، به آب نگاه می‌کرد و مراقبت می‌کردند که یک منظره نامناسبی جلوی میهمانان نباشند. ما این طور نیستیم و جامعه ما اگر هم هست، به عنوان اسلام نیست.

خیلی‌ها مراعات می‌کنند و خودشان را تمیز می‌کنند و لباس خوب می‌پوشند، ولی نه به عنوان اسلام ، بلکه خیال می‌کنند که این ضد اسلامی است و بعضی ها هم نگاه می‌کنند و می‌گویند، این قرتی است. این گونه نیست. ما فقط به خاطر اسلام می‌توانیم به عنوان عبادت با قصد قربت، سر و صورت خودمان را، لباس خودمان راتمیز نگه داریم. حالت زیبایی خواهی و استفاده از جمال از منظره خوب چیزهایی است که حکم اسلامی است و خواست اسلام است.

یا مثلاً همین غریزه جنسی که خداوند به انسان ها داده است، ما خیال می‌کنیم که هر قدر آدم صبر و تحمل کند و به خودش فشار بیاورد و از لحاظ جنسی محرومیت بکشد، خیلی خوب است. این درست نیست و غلط است و ضداسلامی است. من خودم هم جزء مسئولین هستم و این اشکال به خود ما هم وارد است که اگر جامعه‌مان این طوری است و فرهنگ جامعه این طوری شده که خیال می‌کنند، کسانی که به هر دلیل از مسأله ارضای غرایز جنسی عقب می‌مانند، اینها آدم های متعهد و سالم اسلامی و صبور هستند.

بله، در مقابل حرام، صبر کردن تکلیف است. اگر کسی خودش را از حرام حفظ کند و هر قدر صبر کند، ولو محروم باشد، این تکلیف است و باید باشد، اما این را خدا و اسلام این گونه از ما نخواسته‌اند. الان فرهنگ جامعه ما این است که بچه‌های ما و جوانان ما اگر بخواهند تقوا را ملاحظه کنند و حیثیات ظاهری را در جامعه ملاحظه کنند، باید تا ۲۵ سال

۳۰ سال و تا آن موقعی که بتوانند خانه و زندگی و کاری درست کنند، محروم از اشباع غرایز جنسی‌شان باشند، خب ما می‌دانیم، بچه که به ۱۵ سال رسید و وقتی که مکلّف شد، یک نیاز جنسی در وجود او پیدا می‌شود و خداوند هم به ما نگفته است که این نیاز ارضاع نشود، آثار جسمی و روانی بدی هم این ریاضت روی انسان می‌گذارد و علم هم این را تأیید می‌کند.

عقده‌هایی که از این محرومیت، نصیب انسان ها می‌شود، همه جا ظهور می‌کند. واقعاً هم دین ما این مسأله را راحت بیان کرده است و جزو آسان‌ترین کارها در زمان پیغمبر(ص) بود. الان هزاران، صدها هزار و شاید میلیون ها نفر زن بی‌سرپرست، بیوه، طلاق گرفته، شوهر مرده، ازدواج نکرده در جامعه وجود دارند که محروم هستند. چون یک بار ازدواج کردند و شوهرشان مرده یا طلاق گرفتند، تا آخر عمرشان همین طور بمانند! حالا در جامعه عیب است که خانم دو تا شوهر کندیا ارتباط موقت با دیگری داشته باشد. این چه حکمی است.

ما نه در زندگی‌مان می‌توانیم مثل غربی ها بی‌بند و بار باشیم و نه نیاز داریم آن گونه باشیم، چون اسلام ، راه درستی را به ما نشان داده [است] . اینکه ما دانشجویان‌مان تا نهایت تحصیلی مجبور باشند به خاطر شرایط زندگی، تحت فشار غریزه جنسی زندگی کنند و در محیط دانشگاه دختر و پسر با هم در کلاس درس بخوانند و یا در خانه‌های تنگ و کوچک، دختر جوان و پسر جوان زیر یک سقف زندگی کنند، در مراکز آپارتمانی و مسافرت ها و اتوبوس ها، تاکسی ها و پارک ها، با هم معاشرت داشته باشند و این حس دایماً تحریک شود و راهی برای نجات از این فشار نداشته باشند، چه کسی می‌گوید، درست است؟ خدا و پیغمبر(ص) که نگفته، قرآن که نگفته، اخلاق اسلامی که نگفته، دنیا هم که نمی‌گوید.

ما خودمان یک فرهنگ غلطی در ذهن‌مان به عنوان یک عرف درست می‌کنیم و این برای همه عیب می‌شود. به خاطر اینکه چند نفر عیاش که می‌خواهند تنوع طلبی کنند و از ازدواج موقت سوءاستفاده کنند، درست نیست. مبارزه با فطرت است. ریاضت بی‌جاست، ریاضت مضر است. حالا آدم گاهی یک خلاف نفسی مرتکب می‌شود و به خاطر صبر و تحملش نتیجه‌ای می‌گیرد، اینجا این هم نیست. آثار نامطلوبی می‌گذارد که بعداً در روابط

اجتماعی انسان ظهور می کند.

طلبه‌های ما، این همه جوان، معمولاً تا یک سن بالایی تحت همین فشار هستند، دانشجویان ما این گونه هستند، سربازها، زن های فراوان بیوه‌ای در جامعه هستند که این گونه‌اند. اگر راه نداشتیم، حرف نداشتیم ، می گفتیم خداوند گفته و ما هم همین طور عمل می کنیم. گفتم، این قانون نیست و دستور حکومتی هم نیست. هیچ دادگاهی الان اگر کسی برود و صیغه کند و ازدواج موقت کند، هر کس شکایت کند، حق ندارد آنها را تعقیب کند. این قانون نیست، این یک قانون ننوشته‌ای است که فرهنگ غلط در جامعه بر ما تحمیل کرده، مثل بقیه ریاضت هایی که بر ما تحمیل شده است.

ما اگر این قانون را نشکنیم، نمی‌توانیم با مفاسد اجتماعی مبارزه کنیم. آقایان شعار می‌دهند، ما بی‌حجاب نمی‌خواهیم، چرا با فساد و فحشاء مبارزه نمی‌شود. مبارزه اصلاً این نیست، مبارزه‌ای که قرار بوده بشود، این نبوده، مبارزه این بوده که راه را باز کنیدتا به طور صحیح و قانونی و منظم، نیازهای فطری جوان هایتان اشباع شود، بعد اگر دیدید پا به جای خطایی می گذارد، آن موقع جلویش را بگیرید. ولی کسی که الان تحت فشار غرایز جنسی خودش دیوانه شده، اگر به یک زن نگاه کرد ویا به گونه دیگری برخورد کرد، قضاوت کردن درباره او بسیار دشوار است و هر کسی هم در زندگی خودش می‌تواند این مسایل را بفهمد.ما باید واقعاً این سنت های غلط، فرهنگ های تحمیلی واین ریاضت های بی‌جایی که بر قشر جوان مظلوم ما الان تحمیل شده، باید ازبین ببریم.

راه هایی گذاشته‌اند که همه ما هم آنها را می‌دانیم.افراد خیال می کنند مثلاً برای ازدواج موقت لازم است که پیش یک آقای معممی بروند. ممکن است یک زن و مرد خجالت بکشند که بروند آنجا و صیغه عربی بخوانند، این حرف ها لازم نیست.[به زبان]فارسی هم می‌توانند قرارداد بگذارند و این مساله ای است که شرعاً گفته‌اند. با هم قرار بگذارند، ما یک ماه، دو ماه با هم هستیم، اگر فرزندی داشت تکلیف فرزندش را روشن کنند، تکلیف دوران عده را مشخص کنند. بالاخره مسایل بایدمشخص شود.ولی برای اینکه نظم داشته باشد، اگر در دفتر ثبت شود و منظم باشد بهتر است و این رسمی است.

به هر حال من به عنوان نمونه عرض می کنم و از این نمونه‌ها در زندگی افراد، در ابعاد مختلف خیلی زیاد است. همه اینها در آن بحث قبلی عرض کردم، یک نوع روحیه

زهدنمایی و زهد فروشی است که از یک جایی شروع می‌شود و کم کم رشد می کند و به عنوان تقدس و حرکت های با ارزش رشد می کند و تبدیل به یک فرهنگ می‌شود. مثلاً در جامعه، شهرت طلبی یک عیب می‌شود، جاه‌طلبی یک عیب می‌شود. چه کسی گفته جاه‌طلبی عیب است؟

خداوند در وجود ما گذاشته است که به گونه‌ای حرکت کنیم که در جامعه موجه باشیم. جامعه ما را قبول کند، همه موظف هستیم که این گونه باشیم. وجیه‌المله بودن عیب نیست، کارهای خلاف و دروغ و ریا کردن برای اینکه مردم به دروغ ما را خوب بدانند، این عیب است. تعریف می‌شود که یکی آن قدر آقای خوبی بود که شب جمعه می‌رفت در بازار و شراب می‌خرید، به گونه‌ای که مردم خیال می کردنداین آقا شراب می‌خورد و همه لعن و نفرینش می کردند که عجب آدم بدی است. بعد فهمیدند که نه، شراب ها را می‌خریده تا مردم نخورند. خب، از اول بگو که من می‌خرم تا مردم نخورند. چرا این گونه جودرست می کنی، این که هنر نیست. این گناه است.

لباسی که آدم بپوشد، برای اینکه این آقا مشهور شود که مثلاً حزب‌اللهی است و یا قناعت پیشه است و یا زاهد است، این گناه است. این لباس شهرت است که گناه است. آدمی نباید به شیوه‌ای زندگی کند که توجه همگان را به خودش جلب کند و افکار عمومی را متوجه خصوصیات و صفات مثبت و متعالی خودش کند و یا اینکه به شکلی به خودنمایی بپردازند که دیگران به او نسبت حزب‌اللهی و مذهبی بودن را بدهند.

لیکن نفس خود این اعمال و حرکات گناه به شمار می‌آید. این نوعی ریاکاری محسوب می‌شود که اگر چنان چه جا بیفتد و در جامعه متداول و معمول گردد، بسیار خطرناک می‌باشد و در مجموع جامعه را به سوی مسیر منحرفی سوق خواهد داد. حال آنکه نه پیغمبر(ص) و نه علی(ع)، زهرا(س)، ائمه اطهار(ع) و بزرگان و علمای ما هیچ کدام اهل چنین صفات و خصوصیاتی نبودند.

البته افراد منحرف هم پیدا می‌شوند که به خاطر توجهات خاصی که در فرهنگ غلط ما به آنها داده می‌شود، از این گونه حرکات و سکنات انحرافی به عنوان ابزاری در جهت کسب وجاهت خودشان از آن بهره می‌جویند. این دسته از افراد با ارتکاب این گونه اعمال، هم خودشان مرتکب گناه می‌شوند و هم جامعه را به سوی انحراف می کشانند. این

اسلامی که ما خود را منتصب به آن می‌دانیم، اسلام فطرت به شمار می‌رود و فطرت هم شامل عناصری است که خداوند در وجود ما به ودیعه نهاده است و باید به طور متعادل و هدایت شده اشباع گردد.

اگر چنان چه ما جامعه سالمی داشتیم، تمامی خانم های بیوه‌ای که در کشور زندگی می‌کنند، اگر زمانی احساس نیاز و تنگنا می‌کردند، می‌توانستند به عنوان یک نقطه مثبت و قوت از یکی از آشنایان و نزدیکان خود، جهت انجام امر ازدواج موقت به عمل آورند، بدون اینکه مورد تقبیح و توبیخ کسی واقع شوند.

البته باید این نکته را هم متذکر شد که این مسأله نباید مستمسک و وسیله‌ای برای مردان زن‌داری شود که با رفتن به دنبال عیاشی، باعث از هم فروپاشیدن کانون های گرم خانوادگی گردند. بلکه این برنامه و راه را برای آن عده از کسانی که با تحمل وضعیت و شرایط متضرر می‌شوند، تجویز نمودند، ولی متأسفانه با سوءاستفاده‌هایی که از این گونه احکام و برنامه‌ها می‌شود، اصل مسأله عملاً لوث می‌شود.

در همین راستا، جوانان تا قبل از دستیابی به شرایط امکان ازدواج و تشکیل خانواده، بتوانند از مزایای ازدواج موقت استفاده کنند و در همین رابطه، هم مردها و هم زنها بتوانند از این روش استفاده نمایند. فرضاً یک زنی که یک یا چند بار ازدواج کرده و در حال حاضرشوهرش فوت کرده و یا طلاق گرفته است، حتی برای بار دوم یا بیشتر هم چنان چه نیازش اقتضا کند، می‌تواند به امر ازدواج موقت مبادرت ورزد.

مگر زنان بزرگ تاریخ ما به چنین شیوه‌هایی دست نمی‌یازیدند؟ خود حضرت سکینه دختر امام حسین(ع) که یک عالمه، شاعره و شخصیت بزرگ بود، برای چندین بار اقدام به ازدواج نمودند.

یا اینکه خود حضرت زهرا(س) به هنگام فوت‌شان به عنوان اولین وصایای‌شان به حضرت علی(ع) فرمودند که من می‌دانم مرد احتیاج به زن دارد و شما بعد از من، باید اقدام به ازدواج نمایید و فقط خواهش می‌کنم که با فلان زن ازدواج کنید، به صرف اینکه آن زن با بچه‌های من مهربان خواهد بود. بعد از چند روزی که از فوت آن حضرت می‌گذشت، همسرش حضرت علی(ع)، مبادرت به ازدواج نمودند. در حالی که برخلاف تصور، این طور نبود که پس از پشت سرنهادن چهلم فوت و لباس سیاه و عزا را از تن به

درآوردن، دست به این اقدام بزنند، بلکه چند روز بعد از فوت آن حضرت، ازدواج نمودند.

کل جامعه ما در تمام ابعاد زندگی اعم از مادی، اعتدال اسلامی، کار کردن، تصرف و مالکیت، مصرف و استفاده از مواهب طبیعی، گرفتار افراط و تفریط و قید و بندهای عرفی از نوع ساختگی و تحمیلی شده است که به طور تدریجی در جامعه به عنوان ارزش جاافتاده است و شکل تقوا را به خود گرفته است و آن کسانی هم که خود را درگیر چنین مسایلی می‌کنند، در این تصور هستند که آدم های با تقوایی‌اند. حال آنکه به خدا چنین چیزی نیست. شاید در دل‌شان مقید به ایمان و تقوا ـ به تعبیری که از آن دارند ـ باشند، اما ایمان آنها ایمان واقعی نیست. تقوا در حقیقت عمل کردن به احکام الهی است. یعنی به واجبات عمل کنیم و حتماً از حرام بپرهیزیم، به مستحبات علاقه‌مندی نشان دهیم و از مکروهات متنفر باشیم. اگر انسان واقعاً بدین منوال عمل نماید، چنین شخصی متقی به مفهوم اخص کلمه می‌باشد.

مقاله مذاکره مستقیم[1]

سید عطاءالله مهاجرانی

جیمز بیکر وزیر خارجه آمریکا در روز یکشنبه گذشته اعلام کرد که آمریکا آماده است با مقامات ایرانی مستقیما مذاکره نماید. ممکن است بگویید به همین دلیل فتنه‌ای در کار و توطئه‌ای برپاست و الا چگونه است که بیکر پیشنهاد مذاکره مستقیم داده است. در هر حال این خود شیوه‌ای است که صرف نظر از سنجش سخن و موضع، صرفاً به همین اعتبار که گوینده چه کسی است می توان بر سخن خط بطلان کشید و در پس هر حرفی توطئه ای را کشف نمود.

به گمانم می توان از زاویه ای دیگر نیز مذاکره مستقیم را سنجید و بین مذاکره مستقیم و مذاکره غیر مستقیم، طرف بهتر و یا لااقل آنکه شرش کمتر است را برگزینیم. فرض‌های ما از این قرارند:

۱ – ما قطعنامه ۵۹۸ را پذیرفته ایم. گردش کار و تداوم این قطعنامه با هدایت دبیرکل سازمان ملل و عملاً زیر نظر شورای امنیت انجام می شود. آمریکا عضو دائم شورا و نیز مؤثرترین عضو می باشد.

۲- از زمان پیروزی انقلاب تا به حال مابین آمریکا و ایران مسایل متعدد و متنوعی از قبیل بلوکه شدن دارایی های ایران و جلوگیری از ارسال قطعات یدکی خریداری شده که

---

۱ - این مقاله در روز ۶ اردیبهشت ۱۳۶۹ در روزنامه اطلاعات به چاپ رسیده بود.

مصرف نظامی داشته اند و ... وجود دارد.

۳ – چهار نفر از اتباع ما و نیز تعداد قابل توجهی از مسلمانان مظلوم لبنان از جمله شیخ عبید در دست گروه های طرفدار آمریکا و اسرائیل به گروگان گرفته شده اند.

۴ – عراق به عنوان دشمن بالفعل و بالقوه ما با بهره گیری از امکانات جهانی و سازماندهی محاسبه شده روابط بین المللی و دیپلماسی خود هر روز در جهت تقویت نظامی و سیاسی خود بیشتر کوشیده است.

۵ – و بالاخره بازسازی صنعتی و اقتصادی کشور و گذر از تخریب های عظیم دوران جنگ، وظیفه محتوم ماست که کمترین درنگی در آن پذیرفته نیست.

اینها فرض های قضیه بود، مذاکره در تاریخ عالم و آدم همواره به عنوان امری بسیار بدیهی که نیاز به برهان و توجیه ندارد به کار گرفته شده است.

مذاکره مستقیم انبیاء الهی با دشمنان خدا، سنت و سیره پیامبر اکرم و امیرمؤمنان و سایر ائمه معصومین، عرف انقلابیون و سیاستمداران مستقل دنیا و بالاخره این برهان و بیّنه که مذاکره به معنی پذیرش سلطه و انقیاد نیست امری در خور توجه است که به ویژه آنکه در دنیای امروز ما نخواسته ایم دیواری بلند به دور کشور و مردم بکشیم و در دنیای نفی رابطه زندگی کنیم. داستان گروگان ها، داستان عبرت آموزی است به همین اعتبار که دولت دوست و برادر سوریه، از مذاکره مستقیم با آمریکا پرهیز نکرده، تبدیل به ستاره تبلیغاتی سناریوی آزادی گروگان ها شده و مصالح و منافع ملی اش را پیش برده و کم و کیف به تعبیر رییس جمهور آمریکا بر آمریکا پوشیده مانده است!

به گمانم اگر در شرایط ویژه ای که هستیم، مصلحت های کشور و انقلاب را بر سایر امور ترجیح ندهیم ، بهره اش از دست رفتن فرصت ها برای انقلاب و کشور و ملتی خواهد بود که دشمنانش می خواهند فرصت های او را بگیرند و سال ها پس از سال ها بگذرد و ما در وادی بازی با شعار مثل بازی با یخ متوقف بمانیم.

تصویری از برنامه بازسازی و سازندگی در سال ۱۳۷۰

سخنان آقای هاشمی، رییس جمهور،

در جلسه تقدیم بودجه به مجلس شورای اسلامی

بسم الله الرحمن الرحیم

خداوند را شکر می گذاریم که این توفیق را به مجموعه ما داد که بتوانیم دومین بودجه سالانه کشور را در دوران خدمت دولت، به گونه ای که تا حدود زیادی می تواند وظایف و اهداف و خواسته هایمان را در جهت تحقق اهداف برنامه پنج ساله تأمین کند، به خدمت نمایندگان محترم مردم در مجلس شورای اسلامی بیاوریم.

قبلاً از محبتی که ریاست محترم مجلس، برادر بزرگوارمان جناب آقای کروبی فرمودند و همچنین محبتی که در بدو ورود، از طرف برادران بزرگوار دیدیم، تشکر کنم و از همکاری صمیمانه‌ای که در دوران کار دولت از طرف مجلس ما داشته ایم که رکن بزرگی در تحقق اهداف بوده، صمیمانه سپاسگزاری کنم.

آنچه که ما از ابتدای انقلاب فکر می کردیم، بودجه ای در سطح این بودجه ای که امروز خدمت شما آورده ایم، نبود، اما شرایطی که استکبار جهانی بر ما تحمیل کرد و

شرارت هایی که نسبت به انقلاب کردند، خیلی از کارها را عقب انداخت؛ گرچه از بُعد معنوی همه این شرارت‌ها باعث تحکیم موقعیت انقلاب و پایداری مردم ما و صیقل خوردن آرمان‌های انقلاب گردید، ولی از بُعد مادی تأخیرهای جدی در رسیدن به اهداف انقلاب به‌وجود آورد.

در عین حال نسبت به آنچه که ما از بدو تأسیس دولت برای کارهای کشور فکر می کردیم، به‌نظر من رضایت‌بخش و امیدوار کننده است و می تواند دلیل و سندی باشد که کشور ما استعدادها و امکانات و مایه های کافی را برای حرکت به‌سوی استقلال اقتصادی دارد.

خواهشی که از شما برادران بزرگوار دارم، این است که روی این ارقام و اعداد و شاخص‌ها و مقایسه هایی که در این بودجه آورده ایم، دقت کافی بفرمایید و با دید نقّادی با آن برخورد کنید. کمیسیون‌های مجلس قطعاً می توانند بودجه را از لحاظ کیفیت غنی‌تر و سالم‌تر کنند و من یقین دارم همان‌طور که در مورد برنامه اتفاق افتاد، آنچه که از مجلس بیرون می آید، از آنچه که ما آورده ایم، سالم تر و عملی تر خواهد بود.

قطعاً فرصتی که مجلس با جمعیت فراوان و افراد وارد دارد، از فرصت دولت بیشتر است و دست شما هم باز است. وزرا و سازمان برنامه و بودجه هم قطعاً با شما همکاری خواهند کرد و هر عدد و رقم و هر آماری و هر چیزی که خواسته شود، باید سریعاً تحویل شما شود و در جهت اصلاح ساختار بودجه، یک حرکت تکاملی داشته باشیم.

هستند کسانی که بعضی از سیاست های دولت و یا برنامه را قبول ندارند، این یک حق طبیعی برای همه ما و مخصوصاً نمایندگان است که نظرات خودشان را داشته باشند. اما فکر می کنم نه تنها دولت، بلکه مجموعه نظام، در این یکی دو سال توانسته است مراحل سختی را پشت سر بگذارد و راه درستی را انتخاب کند که آمار و ارقام این بودجهٔ پیشنهادی ما دلیل خوبی خواهد بود. مخصوصاً خواهش من این است کسانی که با بعضی از سیاست ها مخالف هستند، با دقت و انصاف برخورد کنند و ببینند این نکاتی که قابل توجه است و قطعاً ما هم به نظرات آنها توجه کنیم.

آن روزی که من می خواستم به عنوان مسئول دولت، پا در میدان بگذارم، در همین مجلس، برادرانی که الان خودشان قطعاً یادشان است، در جلسات متعدد به ادله خیرخواهانه

من را نهی می کردند و گاهی هم جلسات طولانی می شد.

حرف همه هم دلسوزانه بود که می گفتند، کشور، بعد از جنگ مشکلاتی دارد و با این خونریزی فراوانی که از پیکر اقتصاد کشور در هشت‌ساله جنگ شده، دوران بسیار مشکلی را بعد از جنگ خواهیم داشت و تاریخ کشورهایی مثل ژاپن، آلمان، ایتالیا برای اثبات نظرشان را به رخ می کشیدند و می گفتند با این مشکلات جهانی، فشارهایی که روی ما هست و مساله جنگی که ناتمام مانده و دشمن در خاک ماست و بایکوتی که ما هستیم، برخلاف آن دولت‌ها که حمایت های جهانی را بعد از جنگ داشتند، نمی شود کار مهمی کرد و بهتر این است که افرادی مثل تو که به‌خاطر نزدیکی به امام (ره) و به‌خاطر روحانی‌بودن و به‌خاطر جنبه های فرهنگی داشتن مسئولیت مستقیم جوابگویی مشکلات، این مسئولیت را به‌عهده نگیرید و تو بهتر است که در مجلس بمانی و همان‌طور که در دوران قبل بود، مجلس به‌عنوان پشتوانه دولت، می تواند باشد و تو حمایت کن که از مراحل سخت بگذریم. این نصیحت قطعاً خیرخواهانه بود و من هم می فهمیدم که درست می گویند که مشکل هست.

من عرض کردم که این هم درست نیست که ما به عنوان اینکه روحانی هستیم و می‌خواهیم کمتر مورد انتقاد قرار بگیریم، بار را به دوش افرادی که به هرحال آنها هم سیاست‌های ما را اجرا کرده اند، بگذاریم و یک کار خودسرانه ای که نبوده، سیاست های حضرت امام (ره) بوده، سیاست های ما بوده و همه ما شریک هستیم و اگر مشکلی هست ما باید به مردم جوابگو باشیم و چنین تقسیمی عادلانه نیست بگذاریم وارد میدان شویم بخصوص که شرایط هم بگونه ای بود که من می توانستم بعضی از گره های مسایل را باز کنم.

من پذیرفتم و می دانستم که کار بسیار بسیار دشوار است، در عین حال با روحیه امیدواری که دارم، فکر می کردم که کارها را می شود سامان داد. خوشبختانه این چیزی که امیدوار بودم تا این لحظه و بهتر از آن چیزی که فکر می کردم، رسیده ایم؛ یعنی یک ذره هم از حد امیدم کاسته نشده، بلکه نشاط بیشتری گرفتم و فکر می کنم که راه‌ها هموارتر است. اطلاعاتی که در مجموع دارم، این روحیه را به من می دهد.

خوب، بحمدالله خداوند هم کمک کرد و ما مشکل جنگ و قطعنامه را به خوبی

توانستیم از سربگذرانیم و دشمن از خاک ما بیرون رفت و شرایط ما پذیرفته شد و شرایط منطقه ای به نحو بهتری بوجود آمد.

در دنیا این شرورهایی که همه زهرهایشان را به طرف ما نشانه گرفته بودند، فهمیدند که این زهرها خیلی کارگر نیست و به فکر نجات سیاست های خودشان افتادند. این فشارهای جهانی به اندازه زیادی کم شده، البته هنوز آن عمق خصومت ها باقی است و هیچ کس از آن شرورها، خوشحال نیست که جمهوری اسلامی ایران مشکلاتش را حل کند، ولی در مقابل واقعیت ما، یک مقدار ممکن است تسلیم شوند.

امروز همان‌طور که می دانید، جمهوری اسلامی به عنوان یک کشور دارای حق و رسالت و دارای مشی مشخص و مستقل، تقریباً در همه جبهه های دنیا شناخته شده است و بدجنس‌ترین منتقدین ما، الان قبول دارند که سیاست های جمهوری اسلامی، سیاست‌هایی است که نشانه استقلال و اراده ملی و ادامه راه انقلاب است. حالا سم پاشی هایی می شود که دیگر اینها طبیعت امپریالیسم خبری است که شماها نیاز به توضیح ندارید.

از حرف‌هایی که به ما زده می شد که ما را متوجه مشکلات بکنند، می گفتند که شما بین این کشور چه مقدار به منابع داخلی، بانک‌ها و نپرداختن به تعهدمان مقروض هستیم.

بین وضع راه‌ها، وضع برق، کمبود بنادر، کمبود تجهیزات، کمبود قطعات، وضع حمل‌ونقل، وضع نیروگاه‌ها، وضع کشاورزی، کمبود ابزار، کمبود سوخت، وابستگی به سوبسید که تقریباً بخش عظیمی از مردم، الان عیال دولت محسوب می شوند و توقعات فراوان مردم بعد از جنگ و حق عظیم این رزمندگان مستضعفی که از طبقه محروم بودند و در دوران جنگ با این صلابت دفاع کردند و حالا حق دارند، نیازهای آموزش و پرورش، نیازهای دانشگاه‌ها، کمبودهای شدید در بخش بهداشت، کمبود استاد و معلم، همه اینها چیزهایی است که بعد از جنگ به آن جواب دهیم و همه اینها مطالبه جبران گذشته‌شان را می کنند و خوب، اینها برای همه شما روشن است.

آنچه برای ما مایهٔ نشاط و امید بود، استواری مردم، هوش مردم، اطلاعات قشر عظیمی از مردم و روحیهٔ انقلابی بسیاری از مسئولین کشور و علاقه ای که مردم به انقلاب و راه و دین‌شان داشتند، اینها همه به اضافه منابع بسیار غنی کشور، پشتوانه های عظیمی است. خوب، هر انسان مسئولی را وادار می کرد که با توجه و با اتکاء به این امکانات، وارد میدان

شود و بگوید که کسی که اینها را دارد، فقیر نیست.کسی که این همه مایهٔ حرکت و نشاط در خودش دارد و پشتوانه ای به این عظمت را دارد، فقیر نیست.

این روحی که حضرت امام امت (ره) در این سال‌های مبارزه و سال‌های بعد از انقلاب در این مردم دیدند و مردمی را که امام ساختند، آدم‌هایی فولادین و زبرالحدیدی که در روایات ما به عنوان ابزار اصلی نهضت اسلامی مشخص شده و از انفاس قدسیه امام به‌وجود آمده، این سرمایه› یک سرمایه ای است که هرکس از این مسئولیت شانه خالی کند، پیش خداوند هیچ جوابی ندارد و نمی شود انسان بگوید که اینها را دارد و اینگونه ردیف کردن مشکلات، می تواند مایه این باشد که آدم حجت داشته باشد در مقابل خداوند که بگوید که دیگر نمی شود کاری کرد و باید تسلیم بود. البته هیچ کس مدعی نبود که باید تسلیم شود و حرف همه این بود که ما یک دوره ریاست جدی را در پیش داریم تا اینکه از این مرحله عبور کنیم و من هم قبول دارم که کار دشواری است و داریم عبور می کنیم.

برنامه‌ای که به مجلس آمد، البته برنامه را عمدتاً دولت قبل تهیه کرده بود. سیاست‌های برنامه در زمان دولت قبل تهیه شده بود و به تصویب حضرت امام (ره) رسیده بود و مواد برنامه را هم دولت قبل تهیه کرده بود و ما با یک دوران کوتاه چند هفته ای، تعداد کمی اصلاحات در برنامه کردیم و بقیه هم در مجلس اصلاح شد. بنابراین ما روی برنامه زیاد زحمت نکشیدیم و افتخار برنامه، خیلی از ما نیست و مال دولت قبل است و این امید روحیه در دولت قبل هم بود که این اهداف قابل تحقق است و به همین دلیل این برنامه را نوشتیم.

حالا اگر می شد، یک بار شما جدا می کردید و یا سازمان برنامه این کار را بکند، آن نقاطی که اضافه شده با آن نقاطی که قبلاً بوده، تا آنجایی که من به‌نظرم هست، یکبار یک مروری کردیم؛ مثلاً کمتر از ده درصد چیزی اضافه شده است و ۹۰ درصد برنامه همان چیزهایی است که قبلاً تصویب شده و نشان این است که حتی اهداف کمّی چیزی که در دولت قبل همین روحیه بوده است.

بحث‌های برنامه که اینجا انجام می شد، بعضی از آقایان که مخالف بودند، می گفتند که اینها عددسازی است و غیرقابل تحقق است و محترمانه که برخورد می شد، می گفتند یک پروازی است، حالا ببینیم واقعاً این طوری بوده است یا نه؟

این ارقامی که ما خدمت‌تان می دهیم، نشان می دهد که واقعاً واقع بینانه بوده، یکی دو

مورد هست که آن هم دلیل خودش را دارد که قابل فهم است. بقیه همه جا همراه برنامه‌اند و یا از برنامه جدا هستند و همین حالا طرح‌های مهمی مثل فولاد مبارکه، مثل نیروگاه شهید رجایی و مثل گل گهر و مخابرات و خیلی از جاها، حسابی جلو افتاده اند و از ما می‌خواهند که امکانات‌شان را حتی به‌صورت تعهدی بدهیم تا زود به بهره برداری برسند. فولاد مبارکه یک سال و اندی زودتر می خواهد استارت بزند که همه فکر می کردیم آن تاریخی که هم می گوییم، تاریخ واقعی نیست و حالا بعضی هایش ذکر می شود و بعضی‌ها هم قبلاً گفته شده است.

اعداد و ارقامی که ما داریم، همه جهت مثبت را نشان می دهد و بسیاری از آنها بالای برنامه است در بعضی از قسمت‌ها هم ریالی و هم ارزی است و هم مساله کسر بودجه و هم جمع شدن نقدینگی و خیلی چیزهای دیگر، نشان می دهد که واقعاً اگر همت کنیم، ما حسابی می توانیم از این برنامه ای هم که نوشته ایم و بعضی ها خیال می کردند بلند پروازانه است، جلو بیافتیم و اگر هم واقعاً تشخیص شما هم این شد، ان‌شاءالله همدلی بیشتر از گذشته بین مجلس و دولت وجود داشته باشد، البته من از گذشته کاملاً راضی هستم و نسبت به آینده می توانیم پیش از این همدلی داشته باشیم که گام های بلندتری را برداریم. اما تشریح ویژگی‌های بودجه سال ۱۳۷۰:

بسم الله الرحمن الرحیم

لایحه بودجه سال ۱۳۷۰ کل کشور در شرایطی تقدیم مجلس شورای اسلامی می‌گردد که اقتصاد کشور پس از چند سال رکود، دوران شکوفایی خود را آغاز نموده است. به‌لحاظ اقتصادی، ما در حال انتقال از یک اقتصاد جنگی به وضعیت اقتصادی پیش‌بینی‌شده در برنامه هستیم و این شاید دشوارترین کار ما، در مقطع حاضر باشد.

مدیریت اقتصادی در شرایط جنگی، تفاوت‌های بسیار اساسی با شرایط عادی دارد. در شرایط جنگی، به‌دلیل اینکه از یک طرف هزینه های دولت افزایش پیدا می کند و از سوی دیگر امکانات کسب درآمد محدود می گردد، کسری بودجه با شدت افزایش پیدا می‌کند ضمن آنکه اعمال سیاست‌های انقباضی، امکانات سرمایه گذاری را محدود کرده و ظرفیت سازی برای پاسخگویی به نیازهای آینده به تعویق می‌افتد. از طرف دیگر تورم ناشی از

بروز عدم تعادل‌های اقتصادی تحت شرایط جنگی، دولت را ناچار می سازد که برای حمایت از قشر آسیب پذیر، قیمت‌ها را تثبیت نماید که بدیهی است تثبیت قیمت‌ها توأم با افزایش تورم در کل اقتصاد، دولت را ناچار می سازد تا حضور مستقیم خود را در سطح یک یک واحدهای اقتصادی گسترش دهد و به اعمال کنترل بپردازد. تثبیت قیمت‌ها توأم با شرایط تورمی، رفته رفته واحدهای تولیدی را دچار زیان‌دهی می سازد، ضمن آنکه بخش خصوصی نیز به‌دلیل همین شرایط و نیز به‌دلیل ریسک ناشی از شرایط جنگ، رغبتی به سرمایه گذاری از خود نشان نمی دهد و در نتیجه اقتصاد کشور با وضعیت تورم توأم با رکود مواجه می گردد که این نقطه آغاز حرکت ما، در سال گذشته بود و طبیعی است که بسیاری از آثار و مشکلات دوران جنگ تا سال‌ها پس از جنگ جامعه را تحت تأثیر خود داشته باشد، همان‌گونه که تاریخ تمام کشورهای درگیر جنگ نشان می دهد. البته لازم است در اینجا به این نکته اشاره کنم که وضعیت ذکر شده، عمدتاً ناشی از شرایط جنگ تحمیل‌شده به کشور بود و نباید از نقش قابل تقدیر دولت گذشته در طول دوران جنگ تحمیلی غفلت نمود.

جمع بندی عملکرد گذشته و وضع موجود بر اساس تحلیل های مقدماتی، برنامه پنج‌ساله، بر ما حکم می کرد که شاخص‌های اقتصادی کشور، نیاز به تغییرات اساسی دارند که این تغییرات عمدتاً می بایست توأم با تغییر سیاست‌ها اعمال می گردید؛ که تغیرات سیاست‌ها در واقع مواردی است که در برنامه پنج ساله در قالب عناوین اصلاح سیاست‌های قیمت گذاری و حصول به قیمت‌های تعادلی، اصلاح سیاست‌های تجارت خارجی و فعال‌تر شدن بخش غیردولتی، بیان شده است.

سیاست‌های ارزی با هدف تعدیل تدریجی نرخ ارز، عمده ترین اهرم سیاست‌گذاری دولت درجهت حصول به قیمت‌های تعادلی بود، که با عرضه ارز رقابتی آغاز گردید. این سیاست ضمن آنکه موجب راه اندازی واحدهای تولیدی گردید، به‌دلیل منطقی‌کردن قیمت‌های داخلی در مقایسه با قیمت‌های مشابه وارداتی، باعث شد که تولید بسیاری از اقلام در داخل، توجیه اقتصادی پیدا کند و در نتیجه، مکانیزم‌های اقتصادی تحقق هدف خودکفایی فعال گردند. از سوی دیگر، منطقی تر شدن قیمت ارز، موجب شد که مراحل طولانی اداری که برای اعمال کنترل در امر تخصیص ارز وجود داشت، تقلیل پیدا کند و

واحدهای تولیدی مستقیماً ارز مورد نیاز خود را در حداقل زمان دریافت نمایند.

در زمینه تشویق صادرات غیرنفتی، ظرف چند ماه گذشته، تحولاتی اساسی در سیاستگذاری‌ها بوجود آمده است که امیدواریم ظرف سال های آینده، شاهد افزایش‌های قابل توجه در ارقام ارزی صادرات غیرنفتی باشیم.

براساس سیاست‌های اتخاذ شده؛ کلیه صادرکنندگان، وارد کنندگان و تولید کنندگان مجازند ارز حاصل از صادرات غیرنفتی را صرف واردات مواد اولیه و تجهیزات کلیه اقلام تولیدی نمایند که در واقع این بدان معنی است که ارز صادراتی این امکان را پیدا کرده است که در بخشی از تولید، که عرضه محصولات آن معاف از قیمت گذاری است؛ بدون محدودیت قیمت به‌کار گرفته شود. در کنار این تسهیلات، دادن مجوز ورود مصالح ساختمانی فولادی اقدامی اساسی با هدف دوگانه تشویق صادرات و نیز تأمین مصالح مورد نیاز سرمایه گذاری های کشور بوده است.

عملکرد شاخص های عمده اقتصادی کشور در دوره جدید که همزمان با شروع برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران است، همگی حاکی از بروز تحولاتی اساسی در روندهای گذشته می باشند.

تولید ناخالص داخلی به قیمت‌های ثابت که طی دوره ۶۷ – ۱۳۶۴ سالانه به‌طور متوسط ۵/۶ درصد کاهش یافته بود، در سال ۱۳۶۸ با رشدی مثبت روبرو بوده و براساس آخرین برآوردها، حدود ۴ درصد نسبت به سال ماقبل افزایش یافته است. برآوردهای مقدماتی در سال ۱۳۶۹نیز حاکی از افزایش رشد تولید در سال جاری می باشد.

ارزش تولیدات صنعتی که طی دوره ۶۷ – ۱۳۶۳ روندی نزولی داشت و طی این مدت به‌طور متوسط سالانه ۱۰ درصد کاهش یافته بود، از سال ۱۳۶۸ تغییر جهت داده، به‌طوری که براساس اطلاعات موجود، شاخص ارزش تولیدات صنایع سنگین در سال ۱۳۶۸ تغییر جهت داده، به‌طوریکه براساس اطلاعات موجود، شاخص ارزش تولیدات صنایع سنگین در سال ۱۳۶۸ نسبت به سال قبل افزایشی معادل ۹/۷ درصد داشته، که در قالب آن، افزایش مربوط به صنایع تحت پوشش سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران بالغ بر ۱۴ درصد گزارش شده است. همچنین وضعیت ۸۸ کالای صنعتی مورد بررسی وزارت صنایع در سال ۱۳۶۸ نشان دهنده افزایش تولید در ۵۵ محصول نسبت به سال ۱۳۶۷ بوده و بررسی مشابهی

در شش‌ماهه اول سال ۱۳۶۹ حاکی از افزایش تولید در ۶۶ مورد نسبت به مدت مشابه سال قبل است. به موجب نتایج این بررسیها، طی ششماهه اول سال جاری، تولید روغن نباتی ۲۵ درصد، لاستیک و تیوپ اتومبیل ۵۴ درصد، فرش ماشینی ۲۹ درصد، شیشه جام ۴۲ درصد، لوله و ورق آزبست ۷۱ درصد، رادیاتور آلومینیومی ۳۷۲ درصد، کولر آبی ۱۰۵ درصد، تلویزیون سیاه و سفید ۸۷ درصد، یخچال ۹۳ درصد، انواع وانت ۱۲۲درصد، کامیون سبک و نیمه سنگین ۶۹ درصد، واگن باری ۸۱ درصد، کمباین ۲۵ درصد، پمپ فشارقوی ۲۶۲ درصد، پمپ شناور ۱۳۷ درصد، انواع ماشین تراش ۱۴۳ درصد، دیگ بخار ۳۵۴ درصد، انواع لوله و پروفیل ۲۴۳ درصد، ورق آلومینیومی ۳۰۵ درصد و موتورهای کشاورزی ۶۶ درصد نسبت به ارقام مشابه سال قبل افزایش داشته است. یکی از عوامل مؤثر در افزایش تولیدات صنعتی این دوره امکانات ارزی است که در اختیار صنایع قرار گرفته است. در شش‌ماهه اول سال ۱۳۶۹، اعتبارات ارزی اختصاص داده شده به بخش صنعت بالغ بر ۴ میلیارد و صد و هفتاد و پنج میلیون دلار بوده است که نسبت به کل ارز مصرف شده در این بخش در سال‌های ۱۳۶۷ و ۱۳۶۸، به ترتیب ۲۲۵ درصد و ۹۴ درصد افزایش نشان می دهد.

درمورد تولیدات فلزات نیز پیشرفت‌های قابل ملاحظه ای حاصل شده، که در این مورد می توان به طرح توسعه آلومینیوم اشاره نمود که در فروردین سال ۱۳۶۹، یعنی یک‌سال زودتر از برنامه پیش بینی شده به بهره برداری رسید و در نتیجه تولیدات این محصول در شش‌ماهه اول سال جاری به ۳۰/۸ هزار تن بالغ گردیده است که نسبت به برنامه پیش بینی شده، ۸۵/۵ درصد افزایش نشان می دهد. همچنین تولید فولاد کشور در سال ۱۳۶۸ معادل ۱/۶ میلیون تن گزارش شده که نسبت به هدف مندرج در برنامه از افزایش معادل ۸/۶ درصد برخوردار بوده است و وضع برای سال ۶۹ از این بهتر است.

درآمدهای دولت که در سال ۱۳۶۸ بیش از ۵۱/۶ درصد افزایش داشته و با توجه به افزایش متعادل هزینه ها(در حدود ۵ درصد) کسری بودجه دولت از ۲۱۱۱/۷ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۷ به ۱۲۵۱/۱ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۸ تقلیل یافته و نسبت کسری به کل بودجه از ۵۰/۱ درصد در سال ۱۳۶۷ به ۲۸/۲ درصد در سال ۱۳۶۸ رسیده است.

در ادامه همین روند در هشت ماهه اول سال ۱۳۶۹، درآمدهای دولت نسبت به مدت

مشابه سال قبل بالغ بر ۹۰ درصد افزایش داشته و میزان کسری بودجه دولت طی این مدت، نسبت به بودجه مصوب، بیش از ۴۴ درصد (۴۶۰/۷ میلیارد ریال) کمتر بوده است. نسبت کسری به کل بودجه نیز به ۱۵/۵ درصد رسیده که طی سنوات اخیر، کاملاً بی سابقه است.

افزایش درآمدهای مالیاتی، یکی از عوامل عمده افزایش درآمدها طی این مدت بوده است. درآمدهای مالیاتی که طی دوره ۶۷ – ۱۳۶۴ در حدود ۱۰۰۰ میلیارد ریال ثابت مانده بود، در سال ۱۳۶۸ به ۱۱۸۷/۹ میلیارد ریال رسید که نسبت به سال ماقبل، بیش از ۲۰ درصد افزایش نشان می داد.در ۸ ماهه اول سال ۱۳۶۹ نیز درآمدهای مالیاتی نسبت به دوره مشابه سال ۱۳۶۸ حدود ۳۷/۶ درصد افزایش داشته است. افزایش مالیات بردرآمد به میزان ۴۰ درصد طی این دوره، یکی از عوامل مؤثر در افزایش درآمدهای مالیاتی بوده است. این افزایش در راستای سیاست دولت به منظور بیشتر عادلانه نمودن نظام مالیاتی کشور است، که نقش عمده ای در بهبود توزیع درآمدها در جامعه خواهد داشت. تصمیمات اخیر دولت در جهت کاهش مالیات برحقوق، به این امر کمک به‌سزایی خواهد نمود.

با کاهش کسری بودجه دولت از رشد فزاینده نقدینگی بخش خصوصی جلوگیری شده، به‌نحوی که رشد نقدینگی از ۲۴/۲ درصد در سال ۱۳۶۷ به ۱۹/۵ درصد در سال ۱۳۶۸ تقلیل یافت. همچنین در شش ماهه اول سال ۱۳۶۹ رشد نقدینگی معادل ۸/۴ درصد بوده که نسبت به رقم مشابه سال ۱۳۶۸، یعنی ۱۰/۶ درصد، کاهش قابل توجهی را نشان می دهد.

به موازات این روند، ترکیب نقدینگی بخش خصوصی بهبود یافته و با استقبال شدید مردم از سپرده گذاری در بانک‌ها، سهم اسکناس و مسکوک در نقدینگی کاهش یافته و بر سهم سپرده های اشخاص، به‌ویژه سپرده های بلند مدت در نقدینگی به شدت افزوده شده و بدین ترتیب از قدرت تورم و رشد نقدینگی کاسته شده است. به‌طوری‌که طی نیمه اول سال ۱۳۶۹ معادل ۳/۳ درصد از حجم اسکناس و مسکوک دردست اشخاص کاسته و معادل ۱۱/۲ درصد برحجم سپرده های مردم نزد بانک‌ها افزوده شده است.

افزایش قابل توجه تولید واقعی و مهار رشد فزاینده نقدینگی، موجب کاهش روند رشد قیمت‌ها شده، به‌نحوی که رشد شاخص هزینه زندگی در شش‌ماهه اول سال ۱۳۶۹، به ۵/۱ درصد رسیده است که نسبت به رقم شش ماهه اول سال ۱۳۶۸، یعنی ۲۴/۳ درصد، حاکی

از کاهش چشمگیری می باشد.

پس از ذکر این مقدمه در مورد کلیات وضع اقتصادی کشور، مجموعه مطالب مورد نظر خود را در مورد لایحه بودجه سال ۱۳۷۰ در دو قسمت ارائه خواهم کرد. در قسمت اول به ویژگی های کلی لایحه بودجه سال ۱۳۷۰ اشاره می نمایم و در قسمت دوم به نکاتی از برنامه اجرایی دولت در سال آینده می پردازم.

ویژگی‌های لایحه بودجه

مهمترین ویژگی لایحه بودجه سال ۱۳۷۰ تنظیم آن در چارچوب هدف‌ها و سیاست‌های مندرج در قانون برنامه اول توسعه اقتصادی – اجتماعی – فرهنگی جمهوری اسلامی ایران می باشد. در ادامه کوشش‌های به‌عمل آمده در سال‌های ۱۳۶۸ و ۱۳۶۹، سعی کافی شده که ارقام لایحه بودجه سال ۱۳۷۰ هماهنگی لازم را در قسمت تبصره ها، قسمت درآمدها و قسمت هزینه ها با هدف‌ها، سیاست‌ها و ارقام مندرج در برنامه اول داشته باشد. بخصوص با توجه به هدف دولت در جهت کاهش کسری بودجه و استقراض از سیستم بانکی که در چارچوب برنامه اول توسعه منعکس بوده و از طرف مجلس محترم نیز مورد تأکید فراوان قرار گرفته، هماهنگی فوق در مورد کسری بودجه دولت در سال ۱۳۷۰ دقیقاً مورد نظر بوده به‌طوری‌که کسری بودجه در لایحه بودجه سال ۱۳۷۰ معادل ۱۱۰۳/۱ میلیارد ریال برآورد شده است که نسبت به کسری مندرج در قانون برنامه اول توسعه، بالغ بر ۲۴۲ میلیارد ریال کاهش نشان می دهد. تحقق این امر می تواند موفقیت بزرگی برای دولت محسوب شده و نقش عمده ای در تعدیل گرایش‌های تورمی در کشور داشته باشد.

از دیگر ویژگی‌های مهم لایحه بودجه سال ۱۳۷۰، توجه به نقاط محروم و کمترتوسعه‌یافته کشور است که یکی از وجوه عمده و اساسی سیاست‌ها و خط مشی هایی است که در تهیه و تنظیم برنامه اول مورد نظر بوده است. در توزیع اعتبارات عمرانی استانی در سطح ۲۴ استان کشور، در لایحه بودجه سال آینده، گرایش عمده به استان‌هایی بوده است که از مناطق محروم کشور به‌شمار می روند. لذا، علاوه بر اعتبارت سرمایه گذاری متناسب با نیازهای بخش‌های محروم کشور که از منابع اعتباری مختلف تأمین می‌شود، درلایحه بودجه ۱۳۷۰، مبلغ ۶۰ میلیارد ریال اعتبار ویژه نیز به منظور رفع محرومیت و

جبران فاصله های موجود بین این‌گونه مناطق و نقاط برخوردار کشور در جهت تحقق اهداف موضوع تبصره ۵ قانون برنامه اول توسعه پیش بینی گردیده است.

توجه خاص به بازسازی مناطق آسیب دیده و تأمین اعتبار برای تسریع عملیات بازسازی یکی دیگر از ویژگی‌های اساسی لایحه بودجه سال ۱۳۷۰ است. در این مورد، مبلغ ۲۷۰ میلیارد ریال اعتبار برآورد شده است که نسبت به اعتبار سال جاری بیش از ۳۰۰ درصد افزایش نشان می دهد. امیدواریم با اختصاص این مبلغ و با توجه به شرایط سیاسی منطقه، در سال ۱۳۷۰ شاهد بازگشت حدود ۵۰۰ هزار نفر از هموطنان مهاجر باشیم و ا ین عزیزان بتوانند در موطن خود به کسب و کار مشغول گردند. همچنین برای جبران خسارت و بازسازی مناطق زلزله زده گیلان و زنجان و دیگر مناطق کشور که دچار حوادث غیرمترقبه می شوند، مبلغ ۱۲۰ میلیارد ریال اعتبار درنظر گرفته شده است و برنامه کار به‌گونه ای تنظیم شده است که قسمت عمده کارهای مربوط به بازسازی در سال ۱۳۷۰ به اتمام برسد.

در اینجا لازم می دانم به اختصار به سایر ویژگیهای عمده لایحه بودجه سال ۱۳۷۰ کل کشور اشاره بنمایم.

الف - تبصره ها

با عنایت به شرایط بعد از جنگ تحمیلی و لزوم بازسازی کشور، حتی المقدور سعی شده است که مفاد تبصره ها به‌نحوی تهیه و تنظیم شود که دستگاه های اجرایی با تسهیلات بیشتری به انجام وظایف خود بپردازند.

کوشش لازم به‌عمل آمده تا تبصره های لایحه بودجه سال ۱۳۷۰، با تبصره‌ها، سیاست‌ها و اهداف قانون برنامه اول توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران هماهنگی داشته باشد.

از آنجا که تبصره های بودجه فقط برای یکسال قابل اجرا و نافذ می باشد، لذا از منظور نمودن تبصره های با ماهیت دایمی که نیاز به تکرار در بودجه های سنواتی دارند خودداری شده و در این گونه موارد با لوایح جداگانه ای تقدیم مجلس شورای اسلامی خواهد گردید.

تبصره های مفصل و طولانی سال‌های گذشته به‌صورت جداول گویا و روشن تنظیم شده که ضمن لایحه بودجه سال ۱۳۷۰ تقدیم مجلس می شود.

با توجه به تصویب قانون برنامه اول که در آن کلیه اعتبارات مورد نیاز بخش‌ها ضمن فصول و برنامه ها پیش بینی شده است، حتی الامکان سعی شده است از منظور نمودن تبصره هایی که اعتبارات را به‌طور متمرکز و خارج از فصول و برنامه تخصیص دهند احتراز شود.

ب - درآمدهای بودجه عمومی

درآمدهای لایحه بودجه سال ۱۳۷۰ معادل ۷۰۸۸ میلیارد ریال برآورد شده است که نسبت به پیش بینی عملکرد سال ۱۳۶۹، ۵۴/۶ درصد افزایش نشان می دهد. همچنین درآمد برآورده شده در سال آینده ۳/۵ برابر متوسط درآمدهای دولت طی دوره ۶۲ - ۱۳۶۵ می باشد. از رقم فوق، ۳۱/۷ درصد را درآمدهای مالیاتی، ۵۵/۶ درصد را درآمد نفت و گاز، و ۱۲/۷ درصد را سایر درآمدها تشکیل می دهد. نکته ای که در مورد ترکیب درآمدها توضیح آن لازم است این است که طی چند سال گذشته، همه ساله رقمی تحت عنوان مابه‌التفاوت نرخ فروش ارز برای مصارف ضروری کالاها و خدمات در قسمت سایر درآمدها منظور می گردیده است. با توجه به ماهیت این درآمد که کدر واقع ناشی از ارز حاصل از صادرات نفت می باشد، در لایحه بودجه سال ۱۳۷۰، درآمد مزبور در قالب درآمد نفت و گاز منظور شده است.

درآمدهای مالیاتی در سال ۱۳۷۰، با توجه به تمهیدات پیش بینی شده در چارچوب برنامه اول توسعه، معادل ۲۲۴۸/۵ میلیارد ریال برآورد شده که نسبت به پیش بینی عملکرد سال جاری بالغ بر ۳۹/۲ درصد افزایش نشان می دهد. بدین ترتیب نسبت درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص داخلی که تا سال ۱۳۶۷ روندی نزولی داشته است، از ۴/۴ درصد در سال ۱۳۶۸ و ۵/۲ درصد در سال ۱۳۶۹، به ۶/۳ درصد در سال ۱۳۷۰ افزایش می یابد. نسبت مزبور براساس پیش بینی های بعمل آمده در برنامه اول تا سال ۱۳۷۲ (سال پایانی برنامه) به‌تدریج به ۸/۴ درصد افزایش خواهد یافت. همچنین نسبت درآمدهای مالیاتی به هزینه های جاری که از شاخص‌های مهم ارزیابی وضعیت مالی دولت است، از ۳۵ درصد

در سال ۱۳۶۸ و ۳۸ درصد در سال ۱۳۶۹ به ۴۰/۵ درصد در سال ۱۳۷۰ خواهد رسید.

درآمدهای مالیاتی، صرف‌نظر از حجم، از نظر ترکیب نیز بهبود یافته و در استمرار سیاست‌های دولت در جهت هر چه بیشتر عادلانه نمودن نظام مالیاتی، مالیات مشاغل در سال آینده نسبت به پیش بینی عملکرد سال ۱۳۶۹، حدود ۷۰ درصد افزایش یافته و نسبت مالیات مداخل به مالیات حقوق، به ۲/۲ برابر خواهد رسید.

درآمد نفت و گاز در لایحه بودجه سال ۱۳۷۰، معادل ۳۹۳۸/۶ میلیارد ریال برآورد شده است. از این رقم ۲۶۱۰ میلیارد ریال (۶۶/۳ درصد) مربوط به مابه التفاوت قیمت فروش ارز حاصل از صادرات نفت می باشد که در سالهای گذشته در قسمت سایر درآمدها منظور می گردید، بدون درنظر گرفتن این ردیف جدید، برآورد درآمد نفت و گاز در سال آینده، نسبت به پیش بینی عملکرد سال ۱۳۶۹، حدود ۲۳/۸ درصد افزایش نشان می دهد. همچنین از رقم فوق ۱۸/۷ میلیارد ریال مربوط به درآمد گاز و ۳۶/۸ میلیارد ریال مربوط به درآمد حاصل از صادرات فرآورده های نفتی می باشد.

سایر درآمدهای دولت نیز در سال ۱۳۷۰ معادل ۹۰۰/۸ میلیارد ریال برآورد شده است که نسبت به پیش بینی عملکرد سال ۱۳۶۹ بالغ بر ۷۰ درصد افزایش نشان می دهد. امیدواریم با مکانیزم‌هایی که در قالب برنامه اول و تبصره های بودجه سال آینده پیش بینی شده است، رقم مزبور تحقق یابد.

ج - هزینه های بودجه عمومی

۱ - هزینه های جاری

هزینه های جاری در لایحه بودجه سال ۱۳۷۰ در جهت تحقق هدف‌های پیش بینی شده در برنامه اول، معادل ۵۵۴۶/۱ میلیارد ریال برآورد شده است که نسبت به پیش بینی عملکرد سال ۱۳۶۹، معادل ۳۱/۱ درصد افزایش نشان می دهد. بخشهای اجتماعی شامل آموزش (عمومی، فنی و حرفه ای و آموزش عالی). بهداشت و درمان و تأمین اجتماعی سهم عمده را در افزایش هزینه های جاری در سال آینده خواهد داشت.

هزینه های جاری بخش‌های مزبور در سال ۱۳۷۰، در مجموع معادل ۲۵۲۵ میلیارد ریال پیش بینی شده است که ۴۶ درصد کل هزینه های جاری را تشکیل داده و نسبت به به سال

۱۳۶۹، بالغ بر ۳۵/۶ درصد افزایش نشان می دهد. هزینه های جاری حفظ نظم و امنیت داخلی کشور نیز ۶/۵ درصد از هزینه های جاری را تشکیل می دهد،که از افزایشی بالغ بر ۴۰ درصد برخوردار است. همچنین در تبصره ۲۲قانون برنامه اول مبلغ ۳۰۰ میلیارد ریال در قالب هزینه های جاری به منظور افزایش حقوق کارمندان دولت منظور گردیده است. بدون در نظر گرفتن موارد عمده فوق، هزینه های جاری در سال آینده نسبت به پیش بینی عملکرد سال ۱۳۶۹ حدود ۲۰ درصد افزایش خواهد داشت.

نسبت هزینه های جاری به کل هزینه های دولت که در سال‌های گذشته به‌دلیل رکود فعالیت‌های عمرانی و تولیدی در کشور مرتباً در حال افزایش بوده، در سال ۱۳۷۰ حدود ۶۷/۹ درصد خواهد بود که نسبت به ارقام مشابه سال ۱۳۶۸ (۷۶/۶ درصد و سال ۱۳۶۹(۷۰/۹ درصد) نشان دهنده بهبودی نسبی در این زمینه می باشد.

۲ – هزینه های عمرانی

اعتبارات عمرانی در سال ۱۳۷۰ معادل ۲۶۴۴/۹ میلیارد ریال برآورد شده است که نسبت به پیش بینی عملکرد سال ۱۳۶۹، از افزایشی معادل ۵۲/۵ درصد برخوردار است. اعتبارات عمرانی به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۵۳، که در سال‌های گذشته به‌دلیل جنگ تحمیلی و رکود فعالیت‌های تولیدی در کشور مرتباً در حال کاهش بوده و از ۳۵۷ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۲ به ۱۳۸ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۷ کاهش یافته بود از سال ۱۳۶۸ روندی صعودی یافته که نسبت به رقم مشابه سال ماقبل، افزایشی معادل ۴۶/۹ درصد را نشان می دهد.

در توزیع اعتبارات عمرانی دولت در سال ۱۳۷۰، گرایش اساسی در تأمین منابع سرمایه‌گذاری مورد نیاز جهت ایجاد ظرفیت‌های فیزیکی، آموزشی و بهداشتی، توسعه منابع آب و خاک و همچنین تجهیز زیربناها به‌ویژه نیازهای ارتباطی بوده است. با توجه به تنگناهای موجود در امر حمل ونقل کشور، تجهیز بنادر و افزایش ظرفیت حمل بار راه‌آهن، یکی از اساسی ترین اولویت های بودجه عمرانی در سال آینده است. با در نظر گرفتن همین اولویت ها، اعتبارات عمرانی فصل آموزش و پرورش عمومی ۲۹/۳ درصد،آموزش فنی و حرفه ای ۲۶/۵ درصد، بهداشت و درمان ۴۵/۱ درصد، کشاورزی

۲۳/۶ درصد منابع آب ۳۳ درصد و راه و ترابری ۲۳ درصد نسبت به ارقام مشابه سال ۱۳۶۹ افزایش یافته اند.

همچنین در قالب اعتبارات عمرانی، اعتبار متمرکزی معادل ۲۲۰ میلیارد ریال جهت تعدیل این اعتبارات نسبت به افزایش قیمت‌ها منظور شده است.

بودجه عمرانی استانی در سال ۱۳۷۰ از کم و کیف مطلوب‌تری برخوردار شده، ساختار نسبتاً مناسب تری یافته و ضمن دربرگیری بخش اعظم نیازهای منطقه ای، در قالب تبصره‌های مختلف، گرایش اصلی آن به سمت برقراری تعادل بیشتر در مناطق مختلف و بهره مندی بالاتر مناطق محروم و کمتر توسعه یافته کشور است. بودجه عمرانی استانی در سال آینده معادل ۴۵۰ میلیارد ریال برآورد شده است که نسبت به رقم مشابه سال ۱۳۶۹، از افزایشی بالغ بر ۴۷ درصد برخوردار است. علاوه بر این، در قالب ردیفهای تبصره های مختلف لایحه بودجه، اعتبارات ویژه ای برای اجرای طرح‌های عمرانی در استان‌ها در نظر گرفته شده که در مجموع حجم اعتبارات استانی را از رقم قابل ملاحظه ای برخوردار می‌سازد با استفاده از این اعتبارات، حدود ۲۷۰۶ طرح در سال ۱۳۷۰ در سطح استان‌های مختلف کشور به مرحله اجرا درخواهد آمد که در مقایسه با ۲۲۳۰ طرح سال ۱۳۶۹، ۵۴۶ طرح افزایش دارد که این طرح‌ها عمدتاً در زمینه تأمین خدمات و زیربناهای اساسی اجرا خواهند گردید و همچنین در سال ۱۳۷۰، بیش از ۴۳ میلیارد ریال از اعتبارات عمرانی ملی، به‌صورت استانی اجرا خواهد شد که این امر اقدام مؤثری در جهت تمرکز زدایی در امور اجرایی طرح‌های عمرانی محسوب می شود. در این راستا جمعاً حدود ۱۵۰ طرح مربوط به فصول آموزش و پرورش عمومی، منابع آب، عمرانی و نوسازی روستاها و کشاورزی از ملی به استانی تبدیل گردیده که کوشش خواهد شد این امر طی سال‌های آینده تداوم یابد.

د- شرکت‌های دولتی، بانک‌ها و مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت

در خصوص شرکت‌های دولتی، با عنایت به اینکه شرکت‌های مزبور ابزار مناسبی جهت اعمال حاکمیت و تصدی دولت هستند، به‌ویژه آنکه نقش غیرقابل انکارو اساسی‌ای را نیز در فرایند توسعه اقتصادی کشور به عهده خواهندداشت، در سند برنامه اول توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی کشور به‌نحو قابل توجهی مورد تأکید قرار گرفته اند.

به‌طوری که از مجموع اعتبارات جاری و سرمایه گذاری ثابت پیش بینی شده در طول اجرای این برنامه، مبلغ ۵۶۶۷ میلیارد ریال از محل منابع داخلی این‌گونه شرکت‌ها سرمایه‌گذاری خواهد شد.

با توجه به مجموعه سیاس‌تهای برنامه اول توسه اقتصادی – اجتماعی کشور، دولت جمهوری اسلامی ایران در سال آینده، بهبود مدیریت و ارتقاء کارآیی شرکت‌های دولتی را با جدیت پیگیری خواهد نمود. در همین زمینه، سیاست واگذاری سهام شرکت‌های مزبور از اولویت ویژه ای برخوردار است. مطالعات مربوط به اجرای این سیاست مراحل نهایی خود را طی می کند و در آینده ای نزدیک با اتخاذ تدابیر لازم بخش عمده ای از سهام این شرکت‌ها به مردم واگذار خواهد شد.

با ملحوظ داشتن اینکه استفاده از شیوه های مناسب در واگذاری شرکت‌های دولتی از عوامل مؤثر موفقیت آمیز بودن اجرای آن و حصول اهداف پیش بینی شده است، به‌کارگیری و اجرای قانون گسترش مالکیت واحدهای صنعتی به‌عنوان یکی از کارآترین شیوه ها، جهت انتقال ۳۳٪ از سهام کل شرکت‌های قابل واگذاری به کارگران و کارکنان شاغل در شرکت‌های مزبور، از جمله تأکیدات تأیید شده در اجرای سیاست مزبور است.

با توجه به ساختار اقتصادی – اجتماعی کشور و قوانین و مقررات موجود، روش‌های دیگری از واگذاری شرکتهای دولتی مورد توجه قرار گرفته اند و استفاده از مکانیزم بورس جهت انتقال بقیه سهام شرکت‌های دولتی مورد تأیید می باشد، که پس از تصویب فهرست شرکت‌های آماده برای واگذاری از سوی هیأت وزیران و طراحی تدابیر حمایتی لازم و تدوین مقررات مربوط، اقدامات مشخصاً اجرایی، اتخاذ شده و به اجرا درخواهد آمد.

از نکات با اهمیتی که در اجرای سیاست واگذاری همواره مورد توجه بوده است، استفاده بهینه از درآمدهای حاصله از واگذاری است. در این زمینه، در نظر گرفته شده است که درآمدهای مزبور با موارد زیر اختصاص یابد.

توسعه ضروری شرکت‌های موجود و ایجاد حلقه های مفقوده در زنجیره تولید.

بازپرداخت بدهی شرکت‌های دولتی به سیستم بانکی.

بازپرداخت بدهی‌های گذشته احتمالی شرکت در چارچوب طرح‌های عمرانی.

واریز به خزانه کشور به‌عنوان بخشی از منابع لازم برای اداره بهتر امور اقتصادی کشور.

برای آن بخش از شرکت‌های دولتی، که به دلایلی از جمله احکام قانون اساسی، با صلاحدید هیأت وزیران، امکان واگذاری تنها به بخش غیردولتی وجود ندارد. دولت جمهوری اسلامی ایران، بهبود کارآیی مدیریت و اصلاح ساختار مالی – عملیاتی شرکت‌های ذیربط را در اجرای مفاد تبصره ۳۲ قانون برنامه اول توسعه کشور دنبال خواهد کرد.

منابع و مصارف شرکت‌های دولتی، بانک‌ها و مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت برای سال ۱۳۷۰، معادل بیش از ۱۱۱۶۶ میلیارد ریال برآورد گردیده است که این رقم در مقایسه با رقم مشابه سال جاری رشدی معادل ۴۲/۴ درصد را نشان می دهد.

با توجه به نگرش خاص برنامه اول به شرکت‌های دولتی، و استفاده از تمامی امکانات و توانایی های آنان در جهت پیشبرد اهداف این برنامه و با تجهیز کلیه منابع و امکانات اینگونه بنگاه های اقتصادی، شرکت‌های دولتی در سال ۱۳۷۰ در چارچوب اهداف بخشی برنامه اول مبلغ ۲۱۸۲ میلیارد ریال را از محل منابع داخلی خود با استفاده از سیستم بانکی و سایر منابع، سرمایه گذاری خواهند نمود که این رقم نسبت به رقم مشابه سال ۱۳۶۹، از رشدی معادل ۳۵/۷ درصد برخوردار است.

مالیات پرداختی سال ۱۳۷۰ شرکتهای دولتی معادل ۳۵۰/۳ میلیارد ریال و سود سهام آنها معادل ۴۳/۳ میلیارد ریال برآورد شده است که این ارقام در مقایسه با ارقام مشابه سال ۱۳۶۹ به ترتیب رشدی معادل ۲۹۰ و ۱۱۹ درصد را نشان می دهد.

پیش بینی می شود که عملکرد شرکت‌های دولتی و بانک‌های کشور در پی سیاست‌های اتخاذ شده دولت، در سال آینده روند بهبود خود را ادامه دهد. زیاندهی سال گذشته پاره ای از شرکت‌ها کنترل شده و این شرکت‌ها در سال آینده به سودآوری خواهند رسید. از جمله شرکت ملی فولاد ایران که با فرضیات سال ۱۳۶۸، ۲۰ میلیارد ریال زیان در سال ۱۳۶۹ برای آن پیش بینی شده است در سال ۱۳۷۰ معادل ۲۰ میلیارد ریال سود خواهد داشت.

برنامه اجرایی دولت

در قسمت دوم بی مناسبت نیست که به نکاتی از برنامه اجرایی دولت در سال ۱۳۷۰

پرداخته و به ویژگی‌ها و پیامدهای اجرایی لایحه بودجه در بخشهای مختلف اشاره کنم.

۱ – فرهنگ، اطلاعات و ارتباطات جمعی

در شش ماهه اول سال ۱۳۶۹، ۲۲۵۱۵ ساخت برنامه رادیویی و ۲۴۸۸ ساعت برنامه تلویزیونی تولید گردیده و ۲۱۹۹۷ ساخت برنامه رادیویی و ۶۶۶۷ ساعت برنامه تلویزیونی پخش شده است. همچنین مراجعه حدود ۷ میلیون نفر به کتابخانه های عمومی بزرگسالان و کودکان و نوجوانان و انتشار حدود ۴۸۰۰ عنوان کتاب و انتشار ۲۶۹ عنوان مجله و روزنامه در ۶ ماهه اول سال جاری و حضور فعال و موفقیت آمیز موسیقی، تئاتر و سینمای ایران در جشنواره های بین المللی و در کشورهای خارجی، از شاخص‌های مهم فعالیت‌های این بخش است.

در سال ۱۳۷۰ عملیات اجرایی نصب یک فرستنده پرقدرت رادیویی، ۲ فرستنده موج کوتاه رادیویی یک فرستنده پر قدرت تلویزیونی، ۲ مرکز تولید و پخش ۲۵۰ایستگاه زمینی ماهواره ای، ۵۰ رله کم قدرت تلویزیونی، خاتمه خواهد یافت. با بهره برداری از فرستنده ها و مراکز فوق الذکر، وضعیت پوشش جمعیتی شبکه های رادیو تلویزیون در پایان سال ۱۳۷۰ به این شرح خواهد بود.

پوشش شبکه سراسری اول صدا ۹۷/۸ درصد جمعیت کشور

پوشش شبکه سراسری دوم صدا ۸۰ درصد جمعیت کشور

پوشش موج اف – ام ۷۳ درصد جمعیت کشور

پوشش شبکه دوم سیما ۸۵ درصد جمعیت کشور

در سال ۱۳۷۰، نسبت به تولید ۷/۵ میلیون نسخه کتاب برای کودکان و نوجوانان و تولید ۲۰۰ هزار نوار کاست و ۵۰ هزار سرگرمی سازنده اقدام خواهد شد.

عملیات اجرایی احداث ۵ کتابخانه کودک خاتمه می یابد و عملیات اجرایی احداث ۲۱ کتابخانه عمومی و ۴۰ مرکز و مجتمع فرهنگی و هنری و سینمایی ادامه خواهد یافت و همچنین عملیات احداث ۹۶ باب کتابخانه عمومی و مرکز فرهنگی و کتابخانه ملی ایران و آرشیو اسناد ملی ایران آغاز خواهد شد.

عناوین کتاب‌هایی که در کل کشور منتشر خواهد شد از ۱۰ هزار عنوان با تیراژ ۸۰ میلیون نسخه خواهد گذشت.

۲ – تربیت بدنی:

با امکانات و تسهیلاتی که در اختیار بخش تربیت بدنی در سال‌های اخیر قرار داده شده است، گام‌هایی برداشته شده است که امیدواریم مقدمه گام‌های اساسی بعدی باشد. ورزش قهرمانی تا حدودی توسعه یافته و ما شاهد موفقیت های نسبی در صحنه های بین‌المللی و به‌خصوص بازیهای آسیایی بودیم. ورزش بانوان در سال ۱۳۶۹ مورد توجه بوده و حدود ۳۰۰ هزار نفر را تا پایان سال زیر پوشش قرار خواهد داد، که این روند در سال ۱۳۷۰ افزایش خواهد یافت و به حدود ۳۲۵ هزار نفر خواهد رسید.

در سال ۱۳۷۰ جهت تسهیل اداره امور فدراسیون‌ها و هیات های ورزشی، مبلغ ۱/۲ میلیارد ریال به‌طور مستقل در اختیار فدراسیون‌های ورزشی قرار خواهد گرفت. همچنین از محل اعتبارات عمرانی بخش تربیت بدنی ۱۰۷ طرح با ۴۷۴ پروژه تا پایان سال خاتمه یافته و به بهره برداری برسد. با توجه به اهمیتی که دولت جمهوری اسلامی برای گذراندن اوقات فراغت جوانان قائل است، و نقشی که تربیت بدنی و ورزشی در این مورد دارد اعتبارات پیش بینی شده این فصل در سال ۱۳۷۰ معادل ۳۵/۶ میلیارد ریال برآورد شده است که نسبت به سال ۱۳۶۹ بالغ بر ۴۰ درصد افزایش نشان می دهد.

۳ – آموزش و پرورش:

مساله اصلی در آموزش و پرورش تقویت روحیه معلمان و ایجاد رفاه نسبی و جانبی است که بتواند قدرت جذب این بخش را برای به‌کارگیری نیروهای مستعدتر جامعه که در سال‌های اخیر براثر سیاست‌های انقباضی دولت به‌شدت کاهش یافته، اعتلا بخشد. به‌همین جهت، علاوه بر اقداماتی که جهت افزایش دریافتی های عموم کارمندان دولت در سال آینده به‌عمل خواهد آمد، کلیه اقداماتی که در برنامه پنج‌ساله برای جلب مشارکت مردم درنظر گرفته شده با جدیت دنبال خواهد شد. از جمله، اجرای تجربی طرح کارانه در چند منطقه، اصلاح قانون شوراهای منطقه ای آموزش و پرورش و اجرای سریع آن، برطرف کردن موانع و زمینه های نامساعدی که در راه جلب مشارکت معنوی و مادی مردم در امر

آموزش و پرورش وجود دارد، فراهم آوردن تسهیلات لازم برای توسعه مدارس غیرانتفاعی توسط فرهنگیان علاقمند و متعهد و برقراری ضوابط قانونی برای جلوگیری اخذ خودیاری و نحوه خرج آن.

در ارتباط با سوادآموزی در سال ۱۳۶۹ دولت طرح بسیج را اجرا نموده که عملکرد نهضت سوادآموزی در نیمه اول ۸۵۰ هزار نفر باسواد بالغ بوده و در نیمه دوم سال پیش‌بینی می شود به ۱/۵ میلیون نفر باسواد برسیم که خیلی بالاتر از هدف برنامه است. پیش بینی می شود که در سال ۱۳۷۰تعداد دانش آموزان به ۱۶ میلیون نفر یعنی ۲/۱ درصد بیش از هدف‌های مندرج در برنامه اول توسعه برسد. از محل اعتبارات عمرانی این بخش در سال آینده عملیات احداث ۲۶۰۰۰ کلاس در دست اجرا خواهد بود که ۹۰۰۰ کلاس آن تا پایان سال به بهره برداری خواهد رسید.

۴ – آموزش عالی

تعداد دانشجویان دوره لیسانس و بالاتر دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی دولتی در سال ۱۳۷۰ حدود ۲۴۷ هزار نفر برآورده می شود که رشدی معادل ۷/۸درصد را نسبت به سال جاری (۲۲۹ هزار نفر) نشان می دهد. باید توجه داشت که دانشجویان برآورده شده در سال ۱۳۷۰ حدود ۶۷۰۰ نفر بیش از تعداد برآورد شده در برنامه اول است و خوشبختانه در بخش غیردولتی که باری بردوش بودجه دولت نیست حدود همین تعداد دانشجو در حال تحصیل هستند.

با اجرای طرحهای موجود در سال ۱۳۷۰، برآورده می شود حدود ۸/۵۵۵ نفر ظرفیت آموزشی به بهره برداری برسد که در صورت تحقق این امر، کل ظرفیت‌های به بهره‌برداری رسیده طی سه سال برنامه اول به ۱۵۵۹۵ نفر خواهد رسید.

در سال ۱۳۷۰ علاوه بر افزایش حقوق اعضای هیأت علمی رسمی و غیررسمی و افزایش حق التدریس و همچنین طرح تمام وقت کادر غیرعلمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی که در سال ۱۳۶۹تأمین اعتبار گردیده است، افزایش فوق العاده شغل اعضای هیأت علمی نیز پیش بینی و منظور شده است.

در سال ۱۳۷۰در مورد شروع فعالیت‌های دوره های کارشناسی ارشد و دکترا که مجوز

آن از طرف شورای گسترش وزارت فرهنگ و آموزش عالی و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی صادر گردیده بود، اعتبار لازم پیش بینی و منظور گردیده است.

در سال ۱۳۷۰ جهت شروع به کار فعالیت‌های سه دانشکده علوم پزشکی (ایلام، لرستان، یاسوج) اعتبار لازم پیش بینی شده است.

۵ – بهداشت و درمان

با استفاده از منابع و اعتبارات پیش بینی شده در سال ۱۳۷۰ انتظار می رود در پایان سال آینده، تعداد خانه های بهداشت راه اندازی شده ۲/۷ درصد، تعداد مراکز بهداشتی، درمانی شهری و روستایی به بهره برداری رسیده، ۱۵/۲ درصد و تعداد تختهای بیمارستانی راه اندازی شده معادل ۲/۸ درصد نسبت به ارقام پیش بینی شده در برنامه اول افزایش داشته باشد. همچنین در سال ۱۳۷۰:

نسبت به تأمین و لوله کشی آب آشامیدنی ۱۸۵۰ روستا اقدام می شود.

نسبت به ایجاد تجهیز و راه اندازی ۱۰۰۰ خانه بهداشت، ۴۱۵ مرکز بهداشتی و درمانی روستایی و شهری، ۱۶ مرکز بهداشت شهرستان، ۲۰۰ مرکز تسهیلات زایمان و ۲۲۰۰ تخت بیمارستانی که هماهنگ با هدفهای مندرج در برنامه اول است اقدام خواهد شد.

عملیات اجرایی احداث ۲۵۰ خانه بهداشت، ۱۴۰ مرکز بهداشتی و درمانی روستایی و شهری، ۱۱ پایگاه و مرکز انتقال خون و حدود ۱۳۰۰۰ تخت بیمارستانی در قالب طرح‌های مربوط ادامه خواهد یافت.

۶ – تأمین اجتماعی و بهزیستی

پیش بینی می شود که تعداد افراد تحت پوشش بیمه درمانی کارمندان در پایان سال ۱۳۷۰ به حدود ۵/۱ میلیون نفر و بیمه درمانی کارگران به ۱۳/۵ میلیون نفر افزایش یابد که نسبت به هدفهای مندرج در برنامه اول، به ترتیب حدود ۵ و ۵/۶ درصد افزایش نشان می دهد.

تعداد افراد تحت پوشش برنامه آسیب دیدگان، یعنی مهاجرین جنگ تحمیلی و آسیب دیدگان از حوادث و سوانح طبیعی در سال ۱۳۶۹ حدود ۱/۹ میلیون نفر برآورد می گردد

که براساس برنامه قرار بود به ۱/۳ میلیون نفر در سال ۱۳۷۰ کاهش یابد. لکن با توجه به عدم امکان کاهش مورد انتظار تعداد افراد تحت پوشش بنیاد مهاجرین جنگ تحمیلی در سال آینده، پیش بینی می شود تعداد افراد تحت پوشش در این برنامه حداقل ۱۰ درصد بیش از هدف برنامه باشد.

از محل اعتبارات جاری و تسهیلات بانکی، اقداماتی در جهت کمک به تهیه مسکن و کالاهای اساسی، کمک هزینه بلاعوض ازدواج و ایجاد فرصت های اشتغال برای آزادگان از طریق آموزش‌های فنی و حرفه ای و تهیه وسایل کار، به‌عمل خواهد آمد.

از محل اعتبارات عمرانی این بخش در سال ۱۳۷۰ نسبت به تکمیل، تجهیز و بهره برداری از ۱۹ مرکز خدمات حمایتی و یک مرکز ر فاه خانواده و کودک و همچنین تکمیل، تجهیز و بهره برداری از ۱۰ مرکز توانبخشی و تجهیز و بهبود استاندارد و ۳۰ مرکز توانبخشی در سطح استان‌ها اقدام خواهد شد.

۷ – کشاورزی

اعتبارات عمرانی پیش بینی شده این بخش در سال ۱۳۷۰ حدود ۲۲۵ میلیارد ریال است که نسبت به رقم مشابه سال جاری رشدی معادل ۱۳/۶ درصد را نشان می دهد.

فعالیت‌های عمده ای که در قالب اعتبارات مزبور صورت می گیرد به این شرح خواهد بود:

در مورد فعالیت‌های آب و خاک افزایش بازده آبیاری و تجهیز نوسازی اراضی سنتی و زیر شبکه ها و یکپارچه سازی و نیز آبیاری سیستمهای تحت فشار در سطح ۵۱۰ هزار هکتار در نظر گرفته شده که موجب صرفه جویی مصرف بیش از ۱/۵ میلیارد متر مکعب آب خواهد شد.

در زمینه فعالیت‌های مربوط به جنگل و مرتع، جنگل کاری، جنگل داری، احیای مراتع، آبخیزداری و تثبیت شن‌های روان در سطح ۱۲/۴ میلیون هکتار و مطالعه و بهره‌برداری و استحصال حدود ۳/۱ میلیون متر مکعب چوب انجام خواهد شد.

در خصوص دام و طیور، با شروع بهره برداری از تأسیسات مرغ لاین اجداد بابل کنار، از ورود ۸۰ هزار قطعه جوجه اجداد یک روزه گوشتی جلوگیری خواهد شد و همچنین با

فراهم نمودن امکانات و شرایط مساعد برای فعالیت بخش غیردولتی، امکان تولید گوشت مرغ به میزان ۶۰۰ هزار تن، تولید شیر به میزان ۳۱۵۰۰ تن و گوشت قرمز به میزان ۲۰ هزار تن علاوه بر ظرفیتهای موجود فراهم خواهد گردید.

در رابطه با فعالیتهای زراعی، میزان محصول در سال ۱۳۷۰ مجموعاً معادل ۲۰ میلیون تن برآورده می شود که در مورد غالب محصولات افزایش تولید وجود خواهد داشت. در این زیر بخش، اهداف برنامه در سال ۱۳۶۹ نیز در مورد پاره ای از محصولات نظیر پنبه، دانه های روغنی، علوفه محقق شده است.

۸ – منابع آب

۱ – در سال ۶۹ عملیات اجرایی سدهای خداآفرین و ۱۵ خرداد و تعداد دیگری طرح‌های کوچک از محل اعتبارات ملی آغاز شده است. در برنامه ایجاد شبکه های آبیاری و زهکشی، در سال جاری پیش بینی می شود که عملیات اجرایی در سطح حدود ۳۰۰۰ هکتار برای شبکه های اصلی و ۱۲۰۰۰ هکتار برای شبکه های فرعی خاتمه یابد.

در برنامه تأمین آب پیش بینی می شود در سال ۱۳۷۰ ساختمان سد جیرفت با ۲۹۰ میلیون متر مکعب آب و بند تونل با ۱۵ میلیون متر مکعب آب به اتمام برسد.

در برنامه شبکه های آبیاری و زهکشی، شبکه آبیاری، ساختمان شبکه کرون و شبکه آبیاری سیل گیر فتح المبین خاتمه خواهد یافت. در برنامه آبرسانی به شهرها، عملیات اجرایی آبرسانی به شهرهای ایلام، طبس و فردوس و شیروان بپایان خواهد رسید.

۹ – صنایع و معادن

با توجه به اعتبارات ریالی و ارزی پیش بینی شده برای این بخش در سال ۱۳۷۰، بیش از یکصد واحد صنعتی در زمینه های مختلف صنعتی به بهره برداری خواهد رسید. این واحدها، عمدتاً در رشته های صنایع شیمیایی، صنایع محصولات کانی غیرفلزی، صنایع ماشین آلات و تجهیزات فعالیت خواهند نمود. یا به بهره برداری رسیدن این واحدها، حدود ۱۰۰ هزار تن محصولات شیمیایی، ۷۳۰ هزار تن سیمان، بیش از ۳۰ میلیون شعله لامپ روشنایی و مقادیر قابل توجهی ابزارآلات و لوازم مصرفی بر ظرفیت‌های تولیدی

فعلی افزوده خواهد گردید.

با توجه به افزایش بازده و همچنین راه اندازی بعضی از خطوط طرح‌های ذوب فلز، ظرفیت تولید فلزات اساسی در سال ۱۳۷۰ افزایش چشمگیری نسبت به سال ۶۹ به این شرح خواهد داشت.

با راه اندازی و شروع بهره برداری از طرحهای مجتمع فولاد اهواز و نورد سنگین، معادل ۱۵۵۰ هزار تن به ظرفیت تولید شمش فولاد و ۸۰۰ هزار تن به ظرفیت نورد فولاد کشور افزوده خواهد گردید.

تولید مس در سال ۶۸ به میزان ۷۶ هزار تن بوده که نسبت به برنامه پنج ساله ۱۲ درصد افزایش داشته است. در سال جاری نیز تحقق اهداف برنامه، یعنی تولید ۷۸ هزار تن، با تولید ۳۵ هزار تن در شش‌ماهه اول و راه اندازی کوره شماره ۲، قطعی بوده، و تولید در سال ۷۰ به متجاوز از یکصد هزار تن خواهد رسید و امید به راه اندازی کارخانجات عظیم فولاد مبارکه و سرب زنجان را داریم.

۱۰ - بازرگانی

در سال ۶۹ به منظور تأمین کمبود کالاهای اساسی مورد نیاز کشور، معادل ۹/۳ میلیون تن گندم، برنج، روغن، چای، گوشت، کود شیمیایی و خوراک دام و طیور به ارزش ۲/۶ میلیارد دلار خریداری و وارد کشور خواهد شد که با توزیع کالاهای مزبور نیازهای مردم به‌طور نسبی تأمین گردیده و خواهد شد. برآورد واردات کالاهای مزبور در سال ۷۰معادل ۸/۸ میلیون تن با ارزش ۲/۷ میلیارد دلار می باشد.

میزان سوبسید[=یارانه] پیش بینی شده در سال ۷۰، معادل ۵۵۳/۷ میلیارد ریال می باشد که در اجرای برنامه های حمایت از مصرف کنندگان، خصوصاً اقشار کم درآمد، و در جهت کاهش هزینه های خانوار، به مصرف خواهد رسید. از منابع فوق، حدود ۵۵ میلیارد ریال از محل بودجه عمومی دولت و بقیه از محل مابه التفاوت‌های دریافتی سازمان حمایت مصرف کنندگان و تولید کنندگان تأمین خوهد شد. همچنین سهم پرداختی بابت سوبسید گندم که در سال جاری بالغ بر ۱۲۷/۲ میلیارد ریال است در سال ۷۰ با توجه به افزایش تولید گندم داخلی و بالا رفتن قیمت خرید از کشاورزان به ۴۱۰/۹ میلیارد ریال افزایش

خواهد یافت.

به منظور گسترش و توسعه صادرات غیرنفتی و دستیابی به اهداف پیش بینی شده در برنامه اول، و کسب درآمد ارزی پیش بینی شده قوانین و مقررات تشویقی و ارشادی تدوین شده است و پرداخت تنخواه ارزی به صادرکنندگان، در بودجه سال آینده منظور گردیده است.

همچنین ترغیب تولید کنندگان به تولید کالاهای قابل رقابت و برقراری تسهیلات ورود و صدور کالا در این زمینه و اتخاذ سیاست‌هایی به منظور جلب همکاری صادرکنندگان از جمله برنامه های سال اینده این بخش می باشد.

اعتبارات سرمایه گذاری در بخش بازرگانی در سال ۷۰، بالغ بر ۷/۱ میلیارد ریال خواهد بود که مربوط به ایجاد تأسیسات سیلو و انبار برای ذخیره کالاهای اساسی است. از محل قسمتی از این اعتبارات سیلوهای شیراز و زاهدان به ظرفیت ۱۰۸ هزار تن به بهره برداری رسیده و نیز پیش بینی لازم برای توسعه امکانات ذخیره سازی کالاهای اساسی بعمل آمده است.

۱۱ – نفت و گاز

افزایش تولید نفت خام به میزان ۴۱۰ هزار بشکه در روز در سال ۱۳۷۰ نسبت به برنامه قبلی سال ۱۳۷۰مندرج در برنامه پنج ساله و زمینه سازی برای دستیابی به تولید ۴/۵ میلیون بشکه نفت خام در روز تا پایان برنامه (۴ میلیون بشکه در روز از مناطق نفت خیز و ۵۰۰ هزار بشکه در روز از فلات قاره).

افزایش نفت خام در دسترس برای صادرات از ۱۹۷۶ هزار بشکه در روز در سال ۶۹ به ۲۴۲۹ هزار بشکه در روز در سال ۱۳۷۰، افزایش حجم گاز تزریقی به مخازن نفت به منظور صیانت از مخازن نفتی از ۸۰/۲ میلیون متر مکعب در روز در سال ۶۹ به ۹۰/۵ میلیون متر مکعب در سال ۷۰ که معادل ۱۲/۸ درصد رشد نشان می دهد.

حفر ۶ حلقه چاه جدید در طرح نار – کنگان برای ازدیاد ظرفیت تولیدی چاه‌ها.

حفر ۳ حلقه چاه جدید در طرح آغاز – دالان برای ازدیاد ظرفیت تولیدی چاه‌های آن به میزان ۲۱۰ میلیون فوت مکعب در روز نسبت به برنامه قبلی در سال ۱۳۷۰

حفر ۱۳ حلقه چاه جدید در طرح خان‌یران. گنبدلی، برای ازدیاد ظرفیت تولیدی چاه‌ها.

افزایش ۳ دستگاه دکل حفاری به منظور ازدیاد فعالیت های اکتشافی در سال ۷۰ نسبت به برنامه قبلی.

۱۲ – مسکن و عمران شهری

در سال ۱۳۶۹، به منظور اجرای سیاست‌های مسکن در برنامه پنج‌ساله در شورای اقتصاد، بررسی‌های مفصلی انجام شد و به منظور تولید بیشتر واحدهای مسکونی و استفاده بهینه در مصالح ساختمانی، سطح زیربنایی که مشمول مصالح توزیع شده توسط دولت می باشد، یکصد متر مربع مشخص گردید. همچنین مقرر شد تا مرز ۱۵۰ متر مربع بتوانند یکصد متر مربع مصالح دریافت نماید. این سیاست می تواند در تولید تعداد بیشتر واحدهای مسکونی مؤثر واقع شود. کسانی نیز که مبادرت به انبوه سازی نمایند، ازتسهیلات اعتباری و دیگر امکانات برخوردار خواهند شد.

تعداد واحدهای مسکونی که در سال ۷۰ به بهره برداری خواهند رسید ۴۵۰ هزار واحد با زیربنای ۴۰ میلیون متر مربع است. سازمان زمین شهری طی سال ۱۳۷۰ زمین مورد نیاز جهت احداث ۹۵۰۰۰ واحد مسکونی معادل ۳۹/۹ میلیون متر مربع را واگذار خواهد نمود.

ادامه عملیات ۲۵۴پروژه نیمه تمام و شروع ۴۱ پروژه جدید ایجاد و توسعه تأسیسات آب آشامیدنی شهرها از دیگر برنامه های پیش بینی شده است.

ادامه عملیات ۱۵۳ پروژه نیمه تمام و آغاز ۱۱ پروژه جدید ایجاد تأسیسات حفاظتی شهرها، و ادامه عملیات ۲۹۶ پروژه موجود و شروع ۴۷ پروژه جدید بهبود عبور و مرور شهرها نیز پیش بینی گردیده است.

۱۳ – راه و ترابری

براساس تصمیمات متخذه، ناوگان حمل و نقل کشور گسترش یافته و تعداد ۵۰۰۰ کامیون در داخل تولید و ۵۰۰۰ کامیون از خارج وارد خواهد شد. همچنین مقرر گردیده است قطعه و لاستیک به مقدار مورد نیاز تأمین و در اختیار ناوگان حمل و نقل قرار داده

شود. ضمناً امکاناتی جهت تجهیزاتی و تدارکاتی بنادر در اختیار بنادر کشور گذاشته شده است که در تخلیه کالا از مبادی و کم کردن دموراژ مؤثر خواهد بود. در سال ۱۳۷۰ حدود ۵۲۲۲ کیلومتر راه اصلی دردست ساختمان خواهد بود که تا پایان سال ۳۱۹ کیلومتر آن تحویل و به طول شبکه افزوده خواهد شد.

در سال ۷۰، حدود ۷۸۰ کیلومتر راه روستایی در دست ساختمان خواهد بود که مطابق پیش بینی، تا پایان سال، عملیات اجرایی حدود ۲۲۰ کیلومتر آن پایان خواهد یافت. ضمناً عملیات اجرایی ۱۷۷۳ کیلومتر از انواع راههای اصلی، فرعی، آزاد راه و بزرگراه آغاز خواهد گردید.

طی سال ۷۰ حجم بار و مسافر جابجا شده توسط راه آهن، به حدود ۱۴ میلیون تن بار و ۸ میلیون نفر مسافر بالغ خواهد گردید. که در زمینه حمل بار، ۷/۷ درصد و در مورد حمل مسافر ۱۴/۳ درصد نسبت به سال ۱۳۶۹ افزایش نشان می دهد. پیش بینی شده است که شرکت کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران در سال ۷۰نسبت به حمل ۱۱ میلیون کالا با حدود ۵۰۵ سفر از نقاط متخلف جهان به ورودیهای آبی کشور اقدام نمایند.

در سال ۱۳۷۰، مجموعاً حدود ۸ میلیون نفر در سطح داخلی و بین المللی و همچنین حدود ۹۱ هزار تن بار و حدود ۱۰ هزار تن محموله پستی توسط شرکت‌های هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران و شرکت آسمان حمل خواهد شد.

۱۴ — برق:

در سال ۱۳۷۰ حدود ۷۹۰ مگاوات ظرفیت نیروگاه‌های جدید با ظرفیت‌های موجود، اضافه خواهد شد. که شامل واحد دوم نیروگاه (زرگان) به ظرفیت ۱۴۵ مگاوات، دو واحد نیروگاه سیکل ترکیبی گیلان به ظرفیت ۲۳۴ مگاوات، چهار واحد گازی نیروگاه منتظرقائم به ظرفیت ۴۰۲ مگاوات و نیروگاههای آبی کوچک جمعاً به ظرفیت ۷ مگاوات است. بدین ترتیب مجموع ظرفیت نیروگاه‌های کشور در سال آینده به حدود ۱۵۰۰۰ مگاوات خواهد رسید.

در سال ۷۰، عملیات بازسازی واحد دوم نیروگاه بخاری شهید سلیمی (نکا) به ظرفیت ۴۴۰ مگاوات و واحد دوم نیروگاه رامین اهواز به ظرفیت ۳۱۵ مگاوات به اتمام رسید و

آماده بهره برداری خواهد شد.

در سال آینده، عملیات اجرایی حدود ۷۶۰کیلومتر مدار خطوط ۲۳۰ کیلو ولت و ۷۲۰ کیلومتر خطوط ۱۴۲ کیلو ولت به اتمام رسیده و آماده بهره برداری خواهد گردید.

پیش بینی می شود در سال ۷۰ به بیش از ۴۵۰ هزار مشترک جدید، انشعاب برق واگذار گردد که بدین ترتیب، تعداد کل مشترکین به ۱۰ میلیون خواهد رسید. همچنین پیش بینی شده است که به حدود ۲۰۰۰ روستای دیگر کشور، برق رسانی شود و مجموع کل روستاهای برق دار کشور به بیش از ۲۷۰۰۰ روستا برسد.

۱۵ — پست و مخابرات

براساس تبصره ۴۰ قانون برنامه اول، شرکت پست جمهوری اسلامی ایران با عقد حدود ۱۰۰۰ قرارداد آبونمان پستی با ادارات و سازمانهای دولتی، عملاً موجب حذف ۲۰۰۰ نامه‌رسان، غیرضروری و ۴۰۰ میلیون ریال صرفه جویی در هزینه های جاری دستگاه‌های دولتی شده است. علاوه بر این، در حال حاضر، تلاش شبکه پستی، منجر به ابلاغ نزدیک به ۵۰ سرویس و طرح پستی از قبیل تعویض شناسنامه، صدور دفترچه بسیج، قبول وجه ثبت نام کنکور سراسری شده است.

برنامه های اساسی این بخش در سال ۱۳۷۰به شرح زیر است:

بهره برداری از ۳۷۵ مرکز و نمایندگی پستی، ۲۰۰۰ صندوق پستی و ایجاد ۱۱۰ ایستگاه نامه رسانی و پست سیار، در سراسر کشور.

راه اندازی مرکز کنترل فرکانس علی آباد قزوین

نصب ۶۵۰ هزار شماره تلفن شهری و واگذاری ۵۵۰ هزار شماره تلفن شهری

نصب ۴۵۵۴ دستگاه تلفن همگانی شهری و ۸۷۳ دستگاه تلفن همگانی بین شهری

برقراری ارتباط مخابراتی در ۷۸۴۲ روستا در سطح کشور

افزایش ۲۲۰۰۰ کانال خودکار بین شهری و ۷۰۰ کانال بین الملل.

در خاتمه توضیحاتم، اطمینان دارم که بحث‌ها و بررسی‌هایی که برادران و خواهران نماینده به‌عمل می آورند، در جهت ارتقاء کیفی لایحه بودجه، که در واقع برنامه سال آتی دولت جمهوری اسلامی ایران است، بیش از پیش مفید و مؤثر خواهد افتاد.

امید است کلیه کمیسیون‌های محترم مجلس شورای اسلامی، نه تنها در فصل بودجه، بلکه طی سال، با برخورد دلیل و با رسیدگی به مسائل و برنامه های بخش‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی، با همکاری دستگاه‌های ذیربط، زمینه لازم را برای هرچه غنی‌تر کردن فرهنگ برنامه رزی در جامعه فراهم آورند.

انتصاب مسئولان رسیدگی به اموال مجهول‌المالک

بسم‌اللّه‌الرّحمن‌الرّحیم

حضرات حجتی‌الاسلام والمسلمین آقایان مهدی کروبی و شیخ حسن صانعی(دامت افاضاتهم)

برای سامان بخشیدن و رسیدگی بیش‌ازپیش به اموال مجهول‌المالک و کلیه‌ی اموال موضوع حکم مورخ ۶۸/۰۲/۶ حضرت امام خمینی(رضوان‌اللّه‌تعالی‌علیه) لازم است تشکیلاتی زیر نظر شما آقایان متشکل از هفت نفر - به شرحی که خواهد آمد - با وظایف مشخص به عنوان هیأت امنا تشکیل گردد و آنان با معرفی ستاد اجرایی و مسؤول آن و پس از تأیید شما، بر برنامه‌ریزی و حسن اجرای استفاده از اموال مذکور اشراف بیابند. هیأت هفت‌نفره مذکور متشکل است از دو نفر با معرفی شما آقایان و یک نفر به معرفی رییس قوّه قضاییه و دادستان انقلاب اسلامی تهران و حاکم شرع مخصوص این امر (حجةالاسلام نیری به عنوان حاکم شرع موضوع حکم مورخ ۶۸/۲/۶ حضرت امام «قدّس‌سرّه») به اضافه‌ی دونفر که از طرف این‌جانب تعیین خواهند شد. هیأت امنا جهت حسن جریان امور، آیین‌نامه‌یی تهیه و پس از تأیید شما آقایان، برای این‌جانب ارسال می‌دارند، تا تصویب شود.
توفیقات و تأییدات شما را از خداوند متعال خواستارم.

سیّد علی خامنه‌ای - ۱۳۶۹/۰۱/۲۷

انتصاب حجت‌الاسلام اژه‌ای به نمایندگی رهبری

در ارتباط با انجمن اسلامی دانشجویان اروپا

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

جناب حجت‌الاسلام اژه‌ای دامت توفیقاته

دانشجویان عزیز ما در خارج از کشور در شمار امیدهای آینده و بخشی از خیل عظیم جوانانی هستند که خود را برای عهده‌دار شدن مسؤولیت بزرگ و سازندگی انقلابی و اسلامی کشور آماده می‌کنند.

بدیهی است که نیاز این فرزندان ملت به تأمین خلا معنوی و فکری،ایجاب می‌کند که رابطه با آنان به طور مستحکم و منظم برقرار باشد.لذا در پی درخواست انجمنهای اسلامی دانشجویان ایرانی در اروپا جناب عالی را به عنوان نماینده‌ی خود برای رابطه با آن انجمنها و کلیه‌ی دانشجویان ایرانی کشورهای اروپایی منصوب می‌کنم.انتظار آن است که با رابطه‌ی مستمر با آنان به گونه‌های مختلف و ارایه‌ی گزارش به این‌جانب به اوضاع معنوی وفکری آن برادران و خواهران سرو سامان دهید.

توفیقات شما را از خداوند متعال خواستارم.

سیدعلی خامنه‌ای

نامه به آقای عطاءالله مهاجرانی درباره مقاله «مذاکره مستقیم»

بسمه تعالی

برادر گرامی، آقای عطاءالله مهاجرانی

شنیدم بعضی‌ها از حرف‌های امروز من، قصد طعن و توهینی نسبت به جناب‌عالی استنباط کرده‌اند و شاید بعضی خواسته‌اند یا بخواهند آن را مستمسکی برای اهانت به شما بسازند.

اعلام می‌کنم که این استنباط غلط است. من یک فکر را تخطئه کرده‌ام و نیت توهین به کسی نداشته‌ام و اگر بدون اراده من به شما توهین شده است، از شما عذر می‌خواهم. من شما را ده سال است به صدق و صفا و طهارت می‌شناسم و مطمئنم جز دلسوزی و خیرخواهی، نظری نداشته‌اید.

شما همچنان برادر خوب من هستید و حداکثر آن است که به توصیه شما در مقاله «مذاکره مستقیم»[1] عمل نخواهیم کرد.

والسّلام علیکم - سیّدعلی خامنه‌ای - ۱۳۶۹/۰۲/۱۲

---

۱ - این مقاله، در شماره‌ی ۱۹۰۲۷ (۱۳۶۹/۰۲/۶) روزنامه‌ی اطلاعات درج گردیده است. آقای مهاجرانی در این یادداشت، خواستار مذاکره‌ی مستقیم بین ایران و امریکا شده بود.

حکم به آقای هاشمی شاهرودی در ارتباط با تشکیل موسسه دائرهٔ المعارف فقه اسلامی

بسم‌اللّه‌الرّحمن‌الرّحیم

جناب مستطاب حجت‌الاسلام والمسلمین، عالم محقق بزرگوار، آقای حاج سیّد محمود هاشمی(دامت‌تأییداته)

بر اهل تحقیق روشن است که ذخیره‌ی ارزشمند فقه اسلام بنا بر مکتب اهل‌بیت (علیهم‌السّلام)، یکی از پُربارترین و گران‌مایه‌ترین مواریث فرهنگ و تمدن اسلامی است و صدها اثر علمی و فنی که هریک در جایگاه برجسته‌یی قرار دارند، به جهان اسلام و بشریت تقدیم کرده و کتبخانه‌ی معارف اسلامی را غنا و ارج بخشیده است. سلف صالح ما، با مجاهدتهای کم‌نظیر و با عسرت و کمبود امکانات، هریک بر این میراث ارجمند چیزی افزوده و کتابی یا کتابهایی فراهم آورده‌اند. با این حال، امروز که دنیای اسلام، بلکه همه‌ی مراکز و حوزه‌های علمی جهان، مشتاق آشنایی با همه‌ی مسایل و معارف و زوایای فقه مکتب اهل‌بیت (علیهم‌السّلام) اند، مجموعه‌یی که حاکی از همه‌ی ابواب و انظار و مؤلفات این عرصه‌ی وسیع باشد، در دست نیست. لذا این‌جانب که مدتهاست در آرزوی تهیه‌ی دائرةالمعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل‌بیت(علیهم‌السّلام) می‌باشم، جناب‌عالی را که چهره‌ی درخشانی در علم و عمل بوده و بحمداللّه از مقام والایی در فقه و علوم مرتبط به آن برخوردارید، برای انجام این اقدام بزرگ، شایسته دانسته، مسؤولیت ایجاد و اداره‌ی مؤسسه‌یی برای تهیه‌ی این دائرةالمعارف را به جناب‌عالی محول می‌کنم، تا با همکاری علمای بزرگوار و فضلای ممتاز حوزه‌های علمیه، این خدمت ماندگار را در زمانی مناسب برای جهان اسلام به انجام رسانید. توفیق جناب‌عالی را از خداوند متعال مسئلت می‌کنم.

علی حسینی خامنه‌ای - ۱۳۶۹/۱۱/۰۲

انتصاب دکتر ایرج فاضل به عضویت در شورای عالی انقلاب فرهنگی

بسمه تعالی

جناب آقای دکتر ایرج فاضل

با توجه به خدمات شایسته و مقام علمی و فرهنگی برجستهٔ جنابعالی و بنا به پیشنهاد رییس‌جمهور محترم و رییس شورای‌عالی انقلاب فرهنگی شما را به عضویت آن شورا منصوب می‌کنم.

امید است همواره در خدمت به انقلاب اسلامی و تلاش در راه‌اعتلای دانش و معرفت و تحقیق، مشمول توفیقات الهی باشید.

سیدعلی خامنه‌ای
۱۳۶۹/۱۱/۱۰

تأکید بر اجرای حکم تاریخی امام خمینی(ره)
درباره نویسنده کتاب موهن «آیات شیطانی»

بسمه تعالی

با توجه به اخبار مربوط به تبری جستن سلمان رشدی مرتد از اهانت‌هایی که به پیامبر عظیم‌الشأن اسلام صلی الله علیه و آله و دیگر مقدسات اسلامی، در کتاب موهن آیات شیطانی شده است، دفتر مقام معظم رهبری در پاسخ به سؤالاتی که ازسوی مسلمانان در این زمینه بعمل آمده است، اعلام داشت که: حضرت آیةالله خامنه ای مدظله العالی رهبر معظم انقلاب اسلامی فرمودند: حکم تاریخی و تغییرناپذیر حضرت امام رضوان الله تعالی علیه درمورد نویسنده کتاب کفرآمیز آیات شیطانی و تعهد مسلمانان در سراسر جهان به اجرای این حکم اسلامی، نخستین ثمرات خود را در صحنه رویارویی اسلام با کفر جهانی نشان می دهد و استکبار غرب که حمله به مقدسات یک میلیارد مسلمان جهان را مقدمه ای برای تحقیر مسلمین و ازبین بردن انگیزه های خیزش اسلامی در جهان قرارداده بود، بصورت مفتضحانه و گام به گام مجبور به عقب نشینی شده و انشاءالله با ادامه ی مقاومت مسلمانان جهان از این پس کسی جرأت اهانت به پیامبر معظم (ص) و مقدسات اسلامی را نخواهدیافت.

حکم اسلام درمورد نویسنده کتاب آیات شیطانی همانگونه که حضرت امام رضوان الله تعالی فرمودند: «اگر توبه کند و زاهد زمان هم گردد» ثابت است و چنین تشبثاتی که با همیاری بعضی افراد به ظاهرمسلمان صورت می گیرد، تغییری در این حکم الهی نخواهدداد.

نامه تشکر از آقای دکتر ولایتی

حضرت آیت الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در آستانه سفر وزیر امورخارجه کشورمان به عراق، طی نامه ای خطاب به آقای دکتر ولایتی، از تلاش‌های ایشان و دیگر مسئولان وزارت امور خارجه در پیشرفت روند صلح با کشور عراق و همچنین نقش عالی وتعیین کننده آقای هاشمی رفسنجانی رییس‌جمهور صمیمانه تقدیر و تشکر کردند. متن نامه رهبر معظم انقلاب اسلامی به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب آقای دکتر ولایتی وزیر محترم امور خارجه دامت تأییداته

اکنون که جنابعالی پس از توفیق در تلاش‌های فشرده و مجاهدت آمیز در مورد پیشرفت روند صلح با کشور عراق و حفظ حقوق حقه ی ملت ایران عازم آن کشور می‌باشید، لازم میدانم حق شناسی و قدردانی خود را نسبت به یکایک برادران ارجمندی که در وزارت خارجه با تلاش و ابتکار و اخلاص هوشمندانه خود، در یکی از مقاطع حساس و خطیر تاریخ ایران، به ملت و کشور خود، خدمتی ماندگان و بزرگ کردند و دِین خود را به اسلام و انقلاب ادا نمودند، ابراز نمایم؛ و از همه آنان و از جنابعالی که با مدیریتی توان‌فرسا آن تلاش‌ها را هدایت نموده اید، تشکر کنم. امید است این ادای وظیفه مقبول درگاه حضرت احدیت و موجب پاداش الهی باشد.

در پایان از نقش عالی و تعیین کننده جناب رییس جمهور محترم و مدبر کشورمان که بی‌شک به تأییدات الهی مستظهر بوده‌اند، صمیمانه تشکر و تقدیر می‌نمایم و امیدوارم وجود بابرکت ایشان مشمول لطف حق و دعای حضرت ولی عصر عجل الله فرجه الشریف بوده باشد.

والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته

سید علی خامنه ای

جمهوری اسلامی ایران

بانک مرکزی ایران

بسمه تعالی

رئیس کل

حضرت حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای هاشمی رفسنجانی

ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

احتراماً " پیرو جلسه مورخ ۶۹/۴/۱۷ و نامه شماره ۱۳۶۸/هـ مورخ ۶۹/۴/۳۱ که در خصوص اقدامات انجام شده در مورد مجتمع اداری بانک مرکزی و خزانه جواهرات ملی گزارش لازم تقدیم گردید، نظر باینکه شروع اقدام و عملیات ساختمانی در زمین مورد نظر در منطقه زمینهای عباس آباد منوط به بررسی حضرتعالی و کسب نظر مقام معظم رهبری گردید خواهشمند است چنانچه بررسی لازم انجام و نظر معظم له اخذ گردید، مراتب را امر به ابلاغ فرمائید./ ز

سید محمد حسین عادلی

با مذاکره با مقام معظم رهبری و شورای شهرداری [illegible] با ارگان‌های مربوطه [illegible] برای عمران منطقه [illegible] با مسئولان [illegible] اقدام نمایند

۶۹-۵-۸

تقاضای رییس بانک مرکزی و پاسخ رییس جمهور در خصوص زمین های عباس آباد

شماره ....
تاریخ ~~۱۳۶۹/۱/۶~~
پیوست ....

بسمه تعالی

حضورریاست‌محترم جمهوری جناب حجت الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی دامت توفیقاته

سلام علیکم

احتراما " از آنجا که حضرتعالی و دولت خدمتگزار شما سیاست خدمت به محرومین را در راس برنامه های خویش قرارداده اید طبـق اطلاع واصل اخیرا" حضرتعالی عنایتی نمود و به یکی از شهرستانهای استان مبلغی رابعنوان محرومیت زدائی عنایت نموده اید و این مسئله باعث‌بروز مسائلی‌دراستان شده است خواهشمند است دستورفرمائید از تبصره ۶ حداقل مبلغ دویست میلیون ریال برای حل پاره ای از مشکلات اضطراری درشهرستان اردل و لردگان اختصاص یابد قبلا " از الطاف شما نسبت به استان چهار محال و بختیاری تشکر و قدردانی‌میشود ./

داود توحیدی (بیژنی)
نماینده‌مردم لردگـــــــــان

علی یوسف پور
نماینده‌مردم اردل و فارسان و کیار

وزارت کشور
دکتر [illegible] ریال از محل [illegible] ۶۹

تقاضای نمایندگان مناطق محروم اردل و لردگان در خصوص مشکلات منطقه

جمهوری اسلامی ایران

ریاست جمهوری

تاریخ ______

شماره ______

پیوست شماره ۱

بسمه تعالی

[illegible]

گرامی حضرت حجةالاسلام‌والمسلمین جناب آقای هاشمی‌رفسنجانی

ریاست محترم جمهوری

پیشنهاد میگردد که بمنظور سازمان دادن سریع و برخورد همه جانبه با امر بازسازی مناطق [illegible] که در هر استانی تشکیلاتی با مشخصات لازم طراحی و بکار گرفته شود که برخی از اهم [illegible]های آن به قرار زیر می‌باشند:

انجام مطالعات واجرای برنامه‌های عمران و توسعه اقتصادی ـ اجتماعی مناطق زلزله‌زده و دچارحوادث غیرمترقبه شده و توسعه نیافته استان.

حمایت و پشتیبانی و جذب و هدایت کمک‌های دولتی و مردمی در مناطق زلزله‌زده ودچار حوادث غیرمترقبه شده ویا محروم استان ...

سرمایه‌گذاری ، مشارکت و یا اجرای پروژه‌های اقتصادی ـ اجتماعی از محل اعتبارات دولتی دراختیارو یا منابع بانکی و یا مشارکت‌های مردمی در مناطق محروم وتوسعه‌نیافته‌و باخسارت‌دیده ناشی از حوادث غیرمترقبه طبیعی.

تاریخ ۶۹/۹/۱
شماره ۷۷۴۴

دستور رییس جمهور به وزیر کشور در مورد بازسازی مناطق زلزله زده

جمهوری اسلامی ایران
ریاست جمهوری

تاریخ ________
شماره ________
پیوست شماره ۱۰

بسمه تعالی

برادر گرامی حضرت حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای هاشمی رفسنجانی
ریاست محترم جمهور

باسلام

احتراما" به استحضار میرساند در مناطق زلزله زده شمال و شمال غرب، تعدادی از اهالی تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (قدس سره) میباشند که قادر به ساخت واحدهای مسکونی خود نمیباشند.

خواهشمند است دستور فرمائید تا سقف مبلغ مورد نیاز، ساخت محل اسکان آنها که بوسیله استانداران محترم تعیین خواهد شد از محل کمک های مردمی و یا هر محلی که نظر جنابعالی باشد، پرداخت شود./ب

میر حسین موسوی
مشاور سیاسی

۶۹/۸/۲۹

نامه مشاور سیاسی رییس جمهور در خصوص مناطق زلزله زده

بسمه تعالی

محضر مبارک حضرت حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای هاشمی رفسنجانی دام عزه العالی

با اهداء سلام و تحیات به پیوست مذاکره حضوری که در جلسه روز دوشنبه ۶۹/۵/۲۹ در مورد اعزام ۲ نفر از فضلای حوزه علمیه و اعضاء گروه فلسفه بنیاد باقرالعلوم (ع) جهت شرکت در کنفرانس تحقیقات فلسفه و علوم اسلامی به کانادا و امریکا (نیویورک). برابر برآورد تقدیم شده مبلغ ۱۵ هزار دلار هزینه اقامت سه هفته‌ای افراد و شرکت آنها در دوره آموزشی به مدت ۲۱ روز (به شرح مذکور در برآورد) مورد نیاز است. مستدعی است هر طور که صلاح می‌دانید دستور تامین و پرداخت آن را به حساب جنابعالی از خزانه صادر فرمایید

(یادآوری می‌شود که قسمتی از مبلغ فوق از طریق ... از سوی مقام معظم رهبری تامین می‌گردد)

با تشکر و احترام
از طرف
محمدتقی مصباح یزدی

[illegible]

آیت الله مصباح یزدی در خصوص تامین هزینه شرکت در کنفرانس تحقیقات فلسفه و علوم اسلامی در نیویورک

جمهوری اسلامی ایران

رئیس جمهور

" بسم الله الرحمن الرحیم . "

- حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای مهدی کروبی
- جناب آقای مهندس میرحسین موسوی
- جناب آقای دکتر حسن حبیبی
- حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای خاتمی
- جناب آقای محسن رضائی
- جناب آقای دکتر علی اکبر ولایتی
- جناب آقای علیرضا محجوبی

نظر به اهمیت امر تحقیقات در آینده نظام مقدس جمهوری اسلامی ونقش بسزایی که مراکز تحقیقاتی وخصوصا " مرکز تحقیقات استراتژیک در این راستا می توانند داشته باشند وبا عنایت به اساسنامه مصوب این مرکز به پیشنهاد ریاست محترم مرکز تحقیقات استراتژیک بدینوسیله جنابعالی به عضویت شورای تحقیقات مرکز تحقیقات استراتژیک منصوب می گردید .

امید است با اهتمام وتلاشی که شما وسایر همکاران در این مرکز نوپا بکار خواهید بست شاهد پیشبرد اهداف مقدس نظام جمهوری اسلامی باشیم .

از خداوند متعال توفیق جنابعالی را خواستارم .

اکبر هاشمی رفسنجانی
رئیس جمهور

حکم انتصاب اعضای شورای تحقیقات مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری

۶۹/۸/۲۳ - ۱۷۸۵

بسمه‌تعالی

گــردش کار

موضوع : تخلیه واگنهای گندم ارسالی از مرز جلفا

الف : وزارت راه وترابری طی فاکس ۹۷۲۳/۱۱ - ۱۴ - ۶۹/۶/۱۴ به وزارت بازرگانی اعلام داشته حدود ۹۰۰ دستگاه واگن روسی حامل گندم ازطریق مرز جلفا به کشور وارد شده که ۴۰۰ دستگاه در پشت جلفا متوقف می‌باشند و به‌علت عدم تخلیه به موقع واگنهای روسی حامل گندم در مرز جلفا تعداد آنها به ۲۵۰۰ دستگاه رسیده که شدیداً " مورد اعتراض راه آهن شوروی قرار گرفته است .

ب : وزارت بازرگانی طی نامه‌ی ۳۵۹۰۸ - ۳۰ - ۶۹/۷/۳۰ در پاسخ اعلام می‌دارد در مورخه ۶۹/۷/۲ ، واگن موجود در خاک شوروی ۴۰۰ دستگاه ، واگن موجود درپشت جلفا ۸۰۰ دستگاه ، واگن موجود در طول خطوط و سیلو ۴۱۱ دستگاه جمعاً " ۱۶۱۱ دستگاه می‌باشد که چنانچه توان کشش راه‌آهن تقویت شود ترافیک واگنها ظرف چندروز آتی برطرف خواهد شد .

ج : اینک مجدداً " وزارت بازرگانی به وزارت راه وترابری چنین‌اعلام کرده است :
چنانچه‌واگن وسیله راه‌آهن بموقع برای تخلیه به‌سیلوها واگذار شدو سازمان غله‌در مقاصد تبریز ، تاکستان ، اهواز ، ازنا ، تهران ، کرج ، نکا ، آمادگی تخلیه روزانه ۱۱۰ واگن را داردو بدین‌ترتیب‌مشکل اصلی‌نیروی کشش راه‌آهن می‌باشد نه تخلیه واگنها، و بعلاوه می‌توان مقاصد ، سمنان ، مشهد ،گرگان را نیز به توان تخلیه اضافه نمود . ضمناً " خطوط راه‌آهن فرعی سیلوهای قم و اصفهان دراین‌ماه کامل خواهدشد و ضرورت دارد راه‌آهن دولتی تمهیدات لازم را درمورد بالابردن توان کشش خود بکار بگیرد ./ه

[handwritten annotations and stamp: ۶۹/۸/۲۴ — ۷۵۴۸]

دستور رییس جمهور به بازرسی ویژه برای رسیدگی به مشکل تخلیه گندم وارداتی در مرز جلفا

شماره ۲۶۷/ د
تاریخ ۶۹/۴/۲۴
پیوست ...

جمهوری اسلامی ایران

[redacted]

ریاست جمهوری

بسمه تعالی

رئیس جمهور محترم ومعظم

برادر بزرگوار حضرت حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای هاشمی رفسنجانی

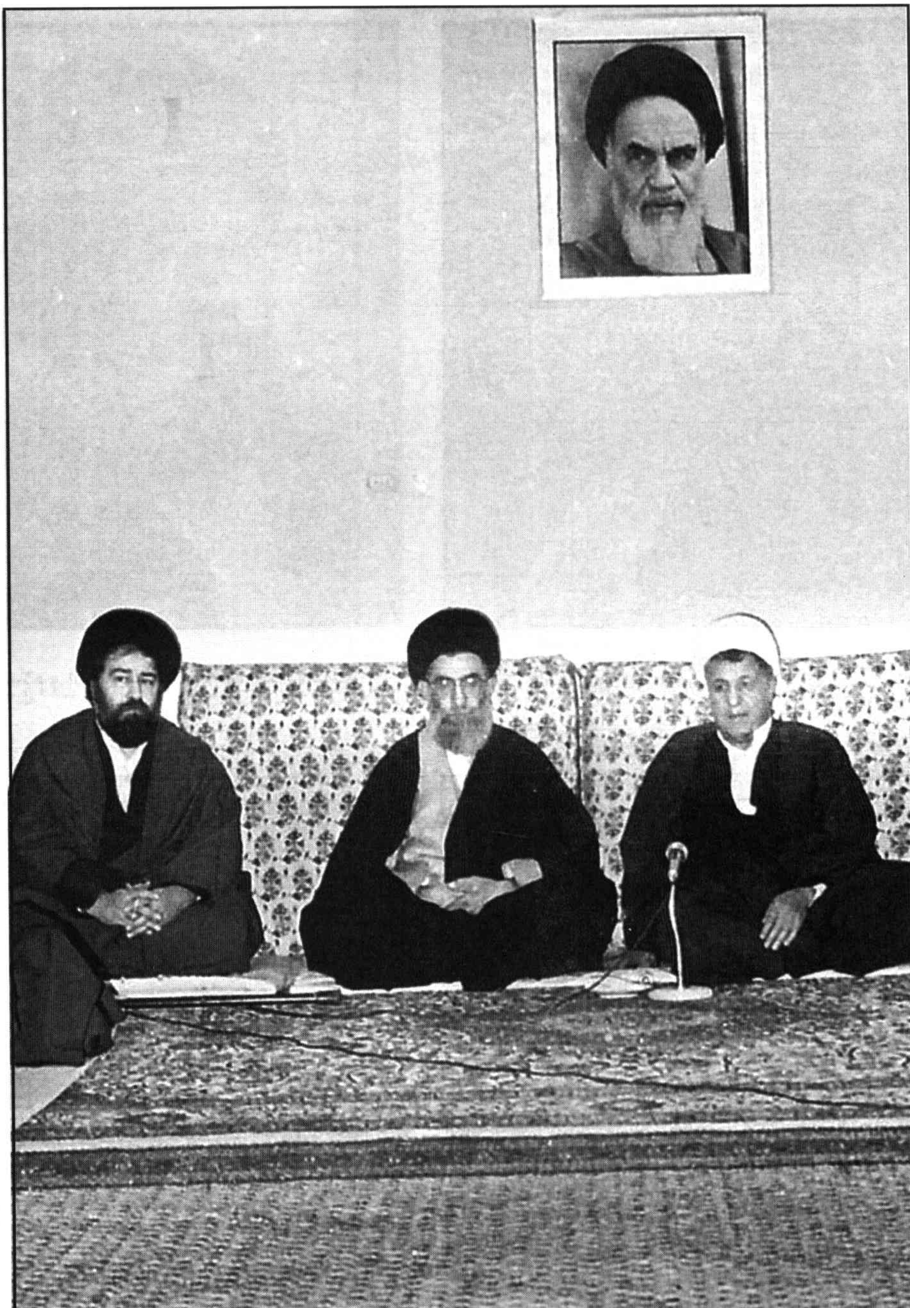
با اهداء سلام

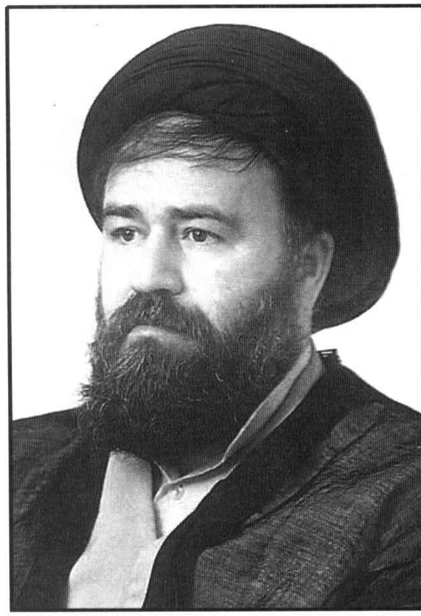
با توجه به مشکلات ومعضلات آزادگان عزیز، قهرمانان مقاومت وایثار و خواسته‌های بحق این قشر عزیز که مدت زیادی درمحرومیت و مظلومیت بسر برده‌اند و اینکه با شروع فعالیت ستاد براساس قانون مصوب مجلس شورای اسلامی وحجم امورات آن عزیزان و پیش بینی های مقدماتی بنظرمیرسدکه بودجه موجود تکاپوی رسیدگی به امورات آنها را نمیکند وبنابراین سعی می گردد از همکاری بعضی ازنهادها و دستگاهها استفاده گردد بلکه بخشی از گرفتاریهای عزیزان آزاده وخانواده آنها برطرف شود. .ودراین رابطه با توجه به هماهنگی عمل آمده، ازآن مقام معظم خواهشمنداست دستورفرمایید دادسرای انقلاب اسلامی واحدمواد مخدر ومنکرات تهران ازمحل جرائم مبلغ یکصد میلیون تومان وتعداد ۳۰ دستگاه اتومبیل وبعضی موارد خاص موردنیاز بتدریج جهت مصارف امورآزادگان به ستادرسیدگی به امورآزادگان پرداخت و تحویل نمایند. ./

جزا درکوچک شما
عباسعلی وکیلی
مسئول ستاد رسیدگی به امورآزادگان

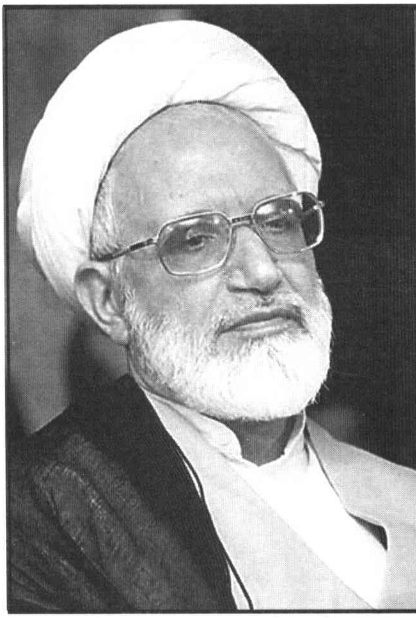
نامه ستاد رسیدگی به امور آزادگان و دستور رییس جمهور

تصاویر

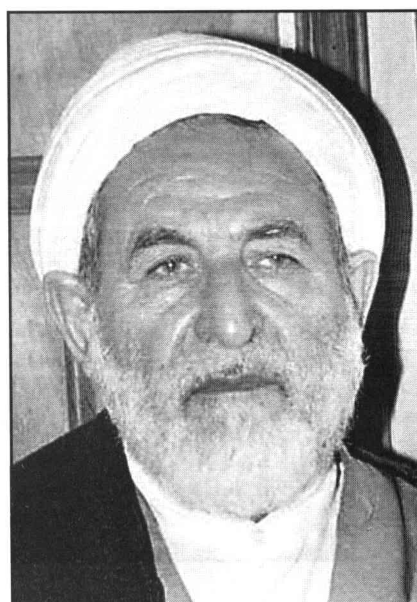




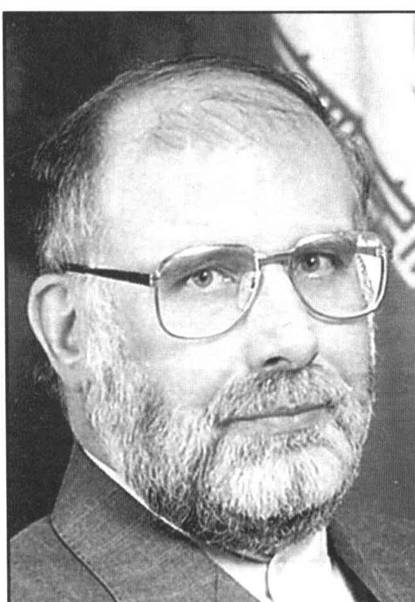
حجت الاسلام و المسلمین حاج سید احمد خمینی
یادگار امام



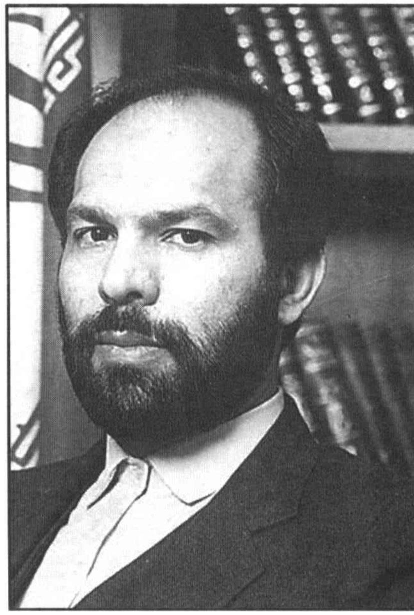
حجت الاسلام و المسلمین مهدی کروبی
رییس مجلس شورای اسلامی



آیت الله محمد یزدی
رییس قوه قضائیه



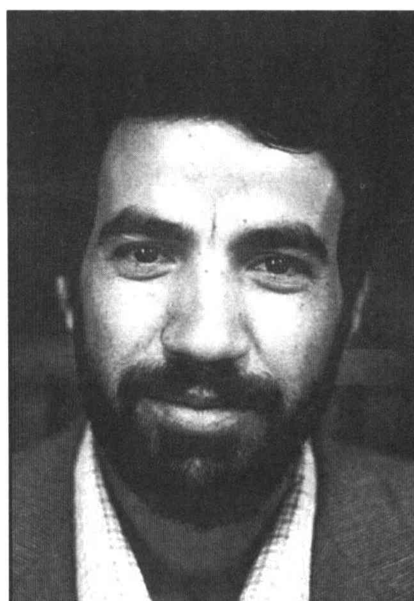
حسن حبیبی
معاون اول رییس جمهور



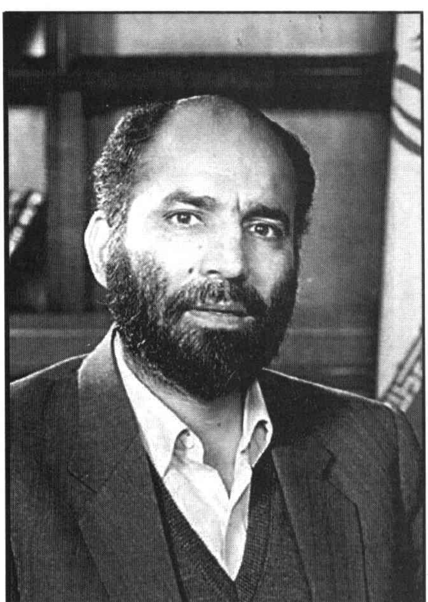
حمید میرزاده
معاون اجرایی رییس جمهور



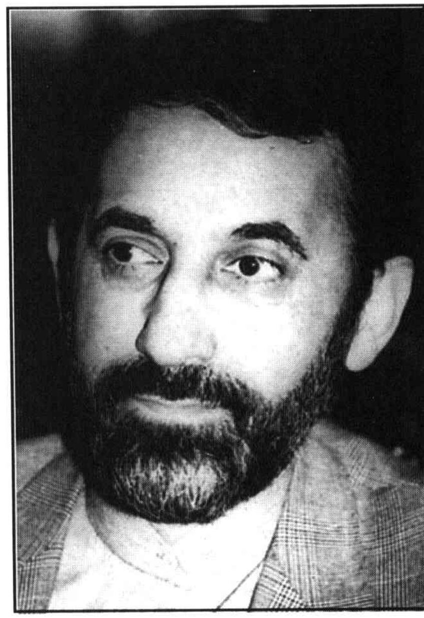
مسعود روغنی زنجانی
معاون رییس جمهور و رییس سازمان برنامه و بودجه



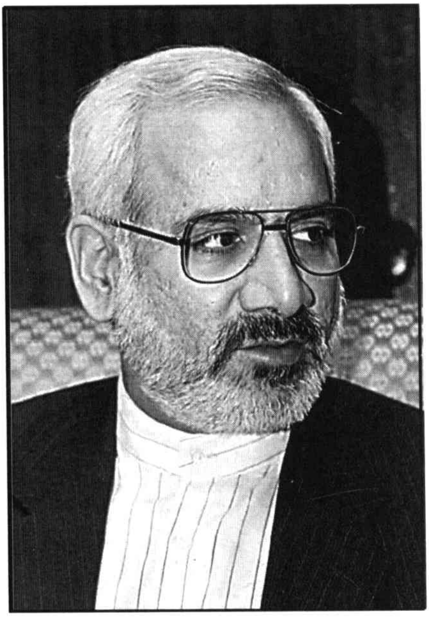
عطاالله مهاجرانی
معاون حقوقی و پارلمانی‌رییس جمهور



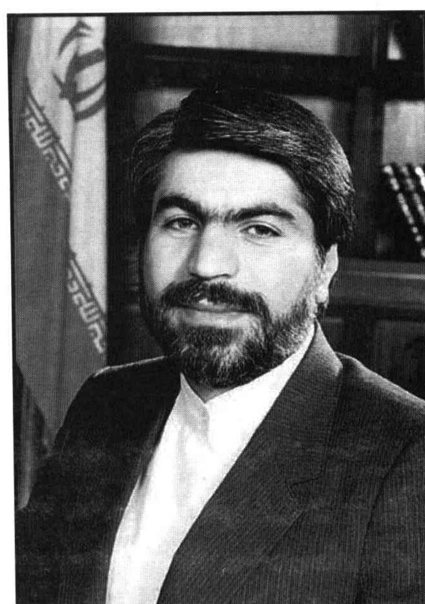
رضا امراللهی
معاون رییس جمهور و رییس سازمان انرژی اتمی



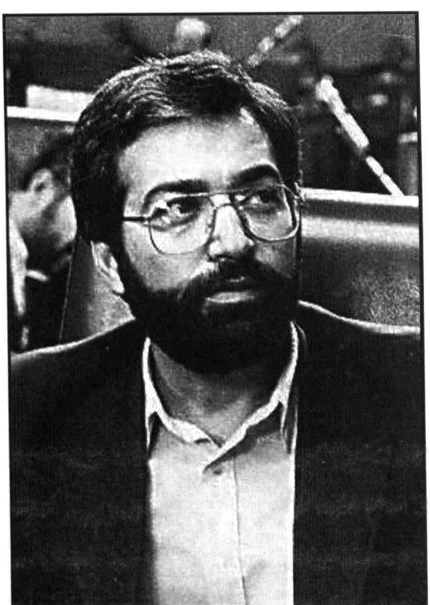
علی اکبر ولایتی
وزیر امور خارجه



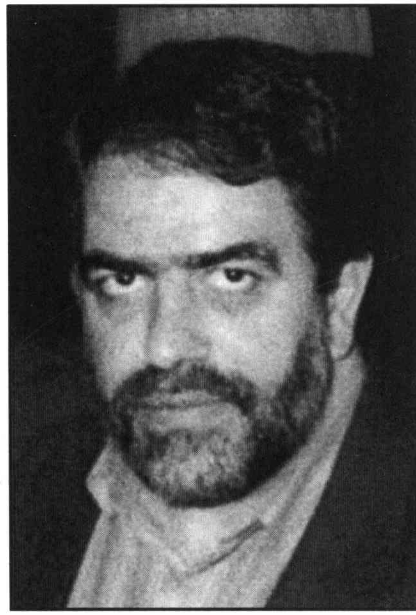
غلامرضا آقازاده
وزیر نفت



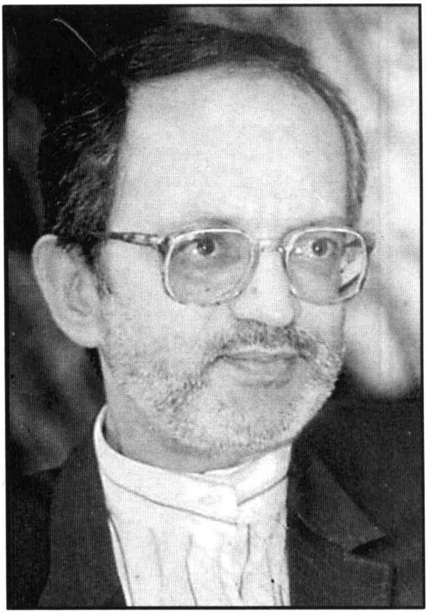
محمد حسین عادلی
رییس بانک مرکزی



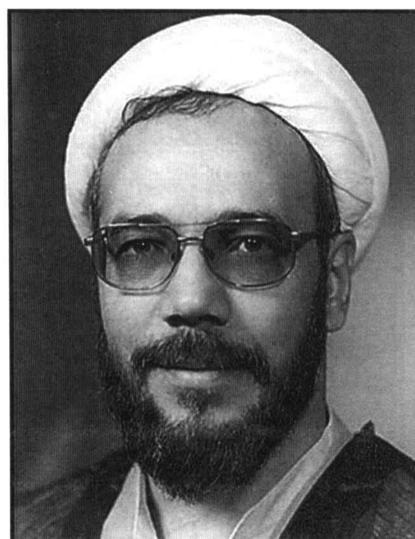
محسن نوربخش
وزیر امور اقتصادی و دارایی



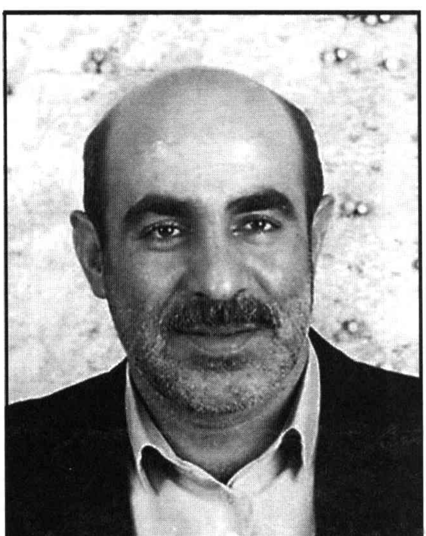
اکبر ترکان
وزیر دفاع و پشتیبانی نیرو های مسلح



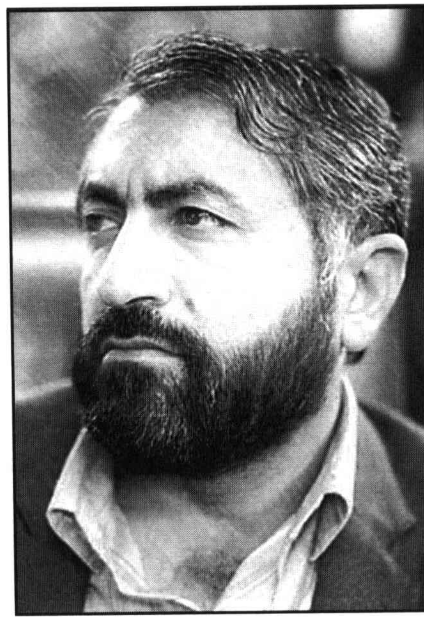
حسین محلوجی
وزیر معادن و فلزات



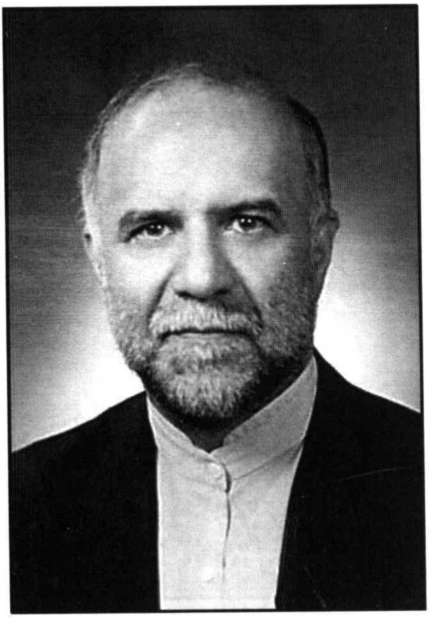
حجت الاسلام و المسلمین محمد اسماعیل شوشتری
وزیر دادگستری



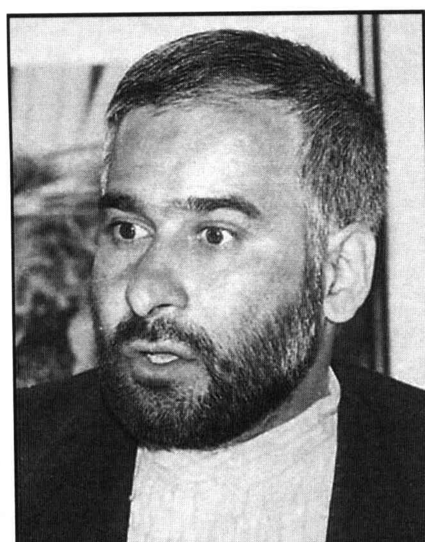
حسین کمالی
وزیر کار و امور اجتماعی



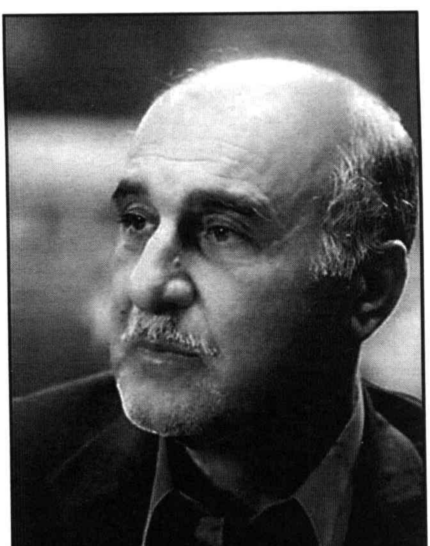
محمد غرضی
وزیر پست و تلگراف و تلفن



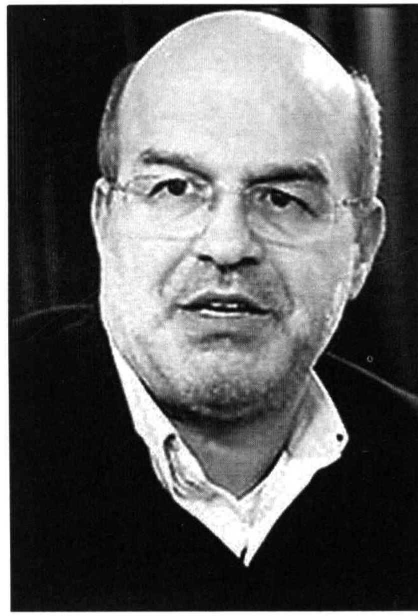
بیژن نامدار زنگنه
وزیر نیرو



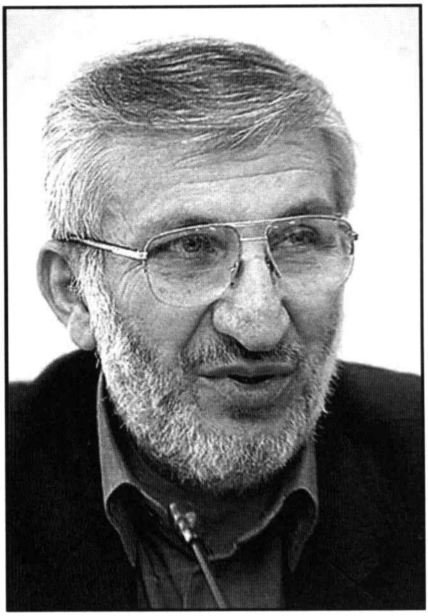
غلامرضا فروزش
وزیر جهاد سازندگی



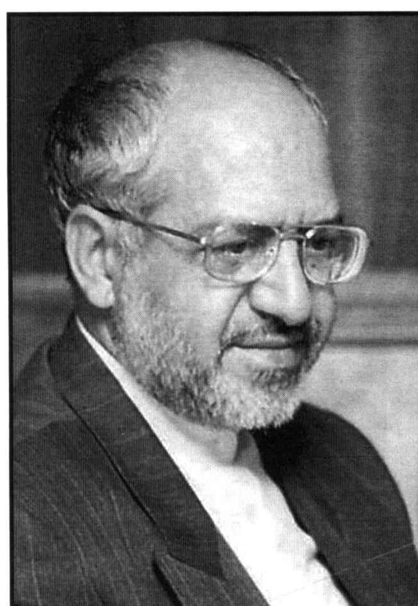
ایرج فاضل
وزیر بهداشت درمان و آموزش پزشکی



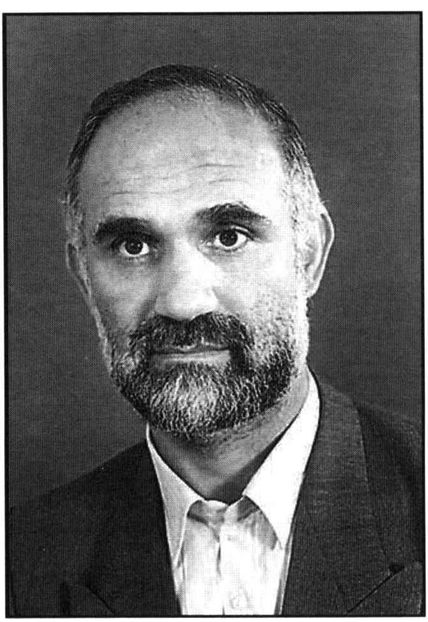
عیسی کلانتری
وزیر کشاورزی



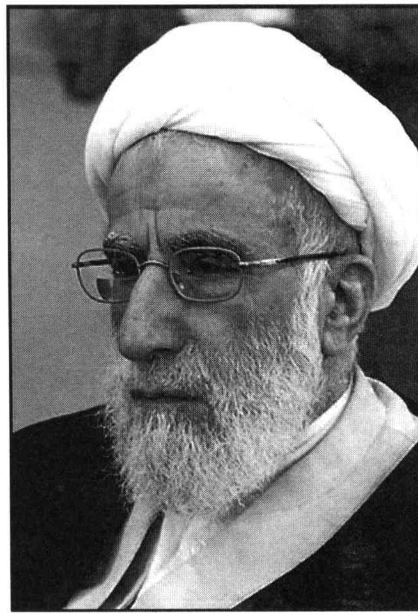
محمد سعیدی کیا
وزیر راه و ترابری



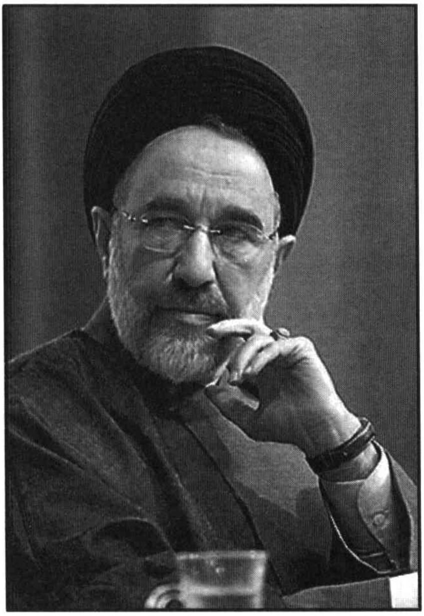
محمدرضا نعمت زاده
وزیر صنایع



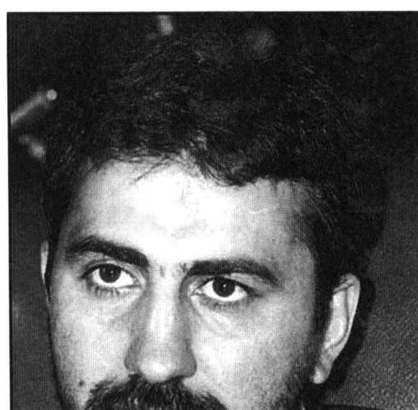
مصطفی معین
وزیر فرهنگ و آموزش عالی



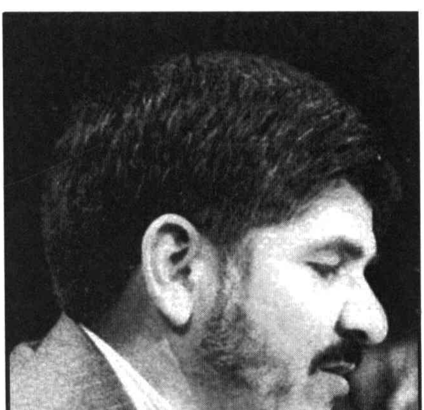
آیت الله احمد جنتی
رییس سازمان تبلیغات اسلامی



حجت الاسلام و المسلمین سید محمد خاتمی
وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی



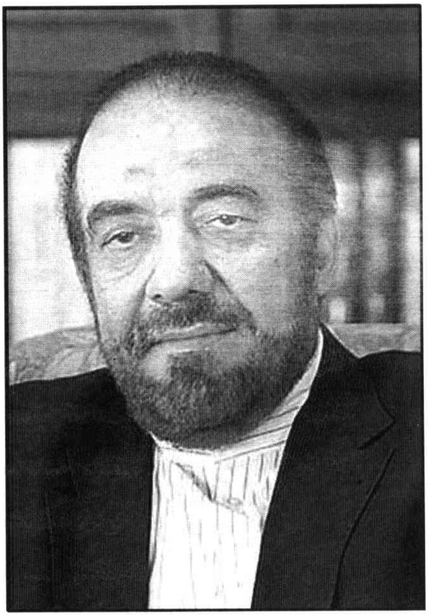
محمد علی نجفی
وزیر آموزش و پرورش



محمد هاشمی
رییس سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی



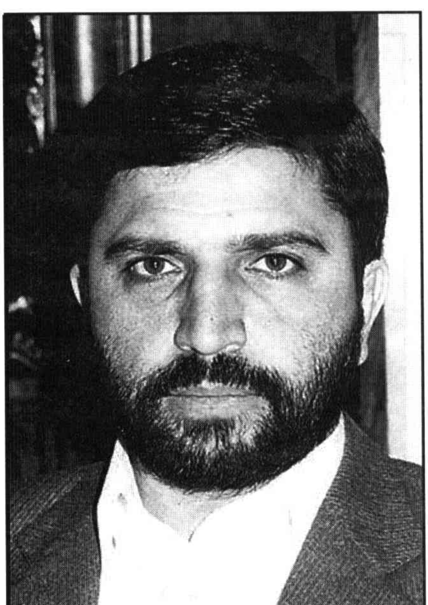
علیرضا معیری
مشاور امور بین الملل رییس جمهور



علی محمد بشارتی
قائم مقام وزیر امور خارجه



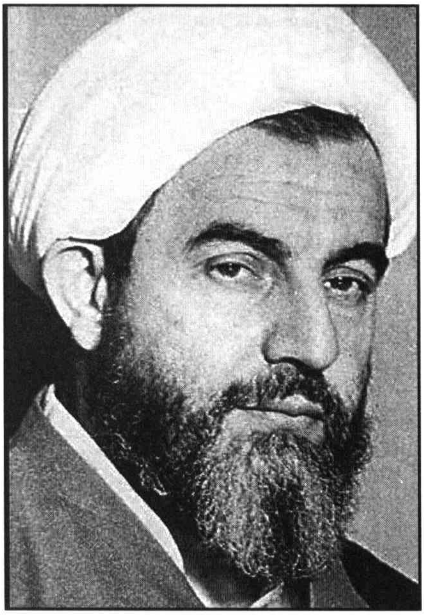
محسن هاشمی
رییس دفتر بازرسی ویژه رییس جمهور



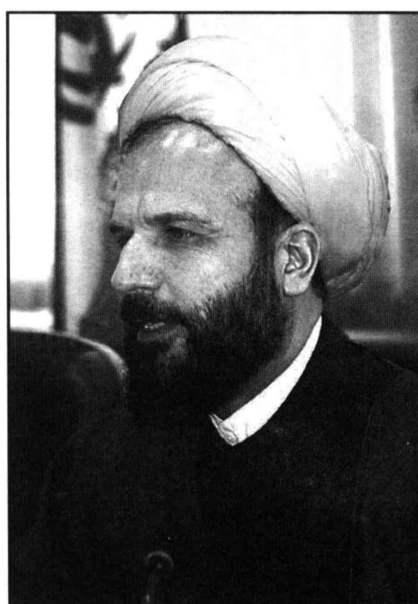
عبدالله جاسبی
رییس دانشگاه آزاد اسلامی



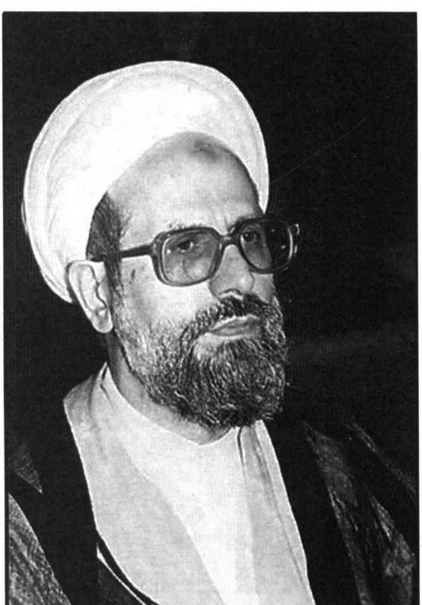
حجت الاسلام و المسلمین حسن روحانی
دبیر شورای عالی امنیت ملی



آیت الله محمدی گیلانی
دبیر شورای نگهبان



حجت الاسلام و المسلمین محمود محمدی عراقی
نماینده ولی فقیه در سپاه پاسداران



حجت الاسلام و المسلمین محمد محمدی ری شهری
دادستان کل کشور

نمایه

در سایه راهنمایی قرآن، به این نتیجه رسیدم که بعد از عقاید صحیح، محور رفتار درست انسان‌ها، «اعتدال» است؛ همه ادیان آسمانی نیز جامعه را معتدل و دور از افراط و تفریط خواسته‌اند. ده‌ها آیه قرآن، شاهد این ادعاست. از همان سال‌های جوانی که با قرآن انس پیدا کردم، متوجه این مهم شده بودم؛ اما در دوران زندان، با دقتِ بیشتر و همه جانبه در قرآن، این برداشت در مغزم و وجودم ثبت شد. قرآن خواستار اعتدال در همه شئون زندگی، آفرینش، انسان، عقاید، احکام، معاشرت، تبلیغ، مصرف، انفاق، سیاست و قضاوت است. اسلام همه ابعاد و ارکان جامعه را معتدل می‌خواهد. انبیاء را معلم اعتدال و آنها را انسان‌هایی معتدل معرفی می‌کند. توفیقات نظام اجرایی کشور از جمله در سال ۱۳۶۹ که خاطرات و کارنامه آن سال اکنون پیش روی شماست، قطعاً ریشه در اعتدال دارد؛ اگر ضعف و یا شکستی هم دیده می‌شود، معلول خروج از اعتدال و بیرون رفتن از محور «خَیرالامور اوسطها» است. پیروزی در جنگ تحمیلی و امکان سازندگی که سرفصل این خاطرات است و نصرت الهی برای امت و ملت عزیزمان و شکست و مذلت متجاوزان هشت سال دفاع مقدس را با این محور تعریف می‌کنم و امیدوارم الگوی قابل توجهی برای جامعه و مدیران کشور باشد.

ISBN:978-964-7193-33-7
9789647193337
دفتر
نشر معارف انقلاب